

نامه ها و پیام های

امام خمینی (ره)

جلد اول

بسم الله الرحمن الرحیم

نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی قدس‌سره

جلد اول

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ ـ ۱۳۶۸.
نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی ﷺ / تهیه و تنظیم: رسول سعادتمند ـ قم: تسنیم، ۱۳۸۶.
ج ۱.
ISBN 964 - 5864 - 07 - 0 (دوره) ـ ISBN
ISBN 964 - 5864 - 08 - 9 (ج. ۱) ۱۰۰۰۰۰ ریال:
ISBN 964 - 5864 - 09 - 7 (ج. ۲) ۱۰۰۰۰۰ ریال:
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان دیگر: نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی (قدس سره).
کتابنامه.
۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ ـ ۱۳۶۸ ـ پیام‌ها و سخنرانیها.
۲. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ ـ ۱۳۶۸ ـ نامه‌ها.
الف. سعادتمند، رسول، ۱۳۳۶ ـ ، گردآورنده. ب. عنوان. ج. عنوان. نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی ﷺ.
۴ب / DSR ۱۵۷٤ ـ ۹۵۵/۰۸٤۲۰۹۲
کتابخانه ملی ایران ۱۵۱۲۵ـ۸۳م

نام‌ها و پیام‌های امام خمینی ﷺ ـ ج ۱
تهیه و تنظیم: رسول سعادتمند
ناشر: انتشارات تسنیم، قم، تلفن: ۷۷۳۴۰۸۰ ـ ۰۲۵۱ ـ نمابر: ۷۷۳۴۰۸۲ ـ ۰۲۵۱
چاپخانه: نگارش ـ قم / تاریخ چاپ: اول ـ ۱۳۸۶ / تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت دوره: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹ ـ ۰۸ ـ ۵۸۶۴ ـ ۹۶۴ ISBN 964 - 5864 - 08 - 9

«فهرست اجمالی»

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار :

چگونگی آغاز مبارزات امام‌خمینی (ره)، انگیزه، و شیوه‌های مبارزاتی ایشان، سختی‌ها و مشکلات و فراز و نشیب‌های مبارزه از آغاز تا پیروزی انقلاب، مسائل و حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب، برگزاری همه‌پرسی (رفراندوم عمومی) و اعلام جمهوری اسلامی، تشکیل مجلس خبرگان برای تهیه قانون اساسی، تشکیل نهادهای قانونی نظیر مجلس شورای اسلامی و انتخاب ریاست جمهوری و حوادث سهمگین مانند توطئه‌های داخلی با پشتیبانی دشمنان خارجی از قبیل تحرکات ضد انقلابی برای براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی در قالب‌های گوناگون نظیر ترور شخصیت‌های انقلابی و یاوران امام و جنگ‌های تجزیه طلبانه در برخی نقاط کشور و جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه ایران و مسائل جهان اسلام، تدابیر امام در برخورد با بحران‌های داخلی و خارجی، رهنمودهای اخلاقی و عرفانی امام، آرمان‌های بلند الهی، فرمان‌های امام برای حل مسائل و مشکلات انقلاب و کشور و ... همه و همه از موضوعاتی است که دانستن آن‌ها برای نسل حاضر و نسل‌های آینده هم ضروری و هم جذاب است؛ زیرا آشنایی با این مسائل و موضوعات، آگاهی و بصیرت همگان را نسبت به راه طی شده و فداکاری‌ها و زحمت‌هایی که بنیان‌گذار انقلاب و یاران وفادارش در طی این راه متحمل شده‌اند، بیشتر می‌کند. نتیجه این

آگاهی، قدردانی و تلاش برای حفظ دست‌آوردهای این جهاد مقدس و استمرار این حرکت عظیم در مسیر ترسیم شده از سوی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی است. با دقت در نامه‌ها و پیام‌ها و سخنرانی‌های امام ﷺ به وضوح روشن می‌گردد که امام ﷺ تمام مبارزات خویش را بر اساس احساس تکلیف و وظیفه دینی بنیان نهادند و این احساس وظیفه برخاسته از اعتقاد امام به جدایی ناپذیری دین و سیاست بوده است. امام این احساس برخاسته از اعتقاد خویش را با بهره‌گیری هوش‌مندانه از تمام امکانات ارتباطی از قبیل: تلگراف، نامه، پیام، مصاحبه، سخنرانی‌های عمومی و گفت و گوهای خصوصی، به مخاطبین و امت خویش منتقل نموده و آنان را برای فداکاری در راه تحقق آرمان‌های والای الهی آماده می‌کردند. به برکت همین پیام‌ها بود که امام ﷺ آتش قهر و خشم ملت را علیه رژیم استبدادی و استعماری شاه، شعله‌ور ساخت و آنان را با تمام وجود به میدان رویارویی با رژیم شاه کشانید. امام با آگاهی کامل از جایگاه و محبوبیّت خویش در دل‌های پاک مؤمنان و قدرت شکست‌ناپذیر ملت، اعتقادات پاک دینی مردم را به عنوان نقطه اصلی اتکای مبارزات خویش قرار داده بودند و در نامه‌ها و پیام‌ها و سخنرانی‌های خود، پیوسته بر اتحاد ملت ایران حول محور اسلام تأکید ورزیده و با آگاهی بخشی به موقع، ملت و انقلاب را از دام توطئه‌های گوناگون رژیم شاه و اربابان خارجی او به ویژه آمریکا، رهایی بخشیده و نقشه‌های آن‌ها برای انحراف مسیر مبارزه و عقیم گذاشتن انقلاب را نقش بر آب می‌کردند، تا این که سرانجام با عنایت پروردگار و پای مردی امام و امت طومار حکومت ۲۵۰۰ ساله رژیم شاهنشاهی درهم پیچید و انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین حادثه قرن به پیروزی رسید.

امام ﷺ پس از پیروزی انقلاب نیز اعتقاد و مشی جدایی‌ناپذیر بودن دین و سیاست را در عمل برای اداره و سازندگی کشور و نیز دفاع از تمامیّت ارضی ایران ادامه دادند. در مواردی که مسأله واگذاری پست‌ها و مسئولیت‌ها به افراد مطرح بود

داشتن تعهد دینی و انقلابی بودن در کنار تخصص، ملاک شایستگی افراد برای تصدی مسئولیت‌ها قرار گرفت و محور سخن و کلام امام ﷺ خطاب به مسئولین و دست اندرکاران، انجام کارها بر اساس اداء تکلیف الهی و خدمتگزاری خالصانه برای رسیدن به قرب پروردگار به عنوان برترین عبادت‌ها به جای فرمان‌فرمایی و ریاست مداری بود. در مواردی که بحث سازندگی کشور در میان بود، یکی از ارزشی‌ترین و مقدس‌ترین واژه‌های فرهنگ اسلامی یعنی واژه «جهاد» بر قله سازندگی جای گرفت و بدین سان جهاد سازندگی در عرصه ایران بزرگ، میدانی برای رقابت در خدمت‌رسانی به محروم‌ترین قشرها گردید، چنانکه جوانان این مرز و بوم به شوق رسیدن به پاداش‌های بزرگ الهی در این میدان به رقابت پرداختند و آن هنگام که انقلاب و نظام نوپای اسلامی و مرزهای ایران اسلامی، آماج طمع و حمله دشمنان قرار گرفت با صلای امام خمینی ﷺ، فرهنگ جهاد و شهادت کوی و برزن این سرزمین مقدس را عطرآگین کرد و آحاد ملت از پیر و جوان و نوجوان به عشق فتح قله‌های شهادت و رسیدن به لقاء الله به سوی میدان تاختند و دشمنان را خوار و سرافکنده از تجاوز پشیمان ساختند. خلاصه آن که امام ﷺ پیوند مقدس و مبارک دین و سیاست را در تمامی عرصه‌ها با کمک مردم به محک تجربه آزمودند و موفق و پیروز، حجت را بر عافیت‌طلبان بی‌مسئولیت از یک سو و بر غرب‌زدگان و نشخوارکنندگان فرهنگ منحط بیگانه از سوی دیگر، تمام کردند. توفیق و هنر بزرگ امام در عرضه موفق اسلام ناب محمّدی در پیروزی انقلاب و اداره کشور بر حسد و کینهٔ دشمنان داخلی و خارجی افزود و آنان با لمس نمودن رمز پیروزی ملت ایران که وحدت بر اساس اعتقادات دینی و تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست بود، تمام کوشش و توان خود را برای تضعیف و تخریب این وحدت و اعتقاد به کار گرفتند و مهم‌ترین ابزار آنان برای تحقق این هدف شوم، وسایل ارتباط جمعی از قبیل مطبوعات، کتاب‌ها و نشریات گوناگون ضد دینی و ضد اخلاقی و سایت‌های اینترنتی و

شبکه‌های ماهواره‌ای هستند. در این میان سرسپردگان بیگانه به ویژه غرب‌زدگان مرتجع روشنفکرنما در لباس‌های مختلف از روزنامه‌نگار و مقاله‌نویس مطبوعاتی تا استادی دانشگاه و حتی در کسوت مقدس روحانیت که بعضی روحانی‌نمایان منحرف بناحق پوشیده‌اند، مأموریت ویژه‌ای را به عهده گرفته‌اند و آن مأموریتِ تزریق فرهنگ منحط بیگانه به کالبد جامعه اسلامی ایران بویژه نسل جوان و ترویج ابتذال فکری و فرهنگی و اخلاقی به منظور تخریب هویت مستقل فرهنگ اسلامی و انهدام بنیان‌های اعتقادی ملت با هدف زمینه سازی برای سلطه مجدد قدرت‌های غربی مخصوصاً آمریکا بر مقدرات این کشور است. اما تأسف و انتقاد به تنهایی چاره‌ساز نیست بلکه تمامی دلسوزان متعهد جامعه از مسئولان سیاسی تا سیاستگزاران فرهنگی و مجریان سیاست‌های فرهنگی در سطوح مختلف جامعه از مربیان کودکستان‌ها تا اساتید دانشگاه‌ها و حوزویان و هنرمندان متعهد و دست اندرکاران صدا و سیما و مطبوعات و رسانه‌ها، همگی برای مقابله با توطئه‌های سیاسی و فرهنگی باید با عزم جدی و پی‌گیر فرهنگ سازی و جریان سازی فرهنگی بر اساس هدایت‌ها و آرمان‌های امام خمینی ﷺ را اساس برنامه‌ریزی و در صدر اولویت‌های خویش قرار دهند.

بدیهی است که آگاهی و آشنایی با آرمان‌ها و دیدگاه‌های امام ﷺ در مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و .... گام نخست در تحقق این هدف مهم می‌باشد.

این کتاب می‌تواند در جهت شناساندن افکار و آرمان‌های بلند امام و نیز فراز و نشیب‌های مختلف انقلاب از آغاز تا پیروزی و حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب و موضع گیری‌های امام ﷺ در برابر آن‌ها، بسیار مؤثر باشد؛ زیرا اکثر قریب به اتفاق نامه‌ها و پیام‌های امام به مناسبت‌های گوناگون در این کتاب گردآوری و تنظیم گردیده است. این مجموعه چون گنجینه‌ای دربردارنده مطالب تاریخی، اجتماعی،

سیاسی، فرهنگی، تربیتی، دینی، اخلاقی، حماسی و ... است که می‌تواند برای همه اقشار مفید باشد.

حوزویان، فرهنگیان، دانشگاهیان، نویسندگان، محققان، هنرمندان، سیاست‌مداران، گویندگان، سخن‌رانان و ... می‌توانند به فراخور استعداد خویش از مطالب این کتاب استفاده نمایند و برنامه ریزان سیاسی و فرهنگی که خواهان حفظ عزت و اقتدار ناب محمّدی و سربلندی ایران عزیز هستند، شایسته است که از مطالب این کتاب که همه از آثار مکتوب و معتبر امام خمینی ﷺ است برای فرهنگ سازی و جریان سازی فرهنگی بر اساس تعالی حیات بخش امام خمینی ﷺ بهره گیرند.

توضیحات:

الف ـ در بخش **انقلاب از آغاز تا پیروزی در آینه نامه‌ها و پیام‌ها**، اکثر نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی از زمان‌های دور، چه قبل از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و چه پس از آن در دوران پانزده ساله تبعید امام خمینی ﷺ و به ویژه دوران اوج گیری انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی بر اساس ترتیب تاریخی صدور آن‌ها، گردآوری و تنظیم گردیده است. رعایت ترتیب تاریخی صدور این نامه‌ها و پیام‌ها از یک سو گویای روند تاریخی مبارزات و مجاهدت‌های امام خمینی ﷺ و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و از سوی دیگر بیانگر اهداف و اولویت‌های مبارزاتی امام ﷺ در مقاطع مختلف انقلاب می‌باشد. این بخش تا حد زیادی عهده‌دار بیان سیر انقلاب از آغاز تا پیروزی است؛ اما مراجعه به فصل‌های: گذری به دوران پهلوی، فریادهای بیدارگر و رویارویی امام با طاغوت، از کتاب «خاطره‌ها و حکایت‌ها در کلام امام خمینی ﷺ» می‌تواند مکمل این بخش باشد.

ب ـ در بخش **فرهنگ جهاد و شهادت** شامل (ایام الله، مقام و منزلت جهاد و

شهادت، تجلیل از مقام مجاهدان و شهیدان علم و فضیلت، دفاع مقدس، تجلیل از حماسه سازان دفاع مقدس) سعی شده است کلیه پیام‌های صادره به مناسبت‌های (۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، ۲۲ بهمن، ۱۲ فروردین، دفاع مقدس) جمع‌آوری و تنظیم گردد که درج این پیام‌ها در این مجموعه به ترتیب تاریخ صدور آن‌ها، بیانگر وقایع و حوادث گوناگون انقلاب و موضع‌گیریهای قاطعانه و شجاعانه امام خمینی ﷺ می‌باشد.

هم چنین در بخش **تجلی آرمان‌های الهی در پیام‌های حج** و نیز بخش **روز جهانی قدس** کلیه پیام‌های صادره در این مناسبت‌ها درج گردیده است که بیان‌گر مسائل و مشکلات جهان اسلام و راه‌های برون رفت از این مشکلات می‌باشد.

یکی از نکات مهم در این پیام‌ها بهره گیری امام ﷺ از قلم عرفانی و حماسی است که ایشان گوشه‌هایی از معارف بلند اسلام ناب محمّدی را در قالب ادبیات جذاب عرفانی و غرورآفرین حماسی به مخاطبین خویش القاء نموده است. این گونه پیام‌ها می‌تواند به عنوان الگویی زیبا و الهام بخش از سوی نویسندگان و هنرمندان و گویندگان مورد استفاده قرار گیرد.

ج ـ در بخش **نامه‌های اخلاقی و عرفانی** نیز کلیه نامه‌های اخلاقی و عرفانی امام ﷺ مندرج در صحیفه امام، آورده شده است که خود منبعی سرشار از اخلاق و معارف.

د ـ در بخش **نامه‌های خانوادگی ـ احمد خدمتگزار ملت**، شما با جنبه‌ای دیگر از روحیات و ابعاد شخصیتی امام خمینی ﷺ مواجه می‌گردید. نامه‌هایی که امام ﷺ در دوران تبعید به عزیزان و اعضای خانواده خویش نوشته است در عین اختصار و سادگی سرشار از صمیمیّت و محبت است و این ویژگی روح بزرگ آن مرد الهی است که اندیشه در مسائل پیچیده علمی و فلسفی از یک سو و زعامت دینی و مشکلات رهبری مبارزات حاد سیاسی و انقلابی از سوی دیگر، نتوانسته است در لطافت

روحی و ابراز عاطفه و محبت ایشان و نیز بذل رهنمودهای مشفقانه نسبت به عزیزان و منسوبین خویش خللی وارد کند.

تذکرات تلخ و شیرین در برخی از نامه‌ها خطاب به فرزند و نور چشم خویش «حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد خمینی ﷺ» و استعداد و قابلیت ذاتی این فرزند شایسته، از ایشان شخصیتی پدید آورد که توانست از سنین جوانی در دوران ۱۵ ساله تبعید امام ﷺ و دوران تحت فشار و خفقان رژیم پهلوی، امور مربوط به مرجعیّت ورهبری امام را در ایران به نحو شایسته‌ای مدیریّت نماید؛ همین شایستگی و تجربه موفق بود که پس از مراجعت پیروزمندانه امام به وطن، ایشان را با کمال صداقت و امانت در خدمت امام و انقلاب قرار داد که نه تنها هم چون پرستاری غم‌خوار و مهربان در خدمت پدر پیر خود قرار گرفت بلکه در جایگاه یاوری امین و فداکار تا آخرین لحظه عمر پر برکت امام، پر تلاش و مصمم در خدمتگزاری به ایشان لحظه‌ای فروگذار نکرد. که گواهی و شهادت‌های متعدد امام به صداقت و امانت این فرزند برومند، بهترین شاهد بر این مدعاست.

ایشان پس از رحلت امام نیز با وفاداری کامل به آرمان‌های امام ﷺ هم چنان با صداقت تمام و خلوص کامل حامی ولایت فقیه و جانشین امام راحل، حضرت آیةالله خامنه‌ای گردید. ایشان در عمر کوتاه و پر برکت خویش نمونه‌ای از تعهد عمیق و پای بندی کامل را به آرمان‌های امام به نمایش گذاشت. امید آن که ره آورد این تلاش‌ها و مجاهدت‌ها ذخیره‌ای عظیم برای ایشان در عالم بقا باشد و در عالم دنیا نیز نسل ایشان که همان نسل امام راحل است هم چنان سربلند پیشاپیش خدمتگزاران به اسلام و انقلاب عظیم اسلامی این میراث گران قدر جدّ بزرگوار خویش باشند.

هـ ـ در بخش **وصیت‌نامه سیاسی ـ الهی**، وصیت نامه آن بزرگ مرد الهی درج گردیده است امام ﷺ که به مصداق آیهٔ شریفهٔ ﴿لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِن أَنْفُسِكُمْ عَزيزٌ

عَلَيْهِ ما عَنِتُّم حَرِيصٌ عَليكُمْ بالمؤمِنينَ رَئوفٌ رَحيمٌ﴾[1] در طول حیات پر برکت خود برای هدایت امت خویش و رهایی آنان از چنگال وابستگان به استعمار، خون دل‌ها خورد، برای پس از حیات دنیایی خویش نیز نگران حال امت و سلطه مجدد تبهکاران و میدان‌داری غرب‌زدگان خودفروخته در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و ... بودند. برای رفع این نگرانی و نیز اتمام حجت بر همگان، این وصیت‌نامه را نگاشتند و عصاره‌ای کامل از هدایت‌های خویش را در آن به ودیعت نهادند تا فرزندان این مرز و بوم نسل بعد از نسل از پی یک دیگر با برافروختن انوار این هدایت‌ها فرا راه خویش، راه عزت و سعادت دنیایی و آخرین را تا اوج قله‌های کمال با افتخار بپیمایند. پیمودن این راه اگر چه با دشواری‌هایی همراه است، اما اگر عزم و اراده پولادین با مردان و زنان این سرزمین همراه گردد، ثمرات شیرین پیروزی، خستگی و دشواری‌ها را از یادها خواهد برد.

---

۱. سوره توبه، آیه ۲۸ : «همانا رسولی از جنس شما برای هدایت خلق آمد که از فرطِ محبت، فقر و پریشانی و جهل و هلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است».

ملاحظات:

۱ـ منابع این کتاب، مجموعه ۲۲ جلدی صحیفهٔ امام، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸ می‌باشد.

۲ـ سعی شده است تا از تکرار نامه‌ها و تلگراف‌های مشابه و نیز از درج اجازه نامه‌ها خودداری گردد.

۳ـ برای اطلاع بیشتر از سیر انقلاب و تلاش‌های و رهنمودهای آگاهی بخش امام راحل به کتابهای: مصاحبه‌های امام خمینی ﷺ، خاطره‌ها و حکایت‌ها در کلام امام خمینی ﷺ، معارف و هدایت‌ها در کلام امام خمینی ﷺ رجوع شود.

۴ـ از همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ در جهت بررسی این مجموعه و صدور مجوز نشر آن، تشکر و قدردانی می‌گردد.

۵ـ تعدادی از پیامها و نامه‌های این مجموعه عنوان گذاری شده است این عناوین یا عیناً بخشی از کلام امام راحل است و یابرگرفته از محتوای ایشان می‌باشد که توسط تنظیم کننده گزینش گردیده است لذا خواهشمند است در انتساب این عناوین به امام ﷺ دقت گردد.

رسول سعادتمند

فصل ۱:
انقلاب از آغاز تا پیروزی
در نامه‌ها و پیام‌ها

▣ پیام

زمان: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ | مکان: قم

موضوع: دعوت به قیام برای خدا[۱] | مخاطب: علما و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی: ﴿قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی﴾.[۲]

خدای تعالی در این کلام شریف، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه هایی است که خدای عالم از میانهٔ تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلّت رسانده و از جلوه های گوناگون عالم طبیعت رهانده.

خلیل آسا درِ علم الیقین زن　　　ندای «لا أُحب الآفلین[۳]» زن

---

۱. این پیام، یکی ازتاریخی ترین اسناد مبارزاتی امام خمینی به شمار می‌آید واصل نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود.

۲. سوره سبأ، آیه ٤٦: «ای رسول، بگو به امت، که من به یک سخن شما راپند می‌دهم؛ وآن سخن این است که شما خالص برای خدا، دو نفر دو نفر با هم یا هر یک تنها، قیام کنید».

۳. اشاره به آیه ٧٦، سوره انعام.

قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صعق[۱] و صحو[۲] کشاند. قیام برای خداست که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام قاب قوسین اوادنی[۳] رساند.

خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده. قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتی شهوت پرست پشت میزنشین شدند. قیام برای شخص است که یک نفر مازندرانی بیسواد[٤] را بر یک گروه چندین میلیونی چیره می‌کند که حرث و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند. قیام برای نفع شخصی است که الآن هم چند نفر کودک خیابانگرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشا کرده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتی هرزه گرد بیشرف کرده و نَفَس از هیچ کس در نمی‌آید. قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زنهای عفیف مسلمان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی‌گوید. قیام برای نفعهای شخصی است که

---

۱. بیهوشی و در اصطلاح عرفان به معنی فنای عبد سالک.

۲. هوشیاری و در اینجا بقای بالله پس از فنای فی الله. و بازگشت به عالم ناسوت برای امتثال امر رب جلیل.

۳. اشاره به آیه ۹، سوره نجم.

٤. رضاخان پهلوی.

روزنامه‌ها که کالای پخش فساد اخلاق است، امروز هم همان نقشه‌ها را که از مغز خشک رضا خان بیشرف تراوش کرده، تعقیب می‌کنند و در میان توده‌ها پخش می‌کنند. قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان بر علیه دین و روحانیت هر چه خواهد بگوید و کسی نفس نکشد.

هان ای روحانیین اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق پرست! ای حق پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطنخواه! ای وطنخواهان باناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی راکه پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفعهای شخصی کرده تا به همه سعادتهای دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید. ﴿ان لله فی ایام دهرکم نفحات الا فتعرضوا لها﴾[۱]؛ امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرداست که مشتی هرزه گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند. امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید؟ همه دیدید کتابهای یک نفر تبریزی بی‌سروپا[۲] راکه تمام آیین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غایب روحی له الفداء آنهمه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد. امروز چه عذری در محکمه خدا دارید؟ این چه ضعف و بیچارگی است که شماها را فراگرفته؟ای آقای محترم که این صفحات را جمع آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید! خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع

۱. بحارالانوار ج ۶۸، ص ۲۲۱، کنزالعمال ج ۷، ص ۷۶۹.

۲. احمد کسروی؛ نویسنده و مؤلف کتابهای ضد مذهبی.

تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جسارتی می‌شد، همه یکدل و جهت از تمام کشور قیام می‌کردند. خوب است دینداری را دست کم از بهاییان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه[۱] زندگی کند، از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی به او شود برای او قیام کنند. شماها که به حق مشروع خود قیام نکردید، خیره سران بی‌دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی دینی را آغاز کردند و به همین زودی بر شما تفرقه زده ها چنان چیره شوند که از زمان رضاخان روزگارتان سخت‌تر شود. ﴿و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله﴾[۲].

۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۶۳

سید روح الله خمینی[۳]

◙ نامه سرگشاده

زمان: ۳فروردین ۱۳۲۸ — مکان: قم

موضوع: استفسار درباره تشکیل مجلس مؤسسان — مخاطب: طباطبایی بروجردی، سید حسین

محضر مقدس حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای حاجی آقا حسین طباطبایی بروجردی متّع الله المسلمین بطول بقائه

چون منتشر است که راجع به تشکیل مجلس مؤسسان بین حضرت مستطاب عالی و بعض اولیای امور مذاکراتی شده و بالنتیجه با تشکیل مجلس مؤسسان موافقت فرموده‌اید، نظر به اینکه تشکیل مجلس مؤسسان مؤثر در مقدّرات آینده

---

۱. تلفظ قدیم «ده».

۲. سوره نسا، آیه ۱۰۰: «و هرگاه کسی از خانه خویش برای هجرت بسوی خدا و رسول بیرون آید، و در سفر مرگ او فرا رسد، اجر و ثواب چنین کسی بر خداست».

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱ تا ۲۳.

کشور و مصالح دینی و ملی و اجتماعی است، به علاوه حدود اختیارات نمایندگان و نتایجی که ممکن است این اقدام داشته باشد معلوم نیست، مستدعی است حقیقت این انتشار را برای روشن شدن تکلیف شرعی اعلام فرمایید.[۱]

روح الله خرم آبادی[۲] ـ مرتضی حائری ـ سید محمد یزدی[۳] ـ روح الله الموسوی[٤] ـ محمدرضا موسوی گلپایگانی.

۲۲ جمادی الاولی ۱۳۶۸[۵]

▣ نامه

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۳۱/ ۱۲ رمضان ۱۳۷۱ مکان: قم

موضوع: لزوم پایداری و...

مخاطب: فلسفی، محمد تقی[٦]

---

۱. آقای بروجردی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحیم

اولاً، از علمای اعلام انتظار می‌رود مواقعی که این قسم انتشارات مخالف واقع می‌شوند خودشان دفاع کنند. البته علاقه مندی حقیر به حفظ دیانت و مصالح مملکت بر همه مشهود است و نهایت مقتضی نیست که هر اقدامی گوشزد عامه شود. ثانیاً، موقعی که فرمان همایونی صادر شد، برای اینکه مبادا تغییراتی در مواد مربوط به امور دینیه داده شود به وسیله اشخاصی به اعلیحضرت همایونی تذکراتی مکرراً دادم با آنکه اخیراً جناب آقای وزیر کشور و آقای رفیع از طرف اعلیحضرت ابلاغ نمودند که نه تنها در مواد مربوطه به دیانت تصرّفی نخواهد شد بلکه در تحکیم و تشیید آن اهتمام خواهد شد. مع ذلک در تمام مجالسی که در اطراف این قضیه مذاکره می‌شده که در بعض آن مجالس، عده‌ای از علمای اعلام حضور داشتند، کلمه‌ای که دلالت یا اشعار به موافقت در این موضوع داشته باشد از حقیر صادر نشده، چگونه ممکن است در چنین امر مهمی اظهار نظر نمایم، با آنکه اطراف آن روشن نیست. حسین الطباطبایی.

۲. آقای سید روح الله کمالوند خرم آبادی.

۳. معروف به محقق داماد.

٤. امام خمینی.

۵. صحیفه امام، ج ۱، ص ٢٦.

٦. آقای فلسفی درباره انگیزه عمال رژیم شاه از بر هم زدن منبر ایشان که منجر به ارسال نامه توسط امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، دور افتادن از مراکز خبر و سفر به همدان و قِلّت معاشرت موجب شد که از قضایایی که در مرکز اتفاق افتاده درست مطلع نشدم. اخیراً که اطلاع حاصل شد خیلی موجب تأسف گردید. انسان متحیر است که با این وضعیت چه کند. و با این ترتیب چه امیدی می‌توان از اصلاح کشور داشت و به چه

← شده اظهار می‌دارد: روز بعد از افتتاح مسجد ارک، اولین روز ماه مبارک رمضان بود و طبق روال چند سال گذشته که پس از اقامه نماز ظهر در مسجد شاه منبر می‌رفتم و مستقیماً از رادیو پخش می‌شد، وارد صحن مسجد شدم. وضعیت غیرعادی بود. عده‌ای که نزدیک درب شبستان بودند در محوطه بیرون ایستاده بودند، تا مرا دیدند شروع به شعار دادن کردند. به داخل شبستان مسجد آمدم و چون هنوز قرآن تلاوت می‌شد، نزدیک منبر نشستم. افرادی که در بیرون ایستاده بودند وارد شبستان شده و شعار می‌دادند. شرایط به گونه‌ای بود که اصلاً امکان منبر رفتن نبود. لذا از طریق اتاق استودیو به کتابخانه مسجد رفتم. ظاهراً به شهربانی گفته شده بود که مراقب باشید به فلانی آسیب نرسد؛ چون تعدادی از افراد شهربانی دم در کتابخانه ایستادند و چند نفری هم به داخل آمدند. طرز رفتار و نوع حرکات این افراد، آن هم در ماه رمضان، نشان می‌داد که اولاً، مسجدی و پامنبری نیستند و ثانیاً، کارهایشان سازمان یافته است. انتخاب زمان و مکان بر هم زدن مجلس نیز حساب شده بود. معلوم گردید که انتشار خبر کذب روزنامه «باختر امروز» بر علیه من در دو هفته قبل از این حادثه، زمینه سازی بوده تا برهم زدن این منبر، اقدامی مردمی تلقی شود و بگویند چون فلانی بر علیه مصدق صحبت کرده است، مردم جلوی منبر رفتن او را گرفته اند. به هر حال یکی دو ساعتی در دفتر مسجد نشستم. دیدم آنها ول کن معرکه‌ای که بر پا کرده اند، نیستند. مرتب در حیاط مسجد زنده باد مصدق، زنده باد کاشانی و مرگ بر دشمنان نهضت و امثال اینها می‌گفتند... این مطلب را هم بگویم، در همان روز که این حادثه در جریان بود، فرمانداری نظامی تهران اطلاعیه‌ای صادر کرد و به وعاظ هشدار داد که به هیچ وجه در منابر حق صحبت کردن در اطراف مسائل سیاسی کشور را ندارند و تنها باید راجع به موضوعات دینی صحبت کنند. قضیه به ضرر دکتر مصدق و دولت تمام شد. هر روز که از ماه رمضان می‌گذشت و من منبر نمی‌رفتم و مردم از شنیدن وعظ و خطابه دینی محروم می‌شدند، احساسات آنها علیه حرکات و تبلیغات ضد مذهبی داغتر می شد... امام خمینی در زمان تعطیل شدن منبر مسجد شاه، در همدان بودند و از جریان دیر مطلع شدند.

اشخاصی می‌توان اطمینان پیداکرد. در هر صورت جنابعالی نباید به این چیزها سنگر را خالی کنید. مفسدین همیشه می‌خواهند امثال جنابعالی را از میدان بیرون کنند تا هر تاخت و تازی بخواهند بکنند و انتقادی در کار نباشد.

آن روز که رضاخان تعرض به عمامه ها می‌کرد من به یکی از ائمه جماعت گفتم اگر شما را نظمیه بردند و عمامه را برداشتند و موقع مسجد بود با همان لباس مبدّل بروید مسجد. آنها غایت آمالشان این است که مسجدیها دست ازکار خود بردارند و متدینین میدان را برای جولان آنها خالی کنند. در هر صورت این پیشامدها در زندگانی اشخاص مؤثر است و ناطقی مثل جنابعالی‌نباید توقع داشته باشدکه تا آخر از تعرض اشرار مصون باشد. لکن این نکته‌را نباید از نظر دور داشت که انتساب این اعمال به همنوع خودمان خالی ازاعمال غرض نیست و می‌خواهند به اصطلاح سنگ را با سنگ بشکنند. باید متوجه‌باشید که از اختلاف بین خود ماها دیگران نتیجه نگیرند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۹ تا ۳۰.

▣ تلگراف

زمان:۱۷مهر ۱۳۴۱/۹جمادی‌الاول ۱۳۸۲ مکان:قم
موضوع:هشدارامام... مخاطب:پهلوی،محمدرضا[(۱)]

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی پس از اهدای تحیت و دعا، به طوری که در روزنامه ها منتشر است، دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی، «اسلام» را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده؛ و به زنها حق رأی داده است. و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است. بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است. مستدعی است امر فرمایید مطالبی راکه مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگویی ملت مسلمان شود.

الداعی: روح الله الموسوی[(۲)]

▣ تلگراف

زمان:۲۸مهر ۱۳۴۱/ ۲۰جمادی‌الاول ۱۳۸۲ مکان:قم
موضوع:هشدار به نخست‌وزیر درمورد تصویبنامه انجمنهای ایالتی وولایتی
مخاطب:علم،اسدالله (نخست‌وزیر وقت)

بسم الله الرحمن الرحیم

تهران ـ جناب آقای اسدالله علم، نخست وزیر ایران

در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس، و مباین صریح قانون اساسی است. مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه مجلس شورا برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر قاهر و نزد ملت

---

۱. نخستین تلگرافی که از سوی امام به محمدرضا پهلوی مخابره شده است.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۸.

مسلمان و قانون خواهد کرد. ورود زنها به مجلسین و انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف [است با] قوانین محکم اسلام که تشخیص آن، به نص قانون اساسی، محول به علمای اعلام و مراجع فتواست، و برای دیگران حق دخالت نیست. و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می‌دهند. در این صورت، حق رأی دادن به زنها و انتخاب آنها در همه مراحل، مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است. و نیز قانون مجلس شورا، مصوب و موشّح ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری از زنها سلب کرده است. مراجعه کنید به مواد هفت و نُه قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی، و پانزده و هفده قانون انجمن بلدیه «شهرداری». در این صورت، چنین حقی به آنها دادن، تخلف از قانون است. و نیز الغای شرط «اسلام در انتخاب کننده و انتخاب شونده، که در قانون مذکور قید کرده، و تبدیل قسم به قرآن مجید را به «کتاب آسمانی» تخلف از قانون مذکور است؛ و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلتاً یا خدای نخواسته عمداً اقدام به این امر شده است. اکنون که اعلیحضرت درخواست علمای اعلام را به دولت ارجاع فرموده‌اند و مسئولیت به دولت شما متوجه است، انتظار می‌رود به تبعیت از قوانین محکم اسلام و قوانین مملکتی، اصلاح این امر را به اسرع وقت نمایید، و مراقبت کنید که نظایر آن تکرار نشود. و اگر ابهامی در نظر جنابعالی است مشرّف به آستانه قم شوید تا هرگونه ابهامی حضوراً رفع شود، و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود.

در خاتمه یادآور می‌شود که علمای اعلام ایران و اعتاب مقدسه و سایر مسلمین، در امور مخالفه با شرعِ مطاع، ساکت نخواهند ماند و به حول و قوهٔ خداوند تعالی امور مخالفهٔ با اسلام رسمیّت نخواهد پیدا کرد.(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱.

▣ نامه

زمان: ۷آبان ۲۹/۱۳۴۱ جمادی‌الاول ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: تشکر از فعالیتها و خطابه‌های آقای فلسفی... مخاطب: فلسفی، محمد تقی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب ثقة الاسلام و المسلمین آقای فلسفی، خطیب شهیر اسلامی - دامت افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله مزاج محترم قرین سلامت و سعادت است. از مساعی جمیله جنابعالی در نشر حقایق و احکام اسلام و ابطال باطل و ردع[۱] منحرفین از مقاصد پلید و نیات فاسد، علمای اعلام و علاقه مندان به اسلام و استقلال مملکت جعفری متشکرند. امید است خداوند این زبان گویای اسلام را از شر اشرار حفظ فرماید. یقین داشته باشید که خدای تبارک و تعالی با ما است و هیچ قوه‌ای نمی‌تواند با خواست خداوند متعال و حضرت ولی امر - عجل‌الله تعالی فرجه - که خواست ملت اسلام، تبع آن است مبارزه کند و به خواست خداوند تعالی نصرت با اسلام و مسلمین است. ﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم﴾.[۲] امید است که جنابعالی و سایر وعاظ محترم که زبان قرآن و ملت هستند در این قضیه دینی، دین خود را به وجه احسن ادا فرمایند و موجب رضای خداوند تعالی و نبی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه هدی - علیهم صلوات الله - را فراهم فرمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. باز داشتن و طرد و منع کردن.

۲. بخشی از آیه ۷ سوره محمد: «اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری رساند و گامهایتان را استوار گرداند».

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۸٤.

▣ نامه

زمان:۹آبان ۱۳۴۱/۲جمادی‌الثانی ۱۳۸۲ مکان:قم
موضوع:صدوراعلامیه آقای خوانساری... مخاطب:فلسفی،محمدتقی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب ثقة الاسلام و المسلمین آقای فلسفی، خطیب شهیر اسلامی ـ دامت افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله مزاج محترم خالی از نقاهت است. ضمناً اعلامیه آقای خوانساری را ملاحظه کردم و خالی از تعجب نبود.[1] اصل اقدام ایشان بسیار به موقع و لازم است لکن کیفیت آن خیلی نارسا و سست است. برای این مطلب دینی که اساس روحانیت و دیانت و ملیت در خطر است، مجلس روضه درست کردن و در ضمن آن، اساس دیانت را قرار دادن، بسیار موهن است نسبت به مقصد. و از آن بدتر آنکه مسجد سید عزیزالله را که چهار هزار جمعیت مقدس بازاری در آن مجتمع می‌شود. و البته می‌دانید دولت از دیانت نمی‌ترسد، تا از بازاری متدین و دعای اینها یا نفرین آنها وحشت کند؛ دولت از مردم فعال و جوان و احزاب و دانشگاه ملاحظه می‌کند. باید یک اجتماع دینی که آقای فلسفی سخنگوی دیانت اسلام صحبت می‌کند و آقای خوانساری از مراجع وقت می‌خواهد صحبت کند در مسجد سید عزیزالله که

---

۱. در پی دعوت امام خمینی از علما و مراجع برای اعتراض به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، آقای خوانساری اعلامیه‌ای صادر کردند که در آن هیچ اشاره‌ای به موضوع مذکور نشده بود. متن اعلامیه ایشان چنین است: «بسمه تعالی شانه. به مناسبت تصادف روز پنجشنبه سوم جمادی الثانیه با رحلت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها سلام مجلس ذکری از ساعت ۹ الی ۱۱ در مسجد سید عزیزالله منعقد؛ امید است برای عرض اخلاص به مقام مقدس پیغمبر اکرم (ص)، به استماع موضوع مهم مذهبی که لازم است به اطلاع رسد، عموم طبقات، خاصه آقایان علمای اعلام ـ دامت برکاتهم ـ شرکت فرمایند. الأحقر: احمد الموسوی الخوانساری».

حکم یک صندوقخانه را دارد، نباشد.

من نمی‌دانم این چه فداکاری است؟ باید این امر به توسط یک کرور اعلامیه به تهران و حومه تهران حتی قزوین، قم و بلاد نزدیک و دور منتشر شود و گفته شود و نوشته شود که چون برای این اجتماع، جایی در تهران نیست، خارج تهران در بیابان می‌رویم. در این صورت از دو حال خارج نیست، یا آنکه با سرنیزه جلوگیری می‌کنند و آن خیلی بعید است. آن وقت تکلیف یکسره می‌شود و ما غالب می‌شویم و سقوط دولت حتمی است، و یا نمی‌کنند، تمام ناراضیها به شما ملحق می‌شوند و غوغا می‌کنند و عظمت مطلب، آنها را از پا درمی آورد و طرفین مطلب به نفع مسلمین است.

حالا این فرصت از دست رفت، لکن فرصت دیگری باقی است و آن این است که جنابعالی در ضمن صحبت تکیه کنید به این نکته که ما نمی‌خواهیم اجتماع بزرگ درست کنیم و الّا در صورت لزوم در خارج تهران اجتماع می‌کنیم و مطالب مهمتر را به گوش ملت می‌رسانیم و در قم اجتماع ایران را تهیه می‌کنند و در صحرای قم، به مردم ایران مطالبی که باید گفته شود، شخصاً بعضی از علما خواهند گفت.

سرکار می‌دانید در این حال که ما قرار گرفتیم قضیه از آشتی و صلح گذشته و پای نابودی احکام اسلام و فتح در کار است و «هیهات منا الذلة». نترسید، ملاحظه نکنید. آقای خوانساری را نمی‌گیرند. شما را نمی‌گیرند؛ دنیا اقتضا ندارد. شما بهتر می‌دانید. بنده از ناراحتی دیگر نمی‌توانم عرض بکنم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲ جمادی الثانیه

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۵ تا ۸٦.

▣ تلگراف

زمان: ۱۵آبان ۱۳۴۱/ ۸جمادی‌الثانی ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: اعتراض به عملکرد اسدالله علم (نخست‌وزیر وقت) مخاطب: پهلوی، محمدرضا
مناسبت: پافشاری اسدالله علم برای تصویب لایحه انجمنهای ایالتی وولایتی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

تلگراف مبنی بر آنکه اعلیحضرت بیش از هرکس در حفظ شعائر مذهبی کوشا هستند، و تلگراف اینجانب را برای دولت ارسال داشتند، و توفیق اینجانب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام خواستار شدند، موجب تشکر گردید. البته ملت مسلمان ایران از اعلیحضرت همین انتظار را دارند. فرموده اعلیحضرت موافق است با آنچه از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به ما رسیده: اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه؛ فمن لم یفعل. فعلیه لعنة الله [1]. البته شغل روحانی، ارشاد و هدایت ملت است.

مع الأسف با آنکه به آقای اسدالله علم در این بدعتی که می‌خواهد در اسلام بگذارد تنبه دادم و مفاسدش را گوشزد کردم، ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند، و نه امر ملوکانه را اطاعت کردند، و نه به نصیحت علمای اسلام توجه نمودند؛ و نه به خواست ملت مسلمان که طومارها و تلگرافات و مکاتیب [2] بسیار آنها از اقطار کشور نزد اینجانب و علمای اعلام قم و تهران موجود است وقعی گذاشتند، و نه به اجتماعات انبوه قم و تهران و سایر شهرستانها و ارشاد مفید خطبای اسلام احترامی قائل شدند.

آقای علم از نشر افکار عمومی در مطبوعات و انعکاس تلگرافات مسلمین و

---

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ٤: «هنگامی که بدعتی در امت من آشکار می‌شود بر عالم دینی است که آن را افشا کند، و اگر چنین نکرد، لعنت و نفرین خدای بر او باد».

۲. نامه ها.

اظهار تظلم آنها به اعلیحضرت و علمای ملت جلوگیری کرده و می‌کند؛ و برخلاف قانون‌اساسی مطبوعات کشور رامختنق کرده؛ وبه وسیله مأمورین در اطراف مملکت، ملت مسلمان راکه می‌خواهند عرض حال خود را به اعلیحضرت و علمای ملت برسانند ارعاب و تهدید می‌کند. آقای علم تخلف خود را از قانون اسلام و قانون اساسی اعلام و برملا نموده. آقای اسدالله علم گمان کرده با تبدیل کردن قسم به قرآن مجید به «کتاب آسمانی» ممکن است قرآن کریم را از رسمیت انداخت؛ و اوستا و انجیل وبعض کتب ضاله را قرین آن یا به جای آن قرار داد. این شخص تخلف از قانون اساسی را به بهانه الزامات بین المللی شعار خود دانسته؛ با آنکه الزامات بین‌المللی مربوط به مذهب و قانون اساسی نیست. تشبث به الزامات بین المللی برای سرکوبی قرآن کریم و اسلام و قانون اساسی و ملت، جرم بزرگ و «ذنب لایغفر»[1] است.

اینجانب، به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام، اعلیحضرت را متوجه می‌کنم به اینکه اطمینان نفرمایید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه زادی می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی راکه ضامن اساسی ملیت و سلطنت است، با تصویبنامه های خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند تا نقشه های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند. انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید، آقای علم را ملزم فرمایید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند، و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده، استغفار نماید و الّا ناگزیرم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهم. از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسئلت می‌نمایم.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. گناه نابخشودنی.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۸ تا ۸۹.

▣ تلگراف

زمان: ۱۵آبان ۱۳۴۱/۸جمادی‌الثانی ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: هشدار به نخست‌وزیر در رابطه با لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی
مناسبت: تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی مخاطب: علم، اسدالله (نخست‌وزیر وقت)

تهران ـ جناب آقای اسدالله علم

عطف به تلگراف سابق اشعار می‌دارد، معلوم می‌شود شما بنا ندارید به نصیحت علمای اسلام که ناصح ملت و مشفق امتند، توجه کنید؛ و گمان کردید ممکن است در مقابل قرآن کریم و قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد. علمای اعلام قم و نجف اشرف و سایر بلاد تذکر دادند که تصویبنامه غیرقانونی شما برخلاف شریعت اسلام، و برخلاف قانون اساسی و قوانین مجلس است.

اگر گمان کردید می‌شود با زور چند روزه قرآن کریم را در عرض «اوستا»ی زرتشت، «انجیل» و بعض کتب ضالّه قرار داد، و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم، تنها کتاب بزرگ آسمانی چند صد میلیون مسلم جهان، افتاده‌اید و کهنه‌پرستی را می‌خواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید. اگر گمان کردید با تصویبنامه غلط و مخالف قانون اساسی می‌شود پایه‌های قانون اساسی را که ضامن ملیت و استقلال مملکت است، سست کرد و راه را برای دشمنان خائن به اسلام و ایران باز کرد، بسیار در خطا هستید.

اینجانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب و خیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ والّا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۰.

◘ نامه

زمان: آذر ۱۳۴۱ / رجب ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: ضرورت صدور اعلامیه‌های اعتراض آمیز علیه دولت
مناسبت: تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی مخاطب: نجفی، محمد حسین غروی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حضرتین حجتی الاسلام والمسلمین آقای نجفی و آقای غروی ـ دامت برکاتهما

به عرض عالی می‌رساند، پس از تحیت و سلام وافر، لابد مطالب اخیره و خرابکاریهای دولت و مجلسین[1] به سمع مبارک آقایان رسیده است. تفصیل قضایا همان است که در اعلامیه تذکر داده شده است. سکوت در این امر موجب آن است که این ننگ برای ملت شیعه باقی بماند. لازم است ما به وسیله اعلامیه و اعتراض، این امر مفتضح را از ساحت اسلام و مسلمین بزداییم. سایر علمای اعلام و مبلغین محترم را تذکر دهید که در این امر سکوت نفرمایند. و به اهالی دستور دهید که به وسیله اعلامیه، اعتراض خود را بنمایند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. والسلام علیکما و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

بەر بە رووداوی هەر هەڵوێستێکی ~~[illegible]~~ لەو
[illegible] دوڵە ئەم جۆرە هەڵوێستەی دەوێت،
بەڵام [illegible] و [illegible] چەماوە [illegible]،
دەبێت [illegible] ئەم رووە بە رووو
ئەوا [illegible] بکرێت.

۱. مجلس سنا و مجلس شورای ملی.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۷.

▣ نامه

زمان:آذر ۱۳۴۱/رجب ۱۳۸۲ مکان:قم
موضوع:پاسخ تلگراف سران ایلات و عشایر پاپی مخاطب:سران ایلات و عشایر پاپی
مناسبت:حمایت عشایر از قیام امام خمینی و علما در غائله انجمنهای ایالتی و ولایتی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت سران ایلات و عشایر پاپی [۱] - ایّدهم الله تعالی

معروض می‌دارد، تلگراف محترم واصل و موجب کمال تشکر گردید. از ابراز احساسات حضرات رؤسای محترم در این قضیه مهمه کمال تشکر را می‌نمایم. الحق همه مسلمانان خصوصاً مؤمنین آن ناحیه، کمال جدّیت را در این امر خطیر کردند. خداوند تعالی همه را برای اسلام و مسلمین به سلامت نگهداری فرماید. در حقیقت شما آقایان ذخیره اسلام و از جنود امام زمان علیه السلام هستید که در مواقع مشکلات هم قدم با روحانیت برای حل آن اقدام می‌نمایید. خداوند برکات خود را به شما آقایان عزیز نازل فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی [۲]

▣ نامه

زمان:۱۳۴۱ه.ش./۱۳۸۲ه.ق. مکان:قم
موضوع:جلوگیری از انتشار تلگراف نخست وزیر درباره لغو لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی
مخاطب:مرعشی نجفی، سید شهاب الدین

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، از قرار مسموع تلگراف نخست وزیر را می‌خواهید طبع و منتشر نمایید. [۳] بنده صریحاً عرض می‌کنم این انتشار برخلاف صلاح اسلام و

۱. از جمله ایلات و عشایر منطقه جنوب لرستان.
۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۸.
۳. آقای سید حمید روحانی (زیارتی) در باره این نامه چنین نوشته است:

حوزه علمیه و خلاف صلاح خود جنابعالی است. من میل ندارم آقایان هتک شوند. من میل ندارم حوزه علمیه قم اینقدر سبک و بی ارزش در بین دولت و ملت قلمداد شود. با هر وسیله‌ای هست از طبع و انتشار این امر جلوگیری کنید تا خود دولت انتشار دهد. الآن تلفن کنید مطبعه طبع نکند و یا منتشر نکنند. می ترسم فسادی شود.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: آذر ۱۳۴۱/رجب ۱۳۸۲[2] — مکان: قم

موضوع: پاسخ به استفتاء بازرگانان و اصناف قم — مخاطب: اصناف و بازرگانان شهر قم

[بسمه تعالی. محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی آقای حاج آقا روح الله خمینی ـ دامت برکاته

محترماً به شرف عرض عالی می‌رساند؛ در مورد انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی:

۱ ـ آیا مصاحبه‌ای را که آقای نخست وزیر در تاریخ ۴۱/۸/۲۱ با مطبوعات

← «این نامه‌ای است که امام خمینی در جریان انجمنهای ایالتی و ولایتی به آقای نجفی نوشتند. در سال ۱۳٤۱ پس از آنکه دولت علم طی تلگرافی به علمای قم اعلام کرد که: «در مسئله مسکوت بودن عدم شرکت بانوان در انجمنهای ایالتی و ولایتی که مورد اعتراض قرار گرفته است، دولت نظر آقایان را بـه مجلسین تسلیم و منتظر تصمیم مجلسین خواهد بود». آقای نجفی نظر دولت را قانع کننده دانستند و بر آن شدند که طی اعلامیه و تلگرافی به دولت تشکرات خود را اعلام و مسأله را پایان یافته تلقی کنند. امام طی این نامه ایشان را از این کار برحذر داشتند. جریان آن در کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۱۷۵ آمده است».

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. در کتاب هفت هزار روز، ج ۱، ص ۱۱۳، تاریخ پیام امام ٤۱/۹/۱۰ ذکر شده است و در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ذیل تاریخ اسفند ۱۳٤۱ درج شده است، با توجه به مضمون پرسش اصناف و پاسخ امام خمینی و زمان اتمام غائله انجمنهای ایالتی و ولایتی، تاریخ آذر ۱۳٤۱ صحیح است.

نموده نظر حضرتعالی را تأمین نموده یا خیر؟

۲ـ آیا تلگرافی را که آقای نخست وزیر در این موضوع برای حضرات آیات نموده قانع کننده هست یا خیر؟]

بسم الله الرحمن الرحیم

به نظر اینجانب، مصاحبه آقای نخست وزیر[1] به هیچ وجه ارزش قانونی نداشت و نظر اینجانب را تأمین ننمود، زیرا چیزی که در هیأت دولت به صورت تصویبنامه درآمد، مصاحبه و درج در مطبوعات تأثیری در آن ندارد، و آن تصویبنامه بر فرض قانونی بودنش به قوت خود باقی است. و اما نکاتی که در تلگراف آقای نخست وزیر به آقایان علمای اعلام قم بود خیلی جالب است:

۱ـ راجع به حلف[2] به کتاب آسمانی می‌نویسد مراد قرآن مجید است. البته ما این تفسیر را از شخص ایشان برای تبرئه خودشان از هتک به قرآن کریم به حکم اسلام پذیرفتیم. لکن تفسیر ایشان از تصویبنامه به هیچ وجه ارزش قانونی ندارد. و تصویب کتاب آسمانی به اطلاق خود، که شامل سایر کتب منحرفه و ضالّه است، در نظر آنها به قوت خود باقی است، و نقش آقای نخست وزیر اغفال مردم است. و همان خطر عظیمی که برای قرآن مجید پیش آمده است به واسطه این تصویبنامه مخالف شرع و قانون به دست خیانتکاران به دین و مملکت به قوت خود باقی است، و هیچ مسلمانی نمی‌تواند قرآن مجید را در معرض خطر ببیند و سهل انگاری کند.

۲ـ آنچه ایشان نوشته‌اند که در مجلس، اقلیتهای مذهبی به کتاب خودشان قسم یاد می‌کردند، اشتباه است و هیچ گاه کتاب منسوب به زرتشت و سایر کتب منحرفه را در مجلس نمی‌آوردند. صورت قسم نامه نیز شاهد است که تمام وکلا به یک نحو

---

۱. اسدالله علم.

۲. سوگند یاد کردن.

قسم یاد می‌کردند.

۳ـ اینکه نوشته‌اند در مملکت اسلام انتخاب کننده و انتخاب شونده مسلمان است، ربطی به مفاد تصویبنامه ندارد. و وعده اصلاح الزام آور نیست و به هیچ وجه ارزش قانونی ندارد، و ما را قانع نمی‌کند. و اگر فرضاً آقای علم بنویسد این سه امر که در تصویبنامه مذکور است لغو است باز ارزش قانونی ندارد؛ زیرا چیزی که در هیأت وزیران تصویب شد به الغای آقای نخست وزیر لغو نمی‌شود، و به قوت خود باقی است. بنابراین خطر بزرگی که برای اسلام و استقلال و کیان مملکت به واسطه این تصویبنامه، که شاید به دست جاسوسان یهود و صهیونیستها تهیه شده برای نابودی استقلال و به هم زدن اقتصاد مملکت، به قوت خود به نظر دولت آقای علم باقی است؛ و دولت خود را ذی حق می داند که به آن عمل کند، هر چند مخالف قانون شرع یا قانون اساسی باشد؛ یا برخلاف احساسات دینی و ملی بیست میلیون جمعیت ایران یا تمام مسلمین باشد. زیرا تا در هیأت وزیران تجدیدنظر به عمل نیاید و اصلاح نشود، به قوت خود باقی است.

و اینجانب در تعجب هستم که چرا آقایان وزرا زیربار این مسئولیت بزرگ قانونی می‌روند و اقدام به تجدیدنظر نمی‌کنند، و نمی‌خواهند خود را در نزد ملتهای بزرگ متمدن و ملت خود را سربلند کنند. خضوع در مقابل مذهب و قانون، تجدیدنظر در تصویبنامه ها و تسلیم مذهب و قانون شدن، علامت شهامت و تمدن است، و موافق نزاکت بین المللی است. و سرپیچی از قانون و سرسختی در مقابل خواست ملت از عادات قرون وسطی و خلاف نزاکت است. و خوب است وزرای یک مملکت کهنسال حاضر نشوند چنین معرفی شوند، و عقب افتادگی و عدم رشد یک ملت بزرگ را ثابت کنند. با اعمال خلاف مذهب و قوانین منع شدید مطبوعات در تمام کشور، جلوگیری از انعکاس این نهضت بزرگ ملی و قانونی بی سابقه یا کم سابقه، که یک ملت برای دفاع از مذهب و قانون اساسی قیام نموده و در تمام کشور

هماهنگ شده اند، برای یک دولت مدعی تمدن ننگ است. و ما احساس خجلت و سرشکستگی می‌کنیم در میان خبرگزاریها و سفارتخانه‌های خارجی. و ما ملت ایران را از اینگونه اعمال قرون وسطایی تبرئه می‌کنیم؛ و تمام گناه را از معدودی تطمیع شده یا تهدید شده می‌دانیم. اشخاص شریف به مذهب مقدس خود و به قانون اساسی احترام می‌گذارند و از کارهایی که برای ملت و استقلال مملکت خطر دارد اجتناب می‌کنند.

اینجانب، حسب وظیفه شرعیه، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیستهاست، که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند. و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است و دولتها ناظر آن هستند و از آن تأیید می‌کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود، سکوت نمی‌کند. و اگر کسی سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر مسئول و در این عالم محکوم به زوال است.

۴ـ آنچه آقای نخست وزیر راجع به انتخاب زنها تلگراف نموده‌اند محل تعجب است. می‌گویند این انتخاب مشابه انتخاب شهرداریهاست که دخالت زنها در آن تصویب شد و اعتراضی نشد. اولاً، انجمنهای ایالتی و ولایتی قانون مستقل دارد، و زنها در آن قانون مستثنا هستند. آقای نخست وزیر قانون مجلس را نسبت به خود انجمنهای ایالتی و ولایتی نادیده گرفته و به مشابه آن تشبث کرده اند! و خوب است خود ایشان این را هم تفسیر کنند. و ثانیاً، به طوری که مطلعین می‌گویند، قانون شهرداریها از مجلس نگذشته و در بعض کمیسیونهای مجلس وارد شده، و فرضاً که گذشته باشد ربطی به انجمنهای ایالتی ندارد. و ثالثاً، اگر چیزی از مجلس گذشت و مخالف قانون اساسی بود، ارزش قانونی ندارد. و این امر از هر مجلسی بگذرد

مطرود، و وکلای آن قابل تعقیب هستند.

۵ـ نوشته‌اند که این موضوع عرفی است. اگر منظور آن است که مربوط به حکم شرع نیست، بسیار عجب است! زیرا تمام موضوعات عرفیه در شرع حکم دارد. و این آقایان از قوانین اسلام اطلاع ندارند و از حقوق اسلامی بیخبرند. حکم این موضوع عرفی را از علمای اسلام باید پرسید.

۶ـ آنچه اخیراً نوشته‌اند که اگر حرام می‌دانید، باید به مجلس رجوع کنید، البته در موقعش به مجلس تذکر خواهند داد، لکن باید به آقای نخست وزیر بگوییم هیچ مجلسی و هیچ مقامی نمی‌تواند برخلاف شرع اسلام و مذهب جعفری تصویبی کند یا قانونی بگذراند. رجوع نمایید به اصل دوم متمم قانون اساسی. بحمدالله ملت مسلمان و علمای اسلام زنده و پاینده هستند، و هر دست خیانتکاری که به اساس اسلام و نوامیس مسلمین دراز شود قطع می‌کنند. والله غالب علی امره.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◙ پیام

زمان: ۱۱ آذر ۱۳۴۱ / ۴ رجب ۱۳۸۲ — مکان: قم

موضوع: تشکر از ملت مسلمان ایران — مخاطب: ملت مسلمان ایران

مناسبت: لغو تصویبنامه انجمنهای ایالتی وولایتی توسط دولت

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت عموم برادران ایمانی ـ ایّدهم الله تعالی

باکمال توقیر[۳] معروض می‌دارد، پس از اهدای سلام و تحیت، از احساسات پاک و عواطف عموم مسلمانان در این امر حیاتی که برای همه پیشامد کرده بود تشکر

---

۱. بخشی از آیه ۲۱ سوره یوسف: «خداوند کار خویش است».

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۰۸ تا ۱۱۱.

۳. احترام گزاردن.

می‌کنم، و توفیق و سلامت و تأیید همه را از خداوند تعالی خواستارم. الحق در این نهضت اسلامی خود را در پیشگاه مقدس خداوند تعالی سربلند و در نزد حضرت ولی عصر و سلطان دهر ـ عجل الله تعالی فرجه ـ روسفید نمودید. دست توانای خداوند تعالی با شماست. امید است از ثمرات این نهضت دینی در دنیا و آخرت بهره مند شوید. قیام عمومی دینی شما موجب عبرت برای اجانب گردید. لیکن لازم است متذکر شوم که مسلمین باید بیش از پیش بیدار و هوشیار بوده، مراقب اوضاع خود و مصالح اسلام باشند و صفوف خود را فشرده تر کنند، که اگر خدای نخواسته دستهای ناپاکی به سوی مقدسات آنها دراز شود قطع کنند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲بهمن ۲۵/۱۳۴۱شعبان ۱۳۸۲ مکان: قم

موضوع: افشای اهداف و ماهیت رفراندم غیرقانونی شاه مخاطب: جمعی از متدینین تهران

[حضور محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین، آیت الله العظمی فی الارضین، آقای حاج آقا روح الله خمینی ـ دام ظله العالی علی رئوس الأنام تقاضا داریم نظریه خودتان را در موضوع «تصویب ملی» که در مطبوعات اعلام شده بیان فرمایید. جمعی از متدینین تهران]

بسم الله الرحمن الرحیم

هر چند میل نداشتم مطلب به اظهارنظر برسد، لهذا مصالح و مفاسد را به وسیله آقای بهبودی[۲] به اعلیحضرت تذکر دادم و انجام وظیفه نمودم، و مقبول واقع نشد؛ اینک باید به تکلیف شرعی عمل کنم. به نظر اینجانب این رفراندم، که به لحاظ رفع برخی اشکالات به اسم «تصویب ملی» خوانده شده، رأی جامعه روحانیت اسلام

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. سلیمان بهبودی (از نزدیکان دربار رضاخان و محمدرضا).

و اکثریت قاطع ملت است، در صورتی که تهدید و تطمیع در کار نباشد و ملت بفهمد که چه می‌کند. اینجانب عجالتاً از بعضی جنبه های شرعی آن، که اساساً رفراندم یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد، و از بعضی اشکالات اساسی قانونی آن برای مصالحی صرف نظر می‌کنم، فقط به پاره‌ای اشکالات اشاره می‌نمایم:

۱ ـ در قوانین ایران رفراندم پیش بینی نشده و تاکنون سابقه نداشته، جز یک مرتبه، آن هم از طرف «مقاماتی غیرقانونی» اعلام شد، و به جرم شرکت در آن جمعی گرفتار شدند و از بعضی حقوق اجتماعی محروم گردیدند[۱]. معلوم نیست چرا آن وقت این عمل «غیرقانونی» بود، و امروز قانونی است!

۲ ـ معلوم نیست چه مقامی صلاحیت دارد رفراندم نماید[۲]؛ و این امری است که باید قانون معین کند.

۳ ـ در ممالکی که رفراندم قانونی است باید به قدری به ملت مهلت داده شود که یک یک مواد آن مورد نظر و بحث قرار گیرد، و در جراید و وسایل تبلیغاتی آرای موافق و مخالف منعکس شود و به مردم برسد؛ نه آنکه به طور مبهم، با چند روز فاصله، بدون اطلاع ملت اجرا شود.

۴ ـ رأی دهندگان باید معلوماتشان به اندازه‌ای باشد که بفهمند به چه رأی می‌دهند. بنابراین اکثریت قاطع حق رأی دادن در این مورد را ندارند؛ و فقط بعضی اهالی شهرستانها که قوهٔ تشخیص دارند صلاحیت رأی دادن در مواد ششگانه را دارند که آنان هم بی چون و چرا مخالف هستند.

۵ ـ باید رأی دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار و زور و تهدید و

۱. منظور، برگزاری رفراندم توسط آقای محمد مصدق است. وی به همین علت و مواردی دیگر از سوی دولت کودتا (زاهدی) که دولت مصدق را (مقامات غیر قانونی) عنوان می‌کرد، محاکمه شد.

۲. در کتاب نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۲۰٤، جمله اول از ردیف دوم چنین نقل شده: دولت کنونی صلاحیت ندارد رفراندم نماید.

تطمیع انجام شود؛ و در ایران این امر عملی نیست و اکثریت مردم را سازمانهای دولتی در تمام نقاط و اطراف کشور ارعاب کرده و در فشار و مضیقه قرار داده و می‌دهند.

اساساً پیش آوردن رفراندم برای آن است که تخلفات قانونی قابل تعقیب که ناچار مقامات مسئول گرفتار آن می‌شوند، لوث شود. و کسانی که در مقابل قانون و ملت مسئول هستند اعلیحضرت را اغفال کرده‌اند که به نفع آنان این عمل را انجام دهند. آنان اگر برای ملت می‌خواهند کاری انجام دهند چرا به برنامه اسلام و کارشناسان اسلامی رجوع نکرده و نمی‌کنند تا با اجرای آن برای همه طبقات زندگی مرفه تأمین شود و در دنیا و در آخرت سعادتمند باشند؟! چرا صندوق تعاونی درست می‌کنند که حاصل دسترنج زارع را ببرند؟! با تأسیس اینچنین صندوق تعاونی، بازار ایران بکلی از دست می‌رود و بازرگانان و کشاورزان به خاک سیاه می‌نشینند؛ و در نتیجه سایر طبقات نیز به همین روز مبتلا می‌شوند. اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولتها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علمای اسلام اجرا کنند، تمام ملت در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد.

مقامات روحانی برای قرآن و مذهب احساس خطر می‌کنند. به نظر می‌رسد این رفراندم اجباری مقدمه برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب است. علمای اسلام از عمل سابق دولت راجع به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی، برای اسلام و قرآن و مملکت احساس خطر کرده اند؛ و به نظر می‌رسد که همان معانی را دشمنان اسلام می‌خواهند به دست جمعی مردم ساده دل اغفال شده‌اجرا کنند. علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطرکردند، به مردم مسلم گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند. از خداوند متعال حفظ قرآن مجید و استقلال مملکت را خواهانیم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۵ تا ۱۳۷.

▣ پیام

زمان: زمستان ۱۳۴۱ هـ.ش ./ ۱۳۸۲ هـ.ق . مکان: قم
موضوع: قدردانی از حمایت مردم در قیام علما علیه تصویبنامه انجمنهای ایالتی وولایتی
مخاطب: اهالی الشتر و مناطق مجاور

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت اهالی محترم الشتر و اهالی محترم سایر بخشها ـ ایّدهم الله تعالی

از تأخیر جواب آقایان که برای رسیدن به هدف عالی اسلامی بود، معذرت می‌خواهم. و از مساعی جمیله حضرات مؤمنین عزیز که در این موقع به پشتیبانی از روحانیت احساسات شریفه خود را ظاهر فرمودند و ما را امیدوار نمودند که در مشکلاتی که خدای نخواسته برای اسلام ممکن است پیش آید سربازان رشید اسلام همه نوع در فداکاری حاضرند، تشکر می‌کنم. امید است خدای تعالی به همه اهالی محترم آن سامان اجر و جزای خیر عنایت فرماید و شماها را برای اسلام نگهداری کند و برکات خود را به اهالی محترم آن قُطر[۱] نازل فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: زمستان ۱۳۴۱ هـ.ش ./ ۱۳۸۲ هـ.ق . مکان: قم
موضوع: تقدیر از همراهی آقای کمالوند در قیام علیه لایحه انجمنهای ایالتی وولایتی
مخاطب: کمالوند، روح الله

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله وجود مسعود در کمال سلامت و سعادت است. بحمدالله تعالی در این قضیه مسلمین پیشرفت نموده و برای روحانیت عظمت خاص پیدا شد. گرچه در مدتی که بر ما گذشت بسیار تلخیها دیدیم و رنج فراوان

۱. ناحیه، منطقه.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۸.

بردیم و حقیقتهای ناگواری روشن شد[۱] که کاش نمی‌شد؛ لکن تلخیها را، اعلام لغو تصویبنامه، با همه لجاجت و سرسختی دولت و غیره محو کرد و اینجانب در خَلال این مدت که به مطالعه شخصیات نیز مشغول بودم اعتراف می‌کنم که جنابعالی در صف اول واقع بودید؛ «شکّرالله سعیکم و جزاکم الله عن الاسلام خیر الجزاء». به اخلاص شما تبریک عرض می‌کنم، لکن از بیدار شدن دشمن باید بیمناک بود[۲] و راه تدبیری اتخاذ کرد که لطمه‌ای وارد بیاورند و جبران فضاحت خود را بخواهند بکنند؛ محتاج به همفکری مثل جنابعالی هستیم. امید است ان شاءالله در وقت ملاقات مطالب را در میان بگذاریم، بلکه راه صحیحی پیدا کنیم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ پیام

زمان: ۳بهمن ۱۳۴۱/ ۲۶شعبان ۱۳۸۲ **مکان:** قم
مناسبت: محاصره منازل آقایان خوانساری و بهبهانی در تهران توسط عمال رژیم شاه
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس و مهتوک[٤] هستند. دولت امر داد حوزه های علمیه را هتک کنند، و طلاب بی‌پناه را کتک بزنند، و بازار مسلمین را غارت کنند و درب و پنجره مغازه ها را بشکنند. در تهران حضرت آیت الله خوانساری[۵]

---

۱. از آن جمله: عدم همراهی و سکوت برخی از آقایان در حوزه های علمیه.

۲. صحت پیش بینی و نگرانی امام کمتر از یک ماه بعد، در حمله بی رحمانه مأمورین رژیم شاه به مدرسه فیضیه (۲ فروردین ۱۳٤۲) و کشتار مردم در جریان قیام ۱۵ خرداد ٤۲ آشکار گردید.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۹.

٤. کسی که به او هتک و بی احترامی شده است.

۵. آقای سید احمد خوانساری.

و حضرت آیت الله بهبهانی[۱] را در محاصره شدید قرار دادند؛ و عده‌ای از علمای محترم و وعاظ معظم را محبوس نمودند. و ما از آنها به هیچ وسیله نمی‌توانیم اطلاع پیدا کنیم. اراذل و اوباش را تحریک می‌کنند که به علما و روحانیون اهانت کنند. آقایان طلاب و مبلغین را مانع می‌شوند که برای تبلیغ اسلام در نواحی ایران بروند و تبلیغ احکام کنند. با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند. به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم. «انی لا اری الموت الّا سعادة و لا الحیاة مع الظالمین الّا برما»[۲]. کاش مأمورین بیایند و مرا بگیرند تا تکلیف نداشته باشم. فقط جرم علمای اسلام و سایر مسلمین آن است که دفاع از قرآن و ناموس اسلام و استقلال مملکت می‌نمایند و با استعمار مخالفت دارند. این است حال ما، تا آقای علم و ارسنجانی[۳] چه بگویند.

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

▣ پیام

زمان: ۳بهمن ۱۳۴۱/ ۲۶شعبان ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: حمله مأموران و عوامل ساواک به مردم و طلاب در مدرسه فیضیه و خیابانهای قم
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

بعد از نصایح بسیار و ادای وظیفه روحانیت، نتیجه این شد که امروز که ۲۶

---

۱. آقای سید محمد موسوی بهبهانی.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷. ازفرمایشات حضرت امام حسین (ع): «مرگ را جز خوشبختی، و زندگی با ستمکاران را، مگر ننگ نمی‌بینم.»

۳. اسدالله علم (نخست وزیر)؛ حسن ارسنجانی، وزیرکشاورزی کابینه علی امینی که در زمان صدارت اسدالله علم نیز در همین پست، ابقا شد و از گردانندگان تبلیغات اصلاحات ارضی بود.

٤. صحیفه امام، ج ۱، ص ١٤١.

شهر شعبان است از اوایل روز عده‌ای رجّاله[1] با مأمورین دولت در شهر مقدس قم به راه افتادند و به مردم بی‌پناه قم و طلاب و روحانیون حمله کرده و اهانت نمودند و بسیاری را کتک زدند و به زندان بردند. جمعی از مأمورین و رجّاله به مدرسه فیضیه، مجاور حرم مطهر، ریخته و تیراندازی کردند و با چوب و چماق طلاب مظلوم را کتک زدند؛ و به بازار و خیابان قم ریخته و بعضی دکانها را غارت کردند و درب و پنجره و شیشه مغازه ها را شکستند؛ هیچ کس پیدا نشد که به داد مردم متدین و روحانیت برسد. این است حال ما در این ساعت که ظهر است. و عاقبت امر معلوم نیست چه خواهد شد. این است معنای طرفداری دولت از دیانت. و این است معنای آزادی رأی و رأی دهندگان. ما این وضع را در شهر مذهبی قم و در جوار حرم مطهر و در حوزه علمیه قم به قضاوت افکار عمومی می‌گذاریم. و از خداوند تعالی اسلام و استقلال مملکت را خواهانیم. خداوند تعالی ان شاءالله اسلام و قرآن را حفظ کند.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

◘ بیانیه

زمان:۳بهمن ۱۳۴۱/ ۲۶شعبان ۱۳۸۲ — **مکان:قم**
موضوع:ضرورت عزل علم از نخست‌وزیری — **حضار:مراجع،روحانیون وفرماندار قم**
مناسبت:حوادث خونین دوم وسوم بهمن ماه ۴۱ درقم و تهران، وورود شاه به قم

[بسم الله الرحمن الرحیم]

... با یورش وحشیانه دیروز مأمورین دولت به علما و مردم شریف تهران و هتک مقام مقدس روحانیت پایتخت، و نیز رفتار غیر انسانی امروز مأمورین دولت با

---

۱. پست و فرومایه.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۴۲.

اهالی محترم قم و جامعه روحانیت این شهر و تجاوز به حریم این حوزه مقدسه، دیگر جای هیچ گونه تفاهم و حسن مراوده با دستگاه حاکمه باقی نمانده است و هیچ راهی جهت ملاقات با شاه وجود ندارد مگر آنکه شاه برای جبران اهانت و تجاوزی که به حریم مقدس روحانیت شده، آقای علم را به عنوان مجرم اصلی از مقام نخست وزیری عزل نماید و به این بگیر و ببندها و اعمال پلیسی پایان بخشد تا راه برای ملاقات و مذاکره با او هموار گردد.(۱)

▣ اعلامیه مشترک

زمان: اسفند ۱۳۴۱/شوال ۱۳۸۲(۲) **مکان:** قم
موضوع: اعلامیه مشترک مراجع و علمای قم قانونی نبودن طرح «شرکت زنان در انتخابات»
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

و لا حول و لا قوّة الّا بالله العلی العظیم

چون دولت آقای علم با شتابزدگی عجیبی، بدون تفکر در اصول قانون اساسی و در لوازم مطالبی که اظهار کرده اند، زنها را در انتخاب شدن و انتخاب کردن به صورت تصویبنامه حق دخالت داده، لازم شد به ملت مسلمان تذکراتی داده شود که بدانند مسلمین ایران در چه شرایطی و با چه دولتهایی ادامه زندگی می دهند. لهذا توجه عمومی را به مطالب ذیل جلب می‌نماید:

۱ ـ آقای وزیر کشور در طرحی که تقدیم آقای نخست وزیر کرده‌اند می‌نویسند: «به طوری که استحضار دارند در مقدمه قانون اساسی صریحاً مقرر است که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عمومی، مُحِق و سهیم

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. این بیانیه به «اعلامیه ۹ امضایی» مشهور شد. تاریخ انتشار بیانیه در کتاب هفت هزار روز، ج ۱، ص ۱۲۶، روز ۴۱/۱۱/۲۸ درج شده است.

می‌باشند. و به موجب اصل دوم قانون اساسی، مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاش و سیاسی وطن خود مشارکت دارند. بنابراین محروم ماندن طبقه نسوان از شرکت در انتخابات، نه تنها در قانون اساسی و متمم آن مجوزی ندارد بلکه با توجه به جمله «افراد اهالی مملکت» در مقدمه قانون اساسی و با توجه به جمله «قاطبه اهالی مملکت» مذکور در اصل دوم، مغایر آن نیز می‌باشد. و هیأت دولت تصویب نموده‌اند که بند اول ماده دهم و بند دوم ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورا، و همچنین قید کلمه «ذکور» از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا حذف شود. و وزارت کشور را مکلف کرده‌اند که پس از افتتاح مجلسین، مجوز قانونی این تصویبنامه را تحصیل نماید». لازم است اشکالاتی که به این چند جمله است بیان شود:

الف ـ اگر سهیم بودن زنها در انتخابات، به طوری که آقای وزیر کشور مدعی است و از هیأت دولت نیز ظاهر می‌شود، موافق قانون اساسی است، تصویب هیأت دولت بیمورد است؛ و درست مثل آن است که شرکت مردان را در انتخابات تصویب کند. و اگر تصویب صحیح است، معلوم می‌شود به نظر هیأت دولت شرکت نسوان مخالف قانون اساسی است.

ب ـ اگر سهیم نبودن زنها به عقیده آنها مغایر قانون اساسی است، مکلف کردن هیأت دولت، آقای وزیر کشور راکه پس از افتتاح مجلسین مجوز قانونی تصویبنامه را تحصیل نماید، بی‌اساس است. و اگر مجوز قانونی می‌خواهد، معلوم می‌شود به نظر دولت شرکت زنها مغایر قانون اساسی است. آیا بهتر نبود که هیأت دولت با قدری فکر و تأمل تصویبنامه صادر می‌کرد که این تناقض گوییهای واضح رخ ندهد؟

۲ ـ مقدمه قانون اساسی غیر قانون اساسی است بلکه کلام شاه وقت است و رسمیت قانونی ندارد. و آقای وزیر کشور آن را بدون تأمل، یا برای اغفال، مورد استدلال قرار داده اند. لکن بهتر بود تا آخر این مقدمه را مطالعه کنند که واضح شود

نسوان حق مداخله در انتخابات ندارند. زیرا در همان مقدمه است:

«اینک که مجلس شورای ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است» پس اگر شرکت نسوان منظور بوده چطور ممکن است مجلس را بدون شرکت زنها «بر طبق نیات مقدسه» افتتاح نمایند؟ این عبارت صریح است به اینکه دوره اول مجلس طبق نیات شاه بوده، و زنها در آن شرکت نداشته‌اند. پس معلوم می شود که برای زنان حق نبوده است.

۳ـ از بیان سابق معلوم می‌شود مراد از «قاطبه اهالی مملکت»، که در اصل دوم است، آن نیست که هیأت وزیران فهمیده‌اند بلکه مراد آن است که وکیل تهران وکیل همه ملت است، و وکیل قم نیز وکیل همه ملت است، نه وکیل حوزه انتخابیه خود. چنانچه در اصل سی‌ام متمم قانون اساسی به آن تصریح شده است. و دلیل بر این مدعا آنکه بیشتر از ده طبقه حق رأی ندارند، با آنکه جزء قاطبه اهالی مملکت هستند. پس باید تصدیق کنند که یا محروم کردن این طبقات مخالف قانون اساسی است، و یا شرکت نسوان مخالف است.

۴ـ فرضاً که در تفسیر این اصل خلافی باشد، به موجب اصل بیست و هفتم از متمم قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین از مختصات مجلس شورای ملی است و آقایان وزرا حق تفسیر ندارند.

۵ـ به نظر هیأت دولت که طایفه نسوان و سایر محرومین به موجب قانون اساسی حق شرکت در انتخابات دارند، از صدر مشروطیت تاکنون تمام دوره های مجلس شورا برخلاف قانون اساسی تشکیل شده و قانونیت نداشته است، زیرا که طایفه نسوان و بیش از ده طبقه دیگر در قانون انتخابات از دخالت محروم شده اند؛ و این مخالف با قانون اساسی بوده است! در این صورت مفاسد بسیاری لازم می‌آید که ذیلاً تشریح می‌شود:

الف ـ کلیه قوانین جاریه در مملکت، از اول مشروطه تاکنون، لغو و بی اثر بوده

و باید باطل و غیرقانونی اعلام شود.

ب ـ مجالس مؤسسان که تشکیل شده، به نظر دولت آقای علم، خلاف قانون اساسی و لغو و بی اثر بوده؛ و این دعوی بر حسب قانون جرم است، و گوینده آن باید تعقیب شود.

ج ـ دولت آقای علم و جمیع دولتهایی که از صدر مشروطیت تاکنون تشکیل شده است غیرقانونی است. و دولت غیرقانونی حق صدور تصویبنامه و غیره را ندارد بلکه دخالت کردن آن در امر مملکت و خزینه کشور، جرم و موجب تعقیب است.

د ـ کلیه قراردادها با دول خارجه، از قبیل قرارداد نفت و غیر آن، به نظر دولت آقای علم، لغو و باطل و بی اثر است و باید به ملت اعلام شود.

۶ ـ حذف بند اول ماده دهم و بند دوم ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شوال ۱۳۲۹ هجری قمری، و حذف قید کلمه «ذکور» از ماده ششم و نهم قانون انتخابات مجلس سنا، مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹، که به استناد مقدمه قانون اساسی و اصل دوم است، غیرقانونی است و برای دولت چنین حقی نیست؛ زیرا مستند چنانچه گفته شد باطل است. به علاوه از برای دولت نیز حق ابطال قانون مصوب در مجلس شورای ملی نیست. و به نص اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی، قوه مجریه از قوه مقننه همیشه ممتاز و منفصل خواهد بود.

آنچه مذکور شد جنبه های قانونی تصویبنامه غیرقانونی است. این تصویبنامه با اصل دوم و اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی نیز مخالف است.

روحانیت، با هر فشار و مضیقه و اهانتی که دولت بر آن وارد کرده و درصدد وارد کردن است، تکلیف دینی و وجدانی خود را در این تشخیص داده که مصالح و مفاسد را به دولتها و به جامعه مسلمین گوشزد کند؛ و از نصیحت مشفقانه به زمامداران و اولیای امور خودداری نکند؛ و آنچه را برای این ملت بدبخت ضعیف گرسنه بناست پیشامد کند، و آثار و نشانه آن یکی بعد از دیگری نمایان می شود، به

جامعه بشر برساند. با این اختناق جانفرسای مطبوعات و سختگیری دستگاه انتظامی، که حتی برای طبع یک ورقه مشتمل بر نصیحت و راهنمایی یا پخش آن اشخاصی به حبس کشیده و مورد اهانت و شکنجه واقع می‌شوند، روحانیت ملاحظه می‌کند که دولت مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده، و در کنفرانسها اجازه می‌دهد که گفته شود قدمهایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده. در صورتی که هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها، که جزء احکام ضروری اسلام است، معتقد باشد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است.

روحانیت می‌بیند که پایه های اقتصادی این مملکت در شرف فروریختن است؛ و بازار این کشور در حکم سقوط است. چنانکه از پرونده های مربوط به سفته‌های بی‌محل، که هر روز بر قطرش افزوده می‌شود، این مطلب واضح می‌شود. و همین طور امر زراعت این کشور در معرض سقوط است. به دلیل اینکه در این مملکت، که باید هر استانش زراعت مورد احتیاج تمام مملکت را بدهد، هر چند وقت به عنوان احتمال خشکسالی یا به عنوان دیگری تصویبنامه وارد کردن گندم صادر می‌کنند. بلکه چنانچه گفته می‌شود، اخیراً به صورت آرد می‌آورند که آسیاهای ایران نیز از کار بیفتد. با این وضع رقتبار به جای آنکه دولت درصدد چاره برآید، سر خود و مردم را گرم می‌کند به امثال دخالت زنان در انتخابات، یا اعطای حق زنها، یا وارد نمودن نیمی از جمعیت ایران را در جامعه. و نظایر این تعبیرات فریبنده، که جز بدبختی و فساد و فحشا چیز دیگری همراه ندارد. آقایان نمی‌دانند که اسلام مراعات بانوان را در تمام جهت بیش از هر کس نموده؛ و احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی آنها موجب شده است که از این نحو اختلاط مخالف با عفت و تقوای زن جلوگیری کند؛ نه آنکه خدای نخواسته آنان را مانند محجورین[۱] و محکومین قرار داده. مگر

---

۱. محجور، کسی که به واسطه سفاهت و کم خردی از تصرف در مال خود (و امور مشابه) منع شده باشد.

فقط علامت عدم محجوریت آن است که در این مجلسها وارد شوند؟! اگر چنین است، باید اولْ نظام برّی و بحری، و صاحب منصبان و اجزای امنیّه و نظمیّه[۱]، و شاهزادگان بلافصل، و اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند، از محجورین و محکومین باشند!

روحانیون تمام این پیشامدها را که اکنون می‌بینید و بعد خواهید دید پیش بینی کرده بودند، و با صراحت در اعلامیه‌های دو ـ سه ماه قبل ذکر نموده‌اند؛ و حالا نیز خطرهای بالاتر و بیشتری را اعلام می‌کنند، و از عواقب امر این جهتهای خلاف شرع و قانون اساسی بر این مملکت و استقلال و اقتصاد و تمام حیثیات آن می‌ترسند؛ و وظیفه خطیر خود را در این شرایط، که همه ملت می دانند و می‌بینند، ادا می‌کنند و با صراحت می‌گویند تصویبنامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است. و با اختناق مطبوعات و فشارهای قوای انتظامی و جلوگیری از طبع و نشر امثال این نصایح و حقایق، اقدام به نشر آن به مقدار مقدور می‌کنند تا دولتها نگویند ما تصویبنامه صادر کردیم و علما مخالفت نکردند. و به خواست خداوند متعال در موقع خود اقدام برای جلوگیری می‌کنند.

ملت ایران نیز با این نحو تصویبنامه‌ها مخالف است؛ به دلیل آنکه در دو ـ سه ماه قبل که فشار و ارعاب قدری کمتر بود، تبعیت خودشان را از علمای اسلام به وسیله تلگرافات و مکاتیب و طومارها از اطراف و اکناف ایران اعلام نموده، و لغو تصویب نامه غیرقانونی دولت را راجع به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی خواستار شدند. و دولت نیز قبول درخواست ملت را کرده و احاله به مجلس نمود. اینک که به وسیله حبس و زجر و اهانت به طبقات مختلفه ملت از روحانیین و متدینین تسلط خود را بر ملت احراز نموده، بدون اعتنا به قوانین اسلام و قانون

---

۱. ژاندارمری و شهربانی.

اساسی و قانون انتخابات، دست به کارهایی زده که عاقبت آن برای اسلام و مسلمین خطرناک و وحشت آور است. خداوند ان شاءالله دولتهای ما را از خواب غفلت بیدار کند، و بر ملت مسلمان و مملکت اسلام ترحم فرماید.

اللّهم انا نشکو الیک فقد نبینا ـ صلواتک علیه و آله ـ و غیبة ولیّنا و کثرة عدوّنا و قلة عددنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا. فصلّ علی محمد و آله، و اعنّا علی ذلک بفتح منک تعجله و بضر تکشفه و نصر تعزه و سلطان حق تظهره.[۱] فانا لله و انا الیه راجعون.

مرتضی الحسینی اللنگرودی، احمد حسینی الزنجانی، محمد حسین طباطبائی، محمد الموسوی الیزدی، محمدرضا الموسوی الگلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، روح الله الموسوی الخمینی، هاشم الآملی، مرتضی الحائری.[۲]

▣ پیام

زمان: ۲۲اسفند ۱۳۴۱/ ۱۶شوال ۱۳۸۲ مکان: قم

موضوع: اعتراض به زیرپا گذاشتن احکام ضروری اسلام و قرآن مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

دستگاه حاکمه ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرد، و به احکام مسلمه قرآن قصد تجاوز دارد. نوامیس مسلمین در شرف هتک است. و دستگاه جابره با تصویبنامه‌های خلاف شرع و قانون اساسی می‌خواهد زنهای عفیف را ننگین و ملت ایران را سرافکنده کند.

---

۱. «خدایا به تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبرمان ـ درود بر او و آل او باد ـ و غیبت ولیّ‌مان، و از زیادی دشمن و کمی تعدادمان، و از شدت فتنه‌های وارد به ما و بازیهای روزگار بر ما. پس بر محمد و آل او درود فرست و ما را بر این (مصیبتها) به پیروزی عاجل و برطرف کردن ناراحتیها و یاری عزت بخش و سلطهٔ بارز حقانیت یاری فرما» (از فقرات دعای افتتاح).

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱٤٥ تا ۱٥۰.

دستگاه جابره در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند. یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد، یعنی دخترهای هجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه ها بکشد، یعنی با زور سرنیزه دخترهای جوان عفیف مسلمانان را به مراکز فحشا ببرد.

هدف اجانب قرآن و روحانیت است. دستهای ناپاک اجانب با دست این قبیل دولتها قصد دارد قرآن را از میان بردارد، و روحانیت را پایمال کند. ما باید به نفع یهود، امریکا، و فلسطین هتک شویم، به زندان برویم، معدوم گردیم، فدای اغراض شوم اجانب شویم. آنها اسلام و روحانیت را برای اجرای مقاصد خود مضر و مانع می‌دانند. این سد باید به دست دولتهای مستبد شکسته شود. موجودیت دستگاه رهین شکستن این سد است. قرآن و روحانیت باید سرکوب شود. من این عید را برای جامعه مسلمین عزا اعلام می‌کنم، تا مسلمین را از خطرهایی که برای قرآن و مملکت قرآن در پیش است آگاه کنم.

من به دستگاه جابره اعلام خطر می‌کنم. من به خدای تعالی، از انقلاب سیاه و انقلاب از پایین نگران هستم. دستگاهها با سوء تدبیر و با سوءنیت گویی مقدمات آن را فراهم می‌کنند. من چاره در این می‌بینم که این دولت مستبد به جرم تخلف از احکام اسلام و تجاوز به قانون اساسی کنار برود؛ و دولتی که پایبند به احکام اسلام و غمخوار ملت ایران باشد بیاید. بارالها! من تکلیف فعلی خود را ادا کردم؛ اللّهم قد بلغت[۱]. و اگر زنده ماندم تکلیف بعدی خود را به خواست خداوند ادا خواهم کرد. خداوندا! قرآن کریم و ناموس مسلمین را از شر اجانب نجات بده.

روح‌الله‌الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. خداوندا! ابلاغ کردم.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۵۳ تا ۱۵٤.

▣ نامه

زمان:اواخراسفند ۱۳۴۱/شوال ۱۳۸۲ مکان:قم
موضوع:اعلام‌عزای عمومی‌درنوروزسال ۱۳۴۲به‌مناسبت تحرکات ضددینی‌رژیم‌شاه
مخاطب:فلسفی،محمدتقی

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله مزاج محترم خالی از کسالت است. تلگرافی به قزل قلعه[۱] کردم. پس از آنکه مخابره شد مژده بیرون آمدنتان را دادند. «ذهب العناء بقی الاجر»[۲] تصمیمی که ما برای نوروز امسال گرفتیم به نظرم مؤثر و خوب است، لکن با اختلاف سلیقه ها باز برخورد کرده. انصافاً ما برای کوبیده شدن خوب هستیم ! در هر صورت به گمان بنده اگر جنابعالی و حضرت آیت الله والد و آیت الله آملی و آیت الله آشتیانی اعلامیه [ای] به مضمون اعلامیه ما یا هر طور صلاح می‌دانید مشترکاً یا جداگانه انتشار دهید مؤثر خواهد بود. البته باید اسم وفات حضرت صادق سلام الله علیه برده نشود و با صراحت نوشته شود برای صدماتی که در این سال به اسلام وارد شده است. اگر آقای آشتیانی هم حاضر نشد بقیه کافی است و عمل دولت که جدیت دارد مذهب را به اسم حضرت صادق بکوبد، خنثی می‌شود. چون شنیدم دولت هم چنین تظاهری می‌خواهد بکند. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. زندان قزل قلعه تهران.

۲. درد و رنج گذشت و پاداش آن پایدار است.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۵۵.

▣ پیام

زمان: ۲۲اسفند ۱۳۴۱/ ۱۶شوال ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: اعلام عزای عمومی در عید نوروز سال ۱۳۴۲ مخاطب: علما و روحانیون

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام ـ دامت برکاتهم

«اعظم الله تعالی اجورکم[۱]». چنانچه اطلاع دارید دستگاه حاکمه می‌خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه اسلام قیام؛ و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می‌اندازد. لذا اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر ـ عجل الله تعالی فرجه ـ جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبتهای وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ بخشی از بیانات امام درمورخ ۲۹ اسفند ۱۳۴۱

انگیزه مخالفت با تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

ای مسلمانان عالم! بدانید در جریان تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی علت مخالفت علمای اسلام قضیه شرکت زنان در انتخابات نبود، این قضیه ناچیزتر از آن بود که آن قیام عمومی را به همراه داشته باشد. مسئله این بود که علما و روحانیون دیدند که دستگاه جبار می‌خواهد باکید شیطانی اسلام را قلب کند و اوضاع را به عقب برگرداند.

آیا در چنین شرایطی که آنها قوانین مقدس اسلامی را بازیچه دست خود قرار

---

۱. خداوند تعالی، پاداش شما را زیاد گرداند.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۵٦.

داده‌اند ما ساکت بنشینیم و اعتراض نکنیم و نگوییم که چرا وعاظ و خطبای اسلام را تحت فشار قرار می‌دهند؟ چرا صدای مبلغین اسلام را خفه می‌کنند؟ چرا چاپخانه ها را تحت سانسور قرار می‌دهند و از چاپ و نشر نوشته‌های اسلامی جلوگیری می‌کنند؟ چرا آزادی مطبوعات را سلب می‌کنند؟

اینها به نام امام صادق ـ سلام الله علیه ـ می‌خواهند با مکتب آن حضرت مقابله کنند. به نام امام صادق می‌خواهند احکام مقدس قرآن را از بین ببرند و تعالیم درخشان آن را ریشه کن کنند. آنها در کنار شعار احترام به مقام حضرت صادق، از تساوی حقوق زن و مرد دم می‌زنند. تساوی حقوق زن و مرد یعنی قرآن را زیر پا گذاردن؛ یعنی مذهب جعفری را کنار زدن؛ یعنی قرآن را مهجور کردن و به جای آن کتابهای ضاله قرار دادن، یعنی دخترهارا به سربازخانه هاکشانیدن و سایر کارهایی که نوامیس اسلام و مسلمین را به خطر تهدید می‌کند.

این تساوی حقوق زن و مرد و ملحقات آن از نظر بیست میلیون نفوس ایرانی مردود، و محکوم است. مع ذلک با زور و سرنیزه، با فشار و با آتش گلوله می‌خواهند آن را بر ملت ما تحمیل کنند. اگر این فشارها از ناحیه انگلیس یا امریکاست به ما بگویند تا ما خودمان با آنها برخورد کنیم. اگر الزامات بین المللی است باز هم به ما بگویند تا فکر دیگری بکنیم. این دولتهای غیرقانونی از جان ما چه می‌خواهند؟ این نخست وزیر خبیث بیسواد[1] از جان این مردم چه می‌خواهد؟ چرا نمی‌رود به دنبال کارش تا یک نفر فهمیده و باسواد که غمخوار این ملت باشد بر سر کار آید؟

آیا ما ساکت باشیم و حرفی نزنیم در حالی که آنها به مدرسه فیضیه می‌ریزند، در و پنجره ها را می‌شکنند، طلاب را کتک می‌زنند و اموالشان را غارت می‌کنند علمای تهران را به زندان می‌برند، در قم به مغازه ها حمله می‌کنند، در مغازه

---

۱. اسدالله علم.

را می‌شکنند و مال مردم را می‌برند؟ این بدبختها خیال می‌کنند با زدن یک عده مردم بی‌سلاح و طلاب بیگناه فتح هندوستان کرده‌اند و مملکت را در سطح ممالک راقیهٔ دنیا قرار داده‌اند! ...[۱]

▣ بیانات

زمان:۳فروردین ۱۳۴۲/۲۶شوال ۱۳۸۲ — مکان:قم
مناسبت:حمله‌مأموران‌رژیم‌شاه‌به‌مدرسه‌فیضیه — حضار:روحانیون،طلاب‌واهالی‌قم

[بسم الله الرحمن الرحیم]

... مردم لازم است از مدرسه فیضیه دیدن نمایند و جنایات غیر انسانی دستگاه حاکمه را از نزدیک ببینند و نیز به بیمارستانها سرکشی کنند و از روحانیان مجروح و مصدوم عیادت به عمل آورند تا دریابند که دستگاه حاکمه با روحانیت چه کرده است![۲]

▣ تلگراف

زمان:فروردین ۱۳۴۲/ذی‌القعده ۱۳۸۲
مکان:قم
موضوع:تشکرازاظهارهمدردی‌درفاجعه‌حمله‌عوامل‌رژیم‌شاه‌به‌مدرسه‌فیضیه
مخاطب:میلانی،سیدهادی

مشهد حضرت آیت الله آقای میلانی ـ دامت برکاته

از اظهار همدردی در این فاجعه عظیمه که از طرف دستگاه جبار بر اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده متشکرم. خاطرات زمان چنگیز تجدید شد. ﴿و سیعلم الّذین ظلموا أی منقلب ینقلبون﴾[۳].

خمینی[٤]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ١٦٠ تا ١٦٢.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ١٦٧.

۳. سوره شعرا، آیه ۲۲۷: «ستمگران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی بازگشت می‌کنند».

٤. صحیفه امام، ج ۱، ص ١٦٨.

▣ تلگراف

زمان: ۱۰ فروردین ۱۳۴۲ / ۴ ذی‌القعده ۱۳۸۲
مکان: قم
موضوع: پیام تشکر از اظهار همدردی در فاجعه تهاجم عوامل رژیم به مدرسه فیضیه
مخاطب: روحانیون تهران و شهرستانها

از اظهار همدردی در این فاجعه عظیمه که واقعهٔ شهدای کربلا را به نظر می‌آورد متشکرم. قوای دولتی با بی رحمی اولاد روحانی و جسمانی پیغمبر را سرکوب کرده و قلب امام زمان را جریحه دار نمودند. خاطرات زمان چنگیز تجدید شد. اکنون روحانیون تأمین جانی ندارند. خداوند قاهر کافی است.

خمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ / ۷ ذی‌القعده ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: استیضاح اسدالله علم (نخست وزیر وقت) مخاطب: علمای تهران
مناسبت: تهاجم عوامل رژیم شاه به مدرسه فیضیه و ضرب و جرح مردم و طلاب

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

به وسیله حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید اصغر خوئی ـ دامت افاضاته

خدمت ذی شرافت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام تهران ـ دامت برکاتهم

تلگراف محترم برای تسلیت در فاجعه عظیم وارده بر اسلام و مسلمین موجب تشکر گردید.

حمله کماندوها و مأمورین انتظامی دولت با لباس مبدل و به معیت و پشتیبانی پاسبانها به مرکز روحانیت خاطرات مغول را تجدید کرد. با این تفاوت که آنها به

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۶.

مملکت اجنبی حمله کردند، و اینها به ملت مسلمان خود. و روحانیون و طلاب بی‌پناه. در روز وفات امام صادق علیه السلام با شعار «جاوید شاه» به مرکز امام صادق و به اولاد جسمانی و روحانی آن بزرگوار حمله ناگهانی کردند؛ و در ظرف یکی دو ساعت تمام مدرسه فیضیه، دانشگاه امام زمان ـ صلوات الله و سلامه علیه ـ را با وضع فجیعی، در محضر قریب بیست هزار مسلمان، غارت نمودند؛ و دربهای تمام حجرات و شیشه ها را شکستند. طلاب از ترس جان، خود را از پشت بامها به زمین افکندند. دستها و سرها شکسته شد. عمامه طلاب و سادات ذریه پیغمبر را جمع نموده آتش زدند؛ بچه‌های شانزده هفده ساله را از پشت بام پرت کردند؛ کتابها و قرآنها را چنانکه گفته شده پاره کردند.

اکنون روحانیون وطلاب در این شهر مذهبی تأمین جانی ندارند. اطراف منازل علما و مراجع محصور کارآگاه و گاهی کماندو و مأمورین شهربانی است. مأمورین تهدید می‌کنند که سایر مدارس را نیز به صورت فیضیه درمی آوریم. طلاب محترم از ترس مأمورین لباسهای روحانیت را تبدیل نموده اند. دستور داده‌اند که طلاب را به اتوبوس و تاکسی سوار نکنند. در مجامع عمومی مأمورین به روحانیون عموماً و به بعضی افراد به اسم ناسزا می‌گویند و فحشهای بسیار رکیک می‌دهند. شبها پاسبانها ورقه های فجیع با امضای مجهول پخش می‌کنند. اینان با شعار «شاه دوستی» به مقدسات مذهبی اهانت می‌کنند. «شاه دوستی» یعنی غارتگری، هتک اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین، و تجاوز به مراکز علم و دانش؛ «شاه دوستی» یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام، سوزاندن نشانه های اسلام و محو آثار اسلامیت؛ «شاه دوستی» یعنی کوبیدن روحانیت و اضمحلال آثار رسالت.

حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است؛ و اظهار حقایق، واجب «ولو بلغ ما بلغ».

اکنون که مرجع صلاحیتداری برای شکایت در ایران نیست و اداره این مملکت به طور جنون آمیز در جریان است، من به نام ملت از آقای علم، شاغل نخست وزیری، استیضاح می‌کنم: با چه مجوز قانونی در دو ماه قبل حمله به بازار تهران گردید، و علمای اعلام و سایر مسلمین را مصدوم و مضروب نمودید؟ با چه مجوز علما و سایر طبقات را به حبس کشیدید که جمع کثیری در حبس به سر می‌برند؟ با چه مجوزی بودجه مملکت را خرج رفراندم معلوم الحال کردید؟ در صورتی که رفراندم از شخص شاه بود و بحمدالله ایشان از غنی ترین افراد بشر هستند با چه مجوز مأمورین دولت را که از بودجه ملت حقوق می‌گیرند برای رفراندم شخصی التزاماً به خدمت واداشتند؟ با چه مجوزی در دو ماه قبل بازار قم را غارت کردید، و به مدرسه فیضیه تجاوز نمودید و طلاب را کتک زده و آنها را به حبس کشیدید؟ با چه مجوز در روز وفات امام صادق سلام الله علیه کماندوها و مأمورین انتظامی را با لباس مبدل و حال غیرعادی به مدرسه فیضیه فرستاده و این همه فجایع را انجام دادید؟

من اکنون قلب خود را برای سرنیزه های مأمورین شما حاضر کردم، ولی برای قبول زورگوییها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم کرد. من به خواست خدا احکام خدا را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد؛ و تا قلم در دست دارم کارهای مخالف مصالح مملکت را برملا می‌کنم. اکنون یک چشم مسلمین بر دنیای خود، و چشم دیگرشان بر دین خود گریان است. و حکومت چند ماهه شما با کارهایی که می‌کنید اقتصاد، زراعت، صنعت، فرهنگ، و دیانت مملکت را به خطر انداخته، و مملکت از هر جهت در شرف سقوط است. خداوند تعالی اسلام و مسلمین را در پناه خود و قرآن حفظ فرماید.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۷ تا ۱۷۹.

▣ پیام

زمان: ۱۶فروردین ۱۳۴۲/ ۱۰ذی‌القعده ۱۳۸۲ **مکان: قم**
موضوع: سپاسگزاری از مردم به خاطر همراهی با قیام **مخاطب: ملت ایران**
مناسبت: اعتصاب و تعطیل عمومی در اعتراض به فاجعه حمله به فیضیه

بسم الله الرحمن الرحیم

لازم است از ابراز احساسات ملت محترم ایران، خصوصاً اهالی معظم تهران ایّدهم الله تعالی که مستلزم زحمات و خسارات فراوان بود، تشکر کنم.

تعطیل عمومی بازارها و خیابانها، با این محیط ارعاب و خفقان و اختناق و با وضع اقتصاد عصر حاضر، ابراز انزجار و تنفر عمومی از دستگاه جباره بود. کراراً تذکر داده شد که روحانیون نظری جز اصلاح حال ملت و بقای استقلال مملکت ندارند. و حفظ قوانین اسلام و قانون اساسی، به آن جهت که ضامن حفظ مذهب جعفری و قوانین اسلام است، سرلوحه مرام آنهاست. و هر کس قصد تجاوز به حریم اسلام و قوانین مقدسه آن داشته باشد، در هر لباس و مقام که باشد، روحانیت به پشتیبانی از شما برادران ایمانی و ملت بزرگ اسلام در نصیحت یا مقابله با او کوشش خواهد کرد.

شما ملت بزرگ ایران با تعطیل کارهای خود و تحمل ضرر و زحمت، به پشتیبانی از روحانیت و اسلام، ثابت کردید که به احکام خدای تعالی و به مقام مقدس روحانیت وفادار هستید؛ و از کسانی که برخلاف قوانین اسلام می‌خواهند قدمهایی بردارند، تا سرحد امکان اظهار تنفر می‌کنید؛ «شکر الله سعیکم، و علی الله اجرکم»[1]. خداوند تعالی به شما توفیق و جزای خیر عنایت فرماید.

ما اکنون در محاصره همه جانبه به سر می‌بریم. بسیاری از تلگرافات ما به

---

۱. سعی شما مشکور و اجرتان بر خداوند باد.

مقصد نمی‌رسد. تلگرافاتی که به ما شده است غالباً نمی‌رسد. مطبوعات کشور آزادانه یا به اجبار به هتک و اهانت ما قلمفرسایی می‌کنند. گویندگان با اشاعه اکاذیب به هتک و تضعیف روحانیت، یگانه پشتوانه مملکت، کوشا هستند و از هیچ تهمت و افترایی خودداری نمی‌کنند. این پشتوانه باید شکسته شود تا اجانب آزادانه به مقاصد شوم خود برسند. روحانیت باید زجر ببیند، هتک شود؛ این لباس در خور سوختن است! در بیست و چند سال قبل به دست عمال انگلیس، دشمن سابقه دار اسلام و شرق، چه اهانتها و زجرها و شکنجه ها که دیدند[۱]. جوانها از سالخورده ها بپرسند. امروز به دست عمال دیگران باید اهانت شوند و شکنجه ببینند. خداوند قهار کافی است.

بار دیگر از ملت بزرگ ایران تشکر نموده از خداوند تعالی عظمت اسلام و قرآن، و استقلال ممالک اسلامی، و شوکت و بزرگی پیروان قرآن کریم را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ تلگراف

زمان: ۲۳فروردین ۱۳۴۲/ ۱۷ذی‌القعده ۱۳۸۲ مکان: قم
مناسبت: دعوت آقای حکیم از علمای ایران برای هجرت به نجف و اعتاب مقدسه
مخاطب: طباطبایی حکیم، سید محسن (از مراجع بزرگ تقلید)

نجف، حضرت آیت الله حکیم - دامت برکاته و علت کلمته

تلگراف محترم در تسلیت فاجعه عظمیٰ موجب تشکر گردید. امید است با وحدت کلمه علمای اعلام اسلام و مراجع وقت کثّرالله امثالهم حفظ استقلال مملکت و قطع دست اجانب را نموده، از حریم اسلام و قرآن کریم دفاع کرده، نگذاریم دست خیانت به احکام مسلّمهٔ اسلام دراز شود. ما می‌دانیم با هجرت مراجع

---

۱. اشاره به فجایعی که در دوران رضاخان بر روحانیت و حوزه ها رفت.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸۰ تا ۱۸۱.

و علمای اعلام اعلی الله کلمتهم[۱] مرکز بزرگ تشیع در پرتگاه هلاکت افتاده و به دامن کفر و زندقه کشیده خواهد شد، و برادران ایمانی عزیز ما در شکنجه و عذاب الیم واقع خواهند شد. ما می‌دانیم با این هجرت، تغییرات و تحولات عظیمی روی خواهد داد که ما از آن بیمناکیم. ما عجالتاً در این آتش سوزان به سر برده و با خطرهای جانی صبر نموده، از حقوق اسلام و مسلمین و از حریم قرآن و استقلال مملکت اسلام دفاع می‌کنیم؛ و تا سر حد امکان مراکز روحانیت را حفظ نموده، امر به آرامش و سکوت می‌نماییم؛ مگر آنکه دستگاه جبار راهی را بخواهد طی کند که ما را ناگزیر به مطالبی کند که به خدای تبارک و تعالی از آن پناه می‌بریم. اینجانب دست اخلاص خود را به سوی جمیع مسلمین، خصوصاً علمای اعلام و مراجع عظام ـ اطال الله بقائهم[۲] ـ دراز کرده، و از عموم طبقات برای صیانت احکام اسلام و استقلال ممالک اسلامی استمداد می‌کنم. و اطمینان دارم با وحدت کلمه مسلمین، سیّما علمای اعلام، صفوف اجانب و مخالفین درهم شکسته، و هیچ گاه به فکر تجاوز به ممالک اسلامی نخواهند افتاد. ما تکلیف الهی خود را ان شاءالله ادا خواهیم کرد؛ و به احدی الحسنیین[۳] نایل خواهیم شد: یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم؛ و یا جوار رحمت حق جلّ و علا: «انّیْ لا اری الموت الّا سعادة و لا الحیوة مع الظالمین الّا برما»[٤]. اینک دستگاه جبار برای اطفای نور حق به هر وسیله در کوشش است. ﴿و الله متم نوره ولو کره الکافرون﴾[٥].

روح الله الموسوی الخمینی[٦]

---

۱. خداوند، کلام آنان را بلند مرتبه گرداند.

۲. خداوند، عمر آنان را زیاد کند.

۳. اشاره به آیه ۵۲ سوره توبه: یکی از دو پیروزی [یا پیروزی ظاهری یا شهادت، که آن نیز فوزی عظیم است] .

٤. بحارالانوار، ج ۷۵، ص۱۱۷. از فرمایشات امام حسین (ع): «مرگ را جز سعادت؛ و زندگی با ظالمان را جز ننگ نمی‌بینم».

٥. سوره صف، آیه ۸: «خداوند نور خود را تمام و کامل نگاه می‌دارد، هرچند کافران خوش ندارند».

٦. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸۲ تا ۱۸۳.

◙ **نامه**

زمان: اردیبهشت ۱۳۴۲/ذی‌القعده ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: محکوم کردن ارائه تسهیلات به بهاییها جهت مسافرت به لندن و شرکت در محفل بهاییان
مخاطب: علمای یزد

بسم الله الرحمن الرحیم

محترماً معروض می‌دارد، از خداوند تعالی سلامت و عظمت و توفیق حضرات آقایان را در إعلای کلمه اسلام و تشیید مبانی دین مبین خواستار است.

لازم است توجه حضرات آقایان را جلب کنم به اعمال گذشته و حاضر دستگاه جبار؛ در گذشته به اسلام و قرآن اهانت کرد و خواست قرآن را در ردیف کتب ضاله قرار دهد. اکنون با اعلام تساوی حقوق، چندین حکم ضروری اسلام محو می‌شود. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود شرط اسلام و ذکوریت را از شرایط قضات لغو کرده.

از چیزهایی که سوء نیت دولت حاضر[1] را اثبات می‌کند تسهیلاتی است که برای مسافرت دو هزار نفر یا بیشتر از فرق ضاله قائل شده است، و به هر یک پانصد دلار ارز داده‌اند و قریب هزار و دویست تومان تخفیف در بلیت هواپیما داده‌اند؛ به مقصد آنکه این عده در محفلی که در لندن از آنها تشکیل می‌شود و صددرصد ضداسلامی است شرکت کنند. در مقابل، برای زیارت حجاج بیت‌الله الحرام چه مشکلات که ایجاد نمی‌کنند و چه اجحافات و خرج تراشیها که نمی‌شود.

آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پستهای حساس به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می‌شود. لازم است

---

۱. کابینه اسدالله علم.

علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیرهٔ سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره‌گیری همه چیز را از دست خواهیم داد.

اسلام به ما حق دارد، پیغمبر اسلام حق دارد. باید در این زمان که زحمات جانفرسای آن سرور در معرض زوال است، علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدسه، دین خود را ادا نمایند. من مصمم هستم که از پا ننشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم؛ و یا در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر وفود[۱] کنم. شما هم، ای علمای اسلام، مصمم شوید؛ و بدانید پیروزی با شماست: ﴿والله متم نوره ولو کره الکافرون﴾[۲]. خداوندا! عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام را روزافزون فرما. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

◘ پیام

زمان: اردیبهشت ۱۳۴۲/ذی‌القعده ۱۳۸۲ **مکان:** قم
موضوع: بیان رسالت سنگین روحانیت به عنوان سربازان امام زمان «عج»
مناسبت: اعزام روحانیون به خدمت سربازی **مخاطب:** طلاب اعزام شده به سربازی

نگران نباشید، تزلزل به خود راه ندهید، و با کمال رشادت و سربلندی، و روحی قوی بایستید. شما هر کجا که باشید سربازان امام زمان «عج» می‌باشید؛ و باید به وظیفه سربازی خود عمل نمایید. رسالت سنگینی که اکنون به عهده دارید روشن ساختن و آگاه کردن سربازان و درجه دارانی است که با آنان سر و کار دارید؛ که لازم

---

۱. وارد شدن.

۲. بخشی از آیه ۸ سوره صف: «و خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید».

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸٦ تا ۱۸۷.

است از انجام این رسالت مقدس اسلامی غفلت نورزید. تعلیمات نظامی را با کمال جدیت و پشتکار دنبال کنید؛ هم از نظر روحی و هم از نظر جسمی خود را قوی سازید؛ مبادا یکوقت خدای نخواسته ضعف و تزلزلی از شما بروز کند؛ که موجب سرشکستگی روحانیت می‌شود، و برای شما عواقب ناگواری همراه خواهد داشت... [۱] [۲]

◙ بیانات

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۲ / ۶ ذی‌الحجه ۱۳۸۲ [۳]

مکان: قم

موضوع: افشای ماهیت اصلاحات ارضی، آزادی زنان و آزادی بیان رژیم شاه

مناسبت: فرارسیدن ماه محرم

حضار: دانشجویان عضو انجمن اسلامی ...

[بسم الله الرحمن الرحیم]

جوانان مسلمان دانشگاه تهران به منزل ما خوش آمدید. امیداست در نگهداری دین خود استوار باشید... زیرا از شما جوانان برومند انتظار زیادی داریم. ما ملتهای مسلمان باید متحد شویم و با اسرائیل و عمال آنها در ایران مبارزه کنیم. حوزه علمیه هرگز مخالف اصلاحات ارضی نبوده؛ آیا دولت به ما پیشنهاد کرد و از ما نظر خواست؟ ما می‌دانیم این موضوع برای سرگرمی کشاورزان فراهم شده است. موضوع حق شرکت دادن زنان در انتخابات مانعی ندارد؛ ولی حق انتخاب شدن آنها فحشا به بار می‌آورد.

---

۱. متن حاضر، به نوشته مؤلف کتاب نهضت امام خمینی؛ ج ۱، ص ۴۰۶، مضمون پیامی است که امام خمینی پس از فرمان ۱ اردیبهشت ۴۲ دولت مبنی بر اعزام روحانیون به سربازی به طور شفاهی صادر فرمودند.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. برابر گزارش مورخ ۱۳۴۲/۲/۱۶ ساواک، امام خمینی این سخنان را در دیداری که دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تهران در روز ۴۲/۲/۱۰ ساعت هجده با ایشان داشتند؛ ایراد فرموده‌اند.

موضوع حق رأی دادن زنان و غیره در درجه آخر اهمیت قرار دارد. ما می‌خواهیم مشروطیت را حفظ کنیم.اکنون که در ایران حق آزادی از ما سلب شده، به فکر زنها افتاده‌اند!در حال حاضر آزادی قلم، بیان، افکار و حتی حق حیات از مردم سلب گردیده است. برای دفتر ولیعهد ماهی پنجاه تا شصت هزار تومان هزینه برآورد کرده‌اند؛ و حال آنکه به هر نفر طلبه، ما در هر ماه بیست الی سی تومان حقوق می‌دهیم[۱].

◘ پیام

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲/۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: افشای ابعاد مختلف جنایات رژیم مخاطب: مسلمانان ایران و جهان
مناسبت: چهلم شهدای فاجعه حمله به مدرسه فیضیه (توسط عمال رژیم شاه)

بسم الله الرحمن الرحیم

چهل روز از مرگ و ضرب و جرح عزیزان ما گذشت. چهل روز است بازماندگان کشتگان مدرسه فیضیه بر عزیزان خود سوگواری می‌کنند. دیروز پدر قد خمیده مرحوم سید یونس رودباری[۲]، که آثار عظمت مصیبت چهره اش را درهم شکسته بود، به ملاقات من آمد. با چه زبان می‌شود مادرهای فرزند مرده و پدرهای غمدیده را تسلیت داد؟ باید به پیغمبر اسلام ـ صلی الله علیه و آله ـ و امام عصر ـ عجل الله تعالی فرجه ـ عرض تسلیت کرد. ما برای خاطر آن بزرگواران سیلی خوردیم و جوانان خود را از دست دادیم. جرم ما حمایت از اسلام و استقلال ایران است. ما برای اسلام این همه اهانت شده و می‌شویم. ما در انتظار حبس و زجر و اعدام نشسته‌ایم. بگذار دستگاه جبار هر عمل غیرانسانی که می‌خواهد بکند، دست و پای جوانان ما را بشکند، مریضهای ما را از مریض خانه‌ها بیرون کند، ما را تهدید به قتل و هتک

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. طلبه جوانی که در حمله عوامل رژیم به مدرسه فیضیه به شهادت رسید.

اعراض[۱] کند، مدارس علم دین را خراب کند، کبوتران حرم اسلام را از آشیانه خود آواره کند.

در این چهل روز ما نتوانستیم احصائیه[۲] مقتولین و مصدومین و غارت شدگان را درست به دست بیاوریم. نمی‌دانیم چند نفر در زیر خاک، و چند نفر در سیاهچالهای زندانها، و چند نفر در پنهانی به سر می‌برند. چنانکه بعد از سالهای دراز، عدد مقتولین مسجد گوهرشاد[۳] را، که با کامیونها حمل کردند، نمی‌دانیم.

اشکال بزرگ آن است که به هر دستگاهی رجوع می‌شود می‌گویند اینها که شده است به امر اعلیحضرت است، و چاره‌ای نیست. از نخست وزیر تا رئیس شهربانی و فرماندار قم همه می‌گویند فرمان مبارک است! می‌گویند جنایات مدرسه فیضیه به دستور ایشان است؛ به دستور اعلیحضرت مریضها را از مریضخانه بیرون کردند؛ دستور ایشان است که اگر در جواب حضرت آیت الله حکیم کاری انجام دهید، کماندوها و زنهای هرجایی را به منازل شماها بریزیم، و شماها را بکشیم و خانه هاتان را غارت کنیم؛ دستور اعلیحضرت است که بدون مجوز قانونی طلاب را بگیریم و به لباس سربازی درآوریم؛ دستور اعلیحضرت است که به دانشگاه بریزند و دانشجویان را بکوبند. مأمورین تمام قانون شکنیها را به شاه نسبت می‌دهند. اگر اینها صحیح است، باید فاتحه اسلام و ایران و قوانین را خواند! و اگر صحیح نیست، و اینها به دروغ جرمها و قانون شکنیها و اعمال غیرانسانی را به شاه نسبت می‌دهند، پس چرا ایشان از خود دفاع نمی‌کنند تا تکلیف مردم با دولت روشن شود و عمال جرم را بشناسند، و در موقع مناسب به سزای اعمال خود برسانند؟

---

۱. از بین بردن آبروها.

۲. شمارش، آمار.

۳. اشاره به قتل عام مردم در مشهد (۲۱ تیر ۱۳۱٤)، بعد از فتنه کشف حجاب (در دوران رضاخان).

کراراً تذکر داده‌ام که این دولت[۱] سوءنیت داشته و با احکام اسلام مخالف است. نمونه های آن یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود. وزارت دادگستری دولت، با طرحهای خود و الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضات، مخالفت خود را با احکام مسلّمهٔ اسلام ظاهر کرد. از این به بعد باید در اعراض و نفوس مسلمین، یهود و نصاری و دشمنان اسلام و مسلمین دخالت کنند. منطق این دولت و بعضی اعضای آن محو اسلام است. تا این دولت غاصب یاغی سر کار است، مسلمین روز خوش نخواهند دید.

من نمی‌دانم این همه بی فرهنگی و جنایات برای نفت قم است، و حوزه علمیه باید فدای نفت شود؟ یا برای اسرائیل است، و ما را مزاحم پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی می‌دانند؟ در هر صورت ما باید نابود شویم؛ اسلام و احکام اسلام و فقهای اسلام باید فدا شوند. دستگاه جبار گمان کرده است با این اعمال غیرانسانی و فشارها می‌تواند ما را از مقصد خود، که جلوگیری از ظلم و خودسریها و قانون شکنیها و حفظ حقوق اسلام و ملت و برقراری عدالت اجتماعی که مقصد بزرگ اسلام است، منصرف کند. ما از سربازی فرزندان اسلام هراسی نداریم؛ بگذار جوانان ما به سربازخانه بروند و سربازان را تربیت کنند و سطح افکار آنها را بالا ببرند؛ بگذار در بین سربازان افراد روشن ضمیر و آزادمنشی باشند تا بلکه به خواست خداوند متعال ایران به آزادی و سربلندی نایل شود.

ما می‌دانیم که صاحب منصبان معظم ایران، درجه داران محترم، افراد نجیب ارتش، با ما در این مقاصد همراه و برای سرافرازی ایران فداکار هستند. من می دانم درجه داران باوجدان راضی به این جنایات و وحشیگریها نیستند. من از فشارهایی که بر آنها وارد می‌شود مطلع و متأسفم. من به آنها برای نجات اسلام و ایران دست

---

۱. دولت اسدالله علم.

برادری می‌دهم. من می‌دانم قلب آنها از تسلیم در مقابل اسرائیل مضطرب است، و راضی نمی‌شوند ایران در زیر چکمه یهود پایمال شود.

من به سران ممالک اسلامی و دول عربی و غیر عربی اعلام می‌کنم: علمای اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب، با دول اسلامی برادر است و در منافع و مضار همدوش آنهاست؛ و از پیمان با اسرائیل، دشمن اسلام و دشمن ایران، متنفر و منزجر است. اینجانب این مطلب را به صراحت گفتم. بگذار عمال اسرائیلی به زندگی من خاتمه دهند.

مناسب است ملت مسلمان در ایران و غیر ایران روز چهلم فاجعه بزرگ اسلام یادی از مصیبتهای وارده بر اسلام و حوزه های اسلامی بکنند؛ و در صورتی که عمال دولت مانع نشوند، مجالس سوگواری داشته باشند و بر مسببین این فجایع نفرین کنند.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پیام

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۲ — مکان: قم

موضوع: در معرض خطر بودن اسلام و روحانیت — مخاطب: بازرگانان و اصناف و اهالی همدان

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت عموم بازرگانان و اصناف و اهالی محترم و متدین همدان ایّدهم الله تعالی؛ پس از اهدای تحیت و سلام، تلگراف شریف مبنی براظهار تأثر در فاجعه عظیمه(۲) که بر اسلام و مسلمین وارد شد، واصل و موجب تشکر گردید.

لازم است به آقایان محترم تذکر دهم: به طوری که از قراین ظاهر می‌شود

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۹۶ تا ۱۹۸.

۲. حمله به مدرسه فیضیه.

دستگاه جبار درصدد تصرف در احکام ضروریه اسلام است؛ بلکه شاید خدای نخواسته بخواهند قدمهای بلندتری بردارند. کراراً در نطقهای مبتذلشان تصریح به تساوی حقوق زن و مرد در تمام جهات سیاسی و اجتماعی کرده‌اند که لازمه‌اش تغییر احکامی از قرآن مجید است. و چون با عکس العملی از طرف مسلمین مواجه شدند، مُزوّرانه انکار نمودند و عذر بدتر از گناه خواسته اند. غافل از آنکه ما آنها را خوب می‌شناسیم، و به گفتار آنها اعتماد نداریم. دخترها را به «سپاه دانش» دعوت یا تشویق می‌کنند. و خودشان تصریح می‌کنند که باید قبلاًبه سربازی بروند. و چون مواجه با نفرت عمومی می‌شوند، به انکار برمی خیزند. و در مطبوعات تصریح می‌شود که تصویبنامه سربازی دخترها در دست تنظیم است؛ با این وصف آن را انکار می‌کنند و به تشبثات مضحک دست می زنند. دستگاه جبار گمان کرده با زمزمه تساوی حقوق می‌تواند راهی برای پیشرفت مقاصد شوم خود، که آن ضربه نهایی به اسلام است، باز کند. نمی‌داند که در آن صورت مواجه با چه عکس العملی خواهد شد. دستگاه جبار که برای احدی از افراد ملت آزادی قائل نیست و سالهاست سلب آزادی از ملت را وسیله مقاصد خود قرار داده، گمان کرده به اسم آزادی بانوان می‌تواند ملت مسلمان را اغفال کند تا مقاصد شوم اسرائیل را اجرا کند.

من به شما ای ملت مسلمان کراراً اعلام خطر کردم و می‌کنم! روحانیت و اسلام در معرض خطر است. سکوت در مقابل دستگاه فاسد جبار برای ملت اسلام ننگ است. با منطق قوی اسلامی، مفاسد را بیان کنید، قانون شکنیها را برملا کنید، اعتراض کنید، اعلامیه منتشر کنید، صدای خود را به ملل اسلامی برسانید. عالم را از اعمال غیرانسانی اینان آگاه کنید. در خاتمه توفیق و تأیید حضرات آقایان و عموم ملت را از خداوند خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی[۱].

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۹۹ تا ۲۰۰.

▣ پیام

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: دعوت از علما و روحانیون برای گسترش اعتراضات مخاطب: علما و روحانیون بستان آباد[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت علمای اعلام و حجج اسلام بستان آباد ـ دامت برکاتهم

مرقوم محترم حضرات آقایان در تسلیت در فاجعه عظیم وارده بر اسلام و مسلمین[۲] موجب تشکر گردید. امید است ان شاءالله خداوند متعال به برکت دعای آقایان جبران مصیبتهای وارده را بفرماید.

حضرات آقایان باید توجه داشته باشند که امروز وظیفه حفظ اسلام و احکام اسلام به عهده نسل حاضر است که در رأس آنها علما قرار گرفته اند، و مسئولیت در درجه اولی متوجه به آنهاست. لازم است آقایان به وسیله اعلامیه و نشریه پشتیبانی خودشان را از مطالبی که ما داریم اعلام فرمایند تا بلکه بتوانیم دولت را وادار کنیم به قبول مطالب شرعی خود. در هر صورت از مجالس دعا و تذکر استفاده باید کرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. نامه از این طریق ارسال شده است: تبریز ـ بستان آباد به وسیله جناب مستطاب حجت الاسلام آقای خان میرزا حسینعلی مدرس ـ دامت افاضاته؛ خدمت ذی شرافت علمای اعلام، حجج اسلام ـ دامت برکاتهم.

۲. حمله به مدرسه فیضیه.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۱.

▫ تلگراف

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۸ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: دعوت از علما و روحانیون برای گسترش اعتراضات علیه رژیم شاه
مخاطب: بحرالعلوم، سید حسن

بسم الله الرحمن الرحیم

رشت ـ خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب سید العلماء العاملین و حجت‌الاسلام و المسلمین آقای بحرالعلوم[۱] ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقومه محترم که حاکی از سلامت وجود مبارک و تفقد از دعاگو بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند متعال خواستار، امید است با برکات ادعیه شریفه و احترامات به قدر میسور نگذاریم دستگاه به مقاصد شوم خود برسد.

اینجانب عازم هستم تا آنجا که ممکن است اقدام کنم و از هر چه پیشامد کند هراسی نکنم، تا بلکه تکلیف شرعی خود را ادا کرده باشم. اگر [در] شمال نشریه‌هایی به عنوان پشتیبانی از مقاصد اسلامی [منتشر] شود ظاهراً مؤثر است. حضور محترم مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای ضیابری[۲] دامت برکاته سلام می‌رساند، و از جنابعالی و معظم له امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.[۳]

روح الله الموسوی الخمینی

---

۱. از روحانیون رشت.

۲. آقای سید محمود ضیابری (از روحانیون سرشناس استان گیلان).

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۲.

▣ سخنرانی

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲ / ۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم، مسجد اعظم
موضوع: ارزیابی قیام ملت، و حوادث تلخ و شیرین سال ۴۱ و اوایل سال ۴۲
مناسبت: آغاز دروس حوزه پس از چهلم شهدای مدرسه فیضیه حضار: روحانیون، طلاب و اهالی قم

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوندا، زبان ما را از بیهوده گفتن و گزاف و لغو و دروغ حفظ بفرما. خداوندا، قلوب ما را به نور اسلام و روحانیت روشن بفرما؛ خداوندا گوش شنوا عنایت بفرما به سلاطین دول اسلام، به رؤسای جمهور دول اسلامی، به نمایندگان مجلسین دول اسلامی، به نخست وزیران و وزرای دول اسلامی، به رؤسای دانشگاههای دول اسلامی، به کارفرمایان و کارمندان دول اسلامی. خداوندا، آنها را قرار بده...

جنایات با ماسک اسلام پناهی

این سال برای روحانیت، عرض کنم بسیار بد سالی بود و از جهتی بسیار خوب سالی بود: بد بود برای اینکه یک مملکتی که باید به دنیا معرفی بشود به اینکه مملکت صحیحی است، هیأت حاکمه درستی دارد، دستگاه عدالت دارد، دادگستری دارد، محاکم قضایی دارد، اقتصادش خوب است، زراعتش خوب است؛ یک مملکتی که باید به صلاح و به صحت معرفی بشود در جامعه بشر، معرفی شد به مرکز فساد و مرکز هر چیزی که شما بخواهید اسمش را بگذارید؛ از آن بدتر، بخواهیم بگوییم مثل زمان مغول است، نمی‌توانیم همچو بی احترامی ای به مغول بکنیم. آنها یک جمعیتی بودند کفار، و شاید مهدور می‌دانستند دم ما را؛ و وارد شدند در مملکت برای گرفتن مملکت اجنبی، آن هم مملکتی که برخلاف مسلک آنها و دیانت آنها بود و کردند آن کارهایی را که کردند. اینجا در این قضایا، اینها مدعی اسلام هستند، مدعی ایمان هستند، مدعی تشیع هستند! در عین حال که با این ادعاها امرار روز می‌کنند و امرار

حیات می‌کنند، کارهایشان همان کارهایی است که مغول باید انجام بدهد، چنگیز باید انجام بدهد. در مراکز علمی می‌ریزند، خون بچه‌های شانزده ساله و هفده ساله [را] می‌ریزند، خراب می‌کنند مرکزهای علمی را، به علما اهانت می‌کنند، فحشهای ناموسی می‌دهند، در حبس می‌برند، زجر می‌کنند، می‌کشند، می‌زنند، خونخواری می‌کنند؛ در عین حال نطق می‌کنند، اظهار اسلامیت می‌کنند، اظهار تشیع می‌کنند، اظهار کشف [و] کرامت می‌کنند.[۱] آنها دیگر نمی‌گفتند که ما شیعه هستیم؛ دشمن بودند با ما، در حال تعدی وارد شدند در مملکت ما. اینها با حال دوستی و ادعای دوستی، ادعای تشیع، بالاتر از تشیع، با این ادعاها این اعمال را انجام دادند و می‌دهند.

توطئه دیرینه بر ضد حوزه قم

من [آنچه] به شما عرض کنم مطلبی نیست که مال این چند ماهه باشد؛ این یک مطلب ریشه دار است، مطلبی است که مال چندین سال پیش از این است، اگر نگوییم چهل و چند سال پیش از این، لااقل بیست سال پیش از این است که اینها نقشه شان این بود که قم نباشد. در زمان حیات مرحوم آقای بروجردی رضوان الله علیه هم نقشه این بود که ایشان نباشند و قم نباشد. قم را برای[۲] منافع خودشان مضر می‌دانند. قم لشکر حق است؛ جنود ابلیس، جنود حق را با مقاصد خودشان مخالف می‌دانند. در همان زمان ایشان هم، نسبت به ایشان تعبیراتی می‌شده است که من نمی‌توانم در این منبر عرض کنم. همان وقت بوده است که، نقشه خارج این بوده است که قم نباشد تا ما هر کاری می خواهیم انجام بدهیم و یک نفس کش در مقابل ما صحبت نکند، حرف

---

۱. اشاره به ادعاهای مکرر شاه مبنی بر دیدن امام زمان و ارتباط با اولیای خدا.

۲. اصل: با.

نزند، بحث نکند، ایراد نکند، اعتراض نکند.

اینها از همان زمان مرحوم آقای بروجردی، اگر نگویم از چهل و چند سال پیش از این، از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشته اند، منتها با بودن ایشان می‌دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی؛ از همان اول، اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی، کوبیدن این مرکز را؛ نه از باب اینکه حبی به آن مرکز داشته اند؛ به هیچ مرکزی از مراکز دیانت اینها احساس حب نمی‌کنند؛ نه از باب اینکه به نجف علاقه داشتند، از باب اینکه قم را نمی‌خواستند. قم موی دماغ بود، نزدیک بود به اینها، مفاسد را زود ادراک می‌کرد و کارهای اینها زود برش منکشف می‌شد. اینها قم را نمی‌خواستند منتها نمی‌توانستند به صراحت لهجه بگویند: قم نه، می‌گفتند: نجف آره، مشهد آره؛ «در قم چیزی به نظر نمی‌خورد»![1] فهمیدند که چیزهایی به نظر می‌خورد، چیزهایی به چشم می‌خورد، چیزهایی به دهان می‌خورد، به گوش می‌خورد؛ فهمیدند که نه آنطور نبوده است. اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام و دنبالش نفع رساندن به اسرائیل و عمال اسرائیل.

---

۱. اشاره به سخن شاه که گفته بود: «در قم کسی که در حد مرجعیت باشد به چشم نمی‌خورد»!

عنصری بیسواد در رأس دولت

از اول، مطلب اینطور بود، منتها در پرده بود؛ اعلان نکرده بودند مطالبشان را؛ گاهی اعلان می‌کردند، لکن مضمضه می‌کردند مطلب کفر خودشان را. بعد از فوت ایشان، ابتدائاً یک نقشه شیطانی کشیدند و در بلاد ایران، آنجاهایی که من مطلع شدم، از مردم می‌خواستند التزام بگیرند به اینکه شما به فلان مرکز تلگراف کنید و انتخاب کنید فلان مرکز را؛ نه از باب اینکه علاقه‌ای به آن مرکز داشتند، از باب اینکه این مرکز را نمی‌خواستند. مردم اعتنا نکردند به آنها. [به] دنبال آن، نقشه ها کشیده شد، دولتها سر کار آمد؛ نمی‌دانم به آن دولتها این پیشنهادها شد و قبول نکردند، یا اینکه نتوانستند اینقدر بی شرافتی بکنند. شاید شریف بودند، عالم بودند، دکتر بودند، مهندس بودند، و نتوانستند با همه مراکز علم مخالفت کنند. تا اینکه منتهی شد به اینکه باید دولت، دولتی باشد که علم نداشته باشد، قدر علم را نداند، تا کلاس پنج بیشتر درس نخوانده باشد، آن هم در کرج تحصیل اجازه نامه با اعمال نفوذ کرده باشد، نداند معنای علم چه هست، نداند معنای دیانت چه هست، نداند نقش روحانیت در بقای این مملکت چیست، نفهمد مطالب را؛ سربسته و چشم بسته به او دیکته کنند و بگوید و نفهمد چه می‌گوید، و بکند و نفهمد چه می‌کند.

دیدیم که از اولی که این دولت بیسواد و بی حیثیت روی کار آمد، از اول اسلام را هدف قرار داد: در روزنامه ها با قلم درشت نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده اند، لکن شیطنت بود؛ برای انعطاف نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به الغای اسلام و الغای قرآن، درست نیفتد؛ و لهذا، در اولی که اینجا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند با هم برای علاج کار، توجه ما در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه؛ بعد که مطالعه کردیم دیدیم آقا، قضیه، قضیه بانوان نیست، این یک امر کوچکی است؛ قضیه معارضه با اسلام است: منتخِب و منتخَب، مسلمان

لازم نیست باشد، حلف[۱] به قرآن لازم نیست باشد، قرآن را می‌خواهیم چه کنیم؟ بعد که مصادف شدند با تودهنی از ملت مسلم، تأویل کردند حرفشان را به اینکه خیر، مراد ما از «کتاب آسمانی» قرآن است. ما هم ازشان پذیرفتیم؛ به حسب ظواهر شرع، لکن به مجرد اینکه اینها یک چند نفر عمله را دور خودشان دیدند و یک زنده باد و مرده باد را دیدند، باز همان مطالب خبیثشان را از سرگرفتند، همان مطلبی را که ابطال کرده بودند دوباره از سرگرفتند: دوباره تساوی حقوق من جمیع الجهات. تساوی حقوق من جمیع الجهات، پایمال کردن چند تا حکم ضروری اسلام است، نفی کردن چند تا حکم صریح قرآن است. بعدش باز دیدند که مصادف شد با یک ناراحتیها و یک حرفها و یک چیزهایی؛ حاشا کردند؛ وزیرشان یک جا حاشا کرد، امیرشان یک جا حاشا کرد.

در روزنامه ها به صراحت لهجه نوشتند که بردن بانوان به سربازی، تصویبش در دست تنظیم است؛ لکن بعد از آنکه دیدند که خیلی فضاحت بار آمد [و] مردم ناراحت شدند، همان نوکرهای ارباب، به حسب واقع هم ناراحت شدند؛ وقتی دیدند [مردم] ناراحت شدند، گفتند: اکاذیب است. پرونده سازی خواستند بکنند؛ پرونده سازیهای بچگانه مضحک بکنند.

شاه و یورش به مراکز دین و دانش

این سال بد بود برای اینکه حمله به اسلام زیاد شد، حمله به قرآن زیاد شد؛ مراکز علم را کوباندند به حسب توهّم خودشان؛ بچه های ما را، عزیزهای ما را زدند، سرهایشان را شکستند، پاهایشان را شکستند، بعضی شان راکشتند، از پشت بامها

---

۱. سوگند.

انداختند. اگر اینها دهقانها بودند،[۱] پس چرا این دستگاه انتظامی کمکشان می‌کرد؟ اینکه دیگر مخفی نبود؛ این را صد هزار جمعیت از توی خیابانها و از توی صحن و از توی مدرسه، خوب می‌دیدند که دستگاه شهربانی دارد کمک مستقیم می‌کند؛ این دهقانها را کمک می‌کرد بر ضد اسلام. اگر راست می گویند که دهقانها بوده‌اند، پس چرا وقتی که مَرْضای ما را بردند در مریضخانه ها، شهربانی و [ساواک] فرستادند گفتند: دشمنهای اعلیحضرت را می برید در مریضخانه؟ پدرتان را درمی‌آوریم، اینها باید بروند. اگر دهقانها بودند، به اعلیحضرت چه کار دارد؟ اگر کماندوها بودند و آنهایی که مربوط به خود ایشان است و از دستگاه خود ایشان هست، [آیا] با قول ایشان بوده، با فرمان ایشان بوده است و یا بدون اطلاع و بدون فرمان؟ اگر با اطلاع است، خوب بگویید ما تکلیفمان را با ایشان بفهمیم؛ خوب بفهمیم؛ خوب ما، طرفمان کی است؟ یک نفر است. اگر اینطور نیست، خوب بگویند تا ما بفهمیم که این کماندوها سرخود آمدند؟! و همین طور بیخود بیخودی آمدند؟! یا سازمان امنیت اینها را آورد؟ یا شهربانیها آوردند؟ یا نخست وزیر امر کرد، یا فلان وزیر و فلان امیر امر کرد؟ خوب بگویند کی این کارها را کرده؛ چرا حاشا می‌کنند؟ پیش هر که می‌روی، گردن دیگری می‌گذارد، به هر که اعتراض می‌کنی، به دیگری نسبت می‌دهد، دستگاه شهربانی می‌گوید که سازمان امنیت؛ سازمان امنیت می‌گوید شهربانی؛ دوتایشان می‌گویند: امر اعلیحضرت؛ راست می‌گویند که امر اعلیحضرت است؟ اعلیحضرت با دیانت اسلام مخالف است؟ واقعاً با قرآن مخالف است اعلیحضرت، به حسب قول اینها؟ اگر مخالف است، آن حرفها چه هست دیگر؟ آنهمه کشف و کرامت کجاست؟ اگر مخالف نیستند، پس چرا جلوگیری نمی‌کنند از این وحشیگریها؟ چرا تودهنی نمی‌زنند به این شهربانیها، به این سازمانها، به این

---

۱. رژیم شاه مدعی بود که حمله کنندگان به مدرسه فیضیه، کشاورزان و دهقانان بودند.

نخست وزیرها؟ ایشان که فعال ما یشاءاند می‌توانند یک همچه کاری را بکنند؛ حالا که دیگر مطلبی نیست، برگرد [ند] به عصر سابق [دوران استبداد] و قبل از صد سال پیش از این. حالا که مطلب اینطوری است، خوب بزنند تودهنی به اینهایی که کار بد می‌کنند، کارهای خلاف اسلام می‌کنند، کارهای خلاف دیانت می‌کنند و نسبت می‌دهند به ایشان؛ تبرئه کند خودش را. آقا، نمی‌شود سلطان اسلام با اسلام مخالف باشد؛ نمی‌شود این. اگر نیستند بگویند، اظهار کنند، اظهار تأسف کنند به اینکه مردک[1] آمده است، ریخته مدرسه فیضیه را خراب کرده است.

دیداری از فیضیه به خون خفته

بنده [هنوز] این مسائل جوانهای خودمان را ندیدم، و بعد از مباحثه می‌روم می‌بینم. اول وقتی است که می‌روم می‌بینم. برویم آنجا یک فاتحه‌ای بخوانیم برای آنهایی که کشتند [گریه حضار] ؛ یک اظهار تأثری بکنیم برای اینها؛ اینها که نمی‌گذارند ما فاتحه هم بگیریم [گریه حضار] . اگر دهقانها کردند، پس چرا نمی‌گذارید فاتحه بگیریم؟ چرا فاتحه تهران را به هم می‌زنید؟

سال بدی بود برای اینکه مفتضح شد هیأت حاکمه؛ مفتضح شد دستگاه جبار؛ و ما خواستیم. ما نمی‌خواهیم که مملکت ما در خارج معرفی بشود که همچو عناصر خبیثی سرکارند؛ ما نمی‌خواستیم این را. ما می‌خواهیم که مملکت ما از آن نقطه اولی‌اش تا آن آخرش، جوری باشند، طوری سلوک بکنند که مایه افتخار یک مملکتی باشد. بگویند آقا، ما امیرکبیر داریم؛ وزرای سابق، مشاورین سلاطین سابق، علما بودند؛ علی بن یقطین بوده است؛ گاهی ائمه اطهار علیهم السلام بوده اند.

---

۱ . مولوی (معاون ساواک تهران) که سرپرستی یورش به مدرسه فیضیه را عهده دار بود. وی در سانحه سقوط چرخبال پلیس راه (سال ۵۵) کشته شد.

خطر عمال اسرائیل

حالا مشاورین کیانند؟ اسرائیل !؟ مشاورها اسرائیل، از یهود.... دو هزار نفر بهایی را به اقرار خودشان که در روزنامه دنیا[۱] [نوشته است] بعد فردا مردک [شاه] نگوید که اشاعه اکاذیب است در روزنامه دنیا دو هزار نوشته است، اسرائیل بهایی را، اسم بهایی [را] نیاورده؛ [نوشته] بعض وابستگان به مذاهب، اسمش را مذهب گذاشت!؛ دو هزار نفر را، و می‌گویند پنج هزار است، دوتایش را اینجا نوشته است، اینکه نوشته حالا؛ اینها با کمال احترام نه مثل حاجیهای بدبخت ما که وقتی می‌خواهند تذکره[۲] به آنها بدهند، باید چقدر زحمت بکشند، چقدر رشوه بدهند، چقدر بیچارگی بکشند تا اینکه یک چند را رد کنند، چند تا را قبول بکنند، آن وقت در فرستادنشان چه فضاحتها باشد، در برگشتنشان چه فضاحتها باشد؛ وقتی هم مکه می‌روند، در «منی»، حتی آن نماینده بی عرضه آنجا هم شکایت می‌کند که فلان آقا[۳] را بگیرید از باب اینکه جایی حرف حقی زده است، گفته اسلام در خطر است از دست یهود. آقا مگر شما یهودید؟ مگر مملکت ما، مملکت یهود است؟ دو هزار نفر را با کمال احترام، با دادن به هر یک از اینها پانصد دلار ارز، به هر یک پانصد دلار از مال این ملت مسلم به بهایی داده اند، ارز داده اند، به هر یک هزار و بیست تومان تخفیف هواپیما [داده‌اند] ، چه بکنند؟ بروند در جلسه‌ای که بر ضد اسلام در لندن تشکیل شده است شرکت کنند.

---

۱. یکی از مجله های آن روز ایران.

۲. گذرنامه.

۳. آقای محمد صادقی که پس از فرار از ایران به مکه مشرف شده و در آنجا بر ضد رژیم شاه و اشغالگران فلسطین سخنرانی کرده بود.

سکوت مرگبار و همراهی با رژیم جبار

وای بر این مملکت! وای بر این هیأت حاکمه! وای بر این دنیا! وای بر ما! وای بر این علمای ساکت! وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران ساکت، این مشهد ساکت! این سکوت مرگبار، اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل، به دست همین بهاییها؛ این مملکت ما، این نوامیس ما، پایمال بشود. وای بر ما! وای بر این اسلام! وای بر این مسلمین! ای علما، ساکت ننشینید؛ نگویید علی مسلک الشیخ[۱] رضوان الله علیه والله، شیخ اگر حالا بود، تکلیفش این بود.

سکوت؛ امروز سکوت همراهی با دستگاه جبار است؛ نکنید سکوت. دو هزار بهایی را با پانصد دلار ارز به هر یک، و هزار و بیست تومان تخفیف هواپیما؟! اینها در روزنامه دنیاست. یک شخصی به من گفت که یک معامله‌ای کرده است شرکت نفت با ثابت پاسال[۲] و در این معامله تخفیفی داده است که بیست و پنج میلیون تومان در این تخفیف نفع برده است؛ برای نفع این جمعیتی که فرستادند به لندن بر ضد اسلام. این وضع نفت ما، این وضع ارز مملکت ما، این وضع هواپیمایی ما، این وضع وزیر ما، این وضع همه ما؛ سکوت کنیم باز؟ هیچ حرف نزنیم؟ حرف هم نزنیم؟ ناله هم نکنیم؟ خانه هایمان را خراب می‌کنند آخ نگوییم؟

وضع ما با این «اعلیحضرت»

مردک می‌فرستد رئیس شهربانی را، رئیس این حکومت خبیث را، می‌فرستد منزل آقایان.[۳] من راهشان ندادم. ای کاش راه داده بودم تا آن روز دهنشان را خرد

---

۱. منظور آقای عبدالکریم حائری یزدی (بنیانگذار حوزه علمیه قم) می‌باشد که در سیاست روشی معتدل داشته است.

۲. حبیب ثابت پاسال، از سرمایه داران بهایی.

۳. مراجع محترم تقلید.

کرده بودم ا می‌فرستند منزل آقایان که اگر نفستان در فلان قضیه[۱] درآید، فرموده‌اند اعلیحضرت فرموده اند: اگر نفس شما درآید، می‌فرستیم منزلهایتان را خراب می‌کنیم، خودتان را هم می‌کشیم، نوامیستان را هتک می‌کنیم. این وضع ماست با این اعلیحضرت، اگر اینها راست می‌گویند. اگر دروغ می‌گویند، پس ایشان بگویند: دروغ می‌گویند؛ ایشان بفرمایند، اعلام کنند که حکومت قم[۲] دروغ گفته است تا من پدر حکومت قم را درآورم؛ بگویند: رئیس شهربانی دروغ گفته تا من زیر چکمه اهل علم، پدرش را درآورم؛ نمی‌گوید که.

و اما سال خوبی بود برای اینکه روحانیت ارزش خودش را به دنیا اعلام کرد؛ فهماند که آنکه صحبت می‌کند، باز روحانی است، آنکه ایستادگی می‌کند در مقابل ظلم و جور ظالم و جائر، باز حوزه های علمیه است؛ کتک می‌خورد، داد می زند، کشته می‌دهد، فریاد می‌کند، مدرسه فیضیه اش را خراب می‌کنند، اعتنا نمی‌کند، باز صحبت خودش را می‌کند؛ هر کاری سرش بیاورند، این صحبت می کند. روحانیت موجودیت خودش را به همه عالم اعلام کرد. پس بد بود چون هیأت حاکمه، فضاحت ایران را در همه جا اعلام کرد؛ و خوب بود برای اینکه روحانیت حیثیت خودش را به عالم معرفی کرد. فهماند به عالم که ما آدمیم، روحانی هستیم ما. همه اش قضیه ذکر و دعا نیست؛ ما داد می‌زنیم، ما می گوییم نباید بکنید این کارها را، ما نصیحت می‌کنیم به شما.

رفراندم رسوای شاه

من نصیحت کردم به شاه. فرستاد آدم آنجا؛ در آن اول امر، قبل از رفراندم، به

---

۱. در پاسخ به تلگراف آقای سید محسن حکیم «از مراجع بزرگ تقلید» که علمای ایران را دعوت به مهاجرت به عراق کرده بودند.

۲. فرماندار قم.

وسیله بهبودی،[۱] به وسیله پاکروان[۲] پیغام دادم به او، آقا! نکن این کار را، این رفراندم را نکن؛ این خوب نیست برای شما [که] این کار را بکنید، دست به این قانون نزن. اگر امروز ارسنجانی[۳] چهار تا رعیت را بیاورد برقصاند و بگویند: زنده باد؛ فردا چهار تا رعیت می آیند و می‌گویند: مرده باد! نکن این کار را؛ صلاح نیست بکنی این کار را. گوش نکرد، دیدید چه جور شد. دو هزار نفر رأی نداشتند اینها، باقی اش زور بود. همه می‌دانند بازار تهران بسته شد که رأی ندهد، بازار قم بسته شد که رأی ندهد، سایر شهرستانها رأی ندادند؛ اینها دو هزار تا رأی آزاد بدون سرنیزه نتوانستند تهیه کنند.

ما نمی‌خواستیم اینطور مفتضح بشوی[٤] ما نمی‌خواستیم ملت از تو رویگردان بشوند. ما می‌خواستیم شما آدمی باشی که وقتی یک چیزی را بگویی [مثلاً] «ای ملت»، تمام ملت لبیک بگویند. ما میل داریم شاه ما این جور باشد؛ ما میل داریم وزیر ما این جور باشد که اگر یک مطلبی راگفت تمام ملت با او موافق باشند نه اینکه با حرفهایش [ادعا کند «]شش میلیون»، «شش میلیون»؟!![۵] به جان عزیز شما، اگر اینها چند هزار هم داشتند؛ باقی اش با پر کردن صندوق. شاید به سمع ایشان نرسیده. شاید آنها گفته‌اند به او که خیر «شش میلیون، اکثریت قاطع». و الّا شاه که دروغ نمی‌گوید؛ نمی‌شود که دروغ بگوید. «با اکثریت قاطع ! تمام قاطبه اهل ایران!» پس بازار تهران از اهل ایران نیست؟ خیابانهای تهران اهل ایران نیستند؟ قم از اهل ایران نیست؟ روحانیین از اهل ایران نیستند؟ سایر شهرستانها ایرانی نیستند؟ این ایران کجاست؟

---

۱. سلیمان بهبودی، رئیس تشریفات دربار شاه.

۲. حسن پاکروان، رئیس وقت ساواک.

۳. حسن ارسنجانی، وزیر کشاورزی وقت.

٤. خطاب به شاه.

۵. ادعای شاه در مورد تعداد رأی دهندگان رفراندم.

این آرا از کجا آمد؟

بد شد امسال برای اینکه این مطالب واقع شد؛ و خوب شد برای اینکه شما آقایان زنده کردید اسلام را، ایستادید در مقابل ظلم؛ ایستادید، اگر نایستاده بودید خدا می‌داند که حالا رفته بودند تا آن آخر. ایستادگی شما اسباب این شد که حاشا کردند مطالبشان را؛ گفتند: «خیر، طلاق به دست مرد است؛ کی ما گفتیم؟» تساوی حقوق این است؟ دِ مردک از «حزب مردم» است.[1] ... که داد زد که «تساوی حقوق من جمیع الجهات» تساوی حقوق من جمیع الجهات، از این طرف می‌گویند؛ از آن طرف می‌گویند: کی ما گفتیم طلاق به دست زن باشد؛ نخیر طلاق به دست مرد است. از آن طرف می‌گویند: نخیر کی ما راجع به ارث گفتیم؛ نخیر ارث هم همان طوری است که خدا گفته. از آن طرف هم می‌گویند: کی ما گفتیم زنها بروند به نظام وظیفه. تو روزنامه هایتان هست آقا! این روزنامه هایی که دیکته می‌کند سازمان امنیت، و می‌نویسند.

می گویند که مدیر کیهان[2] گفته است: ما دیگر راحتیم؛ برای اینکه آن وقت ما می نوشتیم و اینها[3] نظر می‌کردند، حالا خودشان می‌نویسند، ما دیگر راحتیم. منتها این اعتراض هست که آقا! چرا اینقدر بی حیثیت هستید که آنها بنویسند و شما هم بنویسید؟ چرا باید مطبوعات ما اینقدر بی حیثیت باشند؟

خطر صهیونیسم

خوب بگویید آقا حرف را؛ [مگر] چه می‌کنند؟ اگر همه علمای اسلام یک مطلبی را بگویند، حالا که خطر بر اسلام وارد شده و آن خطر یهود است و حزب یهود که همین حزب بهاییت است این خطر که حالا نزدیک شده، اگر آقایان، علمای اعلام،

---

۱. اسد الله علم.

۲. مصباح زاده.

۳. مأموران سانسور در ساواک.

خطبا، طلاب، همه با هم هم صدا بگویند که آقا ما نمی‌خواهیم که یهود بر مقدرات مملکت ما حکومت کند، ما نمی‌خواهیم که مملکت ما با مملکت یهود هم پیمان بشود در مقابل پیمان اسلامی؛ آنها مسلمین باهم هم پیمان می‌شوند، آقایان با یهود هم پیمان می‌شوند! خوب، چه وضعی است این مملکت؟ اگر نوکر هم هستید چرا اینقدر نوکر؟! من سرم درد می‌کند؛ و من برای خواندن یک فاتحه لازم می‌دانم بروم به مدرسه فیضیه؛ و از خدای تبارک و تعالی، می‌خواهم که در این سال و سالهای بعد، همه سالم باشید، اسلام مؤیّد باشد، اسلام مؤیّد باشد.[1]

▣ پیام

زمان: ۱۴اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۱۰ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: تصمیم دستگاه جبار بر تغییر احکام اسلام
مخاطب: خویی، سید ابوالقاسم (از مراجع بزرگ تقلید)، علما و روحانیون حوزه نجف

بسم الله الرحمن الرحیم

نجف به وسیله حضرت آیت الله خویی ـ دامت برکاته

خدمت ذی شرافت حضرات افاضل انام و ثقات اسلام، محصلین والا مقام نجف اشرف ـ دامت تأییداتهم

تلگرافات عدیده حضرات آقایان مبنی بر اظهار تأثر و تألم در فاجعه عظیمه که بر اسلام و مسلمین عموماً و بر روحانیون خصوصاً وارد شده است موجب تشکر گردید. خداوند تعالی شما سربازان فداکار امام عصر و ناموس دهر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ را برای اسلام حفظ کند و توفیق خدمت به دیانت مقدسه مرحمت فرماید.

ما امروز مواجه هستیم با دستگاه جباری که در نظر دارد احکام اسلام را یکی پس از دیگری تغییر دهد. آنچه تاکنون با صراحت در نطقهای خود اظهار کرده‌اند

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۶ تا ۲۱۶.

تساوی حقوق زن و مرد است در همه جهات که چندین حکم ضروری اسلام پایمال می‌شود. اخیراً در طرحی که وزیر دادگستری تهیه کرده است قید رجولیت[۱] و اسلام را از قضات لغو کرده، و چیزهای وحشتناکی در زیر پرده است که اگر غفلت شود اساس مذهب در معرض خطر است.

حضرات افاضل متذکر باشند که امروز تکلیف به همه طبقات متوجه است. مراجع عظام و علمای اسلام و فضلای محترم و سایر طبقات، همه مکلف هستند به مقدار میسور برای دفاع از اسلام و احکام مقدسه تشریک مساعی کنند. لازم است طبقه جوان و فضلای محترم از صاحبان نفوذ استدعا کنند که توجه بیشتری به وضع ایران تنها مرکز تشیع بفرمایند، و از بست و بند و زمزمه های ناموزونی که از طرف دستگاه جبار القاء می‌شود احتراز نمایند.

اینجانب با تمام مشکلات و تهدیدات و تضییقات و اهانتها عازم هستم، به خواست خداوند متعال، از پا ننشینم تا حصول مقصد نهایی و جلوگیری از تجاوز به حدود شرع مطاع یا تحصیل عذر در درگاه قادر متعال. و رجای واثق دارم که توفیق حاصل خواهد شد. از انفاس قدسیه حضرات افاضل ـ ایّدهم الله تعالی و سدّدهم تمنای دعا داریم برای پیشرفت مقاصد اسلامی در تحت قُبّه مطهره موالی عظام و ائمه انام صلوات الله و سلامه علیهم سِیّما[۲] امیرالمؤمنین و امام المتقین صلوات الله و سلامه علیه. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

۱۰ ذی الحجة الحرام ۸۲[۳]

---

۱. مرد بودن.

۲. بویژه.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱۸ تا ۲۱۹.

▣ پیام

زمان: ۱۶اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۱۲ذی‌الحجه ۱۳۸۲ . مکان:قم
موضوع: تصمیم دستگاه جبار برای هدم اسلام و مذهب تشیع
مخاطب: علمای اعلام، حجج اسلام و فقهای همدان

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور شریف حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و فقهای عظام ـ دامت برکاتهم و علت کلمتهم

تلگراف محترم مبنی بر تأسف و تأثر از فاجعه عظیمه وارد بر اسلام و مسلمین، و اعلام پشتیبانی از حوزه مقدسه و مقاصد شرعیه که جمیع علمای اسلام و طبقات مسلمین در آن شریک هستند، موجب تشکر گردید.

بدیهی است با این شیوه که دستگاه جبار در پیش گرفته، اگر مسلمین غفلت کنند و مراقبت شدید نکنند و کوشش در دفاع از حریم قرآن کریم و اسلام نکنند، زمانی نگذرد که خدای نخواسته دستگاه ناپاک و عمال اجنبی از احکام ضروری اسلام تجاوز کرده به اساس اسلام مقدس ضربه وارد خواهند کرد. شواهدی در دست است که دستگاه جبار، به حکم الزام و خباثت ذاتی، در صدد هدم اساس است. حمله مسلحانه به مرکز فقاهت و هتک مراجع و فقهای اسلام و حبس و زجر شاگردان مکتب اسلام و اهانت به قرآن کریم و سایر مقدسات مذهبی، نمونه بارز آن است. اعلام به تساوی حقوق زن و مرد از هر جهت، الغای اسلام و رجولیت از منتخب و منتخب و الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضات، نمونه ظاهر دیگری است. سختگیری کردن و اجحاف نمودن به حجاج بیت الله الحرام، و در مقابل، وسایل فراهم نمودن و تسهیل نمودن برای مسافرت چند هزار نفر عمال اسرائیل به لندن برای توطئه بر ضد اسلام، و به آنها اسم مذهب گذاشتن «چنانچه [در] بعضی روزنامه ها [ست] ، که حتماً تحت نظر سازمانهای دولتی و به دیکته آنهاست» یکی دیگر از نمونه های انحراف دستگاه جبار است. تخفیف در کرایه طیاره و به هر مسافری

از فرقه ضاله[۱] پانصد دلار ارز دادن نمونه دیگری است. زمزمه «تغییر خط» که اخیراً بار دیگر آغاز شده، و زمزمه‌های دیگر، که ذکر آن اکنون صلاح نیست، و تعبیرهای بسیار ننگینی که در نطقهای مبتذلشان شده و می‌شود، یکی دیگر از همان نمونه هاست. اینها و امثال اینهاست که اینجانب را به وحشت انداخته. و برای من جای شبهه نیست که سکوت در مقابل دستگاه جبار علاوه بر هدم اسلام و مذهب تشیع، نابودی با ننگ است....

امروز مسلمین، و خصوص علمای اعلام، در مقابل خدای تبارک و تعالی مسئولیت بزرگی دارند. با سکوت ما نسلهای آتیه الی الأبد در معرض ضلالت و کفر هستند و مسئول آن ما هستیم. خطر اسرائیل و عمال ننگین آن، اسلام و ایران را تهدید به زوال می‌کند. من برای چند روز زندگی با عار و ننگ ارزشی قائل نیستم. و از علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین انتظار دارم که با تشریک مساعی، قرآن و اسلام را از خطری که در پیش است نجات دهند. و از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◘ پیام

زمان:۲۸اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۲۴ذی‌الحجه ۱۳۸۲ — مکان:قم
موضوع:دعوت‌ازروحانیون ووعاظ برای‌افشای جنایتها و خیانتهای رژیم‌شاه
مناسبت:آغازماه‌محرم — مخاطب:روحانیون، وعاظ وملت‌مسلمان‌ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

به عموم حضرات مبلغین محترم و خطبای معظم ـ کثّرالله امثالهم ـ و عموم هیآت محترم، عزاداران سید مظلومان علیه الصلوة والسلام محترماً معروض می‌دارد:

---

۱. فرقه بهاییت.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۲۰ تا ۲۲۱.

در این ایام که دستگاه جبار از خوف آنکه مبادا در منابر و مجامع مسلمین شرح مظالم و اعمال خلاف انسانی و ضد دینی و وطنی آنها داده شود دست به رسوایی دیگری زده و در صدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین محترم و سران هیآت عزادار است که از مظالم دم نزنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند، لازم است تذکر دهم که این التزامات علاوه بر آنکه ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد، التزام گیرندگان مجرم و قابل تعقیب هستند. عجب است که دستگاه بی پروا ادعا دارد که قاطبه ملت با اوست و از پشتیبانی اکثریت قاطع برخوردار است، با این وصف، در تمام شهرستانها، قراو قصبات به دست و پا افتاده و با ارعاب و تهدید ملت خفقان ایجاد می‌کند. اگر این ادعا صحیح است ملت را این چند روز به حال خود واگذارند تا از پشتیبانی مردم متمتع شده موافقت شش میلیونی به همه ملل جهان ظاهر. و الاّ اشاعه اکاذیب برای تشویش افکار عامه، برخلاف مصالح اسلام و مملکت، جرم و قابل تعقیب است.

حضرات مبلغین عظام، هیآت محترم، و سران دسته های عزادار متذکر شوند که لازم است فریضه دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند، و از سید مظلومان فداکاری در راه احیای شریعت را فرا گیرند، و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند. ﴿و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الأعلون ان كنتم مؤمنين﴾.[۱]

آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آنها «فرقه ضالّ و مضلّه»[۲] همراهی می کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده، و در دربار دست آنها باز است.[۳] در ارتش و

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹: «سستی نکنید واندوهناک نباشید، زیرا اگرایمان آورده باشید، برتری خواهید جست».

۲. فرقه بهایی.

۳. اشاره به تلویزیون ایران که در دست ثابت پاسال بهایی بود، و نیز اشاره به تیمسار ایادی «طبیب بهایی شاه و

فرهنگ و سایر وزارتخانه ها برای آنها جا باز نموده و شغلهای حساس به آنها داده اند. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. در نوحه های سینه زنی از مصیبتهای وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت یادآور شوید. از فرستادن و تجهیز دولت خائن چند هزار نفر دشمن اسلام و ملت و وطن را به لندن، برای شرکت در محفل ضد اسلامی و ملی، اظهار تنفر کنید.

سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. از عواقب این امر بترسید. از سخط خدای تعالی بهراسید. اگر به واسطه سکوت شماها به اسلام لطمه‌ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید: اذا ظهرت البدع فللعالم ان یظهر علمه، و الا فعلیه لعنة الله.[1] از تساوی حقوق اظهار تنفر کنید؛ و از دخالت زنها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بیشمار است، ابراز انزجار، و دین خدا را یاری کنید. و بدانید ﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم﴾.[2] از اخافه و ارعاب سازمانها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید. آنها نیز مثل شما ملزم و مجبورند؛ و بسیاری از آنها با شما همراه و از دستگاه بیزارند.

والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی. روح الله الموسوی الخمینی[3]

← از مقربان دربار».

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ٥٤: «پیامبر اسلام (ص): هنگامی که بدعتها ظاهر شدند، بر عالم واجب است که علمش را بروز دهد وگرنه لعنت خدا بر اوست».

۲. سوره محمد، آیه ۷: «اگر شما خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند.»

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

▣ نامه

زمان: ۳۱اردیبهشت ۲۷/۱۳۴۲ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم
موضوع: تشکر از حمایت آقای میلانی در قیام علیه رژیم شاه مخاطب: میلانی، سید هادی

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۷ حج ۸۲

حضرت آیت الله میلانی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم مبارک مبنی بر نگرانی از اوضاع حاضر دستگاه جبار و دایر بر پشتیبانی از حقیر موجب کمال تشکر گردید، جریانات حاضره و سالفه چیزی نیست که با توجه به عمق آن بتوان ساکت نشست، ماترک پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم کتاب الله و عترت است و این دو ثقل امروز در معرض خطر است، ملاحظه فرمودید دستهای خبیث دستگاه جبار در موضوع قرآن کریم چه نقشه شیطانی کشیدند که اگر دفاع علمای اعلام و مسلمین نبود نمی‌دانم امروز وضع به چه منوال بود، الغای اسلام از شرایط قضات را نمی‌توان به چیزی حمل نمود جز پیروی از همان نقشه شیطانی دست نشاندگان اسرائیل دشمن اسلام و قرآن و ملیت و تمامیت مملکت همان نقشه شیطانی است که برای تشکیل محفل ضد اسلامی در لندن به دست دولت خائن و دستگاه جبار و با حاصل دسترنج ملت فقیر مسلمان دو هزار نفر یا به قولی پنج هزار نفر از فرقه ضاله[۱] دست نشانده اسرائیل را با تشریفات و تسهیلات و تخفیف به هر یک هزار و بیست تومان در بلیط هواپیما و به هر یک پانصد دلار ارز به محفل ضد اسلامی لندن اعزام می کند تا شرکت کنند در افکار شیطانی ضد اسلامی و وطنی.

توجه حضرتعالی را به نطقهای...[۲] در تشریفات رئیس جمهور هند جلب

---

۱. بهائیت.

۲. کلمه‌ای ناخوانا.

می نمایم، این نطقها بسیار قابل دقت و ملاحظه است از خلال آنها مطالب خطرناکی که پیش بینی می‌شد خوانده می‌شود، لکن سریعاً عرض می‌کنم اگر روزی بخواهد این خیال خام جامه عمل بپوشد دست انتقام ملت مسلم از آستین بیرون خواهد آمد و جنایتکاران و خائنین را تنبیه خواهد کرد و تشبثات مزورانه آنها به جایی نخواهد رسید. از حال حقیر و احوال مصدومین و مجروحین و بازماندگان مقتولین استفسار فرموده بودید، بازماندگان با دلهای داغدار به سر می‌برند، احصاییه[1] تمام مصدومین و مجروحین را تاکنون نتوانستیم به دست بیاوریم، بعضی از مصدومین در این مدت طولانی باز شفا نیافته اند. حالت حقیر صورتاً بد نیست لکن حوادث جاریه و خطرهای محتمله عذابم می‌دهد. از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم، تشکر خود را از عواطف صمیمانه آن حضرت اعلام می‌کنم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. آمار.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴.

◙ نامه

زمان: ۷خرداد ۱۳۴۲/ ۴محرم ۱۳۸۳ مکان: قم
موضوع: دعوت از آقای خوانساری برای امضای اعلامیه مشترک علیه رژیم شاه
مخاطب: خوانساری، سید احمد [۱]

[مضمون نامه امام خمینی به آقای خوانساری]

... شما که در مرکز هستید، خانه نشین شده اید. اصلاً نه حرفی، نه اعلامیه‌ای. هیچ کار نمی‌کنید. شما که در تهران هستید، مردم را دعوت به قرآن، یعنی وحدت و یگانگی نمی‌کنید. فایده اش چیست؟ شما باید مردم را دعوت به قیام کنید. شما باید مردم را به اتحاد دعوت کنید تا موقعی که می‌خواهیم دستور قیام بدهیم آنها آماده باشند تا ریشه شاه و دولت را از میان برداریم.

چرا علمای تهران در مقابل این گرگهای درنده سکوت اختیار کرده اند؟ چرا در مقابل این لامذهبها که می‌خواهند دینمان را از دستمان بگیرند، سکوت کرده اید؟ چرا در مقابل شاه مملکت که می‌خواهد روحانیت را از میان بردارد قیام نمی‌کنید؟ چرا در مقابل حکام سکوت می‌کنید؟ شما شنیده‌اید که حضرت علی خانه نشین شده

---

۱. به موجب گزارش مندرج در پرونده ساواک، در ادامه این سند، مولوی «رئیس ساواک تهران» در گزارش محرمانه شماره ۵۳۲۲/س ت مورخ ۴۲/۳/۷ خطاب به پاکروان «رئیس کل ساواک و نیز مدیریت کل اداره سوم ساواک» می‌نویسد: «برابر گزارش ساواک قم در ۴۲/۳/۷ آقای خمینی [به کسی که حامل نامه و پیام وی به آقای خوانساری بوده است] اظهار می نماید: به آقای خوانساری بگویید من می‌خواهم اعلامیه‌ای بنویسم. شما هم بایستی در این اعلامیه شریک باشید. یعنی باید آن را امضا کنید؛ زیرا اگر شما در این اعلامیه شرکت نکنید، مردم و بخصوص دولت تصور می‌کند علما همه با هم مخالف هستند و از این موضوع برای پیشرفت مقاصد خود سوءاستفاده خواهند کرد. پس باید فکر اساسی بکنیم و همه با هم دست اتفاق بدهیم تا حساب این لامذهبها را برسیم، در غیر این صورت دین و ایمان ما در خطر است، و راهی را که شاه و دولت در پیش دارند لطمه بزرگ و جبران ناپذیری را به دین اسلام خواهد زد؛ بنابراین باید با اتحاد و اتفاق، جلوی این خطر بزرگ را گرفته و علیه آنها قیام کنید. ضمناً اگر هیچ یک از علما در این امر شرکت نمی‌کنند، به من بگویید تا من بدانم در مورد مقابلهٔ با آنها چه بایستی بکنم».

بود؛ اما دستور این بوده که ۲۵ سال خانه نشین بشود. و بالأخره پس از این مدت، پدر مخالفین را در آورده است. یعنی مردم دیدند حق با حضرت علی است آن وقت در مقابل بی‌دینها قیام کرده اند. حال ما چند سال صبر کرده‌ایم. در زمان پدرش هر کاری کرد هیچ کس حرفی نزد. گفته‌اند ببینیم آخرالأمر چه می‌شود. تا آنطور مرد. حالا پسرش دارد لطمه به دین می‌زند. باید هر طوری است حساب او را تصفیه کنیم. از امروز به بعد، سکوت فایده ندارد. امروز دیگر روز سکوت نیست. امروز روزی است که باید در مقابل لامذهبها قیام کرد. اگر دلتان می‌خواهد مملکت اسلامی ما و دین و آیین ما از بین برود به من بگویید[۱] ...[۲]

---

۱. آقای خوانساری سپس نامه‌ای به این شرح به امام خمینی نوشت:

«حضرت آیت الله خمینی. نامه شما واصل شد، بنده هم به سهم خودم از فرمایشات شما اطاعت خواهم کرد. هر طوری که شما صلاح دانستید من حرفی ندارم. ولی موقع نوشتن اعلامیه مواظب باشید زننده نباشد که دولت بدتر کند! با زبان ملایمت اعلامیه بنویسید! قدری نصیحت کنید که این عمل شما خلاف قرآن است. صلاح مملکت در این است که این قانون جدید را اجرا نکنید که مردم همگی ناراحت هستند. صلاح شاه در این است که این قانونهایی را که مخالف قرآن است عملی نکند. شاه بایستی علما را داشته باشد. مملکت بدون روحانیت نمی‌شود. اگر روحانیت نباشد کمونیست در مملکت ما که شیعه اثنی عشری است زیاد می‌شود. پس شاه و دولت تا می‌توانند بایستی نظم را رعایت کنند و نگذارند مملکت ما به دست بیگانگان بیفتد که بر ما حکومت کنند. این روحانیون بوده و هستند که در مقابل کمونیستها سینه سپر می‌کردند و می‌کنند».

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳۸ تا ۲۳۹.

▣ نامه

زمان: دهه اول خرداد ۱۳۴۲ / دهه اول محرم ۱۳۸۳[(۱)] **مکان: قم**
موضوع: تشکر از سخنرانی افشاگرانه آقای فلسفی در مسجد سید عزیزالله تهران
مخاطب: فلسفی، محمد تقی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت الاسلام آقای فلسفی ـ دامت افاضاته

لازم است از بیانات حساس جنابعالی در این وقت اختناق عجیب تشکر کنم. امروز روزی است که حضرات مبلغین محترم و خطبای معظم دین خود را به دین اثبات فرمایند. امروز روزی است که یا باید رضایت خداوند غفور را جلب نمایند، یا خدای ناخواسته به سخط ذات مقدسش مبتلا شوند. امروز روزی است که نظر مبارک امام زمان ـ صلوات الله علیه ـ به حضرات مبلغین اسلام دوخته شده است، و ملاحظه می‌فرمایند که آقایان به چه نحو خدمت خود را به شرع مقدس ابراز و دین خود را ادا می‌فرمایند.

از قرار مسموع، اغلب گویندگان محترم با ما هم‌آواز هستند. امید است خداوند تعالی آن شواذی[(۲)] که از حبس، از زجر، از خوف بیم دارند بیدار فرماید. متمنی است مراتب احترام و سلام مرا به مبلغین ابلاغ فرمایید. ضمناً چون برای تجدید ساختمان مدرسه فیضیه که قبلاً با جنابعالی نیز صحبتی شده بود، حسابی در بانک صادرات شعبه قم باز شده است، و بناست که از روز تاسوعا و عاشورا نیز بانک سپرده را قبول کند، اگر صلاح دیدید تذکری به مسلمین بدهید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[(۳)]

---

۱. درکتاب صحیفه نور تاریخ نامه، تیر ۱۳٤۲ درج شده است، ولی به استناد تصریح امام خمینی در متن نامه در مورد تاسوعا و عاشورا که مصادف با ۱۲ و ۱۳ خرداد ٤۲ می‌باشد. تاریخ صدور نامه قبل از عاشورا و قبل از ۱۳ خرداد بوده است.

۲. شاذ: نادر؛ کمیاب.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲٤۲.

▣ بازجویی

زمان: ۲۵ خرداد ۱۳۴۲/ ۲۲ محرم ۱۳۸۳
مکان: تهران، بازداشتگاه پادگان بی‌سیم
موضوع: عدم استقلال قضایی در ایران
مخاطب: بازجویان بازداشتگاه پادگان بی‌سیم [۱]

چون استقلال قضایی در ایران نیست و قضات محترم در تحت فشار هستند، نمی‌توانم به بازپرسی جواب دهم[۲]. روح الله الموسوی[۳]

---

۱. ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران بود. امام خمینی پس از نوزده روز حبس در بازداشتگاه پادگان بی‌سیم به زندانی در منزلی در محلهٔ قیطریهٔ تهران منتقل شد. با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲، قیام ظاهراً سرکوب شد. امام خمینی در حبس از پاسخ گفتن به سؤالات بازجویان، با شهامت و اعلام اینکه هیأت حاکمه ایران و قوه قضاییه آن را غیرقانونی و فاقد صلاحیت می‌داند، اجتناب ورزید.

۲. در اسناد مبارزاتی امام خمینی در ساواک، جلسه بازجویی از امام خمینی اینچنین صورت جلسه و گزارش شده است: «صورتجلسه مورخه ۴۲/۳/۲۵ : در ساعت ۱۰.۰۰ [۱۰ صبح] روز شنبه ۴۲/۳/۲۵ جهت بازجویی از آقای روح الله الموسوی الخمینی فرزند مصطفی دارنده شناسنامه ۲۷۴۱ صادره از خمین، متولد سال ۱۲۷۹ قمری در پادگان (بیسیم) حضور به هم رسانیده و پس از معرفی، در مورد سئوال از ایشان اقدام لازم معمول ولیکن مشار الیه از دادن جواب خودداری فرمودند. کلیه امضا کنندگان زیر مراتب فوق الذکر را گواهی و تأیید می‌نماییم. نماینده ساواک ـ نماینده ستاد کل گارد، سروان لندابی».

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴۹.

◙ نامه

زمان: ۱۱ مرداد ۱۳۴۲/۱۲ ربیع الاول ۱۳۸۳
مکان: تهران، بازداشتگاه پادگان بی‌سیم (۱)
موضوع: محدودیتهای ایجادشده توسط دولت
مخاطب: روحانی، سیدمحمدصادق

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج محترم و تفقد از حقیر بود موجب تشکر گردید. گرچه ما آزاد نیستیم و دولت به مناسباتی که خودشان می‌دانند این صحنه را ساخت که ما را آزاد قلمداد کند و سر و صدا راه بیندازد، و الآن ما در اختیار آنها هستیم و ابداً از خود اختیاری نداریم و حق ملاقات با کسی نداریم و کسی نمی‌تواند بی اجازه، ما را ملاقات کند، و امروز منتقل می‌شویم به خارج شهر، (۲) و این تبعید است تا اَمَد غیر معلوم. از این جهت ما از همه تکالیف خارج هستیم لکن مع ذلک از اظهار لطف جنابعالی و سایر آقایان محترم و علمای اعلام و جمیع مسلمین متشکریم. تلگرافات آقایان نرسید. فقط چهار تلگراف [به] زندان رسید که جواب دادم. از سرکار نرسید. در هر صورت اگر صلاح می‌دانید به نحوی این محدودیت را به مسلمین برسانید. از جنابعالی ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

خمینی (۳)

---

۱. به دنبال اوج گیری مبارزات اسلامی مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ امام خمینی دستگیرشدند. در تاریخ تحریر این نامه معظم له در بازداشتگاه پادگان بی‌سیم تهران تحت نظر مأموران امنیتی رژیم شاه به سر می‌بردند.

۲. منطقه قیطریه تهران که در آن زمان جزء حومه تهران محسوب می‌شد.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۵۰.

▣ بیانات

زمان: ۱۱ مرداد ۱۳۴۲/ ۱۲ ربیع الاول ۱۳۸۳ مکان: تهران، منزل آقای نجاتی[1]
مناسبت: انتقال امام خمینی از زندان به منزلی تحت محاصره مخاطب: بهبهانی، سید محمد

خیلی خوب و موفق هستم... تا فردا غروب اینجا هستم و بعد منزلی در شمیران تهیه کرده‌اند که چند روز آنجا خواهم رفت، و سپس به قم می‌روم؛ ولی کارهایی هست که باید انجام شود و من ایستادگی می‌کنم که تمام محبوسین آزاد شوند. همچنین باید جلوی انتخابات مفتضح را گرفت.[2]

▣ پیام

زمان: ۱۸ فروردین ۱۳۴۳/ ۲۳ ذی القعده ۱۳۸۳ مکان: قم
موضوع: تأسف از تسلط اسرائیل و عمال آنها بر شئون مملکت مخاطب: ملت ایران
مناسبت: صدور حکم محکومیت آقایان طالقانی و بازرگان در دادگاه تجدید نظر نظامی

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون﴾[3]

من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری نسبت به حجت الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه‌ای بنویسم، موجب

---

۱. مأمور ویژه ساواک در گزارش ۴۲/۵/۱۲ خود با اشاره به آزادی امام خمینی از زندان نوشته است: «اغلب روحانیون و علمای طراز اول و نیز معممین، بازاریان، اصناف و سایر طبقات مردم در منزل آیت الله نجاتی واعظ به ملاقات خمینی رفتند. مردم دسته دسته و در حالی که در صف ایستاده بودند به نوبت سینه و دست و پای خمینی را می‌بوسیدند و عموماً متأثر بودند و گریه می کردند. تنها مذاکره‌ای که بین خمینی و آیت الله بهبهانی صورت گرفت، احوالپرسی بود که خمینی در پاسخ احوالپرسی آیت الله بهبهانی [مطالب فوق را] اظهار داشت: ... خیلی خوب و موفق... الخ». در پایان گزارش مأمور ساواک آمده است: «... تا ساعت ۹ [شب] جمعیت مثل سیل می‌آمد و از یک در وارد می‌شدند و دست و پای خمینی را می‌بوسیدند و از در دیگر خارج می شدند. از جمله مذاکراتی که بین بازاریها به عمل آمد این بود که ظاهراً قصد دارند امروز یا فردا (۱۱ یا ۱۲ مرداد ماه ۴۲) بازار را چراغانی کنند و جشن بگیرند. این موضوع بین بازاریها مورد مذاکره بود».

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. آیه ۲۲۷ سوره شعرا: «و آنان که ستم کردند بزودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی بازگشت می‌کنند».

تشدید امر آنها شود و ده سال زندان به پانزده سال تبدیل گردد. اینک که حکم جائرانه دادگاه تجدیدنظر صادر شد، ناچارم از اظهار تأسف از اوضاع ایران عموماً، و از اوضاع دادگاه خصوصاً. به قدری خلاف قوانین و مقررات در دادگاهها جریان دارد که موجب تأسف و تعجب است: محاکمات سرّی، حبسهای قبل از ثبوت جرم، بی‌اعتنایی به دفاع مظلومین. اینجانب و اشخاص با وجدان و با دیانت متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که به جرم دفاع از اسلام و قانون اساسی محکوم به حبسهای طویل المدت شده، و باید با حال پیری و نقاهت در زندان، برای اطفای شهوات دیگران، به سر برند. رأی‌دهندگان باید منتظر سرنوشت سختی باشند.

تأسف بالاتر تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل است بر بسیاری از شئون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادیات آن، به کمک دولت و عمال دستگاه جبار. اسرائیل با دول اسلامی در حال جنگ است، و دولت ایران با کمال دوستی با او رفتار می‌کند و همه نحو وسایل تبلیغ و ورود کالاهای آن را فراهم می‌سازد.

من کراراً اعلام خطر کرده‌ام: خطر برای دیانت مقدسه، خطر برای استقلال مملکت، خطر برای اقتصاد کشور. من از کلمه «الکفر ملة واحدة»[۱] که از سازمانها به دست و دهانها افتاده متأسفم. این کلام برخلاف نص کلام الله، و برای پشتیبانی از اسرائیل و عمال اسرائیل است، مقدمه شناسایی اسرائیل است، برای پشتیبانی از عمال اسرائیل و فرقه ضالّه منحرفه[۲] است. من متأسفم از اینکه در مملکت اسلامی برخلاف قانون اساسی اوراق ضالّه مخالف با نص قرآن و ضروریات دین مقدس نشر می‌شود، و دولتها از آن پشتیبانی می‌کنند. کتاب انتقاد که بر رد قرآن مجید نوشته شده، و طرح قانون خانواده که برخلاف احکام ضروریه اسلام و خلاف نص کلام الله مجید [است] طرح و منتشر می‌گردد، و کسی نیست از دولتها استیضاح کند. من متأسفم از

---

۱. حدیث منسوب به پیامبر (ص) و شعاری که از سوی وابستگان به رژیم داده می شد تا اسرائیل و (بهاییت) نیز چون کشورهای مسیحی تلقی گردیده و به رسمیت شناخته شود. امام خمینی این سخن را مخالف نص صریح قرآن و اسلام دانستند.

۲. فرقه بهاییت.

رفتار سازمانها با مجالس تبلیغ احکام و عزاداری بر سید مظلومان علیه الصلوة والسلام. هر کسی به طور کلی از ظلم و ظالم بحث کرد، اکنون در زندان به سر می‌برد یا مدتها به سر برده است. تمام مجالس در تحت فشار، و صاحبان آنها در فشارهایی جانفرسا بوده و هستند. اشخاص متدین را، به جرم آنکه در عاشورا دسته راه انداخته‌اند و شعار ضد اسرائیل با خود داشته اند، به حبس و زجر و شکنجه کشیدند و اکنون هم در حبس به سر می‌برند، با آنکه با کمال آرامش حرکت می‌کردند.

من به جمیع دول اسلام و مسلمین جهان، در هر جا هستند، اعلام می‌کنم که ملت عزیز شیعه از اسرائیل و عمال اسرائیل متنفرند، و از دولتهایی که با اسرائیل سازش می‌کنند متنفر و منزجرند. این ملت ایران نیست که با اسرائیل منفور در حال سازش است؛ ملت ایران از این گناه بزرگ بری است. این دولتها هستند که به هیچ وجه مورد تأیید ملت نیستند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و حفظ احکام اسلام را خواستار است[۱].

روح الله الموسوی الخمینی

▣ تلگراف

زمان: ۱۸فروردین ۱۳۴۳/ ۲۳ذی‌القعده ۱۳۸۳	مکان: قم
موضوع: پیام تشکر از همراهی با قیام ۱۵خرداد	مخاطب: فلسفی، محمدتقی

قم تهران ۲۳۲

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای فلسفی خطیب شهیر ـ دامت افاضاته

از مساعی جمیله جنابعالی در اعلای کلمه حق متشکر [م]. مستدعی است تشکرات اینجانب را به حضرات خطبای محترم ـ ایّدهم الله تعالی ـ ابلاغ فرمایند.[۲] توفیق آقایان را در احقاق حق و ابطال باطل از خداوند متعال خواستارم.[۳] خمینی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲٦۱ و ۲٦۲.

۲. آقای فلسفی به خاطر سخنرانی و حمایت از قیام ۱۵ خرداد، ابتدا زندانی و پس از آزادی ممنوع المنبر شد. امام خمینی در نخستین شب پس از آزادی از حصر و بازگشت به قم در سال ۱۳٤۳ با ارسال تلگراف فوق از خدمات ایشان و دیگر خطیبان تشکر می‌کنند.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲٦۳.

▣ تلگراف

زمان:فروردین ۱۳۴۳/ذی‌القعده ۱۳۸۳ (۱) مکان:قم
موضوع:پیام تشکر مخاطب:خوانساری، سیداحمد

حضرت آیت الله آقای خوانساری ـ دامت برکاته ـ تهران

از مساعی جمیله حضرتعالی متشکر. توفیق حضرات علما و مراجع عظام را در احقاق حق و ابطال باطل از خداوند تعالی خواستار است. خمینی (۲)

▣ تلگراف

زمان:۲۲فروردین ۱۳۴۳/۲۷ذی‌القعده ۱۳۸۳ مکان:قم
موضوع:تکذیب خبر موافقت روحانیون با مقاصد خلاف شرع رژیم شاه
مناسبت:سرمقاله روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۴۳/۱/۱۸ مخاطب:میلانی، سیدهادی

حضرت آیت الله میلانی ـ دامت برکاته ـ مشهد

پس از عرض اخلاص، مندرجات سرمقاله اطلاعات سه شنبه ۱۸ فروردین منتشر در تهران تکذیب است. امر بفرمایید اکیداً تکذیب نمایند. (۳) خمینی

▣ بیانات

زمان:۲۲فروردین ۱۳۴۳/۲۷ذی‌القعده ۱۳۸۳ مکان:قم
موضوع:تأمین نیازمندیهای خانواده شهدا حضار:بازماندگان شهدای قیام ۱۵خرداد ۴۲ (٤)

[اگر این خانواده ها] احتیاج دیگری هم داشته باشند، بعداً تأمین خواهم کرد؛

---

۱. نامه در تاریخ ۲۲یا۲۳ فروردین ماه ١٣٤٣ پس از آزادی امام خمینی از زندان مخابره شده است. در پرونده ساواک جمله «رونوشت برابر اصل است» همراه مهر ساواک در ذیل آن دیده می‌شود.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ٢٦٦.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۷.

٤. در گزارش مورخ ١٣٤٣/١/٢٢ ساواک قبل از بیانات امام چنین آمده است: «چندین نفر از زن و مرد آمده بودند منزل آقای خمینی، نامه‌های زیادی به ایشان دادند. نوشته اند: شوهرهای ما مرده اند؛ جوانان ما کشته شدند؛ آقای خمینی، تکلیف ما چیست؟ سرپرست نداریم. آقای خمینی خیلی گریه کرد و ناراحت شد. آنهایی که وضع خوبی داشتند و احتیاج به چیزی نداشتند آقای خمینی حواله داد، [به] هر خانواده‌ای مبلغ یک هزار تومان پول بدهند. آنهایی که بیچاره بودند حواله داد هر خانواده‌ای مبلغ سه هزار تومان پول بدهند. دیروز پولهایشان تحویل آنها شد».

ناراحت نباشید. امیدوارم جزو شهیدان سیدالشهداء محسوب شوند؛ خودم هم در این مصیبت شریک هستم. من هم مصیبت زده هستم. از همه مهمتر مصیبت دین است که دارد لطمه می‌خورد.[۱]

◙ تلگراف

زمان: ۲۳فروردین ۱۳۴۳/۲۸ذی‌القعده ۱۳۸۳ **مکان:** قم
موضوع: تکذیب خبر موافقت روحانیون با اعمال خلاف شرع رژیم شاه[۲]
مخاطب: خادمی، حسین

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای خادمی ـ دامت برکاته ـ اصفهان

از مساعی جمیله جنابعالی متشکر. توفیق علمای اسلام را در احقاق حق و ابطال باطل خواستار است. مستدعی است مراتب تشکر اینجانب را به حضرات حجج اسلام ـ دامت برکاتهم ـ ابلاغ، لازم است مندرجات روزنامه اطلاعات سه شنبه ۱۸ فروردین را جداً امر به تکذیب فرمایید. خمینی[۳]

◙ نامه

زمان: ۲۵اردیبهشت ۱۳۴۳/۳محرم ۱۳۸۴ **مکان:** قم
موضوع: اقدامات تحریک آمیز رژیم شاه در دستگیری روحانیون پس از قیام ۱۵خرداد ۴۲
مخاطب: میلانی، سیدهادی

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض محترم عالی می‌رساند، مرقومه مبارک که شامل مطالب عالیه و اظهار الطاف کریمه بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت و عظمت حضرتت و جمیع مراجع عظام و سایر مسلمین را از خداوند تعالی خواستار است امید است خداوند تعالی همه را به وظایف شرعیه و عمق مسائل موجوده آگاه و به عمل آن تأیید فرماید.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. سرمقاله روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۴۳/۱/۱۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۸۰.

مطالب به نظر حقیر در پرده ابهام عجیبی است و مسائل روز به هیچ وجه روشن نیست و اخبار گوناگون داخل و خارج موجب نگرانی شدید اینجانب است و خوف آن است که دستهای خبیث ناپاکی بخواهند به تمامیت ارضی مملکت خدای نخواسته لطمه‌ای وارد کنند. اولیای امور یا غافل هستند یا معذور؛ در عین حال که وضع خارجی خصوصاً مطالبی که در موضوع خوزستان و کردستان گفته می‌شود و اخیراً در جراید راجع به خوزستان نوشته می‌شود[۱] و دولت باید آرامش داخلی را به هر نحو است حفظ کند، دیده می‌شود که کارهای تحریک آمیزی در داخل انجام می‌گیرد. شیراز را به گرفتن آقای دستغیب[۲] و جهرم و حوالی آن را به گرفتن آقای آقا سید حسین[۳] و تبریز را به گرفتن آقای قاضی[٤] و قم و تهران را به گرفتن جمعی از اهالی منبر و خراسان را به گرفتن آقای طبسی[۵] و کارهای دیگر و اصفهان را به نحو دیگر و سایر بلاد را هر یک به نحوی ناراحت و عصبانی می‌کنند. این مطالب حقیر را ناراحت و نگران نموده است و می‌ترسم خدای نخواسته صحنه های اسف انگیزی به وجود آید که برخلاف مصالح مملکت و اسلام است. تنبیه به اولیای امور بی اثر است و مثل اینکه به طور خودکار یا الزام کارهایی انجام می‌شود که عاقبت وخیمی خدای نخواسته داشته باشد. حضرتعالی با توجه و تعمقی که به اطراف مسائل دارید لازم است در این موضوعات فکری فرمایید یا به وسیله‌ای اولیای امور را متذکر فرمایید.

---

۱. در آن زمان، دولت بعث عراق با تبلیغات سوء خود علیه ایران و به کارگیری عناوین و اسامی مجعول و تحریف شده «عربستان» به جای «خوزستان» و «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» خصومت خود علیه کشور ما را آشکار می‌کرد. در کردستان هم، افراد خودفروخته‌ای از «تجزیه» و طرح «کردستان بزرگ» سخن می‌گفتند.

۲. آقای سید عبدالحسین دستغیب.

۳. آقای سید حسین آیت اللهی.

٤. آقای سید علی قاضی طباطبایی.

۵. آقای عباس واعظ طبسی.

که دست زدن به کارهای تحریک آمیز در این موقعیت و موقع خطرناک است گرچه تذکر به دولتها در این وضع بی نتیجه است، البته در امر روز با این وضعیت باید کمال احتیاط و حزم شود که خدای نخواسته مسلمین یا روحانیون آلت دست مقاصد سوء نشوند بنده یک نفر که مورد اطمینان طرفین باشد از دولت خواسته‌ام کـه مـصالح و مفاسد را تذکر دهم با اینکه سه چهار روز می گذرد جوابی نیامده و شاید هـم نـیاید. دولت اختیاری ندارد که طرف مذاکره بتواند بشود. این مملکت را که مورد علاقه همه روحانیون است و اسـتقلال و تـمامیت ارضـی آن مـورد عـلاقه آنـها است دسـتهای مرموزی دارد به پرتگاه می کشاند مگر آنکه خـداونـد تـعالی بـه بـرکت ولی عـصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ فرماید. مستدعی در مظان استجابت دعوات در مواقع تشرف به آستان قدس حقیر را منظور نظر مبارک فرمایید. والسـلام عـلیکم و رحمة الله و برکاته[۱].

روح الله الموسوی الخمینی

▫ اعلامیه مشترک

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۴۳/ ۲۴ محرم ۱۳۸۴ **مکان: قم**
موضوع: اعلامیه مشترک آیات عظام به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد
مخاطب: علما و روحانیون و دیگر قشرهای ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

﴿و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون﴾[۲]

یک سال از فاجعه خونین ۱۲ محرم ۸۳ "۱۵ خرداد ۱۳۴۲" گذشت. یک سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری شد. یک سال از بی خانمان شدن و بی سرپرست شدن یتیمان بی پدر و زنهای بی شوهر و مادران داغدیده گذشت. واقعه ۱۵ خـرداد نـنگ

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۲٦ تا ۳۲۷.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۲۸.

بزرگی برای هیأت حاکمه به بار آورد. این واقعه فراموش شدنی نیست. تاریخ آن را ضبط کرد. آیا ملت مسلمان چه جرمی مرتکب شده بود؟ زنها و اطفال صغیر چه گناهی کرده بودند؟ چرا آنها را به مسلسل بستند؟ علمای اسلام و خطبای مذهبی چه جرمی داشتند؟ گناه آنها دفاع از حق بود؛ دفاع از قرآن کریم بود. به جرم نصایح مشفقانه و صلاح اندیشی اهانت شدند، به حبس کشیده شدند، محصور گردیدند، مبتلا به مصایب شدند.

علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمه اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاریها و ظلمها اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند، از اسرائیل و عمال اسرائیل دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور برائت جویند، از اعدامهای بی جهت و تبعیدهای دسته جمعی و محاکمات غیرقانونی و محکومیتهای بدون مجوز بیزاری جویند؛ و صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال بیان کنند. اینها جرم است؟ اینها ارتجاع سیاه است؟ در این مملکت تمام فرق ضالّه آشکارا تبلیغ ضد اسلامی می‌کنند، محافل آزاد دارند، مجالس علنی دارند. مسیحیین، فرستنده در کلیسای انجیلی در تهران دارند، مؤسسه در کرمانشاه دارند؛ مدارس رسمی دارند، برخوردار از پشتیبانی دولتها هستند، نشر کتب ضد دینی آزاد است؛ فقط مسلمانها و مبلغین مذهبی و علمای اسلام آزاد نیستند. تبلیغات دینی و بیان قانون شکنیها «ارتجاع سیاه» شناخته شده و ممنوع گردیده. محافل دینی و مجامع مذهبی محتاج به اجازه شهربانیها و سازمانهاست. دستجات عزاداری بر حضرت سیدالشهداء علیه الصلوة والسلام باید محدود و ممنوع باشد.

ما نمی‌دانیم اینها چه بستگی با اسرائیل و عمال اسرائیل دارند! آیا برای مملکت کهنسالی مثل ایران ننگ نیست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران می‌کنیم! ایران بزرگ تحت الحمایه اسرائیل است؟ آیا خلاف مصالح کشور نیست که

مطالب خودساخته بی سروپایی را در افواه[۱] ملت بیندازند، و روزنامه‌ها در اطرافش بحث کنند و ضعف دولت را بر ملا نمایند؟ این سیاست غلط نیست؟ این فضیحت نیست؟ اینها ملت را خواب فرض کردند.

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب، مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می‌برند و ملت بدبخت در آتش فقر و بیکاری و بینوایی می‌سوزد. در حضور چهره های رنگ پریده از گرسنگی و بینوایی دائماً دولتها دم از ترقی و پیشرفتهای اقتصادی می‌زنند.

این حقایق تلخ ما را به تنگ آورده، علمای اسلام را رنج می‌دهد. اگر اینها «ارتجاع سیاه» است بگذار ما مرتجع باشیم! ما از واقعه ۱۲ محرم «۱۵ خرداد» خجلت می کشیم. واقعه شوم ۱۵ خرداد و مدارس علمی، فیضیه و غیر آن، پشت ما و هر مسلم غیر تمند را می‌شکند؛ تا هیأت حاکمه چه عقیده داشته باشد! ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی‌کند. ما روز ۱۲ محرم را عزای ملی اعلام می کنیم. بگذار ما را مرتجع بخوانند، کهنه پرست بدانند.

ما از عواقب این اعمال جائرانه خائف هستیم و نصیحت هیأت حاکمه را لازم می دانیم؛ و کراراً نصیحت کردیم و خیر و صلاح راگوشزد کردیم، و رعایت نشده است. ما مصلحت می‌دانیم که دولت، رویه را تغییر دهد. سازمانها و شهربانیها را اینقدر بر ملت ستمدیده و بر علمای اسلام و خطبای محترم چیره نکند. از این اعمال خلاف قوانین اگر می‌توانند جلوگیری کنند. علاقه علمای اسلام به ممالک و قوانین اسلامی علاقه الهی ناگسستنی است.

ما از جانب خدای تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و

---

۱. دهانها.

ترک نصیحت و سکوت [را] در مقابل خطرهایی که پیش بینی می‌شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می‌دانیم؛ گناه بزرگ می‌دانیم؛ استقبال از مرگ سیاه مـی‌دانـیم. پیشوای بزرگ ما، حضرت امیرالمؤمنین ﷺ سکوت را در مـقابل سـتمکاری جـایز نمی‌دانست؛ و ما نیز جایز نمی‌دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است، ارشاد دولتـهاست، ارشاد جمیع دستگاههاست. ما از این وظیفه به خـواست خـدای تـعالی خـودداری نمی‌کنیم.

در این زمان، سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است. وظایف اسلامی وظیفه ما تنها نیست وظیفه تمام طبقات است، وظیفه مراجـع اسـلام است، وظیفه علمای اسلام است؛ وظیفه خطبای اسلام است؛ وظیفه تمام ملت است؛ وظیفه تمام ممالک اسلامی و ملل اسلام است. ما امید واثق داریم که مـلل اسـلامی در آتـیه نزدیکی بر استعمار چیره شوند. و ما در موقع خود، به خواست خدای تعالی، از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی‌کنیم.

از خداوند تعالی صلاح حال ممالک اسلامی و ملل اسلام و دولتهای اسلامی را خواستاریم. «اللّهم اجعل افئدةً من الناس تهوی الینا»[۱]. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی، محمد هادی الحسینی المـیلانی، شـهاب الدیـن النجفی المرعشی، حسن الطباطبایی القمی.[۲]

▣ نامه

زمان: ۲۹ خرداد ۱۳۴۳ / ۸ صفر ۱۳۸۴ — مکان: قم
موضوع: وضع ناگوار زندانیان در جنوب — مخاطب: صبوری، جعفر

۲۹ /۳/ ۴۳ — بسمه تعالی

خدمت جـناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ جعفر صبوری ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاکی از صحت مزاج شـریف و حاوی تفقد آن جـناب بود، واصل گردید. راجع به زندانیانی که در جـنوب هسـتند و

---

۱. خداوندا! دلهای مردم را به سوی ما قرارده.

۲. صحیفهٔ امام، ج ۱، ص ۳۳۵ تا ۳۳۸.

وضع ناگوار آنها مرقوم فرموده بودید حقیر هم بسیار متأثر هستم و برای اینجانب نیز نامه هایی فرستاده‌اند و اقداماتی جهت استخلاص آنان نموده و قولهایی هم داده اند. امید است ان شاءالله وسایل استخلاص آنان فراهم شده، رفع نگرانی عموم بشود. توفیق جنابعالی را در اعلای کلمه طیبه اسلام از خدای متعال خواستار و ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۸ صفر الخیر ۸۴

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۱۶ تیر ۱۳۴۳ / ۲۶ صفر ۱۳۸۴ مکان: قم

موضوع: ضرورت تشکیل جلسات هفتگی مخاطب: نجفی، محمدحسن

بسمه تعالی

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد حسن نجفی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، پس از اهدای تحیت و سلام، چون همکاری و اجتماع آقایان حضرات علمای اعلام ـ دامت برکاتهم در ترویج شریعت مقدسه همیشه مورد نظر شارع مقدس اسلام بوده است، و از این طریق خصوص در این برهه از زمان بهتر می‌توان در مقابل دشمنان شرع انور عمل مثبتی انجام داد، لذا در نظر گرفته شده است که ان شاءالله به اطلاع حضرات آقایان علمای اعلام برسانیم که در هر هفته یک شب اجتماعی داشته باشند، و برای این منظور شب یکشنبه در نظر گرفته شده است. و به غالب بلاد ایران بلکه خارج ایران نیز این تصمیم ابلاغ گردیده است. ان شاءالله حضرت مستطاب عالی هم اقدام فرمایید در رفسنجان شبهای یکشنبه مجلس مزبور تشکیل شود. و چنانچه مجدداً مطلب لازمی بود، به اطلاع آقایان محترم خواهد رسید.

دوام توفیقات آن جناب و سایر علمای اعلام ـ دامت برکاتهم ـ را در اعلای

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ٣٤٤.

کلمه طیبه اسلام از خدای متعال خواستار و ملتمس دعا هستم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. به تاریخ ۲۶ صفر الخیر ۸۴

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۲۷ تیر ۱۳۴۳ / ۸ ربیع الاول ۱۳۸۴ مکان: قم
موضوع: ضرورت وحدت و یکپارچگی در مقابل استعمار و دستگاه جبار
مخاطب: فلسفی، محمد تقی

بسم الله الرحمن الرحیم

۸ ربیع الاول ۱۳۸۴

حضرت حجت الاسلام خطیب شهیر آقای فلسفی ـ دامت افاضاته ـ رفسنجان

تلگرافی از طرف اهالی محترم سیرجان رسید که از جنابعالی تقاضا شود دعوت آنها را بپذیرید. مقتضی است برای جبران گذشته و خفقان موجود پذیرفته شود. به اهالی محترم رفسنجان و سیرجان و دیگران از طرف حقیر پس از اهدای سلام وافر تذکر دهید که امروز در مقابل دستهای ناپاک اجانب که خطر عظیم بر اسلام و مسلمین متوجه است، لازم است با وحدت کلمه و اعتصام به حبل الله به شعائر مذهبی اهمیت بیشتر بدهید و جمعیتهای خود را فشرده تر و انبوهتر فرمایید و در مقابل استعمار و دستگاه جبار به صفوف خود در جماعات و اجتماعات مذهبی برای احقاق حق و ابطال باطل بیفزایید. ﴿فاما الزبد فیذهب جفاءً و امّا ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض﴾[2] هرگز در مقابل اظهار حق و ترویج احکام اسلام از ارعاب و ارهابهای بی‌مغز نهراسید و در عین کمال آرامش و بهانه ندادن به دست دستگاه جبار حقوق حقه خود را که عمل به احکام اسلام و آزادی خطبای محترم و نویسندگان معظم است

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. سوره رعد، آیه ۱۷: «اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند».

مطالبه نمایید و دولتها را از خطر اسرائیل و عمال اسرائیل آگاه نمایید و قطع ید دشمنان اسلام را از ذخایر ملت و دسترنج کارگر و رعیت با کمال جدیت مطالبه نمایید و دولت را از اینکه اجازه داده است اوراق ضاله از قبیل کتاب «انتقاد و طرح قانون خانواده» منتشر شود استیضاح کنید و از خلافکاریها و قانون شکنیهای دستگاه در مجامع عمومی یادآوری نمایید و مظالم دولتها را هر چه بیشتر و با هر وسیله انتشار دهید. و برای عظمت اسلام و ممالک اسلامی و قطع ید اجانب خصوصاً اسرائیل که در حال جنگ با مسلمین و اسلام است، در مجامع عمومی دعا کنید. و از گناهان خود توبه کنید و به ولی عصر و ناموس دهر (عج) برای رفع گرفتاریها پناه ببرید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▫ پیام

زمان: ۲۱ مهر ۱۳۴۳ / ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ **مکان: قم**
موضوع: اعمال خلاف مأموران رژیم در کرمان و هجرت آقای حجتی کرمانی
مخاطب: اهالی استان کرمان

بسم الله الرحمن الرحیم

به وسیله حضرات خطبای محترم و مبلغین معظم کرمان ـ دامت افاضاتهم

خدمت ذی شرافت عموم اهالی محترم کرمان ـ ایّدهم الله تعالی ـ پس از سلام مخصوص، به عرض می‌رساند باید اظهار تأسف و تأثر کنم از قضایای خلافی که در اطراف مملکت به دست مأمورین انجام می‌گیرد. از آن جمله از قضایای اخیر کرمان، که منجر شد به هجرت جناب مستطاب ثقة الاسلام خطیب محترم آقای حجتی[۲] دامت افاضاته بسیار متأسفم. مأمورین به جای آنکه جنایتکاران را به سزای خودشان برسانند، برای طرفداری از آنها دست به کارهای خلاف شرع و وجدان زده اند؛ و بر

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۵۳ تا ۳۵٤.

۲. آقای محمد جواد حجتی کرمانی.

خلاف قوانین، بی جهت مزاحمت معظم له را فراهم نموده اند. از جناب ایشان تقاضا کردم که به وطن خود مراجعت فرمایند. و از اهالی محترم تقاضا می‌کنم از زحمات ایشان تقدیر نمایند؛ و با حفظ آرامش اجازه ندهند بر خلاف شرع و قانون، مأمورین رفتار ناشایسته خود را تعقیب نمایند. شما اهالی محترم تحت نظر علمای اعلام و حجج اسلام و خطبای عظام، اجتماعات خود را خصوصاً در روز جمعه، هر چه بیشتر فشرده تر کنید. و به مراسم و شعائر مذهبی اهمیت دهید. و در مقابل زورگوییها و قانون شکنیها ساکت ننشینید و با کمال ارامش خلافکاریهای دستگاه جبار را به ملت ایران و ملل مسلمین گوشزد کنید. و از خدای تعالی به وسیله ولی عصر ـ عجل‌الله تعالی فرجه استمداد نمایید. تا دولتهای جبار نتوانند بر خلاف اسلام و قوانین قرآن قدمی بر دارند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ تلگراف

زمان: ۲۴مهر ۱۳۴۳/ ۱۰جمادی‌الثانی ۱۳۸۴[۲] **مکان:** قم

موضوع: محکوم نمودن محاصره آقای قمی توسط رژیم شاه **مخاطب:** میلانی، هادی (از مراجع تقلید)

حضور محترم حضرت مستطاب آیت الله آقای میلانی ـ دامت برکاته ـ مشهد

پس از اهدای تحیت و سلام از پیشامد مشهد مقدس بسیار متأسفم. گویا مأمورین بی جهت می‌خواهند باز فتنه ایجاد کنند.

حصر آیت الله قمی[۳] جز ایجاد ناراحتی در محافل روحانیت و بین طبقات مردم برای هیأت حاکمه نتیجه ندارد. منتظرم از وضع مشهد و سلامت معظم له

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲. برابر گزارش شماره ۲۴۲۳ ـ ۴۳/۷/۲۵ ساواک، تلگراف فوق در تاریخ ۴۳/۷/۲۵ از سوی امام خمینی برای آقای میلانی به مشهد مخابره شده است.

۳. آقای سید حسن قمی.

مستحضرم فرمایید.

خمینی[۱]

■ نامه

زمان: ۲۸مهر ۱۳۴۳/ ۱۴جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ مکان: قم

موضوع: لزوم وحدت روحانیون برای دفع خطرات مخاطب: موسوی، سید محمدحسین

بسمه تعالی

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب سید الاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا سید محمدحسین موسوی ـ دامت افاضاته

به عرض می‌رساند، مرقومه جنابعالی که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تفقد از حقیر بود موجب تشکر گردید.

مساعی جمیله علمای اعلام در تشکیل جلسات شبهای یکشنبه و اجتماعات روزهای جمعه[۲] مورد کمال تقدیر، و امید است ان شاءالله مورد توجه حضرت ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ واقع شده و مأجور باشید.

لازم به تذکر نیست که در این موقع که دشمنان اسلام می‌کوشند به هر وسیله ضربه‌ای بر اسلام و احکام مقدس آن وارد کنند بر علمای اعلام و مروّجین شریعت مقدس اسلام ـ دامت افاضاتهم لازم است اجتماعات خود را حفظ فرموده و با اتحاد کلمه و اتفاق کامل از خطرات موجود جلوگیری فرمایند.

و بر مردم مسلمان و مؤمنین محترم بلاد نیز لازم است از دستورات علمای اعلام دامت برکاتهم پیروی نموده و اجتماعات دینی خود را فشرده‌تر سازند. و با

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۰۵.

۲. آقای سید محمدحسین موسوی در نامه مورخ اول شعبان ۱۴۱۵ درباره مرقومه امام خمینی توضیح داده که: «در سال ۱۳۴۲ امام خمینی به اینجانب دستور فرمودند که علمای شهرستان را در شب یکشنبه هر هفته در یک محل جمع نمایید تا ضمن اینکه مسائل روز مطرح می‌شود از تفرقه و پراکندگی که به نفع رژیم شاه است جلوگیری شود. این کار انجام می‌شد و گزارش کار به طور مرتب به عرض ایشان می‌رسید».

رعایت نظم و آرامش بدون آنکه بهانه‌ای به دست دشمنان بدهند، در مساجد و اجتماعات مذهبی شرکت نمایند و از خدای متعال استمداد بخواهند.

از خدای متعال موفقیت عموم آقایان محترم و عظمت اسلام و مسلمین را خواستار و ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۱۴ جمادی الثانیه ۸۴ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

صدور این پیام باعث تبعید امام خمینی گردید

▣ پیام

زمان: ۴ آبان ۱۳۴۳ / ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ مکان: قم
موضوع: مخالفت با کاپیتولاسیون و دعوت مردم و علما به قیام
مخاطب: علما و روحانیون و دیگر اقشار ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا﴾[۲]

آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌دانند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می‌داند مجلس، به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟ قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم؟ ایران را از عقب‌افتاده‌ترین ممالک دنیا پست تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود؟ حیثیت دادگاههای ایران را پایمال کرد؟ به ننگین ترین

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۰۷ تا ۴۰۸.

۲. سوره نسا، آیه ۱۴۱.

تصویبنامه دولت سابق، با پیشنهاد دولت حاضر، بدون اطلاع ملت، با چند ساعت صحبتهای سرّی، رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت امریکایی ها قرار داد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیرنظامی امریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند؛ پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد. دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند. چرا؟ برای آنکه امریکا مملکت دلار است، و دولت ایران محتاج به دلار!

به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار امریکایی یا یک خادم مستشار امریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالیرتبه ایران، هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد؛ محاکم ایران حق رسیدگی ندارد. ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند؛ دادگاه باید رسیدگی نماید!

امروز که دولتهای مستعمره یکی پس از دیگری با شهامت و شجاعت، خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن ۲۵۰۰ ساله، با لاف همردیف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین ترین و موهنترین تصویبنامه غلط دولتهای بی حیثیت رأی می‌دهد، و ملت شریف ایران را پست‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین ملل به عالم معرفی می‌کند؛ و با سرافرازی هر چه تمامتر دولت از تصویبنامه غلط دفاع می کند و مجلس رأی می‌دهد. از بعض منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی، پیشنهاد کرده اند، و هیچ کدام زیر بار این اسارت نرفته‌اند. تنها دولت ایران است که اینقدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می‌کند و آن را به باد فنا می‌دهد.

علما و روحانیون که می‌گویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت

نکند، باید وکلای پارلمان مبعوث از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب ننمایند، برای آن است که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبتها ننمایند. چرا وکلای پارلمان، با آنکه به حسب قاعده انسانیت و ملیت با همچو سند اسارتی صد در صد مخالف هستند، نفس نمی‌کشند؛ و جز دو ـ سه نفر آنها، که معلوم است با اضطراب صحبت کرده اند، خاموش نشسته اند؟ برای آنکه اتکا به ملت ندارند، دست نشانده هستند، و قدرت مخالفت ندارند، آنها را با یک اشاره بیرون می‌ریزند؛ به زندان می‌اندازند.

آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید، «سوگند به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم» یاد کرده اند؟ این همان خطری است که کراراً تذکر داده‌ام: خطر برای قرآن مجید؛ برای اسلام عزیز؛ خطر برای مملکت اسلام؛ خطر برای استقلال کشور.

من نمی‌دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که اینقدر پافشاری برای محو اسم آن می‌کند. اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد؛ اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود. جدابودن ملت از هیأت حاکمه، برخوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت، این مصیبتها را پیش می‌آورد.

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است، و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند؛ وکلای سرنیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبیها بخواهند از این رأی کثیف سوءاستفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد. دنیا بداند که هر گرفتاری ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از

اجانب است؛ از امریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست. اجانبند که مخازن پر قیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند. انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می‌برد. اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا در آوردند. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال امریکا و عمال آن. امریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. امریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند. امریکاست که وکلا را، یا بیواسطه یا با واسطه، بر ملت ایران تحمیل می‌کند. امریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند، و می خواهد آنها را از جلو خود بردارد. امریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند، و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد. امریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویبنامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. امریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید.

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند. بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها، به هر وسیله هست، بخواهند این سند استعمار را پاره کنند؛ این دولت را ساقط کنند؛ وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند. بر ملت است که از علمای خود بخواهند در این امر ساکت ننشینند. بر علمای اعلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند. بر فضلا و مدرسین حوزه های علمیه است که از علمای اعلام بخواهند که سکوت را بشکنند. بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند. بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطبا بخواهند که آنان را که آگاه از این

مصیبت بزرگ نیستند آگاه کنند. بر خطبا و وعاظ است که با بیان محکم، بی هراس، بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند. بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند. بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند؛ با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملتهای دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته، ساکت ننشینند. بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند، و از مراکز پخش آزاد، ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند. بر علما و خطبای ملل اسلامی است که با سیل اعتراض این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود، بزدایند. و بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف نظر کرده، و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند. بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شده آگاه نمایند. بر احزاب سیاسی است در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند.

هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند، یکی است. و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از مسلمین است. اختلافی بین علمای اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست. اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جزئی و ناچیز باشد، مثل سایر اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمانهای دولتی گمان کرده‌اند با سمپاشیها می‌توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و به دست جُهّال متعصب به قصد شوم خود برسند، خطا کرده اند. اینجانب، که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم، در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضرم برای کوچکترین افراد تواضع و کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام کثّرالله امثالهم. لازم

است جوانهای متعصب و طلاب تازه کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند؛ و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشتت و تفرقه است خودداری نمایند. علمای اعلام برای خاتمه دادن به هرج و مرج و بی نظمیها در فکر اصلاح عمومی هستند، اگر دولتها مجال فکر به ما بدهند؛ اگر گرفتاریهایی که از ناحیه هیأت حاکمه پیش می‌آید و ناراحتیهای روحی مجال تصفیه و اصلاح داخلی به ما بدهد. این نحو گرفتاریهاست که ما را از مسیر خود، که مسیر تصفیه حوزه ها و اصلاح همه جانبه است، باز می‌دارد. با احساس خطر برای اسلام و قرآن کریم، برای ملت و ملیت مجال تفکر در امور دیگر باقی نمانده. اهمیت این موضوعات به قدری است که مشاغل خاص ما را تحت الشعاع قرار داده است.

آیا ملت مسلمان می‌داند که در حال حاضر عده‌ای از علما و مبلغین و طلاب و بسیاری از مسلمین بیگناه در زندانها به سر می‌برند، و برخلاف قوانین آنها را بدون رسیدگی مدتهای مدیدی زندانی کرده اند؟ و مرجعی نیست که به این وضع هرج و مرج ارتجاعی قرون وسطایی خاتمه دهد. اینها دنبال قتل عام ۱۵ خرداد، ۱۲ محرم، است که جراحت آن از قلب ملت پاک نخواهد شد. هیأت حاکمه به جای اینکه برای اقتصاد ایران، برای جلوگیری از ورشکستگیهای بازرگانان محترم، برای نان و آب فقرا و مستمندان، برای زمستان سیاه بی خانمانها، برای پیداکردن کار برای جوانان فارغ التحصیل و سایر طبقات بیچاره، فکری بکند، به کارهای مخرب، مثل آنچه گفته شد و نظایر آن، دست می زند؛ از قبیل استخدام زن برای دبیرستانهای پسرانه و مرد برای دبیرستانهای دخترانه، که فساد آن بر همه روشن [است] و اصرار به آنکه زنها در دستگاههای دولتی وارد شوند، که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است. امروز اقتصاد ایران به دست امریکا و اسرائیل است؛ و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است، و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است؛ و

اصلاحات آقایان، بازار سیاه برای امریکا و اسرائیل درست کرده است؛ و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد.

من از فکر زمستان امسال رنج می‌برم. من شدت گرسنگی و خدای نخواسته هلاکت بسیاری از فقرا و مستمندان را پیش بینی می‌کنم. لازم است خود ملت به فکر فقرا باشند. لازم است از حالا برای زمستان آنها تهیه‌ای شود که فجایع سال سابق تکرار نشود. لازم است علمای اعلام بلاد، مردم را دعوت به این امر ضروری بفرمایند.

از خدای متعال عظمت اسلام و مسلمین و رهایی دول اسلامی را از شر اجانب خذلهم الله تعالی[1] خواستار است. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. خداوند، آنان را درمانده کند.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٠٩ تا ٤١٤.

آغاز دوران تبعید

(تبعید به ترکیه)

▣ تلگراف

زمان:۱۳آبان ۱۳۴۳/ ۲۹جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ **مکان:ترکیه، آنکارا**
موضوع:اعلام خبر سلامتی **مخاطب:خمینی، سیدمصطفی**

نور چشمی، آقا مصطفی خمینی. ایران ـ قم با سلامت وارد آنکارای ترکیه شدم. به هیچ وجه نگران نباشید. حالم خوب و راحت هستم.

خمینی[(۱)]

▣ نامه

زمان:۱۳آبان ۱۳۴۳/ ۲۹جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ **مکان:ترکیه، آنکارا**
موضوع:سفارش خویشاوندان به صبر **مناسبت:ورود به آنکارا پس از تبعید از ایران**
مخاطب:خمینی، سید مصطفی

نور چشم محترم، آقا مصطفی ـ ایّده الله تعالی و وفقه لمرضاته

بحمدالله تعالی و له الشکر که قبل از ظهر روز چهارشنبه وارد آنکارا [در]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۲۷.

ترکیه شدم به سلامت. هوای اینجا بهتر از قم است. شماها از جهت من نگران نباشید. حالم خوب است و نگرانی بحمدالله نیست. خداوند ان شاءالله خیر مقدر فرماید. آنچه لازم است تذکر دهم، علاوه بر آنکه به جمیع خویشاوندان و بستگان پس از ابلاغ سلام سفارش کنید به صبر جمیل و عدم فزع[۱]، به هیچ وجه تشبث نکنید. خداوند تعالی آنچه مقدر فرموده واقع خواهد شد. آنچه لازم است به شما تذکر دهم آن است که اگر رضای خداوند تعالی و رضای مرا می خواهی، با مادر و خواهران و برادر و بستگان مطلقاً حسن رفتار نمایید. همه محتاج به حسن سلوک شما هستند. تقاضا می‌کنم به همه خوش رفتاری نمایید. وقت حرکت گفته شد که اگر میل دارید خانواده بیایند مانع ندارد، اینجا هم تکرار شد. لکن با کمال میلی که به ملاقات همه دارم راضی نیستم بیایند و بیایید، زیرا به شماها و ایشان بد می‌گذرد در محل غربت. برای من وسایل راحت فراهم خواهد شد، ان شاءالله تعالی. لازم است چیزهایی را که می‌نویسم، بدهید بیاورند. بناست از شما بیایند بگیرند و بیاورند. آنچه یادم است می‌نویسم و اگر چیزی را فراموش کردم شما بفرستید: کتاب مفاتیح، صحیفه سجادیه، مکاسب و حواشی. لباس از عبا و پیراهن و غیره. مهر و جانماز، انگشترها اینجاست. حوله هم بفرستید. برای این ماه وجه پیش آقای ... است، بگیرید شهریه را بدهید. برای تتمه زغال هم بگیرید[۲].

---

۱. بیم؛ زاری و فریاد.

۲. صحیفهٔ امام، ج ۱، ص ٤٢٨.

▣ نامه

زمان: ۱۹ آبان ۱۳۴۳ / ۵ رجب ۱۳۸۴ مکان: ترکیه، آنکارا
موضوع: سفارش به خانواده مخاطب: خمینی، سید مصطفی

۵ رجب ۱۳۸۴ بسم الله الرحمن الرحیم

نور چشمی، بحمدالله تعالی با سلامت قبل از ظهر روز حرکت از قم وارد آنکارا شدم و له الشکر حالم خوب است، شماها نگران نباشید. آنچه از طرف خداوند تعالی مقدر شده است جمیل است. خداوند توفیق خدمت به همه ما عنایت فرماید. لازم است در موضوع مادر و خواهرها و احمد و بستگان به شما تأکید کنم، رضای خداوند و رضای من در حسن سلوک با آنهاست. مادر خیلی احتیاج به خدمت دارد، باید از هر حیث مادی و معنوی رضایت او را به دست آورید، نگذارید نگرانی پیدا کند، راحتی او را فراهم کنید.

بناست ما را به «بورسا»[1] که علی المذکور یک شهر مذهبی است ببرند، اگر ممکن شد از آنجا هم اطلاع می‌دهم. شما از سلامت خودتان مرا مطلع کنید. اگر ممکن شد کتابهای درسی فقه مرا یعنی مکاسب و حواشی را به وسیله سفارت ایران بفرستید. کاغذ هم لابد به وسیله سفارت باید بنویسید. تتمه پول زغال آقای طباطبایی را بدهید. شهریه را اگر ممکن شد بگیرید بدهید. از خوراکی خشکبار از قبیل گز و پسته بفرستید مانع ندارد. باز هم تکرار می‌کنم که حالم خوب است و محتاج استراحت بوده و هستم. جزئی وجهی به دخترها می‌دادم، از وجه خمین و تتمه را از سهم سادات بدهید. شهریه مادر را بدهید. احمد را راضی نگه دارید، شهریه اش را بدهید. به من در تهران گفتند، اگر خانواده را بخواهید می‌فرستیم، لکن صلاح نیست. اینجا به ایشان بد خواهد گذشت، من هم از ناراحتی ایشان ناراحت خواهم شد. لباس لازم نیست بفرستید، مگر عبا.

در خاتمه سلامت همه را طالب هستم. به همه دوستان و اصحاب سلام

---

۱. یکی از شهرهای ترکیه.

می‌رسانم و از همه امید عفو دارم. قهراً در وضع تخفیف داده می‌شود. از خداوند متعال، حسن عاقبت و عافیت برای خودم و شماها خواستارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

به گماشتگان سلام برسانید.

به حضرتین اخوین محترمین [۱] لدی الملاقات [۲] سلام مخصوص برسانید.

والسلام. خمینی

«وسیله» و «حاشیه» را هم بفرستید. شاید آنها را به وسیله پست هم برای سفارت ایران در آنکارا بفرستید، برسد. لکن بهتر آن است که به سازمان[۳] رجوع شود و با اطلاع آنها باشد.[٤]

▣ وکالتنامه

زمان: ۱۹ آبان ۱۳۴۲ / ۵ رجب ۱۳۸۴ — مکان: ترکیه، آنکارا

موضوع: تفویض وکالت و وصایت — مخاطب: خمینی، سید مصطفی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله علی السّراء و الضرّاء[٥] و السلام علی محمد و آله الطاهرین.

و بعد، نور چشم محترم که مورد وثوق اینجانب است، وکیل است از طرف حقیر در کلیه امورم. آنچه از وجوه از قبیل سهمین مبارکین، مطالب هستم به ایشان بدهند برای تأمین شهریه طلاب محترم؛ و وکیل هستند در اخذ و دستگردان سهمین مبارکین و هر نحو وجهی که باید به من برسد، و در اعطا به محالِ مقرّر خود. و وصی

---

۱. آقایان: سیدمرتضی پسندیده و سید نورالدین هندی.

۲. در هنگام دیدار.

۳. سازمان اطلاعات و امنیت کشور «ساواک».

٤. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤۲۹ تا ٤۳۰.

۵. شادی و سختی.

اینجانب هستند. و وصیتنامه‌ام در یکی از دفاتر موجود است. قضای چندین سال صوم به عهده دارم احتیاطاً، و دو سه سال هم نماز احتیاط کنند. کتب من از مصطفی است. اثاثیه خانه مطلقاً از مادر مصطفی است. بقیه وصیتنامه‌ام عمل شود. مراد از «نور چشمی» که در صدر ورقه نوشته‌ام، فرزند بزرگم، آقا مصطفی خمینی ایّده الله تعالی است، «و اوصیه بتقوی الله و اطاعة امره؛ و ارجو منه الدعاء فی الحیوة و الوفاة».[۱]

۵ رجب المرجب ۱۳۸۴

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۲۳ آبان ۱۳۴۳/ ۹ رجب ۱۳۸۴ — مکان: ترکیه، بورسا

موضوع: خدا بهترین حَکَم است، به هیچ کس تشبث نکنید — مخاطب: خمینی، سید مصطفی

پنجشنبه نهم شهر رجب ۸۴ بسم الله الرحمن الرحیم

نور چشم محترم، مصطفی خمینی ـ ایّده الله تعالی و اعزّه ـ من اکنون در بورسای ترکیه بحمدالله با سلامت زندگی می‌کنم و حالم خوب است. نگران من نباشید. آنچه مقدر است از جانب خدای تعالی جمیل و مورد تشکر است. قبلاً تلگرافی کردم و کاغذی نوشتم. شما به وسیله سازمان[۳] از سلامت خودتان مطلعم نمایید، و در صورت موافقت آنها کتاب «مکاسب» و حواشی آن را با «وسیله» و «حاشیه» و «رسائل» را بفرستید. اگر عبای زمستانی را هم بفرستید با چند پیراهن و شلوار بد نیست. لازم به تذکر نیست که باید با مادر و متعلقین با کمال مهربانی و عطوفت رفتار نمایید، مخصوصاً خدمت کنید به مادر که رضای خدای تعالی در آن است. هوای اینجا از ایران بهتر است. در هر صورت برای من به هیچ وجه نگران

۱. وصیت می‌کنم او را به پرهیزگاری و پیروی از خداوند، و از او در حال حیات و وفاتم امید دعای خیر دارم.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣١.

۳. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک).

نباشید، و راضی نیستم به هیچ وجه تشبث به هیچ کس نمایید. خداوند تبارک و تعالی حاکم است و نِعمَ الحَکَم. وصیت من همان است که در وصیتنامه نوشتم. اثاث منزل، همه مال مادر است. کتب هم مال شماست؛ برای من پس از فوت، چند «: ده» سال روزه و دو سه سال نماز استیجار نمایید. از خداوند تعالی توفیق شما و تأییدتان را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

به همه متعلقین خصوصاً مادر سلام برسانید. هیچ یک نگران من نباشید. حالم خوب [است].[1]

▣ نامه

زمان: دی ۱۳۴۳ / شعبان ۱۳۸۳ — مکان: ترکیه، بورسا
موضوع: ابراز تشکر — مناسبت: تبعید امام خمینی به ترکیه
مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین «از مراجع تقلید»

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای نجفی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود شریف و حاوی مراتب محبت و مودت بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند متعال خواستار است. بحمدالله حال اینجانب خوب و هیچ نگرانی نیست. خداوند متعال هر چه مقدر فرموده صلاح اوست. از خداوند تعالی توفیق رضا به قضای الهی را خواستار است. سلامتی و موفقیت آن جناب را از خداوند تعالی خواستار است.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣٢.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣٣.

▣ نامه

زمان: ۱۲دی ۱۳۴۳/ ۲۸شعبان ۱۳۸۴ مکان: ترکیه، استامبول
موضوع: اعلام خبر عزیمت به بورسا مخاطب: خلخالی، نصرالله نجف

۲۸ شعبان المعظم ۸۴ بسمه تعالی

حضرت حجت الاسلام آقای خلخالی[۱] ـ دامت افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله مزاج شریف خالی از نقاهت است. از قرار مسموع، مکه مشرف شده بودید. ان شاءالله زیارات شما مقبول است. حالت اینجانب بحمدالله سلامت است. و چند روزی است در اسلامبول هستم. امروز حرکت می‌کنم به بورسا. جنابعالی و سایر دوستان نگران نباشید. آنچه خداوند تعالی مقرر فرموده صلاح است، و از آن متشکرم. خدمت حضرت حجت الاسلام آقای لواسانی[۲] اگر تا رسیدن مکتوب، عتبات هستند سلام می‌رسانم. از جنابعالی تقاضای دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ نامه

زمان: ۲۰دی ۱۳۴۳/ ۶رمضان ۱۳۸۴ مکان: ترکیه، بورسا
موضوع: اعلام ورود آقای سید مصطفی خمینی به ترکیه مخاطب: ثقفی، خدیجه[٤]

ششم ماه مبارک رمضان ۸۴ بسم الله الرحمن الرحیم

عرض می‌شود، بحمدالله تعالی مصطفی با سلامت وارد شد و حال من و ایشان خوب است. و به هیچ وجه شماها نگران برای ما نباشید، و هر چه زودتر از حالات خودتان هر یک به خط خود جداگانه مرا مطلع کنید. هوای اینجا ملایم و خوب است.

---

۱. آقای نصرالله خلخالی، از دوستان قدیمی امام خمینی.

۲. آقای سید محمد صادق لواسانی، از دوستان امام خمینی.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣٤.

٤. همسر امام خمینی.

امید است به خواست خداوند تعالی شماها هم خوب و سلامت باشید. از سلامت همه بستگان مطلعم نمایید و به همه آنها سلام برسانید. از سلامت حضرت آقای پسندیده و آقای هندی[۱] و همشیره[۲] مطلعم نمایید و سلام به همه برسانید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۳]

■ **نامه**

زمان: ۴فروردین ۱۳۴۴ / ۲۰ذی‌القعده ۱۳۸۴ **مکان: ترکیه، بورسا**
موضوع: اعلام سلامتی و کسب اطلاع از ایران **مخاطب: پسندیده، سید مرتضی**

۲۰ ذی القعده ۸۴ بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف بوده، دو سه روز پیش واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.

اینجانب بحمدالله سلامت هستم و نقاهتی ندارم. امید است خداوند تعالی توفیق دعا برای اسلام و مسلمین عنایت فرماید. بحمدالله تعالی نگرانی ندارم. بی‌اطلاعی از فامیل قدری موجب نگرانی است. همه را به خدای تعالی می‌سپارم. از مساعی جمیله حضرت آیت الله خوانساری[٤] دامت برکاته متشکرم. سلام اینجانب را به معظم له ابلاغ فرمایید. ملتمس دعای خیر برای حسن عاقبت از ایشان و جنابعالی هستم. راجع به عکس، به جناب آقای علی بیک[٥] تذکر می‌دهم، شاید

---

۱. آقای سید نورالدین هندی، برادر کوچک امام خمینی.

۲. «آغازاده خانم»؛ خواهر امام خمینی.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣٥.

٤. آقای سید احمد خوانساری «از مراجع تقلید».

٥. مأمور سازمان امنیت ترکیه که ظاهراً به عنوان خدمت به امام مشغول بود.

ایشان بتوانند تهیه کنند. کاغذ جوف را در صورت امکان به قم[۱] برسانید و اگر جوابی دادند در صورت امکان ایصال فرمایید. از خداوند تعالی صلاح حال مسلمین و عظمت اسلام را خواستار است. مصطفی بحمدالله سالم، و سلام می‌رساند. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۱خرداد ۱۳۴۴/ ۲۰محرم ۱۳۸۵ — **مکان: ترکیه، بورسا**
موضوع: احوالپرسی از خانواده و دعوت آنها به صبر و استقامت — **مخاطب: ثقفی، خدیجه[۳]**

۲۰ محرم الحرام ۱۳۸۵

به عرض می‌رساند، مرقوم محترم شما و نور چشمان بچه ها که بشارت سلامت همه را می‌داد، واصل و موجب تشکر و خوشوقتی شد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت شماها را خواستارم و همه شما را به ذات مقدسش می سپارم. حالت اینجانب و مصطفی له الحمد و الشکر خوب و سلامت هستیم و به هیچ وجه نگرانی ندارم. و آنچه خداوند تعالی مقدر فرموده و ما را مورد عنایت خود قرار داده است عین صلاح است. از مقام مقدسش خواستارم که ما را راضی فرماید و شماها را نیز در نعمتهای خودش شکرگزار فرماید. در صورت امکان زودتر از سلامت خودتان مطلع فرمایید و هر یک جداگانه کلمه‌ای بنویسید، نظیر مرقوم این دفعه.

از سلامت اقوام قم و تهران و خمین مستحضرم نمایید. به همه نورچشمان و متعلقین آنها سلام مخصوص می‌رساند و توفیق و تأیید همه را از خداوند تعالی

---

۱. مخاطب نامه در این زمان، در شهر خمین اقامت داشت.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣٦.

۳. همسر امام خمینی.

خواستار است. در صورت موافقت،[۱] عبا و قبای نازک برای من بفرستید و یک دوره از کتابهای اصولی را که تقریر درس خودم است، هم جزء اوّل و هم جزء ثانی و ثالث بفرستید و اگر «استصحاب»[۲] خودم طبع شده است یک جلد بفرستید، و اگر موافقت نشد اشکالی ندارد. مکرراً عرض می‌کنم که من و مصطفی سلامت هستیم و هیچ ناراحتی نداریم. هوای اینجا هم خوب است الحمدلله. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

می دانم که محتاج به تذکر نیست که از حسین[۳] و مادرش[٤] بسیار دلجویی نمایید و همین طور از سایرین. البته احمد در نبودن ما در [امر] درس و تهذیب اخلاق و حسن رفتار در خارج و داخل مراقبت می‌کنید. از خداوند صلاح همه را خواهانم.[٥]

---

۱. اجازه مقامات امنیتی «با توجه به محدودیتهایی که در این زمان اعمال می شد».

۲. کتاب استصحاب، یکی از آثار ارزشمند امام خمینی.

۳. آقای سید حسین خمینی، نوه امام و فرزند آقای سید مصطفی خمینی.

٤. خانم معصومه حائری، همسر آقای سید مصطفی خمینی.

٥. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤۳۹ تا ٤٤٠.

تبعید به عراق

▣ تلگراف

زمان:۱۸مهر ۱۳۴۴/ ۱۴جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ **مکان:نجف**
موضوع: پیام تشکر **مناسبت:ورود امام خمینی به نجف**
مخاطب:صافی گلپایگانی، علی

از نجف به قم
حضرت آیت الله حاج آقا علی صافی(۱)
از الطاف کریمه جنابعالی و حضرت آقای اخوی متشکرم. خمینی(۲)

▣ نامه

زمان:مهر یا آبان ۱۳۴۴/ جمادی‌الاول یا جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ **مکان:نجف**
موضوع: پاسخ تلگراف تبریک ورود امام خمینی به نجف **مخاطب:روحانی، سید صادق**

به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاوی تبریک تشرف اینجانب به اعتاب مقدسه بود موجب تشکر گردید. تلگرافی نیز در این باب واصل و جواب

---

۱. تلگراف امام خمینی در پاسخ تلگراف تبریک مورخ ٤٤/٧/١٧ آقایان: علی صافی و لطف الله صافی به حضور معظم له به مناسبت ورود امام امت به نجف است.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٤٥.

مخابره شد، و احتمال دارد که نرسانده باشد زیرا از قرار اطلاع تلگرافات حقیر را نرسانده اند. چنانچه غالب تلگرافاتی که از ایران شده است، به اینجانب نرسانده اند، و این معنی را حضرتعالی به هر نحو صلاح می‌دانید به اطلاع آقایان محترم و سایر طبقات برسانید. از خدای تعالی موفقیت عموم علمای اعلام دامت برکاتهم را در اعلای کلمه طیبه اسلام خواستار و ملتمس دعا هستم.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی

از زحمات و تحمل مشاق جنابعالی متشکر، امید است خداوند تعالی جبران فرموده، سلامت و سعادت جنابعالی را مقدر فرماید.[۱]

▣ نامه

زمان: ۲آبان ۱۳۴۴/ ۲۸جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ — مکان: نجف
موضوع: ممانعت دولت از ارسال و دریافت تلگرافات — مناسبت: تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق
مخاطب: انزابی، محمدحسین تبریز

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب، ثقة الاسلام، خطیب محترم، آقای آقا شیخ محمد حسین انزابی ـ دامت افاضاته

به عرض می رساند، تلگراف جنابعالی که حاوی تبریک ورود حقیر به عتبات عالیات بود، موجب تشکر گردید؛ و چون احتمال داده می شد که جواب تلگرافی را نرسانند، مبادرت به جواب کتبی شد. از خدای تعالی موفقیت آن جناب و عموم مروجین شریعت مقدسه را در اعلای کلمه طیبه اسلام خواستار و ملتمس دعا هستم؛ والسلام علیکم و رحمة الله.

از قرار اطلاع تلگرافات حقیر را نرساندند؛ چنانچه تلگرافاتی که از ایران برای

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٤٦.

اینجانب شده است نوعاً نرساندند. و این معنا ظاهراً برای ایجاد نگرانی و تفرقه است؛ جنابعالی این معنا را به هر نحو صلاح می دانید به حضرات آقایان و دیگران ابلاغ فرمایید. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

■ نامه

زمان: ۳آبان ۲۹/۱۳۴۴جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ **مکان:نجف**
موضوع:پیام تشکر **مناسبت:تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق**
مخاطب:نجفی مرعشی، سیدشهاب الدین (از مراجع بزرگ تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله، آقای آقا نجفی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می رساند، مرقوم محترم به وسیله آقازاده محترم ایّده الله تعالی واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.

حقاً باید از مساعی جمیله ملت محترم ایران و حضرات مراجع و علمای اعلام و افاضل گرام حوزه های مقدسه علمیه، خصوصاً حوزه مقدسه قم، تشکر کنم و از خداوند تعالی عظمت و عزت همه را خواستار شوم؛ تشرف حقیر به اعتاب مقدسه گرچه فوزی است عظیم، چه از لحاظ زیارت اعتاب مقدسه ائمه اسلام علیهم الصلوة والسلام و چه از لحاظ تشرف به حضور حضرات مراجع عظام و علمای اعلام و افاضل گرام حوزه علمیه نجف اشرف و کربلای معلّا و دیگر اعتاب مقدسه، لکن اهمیت موقف در ایران ایجاب می کند که در صورت رفع منع از خدمتگزار به ملت محترم و استقلال مملکت، به اسرع وقت مراجعت نموده در غم و شادی ملت محترم ایران عموماً و حضرات اعلام خصوصاً شریک باشم؛ امید است که حضرات فضلای

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱.

عظام و مشتغلین حوزه های مقدسه علمیه، خصوصاً حوزه قم، کما فی السابق به تحصیل علوم دینیه و ترویج دیانت مقدسه ادامه دهند و هیچ گونه تزلزلی به خود راه ندهند. از خداوند تعالی توفیق و تأیید آنها و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم؛ از جنابعالی، در مظان استجابت دعوات، امید دعای خیر برای حسن عاقبت خواستار است. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۹ جمادی الثانی ۸۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ نامه

زمان: آذر یا دی ماه ۱۳۴۴ / رجب یا شعبان ۱۳۸۵[۲]

مکان: نجف

موضوع: اظهار نگرانی از وضع حوزه علمیه قم

مخاطب: یکی از افاضل حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود، موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است؛ حالت اینجانب بحمدالله بد نیست لکن برای حوزه علمیه قم نگران هستم؛ خوف آن است که اگر غیبت اینجانب طولانی شود، آقایان فضلا تزلزلی پیدا کنند. از خداوند اصلاح امور را خواستارم.

جنابعالی به حضرات افاضل ـ ایّدهم الله تعالی ـ تذکر دهید که اینجانب کمال میل دارم که در بین آنها باشم و در شادی و غم آنها شریک باشم؛ فضلا و اعلام قم، که حقاً وفاداری خود را اثبات فرمودند، مایه امید اینجانب می‌باشند و چشم من به وجود آنها روشن است؛ در اول وقت رفع منع، به خواست خداوند تعالی، خود را در بین آنها خواهم دید.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲.

۲. کتاب هفت هزار روز، ج ۱، ص ۲۰۸، تاریخ نامه را دی ماه ۱۳٤۳ ذکر کرده است.

مطلب دیگر که لازم است جنابعالی به هر وسیله که صلاح می دانید ابلاغ فرمایید در قم و تهران و جاهای دیگر، قضیه عدم وصول تلگرافات است از ایران؛ روز اول و دوم ورود، مقداری تلگراف واصل شد الّا نادری که یا آدرس مجهول بود یا امضا معلوم نبود؛ پس از آن، ناگهان نامه و تلگراف قطع شد و معلوم شد جلوگیری شده است؛ از بعضی شهرستانها هم خبر منع رسید. ممکن است منظور آنها این باشد که ایجاد نگرانی نمایند. جنابعالی و سایر موالی محترم این نکته را تذکر دهید و ابلاغ فرمایید که تلگرافات اگر نرسید به این سبب بوده.

مطالبی که مرقوم شده بود ملاحظه شد. از خداوند تعالی توفیق اعتصام در امور را خواهانم؛ از جنابعالی و سایر آقایان ملتمس دعای خیر برای حسن عاقبت هستم؛ صورت تلگرافی راکه فرستاده بودید ملاحظه شد لکن اصلش نرسیده؛ از آقایان مدرسین و فضلا متشکرم و توفیق و تأیید همه را از خداوند تعالی خواستارم؛ والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۱۶آذر ۱۳۴۴/۱۳شعبان ۱۳۸۵ مکان: نجف
موضوع: پاسخ پیام تبریک ورود امام خمینی به نجف مخاطب: علما و مدرسین حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حجج اسلام و علمای اعلام و مدرسین عظام و افاضل گرام حوزه علمیه قم ـ ادام الله ایام برکاتهم

مرقوم محترم سرگشاده حضرات آقایان واصل و موجب تشکر گردید. رونوشت تلگرافی که در بدو ورود اینجانب فرموده بودید نرساندند، نیز واصل شد. از عواطف کریمه عموم ملت ایران و خصوص حوزه های علمیه، بالأخص حوزه

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥ تا ٤٦.

مقدسه قم ـ صانها الله عن الحدثان ـ تشکر حاصل؛ امید است ان شاءالله خدمت همه طبقات به دیانت مقدسه اسلام، منظور نظر مبارک ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ باشد. اینجانب از شدایدی که در این سنوات به ملت مسلمان ایران و خصوص اهل علم و متدینین وارد شده است رنج می برم. از خداوند تعالی نصرت و توفیق و تأیید همگان را خواستار، و عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم؛ مَرْجُوّ[1] آنکه مشمول ادعیه خالصانه حضرات اعلام ـ اعلی الله کلمتهم ـ باشم؛ والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ نامه

زمان: ۲۰ آذر ۱۳۴۴ / ۱۷ شعبان ۱۳۸۵ **مکان: نجف**

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: علما و روحانیون اصفهانی مقیم حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حضرات اعلام و افاضل عظام اصفهانی مقیم قم ـ دامت افاضاتهم

مرقوم محترم آقایان که حاوی تفقد از اینجانب و مشتمل بر ابراز عواطف کریمه بود، موجب تشکر گردید. امید است آقایان محترم و طبقه جوان از محصلین ایدهم الله تعالی با توجه به وظایف سنگینی که ان شاء الله در آتیه به عهده آنها خواهد آمد و حفظ و صیانت اسلام و مصالح مسلمین به دست آنها سپرده خواهد شد، هم از حال خود را برای این سنگر عظیم مجهز و مهیا فرمایند. و با مجاهده و تحکیم مبانی تقوا، حب دنیا و نفس را که رأس تمام خطیئات است، از قلب خود خارج نمایند؛ تا مشکلات زندگانی بر آنها آسان شود، و شداید در راه خدمت به حق تعالی و احکام مقدسه اسلام در ذائقه آنها شیرین گردد. رنجها و ناراحتیها و ستمهایی که به حوزه‌های

---

۱. امید داشته، امیدوار.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۵۳.

اسلام و حضرات اعلام و سایر برادران متدین ما وارد شده، گرچه ناگوار و بر دوش اینجانب سنگینی می کند لیکن از جهاتی به نفع اسلام و مسلمین بود؛ و رحمتها و الطاف الهیه بود که ملت اسلام را بیدار و طریقه سلف صالح را تا حدی تجدید نمود. اینجانب در این تبعیدگاه ثانوی،(۱) در تحت قباب مطهره، دعاگوی اسلام و مسلمین و حوزه‌های علمیه و طبقه جوان زحمتکش رنجدیده می باشم.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی(۲)

▣ نامه

زمان: ۲۲آذر ۱۹/۱۳۴۴ شعبان ۱۳۸۵ مکان: نجف
موضوع: پاسخ تبریک ورود و اقامت امام خمینی در نجف
مخاطب: علما و روحانیون آذربایجانی مقیم حوزه علمیه قم

۱۹ شعبان المعظم ۸۵ بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حضرات علمای اعلام و افاضل عظام آذربایجانی مقیم حوزه مقدسه علمیه قم ـ دامت افاضاتهم

مرقوم محترم آقایان که حاکی از عواطف کریمه و احساسات دینیه بود، موجب تشکر شد. باید از تحمل مشاق و زحمات طاقت فرسای افاضل حوزه‌های علمیه عموماً، و حوزه علمیه قم بالاخص حضرات آقایان تشکر و تقدیر کنم؛ این دنیا چه خوش و چه ناخوش خواهد گذشت، و همه به سوی دار جزا خواهیم رفت؛ چه بهتر که عمر کوتاه را در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف کنیم تا در پیشگاه مقدس حق تبارک و تعالی سرافراز و در سلک خدمتگزاران درآییم؛ و وظیفه شما طبقه فضلای جوان که در آتیه پاسداران احکام اسلام هستید سنگین است؛ هم اکنون خود را مجهز برای پاسداری و خدمت به اسلام و مسلمین فرمایید.

---

۱. کشور عراق، پس از هجرت از ترکیه.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۵۵.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام و عزت دارین شما افاضل معظم را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.
روح الله الموسوی الخمینی [1]

▣ نامه

زمان: ۱۵ بهمن ۱۳۴۴/۱۳ شوال ۱۳۸۵
مکان: نجف
موضوع: دست‌نشاندگی سازمان ملل و سازمانهای خارجی
مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا تهران

۱۳ شوال ۸۵ بسمه تعالی

به عرض می رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف و از روی عرق سیادت و دیانت صادر شده بود، موجب تشکر گردید. از زحمات جنابعالی متشکرم؛ مطالبی که مرقوم شده بود چون جواب تفصیلی صلاح نیست، شرحی به آقای علم الهدی اهوازی گفتم که به جنابعالی تذکر دهند؛ و اجمالش آنکه دستگاههای خارجی، از قبیل سازمان ملل و غیره، جز اشخاص دست نشانده نیستند که برای مصالح ممالک بزرگ و اغفال ممالک کوچک ایجاد شده است؛ و اشخاص سیاسی از ممالک اسلامی که در خارج زندگی می‌کنند، تماس با آنها به صلاح روحانیت و اسلام نیست؛ و آنچه به من نسبت داده اند، که قدری تندروی شده است، همان طور که حدس زده اید دروغ است؛ من کاری نکردم که تندروی باشد. از خداوند تعالی امید عفو دارم در قصور و تقصیر؛ و از درگاه مقدسش توفیق خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم؛ از جنابعالی امید دعای خیر دارم در حسن عاقبت؛ والسلام علیکم.

از اینکه تهران تشریف برده اید از جهتی خوشوقت شدم؛ چون مرکز از هر جا

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٥٦.

بیشتر محتاج به علمای عاملین دارد. مساعی جمیله جنابعالی مورد تقدیر و تشکر است. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان:۲۳بهمن ۱۳۴۴/ ۲۱شوال ۱۳۸۵ **مکان:نجف**
موضوع:لزوم تقویت حوزه‌علمیه قم‌واصفهان **مخاطب:خادمی،سید حسین [۲]**

بسمه تعالی

به عرض عالی می رساند، مرقوم محترم ۱۰ شوال واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی مسئلت می نماید و از اینکه بحمدالله تعالی توفیق اداره حوزه مقدسه علمیه اصفهان را پیدا نموده اید و با حسن نیت جریان دارد متشکرم؛ امید است خداوند این نعمت را مستدام فرماید. اینجانب بحمدالله سلامت هستم لکن از وضع ایران و گرفتاری مسلمانان ناراحت و نگران هستم؛ امید است خداوند تعالی فرج عاجل عنایت فرماید. و از اینکه مرقوم فرمودید «امید است بتوانم به حوزه قم کمک کنم» موجب تشکر است؛ حوزه قم را لازم است آقایان نگهداری کنند و نگذارند شکست به آن خدای نخواسته وارد شود. به جناب آقای کوپایی هم تذکر دهید که به فکر باشند. از انفاس قدسیه جنابعالی برای حسن عاقبت و برای فرج مسلمین استمداد می نمایم؛ والسلام علیکم و رحمة الله؛ فعلاً در نظر ندارم که مرقوم جنابعالی که به وسیله آقای اخوی [۳] بوده مضمونش چه بوده، لکن مطمئن هستم که مرقومات بی جواب نمانده و شاید جواب را پستی داده ام و نرسانده اند. ممکن است

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٦٥.

۲. از علمای اصفهان؛ بر روی پاکت این نامه با خط امام خمینی چنین آمده: خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب سید العلماء العاملین و حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا حسین خادمی دامت برکاته.

۳. آقای سید مرتضی پسندیده، برادر امام خمینی.

با فرصت بیشتر مرقوم سرکار را در بین مکاتیب پیدا کنم و ثانیاً جواب عرض نمایم.

۲۱ شوال ۸۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۱ اسفند ۱۳۴۴/ ۱۹ ذی‌القعده ۱۳۸۵ مکان: نجف

موضوع: تشتت آرا علما و اتحاد دشمنان مخاطب: خاتمی، سید روح الله - اردکان یزد

بسمه تعالی

به عرض عالی می رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود، موجب تشکر گردید. مطالبی که مرقوم شده بود صحیح، و غفلت از آن نداشته‌ام؛ لکن جنابعالی که از وضع نابسامان ما اطلاع دارید، و از اختلاف اجتهاد و آرا در جمیع امور واقف می باشید، تصدیق بفرمایید که این امر با آنکه در رأس اصلاحات است در رأس مشکلات نیز هست.

اینجانب در رجوع از حبس سابق در نظر گرفتم که کاری که مقدمه این نحو امور و طلیعه تفاهم بین حضرات است انجام دهم؛ بعضی اصلاً در شور هم حاضر نشدند، و بعضی که در ظاهر صلاح دیدند عمل نکردند. و کسانی هم به اعذار مختلفه متشبث شدند. و بالجمله وقتی ما بیدار خواهیم شد که بکلی کار از کار گذشته و راه چاره مسدود گردیده؛ دیگران برای مقاصد باطل خود مشغول کار و مجتمع هستند، و ما در حق خود متفرق و مختلف الآراء و الاهواء هستیم؛ «و الی الله المشتکی و علیه التوکل فی الشدة و الرخاء».[۲]

راجع به حوزه محترمه اردکان، که مرقوم شده بود، و خرجهایی که از سهم

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٦٦.

۲. و شکایت نزد خداوند برده می شود و در سختی و آسایش فقط بر او تکیه می گردد.

مبارک شده و احتیاج باز هست، جنابعالی مجاز هستید و کارهای سابق نیز مُمْضی است؛ از خداوند تعالی تأیید و توفیق جنابعالی را خواستار، و امید است در مظانّ استجابت دعوات، مورد نظر محترم باشم؛ والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۹ ذی القعده ۸۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۸ اسفند ۱۳۴۴ / ۲۶ ذی القعده ۱۳۸۵ — مکان: نجف

موضوع: صبر و استقامت در مقابل مشکلات و ناگواریها — مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا

بسمه تعالی

به عرض می رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود، موجب تشکر گردید. شرحی راجع به اوضاع [داده و] اظهار نگرانی نموده بودید. با آنکه حق با شماست، لکن اگر انسان در این اوضاع و احوال قیام به وظیفه کند و موفق به خدمت شود، نگرانی ندارد. نگرانی آنجاست که به خدمت قیام نکند واز وظیفه خدای نخواسته شانه خالی کند. امید است ان شاءالله خداوند تعالی به امثال جنابعالی توفیق عنایت فرماید که در مقابل همه ناراحتیها و ناگواریها محکم بایستید و از پیشامدها هر چه باشد مأیوس نشوید. خداوند تعالی با شماست، و باعمل به وظیفه تأیید خواهد فرمود. و بر فرض شکست صوری، فتح نهایی با اهل تقوا و عامل به وظیفه است؛ این ارعاد و ابراق[۲] و فتح باب ظلم حاکی از ضعف است : و انما یحتاج الی الظلم الضعیف[۳]. جنابعالی در امور جاریه نگران نباشید و ضعف به خودتان راه

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٦٨.

۲. سر و صدا و صحنه سازی.

۳. فقط شخص ضعیف، به اعمال ظلم و ستم محتاج است.

ندهید. ان شاء الله این امور موقتی است و اَمَد آن سر خواهد آمد. اما راجع به مسائلی که مرقوم شده بود راجع به رادیو، در صورتی که به هیچ وجه استفاده محرّم از آن نشود، خرید و فروشش جایز است؛ و اما استفاده‌های محلله مانع ندارد. راجع به ریش، به همان احتیاط باقی هستم؛ راجع به دولت، مالک می دانم؛ و اگر مطالبی از اینجانب مسموع شد، بی مراجعه به خود من قبول نفرمایید؛ چون اخیراً گویا افتراهایی بسته می‌شود، و این آخرین دشمنی است. از جنابعالی رجای دعای خیر دارم؛ والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان:۱۹خرداد۱۳۴۵/۱۹صفر۱۳۸۶ مکان:نجف
موضوع:عمل‌به‌وظیفه الهی مخاطب:سعیدی، محمدرضا

۱۹ صفر ۸۶ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سیدالعلماءالاعلام وثقةالاسلام آقای سعیدی ـ دامت‌افاضاته

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و رفع خطر از آن بود، موجب تشکر گردید. شرحی گله از اوضاع فرموده بودید؛ اگر انسان به وظیفه الهیه موفق شود نتیجه حاصل است، چه به نتیجه منظوره برسد یا نه؛ از امثال جنابعالی صبر و انتظار فرج مطلوب است، و هیچ گاه از فضل الهی مأیوس نباشید. ان شاءالله تعالی فرج نزدیک است؛ چه بسیار شود که خداوند تعالی به واسطه عنایاتی خاصه که دارد، انسان را مبتلا می کند به اموری که قهراً توجه او را به ذات اقدس خود جلب کند و چه بساکه رحمتها به صورت قهر و غضب جاری می گردد. از خداوند تعالی بخواهید که ما را در راه وصول به مطالب الهیه ثابت نگه دارد و از گرفتاریها که در راه هدف است، قلوب ما

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۷۰.

را محکمتر فرماید، و از رحمتهای خاصه خود ما را بی بهره نفرماید. «طوبی للمسجونین و المحرومین و العاقبة للمتقین فاصبر کما صبر اولوالعزم[۱]».
والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◘ نامه

زمان: ۱۶بهمن ۱۳۴۵/۲۵شوال ۱۳۸۶ مکان: نجف
موضوع: لزوم تقویت روحیه طلاب و فضلا مخاطب: گرامی، محمد علی

۲۵ شوال المکرم ۸۶ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای گرامی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، و چون در اواخر ماه مبارک به واسطه ضعف و کمردرد مدتی در منزل بودم و بعد هم باز تکرار شد، قدری در جواب تعویق افتاد. اینجانب از اوضاع ایران عموماً و وضع حوزه قم خصوصاً متألم و متأثرم و از گرفتاری فضلا و اعلام ناراحت؛ ولی آنچه موجب تسکین خاطر است ان است که در راه خدمت به دیانت هر گرفتاری پیش آید مطلوب است و ما آنچه داریم از برکت اسلام است و هر چه فدا کنیم عمل به وظیفه نکرده ایم؛ و امیدوارم خداوند تعالی به فضل عمیم خود نقصان ما را جبران فرماید. امید است تا آن موقع پای شما بکلی خوب شده باشد.

لازم به تذکر نیست که حضرات آقایان فضلا باید در این موقع سختی، بیش از پیش جدیت در گرم نگه داشتن حوزه داشته باشند. خداوند تعالی هر چه مقدر بفرماید صلاح است و این نحو فشارها نباید آقایان را در مقاصد خود سرد و سست

---

۱. پاکی و نیکبختی از آن زندانیان و ناکامان باد و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است. پس شکیبا باش، آنگونه که اولوالعزم «پیامبران بزرگ» شکیبا بودند و بر سختیها صبر کردند.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۸۶.

نماید. از خداوند تعالی توفیق و تأیید همه را خواستار است؛

راجع به موضوعی که در خصوص شهرستانهای دور افتاده مرقوم شده بود امید است خداوند تعالی وضع را طوری بفرماید که قدرت این توفیق پیدا شود. از جنابعالی رجای دعای خیر دارم؛ والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ تلگراف

زمان: ۲۵فروردین ۱۳۴۶/ ۳محرم ۱۳۸۷ — مکان: نجف

موضوع: استفسار از دستگیری آقای قمی — مخاطب: میلانی، هادی

مشهد حضرت آیت الله میلانی ـ دامت برکاته

حادثه آیت الله قمی موجب تأسف است؛ از سلامت ایشان مستحضرم فرمایید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است.

خمینی[۲]

▣ نامه سرگشاده

زمان: ۲۶فروردین ۱۳۴۶/ ۴محرم ۱۳۸۷[۳] — مکان: نجف

موضوع: شرح مفاسد و خیانتهای شاه و دولت هویدا — مخاطب: هویدا، امیرعباس، (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحیم

«لا حول و لا قوة الاّ بالله العلی العظیم»

جناب آقای هویدا، لازم است نصایحی به شماها بکنم و بعضی از گفتنیها را

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۱۳۲ و نیز در کتاب نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۲۱۷، تاریخ نامه ۲۷ فروردین ۱۳٤٦ درج شده است که به استناد تاریخ مندرج در دستخط، تاریخ صحیح ۲٦ فروردین است.

تذکر دهم؛ چه مختار در پذیرش آن باشید یا نه؛ در این مدت طولانی که به جرم مخالفت با مصونیت امریکاییها که اساس استقلال کشور را در هم شکست، از وطن دور هستم و بر خلاف قانون شرع و قانون اساسی در تبعید بسر می برم، مراقب مصیبتهایی که به ملت مظلوم بی‌پناه ایران وارد می شود، بوده‌ام و از آنچه به این ملت اصیل از ظلم دستگاه جبار می‌گذرد کم و بیش مطلع شده و رنج برده‌ام.

موجب کمال تأسف است که نغمه ناموزون اصلاحات شماها تقریباً از حدود تبلیغات رادیو و روزنامه‌های غیر آزاد و بعضی نوشته‌های مشحون به گزافه تجاوز ننموده و هر روز بر فقر و بیچارگی ملت افزوده می شود و ورشکستگی بازار و بازرگانان محترم روزافزون است؛ نتیجه این همه هیاهو و تبلیغات سرتاپا گزاف، بازار سیاه برای اجانب است و ملت را به حال فقر و عقب افتادگی به اسم ملت مترقی نگه داشتن است؛ حکومت پلیسی غیر قانونی شما و اسلاف شما به خواست آنان که می‌خواهند ملل شرق به حال عقب افتادگی باقی باشند، حکومت قرون وسطایی، حکومت سرنیزه و زجر و حبس، حکومت اختناق و سلب آزادی، حکومت وحشت و قلدری است؛ با اسم مشروطیت، بدترین شکل حکومت استبداد و خودسری و با نام اسلام، بزرگترین ضربه به پیکر قرآن کریم و احکام آسمانی است؛ با اسم تعالیم عالیه اسلام، یک یک احکام اسلام را زیر پا گذاشته و اگر خدای نخواسته فرصت یابید، خواهید گذاشت و با گزافه دعوی ترقی و تعالی، کشور را به حال عقب افتادگی نگه داشته اید. اینها حقایق تلخی است که باید دنیا را مطلع کنم و انگشت روی بعضی بگذارم تا آنها که غافل هستند یا تغافل می‌کنند، احساس وظیفه کنند و از ریاکاریها و سالوس بازیهای شماها گول نخورند.

جشنهای غیر ملی که به نفع شخصی در هر سال چندین مرتبه تشکیل می شود و در هر مرتبه مصیبتهای جانگداز برای اسلام و مسلمین و ملت فقیر پا برهنه ایران به بار می آورد، یکی از آنهاست؛ با سرنیزه پلیس از مردم بیچاره بی پناه، خرجهای گزاف

آنها گرفته می شود. در یکی از جشنها که من نمی توانم اسم روی آن بگذارم جز هوس و شهوت و بازی با احساسات ملت، گفته می شود چهارهزار میلیون ریال خرج شده است که نصف آن از خزانه ملت و نصف دیگر بی واسطه از بازار و غیره با زور و ارعاب أخّاذی شده. خون دل فقرا خرج نامجویی و خودکامگی است و تا این ملت در این حال است و به وظیفه خود و حقوق خود آشنا نشده، هر روز برای شماها عید و شادی و برای ملت، بدبختی و نکبت است؛ توأم با این جشنهای نامیمون آنقدر هتک نوامیس مسلمین و اسلام بوده است که قلم را عار است از ذکر آن؛ شماها در کاخهای مجللی که در هر چند سال تغییر مکان داده و با میلیونها تومان خرجهای گزاف که تصورش برای ملت ممکن نیست، نشسته اید و مخارج آن را از کیسه این ملت بدبخت اخاذی نموده اید و ناظر فقر و گرسنگی ملت، ورشکستگی بازار، بیکاری جوانان فارغ التحصیل هستید؛ ناظر اختلال وضع فلاحت و زراعت، اختلال وضع بازار، تسلط اسرائیل بر شئون اقتصادی کشور، بلکه به طوری که گزارش داده اند دخالت اسرائیل در فرهنگ می باشید؛ ناظر فقدان ضروریات اولیه زندگی در غالب دهات نزدیک به مرکز، چه رسد به دهکده‌های دور افتاده، از قبیل آب آشامیدنی سالم، حمام، وسایل بهداشت هستید؛ ناظر ترویج فساد اخلاق، سلب امانت و دیانت در اعماق دهکده‌هایی هستید؛ ناظر تشکیل صندوق به اسم تعاون و اخاذی و غارتگری مأمورین از دهقان گول خورده و پشیمان هستید؛ بالأخره ناظر حبسها و ارعاب تبعیدهای غیر قانونی هستید و در خوشی و عیاشی و بازیهای خجلت آور غوطه خورده به قبرستانی که نامش ایران است فاتحه می خوانید. چطور وجدان خودتان را راضی می کنید برای حکومت زودگذر اینقدر چاپلوسی از اجانب کرده، ذخایر ملت را به رایگان و یا مقداری ناچیز تسلیم آنها نموده و ظلم و ستم به زیردستان یعنی ملت بدبخت می کنید؟ چرا راضی می شوید حکومت خود و مملکت اسلام را عقب افتاده به دنیا معرفی نمایید؟ نقض قانون اساسی سند عقب افتادگی است؛ رفراندم غیر

قانونی و در عین حال قلابی سند عقب ماندگی است؛ آزاد نگذاشتن ملت را برای انتخاب وکیل، و نصب اشخاص معلوم الحال را به دستور دیگران بی دخالت ملت دلیل ضعف و عقب افتادگی است.

شماها می دانید اگر ملت سرنوشت خود را در دست بگیرد، وضع شماها این نحو نیست و باید تا آخر کنار بروید. و اگر ده روز آزادی به گویندگان و نویسندگان بدهید، جرایم شما برملا خواهد شد؛ قدرت آزادی دادن ندارید «و الخائن خائف».[1] سلب آزادی مطبوعات و دیکته کردن سازمان به اصطلاح امنیت، سند عقب افتادگی است؛ هر چندی جشن گرفتن برای اموری که در کشورهای دیگر اسمی از آن نیست با تحمیل خرجهای کمر شکن به ملت، سند دیگری است. تسلیم به خواسته‌های دولت پوشالی اسرائیل و به خطر انداختن اقتصاد مملکت، سند ضعف و نوکری است و سند خیانت به اسلام و مسلمین است؛ اعطای مصونیت به اجانب، سند بزرگ عقب افتادگی و بی حیثیتی و تسلیم بی قید و شرط است؛ شما می دانید با تصویب این طرح چه خیانتی به این مملکت و به اسلام کرده‌اید و چه ضربه ای به استقلال این مملکت زده‌اید؟ البته مخالف این طرح، خائن و مستحق تبعید است!!

آقای هویدا، نطقهای اسف انگیزی که مع الأسف طبع شده است، متضمن بعضی اعترافات است که به اساس استقلال کشور لطمه می زنند که اینجانب از تذکرش عار دارم؛ چرا جلوگیری از طبع و نشر این کتابها نمی کنید؟ عمداً با حیثیت این کشور بازی می کنید یا نمی توانید با این مغزهای معیوب ادراک کنید؟ آیا علمای اسلام که حافظ استقلال و تمامیت کشورهای اسلامی هستند، گناهی جز نصیحت دارند؟ آیا حوزه‌های علمی، غیر از خدمت به اسلام و مسلمین و کشورهای اسلامی گناهی دارند؟ اجانب اینها را سد راه نفوذ خود می دانند و به انهدام و اضمحلال آنها

---

۱. خیانتکار، ترسو است.

کمر بسته و شماها مجری احکام دیگران و محکوم دلار هستید. کوبیدن حوزه‌های علمیه و حمله مسلحانه به مدرسه فیضیه و صحن مطهر قم، کشتار دسته جمعی ۱۵ خرداد جز خدمت کورکورانه به صاحبان دلار چه اسمی دارد؟ فشار به مراجع اسلام و علمای اعلام و محصلین حوزه‌های علمیه و تاخت و تاز به دانشگاه جز خدمت به اجانب چه نتیجه داشت ؟ آنها نمی خواهند قرآن کریم و احکام آن حاکم بر ملل اسلامی باشد تا ذخایر آنها را به یغما ببرند و کسی حرفی نزند و در عوض آنها را مصونیت دهد؛ آنها نمی خواهند ما در بین ملت آزاد باشیم و گویندگان ما آزاد باشند و شماها مع الأسف مأمور اجرا هستید؛ مأمور چشم و گوش بسته؛ مأمور بی چون و چرا. حوزه‌های علمیه، سپاه دانش و اخلاق و درستی بوده و هست به معنای واقعی؛ نه گزافه و صرف تبلیغ؛ شماها اگر دانش دوست هستید، چرا حمله وحشیانه به مراکز دانش می کنید؟ چرا مدرسه فیضیه و دانشگاه را به خاک و خون می کشید؟ چرا محصلین علوم دینیه را یک روز راحت نمی‌گذارید؟ چرا با دانشجویان در خارج و داخل این نحو معامله می کنید؟

آقای هویدا، من وظیفه دارم شماها را نصیحت کنم؛ شماها از این ملت و در این آب و خاک پرورش پیدا کرده و صاحب عناوین شده اید. اینقدر با حیثیت این ملت بازی نکنید به جای این همه گزافه و جنجال، خدمتی به این سر و پا برهنه‌ها کنید یا لااقل اینقدر با بهانه‌های مختلف آنها را رنج ندهید. از این کسبه بی بضاعت اینقدر اخاذی نکنید؛ اینقدر برای رضای شهوات دیگران به علمای ملت و محصلین و دانشجویان فشار نیاورید؛ با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین، آواره کننده بیش از یک میلیون مسلم بی پناه، پیمان برادری نبندید؛ عواطف مسلمین را جریحه دار نکنید؛ دست اسرائیل و عمال خائن آن را به بازار مسلمین بیش از این باز نکنید؛ اقتصاد کشور را به خاطر اسرائیل و عمال آن به خطر نیندازید؛ فرهنگ را فدای هوس آنها ننمایید؛ از خدای بزرگ بترسید؛ دخترهای جوان گول خورده را به سربازخانه‌ها

نبرید؛ به نوامیس مسلمین خیانت نکنید. آیا این حقیقت تلخ راکه قبلاً انکار کردید و گوینده آن را مستحق تعقیب دانستید، حالا هم که عمل کردید انکار می کنید؟ آیا فجایع جشن بیست و پنجمین سال را و بی فرهنگیها که در آن کردید منکر هستید؟

از قهر خدا بترسید؛ از قهر ملت بهراسید؛ با احکام خدای تعالی به نام دین مترقی بازی نکنید؛ با اسم قرآن به احکام مسلمه آن لطمه نزنید؛ با حوزه‌های دینیه به اسم سرباز وظیفه پوچ و بیفایده و با خدمتگزاران به فرهنگ و ملت، این نحو سلوک وحشیانه نکنید. و بالأخره علمای امت را وادار نکنید که با شماها به طور دیگر سلوک کنند.

اینها شمه ای از فجایع شماهاست نسبت به دین و دنیای ملت و گفتنی زیاد است؛ می گویم، شاید شماها متنبه شوید و به خود آیید؛ شاید مراجع اسلام و علمای اعلام و خطبای محترم احساس وظیفه کنند؛ شاید طبقه جوان و روشنفکر و اصناف مختلفه ملت، بیدار شده احساس وظیفه کنند؛ شاید جوامع بشری و مدعیان بشر دوستی احساس وظیفه کنند؛ شاید سازمان ملل و غیر آن، بیش از این به نفع کشورهای بزرگ راضی نشوند ملل ضعیف پایمال شوند؛ شاید هیأت حاکمه و دستگاه جبار تا دیر نشده به خود آیند. ﴿ان ربک لبالمرصاد﴾[1] ﴿والله من ورائهم محیط﴾[2].

والسلام علی من اتبع الهدی — ۴ محرم الحرام ۸۷

روح الله الموسوی الخمینی[3]

---

۱. سوره فجر، آیه ۱۴: «همانا پروردگار تو در کمینگاه است».

۲. سوره بروج، آیه ۲۰: «و خدا از همه سو بر آنها احاطه دارد».

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۲۳ تا ۱۲۷.

▣ پیام

زمان: ۲۷فروردین ۱۳۴۶/ ۵محرم ۱۳۸۷[۱] مکان: نجف

موضوع: لزوم استقامت دربرابر توطئه‌های رژیم شاه

مناسبت: افزایش فعالیتهای رژیم شاه برای تسلط بر حوزه‌های علمیه

مخاطب: علما و روحانیون حوزه‌های علمیه قم، مشهد و تهران

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حضرات فضلا و محصلین حوزه مبارکه قم و مشهد و تهران و سایر حوزه‌های علمیه ـ ایّدهم الله تعالی

اینجانب در این تبعیدگاه و غربت، از اوضاع اسف انگیز ایران و خصوص حوزه‌های دینیه کم و بیش مطلع و در رنج به سر می برم؛ می دانم که دستگاه جبار چه خوابهای خطرناکی دیده است برای اسلام و مسلمین و احکام مقدس قرآن و خدمتگزاران به دیانت مقدسه؛ شما در نظر آنها مجرم هستید؛ جرم شما خدمت به دیانت و قرآن و مخالفت با سلطه اجانب بر کشورهای اسلامی است؛ جرم شما مخالفت با دستگاه ظلم و استبداد و غارتگری و چپاول است؛ جرم شما دانش شماست و عدم تسلیم کورکورانه در مقابل اجانب و دست نشاندگان بی حیثیت آنهاست؛ این جرم را دانشگاهیان و طبقه تحصیلکرده و جوان هم دارند لذا با محرومیتها و رنجها و سختیها مواجه می باشند.

نقشه استعمار محو اسلام و احکام مقدس قرآن است؛ دستگاه جبار مجری مقاصد شوم آنهاست؛ نقشه آن است که به اسم اصلاحات، مملکت را به حال عقب افتادگی نگاه دارند و به اسم دانش دوستی و سپاه دانش، دانشگاه و مدارس علمیه را بکوبند و با نام اسلام احکام مقدس آسمانی را پایمال کنند و با اسم مقدس اسلام و قرآن احکام مسلمه آن را یکی پس از دیگری محو کنند. شما باید به نظام اجباری

---

۱. تاریخ فوق اقتباس از کتاب نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۲۱۳ است. ولی در کتاب نهضت روحانیون ایران، ج ۵، ص ۲۷۳ روز ۸ محرم ۱۳۸۷ درج شده است.

بروید و در حبس و زجر و فشار و اهانت و تبعید به سر برید تا راه برای عمال اجانب و عمال اسرائیل باز شود. کاخ نشینان باید در شهوات و هرزگیها غوطه ور شوند تا خوشخدمتی کنند و طبقه مزاحم یعنی علمای اعلام اسلام و دانشمندان و جوانان بیدار را از سر راه بردارند؛ خطبا و گویندگان باید از گفتار دم ببندند، مگر آنکه از جنایات و خیانتهای آنها به اسم ترقی و پیشرفت تمجید کنند. نقشه محو و مسخ قانون اساسی است که در آن تضمین اسلام و مذهب و احکام شده است؛ قانونی که در آن تضمین آزادیهای فردی و اجتماعی شده است باید برود و به جای آن سرنیزه، اختناق، حبس بیاید. اینها خیالات خامی است که دستگاه دست نشانده و نوکر مآب در مغزهای تکان نخورده خود پخته‌اند؛ غافل از آنکه با عواطف و احساسات یک ملت بزرگ نمی‌توان بازی کرد. غافل از آنکه دستگاه خدای بزرگ را نمی شود به بازی گرفت؛ من به شما آقایان محترم و به ملت ایران اطمینان می دهم که دستگاه با شکست مواجه خواهد شد. پیشینیان آنها سیلی اسلام را خوردند، اینها نیز خواهند خورد.

شما فضلای محترم و دانشجویان جدید و قدیم صبور باشید و استقامت کنید. در مقابل ظلم تسلیم نشوید. اینها رفتنی هستند و شما باقی هستید. سرنیزه در مقابل عواطف یک ملت دوام ندارد. این شمشیرهای کند و عاریتی در غلاف خواهد رفت. ما روزهای بسیار سیاه، بسیار وحشتناک و بسیار اسف انگیز در حکومت اسلاف اینها دیده ایم؛ ما با حکومت اختناق و ترور، با حکومت غارت و ستمگری، با سلب آزادیهای همه جانبه سالها مواجه بودیم و استقامت کردیم تا آنها رفتند؛ شما هم استقامت کنید تا اینان نیز بروند و به جزای اعمال خود برسند.

تسلیم نشوید. زیر بار امتحانات پوچ آنها نروید. نقشه آن است که قدم به قدم پیشروی کنند. هر قدر شما عقب نشینی کنید آنها پیشروی می‌کنند. آنها کمر به نابودی شما بسته اند. گمان نکنید با ملایمت و تسلیم دست بردار هستند، بلکه با استقامت و ایستادگی و اظهار حق و فریاد مظلومانه عقب می نشینند.

ملت را و ملل آزاد دنیا را از ستمگری دستگاه و مظلومیت ملت مسلمان ایران آگاه کنید. با هر وسیله ممکنه جنایات اینها را به دنیا برسانید. خدای متعال با شماست؛ دست اتحاد و برادری به هم دهید و از اختلافات جزئی دست بکشید تا زنده بمانید، تا احکام خداوند پایدار بماند.

حضرات مراجع عظام و علمای اعلام ـ دامت برکاتهم ـ راضی به محو حوزه های دینی با ذلت و خواری نشوند. مرگ با عزت از زندگانی با ذلت و تحت اسارت بهتر است؛ از خدای بزرگ عظمت اسلام و مسلمین را خواستار است. ﴿ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الأعلون ان کنتم مؤمنین﴾؛[۱] والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.[۲]

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ نامه

زمان: ۶خرداد ۱۳۴۶/ ۱۷صفر ۱۳۸۷ — مکان: نجف
موضوع: کوبیدن اسلام به اسم اسلام — مخاطب: گرامی، محمدعلی

۱۷ صفر ۸۷ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای گرامی ـ دامت افاضاته

مرقوم گرامی واصل، از تفقد جنابعالی متشکر شدم؛ امید من در پیشگاه مقدس باری تعالی حسن ظن شما دوستان است؛ حال مزاجی بحمدالله اکنون خوب است. لکن اوضاع ایران خصوصاً و سایر بلاد مسلمین عموماً موجب تأسف است، با برنامه

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹: «سست نشوید و محزون نباشید و شما برترید اگر ایمان آورده باشید».

۲. این اعلامیه توسط شهربانی آذربایجان شرقی به تاریخ ٤٦/١٠/٦ چنین گزارش شده است: «طبق اطلاع واصله اخیراً تعدادی نسخ ماشین شده متن اعلامیه روح الله خمینی بدون تاریخ تحت عنوان «حضرات فضلا و محصلین حوزه مبارکه قم و تهران و مشهد» که مفاد آن بر علیه مصالح کشور بوده به تبریز رسیده و به طور غیر محسوس بین طرفداران وی پخش گردیده است».

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۲۹ تا ۱۳۱.

حساب شده برای کوبیدن اسلام به اسم اسلام پیش می‌روند و اولیای امر یا غافلند یا خدای نخواسته بعضی از آنها تغافل می‌کنند. تأسف در سازش است که از اعمال بعض مؤثرین ظاهر می شود. ولی این امور نباید موجب سستی و سردی آقایان افاضل و طبقه جوان شود. خداوند تعالی با شما است و این عربده‌ها ان شاءالله خفه خواهد شد.

بسمه تعالی؛ ﴿والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر﴾[1]. آقایان افاضل در محافل خود تواصی به حق کنند و در راه حق، تواصی به صبر کنند.

من به شماها اطمینان فیروزی می دهم؛ اطمینان غلبه حق بر باطل می دهم؛ با احساسات یک ملت نمی‌توان مبارزه کرد لکن مهم، امتحان باری تعالی است. ﴿والله لتغربلن غربلة﴾.[2]

ماها را در این دیگ بزرگ طبیعت که باطنش جهنم است ریخته و زیر و بالا می‌کنند و به غلیان می‌آورند تا جهنمیها ممتاز شوند. متوجه باشید خدای نخواسته از جهنمیها نشوید. سازش با ظالم جهنمی، بزرگترین و بارزترین آثار جهنمی است؛ شماها از آنها نباشید. از خداوند تعالی توفیق و تأیید همه آقایان ـ ایّدهم الله تعالی ـ را خواهانم؛ و السلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[3]

---

۱. قرآن کریم، سوره عصر: «سوگند به این زمان * که آدمی در خسران است * مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند».

۲. اشاره به خطبه ۱۶، نهج البلاغه (فیض الاسلام): «به خدا سوگند، در غربال از هم جدا می گردید.» «والذی بعثه بالحق لتبلبلن بلبلة و لتغربلن غربلة و لتساطن سوط القدر». سوگند به آن کسی که پیغمبر را به حق فرستاد، هر آینه درهم آمیخته شوید و در غربال امتحان از هم بیخته و جدا گردید و بر هم زده شوید مانند بر هم زدن کفگیر آنچه در دیگ طعام است در وقت غلیان و جوشش. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۶، ص ۶۶.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۳۵ تا ۱۳۶.

◙ پیام

زمان: ۱۳۴۶ هـ ش؛ / ۱۳۸۷ هـ ق؛ مکان: نجف
موضوع: نوید آتیه درخشان برای ملل مظلوم
مناسبت: برگزاری دهمین جلسه سالانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا
مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

بسم الله الرحمن الرحیم

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

مرقوم آقایان محترم - ایّدهم الله تعالی - از گزارش دهمین جلسه سالانه اتحادیه و رونوشت مکتوب به طلاب محترم دینیه ایّدهم الله تعالی واصل و موجب مزید تقدیر و امید گردید.

اینجانب در این لحظات آخر عمر و دست به گریبان بودن با مشقتها و بلیات فراوان همه جانبه، و نگرانیهای جانفرسا از اخبار ناگوار ایران و روز افزون بودن رنجها و بلیات وارده بر ملت نجیب مسلمان، و برادران دانشجوی قدیم و جدید، و وضع رقّت‌بار عمومی و فقدان وسایل اولیه زندگی در بسیاری از نقاط، و طغیان فساد و بی‌فرهنگی در دستگاه جبار و اشاعه فحشا و بی عفتی خصوصاً در مرکز کشور و عقب‌افتادگی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی با لافهای پوچ فریبکار، و مهار نکردن منحرفان و استعمارطلبان مراکز علم و مساجد و محافل مسلمین و مراسم حج بیت‌الله الحرام و سست کردن عقاید اسلامی به واسطه سپاههای معلوم الحال[1] و صرف بیت المال بر ضد مصالح اسلام و ملت، و تاراج درآمدها و ذخایر ملی، و از همه بالاتر سلطه بی چون و چرای دول استعمارگر راست و چپ و عمال خبیث صهیونیستی آنها بر جان و مال ملت، و ناامنی عمومی ناشی از سازمان به اصطلاح

---

۱. منظور، سپاههای دانش و بهداشت و بویژه «سپاهیان دین» است که نغمه تأسیس آن به منظور مبارزه با دین و روحانیت در آن روزها به گوش می‌خورد.

امنیت، و حبسها و تبعیدها و اعدامهای بدون مجوز و غیر قانونی جابرانه و شکنجه‌ها و تعذیبهای وحشیانه غیر انسانی و دیگر مصیبتها، از اینکه احساس می‌کنم طبقات جوانان غیور دانشجوی قدیم و جدید داخل کشور و خارج و روشن ضمیران سایر طبقات ملت شریف مسلمان ـ ایّدهم الله تعالی ـ از خواب گران چند صد ساله که به نغمه‌های خواب آور عمال خبیث استعمار بر ملتها غلبه کرده بود، بیدار شده اند و در فکر چاره هستند، و از پیوستگی دانشجویان مدارس قدیم و دانشگاهها و همکاری آنها و سایر طبقات بیدار در این نهضت مقدس اسلامی که به خواست خداوند متعال منتهی به قطع ایادی اجانب و استعمارگران و هدم بنیان استعمارخواهان و غربزدگان خواهد شد، احساس مسرت و سربلندی می‌کنم.

این پیوستگی، قدم اول است که به رغم اجانب و نوکرهای چشم و زبان بسته آنها، در راه آزادی ملتهای زیر دست برداشته شده، و اساس و زیر بنای شکست نهایی چپاولگران و عمال خبیث کسانی است که با تبلیغات مسموعه، سالیان دراز شما برادران و فرزندان ملت را مانند دشمنان به جان هم افکنده و هر کدام از دیگری بیزاری می‌جستند و در این میان دشمنان ستمگر ملتهای ضعیف، بر مرکب آمال به تاخت و تاز و بندکشیدن ملل اسلامی و مکیدن خون آنها با کمال امنیت و آرامش خاطر اشتغال داشتند.

اکنون که می‌بینم شما فرزندان عزیز، شاهراه اساس را یافته و بر پایه وحدت اسلامی به هم پیوسته اید، و نور تابناک قرآن مجید دستور آزادی ملل ضعیف و راهنمای چگونگی نهضت مردان تاریخ و پیمبران پاک در هر عصری بر ضد ستمگران و استثمار و استعمارپیشگان بر قلبهای شما پرتو افکنده است، به خود نوید می دهم که به خواست خدای بزرگ آتیه درخشان زندگی نزدیکی در انتظار ملل مظلوم است.

بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید؛ و با فاش کردن خیانتها و جنایتهای استعمارگران و پیروان بی فرهنگ آنها غفلت زده‌ها را آگاه نمایید، و از اختلاف کلمه و تفرقه و هواهای نفسانی که رأس همه فسادهاست احتراز کنید، و به خداوند تبارک و تعالی روی نیاز آورید که شما را در این راه هدایت فرماید، و با جنود فوق طبیعت کمک کند؛ انّه ولیّ قدیر. قال الله تعالی و تقدس : ﴿والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین﴾.[۱]

از خداوند متعال قطع ایادی اجانب و عمال آنها و توفیق و تأیید کسانی که در راه اهداف عالیه قرآن کریم و اسلام عزیز همت گماشته و مردانه قیام کرده‌اند خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ تلگراف

زمان: مرداد ۱۳۴۶ / ربیع الثانی ۱۳۸۷ — مکان: نجف

موضوع: تبریک آزادی از زندان — مخاطب: منتظری، حسینعلی

ایران نجف آباد خدمت جناب حجت الاسلام آقای منتظری ـ دامت برکاته

ورود جنابعالی موجب مسرت؛ «ذهب العناء و بقی الاجر[۳]».

خمینی[۴]

---

۱. سوره عنکبوت، آیه ٦٩: «و آنان که در راه ما جهاد کردند، محققاً آنها را به طرق خویش هدایت می‌کنیم و هر آینه خدا همراه نیکوکاران است».

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ١٤١ تا ١٤٣.

۳. رنج و سختی رخت بربست و اجر و پاداش باقی ماند.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ١٤٧.

▣ نامه

زمان:۳آبان ۱۳۴۶/ ۲۰رجب ۱۳۸۷
مکان:نجف
موضوع:تشریح اوضاع اسفبار ایران
مخاطب:شریعت اصفهانی (شیخ الشریعة)، محمد

۲۰ رجب ۸۷ بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، دو طغرا[۱] مرقوم محترم که از سلامت و تأثرات قلبیه جنابعالی حکایت می‌کردند واصل؛ قضایای ایران یکی دو تا نیست که بشود بیان کرد. پس از نشر مکتوبی که به هویدا[۲] نوشته شده بود عده کثیری گرفتار حبس و تبعید شده اند؛ چه از اهل علم مثل آقای منتظری، و چه غیر اهل علم. علی المحکی[۳] انتشار زیادی در بلاد بزرگ از قبیل: تهران، مشهد و کرمان، شیراز، قم پیدا کرده است و بعضی رادیوها هم با اطلاع قبلی خوانده اند که موجب ناراحتی دستگاه شده است؛ حتی در روزنامه اطلاعات هم دو جمله حساس را نوشته بود؛ و البته انتقاد از نوشته‌ها کرده بود. فشارها به همه طبقات ادامه دارد. تکلیف به آقایان برای ملاقات[٤] و تبریک شده است؛ چنانچه گفته می‌شود در بعضی روزنامه‌ها، نسبت به آقای حکیم داده اند که تبریک گفته‌اند به وسیله وزیر اقتصاد؛ ان شاءالله صحیح نباشد. به آقای میلانی گفته می‌شود که فشار برای ملاقات آورده اند و ایشان راضی نشده اند و تقاضای تذکره نموده‌اند. علی المحکی آقای گلپایگانی از آقای حکیم تکلیف خواسته بودند که

---

۱. فقره، عدد.

۲. متن نامه سرگشاده امام خمینی به هویدا در تاریخ ۲٦ فروردین ۱۳٤٦.

۳. بنا به روایت، بنا به آنچه گفته می شود.

٤. ملاقات با شاه.

تبریک بگوییم یا خیر. جشنها و فضاحتها در اوج خود رسیده است؛ به بعض علمای بلاد، علی المحکی تکلیف شده است که در مساجد جشن بگیرند و اذان بگویند؛ و از این مطالب خیلی زیاد است.

راجع به قضیه دعوت جنابعالی، این مطلب در سال قبل صحبت شد و آقای حاج آقا حسن شیرازی اخوی آقای حاج آقا محمد[۱] کراراً آمدند و گفتند من مذاکراتی کرده‌ام و ممکن است اگر امثال شماها کاغذی به ملک سعودی بنویسد تأثیر کند. و بعد هم گفته شد آقای خویی می‌نویسند یا نوشته اند، و آقای شاهرودی وعده کرده‌اند با ملک در سفر حج مذاکره کنند. بالأخره اینجانب با اطمینان به اینکه در این امور هیچ تأثیری در حجاز نیست، مع ذلک چیزی نوشتم و آقای شیرازی بردند. پس از مدتی هم به وسیله سفارت حجاز یک جواب بی سر و ته ای آمد. امسال آقای حاج آقا حسن[۲] آمدند و گفتند که بناست وَفْدی[۳] برود، و قول داده‌اند که قضات آنجا حاضر برای مذاکره شوند. عده‌ای را که در این امر صلاحیت نداشتند ذکر کردند. اینجانب دخالتی نکردم، زیرا اطمینان دارم بر فرض آنکه مجلسی تهیه شود و طرفین دعوا حاضر شوند، هیچ نتیجه مثبتی گرفته نمی شود. علاوه خوف آن است که آقایان نتوانند در آن محیط و با آن اشخاص که اینها راکفار و مُبْدِع[٤] می‌دانند به طور شایسته گفتگو کنند، و مجلس ختم شود به فَشَل شدن و تا آخر محکوم گردیدن؛ اجمالاً به ایشان مطلب راگفتم، و باز گفتم اشخاص مذکور «جنابعالی در آنها نبودید» صلاحیت

---

۱. آقای سید محمد شیرازی.

۲. آقای حسن شیرازی.

۳. هیأت سیاسی.

٤. بدعت گذار.

این امر را ندارند. و تذکر دادم که اگر هم لازم می‌دانید این امر را طوری نکنید که تمام قوای شیعه را مقابل قرار دهید بلکه چند نفر به عنوان یک قُطْر،[۱] نه آنکه نماینده تمام ممالک شیعه و علمای مذهب اینها باشند، و بعد با چند کلمه فشل[۲] شوند.

اینجانب اصل این مطلب را صحیح نمی‌دانم؛ و مباحثه را مضرّ می‌دانم؛ آنها از آقایان حدیث صحیح به طرق خودشان راجع به قبه و بارگاه می‌خواهند، و اگر شما تنازل کنید و بگویید مظَلّه[۳] برای أحیا باشد، تصدیق حرف آنها را کردید و تا آخر محکوم شدید، و سایر اعتاب مطهره را هم محکوم کردید؛ و این امر ممکن است منعکس شود در ممالک اسلامی؛ هذا کله؛ مع اینکه اساس مذهب در این بلاد در خطر کفر است و عاملین آن از طرف مقامات معظمه تجلیل و تطهیر می‌شوند و امور فجیعه یا به سکوت و یا به تأیید می‌گذرد، و خواهید ملاحظه فرمود که اگر خدای نخواسته خداوند مهلت دهد، پس از چندی چه خواهد شد و چه خواهند کرد. «و الی الله المُشْتَکی و علیه المُعَوَّل».

والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی

منزل اینجانب را در قم عده کثیری کماندو محاصره کرده و نگذاشتند روضه بخوانند، ولی حصر بعد از ظهر برداشته شد و علی المحکی جمعیت کثیری عصر رفته‌اند آنجا. اخوی اینجانب را هم از قم به تهران برده اند و آنجا آزاد کردند. مدرسه فیضیه را مدتی است قبضه کرده و پس از اصلاحاتی که مهمش عکسهایی و

---

۱. ناحیه.

۲. سست، ناتوان.

۳. سایبان، خیمه، چادر بزرگ.

شعارهایی بوده [که] با التزاماتی رد کرده‌اند در صورت، و تحت مراقبت کامل است معناً؛ ولی در عین حال یک شب شعارهایی در جمیع دیوارها نوشته شده است و مجرمین درست به دست نیامده اند، و بعضیها را گرفته‌اند. وضع قم فجیع است و این نحو مدرسه داری افجع؛[۱] اینها مسموعات است؛ والسلام.[۲]

◘ نامه

زمان: ۱۰ آذر ۱۳۴۶/۲۸ شعبان ۱۳۸۷
مکان: نجف
موضوع: مهم انجام وظیفه است
مخاطب: روحانی، سید صادق

بسمه تعالی ۲۸ شعبان ۸۷

به عرض عالی می‌رساند، کراراً از اشخاص مطلع یا نیمه مطلع از حالات جنابعالی استفسار نموده ام و در حرمهای ائمه اطهار ـ علیهم صلوات الله ـ به زیارت و دعا برای جنابعالی و سایر آقایان موفق شده‌ام؛ اکنون که شنیدم انتقال پیدا کردید باز نمی‌دانم وضع چطور است؛ امید است ان شاءالله موجبات راحتی شما فراهم شود و خداوند تعالی فرج عنایت نماید. آنچه مطالب را سهل می‌کند آن است که در راه ایفای وظیفه و ادای تکلیف، رنج و زحمت مهم نیست و این چند روز به هر نحو که هست خواهد گذشت؛ ﴿و الیه المرجع و المآب﴾[۳]. از خداوند تعالی اصلاح عموم را خواستارم؛ والسلام علیکم و رحمة الله.[٤]

---

۱. فجیع تر.
۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۵۵ تا ۱۵۷.
۳. و به سوی او بازگشتگاه است.
٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۵۸.

▣ نامه

زمان: ۱۴ بهمن ۱۳۴۶ / ۴ ذی‌القعده ۱۳۸۷
مکان: نجف
موضوع: لزوم حفظ حیثیت علم و اسلام و عمل به وظایف الهیه
مخاطب: گرامی، محمدعلی

لیله ۴ ذی القعده ۸۷ بسمه تعالی

معروض می‌دارد مرقوم شریف که حاکی از عواطف جنابعالی و سلامت مزاج شریف بوده موجب تشکر گردید. حسن ظن آقایان، اینجانب را امیدوار می‌کند. امید است خداوند تعالی با این حسن ظنها با اینجانب رفتار فرماید. اوضاع به نظر اینجانب مهم نیست و خداوند رب البیت است ما باید به تکلیف خود عمل کنیم نتیجه حاصل شود یا نشود به ما مربوط نیست با خود او است؛ آنچه به ماها مربوط است حفظ حیثیت علم و اسلام و عمل به وظایف الهیه؛ دعا فرمایید همه موفق شویم؛ امید است خداوند تعالی همه را به این امر آشنا فرماید. وجود و عدم شهریه، باز بودن و نبودن منزل، رسیدن یا نرسیدن وجوه، هیچ اهمیتی ندارد؛ بلکه اینها امتحاناتی است که باید با کمال صبر از عهده برآییم ﴿و الله من ورائهم محیط﴾[۱] از این دنیا چیزی نمانده است که انسان وقت را صرف تأسف از فقدان آن کند. و السلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. سوره بروج، آیه ۲۰: «خدا از همه سو بر آنها احاطه دارد».

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱٦۷.

■ **نامه**

زمان: ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ / ۴ ذی الحجه ۱۳۸۷[۱]
مکان: نجف
موضوع: وعده پیروزی و وقوع انفجار عظیم
مخاطب: یزدی، محمد

۴ حج ۸۷ بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است؛ پایداری فضلای محترم حوزه علمیه قم و صبر بر شداید طبقه جوان موجب کمال امیدواری به بقای عظمت آنهاست.

قیام مردان حق از اعصار قبل از اسلام و از بدو اسلام توأم با مشکلات عظیمه بوده است که گرفتاریهای شما آقایان محترم و فشارهای دستگاه جبار در قبال آنها سهل است؛ مع ذلک با ملاحظه ظروف و مشکلات داخل و خارج باید از این پایداری تشکر کنم؛ با اطمینان نفس به شما آقایان محترم وعده فرج قریب می‌دهم، چه عمر من در این آخر وقت به آن برسد یا نه؛ آتشی که در کانون سینه‌ها و قلبها روشن شده است، خاموش شدنی نیست یا لااقل به این زودی خاموش نخواهد شد و ممکن است شماها شاهد انفجار عظیم آن باشید.

﴿لیهلک من هلک عن بینةٍ و یحیی من حی عن بینةٍ﴾؛[۲] مأیوس نباشید و به خود یاس را راه ندهید، قوی باشید و دیگران را تقویت کنید و تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. خداوند با شما است؛ والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۲۲، ص ۷۵ تاریخ نامه ۲٦ فروردین ۱۳٤٦ قید شده است که با توجه به درج تاریخ ٤ ذی الحجه ۸۷ در نسخه خطی، تاریخ ۱٤ اسفند ۱۳٤٦ صحیح است.

۲. آیه ٤۲ سوره انفال: «تا هلاک شود آنکه ازروی بینش هلاک شده و زنده شود آنکه ازروی بصیرت زنده شده است».

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱٦۹ و ۱۷۰.

▣ نامه

زمان: ۱۴اسفند ۱۳۴۶/ ۴ذی‌الحجه ۱۳۸۷ **مکان: نجف**
موضوع: لزوم ادای وظیفه **مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا**

۴ حج ۸۷ بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از عواطف کریمه بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است؛ امید است ان شاءالله تعالی در محلی که تشریف دارید وجود مؤثری بوده و مورد استفاده عمومی قرار گیرید. آنچه مهم است آن است که انسان با هر منطقی که بتواند خدمت کند و ادای وظیفه نماید که پیش وجدان خود شرمنده نباشد. وصول به مقاصد و عدم آن، بسته به اراده الهیه و به ما تکلیفی نیست؛ و آنچه مسلّم است این جوله‌ها[۱] پایان دارد، و خداوند تعالی حفظ کیان اسلام را خواهد فرمود. از خداوند تعالی حسن عاقبت را خواستار است و از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۱۷اسفند ۱۳۴۶/ ۷ذی‌الحجه ۱۳۸۷
مکان: نجف
موضوع: لزوم ارسال وجوهات به نجف
مخاطب: لنگرودی، سید محمدحسین

لیله هفتم شهر ذی الحجه ۸۷ بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم محترم واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است؛ راجع به اجازاتی که مرقوم شده بود با وضعی که فعلاً برای اینجانب ایجاد شده است، و تبلیغات سوئی که از خارج و داخل می‌شود و راه ایصال وجوه را

---

۱. جولان.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷۱.

تقریباً مسدود نموده اند، مقتضی است که جنابعالی و دیگر آقایان دوستان اینجانب راجع به کمک به اینجا[۱] بیشتر کوشش فرمایید. توقعات و گرفتاریهای اینجانب در اینجا روزافزون و منع و ارعاب از آن طرف[۲] نیز مستدام است؛ با این وضع چطور می‌توانم این نحو اجازات را بدهم؟ امید است خداوند تعالی فرجی عنایت فرماید تا بتوانم خدمت لایق به همه آقایان بنمایم؛ از جنابعالی امید دعای خیر دارم؛ والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ نامه

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۴۷ / ۸ ربیع الاول ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: وخامت اوضاع و اجرای افکار پلید استعمار توسط دولتها

مخاطب: شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه)، محمد

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاوی مطالبی بود که نزد اکثر از علوم غریبه است واصل؛ اوضاع وخیمتر از آن است که بتوان عواقب آن را درست فهمید. اگر نقشه همان نقشه ترکیه که تحمیل به مصطفی کمال[٤] شد و او نیز قبول کرد و تا توانست اجرا کرد باشد، حساب این طرفها خصوصاً ایران معلوم است؛ ترکها باز مقاومت کردند ولی ماها گمان نمی‌کنم مقاومتی به خرج دهیم، و دولتها بی مزاحمت افکار پلید دیگران را اجرا می‌کنند ولی با اسم دین مبین اسلام! و ما نیز به همین کلمه دلخوش کردیم یا برای رفع مسئولیت نزد خلق، خود را به دلخوشی می‌زنیم؛ اگر

---

۱. حوزه علمیه نجف.

۲. رژیم شاه.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷۲.

٤. مصطفی کمال، معروف به آتاتورک از عوامل اصلی فروپاشی امپراتوری عثمانی، مجری سیاستهای انگلیس و غرب در آسیای صغیر، و نخستین رئیس جمهور ترکیه.

اینجا صحبتی شود گفته می‌شود ملکی[۱] بهتر است و آنجا نیز مجرم اصلی را به حساب نمی‌آورند بلکه بعض تلگرافات که اخیراً از قِبَل بعضی آقایان شده است متضمن تطهیر مجرم اصلی است، و داعی بر نشر هم ظاهراً داشتند که لابد اینطور صلاح را تشخیص داده‌اند. و بالجمله اکنون دو طایفه بیشتر نیست: یا ساکت و یا ناطق مضر؛ «و الامر الی الله تعالی».

تحریرالوسیله را به همان نحو که ملاحظه فرمودید به طبع رسید، و مقداری از آن هم به ایران رفت و در آنجا مسائل دفاع را مستقلاً علی المحکی، نشر دادند و شاید در اثر آن، تشدید نسبت به منزل اینجانب زیادتر شده است؛ در نظر اینجانب این امر اگر به صرفه نباشد مهم نیست؛ آنچه مهم است آن است که نمی‌دانم با این وضع آنها و ماها، تکلیف چیست؛ امیدی در ناحیه خود ما نیست؛ خداوند اصلاح کند.

والسلام علیکم.

۸ ربیع الاول ۱۳۸۸ روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۱۲ مهر ۱۳۴۷ / ۱۱ رجب ۱۳۸۸ مکان: نجف
موضوع: پیام تشکر مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف واصل شد. سلامت و بقای جنابعالی را خواستار است؛ از زحمات جنابعالی که با کناره گیری اکثر، باز خود را به زحمت می‌اندازید متشکرم؛ امید است خداوند تعالی به جنابعالی اجر عنایت فرماید، «انّه ولیّ الفضل». از جنابعالی امید دعای خیر دارم؛ والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. پادشاهی.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۸۵.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۹۸.

▣ نامه

زمان: ۱۳۴۷ه‍ ش. / ۱۳۸۸ه‍ ق. مکان: نجف
موضوع: قدردانی از زحمات مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا

بسمه تعالی

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب سیدالعلماء الاعلام آقای سعیدی ـ دامت افاضاته

مرقوم محترم واصل، با آنکه گمان می‌کنم جواب داده‌ام لکن چون در جزء مکتوبات جواب نداده بود، احتمال عدم جواب می‌رفت و در هر صورت از قراری که بعضی از مریدهای جنابعالی اظهار داشتند، بحمدالله تعالی توفیق کامل برای تربیت مؤمنین و ترویج دیانت مقدسه برای جنابعالی حاصل شده است.

من از افرادی مثل شما آنقدر خوشم می‌آید که شاید نتوانم عواطف درونی را آنطور که هست ابراز کنم. من قادر نیستم عواطف امثال شما را جواب بدهم لکن خداوند تعالی قادر است که شماها خدمتگزاران به دیانت را مشمول عنایات خود فرموده و از رحمت خود همه را بهره‌مند فرماید. من در این آستان قدس به اسلام و مسلمین عموماً و به حضرات علمای اعلام و خدمتگزاران به دیانت مقدسه خصوصاً دعا می‌کنم و عظمت آنها را از خداوند تعالی در جوار قبّه مطهره مولا علیه الصلوة و السلام می‌طلبم. رجای آن دارم که مشمول ادعیه خالصه جنابعالی باشم.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۰۲.

◘ نامه

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۴۷ / ۱۳ شعبان ۱۳۸۸ مکان: نجف
موضوع: لزوم براندازی سلسله پهلوی و قیام به وظیفه مخاطب: سعیدی، سیدمحمدرضا

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقةالاسلام آقای سعیدی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است؛ راجع به مساجد قبلاً هم مطلع شده بودم، حتی گفته شد که برای مسجد سید عزیزالله[۱] هم تعیین شده است، ولی صحت آن را نمی دانم؛ در هر صورت سنگرها را حتی الامکان نباید از دست داد و قیام به وظایف به مقدار امکان لازم است، و اگر کوتاهی در آن نکنیم باکی نیست؛ فرضاً با شکست ظاهری مواجه شویم لکن رضای خدای تعالی را اگر موفق شویم جلب کنیم، امور دیگر سهل است؛ اینجانب لحظات آخر عمر را می‌گذرانم و از اوضاع عمومی و خصوص حوزه‌های علمیه نگران و نمی‌دانم با آن تندرویهای آنها و این سهل انگاری ماها امر به کجا منجر می‌شود؟ «والذی یوجب التسکین فی الجمله : ان للبیت رباً»[۲] و این رشته بحمدالله گسستنی نیست، هر چه باریک شود. شما طبقه جوان مأیوس نباشید و با اراده و عزم راسخ مهیای خدمت و فرصت باشید. سلف صالح ما ـ رضوان الله علیهم ـ فرصت عجیبی را در موقع رفتن سلف خبیث از دست دادند[۳] و پس از آن هم فرصتهایی بود و از دست رفت تا این مصیبتها پیش آمد. و تا این شجره خبیثه برپاست امید خیری نیست؛ از خداوند تعالی اصلاح حال عموم مسلمین و خصوص حوزه‌های دینیه و بیداری آنها را خواهانم؛ از جنابعالی امید دعای خیر دارم؛ والسلام علیکم. ۱۳ شعبان ۸۸

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. یکی از مساجد بزرگ و معروف تهران. اشاره به اقدام سازمان اوقاف رژیم شاه در نظارت بر مساجد.

۲. آنچه اجمالاً باعث آرامش می‌شود اینکه: «خانه کعبه را صاحبی است». بحارالانوار، ج ۱۵، ص ١٤٥.

۳. روحانیونی که از فرصت اخراج رضاخان (سلف خبیث) در شهریور ۱۳۲۰ بهره برداری نکردند.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۰۸.

▣ نامه

زمان: ۲۹ اسفند ۱۳۴۷ / ۱ محرم ۱۳۸۹ مکان: نجف
موضوع: حفظ سنگرهای اسلامی و کفایت عمل به وظیفه مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، دو طغرا مرقوم محترم که یکی بی تاریخ بود و مشتمل بر تقاضای اجازه برای آقای حسینی و دیگری مورخ ۱۱/۱۲ بود واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است؛ از اوضاع شکایت نموده بودید. آنچه مسلم است هر روز رو به وخامت است، و با وضع خودمان امیدی نیست مگر به توجه غیبی، ان شاءالله تعالی؛ لکن ما نباید در ادای وظایف منتظر نتیجه قطعیه باشیم؛ اگر در محضر مقدس حق تعالی عامل به وظیفه معرفی شویم، همین «نتیجه» است؛ از خداوند تعالی توفیق عمل به وظیفه را برای کافهٔ مسلمین و خصوص اهل علم خواستار است؛ مرقوم شده بود: «می خواستم از مسجد اعراض کنم»؛ موجب تعجب است! انسان در پستی که مشغول خدمت است، باید با هر ناملایمی پایدار باشد. در نظر دارم که به یکی از آقایان ائمه[1] در زمان فشار برای تغییر لباس گفتم: اگر شما را اجبار به تغییر لباس کنند، چه می‌کنید؟ گفتند: «در منزل می‌نشینم و بیرون نمی آیم». گفتم: اگر من را اجبار کنند و امام جماعت باشم، همان روز با لباس تازه مسجد می‌روم. باید پستها را نگه داشت و در وقت مقتضی با اعراض دسته جمعی طرف را کوبید. مع الأسف نه آن را داریم و نه این را. از خداوند تعالی توفیق و سعادت جنابعالی را خواستار است؛ امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

اجازه را اتکالاً به معرفی حضرت آقای طالقانی و جنابعالی فرستادم؛ اگر با معظمٌ له ملاقات دست داد، سلام اینجانب را ابلاغ فرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. غرهٔ محرم الحرام ۸۹

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. ائمه جماعات.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۲٤.

▣ نامه

زمان:۳مرداد۱۳۴۸/ ۱۰جمادی‌الاول ۱۳۸۹
مکان:نجف
موضوع:ممانعت‌ازانتشارورقه‌استفتائات
مخاطب:سعیدی،سیدمحمدرضا

بسمه تعالی

خدمت‌جناب مستطاب‌سیدالاعلام و ثقةالاسلام آقای سعیدی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است؛ ورقه استفتائات نیز واصل شد. اینجانب هر چه فکر می‌کنم صلاح نمی‌دانم این اوراق به این نحو چاپ و منتشر شود، به جهاتی که الآن مقتضی نیست تذکر دهم، جنابعالی از انتشار آنها به این نحو خصوصاً با عبارات پشت صفحه[1] ان شاءالله غمض عین[2] می نمایید. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[3]

---

۱. در گزارش ساواک آمده است : «... محمدرضا سعیدی یکی از روحانیون افراطی و طرفدار جدی آیت الله خمینی می‌باشد... و جزواتی شامل فتاوای خمینی چاپ و توزیع می‌نماید از جمله، اخیراً نشریه ای تحت عنوان استفتائات چاپ و منتشر نموده که در مقدمه آن به زبان عربی نوشته است : استفتائات از مرجع دینی که جز او کسی سزاوار رهبری نیست و غیر از اوکسی صلاحیت پیشوایی ملت و اصلاح امور را ندارد. این مرجع شبیه ترین فرد است به امام زمان از نظر خوی و سرشت و گفتار، زیرا اولاً، برای این مرجع مانند امام زمان دو غیبت صغرا و کبرا است . ثانیاً، با برجسته ترین صفات پیشوایی که قیام به حق باشد شناخته شده و ثالثاً، همانند حضرت ولی عصر از بردن نام او جلوگیری می‌شود این مرجع روح الله خمینی است ...».

۲. چشم پوشی .

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۳۸.

▣ نامه

زمان: ۲۸آبان ۱۳۴۸/ ۸رمضان ۱۳۸۹ مکان: نجف
موضوع: ضرورت آگاه‌ساختن جامعه مخاطب: حکیمی، محمدرضا

رمضان المبارک ۱۳۸۹ بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حکیمی ـ دامت افاضاته

گرچه جناب آقای آزرم[۱] را ملاقات نکرده ام لکن تا اندازه ای از روحیات ایشان اطلاع دارم؛ قبلاً هم پس از انتقال به عراق قطعه شعری که حاکی از افکار ایشان تا اندازه ای بود ملاحظه نموده‌ام؛ اینک نیز «پیام» بلند پایه را دیده و از ایشان تقدیر می‌کنم؛ اینجانب روزهای آخر عمر را می‌گذرانم، و مع الأسف نتوانستم خدمتی به اسلام عزیز و مسلمین بنمایم؛ ملتهایی که با جمعیت بسیار انبوه و اراضی بسیار وسیع و ذخایر بسیار گرانبها و سوابق بسیار درخشان و فرهنگ و قوانین آسمانی در تحت اسارت استعمار با گرسنگی و برهنگی و فقر و فلاکت و عقب ماندگی دست به گریبان و در انتظار مرگ نشسته اند، [و] دولتهاکه به دست استعمار تشکیل می‌شوند، جز در خدمت آنها نمی توانند باشند. اختلافات موجوده در بین سران دول اسلامی که میراث ملوک الطوایفی و عصر توحش است و با دست اجانب برای عقب نگاه داشتن ملتها ایجاد شده است مجال تفکر در مصالح را از آنها سلب نموده است؛ روح یأس و ناامیدی که به دست استعمار در ملتها حتی در رهبران اسلامی دمیده شده است آنها را از فکر در چاره جویی باز داشته است؛ امید است طبقه جوان که به سردیها و سستیهای ایام پیری نرسیده اند با هر وسیله ای که بتوانند ملتها را بیدار کنند؛ با شعر، نثر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهی جامعه است؛ حتی در اجتماعات خصوصی از این وظیفه غفلت نکنند، باشد که مردی یا مردانی بلند همت و غیر تمند پیدا شوند و به این اوضاع نکبت بار خاتمه دهند. باید جوانهای تحصیلکرده از این هیاهوی اجانب خود را

---

۱. نعمت میرزازاده متخلص به آزرم، شاعر معاصر خراسانی.

نبازند، و سرگرم بساط عیش و نوشی که به دستور استعمار برای آنها و عقب نگه داشتن آنها فراهم شده است نگردند. باید اشخاص بیدار، تولید مثل کنند و هرچه بیشتر همفکر و هم قدم پیدا کنند و صفوف خود را فشرده کنند، و در ناملایمات پایدار و جدی و قوی الاراده باشند، و از تواصی به حق و تواصی به صبر، که دستوری است الهی، غفلت نکنند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم؛ سلام اینجانب را به آقای آزرم و هرکس که در فکر چاره است ابلاغ نمایید. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◘ پیام

زمان: ۱۱دی۱۳۴۸/ ۲۲شوال ۱۳۸۹ مکان: نجف

موضوع: خیانت استعمار در ایجاد فاصله بین طبقه جوان و مسائل اسلامی

مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا ـ ایّدهم الله تعالی

مرقوم مورخ ۲۳ شهر رمضان المبارک واصل گردید و از مضمونش مطلع شدم. جای تقدیر و تشکر است که طبقه جوان تحصیلکرده توجه به این مسائل دارند و درصدد چاره هستند. مع‌الأسف تاکنون دست خیانت استعمار، به وسایل مختلفه، فاصله عمیق بین طبقه جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده، طبقه جوان را به روحانیین و اینها را به آنها بد معرفی نموده و در نتیجه وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است؛ و تأسف بیشتر آنکه همین دستگاههای مرموز نگذاشته اند طبقه تحصیلکرده به احکام مقدسه اسلام بخصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن توجه کنند، و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده‌اند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد؛ در

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۵۳ تا ۲۵٤.

صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است. اینجانب اکنون روزهای آخر عمر را می‌گذرانم و امید دارم که خداوند تعالی به شما طبقه تحصیلکرده توفیق دهد که در راه مقاصد اسلامی که یکی از آن قطع ایادی ظالمه و برانداختن ریشه استبداد و استعمار است کوشش کنید، و قوانین آسمانی اسلام را که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده است و عملی تر و سودمندتر از تمام فریضه‌ها است مطالعه کنید، و تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه اجانب واقع نشوید. از خداوند تعالی توفیق شما و عظمت اسلام و مسلمین را خواستار است.

۲۲ شهر شوال ۸۹ روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◘ پیام

زمان: خرداد ۱۳۴۹ / ربیع الثانی ۱۳۹۰ مکان: نجف
موضوع: تأمین هزینه ورثه از محل سهم امام و سهم سادات مناسبت: شهادت آقای سید محمدرضا سعیدی
مخاطب: مؤمنین و اهالی ساکن در خیابان غیاثی

بسمه تعالی

عموم مؤمنین محترم ساکن در محل مسجد (۲) مرحوم مبرور ثقة الاسلام آقای حاج سید محمدرضا سعیدی ـ رحمة الله ـ علیه مجازند در اینکه از سهم سادات عظام و سهم مبارک امام ـ علیه السلام ـ به مقدار مصارف متعارفه اقتصادیه به ورثه ایشان بپردازند. و مقتضی است کمال توجه را به صغار آن مرحوم که در راه اسلام و صلاح مسلمین مقتول گردید، بنمایند. توفیق و تأیید همه را از خداوند تعالی خواستار است.

تاریخ شهر ربیع الثانی ۱۳۹۰ روح الله الموسوی الخمینی (۳)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۵۵.

۲. مسجد شهید سعیدی در خیابان غیاثی تهران واقع شده است.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۷۲.

▣ نامه

زمان: ۲۰تیر ۱۳۴۹/ ۷جمادی‌الاول ۱۳۹۰[۱]
مکان: نجف
موضوع: هجوم سرمایه داران امریکایی به ایران
مناسبت: شهادت آقای سید محمدرضا سعیدی
مخاطب: فضلا و محصلین حوزه‌های علمیه

بسمه تعالی

خدمت عموم فضلا و محصلین حوزه‌های علمیه - ایّدهم الله تعالی

حوادث اخیر ایران که قتل مرحوم سعیدی مترتب بر آنهاست، موجب کمال تأثر است؛ این تنها مرحوم سعیدی نیست که با این وضع اسف انگیز در گوشه زندان از پای درمی آید بلکه چه بسا افراد مظلوم و بیگناه به جرم حقگویی در سیاهچالهای زندان، مورد ضرب و شتم و شکنجه‌های وحشیانه و رفتار غیرانسانی قرار می‌گیرند. این خوان یغما که مدتهاست مورد هجوم چپی و راستی قرار گرفته و گاهی با صراحت تقسیم گردیده، اکنون با عناوین دیگر باکمال عوام فریبی نقشه کشی شده و مورد تقسیم قرار گرفته است؛ از طرفی کارشناسان چپی که مقصود آنها اسارت شرق و ملل اسلامی است، به اسم تأسیس کارخانه ذوب آهن[۲] «که نفع آن برای استعمار و کسب وجهه دستگاه جبار بیشتر از نفعی است که به ملت می‌رسد» و از طرف دیگر کارشناسان و سرمایه داران بزرگ امریکا به اسم عظیمترین سرمایه گذاری خارجی برای اسارت این ملت مظلوم به ایران هجوم نموده‌اند[۳]. سرمایه دارانی که بنا به نوشته بعضی از روزنامه‌ها هر لحظه از عمرشان دهها هزار دلار قیمت دارد، باید دید برای چه منظور در تهران اجتماع می‌کنند؟ آیا برای غمخواری و انسان دوستی

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)؛ ج۱، ص۱۵٤، ذیل تاریخ مرداد ۱۳٤۹ درج شده است.

۲. اشاره به تأسیس کارخانه ذوب آهن اصفهان و اداره آن توسط کارشناسان شوروی.

۳. اشاره به ورود جمعی از سرمایه داران امریکایی «به ریاست راکفلر» به دعوت شاه به تهران و عقد بزرگترین قرارداد سرمایه گذاری تا آن زمان؛ که اعلامیه منفرد و با امضای مشخص آقای سعیدی به دنبال آن انتشار یافت و موجب دستگیری و شهادت ایشان شد.

است؟! کسانی که دنیا را به خاک و خون کشیده اند و دهها هزار انسان را برای شهوات به زیر خاک کرده اند در اینجا دوست صمیمی ما هستند یا نفوذ دولت ایران و عظمت شاه موجب این امر است ؟! «این را هم همه می‌دانند» یا سودجویی سیاسی و اقتصادی با دامنه وسیع آن، که پایگاهش ایران و دنبال آن سایر ممالک اسلامی و دیگر ممالک شرقی است از یک طرف و خودباختگی دستگاه ننگین ایران در مقابل استعمار چپ و راست از طرف دیگر، موجب این بدبختیهاست ؟!

ملت ایران بداند که اگر خداوند متعال به این دستگاه خودباخته در مقابل اجانب، و جبار در مقابل ملتها مهلت دهد این آخرین چوب حراج نیست که به مخازن زیرزمینی و روی زمینی این کشور زده شده است؛ باید منتظر بالاتر باشند، اگر بالاتری باشد! اکنون زراعت، صنعت، معادن، منابع جنگلی و حتی توزیع متاع در سراسر کشور و جلب سیاحان را در اختیار آنان خواهند گذاشت و برای ملت ایران جز باربری و کارگری برای سرمایه داران و ذلت و فقر و فاقه چیزی نخواهد ماند. شما از خوابهایی که برای این کشورها دیده اند اطلاع ندارید.

اینجانب کراراً خطر دولت اسرائیل و عمال آن را به ملت گوشزد کردم که باید مقاومت منفی کنند و از معاملات با آنها احتراز جویند. اکنون راه را برای مصیبت بزرگتری باز کرده اند و ملت را به اسارت سرمایه داران می خواهند درآورند. بر رجال دینی و سیاسی و جوانان مدارس دینی و دانشگاه و بر همه طبقات لازم است که قبل از اجرا شدن این واقعه و نتایج مرگبار آن اعتراض کنند؛ به دنیا برسانند که این قراردادها مخالف رأی ملت است.

اینجانب اعلام می‌کنم هر قراردادی که با سرمایه داران امریکا و دیگر مستعمرین بسته شود، مخالف خواست ملت و مخالف احکام اسلام است؛ وکلای مجلسین ایران چون منتخب ملت نیستند رأی آنها قانونی نیست و مخالف قانون اساسی و خواست ملت است؛ در این قضایا باید با نظارت مقامات بیطرف جهانی

رفراندم شود تا خواست ملت معلوم گردد.

من قتل فجیع این سید بزرگوار و عالم فداکار را که برای حفظ مصالح مسلمین و خدمت به اسلام جان خود را از دست داد به ملت اسلام عموماً و خصوصاً به ملت ایران تعزیت می‌دهم و از خداوند متعال رفع شر دستگاه جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت می‌نمایم؛ والسلام علی من اتبع الهدی. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۲۷ تیر ۱۳۴۹/۱۴ جمادی‌الاول ۱۳۹۰ (۲) **مکان: نجف**
موضوع: ضرورت مقابله با تبلیغات دشمنان اسلام
مناسبت: برگزاری ششمین کنگره سالانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا
مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا

۱۴ ج ۱ ۹۰ بسمه تعالی

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا

پس از اهدای سلام، پیام ششمین کنگره سالانه اتحادیه واصل شد. توجه نسل جوان به شناسایی و شناساندن چهره واقعی اسلام موجب تقدیر است؛ ما امروز قبل از هر چیز وظیفه داریم تبلیغات چند صد ساله اجانب و عمال استعمار را خنثی کنیم؛

کارشناسان استعمار باکمال تزویر و حیله، با اسم اسلام دوستی و شرق‌شناسی پرده‌های ضخیمی بر چهره نورانی اسلام کشیده و اسلام را با معماریها و نقاشیها و ابنیه عالیه و هنرهای زیبا معرفی نموده و حکومتهای جائرانه ضد اسلامی اموی و عباسی و عثمانی را به اسم خلافت اسلامی به جامعه‌ها تحویل داده اند، و چهره واقعی اسلام را در پشت این پرده‌ها پنهان نگاه داشته؛ به طوری که امروز مشکل است ما بتوانیم حکومت اسلام و تشکیلات اساسی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن را

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۷۷ تا ۲۷۹.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)؛ ج ۱، ص ۱۵۳، ذیل تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۴۹ درج شده است.

بر جوامع بشری حتی مسلمین بفهمانیم؛ باید کوشش کرد و پرده از تبلیغات مسموم چند صد ساله اجانب برداشت.

شما نسل جوان موظف هستید غربزده‌ها را از خواب بیدار کنید، و فجایع حکومتهای ضد انسانی آنها و عمال آنها را برملا نمایید و طرز حکومت اسلام را که مع‌الأسف بسیار عمر کوتاهی داشت و در همان چند صباح، راه و روش اسلام را در ولایت و والی روشن کرد به جوامع عموماً و به فرزندان اسلام خصوصاً گوشزد کنید و صفوف خود را فشرده تر نمایید. از خداوند متعال توفیق همه را برای خدمت به اهداف اسلام خواستار است؛ والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ نامه

زمان: مرداد ۱۳۴۹ / جمادی‌الثانی ۱۳۹۰(۲)
مکان: نجف
موضوع: شناساندن اسلام به جوامع بشری
مناسبت: انتشار جزوه‌ای در بزرگداشت ۱۵ خرداد
مخاطب: دانشجویان فارسی زبان در امریکا و کانادا

ج ۲ / ۹۰ بسمه تعالی

خدمت گروه دانشجویان پارسی زبان در امریکا و کانادا

جزوه‌ای که به یاد جنایات ۱۵ خرداد و قتل عامی که برای سرکوبی ملت ایران در مقابل استعمار تهیه شده بود ملاحظه کردم؛ گرچه به واسطه دوری شما از محل جرم، بعض مطالب نارسا و بعض با واقع تطبیق نداشت لکن اصول مطالب صحیح بود.

۱۵ خرداد از خاطره‌ها محو نخواهد شد و باید در سالروز آن، هرچه بیشتر آن

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۸۲ تا ۲۸۳.

۲. در دستخط امام خمینی، روز در تاریخ نامه درج نشده؛ ولی در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی و دوره جدید) و کتاب نهضت روحانیون؛ ج ۵، ص ۳۲۳، اول شهریور (۲۰ جمادی الثانی) درج گردیده است.

را زنده نگاه داشت؛ ۱۵ خرداد که مصادف با دوازده محرم بود، سند زنده مخالفت شجاعانه ملت ایران در مقابل استبداد عمال اجانب و در قبال استعمار چپ و راست بود، و از شعله‌های فروزان نهضت سید مظلومان در مقابل دستگاه استبداد بنی امیه علیهم اللعنة بود. فداکاری ملت شجاع و متدین ایران در سایه فداکاری حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود. باید در پناه قضیه بزرگ عاشورا، مصیبت جانسوز دوازده محرم و ۱۵ خرداد زنده و جاوید بماند. این سند بزرگ را در قبال ادعاهای پوچ دستگاه جبار که «ملت با ماست» نباید فراموش کرد. مسلمان نمی‌تواند موافق و معاون دستگاه ظلم و ستم باشد؛ دستگاهی که احکام اسلام را یکی پس از دیگری محو نموده و می‌نماید. آنها که به این دستگاه، سرسپرده و پیوسته اند، مشتی آلوده به شهوات ننگین بیش نیستند و ملت نجیب ایران از آنها بیزار است چنانچه اولیای خداوند از آنها بیزارند.

شما جوانان تحصیلکرده در هر جا هستید وظایف خطیری دارید: وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است؛ وظیفه دفاع از میهن و استقلال آن که از وظایف حتمیه اسلامی است؛ وظیفه شناساندن اسلام بزرگ به جوامع بشری، چه از ناحیه طرز حکومت و بسط عدالت آن و چه از ناحیه رفتار والی مسلمین با ملت، و چه از کیفیت معامله والی با بیت المال مسلمین؛ شماها باید معرفی کنید اسلام را تا رژیمها و حکومتها بفهمند معنی حکومت و پاسداری از ملت را؛ تا جوامع بشری بدانند اسلام چه نحو حکومتی می‌خواهد؛ تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوانهای ما تحمیل شده است تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و دیگران را وادار به عمل کنید، و پرده‌های ضخیمی که کجروان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند برطرف کنید. ان شاءالله تعالی خداوند به شما توفیق خواهد داد.

در خاتمه باید از کوششهای شما جوانان و جوانهایی که در سایر کشورها، دور از میهن، به اسلام و ممالک اسلامی خدمت می‌کنند تقدیر و تشکر کنم.

والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی

نامه شما در جوف یکی از جزوات، به نظر من نرسیده بود، تازه آن را یکی از آقایان به من تسلیم کرد.[1]

▣ نامه

زمان: ۱۹شهریور ۱۳۴۹/ ۸رجب ۱۳۹۰ مکان: نجف
موضوع: تخلف برخی از وکلا مخاطب: خلخالی، صادق

۸ رجب ۹۰ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای خلخالی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل گردید. از تفقد از اینجانب متشکرم؛ راجع به مطالبی که مرقوم شده است، مهم آن، که قضیه شهریه است عمل شده است؛ لکن دو محذور در کار است که گمان ندارم ادامه پیدا کند؛ یکی جلوگیری دستگاه است. مرقوم داشته اید کسی داعی ندارد به اشاعه؛ دواعی زیاد به اشاعه است؛ خواهید متذکر شد به نرسیدن وجوهات؛ با این وضع که در کار است بعضی وکلای اینجانب، از خوف، قبول وجه نمی‌کنند و اکثر قریب به اتفاق اشخاص مجاز، با آنکه بعضی از آنها وجوه خوب دریافت می‌کنند لکن نمی رسانند و مال امام علیه‌السلام را مال خود می‌دانند یا بالاتر. با این وضع گمان ندارم بشود ادامه داد لکن عجالتاً برای امتحان عمل شد تا چه شود. راجع به زحمات آقایان طلاب ـ ایّدهم الله تعالی ـ امید است خداوند تعالی به آنها توفیق و تأیید عنایت فرماید. راجع به خلخال، ان شاء الله لدی الاقتضاء[2] از جنابعالی امید دعای خیر دارم؛ والسلام علیکم.[3]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۸۷ تا ۲۸۸.

۲. زمان مناسب.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۹۵.

▣ پیام

زمان: بهمن ۱۳۴۹/ ۱۳۹۰ مکان: نجف
موضوع: هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایتهای رژیم شاه
مناسبت: برگزاری مراسم حج مخاطب: زائران بیت‌الله الحرام

بسمه تعالی

خدمت عموم زائرین بیت الله الحرام ـ ایّدهم الله تعالی

بعد از ابلاغ سلام و تحیات وافره اکنون که به واسطه سستی و سهل‌انگاری ملتهای اسلامی، چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمینهای بزرگ ملت قرآن فرو رفته و تمام ثروت و مخازن بزرگ ما در قشر ملی بودن به کام آنان فرو می‌ریزد، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین درمی‌آورد، و هر روز با نغمه تازه با اسامی فریبنده جوانان ما را منحرف می‌کند، بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.

باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملتهای مسلمان را مکلف می‌سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید. گرفتاریهای ملل مسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه

می‌کنند غفلت نورزید.

بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.

اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیه اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، اینگونه اسیر و ذلیل استعمار نمی شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مسلم،[۱] با این کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می گرفتند، برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند.

در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره برداری شود، با کمال تأسف دیده می‌شود که بعضی قلمهای مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سالهاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم الخطوط العریضه و امثال آن نشر می‌دهند[۲] و به مستعمرین کمک می‌نمایند، و می‌خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری[۳] را از صفوف مسلمین جدا کنند. جای تعجب است که حکومت حجاز

---

۱. جمعیت مسلمانان جهان در زمان صدور پیام.

۲. جزواتی که عمال وهابی سعودی، علیه تشیع منتشر می‌ساختند.

۳. منظور، شیعیان جهان است.

چگونه اجازه می‌دهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی پخش شود!

بر ملتهای اسلامی لازم است که از این گونه کتابها و نشریات تفرقه انگیز و استعماری اجتناب کنند، و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند. و در این اجتماع مقدس حج، اولاً در مسائل اساسی اسلام، و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.

اینک اینجانب به حکم وظیفه، شمه ای از گرفتاریهای ملت مظلوم ایران را تذکر می‌دهم تا مسلمین جهان بدانند که به مردم بی‌پناه این کشور اسلامی چه می‌گذرد. آثار شوم استعمار در این مملکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر به چشم‌خورد. اسرائیل که امروز دشمن شناخته شده اسلام و مسلمانهاست و مدتهاست که با ملل مسلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد؛ و باید گفت ایران به صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع امریکا درآمده است؛ اجانب در این کشور به تمام معنی مصونیت دارند ولی علما، دانشمندان، فرهنگیان و سایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند. بازرگانان محترم، یکی پس از دیگری، ورشکست شده؛ ظلم و فشار دستگاه حاکمه بشدت هر چه تمامتر گلوی این ملت مظلوم را می‌فشارد. اختناق، حبس و زجر قرون وسطایی حکومت می‌کند. با اسم سپاه دانش و سپاه بهداشت و دیگر اسامی فریبنده، مقاصد شوم استعمار، همزمان با اشاعه فحشا در اعماق قصبات و دهات در جریان است. مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد وخواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت

فشار عمال استعمار دست و پا می‌زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده اند. با بهانه‌های بی‌اساس به دانشگاهها حمله می‌کنند و جوانان ارجمند را از دانشگاه به زندان و سربازخانه کشانند. حوادث اخیر دانشگاههای ایران و یورش وحشیانه و بی رحمانه دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته؛ این روش غیر انسانی نمونه دیگری از نقشه‌های استعمارگران برای سرکوبی دانشگاهها و دانشجویان می‌باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح می‌کنم؛ و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطنخواه هرگز عقب نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد.

این انقلاب ننگین و خونین به اصطلاح سفید، که در یک روز با تانک و مسلسل پانزده هزار مسلمان را آنطور که معروف است از پای درآورد، روزگار ملت را سیاهتر ساخت. زندگی دهقانان و زارعین اسیر را بیشتر تباه کرد. کنون در بسیاری از شهرستانها و اکثر روستاها درمانگاه، دکتر و دارو وجود ندارد. از مدرسه، حمام و آب آشامیدنی سالم خبری نیست و به حسب اعتراف بعضی از مطبوعات در بعضی از دهات، کودکان معصوم را از گرسنگی به چرا می برند ولی دستگاه جبار صدها میلیون تومان از سرمایه این مملکت را صرف جشنهای ننگین می‌کند؛ جشن تولد این و آن، جشن بیست و پنجمین سال سلطنت، جشن تاجگذاری و از همه مصیبتها بالاتر جشن منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، که خدا می‌داند چه مصیبت و سیه روزی برای مردم و چه وسیله اخاذی و غارتگری برای عمال استعمار به بار آورده است. بودجه هنگفت و سرسام آوری که در این امر مبتذل صرف می‌شود اگر برای سیر کردن شکمهای گرسنه و تأمین زندگی سیه روزها خرج می‌شد، تا اندازه ای از مصیبتهای ما می کاست لیکن استفاده جویی و خودکامگی نمی گذارد که اینها به فکر ملت باشند. دستگاه جبار، با پول ملت مسلمان، برای شاهانی که در هر عصر ملتها را در زیر چکمه‌های نظامی خود خرد کرده اند، شاهانی که همیشه با مذاهب حقه دشمنی

داشتند، شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بوده و نامه مبارک حضرت رسول (ص) را پاره کردند،[۱] شاهانی که نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم همه است، جشن می‌گیرد و چراغانی می‌کند. دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست، و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می‌باشند.

من دست عموم ملت اسلام و آزادیخواهان جهان را در راه قطع ریشه استعمار و استعمارگران، استقلال ممالک اسلامی و گسستن زنجیرهای اسارت می‌فشارم، و از خداوند متعال دفع شر دستگاههای جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت نموده قبولی اعمال و مناسک عموم را خواستار است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

«اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است، هرکس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می‌فهمد اسلام آمده است این کاخهای ظلم شاهنشاهی را خراب کند، شاهنشاهی از کثیف ترین و ننگین ترین نمونه ارتجاع است».[۲][۳]

---

۱. اشاره به جسارت خسرو پرویز، پادشاه ساسانی.

۲. این فراز در زمان انتشار و توزیع پیام حذف گردید. آقای سید حمید روحانی سبب آن را چنین اظهار می‌دارد: خاطره تلخی که در رابطه با این پیام دارم، حذف فرازی والا و پر ارج در این پیام از طرف امام بود، هنوز پیام از زیر چاپ بیرون نیامده بود که امام، نگارنده را با فوریت به حضور فرا خواند و فرمود: چون احتمال دارد برای ناشرین اعلامیه در مراسم حج گرفتاری پیش بیاید و از طرف رژیم سلطنتی حجاز دستگیر شوند، مطلبی را که علیه اساس سلطنت و پادشاهی در این اعلامیه آورده ایم، به مصلحت نمی دانم چون ممکن است برای آنهایی که در رابطه با پخش این اعلامیه در حجاز دستگیر می‌شوند، خطر جانی به همراه داشته باشد و رژیم سعودی آنان را به اتهام قیام بر ضد «نظام ملکی» گردن بزند، از این رو، آن چند جمله ای راکه اساس سلطنت را نفی می‌کند حذف کنید. «نزدیک به این مضامین». نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۶۹۸.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۲ تا ۳۲۶.

▣ نامه

زمان: ۵ اسفند ۱۳۴۹/ ۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۹۰
مکان: نجف
موضوع: لزوم کوشش در تهذیب جامعه
مخاطب: علمای اعلام شیراز
مناسبت: رحلت آقای حکیم «از مراجع بزرگ تقلید»

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام شیراز ـ دامت برکاتهم

به عرض محترم عالی می‌رساند، صورت تلگرافی که در رحلت مرحوم آیت‌الله حکیم رحمة الله علیه فرموده بودید، اخیراً پس از گذشت چندین ماه واصل گردید و موجب تشکر شد. امید است در سایه عنایات و توجه حضرات علمای اعلام کثّرالله امثالهم ـ حوزه‌های علمیه هر چه بیشتر بتوانند در تهذیب جامعه، خصوصاً نسل جوان، قدمهای مؤثری بردارند و کوششهای ارزنده آنها نقشه‌های شومی که یکی پس از دیگری در دست اجراست خنثی نمایند. با کمال تأسف و تألم باید اعتراف کرد که اهل باطل در باطل خود متحد و متفق هستند، اهل حق در حق خود چنین نیستند؛ لکن نباید مأیوس شد بر اسلام و مسلمین، روزگارهای بسیار تاریک و مشکل گذشته و خداوند تبارک و تعالی به قدرت خود، بدخواهان را به جای خود نشانده. نغمه اخیر «سپاه دین» اساس روحانیت و استقلال آن را سخت تهدید می‌کند و بر ماست که با کمال جدیت با آن مبارزه کنیم و نگذاریم این ودیعه الهی در عهد ما پایمال هوسهای از خدا بیخبران شود. کوشش کنید در آگاه کردن ملت از نقشه‌های شوم دشمنان اسلام.

از خداوند تعالی سلامت و سعادت و توفیق حضرات اعلام را خواستار است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۳٤.

■ نامه

زمان:۵فروردین ۱۳۵۰/۲۷محرم ۱۳۹۱ مکان:نجف

موضوع:لزوم رفع اختلاف بین روحانیون مخاطب:یزدی،محمد

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ محمد یزدی دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل؛ سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. امید است ان شاءالله تعالی حوزه علمیه قم و سایر مؤمنین از ارشاد و هدایت جنابعالی برخوردار باشند. آنچه اخیراً مورد تأسف اینجانب است اختلافاتی است که نمی دانم با چه دستی در حوزه علمیه قم و بین اهل منبر بلکه محراب حادث شده است، و همین نحو بین اهل علم تهران و اهل منبر آنجا حادث شده است؛[۱] همان نحو اختلافی که بین علمای مسیحی در وقتی که ممالک آنها را می‌گرفتند حاصل شد.[۲] امروز که اصول احکام در دستبرد اجانب و نوکرهای آنهاست، به جای وحدت کلمه، این نحو تفرق و توهین بعضی از بعضی و تکفیر بعضی موجب کمال تأسف است، و کاشف از عدم رشد جامعه است. امثال جنابعالی کوشش کنید شاید موفق شوید آقایان را از این خواب گران بیدار کنید، قبل از اینکه همه چیز آنها به باد رفته باشد؛ اگر نرفته باشد. «و الی الله تعالی المشتکی».[۳] و السلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. اشاره به تفرقه ای که به تحریک رژیم، پس از انتشار کتاب شهید جاوید، تألیف آقای صالحی نجف آبادی، بین روحانیون پیش آمده بود.

۲. اشاره به حوادث مقارن انقراض امپراتوری بیزانس «روم شرقی» در ۱٤۹۲ م.

۳. به خدای بزرگ، شکایت می‌بریم.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲٤۱.

■ نامه

زمان:۲۸اردیبهشت ۲۲/۱۳۵۰ربیع‌الاول ۱۳۹۱[۱] مکان:نجف

موضوع:ضرورت مقابله بارواج فرهنگ استعماری مخاطب:طباطبایی،سیدصادق

۲۲ شهر ربیع الاول ۹۱ بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای طباطبایی ـ ایّده الله تعالی

مرقوم مورخ شش اردیبهشت پنجاه واصل، نظر اینجانب را درباره جلسه سالیانه گروه فارسی زبان در اروپا خواسته بودید. قبلاً لازم است از توجه نسل جوان تحصیلکرده به اموری که با دست خیانتکار عمال ارتجاع و استعمار، سالیان دراز مدفون بوده تقدیر کنم. امید است ان شاءالله تعالی این وسمه عار[۲] که بر جبین غربزدگان در طول مدت تبلیغات کلیسا نقش بسته است زدوده شود.

اینجانب با آنکه دوران نقاهت پیری را می‌گذرانم و امیدهایی که داشتم به هیچ یک به طور دلخواه نایل نشدم، لکن از نهضتی که در سالهای اخیر به تأیید خداوند متعال بپا شد و موجب نزدیکی قشرهای تحصیلکرده با علمای دین شد، امید واثق دارم که این نور به خاموشی نگراید و هر روز شکافهایی که به دست خائنان سوداگر غرب و شرق برای استعمار ملل اسلام حاصل شده است، با جنبش دنیایی و همه جانبه طبقات تحصیلکرده اعم از روحانی و دانشگاهی از بین برود و با اطلاع از دردها و نابسامانیها به علاج و سازندگی بپردازند.

آنچه می‌توان گفت ام الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سالهای بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۱۶۱ تاریخ نامه ۶ اردیبهشت و درکتاب هفت هزار روز، ۲۶ اردیبهشت درج شده است. ولی به استناد تاریخ مندرج در دستخط، ۲۸ اردیبهشت صحیح است.

۲. لکه ننگ.

کارمند و کارفرمای استعمارزده حاصل نمی شود. باید کوشش کنید مفاسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملتها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده، به جای آن فرهنگ اسلامی انسانی را جایگزین کنید تا نسلهای آینده با روش آنکه انسان سازی و عدلپروری است، تربیت شوند.

باید کوشش کنید تا طرز حکومت اسلام و رفتار حکام اسلامی را با ملتهای مسلمان به اطلاع دنیا برسانید تا زمینه فراهم شود که حکومت عدل و انصاف به جای این حکومتهای استعمارزده که اساس آن بر ظلم و چپاولی است، برقرار شود. اگر قشرهای جوان از هر طبقه که هستند ماهیت حکومت اسلام را که با کمال تأسف جز چند سالی در زمان پیغمبر اسلام ـ صلی الله علیه و آله ـ و در حکومت بسیار کوتاه امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ جریان نداشت، بفهمند، اساس حکومتهای ظالمانه استعماری و مکتبهای منحرف کمونیستی و غیره، خود به خود برچیده می‌شود. این کاخهای مجلل آسمانخراش و آن کامجوییهای رویایی سلاطین جور و حکومتهای باطل که با دسترنج ملتها فراهم شده است، مردم را به سوی حزبهای منحرف‌کشاند. اگر حکومت اسلام که رئیسش با رعیت یکسان و دارالحکومه اش مسجد روی خاکهای گرم و سلطانش با کفش و جامه کهنه حکومت می‌کند و ملت در پناه آن با آرامش و در سایه عدل زندگانی می‌کند، روی کار آید، اساس انحرافات چپ و راستی بر باد می‌رود.

باید کوشش کنید آنچه را از دست داده‌اید در طول مدت حکومتهای دست‌نشانده که مهمتر از همه استقلال روحی است که لازمه اش احساس حقارت در مقابل حکومتهای جور است، باز یابید. لازم است حوادثی که در ممالک اسلامی با دست عمال استعمار می‌گذرد بررسی دقیق کنید و بعد از تجزیه و تحلیل، ملتها را از نتایج فاسده آنها مطلع نمایید. باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهایی که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است، بررسی دقیق کنید؛ نظیر

حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل. لازم است از اختلافات داخلی که به نظر می‌رسد اکثرش با دست سازمانهای خیانتکار ایجاد می‌شود تا با خیال راحت به زندگانی کثیف ظالمانه خود ادامه دهند، جداً احتراز کنید و کسانی که به این نحو اختلافات دامن می‌زنند تقبیح کنید. باید فداکاری کنید در ارجاع مجد و عظمت اسلام که مهمش عظمت معنوی آن است تا در پناه حکومت عدل الهی همه طبقات در رفاه و آسایش زندگی کنند.

از خداوند متعال توفیق و تأیید آقایان محترم را در خدمت به اسلام و مسلمین خواستار است. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۲۱آبان ۲۳/۱۳۵۰رمضان ۱۳۹۱ **مکان:** نجف
موضوع: برآمدن نغمه استعمار از حلقوم سرسپردگان **مناسبت:** تصمیم رژیم بر تشکیل سپاه دین
مخاطب: ملت ایران

بسمه تعالی

خدمت عموم طبقات ملت محترم ایران ـ ایّدهم الله تعالی

پس از اهدای سلام و تحیات؛ کراراً تذکر داده ام که تنها چیزی که می‌تواند سد راه اجانب و دول استعمارگر باشد و نگذارد سلطه بر ذخایر ممالک اسلامی پیدا کنند اسلام و علمای جلیل اسلام است؛ و این حقیقتی است که در طول تاریخ برای دول استعمارگر ثابت شده است. از نخست وزیر اسبق خبیث دولت استعمارگر انگلستان نقل شده است که: «تا قرآن بین مسلمین است ما نمی توانیم در مقاصد خود پیشرفت کنیم». هدف اصلی دولتهای استعمارگر محو قرآن، اسلام و علمای اسلام است؛ و

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۴۵ تا ۳۴۷.

برای وصول به اهداف استعماری خود هر چند، نغمه ای را به وسیله عمال خبیث خود آغاز می‌کنند و چهره ضد اسلامی و ضد ملی آنها را ظاهرتر می‌سازند؛ چنانکه اخیراً نغمه «سپاه دین» را از حلقوم کثیف یکی از عمال سرسپرده خود آغاز کرده اند.

نغمه «سپاه دین» در شرایطی ساز می‌شود که دستگاه جبار هر روز ضربه‌های پیگیری به پیکره اسلام وارد می‌کند، و دست جنایتکار اسرائیل را در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران باز گذاشته است. بسیاری از علمای اعلام، خطبای عظام، محصلین علوم اسلامی و ملت شریف ایران در زندان، تبعید و تحت شکنجه به سر می‌برند، و جوانان غیور وطنخواه، اعدام و تیرباران می‌شوند و یا مقدمات محاکمه و اعدام آنها فراهم می‌شود.

اینجانب به ملت محترم ایران اعلام خطر می‌کنم که اگر خدای نخواسته، ایادی اجانب و دشمنان اسلام در این مقصد شوم و کمرشکن توفیق پیدا کنند، اولاً علمای اعلام و وعاظ و مروجین اسلام را کنار زده، و ثانیاً اسلام و احکام آسمانی آن را محو و نابود می‌نمایند. خطر این سپاه نامیمون که باید در خدمت استعمار، جمیع حقایق اسلام را به نفع آنها توجیه و تأویل کند، بزرگترین خطری است که مسلمین و در رأس آنها علمای اعلام با آن مواجه شده‌اند. آنها در تجربه‌های طولانی خود فهمیدند که علمای معظم اسلام و وعاظ محترم با مجاهدات پیگیر خود ملتها را به نفع اسلام و قرآن سوق داده هیچ گاه با تهدید و تطمیع به نفع دستگاه جبار و اجانب چپاولگر قدمی برنداشته اند، و با کمال قدرت پستهای خود را حفظ کرده و مساجد و مجامع را در خدمت قرآن کریم و اسلام عزیز در دست دارند؛ و اگر چند نفر معمم بی حیثیت و از خدا بیخبر به نفع دستگاه جبار قدمی بردارد، مطرود جامعه علمیه و جوامع اسلامی است. لهذا این نقشه خطرناک راکشیده اند تا به خیال باطل خود دست علمای اعلام و مبلغین راکوتاه کرده و اسلام را به وسیله عمال خود بازیچه قرار دهند و اساس دیانت را برچینند تا به مقصد خود که قبضه کردن تمام ذخایر کشور است برسند، و ملت

مسلم را عقب مانده و استعمارزده نگه دارند.

باید ملت اسلام بدانند خدمتهایی که علمای دین به کشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده اند قابل شمارش نیست. در همین اعصار اخیر، نجات کشور از سقوط قطعی مرهون مرجع وقت «مرحوم میرزای شیرازی»[۱] و همت علمای مرکز بود. حوزه‌های علمیه و علمای اعلام همیشه حافظ استقلال و تمامیت ممالک اسلامی بوده اند. خدمتهایی را که با الهام از اسلام برای آرامش و حفظ انتظامات کشورها کرده‌اند عشری از اعشار[۲] آن را دولتها و قوای انتظامی نکردند؛ با آنکه هیچ تحمیلی بر بودجه مملکت نداشته اند. در نظر اجانب و عمال خائن آنها باید این سنگر شکسته شود تا با خیال راحت به تاخت و تاز و چپاول و عیاشی به زندگانی ننگین خود ادامه دهند.

اینک بر مسلمین غیور و خصوص نسل جوان روشنفکر است که با کمال جدیت از این نغمه ناموزون خانمانسوز اظهار تنفر کنند، و مساجد و محافل دینی را هرچه بیشتر گرم کنند، و علاقه خود را به اسلام و علمای اعلام و وعاظ و خطبای محترم دامت برکاتهم بیش از پیش ابراز نمایند، و با این اظهار علاقه مشتی محکم به دهان عمال استعمار خذلهم الله[۳] بکوبند.

بر کافه علمای اعلام و وعاظ محترم است که اگر گلایه‌هایی از هم دارند، نادیده گرفته و خود را مجهز نموده صفوف خود را فشرده تر کرده و در صف واحد در این امر حیاتی چاره جویی کنند. و بر آنان و سایر دانشمندان و علاقه مندان به اسلام و استقلال کشور است که ملت مسلمان، خصوصاً ساکنین قراء و قصبات را از این فکر

---

۱. میرزا محمد حسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی بزرگ (اول)، مرجع اعظم عصر خود و از علمای عالیقدر امامیه بود که فرمان او در تحریم استعمال تنباکو در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار معروف است.

۲. یک دهم از یک دهمها.

۳. خداوند خوارشان دارد.

شیطانی که با نام فریبنده «سپاه دین» می‌خواهند دین و استقلال کشور را پایمال کنند، آگاه سازند و با هر وسیله ممکن مفاسد این نغمه شوم را به مردم برسانند.

اینجانب از نسل جوان اهل علم و منبری تقاضا دارم به طبقه بزرگان و علما احترام شایسته نمایند، و از حضرات اعلام تقاضا دارم که با نسل جوان با مهر و عطوفت رفتار فرمایند. رجای واثق است که با خواست خداوند متعال، عمال خبیث اجانب در این امر نیز مثل سایر کارهای ضد اسلامی و ضد انسانی در پیشگاه ملت با شرافت ایران ـ ایّدهم الله تعالی ـ مفتضح تر شوند. خداوند تعالی حافظ دین و حوزه های دینی است : ﴿انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون﴾.[۱] از خداوند متعال قطع ایادی استعمار و عامل خائن آن را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پاسخ استفتا

زمان: ۲۶آبان ۱۳۵۰/۲۸رمضان ۱۳۹۱ مکان: نجف

موضوع: اجازه صرف وجوه شرعیه برای خانواده زندانیان سیاسی

[محضر مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی ـ دام جهاده ـ بعد عرض التحیة والسلام؛ با توجه به فتاوی حضرت آیت‌الله در رسالهٔ شریفه توضیح‌المسائل در ابواب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، و با توجه به بیانات آن حضرت در موارد عدیده راجع به وظیفه شرعی و عرفی همگان، از محضر مبارک استفتاء می‌شود که آیا می‌توان از وجوه شرعیه برای کمک به مخارج خانواده زندانیان سیاسی استفاده کرد یا خیر؟ و در صورت اجازه، وجوه شرعیه مذکور در کدام صنف از اصناف قرار خواهند داشت، و حدود این اجازه تا چه میزان است؟ والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین.]

---

۱. سوره حجر، آیه ۹: «ما قرآن را نازل کردیم و ما هم محققاً آن را نگاه خواهیم داشت».

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۹٦ تا ۳۹۸.

بسم الله الرحمن الرحیم

اشخاصی که به حسب وظیفه شرعیه الهیه و برای حفظ اسلام و احکام مقدسه آن و صیانت کشورهای اسلامی از سلطه اجانب ـ خذلهم الله تعالی ـ قیام به امر به معروف و نهی از منکر با شرایط مقرره آن نموده اند و برای آنها در این انجام وظیفه گرفتاری از قبیل حبس یا قتل پیش آمده است و خانواده آنها محتاج به کمک و سرپرستی هستند، مؤمنین از هر طبقه موظفند که باکمال حفظ احترام آنها به کمک و پشتیبانی آنها قیام کنند، و حاضر نشوند به خانواده برادران غیرتمند خود سخت بگذرد. و مجازند تا ثلث از سهم مبارک امام علیه السلام را در این مورد صرف کنند.

از خداوند تعالی قطع ایادی اجانب و عمال خائن آنها را خواستار است؛ و توفیق مؤمنین را در خدمت به اسلام و مسلمین مسئلت می‌نماید. انه ولی النعم.

تاریخ ۲۸ شهر رمضان المبارک ۱۳۹۱ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۷ مرداد ۲۸/۱۳۵۱ جمادی الثانی ۱۳۹۲[۲] مکان: نجف

موضوع: ضرورت تلاش برای پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام مخاطب: دانشجویان مسلمان مقیم امریکا و کانادا

۲۸ ج ۲ ۹۲ بسمه تعالی

خدمت دانشجویان مسلمان مقیم امریکا و کانادا ـ ایّدهم الله تعالی ـ مرقوم محترم شما واصل شد. مجاهدات و کوششهای خستگی ناپذیر شما جوانان روشن ضمیر مسلمان در راه درک صحیح اسلام و شناسایی حقیقت قرآن کریم، موجب

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۹۹.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۱۸۵ و (دوره جدید)، ج ۱، ص ۳۲۸ ذیل تاریخ ۵۱/٤/۲۲ درج شده است. اما تاریخ مندرج در نسخه خطی ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۹۲ «۵۱/۵/۱۷» می‌باشد.

امیدواری و خرسندی مسلمانان بیدار است. اینجانب، با قدردانی از روح اسلامی و حقیقت جویی شما جوانان غیور باایمان، لازم است متذکر شوم که در پیمودن این راه مقدس، بسی با مشکلات و خطرات مواجه هستید و دستهای مرموز دشمنان اسلام از هر طرف جهت بازداشتن شما از نیل به مقصد کوشش خواهند کرد.

عوامل و ایادی استعمار که می‌دانند با آشنایی ملتها بخصوص نسل جوان تحصیلکرده به اصول مقدسه اسلام، سقوط و نابودی استعمارگران و قطع دست آنان از منافع ملتها و کشورهای استعمار شده قطعی خواهد بود، به کارشکنی پرداخته و می‌کوشند که با سمپاشیها و مشوب ساختن اذهان و افکار جوانان، از جلوه گر شدن چهره تابناک اسلام جلوگیری نمایند و با عناوین فریبنده و مکتبهای رنگارنگ، جوانان ما را منحرف سازند. بر شما جوانان مسلمان لازم است که در تحقیق و بررسی حقایق اسلام در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره، اصالتهای اسلامی را در نظر گرفته و امتیازاتی که اسلام را از همه مکاتب دیگر جدا می‌سازد فراموش نکنید. مبادا قرآن مقدس و آیین نجاتبخش اسلام را با مکتبهای غلط و منحرف کننده ای که از فکر بشر تراوش کرده است خلط نمایید.

باید توجه داشته باشید تا روزی که ملت اسلام پایبند این مکتبهای استعماری می باشد یا قوانین الهی را با آن مقایسه می‌کند و در کنار هم قرار می‌دهد، روی آسایش و آزادی نخواهند دید. و این مکتبهایی که از چپ و راست به ملت اسلام عرضه می‌شود فقط برای گمراهی و انحراف آنان است و می‌خواهند مسلمانان را برای همیشه خوار و ذلیل و عقب مانده و اسیر نگه دارند و از تعالیم آزادیبخش قرآن کریم دور سازند. استعمار چپ و راست، دست به دست هم داده برای نابودی ملت اسلام و کشورهای اسلامی کوشش می‌کنند، و در راه اسیر کردن بیشتر ملتهای مسلمان و غارت سرمایه سرشار و منابع طبیعی آنان با یکدیگر سازش کرده اند.

اسرائیل با تبانی و همفکری دولتهای استعماری غرب و شرق زاییده شد و

برای سرکوبی و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد؛ و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می‌شود. انگلیس و امریکا با تقویت نظامی و سیاسی و باگذاشتن اسلحه‌های مرگبار در اختیار اسرائیل، آن را به تجاوزات پی درپی علیه اعراب و مسلمین و ادامه اشغال فلسطین و دیگر سرزمینهای اسلامی تحریص و وادار می‌سازند؛ و شوروی با جلوگیری از مجهز شدن مسلمانان و با فریب و خیانت و سیاست سازشکارانه، موجودیت اسرائیل را تضمین می‌نماید. اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم امریکا و مقهور اراده سازشکارانه و نیرنگ بازیهای شیطانی شوروی واقع نمی شدند.

دوری دول اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه نکبت بار مواجه ساخته و سرنوشت ملتهای مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکارانه استعمار چپ و راست قرار داده است.

بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید لازم می‌باشد که ملتها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمانسوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مهذب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده‌تر سازید؛ هرچه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید. از برملاکردن نقشه‌های دستگاه جبار ایران علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنجدیده و مسلمان ایران را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید. به وحشیگریها، آدمکشیها، قانون شکنیها و دیگر جنایاتی که پیوسته در ایران جریان دارد اعتراض نمایید. باشد

که به یاری خداوند، موجبات استقلال و آزادی ملت اسلام و دفع ظلم دستگاههای جبار و نوکران استعمار فراهم آید، و خطراتی که امروز متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد برطرف گردد. سلام مرا به همه کسانی که برای اسلام و در راه اسلام تلاش می‌کنند ابلاغ نمایید. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۰شهریور ۱۳۵۱/ ۲شعبان ۱۳۹۲[۲] مکان:نجف
موضوع: تشریح فجایع وستمکاریهای رژیم
مناسبت: اعزام طلاب وروحانیون به سربازی
مخاطب: ملت وعلماوروحانیون ایران

بسمه تعالی

خدمت عموم ملت محترم ایران و خصوص حضرات روحانیون و فضلا و محصلین حوزه‌های علمیه ـ ایّدهم الله تعالی ـ

پس از سلام و تحیات وافره؛[۳] گرفتاریهای ملت محترم ایران و خصوص طبقه جوان روحانی و دانشگاهی در چنگال رژیم غیرقانونی و سرسپرده ایران موجب کمال تأسف است. سربازی بردن علما و روحانیون به جرم اظهار تأثر از رفتار غیرقانونی و غیرشرعی دستگاه جبار و ابراز تنفر از زجرها، شکنجه ها، اعدامها، تبعیدها و حبسهای بدون مجوز قانونی و شرعی، انتقامی است که رژیم دست نشانده استعمار از اسلام و هواداران آن می‌گیرد.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٣٧ تا ٤٣٩.

۲. در صحیفه نور (دوره جدید)، ج۱، ص ۳۳۲ و نهضت روحانیون ایران، ج ٦، ص ٨٤، تاریخ پیام ۲۰ مرداد ۱۳۵۱ درج شده است.

۳. درودهای فراوان.

شما باید به سربازخانه‌ها بروید، مدارس دینی باید هتک شود، و حبس و تبعید و اعدام به مجرد اتهام باید واقع گردد تا راه برای اجانب چپ و راست و اذناب آنها از قبیل اسرائیل هر چه بیشتر باز شود. به اسم پرهیاهو و جار و جنجال «انقلاب سفید»، که در طلیعه آن قتل عام ۱۵ خرداد واقع شد، باید ملت ایران عقب مانده، و فرهنگ قرآن و اسلام مهجور، و قوانین نقض شود و فساد و فحشا تا اعماق این ماتمسرا که اسمش ایران است کشیده شود تا استعمار نو با خیال راحت به چپاولگری خود ادامه دهد، و عمال بی حیثیت آن بر سر این گورستان به عیش و عشرت و جمع ثروت پایکوبی کنند. باید با راه انداختن سر و صدای کشور مترقی و در بوق و کرنا کردن آن، این کشور بی صاحب به عقب رانده شود، و از ضروریات و اولیات یک کشور در حال رشد محروم باشد. باید ملت ایران به اسم ترقی و پیشرفت، از آب و برق و طبیب و دارو و حتی به اعتراف روزنامه‌های وابسته به دستگاه بسیاری، از نان و هزینه اولیه زندگی محروم باشند و اگر نفسی بکشند با سرنیزه صدای آنها را در گلو خفه کنند تا مخازن نفت و سایر معادن ما غارت گردد و برای ملت ایران جز ذلت و خواری و حبس و زجر نباشد.

باید به اسم «مأموریت برای وطنم»، این وطن به حال خرابی و عقب افتادگی باقی باشد و اسلام که تنها پناهگاه این ملت و سد راه اجانب است شکسته شود. گویی مأمور است که طبقه جوان روشن را چه روحانی و چه دانشگاهی سرکوب کند؛ مأمور است که مدارس دینی را هتک و علمای اسلام را حبس و زجر کند؛ مأمور است مقدسات کشور را به دست اسرائیل و مربیان آن بدهد؛ مأمور است که سرمایه گذاران خارجی را به باقیمانده ثروت کشور مسلط کند؛ مأمور است که موجبات فحشا را با هر صورت اشاعه دهد و هتک نوامیس قرآن کند؛ مأمور است که مستشاران خارجی و کارمندان آنان را مصونیت دهد و از ملت و روحانیون و دانشمندان و دانشجویان سلب مصونیت نماید؛ مأمور است که به اسم اسلام این چراغ هدایت را خاموش کند؛

مأمور است که فرهنگ استعمار نو را تا آخرین نقاط دور افتاده کشور برساند، و اسلام و فرهنگ اسلام راکنار زند؛ و مأموریتهای دیگری که اگر خدای نخواسته فرصت پیدا کند، اجرا نماید.

شما ای ملت ایران! ای مسلمانان پاک طینت! به احکام نورانی قرآن کریم بیش از پیش گرایش کنید، و دست اتفاق و برادری به هم دهید، و از اختلافات دست بردارید، و برای قرآن کریم و اسلام عزیز فکری کنید. تعلیمات اسلام را نصب العین قرار دهید. مساجد و محافل دینیه را، که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید، و با این استعمارزدگان بی عاطفه با روی قهرآمیز و چهره متنفر روبه رو شوید، و از احکام خلاف عدل و انصاف آنها هر قدر می‌توانید تخلف کنید. برادران خود را تواصی به حق و تواصی به صبر کنید، و احکام اسلام و کیفیت حکومت اسلامی را تحقیق و نصب العین خود قرار دهید، و ناآگاهان را آگاه نمایید. باشد که خداوند قهار اساس این ظلم را برچیند.

شما ای محصلین علوم دینیه! ای فضلا و روحانیون حوزه‌های مقدسه بخصوص حوزه مقدسه قم! از این اهانتها و آزارها نهراسید. شما که امروز پاسداران اسلام و قرآنید وظیفه دارید این سنگر مهم را که آماج تیر اجانب و عمال آنهاست، حفظ نمایید و با کمال دلگرمی و اتکال به خداوند متعال و استمداد از ارواح مقدسه صاحبان شریعت و حفاظ قرآن، به کار خود که تحصیل فقه اسلام، تهذیب اخلاق، تنویر افکار و هدایت ملت ستمدیده است، ادامه دهید که خدای متعال با شماست.

شما ای سربازان غیور ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه- که به سربازخانه کشیده شده اید! با کمال شجاعت تعلیمات نظامی را تحکیم کنید؛ باشد که چون حضرت موسی (ع) که در آغوش فرعون بزرگ شد و اساس ظلم و جور او را در هم پیچید، شما هم روز مناسبی تحت دستور مقام صالحی بتوانید این دستهای خبیث را قطع، و این ریشه‌های فساد و ظلم را از بیخ و بن برآورید.

من مصایب و فجایعی را که از طرف دستگاه جبار هر روز بر این کشور بلازده و ملت ستمدیده وارد می‌آید به عموم مسلمانان تسلیت می‌گویم. خداوند متعال قطع ید اجانب را از بلاد مسلمین و خصوص ایران بفرماید، و توفیق سعادت به ملت اسلام عنایت فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۳۰ آذر ۱۳۵۱/۱۴ ذی‌القعده ۱۳۹۲ مکان: نجف

موضوع: بیان توطئه رژیم شاه در تخریب مبانی اسلام

مخاطب: شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه)، محمدمهدی پاکستان

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم مورخ چهار ذی القعده واصل، از کسالت جنابعالی متأثرم. امید است ان شاءالله تعالی بزودی مرتفع شده و سلامت مزاج شریف عود کند. اینجانب از سلامت ظاهری برخوردار ولی از کسالتها و ناراحتیهای روحی داخل حوزه و خارج بسیار در زحمت هستم.

اخیراً در ایران طرحهایی در دست تصویب است که با اجرای آن همه چیز روحانیت اگر چیزی مانده باشد به باد می‌رود؛ مثل تصویب نظارت اوقاف به جمیع شئون روحانیت، مساجد و منابر، تکایا و غیرها؛ بلکه تعیین مرجع و رئیس حوزه ها.

از ایران به اینجانب مکاتباتی و مراجعاتی شده است ولی با تفرق و تشتت کلمه چه می‌توانم بکنم؟ از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستارم. راجع به وجوهی که مرحمت نموده اید در لاهور، و شهریه ای که قرار داده‌اید، مرقوم دارید به چه نحو به جنابعالی برسانم. توقع کمکهای زیاد که آنها دارند، با وضع فعلی نجف و

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۵۰ تا ۴۵۲.

قطع روابط و اشکالات کثیره که برای خصوص اینجانب در کار است، عجالتاً نمی‌شود انجاز کرد. لکن اگر وجوهی در محل هست و محتاج به اجازه اینجانب است مرقوم دارند تا اجازه دهم؛ مانع ندارد پس از تصدیق جنابعالی به مفید بودن مدرسه. در حاشیه مرقومه چنین مرقوم شده : «راجع به بیست تومان، اطلاع داده نشده که طلبیده شده یا نه»، مطلب را متوجه نشدم. شاید در مرقومات سابقه ذکر شده است . آنها هم عجالتاً در دسترس نیست. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۴ ذی القعده ۹۲

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان:؟ مکان:نجف

موضوع: پاسخ نامه درمورد وجوه شرعیه وبیان موضع گیری ناصواب برخی از علما

مخاطب: پسندیده، سید مرتضی

بسمه تعالی

به عرض حضور مبارک می‌رساند، مرقومات مبارکه شما زیارت، سلامت و سعادت حضرتعالی را خواهانم. حضرتعالی برای این نحو اعمال بعضی علما ناراحت نباشید. اینجانب در طول این مدت خصوصاً وقتی قم بودم بسیار گرفتاری از دست بعضی و نفهمی بعضی داشتم ولی بی اهمیت تلقی کردم یا با زحمات آنها را وادار به بعضی اقدامات نمودم؛ در هر صورت مهم نیست مردم و طبقه جوان مدارس خودمان و دانشگاهها، خصوصاً قشر خارج از کشور که مطالب را بهتر از ما می‌فهمند به کار واداشته شده اند به طوری که هر جا سرِ ...[2] درآید با تظاهرات رو به روشود.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. در نسخه اصل نیز به همین صورت «نقطه چین» آمده که حاکی از ادب نگارنده است .

حضرتعالی منتظر آن باشید که بعض آنها تأیید لفظی هم بیش از آنکه نموده‌اند صریحاً بکنند.[۱] من متأسفم که آبروی روحانیت با دست خودشان می‌ریزد و نخواهند فهمید یا نمی‌خواهند بفهمند؛ ﴿و الله من ورائهم محیط﴾.[۲]

به آقای شیرازی مرقوم فرمایید سهم سادات را از قِبَل من قبول کنند و بدهند به طلاب. قبوضی راکه نوشته بودید آقای رضوانی گفته همین روزها فرستاده ام. آقایان قمی‌ها امور و مطالبی گفتند و سوءنظرهایی نسبت به بعضی داشتند لکن اینجانب آنها را توصیه نمودم که حفظ ظواهر بشود. اگر امکان داشته باشد با وسایلی آقای حاج سید احمد[۳] را از سفر اینجا منصرف کنید. اشتهار به اینکه برای مقاصد سوئی می‌آید یا آنکه ان شاءالله دروغ است. لکن همین آبروی خود ایشان و جامعه ما را می‌برد. من با وسایلی تشبث کردم برای انصراف او، لکن شما نزدیک هستید ممکن است بعض دوستان ایشان را وادار کنید جداً جلو بگیرند. راجع به مطالبی که من در قانون اساسی گفتم ابهامی نداشت. مغرضین و مربوطین با دستگاه خود را به نفهمی زده اند و الّا تصریح به مقصود است. بعضی نوشته‌اند اشخاصی خدمت حضرتعالی می‌رسند و از بعض آقایان تکذیب می‌کنند، حضرتعالی جداً آنها را منع کنید و نگذارید خلاف توسعه پیدا کند. راجع به طبع و ترجمه تحریر، من اجازه می‌دهم، لکن ایشان عجالتاً در تبعید هستند. چهل هزار را می‌فرستم برای آقای سمیعی ولی من از خودم نمی‌دهم، آنچه داده‌اند در حساب سهم وارد کنید.[٤]

---

۱. اشاره دردمندانه به حمایتهای ضمنی و آشکار برخی از بزرگان حوزه از شاه.

۲. سوره بروج، آیه ۲۰.

۳. آقای خوانساری.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٧٨ تا ٤٧٩.

▣ پیام

زمان: ۲۳اسفند ۱۳۵۱/ ۸صفر ۱۳۹۳[1] مکان: نجف
موضوع: نقشه‌های هیأت حاکمه برای محو اسلام و قرآن مخاطب: علما و وعاظ و امت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات علمای اعلام، خطبای محترم و ملت بزرگ ایران ـ ایّدهم الله تعالی

پس از سلام و تحیات، ما در عصر حاضر با ضربات سنگین و روزافزون وارده بر اسلام و گرفتاریها و نابسامانیهای بیش از پیش ملتهای اسلامی مواجه هستیم. از طرفی قضیه فلسطین و مسجد اقصی و آوارگی مردم بی گناه آن سرزمین و پشتیبانی دول بزرگ استعماری از یهود اشغالگر، که با دوام این جرثومه فساد خطر بزرگی خدای نخواسته برای عموم کشورهای اسلامی و خصوص دول عربی در پیش است، و از طرف دیگر اسارت ملت ایران در چنگال عمال استعمار و نوکرهای آن، جامعه اسلامی را با فشارها و گرفتاریهای شدید و همه جانبه ای دست به گریبان ساخته است. برای محو اساس قرآن کریم و تعالیم رهایی بخش اسلام، نقشه‌هایی از طرف استعمارگران در کار است که در هر زمان به نحوی در دست اجرا قرار می‌گیرد.

آن روز که رضا خان با دستیاری اجانب روی کار آمد، مأموریت یافت که با سرنیزه و قلدری تمام، مراسم اسلامی را تعطیل کرده، احکام نورانی قرآن و آثار رسالت را محو و نابود سازد؛ ولی از آنجا که دیدند با سرنیزه نمی توان مردم را از اسلام و مبانی قرآن دور ساخت و به اغراض شوم و غارتگرانه خود دست یافت، تغییر نقشه داده با طرحهای استعماری جدید و با تظاهر به اسلام، در مقام محو اساس قرآن و اسارت ملتهای مسلمان و شکستن سد عظیم روحانیت برآمدند، و با نغمه‌هایی فریبنده به اسم «سپاه دین» و غیره می‌خواهند این سد عظیم را درهم

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ج ۱، ص ۲۰۰، تاریخ این پیام فروردین ۱۳۵۲ درج شده است. تاریخ ۸ صفر ۱۳۹۳ (مطابق با ۱۳۵۱/۱۲/۲۳) صحیح است.

شکسته به مقاصد پلید خود دست یابند.

و امروز نقشه‌های وسیعتر و دامنه دارتری در جریان است که چهره واقعی مأمورین استعمار و کیفیت مأموریت آنان را می‌نمایاند؛ نقشه‌هایی که با اجرای آن می‌خواهند سنگرهای مخالف با استعمار را در هم کوبیده به سنگرهایی در خدمت استعمار و صهیونیسم و عمال آنان مبدل سازند، علمای اعلام، خطبای محترم، خدمتگزاران به اسلام را عقب زده، معممین ساختگی و مأمورین سازمانهای فاسد را به جای آنان به محراب و منبر اسلام و رسول معظم ـ صلی الله علیه و آله ـ برسانند و به جای بیان احکام قرآن و حقایق اسلام، بلندگوهایی برای اجرای مقاصد شوم ضد اسلامی دستگاه خودفروخته و دست نشانده درست کنند؛ نقشه‌هایی که با اجرای آن می‌خواهند به گمان فاسد خود تمام مراجع بزرگ، علمای اعلام و خطبای محترم را به صورت کارمند دولت، آن هم کارمندانی بسیار خفیف و بی ارزش درآورند و تمام حیثیات اسلام و روحانیت را در هم شکسته راه را برای استعمارگران هر چه بیشتر باز نمایند؛ و بالأخره نقشه‌هایی که با اجرای آن می‌خواهند به جای این سد بزرگ مخالف با ظلم و استبداد، سدی در خدمت ظلمه و مستبدین بناکنند. و اینک چنانکه کراراً خبر رسیده، در راه اجرای این نقشه‌های استعماری خطرناک دست به کار شده اند که مساجد، تکایا، مدارس و دیگر مراکز اسلامی و شئون روحانیت را تحت نظارت سازمان ضد اسلامی اوقاف قرار داده علما، وعاظ و ائمه جماعت را مجری اغراض نامشروع دستگاه جبار و عمال کثیف استعمار سازند و یا به کناره گیری، انزوا و تسلیم سنگرهای اسلام به مخالفین و عمال اجانب وادارند.

اینها ثمره شوم انقلاب خونین و استعماری است که با تبلیغات و عوامفریبیها می خواهند آن را به انقلاب سفید ملقب سازند و آن را انقلاب شاه و ملت بنامند. و در این دهه سیاهی که گذشت جز فقر و ذلت و اختناق، قتلهای دسته جمعی، تیربارانها و اعدامهای غیر قانونی و انباشتن زندانها از علما، روحانیون و جوانان ملت اسلام

چیزی عاید مردم ستمدیده ایران نگردیده. هتک مقدسات اسلام، کشتن علما و مردم مسلمان در زیر شکنجه، هجوم به مدرسه فیضیه و دانشگاهها و کشتار فجیع ۱۵ خرداد که «به طور معروف» پانزده هزار قربانی داشت، از ثمرات دیگر این انقلاب ننگین است. مصونیت بخشیدن به نظامیان امریکایی و بستگان آنها، خرد کردن حیثیت کشور و بر باد دادن استقلال قضایی و مسلط ساختن غارتگران امریکا و صهیونیسم بر کلیه شئون نظامی، سیاسی، تجاری، صنعتی، زراعی و بازارها از دیگر نتایج شوم این انقلاب پرافتخار دستگاه جبار می‌باشد که آنهمه جشنها، پایکوبیها و تبلیغات پر سر و صدا به راه انداخته مبالغ هنگفتی از دسترنج مردم محروم و گرسنه را صرف این جشنهای ننگین کرده است. و اکنون نیز خواب تازه ای برای ملت ایران دیده و با خرید اسلحه و مهمات سرسام آور از امریکا به مبلغ دو میلیارد دلار که حدود صد و پنجاه هزار میلیون ریال می‌باشد ملت ایران را به خطر نابودی و سقوط اقتصادی تهدید می‌کند؛ و با کمال وقاحت اعلام داشته که کسری بودجه کشور در امر پرداخت آن، از طریق وامهای خارجی و افزایش مالیاتها تأمین می‌گردد! من نمی دانم منظور از خریدن این همه اسلحه برای بیرون راندن اربابان و استعمارگرانی است که خود رژیم، دست نشانده آنها بوده و ایران را به صورت پایگاه نظامی آنان در آورده و دست آنها را بر تمام شئون نظامی، سیاسی، اقتصادی کشور باز گذاشته است یا در حقیقت در راه اجرای نقشه‌های غارتگرانه امریکاست که بر اثر ضعف بودجه اقتصادی و تغییر سیاست مبنی بر نابودی ملل به وسیله نیرو و ثروت خود آنان،خواهد پایگاه خود را در ایران مستحکمتر کرده ملت بی‌پناه ایران و دیگر ملل آزادیخواه منطقه را که علیه اشغالگران فلسطین و دیگر اجانب غارتگر مبارزه کنند، سرکوب سازد؟

و اکنون ملت محروم ایران که بسیارشان از لوازم اولیه زندگی محروم بوده، و بنا به نوشته بعض از روزنامه‌های وابسته به دستگاه، فقط در تهران یک میلیون نفر

فاقد برق و آب و بهداشت و دیگر ضروریات اولیه زندگی می‌باشند، ملتی که بسیارشان از فقر و تهیدستی نمی توانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و اطفال معصوم را از گرسنگی به چرا می‌برند و یا سر راهها به امید خدا رها می‌سازند، ملتی که بسیارشان برای مراجعه به دکتر و خریدن دارو تمکن مالی ندارند و از بی دکتری و بی دارویی تلف می‌شوند، و بنا به نوشته بعضی از روزنامه‌های ایران، در بسیاری از شهرستانهای ایران و استانداریهای بزرگ برای هر ۳۵ هزار نفر فقط یک دکتر وجود دارد، ملتی که در همین سال گذشته از قحطی و گرسنگی، خانه و کاشانه خود را رها ساخته برای به دست آوردن لقمه نان به هر سو آواره شدند، باید چنین مبلغ سرسام آوری از بودجه کشور آنها صرف همچو امر سفیهانه ای شود! و تازه این معامله کمرشکن دو میلیارد دلاری غیر از معامله اسلحه ای است که اخیراً با انگلیس استعمارگر و تجاوزکار انجام داده، و آنهمه اسلحه و مهمات خریداری کرده. من بیم آن دارم که این انحرافات و اعمال سفیهانه اثر عارضه ای باشد که بعضی سلاطین سفاک در اواخر عمر به آن مبتلا می‌شدند و ملت را به خاک و خون می‌کشیدند. من از اواخر عمر این سفاکها که نوید مرگ، آنها را به جنون می‌کشد، برای این ملت ستمدیده بیمناکم. من از امراض عصبی که در پیری عارض این قلدرها می‌شود، برای اسلام و مسلمین خوف دارم.

اکنون سکوت در مقابل این نقشه‌ها و فجایع در حکم انتحار است و استقبال از مرگ سیاه، و سقوط یک ملت بزرگ می‌باشد. تا فرصت از دست نرفته لازم است که سکوت شکسته شود و استنکار[۱] و اعتراض آغاز گردد. بر علما و خطبای اسلام است که در مساجد و محافل، نقشه‌های پشت پرده دستگاه را به ملت برسانند و در این مصیبت بزرگ که برای اسلام و مسلمین و خصوص علمای اعلام و خطبای

---

۱. قبیح شمردن، انکار ورزیدن.

محترم پیش آمده است از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنند. مراجع عظام نظر مبارک خود را با طبع و نشر اعلام نمایند؛ و کسانی را که در این امر کمرشکن با دستگاه همکاری و روابط حسنه دارند و یا به نقشه‌ها و فعالیتهای سازمان اوقاف و دیگر سازمانهای فاسد صحه می‌گذارند و به پیشرفت آن کمک می‌نمایند و یا جیره خوار سازمان اوقاف و دستگاه جبار قرار گرفته اند، طرد و مفتضح سازند و به ملت معرفی نمایند. و بر ملت اسلام است که با این نوع افراد که از طرف سازمانهای فاسد برای منبر و محراب تعیین و نصب شده اند، معامله عدالت نکنند و در جماعت آنها حاضر نشوند و پای منبر آنها ننشینند، و آنها را به یکدیگر نشان داده و از جامعه اسلامی طرد نمایند، و به مساجد و محافل که تحت نظر سازمان اوقاف بوده و به دست آن اداره‌شود، نروند. علمای اعلام، خطبای محترم و ائمه جماعت به عنوان اعتراض و استنکار، در صورت مقتضی، اعتصاب نمایند و تا مدت محدودی از رفتن به مساجد و منابر خودداری ورزند و مطمئن باشند که اعتراض دسته جمعی و اعتصاب عمومی نتیجه دارد و دستگاه جبار را عقب می‌راند. و لازم است که مردم مسلمان در صورت اعتصاب علمای اسلام، که برای حفظ احکام قرآن است، از آنان پشتیبانی کنند و در اعتصاب تبعیت نمایند.

از خداوند متعال رفع شر اشرار و قطع ایادی استعمار را خواستار است.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٨٢ تا ٤٨٦.

▣ پیام

زمان: ۲۴اسفند ۱۳۵۱/۹صفر ۱۳۹۳ مکان: نجف
موضوع: دسیسه‌های تازه رژیم شاه برای ریشه‌کن کردن اسلام
مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم اروپا، امریکا و کانادا

بسمه تعالی

خدمت عموم دانشجویان مسلمان مقیم اروپا، امریکا و کانادا ـ ایّدهم الله تعالی

رنجنامه شما که بحق بازگو کننده برخی رنجها و مصیبتهای کنونی ملت اسلام و جامعه روحانیت بود واصل شد. حس مسئولیت نسل جوان و کوششهای بی شائبه آنان در راه دفاع از اسلام و نوامیس قرآن مجید در خور تقدیر و امیدواری است.

اینجانب در این تبعیدگاه ثانوی چشم امیدم به جوانان روحانی و دانشگاهی مسلمان بوده و انتظار دارم که با تهذیب نفس و اخلاص، مطالعات و تحقیقات وسیع و دامنه داری را در زمینه شناخت احکام اسلام و مبانی نورانی قرآن آغاز نمایند؛ اسلام واقعی را بشناسند و بشناسانند. ملت اسلام را بیدار و آگاه ساخته، تباین اسلام پیغمبر خدا و اولیای او را از اسلام ساختگی امثال معاویه و حکومتهای غاصب و جائر دولتهای دست نشانده استعمار که از تلویزیونها، رادیوها و وزارتخانه‌ها به خورد مردم می‌دهند به آنان برسانند؛ و به دنیا بفهمانند این اسلامی که دولتهای دست نشانده از آن دم می‌زنند، و کنفرانس به اصطلاح وحدت اسلامی تشکیل می‌دهند، اسلام ساخته و پرداخته سلاطین اموی و عباسی می‌باشد که در برابر قرآن و آیین مقدس پیامبر بزرگ اسلام درست شده است؛ و لذا می‌بینیم که استعمارگران و همانها که قرآن را بالای دست بلند می‌کردند و اظهار می‌داشتند که تا این قرآن در میان مسلمین حکمفرماست ما نمی توانیم بر آنان دست یابیم، اکنون از چنین اسلام و اتحاد اسلامی پشتیبانی می‌کنند تا ملت اسلام را منحرف سازند؛ تا قرآن کریم را مهجور نمایند، تا دین خدا را از بین ببرند. تا راه را برای پیشبرد اغراض شوم و مقاصد استعماری خود هموار سازند.

چنانکه کراراً اعلام خطر کرده‌ام، اگر ملت اسلام بیدار نشوند و به وظایف خود آگاه نگردند، اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند و بپانخیزند، اگر اسلام واقعی که عامل وحدت و تحرک کلیه فرق مسلمین در مقابل بیگانگان است، وضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد، به دست عوامل و ایادی اجانب همین طور در زیر پرده سیاه استعماری پوشیده بماند و آتش اختلاف و تشتت در میان مسلمین افروخته گردد، روزهای سیاهتر و نکبت بارتری برای جامعه اسلامی در پیش است، و خطر ویران کننده ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن باشد.

حملات علنی و مخفیانه دشمنان اسلام و تجاوزکاران بین المللی علیه قرآن مجید و احکام رهایی بخش اسلام از هر سو بشدت ادامه دارد؛ و بسیاری از دولتهای کشورهای اسلامی بر اثر خودباختگی یا مأموریت، مجری نقشه‌های شوم و خائنانه آنان می‌باشند؛ چه آنهایی که دم از اسلام زده، کنفرانس به اصطلاح اسلامی تشکیل می‌دهند، و چه آنانی که در کشور اسلامی الغاء مذهب کرده اسلام را از رسمیت‌اندازند، همه دانسته یا ندانسته در یک مسیر حرکت می‌کنند و آن اجرای مقاصد شوم و استعماری دشمنان اسلام است که می‌خواهند این اوضاع نکبت بار جامعه اسلامی ادامه یابد، اسرائیل بر جان و مال و سرزمینهای ملت اسلام مسلط باشد، سیادت و سلطه استعمار در دنیای اسلام برای همیشه محفوظ بماند، برنامه توسعه طلبانه و ویران کننده صهیونیسم در کشورهای اسلامی به مرحله اجرا درآید، و ملت اسلام و دولتهای کشورهای اسلامی همیشه خوار و ذلیل و اسیر دست تجاوزکاران بین المللی بوده دست تکدی و چشم کمک به استعمارگران جنایت پیشه داشته باشند و روی استقلال، آزادی، آسایش و امنیت نبینند.

و در این میان از همه اسفبارتر وضع ایران است که رژیم آن مأموریت دارد با چاپ قرآن، تظاهر به اسلام، به اسم سپاه دین، سازمان اوقاف و به عناوین فریبنده دیگر، یکباره اسلام را ریشه کن سازد؛ ملت اسلام را بیش از پیش به ذلت و اسارت

بکشد؛ مسجد و محراب پیامبر اسلام را به صورت بنگاه تبلیغاتی دربار ضد اسلامی خود درآورد، و برای اجرای این نقشه‌های شوم، به کمک و مساعدت روحانی نماهای خودفروخته و سرسپرده نیاز کامل دارد، و با همکاری آنان می‌خواهد مساجد و دیگر محافل اسلامی را قبضه کند، مراسم مذهبی را تحت نظارت و مراقبت خود درآورد و به حوزه‌های علمیه دست یابد. اکنون بر نسل تحصیلکرده مسلمان و مردان روشن ضمیر آگاه است که با کوششهای همه جانبه و از هر راه ممکن، اسلام و پیشوایان اسلامی و مسئولیتهای خطیر و سنگین علمای اسلام را به ملتهای مسلمان برسانند تا مردم آگاه شوند و آن دسته از روحانی نماهای منحرف راکه مستقیم و غیر مستقیم در خدمت رژیم جبار قرار گرفته اند طرد نمایند. اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد. و اگر معممین ساختگی و روحانی نماهای بی حیثیت در جامعه ساقط شده نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ گاه موفق به اجرای نقشه‌های شوم استعمارگران نخواهد شد. ما پیش از هر کار لازم است تکلیف خود را با روحانی نماها که امروز از خطرناکترین دشمن [ها] برای اسلام و مسلمین محسوب می‌شوند و به دست آنها نقشه‌های شوم دشمنان دیرینه اسلام و دست نشاندگان استعمار پیاده و اجرا می‌گردد روشن سازیم و دست آنان را از حوزه‌های علمیه، مساجد و محافل اسلامی کوتاه کنیم تا بتوانیم دست تجاوزکار استعمار و مخالفین اسلام را از حریم اسلام و قرآن کریم قطع کرده از استقلال و صیانت کشورهای اسلامی و ملت اسلام دفاع نماییم.

امید است که علمای اعلام و مراجع بزرگ اسلام از خیانت و نفوذ اجانب و عمال استعمار به حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت جلوگیری به عمل آورند، و ایادی مخالفین راکه در سلک روحانیت قرار دارند و اسلام و روحانیت را به سقوط و انحطاط تهدید می‌کنند طرد و رسوا سازند؛ و اجازه ندهند که مشتی فریب خورده و

دنیاطلب، استقلال هزار ساله شیعه را دستخوش امیال و اغراض مخالفین اسلام و مزدوران استعمار قرار دهند. از خداوند متعال توفیقات روزافزون عموم دانشجویان مسلمان را در خدمت به اسلام و مسلمین خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۹ صفر ۹۳

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۲۷اسفند ۱۳۵۱/ ۱۲صفر ۱۳۹۳ — مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه و اشاره به تألمات روحی — مخاطب: طباطبایی، سید مهدی

۱۲ شهر صفر ۹۳ — بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام و ثقة الاسلام آقای طباطبایی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف مدتی است واصل شد لکن شخص مطمئنی که بتوان جواب داد کم است.[۲] از جنابعالی امید دعای خیر دارم. امید است ان شاء الله همیشه موفق و سلامت و سعید باشید. اینجانب بحمدالله تعالی سلامت هستم مزاجاً، ولی ناراحتیهای روحی بسیار است. امید است خداوند اصلاح فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله. — روح الله الموسوی الخمینی [۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٨٧ تا ٤٨٩.

۲. در آن زمان رژیمهای ایران و عراق بر ارتباطات و مکاتبات امام خمینی محدودیتهای شدید اعمال می‌کردند و همراه داشتن نامه و پیامی از امام خمینی، مجازاتی سخت از زندان و شکنجه را در پی داشت.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٩٠.

◘ پیام

زمان: ۵فروردین ۱۳۵۲/ ۱۹صفر ۱۳۹۳ مکان: نجف
موضوع: بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید مناسبت: جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی
مخاطب: منتظری، محمّد

۱۹ صفرالمظفر ۹۳ بسمه تعالی

به دوستان عزیزم، طبقه جوان روحانی، دانشگاهی، بازاری، دهقان و سایر طبقات پس از ابلاغ سلام تذکر دهید نیروهایی که خداوند تعالی به شما عطا فرموده در راه رضای او صرف کنید. شما اکنون دارای نیروی عظیم جوانی هستید؛ نیرویی که می‌توانید اسلام و میهن خود را به اوج عظمت و سرفرازی رسانید و دست جنایتکاران را از ممالک اسلام و کشور خود قطع کنید؛ نیرویی که اگر در راه حق صرف شود ابدیت دارد و به قدرت لایزال می‌پیوندد و اگر در بیهوده و شهوات هدر رود، در این عالم ذلت و بردگی و در آن عالم عقوبت و شرمساری ببارآورد. بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید! زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای در هم پیچیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه و خودفروختگان بی ارزش فداکاری کنید! این نفتخواران بی شرف و عمال بی حیثیت آنها را از کشورهای اسلامی بیرون ریزید همانند زباله ها. از جشنهای پایان ناپذیر آنها که در حقیقت چراغهایی است که در گورستان می‌افروزند دوری نمایید. امید است شما عزیزان من جشن مرگ استعمار و عمال آن را بزودی بگیرید؛ اگر ما پیران نبینیم شما جوانها ببینید. از نیروی لایزال، وحدت نیروی عظیم مسلمین را خواستارم. سلام و تحیت من به جوانان مسلمین و عزیزان کشور امیرالمؤمنین ـ علیه الصلوة والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۹۱.

▣ پیام

زمان: ۲۲ مهر ۱۳۵۲ / ۱۶ رمضان ۱۳۹۳[(۱)] مکان: نجف اشرف
موضوع: وظایف ملت برای مبارزه با رژیم شاه به دلیل همکاری با اسرائیل
مناسبت: جنگ اعراب و اسرائیل و سالگرد جشنهای ۲۵۰۰ ساله مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در این موقع که آتش جنگ بین مسلمین و کفار صهیونیست شعله ور است و ملت اسلام برای احقاق حق خود از اسرائیل غاصب، جان بر کف نهاده در میدانهای نبرد فداکاری می‌کنند، به امر شاه، دولت ایران به مناسبت سالروز جشن ۲۵۰۰ ساله در سراسر کشور جشن بپا کرده است؛ جشن برای شاهان خونخواری که نمونهٔ آنان امروز مشهود است. مسلمین برای مجد و عظمت اسلام و آزادی فلسطین در خاک و خون می‌غلتند ولی شاه ایران برای رژیم مبتذل شاهنشاهی جشن و سرور بپا می‌کند.

همزمان با دفاع ملت بزرگ اسلام و عرب از نوامیس اسلام و مسلمین، به امر این مرد خبیث، به مدارس اسلامی دختران ایران هجوم برده هتک محترمات را نموده و از آنان سلب آزادی کرده‌اند. هنگامی که دشمنان اسلام، کشورهای اسلامی را تهدید می‌کنند و مردانی غیور برای دفاع و احقاق حقوق خود مردانه بپا خاسته‌اند، شاه ایران با صحنه سازی در سراسر ایران تظاهرات راه انداخته با امضای روحانی نمایان درباری و ساختهٔ دست سازمانهای اوقاف و امنیت، به اسم علمای اسلام، تلگرافات تبریک صادر می‌نماید.

در شرایطی که مسلمین برای آزادی فلسطین و سرزمینهای خود جانفشانی می‌کنند، شاه جمعیت کثیری از علما، فضلا و اساتید برجستهٔ حوزه‌های علمیه و بسیاری دیگر از روشنفکران ایرانی را به زندان و تبعید کشیده و تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داده است.

---

۱. در صحیفه نور، ذیل تاریخ ۵۲/٦/۲۳ (١٦ شعبان ۹۳) درج شده است اما تاریخ مندرج در ذیل نسخه خطی ١٦ رمضان ۱۳۹۳ (۵۲/۷/۲۲) می‌باشد.

می توان گفت که این صحنه سازیها و دستگیریها برای سرگرم کردن ملت ایران به مصیبتهای خود و دور نگهداشتن اذهان از جنگ ملت اسلام با اسرائیل است. وحشت از گسترش مبارزه و ایجاد هماهنگی بین کلیه طبقات، و پشتیبانی قاطبهٔ ملت مسلمان ایران از جنگ عادلانهٔ مردم عرب است که موجب شده شاه دست به زندان و تبعید غیرقانونی و بدون جهت علما و روشنفکران بزند تا مبادا اعتراض کنند که چرا رژیم ایران در این امر حیاتی که برای مسلمین پیش آمده بی تفاوت است و یا از اسرائیل طرفداری می‌کند، و با اینکه اکثریت قریب به اتفاق دولتهای اسلامی و بسیاری از دولتهای غیر اسلامی از اعراب در حال جنگ پشتیبانی کرده اند، دولت ایران و شاه بی حیثیت روی سرسپردگی به امریکا و اظهار تبعیت هرچه بیشتر، به ظاهر ساکت و در واقع طرفداری از اسرائیل می‌کنند.

این شاه ایران است که دست اسرائیل را در سراسر ایران باز گذاشته و اقتصاد ایران را به خطر انداخته است و بنا به نوشتهٔ بعضی از جراید خارجی افسران ایرانی را برای دیدن تعلیمات به اسرائیل می‌فرستد.

این شاه است که نفت ایران را به دشمنان اسلام و بشریت تسلیم کرده تا در جنگ با مسلمین و اعراب غیور به کار برند، و با قرارداد رسوای اخیر و افزایش استخراج نفت، به مبارزه علیه کشورهای نفت خیزی که می خواهند از حربهٔ نفت علیه امریکا استفاده کنند برخاسته است. و بالأخره این غارتگریها، خریدن میلیاردها دلار اسلحه و جشنهای کمرشکن و پی درپی شاه است که موجب بالا رفتن هزینه زندگی و گرانی سرسام آور اجناس گردیده، ایران را به قحطی سیاه تهدید می‌کند. من بیم آن دارم که میلیاردها دلار اسلحه ای را که از اربابان جهانخوار خود خریداری نموده و با خرید آن ایران را به ورشکستگی کشانده اکنون به اسرائیل بفرستد. من خوف آن دارم که ارتش ایران را با مهماتی که به قیمت قحطی و گرسنگی و بالأخره خون مردم محروم ایران به دست آورده، مجبور کند که قلوب گرم و پراحساس مجاهدین اسلام را هدف قرار دهند.

من از این خدمتگزار بی چون و چرای امریکا برای جهان اسلام احساس خطر می‌کنم. اکنون بر ملت محترم ایران است که این جبار را از این جنایات باز دارند، و بر ارتش ایران و صاحب منصبان است که بیش از این تن به ذلت ندهند و برای استقلال وطن خود چاره جویی کنند.

وظیفهٔ ملت غیور ایران است که از منافع امریکا و اسرائیل در ایران جلوگیری کرده و آن را مورد هجوم قرار دهند، هر چند به نابودی آن بیانجامد. وظیفه علمای اعلام و مبلّغین است که جرایم اسرائیل را در مساجد و محافل دینی به مردم گوشزد کنند. علمای اعلام و ملت شریف ایران نباید در این امر ساکت باشند؛ و لازم است از هر طریق ممکن شاه را وادار کنند که در صف مسلمانان قرار گیرد و از خیانت بیشتر به قرآن و پیروان آن بپرهیزد؛ و جنایات این عفریت خونخوار را بیش از پیش برملا سازند تا چهره باطنی او بهتر روشن گردد. و اگر یهود ایران برای کمک به اسرائیل مشغول فعالیت باشند «چنانکه هستند و بی شک از کمک شاه هم برخوردار می باشند» بر ملت ایران است که از آن جلوگیری کنند؛ و برای مجاهدینی که در آتش و خون به سر می‌برند صندوق اعانه ای باز نمایند و از هیچ کوششی خودداری نورزند.

اینجانب کراراً خطر اسرائیل و عمال آن را که در رأس آنها شاه ایران است گوشزد کرده ام. ملت اسلام تا این جرثومه فساد را از بن نکنند روی خوش نمی بینند، و ایران تا گرفتار این دودمان ننگین است روی آزادی نخواهد دید. از خداوند متعال نصرت مسلمین و خذلان اسرائیل و عمال سیاه آن را خواستارم.

۱۶ رمضان المبارک ۱۳۹۳ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۵ تا ۷.

▣ نامه

زمان: ۲۷دی ۱۳۵۲/ ۲۳ذی‌الحجه ۱۳۹۳ مکان: نجف
موضوع: ضعف برخی از علما در برابر رژیم مخاطب: لنگرودی، سید محمد حسین

۲۳ شهر ذی الحجه ۹۳ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و حجت الاسلام آقای لنگرودی ـ دامت افاضاته

مرقوم محترم واصل، توفیق و سلامت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. در موضوعی که مرقوم شده بود با سستی و ضعفی که علمای اعلام و خصوص بزرگان نشان می‌دهند درمقابل دستگاه، این نحو عملیات و بدتر از آن متوقع است. هر قدمی که ما عقب برویم آنها پیش می‌آیند. عجالتاً بلامانع مشغول تاخت و تاز هستند؛ تا خداوند تعالی چه بخواهد. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. از خداوند تعالی اصلاح حال مسلمین را خواستاراست. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۳.

◙ نامه

زمان: ۳۰اردیبهشت ۲۷/۱۳۵۳ربیع الثانی ۱۳۹۴
مکان:نجف
موضوع:پاسخ به نامه
مخاطب:خمینی،سید احمد

۲۷ ع ۲ ۹۴ بسمه تعالی

احمد عزیزم

دو طغرا[۱] مرقوم شما واصل شد. از سلامت شما و نورچشمان عزیزم خوشوقت شدم. امید است همگی سلامت و سعادتمند باشید. در موضوعی که نوشته بودید با اوضاع بسیار وخیم و تزلزل حوزه و بلاتکلیفی همه برای ما میسور نیست که تحصیل اجازه کنیم.[۲] و از آن طرف بر فرض امکان به وجه بعید از رسوایی مغرضین اینجا و آنجا غافل نباشید. در هر صورت عجالتاً اقدام نکنید تا تکلیف خود ما و سایرین معلوم شود.

از خداوند تعالی اصلاح امور را بر وفق دلخواه خواستارم. به همه دخترها و به خانم خودتان سلام برسانید. حسن[۳] را می‌بوسم. والسلام علیک.

پدرت[٤]

---

۱. فقره، عدد.

۲. آقای سید احمد خمینی در این باره چنین توضیح می‌دهد: «اخراج ایرانی‌های مبارز از عراق موجب شد به حضرت امام پیشنهاد کنم در صورت اخراج ایشان، در یکی از کشورهای اسلامی اجازه اقامت بگیریم. بیشتر در ذهنم سوریه یا لبنان و در مرحله بعد پاکستان بود».

۳. آقای سید حسن خمینی، فرزند آقای سید احمد خمینی.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲.

▣ نامه

زمان: آبان ۱۳۵۳ / شوال ۱۳۹۴ مکان: نجف
موضوع: اعلام نظر در مورد انتشار جزوه‌ای در دهمین سال احیای کاپیتولاسیون
مخاطب: روحانی «زیارتی»، سید حمید

بسمه تعالی

ان شاءالله تعالی موفق باشید. دیشب اطلاع دادند، ولی من بکلی غفلت کردم، وقتی شما را دیدم یادم افتاد؛ اینها توابع پیری است. راجع به اوراقی که فرستادید با نشر «احیای کاپیتولاسیون» موافقم؛ با نشر «در مجلس چه گذشت» جداً مخالفم،[۱] به دو جهت: یکی آنکه احیای ذکر جمیل اشخاص است که به هیچ وجه صلاحیت ندارند و ظاهر آن است که تمام مذاکرات صحنه ای بیش نبوده است؛ دوم آنکه تأیید آزاد بودن نطق و مخالفت با دولت و شاه است؛ با آنکه اینها نبوده است؛ و اگر با دستور مقامات امنیتی نبود، جرأت این نحو مذاکرات نداشته و بعد هم سالم نمی ماندند. بنابراین باید منتفی شود ذکر آنها. با آن دوی دیگر بی تفاوت هستم، ولی نطق آن روز انتشار یافته،[۲] تجدیدش را نمی دانم چطور است؟ ورقهٔ دیگر[۳] را هم نمی دانم چه نتیجه دارد؟ بلکه به نظرم خیلی صحیح نیست؛ لکن مخالفت نمی‌کنم.

والسلام علیکم.[٤]

---

۱. آقای سید حمید روحانی به مناسبت دهمین سالگرد قیام امام علیه لایحه کاپیتولاسیون، قصد انتشار جزوه‌ای حاوی تاریخچه کاپیتولاسیون و مضرّات آن، صورت مذاکرات نمایندگان موافق و مخالف لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شوارى ملی، و همچنین حاوی سخنرانی و اعلامیه امام در ٤ آبان ۱۳٤۳ را داشت که امام خمینی به وسیله نامه فوق، نظر خویش را در هر مورد ابراز نموده است.

۲. سخنرانی ٤ آبان ۱۳٤۳ امام خمینی علیه کاپیتولاسیون که منجر به تبعید ایشان به ترکیه گردید.

۳. اعلامیه ٤ آبان ۱۳٤۳ امام خمینی علیه کاپیتولاسیون.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۳.

▣ نامه

زمان:زمستان ۱۳۵۳ه.ش ./۱۳۹۵ه.ق . مکان:نجف
موضوع:چگونگی ارسال نامه‌ها مخاطب:اعرابی،محمدحسن[۱]

... اگر چه تازه کاغذ نوشته ام لکن چون از شماها و دیگران اخیراً مکتوبی نمی‌رسد و شایع است که مکاتیب ممنوع است. لهذا از طرف دیگر نوشتم شاید برسد. شما اگر می خواهید، کاغذ به آدرسهای زیر بنویسید؛ و نیز به وسیلهٔ آقای قرهی[۲] یا شخص دیگر به اشخاصی که در تهران هستند و می‌خواهند وجه برسانند بگویید که مکتوب از طریق سابق نمی رسد؛ به این آدرسها بنویسند:

۱ ـ آقای غروی ۲ ـ آقای حق شناس ۳ ـ حاج سید محمد حسین لنگرودی ۴ ـ حاج آقا مرتضی تهرانی ۵ ـ حاج آقا مجتبی تهرانی ۶ ـ آقای روحانی پسر مرحوم حاج سید احمد قمی اخوی مرحوم حاج میرزا محمود؛ ظاهراً مسجدش در خیابان گرگان است. ۷ ـ حاج سید محمد علی لواسانی ۸ ـ حاج شیخ احمد مجتهدی، و همین طور دیگران. لکن باید به طور خصوصی باشد و به آنها سفارش شود که فاش نشود. آقای قرهی هم به همین نحو مکاتبه کنند. آدرسها از این قرار است :

۱ ـ کویت صندوق پستی ۱۰۰ حاج سید اسماعیل بهبهانی.

۲ ـ بیروت شارع النبی وسیله سید کمال المرعشی، حجت الاسلام آقای خلخالی.

۳ ـ قطر الدوحه صندوق پستی ۲۳۵۲ شیخ عیسی عبدالحمید الخاقانی.

البته هر دفعه به یکی از وسایل، کاغذ خودتان را در پاکتی بگذارید و آن پاکت را جوف پاکت دیگر، و به اسم یکی از این اشخاص بفرستید؛ شاید ان شاءالله برسد.[۳]

---

۱. این نامه از پرونده مبارزاتی امام خمینی در ساواک به دست آمده است. ساواک در گزارش «سرّی طبقه بندی شده حفاظتی» خود درباره این نامه می‌نویسد: اخیراً نامه‌ای از جانب خمینی به آدرس قم، حاج محمد حسن اعرابی فرستاده شده و در داخل آن، نامه ای دیگر به نام احمد خمینی موجود است. مفاد نامه به قرار زیر می‌باشد». (متن بالا)

۲. آقای عبدالعلی قرهی .

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ٦٣.

▣ نامه

زمان: ۱۳اسفند ۱۳۵۳/ ۲۰صفر ۱۳۹۵ مکان: کربلا
موضوع: پاسخ نامه راجع به صدور اعلامیه در رابطه با حزب رستاخیز[1]
مخاطب: روحانی (زیارتی)، سید حمید

[بسمه تعالی. مصیبت خانمانسوز تازه، تشکیل حزب رستاخیز و فشارهای توانفرسایی که به دنبال خواهد داشت نمی دانم که چه به روزگار ملت بی‌پناه ایران خواهد آورد. نظر به اینکه اکنون عازم نجف هستم، می‌خواستم از آن حضرت استفسار نمایم که اگر تصمیمی در این زمینه اتخاذ فرموده اند، در مقام باشیم که آنچه به نظر رفقا می‌رسد فراهم کرده به حضور تقدیم داریم. باکمال خجلت از نوار خراب دیروز نوار تازه‌ای که تقریباً مفهوم و قابل استفاده است تقدیم داشتم.]

بسمه تعالی

ان شاءالله موفق باشید. باید مطالب را درست دریافت کنم بعد تصمیم بگیرم و این مانع نیست که شماها مطالبی تهیه کنید.[2]

---

۱. آقای سید حمید روحانی در مورد این نامه چنین توضیح داده است: «آنگاه که شاه حزب رستاخیز را اعلام کرد، امام در کربلا بودند. سخنرانی شاه را از رادیو ضبط کردم و به خدمت ایشان در کربلا بردم که خوب ضبط نشده بود. سپس نوار دیگری که بهتر ضبط شده بود از برنامه فارسی رادیو بغداد تهیه کردم و خدمت ایشان دادم و پیشنهاد صدور اعلامیه به محضر ایشان دادم و امام در پاسخ در ذیل نامه، متن فوق را مرقوم فرمودند».

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۷۰.

◘ پیام

زمان: ۲۱اسفند ۲۸/۱۳۵۳صفر ۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: تحریم شرکت در حزب رستاخیز مخاطب: ملت مسلمان ایران
مناسبت: اعلام تأسیس حزب رستاخیز توسط محمدرضا پهلوی (۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است؛ و مخالفت با آن از روشن ترین موارد نهی از منکر است. و چون این نغمهٔ تازه که به دستور کارشناسان یغماگر برای اغفال ملت از مسائل اساسی، از حلقوم شاه برخاسته تا کشور را بیش از پیش خفقان زده کند و راه را برای مسائلی که در نظر دارند باز نمایند، و قوه مقاومت را بکلی از ملت سلب نموده و نفس را در سینه‌ها حبس سازند. لهذا لازم است حسب وظیفه تذکراتی بدهم؛ باشد که ملت اسلام تا فرصت از دست نرفته با مقاومت بیش از پیش و همه جانبه جلو این نقشه‌های خطرناک را بگیرند.

قبلاً باید گفت شاه در این پیشنهاد غیرمشروع، به شکست فاحش طرح استعماری به اصطلاح «انقلاب ششم بهمن» و برخوردار نبودن آن از پشتیبانی ملت اعتراف نموده است. کسی که بیش از ده سال است فریاد می‌زند که ملت ایران موافق با این «انقلاب» است و اسم آن را «انقلاب شاه و ملت» گذاشته، امروز مردم را به صفهای مختلف تقسیم کرده و می‌خواهد با زور سرنیزه برای خود موافق درست کند. اگر این به اصطلاح «انقلاب» از شاه و ملت می‌باشد، دیگر چه احتیاجی به حزب تحمیلی است؟!

---

۱. تأسیس «حزب رستاخیز» در ۱۳۵۳/۱۲/۱۱ هـ . ش. توسط محمدرضا پهلوی اعلام شد، وی در یک مصاحبه مطبوعاتی همه ایرانیان را موظف به عضویت در این حزب کرد و اعلام نمود کسانی که عضو این حزب نشوند باید از کشور اخراج گردند. اعتقاد به نظام شاهنشاهی، انقلاب به اصطلاح سفید و قانون اساسی، سه شرطی بود که شاه برای اعضای حزب تعیین کرده بود.

درباره این حزب به اصطلاح «رستاخیز ملی ایران» باید گفت این عمل با این شکل تحمیلی مخالف قانون اساسی و موازین بین المللی است و در هیچ یک از کشورهای عالم نظیر ندارد. ایران تنها کشوری است که حزبی به امر ملوکانه تأسیس کرده و ملت مجبور است وارد آن شود، و هر کس از این امر تخلف کند سرنوشت او یا حبس و شکنجه و تبعید و یا از حقوق اجتماعی محروم شدن است. مردم محروم این کشور مجبورند موافقت خود را با نظام شاهنشاهی اعلام کنند؛ نظام پوسیده ای که از نظر اسلام مردود و محکوم به فناست؛ نظامی که هر روز ضربهٔ تازه‌ای بر پیکر اسلام وارد می‌آورد، و اگر خدای نخواسته فرصت یابد اساس قرآن را برمی چیند؛ نظامی که هستی ملت را به باد فنا داده و تمام آزادیها را از او سلب کرده است؛ نظامی که طبقات جوان روشنفکر را در زندانها و تبعیدگاهها از هستی ساقط نموده و باز می‌خواهد با این حزب بازی اجباری، بر قربانیها و زندانیهای خود بیفزاید.

مردم مسلمان ایران مجبورند در برابر شاهی سر تسلیم فرود آورند که دستش تا مرفق به خون علمای اسلام و مردم مسلمان آغشته است. شاهی که می‌خواهد تا قطرهٔ آخر نفت این کشور را بفروشد و پولش را به عناوین مختلف به سرمایه داران و چپاولگران تقدیم نماید و به آن افتخار کند.

استعمار امریکا از ذخایر هنگفت نفت خود استفاده نمی کند، و از دیگران می‌خرد که برای مصالح کشورش محفوظ باشد؛ ولی شاه ایران این طلای سیاه را می‌فروشد و خزانه ایران و ملت را تهی می‌کند، و درآمد آن را به جای اینکه صرف این ملت پابرهنه و گرسنه نماید، به اربابان استعمارگرش وام می‌دهد؛ و یا اسلحه‌های خانمانسوز و مخرب می‌خرد تا از منافع و مطامع استعمارگران در ایران و منطقه نگهبانی کند، و به خونریزی و سرکوبی جنبشهای ضد استعماری ادامه دهد.

او تا دیروز با اخذ وامهای کمرشکن از خارج، اقتصاد ایران را به ورشکستگی می کشانید و امروز با دادن وامها و خرید اسلحه، ملت را به افلاس کشانیده و از رشد

باز می‌دارد. معاملات اسارت بار و بخصوص معاملهٔ ۱۵ میلیارد دلاری اخیر با استعمار امریکا، ضربهٔ نابودکنندهٔ دیگری است که شاه به اقتصاد ایران وارد ساخته و چوب حراج تازه ای است که بر ثروت و ذخایر ملت محروم ایران می‌زند.

ملت ایران مجبور است به کسی رأی موافق بدهد که وضع کشاورزی و دامپروری ایران را چنان به عقب رانده که اکنون باید گندم، برنج، گوشت، روغن و سایر ارزاق را با قیمتهای هنگفت وارد کند. شاه که در آغاز طرح به اصطلاح «انقلاب سفید» به دهقانان نوید می‌داد که در سایهٔ اصلاحات ارضی، غلهٔ مورد نیاز کشور در داخل تأمین می‌شود، اکنون به جای خجلت زدگی افتخار می‌کند که دو میلیون و نیم تن گندم و چهارصد هزار تن برنج در سال جاری وارد کرده است! در صورتی که مطلعین می دانند که یک استان ایران، مثل خراسان، قدرت تهیهٔ گندم برای تمام کشور را داشت و این قدرت را «انقلاب سفید شاه» سلب کرد.

شاه بیش از ده سال است که فریاد از پیشرفت کشور می‌زند، در حالی که اکثریت ملت را در فقر و فاقه غوطه ور ساخته. ظاهر تهران را آراسته و از دسترنج ملت برای عمال خود عمارات چند طبقه بنا می‌کند ولی در دهات و قصبات که قسمت عمدهٔ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند از مواهب اولیهٔ زندگی خبری نیست، و اکنون وعدهٔ ۲۵ ساله به مردم می‌دهد. ولی مردم آگاه ایران توجه دارند که این وعده‌های او پوچ و عاری از حقیقت است. قدرت کشاورزی از کشور سلب گردیده، وضع کشاورزان و کارگران روز به روز وخیمتر شده و از صنعتی شدن مستقل و غیروابسته جز اسمی نیست و نخواهد بود مگر اینکه به خواست خدای قادر این رژیم پوسیده تغییر کند.

با تمام شدن ذخیرهٔ نفت به دست این رژیم، آنچنان فقری به ملت روی می‌آورد که جز تن به اسارت دادن راهی ندارد. ملت شریف ایران، که نه زراعت دارد و نه صنعت، باید با فقر و فلاکت دست به گریبان باشد و یا به عملگی برای سرمایه‌داران

تن در دهد.

شاه از مشروطه و قانون اساسی دم می‌زند، در صورتی که خود او در رأس مخالفین قانون اساسی و مشروطیت، اساس مشروطه را از بین برده است؛ که نمونهٔ بارز آن مصاحبه و جنجال اخیر است: اجبار ملت به ورود در حزب نقض قانون اساسی است؛ اجبار مردم به تظاهر در موافقت و پایکوبی و جنجال در امری که مخالف خواسته آنهاست نقض قانون اساسی است؛ سلب آزادی مطبوعات و دستگاههای تبلیغاتی و اجبار آنها به تبلیغ برخلاف مصالح کشور نقض قانون اساسی است؛ تجاوز به حقوق مردم و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی نقض قانون اساسی است؛ انتخابات قلابی و تشکیل مجلس فرمایشی محو مشروطیت و نقض قانون اساسی است؛ ایجاد پایگاههای نظامی و مخابراتی و جاسوسی برای اجانب مخالفت با مشروطیت است؛ مسلط نمودن اجانب و عمال کثیف آنها از قبیل اسرائیل بر بهترین اراضی مملکت و کوتاه کردن دست ملت را از آن نقض قانون اساسی و خیانت به کشور است؛ اجازه سرمایه گذاری به اجانب و مسلط کردن آنها بر تمام شئون مملکت و غارت ذخایر نفتی به اسم «حاکمیت ملی» و کوتاه کردن دست ملت از فعالیتهای اقتصادی خیانت به ملت و نقض قانون اساسی است؛ مصونیت دادن به اجانب و عمال آنها مخالفت با مشروطه و قانون اساسی است؛ و اصولاً دخالت شاه «که به حسب نص قانون اساسی مقام غیر مسئولی است» در امور کشور و قوای مملکت بازگشت به دوران سیاه استبداد و نقض قانون اساسی است.

این شخص باز از انقلاب سفید دم می‌زند؛ انقلابی که موجب سیه بختی ملت شده و می‌باشد. انقلابی که جز فلج کردن قوای فعالهٔ ملت اثری نداشت. انقلابی که پس از ده سال، خود «شاه» هم قلابی بودن آن را فاش کرد. انقلابی که می‌خواهد فرهنگ استعماری را تا دورترین قراء و قصبات کشانده، و جوانان کشور را آلوده کند. باید مخالف این به اصطلاح «انقلاب» به شکنجه گاه برود و از حقوق اجتماعی

محروم شود. علمای اسلام و محصلین و رجال دین و طبقه دانشگاهی که با این نظام پوسیده و دستگاه ظلم و جور و با این انقلاب رسوا مخالفند، یا «بی وطن» هستند و باید به شکنجه گاه بروند و یا از حقوق اجتماعی محروم می‌باشند. طبقات بازرگان، زارع و کارگر که در این ده سال جز وعده‌های پوچ ندیده اند و از این پس باز وعده بیشتری می‌شنوند و با این انقلاب سیاه لعنتی مخالفند، به همان سرنوشت دچار خواهند شد.

علمای اعلام و سایر طبقات بدانند که تشکیل این حزب، مقدمهٔ بدبختیهای بسیاری است که اثراتش بتدریج ظاهر می‌شود. بر مراجع اسلام است که ورود در این حزب را تحریم کنند و نگذارند حقوق ملت مسلمان ایران پایمال شود. بر سایر طبقات خصوصاً خطبای محترم و محصلین و طبقهٔ جوان دانشگاهی و طبقات کارگر و زارع و تجار و اصناف است که با مبارزات پیگیر و همه جانبه و مقاومت منفی خود، اساس این حزب را ویران کنند و مطمئن باشند که رژیم در حال فرو ریختن است و پیروزی با آنهاست. باید ملت از تبلیغات پوچ دستگاه اغفال نشود. اینها در عین حال که مخالفت خود را با اسلام و احکام آن روزافزون می‌کنند، برای اغفال ساده لوحان، در دستگاه تبلیغاتی مراسم خواندن دعای کمیل و سینه زنی و زنجیرزنی پخش‌کنند، احکام قرآن کریم را نقض و خود آن را چاپ و منتشر می‌کنند.

اینجانب در این کنج غربت از وضع اسفبار ملت ایران رنج می‌برم، و چقدر خوب بود که در این شرایط حساس در میان آنها بودم و در این مبارزات مقدس، جهت نجات اسلام و ایران، از نزدیک با آنان همکاری می‌کردم. از خداوند تعالی قطع ایادی اجانب و عمال آنان را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۸ صفر ۱۳۹۵ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۷۱ تا ۷۵.

▣ پاسخ لستفتا

زمان: اسفند ۱۳۵۳/ربیع الاول ۱۳۹۵
مکان: نجف
موضوع: تحریم شرکت مردم در حزب رستاخیز
سئوال کنندگان: روحانیون مبارز نجف

[بسم الله الرحمن الرحیم. پیشگاه مبارک مرجع عالیقدر عالم تشیع، قائد بزرگ اسلام، حضرت آیت‌الله العظمی خمینی ـ مدظله العالی. با اهدای سلام و تحیات وافره، مستدعی است نظر مبارک خود را در مورد «حزب رستاخیز» که اخیراً از طرف رژیم تأسیس گردیده، بیان و وظیفه عموم ملت را در قبال آن روشن فرمایید. گروهی از روحانیون][1]

بسمه تعالی

نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است. و اینجانب نظر خود را دربارهٔ این حزب به طور تفصیل نوشته‌ام.[2]

روح الله الموسوی الخمینی[3]

---

۱. آقای سید حمید روحانی از امام خمینی خواسته است تا فتوای تحریم حزب رستاخیز را در پاسخ به استفتائی که شده است به صورت توأم منتشر سازند و امام در جواب ایشان که دستخط آن در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی موجود می‌باشد چنین مرقوم داشته اند: «آنچه نوشته اید مانع ندارد. دو سه نسخه رونوشت کنید، یکی برای من بفرستید و ترجمه عربی نیز بشود، و در صورت امکان اینجا طبع شود، لکن نشر در اینجا نشود و اگر اینجا امکان نبود باید فکری کرد».

۲. نظر مشروح امام در پیام ۲۸ صفر ۱۳۹۵ (۲۱ اسفند ۱۳۵۳) آمده است.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۷۶.

◙ نامه

زمان:۲۸اسفند ۱۳۵۳/۵ربیع الاول ۱۳۹۵ مکان:نجف
موضوع:چگونگی ارسال نامه‌ها مخاطب:خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

احمد عزیزم

ان شاءالله تعالی سلامت و موفق باشید. مرقومات شما از کویت و لبنان واصل شد. مرقوم اخیر هم از سوریه رسید[1] مبلغ سه هزار نوشته بودید به آقای سمیعی[2] بدهم؛ ایشان اینجا نیستند و نمی دانم کجا است. از سلامت خودتان همیشه مطلعم کنید، با آدرسهای مختلف. یک آدرس که از همه شاید بهتر باشد: آدرس حاج کویتی خودمان است:

کویت سوق السلاح ص ب ۶۹۰ مؤسسه آقای حاج رئیسی اشکنانی[3][4]

---

۱. آقای سید احمد خمینی درباره پاورقیهای این نامه چنین مرقوم نموده اند:

۱ـ این نامه‌ها بار سیاسی داشته است. زیراکسی که به عراق می‌رفته حاضر به حمل آن نشده است. ناچار ما به وسیله مسافرینی که به کشورهایی نظیر سوریه مسافرت می‌کرده اند، آنها را ارسال کرده ایم. که آنها در آن کشورها به وسیله پست و یا مسافر به مقصد نجف بفرستند.

۲. مقصود، انقلابی بزرگ حجت الاسلام والمسلمین شهید محمد منتظری است که اینجانب برای ایشان پول، اخبار و مایحتاج دیگر ارسال می کردم. چون به نجف رفته بود، به امام نوشته بودم که به شهید منتظری بدهند و من به عمویم «حضرت آیت الله پسندیده» وکیل امام در قم می دادم که ایشان «شهید منتظری» از نجف بدون اطلاع دیگران رفته بود. او معمولاً زمان مسافرتهایش را از همه کتمان می کرد.

۳. به این آدرس به عنوان مقصد، هرگز از مبدأ ایران به طور مستقیم نامه ارسال نمی شد بلکه از کشور ثالثی نامه‌ها به این آدرس فرستاده می‌شد.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۷۷.

■ نامه

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۱۸/۱۳۵۴ ربیع الثانی ۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: حزب رستاخیز
مخاطب: شریعت اصفهانی «شیخ الشریعه»، محمد - پاکستان

بسمه تعالی ۱۸ ع ۲ ۹۵

به عرض عالی می‌رساند، در وقتی که به واسطهٔ دیر رسیدن خبر از جنابعالی بنا داشتم مصدع شوم مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف بود واصل، و موجب مسرت شد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. اینجانب بحمدالله تعالی مزاجاً سلامت هستم، و محتاج به ادعیه خالصهٔ جنابعالی.

تاکنون اثری از نزدیکی حضرات به چشم نمی خورد، تا بعد چه شود. به نظر من بعید است که آقایان ایران در موضوع حزب مخالفتی بکنند؛ اگر چنین بود در اینجا منعکس می‌شد. در هر صورت اگر کرده باشند خیلی به موقع و خوب است.

وجهی که مرقوم شده بود تاکنون خبری نرسیده است لکن قبض را ارسال داشتم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

آقای سمیعی[1] نیستند؛ شاید به بعضی که مطلع باشند برسانم که بفرستند.

والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. اسم مستعار شهید محمد منتظری.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۸۷.

▣ پیام

زمان: ۹ تیر ۱۳۵۴ / ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: تأکید بر وکالت آقای پسندیده
مخاطب: اهالی ایران، افغانستان، پاکستان و سایر بلاد

بسم الله الرحمن الرحیم

چون در این اوقات، وصول قبوض وجوه به اینجانب و ایصال به صاحبان وجوه بسیار مشکل است، لهذا به جمیع اهالی محترم ایران و افغانستان و پاکستان و سایر بلاد اعلام می‌نماید که مهر و امضای حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی پسندیده ـ دامت برکاته ـ اخوی معظم اینجانب و وکیل من در این امور، به منزلهٔ مهر و امضای اینجانب است و مؤمنین هر چه وجوه از هر بابت به معظم له برسانند مورد قبول اینجانب است و بریء الذمة می‌شوند، و محتاج به مهر و امضای اینجانب نیستند. والسلام علی المؤمنین و علی عبادالله الصالحین.

تاریخ ۲۰ ج ۲ ۹۵

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۲۰ تیر ۱۳۵۴ / ۱ رجب ۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: تأسف از سرکوب مردم و امیدواری به واسطه بیداری ملت مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم ۱ شهر رجب ۱۳۹۵

خدمت عموم ملت شجاع و مظلوم ایران ـ ایّدهم الله تعالی

اخبار واصله از ایران، دنبال شکست مفتضحانه شاه در حزب[2] بازی جدید، با آنکه موجب کمال تأسف و تأثر است مایهٔ امید و طلیعهٔ درخشان آزادی است. تأسف از آنکه در عصری که ملتها یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج می‌شوند

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۹۵.

۲. «حزب رستاخیز ملت ایران» که به وسیله شاه تأسیس گردید.

و استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند، ملت بزرگ مسلم ایران با گماشته شدن یکی از مرتجع ترین افراد و یکی از عمال بی چون و چرای استعمار و سایه افکندن وحشتناکترین استبداد وحشیانه بر سرتاسر کشور، از تمام شئون آزادی محروم و با جمیع مظاهر استبداد و ارتجاع دست به گریبان هستند. سازمان امنیت ایران به دستور شاه به صورت ادارهٔ تفتیش عقاید قرون وسطایی درآمده و با مخالفان حزب تحمیلی شاه، که اکثریت قاطع ملت متدین است، با انواع تهدیدها و اهانتها و ضربها و شکنجه‌های وحشیانه رفتار می‌کنند. ملت ایران، از علمای دین تا دانشگاهی و از بازاری تا زارع و از کارگر تا اداری و کارمند جزء، باید معتقد به عقیده شاه باشند؛ گرچه برخلاف اسلام و مصالح مسلمین و ملت باشد، گر چه استقلال ملت و آزادی همه را برباد دهد! و در صورت تخلف، سرنوشت آنها ضربها و حبسها و شکنجه‌ها و محرومیتها از حقوق انسانی است و متخلفین «مرتجع سیاه» و «بی وطن سرخ»اند و باید سرکوب شوند. تأسف از سرکوب کردن ملت مظلوم، و هجوم به دانشگاههای سراسر کشور. تأسف از واقعه جانسوز هفده خرداد «۵۴» مدرسه فیضیه و دارالشفا که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد و یورش بی رحمانه و مسلحانه عمال استعمار بر مدارس دینی که جز با علم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کریم و احکام سازنده اسلام سر و کاری ندارند، و شکستن سر و دستها و در و پنجره‌ها و کوبیدن تا سرحد مرگ و پرتاب کردن جوانان بی‌پناه را از پشت بامها «به جرم اظهار عقیده برخلاف حزب شاهی و به جرم سوگواری برای مقتولین ۱۵ خرداد» که به حسب نقل بعض مطبوعات خارجی، عدد مقتولین به ۴۵ نفر و عدد مجروحین بسیار است که در بیمارستانها پذیرفته نشده اند؛ و بیش از سیصد نفر در زندانها به سر می‌برند که سرنوشت آنها معلوم نیست. این است وضع کشور مترقی! این است معیار دموکراسی شاه! این است حال مملکت آزادمردان و آزاد زنان! تأسف از وضع

مطبوعات ایران که مستقیماً زیر نظر سازمان[1] اداره می‌شوند، و هر چه دیکته کنند می‌نویسند و هر تهمتی خواستند به هر مقامی می‌زنند.

ولی با همه مصیبتها، بیداری ملت مایه امید است. مخالفت دانشگاههای سرتاسر ایران به حسب اعتراف شاه و مخالفت علمای اعلام و طبقه محصلین و طبقات مختلف ملت با همه فشارها و قلدریها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است. شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنانه، نمونهٔ بیداری و پیروزی است.

اینجانب به ملت بزرگ عزیز ایران پس از تسلیت در این مصیبتهای دلخراش و تسلیت در اهانت به قرآن کریم و حریم اهل بیت طهارت علیهم السلام و تسلیت در واقعهٔ ۱۵ خرداد ۴۲ و هفده خرداد ۵۴، تبریک می‌گویم بر این روشنفکری و آزادمنشی ! تبریک می‌گویم بر طلوع صبح آزادی و قطع ریشه استعمار و عمال خبیث آن ! سلام من بر مقتولین و مصدومین ۱۵ خرداد! سلام من بر مصدومین و مظلومین هفده خرداد! سلام من بر طبقات اهل علم و خطبای محترم ! سلام من بر جوانان غیرتمند دانشگاههای ایران ! سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیرقانونی مشت محکم بر دهان یاوه سرایان زدند و وفاداری خود را به اسلام و مسلمین ثابت کردند! سلام من بر زندانیانی که در راه هدف مقدس اسلام در زیر شکنجه به سر می‌برند! سلام من بر جوانان و دانشجویان غیرتمند ایرانی خارج کشور که با کوشش ارزنده خود، به اسلام و برادران مُسْلِم خود خدمت می‌کنند و فجایع استعمار و عمال آن را برملا می‌کنند.

من در این لحظه‌های آخر عمر، نگرانیهای فراوان دارم. خوف از آن دارم که

---

۱. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک).

این شخص[۱]، که با هر حیله ای متشبث شد مواجه با مخالفت ملت و طبقه جوان شد، بیش از این مبتلای به تشنج اعصاب شود و ملت مظلوم را بیش از این به خاک و خون کشد و با تهمت «مرتجع سیاه» و «بی وطن سرخ»، علمای اسلام و دانشمندان و روشنفکران را قتل عام کند. به خداوند متعال از شر عناصر خبیثه پناه می‌برم و قطع ایادی اجانب را مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۳۱تیر ۱۳۵۴/ ۱۲رجب۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: بی توجهی حوزه نجف نسبت به مسائل ایران
مخاطب: شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه)، محمد (وکیل امام خمینی در پاکستان)

۱۲ رجب ۹۵ بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف بود، واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. حوادث اینجا و آنجا[۳] محتاج به ذکر نیست، جنابعالی هم مطلع هستید؛ اینجانب تاکنون تصمیمی اتخاذ نکردم و متحیر هستم. از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستار است. چیزی که مرا رنج می‌دهد بی تفاوت بودن نجف است راجع به قضایای قم و احیاناً طرفداری از مخالف؛ ﴿واللهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحیطٌ﴾[٤]. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

راجع به مطلبی که مرقوم شده بود، عجالتاً محذور دارد؛ قبلاً هم وسیلهٔ آقای

---

۱. محمدرضا پهلوی.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۰ تا ۱۰۲.

۳. بیرون راندن روحانیون ایرانی از نجف و بسته شدن مدرسه فیضیه قم توسط رژیم.

٤. سوره بروج، آیه ۲۰: «و خداوند از پشت سرشان احاطه دارد».

خلخالی[۱] خواستم شهریه ای بدهم ولی طوری عمل شد که منصرف شدم. راجع به حوالهٔ آقای خلخالی، اوّلاً نمی دانم این همان وجه سابق است که از کراچی مرقوم شده بود یا وجه دیگری است. در هر حال مراجعه کردم به آقای خلخالی؛ قبول کردند ولی وجه سابق را دریافت نداشتم. و قبض وصول شصت هزار روپیه [را] سابقاً فرستادم؛ لابد نرسیده است، اگر همان باشد. از سلامت خودتان گاهی مطلعم فرمایید. از خداوند تعالی عافیت جنابعالی را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۳۰شهریور ۱۳۵۴/ ۱۴رمضان۱۳۹۵[۳] مکان:نجف

موضوع:مقاومت اقشار مردم نوید موفقیتهای آینده

مناسبت: یازدهمین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

مخاطب:اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

۱۴ شهر رمضان المبارک ۹۵ بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا ـ ایّدهم الله تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، شماره بیست مکتب مبارز و مرقوم هیأت مدیره را ملاحظه نمودم. هجوم ناراحتیها و تراکم نگرانیهای ناشی از وضع رقتبار مسلمین ـ عموماً ـ و ملت عزیز ایران ـ خصوصاً ـ و عدم توجه مقامات مسئول به مصالح مسلمین و رفتار وحشیانه دستگاه ظلم با ملت ایران و خصوص علما و محصلین حوزه‌های علمیه و جوانان غیور دانشگاهی، تاب و توان را می‌برد و انسان آگاه را در تحت فشار خردکند، اگر نباشد امیدها و نویدهایی؛ و با خواست خداوند متعال

---

۱. آقای نصرالله خلخالی از دوستان امام خمینی، و وکیل ایشان در نجف.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۶.

۳. در صحیفه نور ذیل تاریخ ۱۳۵٤/٦/۳ درج شده است؛ در حالی که در نسخه خطی، تاریخ ١٤ رمضان ۱۳۹۵ هـ.ق. (مطابق با ۱۳۵٤/٦/۳۰ هـ.ش) آمده است.

نویدهایی در کار است که امید را به آتیهٔ نزدیکی تقویت می‌کند. طبیعی ساختمان بشری است که هرچه ستمکاری و ظلم و بی عدالتی در جامعه و ملتی اوج گیرد، به همان نسبت قوهٔ مقاومت در ملت رشد می‌کند. شاهد زنده، اوضاع اخیر ایران است.

شاه با تمام دستگاه عریض پلیسی دست و پا می‌زند که ملت را سرکوب کند تا با دل راحت به خدمت خود به اجانب ادامه دهد، و به خیانتهایی که به ملت مسلم و به اسلام می‌کند گاه از ناحیه وام دادن و گاه وام گرفتن و گاه اسلحه سرسام آور خریدن و پایگاههای نظامی برای اجانب درست کردن سرپوش نهد، در هر صحنه سازی مواجه با مخالفت و مقاومت ملت می‌شود. حزب تحمیلی[۱] بی سابقه در تمام دنیا آنچنان با مخالفت ملت مواجه شد و شاه را مفتضح کرد که برای سرپوشی آن به هر وسیله متشبث می‌شود که اذهان را منصرف کند ولی فایده ندارد. در شهر تهران، که گفته می‌شود سه و چند میلیون نفوس دارد، با تمام وسایل تبلیغاتی و پلیس و انواع تشبثات و ارعاب و تهدیدها به حسب آنچه به ما رسیده نتوانستند بیش از دویست هزار در شرکت در انتخابات بتراشند؛ و در شهر دویست هزار نفری قم بیش از چهار هزار نفر نتوانستند به طور تحمیل وارد کنند.

این حس مقاومت که در حال رشد است نوید پیروزی حتمی است. تظاهرات بی سابقه مدارس دینی و دانشگاههای سراسر ایران به حسب اعتراف شاه برای بزرگداشت ۱۵ خرداد، که شاه را دچار هیجان و سرگیجه نمود، بروز رشد ملت و عکس العمل فشار و اختناق است. نزدیک شدن مدارس قدیم و دانشگاهها و پیوستن جبهه‌های قدیم و جدید و نیز پیوستن اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا و امریکا واکنش اوج بی فرهنگی و بی عدالتی دستگاه است. و من امیدوارم که اتحادیه اروپا و امریکا به سایر دانشجویان که در ممالک دیگر از قبیل هند و پاکستان و بلاد

---

۱. حزب رستاخیز.

عربی و غیرها به سر می‌برند بپیوندند و دامنه فعالیت خود را توسعه دهند؛ و کوشش کنند اسلام و عدالت اسلامی را به همه طبقات برسانند تا اشتباهاتی که در طول چند قرن پیش آمده و چهرهٔ نورانی اسلام را به دست عمال استعمار پوشانیده است بزدایند.

از خداوند تعالی توفیق کافهٔ مسلمانان و خصوص طبقه جوان را در محو استعمار و عمال خائن آن خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۲مهر ۱۳۵۴/ ۱۷رمضان ۱۳۹۵ **مکان:** نجف

موضوع: بیداری و رشد سیاسی ملت

مناسبت: برگزاری هفتمین کنگره اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا

مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا

۱۷ شهر رمضان المبارک ۹۵ بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت انجمن اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا ـ ایّدهم الله تعالی

مرقوم شریف واصل، توفیق و تأیید شما جوانان غیور و سایر دانشجویان و روشن بینان که در راه اهداف مقدسه اسلام که در راس آن بسط عدالت اجتماعی و رفع بیدادگریها و بی فرهنگیهاست کوشش می‌کنید، از خداوند تعالی خواستارم. ما علاوه بر آن ستمکاریها و خونخواریها که در طول تاریخ از سلاطین و حکومتهای جور شنیده و در تاریخ خوانده ایم، در این ده سال اخیر که دور خروج ملتهای ضعیف از یوغ استعمار است، شاهد بزرگترین و وحشتناکترین جنایات رژیم منحط ایران بوده که برای حفظ منافع اجانب از هیچ جنایت و خیانتی کوتاهی نکرده؛ شاهد اتلاف بیت المال مسلمین و صرف ذخایر ملت گرسنه در راه خواستهای اجانب، شاهد

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۱۰ تا ۱۱۱.

خریداری میلیاردها دلار اسلحه برای حفظ پایگاههای نظامی اجانب، شاهد وام دادنها و وام گرفتنهای مخالف قانون و عقل، شاهد کشتارها و حبسها و شکنجه‌های قرون وسطایی. لکن آنچه موجب امید و آرامش است طلیعه بیداری ملت و رشد سیاسی طبقات مختلفه است. از رشد ملت است که نقشه‌های شوم اجانب که به دست شاه باید اجرا شود مواجه با مخالفت ملت می‌شود؛ رشد ملت است که حزب ساختگی شاه را با آن همهٔ رعد و برق و عربده رسوا کرد و شاه را گرفتار آشفتگی و هیجان کرد؛ رشد ملت است که با همه ارعاب و تهدید در انتخابات مفتضح شرکت نکرد، مگر مشتی جیره خواران و بستگان به دستگاه؛ رشد سیاسی دانشجویان قدیم و جدید است که به تبلیغات چند صد ساله اجانب و نقشه‌های تفرقه انداز استعمار پشت پا زده و در صف واحد در مقابل رژیم، مردانه ایستاده و از حقوق ملت مظلوم دفاع می‌کنند، و از شکنجه‌ها و حبسها و محرومیتها هراس ندارند؛ رشد دانشجویان قدیم و جدید است که در بزرگداشت ۱۵ خرداد، روز رستاخیر ملت، در سراسر کشور به تظاهراتی دست زدند که شاه را دچار سرگیجه نمود و دستور حملهٔ وحشیانه به مدرسهٔ فیضیه و دارالشفا، مهد تربیت اسلامی و کانون انفجار در مقابل ظلم و استبداد، صادر و محصلین قرآن و فقه اسلام را به اسم کمونیست پس از زجر و ضرب و جرح به زندانها و سربازخانه‌ها کشاند که سرنوشت آنها معلوم نیست.

با همهٔ اعمال ضد اسلامی و رفتار وحشیانه با علمای اسلام، دست از تظاهرات ریاکارانه بر نمی دارند و در این ماه مبارک رمضان دستگاههای ناشر فحشا و مراکز رادیو که در طول سال به پخش مطالب ضد مذهبی مشغولند، برای اغفال ساده لوحان، به پخش اذان و دعا و مناجات اشتغال دارند. لکن ملتی که از ناله‌های جانفرسای شکنجه گاهها و شیون مادرهای جوان از دست داده مطلع است، نباید از این تظاهرات مزوّرانه اغفال شود. دعا که وسیلهٔ مناجات با خداوند عدالت گستر است، اکنون وسیلهٔ بسط ظلم و اغفال نادانان برای چاپیدن هرچه بیشتر ذخایر ملت شده است.

نقطه روشنی که در این آخر عمر برای من امیدبخش است، همین آگاهی و بیداری نسل جوان و نهضت روشنفکران است که با سرعت در حال رشد است؛ و با خواست خداوند تعالی به نتیجهٔ قطعی که قطع ایادی اجانب و بسط عدالت اسلامی است خواهد رسید. شما جوانان پاکدل موظف هستید، با هر وسیله ممکنه، ملت را هرچه بیشتر آگاه کنید و از نیرنگهای گوناگون دستگاه پرده بردارید و اسلام عدالت پرور را به دنیا معرفی کنید. از خداوند تعالی توفیق همه را در این امر خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۲۴آبان ۱۳۵۴/ ۱۱ذی‌القعده ۱۳۹۵	مکان: نجف
موضوع: ابراز نگرانی از زندانی بودن علما	مخاطب: اشرفی، مصطفی

۱۱ ذی القعده ۹۵ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای اشرفی ـ دامت‌افاضاته

مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله مزاجاً سلامت و در حال حاضر گرفتاریهای زیادی موجب ناراحتی است و فعلاً قریب پانصد نفر از اهل علم در حبس و برای ...(۲) گرفتارند. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.

خدمت جناب ثقة الاسلام آقای اخوی ـ دامت افاضاته سلام برسانید.(۳)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۱۳ تا ۱۱٤.

۲. خوانده نشد.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۲۰.

◙ نامه

زمان: ۲۵ آبان ۱۳۵۴ / ۱۲ ذی‌القعده ۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: عدم ارسال وجه به نجف مخاطب: خمینی، سید احمد

۱۲ ذی القعده ۹۵ بسمه تعالی

احمد عزیزم

ان شاءالله تعالی سلامت باشید. ماها بحمدالله تعالی مزاجاً سلامت و روحاً ناراحت؛ خداوند تعالی اصلاح امور را بنماید. از ظاهر اوضاع معلوم می‌شود حوزه‌ها نخواهند ماند مگر خداوند تعالی فرجی عنایت فرماید. آنچه لازم است به آقا[1] بگویید عجالتاً وجه نفرستند و کسان دیگر هم تا اطلاع ثانی نفرستند تا ببینم چه‌شود. مطلب دیگر، به ایشان عرض کنید ده دلار برای مظالم تاکنون نرسیده است و من طرف را نمی شناسم. مطلب دیگر آنکه از قرار مسموع وضع عیال مرحوم آقای بروجردی[2] خوب نیست؛ به آقا عرض کنید ماهی پانصد تومان برای ایشان بفرستند. از سلامت خودتان مطلعم کنید. به خواهرها و خانم خودتان سلام برسانید. حسن[3] عزیزم را می‌بوسم. والسلام.

پدرت[4]

---

۱. آقای سید مرتضی پسندیده.

۲. آقای سید حسین بروجردی «از مراجع تقلید».

۳. آقای سید حسن خمینی.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۲۱.

▣ نامه

زمان: ۸آذر ۱۳۵۴/ ۲۵ذی‌القعده ۱۳۹۵ مکان: نجف
موضوع: وضع حوزه نجف مخاطب: احتمالاً پسندیده، سید مرتضی

۲۵ قع ۹۵ بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، مرقومات شریفه آنچه رسیده جواب داده ام؛ اینک جواب مرقوم مورخ ۷ قع[۱]:

صد دلار برای مظالم واصل شد. ۸۱۰ تومان برای نماز و روزه واصل شد. ان شاءالله اعمال جنابعالی در سفر حج، مقبول درگاه احدیّت جلّ شأنه باشد. ماها بحمدالله مزاجاً سلامت، لکن گرفتاریها را خواهید شنید. حوزه را باید گفت منقرض شد یا در شُرُف است مگر خداوند تعالی فرجی عنایت کند. اینجانب در کمال ناراحتی نفسهای آخر عمر را می‌کشم؛ از جنابعالی و سایر دوستان امید دعای خیر دارم.

لازم است عجالتاً تا اطلاع ثانوی از ایصال وجه برای نماز خودداری کنید. به سایرین هم اطلاع دهید. چون نمازگزاری معلوم نیست باقی بماند. والسلام علیکم.[۲]

▣ پیام

زمان: ۴مهر ۱۳۵۵/ ۱شوال ۱۳۹۶[۳] مکان: نجف
موضوع: افشای جنایات هیأت حاکمه ایران مناسبت: عید سعید فطر
مخاطب: عموم مسلمین و دانشجویان داخل و خارج کشور

شهر شوال ۹۶ بسم الله الرحمن الرحیم

عید سعید فطر را به عموم مسلمین و دانشجویان داخل و خارج کشور و عموم جوانان مسلمان ـ ایّدهم الله تعالی ـ تبریک می‌گویم. مبارک باد بر شما افراد روشنفکر

---

۱. ذی القعده.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۲۲.

۳. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۲۲۳، تاریخ آبان ۵۵ و در صحیفه نور (دوره جدید)، ج ۱، ص ۳۷۲، تاریخ مهر ۵۵ درج گردیده است.

و متدین که در راه اهداف شریفهٔ اسلام، که ضامن رفاه عموم و تأمین معنویات و مادیات بشر است، فداکاری می‌کنید. مبارک باد بر مسلمانانی که در راه دفاع از احکام اسلام و ممالک مسلمین و رهایی از یوغ استعمار و عمال خبیث آن، به حبس و تبعید و شکنجه و قتل تن می‌دهند و برای قطع ایادی ظلم با هر محرومیتی می‌سازند.

فطر، روزی است که خداوند تعالی برای مسلمین عید قرار داده تا با اجتماع خود در نماز و خطابه‌های مناسب با هر عصر، راه و روش خود را در مقابل اسلام و مقابل دشمنان خونخوار آن بیابند؛ گر چه اکنون با تبلیغات مضرّه، جمعه و جماعت خاصیت خود را از دست داده و برای مسلمین در وضع حاضر عیدی نمانده است.

در هر قُطری از ممالک مسلمین فتنه‌ها به دست عمال اجانب برپا است؛ فتنه‌هایی که با اساس اسلام و استقلال ممالک مخالف است. ایران مرکز تاخت و تاز اجانب خصوصاً امریکا و ایادی خبیثهٔ آن است، و بازیگران و کارشناسان خارجی هر روز نغمه ساز می‌کنند برای تضعیف ملت و اسلام عزیز؛ نغمه‌های شومی که هستی کشور را پس از چندی ساقط می‌کند. مخازن بزرگ این کشور زرخیز در مقابل مشتی اسلحه که برای ایران هیچ مصرف ندارد و طریق به‌کار بردن آن را نمی دانند از دست می‌رود. اخیراً شاه ـ این آلت فعل ـ زمزمهٔ خرید سه مقابل آنچه تاکنون خریده‌اند کرده و با این ترتیب، ایران در مقابل آهنپاره‌هایی بی مصرف، از هستی ساقط و پس از چندی مردم با فقر و فلاکت بیش از پیش دست به‌گریبان می‌شوند.

کارشناسان که می‌خواهند مخازن ما را بی مانع به غارت ببرند، برای تضعیف اسلام و محو اسم آن، نغمهٔ شوم تغییر مبدأ تاریخ را ساز کردند. این تغییر از جنایات بزرگی است که در این عصر به دست این دودمان کثیف واقع شد. بر عموم ملت است که با استعمال این تاریخ جنایتکار مخالفت کنند؛ و چون این تغییر: هتک اسلام و مقدمهٔ محو اسم آن است خدای نخواسته استعمال آن بر عموم حرام و پشتیبانی از ستمکار و ظالم و مخالفت با اسلام عدالتخواه است.

مردم باید الزاماً برای دودمان چنین جنایتکاران و پنجاه سال خیانت آنها یک

سال جشن بگیرند؛ گر چه این نغمه نامیمون هم با فضاحت روبه رو شد و جز عمال خودشان کسی شرکت نکرد و جز با سرنیزه، کسی روی خوش نشان نداد. مدرسهٔ فیضیه و دارالشفاء پایگاه فقه اسلامی و مرکز احرار و جوانان فداکار، غصب و در حال تعطیل باقی است. در مقابل، به مراکز فساد و فحشا هر چه بیشتر دامن زده می‌شود تا جوانان ما را به تباهی کشند و رشد معنوی نکنند و در مقابل خواست اجانب پایدار نباشند.

من با کمال تأسف از وضع ایران، به شما دانشجویان داخل و خارج امیدوارم؛ امید روزی که کشور از لوث وجود اجانب و عمال آنها پاک شود. شما ای جوانان عزیز! یأس به خود راه ندهید، حق پیروز است. این است شمه‌ای از وضع ایران. بسیار [ی] دیگر از ممالک مسلمین نیز گرفتاریهای بی حد دارند؛ آن لبنان که به مشتی خاک تبدیل شده است، چه خساراتی جانی و مالی که به مسلمین و خصوص شیعیان وارد نشده است؛ اجانب و عمال خائن آنها به جنگهای خانمانسوز دامن می‌زنند و مردم را از هستی ساقط کرده اند؛ و آن حال فلسطین و گرفتاریهای روزافزون آنجا. آنچه مورد کمال تأسف است، عدم رشد حکومتها و سران قوم است که با دست اجانب به مخالفت با هم برمی خیزند.

اکنون بر شما جوانان روشنفکر و دانشمند است که از اوضاع عبرت بگیرید و بر اجتماع خود افزایش دهید و از مخالفتهای بی‌اساس احتراز کنید، و مکتبهای بی‌اساس دیگران راکنار گذاشته، به مکتب مترقی اسلام روآورید، و در راه حق و محو باطل دست به دست هم دهید، و مردم را از اهداف پاک اسلام با خبر کنید، و از جنایات و خیانات عمال اجانب پرده بردارید؛ و از خداوند متعال استمداد کنید، «انّه ولیّ التوفیق». از خداوند تعالی تجدید مجد اسلام و مبارکی عید سعید مسلمین را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۷۰ تا ۱۷۲.

▣ نامه

زمان: ۱۳۵۵ه.ش ./ ۱۳۹۶ه.ق . مکان: نجف
موضوع: تأیید مطالب نقل شده در نامه ارسالی برای روحانیون هندوستان
مخاطب: روحانی «زیارتی»، سید حمید

[بسمه تعالی. سلام علیکم. شفای عاجل و صحت کامل آن حضرت را از خداوند منّان مسئلت می‌نمایم.[۱] نامه‌ای را که برای برادران مقیم هند نوشته‌ام نظر به اینکه از حضر تعالی نقل قول شده است لازم است که ملاحظه بفرمایید که کم و زیادی در فرموده شما نشده باشد. و در صورت مقتضی دستور بفرمایید که سلام حضر تعالی را و اظهار تأسف شما را از این ماجرا[۲] نیز برایشان بنویسم.... آنچه را که در مورد لبنان مرقوم فرموده اید، هنوز دریافت نداشته‌ام.[۳] ادام الله ظلّکم - روحانی]

بسمه تعالی

علیکم السلام، ان شاء الله تعالی موفق باشید. سلام و اظهار تأسف مانع ندارد. اجمالاً مصطفی[٤] از طبع کتاب مذکور گفت؛ موجب تأسف شد، گرفتاری شما را نادیده نمی توانم بگیرم،[٥] آنچه در این امر مقروض شدید مرقوم دارید.[٦]

---

١. امام خمینی در سال ١٣٥٥ در نجف دچار کسالت قلبی (انفاکتوس) شده بودند.

٢. اشاره به اختلاف پدید آمده فیمابین دو تن از روحانیون مقیم هند.

٣. اشاره به اعلامیه ای که قرار بود امام خمینی در رابطه با مسائل لبنان، برای انتشار در آن کشور به آقای روحانی بدهند.

٤. آقای سید مصطفی خمینی.

٥. کتاب «آوای انقلاب» که به وسیله آقای سید حمید روحانی در لبنان به چاپ رسید و به همین جهت عوامل حزب بعث عراق در بیروت ایشان را دستگیر و به مدت یک هفته در محل حزب بعث در بیروت زندانی کردند.

٦. صحیفه امام، ج ٣، ص ١٨٤.

▣ پیام

زمان: ۳مرداد ۱۳۵۶/ ۸شعبان ۱۳۹۷ مکان: نجف
موضوع: دعوت از مجامع فرهنگی برای افشای جنایات رژیم مخاطب: انجمن اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا

۸ شعبان المعظم ۹۷ بسم الله الرحمن الرحیم

انجمن اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا

مرقوم شریف واصل، مطالبی که مرقوم شده است جزئی از مفاسد رژیم فاسد دست نشاندهٔ حاضر است؛ و برگی از گرفتاریهای ملت مسلمان ایران است. مطالب پشت پرده بیش از آن است که ما بتوانیم تصور کنیم. کارهایی که تاکنون به دست این پدر و پسر دو عنصر دست نشانده اجانب واقع شده مقدمهٔ کارهای اساسی دیگر است که ملت ایران باید در انتظار آن باشند، اگر خدای نخواسته فرصت پیدا کند و ملت و سران آن فرصتها را از دست بدهند. اکنون به واسطه اوضاع داخلی و خارجی و انعکاس جنایات رژیم در مجامع و مطبوعات خارجی فرصتی است که باید مجامع علمی و فرهنگی و رجال وطنخواه و دانشجویان خارج و داخل و انجمنهای اسلامی در هر جا است بی‌درنگ از آن استفاده کنند و بی پرده به پا خیزند و به وضع حاضر و جنایات پنجاه سال حکومت غیر قانونی رژیم نوکرمآب پهلوی اعتراض کنند و صدای خود را به مجامع بین المللی برسانند و به رئیس جمهور امریکا بفهمانند که ملتهای اسلامی جنایات این خاندان را خصوصاً در سالهای اخیر از رؤسای جمهور امریکا می‌دانند. دولت امریکا با پشتیبانی از این عناصر در نظر مسلمین، در رأس ستمکاران و جنایتکاران تاریخ است. دولت امریکا برای استفادهٔ رایگان از منابع زرخیز مسلمین، میلیونها مردم شریف را به چنگال عناصری کثیف و دور از انسانیت گرفتار کرده؛ و اگر رئیس جمهور فعلی[1] تجدید نظر نکند و راه خود را از سلف

---

۱. جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده امریکا.

ناصالح جدا نکند، مسئولیت همهٔ جنایات که به دست مشتی از خدا بیخبر و دور از انسانیت می‌شود به عهدهٔ اوست.

نادیده گرفتن حقوق صدها میلیون مسلم و مسلط نمودن مشتی اوباش بر مقدرات آنها و مجال دادن به رژیم غیر قانونی ایران و دولت پوشالی اسرائیل برای غصب حقوق مسلمین و سلب آزادی و معاملهٔ قرون وسطایی نمودن، جنایاتی است که در پروندهٔ رؤسای جمهور امریکا ثبت می‌شود؛ و لازم است رئیس فعلی که وعده‌هایی داده است از کارهای جنایت بار دولتهای سابق اجتناب کند.

ما اکنون در انتظاریم که [آیا] دولت فعلی امریکا شرافت خود و ملت خود را فدای منافع مادی می‌کند و با نفت ملتی فقیر و شریف، شرافت خود و ملتش را شستشو می‌کند؛ یا با ترک پشتیبانی از این عناصر کثیف اعادهٔ حیثیت و شرافت حکومت خود را می‌نماید. من از انجمنهای اسلامی در هر جا هست تقاضا دارم که روابط خود را با هم هر چه بیشتر مستحکم کنند و عناصر مرموزی که در صدد تفرقه و شکاف بین آنهاست طرد کنند و به دیگران معرفی کنند و اسلام و احکام نجات بخش آن را سرلوحهٔ برنامهٔ خود قرار دهند. از خداوند تعالی توفیق و تأیید تمام مسلمین را در به کار بستن احکام نورانی قرآن و اسلام خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۰۹ تا ۲۱۰.

▣ پیام

زمان: ۴ مرداد ۱۳۵۶/ ۹ شعبان ۱۳۹۷ مکان: نجف
موضوع: عدم نقش اسلام در رژیم شاه
مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

بسم الله الرحمن الرحیم

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

مرقوم شریف واصل، نکته آنکه اینجانب خطاب به عموم نشریه دادم، علاقهٔ خاص به وحدت و همبستگی عموم مسلمین و خصوص طبقه جوان و دانشمندان عزیز در خارج و داخل کشور بوده است. اینجانب از وفاداری انجمنهای اسلامی در خارج از کشور و از طبقهٔ جوان داخل و خارج کشور در اهداف اسلامی که کفیل سعادت بشر در دنیا و آخرت و تا ابدیّت است، متشکرم.

نفاق مشتی اوباش و عمال اجانب نباید آقایان را در مقصد عالی خود سست کند و مسلماً نخواهد کرد. اسلام با این عناصر در طول تاریخ مواجه بوده، و طبقهٔ منافقین از صدر اسلام تاکنون لکهٔ ننگی بوده اند که خواسته اند مسلمانان حقیقی را از راه حق با حیله و تظاهر به اسلام باز دارند.

هم اکنون در عصر ما تظاهر به اسلام برای محو احکام مترقی آن سرلوحهٔ برنامهٔ شاه ایران و دار و دستهٔ منفعت پرست اوست؛ و مع الأسف این تظاهرات اسلام کش، بهانه برای راحت طلبان سودجو است که می‌خواهند از زیر بار مسئولیت فرار کنند؛ غافل از آنکه کید آنها از نظر خداوند تعالی و بندگان بیدار متعهد مخفی نیست، با تظاهر به اسلام، احکام اسلام را یکی پس از دیگری پایمال می‌کند؛ تاریخ پرافتخار اسلام را محو و به جای آن تاریخ ننگین ستمکاران و جباران را جایگزین می‌کند؛ در ایران تظاهر به اسلام می‌کند و در مصاحبهٔ خارجی می‌گوید مذهب هیچ نقشی در دولت ندارد! با سرکار بودن این عنصر ناپاک باید مذهب نقشی نداشته باشد. اگر مذهب نقشی داشت کاخهای این عناصر چپاولچی را به سر آنها خراب می‌کرد؛ اگر مذهب نقشی داشت این رژیم فاسد خیانتکار به ملت و اسلام را برمی چید. اسلام در

دولت تو نقشی ندارد که تمام مخازن کشور را در اختیار دشمنان اسلام گذاشته ای برای چند روز زندگی ننگین؛ مذهب نقشی ندارد که از یک طرف کاخهای آسمانخراش مشتی مفتخوار و در کنار آن کوخهای محقر مساکین و فقرا و مؤمنین است؛ مذهب نقشی ندارد که علمای محترم آن در حبس و شکنجه به سر می‌برند و فرزندان اسلام چه دانشگاهی و چه دانشجویان علوم اسلامی مورد هَتْک و لَطْم و شکنجه واقع می‌شوند؛ اگر مذهب نقشی داشت به مثل بستگان هیچکارهٔ تو مجال نمی داد که سلب آزادی از دوشیزگان دانشگاه و سایر مدارس کند؛ اگر اسلام نقشی داشت به مثل شماها مجال نمی‌داد که زمزمه تغییر تعطیل جمعهٔ مسلمین به تعطیل مسیحیان شود، به عذر سودجویی.

تمام مصیبتهای ما این است که در حکومت تو، مذهب و اسلام نقشی ندارد. سرچشمهٔ تمام مفاسد همین است : سلب استقلال کشور و به صورت مستعمره در آمدن آن، اختناق همه جانبه و گسترده در کشور، انباشته شدن زندانها از مردم آزاده، فقدان وسایل اولیهٔ زندگی، چپاول رفتن مخازن کشور، قبضه نمودن اسرائیل بازار را و مجال ندادن به بازرگانان غیر یهود، همه و همه از آن است که مذهب در نزد شاه و دولت او نقشی ندارد.

اکنون وظیفهٔ شما طبقهٔ روشنفکر و جوان، و سایر طبقات ملت از هر نوع و در هر شغل آن است که کوشش کنید که مذهب نقشی پیدا کند. با وحدت کلمه و کنار گذاشتن اختلافات موسمی و مبارزات منفی، و در موقعش مثبت، می‌توان مذهب را صاحب نقش کرد و مشتی محکم به دهان یاوه سرایان زد. از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین و توفیق خدمتگزاران به اسلام و مسلمین را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۹ شهر شعبان المعظم ۹۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۱۱ تا ۲۱۲.

◙ نامه

زمان: ۲۹ مهر ۱۳۵۶ / ۷ ذی‌القعده ۱۳۹۷ مکان: نجف
موضوع: ابراز نگرانی از وضعیت حوزه‌های علمیه مخاطب: طاهری اصفهانی، سید جلال الدین

۷ ذی القعده ۹۷ بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله سلامت هستم نسبتاً، لکن حوادث ناگوار بسیار و موجبات ناراحتی در داخل و خارج مجال تفکر را نمی دهد. از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستار است.

مطالبی که مرقوم شده بود جزئی از نابسامانیهای ما است. اینجانب خوف یک شکست آخری برای روحانیت دارم که متأسفانه از وضع خودمان پیش خواهد آمد؛ مگر لطف خداوند تعالی ما را بیدار کند که با حُسن تدبیر و عمل به وظایف بتوانیم مدتی دوام پیدا کنیم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۲.

الطاف خفيّهٔ خداوند
سرآغاز خیزش بنیان کن

▣ یادبود

زمان: ۱آبان ۱۳۵۶/ ۹ذی‌القعده ۱۳۹۷ مکان: نجف

موضوع: یادداشت تاریخ شهادت آقای سید مصطفی خمینی

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

در روز یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۹۷ مصطفی خمینی، نور بصرم و مُهجَهٔ[۱] قلبم، دار فانی را وداع کرد و به جوار رحمت حق تعالی رهسپار شد.

«اللّهم ارحمه و اغفرله و اسکنه الجنة بحق اولیائک الطاهرین علیهم الصلوة و السلام».[۲]

---

۱. خون، روح، روان.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۳.

الطاف خفیّهٔ الهی

این طور قضایا[۱] مهم نیست خیلی، پیش می‌آید. برای همهٔ مردم پیش می‌آید. و خداوند تبارک و تعالی الطافی دارد ظاهر و الطافِ خفیّه. یک الطاف خفیّه‌ای خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم، اطلاع بر او نداریم. و چون ناقص هستیم از حیث علم، از حیث عمل، از هر جهتی ناقص هستیم، از این جهت در اینطور اموری که پیش می‌آید جزع و فزع می‌کنیم، صبر نمی‌کنیم. این برای نقصان معرفت ماست به مقام باری تعالی. اگر اطلاع داشتیم از آن الطاف خفیّه‌ای که خدای تبارک و تعالی نسبت به عبادش دارد ﴿و انّه لطیف علی عباده﴾[۲] و اطلاع بر آن مسائل داشتیم، در اینطور چیزهایی که جزئی است و مهم نیست اینقدر بی‌طاقت نبودیم؛ می‌فهمیدیم که یک مصالحی در کار است، یک الطافی در کار است، یک تربیتهایی در کار است.[۳]

■ **نامه**

زمان: ۱۳آبان ۱۳۵۶ / ۲۱ذی‌القعده ۱۳۹۷ — مکان: نجف
موضوع: پیام تشکر — مناسبت: شهادت آقای سید مصطفی خمینی
مخاطب: روحانی (زیارتی)، سید حمید

۲۱ قع ۹۷ — بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای روحانی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف که از احساسات سرشار شما حکایت می‌کرد واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. گرچه واقعه، غیر مترقبه و ناگهان واقع شد لکن له الحمد امانت به دست صاحبش سپرده شد و در جوار جدش آرامید. و امید است که با سلامت روح و غیرآلودهٔ به دنیا رفته

---

۱. اشاره به شهادت آقای سید مصطفی خمینی، فرزند امام خمینی.

۲. اقتباس از آیه ۱۹ سوره شوری.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

باشد. بحمدالله تعالی، فرزندان اسلام برای پایداری راه حق فراوان و موجودند؛ و امید است با بیداری از غفلتهای گذشته جبران نقایص شود و راه حق هرچه بیشتر روشن، و عدالت اسلامی برقرار گردد. از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۱۳آبان ۱۳۵۶ / ۲۱ذی‌القعده ۱۳۹۷ — مکان: نجف
موضوع: جنایات استعمار و سلطنت پهلوی — مناسبت: شهادت آقای سید مصطفی خمینی
مخاطب: یاسر عرفات

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای یاسر عرفات

رئیس کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

مرقوم شریف که حاکی از عواطف جنابعالی بود موجب تشکر گردید، این مصیبتها در مقابل مصایبی که بر اسلام و مسلمین وارد شده و می‌شود ناچیز است.

اسلام عزیز قرنهاست با نفوذ اجانب، مواجه با انحرافها و کج فهمیها است. اسلام را که یکتا مکتب الهی مبارز است، با تبلیغات سوء عمال اجانب به شکل دیگر جلوه داده‌اند، قرآن کریم را که دستور الهی در قتال با مشرکین و مترفین و تنها کتاب آسمانی محرّک بر ضد استعمار و ظلم است، به گونه ای دیگر وانمود نموده اند، احکام نورانی و نجات بخش اسلام عزیز یکی پس [از] دیگری پایمال اغراض استعمار به وسیلهٔ عمال خبیث آنان می‌شود. «اسلام بزرگ» سد مقابل اجانب به دست خود فروختگان بی‌مایه شکسته می‌شود تا راه برای چپاول و غارتگری اجانب باز شود. سهل انگاری سران ممالک اسلامی و تشتت و تفرقهٔ آنها موجب سلطهٔ روزافزون مستعمرین بر مقدسات و مقدرات مسلمین شده است. ما در طول پنجاه سال سلطنت غیر قانونی دودمان سیاهروی پهلوی که مستقیماً و به حسب اعترافات

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۵۳.

شاه فعلی مأمور اجانب بوده‌اند، مبتلا به مصایبی بوده‌ایم که «تصغر عندها المصائب».[۱] ما در زمان شاه سابق شاهد کشتارها، چپاولها، اختناقهای طاقتفرسا بودیم. ما شاهد قتل عام مسجد گوهرشاد جنب حرم مطهر ثامن الائمه ـ علیهم السلام بودیم. ما شاهد اسارت علمای بزرگ خراسان و آذربایجان و قتل بعض از آنها بودیم. ما شاهد چیزهایی بودیم که به تفصیل، آن در تاریخ آتیه ثبت خواهد شد.

و در زمان شاه فعلی شاهد فجایعی بوده و هستیم که روی چنگیز را سفید کرده؛ شاهد قتل عام فجیع غیر انسانی ۱۵ خرداد «دوازدهم محرّم» بودیم که عدد کشتگان آن به قراری که می‌گویند بر پانزده هزار نفر بالغ بود و تعداد زخمیها را خدا می داند. ما شاهد هجوم به مدارس دینیه و دانشگاهها بودیم که در آنها قتلها و غارتهای فراوان و اهانت به قرآن کریم و کتب مقدس اسلامی و هتک و ضرب طلاب علوم دینیه و آتش زدن کتابهای آنان و در دانشگاه ضرب و جرح جوانان و دختران بودیم. ما شاهد زندانهای مملو از علما و دانشمندان و آزادیخواهان که در آنها شکنجه های قرون وسطایی امری عادی بود و هست، بودیم.

ما شاهد بودیم که در زمانی که مسلمین با کفار اسرائیل در حال جنگ بودند، دولت ایران به امر شاه، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت و علما مخالفت کردند. ما شاهد کمکهای این مرد سیاهدل به اسرائیل بودیم و در حالی که مسلمین را آواره می کردند و به خاک و خون می‌کشیدند، نفت و اسلحه و کمکهای دیگر که بودجه آن از خون دل و دسترنج ملت ایران تهیه می‌شد در اختیار آنها می‌گذاشت. ما شاهد به اصطلاح «اصلاحات ارضی» بودیم که زراعت ایران را به باد داد و بازار برای امریکا درست کرد و ایران را تا لب پرتگاه کشاند. ما شاهد این همه مصیبتها و انحرافات و خیانتها بوده و هستیم که مصیبتهای شخصی را باید فراموش کنیم.

و من چون مسائل لبنان را با اهمیت تلقی می‌کنم خوف آن دارم که همان طور

---

۱. مصیبتها نزد آن کوچک است.

که ایران را به شکل مستعمره برای امریکا در آورده است، با حیله‌های عمال خبیث سفارت در لبنان نیز چون ایران عمل شود و اسرائیل با خیال راحت نقشه هایش را در منطقه پیاده کند و شما باید باکمال هوشیاری اعمال سفارت ایران را تحت نظر بگیرید و از نیرنگهای آن جلوگیری کنید.

من آنچه گفتنی است چه در ایران و چه در حال تبعید گفته ام و هر چه بگویم جزئی از مصیبتهای امت است ولی ناچارم برای چندمین بار تکرار کنم که تأسف شدید من در عدم وحدت کلمهٔ سران دول اسلامی است خصوصاً دول عرب. تا زمزمهٔ وحدت و اتفاق می‌شود عمال استعمار با نیرنگهای خاص خودشان موجبات اختلاف و تفرقه ایجاد می‌کنند. هفتصد میلیون یا بیشتر مسلم و صد میلیون یا بیشتر عرب نتوانسته اند استقلال حقیقی به دست بیاورند. و نتوانسته‌اند از چنگ استعمار رهایی یابند و نتوانسته اند مشتی یهود اسرائیل غاصب راکه سرزمین مردم و تاریخ و میراث ما را به خطر تهدید می‌کنند عقب بزنند و سرزمینهای خودشان را پس بگیرند. اینها و بسیار مطالب دیگر است که در طول قریب به پانزده سال گفته و نوشته ام.

وظیفهٔ اسلامی و ملی شماست که اضافه بر وظایف انقلابیتان در راه آزاد کردن سرزمین فلسطین، در راه وحدت دول عرب و اتفاق کلمه آنها جدیت و فداکاری کنید. ما فداکاری و جهاد مقدس شما را فراموش نمی‌کنیم و از خداوند تعالی توفیق و نصرت شما را در راه عظمت اسلام و مسلمین خواهانیم و قطع ایادی استعمار و اشرار را امیدوار و آرزوی ما آن است که سرزمین فلسطین و مسجداقصی از صهیونیسم تطهیر شود و مردم فلسطین به سرزمین خویش باز گردند. والسلام علی من اتبع الهدی.

۲۱ ذی القعدة الحرام ۹۷

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۵٤ تا ۲۵٦.

▣ نامه

زمان: ۱۳آبان ۱۳۵۶ / ۲۱ذی‌القعده ۱۳۹۷
مکان: نجف
موضوع: پاسخ تسلیت شهادت آقامصطفی خمینی
مخاطب: فارسی، جلال‌الدین لبنان

۲۱ ذی القعده ۹۷ بسمه تعالی

جناب آقای جلال الدین فارسی - حفظه الله تعالی

مرقوم شریف که متضمن عواطف کریمه و تسلیت در این واقعه بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستارم. من امید داشتم که این مرحوم، شخص خدمتگزار و سودمند برای اسلام و مسلمین باشد؛ ولی لا رادّ لقضائه[۱] ﴿و ان الله لغنی عن العالمین﴾.[۲]

بحمدالله تعالی طبقات مسلمین خصوصاً در ایران، به جنبش آگاهانه گراییده‌اند و به هیچ وجه قائم به شخص یا اشخاص نیست، و امید است بزودی به نتیجهٔ مطلوبه، که اجرای احکام الهی و کوتاهی دست جباران و مترفین است برسد؛ و به برکت نویسندگان آگاه و دلسوز، انحرافات مشهوده از میان برخیزد و ملتها، خصوص ملت ایران، حکومت حق و عدالت اسلامی را مشاهده کنند. «انه قریب مجیب». از زحمات جنابعالی برای سامان دادن به جنگزدگان متشکرم؛ و اگر از من تأییدی بخواهید کیفیت آن را مرقوم دارید تا ان شاءالله مع الامکان عمل شود. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. قضای او را هیچ برگرداننده ای نیست.

۲. بخشی از آیه ٦ سوره عنکبوت: «همانا خداوند از عالمیان بی نیاز است».

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۵۸.

◘ پیام

زمان: ۲۱ آبان ۱۳۵۶/ ۲۹ ذی‌القعده ۱۳۹۷ مکان: نجف
موضوع: وظیفه عمومی در قبال رژیم پهلوی، اسلامخواهی ملت ایران
مناسبت: شهادت آقای سید مصطفی خمینی مخاطب: علمای اعلام و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

اینجانب از عموم طبقات ملت مظلوم ایران که در این حادثهٔ ناگهانی اظهار محبت و همدردی نموده اند تشکر می‌کنم. از مراجع عظام ـ دامت برکاتهم ـ از علمای اعلام ـ دام بقائهم ـ از خطبای محترم و دانشمندان و مدرسین و محصلین علوم دینیه و روشنفکران محروم و دانشگاهیها، از بازرگانان و کسبهٔ تحت فشار دولت غاصب و از سایر طبقات مظلوم ایران ـ ایّدهم الله تعالی ـ سپاسگزارم.

ما با گرفتاری عظیم و مصیبتهای دلخراشی مواجه هستیم که باید ذکری از مصایب شخصی نکنیم؛ لکن این تظاهرات عظیم[1] در این فرصت، جواب قولی و عملی از یاوه سراییهای چندین سالهٔ این عنصر نالایق بود که تمام حیثیت و شرافت و استقلال و اقتصاد این ملت بزرگ شریف را پایمال اهوای[2] خود و فامیل چپاولگر خود نمود. این تظاهرات برای شخص نبود؛ اظهار تنفر از دستگاه جبار و رفراندم حقیقی و رأی عدم اعتماد بر دستگاه خیانتکار بود. باید اینها بدانند که اگر یک روز در پناه سرنیزهٔ اجانب نباشند ملت نجیب ایران انتقام خون جوانان و عزیزان خود را از آنها می‌گیرند. من ناچارم اعلام خطر بزرگی بکنم و ملت را از اغفال و خدعهٔ اجانب و عمال آنها نجات دهم. این مسامحهٔ اخیر دولت که نویسندگان را مجال نوشتن و گویندگان را مجال گفتن داد حیلهٔ بزرگی است برای تطهیر شاه و وانمود کردن آزادی

---

۱. برگزاری مراسم و تظاهرات مردم مسلمان ایران پس از آگاهی از شهادت آقای سید مصطفی خمینی.

۲. هواها، هوسها.

ادعایی؛ و جنایات را به گردن دولت که آلتی بیش نیست انداختن. نویسندگان نیز نمی‌توانند در این محیط خفقان و ارعاب، هسته مرکزی جنایات را که شخص شاه است معرفی کنند؛ و شاید نویسندگانی از خودشان نیز باشند که در بین نویسندگان با شرف خود را جا بزنند و به دولتها حمله کنند و بعض جنایات را ذکر کنند، و مردم را از نقطهٔ حساس جنایت و خیانت اغفال کنند، و اذهان سادهٔ زودباور را منحرف کنند. در حالی که تمام گرفتاری ملت ایران در این پنجاه سال سلطنت غیرقانونی دودمان خیّانتکار پهلوی از شخص آن پدر و این پسر سیاهروی بوده و هست؛ اینها بودند و هستند که دستشان تا مرفق در خون ملت مظلوم فرو رفته. آن پدر که قتل عام مسجد گوهرشاد و اهانت به مرقد مطهر ثامن الحجج علیه السلام کرد و این پسر که قتل عام ۱۵ خرداد را مرتکب شد و اهانت به مرقد مطهر فاطمهٔ معصومه نمود، آن پدر که علمای بزرگ و فقهای عظیم الشأن و آزادیخواهان را به جرم حقگویی، حبس و زجر و شکنجه و تبعید و کشتار کرد، و این پسر که همان معامله را سخت تر با علما و خطبا و آزادیخواهان و روشنفکران و سایر طبقات نمود. آن پدر که چنان سلب آزادی از ملت کرد که نه ملت حق یک کلمه حقگویی داشت و نه مجلس و نه مطبوعات، و این پسر که همه می‌بینید و حال طبقات ملت و مجلس و مطبوعات به همه معلوم است. آن پدر که تمام املاک شمال را با زور و حبس و تبعید و قتل از مردم گرفت و برای خودش ثبت داد، و این پسر که ذخایر ملت را در بانکهای خارجی انبار کرده و خون مردم را خود و فامیل و بستگانش تا آخرین قطره مکیده و می‌مکند. ما آن پدر را با تمام جنایات و خیانتهایش دیدیم و رنجها کشیدیم، و اکنون ما و شما مواجه با جنایات این خلف صدق! هستیم و رنجها می‌کشیم. اکنون می‌خواهند این شخص را تطهیر کنند تا به جنایاتش ادامه دهد. می‌خواهند با آزادی محدود در چهارچوب توجه دادن جنایات را به دولتها، قلوب ساده را آرامش دهند و اذهان صاف را منحرف کنند، و هستهٔ مرکزی خیانتها و جنایتها را فراموش کنند. غافل از آنکه وقت گذشته و ملت از

روحانی و دانشگاهی تا طبقه کارگر و زارع، مرد و زن، بیدار شده اند. این رنجدیده‌ها و مصیبت کشیده‌ها محال است با این دودمان آشتی کنند و با ادامهٔ سلطنت باطل، ولو برای یک روز، موافق باشند.

ملت ایران مسلمان است و اسلام را می‌خواهد؛ آن اسلامی که در پناه آن آزادی و استقلال است، رفع ایادی اجانب است، هَدْم پایگاههای ظلم و فساد است، قطع کردن دستهای خیانتکاران و جنایتکاران است. ملت آن دودمانی را نمی خواهد که تمام مقدسات و مقدرات آنها را به دست اجانب سپرده، تمام مخازن نفت و غیر آن را به باد داده، اقتصاد کشور را به فنا سپرده، کشاورزی را ساقط کرده، اختیار ارتش را به دست صاحب منصبان و کارشناسان امریکا داده و آنها را مصون و مختار کرده است، و دیگر جنایات و خیاناتی که در تاریخ آتیه ثبت خواهد شد. اکنون با همهٔ کثافتکاریها چون به حسب اقتضای وقت و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در تنگنا قرار گرفته در صدد است که با آزادیهای محدود بی معنی، خود را از معرکه خارج و مقام خود را مستحکم کند و محیط را مهیا برای اجازهٔ بقای حکومت خود کند، و بار دیگر حملهٔ سَبُعانه را با وضعی فجیعتر و دردناکتر شروع کند و بر حرث و نسل رحم نکند. اکنون وظیفهٔ عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است از فرصت استفاده کنند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین المللی و سایر جوامع بشری برسانند، و بر ارتش و سران آن است که خود را از ننگ اسارت در دست اجانب نجات دهند و مملکت خود را از هلاکت و سقوط برهانند. و اخیراً تذکر می‌دهم که اشخاص ارزنده و متعهدی که ابتکار عمل در دست آنهاست از معرفی خود شدیداً احتراز کنند، و از تجربیات سابق پند بگیرند و در پناه اسلام و چهارچوب موازین اسلامی به فعالیت

بپردازند، و از همکاری باکسانی که صد در صد در این چهارچوب فعالیت ندارند احتراز نمایند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستار، و قطع ایادی اجانب را امیدوارم و سلامت و توفیق و تأیید همهٔ طبقات را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۲۹ ذی القعدة الحرام ۹۷

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۲۵آبان ۱۳۵۶/ ۴ذی‌الحجه ۱۳۹۷ (۲) مکان: نجف

موضوع: ادامه مبارزه تا نجات اسلام مناسبت: شهادت آقای سید مصطفی خمینی

مخاطب: دانشجویان خارج کشور و مسلمانان ایران و جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت عموم دانشجویان محترم خارج کشور و سایر گروهها و افراد ارزنده‌ای که در اروپا و امریکا و هندوستان و سایر اقطار جهان که وقت و عمر خود را در راه اهداف عالیهٔ اسلامی برای وصول به مدارج کاملهٔ انسانیت، و نجات بشریت از اسارت به دست اقشاری آدم نما و درندگانی در لباس بشر صرف می‌کنند.

اینجانب از تمام حضرات آقایان که در این حادثه که جزئی ناچیز از حوادثی است که بر فرزندان اسلام می‌گذرد، اظهار محبت کرده، تسلیت داده‌اند تشکر کنم؛ و به همهٔ گروهها یا افرادی که از وطن عزیز خود به علت نابسامانیها و اختناق پلیسی هجرت نموده اند، در جوار قبر مولای متقیان علیه ـ الصلوة و السلام ـ دعا می‌کنم، و توفیق هر چه بیشتر همه را در خدمت به اسلام، که کفیل نجات بشریت از همهٔ ابعاد

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲٦۰ تا ۲٦۲.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۲۵۲، ذیل تاریخ ٥٦/۹/۲٤ درج شده است، اما تاریخ مندرج در ذیل نسخه خطی، ٤ ذی الحجه ۱۳۹۷ می‌باشد.

عقب ماندگیهاست، از خداوند متعال می‌طلبم.

من به شما و سایر برادران که در داخل کشور زیر چکمهٔ پلیس و در زندانها و شکنجه گاهها به سر می‌برند و با محرومیتها و مصیبتهای جانفرسا، دست به گریبان هستند، و به خاندان کسانی که در راه حق، زیر شکنجهٔ شاه، جان خود را فدا کردند، امید نصرت و پیروزی می‌دهم؛ به شرط آنکه کوششها برای حق باشد و برای نصرت دین حق که با پیوستگی به آن از نصرت خدای تعالی برخوردار خواهید شد؛ و به شرط کوشش در وحدت کلمه و هم پیوستگی در راه حق و برای نجات کشور خود و سایر کشورهای اسلامی تحت فشار اجانب.

من به این جنبش و بیداری عمومی که در کشورهای اسلامی عموماً و در ایران خصوصاً پدید آمده، و به این تنفر و انزجار عمومی از دستگاههای ظلم و وحشیگری و استعمار و استعمارگران، امیدها دارم. این بیداری و تنفر عمومی، موقت و زودگذر نیست و تا پایان دادن به دستگاه جباران، و خاتمه دادن به ظلم ستمکاران ادامه دارد؛ و به دنبال ظلم بی حد دستگاههای جبار و محرومیتهای روزافزون ملتهای ستمدیده انفجاری است که قدرتهای دست نشانده ای را که برای دربند کشیدن ملتها و چاپیدن مخازن آنها گماشته شده اند در کام خود فرو می‌برد، و انتقام الهی از ستمکاران گرفته می‌شود.

شما و ما در هر جا که هستیم و با هر وضعی که رو به رو هستیم باید خود را برادر دانسته و با هم، پیوستگی مستمر برقرار سازیم و با برادران داخل کشور در هر لباس که هستند دست برادری بدهیم، و برای رفع اختلافات که به دست اجانب رخ داده و دستگاه جبار و عمال اجانب پیوسته بر آن دامن می‌زنند کوشش کنیم. و باید بدانیم تا اختلاف بین طبقات ملت خصوصاً بین روحانیون و دانشجویان با روشنفکرانشان وجود دارد باید از پیروزی مأیوس باشیم.

اکنون که فرصت موقت به دست آمده است باید با هوشیاری و دوراندیشی و

وحدت کلمه، گروههای صد در صد پایبند به اسلام و علاقه مند به مسلمین از آن استفاده کنند و نگذارند فرصت جویانی که یک قدم و یک قلم برای اسلام و ملت شریف ایران برنداشته اند، اکنون از این فرصت استفاده کنند و خود را به صورت وطنخواهی و آزادیخواهی در بین مردم رنجدیده برای رسیدن به وزارت و وکالت داخل کنند، یا با نوشتن چند مقاله که در آن نه اسمی از اسلام و نه اسمی از هستهٔ مرکزی فساد است، جای خود را بین ملت باز کنند؛ و اگر خدای نخواسته به مقامی برسند، همان خیانتها و همان سرسپردگیها و همان رنجها و مصیبتها تکرار شود. این نحو مقالات و اعلامیه‌ها از بعض عناصر شناخته شده، اگر با دست سازمان امنیت و برای نگه داشتن شاه که سرچشمهٔ همهٔ بدبختیهای کشور و ملت است نباشد، بی شک برای صلاح ملت و حفظ اساس اسلام که حافظ و نگهبان استقلال و تمامیت کشورها و ضامن عدالت اجتماعی و آزادیها است، نیست.

آن روز که طبقات مختلفهٔ مردم مسلمان از روحانی گرفته تا دانشگاهی، از مهندسها و دکترها گرفته تا بازاریها و کارگران و دهقانان در زیر چکمهٔ عمال اجانب خرد می‌شدند؛ آن روزی که قتل عام ۱۵ خرداد و غارت مدارس دینی و غیر آن به دست عمال اجانب رخ داد؛ آن روزی که زندانها از مدافعین اسلام و آزادیخواهان مملو بود؛ آن روزی که تاریخ پر افتخار اسلام که مبدأ عدالت و آزادی و رشد فردی و اجتماعی و سیاسی است، به تاریخ ارتجاعی شاهنشاهی و مجوسی گرایی برگرداندند؛ آن روز که حزب مفتضح رستاخیز را برای سرکوبی ملت و رواج هر چه بیشتر دزدی و ستمکاری اعلام کردند؛ آن روز که به اسم انقلاب سفید که خونین ترین انقلاب بود، بازار برای اربابان خود درست کردند و کشاورزی کشور را به دست فنا سپردند؛ آن روز که همهٔ فجایع ضد مذهبی و ملی را مرتکب شدند، یک نفر از اینها نفس نکشید و جوانان روحانی و دانشگاهی با پشتیبانی ملت از کشاورز و کارگر تا بازاری جان خود را به کف گرفته از حق دفاع کردند.

اکنون که احتمال استفاده است، یا از شاه به پاداش انحراف اذهان از او و توجه دادن جنایات را به دولت، یا از ملت به احتمال تغییر رژیم، قلمها را به دست گرفته و به طور محدود و ریاکارانه مطالبی نوشته اند. ملت ایران و تمام طبقات، روحانی و غیره، باید باکمال احتیاط و روشن بینی ابتکار عمل را در دست بگیرند و این چند نفر منفعت طلب را مأیوس کنند. و باید شاه و دار و دسته اش بدانند که چه در ملاقات با رئیس جمهور امریکا موفق به تجدید نوکری و تثبیت مقام غیر قانونی بشود یا نشود، ملت ایران او را نمی‌خواهند و دست از مبارزه بر نمی دارند، تا انتقام جوانان به خون آغشته خود را بگیرند و اسلام و احکام آن را از دست این دودمان نجات دهند. از خداوند تعالی اصلاح حال مسلمین و نجات کشورهای اسلامی را از دست اجانب چپ و راست مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۴ شهر ذی الحجه الحرام ۹۷ روح الله الموسوی الخمینی(۱)

◙ پیام

زمان:؟ مخاطب: فضلا و طلاب حوزه علمیه اصفهان

موضوع: تشکر از حمایت حوزه اصفهان از نهضت اسلامی و توصیه به صبر و شجاعت

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی سعادت عموم محصلین محترم و فضلای معظم حوزۀ علمیه اصفهان ـ دامت تأییداتهم

محترماً معروض می‌دارد مرقومات شریفه مبنی بر احساسات دینیه و پشتیبانی از هدف مقدس اسلامی موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق و تأیید حضرات آقایان را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید. خداوند ان شاءالله افاضل عظام راکه ذخایر عزیزه برای اسلام مقدس هستند در کنف لطف خود از شرّ اشرار حفظ فرماید.

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲٦٥ تا ۲٦٧.

به شما افاضل عظام اطمینان می‌دهم که اگر با خلوص نیت در راه شریعت مطهره خدمت کنید عزت و عظمت از آن شما است ﴿فللّه العزة و لرسوله و للمؤمنین﴾.[1] در هدف مقدس خود که حفظ اسلام و احکام اسلام است قوی و مستقیم باشید، و از خدای تعالی استمداد فرمایید و به ولی عصر ـ عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ـ مُلْتَجی[2] شوید و از شیاطین عصر نهراسید.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و خدمتگزاران به اسلام را خواستار است.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی

مطلبی را که مرقوم شده بوده مورد توجه است و در نظر اینجانب بین فضلای اینجا و جاهای دیگر فرقی نیست همه مورد اخلاص من هستند.[3]

▣ پیام

زمان: ۲بهمن ۱۳۵۶/ ۱۲صفر ۱۳۹۸ — مکان: نجف
موضوع: نوید پیروزی — مناسبت: قیام ۱۹دی مردم قم
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام به روحانیت مترقی شیعه که با هم پیوستگی زایدالوصف در مقابل سرنیزهٔ عمال بی حیثیت اجانب ایستاده و از هیاهو و دست و پا زدنهای مذبوحانهٔ آنها نهراسید. سلام به روحانیون و علمای اعلام مذهب از نجف اشرف تا سراسر ایران که با وحدت کلمه در مقابل ستمکاران و چپاولگران به جواب مثبت دست زدند. درود بر جوانان غیور حوزهٔ علمیه بیدار قم و سایر حوزه‌ها که با سرفرازی به نهضت روحانیت ادامه و رونق دادند. درود بر جوانان پرشور آگاه دانشگاههای ایران که با قیامهای هوشیارانهٔ

---

۱. برگرفته از سوره منافقون، آیه ۸: «عزت از آن خداو پیامبرش و مومنان است».

۲. پناهنده.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲٦۸.

پیاپی، وفاداری خود را به اسلام بزرگ و کشور عزیز خود ثابت کردند.

سلام و درود بر ملت بزرگ هوشمند ایران که با همهٔ اختناق و فشار، از اسلام عدلپرور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند. رحمت خداوند بر مقتولین ۱۵ خرداد «دوازده محرّم»، و ۱۹ دی و «۲۹ محرّم» امسال. محرّم چه ماه مصیبت زا و چه ماه سازنده و کوبنده ای است، محرّم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکست ستمکار را به فدایی دادن و فداشدن دانست؛ و این خود سرلوحهٔ تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر.

نهضت ۱۲ محرّم «۱۵ خرداد» در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند، و ملت بزرگ را چنان هوشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه پرستان ربود و حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. نهضت اخیر که پرتوی از نهضت ۱۵ خرداد است و شعاعش در سراسر کشور نور افکنده، خود کوبندگی خاصی دارد که شاه را از خود بیخود کرده و او و دار و دستهٔ چاقوکشش را به تلاش مذبوحانه واداشته، جنایات ۲۹ محرّم امسال نقطهٔ عطفی است به جنایات شاهانه ۱۲ محرّم آن سال. شاه خواست ضرب شستی به ملت مسلمان نشان دهد؛ پس از تمامیت حساب با رئیس جمهور امریکا با بهانهٔ مختصری که مأمورین ایجاد کردند، مرکز تشیع و حوزهٔ فقاهت اسلام را در جوار مرقد پاک فاطمهٔ معصومه ـ سلام الله علیها به مسلسل بست و جمعیت بیگناه فراوانی از جوانان حوزهٔ علمیه و متدینین غیور شهر مذهبی قم را در خاک و خون کشیده به قتل رساند؛ و تاکنون آمار آنها در دست نیست، و مقتولین را از هفتاد تا سیصد، تا حال گفته‌اند و عدد مجروحین را خدا

می‌داند. و أسف‌آورتر «که ننگش بر جبین آنها خواهد ماند» آنکه کسانی که رفته‌اند خون به مجروحین در بیمارستانها بدهند، توقیف کرده و مانع شده اند از اعطای خون؛ و گفته می شود کسانی به این جهت جان داده اند.

شاه می‌خواهد ثابت کند که نوکری او تحکیم شده؛ و ملت نباید گمان کند [او] از پشتیبانی اجانب برخوردار نیست؛ ولی ملت با تظاهرات عمومی و تعطیل سرتاسری دامنه دار و اظهار تنفر، بار دیگر ثابت کرد که او را نمی‌خواهد و از او و خاندانش بیزار است؛ و این رفراندم طبیعی سرتاسری در حقیقت خلع او از سلطنت غاصبانهٔ جابرانه است. کارتر و دیگر غارتگران مخازن ملتهای مظلوم باید بدانند محمدرضا خان، خائن و یاغی است و ناچار از سلطنت مخلوع است؛ بر فرض قانونی بودن؛ چه رسد به سلطنت انتصابی از قبل اجانب که خودش اعتراف نموده. به ملت شریف ایران مژده می‌دهم که رژیم جائرانه شاه نفسهای آخرش را می‌کشد، و این قتل عامهای بی رحمانه نشانهٔ وحشتزدگی و حرکات مذبوحانه است. مضحک و بسیار رسوا، این مانورهای وقیحانه و بچگانه است که پس از داغ باطله از طرف عموم ملت خوردن، به راه انداخته اند و مشتی سازمانی و اراذل و اوباش از خودشان و جمعی ضعفا و بیچارگان را با زور سرنیزه از اطراف جمع آوری و در شهرها به فریاد و جنجال «جاوید شاه» وادار می‌کنند، و گمان می‌کنند جبران تعطیل عمومی بازارهاست و با این سیلیها می توانند صورت سیاه خود را سرخ کنند. من به ملت ایران با این بیداری و هوشیاری و با این روحیهٔ قوی و شجاعت بی مانند نوید پیروزی می‌دهم؛ پیروزی توأم با سربلندی و افتخار؛ پیروزی توأم با استقلال و آزادی؛ پیروزی توأم با قطع ایادی اجانب و چپاولگران؛ پیروزی با برچیده شدن بساط ستمگران و انقراض دودمان سیاهروی پهلوی. ملتی که با هوشمندی و پیوستگی همهٔ طبقات از روحانی تا دانشگاهی، از منبری تا بازاری، از دانشجوی داخلی تا خارجی، از کارگر تا دهقان، به پا خاسته و تب و تاب اسلام عدالتپرور دارد پیروز است. ملتی که

با دادن بهترین جوانان برومند خود با سرافرازی به مخالفت و تنفر از دستگاه جبار ادامه می دهد پیروز است. ملتی که حتی بانوان محترمه اش با تظاهرات محجوبانه بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می‌کنند، پیروز است. ملتی که مادران و خواهران شیردلش افتخار به مرگ جوانان برومندش می‌کند که در صف شهدا هستند، پیروز است. ملتی که جوانان و دانشجویان داخل و خارج کشورش مجال تفکر را از شاه و اربابانش سلب کرده، پیروز است. ملتی که با همهٔ تشبثات شاه و دار و دسته‌اش در امریکا با تظاهرات پرشور و رعدآسای جوانان رشیدش در مقابل کارتر و شاه، کاخ سفید را به لرزه در آورده و تنفر خود را نثار آنها کرده، پیروز است. ملتی که پشتیبانش اسلام و قرآن و نهضتش برای خدا و بسط عدالت و محو ستمکاری است، پیروز است. شما ای ملت شریف بزرگ پیروزید؛ با دیدن خسارات بسیار و دادن فدایان بیشمار.

روسیاه باد رژیمی که علمای عظیم الشأن اسلام را با رژیم منحط خود و انقلاب خونین رسوای خود موافق معرفی می‌کند. رسوا باد رژیمی که از وحشتزدگی می خواهد با افترای به فقهای مذهب، ملت را اغفال کند. ملت ایران که پیشرو آن روحانیت است با انقلاب قلابی که به امر اجانب سودجو انجام گرفت سرسختانه مخالف است. ملت ایران اصلاحات ادعایی را که به بدبختی ملت و بازارسازی برای اجانب و ورشکستگی زراعت منتهی شد افساد و خرابکاری می‌داند. در کشوری که مردمش در این پنجاه سال حکومت جائرانه پهلوی روی آزادی ندیده اند، دم زدن از آزادی زنها مسخره و اغفال است. رژیمی که در مأموریت برای وطنش از جانب اجانب، سرلوحهٔ خدمتش محو اسلام و احکام آن است و با تغییر تاریخ پرافتخار اسلام به تاریخ ستمکاران و روسیاهان تاریخ می‌خواهد اسم اسلام را محو کند، دم زدن از اسلام و قرآن کریم جز فریب و مضحکه عنوانی ندارد.

باید این رژیم فاسد ارباب و نوکری بداند که وقت گذشته؛ و این تبلیغات

تارعنکبوتی نمی تواند ملتی را که با کمال بیداری و هوشمندی بپاخاسته اغفال کند. خدای تعالی و اسلام عزیز پشتیبان ملت است.

من با کمال تواضع دست خود را به سوی ملت نجیب ایران دراز می‌کنم؛ از روحانیون عظیم الشأن تا خطبای ارجمند، از جوانان محترم حوزه‌های علمیه تا دانشجویان دانشگاهها، از بازاریان محترم تا کارگران و دهقانان و جناحها و طبقات محترم داخل و خارج کشور ـ ایّدهم الله تعالی ـ و از همه صمیمانه و با عرض تشکر خواستارم که پیوستگی و وحدت کلمهٔ خود را حفظ و از مناقشات تفرقه‌انداز احتراز نمایند، و با صدای واحد و ندای همگانی در راه استقلال کشور و قطع ایادی اجانب و عمال وابستهٔ آنها کوشش کنند، و با اتکا به خدای متعال و احکام عدالت پرور اسلام همدست و همداستان شوند، و به آنهاکه از چهارچوب قانون اساسی دم می‌زنند تذکر أکید دهند که با این کلمه صحه به رژیم سلطنتی فاسد موجود نگذارند که تا این دودمان فاسد بر مقدرات کشور حکومت می‌کنند، ملت ایران نه از اسلام بهره‌مند شوند و نه از آزادی و استقلال کشور خبری است و نه مردم روی سعادت می بینند.

از خداوند متعال عظمت اسلام را که کفیل وحید عدالت و استقلال و مدافع حقیقی مظلومان است، خواستار و ملت ایران خصوصاً جوانان متدین برومندش را به خدای متعال می‌سپارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۲ شهر صفر ۹۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۱٤ تا ۳۱۷.

◙ پیام

زمان: ۱۵بهمن ۲۵/۱۳۵۶صفر ۱۳۹۸[۱] مکان: نجف
موضوع: لزوم پرهیز از تفرقه، نوید پیروزی مناسبت: تظاهرات دانشجویی در هند
مخاطب: دانشجویان ایرانی مقیم هند

۲۵ صفر المظفر ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی هند - ایّدهم الله تعالی

مرقوم شریف آقایان در وقتی واصل شد که جنایات رژیم منحط پهلوی سلب آسایش نموده و فرصت رسیدگی به امور را نمی داد، و لهذا تأخیر در جواب شد. باید جوانان غیور اسلامی ما بدانند که تا دست اتحاد به هم ندهند و هدف خود را اسلام که تنها مکتب نجات بخش بشر است و یگانه کفیل آزادی و استقلال ملتهای مستضعف است، قرار ندهند، امید پیروزی را نباید داشته باشند. امروز که به خواست خدای قادر، ملت ما با همهٔ طبقات و ابعادش آگاهانه و مردانه بپا خاسته و مجال را بر شاه و دار و دستهٔ اراذلش چنان تنگ کرده اند که حتی از سایهٔ خود وحشت دارند، و همین وحشتزدگی موجب حرکات وحشیانه و جنون آمیز شده که به قتل عام ۱۹ دی (۲۹ محرّم ۹۸) پناه برده تا از ناراحتیهای روزافزون و دلهره‌های پیاپی بکاهند و با خون آشامی ضحاک وار آسایش موقتی به دست آورند، لازم است شما جوانان دانشگاههای قدیم و جدید به هم پیوسته و با سایر طبقات ملت پیوند اخوت اسلامی برقرار کنید. ﴿واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا﴾[۲] این است دستور محکم نجات بخش قرآن کریم که باید نصب عین خود قرار دهیم و از تفرقه و تشتت، که جز شکست در مقابل طاغوت نتیجه ای ندارد، پرهیز نموده از خداوند تعالی نجات ملت را بخواهیم. من امید آن دارم که به فضل خداوند متعال بزودی دست این جنایتکاران

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۲، ص ۱۵، تاریخ پیام ۵٦/۱۱/۱۰ درج شده که صحیح نیست.

۲. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید».

قطع و آزادی و استقلال کشور تأمین شود.

خبر تظاهرات مردانهٔ دانشجویان عزیز ایران در هند در مقابل شاه این عنصر جنایتکار که با لاف و گزاف همه ملت را پشتیبان خود معرفی می‌کند رسید. با آنکه در داخل و خارج همه جا با موج تنفر و انزجار عمومی رو به روست و تظاهرات اخیر سرتاسر کشور چنان او را دیوانه کرد که به قتل رجال علم حوزهٔ علمیه و مردم غیور محترم قم دست زد تا ناراحتی روحی خود را جبران کند. لکن مقاومت مردانهٔ ملت معظم او را بیش از پیش رسوا نمود. اکنون می‌خواهد این شکست مفتضحانه را با جار و جنجال مشتی سازمانی[1] که در شهرستانها راه انداخته عربدهٔ «جاوید شاه» سر می‌دهند، سرپوش نهد که جز رسوایی سودی نخواهد برد.

من امید پیروزی دارم و به شما وعده می‌دهم. با توکل به خدای تعالی، پیوستن شما به اتحادیهٔ دانشجویان اروپا بجاست. باید تمام اقشار به هم بستگی داشته و با یک صدا، آزادی و استقلال خود را به دست آورند. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ پیام

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۵۶ / ۵ ربیع‌الاول ۱۳۹۸ مکان: نجف

موضوع: وظایف روشنفکران مسلمان

مخاطب: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

بسم الله الرحمن الرحیم

اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا ـ ایّدهم الله تعالی

مرقوم محترم ضمیمهٔ گزارشات جلسهٔ سال گذشته و تصمیمات سال آینده

---

۱. مأموران ساواک.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۱۸ تا ۳۱۹.

واصل و موجب تقدیر گردید. در این سال که در عین خونین بودن و مواجه شدن ملت ایران با سخت ترین وحشیگریهای قرون وسطایی رژیم منحط پهلوی، نمودهای بارزی از ضعف و سستی پایه‌های لرزان حکومت طاغوتی به چشم می‌خورد، به هم پیوستگی قشرهای بیدار ملت و طبقات مختلف از روحانی تا دانشگاهی، از خطیب تا نویسنده، از بازاری تا کارگر و دهقان چنان لرزه بر اندام رژیم افکنده؛ و چنان بر اعصاب شاه خائن فشار آورده و ضربه زده که با حمله‌های سَبُعانه به ملتی که سلاحش اسلام و پناهش قرآن مجید و شعارش کلمهٔ توحید است، و به حوزهٔ علمیهٔ قم که دژ محکم وحی و عدالت و ملجأ مسلمین عدالتخواه است، و به مردم مسلم محترم قم که همارہ سرباز فداکار اسلام و پشتیبان مکتب قرآن است، و بالأخره با حمله به فرهنگ نجاتبخش شیعه، خواست به فشار و حملهٔ عصبی تخفیف دهد.

مفتضح ترین حرکات مذبوحانه، بوقهای تبلیغاتی و تظاهرات ساختگی است از عده ای سازمانی و نفع طلب؛ و افرادی که مجبور به شرکت شده اند در حالی که در بوق رادیویی به صراحت اعتراف کردند که در تظاهرات شش بهمن بیش از یک ششم از دعوت شده‌ها شرکت نکردند؛ در صورتی که همه می‌دانند که این دعوی جز لاف و گزافه گویی نیست و در بین ملت مسلم کسی موافق ندارد و نمی تواند داشته باشد.

جنایتکاری که علیه تمام شعائر مذهبی و اسلامی مبارزه می‌کند و با همهٔ مظاهر اسلامی مخالف است، نمی تواند در بین مسلمین موافق داشته باشد. جنایتکاری که می گوید مذهب در حکومت من نقشی ندارد، چطور ممکن است موافق داشته باشد؟ شخص منحرف و کهنه پرستی که در سفر اخیرش به هند، زرتشتیها و گبرها را نوازش و احترام می‌کند و از آتش پرستان و آتش پرستی تأیید می‌کند، و به خاطر مرام ارتجاعی آنها تاریخ پر ارزش و مترقی اسلام را تغییر می‌دهد، چگونه ممکن است موافق داشته باشد؛ جز همان فرقهٔ کهنه پرست ؟ اکنون بر شما جوانان روشنفکر و بر

تمام طبقات ملت است که:

۱ ـ سرلوحهٔ هدفتان اسلام و احکام عدالتپرور آن باشد؛ و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالتخواه، رسیدن به این هدف محال است. تولّا و تبرّا دو اصل اساسی اسلام است: باید با حکومت عدل موافق و به حاکم عادل دل ببندید؛ و از رژیم غیراسلام و غیر اسلامی که در رأس آن رژیم منحط پهلوی است تبرّا کنید؛ و با کمال صراحت مخالفت خود را اظهار و در سرنگون کردن آن کوشا باشید و در غیر این صورت روی استقلال و آزادی را نمی‌بینید.

۲ ـ باید قشرهای غیراسلامی را که عقیده و عملشان برخلاف اسلام است و دارای گرایش به مکتبهای دیگرند، هر نوع از آن باشد، به مکتب مترقی عدالتپرور اسلام دعوت کنید و در صورت نپذیرفتن، از آنها هر نوع که باشد و هر شخصیت که هست تبرّا یا لااقل احتراز کنید. و باید جوانان ما بدانند تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد، محال است از خود بگذرد و در فکر امت باشد. و باید بدانند که تبلیغات دامنه دار کمونیسم بین المللی همانند تبلیغات پر سروصدای امپریالیسم جهانی جز برای اغفال و استثمار توده‌های مستضعف نیست. باید این بوقهای استثماری شکسته شود.

۳ ـ باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیای بزرگ، پایه گذاران عدالت و آزادی است، از ابراهیم خلیل تا رسول خاتم ـ صلی‌الله علیه و آله و علیهم اجمعین ـ و در شناخت طرز تفکر آنها از نقطهٔ اقصای معنویت و توحید تا تنظیم جامعه و نوع حکومت و شرایط امام و اولی الامر و طبقات دیگر، از امرا و ولات و قضات و فرهنگیان که علما هستند و متصدیان مالیات اسلامی و شرایط آنها تا برسد به شُرطه و کارمندان شهربانی؛ و ببینند اسلام چه کسانی را برای حکومت و

کارمندان آن به رسمیت شناخته و چه کسانی از شغل حکومت و شاخه‌های آن مطرود است.

۴ـ باید شما دانشجویان دانشگاهها و سایر طبقات روحانی و غیره از دخالت دادن سلیقه و آرای شخصی خود در تفسیر آیات کریمهٔ قرآن مجید و در تأویل احکام اسلام و مدارک آن جداً خودداری کنید، و ملتزم به احکام اسلام به همهٔ ابعادش باشید. و مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است، در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت، در اسلام به طور کامل می‌باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست. و لازم است مراقب باشید باکمال دقت و هوشمندی که کسانی که التزام به اسلام ندارند به جمیع ابعادش ولو در اصلی از اصول با شما موافق نیستند، آنها را دعوت به التزام کنید؛ و اگر مؤثر نشد از شرکت دادن آنها در اجتماعات و انجمنهای اسلامی احتراز کنید. و گمان نکنید زیادی افراد هر چه باشد شما را به هدف نزدیک می‌کند و پس از وصول به هدف، آنها قابل تصفیه هستند. باید بدانید و می‌دانید که قشرهای غیرمسْلم یا غیر ملتزم به اسلام، از پشت به شما خنجر می‌زنند و شما را قبل از وصول به هدف از کار می‌اندازند یا نابود می‌کنند. از تجربه‌های سابق عبرت بگیرید.

۵ـ باید برنامه و نشریات همهٔ جناحها بدون ابهام متکی به اسلام و حکومت اسلامی باشد و در مقدمه، سرنگون کردن طاغوت و شاخها و شاخه‌های آن، که در کشور ما رژیم دست نشاندهٔ پهلوی است، و جداً از خواستهایی که لازمه‌اش تأیید رژیم طاغوتی پهلوی است اجتناب کنید؛ مثل آنچه در نوشته‌های بعضی احزاب و گفته‌های بعضی دیده می‌شود که هدف چهارچوب قانون اساسی است و باید در نشریات و خطابه‌ها هر جا ممکن است با صراحت و الّا با کنایه نقطهٔ اصلی مظالم و جنایات و خیانتها راکه شخص شاه است معرفی کنید؛ و از توجه دادن آنها را به

مأمورین یا هیأت حاکمه و دولت که لازمه اش دور نگه داشتن مجرم اصلی است جداً احتراز کنید؛ و نویسندگان و گویندگان را از این امر آگاه کنید.

۶ـ باید در هر فرصت در نشریات حزبی و غیر حزبی و در خطابه‌ها و تظاهرات، اعمال ضداسلامی و انسانی شاه تذکر داده شود. خصوصاً تغییر تاریخ اسلام که اهانت جبران ناپذیر به شخصیت معظم پیغمبر اکرم ﷺ و اسلام و مسلمین و گرایش به زرتشتی گری و پشت کردن به اسلام و خداپرستی است. باید این عنصر خائن رسوا شود و هیچ گاه از ذکر جنایات او غفلت نشود. باید «۱۵ خرداد» و «۱۹ دی» جاوید و زنده نگه داشته شود تا جلادی شاه از خاطره‌ها نرود و نسلهای آتیه جرایم شاهان سفاک را بدانند.

۷ـ از اینکه در دستور اتحادیه، به هم پیوستگی همهٔ دانشجویان مسلمان است، در هر نقطه هستند مثل امریکا و کانادا و هند و فیلیپین و دیگر جاها و می‌خواهید همه همکار و هم صدا به فعالیتهای اسلامی انسانی خود ادامه دهید، تقدیر می‌کنم و توفیق همه را از خداوند تعالی خواهانم. لازم است پایگاههای اسلامی برای معرفی اسلام و نشر حقایق نجات بخشش در هر نقطه ای از جهان که امکان است برقرار باشد، و در تحت یک سازمان هماهنگ برای نشر عدالت و قطع ایادی ستمکاران و چپاولچیان مشغول فعالیت شوند. لازم است جوانان کم تجربهٔ گول خوردهٔ ما را با آشکار کردن انحراف سایر مکاتیب و آشنا نمودن با نظام اسلامی نجات دهید. ﴿و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً﴾.(۱)

۸ـ لازم است فعالیتهای اسلامی و نشریات شما در ایران خصوصاً حوزهٔ علمیهٔ زندهٔ قم و دانشگاههای بیدار، نشر و منعکس گردد تا قشر داخل و خارج به پشتیبانی هم دلگرم و با هم، هم صدا شوند و به همکاری با هم برخیزند. و لازم است

---

۱. بخشی از آیه ۳۲ سوره مائده: «هر کس یک نفر را زنده گرداند، گویی تمام مردم را زنده گردانده است».

پایگاههایی در داخل کشور به هر نحو ممکن و عملی است ایجاد شود برای فعالیت با هدف واحد. با این کار مطمئناً تقویت روحی همگان، و تضعیف و تزلزل روحی دشمن می‌شود.

۹ـ باید باکمال هوشیاری و مراقبت، سایر انجمنها را به مراقبت از راه و روش اعضای انجمنها و گروهها [دعوت کنید] که اشخاص مرموز و منحرف، یا محتمل‌الانحراف در داخل انجمنها و گروهها راه نیابند و اگر راه یافتند، آنها را طرد کنند. لازم است دشمن را سخت مراقب و هوشیار فرض کنید و گمان اهمال و غفلت در او ندهید که در مراقبت سهل انگاری نمایید.

۱۰ـاز اختلافات مطلقاً به طور حتم خودداری کنید که آن چون سرطان ساری و مهلک قشرها را فرا می‌گیرد و فعالیتها را فلج می‌کند و هدف را از یاد می‌برد؛ و چه بساکه مسیر را عوض و جریان به ضد هدف [مبدّل] می‌شود. اشخاصی راکه اختلاف می اندازند یا به آن دامن می‌زنند، از خود برانید که یا مأمورند یا سوءنیت دارند؛ و اگر فرضاً گروههایی به واسطهٔ عذرهایی به انجمنها نپیوستند ولی فعالیت انسانی و اسلامی دارند، با آنها ضدیت نکنید که اختلاف حاصل و ضرر آن عاید همه شود. سعی کنید با ارشاد دوستانه، هم پیوستگی داشته باشید و اگر نشد، چون هدف واحد است با هم برادر و پشتیبان هم باشید. هدف اسلام است؛ باید هواهای نفسانیه و تقدم‌طلبی فراموش شود.

۱۱ـ لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاهها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند. خداوند تعالی آنها را محترم شمرده و اهل بیت وحی، سفارش آنها را به ملت فرموده‌اند. روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن خدای نخواسته پایه‌های اسلام فرو می‌ریزد و قدرت جبار دشمن، بی معارض می‌شود.

مطالعات دقیق اجانب استثمارگر در طول تاریخ به آن رسیده که باید این سد شکسته شود و تبلیغات دامنه دار آنها و عمال آنها در چند صد سال، موجب شده که مقداری از روشنفکران را از آنها جدا و به آنها بدبین کند تا جبهۀ دشمن، بی معارض شود. اگر احیاناً در بین آنها کسانی بی صلاحیت خود را جا بزنند لکن نوع آنها در خدمت هستند، به حسب اختلاف موقف و خدمت آنها ملت را پایبند اصول و فروع دیانت نموده، به رغم اجانب و عمال آنها باید این قدرت را تأیید و حفظ نمود و با دیدۀ احترام نگریست. چنانچه روحانیون محترم باید به طبقۀ جوان روشنفکر که در خدمت اسلام و کشور اسلامی است و به همین جهت مورد حملۀ عمال اجانب است، احترام گذاشته آنها را چون فرزندانی عزیز و برادرانی ارجمند بدانند و این قدرت بزرگ که مقدرات خواه ناخواه در دست آنها خواهد افتاد، از دست ندهند؛ و از تبلیغات سوئی که بر ضد آنها در این چند صد سال شده و آنها را در نظر بعضی طور دیگر جلوه داده‌اند تا از تفرقه استفادۀ هر چه بیشتر برند، احتراز کنند. و کسانی را که جهلاً یا از سوء‌نیت موجب دور نگه داشتن این طبقۀ مؤثر است از روحانیت، از خود برانند و به آنها اجازۀ ایجاد تفرقه ندهند و مطمئن باشند که با ضم این دو قدرت بزرگ پیروزی به دست می‌آید و با جدایی روی آن را نخواهند دید.

۱۲ـ باید چه طبقۀ جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند. این زمزمۀ بسیار ناراحت کننده که اخیراً بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده ای دارد، مطلبی است انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بیخبری است و یا با سوء‌نیت و از القائات طاغوتی شیطانی است که می‌خواهند طلاب علوم دینی را از علوم اسلامی باز دارند که احکام اسلام به طاق نسیان سپرده شود و محو آثار دیانت به دست خودمان تحقق پیدا کند، و جوانان دانشگاهی ما را انگل و متکی به قشرهای استعماری بار بیاورند که همه کس

چون همه چیز وارداتی باشد و احتیاج به اجنبی در تمام ابعاد و رشته‌های علمی هر چه بیشتر روزافزون شود؛ و این خطر بزرگی است که کشور را هر چه بیشتر به عقب می راند. اگر علوم اسلامی مردانی متخصص نداشت، تاکنون آثار دیانت محو شده بود؛ و اگر پس از این نداشته باشد، این سد عظیم مقابل اجانب منهدم می‌شود و راه برای استثمارگران هر چه بیشتر باز می‌شود و اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را در دست می‌گیرند و سرپرستی می‌کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند؛ و بهترین و مؤثرترین مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست. و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است.

اینجانب با کمال تواضع دست خود را به طرف تمام جناحها که در خدمت اسلام هستند دراز می‌کنم و از همه استمداد می‌کنم که با هم پیوستگی همه جانبه در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است، کوشا باشند؛ و از سایر جناحها که در تحت تأثیر تبلیغات سوء اجانب واقع شده اند و مطالعات صحیحی در قوانین اسلام به همهٔ ابعادش ندارند، تقاضا می‌کنم که در کار خود تجدید نظر کنند و با احتراز از غرض و تعصب، به مکتب بزرگ همه جانبهٔ اسلام نظر و در آن مطالعهٔ دقیق کنند، و پس از بستن عقیده به آن، مکتبهای دیگر را رها و به گروه مسلمین پیوسته تا با وحدت کلمه از دخالت اجانب و عمال خائن نالایق آنها در امور کشور جلوگیری و آنها را از کشور خود برانند. از خداوند قادر متعال توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۱ تا ۳۲۷.

◙ پیام

زمان: ۸ اسفند ۱۳۵۶ / ۱۹ ربیع الاول ۱۳۹۸
مکان: نجف
مناسبت: حوادث خونین تبریز در چهلم شهدای ۱۹ دی
مخاطب: اهالی آذربایجان

۱۹ ربیع الاول ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز! درود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز! درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد «مرگ بر شاه» خط بطلان بر جزافه گوییهای او کشیدند! زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز، که با نهضت عظیم خود مشت محکم بر دهان یاوه گویانی زدند که با بوقهای تبلیغاتی انقلاب خونین استعمار را که ملت شریف ایران با آن صد درصد مخالف است «انقلاب سفید شاه و ملت» می‌نامند و این نوکر اجانب و خودباختهٔ مستعمرین[1] را نجات دهندهٔ کشور می‌شمارند.

مردکی نجات دهنده کشور است که مخازن بزرگ ثروت این ملت مظلوم را دو دستی تقدیم اجانب نموده، و آن پول ناچیز را که می‌گیرد تقدیم می‌کند و در مقابل، آهن پاره‌هایی می‌گیرد که هیچ دردی از ملت دوا نمی کند! آن شخصی نجات دهنده است که با مصونیت دادن اتباع اجانب، کشور را از حیثیت ساقط و به شکل مستعمرهٔ عقب افتاده درآورده است! مردکی حافظ آزادی ملت است که در سرتاسر کشور، احدی را حق یک کلمه حقگویی و انتقاد نمی دهد و پلیس ننگینش بر سر این ملت مظلوم سایه افکنده! شاهی عدالت گستر است که در هر چند گاهی، با قتل عام، ملتی را به عزا می‌نشاند!

من نمی دانم با چه زبانی به اهالی محترم تبریز و به مادران داغدیده و پدران مصیبت کشیده تسلیت بگویم؛ با چه بیان این قتل عامهای پی در پی را محکوم کنم. من از مقدار جنایات و عدد مقتولین و مجروحین اطلاع صحیح ندارم ولی از بوقهای

---

۱. استعمارگران.

تبلیغاتی معلوم می‌شود که جنایتها بیش از تصور ما است. با این وصف، شاه افراد پلیس را که به قتل عام به دلخواه او دست نزده اند به محاکمه می خواهد بکشد. خاطرهٔ بسیار أسف انگیز قم هنوز ما را در رنج داشت که فاجعهٔ بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمی را رنج داد و ما را به سوگ نشاند.

من به شما اهالی معظم آذربایجان نوید می‌دهم، نوید پیروزی نهایی. شما آذربایجانیان غیور بودید که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی و خودسری سلاطین جور بپا خاستید و فداکاری کردید. استبداد محمدرضا خان پهلوی و پدر روسیاهش روی سلاطین مستبد را سفید کرد. تاریخ ایران به یاد ندارد این چنین سفاکی و قتل عام پی درپی را که به دست این یاغی سفاک انجام می‌گیرد. تاریخ مشروطیت به یاد ندارد این چنین مجلس سنا و شورا را که اهالی محترم متدین آذربایجان را مشتی اوباش و بی‌دین معرفی کنند؛ از مجلسی که دست‌نشاندهٔ شاه است بیش از این توقع نیست. اکنون بعد از آنهمه کشتار و جنایات تبریز و آنهمه خونخواریهای شاه، مشتی سازمانی[1] را با کارگران مجبور با سرنیزه، در گوشه و کنار کشور به راه انداخته تا با عربده کشیدن و به نفع دستگاه جنایت و خیانت تظاهرات به راه انداختن، می‌خواهند لکه‌های ننگ را از سر و صورت این مستبد خونخوار شستشو کنند؛ غافل از آنکه با آب زمزم و کوثر هم محو نخواهد شد. تاریخ، رنجهای ملت و ستمکاری و جنایات این پدر و پسر را ضبط کرده و در فرصتی منتشر خواهد کرد.

من الآن که مشغول نوشتن این غمنامه هستم، نمی دانم که به برادران عزیز تبریزی ما چه می‌گذرد. آیا شاه به جنایات خود ـ ولو موقتاً ـ خاتمه داده است یا نه ؟ آیا می خواهد پس از آن قتل عام، بازماندگان را چنان سرکوبی کند که نفسها قطع شود؟ لکن باید بداند که دیر شده؛ ملت ایران راه خود را یافته و از پای نمی نشیند تا

---

۱. مأموران ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور).

جنایتکاران را به جای خود بنشاند و انتقام خود و پدران خود را از این دودمان سفاک بگیرد.

با خواست خداوند قهار، اکنون در تمام کشور صداهای ضد شاهی و ضد رژیمی بلند است، و بلندتر خواهد شد؛ و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند، برای انتقام از این ضحاک زمان، به اهتزاز خواهد درآمد؛ و ملت اسلام ـ یکدل و یک جهت ـ به پاس از مکتب حیات بخش قرآن، آثار این رژیم ضد اسلامی و مرّوج زرتشتی را محو خواهد کرد. الیس الصبح بقریب ؟![۱]

اهالی معظم و عزیز آذربایجان ـ ایّدهم الله تعالی ـ بدانند که در این راه حق و استقلال و آزادی طلبی و در حمایت از قرآن کریم تنها نیستند؛ شهرهای بزرگ چون شیراز، اصفهان، اهواز و دیگر شهرها و مقدم از همه قم مرکز روحانیت و پایگاه حضرت صادق سلام الله علیه و تهران بزرگ با آنها هم صدا و هم مقصد، و همه و همه در بیزاری از دودمان پلید پهلوی شریک شمایند. امروز شعارها در کوچه و برزن هر شهر و هر ده، «مرگ بر شاه» است و هرچه عمال کثیف کوشش می‌کنند که جنایات را از مرکز اصلی که شاه است منحرف و به دولت یا مأموران متوجه کنند، کسی نیست که باور کند.

عجب آنکه از قرار مسموع هیأتی از دستگاه به آذربایجان آمده است که بیخبری شاه را از این جنایات اعلام کند و آن کس که احتمال آن را بدهد کیست جز سازمانیها[۲] و اعضای مجلسین که آنها هم احتمال نمی‌دهند و تظاهر به خلاف می‌کنند.

از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین و رفع شرّ اشرار و محو آثار این دودمان را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. بخشی از آیه ۸۱ سوره هود: آیا بامداد (پیروزی) نزدیک نیست.

۲. اعضای سازمان اطلاعات و امنیت؛ ساواکیها.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۵۳ تا ۳۵۵.

▣ **نامه**

زمان: ۱۰ اسفند ۱۳۵۶ / ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۹۸
مکان: نجف
موضوع: ضرورت رعایت مصالح
مخاطب: خلخالی، صادق قم

۲۱ ع ۱ ۹۸ بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ صادق خلخالی ـ دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت، مرقوم شما راکه تنبّهاتی عاقلانه و رندانه داشت مطالعه کردم. گمان نکنید غفلت دارم و آنچه تأیید می‌کنم از روی اغماض از گذشته است. آنچه من اطلاع خصوصی دارم و نگفته ام، شما هم مطلع نیستید لکن باید رعایت صلاح تا حدودی که مخالف مصالح عامه نباشد بشود. در غالب نوشته‌ها و گفته ها، در قشرهای مختلف، آنچه مورد نظرشان است انحراف اذهان از مجرم واقعی است. بیچاره آنها که ملزم به عمل هستند و متهم به خودسری؛ بیچاره آنها که به مقدار کفاف قتل عام نکرده اند، باید محاکمه شوند واز درجه و شغل برکنار. آن منطق دستگاه و این مطالب اینها مؤیّد همان؛ کأنّه یک دست همه را اداره می‌کند.

من حالم مقتضی نیست که بیش از این تصدیع دهم. الآن در حال تب و سرماخوردگی هستم ولی مهم نیست. من شما را و شماها را فراموش نمی‌کنم و نمی‌توانم فراموش کنم. از خداوند تعالی اصلاح امور را خواهانم.

والسلام علیکم.[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۵۶.

▣ پیام

زمان: ۴فروردین ۱۳۵۷/۱۴ربیع الثانی۱۳۹۸ — مکان:نجف
مناسبت:اربعین شهدای تبریز — مخاطب:ملت ایران

۱۴ ربیع الثانی ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلی العظیم

با فرا رسیدن اربعین مقتولین مظلوم تبریز غمهای ملت غیرتمند تجدیدشود. ملت مظلوم ایران باید در هر چند صباحی پرچمهای سیاه افراشته کنند و در سوگ بنشینند برای جوانان عزیز و عزیزان اسلام که به دست عمال امریکا و به امر شاه در خاک و خون کشیده شدند. و هنوز چشمها گریان و دلها بریان است برای یک قتل عمومی که دست امریکا و سایر اجانب از آستین شاه بیرون آمده و ملت را به عزای دیگر می‌نشاند. و من نمی دانم دنبال این اربعین، قتلهای دیگری و جنایات تازه ای است؛ و ضحاک عصر در خونخواری تجدید مطلع می‌کند یا مأمور جنایت به صورت دیگر می‌شود.

ما از این جنایات پی در پی و کشتار وحشیانه ناراحت و در عین حال امید داریم. ناراحتی برای آنکه جوانان رشید روحانی و دانشگاهی و بازاری و سایر طبقات را که امید برای آتیهٔ کشور هستند از دست داده ایم و می‌دهیم؛ و امیدواریم؛ چون می‌بینیم این جنایات شاهانه و این کشتار وحشیانه نتوانست و نمی تواند نهضت این ملت بیدار پاخاسته را به سستی گراياند؛ هر چه جنایت و قتل افزایش یافت ملت در ارادهٔ آهنین خود قویتر و مستحکم‌تر شد.

کشتار بی رحمانهٔ قم، ایران را به هیجان در آورد و تبریز عزیز را به قیام همگانی مردانه در قبال ظلم و بیدادگری کشاند، و کشتار دسته جمعی تبریز، ملت غیور ایران را چنان تکان داد که در آستانهٔ انفجار است. انفجاری که دست اجانب را به خواست خدای متعال برای همیشه قطع کند؛ انفجاری که انتقام مظلومان را از شاه بگیرد و دودمان سیاهروی پهلوی را برای همیشه از تاریخ ایران محو کند و این ننگ را از صفحهٔ آن بزداید. ماکشته دادیم و رنج بردیم لکن هر قطره خون آنها خونهایی را

در رگ جوانان غیرتمند ما به جوش آورد و آتشی در دل آنها روشن کرد که به خواست خداوند تعالی خاموش نشود مگر پس از سوزاندن درخت جهنمی استعمار و به آتش کشیدن عمال روسیاه آن.

شما ای ملت بزرگ ایران! از این تلاش مذبوحانه دستگاه جبار و از این قتل و جرح قم و تبریز نهراسید و نمی‌هراسید؛ که خود این جنایات، نشانهٔ وحشتزدگی شاه و از دست دادن اعتدال اعصاب اوست. اکنون لازم است وحدت کلمهٔ خود راکه بحمدالله حاصل است باکمال جدیت حفظ کنید و صفوف خود را در زیر پرچم عدالتپرور اسلام فشرده کنید. و لازم است تمام جناحها که در پیشرفت مکتب رهایی بخش اسلام در تکاپو هستند به هم پیوندند، و با شعار واحد که شعار اسلام و قرآن است هم صدا شوند، از درون مدارس روحانی تا درون دانشگاهها و از عمق بازارها و کارگاهها تا دشت پهناور دهقانان زحتمکش صحرانورد و از کمینگاه محراب مساجد تا صحنهٔ احزاب سیاسی و گروه دانشمندان، دکترها و مهندسین و جناحهای محترم لشکری و کشوری همه و همه همدست و همزبان کوشش مردانه کنند در راه نجات این کشتی که با چنگال و دندان اهریمنان خارج و داخل با خطر غرق مواجه است.

اسلام عزیز از شما ای گروههای مسلمان در هر لباس و شغلی هستید، استمداد می‌کند؛ و وظیفهٔ همه است که در نجات آن کوشش کنید و ضربه‌هایی که از سلاطین جور، خصوصاً در این پنجاه سال حکومت ضد اسلامی و ملی دودمان پهلوی، خورده است و می‌خورد جبران کنید. کلکم راع و کلکم مسئول.(۱)

و لازم است باکمال قدرت و هوشیاری اشخاص یاگروههایی که گرایش به مکتبهای غیراسلامی دارند و به خوی فرصت طلبی می‌خواهند در این اوقات از فرصت استفاده نموده خود را در صفوف شما داخل کنند و به شما در موقعش از پشت خنجر بزنند از خود دور کنید و به آنها مجال تحرک ندهید. به غیر مکتب اسلام

---

۱. تمامی شما وظیفه سرپرستی دارید و همه تان مسئولید. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

و شعار اسلامی، کشور از خطر نجات پیدا نمی کند.

و لازم است این بوقهای تبلیغاتی شاه و دست نشاندگان بی آبرویش را هر چه بیشتر رسوا و افتضاح آن را آشکارتر کنید؛ چه بوقهایی که پنجاه سال است برای جازدن دودمان خیانتکار پهلوی به جای خدمت به وطن که در این چند روز به اوج خود رساندند، و اشخاصی از خدا بیخبر به مداحی پرداختند که هم خود و هم ملت به دروغ آن آگاهند؛ و چه بوقهایی که شاه معلوم الحال را به اسلام خواهی و عدالتپروری معرفی می‌کنند، اخیراً باز زمزمهٔ بسیار خطرناک دانشگاه اسلامی در مشهد مقدس آغاز شده است، غافل از آنکه اینها کوچکتر از آنند که بتوانند اسلام را با اسم اسلام بکوبند. ما همان طور که سابق گفتیم، کسانی که در این دانشگاه قلابی وارد شوند به ملت معرفی می‌کنیم و آنها را از اعضای رسمی سازمان امنیت قلابی بدتر و مضرتر به اسلام و کشور اسلامی می‌دانیم، و ملت اسلام با آنها معاملهٔ معاند با اسلام خواهد کرد، و چنان آبروی آنها در جامعه ریخته می‌شود که نتوانند دم از اسلامِ شاه ساخته بزنند.

مصیبتهای ما تنها کشتارهای وحشیانهٔ پی درپی به امر شاه نیست؛ اخیراً باز در صدد خریدن اسلحه به مقدار سرسام آور و کشتیهای متعدد است، و تا یک قطره نفت داریم و یا مخازنی که مورد احتیاج اجانب است، خرید این آهن پاره‌ها که به هیچ درد ملت نمی خورد جریان دارد؛ و تا این کابوس خطرناک بر سر این کشور سایه افکنده، بدبختی دنبال بدبختی برای این ملت مظلوم امری عادی است. و از مصیبتهای بزرگ مسلمین، قضیهٔ اسرائیل تجاوزکار است که اکنون با مسلمین در حال جنگ و مشغول پیشروی در خاک لبنان است؛ و از طرف شاه برخوردار از کمک است و دُوَل اسلامی غالباً در این امر مهم حیاتی بی تفاوت هستند، غافل از آنکه اگر در این پیشرویها خدای نخواسته توفیق پیدا کند، با سایر کشورها به همین نحو رفتار خواهد کرد. این مصیبتها که ما مبتلای به آن هستیم از امریکا و اذناب آن است. برخورداری شاه از پشتیبانی رئیس جمهور امریکا این کشتارهای بی رحمانه را به بار آورد، و ملت مسلم

را سوگوار کرد؛ برخورداری از امریکا تبریز را به خاک و خون کشید.

قیام تبریز، چون نهضت همهٔ ایران، اسلامی است؛ برای دفاع از حق و از احکام اسلام است، و نسبت [دادن] این قیام را به مارکسیستها یا مارکسیستهای اسلامی که در تبلیغات شاهانه است جز خدعه نیست و دلیل بر آن است که این مکتبهای انحرافی پایگاهی در ایران ندارند و الّا شاه از آنها ذکری نمی‌کرد. اکنون باید تمام جناحها از هر طبقه بدانند که جز در سایهٔ اسلام و در زیر پرچم توحید و قرآن، راه پیروزی مسدود است؛ و چون شاه می‌خواهد نهضتهای اصیل اسلامی را از مجرای خود منحرف و به گروههایی که هم منحرف و هم بین ملت پایگاهی ندارند نسبت دهد، باید همهٔ گروههای سیاسی و طبقات روشنفکر با صراحت و بدون هیچ ابهام، نهضت و تحرک خود را اسلامی و برای اجرای قوانین عدالتپرور قرآن کریم معرفی کنند و به گروه روحانی و کارگری و تودهٔ ملت بپیوندند که با این منطق حیلهٔ حساب شدهٔ اجانب را که به زبان شاه اجرا می‌شود خنثی کنند و در غیر این صورت با برچسب مارکسیسم و احیاناً مارکسیسم اسلامی جناحهای روشن و متحرک را از سواد اعظم که ملت مسلم است جدا و از خاصیت مطلوب ساقط و ملت را نیز تضعیف نموده و پیروزی را عقیم یا به مدت طولانی معوق می‌کنند.

مصیبتهای ماگر چه یکی دو تا نیست و در این کشور آزاد مردان و آزاد زنان! به منطق شاه! و جریان عدالت اجتماعی و حرکت به سوی «تمدن بزرگ»، به اصطلاح کارتر شاه، ملت باید همیشه در عزا باشد. لکن مصیبت بزرگی را که بر برادران تبریزی ما وارد شد، اربعین آن را در سوگ هستیم، و ملت ایران نیز در آن روز با عزای عمومی خود به ملتهای آزاد جهان بفهمانند که ما با چه شرایطی زندگی می‌کنیم. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستار، و قطع ایادی اجانب را امید دارم.

روح الله الموسوی الخمینی [1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۵۹ تا ۳۶۲.

▣ تلگراف

زمان: اردیبهشت ۱۳۵۷ / جمادی‌الاول ۱۳۹۸
مکان: نجف
مناسبت: حمله گارد به منزل آقای شریعتمداری
مخاطب: شریعتمداری، سیدکاظم قم

حضرت آیت الله آقای شریعتمداری

هجوم اشرار و عمال اجانب به منزل جنابعالی و قتل نفوس محترمه در محضر شما موجب تأسف است.

قطع ایادی اشرار و اجانب را خواستارم. از سلامتی خودتان مطلعم فرمایید.

والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۹۸[2]
مکان: نجف
موضوع: ادامه مبارزه تا استقرار حکومت اسلامی
مخاطب: ملت ایران
مناسبت: کشتار رژیم در شهرهای مختلف کشور به مناسبت چهلم شهدای تبریز

۲۱ ج ۱ ۹۸
بسم الله الرحمن الرحیم

سلام و تحیت بر مؤمنین محترم یزد و سایر شهرهایی که با خون خود بزرگداشت اربعین خونین تبریز را گرامی داشتند. مع الأسف ما باید در اربعینی بعد از اربعین بلکه در اربعینات پنجاه سالهٔ دورهٔ سیاه و عزای این ملت بزرگ، در حوادثی که در این پنجاه سال از اختناق و قتل و حبس و تبعید و بالاتر از آن از ورشکستگی اخلاقی و فرهنگی به دست این دودمان نشاندار، که در عقب نگه داشتن و به فسادگراییدن و به فحشا کشاندن نسل جوان ما نقش بزرگی داشتند و آلحق مأموریت

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳٦٤.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۲، ص ٦۲، ذیل تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۹ درج شده اما تاریخ مندرج در نسخه خطی ۲۱ جمادی الاول ۱۳۹۸ (۵۷/۲/۹) است.

را خوب انجام دادند، در سوگ بنشینیم و در هدر دادن مخازن زیرزمینی و از آن مهمتر مخازن روی زمینی که نسل جوان است در عزا باشیم. در کودتای انگلیس به دست رضا خان و امریکا به دست محمد رضاخان، در سوگ باشیم.

در منطق شاه و مزدوران وابسته اش، اهالی محترم تبریز که یکپارچه تبریز بپا خاستند و با فریاد «مرگ بر شاه» زمین را لرزاندند، تعدادی از بیگانگان بودند که از خارج مرز به طور قاچاق وارد شده بودند! و شما اهالی محترم یزد که دلاورانه قیام نمودید و با تعطیل عمومی و شعار متداول «مرگ بر شاه»، عامل امریکا را دیوانه تر کردید، معدودی هستید که از آن طرف مرز به صورت غیرقانونی وارد یزد شدید! اهالی ایران از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب که یکپارچه از شاه متنفرند ایرانی نیستند! اینان همگی به صورت قاچاق وارد ایران شده اند! ! در این منطق، ایرانی خلاصه می‌شود در شاه و دار و دسته اش و از مستشاران و کارمندان امریکایی و انگلیسی و روسی و صهیونیستی؛ غارتگران بین المللی که اقتصاد ایران را قبضه کرده‌اند.

ما که با این منطقها روبه رو هستیم به خواست خداوند تعالی تا برچیده شدن بساط ارتجاعی شاهنشاهی و برپا کردن حکومت عدالت گستر اسلامی دست از مبارزه برنمی‌داریم تا حکومت دموکراسی به معنی واقعی جایگزین دیکتاتوریها و خونریزیها شود. اکنون برای نیل به این مقصد عالی انسانی و اسلامی بر همهٔ طبقات است که یکدل و یک جهت به پا خیزند و با درک شرایط زمانی و مکانی شعار دهند، و از خواستهایی که در نهایت اثبات نظام شاهنشاهی و زیر پاگذاشتن خونهای به ناحق ریخته شدهٔ مردم این مرز و بوم است احتراز کنند، و نقطهٔ اصلی همهٔ جنایات را که شخص شاه است نشان دهند، و گرفتاریهای ملت را در این حکومت ارتجاعی گوشزد جهانیان کنند. سران قوم باید ملت را در مسیری که یافته است و دشمن را شناخته به قیام دست زده است، هدایت و پشتیبانی کنند، و در این موقع بسیار حساس ملت را از

مسیر انتخابی اش با کجرویها منحرف نکنند.

امروز ملت شجاع با یافتن راه خود به پا خاسته، و به بهانهٔ بهانه جویان خاتمه داده، راه عذرها منقطع شده و در پیشگاه ملت پذیرفته نیست، و در پیشگاه مقدس حق تعالی هیچ گاه پذیرفته نبوده است. آیا کسانی که عذر تراشی می‌کنند و مُهر سکوت را نمی‌شکنند و گاهی به سکوت توصیه می‌کنند، می‌دانند چه تحولاتی در شرف تکوین است ؟ روزنامهٔ اطلاعات شمارهٔ ۱۵۵۷۵ را دیده‌اند که نوشته است در عریضهٔ سپاس زرتشتیان در جواب شاه آمده است که: «جامعهٔ زرتشتی سراسر جهان نسبت به شاهنشاه آریامهر سپاسگزاری و حقشناسی عمیق در خود احساس می‌کنند، زیرا از زمانی که پارسیان از ایران مهاجرت کردند، هیچ کس دیگر تا این حد در احیا و حفظ تاریخ، مذهب و فرهنگ زرتشتیان از آنان حمایت نکرده است». توجه کرده اند که تغییر تاریخ اسلام به تاریخ گبرها برای احیای زرتشتی گری و احیای مذهب و آتشکدهٔ آنها به رغم اسلام و برای سرکوبی آن است ؟ آیا مطلع هستند که در یک مصاحبه ای در خارج گفته است : «مذهب در حکومت من نقشی ندارد». اکنون با اختناق همه جانبه و سلب آزادی به تمام ابعاد و فشارهای توانفرسا، ایران بیدار در آستانهٔ یک انفجار عظیم است و به سرعت جلو می‌رود.

دستگاه جبار با اعصاب خرد شده و با ادامهٔ قتل و چپاول در بلاد مختلف، مثل جهرم و اهواز، و با دست زدن به خرابکاری و انفجار منازل آزادیخواهان و دزدی و ضرب و جرح علنی افراد مبارز، و حملهٔ سَبُعانه به جوانان مسلمان در کوهها توسط «گروه انتقام»[1] ساختهٔ شاه و بستن مالیاتهای کمرشکن به کسبهٔ متعهد به انتقام شرکت در اعتصاب همگانی، اجازهٔ تنفس را هم از ایرانیان سلب کرده است.

---

۱. گروهی ساخته ساواک که با بمب گذاری در منازل افراد مبارز، و گاه ضرب و شتم آنها قصد توقف نهضت اسلامی را داشت.

کسانی که از حال این ملت رنجدیده در این پنجاه سال آگاهند و به سرنوشت ایران علاقه دارند، از جمیع طبقات، از کارگر تا دهقان، از دانشجویان قدیم تا دانشگاهیها، از لشکری تا کشوری باید بدانند به دست آوردن آزادی در برکنار شدن شاه و دودمان او است که دشمن سرسخت ملت و نقطهٔ اصلی بدبختی است؛ و تصور آنکه بدون کنار رفتن و انتقام از او آرامش ملتی که همه چیزش به دست او به باد رفته است به او برگردد، خیالی است باطل.

از خداوند متعال وحدت کلمهٔ مسلمین و خصوص ملت سربلند ایران را خواستار و قطع ایادی اجانب و عمال آنها را امیدوارم. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۷/۱۳ جمادی الثانی ۱۳۹۸ — مکان: نجف

موضوع: لزوم انتشار جزوه و کتاب علیه مکاتب انحرافی — مخاطب: فارسی، جلال الدین لبنان

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت؛ مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. اگر ممکن می‌شد با همت و نظارت جنابعالی و یا به مباشرت شما جزوه‌های مختصری نوشته شود در موضوع انحراف مکاتب مضرّه، و طبع و نشر شود بین جوانان ایران و خارج و عرب و عجم، خیلی به موقع است. و اینجانب، در صورت عمل، در هزینهٔ آن کمک می‌کنم ان شاءالله. کتابهایی که مرقوم شده است، من به اطمینان به صحت نظر شما مختصر وجهی فرستادم؛ چون از وجوه شرعیه است لابد باید در خدمت مکتب اسلام باشد. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۷۸ تا ۳۸۰.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۹۷.

▣ نامه

زمان: خرداد ۱۳۵۷ / جمادی‌الثانی ۱۳۹۸[۱]
مکان: نجف
موضوع: عمل به وظایف
مخاطب: یزدی، محمد قم

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت؛ مرقوم شریف واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار [م]. بحمدالله تعالی شما پیشتازان نهضت اسلامی به وظایف خطیر خود عمل کرده و می‌کنید و مایهٔ سرفرازی حوزه‌های علمیه هستید و قطع عذر کسانی که در این موقع خطیر یا با سکوت از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده یا علاوه امر به سکوت هم می‌کنند، نموده اید. هنیئاً لکم[۲]

من الآن که اشتغال به این مکتوب دارم، برای قم و سایر بلاد نگرانم؛ و نمی دانم با یک رژیم مبتلا به جنون عصبی[۳] باید چه کرد. اخبار قم تا این ساعت موجب نگرانی است و عاقبت را نمی توانم درست حدس بزنم؛ ولی از جهتی خطر و از جهتی امیدبخش است. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

▣ پیام

زمان: ۲۰ خرداد ۱۳۵۷ / ۴ رجب ۱۳۹۸
مکان: نجف
موضوع: هدف، واژگونی رژیم طاغوت و برپاداشتن اسلام
مناسبت: چهلم فاجعه خونین قم
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

باز هم برای چندمین بار باید در سوگ چهلم مقتولین قم و دیگر شهرها

---

۱. تاریخ وصول نامه، بنا به نقل مخاطب آن «آقای محمد یزدی» ۲ رجب ۱۳۹۸ بوده است.

۲. گوارایتان باد!

۳. اشاره به جنایتهای رژیم شاه در سرکوب قیام مردم.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۹۸.

بنشینیم. باز هم باید با مادران و زنانی که عزیزان خود را از دست داده‌اند و با تظاهرات شجاعانهٔ خود رژیم شاه را محکوم کرده اند در عزا باشیم. باز هم باید شاهد کشتار و ضرب و جرح دانشجویان و طلاب عزیز و خراب کردن مدرسه‌های علمیه و دانشگاهها و بیرون کردن آنها از مدارس و کوی دانشگاه باشیم. باز هم دست جنایتکار شاه از آستین مشتی مأمور ناآگاه بیرون آمد و ملت مسلم ایران و خصوص دلیران اسلام دوست قم را در عزای عزیزانشان که مردانه در راه اسلام و سرنگونی رژیم ستمکار پهلوی قیام کردند نشاند. ما سوگمندانه و مفتخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپاداشتن پرچم پرافتخار اسلام است، فدا کردیم؛ و این درست راه اسلام و برنامهٔ مسلمین راستین در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود ﴿و لکم فی رسول الله اسوة حسنه﴾[1] پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد؛ و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند.

اکنون شاه در لب پرتگاه واقع است. از یک طرف مواجه است با قدرت لایزال ملت شجاع ایران که با تمام وجود برای آزادی خود قیام کرده و تا برچیده شدن بساط ستمکاری او نخواهد نشست، و از طرفی با انعکاس جنایات و جرایمش در وسایل تبلیغاتی دنیا که خوف آن دارد اربابان از او رو برگردانند، و از طرفی مواجه است با پوسیدگی و فروریختگی در متن رژیم و رسوایی انقلاب امریکایی شاه و افتضاح حزب فرمایشی، و از طرفی با نارضایتی افراد شرافتمند لشکری و کشوری که از کشتارها و وابستگیها به جان آمده اند.

در این امواج متلاطم حیرتمندانه به تلاش و فریبهای تازه ای دست زده است؛ گاهی می‌خواهد خود را از جنایاتی که در طول سلطنت غیر قانونی اش انجام داده بیخبر جلوه دهد و تمام آنچه بر ملت و کشور گذشته است به گردن دیگران اندازد، و

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱: «برای شما رسول خدا مقتدای پسندیده ای است».

عمال او از راه مطبوعات و دستگاههای تبلیغاتی برای تحقق آن سخت در تکاپو هستند؛ تغییر مهره‌های اخیر از این قماش است، غافل از اینکه با تغییر ابزار جنایت که جز آلتی در دست جانی اصلی نیستند، ملت هوشمند ایران اغفال نخواهد شد و مجرم اصلی را از یاد نخواهد برد و این مهره بازیها را نخواهد پذیرفت.

و گاهی با اسلحهٔ کهنهٔ افترا و فریب، مخالفین خود را اشخاصی معرفی می‌کند که می‌خواهند ایران را تجزیه کنند یا تحت نفوذ اجانب قرار دهند. همه آگاهند که مخالفان او تمام اقشار وطنخواهند؛ از مراجع معظم و علمای اعلام و خطبای محترم و آگاه و رجال سیاسی پاکدامن تا طلاب و دانشجویان جان بر کف حوزه‌ها و دانشگاههای سراسر ایران، و از دهقان گول خورده و کارگر وعدهٔ دروغ شنیده، تا بازاری متعهد و مسئول در سراسر کشور، کدام یک از اینان تجزیه طلب یا با نفوذ اجانب موافقند؟ این شخص شاه است که اجانب بویژه امریکا را مسلط بر تمام شئون کشور کرده و مخازن آن را بیدریغ تقدیم آنان نموده و به آنها مصونیت داده و آنان را، حتی بر ارتش حکمفرما کرده است و ایران را مصرف کننده ای خاضع در برابر امریکا نموده است.

گاهی ملت را از خطر کمونیستها می‌ترساند که اگر او برود مملکت به دست آنان می‌افتد؛ و شاید بعضیها که از واقعیتها اطلاع ندارند اغفال شوند. کمونیسم در ایران با دست امریکا، چنانچه حزب توده به دست انگلیس ایجاد شد. به گفتار مطلعین، داغترین کمونیستها در منطقه مهره‌های امریکایی هستند برای خنثی کردن قیامهای رهایی بخش ملی و مذهبی ملتهای اسیر به دست سرمایه داری و کمونیزم که نمونهٔ بارزش را در سالهای اخیر دیدیم.

راه رهایی هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد. و گاه با شایعه سازی آشتی با بعض جناحهای روحانی برای تفرقه افکنی در خود این جناح عظیم و بین آن و سایر وطنخواهان مسلمان، که نتیجه اش جز

سلامت جنایتکار اصلی و بر باد رفتن زحمات جانفرسای ملت و به هدر رفتن خون کشتگان از مسجد گوهرشاد و ۱۵ خرداد تا به امروز نخواهد بود، غافل از آنکه هیچ روحانی و مذهبی ای با دستگاه ضداسلامی آشتی نخواهد کرد؛ که آن پشت به قرآن کریم و اسلام عزیز است و نتواند کرد؛ که آن پشت بر ملت غیور و آگاه است که حاصل آن سقوط مرگبار سازشگر است.

اکنون ملت که همه چیزش به دست این رژیم به باد رفته، مراقب است تا چه کسی و چه جناحی از این مهره بازی شاه فریب بخورد، یا با حاضر شدن [در] مذاکرات صلح جویانه و گرفتن بعض امتیازات توهّمی، خود را به دستگاه قدرت متصل کند، در صورتی که این دستگاه رو به کهنگی و ویرانی آورده و از بنیان با موریانهٔ داخلی مواجه و فروریختن آن حتمی است. و از خدعه‌ها و فریبکاریها که از کارشناسان خارجی و چه بسا داخلی سرچشمه گرفته، نغمهٔ اعطای آزادی است به همهٔ ابعاد، مگر در خیانت به کشور. کشتار چند ماههٔ اخیر، حبس و شکنجه، تبعید و اختناق از جملهٔ آزادیها و عطیه‌های ملوکانه است. اکنون که ملت بزرگ ایران آگاهانه بپاخاسته است و هر چند گاه حوزه ها، دانشگاهها، مدارس، جماعتها، بازارها و شهرها در اعتراض به شاه تعطیل می‌گردد، و ملت عزیز پشتیبانی خود را از اسلام و قرآن کریم اعلام و برای استقلال و آزادی کشته می‌دهد، لازم است سران قوم نقشه‌های فریبندهٔ شاه را که چیزی جز هدم احکام اسلام و کشور نیست نقش بر آب کنند، و با بیداری و آگاهی تا برانداختن این رژیم به مبارزه ادامه دهند، و در حفظ وحدت کلمه و جهت، نگذارند مبارزات حق طلبانه رو به سستی گراید.

از خداوند تعالی استقلال کشور و آزادی ملت را خواستار و کوتاهی دست اجانب و ستمکاران را امیدوارم.

۴ رجب ۹۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٢١ تا ٤٢٣.

▣ پیام

زمان: ۱۳ تیر ۲۸/۱۳۵۷ رجب ۱۳۹۸ مکان: نجف
موضوع: چراغانی سوم و پانزدهم شعبان مخاطب: ملت ایران

۲۸ شهر رجب ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

کراراً از ایران نظر اینجانب را دربارهٔ مراسمی که به عنوان «جشنهای سوم و پانزدهم شعبان» برپا می‌شده خواسته اند؛ مع الأسف رژیم منحط برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته است. دست شاه تا مرفق[1] به خون ملت ایران فرو رفته و در حال حاضر ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته. چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند؟ شادمانی بر روی اجساد به خون خفتهٔ فرزندان اسلام ؟! شادمانی در برابر افراد شریفی که در سیاهچالهای زندان زیر سخت ترین شکنجه‌های جهنمی دژخیمان به سر می‌برند؟! شادمانی در مقابل تبعیدیانی که برخلاف تمام موازین انسانی و قانونی از اوطان خود بیرون رانده شده اند؟!

ما که هنوز مادرهای داغدار جوانانمان سیاهپوشند، ما که هنوز شاهد صدمات جانکاه شاه به اسلام بزرگ و کشور اسلامی هستیم، جشنی نداریم. ما که در هر فرصت مدارس و مساجد و دانشگاههایمان مورد هجوم مأمورین شاه است، چطور ممکن است چراغانی کنیم ؟!

ملت ایران بداند که دست پلید دولت در فعالیت است که مسیر نهضت اصیل و شکل گرفته و عمومی ایران را تغییر دهد؛ و یکی از شاهکارها همین دامن زدن به لزوم جشن است که در پرتو آن خون پاک ملت اسلام را لوث کند و نهضت عظیم اسلامی را به سستی بکشد یا خدای نخواسته محو کند. ملت ایران بیدار است و راه خود را یافته و با هوشمندی می‌داند که هر نغمه با هر اسم، او را از مسیر خود که قیام ضد شاهی است منحرف کند شیطانی است، اگر چه با اسم قرآن مجید و یا ولیّ‌الله اعظم ـ عجّل‌الله

---

۱. آرنج.

فرجه ـ باشد. ما روزی را عید می‌گیریم که بنیان ظلم و ظالم را منهدم کنیم و دست دودمان ستمکار پهلوی را از کشور قطع نماییم، و آن روز ان شاءالله تعالی نزدیک است و روز عید اسلامی است و عید ولی عصر ـ عجل الله فرجه.

اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ملت ما عزا شده است بدون هیچ گونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد، در تمام ایران، در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ اجتماعات عظیم بپا کنند و گویندگان شجاع محترم، مصایب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند، و هر چه بیشتر کارهای ضد اسلامی و قانونی رژیم را افشا کنند، و خوف را که از جنود ابلیس است از دل بیرون کنند، و در ادامهٔ نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است کوشش کنند، و این چراغ فروزندهٔ هدایت را روشن و روشن تر نگه دارند، و با اعتماد به خداوند تعالی مطمئن باشند که ملت پیروز است.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب و وابستگان به آنها را خواستار است.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۲۸تیر ۱۳۵۷/۱۳شعبان ۱۳۹۸ — مکان: نجف

موضوع: رسیدگی به وضع تبعیدشدگان و سفارش آقای خزعلی — مخاطب: اشراقی، شهاب الدین

۱۳ شعبان ۹۸ — بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالعلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای اشراقی دامت افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، توفیق و سلامت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. لازم است تذکر دهم که راجع به آقایانی که تبعید شده اند از آقای

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٢٦ تا ٤٢٧.

اخوی[۱] سؤال کنید چه معامله ای می‌شد. همان نحو عمل نمایید.

از قرار مسموع آقای خزعلی برای نرفتن منبر و محدود بودن[۲] گرفتاری مادی پیدا کرده اند جنابعالی به وسیلهٔ آقای غفاریان از ایشان استفسار کنید و آنچه گرفتاری دارند رفع کنید و در آتیه هم تا وضع چنین است رفع گرفتاری ایشان بشود. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ پیام

زمان: ۵ مرداد ۱۳۵۷ / ۲۱ شعبان ۱۳۹۸ مکان: نجف

موضوع: تشریح جنایات رژیم ـ لزوم ادامه مبارزه مخاطب: ملت ایران

۲۱ شهر شعبان المعظم ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب از عموم ملت شریف ایران متشکرم که با همبستگی و وحدت کلمه در سوم و پانزدهم شهر شعبان یک مرتبهٔ دیگر به رژیم منحط ثابت کرد که با ارادهٔ ملت نمی‌تواند مقابله کند؛ و این رفراندمی بود بی نظیر از مخالفت سراسری ایران با شاه ، گرچه دستگاه با جلوگیری از بعضی از اجتماعات بزرگ سلب آزادی نمود و نگذاشت مصایب و مطالب مشروع ملت بزرگ تماماً ابراز شود. به طوری که اطلاع حاصل شد به دنبال تظاهرات آرام، دست به جنایاتی که کاشف از سستی پایه‌های حکومت است زد، و در بعضی از شهرها چون مشهد و رفسنجان و جهرم وحشیانه به مردم بی دفاع هجوم برد و عدهٔ کثیری را مقتول و مجروح نمود. و به طوری که بعضی از خبرگزاریها اطلاع داده‌اند در مشهد مقدس تعداد کشتگان به چهل نفر رسیده است

۱. آقای سید مرتضی پسندیده .

۲. آقای ابوالقاسم خزعلی در این ایام از سوی رژیم شاه ممنوع المنبر شده بود.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٣٠.

و بعضی بیش از این گفته اند. و از قرار اطلاع، مأمورین شاه وحشیانه به مدرسهٔ نواب مشهد ریخته و طلاب بی دفاع را تا سر حد مرگ کتک زده و سر و دست آنان را شکسته اند و معنای اعطای آزادی را به ملت فهماندند.

و مردم متدین و شجاع شهرها چون قم قهرمان، تبریز غیور و مشهد، بیدار شده برای اظهار تنفر از دستگاه و رژیم شاه تعطیل عمومی نموده اند، و مشتی محکم به دهان گزافه گویانی که می‌گفتند این تظاهرات دیگر تکرار نمی شود و ملت به حال عادی خود باز گشته است زدند. ملت عزیز تا محو آثار ظلم و هدم دستگاه رژیم منحط پهلوی آرام نخواهد گرفت و به حال عادی باز نخواهد گشت. ما از این غیورانی که در راه هدف مقدس اسلام فداکاری می‌کنند و از جان و مال دریغ ندارند، و تن به ظلم نمی دهند و سکوت مرگبار را شجاعانه با اهدای جان خود می‌شکنند، و راه و رسم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان تشیع را یافته و بدانان اقتدا نموده اند، تشکر نموده و به آنان تبریک می‌گوییم.

امروز که ملت، بپاخاسته و راه خود را خوب و درست یافته است، سکوت و امر به سکوت، مخالف مصالح عالیهٔ اسلام است و خلاف طریقهٔ شیعهٔ جعفری است، و امر به تحرک و استنکار و افشای فجایع خانمانسوز و اسلام بر بادده دستگاه شاه، موافق سیرهٔ مبارکهٔ انبیا و خصوص رسول معظم خاتم است. اکنون که ماه مبارک رمضان در پیش است، و ماه مبارک امسال نمونه است که ملت معظم ایران از سویی خاطرات چندین ماههٔ اخیر از کشتارهای وحشیانهٔ دسته جمعی و اختناق و حبس و تبعید در قلبش زنده است، و از سوی دیگر برای انتقام از بیدادگریهای رژیم منحط پهلوی و شاخه‌های آن، کارگزاران اجانب استعمارگر با بیداری و همبستگی بی سابقه بپاخاسته است، لازم است مطالبی را تذکر دهم :

۱ ـ نهضت مقدس اخیر ایران که ابتدای شکوفایی اش از ۱۵ خرداد ۴۲ بود صددرصد اسلامی است، و تنها به دست توانای روحانیون با پشتیبانی ملت مسلمان و

بزرگ ایران پی ریزی شد، و به رهبری روحانیت، بی اتکا به جبهه‌ای یا شخصی یا جمعیتی اداره شده و می‌شود. و نهضت پانزده سالهٔ ما چون اسلامی است، بی دخالت دیگران در امر رهبری که از آن روحانیت است ادامه دارد و خواهد داشت؛ و آنان که اخیراً برای جلب منافع شخصی به جنب و جوش افتاده و می‌خواهند نهضت اسلامی را آلوده کنند و یا آن را متکی به بعض جناحها یا دنباله رو معرفی نمایند حتماً سوءقصد دارند؛ و احیاناً با ساختن بعضی از آنان با دستگاه جبار می‌خواهند نهضت را متوقف و شاه را مصون نگه دارند. ملت ایران باید با هوشیاری تمام و تردید بدانان نگاه کنند؛ و اگر خدای نخواسته انحراف آنان معلوم شد از آنان جداً اجتناب کنند و صریحاً اعلام می‌دارم در صورتی که این جمعیت معدود، مطالب خود را که لازمه‌اش دور نگه داشتن مجرم اصلی است تکرار کنند روحانیت تکلیف خود را درباره آنان روشن خواهد نمود.

۲ـ اخیراً دولت نغمهٔ ناموزونی را به راه انداخته است مبنی بر آزادی انتخابات، در صورتی که وقت آن سال دیگر است، و این نغمه قبل از ماه مبارک رمضان برای انحراف اذهان از مسیر اصلی حرکت است که خوف افشای هر چه بیشتر جنایات رژیم در این ماه در مساجد و مجامع اسلامی می‌رود. ملت باید بداند که این حیله جز نگهداری شاه از تعرض گویندگان و پرخاش جوانان غیور اسلامی نیست؛ و لازم است گویندگان محترم و روحانیون معظم ایران شدیداً از آن احتراز کنند. و باید بدانند که خیال انتخابات آزاد با برقرار بودن قدرت شیطانی شاه امری موهوم است و جز صحنه ای شیطانی برای قانونی نمایش دادن انتخابات در دنیا نیست. و تا قدرت طاغوتی شاه و دارودسته اش برقرار است دیگران نمی توانند حتی یک وکیل انتخاب کنند؛ و اینجانب در موقع انتخابات کلمهٔ خود را خواهم گفت.

۳ـ اکنون که شاه خود را در بین ملت، شکست خورده و زبون می‌بیند به صحنه سازیهایی دست زده است و می‌خواهد افرادی را که چندین سال است با مقاصد

شیطانی شاه همراه و به تغییر احکام اسلام و تبدیل تاریخ پرافتخار اسلام به تاریخ گبرها و آتش پرستها رأی داده‌اند، ملی جلوه دهد تا در مواقع حساس با نفوذ در صفوف روحانیون مبارز مأموریت شوم خود را با چهره‌ای ملی اجرا نمایند، روحانیون باید آنان را به جامعه معرفی نمایند. باید دید چه تغییری در نظام شاه پدید آمده است که اینان تا دیروز دستبوس بودند و چاکر، و امروز مخالف! باید ملت شریف هوشیار باشد که این مهره‌های خطرناک، خود را در بین آنان جا نزنند.

۴ ـ تقاضای اینجانب از ملت شریف و متعهد آن است که با کمال اهمیت و دلسوزی اقدام به بررسی کشته شدگان و خانواده‌های آنان کنند، و به هر ترتیبی که‌توانند سرشماری از کشته‌ها با نام و نشان نمایند و ما را مطلع کنند، و به بازماندگان آنان سرکشی برادرانه نمایند و از آنان دلجویی کرده و سلام «خمینی» را که در سوگ آنان است به همه برسانند، و تأثرات اینجانب را در مرگ عزیزانشان به آنها ابلاغ نمایند. و اگر کسی به واسطهٔ مجروح شدن و یا از دست دادن عزیزش احتیاج مادی دارد لازم است به بهترین وجه برآورده شود، یا هرچه زودتر به من مراجعه شود تا با تمام طاقت به آنان رسیدگی نمایم.

۵ ـ لازم است برای بیداری نسلهای آینده وجلوگیری از غلط نویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند، و قیامها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستانهای مختلف با تاریخ و انگیزهٔ آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسلهای آینده شود، ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را که در پیش چشم همهٔ ما به روشنی اتفاق افتاده است دنبال می‌کنیم، فرصت طلبان و منفعت پیشگانی را می‌بینیم که با قلم و بیان بدون هراس از هر گونه رسوایی، مسائل دینی و نهضت اسلامی را برخلاف واقع جلوه می‌دهند و به حکم مخالفت با اساس نمی خواهند واقعیت را تصدیق کنند و قدرت اسلام را نمی توانند ببینند، و شکی نیست که این نوشتجات

بی‌اساس به اسم تاریخ در نسلهای آینده آثار بسیار ناگواری دارد. از این جهت، روشن شدن مبارزات اصیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه اش تاکنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق می‌افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و علمای متفکر و متعهد بدان بپردازند. درست آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسلهای آینده مبهم می‌باشد؛ و تاریخ، روشنگر نسلهای آینده است، و امروز قلمهای مسموم در صدد تحریف واقعیات هستند، باید نویسندگان امین این قلمها را بشکنند.

۶ـ حضرات ائمهٔ جماعت محترم ـ دامت برکاتهم گویندگانی را دعوت نمایند که معتقد و علاقه مند به نهضت اسلامی و با هدفی اصیل روشنگری مردم را بر عهده گیرند؛ و از دعوت «وعاظ السلاطین» و اشخاصی که به نفع دستگاه جبار، دانسته یا ندانسته مطالبی را انتخاب می‌کنند که ملت را از مسائل اصلی روز باز دارند جداً احتراز فرمایند، و از کسانی که عمال دولت تعیین می‌کنند دوری و احتراز کنند، و فداکاری در راه اسلام و مصالح مسلمین را در رأس برنامهٔ خود قرار دهند.

۷ـ گویندگان محترم در مجامع و مساجد وظیفه دارند که مصایب واردهٔ بر ملت را در این پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی، خصوصاً در این چند ماه اخیر و کشتار اخیر شهر مقدس مشهد در جوار حضرت ثامن الائمه ـ علیهم السلام ـ و رفسنجان، به سمع مردم برسانند و آنان را از مسائلی که مفید برای اسلام و مصالح مسلمین است آگاه گردانند، و از مطالبی که موجب سردی و سستی است احتراز کنند که عذر در درگاه خدای متعال و پیش ملت مسلم پذیرفته نیست.

۸ـ بر مستمعین است که آقایان گویندگان را در ذکر مطالب اسلامی و انسانی تشویق کنند؛ و از آنان با احترام تقاضا کنند که جنایات و ستمگریها را بیان و تفسیر کنند، و از مطالب غیر مفید و احیاناً مخالف با مسیر حرکت ملت احتراز کنند، و با پشتیبانی خود از گویندگان محترم به آنان اطمینان خاطر دهند.

در خاتمه من نمی دانم با چه بیان از کشتار بی رحمانهٔ شهرستانها، خصوصاً

شهر مقدس مشهد اظهار تأسف و تأثر کنم. من نمی دانم این خاندان ستمگر تا کی بر مقدرات مسلمین مسلط و به خون جوانان ما تشنه اند. من به حضرت ثامن الائمه علیهم السلام تسلیت عرض می‌کنم و به اهانتهایی که بدان بزرگوار در عهد این پدر و پسر خیانتکار شد و می‌شود در سوگ می‌نشینم. من به شما اهالی محترم و متدین مشهد و رفسنجان و جهرم تسلیت می‌گویم و تبریک؛ تسلیت برای از دست دادن جوانان اسلام، و تبریک برای داشتن جوانان برومند و برای روحیهٔ اسلامی مقتدری که در راه خدا از تلاشهای مذبوحانهٔ رژیم ظالم نهراسیده و با تعطیل و تظاهرات مردانه، خود را در پیشگاه مقدس اسلام روسفید کردید. خداوند به شما پاسداران قرآن کریم و به تمام ملت نجیب ایران، که با همت مردانه و وحدت کلمه در مقابل جبار زمان قیام و دین خود را به اسلام ادا نموده و می‌نمایید، نصرت عنایت فرماید و همه را از مجاهدین راه حق قرار دهد و در زمرهٔ اولیای خدا که خون خود [را] در راه او دادند محشور فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۲۰ مرداد ۱۳۵۷ / ۶ رمضان ۱۳۹۸ — مکان: نجف

موضوع: پاسخ به یازده پرسش مختلف و... — مخاطب: پسندیده، سید مرتضی

۶ شهر صیام ۹۸ بسمه تعالی

به عرض حضور مبارک می‌رساند، مرقومات شریفهٔ شما گاهی خیلی طولانی زیارت شد؛ سلامت و سعادت حضرتعالی را خواستارم.

۱ ـ راجع به آب وقفی، مکرر مرقوم شده و جواب داده ام، حضرتعالی اجاره کنید به هر نحو صلاح است و واگذار کنید به مردم؛

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۳۱ تا ۴۳۷.

۲ـراجع به چیزهایی که لازم است خریداری شود یا تعمیرات که مرقوم نشده، به نحو مطلق مجازید هر طور صلاح می‌دانید عمل کنید؛

۳ـ آنچه از مؤونه خارج شده است تا تخمیس شود، آنچه به واسطهٔ عذری نتوانسته اند استعمال کنند یا نخواسته اند، خمس ندارد؛

۴ـوجهی که بابت زمین موجود است خمس آن را احتیاطاً بدهید و بقیه را هر نحو می‌خواهید صرف فرمایید یا بفرستید؛

۵ـراجع به مطلب آقای انواری نمی شود عمل کرد، مسکوتٌ عنه بماند؛

۶ـاینجانب نمی توانم از جبهه‌ایها[1] و نه از بزرگشان[2] اسمی ببرم و ترویجی بکنم؛ راه آنها با ما مختلف است؛

۷ـقضیهٔ بیت را من الآن نمی توانم حل کنم هر چه اشکال باشد، لکن مطالبی که عرض کرده ام بعضی را تحقیق کرده ام صحیح نبوده و بعضی را اشخاصی که آنجا ملازم بودند انکار کرده اند و من اطلاعی ندارم. و نیز از آمدن بعضی عناصر، سؤال شده است از آقای ابطحی، ایشان جداً انکار کرده‌اند، در هر صورت عجالتاً نمی‌شود کاری کرد تا چه شود؛

۸ـراجع به مراجعه به دستگاه هر کسی و هر امری باشد جداً احتراز فرمایید این امر بسیار برای حضرتعالی و من موهن است؛ قبلاً هم تذکر داده ام مثل اینکه به سمع مبارک نرسیده است؛

۹ـراجع به رفتن قم بعد از ماه اگر چیز جدیدی پیش نیاید، به حسب ظاهر مانع ندارد؛ چون حکم لغو شده است و اقامت خمین رسمیت ندارد و گمان می‌کنم عکس العملی هم نداشته باشد؛[3] در هر صورت اختیار با حضرتعالی است؛

---

۱. جبهه ملی.

۲. محمد مصدق.

۳. اشاره به تبعید آقای پسندیده از سوی رژیم شاه به خمین است که امام خمینی پیشنهاد بی توجهی به این امر و

۱۰ـ من از ناراحتی حضرتعالی ناراحت می‌شوم و گمان می‌کنم اشخاصی که می آیند و شکایت می‌کنند و موجب ناراحتی شما را فراهم می‌کنند خیلی مطالبشان صحیح نباشد. تاکنون از ایران راجع به این مطالب به من مراجعه نشده است و از قمی‌ها گاهی سؤال کردم گفته‌اند ما چیزی ندیده‌ایم؛ مقصود من آن است که حضرتعالی خودتان را ناراحت نفرمایید.

۱۱ـ رویه‌های آقایان اطراف و جوانب را مرقوم فرمودید، نامطلوب است؛ این امر از اول همین نحو بوده است، لکن نمی شود کاری کرد، شاید عکس العمل نامطلوب داشته باشد؛ باید نصیحت کرد آن هم ظاهراً بی اثر است؛ خداوند اصلاحشان فرماید. از سلامت خودتان مطلعم فرمایید و در امور قم نظر بدهید مورد اطاعت است. من نظر حضرتعالی را قاطع اعلام کرده و می‌کنم.

و السلام علیکم.(۱)

▣ پیام

زمان: ۲۲ مرداد ۱۳۵۷ / ۸ رمضان ۱۳۹۸ — مکان: نجف

مناسبت: کشتار وحشیانه رژیم در اصفهان و شیراز — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

گزارشات رسیده از ایران مبنی بر قتل عامهای مکرر در شهرهای مذهبی اصفهان و شیراز و... نمونهٔ دیگری است از جنایات بی حد شاه. گفته می‌شود شاه در یکی از مصاحباتش که از نشر آن جلوگیری شده گفته است : «در صورتی که من رفتنی باشم ایران را با خاک یکسان می‌سازم و می‌روم». جنایات اخیر نشان داده است که او مشغول پیاده کردن نقشهٔ خویش است. مردم مسلمان ایران تمام بدبختیهای

← بازگشت ایشان به قم را داده اند.

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٣٩ تا ٤٤٠.

خود و کشور خود را از شاه می‌دانند و دست از مقاومت نخواهند کشید تا پیروز شوند و استقلال و آزادی خود را به دست بیاورند. ملت باید بداند که آزادیخواهان جهان به آسانی به آزادی دست نیافته اند. پیغمبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و آله - با آن زحمات و رنجهای طاقت فرسا در راه هدف از جهاد با ستمکاران تا آخر عمر دست نکشید. امیرالمؤمنین عمر خود را در پیکار با ستمکاران که خود را مسلمان معرفی می‌کردند به سر برد. دفاع از حق و اسلام، از بزرگترین عبادات است. بگذار عبادتگاههای ما را در این شهر مبارک به خون بکشند و ببندند، که مسلمین با عبادت بزرگتر، ماه شریف را می‌گذرانند.

به دنبال گزارشات رسیده، بیانیهٔ علمای اعلام شیراز - دامت برکاتهم - عدد کشتگان را به دهها و مجروحین را به صدها نفر اعلام می‌دارد. مأمورین شاه به مسجد ریخته و به قتل و جرح مردم بی دفاع پرداخته و مسجد را به آتش کشیده اند؛ همچنان کشتار بی‌رحمانهٔ اصفهان به دنبال حیله و دروغ و افترا موجب تأثر و تأسف بسیار است. اکنون اهالی اصفهان به اسم حکومت نظامی بدون مجوز قانونی در زیر چکمهٔ خونخواران شاه از اجتماعات دینی ممنوعند و حق اظهار نظر ندارند و از آزادی اعطایی برخوردارند!

ارتش ایران و صاحب منصبان محترم بدانند که جنایات و قتل عامهایی که شاه بر آنان تحمیل می‌کند حاصلی جز بدنامی و ننگ برای آنان ندارد. افسران ارتش و شهربانی و ژاندارمری ایران تا چه زمان اجباراً و بدون هیچ گونه اختیار، به برادرکشی توسط یک عده مأمور ناآگاه ادامه می‌دهند؟ آخر برای حفظ چه کسی ؟ شخصی که به اسلام و ناموس و آزادی شما ضربات پیاپی وارد می‌کند؟ شخصی که شما را در جهان از بی حیثیت ترین مأمورانی که فقط به خاطر داشتن حقوق گزاف به هر عمل زشتی دست می‌زنند، معرفی کرده است ؟ آیا هر روز کشتار و ضرب و جرح، آن هم به دست شما و یا کسانی که شما هیچ گونه حق اعتراضی به آنان نداشته باشید، با انسانیت

سازگار است؟

شما به عذر مأموریت، برادران دینی خود را به گلوله می‌بندید که مسئولیت آن علاوه بر شاه با خود شما است، باید به حکم خداوند از فرمان ستمگران که شما را به قتل و ظلم امر می‌کنند سرپیچی کنید، و با کشتن برادران خود، جهنم دنیا و آخرت را برای خود نخرید و نالهٔ مادران و پدران داغدار و جوان از دست داده را با گوش دل بشنوید، اینان مادران خود شما هستند. آیا فکر کرده اید که با گلولهٔ خود حداقل یک خانوادهٔ بزرگ را در درد و رنج بی حد قرار می‌دهید؟ اگر تا به حال هم دست به چنین اعمالی زده اید هر چه زودتر توبه کنید و خود را در صفوف لشکر حق قرار دهید؛ مطمئن باشید که پیروزی دنیا و آخرت از آن شما خواهد بود. شما ای صاحب منصبان مسلمان و آزادهٔ ارتش ایران! دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایید و بیش از این تن به ذلت ندهید.

باید تمام جناحهای اسلامی از علمای اعلام و خطبای محترم و طلاب و دانشجویان و جوانان، فرزندان عزیزم و بازرگانان محترم و کارگران و دهقانان شریف و بیدار و تمام جبهه‌ها و احزاب سیاسی، یکدل و یک جهت در آگاهی درجه داران ارتش و ژاندارمری و شهربانی کوشش کنند، و برای سرنگونی این جانیِ بالذات آنان را به تشریک مساعی دعوت نمایند، و ملت را از شرّ این ستمگر نجات دهند؛ و مجال ندهند بیش از این زن و مرد، بزرگ و کوچک، پیر و جوان و کودک ما را به خاک و خون بکشد و اسلام را فدای شهوات خود کند. من، در این آخر عمر، متواضعانه دست خود را به طرف تمام گروهها که برای برپایی اسلام و احکام آن، که تنها راه سعادت و ضامن استقلال و آزادی ایران از استعمار نو و کهنه است، کوشش و فداکاری می‌کنند دراز می‌کنم و از همه استمداد می‌نمایم. این شخص با کمال جدیت به محو آثار اسلام کمر بسته است، و با حیله و دروغ می‌خواهد خود را طرفدار اسلام و ملت معرفی کند. اکنون که ملت شجاع ایران ـ ایّدهم الله تعالی ـ بر حیله‌های او واقف شده و آگاهانه

بپاخاسته است، باید طبقات دانشمند از نویسندگان و گویندگان در هر لباس و شغلی که هستند دست در دست یکدیگر گذاشته و با قلم و بیان، جنایات بیشمار دستگاه را برای ملت بیدار ایران روشن تر کنند. باید طلاب و دانشجویان عزیز و شجاع سراسر ایران از هر فرصت استفاده کرده و شعار ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه دارند.

باید دانشمندان و دانشجویان متعهد و مسئول خارج کشور، جنایات این عنصر خطرناک را هر چه بیشتر در خارج و داخل نوشته منتشر کنند، و شخصیتهای آزادهٔ جهانی را در سراسر دنیا از ظلم و ستمی که به مردم ایران وارد می‌شود آگاه کنند، و آنان را در کمک به ملت دلیر برای نجات ایران از چنگال استعمار و استثمار جهانی بسیج نمایند. باید جمیع طبقات از اختلافات جزئی دست کشیده و برای نجات خویش به پا خیزند و با هر وسیلهٔ ممکن در دفع این مفسدفی الارض اقدام کنند. امروز سکوت در مقابل این ستمگر و بی تفاوتی در برابر این جنایات، برخلاف مصالح عالیهٔ اسلام و مخالف سیرهٔ انبیای عظام و ائمهٔ اطهار ـ علیهم السلام ـ است. امروز هر مطلبی که موجب انحراف ملت شریف از مسیر اصلی است شیطانی و با نقشهٔ شیاطین طرح می‌شود.

اینجانب به اسلام و اولیای اسلام ـ علیهم‌السلام ـ و به عموم مسلمین، بخصوص مؤمنین شیراز و اصفهان ـ ایّدهم الله تعالی ـ و به بازماندگان عزیزان اسلام و جوانان متدین و برومند مسلمین تسلیت می‌دهم و خود را در غم آنان شریک می‌دانم. امید است که شهرستانهای دیگر ایران با اهالی محترم این دوشهرستان‌بزرگ‌همدردی نموده و خود را در مصایب بزرگ آنان شریک بدانند. والسلام علیکم و رحمة الله.

۸ شهر رمضان ۹۸ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٤١ تا ٤٤٣.

◘ پیام

زمان: ۳۱مرداد ۱۳۵۷/۱۷رمضان ۱۳۹۸ مکان: نجف
مناسبت: فاجعه آتش سوزی در سینما رکس آبادان مخاطب: اهالی آبادان

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت عموم اهالی محترم آبادان ـ ایّدهم الله تعالی

دریافت خبر بسیار فجیع به آتش کشیدن چند صد نفر هموطنان ما با آن وضع حساب شده موجب تأثر و تأسف شدید گردید. من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانی بلکه انسانی دست به چنین فاجعه وحشیانه ای بزند جز آنان که به نظایر آن عادت نموده اند و خوی درندگی و وحشیگری، آنان را از انسانیت بیرون برده باشد. من تاکنون اطلاع کافی ندارم؛ لکن آنچه مسلّم است این عمل غیرانسانی و مخالف با قوانین اسلامی از مخالفین شاه که خود را برای حفظ مصالح اسلام و ایران و جان و مال مردم به خطر مرگ انداخته اند و با فداکاری از هم میهنان خود دفاع می‌کنند به هر مسلکی باشند نخواهد بود و قراین نیز شهادت می‌دهد که دست جنایتکار دستگاه ظلم در کار باشد که نهضت انسانی اسلامی ملت را در دنیا بد منعکس کند. آتش را به طور کمربند در سراسر سینما افروختن و بعد توسط مأمورین درهای آن را قفل کردن، کار اشخاص غیرمسلط بر اوضاع نیست.

گفتار شاه که: تظاهر کنندگان مخالف من «وحشت بزرگ» را وعده می‌دهند؛ و تکرار آن پس از واقعه که: این همان وعده بوده است، شاهد دیگری بر توطئه است؛ نه اینکه واقعاً شاه یک غیبگوی بزرگ است! مصاحبهٔ سابق شاه که ایران را با ملت نابود می‌کنم نیز شاهد این مدعا است. اظهار تأسف و تأثر در بوقهای تبلیغاتی از اشخاصی که هر روز دستشان تا مرفق به خون هم میهنان مسلمان ما فرو رفته است شاهد بزرگی است بر نقشه شیطانی شاه و همدستانش، هم آنان که در اکثر شهرهای ایران دست به کشتارهای فجیع زده‌اند.

آیا مردم مظلومی که هر روز به دست همین جنایتکاران به خاک و خون کشیده

شده و به وضع بسیار اسفباری کشته شده اند هم میهنان ما نبوده اند؟ قراین نشان‌دهد که قضیهٔ دلخراش آبادان چون کشتار سایر شهرهای ایران از یک منشأ به وجود آمده است. آیا از این جنایت کسی جز شاه و بستگانش امید نفعی داشته‌اند؟ آیا تاکنون غیر از شاه که هر چند وقت یک بار دست به کشتار وحشیانهٔ مردم می‌زند این قبیل صحنه‌ها را به وجود آورده است و یا خواهد آورد؟ این مصیبت دلخراش برای شاه، شاهکار بزرگی است تا به تبلیغات وسیع در داخل و خارج دست زند و به بوقها و مطبوعات دست نشاندهٔ داخل و نفع طلب خارج دستور دهد که هر چه بیشتر برای اغفال مردم این جنایت را منتشر و به ملت محروم و مظلوم ایران نسبت دهند تا در خارج، ملت حق طلب ایران را مردمی که به هیچ ضابطه انسانی و اسلامی معتقد نیستند معرفی نماید.

من به ملت بزرگ ایران اعلام خطر می‌کنم، خطر اینکه دستگاه اینگونه اعمال وحشیانه و ضد اسلامی را در سایر شهرهای ایران انجام دهد تا تظاهرات پاک مردم شجاع ایران راکه با خون خود ریشهٔ درخت اسلام را آبیاری می‌کنند لوث نماید. لازم است گویندگان، مطلبی راکه به نابودی انقلاب رهایی بخش اسلام منجر می‌شود برای مردم روشن نمایند. این مصیبت بزرگ را به ملت مسلمان ایران بخصوص به مردم ستمدیدهٔ آبادان و به خانواده‌های داغدیده تسلیت عرض نموده و خود را در غم بزرگ و جانکاه آنان شریک می‌دانم. از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب و پیوستگان به آنها را خواستارم.

۱۷ شهر صیام ۹۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٤٥ تا ٤٤٦.

◘ پیام

زمان: ۱ شهریور ۱۸/۱۳۵۷ رمضان ۱۳۹۸ مکان: نجف
موضوع: بیان اسلامی بودن نهضت؛ پرهیز از مناقشات جزئی مخاطب: نهضت آزادی ایران، خارج از کشور

بسم الله الرحمن الرحیم

نهضت آزادی ایران خارج از کشور، اروپا ـ امریکا

پیام شما فرزندان اسلام ـ ایّدکم الله تعالی ـ را مبنی بر وفاداری به اسلام و تذکر زحمات طاقت فرسای چندین سالهٔ آنان در راه اهداف عالیهٔ اسلام که ضامن استقلال و آزادی ملتهاست، دریافت نمودم و موجب کمال تشکر گردید. از خداوند تعالی توفیق و تأیید گروهها یا اشخاصی را که برای اسلام عزیز و مسلمین ستمدیده فداکاری می‌کنند و عمر خود را در راه حق و رسیدن به هدف اسلامی و انسانی صرف می‌کنند خواستارم؛ و علاقهٔ خود را به تمام گروههای آنان اعلام می‌دارم.

امروز که ملتهای ستمدیده در سراسر ایران به خود آمده اند و ملت بزرگ ایران با نهضت عظیم خود، مجال را بر شاه و دارودسته اش تنگ نموده اند وقت آن نیست که عمر خود را در مناقشات جزئی صرف نموده و گوش به تبلیغات مضرهٔ بعضی از منحرفین دهیم. امروز که شاه، با آتش سوزی و ویرانگری، مبارزات حق طلبانهٔ ملت ما را می‌خواهد به دنیا بد جلوه دهد بر ما و شماست که بدون فوت وقت نقشهٔ شیطانی او را در جهان فاش کنیم و نگذاریم نهضت اسلامی انسانی را با بوقهای تبلیغاتی لکه دار کنند.

امروز که ما به خط «الله» قدم به قدم به هدف نزدیکتر می‌شویم باید همه را به اتحاد و برابری و برادری دعوت کرده و نقاط حساسی را که مردم به خاطر آن خود را جلو رگبار گلولهٔ شاه قرار می‌دهند نشان دهیم. امروز باید افراد محترم «نهضت آزادی ایران» در داخل و خارج، و جمیع جناحهای اسلامی ـ ایّدهم الله تعالی ـ بدون از دست

دادن فرصت، دست در دست یکدیگر نهاده و در این امر حیاتی، که برچیده شدن رژیم پهلوی است مبارزه، و بدون مناقشات، ملت را به سوی هدف غایی که ایجاد حکومت اسلامی است هدایت نمایند. امروز سستی و سردی و سرگرم شدن به مسائل جزئی انتحار است؛ انتحاری فضاحت بار. خطر به قدرت رسیدن شاه از اختلاف و سستی گروهها، خطری نیست که بتوان همهٔ ابعاد آن را پیش بینی کرد؛ خطر سقوط یک ملت بزرگ و اسلام عزیز است.

اینجانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همهٔ اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می‌کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم، که هستی ملت بدان پیوسته است ، استمداد می‌نمایم، مطالعهٔ مبارزات آزادیبخش ملتهای دربند و کشتارها و شکنجه‌ها و زحمات طاقت فرسای آنان، هشداری است به ملت شریف ایران که نتیجهٔ مبارزات دینی و ملی آنان فوری و سریع نیست. نهضت ایران، تا پیروزی که مسلماً از آن ملت شجاع است ادامه خواهد داشت؛ و بر شماست که این مطلب را هر چه زودتر به ملت برسانید.

مرقوم شده بود که در بند اول اعلامیهٔ ۲۱ شعبان ۹۸ابهامی است که آلت دست بعضی از افراد مغرض شده است.[۱] باید متوجه باشید که آن بند به دنبال مطالبی بود که نهضت ایران را غیر اسلامی معرفی می‌کرد و دانسته یا ندانسته ملت را از آن جدا می نمود، و زحمات چندین سالهٔ همه را به نفع شاه هدر می‌داد. در این مورد خطیر من مکلف بودم اشتباه آنان را گوشزد نمایم و پایه‌های اساسی مبارزهٔ ایران را نشان دهم.

---

۱. اشاره امام به بند یک پیام تاریخی ۵۷/۵/۵ است : «نهضت مقدس اخیر ایران که ابتدای شکوفایی اش از ۱۵ خرداد ٤۲ بود، صد در صد اسلامی است و به دست توانای روحانیون با پشتیبانی ملت مسلمان و بزرگ ایران پی ریزی شد».

لذا صریحاً اعلام می‌دارم که این بند مربوط به کسانی است که نهضت اصیل ایران را به امر سیاسی غیر اسلامی ترسیم می‌نمایند که نتیجه اش حفظ شاه است نه کسانی که در نوشته‌ها و مصاحبات خود، شاه را محکوم و ایران را بر سر دو راهی «آزادی» یا «شاه» قرار می‌دهند، و نه کسانی که در طول مبارزات در نوشته‌ها و سخنرانیهای خود پیوستگی و همگامی خود را با اسلام، و انزجار و تبری خود را از رژیم منحط پهلوی اعلام نموده اند؛ چنانچه در اکثر نوشتجات خود بدان تصریح نموده اند. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین و توفیق همگی را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۶شهریور ۱۳۵۷/۲۳رمضان ۱۳۹۸ **مکان: نجف**

موضوع: روی کار آوردن دولت شریف امامی و فریبکاریهای جدید شاه **مخاطب: ملت ایران**

بسم الله الرحمن الرحیم

در این موقع بسیار حساس تاریخ ایران، شاه به وسیلهٔ کارشناسان خود دست به توطئهٔ خطرناکی زده است که با اندکی سستی و تغافل، ملت ایران باید از به دست آوردن آزادی و استقلال و حقوق بشر مأیوس شود و خود را برای همه نوع اختناق و شکنجه و قتل و غارت مهیا کند؛ و اسلام باید از احکام نورانی خود چشم بپوشد. تبدیل مهره به مهره‌ای که از اول با اسلحهٔ فریب و ریاکاری وارد میدان شده است به امر شاه، توطئهٔ اغفال ملت و شکستن نهضت اسلامی است، و به هدر دادن خون جوانان عزیز اسلام در این پانزده سال و خصوص در این ماههای اخیر که دژخیمان شاه با قتل عامهای شهرستانها و جرح و حبس و تبعیدها روی تاریخ را سیاه کردند. اکنون که ثابت شد توپ و تانک و ارعاب و تهدید در مقابل ملت بپاخاسته اثر خود را از دست داده، دست به نیرنگ شیطانی زده و با مطالب بسیار اغفال کننده می‌خواهد

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٤٧ تا ٤٤٨.

جنایتها و خیانتهای خود را ادامه دهد.

تاریخ پر شرف اسلام را در مجلسین تغییر داده‌اند[۱] و امر شاه و وزیر در مقابل مجلسین ارزش قانونی ندارد. و این امر پوچ، شاهد بزرگی است بر نیرنگ شیطانی شاه. امر بی ارزش به بستن قمارخانه ها، نیرنگ دیگری است برای اغفال جناح روحانی. در محیطی قمارخانه‌ها را به خاطر احترام به اسلام می‌بندند که تمام مراکز فحشا به قوّت خود باقی و برخلاف مقررات اسلامی و آیات قرآنی، ستمکاری و قتل و غارت امری عادی برای دژخیمان شاه شده.

در محیطی گفته می‌شود آزادی دادیم که بهترین فرزندان عزیز اسلام و ایران در حبس و زیر شکنجهٔ شاهانه و در تبعید به سر می‌برند. در محیطی دم از احترام علمای اسلام می‌زنند که علمای اسلام در حبس غیرقانونی و در تبعیدگاهها بدون مجوز به سر می‌برند. اشخاصی دم از تعظیم شعائر مذهبی و احترام روحانیت و احکام اسلام می‌زنند که در طول نیم قرن شریک جرم دستگاه بوده و قوانینی که برخلاف احکام اسلام بوده تصویب نموده اند. ملت ایران از این رژیم و تمام مهره های آن که خدمت صادقانه به جنایتکار اصلی نموده و مفتخر به آن هستند متنفر و آنها را لایق هیچ مقامی نمی دانند. آنان در محیطی احترام به روحانیون اسلام را اعلام نموده اند که کثیری از مساجد سر تاسر ایران را بسته و خطبا را از گفتار ممنوع کرده‌اند.

در محیطی «حکومت آشتی ملی»[۲] را اعلام می‌کنند که توپها و تانکها و مسلسلها توسط ارتش و سایر مأموران در شهرستانها مشغول سرکوبی ملتی است که حقوق اولیهٔ بشر و اجرای احکام اسلام را خواستار است. آشتی کنیم و خون عزیزان اسلام را هدر دهیم! آشتی کنیم و به رژیم ظالمانه و خیانتکار پهلوی سر فرود آریم! چگونه روحانیون با رفتن احکام مسلّمهٔ اسلام و به غارت رفتن مخازن کشور و

---

۱. تغییر تاریخ هجری قمری و هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی.

۲. جعفر شریف امامی که پس از جمشید آموزگار به نخست وزیری رسید و کابینه خود را «کابینه آشتی ملی» نامید.

کشتارهای بی رحمانهٔ رژیم، به پاس آنکه گفته‌اند «ما به روحانیون احترام می‌گذاریم»، آشتی کنند و این ننگ ابدی را برای خود در تاریخ ثبت کنند؟!

خواست ملت را باید از تظاهراتی که در این چند ماهه می‌شود به دست آورد. عموم ملت در تظاهرات خود می‌گویند: «ما شاه و سلسلهٔ پهلوی را نمی خواهیم». خواست ملت این است، نه وعدهٔ پوچ احترام به علما و نه بستن موقت قمارخانه ها، و نه امر بی‌ارزش ـ از نظر قانون ـ به کار بردن تاریخ اسلامی به طور فریبکارانه و موقت. تأسف و تأثر من آن است که دستگاه ظلم، ملت و روحانیون و سیاسیون را مثل اطفالی به حساب آورده اند که با یک توپ راضی می‌شوند. ملت ایران باید بداند که هیچ روحانی با دولت ظلم و با اشخاص ستمگر که قرآن و احکام اسلام را به بازی گرفته‌اند، آشتی نمی کند و نمی تواند بکند. آشتی کردن، مسلط کردن دژخیمان شاه است بر جان و ناموس ملت؛ و آن از بالاترین معصیتهای کبیره است که روحانی هر که باشد نمی تواند مرتکب شود و نخواهد مرتکب شد. جناحهای سیاسی و جبهه‌ها و نهضتها نخواهند آشتی کرد و نمی توانند آشتی کنند که آشتی به اسارت کشیدن ملت و از دست دادن مصالح کشور است، سیاسیون چنین ننگی را نخواهند مرتکب شد.

ملت ایران بداند که در لب پرتگاهی است که با اندک غفلت سقوط می‌کند، و تمام زحمات و رنجهای چندین سالهٔ او پایمال می‌شود و تا آخر روی سعادت را نخواهد دید، و در نزد خدای تعالی مسئول است. لازم است نهضت شریف اسلامی خود را تا برچیده شدن رژیم ظالمانه و قلدری ادامه دهید؛ و به وعده‌های پوچ دولت غیرقانونی توجه نکنید، و از اختلاف در این موقع حساس احتراز کنید؛ و هم پیوستگی خود را به رژیم ثابت کنید؛ و با هوشیاری خدعه‌های شیاطین را خنثی نمایید؛ و مطمئن باشید که پیروزی و سرفرازی شما نزدیک است.

«اللّهم قد بلّغت؛ و السلام علی المخلصین فی الله و المجاهدین فی سبیله».

۲۳ شهر رمضان ۹۸ روح الله الموسوی الخمینی(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۴۹ تا ۴۵۱.

▣ پیام

زمان: ۱۵ شهریور ۱۳۵۷/ ۳ شوال ۱۳۹۸ — مکان: نجف
موضوع: ضرورت تداوم نهضت — مناسبت: عید سعید فطر
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

عید سعید بزرگ اسلامی را به ملت مسلمان و شجاع ایران تبریک می‌گویم. تبریک با آنهمه خونریزیهای جبارانه برای به دست آوردن راه نجات و کوششهای جوانمردانه در راه هدف اسلامی. ماهی که گذشت ماه فداکاری در راه حق بود؛ ماه تضاد آشکار حق و باطل بود و ﴿ان الباطل کان زهوقا﴾[1] فطر امسال، عید حماسه و جنبش هر چه بیشتر تمام جناحهای ملت ایران بود؛ روزی که رشد فکری و عملی ملت را به دنیا ثابت کرد و پوچ بودن تبلیغات پردامنۀ مخالفین نهضت را ثابت نمود؛ پیوستگی تمام جناحها را ثابت کرده خواست تمام ملت را که رفتن شاه و برچیده شدن بساط ظلم و چپاول مردم مسلمان است، باکمال صراحت اعلام نمود.

مردم مسلمان ایران به دنبال برگزاری نماز عید، دست به عبادت ارزندۀ دیگری زدند که آن فریادهای کوبنده علیه دستگاه جبار و چپاولگر برای بپا داشتن حکومت عدل اسلام است که کوشش در این راه از اعظم عبادات است، و فدایی دادن در راه آن سیرۀ انبیای عظام، خصوصاً نبی اکرم و وصی بزرگ او، امیر مؤمنان است. اینجانب از فداکاریهای ملت ایران تشکر کرده و قدرت و عظمت او را در پناه قرآن و احکام اسلام از خداوند متعال با تضرع خواهانم.

اکنون وظیفۀ همۀ مسلمین، خصوصاً جناح روحانی و سیاسی و بزرگان قوم، خطیر است. ملت ما بر سر دو راهی است: پیروزی و توفیق دست یافتن به بیرون کردن شاه، و یا تا آخر در زیر چکمۀ دژخیمان خُرد شدن؛ با عزت و سرافرازی در مقابل خالق و خلق، و یا خدای نخواسته ذلت و زبونی همیشگی. و هرگز ملت

---

۱. سوره بنی اسرائیل، آیه ۸۱: «همانا باطل نابود شدنی است».

مسلمان ایران تن به ذلت نخواهد داد.

ملت عظیم الشأن ایران! نهضت خود را ادامه داده و هرگز سستی به خود راه ندهید، که نمی دهید. مطمئن باشید به امید خدا پیروزی و سرافرازی نزدیک است. پس از ماه رمضان گمان نشود که تکلیف الهی فرقی کرده است؛ تظاهرات کوبنده برای رسیدن به هدف اسلامی، عبادتی است که روزها و یا ماهها را در آن اثری نیست؛ چرا که هدف نجات ملت است، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایهٔ محکم عدل است. باید در هر فرصت و برای هر حادثه، اجتماعات خود را هر چه بیشتر در مساجد و محافل و فضاهای باز عمومی بر پا نمایید و از قرآن کریم و عدالت اسلامی دفاع کنید. و هر نغمه ای که مخالف آن است از هر حلقومی بیرون آید شیطانی و به نفع ستمکاران حاکم و به ضرر اسلام و میهن است. و به حرفهای فریبندهٔ شاه و دولت و طرفداران اندک آنان گوش ندهید؛ که جز برای به دست آوردن فرصت شیطانی چیزی نیست.

اینان که برای فریب ملت از آزادی دم می‌زنند، زندانهایشان از روحانی و دانشگاهی و بازاری و سیاسی و کارگر و دهقان لبریز است، و بزرگان روحانی و سیاسی به جرم حقگویی و آزادیخواهی در تبعیدگاهها به سر می‌برند. این چه آزادی است که سانسور مطبوعات هنوز به حال خود باقی است و از نشر مسائل اساسی و حیاتی ملت شدیداً جلوگیری به عمل می‌آید، و حکومت شبه نظامی در سراسر ایران بر پاست ؟! مردم ایران هرگز زیر بار شهربانی شاه نمی روند و به اعتراضات قانونی خود ادامه خواهند داد. ملت ایران دیگر از این شعبده بازیها گول نخواهند خورد.

سینمای آبادان بر حسب قراین و به تصدیق مردم داغدیده آبادان به دست شاه جنایتکار و دولت به آتش کشیده شد و نزدیک به چهارصد نفر را سوزاند تا «وحشت بزرگِ» موعودْ وسیلهٔ تبلیغی بر ضد نهضت مقدس ما شود؛ و دیدید که نشد. و در آینده ای دور یا نزدیک فرد یا افرادی را آورده تا اقرار کنند که در این رابطه دست

داشته اند! این افراد یا مأمورند و یا از بهترین و متدین ترین افرادی هستند که برای کشتن آنان هیچ وسیله ای را بهتر از این نمی دانند.

شاه و دولت او که قیام مسلحانه بر ضد ملت حق طلب و بر ضد قانون اساسی و بالاتر بر ضد احکام آزادیبخش اسلام نموده اند قهراً خائنند و اطاعت از آنان اطاعت از طاغوت است؛ به آنان مجال ندهید و با اعتصاب و اعتراض دنیا را از اعمال وحشیانهٔ آنان آگاه کنید.

برادران مبارز لازم است با خبرنگاران هر چه بیشتر مصاحبه کنند، و با صراحت نقش شاه و دولت او را در ادامهٔ اختناق و نقض قانون اساسی گوشزد کنند، و به دنیا بفهمانند که شاه سابق سلطنت خود را به زور در قانون اساسی گنجانده است، و این مواد مورد قبول هیچ ایرانی نیست؛ و از تبلیغات باطلی که در خارج بر ضد نهضت انسانی ملت مسلمان می‌کنند، پرده بردارند و نگذارند نهضت را نزد اشخاص بیخبر از آن، معکوس کنند. مبارزان خارج از کشور دست به تبلیغات وسیع خود زنند و در رابطه با اوضاع ایران هر چه بیشتر فعالیت خود را گسترش دهند.

من از ارتش محترم ایران سپاسگزارم که در راهپیمایی عظیم تهران و سایر شهرستانها به روی مردم وطنخواه خویش، که از ستمکاری پنجاه سالهٔ دودمان پهلوی به جان آمده اند، آتش نگشودند و دست خود را به جنایت بزرگی که کار همیشگی فرمانروایان است آلوده نکردند. من، در این موقع حساس که کشور و وطنمان در لب پرتگاه و بر سر دو راهی سقوط یا استقلال واقع شده است، دست خود را به سوی نیروهای زمینی، هوایی و دریایی وفادار به اسلام و وطن دراز می‌کنم و برای حفظ استقلال و بیرون آمدن از یوغ اسارت و ذلت، از آنان استمداد می‌کنم.

ای سربازان غیور که برای وطن و کشور خود فداکاری می‌کنید! بپاخیزید! ذلت و اسارت بس است! پیوند خود را با ملت عزیز استوارتر کنید و فرزندان و برادران برومند خود را برای هوای نفس یک خاندان چپاولگر به خاک و خون نکشید.

بر گویندگان و نویسندگان است که در روشن شدن افکار برادران نظامی خود هر چه بیشتر کوشا باشند. و ملت ایران باید به آنان احترام گذارد؛ آنان برادران ما هستند.

آیا صلاح دولت نیست که بر کنار شود و خود را بیش از این در مجامع عمومی رسوا نکند؟ آیا وقت آن نرسیده است که شاه کنار رود و ملت را به حال خود گذارد تا ملت سرنوشت خویش را به دست گیرد و خائن را از خادم تشخیص دهد و به سزای اعمالش برساند؟ آیا صلاح است که صدها هزار نفر از فرزندان این ملت مظلوم در خاک و خون بغلتند تا شاه چند روزی به ستمکاری خود ادامه دهد؟ آیا با بودن خائنین به اسلام و ملت، که در رأس آن شاه است، قدمی می‌شود برای نجات ایران برداشت. امید است در آیندهٔ نزدیکی دست خائنین به اسلام کوتاه گردد، تا در آن وقت اصحاب حلّ و عقْد تکلیف نهایی را تعیین نمایند.

و مطلبی را که شدیداً باید بدان توجه داشت اینکه : ما پس از رفتن پایگاه ظلم، به برکت احکام مترقی اسلام، برنامهٔ اساسی خود را اعلام می‌نماییم، و در آن وقت خواهند دید که آنچه خائنین به اسلام نسبت داده اند چه در موضوع حقوق اجتماعی زنان و چه حقوق اقلیتهای مذهبی و چه سایر مسائل جز تهمتی ناجوانمردانه چیزی نبوده است، و بلندگوهای شاه در خارج و داخل برای انحراف افکار و توقف یا شکست نهضت دست به این تبلیغات مسموم زده اند. امید است در آیندهٔ نزدیکی، پس از برچیده شدن بساط ظلم و ظالم، مسائل ما در جمیع ابعادش روشن شود.

از خداوند متعال، شکوفا شدن هر چه بیشتر نهضت و بالا گرفتن هر چه بیشتر تظاهرات رهایی بخش ملت، تا سرنگونی پایگاههای ظلم و ستم را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٥٤ تا ٤٥٧.

◘ پیام

زمان: ۱۸شهریور ۱۳۵۷/ ۶شوال ۱۳۹۸ مکان: نجف
مناسبت: کشتار وحشیانه ۱۷شهریور (جمعه خونین) مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و شجاع ایران

بار دیگر شاه با دستور حکومت نظامی در تهران و سایر شهرستانهای بزرگ ایران، ثابت کرد که پایگاهی در میان ملت ندارد. اعلام حکومت نظامی در محیطی آرام به اقرار رادیو و مطبوعات ایران که راهپیمایی با کمال آرامش در آن انجام گرفت نه تنها قانونی نیست بلکه جرم است و دستور دهندهٔ آن مجرم. شاه برای به رگبار بستن مردم بی دفاع و مظلوم هیچ بهانه ای را بهتر از حکومت نظامی ندید. روزهای اخیر، تهران و سایر شهرستانهای مهم ایران برای اظهار مظلومیت و مخالفت با مجرمی که ۳۵ سال بر مقدرات آنان سلطه دارد و جنایات و خیانتهای او در کشور و مخالفتهای او با قانون اساسی واضح است، شاهد راهپیماییهای آرام بود. اظهار مخالفت با مجرمی که تمام هستی ملت را به باد داده است، از طرف کسانی بود که در حد عالی شعور سیاسی و دینی بودند؛ به طوری که حاضر شدند ارتش را گلباران کنند ولی «دولت آشتی ملی»، آنان را به عنوان شعار برخلاف قانون اساسی، محکوم نمود؛ و حال آنکه شعار آنان بر ضد قانون اساسی شکن یعنی شاه بود. شعار بر ضد رژیم تحمیلی غیر قانونی بود، اظهار مظلومیت بود ولی واقعیت این است که شاه‌خواهد انتقام خود را از ملت بی دفاع بگیرد، و با صحنه سازیهای مبتذل، ملت بی دفاع را به مسلسل ببندد و نفسها را به خیال باطل خودش در سینه خفه گرداند ولی دیگر دیر شده است و ملت مظلوم و بیدار ایران آگاه گردیده اند. من هنوز اطلاع دقیقی از کشتگان و مجروحان در سراسر ایران ندارم؛ ولی خبرگزاریها تعداد کشتگان را به صدها نفر گزارش داده اند و خبرهایی از ایران، این تعداد را بیش از هزار نفرگویند. اکنون بر ملت شجاع ایران است که به هر ترتیبی که ممکن است به مجروحین بیشمار

خود، خون، دوا و غذا برساند و از هر گونه کمک مالی دریغ ننماید.

چهرهٔ ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم‌خورد. آری این چنین است راه امیر مؤمنان علی و سرور شهیدان امام حسین. ای کاش «خمینی» در میان شما بود و در کنار شما در جبههٔ دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد. ملت ایران! مطمئن باشید که دیر و یا زود پیروزی از آن شماست. شاه با حکومت آشتی ملی می‌خواهد روحانیت شریف ایران و سیاسیون محترم را در کشتار خود سهیم گرداند ولی فریب او خیلی زود برملا گردید. ﴿ان کید الشیطان کان ضعیفاً﴾.[1]

جهان باید بداند که این است فضای باز سیاسی ایران! و این است رژیم دموکراسی شاه! و این است عمل به دین مبین اسلام در منطق شاه و دولت او! اکنون به بهانه‌های پوچ دست به حبس و تبعید تازه زده اند و می‌زنند. باید علما و روشنفکران ملت در زیر چکمهٔ دژخیمان خُرد شوند تا کسی خیال آزادی به خود راه ندهد. شما ای ملت محترم ایران، که تصمیم گرفته‌اید خود را از شرّ رژیم شاه خلاص گردانید و در رفراندمی که در سه و چهارم شوال[2] در برابر ناظران سراسر جهان انجام دادید به دنیا نشان دادید که رژیم شاه جایی برای خود در ایران ندارد چنانچه در روزنامه‌های خارجی هم منعکس گردید. مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمی تواند با شما که بیدارید و به پاخاسته‌اید روبه رو شود.

ارتش وطنخواه ایران! شما دیدید که ملت با شما دوست و شما را گلباران‌کند. و می‌دانید که این چپاولگران برای ادامهٔ ستمگری، شما را آلت قتل برادران خود قرار داده اند، به دیگر برادران ارتشی خود که شاه را رها کرده‌اند در پشتیبانی مردم، به

---

۱. بخشی از آیه ٧٦ سوره نسا: «به راستی که مکر شیطان ضعیف است».

۲. چهارشنبه ۱۵ و پنجشنبه ۱٦ شهریور ۱۳۵۷.

دشمن حمله نموده اند بپیوندید، و به پاخیزید و نگذارید ملت شما نابود و برادران و خواهران شما به خاک و خون کشیده شوند. نام خود را در تاریخ که به سود ملت ایران به راه خود ادامه می‌دهد، هر چه زودتر ثبت کنید و ریشهٔ خیانت و ظلم را بکنید.

شما ای علمای بزرگ اسلام و سیاسیون بزرگ، که از فشار شاه هراسی به دل راه نمی دهید! نشانهٔ اعتماد و قوّت روحیهٔ ملت هستید، و در این موقع حساس نه تنها باید استقامت کنید بلکه روحیهٔ عالی مقاومت جامعه را هر چه بیشتر باید تقویت کنید، و هر چه بیشتر صفوف خود را برای مقابله با دشمن مردم ایران متشکلتر کنید. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۵۷/ ۹ شوال ۱۳۹۸ مکان: نجف
موضوع: تسلیت فاجعه ۱۷ شهریور، لزوم ادامهٔ مبارزه مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و بشّر الصابرین * الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون * اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم المهتدون﴾(۲)

وقتی شما را ای فرزندان عزیز اسلام، خداوند متعال تسلیت می‌دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند عزوجل می‌فرماید: «بشارت بده صبرکنندگان را؛ کسانی که هر مصیبتی می‌بینند به حساب خدا تحمل می‌کنند و می‌گویند ما همه برای خدا خلق شده ایم، برای خدا زندگی می‌کنیم، و وقتی بمیریم از بین نمی رویم بلکه به

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٥٩ تا ٤٦١.

۲. سوره بقره، آیه ١٥٤ ١٥٦.

سوی خدای مهربان برمی گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان؛ اینها هستند که به آرزوی انسانی رسیده اند».

مع ذلک من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان به همهٔ مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال سال ۹۸ هـ. ق «۱۷ شهریور» را خاصه به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم، و در عین حال تبریک. و خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همهٔ به خاک و خون کشیده‌های حادثهٔ شوال، مصطفاهای من بوده اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همهٔ بستگانشان تبریک می‌گویم. و چنین کشته شدنی که افتخار دارد، بزرگترین آرزوی من است و شاید نزدیک باشد.

اما فرج و پیروزی حق بر باطل، از آن نزدیکتر است. و از این پس جا دارد که همهٔ کارهای خود را تعطیل کنیم نه برای همیشه که به همین زودی ظالم جبار سرنگون می‌شود. در باز کردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید. در تقویت روحیه و ایمان کسانی که ضعیفند بکوشید که روزی دست خداست. چند روز تعطیل کسب و کار برای رضای خدا کسی را از گرسنگی نمی کشد. عزت و ثروت دست خداست. از مرگ نترسید که حیات و ممات به دست خداست. تعطیل را ادامه دهید که فرج نزدیک است.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٦٢ تا ٤٦٣.

◙ پیام

زمان: ۲۳ شهریور ۱۱/۱۳۵۷ شوال ۱۳۹۸
مکان: نجف
موضوع: اعلام عزای عمومی، و تأکید بر ادامه اعتصابها
مناسبت: هفتمین روز کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان محترم و مظلوم!

اکنون که یک هفته از کشتار فجیع گروه اول مقتولین مظلوم ما می‌گذرد، اکنون که یک هفتهٔ تمام است ملت معظم ایران در زیر چکمهٔ دژخیمان و رگبار مسلسل و توپ و تانک دست و پا می‌زند، اکنون که شاه دست از آستین فضای باز سیاسی درآورده و به دروکردن نهال جوانان رشید و شجاع ما پرداخته است، اکنون که با نفسهای آخر، حکومت فاشیستی نفسهای ملت را در سینه خفه کرده، اکنون که گورستانها از قبور شریف فرزندان اسلام و قرآن پر گردیده، اکنون که دژخیمان شاه به عربده و پایکوبی در مرگ عزیزان ما به شادی نشسته اند، اکنون شاه می‌خواهد ایران را به ویرانه و قبرستان تبدیل کند. اکنون که عمال از خدا بیخبر شاه در مجلس گرد هم جمع شده و با صحنه سازیهای مبتذل و اغفال کننده می‌خواهند مجرم اصلی را تبرئه و گناه بزرگ و خیانت عظیم را به دیگران که آلت فعلی بیش نیستند، نسبت داده و خود را مقرب الخاقان[۱] قرار دهند، اکنون که تمام خیانتکاران خارج و داخل پشتیبانی از جنایات شاه می‌کنند، اکنون که از چهره‌های کریه آزادیخواهی وطرفداری از حقوق بشر پرده برداشته شده، ملت مظلوم و بزرگ ایران باید اعتصاب نموده در عزا بنشینند و رسماً روز پنجشنبه یازدهم شوال را روز عزا قرار دهند.

ما به دنبال فداکاریها و عزای سراسری، منتظر شادیها هستیم. شما شاهد استقلال و آزادی به خواست خدا خواهید بود. شما با پایمردی خود دشمن را چنان از

---

۱. نزدیک به شاه.

میدان بیرون کردید که مجبور به اعلام حکومت نظامی در اکثر شهرستانها و در تهران، مرکز و پایگاه شیرمردان و شیرزنان شد، و خود را در جوامع بشری رسوا و خدعه را با دست خود نقش بر آب کرد. عزیزان من مطمئن باشید که پیروز هستید و در پیشگاه خدای متعال روسفید.

قیام شما در مقابل دیکتاتور اصلی که تمام شعائر ملی و مذهبی را زیر پا گذاشته، چون قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه می‌باشد که عملی بیش از اعمال آن دیکتاتور مرتکب نشده بود. علی در مقابل ستمکاری بود که با امامت جمعه و جماعت و تشبث به اسلام، خون مردمان را می‌مکید؛ قیام در مقابل ظلم و ظالم بود و چندین هزار فدایی داد که عمار یاسر یکی از آنها بود. شما هم در مقابل دیکتاتور عصر که با اسم اسلام و تشبث به قرآن خون ملت را می‌مکد، در صورتی که تعداد کشتگان ما به تعداد کشتگان «صفین» باز نرسیده؛[1] غم به خود راه ندهید و گوش به حرف اشخاصی که از اسلام اطلاعی ندارند ندهید و به راه خود که راه حق و راه اولیای حق است، ادامه دهید. گول خیمه شب بازیهای دولت و وکلای شاه را نخورید که با حرفهای فریبنده می‌خواهند شاه را که در شرف مرگ است نجات دهند. دنیا شاه را محکوم کرد و به پشتیبانی شما برخاست؛ اگر چه مشتی جنایتکار که می‌خواهند مخازن ملت را ببرند و حق ملت را زیر پا بگذارند به او امید می‌دهند، ولی هیچ قدرتی در مقابل قدرت لایزال ملت نمی تواند پابرجا باشد؛ خداوند تعالی وعدهٔ نصرت داده و با شماست. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. مورخین، تعداد شهدای صفین را از هفتاد هزار تا صد و ده هزار نفر نوشته اند.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٦٤ تا ٤٦٥.

◙ پیام

زمان: ۲۷شهریور ۱۵/۱۳۵۷شوال ۱۳۹۸ مکان:نجف
موضوع:اغفال مردم توسط دولت وبوقهای تبلیغاتی شاه مناسبت:وقوع زلزله طبس
مخاطب:ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب از واقعهٔ اسفناکی که موجب مرگ عدهٔ کثیری از برادران و خواهران ما شد، در سوگ هستم. زلزلهٔ طبس هر انسانی را متأثر و متألم می‌کند. مسلمین غیرتمند لازم است مستقیماً به برادران خود کمک کنند و چیزی به دست عمال دولت ندهند که باز راه برای چپاولگران باز شود. لکن در این موقع حساس آنچه لازم است بـه مـلت شریف ایران تذکر دهم آن است که دولت و بوقهای تبلیغاتی شاه از فرصت استفاده کرده و به اغفال مردم دست زده اند. آنهایی که هزاران نفر از بـهترین فـرزندان مـا را دیروز بی رحمانه قتل عام کرده و ملتی را به عزا نشانده اند، امروز برای انحراف اذهان به تعزیه سرایی پرداخته و اشک تمساح برای زلزله زدگـان مـی‌ریزند و عـزای مـلی اعلام می‌کنند. آنهایی که مسلمانان عزیز و پیرو قرآن کریم را بـا رگـبار مسـلسل درو کردند، و از قرار معروف از سربازان اسرائیلی برای کشتار مردم شجاع و بی‌پناه تهران که تعداد کشتگان را بیش از چهار هزار نفر نقل می‌کنند کمک گرفته و پس از قتل عام، آنان را کمونیست و مارکسیست خوانده اند، امروز دلسوز ملت شده‌اند.

دیروز گفتند مشتی خرابکار از خارج با گذرنامهٔ جعلی آمده اند و خرابکاری کرده‌اند و ملت را خارجی معرفی کردند. امروز تظاهرکنندگان شعار ضد دیکتاتوری سراسر کشور را که داده اند و از شاه جنایتکار اظهار تنفر کرده مشتی مارکسیست و کمونیست خوانده اند. ملت ایران از روحانی تا سیاسی، از تجار و کسبه تا کارگر و دهقان چون شعارشان «مرگ بر شاه» است، کـمونیستند! و فـقط شـاه و مـفتخواران اطراف او که با ملت مسلمان آن کردند و می‌کنند که چنگیز نکرد، مسلمانند و ایرانی!!

ملت مسلمان ایران! بیدار باشید و زلزله و سیل و سایر عوامل، شما را از مسیر

خود منحرف نکند؛ و به تبلیغات اغفال کنندهٔ دستگاه شاه گوش ندهید و نهضت اسلامی را ادامه دهید، و تا برچیده شدن دستگاه قلدری و استبداد، از قیام خود دست نکشید. روحانیون معظم در این موقع حساس که شاه زلزله را بهانه قرار داده و دست به بهره برداری زده است، وظیفهٔ الهی و سنگین خود را عمل فرمایند و به مردم هشدار دهند. سیاسیون و روشنفکران و دانشگاهیان وظیفهٔ اسلامی و ملی خود را به جا آورند و نگذارند نهضت را به وسیلهٔ تبلیغات پر سروصدا منحرف کنند. دولت به پشتیبانی شاه، با اینکه صریحاً اعلام می‌کند که عهده دار کشتار بی رحمانهٔ سراسر ایران است، امروز دست به تبلیغات مضری زده است، ولی ملت ایران گول این تبلیغات را نخورده و از او انتقام خواهد کشید. ملت بزرگ مسلمان ایران باید از اعلام پشتیبانی غارتگران تاریخ، ترس و سستی به خود راه ندهند، که نمی دهند و با اتکا به خدای بزرگ و حقانیت خود مطمئن باشند که پیروزند.

اکنون که برادران ما در کشتار سراسر ایران و مناطق زلزله زده بی خانمان و بی‌سرپرست شده‌اند، اکنون که شهر از گِل ساخته شدهٔ طبس بر سر برادران ما خراب شده است، اکنون که مجروحین تظاهرات سراسری ایران از بی دارویی و بی غذایی در رنجند، بر برادران ایمانی لازم است هر چه بیشتر به سرپرستی بازماندگان و تهیهٔ وسایل آسایش برای آنان بشتابند، و به جار و جنجال دولت اکتفا نکنند و به صندوق اعانهٔ آنان کمک نکنند که جز زراندوزی برای مجریان امور هیچ حاصلی نمی تواند داشته باشد. و پیام تأثر بار اینجانب را در تسلیت مصیبت بزرگ، به بازماندگان آنان برسانند. از خداوند تعالی آزادی و استقلال کشور و صلاح حال مسلمین را خواستار است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٧٤ تا ٤٧٥.

▣ نامه

زمان: ۲۸شهریور ۱۳۵۷/ ۱۶شوال ۱۳۹۸[۱] مکان: نجف

موضوع: تشکر از اعلام حمایت، پشتیبانی از فلسطین مخاطب: یاسر عرفات

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای یاسر عرفات، رئیس کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

مرقوم مورخ ۱۸ شهر رمضان المبارک ۹۸ توسط نمایندهٔ مخصوص شما واصل شد. از اظهار محبت و پشتیبانی انقلاب فلسطین و آن حضرت از ملت ایران در موقعی که ایران در آتش و خون غوطه ور است سپاسگزارم. شاه که از قیامهای بحق مردم در سراسر ایران به ستوه آمده بود، شاه که در صحنهٔ حبس و تبعید و شکنجه و اختناق و قتل و غارت شکست خورده بود، در این روزها به دنبال تظاهرات آرام و منطقی مردمی که برای رسیدن به حقوق اولیهٔ خویش ترتیب داده بودند، بدون مجوز قانونی در دوازده شهر بزرگ، اعلام حکومت نظامی نمود و مردم بیدار و آزاده و بی‌دفاع ایران را چون گذشته به رگبار گلوله بست که تعداد کشته شدگان را تاکنون بیش از چهار هزار نفر گزارش داده‌اند.

ملت ایران که از جرایم شاه در طول سلطنت غیرقانونی اش به جان آمده و برای به دست آوردن آزادی و استقلال از دست رفته اش بپاخاسته، شاه را که به سرعت کشور را به سوی نابودی معنوی و مادی سوق می‌دهد نمی خواهند. شاه نفت کشور اسلامی ایران را برای سرکوبی مسلمانان به اسرائیل می‌دهد؛ و در ایران هر کس به این عمل غیر انسانی اعتراض کند با سرنیزه جوابش داده می‌شود. شاه را امروز غاصبین حقوق مسلمین بر ملت ما تحمیل کرده اند.

جناب آقای ابو عمار!

ما در قضیهٔ فلسطین همیشه مخالف با شاه و اسرائیل و پشتیبانان آنان بوده و با

---

۱. درکتاب «هفت هزار روز»، تاریخ نامه ۵۷/٦/۲۲ درج شده است.

شما هم صدا بودیم و مظالم اسرائیل را به ملتها رساندیم؛ و حال که ملت ایران در زیر چکمهٔ دژخیمان شاه و در حصار تانکها و توپها و مسلسلهایی است که از سربازان اسرائیلی در خیابانهای تهران برای کشتار ملت بی دفاع ایران از آنها کمک گرفته، با ملت مظلوم ما هم صدا شوید و با وسایل تبلیغاتی خود صدای ما را به عالم برسانید.

امروز چین سرخ به اصطلاح انقلابی، امریکا مظهر استثمار جهانی، و شوروی سرچشمهٔ ریا و دروغ، و انگلیس استعمارگر کهنه کار برای سرکوبی ملتی که می‌خواهد روی پای خود بایستد و هیچ گونه تمایلی نه به شرق و نه به غرب داشته باشد، قیام و از شاه دفاع می‌کنند و با این وضع، شاه باکمال بیشرمی ملت بی‌پناه ایرانی را معجونی از کمونیستهای سرخ و مرتجعین سیاه می‌نامد. ولی من یقین دارم که پیروزی ملت آگاه ما حتمی است.

از خداوند تعالی توفیق شما را در سرکوبی اسرائیل غاصب خواستار، و استقلال کشورهای اسلامی را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۳۰شهریور ۱۳۵۷/۱۸شوال ۱۳۹۸ مکان: نجف

موضوع: آزادی آقای قمی اززندان ـ حکومت نظامی و سرنیزه مخاطب: قمی، مشهد

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای قمی ـ دامت برکاته

آزادی جنابعالی پس از دوازده سال زندان غیرقانونی و غیرانسانی به جُرم حقگویی و حق طلبی موجب مسرت گردید. کشتار بی رحمانهٔ ماههای اخیر، خصوصاً کشتار بیشماری از فرزندان اسلام که تعداد کشته شدگان را بیش از

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٧٦ تا ٤٧٧.

چهارهزار نفر نقل می‌کنند، یکی دیگر از نمونه‌های آزادی و تمدن بزرگ و آشتی دولت شاه است. تا برقراری این رژیم منحط، امید آزادی پوچ و ستمکاری و خیانت ادامه دارد. شعار مردم مسلمان ایران باید قطع ید اجانب و عمال خائن آنان که در رأس آن شاه است باشد. اکنون که شاه با قدرت کوبندهٔ ملت مواجه است و ناچار است که با حکومت نظامی و سرنیزه به حیات غیرقانونی خود ادامه دهد، برای اغفال مردم، تظاهر به دلسوزی برای زلزله زدگانی[1] می‌کند که به هیچ وجه در محیطی که زلزله خیز است هیچ گونه اقدامی برای حفظ جان مردم محروم از او صورت نگرفته است. اکنون که شاه، ملت را از هستی ساقط و هر چند گاه دست به قتل عامی تازه می‌زند، برای زلزله زدگان دلسوزی می‌کند که خود در اثر بی توجهی در امور خانه سازی، خانه‌های آنان را بر سر مردمش خراب کرده است. شما خود می‌دانید و بدان معتقدید و همه باید بدانند که ملت ایران شاه را نمی خواهد و هر کس که شاه و سلطنت او را بخواهد خائن است. از خداوند تعالی سلامت جنابعالی و عظمت اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

۱. زلزله طبس که بر اثر آن هزاران تن کشته و بی خانمان شدند.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٧٨.

هجرت به پاریس

▣ پیام

زمان: ۱۴ مهر ۱۳۵۷ / ۳ ذی‌القعده ۱۳۹۸ **مکان: نجف**

موضوع: اعلام مهاجرت از عراق **مخاطب: ملت ایران**

۳ ذی القعده الحرام ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

سلام و تحیت بر برادران غیور ایرانی که برای رهایی از حکومت طاغوت و خاتمه دادن به چپاول غارتگران بین المللی و نفتخواران بپاخاسته اند. درود بر مسلمانان بیداری که از حمله‌های پی درپی دژخیمان شاه، هراس به خود راه نداده و راه اسلام و شهدای مجاهد حق را در پیش گرفته و اساس ستمگران را متزلزل نموده و با تظاهرات مردانهٔ خود پشت استعمارگران مفتخوار را به لرزه درآورده اند.

اکنون که من به ناچار باید ترک جوار مولا امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ را نمایم و در کشورهای اسلامی، دست خود را برای خدمت به شما ملت محروم که مورد هجوم همه جانبهٔ اجانب و وابستگان به آنان هستید باز نمی‌بینم و از ورود به کویت با داشتن اجازه ممانعت نمودند، به سوی فرانسه پرواز می‌کنم. پیش من مکان معینی مطرح نیست؛ عمل به تکلیف الهی مطرح است، مصالح عالیهٔ اسلام و مسلمین مطرح

است. ما و شما امروز که نهضت اسلامی به مرتبهٔ بسیار حساس رسیده است مسئول هستیم؛ اسلام از ما انتظار دارد. چشم جهانیان امروز به سوی شما ملت غیور دوخته شده. دولتهای استفاده طلب به مطالعهٔ روحیه و مقدار پشتکار ملت ما پرداخته اند. شما مردان و زنان تاریخ باید پایداری در راه کوبیدن ستمکاران و دفاع از حق را به جهانیان و نسلهای آینده ثابت کنید.

من در حال گرفتاریها و اشتغالات اخیر، اخبار ایران و قیامهای پی درپی نقاط مختلفه را مثل کرمانشاه و بعض مناطق کردستان و قتلهایی که به دست دژخیمان شاه واقع شده می‌شنیدم، و هم متأثر و متأسف بوده و هستم و هم امیدوار و سربلند؛ امیدوار به شجاعت ملت بزرگ، و سربلند از فداکاری آنان در راه اسلام و مستضعفین. سربلند باد ملتی که با فداکاری خود قدم در راه پیروزی حق برداشت و سدهای مانع از آن را یکی پس از دیگری شکست! پیروز باد رادمردانی که با خون خود عزت برباد رفته را باز گرفت و عظمت پایمال شده به دست سلاطین ستمگر را باز یافت! من وقتی مطالعهٔ روحیهٔ مردان و زنان جوان از دست داده را می‌کنم که شجاعانه در مقابل مصایب ایستادگی کرده و می‌کنند، برای خود احساس شرمندگی می‌کنم. من‌بایست با مصیبتهای شما قدم به قدم همراه و آنچه شما دیده اید دیده باشم؛ مع الأسف نتوانستم در بین شما باشم و آنچه شما لمس کردید بکنم لکن از این راه دور، چشمم به شما روشن و قلبم برای امت اسلامی می‌تپد. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و کوتاه شدن دست اجانب و وابستگان آنان را مسئلت می‌نمایم.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٨١ تا ٤٨٢.

▣ پیام

زمان: ۱۶مهر ۱۳۵۷/ ۵ذی‌القعده ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
مناسبت: آغاز سال تحصیلی مخاطب: عمومی

۵ذی القعدة الحرام ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز سال تحصیلی به محصلین علوم دینیه و دانشجویان دانشگاهها و دانش آموزان که برای اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی بپاخاسته‌اند، درود می‌فرستم.

سالی که گذشت، سال فداکاری و رنج تمام طبقات ملت عزیز و شما فرزندان اسلام بود؛ سال نزدیک شدن پل پیروزی و نمودار شدن آثار آن؛ سال کشتارهای بی‌رحمانه و به عزا نشاندن ملت و در عین حال عقب نشینی محسوس شاه و اربابان و نوکران او؛ سال گرایش تمام اقشار ملت به اسلام، ضامن آزادگی و استقلال و سعادت و رشد فکری و عملی و واپس راندن جنود شیطانی و جنایتکاران.

من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام مژدهٔ پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیله‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان و مهره‌هایی به اسم شاه و دولت و وزیر و وکیل که به جان ملت مستضعف افتاده اند و خون آنان را می‌مکند.

هان، ای عزیزان من! در محیط مدارس و دانشگاهها و دانشسراها آگاهانه و متعهد بپاخیزید و به هم پیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید، و قبل از هر چیز عملاً از احکام پر ارج اسلام که سعادت ملتها را بیمه نموده است پیروی کنید، و جناحهایی راکه در اثر تبلیغات اجانب، فریب خورده و بعضی مکتبها را پذیرفته اند و یا به آنها تمایل پیدا کرده اند، از حیلهٔ دشمن آگاه کنید، و جنایتهای سران حیله باز مکتبهای منحرف را افشا کنید، و برای نجات کشور، از تفرقه و تشتت، سخت احتراز

کنید، و با صراحت خواستهای ما راکه خواست همهٔ مستضعفین است به آنان گوشزد کنید، و شعار ما راکه شعار ملت محروم و مظلوم است به آنان پیشنهاد کنید، باشد که با شناخت صحیح به شما بپیوندند. و از طرف من به آنان بگویید اسلامی که شما از زبان دیگران یا ناآشنایان به مکتب قرآن شنیده اید و یا منحرفان تفرقه طلب و عمال استعمارگران به شما معرفی کرده‌اند اسلام نیست؛ بیایید اسلام عزیز را از دانشمندان آشنا به منطق قرآن بشنوید و در آن، چیزی راکه بالاتر از آمال و افکار شماست بیابید، و گول مبلغان استعمارگران را مخورید؛ یک نظر سطحی به وضع سران اینگونه کشورها کافی است که شما را بیدار کنند. دیروز دیدید که رهبر چین[1] از روی نعشهای عزیزان ما، که به دست دژخیمان شاه به جرم آزادیخواهی به خاک و خون کشیده شدند، گذشت و باکمال وقاحت رسماً از شاه پشتیبانی نمود. و آن هم شوروی و کرملین نشینان که چه در ۱۵ خرداد و چه امروز از کشتار عمومی شاه پشتیبانی کردند و می‌کنند. تمامی قدرتمندان کمونیست از خون ملتهای مستضعف برای نابودی بشر، آلات قتاله تهیه می‌کنند، و آن هم امریکا جهانخوار بزرگ که حالش بر همه واضح است.

ای فرزندان ایران! پیوندتان را با ملت بزرگمان که تنها می‌خواهد روی پای خود بایستد و هیچ گونه گرایشی به شرق و غرب نداشته باشد، و به همین مناسبت مورد هجوم چپ و راست قرار گرفته است و هر روز شاهد کشتار دسته جمعی آنان به دست شرق و غرب هستیم، مستحکمتر کنید، و با شعار واحد توحیدی، دست جباران و غارتگران بین المللی را از مخازن غنی خود کوتاه کنید، و با دست یافتن به مخازن بزرگ و کوتاه کردن دست زمامداران، کرسی نشینان خیانتکار، با همت ملت بزرگ به ادارهٔ کشور بپردازید؛ و سرمایه‌های عظیمی که امروز به دست دزدهای غارتگر بین المللی و دودمان پهلوی و بستگان آنان و هیأت حاکمه و دیگران تباه

---

۱. هواکو فنگ؛ وی پس از واقعه ۱۷ شهریور به تهران آمد.

می‌شود، در راه صلاح و خیر ملت و مملکت به کار اندازید. بساط هرج و مرج و اسراف و هرزه گریها را به برکت حکومت اسلامی درهم پیچید و کشور خود را نجات دهید. و به خدای بزرگ اتکال کنید که نگهدار و معین شماست.

اکنون به خواستهای ابتدایی و مقدماتی ما، که رسیدن به سعادت و آزادی و استقلال و حکومت عدل اسلامی بدون آن ممکن نیست، و به سدهایی که باید از سر راه برداشته شود، توجه کنید:

۱ـ برچیده شدن نظام شاهنشاهی، که در طول تاریخ، تمام تیره روزیهای ملت مستضعف به دست شاهان و به خاطر نظام شاهنشاهی بوده است؛ و ستمکاریهای آنان روی تاریخ را سیاه نموده است، و نمونه اش در عصر حاضر، شاه است که کشور را به سرعت به سوی سقوط می‌کشاند. موافقت با نظام شاهنشاهی چه به صراحت و چه به وسیلهٔ طرحی که لازمه اش بقای آن است، خیانت به اسلام و قرآن کریم و مسلمین و ایران است؛ و هر کس با هر اسم با آن روی موافقت نشان دهد مطرود و اجتناب از او لازم است.

۲ـ بیرون راندن تمام عناصری که در زمان سلطنت پهلوی متصدی امور مهمهٔ کشور بوده‌اند مثل وزارت و وکالت که اینان بدون استثناء شریک جرم و آلت اجرای مقاصد اجانب با شاه بوده اند و باید از تصدی امور کشور برکنار باشند و محاکمه و مجازات شوند، و فرقی نیست بین موافقین دولت و آنان که با فرصت طلبی و فریبکاری، خود را به صورت مخالف درآورده اند و به فریاد برخاسته اند، و آنان که دم از انتخابات آزاد و عمل به قانون اساسی می‌زنند؛ زیرا تمام اینها کوشش دارند با این نغمه‌های شیطانی، شاه را حفظ کنند و بساط سوءاستفاده را ادامه و رونق دهند، و غارتگران بین المللی را در چپاول مخازن ما کمک کنند.

۳ـ در همه حال، شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از سر کشور است؛ زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و

خیالی بیش نیست؛ و هر کس در هر مقامی و به هر صورتی اجازهٔ دخالت اجانب را در وطن عزیز ما، چه با صراحت و چه به وسیلهٔ طرحهایی که لازمه‌اش ادامهٔ تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه ای باشد بدهد، خائن به اسلام و کشور است، و احتراز از او لازم است؛ زیرا اگر دخالت اجانب ـ خصوصاً امریکا، شوروی، انگلیس ـ وجود داشته باشد، هر رژیمی که روی کار بیاید تنها آلتی خواهد بود برای عقب نگه داشتن ملت و ادامهٔ بدبختیها و محرومیتها از یک طرف، و چپاولگریها و قلدریها از طرف دیگر. عوض شدن مهره‌ها گرچه ممکن است موقتاً اوضاع را بهتر از حال حاضر کند، ولی تأثیری در سرنوشت ما ندارد، زیرا تمام بدبختیها و گرفتاریهای مسلمین از دخالت اجانب در مقدرات آنان است.

اینها اجمالی است از خواستهای مقدماتی ما؛ و خواستهای اصلی پس از طی این مرحله عرضه می‌شود و به خواست خدای تعالی و با ادامهٔ نهضت ملی اسلامی با کمال قدرت اجرا خواهد شد.

دوستان من ! از مشکلاتی که در راه است هراسی به دل راه ندهید که ان شاءالله دیر یا زود، همهٔ آنها حل و رفع می‌شود و خداوند یار حق طلبان است.

و اما وظیفهٔ ما و شما دانشجویان و دانش آموزان و طلاب علوم دینیه :

۱ ـ اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید، و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید؛ که اینها خائن به دین و ملت و کشورند و می‌خواهند شاه و اربابان او و چپاولگران بین المللی به غارتگری خود ادامه دهند و ملت را به حال فقر و عقب ماندگی نگه دارند.

۲ ـ طلاب علوم دینی و دانشجویان با هم روابط دوستانه و فعالانه داشته باشند، و بر اساس به دست آمدن استقلال و آزادی و خلع ید غاصبان از حقوق ملت در تمام ابعادش، به سایر طبقات ملت بپیوندند.

۳ـ شما و ما و سایر قشرها مکلفیم به ارتش بفهمانیم که باید زنجیر تسلط اجانب را با قدرت نظامی پاره کند و به ملت بپیوندند و کشور را از ننگ فرمانروایی مستشاران اجانب برهانند؛ زیرا صلاح دین و دنیای همگی در آن است و بدون سرنگونی رژیم شاه، نجات امکان ندارد. باید ارتشیان را آگاه گردانید که شاه و عمال سرسپردهٔ او، شما را در راه مقاصد شوم خود و ابرقدرتها و «غارتگران ضعفا» به خدمت می‌گیرد، که حفظ منافع اجانب و همدستی با اسرائیل نمونهٔ آن است. و کشته دادن و ننگ از آن شماست، و حفظ مقام و ادامهٔ ستمگری و غارتگری از آن او و ستمگران است. هلاکت و برادرکشی، نصیب درجه داران جوان و سربازان است، و استفاده و عیاشی برای دیگران. باید خود را از شرّ شاه نجات دهند و شاهد پیروزی را در آغوش کشند.

شما ای طبقهٔ جوان ارتش، بپاخیزید و کشور خود را از زبونی و ذلت نجات دهید، و دست غارتگران را کوتاه کنید، و شرف و عزت را برای خود به یادگار بگذارید، و سعادت دو دنیا را بیمه کنید. و وظیفهٔ دانشجویان است که در محیط دانشگاه هر چه بیشتر ارتش را برای یک قیام همگانی تشویق و ترغیب کنند، و آنان را برادر خود بنامند و با صدای بلند از آنان سئوال کنند: آیا جواب گل، گلوله است ؟!

۴ـ بسیار هوشمندانه به مسائل روز نظر کنید و گول خدعه‌های دستگاه شاه را که با طرحهای مختلف می‌خواهد ایجاد نفاق کند نخورید؛ زیرا از قراری که شنیده می‌شود، می‌خواهند گروهی از دست نشاندگان و مأمورین شاه را وادار کنند و در دانشگاهها شعارهای کمونیستی بدهند تا مردم را از خطرات آن بترسانند. «حزب توده» حزب کثیف مرتبط به دستگاه شاه است و تمام شعارها و نمایشها برای سست کردن نهضت اسلامی و نجات شاه از سقوط و برقرار داشتن دستگاه چپاول و پایدار ماندن چرخهای سوءاستفاده از مخازن ملت محروم است، شما دانشجویان عزیز موظفید این نقشهٔ شیطانی را نقش بر آب کنید.

۵ـ شما دانشجویان موظف هستید که از قیام حق طلبانه و مردانهٔ قشرهای

کارگر و کارمندان محروم و مسلمان ایران که به اعتصاب کشیده شده است پشتیبانی کنید. اینان مسلمانان محرومی هستند که از حق کشی رژیم شاه به تنگ آمده اند و برای احقاق حق و همگامی و همدردی با سایر برادران خود بپاخاسته اند. و همه می‌دانید تا رژیم فعلی سر کار است، عدالت اجتماعی و رسیدگی به حال زحمتکشان محروم، امری است که جامهٔ عمل به خود نمی پوشد. به آنان از من بگویید که گول دستگاه فریبکار را نخورید و دست از اعتصابات نکشید و نهضت اسلامی خود را ادامه دهید، تا با خواست خدا دست غارتگران حقوق شما و سایر ملت را قطع و به برکت حکومت اسلامی به عدالت حقیقی و برخورداری از نعمتهای الهی نایل شوید؛ و به آنان تذکر دهید: در اعتصابات خود پشتکار به خرج دهید و شعارهای اسلامی خود را هر چه بیشتر گسترش دهید، و اتکال به خدای تعالی نموده و مطمئن باشید پیروزمندانه به حقوق حقهٔ خود می‌رسید.

دوستان عزیز! فشار شاه موجب شد که نتوانم به فعالیت اسلامی خود که تکلیف الهی است ادامه دهم، و تصمیم گرفتم به یکی از کشورهای اسلامی مهاجرت نمایم. کویت با داشتن گذرنامه و اجازهٔ ورود، حتی عبور از شهر تا فرودگاه را برای خود خطرناک خواند. فعلاً وارد پاریس شدم تا با تمام مشکلات به وظیفهٔ دینی خود که خدمت به کشور اسلامی و مردم محروم وطنم است موفق گردم. امید است تا مقدار امکان، به ملتی که برای دفاع از اسلام به فداکاری برخاسته است خدمت کنم؛ هر چند هیچ نوع خدمت جوابگوی فداکاریهای مداوم ملت عزیز نیست. به پیشگاه خداوند عذر تقصیر عرضه می‌دارم و پیروزی ملت مسلمان و سربلندی و استقلال و آزادی همه را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۸۳ تا ۴۸۸.

▣ نامه

زمان: ۱۹مهر ۱۳۵۷/ ۸ذی‌القعده ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: استقامت تاسقوط سلسله پهلوی مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای نجفی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود وحاوی استفسار از اینجانب بود واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است.

اینجانب به واسطهٔ فشار عراق به تصویب شاه معلوم الحال، که مملکت اسلامی را تا سرحد سقوط رسانده است، از نجف به خارج آمده بلکه بتوانم برای این ملت محروم کاری بکنم. ما همه موظف هستیم که از پا ننشینیم تا سقوط سلسلهٔ بی حیثیت پهلوی. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۲۰مهر ۱۳۵۷/ ۹ذی‌القعده ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
مناسبت: چهلم شهدای ۱۷ شهریور (جمعه خونین) مخاطب: ملت ایران

۹ ذی القعده ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

ملت آگاه و مبارز و شجاع ایران ـ اعلی الله کلمتهم

اکنون که چهلم عزیزان تهران به دنبال «چهلم» ها فرا رسیده، و با استقرار حکومت سرنیزه و پلیس در انتظار «چهلم» هایی باید باشیم، اکنون که سایهٔ شوم حکومت نظامی و نظام سیاه شاهنشاهی روزگار ملت محروم ما را به تباهی کشانده است، اکنون که دست ابرقدرتهای ستمگر برای چپاول مخازن غنی ما بر ضد ارادهٔ مصمم ملت از آستین دژخیمان شاه بیرون آمده و عزیزان اسلام را به خاک و

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۰۱.

خون‌کشد، اکنون که نمودهای «دروازهٔ تمدن بزرگ» به دست پایه‌گذاران حقوق بشر، یکی پس از دیگری بر روی نعشهای جوانان برومند ما رخ می‌نماید، اکنون که به ادعای کارتر، ملت به آزادی و استقلال شاهانه نایل شده است، کشور بی‌پناه ما عزادار و ملت مظلوم ما سوگمندند. ما در غرب و شما در شرق به عزای عمومی می‌نشینیم، تا دست جنایتکار ابرقدرتهای نفتخوار در کشور نفت خیز ما باز است درهای سعادت و آزادی و استقلال بسته است.

عزیزان من! همت کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مهره‌های خیانتکار را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کنید، و دست مهره دارهای سودجو را از کشورهای اسلامی قطع کنید. سعادت و آزادی و استقلال، پشت سد مهره‌های داخلی و مهره دارها است، سدها را ویران کنید و صفها را درهم شکنید و کشور را نجات دهید. در منطق کارتر، این جنایتها و اختناقها و وحشیگریهای شاه کوشش در راه استقرار اصول دموکراسی و موضع گیریهای مترقیانه نسبت به مسائل اجتماعی است. او مردم آگاه ایران را متهم می‌کند که با آزادی که شاه می‌خواهد بدهد مخالفند، و تمام اعتصابات و اعتراضات سراسر ایران برای گریز از آزادی است! لکن باید بداند که این فریبکاریها دیگر ارزش خود را از دست داده است و همهٔ جوامع شاه را شناخته‌اند.

ملت بزرگ ایران! تاریخ ایران، بلکه تاریخ جهان، نهضتی چون نهضت شما به یاد ندارد و قیام همگانی چون قیام شما آزادگان را پشت سر نگذاشته است. امروز نونهالان هفت هشت سالهٔ دبستانهای ما فدایی می‌دهند و در راه اسلام عزیز و کشور، خون نثار می‌کنند. شما در چه تاریخی چنین دیده اید؟ امروز زنهای شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می‌روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟ امروز غریو «مرگ بر شاه» از دل طفل دبستانی تا پیران بیمارستانی مجال را بر رژیم منحط پهلوی چنان تنگ

نموده و اعصاب شاه را آن سان خرد کرده که دست از پا نشناخته و تسکین خاطر خود را با خون کودکان و جوانان ما بیمه می‌کند.

خواهران و برادران عزیز! صبور باشید و سستی و ضعف از خود نشان ندهید؛ راه شما راه خدا و اولیای خدا است. خون شما در راهی می‌ریزد که خون پیغمبران و امامان و اصحاب صلاحیتدار آنان ریخته شد. شما به آنان می‌پیوندید و این نه تنها غم ندارد، که شادی آور است.

صفهای خود را محکم کنید و اراده‌ها را مصمم و وحدت کلمه را حفظ نمایید و با همهٔ جناحهای مسلمان؛ خصوصاً ارتشیها ائتلاف کنید، و سلام گرم مرا به آنان برسانید، و بگویید اینان که با مسلسل شما و یا اجانب کشته می‌شوند برادران و خواهران شما هستند. برای ارضای شهوات شاه، خود را پیش خالق و خلق رسوا نکنید و در آغوش ملت بیایید آغوش ما برای شما باز است.

عزیزان من! از اختلاف که الهام ابلیس است اجتناب نمایید و به هم پیوسته در راه هدف که سرنگون شدن رژیم فاسد پهلوی و قطع ایادی اجانب از مقدرات و مخازن کشور است، نهضت مقدس را ادامه دهید و در راه پیشرفت مقاصد اسلامی خود از هیچ عاملی نهراسید که این جنبش بزرگ را هیچ قدرتی نمی توانند متوقف کند. شما بحقید و دست خداوند تعالی با شما است، و خدا خواسته است که مستضعفین پیشوایی را به دست گرفته، خود وارث مقدرات و مخازن خود باشند.

اینجانب در اولین فرصت به یکی از کشورهای اسلامی که بتوانم به فعالیتهای اسلامی خود ادامه دهم خواهم رفت، و ان شاءالله تعالی عمرم را در راه خدای تعالی که خدمت به شماست به آخر می‌رسانم. تاکنون هیچ یک از دولتهای اسلامی از من دعوت ننموده اند، و به محض احراز آزادی بیان و قلم در کشوری از کشورهای اسلامی، ان شاءالله برای خدمت در آنجا خواهم رفت. اکنون در اینجا به خدمت ادامه می دهم. در نهضت اسلامی و خدمت به مردم مسلمان، مکان یا رنج در مکان مطرح

نیست؛ آنچه مطرح است ملت است؛ صدای وجدان است. من هر چه بکنم و بر سر من هر چه بیاید در مقابل شمایی که خون در راه آزادی و اسلام داده اید خجلم. آنچه مرا در این مکان رنج و دردآور دلخوش می‌کند خدمت به شما است. من در غم خانواده‌های افتخار آفرین سراسر ایران خود را شریک می‌دانم و یاد کودکان دبستانی ایران که اخیراً به دست شاه جبار کشته شده اند قلبم را می‌فشارد. چهلم تهران را روز عزای عمومی اعلام کرده و خود نیز عزادارم.

از خداوند تعالی ادامهٔ نهضت را تا حصول مقاصد اسلامی خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۴ مهر ۱۳۵۷/ ۱۳ ذی القعده ۱۳۹۸ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: امکان هجرت به سوریه — مخاطب: فارسی، جلال الدین

دوشنبه ۱۳ ذی القعده ۹۸ بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، مرقوم شریف واصل، توفیق و سلامت جنابعالی را خواستارم. در موضوعی که مرقوم شده بود، اینجانب بنا دارم در صورت اقتضا حتی الامکان در سوریه اقامت نمایم؛ و بناست یکی از دوستان همین چند روز بیاید برای ارزیابی این موضوع و مذاکره؛ ممکن است با جنابعالی هم ملاقات کند و مشورت. در لبنان محذوراتی دارد که تا مُلجأ[۲] نشوم نمی روم. از عواطف جنابعالی تشکر می‌کنم و از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستار هستم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۱۱ تا ۵۱۳.

۲. مجبور، ناچار.

۳. صحیفه امام، ج ٤، ص ۲۸.

▣ پیام

زمان: ۲۶ مهر ۱۳۵۷/ ۱۵ ذی‌القعده ۱۳۹۸ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران — مناسبت: فرارسیدن ایام حج
مخاطب: زائران بیت‌الله الحرام و مسلمین جهان

بسم الله الرحمن الرحیم ۱۵ شهر ذی القعده ۹۸

اکنون که موسم حج بیت الله الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلام رسیدگی کرده و از گرفتاریهای برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن حسب وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین، از فرایض مهمه اسلام است. اینک اینجانب از وضع گرفتاری ملت مسلمان ایران، گزارشی به شما زائران بیت الله الحرام می‌دهم و از مسلمین همه اقطار[۱] عالم استمداد می‌کنم.

ایران که اکنون حدود سی میلیون مسلمان دارد، از پنجاه سال قبل تاکنون گرفتار در چنگال خاندان پهلوی، که رسماً نوکر اجانب بوده و هستند، می‌باشد. در این پنجاه سال سیاه، این ملت بزرگ، در تحت فشار پلیس و اختناق و شکنجه روحی دست و پا می‌زند، و تمام مخازن زیرزمینی و منافع حیاتی ملت را شاه به اجانب داده است. نفت را امریکا و گاز را شوروی و مراتع و جنگلها را به علاوه بر بخشی از نفت، انگلیس و بعض کشورهای دیگر. مردم را از تمام مظاهر حیاتی محروم نموده و به حال عقب ماندگی نگه داشته. نظام ارتش و فرهنگ ما و اقتصاد کشور، استعماری و رشد را به همه ابعادش از ملت سلب نموده، اکنون که در سالهای اخیر، ملت بیدار شده و برای احقاق حق خود بپاخاسته و فریاد مظلومانه اش بلند شده است، جواب آنها با مسلسل و   و توپ داده می‌شود. قتل عامهایی که در این چند ماه اخیر در

---

۱. نواحی.

شهرهای ایران رخ داده، روی تاریخ را سیاه نموده. شاه با تمام قوای جهنمی به پشتیبانی امریکا به جان مردم مظلوم افتاده؛ ایران اکنون به شکل قبرستانی مبدل و اعتصابات عمومی سرتاسر کشور را فرا گرفته، و شاه در این نفسهای آخرش خواهد از این ملت مستضعف انتقام بگیرد. سایه شوم حکومت نظامی بر سر ملت برقرار و دست کماندوهای مزدور برای قتل بزرگ و کوچک و زن و مرد باز است.

اینجانب در هیچ یک از کشورهای اسلامی اجازه ادامه به فعالیت خود، که رساندن ندای مظلومانه ملت است به عالم ندارم، و چون وظیفه دینی و وجدانی خود را باید ادا کنم، به ناچار به خارج از بلاد مسلمین آمدم، شاید بتوانم جوامع بشری را از آنچه به ملت مظلوم ایران می‌گذرد آگاه، و تا پیدا کردن فرصت برای ادامه عمل در یکی از بلاد اسلامی، در خارج زیست می‌کنم.

اکنون ای مسلمین جهان، در امر ایران اهتمام کنید و ناله یک ملت سی میلیونی مستضعف را به جهانیان برسانید. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است: «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم».[۱] «اللّهم قد بلغت».[۲] والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست». حدیث نبوی. نظیر همین حدیث از امام صادق (ع) نیز روایت شده اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، ج ۲، ص۱۶۳.

۲. خدایا تکلیف خود را ادا کردم.

۳. صحیفه امام، ج ٤، ص ٤٣ تا ٤٤.

▣ پیام

زمان: ۴آبان ۱۳۵۷/۲۳ذی‌القعده ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: هشدار پیرامون خروج جواهرات سلطنتی توسط محمدرضا پهلوی
مناسبت: چهارم آبان، سالروز تولد شاه مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اوضاع جاری در ایران موجب نگرانی شدید اینجانب است. خوف آن دارم که شدت فشار عصبی بر شاه و بستگانش حمله‌های جنون آمیز آنان را تشدید کرده و ملت ایران را بیش از پیش به خاک و خون کشد. کشتار دسته جمعی کرمان و آتش زدن مسجد و مقدسات مسلمین و ضرب و شتم مرد و زن بی دفاع در آن، و کشتار بی‌رحمانه همدان و بعضی از شهرستانهای دیگر در شرق و غرب، شمال و جنوب ایران که نام بردن یکایک شهرها از عهده خارج است، نمونه ای از این جنون است. این نحو جنایات از کسانی که از ادامه حکومت ظالمانه خود مأیوس هستند و نفسهای آخر خود را می‌کشند، امری است که قبلاً پیش بینی آن را کرده بودم.

باید ملت شریف مظلوم و جناحهای علاقه مند به اسلام و کشور، قدرت تفکر را از دشمن سلب کرده و به حکومت غاصبانه آن هر چه زودتر خاتمه دهند؛ چرا که این نقشه شیطانی سیاستهای خارجی است که با کشتارهای پیاپی و آتش زدن مغازه‌های مؤمنین مبارز، می‌خواهند ملت غیور ایران را خسته کنند تا دست از نهضت اسلامی خود بردارند و میدان را برای چپاولها و خیانتها باز گذارند؛ غافل از آنکه ملت شجاع و بیدار و بپاخاسته، تا سرنگونی این رژیم فاسد و قطع دست اجانب غارتگر از خزاین ملت، آرام شدنی نیست.

بر حسب اطلاع، اخیراً شاه دست به جنایت دیگری زده است؛ و آن خارج نمودن جواهرات سلطنتی است که از مال این ملت فقیر تهیه کرده اند، و نیز خود و وابستگانش مشغول فروش مستغلات و مؤسساتی هستند که از پول ملت تهیه شده است. باید به مبارزات مثبت و منفی ادامه داد و این یاغی را هر چه زودتر از مملکت خارج نمود. پیش کشیدن شعار عمل به قانون اساسی که اخیراً ایادی شاه در مجلسین

عنوان کرده اند، خیانت به اسلام و کشور است. نغمه بقای رژیم و رفتن شاه، کشتن افعی و پروراندن بچه اوست.

ملت عزیز ما با قیام دلاورانه خود و نثار خون فرزندان عزیز خود، نام ارجمند خود را در تاریخ و در صف اول مجاهدان اسلام ثبت نمود. امروز عقب نشینی، ننگ و عار و انتحار است. مخالفین شاه از هر گروه و دسته ای که باشند باید بدانند که اگر به این مار زخمی مهلت دهند، چنان ضربه ای می‌خورند که تا آخر در زیر سلطه اجانب و نوکران آنان دست و پا زنند. ما [در مقابل] خداوند تعالی و نسلهای آینده [مسئول] هستیم.

عزیزان من! از فدایی دادن و نثار جان و مال در راه خدا و اسلام و ملت مسلمان نهراسید، که این شیوه پیغمبر عظیم الشأن و اوصیا و اولیای آنان بوده، و خون ما رنگینتر از خون شهدای کربلا نیست که با مخالفت با سلطان جائر که متمسک به اسلام بود و خود را خلیفه اسلام معرفی می‌کرد، ریخته شد. شما که برای اسلام بپاخاسته اید و جان و مال نثار می‌کنید، در صف شهدای کربلا هستید؛ چرا که پیرو مکتب آنانید. اکنون باید مطالبی را تذکر دهم:

۱ـ باید ملت ما از روحانی و سیاسی تا دانشگاهی و بازاری و دهقان و کارگر و کارمند از موضع قاطعی که تاکنون داشته اند، که آن برچیده شدن رژیم منحط پهلوی و به دست آوردن استقلال و آزادی در سایه حکومت عدل اسلامی است، یک قدم عقب نشینی نکنند که عقب نشینی، کشتار سفاکانه شاه را افزایش می‌دهد، و سستی در این راه، خون پاک جوانان عزیز ما را پایمال می‌گرداند و مسئولیت آن به عهده همه ماست.

۲ـ از اظهارات پوچ دولت امریکا و انگلیس و شوروی مبنی بر پشتیبانی از شاه برای حفظ منافع خودشان نهراسید؛ که نمی هراسید. به شهادت تاریخ، هیچ قدرتی نمی تواند آتش قلب ملت مظلومی را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است، فرو نشاند. ملت ما تحمل شاه و جنایتهای او و دار و دسته اش را نمی کنند، و

پشتیبانان شاه از ضرری عظیم برخوردار خواهند شد. ما طالب حق خود هستیم و به حقیم و دست خدا با ماست و بالاتر از دست ابر قدرتهای شرق و غرب است؛ ﴿یدالله فوق ایدیهم﴾.[1]

۳ـ سلام اینجانب را به رؤسای محترم ارتش برسانید، و به نیروهای زمینی، دریایی و هوایی پس از تحیت و سلام بگویید ایران کشور شماست و ملت ایران ملت شماست؛ به ملت بپیوندید. من می‌دانم بسیاری از شما به ملت و کشور اسلام وفادار هستید و از این کشتارها و غارتگریهای شاه خائن و بستگانش و جنایتکاران بین‌المللی ناراحت هستید. گاهی مطالب شما به من می‌رسد. ملت شما لحظات حساسی را می‌گذراند و شما بیشتر از دیگران پیش خدای بزرگ و ملت شجاع و نسلهای آتیه مسئول هستید؛ همتی دلاورانه کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مجال به این خائن به اسلام ندهید، و سرفرازی را برای خود و ملت خود بیمه کنید. خداوند تعالی مددکار خدمتگزاران به اسلام و کشور است.

۴ـ نویسندگان امین ما که سالیان دراز در انزوا به سر می‌برند و حکومت اختناق و ترور، مجال بیان را از آنان سلب کرده بود، اکنون که مختصر آزادی خود را به بهای خونهای پاک فرزندان رشید اسلام به دست آورده اند، از آرمان الهی آنان غفلت نورزند و به کار مهم و اساسی افشاگری و روشن کردن نقطه اصلی جنایات اخیر که شخص شاه است بپردازند، و جرایمی که زیر پرده است و مردم نمی دانند، با کمال خلوص بیان کنند، و با این خدمت ارجمند، دین خود را به اسلام و ملت ادا کنند.

---

۱. سوره فتح، آیه ۱۰: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه أجراً عظیماً» ای رسول: مؤمنانی که «در حدیبیه» با تو بیعت کردند، در حقیقت با خدا بیعت کردند. «چرا که دست تو» دست خداست که بالای دست آنهاست. پس از آن هر که نقض بیعت کند بر زیان و هلاک خویش به حقیقت اقدام کرده است، و هر که به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی خدا به او پاداش بزرگ عطا خواهد کرد.

امروز که همه اقشار برای رسیدن به استقلال و آزادی بپاخاسته اند، مسئولیت نویسندگان محترم و مسئول به مرحله بسیار حساسی رسیده است. ملت بر سر دو راهی حیات و مرگ، استقلال همیشگی و بردگی دائمی است؛ انحراف از راه ملت اگر چه یک قدم باشد، کمک به تباهی و نیستی ملت شجاع و خیانت به اسلام و مسلمین است. نویسندگان محترم به طور شایسته خواسته‌های ملت را منعکس کنند و به جنبش بزرگ اسلامی کمک نمایند.

۵ـ گاهی شنیده می‌شود که در دانشگاه شعارهایی داده می‌شود که مورد استفاده رژیم است. باید جوانان ما بدانند که چین و شوروی، چون امریکا و انگلیس از خون ملت ما تغذیه می‌کنند. تقاضای من از شما که از شعارهایی که شخص شاه از آن استفاده می‌کند بپرهیزید و روی پای خود بایستید و به شرق و غرب گرایش نداشته باشید. فریب غارتگران بین المللی را نخورید. آنان که شما را در جریان این قبیل شعارها قرار می‌دهند از وابستگان رژیم هستند؛ از آنان احتراز کنید و به دوستان دیگر بپیوندید، و با شعار توحید و اسلام، دست دودمان پهلوی و گروه نفتخوار را از کشور خود قطع کنید، و به آغوش اسلام برگردید، که اسلام برخلاف ادعاهای کاذب مکاتب دیگر که سران آن همیشه گفته اند و عمل نکرده اند و با بردن منابع ایران، ما را در فقر و وابستگی قرار داده اند، به خواست تمام مردم محروم، جامه عمل می‌پوشاند. ما با آغوش باز از شما استقبال می‌کنیم و به شما خدمت می‌کنیم. اسلام برای نجات مستضعفین آمده است.

۶ـ آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی پس از چندین سال شکنجه و رنج و محرومیت از حقوق اولیه، آزادی از زندانی است به زندانی بزرگتر. آیا ملت ایران از جنایتها و شکنجه‌های قرون وسطایی که شاه در سیاهچالهای زندان بر فرزندان آنان روا داشته است، می‌گذرد؟ آیا سلب همه حقوق در سالیان متوالی از مردمانی که برای نجات وطنشان از شر شاه و اجانب، حاضر به همه گونه فداکاری شده اند، جرم قابل تعقیب نیست ؟ آیا مجرم اصلی در تمام جرایم وارده بر ملت خصوصاً زندانیان

سیاسی، شخص شاه نیست ؟ آیا نباید این مجرم بزرگ به خاطر به زنجیر کشیدن گروهی مظلوم محاکمه شود و به مجازات برسد؟ گر چه مجازات تبهکاریهای او، جز در روز جزا ممکن نیست. زندانیان سیاسی ما می‌دانند که آزادیهای خود را در اثر جانبازیهای شجاعانه ملت مسلمان ایران به دست آورده اند، و سپاس و تقدیر آنان در برابر این فداکاریها آن است که مبارزات بی امان خود را تا واژگونی رژیم و آزادی دیگر برادران و خواهران خود ادامه دهند.

اکنون که مشغول نوشتن این تذکرات هستم نمی دانم به خواهران و برادران و مادران ایران چه می‌گذرد. روز چهارم آبان، روز عزای ملی و مبدأ بدبختیهای ایران مظلوم است.

عزیزان من صبور باشید که خدا با صابران است. وسوسه شیاطین در شما مؤثر نشود که قیامهای مکرر شما نشان داده است که هرگز نمی شود. آنان که آیه یأس برای شما می‌خوانند، عمال اجانب و شاه هستند که با وسوسه شیطانی می‌خواهند شاه و منافع غارتگران را حفظ کنند؛ اینان را به صراط مستقیم الهی بخوانید و اگر تسلیم نیستند، از خود برانید و آنان را مأیوس کنید.

قیام شما برای خدا و رهایی امت اسلامی می‌باشد، و تحمل و رنج در راه آن از بزرگترین عبادات است و به فضل الهی، برای شما ثواب مجاهدین صدر اسلام را دارد. طولانی بودن راه خدا شما را استوارتر گرداند؛ چنانچه رنجهای بیست و چند ساله، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را استوار و استوارتر می‌کرد. از خداوند متعال نصرت اسلام و رهایی مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ١٥٤ تا ١٥٨.

■ **نامه**

زمان: ۹آبان ۱۳۵۷/۲۸ذی‌القعده ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تصمیم به ادامه اقامت موقت در فرانسه مخاطب: نوری همدانی، حسین

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم محترم که مشعر سلامت مزاج شریف و آزادی آن جناب بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواهانم. مرقوم مفصلی که از تبعیدگاه مرقوم شده است تاکنون نتوانستم مطالعه کنم. راجع به رفتن همدان از آنجا تقاضاهایی شده است، لکن اینجانب وجود جنابعالی را در قم برای تربیت طلاب اهم می‌دانم. امید است ان شاءالله در هر جا باشید موفق به خدمت برای اسلام و مسلمین باشید.

اینجانب تا به دست آوردن محلی در کشورهای اسلامی در صورت عدم مزاحمت اینجا[۱] هستم؛ گرچه از جهاتی ناگوار است لکن برای رساندن صدای ملت به عالم مناسب است. از جنابعالی امید دعای خیر و توفیق خدمت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

■ **پیام**

زمان: ۱۱آبان ۱۳۵۷/۱ذی‌الحجه ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: فرهنگ و منطق شاه مناسبت: آزادی آقای طالقانی از زندان رژیم
مخاطب: طالقانی، سید محمود

۱ شهر ذی الحجة الحرام ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود طالقانی ـ دامت برکاته

این مسئله امر طبیعی است که شخصیتهایی مثل جنابعالی، که عمر گرانمایه خود را در راه آزادی و استقلال کشور و مخالفت بی امان با دستگاه جبار و غارتگران

---

۱. فرانسه.

۲. صحیفه امام، ج ٤، ص ۲۲۹.

بین‌المللی صرف نموده اند، در حبس و شکنجه به سر برند و از آزادی محروم باشند. آزادی امثال جنابعالی برخلاف منطق شاه و موازین دولت اوست. فشار اراده آهنین ملت به طوری اعصاب شاه را خرد کرده است که دیوانه وار دست به جنایات ننگ آوری زده است که روی تاریخ را سیاه نموده. به طوری که مستحضر هستید دست به جنایات تعجب آوری زده ! در شهرستانها دسته‌های ناشناس از کولیها و اجیرها با چماق و قداره و پشتیبانی قوای انتظامی به جان مردم افتاده و جنایاتی به بار آورده و می‌آورند. دولت که باید حافظ نظم باشد و قوای انتظامی او، به صورت مخرب و قوای تخریبی درآمده است.

در عصر ما، در کشور بی‌پناه ما، منطقها و لغتها جای خود را عوض نموده: فضای باز سیاسی، همان اختناقها و سانسورهای همه جانبه است؛ تمدن بزرگ، وحشیگریهای بدتر از قرون وسطاست؛ دولت آشتی با مسلسل و توپ و تانک و اخیراً با چماق و قداره مردم را به تباهی کشیدن است؛ اصلاحات ارضی، کشاورزی را ساقط نمودن است؛ استقلال، وابستگی اقتصادی و فرهنگی و نظامی به اجانب است؛ فریادهای مرگ بر این سلطنت پهلوی، شاهدوستی و علاقه به رژیم است.

شما اکنون که از حبس کوچک به حبس بزرگ منتقل شدید، با این حقایق عجیب و لغات تازه مواجه هستید ولی از طرف دیگر با یک تحول عظیم روحی ملت از حیث شناخت، و تحول عملی عظیمتر از حیث عمل مواجه هستید. توده‌های مردم که قبل از نهضت عظیم اسلامی، نظام شاهنشاهی را مظهر ملیت و مدار عظمت کشور می دانست و فرمان شاه را مطاع و متبع، و از جزاف گوییهای شاهان و گویندگان درباری و مدیحه سرایی آنان، کشور را در سایه رهبری شاه مترقی و پیشرفته تا دروازه تمدن بزرگ می‌پنداشت و استقلال مملکت را در زیر پرچم شاهنشاهی، بیمه شده به حساب می‌آورد، با یک جهش و شناخت همگانی، تمام پایه‌ها و کنگره‌های این قصر خیالی ناگهان فرو ریخت و محتوای این لغات و الفاظ فریبنده و بزک شده ظاهر شد، و تهی بودن این طبلهای پر سر و صدا از محتوا معلوم گردید، و ورشکستگی اقتصادی و به غارت رفتن بیت المال و تباهی کشاورزی و وابستگی

فرهنگی و ارتشی برملا گردید.

و نیز توده‌هایی که قبل از نهضت به امر یک پاسبان به جشن برمی خاست و بر بالای مغازه‌ها بیرق شادمانی می‌زد، و فرمان شاه را به دنبال جزافه‌های شعرای درباری، فرمان ایزد می‌دانست، با یک جهش اسلامی به عصیان برخاست و با مشتهای گره کرده و فریادهای «مرگ بر این سلطنت پهلوی». مرد و زن و کوچک و بزرگ به خیابانها ریخته و در مقابل مسلسل و توپ و تانک، قهرمانانه مقاومت نموده و با فداکاری و خون جوانان برومند خود، قدرت شاهانه متکی بر ابر قدرتها را شکسته و او را مجبور به تسلیم نموده؛ ولی تسلیم او را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. با چه منطق ممکن است از خیانتها و جنایتهای بی پایان این اهریمن جهنمی بگذرد و به مقام سلطنت غیر قانونی او سرنهد؟! ما با این منطق، مخالف؛ و کسانی که با آن موافقند با ملت و ماکه خدمتگزار ملتیم موافق نیستند. و الی الله المشتکی. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۱۱ آبان ۱۳۵۷ / ۱ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ **مکان: پاریس، نوفل لوشاتو**
موضوع: رژیم سلطنتی، منشاء عقب ماندگی و بدبختی **مخاطب: منتظری، حسینعلی**

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری ـ دامت برکاته

هیچ از دستگاه جبار جنایتکار تعجب نیست که مثل جنابعالی، شخصیت بزرگوار خدمتگزار به اسلام و ملت را سالها از آزادی ابتدایی ترین حقوق بشر محروم و با شکنجه‌های قرون وسطایی با او و سایر علمای مذهب و رجال آزادیخواه رفتار کند. خیانتکاران به کشور و ملت از سایه مثل شما رجال عدالتخواه می‌ترسند. باید رجال دین و سیاست دربند باشند تا برای اجانب و بستگان آنان هرچه بیشتر راه

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ٢٥٩ تا ٢٦٠.

چپاول بیت المال و ذخایر کشور باز باشد. در منطق کارتر و سایر نفتخواران مفتخوار، فضای آزاد یعنی به زندان کشیدن جناحهای آزادیخواه و استقلال طلب، از علمای روشنفکر مذهبی تا رجال سیاسی و دانشجویان و رجال محترم بازار و سانسور مطبوعات و دستگاههای تبلیغاتی؛ و در این منطق، ترقی و تمدن کشور یعنی وابستگی شریانهای آن از فرهنگ و اقتصاد و ارتش تا دستگاههای قانونگذاری و قضایی و اجرایی. این برنامه در کشور ما بیش از پنجاه سال دوران سیاه پهلوی پیاده و مورد عمل بوده و هست.

اکنون که ملت غیور ایران با نهضت عظیم اسلامی به پاخاسته و با مشت گره کرده در مقابل دستگاههای ستمگری و چپاول چون سدی آهنین ایستاده و پایه‌های بنیادهای آن یکی پس از دیگری فروریخته یا در حال فروریختن است، بر جناحهای پیشرو از مراجع عظام و علمای اعلام مذهب و خطبای محترم و مدرسین و دانشمندان تا رجال سیاسی و روشنفکران دانشگاهها و بازارها و کارمندان محروم و کارگران مظلوم روشنفکر، لازم است این فرصت الهی را از دست نداده، بی امان جمیع اقشار ملت را به پیش هدایت کنند؛ و از خواست ملت که برچیده شدن نظام سلطنتی و قطع دست اجانب از دخالت در مقدرات کشور و از غارتگریها، و قیام جمهوری اسلامی ضامن آزادی و استقلال به جای رژیم سلطنتی منشاء تمام بدبختیها و عقب ماندگیها سر مویی تخلف و عقب نشینی نکنند، که آن هدر دادن خون جوانان عزیز اسلام و به تباهی کشیدن همه جانبه کشور و کمک به هدم احکام، بلکه اساس اسلام است که از اعظم کبایر و بالاترین خیانت است.

ما با بودن رژیم حاضر، دموکراسی را هم به فرض محال اگر تأمین گردد نمی‌پذیریم. ملت نمی تواند از خون جوانان عزیز خود و خیانتهای چندین ساله صرف نظر کند. اسلام تکلیف این جانی را معین فرموده. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ۲٦۱ تا ۲٦۲.

▣ نامه

زمان: «دوران اقامت در پاریس» ۱۳۵۷ هـ.ش. مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: توصیه به اجتناب از مصاحبه با خبرنگاران... مخاطب: پسندیده، سید مرتضی

بسمه تعالی

به عرض حضور مبارک می‌رساند، مرقوم مبارک توسط آقای آقا رضا واصل، سلامت و سعادت حضرتعالی را خواستار است. مطالبی که باید به عرض برسانم و لازم بوده کامل فرمایید:

۱ ـ مرقوم شده بود «اگر به مجلس یا مجلسین رجوع شود»، اما اگر مقصود آن است که راجع به من رجوع شود هرگز چنین خیالی نفرمایید و به هیچ مقامی در موضوع من در هر حالی هستم مراجعه نفرمایید.

۲ ـ از قرار مسموع مصاحباتی با خبرنگاران داخلی و خارجی می‌فرمایید؛ این امر بسیار بر خلاف مصلحت است زیرا اگر مطالب اینجانب صریحاً گفته شود حتماً به شما صدمه ای وارد می‌کنند، و لااقل تبعید، و این نباید بشود و اگر مثل دیگران باشد مورد اشکال دوستان و جناحهای دیگر می‌شود. حضرتعالی نه با خبرنگار خارجی و نه داخلی مصاحبه نفرمایید.

۳ ـ رسیدگی بعضی زندانیان و احوالپرسی از خودشان یا اقوامشان لازم است مثل آقای دستغیب و آقای حائری شیرازی و از این قبیل اشخاص. و همینطور رسیدگی به وضع مادی بعضی زندانیان و خانواده و کشته شدگان.

۴ ـ من آقای حاج شیخ عبدالعلی[1] را عمیقاً می‌شناسم و صد در صد مورد اطمینان است. حضرتعالی امور مالی و اخذ و اعطا را به عهده ایشان واگذار کنید. خود شما با کِبَر سن و ضعف قادر بر همه امور نیستید. دیگران مثل ایشان مورد اطمینان تمام نیستند؛ اگر ایشان را تعیین برای این کار فرمایید نگرانی اینجانب راجع به وجوه

۱. آقای عبدالعلی قرهی، از اعضای دفتر امام در نجف و قم.

شرعیه رفع می‌شود.

۵ـنسبت به آقایان خصوصاً آقای شریعتمداری در منزل حضرتعالی حتی یک کلمه انتقاد نشود. لازم است حفظ این مقامات بشود. هر کسی خواست جسارتی بکند جلوگیری فرمایید. اصلاً محضر شما باید مبرّا باشد از این نحو امور. خود حضرتعالی حتی گله هم نکنید، اثری جز مفسده ندارد.

۶ـشنیدم پیراسته را راه دادید و با او ناهار میل کردید. شما نمی دانید اینها برای شما خوب نیست. صدای دوستان بلند شده. حضرتعالی لازم است عواطف سابق را که با بعضی داشته اید حالا برای خاطر وضع خطیری که دارید کنار بگذارید.

۷ـگفته می‌شود «الآن شنیدم» که حضرتعالی فرمودید: «راه حل دکتر امینی را قبول دارم» ممکن است گمان شود که اینجانب نیز قبول دارم، من هرگز قبول ندارم و دکتر امینی هم نخواهد موفق شد و راه حل ایشان هم غلط است.

۸ـبه آقای حاج شیخ عبدالعلی بفرمایید خودشان و دیگران که وجه برای نجف می‌فرستادند دیگر نفرستند، تا اطلاع ثانوی وجوه را به قم خدمت جنابعالی بیاورند. به اصفهان و تهران هم اطلاع دهند. اینجانب عجالتاً موقتاً اینجا(۱) هستم تا فکر مرکزی در مملکتهای اسلامی بکنیم که بشود به عمل خودم ادامه دهم. در اینجا هم محدودیتهایی هست و عده کثیری پلیس برای حفاظت به حسب ادعای خودشان اطراف منزل مستقرند، شب و روز.

پاکت جوف را توسط آقای حاج شیخ عبدالعلی یا کسی دیگر برسانید. قبض را هم بوسیله آقای کوپایی در اصفهان برسانند. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. نوفل لوشاتو.

۲. صحیفه امام، ج ٤، ص ۲۸۰ تا ۲۸۱.

◙ نامه

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۵۷ / ۴ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: ضرورت تسریع در معرفی اعضای پیشنهادی شورای انقلاب با هماهنگی آقای مطهری
مخاطب: حسینی بهشتی، سید محمد

۴ ذی الحجه ۱۳۹۸ بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، وقت دارد سپری می‌شود و من خوف آن دارم که با عدم معرفی اشخاص،[۱] مفسده پیش آید. بنا بود به مجرد آمدن ایشان «م. ط»[۲] با اشخاص مورد نظر یکی یکی و جمعی ملاقات کنید و نتیجه را فوراً به اینجانب اعلام کنید. و نیز مرقومی که معرف باشد با خط و امضای عدد معلوم بفرستید. من در انتظار هستم و باید عجله شود، و نیز استفسار از بعضی آنها برای مسافرت به خارج. در هر صورت همه موضوعات که به شما و ایشان تذکر داده شد، لازم است با عجله انجام گیرد و اگر اشخاص دیگری نیز پیدا شد ملحق شود. والسلام.[۳]

◙ پیام

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۵۷ / ۴ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: تذکر به مردم و سران ارتش مناسبت: جنایت رژیم در دانشگاه تهران
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

درود به ملت شریف و شجاع ایران - ایّدهم الله تعالی

من نمی‌دانم از کدام مصیبتهای ملت و از کدام جنایتهای شاه بنویسم؛ قلم من عاجز است. آیا جنایاتی را که در دانشگاه به دست دژخیمان شاه واقع شد، متذکر شوم

---

۱. امام خمینی چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرمان تشکیل شورای انقلاب را صادر کردند که نامه فوق در همین رابطه است. به دلیل شرایط اختناق و سرکوب در ایران، تشکیل این شورا و اعضا و جلسات آن به صورت مخفی بود، اشارات و رموز نامه نیز حاکی از آن است.

۲. منظور، آقای مرتضی مطهری است.

۳. صحیفه امام، ج ٤، ص ۳۰۷.

یا از کشتارهایی که در سراسر ایران به امر این جنایتکار حرفه‌ای صورت گرفت ؟ من قدرت ندارم جنایات سراسر ایران را که برادران و خواهران ما را به خاک و خون کشیده بشمارم. هر روز اخبار واصله، ما را به جنایات بزرگ تازه ای آگاه می‌گرداند، هر روز فرزندان اسلام به مصیبتهای تازه‌ای مبتلا هستند.

کار شاه و حکومت او به رسوایی کشیده است و در پناه کولی‌ها و اشرار جیره خوار می‌خواهد خود را حفظ کند، و در عین حال از فریبکاری دست نکشیده و می‌خواهد با تشکیل حکومت به اصطلاح ملی و با تزهای مبتذل و تبلیغات بی‌اساس و بیهوده ملت را اغفال کند، و بعضی از شاهدوستان طرفدار امریکا را برانگیخته که از طرفی مردم را از برکنار رفتن شاه بترسانند که با وضع جغرافیایی ایران اگر شاه برود مملکت می‌رود، و از طرفی برای نجات شاه به دوره گردی بپردازند و اشخاصی را از روحانی و سیاسی با خود همراه کنند؛ غافل از آنکه مردم چنان آشنا به مسائل سیاسی شده اند که این حرکات مذبوحانه را به چیزی حساب نمی‌کنند.

ملت ایران شاه را می‌شناسد که اوست اساس تمام خرابیها و خیانتها؛ اوست که ابرقدرتها را بر شئون سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور مسلط نموده، و با مهلت دادن به او کشور از دست می‌رود. این طرحهای خائنانه مملکت را به نیستی تهدید می‌کند؛ این طرحها از حلقوم طرفداران امریکاست. ملت غیور ایران به پا خاسته تا کشور را از پرتگاه نیستی نجات دهد و دست غارتگران را کوتاه کند، و طرحهای خائنانه را بر هم زند. ملتی که در عزای عزیزان خویش به سوگ نشسته و تمام جنایات را از شاه می‌داند، طرح سازش با شاه را چگونه می‌پذیرد؟ این از خدا بیخبران و خائنان به ملت و اسلام می‌خواهند شاه را در مسند سلطنت نگه داشته و سپس به قدرت شیطانی رسانند تا خشک و تر را به آتش انتقام بسوزاند. اکنون که ملت ایران بر سر دوراهی مرگ و حیات، و آزادی و اسارت، و استقلال و استعمار، و عدالت اقتصادی و استثمار واقع است، و در پیشگاه خداوند تعالی و نسل آتیه مسئول

است، باید تا رسیدن به هدف، نهضت را هر چه شورانگیزتر ادامه دهد، و طمع کسانی را که با توطئه‌های شیطانی می‌خواهند خون جوانان ما را به هدر دهند قطع کند، و به این مصلحت اندیشیهای مأمورین شاه و امریکا با مشت گره کرده جواب دهد، و به تذکرات زیر توجه نماید:

۱ ـ هدف اسلامی ما برچیده شدن رژیم سلطنتی و سرنگونی سلطنت سلسله پهلوی است، که غیرقانونی و غیر شرعی بودن آن بر همه روشن است و خیانت و جنایت بی پایان آن روشنتر، و ملت ایران با هر طرحی که لازمه‌اش بقای نظام شاهنشاهی و حفظ سلسله پهلوی است مخالف است، و هیچ ابهامی در این پیشنهاد که ملت ایران با رفراندم خود در سراسر کشور مکرر اعلام کرده نیست، و نظام حکومتی ایران جمهوری اسلامی است که حافظ استقلال و دموکراسی است، و بر اساس موازین و قوانین اسلامی اعلام می‌شود، و ما این پیشنهاد را در آتیه نزدیک به آرای عمومی رسماً مراجعه می‌کنیم و هر کس و یا هر گروه که با این پیشنهادهای سه گانه موافق نیست راه او غیر از راه ما و ملت ایران است.

۲ ـ برای رسیدن به این هدف مقدس لازم است به نهضت اسلامی به همه ابعادش ادامه داد:

الف ـ ادامه اعتصابات در تمام دستگاههای دولتی و هدف اصلی اعتصاب همان است که در بند اول ذکر شد.

ب ـ پشتیبانی از اعتصابات کارمندان مؤسسات دولتی؛ بخصوص کارمندان و کارگران شرکت نفت و جلوگیری از هدر دادن این مخزن عظیم و ادامه اعتصابات تا رسیدن به هدف اسلامی.

ج ـ کمک مالی به کسانی که در اثر اعتصابات ضرر دیده اند؛ اعم از اصناف شجاع و کارگران و زحمتکشان متدین و محروم و کارمندان محترم و کمک برای ادامه اعتصاب در همه اقشار.

۳ـ بر صاحب منصبان و سران نیروهای هوایی و زمینی و دریایی است که با افراد خود به ملت بپیوندند؛ که اطاعت شاه اطاعت طاغوت است. و بر سربازان و سایر قوای انتظامی است که از اوامری که برخلاف مسیر ملت است سر پیچی کنند؛ که اطاعت این اوامر مخالفت با قرآن مجید و پیغمبر اسلام ـ صلی الله علیه وآله ـ و امام عصر ـ عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ـ می‌باشد. و بر خانواده‌ها و عائله ارتش و سایر قوای انتظامی است که آنان را از مخالفت با ملت و از ظلم و ستم به خواهران و برادران اسلامی خود باز دارند، و آنان را بر این اعمال ظالمانه مؤاخذه کنند که عاقبت این ستمکاریها به ضرر آنان است. اینجانب از ملت شریف و شجاع ایران تشکر می‌کنم که با شجاعت و پایداری خود کنگره‌های قصر ستمکاری را یکی پس از دیگری فرو ریخت و دلیرانه این بت شیطانی را شکست.

عزیزان من! صبور باشید که پیروزی نهایی نزدیک و خدا با صابران است. خود و فرزندان نسل آتیه را سرفراز کنید که ایران امروز جایگاه آزادگان است؛ و سستی و هراس به خود راه ندهید؛ که نمی‌دهید، و به وسوسه‌های شیطانی بستگان دستگاه ظلم گوش فرا ندهید. شما ملت ایران، و همت و شجاعت شما زبانزد جهانیان و سرمشق آزادیخواهان است. من از این راه دور چشم امید به شما دوخته ام و آنچه در قدرت دارم در خدمت به شما که به حق است نثار می‌کنم؛ و صدای آزادیخواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان رسانده و می‌رسانم. و از خداوند تعالی سلامت و عظمت شما ملت نجیب بزرگ را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۴ ذی الحجه ۱۳۹۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ۳۰۸ تا ۳۱۰.

■ **پیام**

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۵۷ / ۴ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تشکر از اعلام همبستگی مردم کردستان با نهضت مخاطب: مردم مسلمان کردستان

۴ ذی الحجه ۱۳۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر برادران اسلامی کردستان که با قیام دلاورانه به نهضت اسلامی سایر برادران پیوسته و با شهامت و شجاعت در مقابل طاغوت ایستاده مجال را بر دشمن اسلام و کشور تنگ کرده اند.

امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی هستیم، از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است گرایش نموده، و کلمه حق را عُلیا و کلمه باطل را سُفلا قرار دهیم.

در این موقع حساس که کشور ما و اسلام عزیز در معرض خطر عظیم است، تکلیف همه گروهها و افراد، خطیر و عظیم است. سستی و سردی در حال حاضر و اختلاف و افتراق کلمه، در حکم انتحار و به هدر دادن خون فرزندان اسلام است.

ما از همت بزرگ فرزندان کرد اسلام و از جوانان برومند آزادیخواه و استقلال طلب آن سامان تشکر و تقدیر می‌کنیم. ما و شما در صف واحد در مقابل طاغوت به پا خاسته و از کیان اسلام و کشور بزرگ اسلامی دفاع می‌کنیم، و با ایثار خون جوانان عزیز، درخت رشد ملت را آبیاری می‌نماییم. اینجانب از مساعی جمیله شما برادران محترم قدردانی نموده، توفیقتان را در فروریختن پایه‌های ستمگری از خداوند تعالی خواستارم.

ألحق ملت ایران با همبستگی بی مانند خود و ایستادگی در مقابل دشمنان اسلام و کشور، یک ملت نمونه است که نام بزرگ خود را در تاریخ ثبت و راه مبارزه با ستمگران را به ملتهای مظلوم آموخت.

برادران محترم! در این نهضت مقدس که تشکیل حکومت اسلامی سرلوحه اهداف آن است و ضمانت از آزادی و استقلال از ثمرات آن، صبور باشید و گول

تبلیغات انگلهای سودطلب را نخورید، و به خدای بزرگ و قرآن کریم اتکال کنید و به پیش روید. خداوند با صابران است و دست حق با عدالتخواهان می‌باشد. و السلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۱۴آبان ۱۳۵۷/ ۴ذی‌الحجه ۱۳۹۸ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: هجرت به فرانسه — مخاطب: حائری یزدی، مهدی

۴ حج ۹۸ بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، تلگراف جنابعالی واصل، سلامت و سعادت شما را از خداوند تعالی خواستار است. اینکه جواب تلگرافی داده نشد برای آن بود که تلگراف شما مفقود شد در عوض نمودن منزل، و پیدا نکردم. اکنون که جناب آقای نصرت الله امینی آمدند بنا شد به جواب مبادرت شود. اینجانب به واسطه اتفاقاتی، از نجف اشرف به سوی کویت حرکت و آنجا از ورود حتی برای عبور از شهر به ایستگاه منع شد؛ ناچار به پاریس آمدم؛ چون احتمال همین توطئه در سایر کشورهای اسلامی بود؛ و بنا دارم هر وقت محل مناسبی که بتوانم به خدمت خود ادامه دهم ممکن شد، بروم در بلدی اسلامی. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ۳۱۱ تا ۳۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ٤، ص ۳۱۳.

◘ پیام

زمان: ۱۶ آبان ۱۳۵۷ / ۶ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
مناسبت: روی کار آمدن دولت نظامی مخاطب: ملت ایران

۶ ذی الحجه ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

درود و تحیات وافره بر ملت شجاع ایران! ملت با وفایی که با جان نثاری برای احیای اسلام و استقلال کشور کاخهای غارتگران را به لرزه درآورد؛ ملتی که پیشنهاد سیاست آشتی ملی را، که جز خدعه ای نبود، به چیزی نشمرد؛ ملتی که جوان و جان می دهد تا از زیر بار ستمکاران غارتگر بیرون بیاید و رژیم سلطنتی را سرنگون و حکومت جمهوری اسلامی متکی به آرای ملت را مستقر کند.

من گرچه می‌دانم که فریبکاریهای شاه و نرمش لفظی و ارعاب عملی او، در صفوف فشرده ملت بزرگ ما تأثیری ندارد، لکن در هر موقع و در هر پیشامد لازم می‌دانم تذکراتی به شما عزیزانم بدهم:

۱ ـ هدف همان است که در سخنرانیها و اعلامیه‌های خود ذکر نموده ام:

الف) سرنگونی سلطنت پهلوی و رژیم منحوس شاهنشاهی؛

ب) به پا داشتن حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت.

۲ ـ نهضت با شیوه‌های گوناگون؛ مخصوصاً اعتصابات در همه ادارات و دستگاههای دولتی باید ادامه داشته باشد. دولت نظامی[1] ایران غاصب و مخالف قانون است و بر ملت است که از آن اطاعت نکنند، و به سرپیچی و کارشکنی تا حد فلج نمودن دستگاههای دولتی پیش رود. من از جمیع کارمندان محترم دولت و سایر مؤسسات که با اعتصابات خود پشتیبانی از برادران و خواهران خود کرده‌اند تشکر می‌کنم. این یک وظیفه اسلامی است و لازم الاجراست.

---

۱. دولت نظامی غلامرضا ازهاری.

۳ـ شاه با روی کار آوردن دولت نظامی، دست به توطئه دیگری زده است؛ و آن اینکه از طرفی در پیشگاه خدا و ملت عذر تقصیر می‌خواهد و اعتراف به اشتباهات و جنایات خویش در طول سلطنت ننگینش می‌کند، و از آیات عظام و علمای اعلام و سایر طبقات استمداد می‌کند، و از طرف دیگر دولت نظامی اش با سرکوبی شدید و قتلها و اعزام چماق به دستها و سرنیزه دارها و توپ و تانکها بر ملت مظلوم می‌تازد، و عزیزان ما را بیش از پیش به خاک و خون می‌کشد؛ به خیال آنکه با این نقشه می‌تواند خودش را از گناه قتل و غارتهای دوران سلطنتش تبرئه نماید، و با دستگیری مأموران فاسد خود که یک عمر عامل خیانتهای او بوده اند، خود را توبه کار معرفی نماید. شاه در یک دست چماق و سرنیزه و مسلسل برای سرکوبی ملت دارد، و در دست دیگر توبه نامه و اعتراف به خیانتها و جنایتها و عذر تقصیر را گرفته است.

ملت هوشمند و بیدار ایران، نه از آن چماق و سرنیزه هراس دارد و نه از این خدعه و نیرنگ فریب می‌خورد. این شخص که از مراجع عظام و علمای اعلام برای فرو نشاندن نهضت اسلامی و باز کردن راهی برای چپاول و هدم اسلام و قرآن کریم استمداد می‌نماید، همان مردکی است که تا دیروز علمای اسلام و روحانیون عظیم الشأن را مرتجع و راه آنان را که راه اسلام و قرآن کریم است، ارتجاع سیاه می‌نامید؛ و در یکی از نطقهای خود با کمال وقاحت گفت «از آنها مثل حیوان نجس اجتناب کنید» و در نطقی دیگر با کمال بیشرمی گفت «اینها مثل کرمها در نجاست می‌لولند» چه شد که امروز اینچنین با روحانیون آشتی می‌کند؟! این نیز خدعه نیست؟! این مثل دولت آشتی[۱] نیست ؟! او که امروز به سیاسیون و جوانان ملت روی آورده و از آنان برای وطن استمداد می‌کند، همان است که گروههایی از آنان را اعدام و شکنجه و زندان کرده و می‌کند، جوانان ما را به خاک و خون کشیده و می‌کشد،

---

۱. دولت جعفر شریف امامی که خود را «دولت آشتی ملی» می‌نامید.

دانشگاههای ما را به قتلگاههای جوانان ما تبدیل نموده است.

من از جنایاتی که اخیراً در دانشگاهها با فرزندان اسلام نموده اند در سوگم. من از دانشجویان عزیز که در راه اسلام و کشور فدایی داده اند و در مقابل شاه با مشتی گره کرده ایستاده و او را محکوم کرده اند تشکر می‌کنم.من از جوانان غیور ایران که ملت ما را سرافراز نموده اند احساس غرور می‌کنم. ملت ایران باید بداند که این نطقهای فریبنده برای اغفال مردم و فرونشاندن آتش خشم ملت است، تا تثبیت مقام کرده و قدرت را باز یابد؛ و خدا می‌داند که اسلام و روحانیت و عموم ملت پس از آن با چه مصیبتهای دردناکی مواجه خواهد شد.

عزیزان من ! از این هیاهوی نظامی نهراسید؛ که نمی هراسید. شما ملت شجاع ثابت کردید که این تانکها و مسلسلها و سرنیزه‌ها زنگ زده است و با اراده آهنین ملت نمی‌تواند مقابله کند، و از این نرمشهای شیطانی و توبه نامه‌های ابلیسی فریب نخورید، که نمی خورید. شاه در اول سلطنت غاصبانه خود سوگند خورد که به اسلام وفادار باشد و به ملت خیانت نکند؛ و اکنون اعتراف می‌کند که خائن است و اسلام و ایران را به تباهی کشانده است و تمام خیانتها عمدی بوده است، که امروز اسم «اشتباه» بر آن می‌گذارد. غفلت نکنید که این اشتباهات عمدی تکرار خواهد شد و کشور را به نیستی و ملت را به تباهی خواهد کشاند. امروز بر تمام طبقات ملت از مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین و فضلای عالیمقام و اساتید محترم دانشگاهها و دانشسراها و دانشجویان دلیر و طلاب شجاع تا جناحهای سیاسی و روشنفکر، و از کارگران و کشاورزان تا بازاریان و اصناف، از کارمندان دولتی تا افسران نیروهای سه گانه، از سربازان تا صاحب منصبان عالیرتبه و بر همه اقشار ملت تکلیف الهی و وجدانی است که با اتحاد کلمه بدون هراس از قدرتها و ابرقدرتها، هدف اسلامی خود را تعقیب، و گلوی این ستمگر تاریخ را بفشارند، و با قاطعیت و جدیت به سوی هدف پیش روند، که وعده خداوند به مستضعفین نزدیک است، و کشتن و کشته شدن در راه

خدا سرفرازی است. در خاتمه از ملت شریف ایران که بارها در اینگونه مسائل امتحان خود را داده‌اند، خواهش می‌کنم که به خواهران و برادران خود که در اثر اعتصابات و تظاهرات صدمه مالی و جانی دیده اند، با احترام تمام آنان را یاری دهند؛ و این وظیفه الهی را به بهترین وجه عمل نمایند که خمینی همیشه به یاد آنان است و دست آنان را می‌فشارد.

از خداوند تعالی توفیق و تأیید همه را خواستار و خذلان و شکست دشمنان ملت را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان:۱۸آبان ۱۳۵۷/۸ذی‌الحجه ۱۳۹۸ — **مکان:پاریس،نوفل لوشاتو**

موضوع:دعوت از روحانیون برای کمک به محرومان — **مخاطب:علماوروحانیون ایران**

۸ ذی الحجه ۱۳۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت ذی شرافت عموم علمای اعلام و حجج اسلام ایران ـ دامت برکاتهم و علت کلمتهم

پس از اهدای سلام و تحیات وافره، به عرض محترمتان می‌رساند، در این موقع که دست جنایتکاران و دژخیمان شاه بیش از پیش به خون جوانان و اطفال ما آغشته شده است، و کشتگان و مجروحان بسیاری به جا گذاشته و عده کثیری را در سراسر کشور بی خانمان و بی سرپرست نموده است، و حضرات آقایان و اینجانب را به عزا نشانده است؛ در این موقع که اعتصابات و تعطیلات عمومی برای اعتراض به دستگاه جبار و احقاق حق مردم بی‌پناه صورت گرفته است؛ بدیهی است این حوادث

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ۳٤۹ تا ۳۵۲.

ضایعاتی را به دنبال دارد و قشرهایی از کسبه و کارمندان و کارگران محترم و محروم دچار مضیقه شده و می‌شوند؛ و این امر موجب نگرانی شدید اینجانب است؛ لهذا از حضرات آقایان تقاضای محترمانه دارم که در تمام شهرستانها و توابع آنها، هیأتهایی راکه مورد وثوق هستند انتخاب و مقرر فرمایید تا نیاز نیازمندان را، چه از حیث لزوم جراحی و چه از حیث فقدان سرپرست، و چه در اثر گرفتاریهای اقتصادی ای که در اثر اعتصابات و تعطیلات بحق خود با آن دست به گریبانند، بر طرف نموده و به قدر مقدور نیازهای آنان را رفع کنند تا با پشتگرمی با اعتصابات خود ضربه شدیدی بر پیکر دشمن وارد آورند. و بر ملت شجاع و آگاه است که خود نیز مستقیماً به خواهران و برادران خود کمک کنند و دین الهی خود را ادا نمایند.

حضرات آقایان مجازند از سهم مبارک امام علیه السلام در این امر مشروع و مقدس صرف نمایند؛ و وکلای اینجانب در هر جا که هستند مجازند تا نصف سهم مبارک امام علیه السلام را صرف این نیازها نمایند. و نیز حضرات آقایان از بازرگانان و مردم خیرخواه دعوت نموده و آنان را تشویق کنند تا نگذارند برادران و خواهران آنان که در راه اسلام و احقاق حق خود صدمه دیده اند، و به ملت بزرگ خدمت کرده‌اند و در راه آن خون داده‌اند، به سختی بیفتند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سربلندی ملت عظیم الشأن اسلام و ایران را خواستارم و قطع ایادی اجانب را امیدوار. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ٤٠٨ تا ٤٠٩.

▣ پیام

زمان:۲۳آبان۱۳۵۷/۱۳ذی‌الحجه۱۳۹۸ مکان:فرانسه،نوفل‌لوشاتو
موضوع:تجلیل از مبارزات دانشجویان مسلمان و پیش‌بینی پیروزی نهایی ملت ایران
مخاطب:دانشجویان ایرانی مقیم خارج

۱۳ ذی الحجه ۹۸ بسمه تعالی

پیام شما دانشجویان عزیز رسید.[۱] من از غیرتمندی شما جوانان برومند و از شجاعت و شهامتتان احساس غرور و سرفرازی می‌کنم. امید من در این نهضت اسلامی شما جوانان برومند خارج و داخل هستید. عزیزان من صبور باشید؛ خداوند با صابران است. پیروزی با ملت بزرگ است که بپاخاسته و حق خود را مطالبه می‌کند. کنگره‌های ستمکاری یکی بعد از دیگری دارد فرو می‌ریزد، با قدری پافشاری و پشتکار پیروزی نهایی به خواست خداوند متعال نصیب ملت خواهد شد. والسلام علیکم و رحمة الله.[۲]

▣ پیام

زمان:۲۴آبان۱۳۵۷/۱۴ذی‌الحجه۱۳۹۸ مکان:فرانسه،نوفل‌لوشاتو
موضوع:ضرورت ادامه اعتصابات،وحمایت مردم ازاعتصابیون مخاطب:کارکنان شرکت نفت‌وادارات‌دولتی

۱۴ ذی الحجه ۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

سلام من و ملت ایران بر کارگران و کارمندان شرکت نفت ایران ! رحمت خداوند تعالی بر شما آگاهانی که با اعتصاب پر ارزش خود، روی ملت را سفید نمودید! اعتصاب شما هر روز و هر ساعتش با ارزش و کوبنده است؛ ارزشمند برای ملت غارتزده ایران که از جریان این طلای سیاه و مخزن پربرکت کشور که سالهاست

---

۱. پیام امام خمینی در پاسخ به پیام پشتیبانی دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم امریکا صادر شده است که در اعتراض به جنایتهای شاه در ایران و حمایت امریکا از رژیم شاه، متحصن شده بودند.

۲. صحیفه امام، ج ٤، ص ٤٩٧.

خائنان به غارت داده اند و نفتخواران به غارت برده اند، جلوگیری کرده و از هدر دادن مال ملت فقیر به اندازه قدرتتان منع نموده اید؛ و کوبنده خائنانی که چوب حراجش را پشتوانه ای برای بقای حکومت طاغوتی خویش و تخت لرزان شیطانی خوددانند. هر ساعت اعتصاب شما خدمتی است به خداوند تعالی و به کشور اسلام. کسانی که به زور می‌خواهند این اعتصاب مقدس را بشکنند، مجرم و خدمتگزار اجانب و خائن به ملت و کشورند.

بر ملت شریف ایران است که در مواقعی که کارگران و کارمندان شرکت نفت و سایر مؤسسات و ادارات دولتی دست به اعتصاب می‌زنند، از آنان با کمال احترام پشتیبانی کنند و ضررهای آنان را به بهترین وجه جبران نمایند و آنان را در اعتصابات مقدسشان، که برای اظهار تنفر از شاه خائن و خاندان کثیفش و پشتیبانی از مبارزات همگانی مردم است، تشویق و تقدیر کنند.

دولت نظامی غیر قانونی سعی دارد با سرنیزه مردم را به حالت عادی خود برگرداند؛ غافل از آنکه با سرنیزه نمی شود رضایت ملت را جلب کرد. این سرنیزه بالأخره انفجار عظیمی را به بار خواهند آورد. دولت یاغی نظامی، آخرین راهی است که شاه برای نجات خویش به آن متوسل شده است. این دولت نیز دوامی نمی تواند داشته باشد؛ چراکه این نظام از باطن پوسیده است.

طرفداران کثیف و خائن شاه، مردم را از رفتن شاه و خلأ بعد از آن می‌ترسانند! باید دید که بودن شاه چه نقصی را تکمیل و چه خلأی را پر کرده است. شاه غیر از پر کردن جیب اجانب و خود بستگگانطمعکارش، چه خلأی راپر کرده است ؟ به امید خدا، دیر یا زود، این خائنین مجازات خواهند شد.

امریکا باید بداند که اگر بخواهد با فشار خود دولت نظامی را سرپا نگاه داشته و مردم بی‌پناه ما را هر روز و هر شب زیر رگبار گلوله مزدوران خود قرار دهد و اگر بخواهد با تهدید و ارعاب هرچه بیشتر، کارمندان محترم و کارگران محروم شرکت

نفت را که خواستار رفتن شاه شده اند زیر فشار خود قرار دهد، طرحهایی برای چاههای نفت داده می‌شود تا مخازن پربهای ما برای نسلهای آتیه باقی بماند. امریکا باید در پشتیبانی از شاه تجدید نظر کند. سیاستمداران امریکا دولت خودشان را از این سیاست ظالمانه و مخالف حقوق بشر که بالمآل مخالف مصالح مردم امریکا است، برحذر کنند.

نهضت مقدس اسلامی ما عمر چپاولگریها و دیکتاتوریها را در ایران به سر آورده است. صاحب منصبانی که بر روی ملت آتش می‌گشایند باید بدانند که پیروزی ملت نزدیک است و انتقامش از خائنین سخت؛ عهد و پیمان شاه سست است و قهر انقلابی ملت سهمگین. و باید بدانند که شاه ممکن است آنان را نیز مانند نوکرهای وفادارش برای ابقای خود به محاکمه و زندان بکشد.

من از اعتصاب جمیع جناحها، فرهنگیان وبازاریان و اصناف، اعتصاب شرکت نفت و مخابرات و شرکت واحد و مطبوعات و اعتصاب سایر ادارات و مؤسسات دولتی [و] خصوصی که برای نجات میهن و برای خدمت به اسلام و مسلمین بوده است تشکر می‌نمایم. و از حضرات روحانیون عظیم‌الشأن سرتاسر کشور ـ اعلی‌الله کلمتهم ـ که هادیان طریق نجات و پیشقدمان نهضت بزرگ اسلامی و سد بزرگ در مقابل ابرقدرتهای شرق و غرب و خدمتگزاران به ولی‌الله‌اعظم ـ ارواحنافداه ـ هستند، باکمال تواضع و احترام تقاضا دارم که ضررهایی را که به مناسبت مسائل مبارزاتی از هر نوع بر طبقه ضعیف، که همیشه پیشقدمان مبارزات مردمی ما بوده اند، وارد شده و می‌شود، از سهم مبارک امام علیه السلام و وجوه شرعیه ترمیم فرمایند. من از زحمات ملت شریف خصوصاً روحانیت تشکر می‌نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ٤٩٨ تا ٥٠٠.

◘ پیام

زمان: ۱آذر ۱۳۵۷/ ۲۱ذی‌الحجه ۱۳۹۸
مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: وظیفه اقشار جامعه
مناسبت: در آستانه ماه محرم
مخاطب: ملت مسلمان ایران

۲۱ ذی الحجه ۱۳۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه ستمکاران و حکومتهای شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابر قدرتها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت گره کرده آزادیخواهان و استقلال طلبان و حق گویان بر تانکها و مسلسلها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائرانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد بپا خیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید.

امروز رژیم شاه، حکومت جائرانه بر ملت مستضعف می‌کند و بر خلاف شرع اسلام و خواست ملت که در سراسر ایران علیه او قیام نموده اند مقام حکومت را اشغال نموده و مصالح عالیه مسلمین و احکام اسلام را به نفع سلطه شیطانی خود و اربابان مفتخوارش به نابودی کشیده است. بر عموم ملت بپا خاسته است که با تمام قدرت مخالفت خود را با شاه، گسترش و ادامه دهند، و او را از سلطه خطرناکش به زیر کشند.

دولت نظامی، دولت یاغی و برخلاف قانون و شرع است، و بر عموم است که با آن مخالفت کنند، و از اعانت به آن احتراز نمایند، و از دادن مالیات و آنچه به این

دستگاه ظلم و طغیان کمک می‌کند سرپیچی نمایند، و بر کارمندان و کارکنان شرکت نفت است که از خروج این ثروت حیاتبخش جلوگیری نمایند. آیاکارگران وکارمندان می‌دانند که اسلحه ای که سینه جوانان عزیز ما را می‌شکافد و زنان و مردان و کودکان ما را به خاک و خون می‌کشد، از پول همین نفتی است که با زحمت جانفرسای آنان خارج می‌شود؟ آیا آنان می‌دانند که قسمت مهم نفت اسرائیل، دشمن سرسخت اسلام و غاصب حقوق مسلمین را شاه تأمین می‌کند؟ اگر دولت یاغی با فشار به کارکنان نفت بخواهد این خیانت را ادامه دهد، ممکن است تکلیف نفت برای همیشه معین شود.

بر اشخاص مطلع از اوضاع کشور است که لیستی از وزرای دولت یاغی و از خائنین به کشور و از صاحب منصبانی که در سراسر کشور، امر به جنایات و آدمکشیها می‌کنند، تهیه کنند تا در موقع خود، تکلیف ملت با آنان معلوم شود. دولت و صاحب منصبان ارشد بدانند که اگر دست از حمایت شاه جانی و خائن به اسلام و کشور اسلامی برندارند، در آتیه نزدیک به سزای اعمال خود خواهند رسید.

اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم وشیعیان عالی مقام سیدالشهداء ـ علیه الصلوة والسلام ـ است، باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند، و با اتکا به قدرت الهی، ریشه‌های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند؛ که ماه محرم، ماه شکست قدرتهای یزیدی و حیله‌های شیطانی است. مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوهتر و فشرده‌تر برپا شود، و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود.

خطبای محترم و گویندگان عزیز، بیش از پیش به تکلیف الهی خود که افشاگری جرایم رژیم است عمل فرمایند، و خود را در پیشگاه خداوند تعالی و ولی

عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ سرافراز و رو سفید نمایند. طلاب و فضلای حوزه‌های علمیه که در این ایام برای روشنگری به قرا و قصبات می‌روند، لازم است دهقانان محروم و محترم را از فجایع شاه و کشتار مردم بی دفاع، آگاه گردانند و به آنان تذکر دهند که بر خلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه دارها و مالکین بزرگ نمی باشد؛ این حرفهای بی معنی برای انحراف از راه حق است. مطمئن باشند که اسلام طرفدار ضعفا و دهقانان و مستمندان است؛ این شاه است که به طرفداری از امریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است، این شاه است که به طرفداری از سرمایه دارها ذخایر ملت ضعیف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به بهترین وجه حمایت خواهد شد.

جوانان عزیز حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مدارس و دانشسراها و نویسندگان محترم مطبوعات و کارگران و کشاورزان محروم و بازاریان و اصناف مبارز و آگاه و کارمندان محترم و سایر اقشار، از ایلات و عشایر غیور گرفته تا چادرنشینان و زاغه مسکنان محروم، همه و همه، هم صدا و پشت بر پشت هم به سوی هدف مقدس اسلام، یعنی برچیده شدن سلسله ستمگر پهلوی و هدم نظام منحط شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی مبتنی بر احکام مترقی اسلام، به پیش! که پیروزی از آن ملت بپا خاسته است.

لازم به تذکر نیست که اقامه مجالس سوگواری بایدمستقل بوده و منوط به اجازه شهربانی یا سازمان خرابکار به اصطلاح امنیت نباشد. شما ملت عزیز، مجالس را بدون مراجعه به مقامات بر پا نمایید، و در صورت جلوگیری در میادین و خیابانها و کوچه‌ها اجتماع کنید و مصایب اسلام و مسلمین و خیانتهای رژیم شاه را بر ملا نمایید.

امروز تاریخ ایران، شاهد حساسترین روزهایی است که بر اسلام و مسلمین

عزیز ما گذشته و می‌گذرد. امروز شما ملت بزرگ بر سر دو راهی عزت و عظمت همیشگی و خدای نخواسته ذلت و خواری ابدی واقع هستید. امروز احدی از اقشار ملت، معذور نیست و سکوت و انزوا در حکم انتحار و کمک به دستگاه جبار است. امروز خروج از مسیر بی ابهام ملت و اسلام، خیانت به اسلام و ملت و حمایت از مخالفین اسلام و ملت است. خائنینی که با سکوت خود و یا احیاناً با گرایش خود به دستگاه طاغوتی شاه گمان کرده اند این نهضت اسلامی را می‌شکنند و شاه را نجات می دهند، در اشتباهند. اول آنکه دیگر کار گذشته است و شاه رفتنی است و با این خودفروشیها شاه را نمی توان نجات داد؛ و دیگر آنکه اگر نجات پیدا کند، به آنان که او را نجات داده اند وفادار نخواهد بود؛ چنانچه دیدیم و دیدید.

من به ملت عظیم الشأن ایران که با قدرت اسلامی خویش، مشت محکم در دهان شاه و هواخواهان او زده و می‌زنند، دست صمیمیت و ارادت می‌دهم. من شهادت در راه حق و اهداف الهی را افتخار جاودانی می‌دانم. من به مادران و پدران جوانانی که در راه اسلام و آزادمنشی، خون داده اند، تبریک عرض می‌کنم. من به جوانان عزیز و غیوری که جان خود را نثار راه دوست کرده اند، حسرت می‌برم. آوای انقلاب بزرگ ایران در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها طنین انداز و افتخارساز است. شما ملت شریف، به جوانان غیور ملتهای اسلامی هشدار داده اید. امید است با دست توانای شما، پرچم پرافتخار حکومت اسلامی در تمام اقطار به اهتزاز در آید. این است مسئلت من از خداوند تعالی. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۷۵ تا ۷۸.

◙ پیام

زمان: ۳ آذر ۱۳۵۷/ ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
مناسبت: به مسلسل بستن بارگاه قدس حضرت رضا(ع) از سوی عوامل رژیم
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

جنایات رژیم منحط شاه روز به روز پر اوجتر می‌گردد. افزایش حجم جنایات به قدری است که قدرت بیان را سلب می‌نماید. ضایعات این چند هفته اخیر، سرتاسر ایران را به سوگ نشانده است و قدرت تفکر را از شاه سلب کرده است. دولت یاغی نظامی، به امر شاه، تر و خشک را به آتش کشیده و یکی از بزرگترین ضربه‌های این جنایتکار به اسلام، به مسلسل بستن بارگاه قدس حضرت علی بن موسی الرضا ـ صلوة الله علیه ـ است. این بارگاه مقدس در زمان رضاخان به مسلسل بسته شد و قتل عام مسجد گوهرشاد به وجود آمد، و در زمان محمدرضاخان آن جنایت تجدید و دژخیمان شاه در صحن و حریم آن حضرت ریخته و کشتار کردند. ملت مسلمان باید از این شاه و دولت یاغی غاصب تبرّی[1] کنند و مخالفت با آن لازم است. تمام اقشار ملت، خصوصاً اهالی قرا و قصبات، باید بدانند که شاه غاصب و دولت یاغی او کمر به هدم[2] مقدسات اسلام بسته اند، و اگر مهلت پیدا کنند به محو آثار شریعت برمی‌خیزند. بر تمام طبقات ملت لازم است، با هر وسیله ممکن، به سقوط این دستگاه جبار قیام کنند. اطاعت این دستگاه، اطاعت طاغوت و حرام است. خداوند مسلمین را از شر آنان حفظ فرماید. در این عزای بزرگ و جسارت به مقام امام امت، روز یکشنبه ۲۵ ذی الحجه[3] عزای عمومی اعلام می‌شود. انا لله و انا الیه راجعون.

۲۳ ذی الحجه ۱۳۹۸ روح الله الموسوی الخمینی[4]

---

۱. دوری جستن.

۲. نابودی.

۳. ۲۵ ذی الحجه ۱۳۹۸ برابر با ۱۳۵۷/۹/۵.

٤. صحیفه امام، ج ٥، ص ۹۳.

▣ نامه

زمان: آذر ۱۳۵۷/محرم ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: ویژگیهای اعضای شورای انقلاب اسلامی مخاطب: نوری همدانی، حسین

محرم الحرام ۹۹ بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، ما احتیاج به رجالی متدین و قابل اعتماد داریم که در عضویت شورایی پس از سقوط رژیم شرکت کنند و دارای شرایطی باشند علاوه بر تدین و علاقه به اسلام:

۱ ـ نداشتن افکار مکاتب انحرافی بلکه عدم تمایل به آن مکاتب؛ فقط افکار اسلامی داشته باشند.

۲ ـ لیاقت اداره یک وزارتخانه داشته باشند؛ یعنی مطلع و مدیر باشند.

۳ ـ معروف به ملیت و خوشنام باشند.

۴ ـ در دولتهای فاسد و مجلسین معروف به فساد، عضویت نداشته باشند.

۵ ـ از سرمایه داران و معروف به سرمایه داری نباشند.

۶ ـ از طبقه روحانیون نباشند.

با اسرع اوقات در مجمعی از رفقای با اطلاع روشن، در قم مطلب را طرح و بی‌درنگ کوشش کنید در پیدا کردن چنین اشخاصی؛ حداقل ده نفر را تعیین ولو به کمک از مطلعین بلاد دیگر و به اینجانب معرفی نمایید؛ با تصدیق واجدیت شرایط و امضای آن. این مطلب به تهران هم تذکر داده شده است.

والسلام علیکم.(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۵۱.

◘ پیام

زمان: ۱۱ آذر ۱۳۵۷ / ۱ محرم ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: کشتار مردم مسلمان لزوم فرار سربازان از سربازخانه‌ها و ادامه اعتصابها
مناسبت: فرارسیدن ماه محرم مخاطب: ملت ایران

اول محرم ۱۳۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

بار دیگر دست جنایتکار شاه از آستین خیانتکار دولت یاغی نظامی بیرون آمد، و ملت ایران را در آستانه ماه محرم، ماه مقابله اسلام و حق و عدالت با جنود شیطان و طاغوت، به خاک و خون کشید. بار دیگر سفاکان خونخوار و دزدان غارتگر و چپاولچیان بی وطن به فرزندان قرآن و اسلام و نوباوگان وطنخواه ملت شریف ایران، حمله وحشیانه آغاز نموده و نهالهای ثمربخش انسانیت را با مسلسل و توپ و تانک درو کردند.

اخبار طاقت فرسای سراسر ایران عزیز تا این ساعت که یک روز از محرم نگذشته است، روح و جان اینجانب را معذب نمود. اخبار این شب و روز، معرف ابعاد جنایتهای شاه و دولت یاغی است، و نیز نشان دهنده شجاعت و شهامت بی مانند ملت غیور است.

اکنون دشمنان اسلام و ایران و هواداران رژیم یزیدی، در مقابل هواداران قرآن و اسلام و مخالفان سرسخت رژیم طاغوتی ابوسفیانی، صف بندی نموده وخواهند شعارهای اسلامی و حسینی را، که برای احیای اسلام و به دست آوردن آزادی و استقلال و برقراری حکومت قرآن، به جای سلطه شیطان، و حکومت قانون عدل در مقابل قانون جنگل است، با مسلسل و توپ و تانکها که از خون دل ملت محروم تهیه شده است، جواب دهند. غافل از آنکه ملتی که با بیداری و هوشیاری بپا خاسته و نهضت اصیلش را وظیفه شرعی الهی تشخیص داده است، به این سلاحهای زنگ زده، با تمسخر می‌نگرد.

این ملت، شیعه بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود، و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن نمود، و به

خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو بحق امام ـ علیه السلام ـ با خون خود، سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید، و پرچم اسلام را در پهنه کشور و بلکه کشورها به اهتزاز درمی آورد. کشتار دسته جمعی بزرگ دارندگان شهدای راه حق، ننگی است بر پیشانی شاه خائن و هواداران داخلی و خارجی او، و افتخاری است برای ملت بزرگ ایران که با مشت گره کرده خویش، در مقابل اسلحه‌های مدرن ایستاده و پایه‌های قصر ظلم و ستم را متزلزل نموده است. من از راه دور، درود بی پایان خود را به ملت عظیم تقدیم می‌نمایم، و در غم و شادی با آنان شریک و به آنان وفادارم. من از همه انسانها برای این امر انسانی که ملت ما برای آن قیام نموده، استمداد می‌کنم. من از عموم مسلمین در این نهضت اسلامی که برای نجات اسلام و کشور اسلامی برپا شده است، یاری می‌خواهم. من آنان را که با سکوت مرگبار و احیاناً با اعمال خود از شاه خیانتکار پشتیبانی می‌کنند، نصیحت می‌کنم که به ملت مظلوم که برای اسلام خون می‌دهد و فداکاری می‌کند، بپیوندند و با هواهای نفسانی و شیطانی خود مخالفت کنند. ملت ایران پیروز است، چه شاه با سرنیزه به سلطه غیر قانونی خویش ادامه دهد یا ندهد. افتخارات ملت ما در پیشگاه با عظمت خداوند تعالی به ثبت رسید. پایداری شما عزیزان من در راه حق و ابطال باطل، ملتهای جهان را تکان داد و ملتهای مظلوم، از جنبش شما راه خود را یافتند و رضای خداوند بزرگ را که از همه چیز بالاتر است، تحصیل کردید.

من از سربازان سراسر کشور خواستارم که از سربازخانه‌ها فرار کنند، این وظیفه‌ای است شرعی که در خدمت ستمکار نباید بود. من از پدرها و مادرها و عائله صاحب منصبان تقاضا دارم که آنان را از کمک به شاه خائن و اطاعت از صاحب منصبان خدمتگزار به شاه و اجانب، باز دارند و از درجه داران خواستارم که به ملت خود بپیوندند و افتخار خدمت به مسلمین را احراز کنند.

من باید از اعتصاب همگانی که در این نهضت اسلامی و به پشتیبانی ملت برپاست تشکر کنم. این اعتصابات پرارج، اگر چه پرزحمت است لکن در پیشبرد

هدفهای انسانی ملت نقش مهمی دارد. اعتصابات بزرگ خود را هر چه بیشتر ادامه دهید، دستگاه این خائنین یاغی را فلج کنید. اعانت به این خائنان، حرام و مخالف رضای خداست. اطاعت از آنان، به هر عنوان، ضدیت با اسلام و خدای اسلام است. اعتصاب شرکت نفت و جلوگیری از هدر دادن مال عظیم ملت، اطاعت خداست. اعلامیه مدرسین بزرگ و فضلای عالی مقام حوزه علمیه قم ـ دامت برکاتهم ـ برای روز همبستگی ملت با اعتصابات مؤسسات دولتی و غیر دولتی بالخصوص شرکت نفت، مورد تائید اینجانب است، من نیز به عنوان یک فرد از این ملت، همبستگی خود را با آنان اعلام می‌دارم.

در این موقع حساس که سرنوشت ملت ما باید تعیین شود، هر کس در هر مقامی که هست، اگر سستی کند و از پشتیبانی نهضت شانه خالی کند، مطرود پیشوای عظیم ما، امام عصر ـ عجل الله فرجه الشریف ـ است و بر ملت لازم است او را طرد کنند و عذری از او نپذیرند. اگر کسی از سیاسیون، با بودن شاه خائن، در صدد به دست گرفتن حکومت باشد، مطرود و مخالف اسلام است و بر ملت است که او را طرد کنند. فرصت طلبان به جای خود بنشینند که پایگاهی ندارند. شاه اگر به دست ملت رشید نیفتد، تنها یک راه دارد و آن برکناری از یاغیگری و سلطنت غاصبانه است.

اکنون در این موقع حساس مسئولیت مراجع عظام و علمای اعلام بلاد ـ دامت برکاتهم ـ و خطبای محترم ـ دامت افاضاتهم ـ بسیار بزرگ است و در پیشگاه خداوند تعالی همه وهمه مسئولیم. سستی و سهل‌انگاری، کمک به دستگاه ظالم و به هدر دادن خون مظلوم است و موجب انهدام مصالح عالیه اسلام و کشور اسلام است. من از همه طبقات محترم که در این ماه مبارزه، تأسی به امام امت[۱] سلام‌الله علیه می‌نمایند تشکر می‌کنم. خدا با شماست و قرآن کریم پناهگاه ملت. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. امام حسین (ع).

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۵۲ تا ۱۵٤.

◙ پیام

زمان: ۲۱آذر ۱۳۵۷/ ۱۱محرم ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
مناسبت: راهپیمایی عظیم مردم تهران و شهرستانها در تاسوعا و عاشورا
مخاطب: ملت ایران

۱۱ محرم الحرام ۱۳۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

به عموم ملت شجاع و فداکار ایران صمیمانه درود می‌فرستم. شما مردم عظیم‌الشأن با اراده آهنین خود و شعارهای زنده و تعیین کننده به جهانیان ثابت کردید که شاه را نمی خواهید و باید از قدرت غاصبانه خلع شده؛ و با این رفراندم بزرگ، بی پایگاهی او را در بین ملت برای چندمین بار اعلام کردید، و مشت یاوه گویان را که حتی در زمانی که شعارهای عمومی «مرگ بر شاه» سراسر ایران را فراگرفته بود مدعی شدند که اینان معدودی خرابکارند و ملت شاه را می‌خواهد برای چندمین بار باز کردید؛ و این بار نیز با فریاد «مرگ بر شاه» مشت گره کرده خود را بر دهان آنان کوبیدید. خدای تعالی از شما راضی است و امام امت ـ عجل الله فرجه ـ از شما تقدیرفرماید. اسلام از این پشتیبانی شما، که با فداکاری خود و اهدای خون جوانان پرچم توحید را به اهتزاز در آوردید، قدردانی می‌کند. اینجانب با چشمی پر امید و دلی فشرده از محبت از هواداری شما ملت عزیز از هدفهای بزرگ که سرنگونی رژیم شاه و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی است، احساس غرور می‌کنم. شما در راهپیماییهای بزرگ سراسری ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای سید مظلومان و امام فداکاران ـ علیه الصلوة و السلام ـ با آن بزرگوار تجدید عهد نمودید.

من همزمان با راهپیمایی بزرگ شما در پیامی به سران دولتها اعلام نمودم که رفراندم این دو روز برای هیچ کس ابهامی باقی نگذاشت که ملت شاه را نمی خواهد و عدم رسمیت او را با اکثریت قاطع قریب به اتفاق اعلام کرد؛ و به همین جهت اخطار

نمودم که از این پس هرکس از سران دولتها از شاه پشتیبانی کند، از نفت ایران محروم، و قراردادهای ایران با آنان غیر رسمی اعلام می‌شود؛ و مادامی که سران این دولتهای پشتیبان شاه بر سر کارند، قطع نفت و بطلان قراردادها ادامه دارد. و بر ملتهاست که از دولت خود مؤاخذه کنند، و بر مجلس امریکا است که دولت کارتر را استیضاح نماید.

و نیز برای افسران جوان پیام فرستادم که به صف ملت بپیوندند که ما آنان را از یوغ مستشاران نظامی نجات داده و با آغوش باز پذیرایی می‌نماییم. افسران محترم جوان از مقابله خصمانه با برادران و خواهران خود جداً احتراز کنند و با آنان در صف واحد که خواست اسلام است درآیند. از ملت محترم تقاضا می‌کنم از سربازان و افسرانی که به آنان پیوستند یا می‌پیوندند، به بهترین وجه با حفظ جهات امنیتی نگهداری و کمک نمایند.

باید ملت بداند که موضع، سخت حساس است. چه بسا اشخاصی که یا ندانسته و یا خیانتکارانه امر به سکوت و سستی می‌کنند، باید به آنان اعتنا نکنند و اعتراض خود را هرچه بیشتر نسبت به شاه گسترش دهند. و چون وسایل ارتباط جمعی در حال اعتصاب به سر می‌برند، باید به هر وسیله ممکن رابطه بین شهرستانها برقرار نموده و مسائل روز و تظاهرات و اخبار مبارزاتی خود را به یکدیگر برسانند.

اینجانب مراتب تشکر خود را صمیمانه به ملت عزیز تقدیم، و نصرت آنان را که نصرت قرآن کریم و اسلام است از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۲۱ تا ۲۲۲.

▣ پیام

زمان:۲۳آذر۱۳۵۷/۱۳محرم۱۳۹۹ مکان:پاریس،نوفل لوشاتو
موضوع:راهپیمایی تاسوعاوعاشورا،رفراندم غیررسمی بودن حکومت شاه
مخاطب:ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

جنایات شاه که در بسیاری از شهرها، بخصوص در اصفهان و نجف آباد با وحشیگری بی سابقه مأمورین او واقع شده است، و گفته می‌شود برنامه ای است که بتدریج در سایر شهرها نیز انجام می‌گیرد و بناست به بزرگ و کوچک رحم نشود و تمام خانه‌ها و مغازه‌ها و مراکز مذهبی به آتش کشیده شود، نشانه تزلزل و ضعف دولت نظامی و یأس شاه از امکان ادامه قدرت شیطانی است. و اکنون که به پرتگاه و سقوط حتمی نزدیک شده است، می‌خواهد جنایات خود را هرچه بیشتر تکمیل کند و به گفته خودش ایران را به تل خاکی مبدل ساخته و برود.

ملت آگاه باید بداند که این آخرین حمله ای است که از جنون و حمله روحی که به شاه دست داده است ناشی شده و باید این جنایات بسیار احمقانه و سَبُعانه موجب تضعیف روحی ملت نشود. شاه خود را از ملت جدا و تنها می‌بیند؛ ناچار با تمام وجود به آغوش اشرار و مزدوران پناه برده تا شاید عقده‌های روحی خود را خالی کند. شاه خود را از سلطنت خیالی مخلوع می‌بیند و ادامه حکومت خود را با رفراندم تاسوعا و عاشورا غیر ممکن می‌داند؛ از این جهت از هیچ جنایت غیر انسانی رویگردان نیست و با دست اشرار و بعضی از سران ارتش، که شریک جرم او هستند، می خواهد آخرین تیر ترکش را رها کند. شاه رفتنی است ! لکن سران ارتش که با او و به امر او مرتکب جنایات هستند و می‌شوند، در کار خود تجدید نظر کنند و از عواقب امر بترسند. درجه داران جوان خود را به این جنایات وحشتناک آلوده نکنند؛ مگر آنان نمی خواهند پس از شاه، در این کشور آبرومندانه زندگی کنند؟

جنایاتی که در اصفهان و نجف آباد و بعضی از شهرستانها شده است، به قدری با شرافت انسانی منافی است که وجدان هر انسانی را سخت رنج می‌دهد. از قرار اطلاع، مأمورین شاه با مسلسل به داخل منازل مردم محروم و بی دفاع حمله کردند، مساجد را به آتش کشیدند، به زنان محترم اهانت کردند، هرکس را که دیدند «جاوید شاه» نمی‌گوید، بیدریغ کشتند و آزادی به منطق کارتر را به خوبی و خیلی سریع اجرا کردند.

اکنون با در نظر گرفتن رفراندم تاسوعا و عاشورا که غیر رسمی بودن شاه و دولت را به جهانیان ثابت نمود بر ملت است که به حکم اسلام و قانون، از اطاعت شاه و دولت سرپیچی کنند: مالیات نپردازند و کلیه اعتصابات ادارات و مؤسسات و شرکتهای دولتی، خصوصاً اعتصاب شرکت نفت را تا رفتن شاه و دولت ادامه دهند و بر ملت است که با گسترش اعتصابات خود از آنان پشتیبانی نمایند.

اینجانب مصیبت وارده بر خواهران و برادران سراسر کشور را تسلیت‌گویم و از خدای بزرگ، اجر و صبر برای آنان و رحمت واسعه حق تعالی را برای شهدای راه خدا مسئلت می‌نمایم؛ و روز دوشنبه ۱۷ محرم الحرام[۱] را به مناسبت هفتم شهدا، عزای عمومی اعلام می‌کنم.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. برابر با ۱۳۵۷/۹/۲۷ هـ. ش.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۲۷ تا ۲۲۸.

◘ پیام

زمان: ۲دی ۲۲/۱۳۵۷ محرم ۱۳۹۹
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تبریک و تهنیت به مسیحیان جهان
مناسبت: میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)
مخاطب: مسیحیان جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

صلوات و سلام خدای بزرگ بر حضرت عیسی بن مریم روح الله و پیغمبر عظیم الشأن که مردگان را احیا و خفتگان را بیدار فرمود! صلوات و سلام خدای بزرگ بر مادر عظیم الشأنش مریم عذرا و صدیقه حَوْرا، که با نفخه الهی چنین فرزند بزرگی را به تشنگان رحمت الهی تسلیم نمود! درود بر روحانیون و احبار و رهبانان که با تعالیم عیسی مسیح، نَفْس سرکشان را به آرامی دعوت می‌کنند! درود بر ملت آزاده مسیح، آنان که از تعالیم آسمانی عیسی روح الله برخوردارند!

من به اسم ملت مظلوم ایران از شما ملت مسیح می‌خواهم که در روزهای متبرک خود به ملت ما که گرفتار سلطان ستمکارند، دعا کنید و فرج آنان را از خدای بزرگ بخواهید. من از شما ملت بزرگ می‌خواهم که سران بعضی کشورهای مسیحی را که با قدرت شیطانی خود از شاه ستمگر پشتیبانی می‌کنند و ملتی را در زیر فشار ظلم خرد می‌کنند، هشدار دهید و آنان را به تعالیم حضرت مسیح آشنا کنید.

من از روحانیت مسیح می‌خواهم که سران بعض کشورهای قدرتمند را نصیحت کنند و پشتیبانی آنان را از کسی که پشت به تعالیم آسمانی نموده، تقبیح نمایند. قرآن کریم، حضرت مسیح را به عظمت یاد نموده و حضرت مریم را تنزیه فرمود؛ بر ملت مسیح است که دَیْن خود را به ملت مسلم ادا کنند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۷۲.

▣ پیام

زمان: ۶دی ۲۶/۱۳۵۷محرم ۱۳۹۹
مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: شش توصیه عمومی
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. در صدر اسلام پس از رحلت پیمبر ختمی پایه گذار عدالت و آزادی می‌رفت که با کجرویهای بنی امیه اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی امیه را محکوم و پایه‌های آن را فرو ریخت. و در عصر ما می‌رفت که با کجرویهای سلسله پهلوی، حلقوم گشاد آنان و دارودسته و اربابان آنان اسلام و مصالح آن را ببلعد و عدالت و استقلال و آزادی را در زیر چکمه دیکتاتوری و پرده ریا و تزویر به نابودی بکشد.

نهضت ملت بزرگ ایران، که در دوازدهم محرم، ۱۵خرداد به شکوفایی گرایید، پرده‌های تزویر و عوامفریبی شاه را پاره کرد؛ و قتل عام شاهانه و فداکاری ملت، مبدأ عظیمی در تاریخ ایران گردید؛ و مفتاح نجات اسلام و عدالت به دست آمد، و نطفه مقاومت ملی منعقد و با تربیت و روشنگری روشنگران، رو به رشد و تکامل نهاد؛ و در این بین فداکاریها در مقابل جنایات و قتل و غارت و حبس و تبعیدها در جریان بود. و در ۲۹ محرم ۹۸ که رشد و تکامل در حال بلوغ بود، مبدأ انفجار ظاهر شد و شاه و دژخیمان او غافلگیر شده و با تمام قوا به قتل و جرح ملت پرداختند. و در ظرف یک سال جنایات بی پایان آنان با مقاومت عظیم ملت روبه رو و برخوردها و جنایتها و فداکاریها مقابل یکدیگر صف کشیدند. در این میان قوه مقاومت ملت رو به رشد و حربه‌های دشمن انسانیت و ملت رو به تزلزل، و در پایان سال ۹۸ و طلیعه ۹۹، قدرت ملت، جنود ابلیسی شاه را چنان شکست داد و پایه‌های دیکتاتوری را چنان متزلزل نمود و قدرتهای عظیم ابرقدرتها را چنان واپس زد که مورد تحیر و تعجب متفکران جهان و حسابگران گردید.

شاه با آن عظمت فرعونی به تعظیم و اظهار عجز و توبه در مقابل ملت برخاست و به تبدیل مهره‌های نرم با خشن پرداخت و ملت با غرور اسلامی و ملی خود نه آن توبه را قبول نمود و نه از آن نرمی فریب خورد و نه به آن خشونت اعتنا کرد؛ و در تاسوعا و عاشورای ۹۹ با رفراندم بی نظیر و آرام خود که به تصدیق ناظران داخل و خارج در تاریخ بی نظیر بود قدرت مهار شده خود را ثابت و سقوط و عزل محمدرضا پهلوی را برای چندمین بار اعلام نمود. و پس از آنکه شاه خود را رفتنی دانست، دست جنایتکار خود را از آستین درآورد و کشتارهای پی درپی جمعه سیاه به بعد را آغاز کرد و خود را در تمام جوامع رسوا نمود و اخیراً در مشهد مقدس جنایتکاریها را به حد اعلا رساند و ما را بر آن داشت که روز ۲۹ ماه محرم[1] را عزای عمومی اعلام کنیم برای سالگرد کشتار بی رحمانه قم و چهلم کشتار در صحن مطهر مشهد مقدس و نیز هفته کشتار مشهد مقدس و نیز کشتار شهرستانهای دیگر.

و با کمال تأسف در این سال تمام وقت ما صرف فاتحه و عزای ملی شد و در صورت بقای شاه در مقام مغصوب، وضع همین است. اکنون لازم است تذکراتی بدهم:

۱ ـ اینجانب پس از تشکر از اهالی محترم خراسان، خصوصاً علمای اعلام و حجج اسلام و دکترهای محترم و سایر گروهها و طبقات، پشتیبانی خود را از این اعتصاب شریف اعلام می‌نمایم؛ و اعمال وحشیانه دولت نظامی غیر قانونی و حکومت نظامی غاصب را محکوم می‌نمایم؛ و از ادامه دیکتاتوری و غصب مقام آنان را تحذیر می‌کنم.

۲ ـ اینجانب از جمیع اعتصاب کنندگان در سرتاسر کشور تشکر می‌کنم و پشتیبانی خود را از آنان اعلام می‌نمایم؛ و از خصوص اعتصاب کنندگان شرکت نفت تقدیر می‌نمایم. و اقدامات دولت نظامی غاصب و دادگاههای نظامی را در فشار به آنان برای شکستن اعتصاب تقبیح می‌نمایم و آنان را در جدیت برای هدر دادن ثروت ملت مسئول می‌شناسم، و آنان را از این اقدام مخالف با مصالح کشور تحذیر می‌کنم.

---

۱. برابر با ۱۳۵۷/۱۰/۹ هـ.ش.

۳ـ بر ملت شریف ایران است که از اعتصاب کنندگان شرکت نفت پشتیبانی کنند و به آنان برای تهیه مسکن و مؤونهٔ زندگی اعانت کنند؛ و در شهرستانها صندوقهای اعانه بگذارند و پس از جمع آوری به وسیله هیأتهای معتمده به آنان برسانند. و باید نگذارند برادران خود که در راه خدمت به اسلام و کشور بپا خاسته اند رنج ببینند.

۴ـ ملت شریف ایران موظفند از سربازانی که از سربازخانه‌ها بیرون آمده‌اند و خدمت به دولت غاصب را روا نداشته اند، کمک کنند از جهت منزل و سایر مؤونه‌ها؛ و نگذارند به برادران خود که برای اسلام ترک اعانت ظالم را نموده اند بد بگذرد.

۵ـ باید ملت ایران بداند که نفت و گاز به مقدار مصرف داخل در انبارها موجود است و دولت جنایتکار، برای ایجاد وحشت و نارضایتی، قحطی مصنوعی ایجاد نموده؛ و کارکنان شرکت نفت به مقدار مصرف داخل استخراج می‌نمودند و اینان به مصارف دیگر می‌رساندند «از قبیل صدور برای اسرائیل چنانکه گفته شده» و ملت را در مضیقه قرار می‌دهند. شاه و دولت غاصب او با ملت در حال جنگند که به این اعمال وحشیانه دست می‌زنند؛ حتی گفته می‌شود که کارکنانی را که برای مصرف داخلی می‌خواهند عمل کنند، مجبور به اعتصاب می‌کنند تا مضیقه را به عهده ملت بگذارند.

۶ـ لازم است ملت شریف به نهضت اسلامی خود تا وصول به نتیجه ادامه دهند، و در این راه، که رضای خداوند در آن است، صبر کنند؛ و از اعانت برادران خود غفلت نکنند. و از احتکار و گرانفروشی و بی انصافی که موجب غضب خدای تعالی است جداً احتراز کنند، و به وسوسه‌های شیطانی که عمال ابلیسی شاه و دولت پخش می‌کنند و می‌خواهند در مردم سستی و یأس ایجاد کنند، گوش فرا ندهند؛ و به خدای متعال در این راه که به دست آوردن استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی است اتکال کنند. از خداوند متعال سرنگونی اساس ستم و برقراری پایه‌های عدل را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۸۳ تا ۲۸۵.

◙ حکم

زمان: ۸دی ۱۳۵۷/ ۲۸محرم ۱۳۹۹[۱] مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تعیین هیأت پنج نفره در مناطق نفتی مخاطب: بازرگان، مهدی

۲۸ محرم ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

پس از اهدای سلام و تحیت، به طوری که مسبوق هستید کارگران و کارمندان محترم شرکت نفت به منظور همکاری و همگامی با مبارزات ملت مسلمان ایران و به منظور جلوگیری از صدور نفت به خارج دست به اعتصاب زده اند؛ اما دولت غاصب و غیر قانونی نظامی، با تهاجمات سبعانه خود و اعمال زور و ارعاب، می‌خواهد این اعتصاب را جهت ادامه غارت نفت بشکند. و همچنین در حالی که نفت و فرآورده‌های نفتی برای مصارف داخلی تولید می‌شود یا موجود می‌باشد، از پخش آن در داخل جلوگیری نموده و سعی می‌نماید تا ایجاد فشار و ناراحتیهای بیشتری را برای مردم فراهم آورد. برای مقابله با این برنامه‌های دولت غاصب و تأمین نیازهای مردم در داخله، تحقق شرایط زیر لازم است:

۱ ـ نظامیان و مأمورین انتظامی از مناطق و مراکز نفتی بیرون بروند و دخالتی در امور مربوطه ننمایند و از ایجاد هرگونه ارعاب در بین کارکنان خودداری نمایند.

۲ ـ نفت و فرآورده‌های نفتی فقط به اندازه مصرف داخلی تولید شود و از صدور نفت به خارج، تا سقوط رژیم غیرقانونی، جلوگیری کامل به عمل آید.

۳ ـ ارتش و نظامیان حق احتکار مواد نفتی را که برای مصرف داخلی تهیه می‌شود ندارند و از آن باید جلوگیری شود.

---

۱. در صحیفه نور به صورت مکرر ذیل تاریخهای ۵۷/۹/۸ و ۵۷/۱۰/۸ درج شده؛ تاریخ صحیح ۵۷/۱۰/۸ است.

با توجه به مراتب بالا مقتضی است جنابعالی، که در اداره صنایع عظیم نفت دارای سوابق و تجارب فراوان هستید، یک هیأت پنج نفری مرکب از حجت الاسلام جناب آقای حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی و جناب آقای مهندس مصطفی کتیرایی و دو نفر دیگر را با نظر خودتان و مشورت آقایان تعیین نمایید. این هیأت، تحت سرپرستی جنابعالی، مناطق نفتی را بازرسی نموده و در امر تولید نفت با احراز شرایط ذکر شده در بالا نظارت بنمایید؛ و ضمن ابلاغ مراتب تشکر ملت ایران از کارگران زحمتکش و کارمندان محترم، عده لازم را به بازگشت به سر کار و ادامه تولید نفت در حد مصارف داخلی دعوت فرمایید؛ و شرایط بالا را به کارمندان و کارگران تذکر بدهید که اگر دولت غاصب هر یک از شرایط بالا را نقض نمود جریان نفت بکلی قطع گردد و به سایر اعتصاب کنندگان ملحق گردند. و بدین ترتیب مسئولیت عواقب قطع نفت به عهده دولت غاصب و غیرقانونی خواهد بود. از مدیریت نفت نیز انتظار داریم که در این امر مهم و حیاتی و در این مرحله حساس کنونی با این هیأت همکاری صادقانه و همه جانبه بنمایند.

از خداوند متعال استقلال و عظمت کشور و توفیق ملت را برای به دست آوردن آزادی و استقلال خواستارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۰۲ تا ۳۰۳.

◘ پیام

زمان: ۱۲دی ۱۳۵۷/ ۳صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تحریم پرداخت مالیات و پول آب و... مخاطب: ملت ایران
مناسبت: کشتار رژیم در مشهد، قزوین، کرمانشاه و دیگر شهرها

بسم الله الرحمن الرحیم

درود بر ملت مظلوم ایران، رحمت خدای متعال بر مردم شجاع و آگاه که برای احقاق حق خود قیام نموده و تا پای جان و مال ایستاده. سلام بر اهالی محترم مشهد مقدس و قزوین و کرمانشاه و سراسر ایران که در این روزها با مصیبتهای گوناگون و وحشیگریهای دژخیمان شاه و دولت یاغی نظامی و حکومت سفاک روبه رو شده و با دادن هزاران کشته و زخمی دلاورانه مقاومت کرده و می‌کنند!

قتل عامهای پیاپی و وحشتناک و سفاکانه ای که جز به دستور شاه خائن که خود را در حال نزع[1] می‌بیند و از تشبثات و دولتهای جنگ و آشتی مأیوس و از پشتیبانیهای غیر انسانی قلدرهای بین المللی طرفی نبست نمی تواند باشد. این چند روز آخر عمر این جنایتکار از خطرناکترین لحظات تاریخ کشور ما است. ملت مظلوم و شریف ایران باید در مقابل باقیمانده جنایات شاه پایداری کند تا به خواست خداوند تعالی پیروزی نهایی را به دست آورد.

اتهاماتی را که رادیو ایران باکمال بیشرمی به ملت نسبت داده است نظیر جنایات وحشیانه سینما رکس، تنها به دست جنایتکاران حرفه ای شاه می‌تواند باشد. اینان از هیچ جنایتی برای استفاده تبلیغاتی روگردان نمی باشند. فرم جنایات و طرز تبلیغات شهادت می‌دهد که دست جنایتکار دستگاه ظلم که بدین گونه وحشیگریها عادت دارند در کار بوده است.

ملتها یکی پس از دیگری آگاه می‌شوند که کشور ما با چه رژیمی رو به رو است

---

۱. جان کندن.

و نظام شاهنشاهی که ملت شریف ما با رفراندم مکرر خصوصاً در روزهای تاسوعا و عاشورا آن را محکوم نمودند چه بوده است، و اگر خدای نخواسته به عمر خود ادامه دهد چه خواهد بود. رفراندم ما را جز عمال شاه و طرفداران ظلم، همه ملتهای آزادیخواه جهان قبول کردند، و خبرنگاران و روزنامه‌های خارج کشور ثبت نمودند. غیر قانونی بودن دولتهای غاصب راکه به امر شاه یاغی و رأی مجلسهای غیر قانونی سر کار آمدند طبقات مختلف ملت از علمای اعلام و دانشگاهیان تا کارگران و کشاورزان، از اعضای ادارات و وزارتخانه‌ها تا اصناف مختلف و سایر اقشار محترم، یکپارچه اعلام نمودند.

بنابراین اعانت به حکومت یاغی و پرداخت مالیات، پول آب و برق و تلفن و سایر کمکها به دولتی که شاه سر کار آورد، خیانت به ملت و مخالفت با حکم خدا تبارک و تعالی است. و بر کارگران و کارمندان محترم و مبارز آب و برق و تلفن است که پیوند خود را با هموطنان شجاع و بی‌پناه خود مستحکم‌تر نموده و به هیچ وجه دستورات دولت یاغی را در مورد قطع آب و برق و تلفن اطاعت نکنند؛ و با همکاریهای بیدریغ با برادران و خواهران مظلوم خود دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایند.

اکنون لازم است تذکراتی بدهم :

۱ - اینجانب برای جلوگیری از تبلیغات دولت غاصب، هیأتی برای رسیدگی در امور نفت اعزام نمودم و به شرایطی دستور استخراج نفت برای مصرف داخل را دادم. گرچه اهل اطلاع می‌گویند مخازن بسیاری در کشور برای مصارف داخلی موجود است و دولت قحطی مصنوعی ایجاد کرده است؛ و گفته می‌شود شبها تا صبح مأمورین نظامی، نفت مخازن را می‌برند و معلوم نیست چه می‌کنند. در ضمن من از کارکنان شرکت نفت که در این امر خیر با این هیأت همکاری نموده‌اند تشکر می‌نمایم.

۲ - لازم است علمای اعلام بلاد و خطبای محترم به کشاورزان عزیز کشور

تذکر دهند که امسال در کشت مواد غذایی خصوصاً گندم همت فراوان کنند و از کشت چیزهایی که دولت مجرم به اجانب می‌دهد احتراز نمایند. از این خائنان بعید نیست که قحطی مصنوعی به وجود آورند. من از مردم ایران تقاضا دارم که در این امور به کشاورزان محروم کمک نمایند.

۳ـ از کسبه و تجار و اصناف محترم تقاضا دارم که قیمت مواد غذایی و اجناس خود را بالا نبرند و به مردم مظلومی که در حال مبارزه اند اجحاف ننمایند، که اجحاف در همه حال مردود است، و در این موقع حساس این عمل به نفع دستگاه ظلم و مخالف رضای خداوند تبارک و تعالی است. لهذا من به طور لزوم می‌خواهم که از قیمت عادلانه تجاوز نکنند و در صورت امکان به مردم بی بضاعت تخفیف دهند که کمک مؤثری به نهضت اسلامی خودشان و موافق انصاف و مرضی خداوند تعالی است. از خداوند تعالی توفیق ملت مبارز ایران را در رسیدن به اهداف انسانی اسلامی مان خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام

زمان: ۱۶دی ۱۳۵۷/ ۷صفر ۱۳۹۹ **مکان:** پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: اعلام روز نهم صفر به عنوان عزای عمومی ـ اطاعت از شاه جرم است
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

به عموم ملت شجاع و بیدار ایران ـ ایدهم الله تعالی ـ هشدار می‌دهم که بار دیگر توطئه خطرناک از طرف عمال شاه خائن و طرفداران غارتگران بین المللی در دست اجراست تا رژیم منحط شاهنشاهی را حفظ و شاه را به قدرت شیطانی رسانده به غارتگری نفتخواران و سلطه اجانب ادامه دهند. اینان می‌خواهند با پایمال نمودن

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۳۰ تا ۳۳۲.

خون شهیدان راه خدا و وطن، کشور ما را با نیرنگهای گوناگون زیر یوغ استعمار و سلطنت دیکتاتور پهلوی نگه دارند. اینان می‌خواهند از شاه در حال نزع و سقوط، یک دیکتاتور خون آشام با قدرت سابق بسازند و به ما تحمیل کنند. اینان می‌خواهند با بعضی کارهای جزئی و فریبنده، مثل آزادی مطبوعات و وعده انحلال ساواک و تظاهر به دین مبین اسلام، قدرت را به شاه جانی برگردانند تا در خدمت اجانب، هستی کشور را به غارت داده و به نسل و حرث[1] رحم نکنند و اسلام و مذهب را برای همیشه سرکوب کنند. به ملت ایران هشدار می‌دهم که اینان از قدرت اسلام و ملت شجاع ایران و روحانیت بیدار مطلع شده اند و توطئه ای در دست اجراست تا این قدرتهای الهی را سرکوب کنند.

ملت آگاه ایران! شجاعانه مبارزات خود را ادامه دهید که اگر لحظه ای غفلت کنید تمام خونهایی که در راه اسلام و آزادی داده اید هدر می‌رود، و چنان ضربه‌ای به شما وارد می‌کنند که نفسهایتان قطع و فریادهای حقتان در گلو شکسته شود. من به عموم ملت دلیر اعلام می‌کنم که رژیم سلطنتی، غیرقانونی و مجلسین، غیرملی و غیرقانونی و حکومت غاصب، غیرقانونی و یاغی است. اطاعت از این دستگاه، اطاعت از طاغوت و حرام است. اطاعت از شاه مخلوع و دولت یاغی، جرم است در قانون، و حرام است در شرع. آیا ملت و قوای انتظامی می‌دانند که به حسب اطلاع مطبوعات خارجی، شاه در آستانه خروجش تنها بیش از هزارمیلیون لیرهٔ انگلیسی از ایران خارج کرده است، و حساب دیگر پولهای خارج شده او با خداست. اینک چند مطلب را لازم می‌دانم تذکر دهم:

۱ ـ کارمندان وزارتخانه ها، وزرای فاسد غیرقانونی را نپذیرند و از آنان اطاعت نکنند؛ و در صورت قدرت به وزارتخانه‌ها راه ندهند که این امر تکلیف شرعی آنان و

---

۱. سرزمینهای آباد.

خدمت به کشور و ملت است؛ و اطاعت از آنان مخالفت با ملت و اسلام است.

۲ـ ملت از دادن مالیات مطلقاً و از دادن پول آب و برق و تلفن خودداری کنند و از آنچه اعانت به دولت است احتراز کنند که اعانت به دولت غاصب، حرام و موجب غضب خداوند است.

۳ـ علمای اعلام بلاد و خطبای محترم و طلاب غیور، قضات و وکلای محترم دادگستری، اساتید محترم دانشگاه و دانشگاهیان، بازاریان، اصناف، کارگران، کشاورزان، سیاسیون محترم و سایر اقشار ملت، مخلوع بودن شاه و غیرقانونی بودن مجلسین و دولت را اعلام فرمایند؛ که اگر سستی کنند ممکن است توطئه بر ضد کشور و ملت به نتیجه برسد که همگی مسئول آن خواهیم بود؛ و باید همه بدانیم که در این روز حساس همه مسئول خدای بزرگیم.

۴ـ فروشندگان مواد غذایی از گرانفروشی خودداری کنند که این عمل مخالف رضای حق تعالی است، و در این موقع حساس و گرفتاری مردم ضربه ای است بر پیکر نهضت اسلامی.

۵ـ از کمک به کارگران و کسبه صنفی که بر اثر اعتصابات ضرر کرده اند، غفلت نشود و از وجوه شرعیه مجازند به آنان کمک نمایند.

اینجانب روز دوشنبه نهم صفر ۹۹ را برای شهدای مشهد وقزوین و کرمانشاه و سایر بلاد، روز عزای عمومی اعلام می‌کنم؛ و از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم که این روز را آخرین روز عزای ملت شریف قرار دهد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۵۰ تا ۳۵۱.

▣ پیام

زمان: ۱۶دی ۱۳۵۷/۷صفر ۱۳۹۹[(۱)]
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: پایان اعتصاب در مطبوعات کشور
مخاطب: اعتصاب کنندگان مطبوعات

بسمه تعالی

از اعتصاب کنندگان محترم مطبوعات که زیر بار سانسور دیکتاتوری نرفتند، تشکر می‌کنم. و اکنون که دولت غیرقانونی جدید[(۲)] مدعی برداشتن سانسور است، آقایان به کار ادامه دهند و از اعتصاب بیرون آیند تا تکلیف ملت با دولت غیرقانونی معلوم شود. مقتضی است سایر اعتصاب کنندگان محترم به اعتصاب خود ادامه دهند، که امید است پیروزی نزدیک باشد، ان شاءالله تعالی.

روح الله الموسوی الخمینی[(۳)]

▣ پیام

زمان: ۱۷دی ۱۳۵۷/۸صفر ۱۳۹۹
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: جنایات عمال شاه در قم و مشهد
مخاطب: علما و روحانیون و مردم پاکستان

۸ صفرالمظفر ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات علمای اعلام و خطبای عظام و اهالی محترم پاکستان - ایّدهم الله تعالی

پس از اهدای سلام و تحیات وافره؛ از توجه خاص حضرات آقایان به مسائل جانگداز و مصایب فجیعه ایران متشکرم. شما اهالی عظیم الشأن مصایب ما را آنطور که هست نمی توانید تصور کنید. هیچ کس نمی تواند تصور کند که دژخیمان شاه به امر شیطانی این شخص چه به سر این ملت شریف که جرمی ندارند جز آزادیخواهی و استقلال طلبی درآورده اند.

---

۱. در صحیفه نور، تاریخ پیام ۱۷ دی ۵۷ درج شده است.

۲. دولت شاپور بختیار.

۳. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۵۲.

تانکها و توپها و مسلسلها که با سرمایه این ملت تهیه شده در خیابانهای شهرها، حتی شهر مذهبی مشهد در جوار حضرت امام رضا ـ سلام‌الله علیه ـ و قم در جوار حضرت معصومه ـ علیهاالسلام ـ و محل حوزه علمیه دائماً مستقر و روزی نیست که نفوس شریفه ای را به قتل نرسانند.

قتل عامهایی که در این یک سال اخیر شده است قابل تحمل و بیان نیست. تبلیغات شاه در خارج ایران، که خود را مسلمان خالص و شیعه معتقد معرفی کرده و برخلاف آنچه که هست ادعا نموده، موجب انحراف اذهان شده است. این شخص مدعی اسلام و تشیع، چه قرآنها که به آتش کشید، و چه سادات و علما که به زجر و شکنجه در حبس به‌قتل رساند، و حرم مطهر حضرت ثامن الائمه ـ علیه و علیهم السلام را به مسلسل بست، و به منزل علما اهانتها نمود. اگر شما آقایان و اهالی محترم پاکستان شمه ای از جنایات این شخص را مشاهده می‌کردید و شاهد حال برادران دینی خود بودید، بی شبهه با ما هم صدا می‌شدید و برای سرنگونی این رژیم با ما هم قدم و همفکر بودید. البته از توجه اهالی محترم و حضرات علما و خطبا به مسائل ایران تقدیر، و تشکر را اعاده می‌کنم. و از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و سرنگونی ستمگران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۵۸ تا ۳۵۹.

▣ پیام

زمان: ۱۹ دی ۱۳۵۷ / ۱۰ صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: توطئه تعرض به مردم به اتهام ساواکی بودن مخاطب: ملت ایران

دهم صفر ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

سلام و تحیت به عموم ملت ایران ـ ایّدهم الله تعالی

مطالبی از ایران می‌رسد که از توطئه‌ای خطرناک حکایت می‌کند. گفته می‌شود اعلامیه‌هایی بدون امضا در تهران و شهرستانها منتشر می‌شود و اشخاص بسیاری را به اسم ساواکی و یا عمال شاه تهدید به قتل می‌کنند و خانه‌هایی را با همین بهانه‌ها سوزانده و به زن و فرزندان آنان اهانت نموده و آزار داده اند. به طوری که از ایران اطلاع داده اند اعمالی برخلاف اسلام و انصاف بدون رعایت حقوق شرعی انجام می‌گیرد که شاهد بر آن است که دستهای ناپاکی در کار است که با هرج و مرج و ایجاد رعب و وحشت نهضت مقدس اسلامی را متهم نموده و خدای نکرده به شکست بکشند. ملت محترم ایران باید بداند که دیانت مقدس اسلام، جان و مال انسانها را محترم شمرده و تجاوز به آن را از محرّمات عظیمه می‌داند؛ و کسانی که دست به این نحو جنایات زده و موجب ارعاب مردم می‌شوند، به نظر می‌رسد از جناحهای منحرفی باشند که می‌خواهند در پناه هرج و مرج، یا شاه را حفظ کنند و یا کشور را با ایجاد کودتای نظامی به تباهی بکشند.

مردم مسلمان ایران، در مبارزات بحق خود، از این روشهای غیرانسانی استفاده نمی‌کنند؛ و موظف شرعی هستند که به اعلامیه‌های مشتمل بر قتل و غارت و اعلامیه‌های بی امضا به هیچ وجه ترتیب اثر ندهند، و از اشخاصی که می‌خواهند به خانه‌های مردم تجاوز کنند و آتش سوزی نمایند جلوگیری کنند؛ که به نظر می‌رسد توطئه ای در دست اجراست که باید از آن جلوگیری کرد.

ملت شریف در تهران و شهرستانها و قصبات به راهپیمایی و تظاهرات و اعتصابات خود ادامه دهند تا این توطئه با رفتن شاه خنثی شود.

بر حضرات علمای اعلام ایران است که مردم را با اطلاعیه‌ها بیدار کنند و آنان را به وظایف شرعیه خود آگاه نمایند مجازات اشخاص جنایتکار و مجرم، بعد از اثبات جنایت، با محاکم صالحه است نه با اشخاص متعارف. از خداوند تعالی قطع دست جنایتکاران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام

زمان: ۲۲دی ۱۳۵۷/۱۳صفر ۱۳۹۹ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: تشکیل شورای انقلاب، دولت بختیار و... — مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام و تحیت بر ملت قهرمان و شریف ایران! سلام بر شهدای راه حق!

اکنون که روز پیروزی ملت شجاع نزدیک می‌شود، اکنون که خونهای پاک عزیزان بیگناهی که برای دفاع از حق و حقیقت به دست جلادان خون آشام شاه بر زمین ریخته شده است بارور می‌گردد، لازم می‌دانم مراتب ذیل را به اطلاع ملت ایران و مردم جهان برسانم:

۱ ـ به موجب حق شرعی و براساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام «شورای انقلاب اسلامی» مرکب از افراد باصلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد. اعضای این شورا در اولین فرصت مناسب معرفی خواهند شد. این شورا موظف به انجام امور معین و مشخصی شده است؛ از آن جمله مأموریت دارد تا شرایط تأسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد. دولت موقت در اولین فرصت

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰۲ تا ۴۰۳.

که مناسب و صلاح دانسته شود به ملت معرفی و شروع به کار خواهد نمود. دولت جدید موظف به انجام مراتب زیر است:

الف ـ تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم به منظور تصویب قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی.

ب ـ انجام انتخابات براساس مصوبات مجلس مؤسسان وقانون اساسی جدید؛

ج ـ انتقال قدرت به منتخبین جدید.

۲ ـ دولت کنونی،(۱) که منصوب شاه مخلوع و مجلسین غیرقانونی می‌باشد، هرگز مورد قبول مردم نخواهد بود. همکاری با این دولت غاصب به هر شکل و به هر نحوی شرعاً حرام و قانوناً جرم است. همان طوری که کارمندان محترم و مبارز بعضی از وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی عمل کرده اند باید از اطاعت وزرای غاصب سرپیچی نموده و در صورت امکان آنان را به وزارتخانه‌ها راه ندهند. خواست ملت مظلوم ایران تنها رفتن شاه و برچیده شدن بساط نظام سلطنتی نیست، بلکه مبارزه ملت ایران تا استقرار جمهوری اسلامی که متضمن آزادی ملت و استقلال کشور و تأمین عدالت اجتماعی باشد ادامه خواهد داشت. تنها با رفتن شاه و انتقال قدرت به ملت است که آرامش به کشور عزیزمان باز خواهد گشت. تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی مورد تأیید و پشتیبانی مردم و با شرکت فعالانه همه ملت است که می‌توان خرابیهای عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود.

۳ـ احتمال این هست که شاه خائن که در حال رفتن است، دست به یک جنایت بزرگتری بزند و آن یک کودتای نظامی است که کراراً تذکر داده ام که این آخرین ضربه اوست ولکن ملت دلیر می‌داند که در ارتش به جز تنی چند سرسپرده و خونخوار، که از قرار مذکور در پستهای مهم مستقر شده اند و به من نیز معرفی کرده اند، جناحهای

---

۱. دولت شاپور بختیار.

شریف ارتش به این سرسپردگان اجازه نخواهند داد تا دست به چنین جنایتی که مخالف با ملیت و مذهب آنان است بزنند. من بر حسب وظیفه الهی و ملی خود به ارتش ایران هشدار می‌دهم و از صاحب منصبان و درجه داران می‌خواهم که در صورتی که چنین توطئه ای در کار باشد شدیداً از آن جلوگیری کنند و راضی نشوند چند نفر خونخوار، ملت شریف ایران را به خاک و خون کشند. این وظیفه الهی شما ارتش محترم است که در صورت فرمانبرداری از خائنان بالفطره ، پیش خدای تبارک و تعالی مسئول و در جوامع بشریت محکوم و مورد نفرین نسلهای آتیه خواهید بود.

بر ملت شجاع ایران است که خود را در مقابل چنین توطئه ای به هر وسیله ممکن مجهز کنند، و با اتکا به خدای تعالی از اشخاصی که به جز سودطلبی چیزی در نظر ندارند نهراسند، که مبارزات پرشور ملت ایران نشان داده است که نمی هراسند؛ و می دانند که اینان هم مثل آن خائنین که فرار را اختیار و با مال ملت در خارج زندگی را انتخاب کرده‌اند، استقامت را از دست داده اند. ملت ایران موظف است که به درجه‌داران و افسران و صاحب منصبان شریف احترام بگذارند. باید توجه داشته باشند که چند نفر ارتشی خائن نمی توانند اکثریت ارتش را آلوده کنند؛ حساب این چند نفر ارتشی خونخوار معلوم و از حساب ارتش ایران جداست. ارتش از ملت است و ملت از ارتش؛ با رفتن شاه خائن خللی بر آن وارد نخواهد شد.

۴ ـ ملت شریف باید تا نتیجه نهایی، دست از مبارزات پرشور خود برندارند، که نمی دارند. باید به اعتصابات و تظاهرات ادامه دهند و در صورتی که چماق به دستان و یا مفسدین به آنان حمله کردند، می‌توانند دفاع از خود کنند اگر چه منتهی به قتل آنان شود. از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و نابودی مخالفین ملت شریف را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤٢٦ تا ٤٢٨.

◘ پیام

زمان: ۲۳دی ۱۴/۱۳۵۷ صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: توطئه حمله به نیروهای نظامی و انتظامی به نام ملت مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و دوستان من ! ملت عزیز ایران ! در همین ساعت از شخص مطلعی خبری موثق دریافت نمودم که لازم است شما را مطلع کنم. توطئه ای از خارج کشور و به دست نفع جویان در دست اجراست که باید ملت ایران با کمال هوشیاری و شجاعت آن را خنثی کنند. می‌خواهند به مجرد رفتن شاه دسته‌هایی از مزدوران و اشرار را وادار کنند که به اسم ملت مسلمان حمله به ارتش و سربازها و شهربانیها و دیگر مؤسسات دولتی و نظامی کنند و با تبلیغاتی که برای نیروهای نظامی و انتظامی کرده اند، به عنوان دفاع، آنان را به قتل عام مردم بی دفاع وادار نمایند. بدخواهان که‌خواهند برای چپاول بیشتر مال ملت شاه خائن را حفظ و یا برگردانند، از یک سو در بین سربازان و نظامیان و سایر قوای انتظامی دست به اشاعه دروغ می‌زنند که ملت می خواهد همه شما را از بین ببرد؛ و از سوی دیگر اشرار و اجیرانی را به اسم ملت وادار به هجوم به دستگاههای نظامی و انتظامی می‌کنند تا ملت را در مقابل نیروی ارتش و انتظامی قرار داده و نتیجه مطلوب خود را بگیرند.

من به ملت شریف و جمیع جناحهای قوای نظامی و انتظامی، به حکم تکلیف الهی و ملی، هشدار می‌دهم که : با بیداری و شجاعت اخلاقی، یکی دیگر از آخرین توطئه‌ها را خنثی کنید. مردم موظفند به نیروهای انتظامی و ارتش با برادری و مهربانی رفتار کنند و اگر اشراری قصد حمله به آنان را داشتند از برادران خود دفاع کنند.

ارتش و سایر نیروهای انتظامی موظفند که با ملت به طور برادری رفتار کنند، و اگر اشرار به آنان حمله کردند بدانند که این ملت نیست بلکه این عمل عمال اجانب و نفع طلبان است که می خواهند فساد کنند.

برادران عزیز و شجاع من بدانند که با رفتن شاه پیروزی نهایی حاصل نشده است. متانت را از دست ندهند و با هوشیاری به مسائل روز و توطئه‌ها بنگرند. از خداوند تعالی پیروزی ملت مسلمان و انهدام اساس ستمکاری را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۲۴دی ۱۳۵۷/۱۵صفر ۱۳۹۹ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: وحدت کلمه و دفاع از کشور — مخاطب: علما، خطبا و اهالی کردستان

۱۵ شهر صفر ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت علمای اعلام و خطبای کرام و عموم اهالی محترم کردستان ـ ایّدهم الله تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، در این موقع که وطن ما حساسترین مراحل تاریخ را می‌گذراند و ملت مسلمان ایران با وحشی ترین دژخیمان شاه روبه رو هستند بر تمام طبقات محترم کشور است که با وحدت کلمه از کشور و اسلام عزیز دفاع کنند و دست خائنان و جانیان را از آن قطع کنند که غفلت از وظیفه، موجب سستی نهضت اسلامی و خدای نخواسته شکست آن می‌شود.

اینجانب از اهالی محترم آن ناحیه کمال تشکر را دارم که دین خود را به اسلام و مسلمین به نحو شایسته ادا نموده اند و در این نهضت عظیم سهم بسزایی داشته اند. خداوند تعالی به آنان خیر عنایت فرماید. از قبل اینجانب به دهقانان و کشاورزان محترم تذکر دهید که گول تبلیغات بی‌اساس شاه و شریکهای جرم او را نخورید. اسلام و حکومت اسلامی برای شما احترام زیاد قائل است و با شما به بهترین وجه رفتار می‌کند و حتماً بدانید که حال همه طبقات در حکومت عدل اسلامی مثل زمان حکومت طاغوت نیست که در آن، همه را از هستی ساقط نمود. از خداوند تعالی پیروزی مسلمین و ملت مظلوم را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤٣٤ تا ٤٣٥.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤٤٥.

◙ پیام

زمان: ۲۵دی ۱۳۵۷/ ۱۶صفر ۱۳۹۹[۱]
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: توصیه‌های نه‌گانه
مناسبت: فرارسیدن اربعین حسینی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان ـ صلواة الله و سلامه علیه ـ رسید. بر ملت رشید و آگاه ما «اربعین» های سودمندی گذشت. ما در این سالها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با چه مصیبتهایی و بی فرهنگیهای خانمانسوزی مواجه بوده‌ایم. سالهایی بس تلخ و رنج آور در این پنجاه سال و تلختر و رنج آورتر در این یکی دو سال اخیر که ملت شجاع ما را علیه استبداد و استعمار به حرکت درآورد.

امسال اربعین امام امت در خلال اربعینهای پیروان و شیعیان آن بزرگمرد اسلام واقع شده، و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما بازتاب اربعین آن دلاوران می‌باشد؛ خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و نمونه است؛ راهپیمایی و تظاهرات پرشور در این اربعین وظیفه شرعی و ملی است.

ملت بزرگ در سراسر ایران با راهپیمایی و تظاهرات خود این نظام را دفن می‌کند، و مخالفت خود را با «شورای سلطنت» غیرقانونی اعلام می‌نماید، و پشتیبانی خود را برای چندمین بار از «جمهوری اسلامی» اعلام می‌کند. لازم است توجه ملت دلیر ایران را به مطالبی چند جلب نمایم:

---

۱. در صحیفه نور ذیل تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۶ درج شده است.

۱ـ از قرار اطلاع، مأمورین دولت شبها گندم انبارها و سیلوها را با کامیون می‌برند و می‌خواهند قحطی مصنوعی به وجود آورند. وظیفه حتمی مردم تهران و شهرستانهاست که از این عمل شدیداً جلوگیری کنند، و عده ای از معتمدین را به نظارت بگمارند که این عمل غیرانسانی دولت را خنثی کنند. غفلت از این امر مسئولیت شرعی دارد.

۲ـ از قرار اطلاع، دولت امریکا درصدد است که اسلحه و مهماتی را که در ایران است و در مقابل نفت به مردم ایران تحمیل کرده است، یا به سرقت ببرد «اگر تاکنون نبرده باشد، چنانچه بعضی از خبرگزاریها افشا کرده‌اند» و یا منفجر کند. بر افسران و درجه داران ارتش و سایر نیروهای سه گانه است که از آن جلوگیری کنند، و بر ملت است که با ارتش در این امر همکاری کنند، و نگذارند بیش از این مال ملت را نابود و یا چپاول کنند. افسران محترم بدانند که مسامحه در این امر خیانت به کشور و اسلام است.

۳ـ کشاورزان محترم همت کنند و از اقدام برای کشت خصوصاً کشت دیمی غفلت نکنند. ممکن است مفسدین قحطی مصنوعی ایجاد کرده و کشور را در مضیقه قرار دهند.

۴ـ بانکهای اسلامی به کشاورزان به منظور ادامه کشاورزی قرض الحسنه بدهند، و مسلمانان در این امر حیاتی با این بانکها تشریک مساعی نمایند تا جلوی توطئه شیطانی گرفته شود.

۵ـ به جمیع بانکهای خارجی کشور اعلام می‌شود که سپرده‌های شاه و بستگان او و سایر دزدان اموال ملت محروم را که صورت اسامی بعضی از آنان تهیه شده است از آن ملت است که اینان اختلاس نموده و از کشور خارج کرده اند؛ بانکها این وجوه سپرده شده را نباید به آنها تحویل دهند که بزودی مقامات صالحه علیه آنان اقامه

دعوی خواهند کرد.

۶ـ به وکلای غیرقانونی مجلسین اخطار می‌شود که از رفتن به مجلسین احتراز کنند و در صورت تخلف، مورد مؤاخذه ملت شریف قرار خواهند گرفت.

۷ـ از دانشگاهیان محترم انتظار دارم اکنون که دانشگاهها این دژهای مبارزات دانشجویان فداکار را باز کرده اند، به شعارهای ضد رژیم فاسد و تظاهرات علیه دولت غاصب و شاه و علیه شورای غیرقانونی سلطنتی ادامه دهند، و استادانی را که با دستگاه ظلم و اختناق رابطه دارند یا طرفدار رژیم فاسد هستند نپذیرند.

۸ـ به کسانی که در شورای سلطنتی غیرقانونی به عنوان عضویت داخل شده‌اند اخطار می‌کنم که این عمل، غیرقانونی و دخالت آنان در مقدرات کشور جرم است، و بی‌درنگ از این شوراکناره گیری کنند، و در صورت تخلف مسئول پیشامدها هستند.

۹ـ اعضای شورای انقلاب اسلامی در داخل کشور هستند و بزودی معرفی خواهند شد.

از خداوند تعالی خواستارم که با مرحمت واسعه خود، ملت ما را از شر اشرار داخلی و خارجی نجات دهد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۵۷/۱۰/۲۵ـ ۱۶ صفر ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤٧٧ تا ٤٧٩.

▣ استفسار

زمان: دی ۱۳۵۷/صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: پاسخ به چندین پرسش مخاطب: پسندیده، سید مرتضی [۱]

سئوال : [۱ ـ بعضی از مدرسین عقیده دارند که من شخصاً خدمت آقایان گلپایگانی و شریعتمداری رفته و ضمن تشکر، نظرشان را درباره آمدن حضرت امام خمینی بخواهم.]

جواب : رفتن ایشان منزل آقایان، در این موضوع صلاح نیست.

[۲ ـ آقای ابدالخان، [۲] پسر عموی شاپور بختیار، امروز با آقای حاج امان الله خان مستوفی آمدند منزل من، و اظهار محبت و فروتنی از طرف خود و بختیار می‌کردند که ما در اختیار شما هستیم؛ و ابدالخان می‌گفت هر دستوری دارید بدهید و ما در خدمت هستیم. ولی مصاحبه شاپور بختیار برخلاف مذاکرات ابدالخان است. آیا آقا اجازه می‌فرمایند پیامی بدهم یا نه؟ البته به نظر من نفعی ندارد.]

ـ لازم نیست.

[۳ ـ در آسمان بین فرانسه و ایران احتمالی وجود دارد که هواپیماهایی اجباراً مسیر را به طرف کشورهایی نظیر اسرائیل تغییر دهند؛ پیش بینی‌های لازم حتماً باید به عمل آید.]

[در این مورد حضرت امام پاسخ نداده‌اند.] [۳]

---

۱. سؤالات زیر، توسط شخصی دیگر، از طرف آقای پسندیده نوشته شده است.

۲. در متن نوشته سئوال کننده، بهمین صورت آمده است.

۳. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۸۰.

▣ پیام

زمان: ۲۶دی ۱۷/۱۳۵۷صفر ۱۳۹۹مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
مناسبت: فرار شاه از ایران مخاطب: خبرگزاریهای خارجی

الف: خروج شاه از ایران اولین مرحله پایان یافتن سلطه جنایت بار پنجاه ساله رژیم پهلوی می‌باشد، که به دنبال مبارزات قهرمانانه ملت ایران صورت گرفته است. من این پیروزی مرحله ای را به ملت تبریک می‌گویم و بیانیه‌ای خطاب به ملت صادر خواهم کرد.

ب: ما بزودی دولت موقت انتقالی را برای اجرای انتخابات مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی جدید معرفی می‌کنیم.

ج: بازگشت من به ایران در اولین فرصت مناسب انجام خواهد شد.[(۱)(۲)]

▣ پیام

زمان: ۲۷دی ۱۸/۱۳۵۷صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تبریک به مناسبت فرار شاه و تشریح وظایف آحاد ملت مناسبت: فرار شاه از ایران
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت عموم ملت شریف و شجاع ایران ـ اعلی الله کلمتهم و وفّقهم الله تعالی[(۳)]

فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست‌یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می‌کنم. شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملتهای مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت

---

۱. ترجمه انگلیسی این متن در روز ۱٦ ژانویه ۷۹، ساعت ۳۰: ۲۰ بعد از ظهر برای نزدیک به پانصد خبرنگار خوانده شد.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤۸۱.

۳. خداوند متعال، ندایشان را بلندمرتبه فرماید و توفیق عطایشان کند.

می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد، و به مقصد هر چه دشوار باشد رسید. گر چه این ستمگر با دست آغشته به خون جوانان ما و جیب انباشته از ذخایر ملت از دست ماگریخت ولی به خواست خداوند متعال بزودی به محاکمه کشیده خواهد شد و انتقام مستضعفین از او گرفته خواهد شد؛ لکن قطع دست ستمکار از ادامه ظلم، به دست ستمدیدگان، فوری است. او رفت و به هم پیمان خود، اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین پیوست و جرایم و آشفتگیهایی را به جای گذاشت که ترمیم آن جز به تأیید خداوند متعال و همت همه طبقات ملت و فداکاری اقشار کاردان و روشنفکر میسر نخواهد شد. اکنون در این طلوع فجر سعادت و پیروزی توجه عموم را به مطالبی جلب می‌کنم:

۱ ـ بر جوانان غیور در سراسر کشور لازم است، برای حفظ نظم، با آن دسته از قوای انتظامی که اکنون به آغوش ملت بازگشته اند با تمام نیرو همکاری کنند و باکمال قدرت و جدیت نگذارند که بدخواهان و منحرفین آشوب و ناامنی ایجاد نمایند.

۲ ـ به تظاهرات و شعارهای پرشور علیه رژیم سلطنتی و دولت غاصب ادامه دهند؛ و اگر منحرفین و مخالفین اسلام بخواهند اخلالی به وجود آورند و نظم را به هم زنند، از آنان جداً جلوگیری کنند. باید ملت بداند که هر انحرافی و هر شعاری که مخالف مسیر ملت است به دست عمال شاه مخلوع و عمال اجانب تحقق می‌یابد. من از جمیع اشخاصی که انحرافی داشته اند و یاگرایش به بعضی از مکتبهای انحرافی داشته اند تقاضا دارم که به آغوش اسلام، که ضامن سعادت آنان است، برگردند که ما آنان را برادرانه می‌پذیریم. در این موقع حساس که کشور جنگزده ما بیش از هر زمانی به اتحاد و اتفاق احتیاج دارد باید سعی شود که از هر اختلافی احتراز شود.

۳ ـ دولت موقت برای تهیه مقدمات انتخابات مجلس مؤسسان بزودی معرفی می شود و به کار مشغول خواهد شد. وزارتخانه‌ها موظفند که آنان را پذیرفته و با آنان همکاری صمیمانه کنند. اینجانب به صلاح وزرای غیرقانونی می‌دانم که برکناری

خود را اعلام کنند و خود را در مسیر ملت قرار دهند.

۴ـ به جمیع نیروهای انتظامی و زمینی و هوایی و دریایی و صاحب منصبان و درجه داران ارتش و ژاندارمری و غیر آنان توصیه می‌کنم که دست از حمایت محمدرضا پهلوی که مخلوع است و به کشور برنمی گردد و در خارج نیز با نفرت مردم مواجه است بردارند و به ملت بپیوندند؛ که صلاح دنیا و دین آنان در آن است.

اینجانب از همه طبقات خصوصاً حضرات علمای اعلام در این مواقع حساس تشکر می‌کنم، و سلامت و سعادت همگان را از خداوند متعال خواستارم؛ و وحدت کلمه را برای همیشه، خصوصاً تا برانداختن رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلام، امیدوارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۸دی ۱۳۵۷/ ۱۹صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: توطئه عمال شاه در اهانت به مراجع مخاطب: ملت ایران

۱۹ صفر ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

به عموم ملت ایران با تواضع و احترام هشدار می‌دهم :

از قراری که به اینجانب اطلاع داده اند در روز اربعین توطئه ای است برای ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین؛ دستگاه شکست خورده شاه به فکر این افتاده است که با این حیله خود را نجات دهد. من اعلام می‌کنم که اگر به اینجانب یا عکس اینجانب هر سبّ[۲] و لعن و اهانتی بشود، مقابله و ایجاد تشنج حرام و مخالف رضای خدا است. و اعلام می‌کنم که اهانت به مراجع معظم و تمثال شریف آنان، حرام و

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤٨٦ تا ٤٨٧.

۲. دشنام.

مخالف رضای خداست. و اعلام می‌کنم که اگر کسی این عمل شنیع را بکند از ملت نیست و از عمال اجانب و دستگاه جبار است. باید عموم ملت هوشیار باشند. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۲۸دی ۱۳۵۷/۱۹صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تشکیل هیاتی برای تقویت و تنظیم اعتصابات مخاطب: سحابی، یدالله

۱۹ صفر ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر یدالله سحابی

به طوری که اطلاع دارید ملت مسلمان و غیور ایران و جمع کثیری از کارمندان و کارگران در استخدام دولت، به منظور درهم شکستن مقاومت لجوجانه نظام استبدادی کهن، از چهار ماه قبل به این طرف با قبول انواع محرومیتها و فداکاریها دست به اعتصابهای عمومی زده و تدریجاً قدرت عمل را از شاه مخلوع و دولتهای زیر فرمانش گرفته اند. رجای واثق داریم که به فضل الهی و به همت مبارزین آگاه، بساط ننگین فساد و ظلم شاهنشاهی بزودی از سرزمین ما برچیده شده جای خود را به حکومت عدل و رحمت اسلامی دهد. نظر به اینکه بعضی از اعتصابها و متوقف بودن وسایل حمل آذوقه و مواد غذایی مورد نیاز مردم، خصوصاً گندم، و یا تعطیل برنامه‌های نگهداری و تعمیرات دستگاههای صنعتی، ممکن است سبب محرومیتهای مشقت بار و فلج کننده برای مردم زیر ستم یا رکود فعالیتهای اقتصادی و سبب خسارتهای غیرقابل جبران گردد، و نیز دستاویز تبلیغاتی و حربه جنگی به دست حریف بدهد، باید سعی شود که ضمن ابراز انزجار و به زانو درآوردن دستگاه غاصب حاکم که هدف اصلی اعتصاب است زیانهای ناشیه کمتر متوجه ملت شجاع و

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۹۳.

مردم بیداری که سربازان این کارزار می‌باشند گردد.

بدین وسیله به جنابعالی مأموریت داده می‌شود که به اتفاق جناب آقای حجت‌الاسلام آقای شیخ محمدجواد باهنر و جناب آقای مهندس علی اکبر معین‌فر و دو نفر دیگر که با مشورت آقایان تعیین خواهید کرد، هیأتی برای تقویت و تنظیم اعتصابات تشکیل دهید. این هیأت با کسب نظر و همکاری گروههای شرافتمند در حال اعتصاب، تدابیر و ترتیباتی اتخاذ نمایند که تا سقوط نهایی نظام استبدادی حاضر، اعتصابها در حد ضرورت ادامه یافته و ضمن حداکثر فشار بر دستگاه غاصب، حداقل خسارت را برای ملت و مملکت در زمینه احتیاجات ضروری و گردش چرخهای اقتصادی و حفظ سرمایه‌های انسانی و صنعتی با رعایت الأهم فالأهم فراهم آورد. از عموم اعتصاب‌کنندگان محترم تشکر می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۸ دی ۱۳۵۷ / ۱۹ صفر ۱۳۹۹ — **مکان: پاریس، نوفل لوشاتو**

موضوع: تحویل سفارتخانه و کنسولگریهای ایران در امریکا — **مخاطب: ضرابی، جلیل**

۱۹ صفر ۹۹ — بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر جلیل ضرابی

به طوری که مسبوق هستید، سفیر فاسد غیرقانونی طرفدار محمدرضا پهلوی خیانتکار، که متصدی غاصبانه سفارت ایران در امریکاست، (۲) حاضر نشده است حتی بعد از خلع شاه از سلطنت و فرار وی از ایران، دست از تلاشهای مذبوحانه خود

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۹۴ تا ۴۹۵.

۲. اردشیر زاهدی، آخرین سفیر شاه در امریکا.

بردارد؛ و کارمندان محترم سفارت ایران در واشنگتن و کنسولگریهای ایران در مراکز مختلف امریکا حسب وظیفه قانونی و ملی خود وی را نپذیرفته اند. لهذا بدین وسیله به جنابعالی و آقایان دکتر طباطبایی، رضا صدر، احمد عزیزی، شهریار روحانی مأموریت داده می‌شود تا با همکاری کارمندان سالم و علاقه مند به حیثیت و شرافت اسلامی و ملی، بر امور سفارتخانه و کنسولگریها سرپرستی نموده در حفظ اسناد و مدارکی که به ملت ایران تعلق دارند به هر ترتیب که مقتضی می‌دانید عمل بفرمایید. البته کارمندان محترم با جنابعالی و هیأت تحت نظر شما همکاری خواهند نمود.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پیام

زمان: ۳۰دی ۱۳۵۷/ ۲۱صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: بازگشت قریب الوقوع به ایران ـ اخطار به نهادهای غیرقانونی مخاطب: ملت ایران

۲۱ صفر ۹۹ / ۳۰ دی ۵۷ بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بی پایان و درود بی حد به عموم اهالی غیور ایران؛ ملت شریف و شجاعی که با وحدت کلمه، خواست خود را که برچیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی است، در اربعین امام امت(۲) سلام الله علیه برای چندمین بار اعلام نمود. نهضت مقدس اسلامی شما گرچه با خون پاک شهیدان و مصیبتهای جانگداز توام بود لکن آزادیخواهی و استقلال طلبی شما در جبین تاریخ ثبت شد. دشمن اساسی خود و کشور خود را از صحنه بیرون راندید، و بزرگترین خائن و جانی کشور را در گورستان تاریخ دفن نمودید. شما با قیام و استقامت خود به

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤٩٦.

۲. امام حسین (ع).

ملتهای مستضعف ثابت کردید که اسلحه‌های مدرن و قدرتهای شیطانی نمی توانند در مقابل خواست ملتی که برای دفاع از عقیده و حق خود دلاورانه بپا خاسته است دوام داشته باشند؛ و نیز ثابت کردید که قدرت ملتی آگاه، بر تمامی سلاحهای ابرقدرتها پیروز است.

شاه رفت و رژیم شاهنشاهی فرو ریخت. دزدان بیت المال سرمایه‌ها را خارج کردند و یکی پس از دیگری گریختند. ملت شجاع در اولین فرصت به حساب آنان خواهد رسید. اینان رفتند و آشفتگیها و خرابیهای بسیاری را بر جای گذاشتند که با خواست خدا و همت ملت باید ترمیم شود؛ گر چه سالها طول خواهد کشید. اینجانب با تقدیم تشکرات صمیمانه به ملت عزیز تذکراتی را لازم می‌دانم:

۱ـ اینجانب ان شاءالله تعالی بزودی به شما می‌پیوندم تا در خدمت شما باشم و با همت شجاعانه شما به رفع مشکلات کوشا بوده و با هم صدا و هم قدم شدن همه اقشار ملت بر فسادها غلبه کنیم. دوستان عزیزم! خود را برای خدمت به اسلام و ملت محروم مهیا کنید. کمر به خدمت بندگان خدا که خدمت به خداست ببندید. من با توفیق خداوند تعالی پس از چند روزی در خدمت شما خواهم بود و در پشت سر شما به سربازی خود ادامه خواهم داد.

۲ـ به نمایندگان محمدرضا پهلوی که مجلسین را غصباً اشغال کرده اند اخطار کنید که خانه ملت را خالی کنند تا نمایندگان مردم پس از پنجاه سال که ملت از حق خود محروم بود، به خانه خود بیایند. و ان شاءالله همه خواهید دید که انتخابات آزاد و مجلس سالم یعنی چه. من به آنان اخطار می‌کنم که در صورت ورود مجدد به مجلس مسئول هر گونه پیشامدی خود آنان هستند.

۳ـ بار دیگر به اعضای شورای سلطنتی، که شاخه ای است از ریشه غیر قانونی، اخطار می‌شود که از شورا کناره گیری کنند و بیش از این با ملت مخالفت نکنند.

۴ـ بار دیگر به قوای انتظامی و نیروهای زمینی، هوایی، دریایی توصیه می‌شود که در حفظ انتظامات بکوشند و ملت شریف و بیدار با آنان همکاری کنند.

ملت آگاه ایران باید از اشخاص و یا گروههای منحرف که در این موقع حساس به فکر آشوب افتاده و می‌خواهند به نفع اجانب خیانت به کشور کنند، جداً جلوگیری کنند؛ و به آشوبگران هشدار دهند که از اعمال ضد انسانی و اسلامی و ملی اجتناب کنند و به ملت بپیوندند. از خداوند متعال پیروزی ملت ایران را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۵ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۶ صفر ۱۳۹۹ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: علت به تعویق افتادن بازگشت به ایران و نوید مراجعت به وطن — مخاطب: ملت ایران
مناسبت: بسته شدن فرودگاهها به دستور شاپور بختیار

بسم الله الرحمن الرحیم

من از ملت ایران خصوصاً اهالی شهرستانها و روستاهای کشور که متحمل زحمت شده و از نقاط دور و نزدیک به تهران آمده‌اند، تشکر می‌کنم. امیدوارم تا با میزبانان خود، اهالی محترم و آگاه تهران همگامی کرده و در راهپیمایی آنان شرکت کنند؛ و مظالم دولت حیله گر و غیرقانونی را افشا نمایند. از اینکه ایادی اجانب، فرودگاههای سراسر ایران را به روی من بسته‌اند، بناچار تصمیم گرفتم که روز یکشنبه ۲۹ صفر[۲] به کشور برگشته و چون سربازی در کنار شما به مبارزه علیه

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۰۱ تا ۵۰۲.

۲. هشتم بهمن ۱۳۵۷.

استعمار و استبداد تا پیروزی نهایی ادامه دهم.

مردم دلیر ایران آگاهند که این حرکات مذبوحانه و غیرانسانی از دولت غاصب و متظاهر به قانون اساسی، نمی‌تواند راه ملت را منحرف نماید. دولتی که برخلاف تمام موازین اسلامی و انسانی کراراً مطالبی به دروغ به اینجانب نسبت داده است که شدیداً تکذیب می‌کنم. من هرگز با دولتهای غیرقانونی[1] مذاکره نکرده و نمی‌کنم. اینان عمال اجانبند که در زیر پوشش قانون اساسی خیانت خود را پنهان می‌کنند. اینان اگر به قانون اساسی و آرای عمومی ارج می‌گذاشتند، باید هر چه زودتر کنار می‌رفتند. ملت شریف و آگاه باید بداند که دولت فعلی با کمال بیشرمی تصمیم دارد شاه مخلوع و فراری را چون گذشته برگرداند و حکومت جابرانه این دودمان ننگین را بار دیگر بر ما تحمیل کرده و برای همیشه ما را در اختناق و زیر سلطه اجانب قرار دهد، ولی دیگر دیر شده است و اراده آهنین ملت به خواست خدای تعالی این آخرین توطئه را نیز درهم خواهد شکست. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. اشاره به دولت شاپور بختیار.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۲۸ تا ۵۲۹.

▣ پیام

زمان: ۷بهمن ۲۸/۱۳۵۷صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: تکذیب شایعه پذیرفتن بختیار مخاطب: علماو روحانیون تهران و شهرستانها

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرات حجج اسلام تهران و سایر شهرستانها ـ دامت برکاتهم

آنچه ذکر شده است که شاپور بختیار را با سمت نخست وزیری من می‌پذیرم، دروغ است بلکه تا استعفا ندهد او را نمی پذیرم؛ چون او را قانونی نمی دانم. حضرات آقایان به ملت ابلاغ فرمایید که توطئه ای در دست اجراست و از این امور جاریه گول نخورید. من با بختیار تفاهمی نکرده ام و آنچه سابق گفته است که گفتگو بین او و من بوده، دروغ محض است. ملت باید موضع خود را حفظ کنند و مراقب توطئه‌ها باشند. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۸ شهر صفر ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پیام

زمان: ۷بهمن ۲۸/۱۳۵۷صفر ۱۳۹۹ مکان: پاریس، نوفل‌لوشاتو
موضوع: هشدار به دولت امریکا و ترسیم اهداف کلی جمهوری اسلامی مخاطب: دولت امریکا

کارها و عملیات بختیار و سران کنونی ارتش نه تنها برای ملت ایران بلکه برای دولت امریکا هم، بخصوص آینده خود امریکا هم در ایران، سخت ضرر دارد و من ممکن است مجبور شوم دستور جدیدی درباره اوضاع ایران بدهم. بهتر است شما به ارتش توصیه کنید که از بختیار اطاعت نکند؛ دست از این حرکات بردارند. ادامه این عملیات توسط بختیار و سران ارتش ممکن است فاجعه ای بزرگ به بار آورد. اگر او و

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۳۶.

ارتش در امور دخالت نکنند و ما ملت را ساکت کنیم ضرری برای امریکا ندارد. اینگونه حرکات و رفتار، ثبات و آرامش منطقه را باعث نخواهد شد. ملت از من حرف شنوی دارد، و ثبات به دستور من و با اجرای برنامه من به وجود خواهد آمد.

وقتی من دولت موقت را اعلام کنم خواهید دید که رفع بسیاری از ابهامات خواهد شد و خواهید دید که ما با مردم امریکا دشمنی خاصی نداریم و خواهید دید که جمهوری اسلامی که بر مبانی فقه و احکام اسلامی استوار است چیزی نیست جز بشر دوستی و به نفع صلح و آرامش همه بشریت است.

بستن فرودگاهها و جلوگیری از رفتن ما به ایران، ثبات را بیش از پیش بر هم می‌زند، نه آنکه اوضاع را تثبیت نماید. از جانب نیروهای طرفدار من خواسته شده است که اذن بدهم بروند فرودگاه را باز کنند با زور؛ اما من هنوز چنین اذنی نداده‌ام. همچنین نیروهای مسلح از نظامی و غیرنظامی مِنْجمله عشایر درخواست عمل برای پایان دادن به وضع کنونی کرده‌اند. اما من هنوز اذن نداده‌ام. و ترجیح می‌دهم که کار با مسالمت تمام شود و سرنوشت مملکت به دست ملت سپرده شود.(۱)

▣ پیام

زمان: ۹ بهمن ۱۳۵۷ / ۳۰ صفر ۱۳۹۹
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: مبارزه با دولت بختیار
مخاطب: ملت ایران
مناسبت: جنایات دولت بختیار در تهران و شهرستانها

بسم الله الرحمن الرحیم

باز کشتارها و قتل عامهای دسته جمعی را در تهران و شهرستانها شروع کردند، باز دژخیمان محمدرضا با مسلح شدن به ادعای قانون و استقلال کشور و سرپوش

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۳۷.

ملیت به جان مردم بی‌پناه افتاده اند، باز دست ناپاک خیانتکار عمال بیگانه از آستین نوکرهای محمدرضا پهلوی درآمد و ملت را به جرم آزادیخواهی و استقلال طلبی به عزا نشاند.

تا دیروز محمدرضای خائن، ارتش را با آتش گشودن روی ملت و برادران و خواهران خود ننگین کرد، اکنون نوکر یا نوکران خائنش، این خدمت به استعمار را به عهده گرفتند. هر روز مواجه با یک دسته نیرنگ باز هستیم که می‌خواهند منافع اجنبی را تأمین کنند، اگر چه به کشتار هزاران نفر از این ملت رنجدیده شجاع بینجامد. ملت دلیر با خون جوانان عزیز خود محمدرضا را از صحنه خارج کرد، لکن اجانب یک مهره دیگر[1] را با نقاب ملیت به صحنه آوردند. اینان از این مهره‌ها فراوان دارند که سالها با ماسک فریبنده در خدمت هستند و به مجرد رفتن مهره‌ای، مهره دیگری را مورد تأیید قرار داده‌اند و نمی‌دانم پس از این چه خواهند کرد، ولی باید بدانند که ملت هوشیار، از این نیرنگها غافل نیست و یکی پس از دیگری را مدفون خواهد کرد.

ملت عزیزم! دوستان من! نه به وعده‌های پوچ دولتهای غیر قانونی اعتنا کنید و نه از هیاهوی دژخیمان بهراسید. نهضت مقدس را به پیش برانید و به آخر رسانید و دست اجانب و نوکرهای از خدا بیخبرشان را از کشور عزیز قطع کنید. خائن اصلی را با خفت بیرون کردید، همت کنید و این تتمه که خُشاشه[2]ای بیش نیستند از صحنه خارج کنید. خداوند با شماست.

اکنون بر جمیع جناحهای ملی و دولتی است که چون گذشته دولت غیر قانونی را محکوم کنند و اطاعت از آن نکنند که اطاعت طاغوت حرام و مخالف رضای خداست. من از طبقه شریف ارتش که دستشان به خون جوانان آلوده نشده است

---

۱. شاپور بختیار.

۲. پرکاه، باقی مانده روح در تن بیمار.

می‌خواهم که ننگ اطاعت از جنایتکاران را تحمل نکنند و با قاطعیت آنان را از مقابله با ملت باز دارند. ملت از خود شماست، برای منافع اجانب برادرکشی نکنید و با پشتیبانی از اسلام و ملت، نام خود را در تاریخ جاوید کنید.

من از کارمندان وزارتخانه‌ها می‌خواهم که زیر بار ننگ اطاعت از غاصبان حقوق ملت نروند، کمک به این یاغیان و اطاعت از آنان حرام و مخالف شرع و عقل است.

من از ملت ایران که تحمل اینهمه مصیبت و زحمت را کرده و می‌کنند، تشکر صمیمانه می‌کنم و از خداوند تعالی سلامت آنان را خواهانم. من در اولین فرصت خودم را نزد شما می‌بینم تا در شادی و غم با شما سهیم باشم و با هم در صف واحد به اعمال عمال اجانب خاتمه دهیم. من امیدوارم به فوز إِحْدَى الْحُسْنَيَيْن[1] نایل شوم، یا پیشرفت مقصود و اقامه عدل و حق، یا شهادت در راه آنکه راه حق است. از خداوند تعالی غلبه حق بر باطل را خواهان و پیروزی ملت شریف ایران را خواستارم.

والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. اشاره به آیه ۵۲ سوره توبه: «یکی از دو کار نیک و پسندیده».

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱ و ۲.

بازگشت پیروزمندانه به وطن

▣ پیام

زمان: ۱۱ بهمن ۱۳۵۷/ ۲ ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تشکر از دولت و ملت فرانسه
مناسبت: عزیمت امام خمینی از پاریس به ایران
مخاطب: دولت و ملت فرانسه

بسم الله الرحمن الرحیم

در این موقع که پس از چهار ماه توقف پرحادثه در خاک فرانسه، برای خدمت به وطنم می‌خواهم اینجا را ترک کنم، لازم می‌دانم از دولت فرانسه که وسایل امنیت و آزادی بیان را برای اینجانب مهیا نمود، و از اهالی محترم که با حس انساندوستی علاقه خود را به آزادی و استقلال کشور ایران اظهار داشتند تشکر کنم. امید است مهمان نوازی دولت و ملت فرانسه و حس آزادیخواهی آنان را فراموش نکنم. و از زحماتی که به همسایگان و اهالی نوفل لوشاتو دادم معذرت می‌خواهم. امید است احترامات اینجانب را بپذیرند.

۲ شهر ربیع الاول ۱۳۹۹

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۶.

▣ تقریظ

زمان: ۱۱ بهمن ۱۳۵۷ / ۲ ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: تقدیر از زحمات آقای یزدی در ایام اقامت در فرانسه
مخاطب: یزدی، ابراهیم

بسمه تعالی

در سفری که ناچار به پاریس منتهی شد، جناب آقای دکتر یزدی از لحظه اول همراهی نمودند و مدت چهار ماه و چند روز تحمل زحماتی ارزنده نمودند و خدمات ارزنده‌ای به نهضت مقدس کردند، و در این چند ماه باکمال صداقت و امانت تقبّل اموری چند را نمودند، امید است خدای متعال ایشان را اجر و توفیق عنایت فرماید.

۲ ع ۱ ۹۹
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ / ۳ ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: تهران، مدرسه رفاه
موضوع: عدم همکاری ارتشیان با دولت بختیار
مخاطب: افسران، درجه‌داران و سربازان ارتش

۳ ربیع الاول ۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

ارتش معظم ایران، افسران محترم، درجه داران، سربازان ـ اعزّهم الله تعالی

با ابراز احترام خاطرنشان می‌کند، از نظر ملت بزرگ ایران، شورای سلطنتی و مجلسین و دولت ناشی از آنها غیر قانونی و فاقد اعتبار ملی است؛ و چون ارتش از ملت و ملت از ارتش است و پشتیبانی هر یک از دیگری از وظایف ملی است، لازم

---

۱. صحیفهٔ امام، ج ٦، ص ٧.

است به احترام ملت و رأی قاطع آن، ارتش خود را از دولت غاصب[۱] برکنار کند و این مطلب را اعلام کند. اینجانب به واسطه رهبری مبتنی بر حکم شرع و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت، دولت موقت را برای تشکیل مجلس مؤسسان و دیگر امور مقدماتی معرفی می‌کنم تا ارتش محترم به وظیفه قانونی و ملی خود رفتار نماید؛ و ان شاءالله تعالی به ناسامانیها و آشفتگیها خاتمه داده شود. مطمئن باشید در صورتی که به وظیفه ملی و قانونی خود عمل نمایید، ملت و دولت ناشی از آن، در احترام و پشتیبانی شما کوشا خواهد بود.

لازم به تذکر نیست که در این موقع حساس و خطیر، اختلاف کلمه موجب انهدام ارکان کشور خواهد شد و همه ما مسئول آن هستیم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ حکم

زمان: ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ / ۶ ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: تهران، مدرسه رفاه
موضوع: نخست‌وزیری آقای بازرگان[۳]
مناسبت: تشکیل دولت موقت
مخاطب: بازرگان، مهدی

۶ ربیع الاول ۱۳۹۹ بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای

---

۱. دولت شاپور بختیار.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۲۰.

۳. متن حکم حاضر توسط آقای هاشمی رفسنجانی در حضور خبرنگاران داخلی و خارجی قرائت گردید. سپس ترجمه انگلیسی حکم امام توسط آقای ابراهیم یزدی برای خبرنگاران حاضر در مراسم قرائت شد.

اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است، و به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم، جنابعالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید.

مقتضی است که اعضای دولت موقت را هر چه زودتر با توجه به شرایطی که مشخص نموده‌ام تعیین و معرفی نمایید.

کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت با دولت موقت شما همکاری کامل نموده و رعایت انضباط را برای وصول به اهداف مقدس انقلاب و سامان یافتن امور کشور خواهند نمود.

موفقیت شما و دولت موقت را در این مرحله حساس تاریخی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٥٤ و ٥٥.

◙ پیام

زمان: ۱۷بهمن ۸/۱۳۵۷ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: ابراز تشکر از تلگرافها و نامه های تبریک به مناسبت ورود امام خمینی به ایران

بسمه تعالی

اینجانب از کلیه کسانی که پس از بازگشت من به ایران به وسیله تلگراف، نامه و مطبوعات تبریک گفته یا شکرگزاری و اظهار محبت، وفاداری، قدردانی و همبستگی کرده اند، تشکر می‌کنم و پیروزی همه را در غلبه بر دشمنان اسلام و مسلمین و برقرار ساختن جمهوری اسلامی از خداوند متعال خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

◙ نامه

زمان: ۲۰بهمن ۱۱/۱۳۵۷ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: ابراز تشکر مخاطب: گلپایگانی، سیدمحمدرضا

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تفقد و ابراز محبت نسبت به ورود حقیر به کشور ایران بود، واصل و موجب کمال تشکر گردید. امید است ان شاءالله تعالی با حفظ وحدت کلمه، عموم مسلمانان تحت رهبری آیات عظام و علمای اعلام ـ دامت برکاتهم به پیروزی کامل نایل گردند؛ و در این موقع حساس و تاریخی بتوانیم تا حدودی به وظیفه خود نسبت به شریعت مقدسه انجام وظیفه کنیم.

خدماتی که حضرت مستطاب عالی در طول مبارزات گذشته انجام داده‌اید و شداید و سختیهایی را که تحمل کرده اید، فراموش نخواهد شد. مَرْجُوّ آنکه در مظانّ استجابت دعا اینجانب را از دعای خیر فراموش نفرمایید. از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۷۱.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۱۳.

▣ پیام

زمان: ۲۱ بهمن ۱۳۵۷/۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۹۹
مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: حمله لشکر گارد به نیروی هوایی در تهران
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شجاع ایران! اهالی محترم تهران!

به طوری که می‌دانید اینجانب بنا دارم که مسائل ایران به طور مسالمت‌آمیز حل شود لکن دستگاه ظلم و ستم، چون خود را به حسب قانون محکوم می‌بیند، دست به جنایت زده و در شهرهای گرگان و گنبدکاووس به مردم شجاع مسلمان حمله کرده و کشتار نموده است؛ و در تهران لشکر گارد به طور ناگهانی به نیروی هوایی که به ملت پیوسته است حمله نموده؛ و نیروی هوایی به کمک مردم، شجاعانه آنان را شکست داده اند. من این تعرض غیرانسانی و عمل گارد را محکوم می‌کنم.

اینان با این برادرکشی می‌خواهند دست اجانب را در کشور ما باز نگه دارند و چپاولگران را به موضع خود برگردانند.

من با آنکه هنوز دستور جهاد مقدس نداده ام، و نیز مایلم تا مسالمت حفظ و قضایا موافق آرای ملت و موازین قانون عمل شود لکن نمی‌توانم تحمل این وحشیگریها را بکنم؛ و اخطار می‌کنم که اگر دست از این برادرکشی برندارند و لشکر گارد به محل خودش برنگردد و از طرف مقامات ارتشی از این تعدیات جلوگیری نشود، تصمیم آخر خود را به امید خدا می‌گیرم و مسئولیت آن با متجاسرین[۱] و متجاوزین است. من از مردم شجاع تهران می‌خواهم در صورتی که قوای متجاوز عقب نشینی کردند، با حفظ آمادگی و هوشیاری از خدعه دشمن، آرامش و نظم را حفظ کنند ولی مجهز و مهیا برای دفاع از اسلام و نوامیس مسلمین باشند. اعلامیه

---

۱. کسی که اظهار جسارت کند.

امروز حکومت نظامی ، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه بـه آن اعـتنا نکنند.

برادران و خواهران عزیزم ! هراسی به خود راه ندهید که به خواست خداونـد تعالی حق پیروز است. از خداوند تعالی پیروزی ملت اسلام را خواهـانم. والسـلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۲۲بهمن ۱۳۵۷/ ۱۳ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: حفظ آرامش و هوشیاری پس از عقب‌نشینی ارتش مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شجاع ایران ! خواهران و برادران آگاه تهران !

اکنون که به خواست خداوند متعال پـیروزی نزدیک است و نـیروی ارتش عقب نشینی و عدم دخالت خودشان را در امور سیاسی ابراز و پشتیبانی خودشان را از ملت اعلام کرده‌اند، ملت عزیز و شجاع با کمال مراقبت از اوضـاع و در عـین حـفظ آمادگی برای دفاع احتمالی، در صورتی که نیروی ارتش به پادگانهای خود رفته اند، آرامش و نظم را حفظ نمایند.

اگر اخلالگران بخواهند با آتش سوزی و خرابکاری فاجعه به بار آورند، آنان را به وظیفه شرعی و انسانی شان آگاه گردانـد و نگذارند این قبیل کارها موجب هتک حرمت ملت شود؛ و به سفارتخانه‌ها حمله نکنند. و اگر خدای نخواسته ارتش باز به میدان آمد، واجب است آنان را با شدیدترین وجه دفع کرده با تمام نیرو و قـدرت از خود دفاع نمایند.

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

اینجانب به امرای ارتش اعلام می‌کنم که در صورت جلوگیری از تجاوز ارتش و پیوستن آنان به ملت و دولت قانونی ملی اسلامی، ما آنان را از ملت و ملت را از آنان می‌دانیم و مانند برادران با آنان رفتار می‌نماییم. از خداوند متعال پیروزی مردم دلاور ایران را خواستارم. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۲۲بهمن ۱۳۵۷/۱۳ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: جلوگیری از آشوب و هرج و مرج ـ لزوم همکاری با دولت موقت
مخاطب: ملت مسلمان ایران

۱۳ ربیع الاول ۱۳۹۹ / ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بسم الله الرحمن الرحیم

ملت مسلمان، قهرمان و مبارز ایران!

در این لحظه حساس که به لطف خداوند مبارزات قهرمانانه شما سدهای استبداد و استعمار را یکی پس از دیگری می‌شکند و انقلاب اسلامی شما شکوفه‌ها و میوه‌های خود را آشکار می‌سازد، لازم می‌دانم، ضمن ابراز تشکر و قدردانی از یک یک شما برادران و خواهران، چند نکته را یادآوری نمایم:

شما در جریان مبارزات گذشته، رشد اسلامی و انقلابی خود را آشکار کرده اید؛ و اکنون بیش از پیش لازم است این رشد را به جهانیان نشان دهید تا جهانیان بدانند مردم مسلمان ایران می‌توانند بدون قیمومت این و آن، راه سعادت خود را انتخاب نمایند. لهذا از شما می‌خواهم که اولاً مانع آشوب و هرج و مرج بشوید و نگذارید آشوبگران مغرض به عملیاتی از قبیل غارت، آتش سوزی، مجازات متهمان

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ١٢٤.

و از بین بردن آثار علمی و فنی و صنعتی و هنری و اتلاف اموال عمومی و خصوصی دست بزنند. دشمن برای خراب کردن چهره نهضت از طریق نفوذ دادن افراد مفسد و مغرض در میان توده مسلمان دست به چنین کارها می‌زند تا نهضت ما را ارتجاعی و وحشیانه قلمداد نماید. من اکیداً اعلام می‌کنم که هرکس دست به چنین عملیاتی بزند، از جامعه انقلابی ملت مطرود و در پیشگاه خداوند متعال مسئول است. ثانیاً توجه داشته باشید که هنوز انقلاب ما از نظر پیروزی بر دشمن به پایان نرسیده است. دشمن از انواع وسایل و دسایس بهره مند است و توطئه‌ها در کمین ماست. تنها هوشیاری و انضباط انقلابی و اطاعت از فرمانهای رهبری و دولت موقت اسلامی است که همه توطئه‌ها را نقش بر آب می‌سازد. ثالثاً افرادی از دشمن که به عنوان اسیر در اختیار شما قرار می‌گیرند، هرگز مورد خشونت و آزار قرار ندهید. همچنان که سنت اسلامی است به اسیران محبت و مهربانی کنید؛ و البته دولت اسلامی بموقع آنها را محاکمه و عدالت را در مورد آنها اجرا خواهد کرد.

از همه شما برادران و خواهران عزیزم می‌خواهم که با دولت موقت انقلاب اسلامی که وارث یک سلسله خرابیهای دولتهای فاسد گذشته است همکاری نمایید تا به حول و قوه الهی، هرچه زودتر با همکاری یکدیگر، ایران اسلامی آباد و آزاد را که مورد غبطه جهانیان باشد بسازیم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۲۵ و ۱۲٦.

◙ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷/ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: عدم اعتبار سوگند نظامیان در زمان طاغوت سئوال کننده: ارتشیان و نیروهای نظامی و انتظامی

[استفتاء از محضر حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی :

مسلماً خاطر مبارک از این سنت معموله مستحضر است که همه افراد ارتش در موقع اخذ سردوشی یا اخذ درجه، در مورد حفظ تاج و تخت رژیم سلطنتی، به خداوند و قرآن کریم قسم یاد می‌کنند؛ مستدعی است نظر و فتوای خودتان را در مسئله عدول از این قسم و پیوستن به نهضت عظیم اسلامی بیان فرمایید. از طرف جمعی از افراد نیروهای مسلح.]

بسمه تعالی

قسم برای حفظ قدرت طاغوتی صحیح نیست و مخالفت با آن واجب است؛ و کسانی که این نحو قسم خورده‌اند باید بر خلاف آن عمل کنند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳ ربیع الاول ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ پیام

زمان: ۲۳ بهمن ۱۳۵۷/ ۱۴ ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: تکلیف شرعی و تعهد ملی مردم مناسبت: پیروزی انقلاب اسلامی ایران
مخاطب: ملت ایران، اهالی تهران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت معظم ایران ! اهالی سلحشور تهران !

در این موقع که پیروزی نهایی ملت عزیز نزدیک است، لازم است به تذکرات زیر به طور تکلیف شرعی الهی و تعهد ملی توجه نمایند. متخلف از آن، مخالف خداوند تعالی و خائن به کشور و نهضت اسلامی است.

۱ ـ اکنون که دستگاه دیکتاتوری و ستمکاری برچیده شد، باید از هر نوع

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۲۷.

خرابکاری و چپاول و آتش سوزی و ظلم احتراز شود؛ و بر عموم است که از اینگونه اعمال غیر اسلامی و غیر انسانی بشدت جلوگیری نمایند. آنان که دست به این اعمال وحشیانه می‌زنند خائن به مملکت و مخالف نهضت اسلامی هستند.

۲ـ باید ملت تا برقراری نظم از طرف دولت موقت، نظارت در حفظ مراکز عمومی از قبیل وزارتخانه‌ها و بانکها و دیگر مراکز دولتی و ملی بنمایند، و اموال ملت را نگذارند هدر برود.

ملت عزیز! نگذارند بدخواهان منعکس کنند که با به هم خوردن رژیم فاسد، هرج و مرج و خرابکاری جای آن را گرفته است.

۳ـ به فرصت طلبانی که می‌خواهند با ماسک انقلابی از رژیم منقرض پشتیبانی کنند و نهضت را بدنام نمایند، مهلت فعالیت ندهید و ملت مسلمان باید ابتکار را به دست بگیرد.

۴ـ مأمورینی که از طرف جناب آقای نخست وزیر اسلامی مأموریت دارند، سربازان انقلابند و باید با آنان همکاری کنید؛ و اگر مخالفین مردم مسلمان خواستند کارشکنی کنند از آنها جلوگیری کنید.

۵ـ لازم است مردم هر چه زودتر از خیابانها به مساجد و مراکز اجتماع بروند و به فرموده علمای اعلام و خطبای محترم گوش دهند. و بر علمای اعلام و خطبای بلاد است که به مساجد و مراکز عمومی تشریف برده و مردم را دعوت به صلاح و سداد کنند؛ و از اعمال خلاف شرع و خلاف مسیر نهضت بشدت جلوگیری نمایند و با بیانی رسا، مردم را از هرج و مرج و خرابکاری باز دارند و حکم شارع مقدس را ابلاغ نمایند.

۶ـ اکنون که قوای انتظامی، از قبیل ارتش و ژاندارمری و شهربانی، به ملت پیوسته‌اند بر عموم ملت لازم است که به هیچ وجه تعرض به آنان نکنند و آنان را چون برادر نگهداری کنند. و بر علمای اعلام است که مردم را ارشاد کنند که از قوای انتظامی، که تحت لوای حکومت اسلامی آمده اند، حمایت نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۲۸ تا ۱۲۹.

◘ پیام

زمان: ۲۳بهمن ۱۴/۱۳۵۷ ربیع الاول ۱۳۹۹ — مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: قیام برای ساختن ایران — مخاطب: ملت ایران

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

من از ملت شریف و مبارز ایران تشکر می‌کنم. من از این وحدت کلمه‌ای که بین اقشار ملت بوجود آمده است سپاسگزاری می‌کنم. من به این پیروزی که از برای ملت ایران پیدا شده است تبریک می‌گویم. باید ملت ایران بداند که این انقلاب ایران با سایر انقلاباتی که در دنیا واقع شده است فرق دارد. این انقلاب از باب اینکه انقلاب اسلامی و انسانی بود ضایعات کمی به بار آورد. در انقلاباتی که در دنیا واقع شده است ضایعات بسیار زیاد بوده است؛ و ما بحمدالله با کمی ضایعات به پیروزی بزرگ نایل شدیم. یک شاهنشاهی ظالم دو هزار و پانصد ساله را شما ملت ایران با مشت و با همتی بزرگ و با ایمانی راسخ سرنگون کردید و توجه به پشتیبانیهایی که از او می‌شد نکردید.

خداوند شما را پایدار نگه دارد. خداوند اسلام را عظمت بدهد. پیروزی شما پیروزی بزرگ اسلام است، و از این به بعد توجه به بسیاری از امور لازم است که عمده آن توجه به حفظ وحدت کلمه است. ما در بین مبارزه هستیم و باز محتاج به وحدت کلمه هستیم؛ باز باید همه اقشار با هم برادروار و در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. اگر خدای ناخواسته اختلافات پیدا شوند معلوم نیست که ما به پیروزی نهایی برسیم. من به همه ملت توصیه می‌کنم که به همین نحو که تاکنون به وحدت کلمه خودشان ادامه داده‌اند از این به بعد هم ادامه دهند. همین طور که حس انسانیت و ملیت و اسلامیت در آنها بیدار شده، آن را بیدارتر نگه

دارند و نگذارند این شعله الهی خاموش شود. تمسک به اسلام و حبل متین[۱] اسلام و قرآن کریم و امام اعظم، امام عصر ـ سلام الله علیه ـ بکنند، و با همت والای خود تمام مشکلات را رفع کنند.

ملت عزیز من! اشکالات و مشکلات زیاد است و ما وارث یک مملکت آشفته هستیم. مملکت ما را خراب کرده‌اند و رفته اند؛ و ما وارث یک مملکت مخروبه هستیم. باید به خواست خدا تمام ملت برای ساختن ایران قیام کند. ایران یک مملکت زلزله زده، یک مملکت اجنبی زده، و یک مملکت دشمن زده است. اینک ما باید ایران را بسازیم؛ از نو بسازیم ولی مشکلات دارد مشکلات فقط با دولت رفع نمی‌شود، مشکلات با یک قشر یا دو قشر از ملت رفع نمی‌شود. همه ملت باید دست به هم بدهند و هر کس در هر شغل، مقام و مکانی که هست، دست به دست ملت بدهد و با هم این بنای جدید را به پایان برسانیم، و یک ملت جدید و یک دولت جدید و یک بنای جدید که همه اسلامی باشد و همه انسانی باشد ما از سر بنا کنیم.

ما باید متوجه باشیم که در چنین روزی که انقلاب است دستهای خائن و غیر منزه در کار است، و ممکن است خیانتکارها بخواهند بین شما تشتت بیندازند. باید جداً از خرابکاری اجتناب و مراقبت کنید که اگر کسانی خواستند خرابکاری و آدمکشی کنند یا به مراکز دولتی و ارتشی و کاخها و دیگر جاها حمله نمایند باید مانع بشوید؛ چون ایجاد تشتت خواهد کرد. اینها به اسلام و مملکت اسلامی خیانت است و باید از این قبیل خیانتها جلوگیری شود. باید تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است جمع شوند. هر کس اسلحه‌ای پیدا کرد باید به مسجد محله خود ببرد و به امام جماعت مسجد تحویل بدهد؛ و بعد این اسلحه‌ها از مساجد به کمیته آورده می‌شود، و کمیته این اسلحه‌ها را در اختیار سربازان اسلامی که برای دفاع از اسلام و مسلمین تدارک دیده شده‌اند می‌گذارد. فقط باید این سربازان مسلح باشند و دیگران نیازی به

---

۱. ریسمان محکم.

اسلحه ندارند. تسلیحات باید زیر نظر کمیته باشد. توجه داشته باشید که اسلحه فروشی حرام است؛ مال غیر است، مال ملت است؛ نه کسی باید بخرد و نه کسی باید بفروشد. کسانی که خریده‌اند باید اسلحه‌ها را به مساجد یا کمیته برگردانند. این اسلحه‌ها ذخایر ملت هستند؛ نباید از بین بروند. و اگر اشخاصی را دیدید که می‌خواهند این اسلحه‌ها را ببرند جداً ممانعت کنید و نگذارید که اسلحه‌ها دست افراد منحرف بیفتد. نگذارید اسلحه‌ها دست دشمن ملت و دشمن اسلام بیفتد. همه ما موظفیم و تکلیف شرعی در این زمینه داریم. امروز حساسترین روزهایی است که بر اسلام و مسلمین می‌گذرد. باید همه مواظب باشید و نگذارید که دشمن در صفوف شما وارد شود، و نگذارید این اسلحه‌ها دست دشمن بیفتد. و اگر خواستند به جاهایی که اسلحه در آنجاست حمله کنند موظفید که عموماً مخالفت کرده و دست آنها را کوتاه سازید. همچنین باید اگر اسلحه‌ای در دست مردم عادی دیدید آنها را هدایت کنید که اسلحه‌ها را تحویل دهند؛ و اگر مطلع شدید که در دست اشخاصی اسلحه هست و نمی‌خواهند بدهند، مکلف هستید که اسم و آدرس آنها را به کمیته بدهید تا تکلیف آنها هم روشن شود. به این مطلب باید در سرتاسر ایران توجه شود. یک مطلب دیگر اینکه باید از این آشفتگیها و تظاهرات خودداری کنید؛ شلوغ کاری نشود. مردم خیال نکنند اینک که پیروز شده‌اند باید شلوغ کاری کنند. باید با نظم و ترتیب و انسانیت و اسلامیت رفتار کنید و به دنیا بفهمانید که شما ملت مسلم به حقایق اسلام آگاهید و به دستورات اسلام پایبند هستید. باید از اینگونه چپاولگریها جداً احتراز کنید. علمای اسلام مکلف شرعی هستند که مردم را از اینگونه اغتشاشات باز دارند و نگذارند مردم به اشخاص و مراکز هجوم آورند. باید علمای اسلام که راهنمای مردم هستند مردم را در این لحظات حساس راهنمایی کنند و نگذارید که اختلافاتی و اغتشاشاتی در مملکت واقع بشود.

حالا روزی است که باید مملکت حفاظت شود. در هر شهر و محله‌ای باید با نظر علما و معتمدین کمیته‌هایی تشکیل بشود و حفاظت از شهرها را به عهده بگیرد.

باید به مراکز شهربانی و ژاندارمری و ارتشی حمله نشود، اینها دیگر برگشته‌اند و از خود ما هستند؛ ارتش و ژاندارمری، شهربانی از خود ما هستند؛ تمام قوای انتظامی از ما و ما از آنها هستیم؛ همه هوادار اسلام هستیم. باید از اغتشاشات جلوگیری شود.

در خصوص همافران هم سفارش می‌کنیم که اینها جوانهایی هستند که در موقع حساس به ما کمک کردند و زحمت کشیدند و با ملت همبستگی اعلام کردند. همه نیروها را باید حفظ کنید.

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم. اقلیتهای مذهبی هم خاطر جمع باشند که ما اطمینان می‌دهیم به آنها که در این مملکت زندگی عادلانه و مرفهی خواهند داشت و مورد پشتیبانی ما هستند. اسلام از اهل ذمه[۱] پشتیبانی می‌کند. اگر کسانی چیز دیگری می‌گویند برای تفرقه انداختن است. فقط خرابکارها باید بدانند که این خرابکاریها خیانت به ملت و مملکت است؛ دست از خرابکاری بردارند و زیر دولت اسلام و کلمه لا اله الا الله باشند. آنها چه می‌خواهند جز اینکه همه مردم در درجه سه و زارع و کارگر همه مرفه باشند؟ ما همه اینها را تأمین خواهیم کرد.

من از همه اقشار ملت تمنا دارم که اینک وقت غارتگری و اختلاف نیست. اینک باید همه شما با جدیت این نهضت شریف را به آخر برسانید. خداوند با شماست. خداوند همه شما را حفظ کند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. اهل کتاب که در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۳۰ تا ۱۳۲.

◙ پیام

زمان: ۲۴بهمن ۱۵/۱۳۵۷ربیع الاول ۱۳۹۹[۱] مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: خلع سلاح عمومی مخاطب: ملت ایران

[بسم الله الرحمن الرحیم]

ملت شریف و مبارز ایران! لازم است به تذکرات زیر توجه فرمایید:

۱ ـ اسلحه‌هایی که به دست مردم افتاده از بیت المال مسلمین است و احدی حق خرید و فروش آنها را ندارد؛ و تصرف در آنها بدون اجازه مقام مسئول، حرام و موجب ضمان است.

۲ ـ اسلحه و آنچه از اموال دولت در دست اشخاص است، مستقیماً یا توسط امام جماعت یکی از مساجد، به کمیته مخصوص که از طرف نخست وزیر تعیین شده است تحویل دهند و قبض رسید بگیرند. تخلف حرام و موجب تعقیب است.

۳ ـ کسانی که اسلحه به دست آنان است و تحویل نمی‌دهند، بر عموم ملت است که مراقبت از آنان کنند و آنان را به همان کمیته معرفی نمایند.

۴ ـ از تیراندازی‌های بی مورد و هدر دادن فشنگها شدیداً احتراز کنید که موجب نارضایتی مردم و اتلاف اموال عمومی است.

۵ ـ هر کسی به یکی از اماکن دولتی یا غیر آن حمله کند، مورد تعقیب واقع می‌شود.

۶ ـ مردم موظفند از حمله به شهربانیها و کلانتریها و ژاندارمریها و پادگانهای ارتش و اماکن دولتی و ملی و کاخها جلوگیری کنند؛ و با برادران نیروهای هوایی و زمینی و دریایی و سایر قوای دولتی برادرانه رفتار نمایند که آنان به ملت پیوسته اند.

اهالی محترم ایران، جنود اسلامی ولیّ امر ـ عجل الله تعالی فرجه ـ نگذارید اسلحه به دست مخالفان اسلام بیفتد؛ فرصت به دشمنان خدا و ملت ندهید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۵ ربیع الاول ۹۹ / ۲۴ بهمن ۵۷

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۵، ص ۷۸ ذیل تاریخ ۵۷/۱۱/۲۵ درج شده است.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

◘ پیام

زمان: ۲۵ بهمن ۱۳۵۷/ ۱۶ ربیع الاول ۱۳۹۹ — مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: پایان اعتصابات و ازسرگرفتن فعالیتها و کارها — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و شجاع ایران

اکنون که به فضل الهی و به یمن مقاومتها و پایداریهای سرسختانه شما مردم غیور، پایگاههای رژیم سلطنت استبدادی و حکومت ضد اسلامی خاندان پهلوی و پایه‌های استعمار نو و کهنه، یکی پس از دیگری، درهم ریخته شده اند، و دولت موقت انقلاب اسلامی به عنوان اولین قدم در راه تحقق اهداف انقلاب مقدس اسلامی مستقر گردیده است، لازم می‌داند که از عموم مردم ایران از کارگران، کارمندان، بازاریان، پیشه وران، دانشگاهیان و فرهنگیان دعوت نماید که از روز شنبه ۲۸ بهمن ۵۷ (۱۹ ربیع الاول ۹۹) اعتصابات خود را پایان داده و فعالیتها و کارهای خود را آغاز نمایند.

وضع مملکت در اثر وسعت بی سابقه فساد گردانندگان رژیم محمدرضا پهلوی، خیانتها و غارتگریها و همچنین به دلیل ضرورت استمرار اعتصابات همگانی، به عنوان حربه‌ای در دست ملت برای درهم شکستن قدرت مقاومت رژیم سابق، به جایی رسیده است که باید بلافاصله دست به کار سازندگیهای اساسی زد. ادامه اعتصابات و تأخیر در انجام یک سلسله اقدامات سیاسی و اقتصادی ضروری و فوری، احتمالاً شرایطی را ممکن است به وجود بیاورد که دشمنان داخلی انقلاب اسلامی و اجانبی که با از بین رفتن رژیم سابق منافع خود را از دست رفته می‌یابند، دست به تحریکات زده و احیاناً بهره برداریهای ضد اسلامی و ضد ملی بنمایند. لذا مملکت باید از دوران اعتصاب و سرسختی و محرومیتهایی که به منظور سرنگونی نظام استبدادی بر خود تحمیل کرده بود بیرون آمده، چرخهای حیاتی و اقتصادی و انتظامی خود را با قدرت و سرعت و بازدهی چندین برابر در جهت تولید و اصلاح به

راه اندازد و به ترمیم خرابیها و احیای برکات و تولیدات بپردازد.

دخالتهای خودسرانه و کارشکنی در دستورات و نظامات دولت موقت انقلاب اسلامی، باعث هرج و مرج می‌باشد. لذا باید با کمال دقت و هوشیاری و صحبت،[۱] با دولت موقت اسلامی همکاری همه جانبه نموده و از دستورات و رهنمودها اطاعت و از اقدامات دولت پشتیبانی قاطع نمایید. عدم تمکین از دولت موقت، کارشکنی در اجرای برنامه‌های دولت انقلابی به منزله مخالفت با انقلاب اصیل اسلامی محسوب شده، و محرکین و عاملین آن به عنوان عناصر ضد انقلابی به مردم معرفی خواهند شد تا خود ملت، همان طور که رژیم ضد انقلابی شاه را سرنگون ساخت، تکلیف این عناصر ضد انقلابی را معلوم نماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۲۷بهمن ۱۳۵۷/ ۱۸ربیع الاول ۱۳۹۹ **مکان:** تهران، مدرسه علوی
موضوع: ممنوعیت ورود به منازل افراد بدون اجازه دولت **مخاطب:** ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و مبارز ایران!

با تشکر فراوان از زحمات و تلاشهای خستگی ناپذیر شما در راه تحکیم حق و شکست باطل؛ این روزها مشاهده می‌شود که افراد و اشخاص متفرقه به خانه‌های مردم هجوم برده و احیاناً باعث ناراحتی خانواده‌ها می‌شوند. گرچه بسیاری از اینگونه افراد به خاطر سوابق سوء خود مستحق تنبیه و مجازاتند اما برای اینکه افراد بیگناه خانواده‌ها به زحمت نیفتند، لازم دانستم که از شما فرزندان عزیز بخواهم از این به بعد بدون کسب اجازه از دولت قانونی به خانه هیچ کس حمله نکنید و کسی را

---

۱. همراهی.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ١٤١ تا ١٤٢.

از پیش خود توقیف ننمایید. البته جنایتکاران و ظَلَمه[۱] که دستشان به خون مردم و تجاوز به حقوق ملت آلوده است، نباید از کیفر معاف گردند ولی کیفر مجرمان نباید بدون نظم و حساب و توسط افراد غیرمسئول انجام گیرد. شما مجرمان جنایتکار را شناسایی کنید و به دولت موقت انقلاب اسلامی معرفی نمایید تا با دستور دولت، اقدام به بازداشت و محاکمه شود. تأکید می‌کنم که مطلب فوق، حکم اسلامی است و تخلف جایز نیست. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۲۷ بهمن ۱۳۵۷/ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی

موضوع: حضور روحانیون در آیین گشایش مراکز نظامی و انتظامی و ادارات دولتی

مخاطب: روحانیون و علما

بسمه تعالی

اکنون که برای اعاده نظم و امنیت مقرر شده که واحدهای ارتش و پلیس و ژاندارمری و ادارات دیگر که در چند روز اخیر تعطیل شده بودند شروع به کار کنند، ممکن است برای تجدید فعالیت خود مواجه با مشکلاتی باشند؛ لذا از علمای اعلام و روحانیون محترم ـ ایدهم الله تعالی ـ خواستارم که در مراسم افتتاح مجدد این مراکز شرکت کنند، و از اهالی محترم بخواهند که برای برقراری نظم، دوستانه و برادرانه با مأموران این مراکز همکاری نمایند و مانع هرج و مرج و بی‌نظمی گردند؛ و حتی‌الامکان بر اقدامات آنها نظارت و همفکری نمایند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پنج شنبه ۱۸ ربیع الاول ۹۹ / ۲۷ بهمن ۵۷[۳]

---

۱. ستمکاران.

۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۴۷.

۳. صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۴۸.

▣ پیام

زمان: ۲۷بهمن ۱۳۵۷/۱۸ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: پایان اعتصاب در صنعت نفت
مخاطب: کارکنان شرکت ملی نفت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

به عموم کارمندان و کارگران شرکت نفت پس از تشکر فراوان از آنان که سهم مهمی در پیشرفت نهضت اسلامی داشته‌اند و با همت شجاعانه آنان پیروزی نصیب ملت بزرگ گردید تذکر داده می‌شود: اکنون که بحمدالله پیروزی حاصل است، مقتضی است اعتصاب خود را بشکنند و به سر کار خود بروند. اکنون اعتصاب برخلاف مسیر انقلاب است و شکستن آن موافق صلاح ملت است.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۵اسفند ۱۳۵۷/۲۶ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: تشکیل دادگاه انقلاب اسلامی
مخاطب: خلخالی، صادق

۲۶ ع ۱ ۹۹ بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی - دامت افاضاته - به جنابعالی مأموریت داده می‌شود تا در دادگاهی که برای محاکمه متهمین و زندانیان تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه، با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید.

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ١٤٩.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ٢١٥.

▣ حکم

زمان: ۵اسفند ۱۳۵۷/ ۲۶ربیع الاول ۱۳۹۹
مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: حفظ کاخها و ضبط اموال خاندان پهلوی در مردآباد کرج
مخاطب: شریفی

۲۶ ع ۱ ۹۹ بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای شریفی ـ دامت افاضاته

لازم است جنابعالی به مردآباد کرج بروید و در مورد حفظ کاخها و ضبط اموال آن و زمینهای مزروعی و تراکتورها و اموال دیگری که مربوط به خاندان شاه مخلوع و غاصب سابق بوده است اقدام نموده و از آنها محافظت و نگهداری کنید؛ و از تصرف غاصبان در اموال مذکوره جلوگیری نمایید. و بر مردم و اهالی محترم است که از دستورات جنابعالی در این باره پیروی و تبعیت نموده و با شما همکاری کنند. ادامه توفیقات آن جناب را از خدای تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ حکم

زمان: ۹اسفند ۱۳۵۷/ ۱ربیع الثانی ۱۳۹۹
مکان: تهران، منزل آقای محمود بروجردی خیابان پاسداران
موضوع: فرمان مصادره اموال سلسله پهلوی و وابستگان به آنها
مخاطب: شورای انقلاب اسلامی

۱ ربیع الثانی ۹۹ / ۹اسفند ۵۷ بسم الله الرحمن الرحیم

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله راکه

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٢١٦.

در طول مدت سلطه غیرقانونی از بیت المال مسلمین اختلاس نموده اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره نمایند و منقولات آن در بانکها با شماره‌ای به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیرمنقول ـ از قبیل مستغلات و اراضی ـ ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد در ایجاد مسکن و کار و غیر ذلک. به جمیع کمیته‌های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می‌دهم که آنچه از این غنایم به دست آورده‌اند در بانک با شماره معلوم بسپرند. و به دولت ابلاغ نمایید که این غنایم، مربوط به دولت نیست و امرش با شورای انقلاب است، و آنچه مأمورین دولت به دست آورده‌اند یا می‌آورند، باید به همین شماره به بانک تحویل دهند. و کسانی که از این اموال چیزی به دست آورده اند، باید فوراً به کمیته‌ها یا بانک تحویل دهند و متخلفین مورد مؤاخذه خواهند بود.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٢٦٧.

فصل ۲:
دفاع از مظلومان
از تبعیدگاه

■ **تلگراف**

زمان: ۲دی ۱۳۵۰/ ۴ذی‌القعده ۱۳۹۱ مکان: نجف
موضوع: اعمال خشونت رژیم بعث عراق علیه ایرانیان مقیم آن کشور مخاطب: احمد حسن البکر (رئیس جمهور عراق)

بسم الله الرحمن الرحیم

السید رئیس الجمهور المحترم

پس از اهدای سلام، لازم است تذکراتی دهم که امید است به صلاح مسلمین و خصوص دولت عراق باشد.

در این عصر که تمام دولتها حتی دول بزرگ کوشش می‌کنند که جلب انظار ملتها را بنمایند و برای خود و ملت خود وجاهت تحصیل کنند و صوت عدالت خود را به اسماع عالمیان برسانند، مصلحت نیست دولت عراق دست به کاری زند که در بین ملتهای آزاد جهان خصوصاً مسلمین، انعکاس ناروایی داشته باشد. در عصری که دولتها به انواع تبلیغات می‌خواهند بر متحدین و متفقین خود بیفزایند و ملتها را به بلوک خود متصل کنند، صلاح نیست دولت عراق ملتهای بزرگ را از خود برنجاند و موجب تبلیغ برضد خود شود. ملت ایران، خود را از ملت عراق جدا نمی داند، و در مشکلاتی که برای این مملکت اسلامی پیش آمده در رأس مدافعین و مجاهدین بوده

است. از مجاهدات علمای اعلام ایران که در رأس آنها مرحوم آیت الله آقا سید محمد کاظم یزدی[۱] و مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی[۲] - قدس سرّهما - بوده‌اند، مدت زیادی نمی گذرد. مسلمین به حکم اسلام باید ید واحده باشند که بتوانند دست اجانب و مستعمرین را از دخالت در کشور خود قطع کنند. با قطع نظر از جهات سیاسی، از نظر اقتصاد نیز اخراج یک امت بزرگ و سرمایه‌های آنها که موجب رشد اقتصادی است، برخلاف صلاح است. دولتهایی که دارای سرمایه‌های هنگفت هستند، خود را از جلب سرمایه‌های خارجی و جلب سیّاح، بی‌نیاز نمی‌دانند و اعتماد به سرمایه‌های خود نمی‌کنند، مصلحت نیست ملتهایی را که در اوقات آزاد در هر سال هزاران نفوس از آنها برای زیارت اعتاب مقدسه در این مملکت واردشوند و در اقتصاد آن تأثیر بسزا دارند، از خود براند. به نظر اینجانب این عمل با این شدت و خشونت که مأمورین انجام می‌دهند، در این سرمای مرگبار که زنها و اطفال در معرض هلاک هستند، به حیثیات سیاسیه و به اقتصاد مملکت صدمه می‌زند. با توجه به این جهات و جهات دیگر انتظار می‌رود که در این امر تجدید نظر شود و مراعات اخوت اسلامی که مورد سفارش اکید خداوند متعال و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، بشود. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. رهبر مبارزات مردم و عشایر شیعه عراق علیه سلطه گران انگلیسی.

۲. معروف به میرزای مجاهد (دوم) از مراجع بزرگ شیعه که پس از آقای یزدی، رهبری مبارزات مردم عراق علیه انگلیس را بر عهده گرفت. فرمان معروف او چنین بود: «مطالبه حق بر مردم عراق واجب است».

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۰۳ تا ۴۰۴.

▣ تلگراف

زمان: ۲ تیر ۱۳۵۴/ ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۹۵ **مکان: نجف**
مناسبت: اخراج روحانیون ایرانی از عراق **مخاطب: احمد حسن البکر**

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آقای رئیس جمهور

پس از اهدای سلام با آنکه مأمورین رسمی وعده تجدید اقامه علمای اعلام و محصلین حوزه علمیه را کراراً داده‌اند و علاقه شما را به حوزه‌های علمیه و علمای دین ابلاغ کرده اند، اخیراً به طور ناگهان و اسف آوری در خیابانها و بازارها متعرض اهل علم شده و با وضع اسفناکی آنها را جلب نموده و به آنها ابلاغ نموده‌اند که در یک هفته بروند برای خروجی.

اینجانب با آنکه بنا نداشتم مزاحم شوم لکن احساس وظیفه می‌کنم و نظر شما را به تلگرافی که در ۴ ذی القعده ۱۳۹۱ نموده و مصالح را تذکر داده ام جلب می‌کنم و اکنون نیز حسب وظیفه تذکر می‌دهم که مصلحت نیست حوزه بیش از یک هزار ساله نجف اشرف که برای فقه اسلام تشکیل شده و در قلع فسادهای اخلاقی و اجتماعی اثر بسزا دارد، در زمان ریاست شما منقرض شود؛ مصلحت نیست بیش از یک هزار نفر رجال علم، آزرده خاطر، به این نحو از مملکت شما رانده شوند و در بلاد منتشر شوند؛ مصلحت نیست که مراجع عظام و مشایخ محترم که دنبال این تسفیر[1] ممکن است هجرت کنند، از مملکت شما با این کیفیت خارج شوند.

خاطر شریف مستحضر است که فقهای اسلام و مراجع عظام چه منزلتی در قلوب مسلمین دارند. مصلحت نیست قلوب ملتها را در این زمان از دولت خود برنجانید و راه را برای تبلیغ بدخواهان باز کنید. اینجانب احتمال می‌دهم که در این امر دستی از مخالفین دوست نما در کار باشد؛ من گمان ندارم فکر خیرخواهانه ای به

۱. راندن، بیرون کردن.

این امر منتهی شده باشد.

فکر وحدت مسلمین ودولتهای اسلامی در رأس برنامه زندگی اینجانب است. من از اختلافات دولتهای اسلامی نگران هستم، من از واقعه‌هایی که به شکاف بین مسلمین و دولتهای آنها منتهی شود خائف هستم و نظر شما را به مفاسد حاصله از این عمل جلب می‌کنم و مقتضی می‌دانم دستور دهید متعرض حوزه مبارکه نشوند و اقامه آنها را چنانچه وعده کرده اند بدهند و به سایرین نیز اقامه دهند تا محصلین با دلگرمی به تحصیل و خدمت به اسلام و ممالک اسلامی مشغول باشند. والسلام علیکم.

۱۳ شهر جمادی الثانی ۱۳۹۵

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ گفتگو

زمان: ۲۷ تیر ۱۳۵۴ / ۸ رجب ۱۳۹۵ — مکان: نجف

موضوع: اعتراض به اخراج روحانیون حوزه علمیه نجف — مخاطب: استاندار نجف

[استاندار: سید رئیس، سلام و تحیّات مخصوص، محضر جنابعالی می‌رسانند و متذکر می‌شوند که طبق رغبات آن جناب، ما مقرر کردیم که اقامه آقایان طلابی که دارای دفتر اقامه هستند، از فردا تمدید گردد و به کسانی که می‌خواهند جهت عمره به مکه مشرف شوند سمة العوده، داده شود؛ به استثنای افرادی که وابسته به استخبارات خارجی که از جواسیس هستند و افراد متخلف که باید تا آخر ماه جاری میلادی از عراق خارج شوند؛ و الاّ طبق مقررات به محکمه الثوره تحویل داده می‌شوند.]

امام: شما تمام کارهایی راکه دلتان می‌خواهد انجام می‌دهید؛ و بعد از انجامش می آیید اینجا، که سید رئیس، تحیات فرستاده و با تحیّات می‌خواهید ماستمالی کنید. مگر با تحیّات کار درست می‌شود؟ شما حدود سیصد نفر از طلاب حوزه را خروجی

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۹۳ تا ۹۴.

داده و به خارج شدن از عراق مجبور ساخته اید؛ و حالا به من مـی‌گویید کـه از فـردا اقامه‌ها را تمدید می‌کنند؟

اینکه می‌گویید «افراد وابسته به استخبارات و جاسوس »، باید بـدانـید کـه در حوزه نجف چنین افرادی وجود ندارند. در تمام حوزه، شاید نتوانید دست روی یک نفر، دو نفر بگذارید که وابسته باشند؛ و این درست نیست که شما فردا هر کسی را به بهانه وابسته و جاسوس اخراج کنید.

[استاندار: اولاً این افرادی که اخراج شده اند، همه متخلف هستند و طبق قانون بین المللی مجرم و باید به محکمه تحویل داده شوند؛ لکن سید رئیس روی علاقه‌اش به حوزه و طبق رغبات[۱] جنابعالی قرار فرستادن آنان به محکمه الثوره را لغو نمودند تا در کار آقایان تسهیل شده باشد. در مورد افراد مشبوه[۲]، ما تا صددرصد اطـمینان نداشته باشیم اقدامی نمی کنیم؛ و در هر دو مورد حاضر هستیم ادله و براهین را برای اثبات مدعای خود به محضر جنابعالی تقدیم کنیم؛ و هر کدام از آقایان اساتید، علما و طلابی که نزد جنابعالی مورد اطمینان و معزّز هستند، بفرمایید تا ما اقامه بدهیم.]

امام : اگر شما علاقه به حوزه دارید و نمی خواهید این حوزه به هم بـخورد، افراد متخلف را اقامه دهید، و یا اقامه آنان را تمدید کنید تا از تخلف بیرون بـیایند؛ و ثانیاً اینکه می‌گویید افراد معزّز را معرفی کنم، باید بگویم که همه افراد حوزه پیش من معزّزند؛ و هیچ فرقی میان طلاب افغانی، پاکستانی، هندی، عرب و ایرانی نیست، و من همه آنان را عزیز و بزرگ می‌شمارم.[۳]

---

۱. خواسته ها.

۲. مورد شبهه، مسئله دار.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۰۴ تا ۱۰۵.

▣ پیام

زمان: ۲۰فروردین ۲۳/۱۳۵۹جمادی‌الاول ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: اخراج ایرانیان از عراق مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف ایران! میهمانان عزیزی که به توطئه امریکا و دست جنایتکار رژیم منحرف بعث از خانه‌های خود آواره شده اند و به ایران با وضع اسفناک فجیعی فرستاده شدند، گرامی دارید. اینان برادران مظلوم شما هستند که بدون هیچ مجوزی و فقط برای ارضای هواهای نفسانی و اطاعت کورکورانه از شیطان بزرگ از خانه‌های خود به دست دژخیمان رژیم بعث آواره شدند. اینان برادران مظلوم ما هستند.

ملت شریف و دولت جمهوری اسلامی لازم است وسائل زندگی آنان را به طور شایسته ای فراهم کند و نگذارند به آنها بد بگذرد. رژیم منحوس بعث که خود را برای معارضه[۱] با اسلام و مسلمین آماده نموده، باید بداند که در اشتباه است و ملت مسلمان ایران و عراق سردمداران آنان را به جای خودشان می‌نشانندو آنان را از صحنه خارج و به دست فراموشی تاریخ می‌سپارند.

صدام حسین که با ملت شریف عراق مواجه شده است و خود را در معرض هلاک می‌بیند، می‌خواهد با صحنه سازیها اذهان برادران اسلامی ما را از خود و رژیم منحط خود منصرف کند تا چند صباح دیگر به جنایات خود ادامه دهد. آنکه دستش تا مرفق به خون جوانان غیور عراق آلوده است، می‌خواهد خود را طرفدار ملت عرب جا بزند. آنکه به خیال خود عروبت را از اسلام والاتر می‌داند و به اسلام پشت کرده به زعم آنکه ملتهای عرب را به خود متوجه کند، غافل است که ملت عزیز عرب از اسلام چون جان شیرین حفاظت می‌کند و با دشمنان اسلام، چون اسلاف خود در صدر اسلام به جنگ و ستیز برمی خیزد.

---

۱. مقابله کردن.

برادران عرب ما بدانند که ملت عزیز ما با دشمنان آنان که در رأس آنها رژیم منحوس بعث است دشمن و با دوستان آنان دوستند، و در مصیبتهایی که آنان از آن رژیم فاسد می‌کشند با آنان شریکند. به امید آنکه رژیم بعث چون رژیم شاهنشاهی به زباله دان تاریخ افکنده شود و امید است نصر و فتح مسلمین نزدیک باشد. از خداوند متعال غلبه مسلمین را بر قدرتهای فاسد خواستار است. والسلام علیکم و علی سائر عبادالله الصالحین.

۲۰ فروردین ۵۹ / ۲۳ جمادی الاولی ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ پیام

زمان: ۱۷ خرداد ۲۸/۱۳۴۶ صفر ۱۳۸۷[۲] مکان: نجف

موضوع: تحریم فروش اسلحه، نفت و رابطه تجاری و سیاسی با اسرائیل مخاطب: سران دولتهای اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

کراراً دولتهای اسلامی را دعوت به اتحاد و برادری نموده‌ام در مقابل اجانب و ایادی آنها که می‌خواهند با ایجاد نفاق در بین مسلمین و دولتهای اسلامی ممالک عزیز ما را در تحت اسارت و ذل استعمار نگه دارند و از مخازن معنوی و مادی آنها استفاده کنند.

کراراً دولتها را بخصوص دولت ایران را از اسرائیل و عمال خطرناک آن تحذیر نمودم. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روزی ممالک اسلامی را تهدید می‌کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود. اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام قلع و قمع آن لازم است، کمک به

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۵ تا ۲۳۶.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۱۳۹ تاریخ پیام، ۱۸ خرداد ۱۳۴۶ درج شده است.

اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است، باید مسلمین از استعمال امتعه[1] اسرائیل خودداری کنند.
از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین را خواستار است.

«والسلام علی من اتبع الهدی». روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ نامه

زمان: ۶شهریور ۱۳۴۷/ ۳جمادی‌الثانی ۱۳۸۸ مکان: نجف
موضوع: اجازه صرف زکوات و سایر صدقات در راه مبارزه با اسرائیل مخاطب: جمعی از فداییان فلسطینی

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک پیشوای مجاهد و عظیم الشأن حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی آقای خمینی ادام الله ظله العالی. پیشوای جلیل القدر! از نظر مبارک پوشیده نیست که دست خیانت و جنایت پیشه کفار حربی یهود بر مسجد اقصی و زمینهای اسلامی دیگری مستولی گشته، و مسلمانان بیگناه آن سامان را آواره بیابانها نموده است، و اکنون به منظور استخلاص اماکن مقدسه و استرداد زمینهای اسلامی جز مقاومت مسلحانه که به نام «عملیات فدایی» خوانده می‌شود، چاره ای نیست.

و در چنین شرایط و زمینه‌ای، آیا مسلمانانی که توانایی حمل سلاح و جهاد داشته، یا آنان که قدرت کمک مالی با مجاهدین را دارند، می‌توانند از این خدمت دینی سرپیچی نموده و اوضاع را نادیده بگیرند؟ و آیا جایز است که متمکنین در مقابل این خطر خانمان برانداز همچنان آرام نشسته و از برای راندن کفار از زمینهای اسلامی

---

۱. کالاها.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۳۹.

قدمی برنداشته و اقدامی نکنند؟ و در صورت وجوب مقاومت، آیا جایز است از مورد حقوق شرعیه از قبیل زکات و غیره در مورد مسلح نمودن مسلمانان و تربیت آنان استفاده کرد یا خیر؟ متمنی است رأی مبارک را در این باره بیان فرمایید. ادام الله ظلکم. دسته ای از فداییان]

بسم الله الرحمن الرحیم

قبلاً هم تذکر داده ام که دولت غاصب اسرائیل، با هدفهایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان پذیر نشود. و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است، لازم است بر دول اسلامی بخصوص و بر سایر مسلمین عموماً که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند. و جایز است از محل زکوات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی صرف نمایند.

از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید که موجب تنبه و بیداری مسلمین را فراهم فرماید و دفع شر اعدای اسلام را از بلاد مسلمین بفرماید. والسلام علی من اتبع الهدی.

به تاریخ ۳ جمادی الثانیه ۸۸

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۹٤ تا ۱۹۵.

▣ پیام

زمان: ۱۹ مهر ۱۳۵۱ / ۳ رمضان ۱۳۹۲[۱]
مکان: نجف
موضوع: مصیبتهای جانگداز فلسطین
مناسبت: فرارسیدن «ماه مبارک رمضان»
مخاطب: عموم مسلمین، دولتهای اسلامی و عربی و انقلابیون فلسطینی

بسم الله الرحمن الرحیم

با حلول شهر مبارک رمضان ماه رحمت و غفران و برکت از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که عموم مسلمین را بیش از پیش به تکالیف و مسئولیتهایی که خداوند عالم به عهده آنها گذاشته است متوجه فرماید؛ مسئولیت حفظ قوانین الهی و عمل به قرآن کریم که اساس عَوْد[۲] عظمت و مجد اسلام و مسلمین است مسئولیت حفظ وحدت کلمه و مراعات اخوت ایمانی که ضامن استقلال ممالک اسلامی و خروج از نفوذ استعمار است؛ مسئولیت گذشتن از منافع شخصی و فداکاری در راه به دست آوردن آنچه تاکنون به واسطه اختلاف کلمه از دست داده اند؛ مسئولیت سنگین دولتهای ممالک اسلامی در عمل به قرآن، اسلام و بیرون رفتن از قید استعمار و بودن در خدمت ملت اسلام؛ مسئولیتهایی که در عصر حاضر شاید از اعصار گذشته بیشتر باشد؛ عصری که پنجه‌های خبیث استعمار تا اعماق کشورهای اسلامی فرو رفته و با تمام قوا و وسایل ممکنه به توسط ایادی خود کوشش دارد تفرقه در بین مسلمین و سران ممالک اسلامی ایجاد کند و با وسایل گوناگون آنها را از تمسک به اسلام و قرآن باز دارد؛ تا با دل راحت به اهداف غیر انسانی خود که بهره برداری از طبقه محروم

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ذیل تاریخ ۵۱/۸/۱۹ درج شده است: در حالی که پیام به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان صادر شده و تاریخ مندرج در نسخه خطی سوم رمضان المبارک ۱۳۹۲ (۵۱/۷/۱۹) است. ولی در صحیفه نور (دوره جدید) تاریخ اصلاح گردیده. ضمناً متن مندرج در صحیفه نور با متن نسخه خطی که تصویر آن در کتاب نهضت امام خمینی، ج ۳، ص ۸۲۲ درج گردیده، مغایرتهای فراوانی دارد. احتمالاً علت تفاوتها آن است که صحیفه نور از ترجمه فارسی متن عربی استفاده کرده است.

۲. بازگشت.

است برسد. عصری که استعمار باگماشتن اذناب خود درگوشه و کنار ممالک اسلامی به اسمهای مختلف و عناوین فریبنده و احیاناً به اسم اسلام فرهنگ قرآن را عقب زده و راه را هر چه بیشتر برای بهره برداری خود باز می‌کند، آن ایران و آنچه در آن می‌گذرد که همه مصیبتهای جانگداز است؛ این فلسطین که اکنون در رأس مصیبتهاست؛ این اختلاف کلمه و سرسپردگیهای بعضی از سران ممالک اسلامی که با داشتن منابع طبیعی سرشار و ذخایر گرانبها و جمعیت هفتصد میلیونی نتوانسته اند دست استعمار و صهیونیسم را از بلاد اسلامی قطع کرده و به نفوذ ایادی آن پایان بخشند؛ این هواهای نفسانیه و دست نشاندگی بعضی دول عربی است که موجب شده جمعیت صد میلیونی عرب نتوانند فلسطین را از چنگال اسرائیل برهانند.

باید بدانند که مقصود دول بزرگ استعمار از ایجاد اسرائیل، تنها اشغال فلسطین نیست؛ بلکه اگر به آنان فرصت داده شود، تمام کشورهای عربی العیاذ بالله به سرنوشت فلسطین دچار خواهند شد. اکنون که گروهی از مردان فداکار فلسطین به منظور تعیین سرنوشت خویش، به دست خویش که همانا آزادی فلسطین است بر ضد مشتی غاصب متجاوز قیام مردانه کرده اند و به جان، برای رهایی اراضی مغصوبه و سرزمینهای اشغال شده کوشش می‌کنند، می‌بینیم که عمال استعمار، دیروز با آنان در اردن چه کردند[1] و امروز در لبنان چه می‌کنند. تبلیغات و دسایس سوء و همه جانبه در کار است؛ دستهای ناپاک اذناب استعمار به فعالیت مشغول است که طوایف مسلمین را از این گروه فداکار جدا کند، و آنان را از مراکز حساس سوق الجیشی که امکان عملیات و ضربه زدن به قوای غاصب اسرائیل از آنجا میسر است بیرون برانند.

آیا با این وضع، مسلمین و دول کشورهای اسلامی در مقابل خداوند تعالی در مقابل عقل و وجدان، تکلیفی ندارند؟ مردان فداکار فلسطین به دست عمال استعمار

---

۱. اشاره به فاجعه کشتار فلسطینی‌ها در سپتامبر سیاه (۱۹۷۰ م) در اردن به دست شاه حسین.

درکشورهای مستعمره کوبیده شوند و اینها ساکت نشینند یا دامن به این مقصد کثیف زنند؟ آیا دول عربی و سکنه مسلمان این ممالک نمی دانند که با شکست این گروه، سایر کشورهای عربی از شر این غاصب خبیث آسوده نخواهند ماند؟

اکنون بر عموم مسلمین و دول کشورهای اسلامی، و خصوص بر دول عربی، لازم است برای حفظ استقلال خود، از این گروه مجاهد نگهداری کنند و به آنان کمک نمایند، و از رساندن اسلحه و آذوقه به آنان دریغ نورزند؛ و بر فدائیان مجاهد لازم است با توکل به خدای متعال و تمسک به قرآن کریم، از کوشش در این راه مقدس دریغ ننمایند و سردیهای بعضی عناصر موجب سردی آنها نشود، و نیز اکیداً لازم است در هر نقطه ای هستند با اهالی آنجا خوش رفتاری کنند و به وظایف اخوت ایمانی عمل نمایند. از مسلمین بیدار و آگاه و خصوص بندگان خالص خداوند و علمای اعلام امیدوارم که در این ایام متبرکه برای رهایی مسلمین از چنگال خبیث اجانب دعا کنند، و در مجامع شهر مبارک رمضان و دیگر اجتماعات بزرگ اسلامی مانند اجتماع جمعه و مراسم حج حقایق را به گوش عموم مسلمین برسانند و پیروان قرآن را به وحدت کلمه و تشریک مساعی، برای آزادی فلسطین و حل مشکلات خانمانسوزی که گریبانگیر ملت اسلام است، دعوت نمایند.

از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که دست اجانب را از بلاد مسلمین قطع فرماید. «انّه سمیعٌ مجیب».

سوم شهر رمضان المبارک ۱۳۹۲

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٦٠ تا ٤٦٢.

◘ پیام

زمان: ۱۶مهر ۱۳۵۲/ ۱۰رمضان ۱۳۹۳[۱] مکان: نجف
موضوع: فراخوانی مسلمین جهان برای مبارزه با صهیونیسم مخاطب: سران دولتهای اسلامی و ملل مسلمان
مناسبت: تداوم جنگ سوم اعراب و اسرائیل (اکتبر ۷۳م. /رمضان ۹۳ق.)

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿واقتلوهم حیث ثقفتموهم واخرجوهم من حیث اخرجوکم والفتنة اشد من القتل﴾[۲]

﴿و قاتلوهم حتی لا تکون فتنة﴾[۳]

اکنون که دولت غاصب اسرائیل، برای فتنه انگیزی بیشتر و تجاوز زیادتر به سرزمینهای عربی و ادامه دست غاصبانه در قبال صاحبان حق، بپاخاسته و آتش جنگ را برای چندمین بار شعله ور ساخته است، و برادران مسلمان ما در راه ریشه کن کردن این ماده فساد و آزادی فلسطین جان بر کف نهاده در جبهه نبرد و میدان شرف به جنگ پرداخته اند، بر عموم دولتهای ممالک اسلامی و خصوص دول عربی لازم است که با توکل به خدای متعال و تکیه بر قدرت لایزال، همه قوا و نیروی خویش را بسیج ساخته به یاری مردان فداکاری که در خط اول جبهه چشم امید به ملت اسلام دوخته اند بشتابند، برای آزادی فلسطین و احیای مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند؛ از اختلافات و نفاقهای خانمانسوز و ذلت بار دست برداشته، دست برادری به هم داده صفوف خود را فشرده و متشکل سازند؛ از قدرت پوشالی مدافعان صهیونیسم و اسرائیل نهراسند؛ از وعد و وعیدهای پوچ قدرتهای بزرگ، مغرور و مقهور نگردند؛ از سستی و مسامحه که شکست ننگ بار و عواقب خطرناکی به دنبال خواهد داشت بپرهیزند.

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، تاریخ پیام ۱٦ آبان ۵۲ درج شده است، تاریخ ۱٦ مهر صحیح است.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۱: «هرجا مشرکان را یافتید به قتل برسانید، و از شهرهایشان برانید؛ چنانکه آنان شما را از وطن آواره کردند. و فتنه گری که آنها کنند، سخت تر و فسادش بیشتر از جنگ است».

۳. سوره بقره، آیه ۱۹۳: «و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود».

سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته اند تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی باشد بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطرهٔ صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمینهای زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می باشد؛ و فقط با فداکاری، پایداری و اتحاد دولتهای اسلامی می‌توان از شرّ این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت؛ و اگر دولتی در این امر حیاتی که برای اسلام پیش آمده کوتاهی کرد بر دیگر دولتهای اسلامی لازم است که با توبیخ و تهدید و قطع روابط، او را وادار به همراهی کنند. دولتهای ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند به عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده از فروش نفت به آن دولتهایی که به اسرائیل کمک می‌کنندخودداری ورزند.

ملت اسلام به حکم وظیفه انسانی و اخوت و طبق موازین عقلی و اسلامی موظفند که در راه ریشه کن کردن این گماشته استعمار از هیچ فداکاری دریغ نورزند، و با کمکهای مادی و معنوی و نیز با ارسال خون، دارو، اسلحه و آذوقه، برادران خود را که در جبهه جنگ هستند یاری کنند. بر خصوص ملت شریف و مسلمان ایران است که در قبال تجاوز وحشیانه اسرائیل و مصیبتهایی که اکنون گریبانگیر برادران عرب و مسلمان آنان می‌باشد بی تفاوت ننشینند، و از هر راه ممکن برادران مسلمان خود را در آزادی سرزمین فلسطین و نابودی صهیونیسم کمک نمایند؛ و دولت ایران را وادار سازند که این سکوت را شکسته در صف دولتهای ممالک اسلامی به پیکار علیه اسرائیل برخیزد. بر همه آزادیخواهان جهان است که با ملت اسلام هم صدا شده تجاوزات غیر انسانی اسرائیل را محکوم نمایند.

دولتهایی که اکنون با اسرائیل در حال جنگ می‌باشند لازم است که در این پیکار مقدس اسلامی جدی و قوی الاراده باشند، استقامت و پایداری کنند، از تواصی

به حق و تواصی به صبر که دستور الهی می‌باشد[1] غفلت نورزند، به توصیه یا امر سازمانهای وابسته به قدرتهای استعماری برای آتش بس اعتنا نکنند، و مطمئن باشند که در سایه بردباری و استقامت با به کار بستن دستورات اسلامی فتح و ظفر از آن ملت اسلام می‌باشد: ﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم﴾[2] ﴿و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین﴾.[3] و از خداوند متعال نصرت مسلمین را خواستارم.

رمضان المبارک ۱۳۹۳

روح الله الموسوی الخمینی[4]

▣ پیام

زمان: ۱۷ مهر ۱۳۵۲ / ۱۱ رمضان ۱۳۹۳ — مکان: نجف

موضوع: ضرورت حمایت از مسلمانان مبارز در جنگ با اسرائیل — مخاطب: مسلمانان جهان

مناسبت: جنگ سوم اعراب و اسرائیل (اکتبر ۷۳م. / رمضان ۹۳ق.)

بسم الله الرحمن الرحیم

به مناسبت اوضاع و موقعیت کنونی از کلیه مسلمانان خواستارم که پس از توکل بر خداوند و تمسک بر مبانی قرآن کریم، در کنار نیروهای مسلحی که از سرزمین فلسطین دفاع می‌کنند قرار گیرند، و مال و جان خویش را در راه دفاع از خاک اشغال شده فلسطین و رهایی از اسارت و استعمار ناچیز بشمارند.

کلیه مسلمانان به طور اعم بویژه رؤسای کشورهای اسلامی و رهبران کشورهای عربی وظیفه دارند که متحد شوند و با صفوف فشرده و وحدت علیه

---

۱. سوره والعصر، آیه ۳: «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر».

۲. سوره محمد، آیه ۷: «ای اهل ایمان ! شما اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند».

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹: «و سستی نکنید و اندوهناک مباشید؛ حال آنکه شما بلندمرتبه ترین مردم هستید، اگر ایمان داشته باشید».

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱ تا ۳.

استعمار و صهیونیسم پیکار کنند و بر منافع امریکا ضربه وارد سازند، و در راه خدمت به ملت مسلمان بکوشند.

من از دولت عراق و سایر دول عربی اسلامی که با مال و جان در نبرد تعیین سرنوشت علیه اسرائیل در دو جبهه مصر و سوریه شرکت کرده اند، سپاسگزاری می‌کنم و در این ماه مبارک از خداوند عز و جل مسئلت می‌دارم که مسلمانان را از چنگال استعمار و پیروان آن آزاد سازند و به سرعت ایادی پلیدشان را که کشورهای مسلمانان را به بازی گرفته اند قطع کنند.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۲ بهمن ۱۳۵۵ / ۲ صفر ۱۳۹۷ **مکان: نجف**
موضوع: ضرورت کمک به وضع نابسامان مردم لبنان پس از جنگهای خونین داخلی
مخاطب: مسلمانان ایران و جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

فاجعه لبنان و مصیبات وارده بر برادران ایمانی ما به حدی نیست که بتوان تحریر کرد. اکنون جنگی که دستهای مرموز دشمن انسانیت به نفع استعمار و اسرائیل بر پا نمود و لبنان را به صورت مخروبه ای وحشتناک درآورد. قدری آرامش صوری پیدا کرده لکن هزارها خانواده محترم که دیروز با عزت و نعمت و رفاه به سربردند، با از دست دادن عزیزان خود و خراب شدن خانمان و فقدان اموال، بی سرپرست و بی‌پناه در این فصل سرما با آلام و دردهای ناگفتنی دست به گریبان هستند. کمکهایی که از اهل خیر خصوصاً ایران شده است گرچه موجب تقدیر و تشکر است لکن جبران گرفتاریهای نامحدود برادران عزیز ما را نمی کند. عزیزانی که سلف آنها مردانه

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤.

برای عظمت و عزت و شعائر خود با جناحهای مختلف وحشیهای قرون وسطایی و آدمکهای استعمار زده جنگیدند، و خون خود را در راه شرافت و عزت خود ریخته جانبازی شجاعانه کردند؛ «شکرالله سعیهم و جزاهم الله خیرا»[۱]. اکنون بازماندگان آنها طفلهای عزیز بی پدر و سرپرست، پدر و مادرهای فرزند از دست داده، و هزاران مجروح و ناقص الاعضا به جا ماندند با مصیبتهای گوناگون و آه و ناله‌های روزافزون. بر انسانهای شرافتمند است، بر مسلمین پاکروان است، بر پیروان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه الصلوة والسلام است که برای نجات فرزندان اسلام به پا خیزند. بر ثروتمندان غیرتمند است که به پاس نعمتهای الهی از فرزندان قرآن محافظت نمایند و به خدمت آنها بشتابند، خدمتهای انسانی و محترمانه، بازماندگان فرزندان اسلام را چون اطفال خود بلکه بالاتر بدانند.

سرپرستان محترم آنها شرافتمندانه از دین و عظمت خود دفاع کرده و مردانه جان دادند و نام خود را برای همیشه پایدار گذاشتند و اسلام و مسلمین را سرافراز نمودند؛ «جزاهم الله عن الاسلام خیراً»[۲]. ما باید به جبران خدمت آنها، به بازماندگان و عزیزان آنها خدمت کنیم؛ خدمتی محترمانه و شرافتمندانه. ملت اسلام خصوصاً ملت شریف ایران ـ ایّدهم الله تعالی ـ به آسانی می‌تواند جبران خساراتی که قابل جبران است بکند و با همت عالی به زندگی بازماندگان برادران ایمانی خود سر و سامان بدهد و روی خود را در پیشگاه خدای تعالی و انسانیت سفید کند.

اینجانب با حال ضعف و نقاهت از دوستان اسلامی خود با کمال تواضع امید دارم که به اسرع وقت بی‌درنگ قبل از آنکه فرصت از دست برود، در این امر اسلامی الهی بکوشند و [از] هم سبقت گیرند، و به مصایب بزرگ برادران خود تخفیف بخشند. و امید آن دارم که خداوند کریم در مقابل این خدمت، آنها را سربلند و عزیز

---

۱. خداوند کوشش آنها را ارج نهد و ایشان را پاداش نیکو دهد.

۲. خدا ایشان را از اسلام پاداش نیکو دهد.

فرمایند؛ و اگر بخواهند از وجوهی که محتاج به اذن فقیه است بدهند، در ربع اینجانب اجازه می‌دهم. از خداوند تعالی قطع ایادی دشمنان انسانیت و اذناب آنها را خواستار، و توفیق و تأیید برادران ایمانی را خواهانم. والسلام علی عباداللّه الصالحین و رحمة اللّه و برکاته.

تاریخ ۲ صفرالمظفر ۹۷

روح اللّه الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲فروردین ۱۲/۱۳۵۷ربیع الثانی ۱۳۹۸
مکان: نجف
مناسبت: حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان
مخاطب: مسلمانان ایران و جهان

بسم اللّه الرحمن الرحیم

اوضاع اسفناک لبنان و مصیبتهای وارده بر برادران ایمانی مظلوم ما در ناحیه جنوب آن، موجب کمال تأثر و تألم است. اکنون دهها هزار لشکر جرار جنایت پیشه اسرائیل این جرثومه فساد با اسلحه‌ها و توپها و تانکها و هواپیماها بر اراضی جنوب، مرکز برادران ایمانی ما مسلط و اهالی مظلوم را از منازل خود رانده و خانه‌های آنها را خراب و مزارع را به آتش کشیده و دول اسلامی غالباً در مقابل این جنایات بی تفاوت و احیاناً کمک کار به جنایات و یا به نشست و برخاست و مذاکرات بی نتیجه سرگرم هستند، و مجاهدین شجاع فلسطین راکه مردانه در مقابل اسرائیل مقاومت می‌نمایند تنها گذاشته و شاید این نمایشگر توطئه‌ای بین ابرقدرتها باشد. اکنون برادران ما و فرزندان بی پناهشان در آتش می‌سوزند و مواجه با خطرهای بسیار هستند. لازم است مسلمین خیراندیش خصوصاً اهالی محترم ایران، که در خیرات پیشقدم هستند، در این امر حیاتی در اسرع وقت به نجات آوارگان بی‌پناه بپاخیزند و با هر وسیله ممکن به کمک آنها بشتابند، و با احساس مسئولیت در پیشگاه خداوند تعالی از هیچ گونه

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۹۲ تا ۱۹۳.

مساعدت محترمانه دریغ نکنند. و اگر بخواهند از سهم مبارک امام علیه السلام مصرف آوارگان و جنگزدگان کنند، مجازند تا ثلث صرف نمایند. امید است سران دول اسلامی و خصوص دولتهای عربی، با وحدت کلمه، در دفع اسرائیل این ماده فساد کوشش کنند و اگر مسامحه کنند خوف آن است که خدای نخواسته این جریان در سایر کشورهای مشابه عمل شود. از خداوند متعال قطع ایادی اجانب و هواداران آنها را خواستار و استقلال دول اسلامی را خواهانم. والسلام علی من اتبع الهدی.

۱۲ ع ۲ ۹۸ ـ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۶ مهر ۱۳۵۷/ ۱۵ ذی القعده ۱۳۹۸ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: مفقود شدن امام موسی صدر — مخاطب: معمر، قذافی (رئیس جمهوری لیبی)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت رئیس جمهور لیبی

پس از اهدای سلام و تحیت؛ قضیه جناب حجت الاسلام آقای صدر به شکل معمایی مرموز درآمده است. بستگان ایشان پس از بررسی می‌گویند در لیبی هستند. چون جناب ایشان مورد احترام و محبت روحانیون و دیگر جناحها هستند و این امر موجب نگرانی آنهاست مقتضی است در آن اهتمام نمایید. و از دولت خودتان بخواهید ما را از سلامت ایشان و محل اقامتشان مطلع نموده نگرانیها را رفع کنند. والسلام علیکم.

۱۵ ذی القعده ۹۸

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۵۸.

۲. صحیفه امام، ج ٤، ص ٤٥.

فصل ۳:
ولایت فقیه و اختیارات حکومت اسلامی

▣ **بیانات**

فقها، جانشینان پیامبر و امامان

بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود. لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم که از دنیا می خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشینها را تا زمان غیبت کرد، و همان جانشینها، تعیین امام امت را هم کردند، به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند، برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی سلام الله علیهم بودند، آنها بودند و بعد فقها؛ آنهایی که متعهدند، آنهایی که اسلامشناس اند، آنهایی که زهد دارند؛ زاهدند، آنهایی که اعراض از دنیا دارند، آنهایی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آنهایی که دلسوزند برای ملت، آنهایی که ملت را مثل فرزندهای خودشان می‌دانند؛ آنها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت.

نقش ولایت فقیه در حکومت اسلامی

من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد. گویندگان و نویسندگان نترسند از حکومت اسلامی، و نترسند از ولایت فقیه. ولایت فقیه آنطور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه ما نصب فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند؛ دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری که برخلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد، کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس‌جمهور یا کس دیگری برخلاف

مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند.

شما از اسلام نترسید، از فقیه نترسید؛ از ولایت فقیه نترسید. شما هم مسیر همین ملت را طی کنید و با ملت باشید، حساب خودتان را از ملت جدا نکنید؛ ننشینید پیش خودتان طرح بریزید و پیش خودتان برنامه درست کنید. شما باید دنبال ملت باشید. باید هوادار ملت باشید. شما اینقدر اشکال به برنامه‌های اسلامی نکنید. شمایی که از اسلام هستید لکن از اسلام درست اطلاع ندارید، مسلم هستید لکن از احکام اسلام درست مطلع نیستید، شیعه هستید لکن از احکام ائمه ﷺ درست مطلع نیستید؛ اینقدر کارشکنی نکنید. ملت رأی داده است به جمهوری اسلامی، همه باید تبعیت کنید؛ اگر تبعیت نکنید محو خواهید شد. برخلاف مسیر ملت، برخلاف مسیر اسلام، راهی را پیش نگیرید، گمان نکنید که آن طرحی را که اسلام داده است موجب نابودی اسلام می‌شود. این منطق، منطق آدم ناآگاه است.

نگویید ما ولایت فقیه را قبول داریم، لکن با ولایت فقیه اسلام تباه می‌شود! این معنایش تکذیب ائمه است؛ تکذیب اسلام است و شما من حیث لایشعر[۱] این حرف را می زنید. بیایید دنبال ملت که همه با هم به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند و در مقابل آنها یک عده، یک عده بسیار معدود، یک از صد، یک و نیم از صد، با اینکه همه قوای خودشان را جمع کردند رأی خلاف دادند. شما تبعیت بکنید از اکثریت قریب به اتفاق ملت، تبعیت بکنید از اسلام، تبعیت بکنید از قرآن کریم، تبعیت بکنید از پیغمبر اسلام، مخالفت نکنید اینقدر. از مجلس خبرگان کناره گیری نکنید. این کناره گیری از ملت است؛ کناره گیری از اسلام است. کارشکنی نکنید برای مجلس خبرگان، که این برخلاف مسیر ملت است؛ برخلاف مسیر اسلام است. خودتان را پیش ملت مفتضح نکنید. باید از شما کار صحیح انجام بگیرد؛ وقتی ملت شما را

۱. از آن جهت که نمی دانید و نمی فهمید.

برخلاف مسیر خود دانست طرد می‌کند. آگاهانه عمل کنید، آگاهانه حرف بزنید، آگاهانه رأی بدهید، بدون توجه، بدون ادراک، بدون فهم؛ رأی ندهید.[۱]

شأن فقیه در حکومت اسلامی

اسلام دین قانون است. پیغمبر هم خلاف قانون نمی توانست بکند، نمی‌کرد هم، البته نمی‌توانست هم بکند. خدا به پیغمبر می گوید که اگر یک حرف خلاف بزنی، رگ وتینت را قطع می‌کنم[۲]. حکم قانون است. غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد. برای هیچ کس حکومت نیست، نه فقیه، و نه غیرفقیه، همه تحت قانون عمل می‌کنند. مجری قانون هستند همه، هم فقیه و هم غیرفقیه همه مجری قانون‌اند. فقیه ناظر بر این است که اینها اجرای قانون بکنند؛ خلاف نکنند؛ نه اینکه می‌خواهد خودش یک حکومتی بکند، بلکه می‌خواهد نگذارد این حکومتهایی که اگر چند روز بر آنها بگذرد برمی‌گردند به طاغوتی و دیکتاتوری، می‌خواهد نگذارد بشود. زحمت برای اسلام کشیده شد، خونهای جوانهای شما در راه اسلام رفت، حالا ما دوباره بگذاریم اساسی [را] که اسلام می‌خواهد درست بکند و زمان امیرالمؤمنین بوده و زمان رسول الله ﷺ بوده، بگذاریم اینها را برای خاطر چهار تا آدمی که دور هم می‌نشینند و پاهایشان را روی هم می‌اندازند، و عرض می‌کنم چای و قهوه می‌خورند و قلمفرسایی می‌کنند؟ مگر ما می‌توانیم اینها را بگذاریم؟ مگر ما می‌توانیم؟

جائز است برای کسی، برای یک مسلمانی که تمام این خونهایی که ریخته شده هدر بدهد و اسلام را بگذارد کنار؟ به جهت اینکه یک همچو ولایت فقیهی نداریم!

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۸ تا ۵۹.

۲. اشاره به آیات ٤٤ تا ٤٦ سوره الحاقه: «و لو تقوّل علینا بعض الأقاویل، لأخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین واگر محمد (ص) به دروغ به ما سخنانی می بست، محققاً او را «به قهر و انتقام» می گرفتیم، و رگ دلش را قطع می‌کردیم».

خوب، شما نمی دانید. شما فقیه را اطلاع بر آن ندارید که می گویید ما ولایت فقیه نداریم. اینطور ولایت فقیه از روز اول تا حالا بوده. زمان رسول الله تا حالا بوده. این حرفها چه است که می زنند اینها؟ این اشخاص غیر مطلع بر فقه، غیر مطلع بر مجاری امور، این حرفها را می‌زنند و اذهان را مشوب می کنند.(۱)

ولایت فقیه در راستای ولایت رسول الله ﷺ

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست. و اینها از ولایت رسول الله هم می‌ترسند! شما بدانید که اگر امام زمان سلام الله علیه حالا بیاید، باز این قلمها مخالف‌اند با او. و آنها هم بدانند که قلمهای آنها نمی‌تواند مسیر ملت ما را منحرف کند. آنها باید بفهمند اینکه ملت ما بیدار شده است، و مسائلی‌که شما طرح می‌کنید ملت می فهمد، متوجه می‌شود، دست و پا نزنید! خودتان را به ملت ملحق کنید. بیایید در آغوش ملت. قلمهای شما از تفنگهای آن دمکراتها به اسلام بیشتر ضرر دارد. نطقهای شما به اسلام ضررش بیشتر از آن توپهایی است که آنها به جوانان ما می بندند و تفنگهایی که آنها می بندند؛ ضررش به اسلام بیشتر است، برای اینکه آنجا دشمن معلوم است، و شما به صورتهای مخفی به میدان می آیید. قلمهای شما از سرنیزه‌های رضاخان بدتر است برای اسلام! و شما مضرتر هستید از رضاشاه و محمدرضا برای اسلام، برای اینکه آنها معلوم بود مخالف هستند و مردم می‌شناختند آنها را، مخالفت می‌کردند با آنها، مقاومت می‌کردند؛ شما در پوشش اسلام، در پوشش طرفداری از خلق مسلمان، برخلاف اسلام دارید عمل می‌کنید.(۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۵۳ تا ۳۵٤.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۸ تا ۳۰۹.

تبعیت ولی فقیه از قانون

شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد. اسلام است، در اسلام قانون حکومت می‌کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند. خدای تبارک و تعالی می فرماید که اگر چنانچه یک چیزی برخلاف آن چیزی که من می گویم تو بگویی، من ترا أخذ می‌کنم و وتینت [۱] را قطع می‌کنم! [۲] به پیغمبر می‌فرماید. اگر پیغمبر یک شخص دیکتاتور بود و یک شخصی بود که از او می‌ترسیدند که مبادا یک وقت همه قدرتها که دست او آمد دیکتاتوری بکند، اگر او یک شخص دیکتاتور بود، آن وقت فقیه هم می‌تواند باشد. اگر امیرالمؤمنین سلام‌الله علیه یک آدم دیکتاتوری بود، آن وقت فقیه هم می‌تواند دیکتاتور باشد. دیکتاتوری در کار نیست، می‌خواهیم جلوی دیکتاتور را بگیریم. [۳]

شرایط ولی فقیه

شما بعدها مبتلای به این هستید، دانشگاه که باز بشود، مبتلای به یک همچو اشخاصی هستید که گاهی با صورت اسلامی وارد می شوند و همین مسائل که حالا مثلاً طرح می کنند که باید ولایت فقیه مثلاً نباشد این دیکتاتوری است، و حال آنکه اگر یک فقیهی در یک مورد دیکتاتوری بکند، از ولایت می‌افتد پیش اسلام. اسلام هر فقیهی را که ولی نمی‌کند، آن که علم دارد؛ عمل دارد؛ مشی او مشی اسلام است،

---

۱. رگ دل.

۲. اشارت است به آیات ۴۳ تا ٤٦ از سوره "الحاقه": "و لو تقوّل علینا بعض الأقاویل لأخذنا منه بالیمین، ثم لقطعنا منه الوتین". "و اگر محمد "ص" به دروغ به ما سخنانی می بست، با قدرت او را می گرفتیم و رگ دلش را قطع می‌کردیم".

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۰ تا ۳۱۱.

سیاستش سیاست اسلام است، آن را برای این است که یک آدمی که تمام عمرش را در اسلام گذرانده و در مسائل اسلامی گذرانده و آدم معوجی نیست و صحیح است این نظارت داشته باشد به این امرها، نگذارد که هر کس هر کاری دلش می‌خواهد بکند. اینها گاهی وقتها با همین صورت سازی که مثلاً می‌خواهند چه بشود و به دیکتاتوری می‌رسد و دیکتاتوری عمامه و عصا و نمی‌دانم از این حرفهایی که تزریق کرده‌اند به آنها و دیکته کرده‌اند و اینها هم همان را پس می‌دهند. مثل بچه‌ها که یک چیزی را دهنشان می‌گذارند پس می‌دهند، اینها هم از آن قبیل هستند. شما از این به بعد ان‌شاءالله وقتی که دانشگاهها باز بشود، مبتلای به این مسائل هستید و باید با هوشمندی و با مطالعه و با مشورت بین خودتان افرادی را که می بینید یا به اسم آزادی و نمی‌دانم این حرفها، که می‌خواهند یک آزادی خاصی در کار باشد، دلبخواهی در کار باشد، نه آزادی مطلق، یا به اسم دمکراسی و امثال ذلک، الفاظ جالبی که در هیچ جای دنیا معنایش پیدا نشده تا حالا، هر کس برای خودش یک معنایی می‌کند، به اینطور چیزها گرفتار هستید که اینها می‌خواهند عمل بکنند.(۱)

هدف از ولایت فقیه

ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس، بر رئیس‌جمهور، که نبادا یک پای خطایی بردارد. نظارت کند بر نخست وزیر که نبادا یک کار خطایی بکنند. نظارت کند بر همه دستگاهها، بر ارتش، که نبادا یک کار خلافی بکند. جلو دیکتاتوری را ما می‌خواهیم بگیریم، نمی‌خواهیم دیکتاتوری باشد، می‌خواهیم ضد دیکتاتوری باشد. ولایت فقیه، ضد دیکتاتوری است؛ نه دیکتاتوری. چرا این قدر به دست و پا افتاده‌اید و همه‌تان خودتان را پریشان می‌کنید بیخود؟ هرچه هم پریشان بشوید و هرچه هم

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۲.

بنویسید، کاری از شما نمی آید. من صلاحتان را می بینم کـه دست بـرداریـد از ایـن حرفها و از این توطئه‌هاو از این غلطکاریها! برگردید به دامـن هـمین مـلت . هـمان طوری که توصیه به دمکراتها کردم، به شما هم می‌کنم، و شـما و آنـها [را] مـثل هـم می‌دانم، منتها شما ضررتان بیشتر از آنهاست![1]

فقیه عادل، مانع دیکتاتوری

حکومت اسلامی می آید برای اینکه دیکتاتوری نباشد. نه در شهر خودش، در مملکت خودش نباشد، در امریکا هم نباشد. حکومت اسلام یک حکومتی است که برای از بین بردن دیکتاتوری می آید. آن کسی که اسلام قرار داده برای حکومت، آن کسی است که با دیکتاتوری به حسب مذهبش مخالف است . مذهبش حکم می‌کند به اینکه دیکتاتوری نباید باشد. اینها خیال می کنند که همچو که گفتند فقیه عادل عـالم مطلع بر موازین غیرجائر ملتفت کذا، باید فلان مقام را، قضاوت را تعیین کند. باید اگر مردم تعیین کردند یک رئیسی را بـرای کشـور، آن هـم اجـازه بـدهد. ایـن مـی‌شود دیکتاتوری !! اما چنانچه یک نفر آدم ظالم جائر دیکتاتور همه چـیز بـیاید، نـه ایـن دیکتاتوری نیست !! فرق فقط این است که معلوم می‌شود با علم مخالفند. با عدالت مخالفند اینهایی که با حکومت فقیه مخالفند. با اینکه الآن هم در قـانون اسـاسی کـه درست کردند قضیه حکومتی نیست در کـار. اصـلاً اسـلام حکـومت نـدارد. اسـلام اینطور نیست یک حاکمی مثل آقای هیتلر داشته باشد آنجا. مثل آقای کارتر که نظیر هیتلر است داشته باشد آنجا و سرکوبی کند همه را و بزند و بکوبد. اصلاً این چیزها در اسلام مطرح نیست . اسلام که فقیه عادل مطلع دلسوز برای ملت را قرار می‌دهد که این نظارت کند یا فرض کنید حکومت کند، برای این است که جلو بگیرد از غیر عـادل. غیر عادل نیاید و مردم را بچاپد. از صدر اسلام تـا حـالا شـما مـلاحظه کـنید کـه آن

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۱.

حکومتهای صدر اسلام مثل علی بن ابیطالب سلام الله علیه چه جور بود. یک حکومت اسلامی روی عدالت. بعدش افتاد دست بنی امیه و بنی عباس و حکومتهای جائر دیگر و شاهنشاهی و امثال ذلک. مسلمین اینجاها را هم گرفتند و بعد شاهنشاهی شد و نتوانستند مسلمین اسلام را درست پیاده کنند و حکومت اسلامی را، نشد. اسلام غریب است الآن، اسلام غریب است. همانطور که غُرَبا را نمی‌شناسند، یک غریبی وارد یک شهری بشود مردمش نمی شناسند، اسلام الآن غریب است توی ملتها. نمی‌شناسند اسلام را. چون نمی‌شناسند اسلام را، احکام اسلام را هم نمی‌دانند، اسلام شناسهای ماهم اسلام را نمی شناسند. نمی‌شناسند این چی هست. وقتی نشناختند خیال می کنند که چنانچه حکومت فقیه باشد، حکومت دیکتاتوری است و اگر فقیه در کار نباشد، دیگر هر که می‌خواهد باشد. اگر شمر هم باشد این آقایان اشکالی به آن ندارند. فقط فقیه را بهش اشکال دارند. اشکال هم برای این است که از اسلام می‌ترسند. از اسلام ترس دارند. اسلام نمی گذارد این حیثیت فاسدها را باقی باشد. اینها می‌ترسند از آن. بعضیها هم گول خوردند. بعضیها متعمدند در این امر. بعضیها هم گول خوردند. و الاّ حکومت اسلامی مثل حکومت علی بن ابیطالب دیکتاتوری تویش نیست. حکومتی است که به عدل است. حکومتی است که زندگی خودش از زندگی سایر رعیتها بدتر است. آنها نمی توانستند مثل او زندگی کنند. او نان جو هم سیر نمی خورد. یک لقمه، دو تا لقمه بر می داشت با یک خرده نمک می‌خورد. این حکومت اصلاً می‌تواند دیکتاتوری؟ دیکتاتوری برای چه بکند؟ عیش و عشرتی نیست تا اینکه بخواهد دیکتاتوری بکند برای او. حکمفرمایی اصلاً در اسلام نیست. حکمفرمایی اصلاً در کار نیست. پیغمبر اسلام که رأس مسلمین و اسلام بود وقتی که در یک مجلسی نشسته بودند تو مسجد روی آن حصیرها معلوم نیست حصیر حسابی هم داشته باشد آنجا نشسته بودند، دور هم که نشسته بودند، عربهایی که خارج بودند و نمی‌شناختند پیغمبر را می آمدند می‌گفتند که کدام یکی

محمد هستید. نمی‌شناختند. برای اینکه حتی یک همچون چیزی هم زیر پیغمبر نبود. حالا ما اشراف هستیم. یک همچو حکومتی که بنا باشد اینطوری باشد، یک خانه گلی داشته باشد، یک گلیم هم حتی نداشته باشد، یک حکومتی که یک پوست می‌گویند داشته است که روزها علوفه شترش را حضرت امیر رویش می‌ریخته، شبها زیر خودش و فاطمه می‌انداخته و می‌خوابیده رویش، اینکه دیکتاتوری نمی‌تواند باشد. اینهایی که می گویند دیکتاتوری، اسلام را نمی فهمند چی هست. فقیه اسلام را نمی‌دانند. خیال می کنند ما، هر فقیه، هر فقیه، هر چه هم فاسد باشد این حکومت، فقیه اگر پایش را اینطور بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند از ولایت ساقط است. مگر ولایت یک چیز آسانی است که بدهند دست هر کس؟ اینها که می گویند که دیکتاتوری پیش می آید نمی‌دانم این مسائل پیش می آید، اینها نمی‌دانند که حکومت اسلامی حکومت دیکتاتوری نیست. مذهب مقابل اینها ایستاده. اسلام مقابل دیکتاتورها ایستاده. و ما می‌خواهیم که فقیه باشد که جلوی دیکتاتورها را بگیرد. نگذارد رئیس‌جمهور دیکتاتوری کند. نگذارد نخست وزیر دیکتاتوری کند. نگذارد رئیس مثلاً لشکر دیکتاتوری بکند. نگذارد رئیس ژاندارمری دیکتاتوری بکند. نه اینکه بخواهیم دیکتاتوری درست کنیم. فقیه می‌خواهد چه کند دیکتاتوری را؟! کسی که زندگی عادی دارد و نمی‌خواهد این مسائل را، دیکتاتوری برای چه می‌خواهد بکند؟ حکمفرمایی در کار نیست در اسلام. علاوه حالا در این قانون اساسی که اینقدر احتیاط کاری هم شده، آقایان هم اینقدر احتیاط کاری کرده‌اند که یک دفعه مردم بیایند خودشان تعیین کنند یک خبره‌هایی را، این دیکتاتوری است؟! این خبره‌ها را یکی بیاید بگوید که در یک شهری از این شهرها یک کسی فشار آورد روی مردم که بیایید به این شخص رأی بدهید. حتی تبلیغات هم نشد. مردم اینها را می‌شناختند. مردم می‌دانستند اینها را. اگر صد دفعه دیگر ما بخواهیم خبرگان تعیین کنیم، یا خود این آقایان تعیین می شوند یا یکی مثل اینها. مردم با رأی آزاد، من گمان

ندارم در هیچ جای دنیا اینطور واقع شده باشد. اینطور رأی داده باشند. مردم اینطور عاشقانه رأی داده باشند به یک مطلبی.

قضیه دیکتاتوری نیست. اسلام بنایش بر این نیست که دیکتاتوری کند؛ بنایش بر ظلم نیست. دیکتاتوری یک ظلم بزرگ است برای ملتها. و اسلام جلوی ظلم را گرفته است. قرآن کریم جلوی ظلم را گرفته است. بنابراین، هیچ دیکتاتوری در کار نیست.(۱)

ولایت فقیه؛ دیکتاتوری نیست

اینها اصلاً اطلاعی ندارند که قضیه ولایت فقیه چی هست. اصلاً از ولایت فقیه سر درنمی آورند که اصلاً چه هست! در عین حالی که سر درنمی آورند، می‌نشینند می‌گویند اگر بنا باشد که ولایت فقیه بشود دیکتاتوری می‌شود، کذا می‌شود! مگر امیرالمؤمنین که ولیّ امور مردم بود دیکتاتور بود؟ مگر خود پیغمبر که ولایت داشت دیکتاتور بود؟ مگر بگویند ولایت برای پیغمبر هم نیست؛ پیغمبر هم مثل سایر مردم! و از اینها بعید نیست این را بگویند. لکن جرأت نمی‌کنند بگویند. دیکتاتوری کدام است؟ در اسلام همچو چیزی مطرح نیست. اسلام دیکتاتور را محکوم می‌کند. اسلام یک نفر فقیه را اگر بخواهد دیکتاتوری بکند از ولایت ساقطش می‌کند. چه طور دیکتاتوری می گویید می‌کند اسلام، و این حرفها را می‌زنید؟ اگر می‌دانید و می‌گویید، چرا باید در مخالف مسیر ملت سیر بکنید و این مسائل را بگویید؟ اگر نمی‌دانید، چرا انسان ندانسته یک حرفی را بزند؟ همین بیخود بدون اینکه بفهمد چی هست مسئله، بیاید یک همچو مسائلی را بگوید.(۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۰۴ تا ۳۰۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۱۰ تا ۴۱۱.

بهترین اصل از اصول قانون اساسی

استبداد را ما می‌خواهیم جلویش را بگیریم . با همین ماده ای که در قانون اساسی است که ولایت فقیه را درست کرده این استبداد را جلویش را می گیرند. آنهایی که مخالف با اساس بودند می گفتند که این استبداد می‌آورد. استبداد چی می‌آورد. استبداد با آن چیزی که قانون تعیین کرده نمی‌آورد. بلی ممکن است که بعدها یک مستبدی بیاید. شما هر کاری اش بکنید مستبدی که سرکش است بیاید هر کاری می‌کند. اما فقیه مستبد نمی‌شود. فقیهی که این اوصاف را دارد عادل است، عدالتی که غیر از اینطوری عدالت اجتماعی، عدالتی که یک کلمه دروغ او را از عدالت می‌اندازد، یک نگاه به نامحرم او را از عدالت می اندازد، یک همچو آدمی نمی‌تواند خلاف بکند. نمی‌کند خلاف . این جلوی این خلافها را می‌خواهد بگیرد. این رئیس‌جمهور که ممکن است یک آدمی‌باشد ولی شرط نکردند دیگر عدالت و شرط نکردند، این مسائلی که در فقیه است، ممکن است یکوقت بخواهد تخلف کند، بگیرد جلویش را، کنترل کند. آن رئیس ارتش اگر یکوقت بخواهد یک خطایی بکند آن حق قانونی دارد که او را رهایش کند، بگذاردش کنار. بهترین اصل در اصول قانون اساسی این اصل ولایت فقیه است. و غفلت دارند بعضی از آن و بعضی هم غرض دارند.[۱]

ولایت مطلقهٔ فقیه

روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه خوب دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند اینکه در قانون اساسی هست، این بعض شئون ولایت فقیه هست نه همه شئون ولایت فقیه . و از ولایت فقیه آنطوری که اسلام قرار داده است، به آن شرایطی که اسلام قرار داده

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ٤٦٤ تا ٤٦٥.

است، هیچ کس ضرر نمی بیند. یعنی آن اوصافی که در ولیّ است، در فقیه است که به آن اوصاف خدا او را ولیّ امر قرار داده است و اسلام او را ولیّ امر قرار داده است با آن اوصاف نمی‌شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارد. اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک کلمه، یک قدم برخلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد.(۱)

حدود اختیارات ولایت فقیه و تفاوت آن با ولایت کبرا

بسم الله الرحمن الرحیم

با تشکر وافر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، چون گفتار آقایان پخش می‌شود و ممکن است سوءتفاهمی بین مردم حاصل شود، لازم است عرض کنم آیات و روایاتی وارد شده است که مخصوص به معصومین ﷺ است، و فقها و علمای بزرگ اسلام هم در آنها شرکت ندارند، تا چه رسد به مثل اینجانب. هر چند فقهای جامع الشرایط از طرف معصومین نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولّی امور در غیبت کبرا موکول به آنان است، لکن این امر غیر ولایت کبرا است که مخصوص به معصوم است. تقاضای اینجانب آن است که در صحبتهایی که می‌شود و پخش می گردد ابهامی نباشد، و مرزها از هم جدا باشد.

والسلام علیکم. ۶۴/۸/۱

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

ولایت فقیه، مترقی‌ترین اصل قانون اساسی

یکی از اموری که توطئه در آن هست این است که راجع به این قانون اساسی مردم را سرد کنند. از آنها بپرسید، خوب این قانون اساسی که شما می گویید که قانونی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ٤٦٤.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٠٣.

است ارتجاعی، کدام یکی از این موادش ارتجاعی است؟ اولی که دست رویش می‌گذارند، دست می‌گذارند، روی ولایت فقیه. اول، دست آنجا می‌گذارند، برای اینکه این یک طرح اسلامی است و آنها از اسلام می‌ترسند. آنها اسلام را ارتجاع می‌دانند. آنها جرأت نمی کنند کلمه اسلام [را] بگویند ارتجاعی است. می گویند که اینها می‌خواهند ما را به هزار و چهار صد سال پیش برگردانند. این همان تعبیر دیگر است، منتها کلمه اسلام را نمی گویند.

آن قدر به ولایت فقیه، اثر مترقی بار است که در سایر این موادی که شما ملاحظه می‌کنید، معلوم نیست مثل آنجا باشد. یک نفر آدمی که همه جهات اخلاقیش و دیانتیش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت، و خود ملت این را تعیین می کنند، این نظارت می‌کند بر اینکه مبادا خیانت بشود. همان رئیس‌جمهوری که ملت خودشان تعیین می کنند و ان‌شاءالله دیگر از این به بعد امین تعیین می کنند، لکن مع ذلک برای محکم کاری یک فقیهی که عمرش را صرف در اسلام کرده است و عمرش را برای اسلام خدمت کرده، می‌گذارند ببینند این چه می‌کند؛ مبادا یک وقت خلاف بکند، رئیس‌جمهوری آتی ما خلاف نمی‌کند، لکن محکم کاری شده که نگذارند این خلاف بکند. رؤسای ارتش ما و ژاندارمری ما و این رؤسای درجه اول، دیگر از این به بعد اشخاصی نیستند که خیانت بکنند، لکن محکم کاری شده است که همین فقیه را ناظر قرار بدهند. و هکذا آن موارد حساس را نظارت می‌کند فقیه و تصرف می‌کند فقیه. و این از اموری است که مترقی ترین موادی است که در قانون اساسی اینها [تصویب] کردند. و اینها دشمن ترین مواد، پیششان این است.[۱]

از اختیارات ولی فقیه

اسلام با مستمندان بیشتر آشنایی دارد تا با آن اشخاصی که [ثروتمند] هستند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۲۵ تا ۵۲۶.

آن اشخاص هم اموالشان همان طوری که گفتید، این اموال بسیار، مجتمع از راه مشروع نیست، اسلام این طور اموال را به رسمیت نمی شناسد. و در اسلام اموال، مشروع و محدود به حدودی است و زاید بر این معنا ما اگر فرض بکنیم که یک کسی اموالی هم دارد که خیر، اموالش هم مشروع است، لکن اموال طوری است که حاکم شرع، فقیه، ولیّ امر تشخیص داد که این به این قدر که هست نباید این قدر باشد، برای مصالح مسلمین او می‌تواند قبض کند و تصاحب کند. و یکی از چیزهایی که مترتب بر ولایت فقیه است و مع الأسف این روشنفکرهای ما نمی فهمند که ولایت فقیه یعنی چه، یکیش هم تحدید این امور است. مالکیت را در عین حال که شارع مقدس، محترم شمرده است، لکن ولیّ امر می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حد معینی و با حکم فقیه از او مصادره بشود.(۱)

ولایت فقیه، هدیه ای الهی

شما موافقت کنید با این ولایت فقیه. ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. مِن جمله همین معنایی که شما سئوال کردید و طرح کردید که خوب، زنهایی که الآن شوهر دارند چنانچه گرفتاریهایی داشته باشند، چه باید بکنند؟ آنها رجوع می کنند به آنجایی که فقیه هست، به مجلسی که در آن فقیه هست، به دادگاهی که در آن فقیه هست؛ و فقیه رسیدگی می‌کند؛ چنانچه صحیح باشد، شوهر را تأدیب می‌کند؛ شوهر را وادار می‌کند به اینکه درست عمل کند. و چنانچه نکرد، طلاق می‌دهد، ولایت دارد برای این امر. اگر دیدید به فساد می‌کشد، یک زندگی به فساد کشیده می شود، طلاق می‌دهد. و طلاق اگر چه در دست مرد است، می‌تواند لکن فقیه در جایی که مصلحت اسلام را دید، مصلحت مسلمین را

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۸۱.

دید، و در جایی که دید نمی‌شود به غیر از این، طلاق بدهد. این ولایت فقیه هست، ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است.[۱]

مخالفت با اسلام در قالب مخالفت با ولایت فقیه

به صورتهای مختلف با اسلام مخالفت می کنند. در مجلس خبرگان به مجرد اینکه صحبت ولایت فقیه شد، شروع کردند به مخالفت. حتی در آخر این اخیراً، در همین دو روز سه روز پیش از این، در یکی از مجالسشان این منحرفین، اینهایی که از اسلام هیچ اطلاع ندارند، اینهایی که مخالف با اسلام هستند، در مجلسشان گفتند که این مجلس خبرگان باید منحل بشود! و دیگران هم دست زدند برای آن یا تظاهر کردند. اینها از مجلس خبرگان می‌ترسند، برای اینکه مجلس خبرگان می‌خواهند ولایت فقیه را اثبات کنند. مجلس خبرگان می‌خواهند تصویب کنند آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی فرموده است، و اینها از او می‌ترسند. اینها خیال می کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه پیش بیاید، قضیه قلدری پیش می آید و دیکتاتوری پیش می آید. در صورتی که در اسلام این حرفها نیست. خیر، اینها حرف می زنند. اینکه می گویند که دیکتاتوری پیش می آید، نه این است که ندانند اینطور نیست؛ لکن اینها از اسلام متنفرند. اینها باید بفهمند این راکه تا این محراب و منبر هست و تا این خطا به خوانها و این اسلام و مسلمین و این بازار اسلام و این جوانان مسلمان هستند، نمی توانند کاری بکنند. اینها باید بفهمند این راکه در خدمت رژیم سابق یا در خدمت اربابهای رژیم سابق دارند کار می کنند. اگر فهمیده هستند، از روی فهم می کنند، خائن هستند. و اگر چنانچه از روی بی اطلاعی و جهالت است، جاهل هستند.[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ٤۰۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۷ تا ۳۰۸.

جانفشانیهای روحانیون در طول نهضت

بازی نخورید از این حرفهای نامربوطی که می زنند و از هر طرف حمله کرده‌اند به اینکه اسلام را از بین ببرند؛ و از هر طرف حمله کرده‌اند به اینکه این نهضت را از بین ببرند. گاهی روحانیتش را از بین می برند؛ گاهی چه . این روحانیون بودند که شما را آزاد کردند، حالا با قلمهایتان به ضد روحانیون قلمفرسایی می‌کنید؟! شما کجا بودید آن وقتی که روحانیون حبس می رفتند؟ آن وقتی که پای روحانی ما را اره کردند شما کجا بودید؟

آن وقتی که با روغن پای روحانی ما را سوزاندند شما کجا بودید؟ حالا سر در آوردید و حرف می زنید، و نمی‌دانم، به ولایت فقیه اشکال می‌کنید، نمی‌دانم مجلس را می خواهید منحل بکنید؟ مگر شما قدرت این را دارید؟ توی دهنتان می‌زنم من! دست بردارید از این حرفها، از این مزخرفات. وارد بشوید در جرگه اسلام، وارد بشوید در جرگه مسلمین. بگذارید که این مملکت سر و سامان پیدا بکنند. او در کردستان، دمکرات در کردستان، خلاف می‌کند، آقایان در تهران! بس است دیگر. کفایت کرد!

خداوند همه شما را ان‌شاءالله مؤید و منصور، و نهضت را به پیش ببرید. از هیچ چیز نترسید، هیچ. هیچ، خوف به خودتان راه ندهید. تا اتکال به خدا دارید، تا اتکال به خدا دارید، تا شما اسلام را سرمشق خودتان قرار می‌دهید، کسی نمی‌تواند به شما تعدی کند. خداوند همه‌تان را إن‌شاءالله حفظ کند و موفق باشید.[۱]

مخالفت با اسلام، منشأ مخالفت گروهکها و غرب باوران

در هر صورت، ما الآن گرفتار یک مشت اشخاص مختلف السلیقه و مختلف العقیده‌ای که همه در این معنا که نخواهند این مملکت به سر و سامان برسد

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۶ تا ۳۱۷.

شریک اند. در عقاید مختلف اند، بعض گروههاشان با بعض گروههای دیگر دشمن هم هستند، لکن در یک چیز موافق اند، و آن اینکه مخالفت با اسلام! مخالفت با آن چیزی که همه ملت ما به آن رأی دادند، در این اینها موافق اند؛ یعنی در باطل خودشان اتفاق دارند. شماها در حق خودتان مجتمع باشید، این باطلها نمی توانند کاری بکنند. شماها توجه داشته باشید که اسلام برای شما، برای ما، برای همه، برای همه بشر مفید است . اسلام یک طرحی است که برای مستضعفین بیشتر از دیگران مفید است؛ و برای همه مفید است . از اسلام نترسید، و نترسانید مردم را. شماهایی که قلم دستتان می گیرید و هر چه دلتان می‌خواهد می نویسید یا هر چه دلتان می‌خواهد صحبت می‌کنید، شماها از اسلام بی اطلاع هستید. شما یک کلمه اسلامی شنیدید، گاهی هم یک کتابی خواندید که نویسنده اش هم از اسلام اطلاع صحیحی نداشته است، بدون اطلاع از اسلام، بدون اطلاع از فلسفه احکام اسلام، شماها سمپاشی می‌کنید. و معلوم هم نیست که واقعاً مقصدتان این باشد که یک کار صحیحی انجام بدهید، منتها اشتباه می‌کنید. نخیر، من خیلی احتمال می‌دهم که بسیاری از اینها نه همه بسیاری از اینها اشخاصی باشند که حالا که دیدند آن رژیم به هم خورده است و آن منافعی که آنها در آن رژیم می‌بردند، و آن قدر فاصله ای که مابین آنها و مابین مردم بوده است در طرح اسلامی آن طور نمی‌تواند مطرح باشد، اینها حالا به دست و پا افتادند بلکه نگذارند این نهضت پیش برود. شما ملاحظه کردید که قدم بقدم مخالفت کردند. آن روز که نهضت بود، همین در تهران و در سایر جاها، هی مخالفتها بود و دست و پا می زدند به اینکه همین داخلیها، خارجیها، [وقتی] که سر جایش بود شاه را نگه دارند. وقتی که شاه رفت، دست و پا می زدند به اینکه بختیار را نگه دارند. توی خیابانها راه می‌افتادند و «قانون اساسی» می‌گفتند. قانون اساسی معنایش حفظ شاهنشاهی است. و آنها قانون اساسی را برای شاهنشاهیش می خواستند، نه برای سایر مسائلش .

وقتی که بختیار هم رفت، دنبالش باز هی صحبت قانون اساسی بود؛

می‌خواستند حفظش کنند. من که در پاریس بودم، می آمدند آنجا پیغام می دادند، خودشان می‌آمدند که بگذارید که این شورای سلطنتی باقی باشد، و روی شورای سلطنتی یک کارهایی بکنید، و بعد ما کارهایی بکنیم و بعد چه؟ خوب، من می‌دانستم که اینها یا نمی فهمند مطلب را؛ یا مقصدشان این است که همان مسائل حفظ بشود. شورای سلطنتی را ما فرض کنید قبول کنیم، معنایش این است که سلطنت را قبول کردیم . والاً شورای سلطنتی با شاه است، هر وقتی بخواهد کنارش می گذارد. این معنایش این است که ما خود شاه را قبول داریم. می آمدند بعضی از همین روشنفکرها و بعضی از همین اشخاصی که حالا انقلابی شدند، همینها می آمدند می‌خواستند ما را اغفال کنند یا خودشان هم نمی‌فهمیدند که شما کاری بکنید که این شورای سلطنتی باقی باشد. در صورتی که آن که رئیس شورای سلطنتی [1] بود آمد پاریس، من گفتم تا استعفا نکردی من با تو ملاقات هم نمی‌کنم، استعفا هم کرد او. ولی مع ذلک از اینجا می آمدند هی می گفتند آن هم که از بین رفت و ملت ما بحمدالله پیروز شد، بعد در هر قدم، مخالفت واقع می شد. در رفراندمش باز مخالفت می‌کردند. در مجلس خبرگانش، در انتخاباتش، باز مخالفت می‌کردند. حالا هم با مجلس خبرگان مخالفت می کنند. بعد هم با مجلس شورا مخالفت خواهند کرد. بعد هم با رئیس‌جمهوری مخالفت خواهند کرد. این مخالفتها همین طور سلسله مراتب محفوظ است! برای اینکه با اساس مخالف اند. چون با اساس مخالف اند، اینها فروع آن اساس است، با آن مخالفت می کنند. لکن باید بدانند که این دست و پا زدنها دیگر فایده ندارد. ما هیچ وقت از این دست و پا زدنهای شما نمی‌ترسیم. ما می‌دانیم که دیگر کاری از شما نمی‌آید. یک نویسندگی از شما برمی‌آید و یک گفتن از شما برمی‌آید. خوب، هر چه

۱. آقای سید جلال‌الدین تهرانی.

می‌خواهید بنویسید و هر چه می خواهید بگویید![۱]

هراس دشمنان از اسلامیّت نظام

همینها بودند که فریاد می‌کردند و می نوشتند این راکه خوب دیگر اسلام را می‌خواهد چه کند؟ خوب بگویید جمهوری، از اسلام می ترسیدند «خوب به جای اسلام بگذارید دمکراتیک، جمهوری دمکراتیک» اینها نمی‌فهمند که این همه دمکراسی چه . دمکراسی که در عالم معروف است، کجاست؟ کدام مملکت را شما دارید؟ این ابرقدرتها کدام یکیشان به موازین دمکراسی عمل کرده اند؟ یک دمکراسی که در هر جا یک معنا دارد. در شوروی یک معنا دارد، در امریکا یک معنای دیگر دارد، پیش ارسطو یک معنایی دارد، پیش حالا [ئیها] یک معنای دیگر دارد. ما می‌گوییم یک چیزی که مجهول است و هر جا یک معنا از آن می‌کنند، ما نمی‌توانیم آن را در قانون اساسی مان بگذاریم که بعد هر کسی دلش می‌خواهد آن جوری درستش کند. ما می گوییم اسلام، اسلام هر جا یک معنا ندارد، اسلام یک معناست، همه مسلمانها می‌شناسند آن را. ما می گوییم جمهوری اسلامی، ملت ما هم جمهوری اسلامی را خواسته بود. همینی راکه ملت ما با تقریباً اتفاق کلمه، درصد دو، یک و نیم مخالفت این مخالفت، اسمش نیست همینی که ملت ما می خواست و با اصطلاح آنها دمکراسی بودن اقتضای این را می کرد که همه تسلیم باشند در همین، از اول مشغول مخالفت شدند. اینهایی که آن روز مخالف بودند با جمهوری اسلامی، و از اسلامش می‌ترسند، نه از جمهوری اش . حالا با مجلس خبرگانش، قبل هم با انتخابات مجلس خبرگان مخالفت می‌کردند، و بعد هم با مجلس خبرگان مخالفت می‌کردند، و بعد هم خواهد آمد که با مجلس شورا مخالفت خواهند کرد. و بعد هم با این رفراندمی که برای قانون اساسی است، خواهند مخالفت کرد. درد همه، این است که چرا اسلام؟

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ٤٠٨ تا ٤٠٩.

این دردشان است . و ملت ما هم همه مقصد خودش را اسلام می‌داند، برای اینکه از اسلام می بیند که آن چیزی که می‌خواهد حاصل می‌شود. اسلام، هم دنیاست و هم آخرت . ملت ما اسلام را می‌خواهد و اینها با ملت ما مخالف‌اند برای خاطر اینکه اسلام را می‌خواهد. اگر این ملت می گفت که جمهوری فقط، اینها همه برایش سینه می زدند و برایش تبریک می گفتند. اما حالا که کلمه اسلام آمده توی کار، نه با این مخالف اند. این ارتجاعی است ! اینها اسلام را ارتجاعی می‌دانند. اینها خدا را مرتجع می‌دانند، یک همچو مردمی اند. اگر اعتقاد به او داشته باشند اعتقاد که ندارند اینها با پیغمبر اسلام بدترند تا با شماها؛ برای اینکه اساس را او گذاشته است . این ارتجاعی بود که شما ملت [را نجات داد] ، این ارتجاعی بود که دست خیانتکارها را از این مملکت برید. و اینها این را مسئله ارتجاعی می‌دانند. این ارتجاعی بود که شماها را به سرنوشت خودتان حاکم کرد. نمی‌دانم کی اینها می‌خواهند بیدار بشوند و کی می‌خواهند دست بردارند از این مغلطه کاریهای خودشان، از این مخالفتهای خودشان؟ من متأسفم که یک جمعیتی که باید به این مملکت خدمت بکنند، باید الآن قدردانی بکنند که این ملت خون خودش را داد و چپاولگرها را بیرون کرد و مفتخورها را دستشان را قطع کرد و آدمکشها را بعضیشان را به جزای خودشان رساند و بعضیشان را هم می‌رساند إن شاءالله. من متأسفم که اینها نمی آیند میدان با این ملت موافقت کنند. ملتی که همه چیزش را داده و حالا شما آزادانه نشسته‌اید توی اتاقهایتان و پایتان را روی پای خودتان می اندازید و برخلاف این ملت قلمفرسایی می‌کنید. انسان متأسف می‌شود از اینکه این چه افکاری است که اینها دارند. هی «ارتجاع، ارتجاع»! هر کلمه ارتجاع که می گویند اگر دلشان را بشکافید، برمی گردد به اینکه اسلام ارتجاعی است؛ منتها جرأت نمی کنند بگویند. بعضیشان هم با صراحت

یک کلمه ای گفتند و توبه کردند بعدش. و معلوم نیست که توبه حقیقی هم باشد.[۱]

استدلال مخالفان ولایت فقیه

وقتی که صحبت می‌شود، می نویسند؛ چه می کنند؛ هی کوشش می کنند که اسلام نباشد. آن چیزهایی که مال اسلام است هی کوشش می کنند با زبانهای مختلف، گاهی به دلسوزی در قضیه ولایت فقیه که این چند روز داغ شده است، خوب اینها دیدند که یک کار خطرناکی است برای آنها برای اینکه یک حکومت اسلامی دارد درست می‌شود؛ اینها هم نمی‌خواهند این را. گوینده شان گاهی می گوید که بگذارید که روحانیون قداستشان را حفظ بکنند! «قداست روحانیون» که اینها می گویند معنایش این است که بگذارید روحانیون مشغول مسجد و محراب همین مقدار در همین حدود باشند، و سیاست را به امپراتور واگذار کنید. این یک تزی است که مسجد مال پاپ؛ سیاست مال امپراتور. اینها هم می گویند مسجدها مال شماست، بروید تو مسجدتان نماز بخوانید، درس هم می خواهید بگویید؛ درس هم بگویید هیچ مانعی ندارد، اما در یک حدودی، نه اینکه تو مسجد بروید و سنگر بگیرید برای ما؛ یا توی مدرسه بروید و برای ما ایجاد زحمت بکنید. نه، آن نه! همان مقداری که «قداست» شما محفوظ باشد، بگویند یک آدم مقدس، آدم خوب مهذبی است؛ یک آدمی است که اگر نفتش را هم ببرند، حرفی نمی زند و می گوید بردند؛ مال دنیا است چه ارزشی دارد! اینها این جور «قداست» را می‌خواهند و نمی‌دانند که اسلام و پیغمبر اسلام و اولیای اسلام با تمام قداست این مسائل را داشتند، تمام قداست و الوهیّت محفوظ بوده است، مع ذلک می‌رفتند و اشخاصی که برخلاف مسیر انسانیت هستند آنها را دفع می‌کردند و سیاست مملکت را حفظ می‌کردند و منافات با قداست هم نداشتند؛ یعنی ما روحانیون، قداستشان از حضرت امیر زیادتر باشد؟ اینها ادعا دارند یا او را

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۲۶ تا ۵۲۸.

قداست برایش قائل نیستند؟! این منطق این است که شما قداستتان را حفظ کنید و کار نداشته باشید دیگر به حکومت و به جریان سیاست مملکت. خوب، اینها می‌خواهند بگویند پیغمبر اسلام و حضرت امیر سلام الله علیه قداست خودشان را حفظ نکرده بودند؟ برای اینکه آنها کار داشتند، نمی توانند بگویند آنها کار نداشتند. حضرت امیر، والی می فرستاد، خود پیغمبر هم اینطور والی می فرستاد آن طرف و آن طرف، جنگ می‌کردند؛ با کذا و سیاست مملکت دست خود آنها بود. این آدمی که می گوید که بگذارید روحانیت قداست خودش را حفظ کند منطقش این است که امیرالمؤمنین هم قداست نداشت! برای اینکه این داخل شد در امور مملکتی و اینها، خود پیغمبر هم که نداشت! پس معلوم می‌شود تو نمی خواهی قداست ما حفظ شود، تو یک شیطنتی می کنی که اینها را کنار بزنی و اربابها بیایند سراغ کار.(۱)

باطل بودن وکالت نماینده مخالف با جمهوری اسلامی

چشم‌هایتان را باز کنید! اهل خبره چشمشان را باز کنند. کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می کنند برخلاف این چیزی که ملت آنها را تعیین کرده است عمل می‌کنند، وکالت ندارند در این امر. من اولی که مجلس بنا بود تأسیس بشود، و پیش‌بینی این امور را می‌کردم. اعلام کردم که مردم جمهوری اسلامی می‌خواهند، جمهوری غربی را [نمی‌خواهند] جمهوری کمونیستی نمی‌خواهند مردم. مردم، جمهوری اسلامی می خواهند. مردم شما را وکیل کردند که جمهوری اسلامی درست کنید. کسی که مخالفت کند با احکام اسلام، مخالف با جمهوری اسلامی است؛ مخالف با رأی موکلین هست، آنها شما را وکیل نکردند برای این امر. همه‌تان هم اگر چنانچه یک چیزی بگویید که برخلاف مصالح اسلام باشد، وکیل نیستید؛ حرفتان قبول نیست، مقبول نیست. ما به دیوار می‌زنیم آن حرفی را که برخلاف مصالح اسلام

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۰ تا ۷۱.

باشد. آن قدری که شما اختیار دارید در این مجلس، این است که جمهوری اسلامی را بر طبق موازین اسلامی پیاده کنید. البته راجع به امور اداری اش و اینها نظر دادن هیچ مانعی ندارد. نظر دادن مانعی ندارد.(۱)

اعتقاد و وفاداری به اصل ولایت فقیه، از شرایط ریاست جمهوری

من امیدوارم که اشخاصی که کاندیدا شدند برای ریاست جمهوری شما توجه کنید و کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی نه شرقی باشد، نه غربی باشد، نه غربزده باشد، نه شرقزده باشد، مسلمان بباشد، پیرو احکام اسلام باشد، ملی باشد، دلسوز به ملت باشد، خدمتگزار به ملت باشد، سوابقش خوب باشد، در رژیم سابق هیچگاه وارد نشده باشد و با اجانب پیوند نداشته باشد، از خودتان باشد و برای خودتان. اختیار دست شماست.

من بنا ندارم که کسی را تعیین کنم. ما همین اوصاف رئیس‌جمهور را و اوصاف وکلایی که بعد می خواهید إن شاء الله تعیین کنید باید بگوییم و شما خودتان انتخاب کنید و از تفرقه و تفرّق پرهیز کنید. اشخاص را هم ملاحظه سوابقشان را بکنید که قبل از انقلاب چه بوده اند، در حال انقلاب چه بوده اند، و بعد از پیروزی نسبی چه کردند و چه بودند. و پس از اینکه همه اوصافش را به دست آوردید و او را شخصی دانستید که لیاقت دارد برای یک همچو مسندی و می‌تواند این مملکت را به طوری که خدا می‌خواهد اداره کند تا آن حدودی که در اختیار اوست، و شخصی است که تعهد به اسلام دارد، اعتقاد به قوانین اسلام دارد، در مقابل قانون اساسی خاضع است و اصل صد و دهم ظاهراً که راجع به ولایت فقیه است، معتقد است و وفادار است نسبت به آن، یک همچو شخصی را شماها خودتان انتخاب کنید و گروههای مردم را هم وادار کنید که یک همچو شخصی را انتخاب کنند و از تفرقه بپرهیزند. ممکن است که اگر

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۲۱ تا ۲۲۲.

شماها یا سستی کنید برای یک همچو امر مهمی و طوری باشد که به نظر بیاید که بی‌تفاوتید اگر شد؛ بروید رأی بدهید، اگر نشد نروید و یا گروههای شما با هم اختلاف پیدا بکنند، ممکن است اشخاصی که لایق این مقام نباشند به این مقام برسند. این امری است که بسته به نظر خودتان و باید با تمام قوا جدیّت کنید که سرنوشت اسلام و مسلمین را به دست کسی که لایق برای این مقام نباشد، ندهید.[۱]

ولایت فقیه، اساس مشروعیّت نظام

به حرفهای آنهایی که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می‌کنند و می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند [اعتنا نکنید] اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت، یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهوری با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می‌رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود. شما نترسید از این چهار نفر آدمی که نمی‌فهمند اسلام چه است؛ نمی‌فهمند فقیه چه است؛ نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه. آنها خیال می‌کنند که یک فاجعه به جامعه است! اینها اسلام را فاجعه می‌دانند، نه ولایت فقیه را. اینها اسلام را فاجعه می‌دانند، ولایت فقیه فاجعه نیست. ولایت فقیه، تَبَع[۲] اسلام است[۳]....

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ٤٨٤ تا ٤٨٥.

۲. دنباله.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۲۱ و ۲۲۳.

◙ نامه

زمان:۱۶دی۱۳۶۶/۱۵جمادی‌الاول۱۴۰۸
مکان:تهران،جماران
موضوع:حدوداختیارات‌حکومت‌اسلامی
مخاطب:خامنه‌ای،سیدعلی(رئیس‌جمهورو امام‌جمعه تهران)

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه ای، رئیس محترم جمهوری اسلامی ـ دامت افاضاته

پس از اهدای سلام و تحیت، من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود. و عقیده دارم که در این مواقع سکوت بهترین طریقه است. و البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می گوییم و می کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسانها. لکن صحیح ندانستم که جواب مرقوم شریف و تقاضایی که در آن شده بود را به سکوت برگزار کنم. لهذا، آنچه را که در نظر دارم به طور فشرده عرض می‌کنم.

از بیانات جنابعالی در نماز جمعه اینطور ظاهر می‌شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واگذار شده و اهمّ احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعیه الهیه تقدم دارد، صحیح نمی دانید. و تعبیر به آنکه اینجانب گفته ام حکومت در چهارچوب احکام الهی دارای اختیار است بکلی برخلاف گفته‌های اینجانب بود. اگر اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعیه الهیه است،باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوّضه به نبی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یک پدیده بی معنا و محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن، که هیچ کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد: مثلاً خیابان‌کشیها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چهارچوب احکام فرعیه نیست. نظام وظیفه، و اعزام الزامی به جبهه‌ها، و جلوگیری از ورود و خروج ارز، و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا، و منع احتکار در غیر دو سه

مورد، و گمرکات و مالیات، و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت گذاری، و جلوگیری از پخش مواد مخدره، و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد، و صدها امثال آن، که از اختیارات دولت است، بنابر تفسیر شما خارج است؛ و صدها امثال اینها.

باید عرض کنم حکومت، که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند. و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند.

آنچه گفته شده است تاکنون، و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است، مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است. و بالاتر از آن هم مسائلی است، که مزاحمت نمی‌کنم.

ان‌شاءالله تعالی خداوند امثال جنابعالی را، که جز خدمت به اسلام نظری ندارید، در پناه خود حفظ فرماید.

۱۶ دی ۱۳۶۶

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱ تا ۴۵۲

▣ نامه

زمان: ۲۱دی ۱۳۶۶/ ۲۰جمادی‌الاول ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: ولایت مطلقه فقیه
مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور و امام جمعه تهران)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر معظم انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی

پس از عرض سلام و ارادت، مرقوم مبارک در پاسخ به معروضه اینجانب را استماع و زیارت کردم و از ارشادات آن حضرت که مانند همیشه ترسیم کننده خط روشن اسلام است متشکرم. نکته ای که بیان آن را لازم می‌دانم آن است که بر مبنای فقهی حضرتعالی که اینجانب سالها پیش آن را از حضرتعالی آموخته و پذیرفته و بر اساس آن مشی کرده ام، موارد و احکام مرقوم در نامه حضرتعالی جزو مسلّمات است و بنده همه آنها را قبول دارم. مقصود از حدود شرعیه در خطبه‌های نماز جمعه چیزی است که در صورت لزوم مشروحاً بیان خواهد شد. امید است سالهای متمادی این ملت عزیز و فداکار و مسئولان آن و همه امت بزرگ اسلام از فکر بیدار و روشن و رهبری بی بدیل جنابعالی بهره مند گردند و خداوند عمر شریف شما را تا حضور ولی عصر ارواحنا فداه مستدام بدارد. ۶۶/۱۰/۲۱ سید علی خامنه ای]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه ای، رئیس محترم جمهوری اسلامی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف جنابعالی واصل و موجب خرسندی گردید. اینجانب که از سالهای قبل از انقلاب با جنابعالی ارتباط نزدیک داشته ام و همان ارتباط بحمدالله تعالی تاکنون باقی است، جنابعالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری که آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی

فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانبداری می‌کنید، می‌دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید. مع الأسف جمهوری اسلامی و سران محترم آن به جرم اسلامخواهی و بسط عدالت اسلامی در جهان مورد تاخت و تاز تبلیغاتی جهانخواران شده‌اند و مثلاً اگر بگویند آفتاب روشن است، فردا تبلیغات جهانی به شرح و تفصیل و توجیه و تحلیل پرداخته و جمهوری اسلامی و یاران آن را به طوری محکوم می کنند و چون آشنا به فقه اسلامی و به ملت فداکار اسلام و ایمان راسخ آنان نیستند، بسیاری از اوقات تبلیغات آنان به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شود.

و البته ما متوقع نیستیم که با قیامی که بر پایه اسلام عزیز نمودیم و «نه» به شرق و غرب و عمال آنان گفته ایم، آنان به ما و شماها و به ملت عزیز جان بر کف ما بارک الله بگویند. و خوشبختانه اخیراً در همین موضوع حدود ولایت فقیه نویسندگان و گویندگان متعهد و آگاه به مسایل اسلامی، مسئله را در مجالس و روزنامه‌ها تا آنجا که دیدم مورد بحث قرار داده که من از تمامی آنان تشکر می‌کنم و امید است ائمه محترم جمعه وبویژه امثال جنابعالی که دربیان مسائل دست توانا دارید، مسئله را تعقیب و در خطبه‌های نماز جمعه اذهان ناآگاهان را روشن وزبان دشمنان اسلام را قطع فرمایید. و جنابعالی و ملت بزرگوار خواهند دید که در اطراف همین نامه چه شیطنتها و تحلیلها در رسانه‌های گروهی مخالفین اسلام و همدستان آنان خواهد صورت گرفت. در خاتمه سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند خواستار و امید است امثال جنابعالی در مقاصد عالیه خود پیروز و سربلند گردید.

والسلام عایکم و رحمةالله.

۲۱ دی ماه ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٥٥ تا ٤٥٦

▣ بیانات

زمان:صبح ۲۳دی ۲۲/۱۳۶۶جمادی‌الاول ۱۴۰۸ مکان:تهران،جماران
موضوع:حمایت از شورای نگهبان
مخاطب:صافی،لطف‌الله(دبیر شورای نگهبان قانون اساسی)

بسمه تعالی

[در این دیدار، امام خمینی با تشکر از زحمات شورای نگهبان فرمودند:]

ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است. نهاد شورای نگهبان همیشه مورد تأیید اینجانب است و به هیچ وجه تضعیف نشده و نخواهد شد. این نهاد باید همیشه با بیداری و هوشیاری در خدمت به اسلام و مسلمین کوشا باشد.(۱)

▣ پاسخ استفتاء

زمان:۲۹دی ۲۸/۱۳۶۶جمادی‌الاول ۱۴۰۸ مکان:تهران،جماران
موضوع:شرط اعمال ولایت از سوی فقیه جامع الشرایط
مخاطب:خاتم یزدی،عباس-توسلی،محمدرضا-عبایی خراسانی،محمد-کشمیری،محمدجواد-قاضی عسگر،سیدعلی

[حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی . پس از اهدای سلام و تحیت، در چه صورت فقیه جامع الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد. أدام الله ظلکم علی رؤوس المسلمین.

نمایندگان حضرتعالی در دبیرخانه ائمه جمعه سراسر کشور، عباس خاتم یزدی توسلی - عبایی - کشمیری - قاضی عسگر]

بسمه تعالی

ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولّی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است، و در صدر اسلام تعبیر می شده به بیعت با ولیّ مسلمین.

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۷

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۹.

◙ پاسخ استفتاء

زمان: دی ۱۳۶۱ / ربیع الاول ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: ولایت اداری
سؤال کننده: کانون اسلامی جوانان شهرستان بروجن

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی ـ دامت برکاته ـ پس از تقدیم عرض سلام و آرزوی توفیق پیروزی آن رهبر عظیم الشأن، بر مبنای مسائلی که در جامعه مان می گذرد لازم دانستیم از محضر مبارک آن رهبر بزرگ طلب فتوای مورد ذیل را بنماییم: در جامعه از طرف مسئولین ادارات هرگاه حرکتی خلاف حق و قسط اسلامی و قانون و دستورات آن رهبر عظیم الشأن انجام می‌گیرد و مورد سؤال افراد متعهد و کارمندان دلسوز وابسته به آن اداره قرار می گیرند که چرا در این مورد برخلاف حق و قسط و قانون عمل نموده‌اید از طرف مسئولان و یا افراد نزدیک به آنها این مسئله عنوان می‌گردد که اینگونه برخوردها با مسئولین برخلاف ولایت اداری است و چون ولایت اداری به ولایت فقیه و ولایت امام و پیغمبر و خدا ختم می‌شود پس فرد معترض که از طریق قانون و پیروی دستورات آن رهبر اعتراض خود را به مسئولین اعلام داشته است کافر و ملحد است. خواهشمند است نظریه شریف را در این مورد اعلام فرمایید. والسلام.

۱۳۶۱/۱۰/۴ از طرف برادران کانون اسلامی جوانان شهرستان بروجن]

بسمه تعالی

ولایت اداری در اسلام نیست و کارمندان و مسئولین در ادارات فقط مسئولیت دارند که بر طبق مقررات اداره و دولت اسلامی عمل کنند و ولایتی بر کسی و چیزی ندارند. و اگر برخلاف موازین شرعی یا قانونی عمل نمایند، دیگران می توانند بدون ایجاد هرج و مرج و فساد به آنان تذکر دهند.

روح الله الموسوی (۱)(۲)

---

۱. استفتاء فوق توسط هیأت پاسخ به استفتائات شرعی، منصوب امام خمینی، مرقوم گردیده است و پاسخ

◘ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۶آذر ۱۳۶۶/۱۵ربیع الثانی ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: حق دولت در تعیین شروط الزامی برای واحدهای بهره‌مند از خدمات دولتی سؤال کننده: سرحدی زاده، ابوالقاسم (وزیر کار و امور اجتماعی)

[بسم الله الرحمن الرحیم . محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با آرزوی سلامتی و طول عمر برای آن وجود شریف و امید پیروزی هرچه سریعتر رزمندگان عزیز اسلام علیه کفر جهانی، استدعا دارد با توجه به کیفیت و نوع کار این وزارتخانه در ارتباط با واحدهای تولیدی و خدماتی بخش خصوصی در مورد سؤال زیر، این وزارت را راهنمایی و ارشاد فرمایید:

«آیا می توان برای واحدهایی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی مانند: آب، برق، تلفن، سوخت، ارز، مواد اولیه، بندر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره به نحوی از انحا استفاده می‌نمایند، اعم از اینکه این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد و یا به تازگی به عمل آید، در ازای این استفاده شروطی الزامی را مقرر نمود؟» والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ملتمس دعا.
ابوالقاسم سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی]

بسمه تعالی

در هر دو صورت چه گذشته و چه حال، دولت می‌تواند شروط الزامی را مقرر نماید.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

← منطبق با مبانی و فتاوای امام خمینی است.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤۳۰.

▣ نامه

زمان: ۲۶آذر ۲۵/۱۳۶۶ ربیع‌الثانی ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: حدود اختیارات دولت در بخشهای اجتماعی، اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی
مخاطب: صافی، لطف‌الله (دبیر شورای نگهبان)

[بسم الله الرحمن الرحیم

محضر شریف حضرت مستطاب رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی امام خمینی ـ دامت برکاته

با عرض سلام و تحیت و مسئلت طول عمر و سلامت وجود مبارک در ظلّ عنایات خاصه حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء تصدیع می‌دهد:

از فتوای صادره از ناحیه حضرتعالی که، دولت می‌تواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی مقرر نماید،[۱] به طور وسیع بعض اشخاص استظهار نموده‌اند که دولت می‌تواند هرگونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازرگانی، امور شهری، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلیه و مستقیم اسلام قرار دهد و خدمات و امکاناتی را که منحصر به او شده است و مردم در استفاده از آنها مضطر یا شبه مضطر می باشند وسیله اعمال سیاستهای عام و کلی بنماید و افعال و تروک مباحه شرعیه را تحریم یا الزام نماید. بدیهی است در امکاناتی که در انحصار دولت نیست و دولت مانند یک طرف عادی عمل می‌کند و یا مربوط به مقرر کردن نظام عام در مسائل عامه نیست و یا مربوط به نظام استفاده از خود آن خدمت است جواز این شرط مشروع و غیرقابل تردید است اما در امور عامه و خدماتی که به دولت منحصر شده است به عنوان شرط مقرر داشتن نظامات مختلف که قابل شمول نسبت به تمام موارد و اقشار و اصناف و اشخاص است موجب این

---

۱. ر.ک: پاسخ امام خمینی به استفتای وزیر کار و امور اجتماعی، مورخ ۱۳٦٦/۹/۱۸.

نگرانی شده است که نظامات اسلام از مزارعه ـ اجاره ـ تجارت عائله و سایر روابط بتدریج عملاً منع و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد و خلاصه استظهار این اشخاص که می‌خواهند در برقرار کردن هرگونه نظام اجتماعی و اقتصادی، این فتوا را مستمسک قرار دهند به نظر آنها باب عرضه هر نظام را مفتوح نموده است. بدیهی است همان طور که در همه موارد نظر مبارک راهگشای عموم بوده در این مورد نیز رافع اشتباه خواهد شد. دبیر شورای نگهبان لطف الله صافی]

بسمه تعالی

دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می کنند با شروط اسلامی، و حتی بدون شرط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد. و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است، و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد. بلکه در «انفال»، که در زمان حکومت اسلامی امرش با حکومت است، می‌تواند بدون شرط یا با شرط الزامی این امر را اجرا کند. و حضرات آقایان محترم به شایعاتی که از طرف استفاده جویان بی‌بندوبار یا مخالفان با نظام جمهوری اسلامی پخش می‌شود اعتنایی نکنند که شایعات در هر امری ممکن است. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٣٤ و ٤٣٥.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲آبان ۱۳۶۶/ ۳۰صفر ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: معادن مکشوفه در املاک شخصی
سؤال‌کننده: صافی، لطف‌الله (دبیر شورای نگهبان)

[در پاسخ به استفتای دبیر شورای نگهبان که طی آن سؤال شده است: «آیا معادن نفت به تبع ارض یا احیای مربوط به مالکیت خاص است یا از انفال محسوب می‌شود؟ و در صورت عدم تبعیت، تصرف در زمینها جهت استخراج معادن جایز است یا خیر؟» امام خمینی چنین مرقوم فرموده اند:]

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرات حجج اسلام آقایان فقهای شورای نگهبان ـ دامت افاضاتهم پس از اهدای سلام و تحیت، اصل مسئلهٔ تبعیت اعماق زمین و نیز هوا نسبت به املاک شخصی تا حدود احتیاجات عرفی است. مثلاً اگر کسی در خارج از محدوده منزل و یا زمین شخصی و یا وقفی کانالی زده و از زیرزمین آنها عبور کند و یا تصرف نماید، دارندگان منازل و زمین و یا متولیان نمی توانند ادعایی بنمایند. و یا اگر کسی بالاتر از مقدار متعارفْ بنایی ایجاد و یا رفت وآمد نماید، هیچ یک از مالکین و یا متولیان حق جلوگیری از او را ندارند.

و بالأخره، تبعیت زمینِ شخصی به مقدار عرفی است؛ و آلات جدیده هیچ گونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارد. ولی تبعیتِ کشور مقدار بسیار زیاد است، و دولت حق دارد تا از تصرفِ بیش از حق عرفیِ شخص و یا اشخاص جلوگیری نماید.

بنابراین، نفت و گاز و معادنی که خارج از حدودِ عرفیِ املاکِ شخصی است تابع املاک نمی‌باشد.

و اما اگر فرض کنیم معادن و نفت و گاز در حدود املاک شخصی است ـ که

فرض بی‌واقعیت است ـ این معادن چون ملی است و متعلق به ملتهای حال و آینده است که در طول زمان موجود می گردند، از تبعیت املاک شخصیه خارج است؛ و دولت اسلامی می‌تواند آنها را استخراج کند، ولی باید قیمت املاک اشخاص و یا اجارهٔ زمینِ تصرف شده را مانند سایر زمینها بدون محاسبه معادن در قیمت و یا اجاره بپردازد؛ و مالک نمی‌تواند از این امر جلوگیری نماید. ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید. والسلام علیکم.

۶۶/۸/۲

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۵مهر ۱۳۶۰/ ۱۸ذی‌الحجه ۱۴۰۱
مکان: تهران، جماران
موضوع: حدود اختیارات مجلس شورای اسلامی در وضع قوانین منطبق با احکام اولیه و ثانویه
مخاطب: گلپایگانی، سید محمد رضا (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی ـ دامت برکاته

پس از تبریک عید مبارک غدیر به عرض عالی می رساند، تلگراف محترم مبنی بر نگرانی جنابعالی در اختیاراتی که به مجلس داده شده است واصل؛ اختیارات مذکور تشخیص موضوع است که در عرف و شرع به عهده عرف است و مجلس نماینده عرف، و نمایندگان خود از عرف هستند؛ و اگر در حکم خلافی شد، نظارت بر آنها هست و شورای نگهبان در این امری که به عهده آنها است حق دخالت دارند، اگر در حکم ثانوی یا اولی خطایی صادر شود. لکن شورای نگهبان حق تشخیص

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۰۲ تا ۴۰۳.

موضوعات به حسب قانون ندارند. در عین حال من آقایان دست‌اندرکاران را خواستم که به آنان اخطار نمایم که اگر خلاف قواعد شرع عمل کنند یا بر خلاف حکم ثانوی تعدی کنند من ساکت نمی نشینم و علمای اعلام بلاد هم عهده دار نظارت در امور می باشند.

لکن باید نکته‌هایی را عرض کنم که جنابعالی یک طرف صفحه را ملاحظه می‌فرمایید، طرف دیگر اگر وضع به همان منوال خان خانی و بورس بازی و زمین‌خواری بماند که باز یک طبقه اشراف بدون رسیدگی به وضعشان، که غالباً برخلاف موازین شرعیه است، در اروپا به عیش و عشرت مشغول و یک طبقه عظیم فقرا برای آنان برخلاف موازین کار کنند و با فقر و فاقه زندگی کنند، برای حکومت اسلام و اسلام و قانون اساسی باید فاتحه خواند. اموری که در حفظ نظام اسلامی [دخیل] است، یا ضرورت دارد، که ترک یا فعل آن فساد انگیز است، نمی‌شود به خواست عده ای طرفدار زمینخواران به همان منوال بماند. جنابعالی مطمئن باشید که خطر در این طرف بسیار است و در آن طرف خطری نیست بلکه به حکم ثانوی شرع محدودیتهایی صورت می‌گیرد؛ که با ترک آن خطرهای عظیمی در کار است. و جنابعالی مطمئن باشید که نه مجلسیان به حسب نوع و نه دولت متمایل به چپ است و نه اعمالی که می‌شود چپی است و من امیدوارم که با نظارت علمای اعلام بلاد چیزی که بر خلاف احکام شرع باشد چه احکام اولیه پس از موارد مذکور و چه احکام ثانویه، خطری پیش نیاید. اخیراً عرض می‌کنم من میل ندارم که تهمتی که سالها است به روحانیون می‌زنند و می‌زدند که اینان طرفدار زمین‌خواران و سرمایه‌داران بزرگ هستند و با طرفداری خود موجب ظلم به مردم مستمند می شوند، شاهد پیدا کنند و به ما بچسبانند! والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۱۱ تا ۳۱۲.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۶ بهمن ۲۵/۱۳۶۴ جمادی‌الاول ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: قلمرو احکام سلطانیه و تعزیرات شرعی
سؤال‌کننده: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[بسمه تعالی. محضر انور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظلّه

پس از عرض سلام مستدعی است مسائل زیر را جواب فرمایید. در هیأت بررسی تعزیرات مورد نیاز است:

۱ـ حبس، نفی بلد، تعطیل محل کسب، منع از ادامه خدمت در ادارات دولتی، جریمه مالی و به طور کلی هر تنبیهی که به نظر برسد موجب تنبه و خودداری از ارتکاب جرایم می گردد جایز است به عنوان تعزیر تعیین شود، یا در تعزیرات به مجازاتهای منصوص[۱] باید اکتفا کرد؟

۲ـ برای اداره امور کشور، قوانینی در مجلس تصویب می‌شود، مانند قانون قاچاق، گمرکات و تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری، و به طور کلی احکام سلطانیه؛[۲] و برای اینکه مردم به این قوانین عمل کنند برای متخلفین مجازاتهایی در قانون تعیین می کنند. آیا این مجازاتها از باب تعزیر شرعی است و احکام شرعی تعزیرات از نظر کم وکیف بر اینها بار است یا قسم دیگر است و از تعزیرات جدا هستند، و اگر موجب خلاف شرع نباشد باید به آنها عمل کرد؟

۳ـ در موارد تعزیرات، حسب نظر حضرتعالی «قضات مأذون»[۳] نمی توانند تعیین تعزیر کنند. آیا مانند قضات واجد شرایط که در موارد تعزیرات حق عفو دارند،

---

۱. مجازاتهای تعیین شده و نام برده شده در روایات.

۲. احکام اجتماعی و حکومتی.

۳. قضاتی که با اذن مجتهد جامع الشرایط به امر قضا پرداخته و خود فاقد شرط اجتهاد برای قضای شرعی هستند.

آنها نیز حق عفو دارند یا مانند اصل قضا، استفاده از حق عفو، احتیاج به اجازه دارد؟

۶۴/۱۱/۱۶ ادام الله عمرکم الشریف عبدالکریم موسوی اردبیلی]

بسمه تعالی

[پاسخ سؤال ۱ :] در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازاتهای منصوصه اکتفا شود، مگر آنکه جنبه عمومی داشته باشد. مثل احتکار و گرانفروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسئله دوم می‌باشد.

بسمه تعالی

[پاسخ سؤال ۲ :] در احکام سلطانیه که خارج است از تعزیرات شرعیه، در حکم اولی است، متخلفین را به مجازاتهای بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می توانند مجازات کنند.

بسمه تعالی

[پاسخ سؤال ۳:] حق عفو ندارند، مگر به اذن فقیه جامع الشرایط.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٧٢ تا ٤٧٣.

▣ پاسخ استفتاء

زمان:اردیبهشت ۱۳۶۲/رجب ۱۴۰۳
مکان:تهران،جماران
موضوع:اختیارات و وظایف مجلس و دولت در مرحله بررسی لایحه تهیه و توزیع کالا
سؤال کننده:مجتهد شبستری، محسن «کمیسیون امور بازرگانی مجلس شورای اسلامی»

[... نظر به اینکه لایحه تهیه و توزیع کالاها در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، مستدعی است پاسخ دو سؤال زیر را به طور واضح مرحمت فرمایید که موجب مزید امتنان و دعاگویی است. ضمناً لایحه مزبور تقدیم حضرتعالی می‌شود، چنانچه نظر خاصی داشته باشید لطفاً ما را مفتخر می‌فرمایید تا اصلاحات لازم انجام گیرد.

۱ ـ در کتاب تحریرالوسیله فرعی که مرقوم فرموده‌اید: «للامام علیه السلام و والی المسلمین ان یعمل ما هو صلاح للمسلمین من تثبیت سعر او صنعةٍ او حصر تجارة او غیرها مما هو دخیل فی النظام و صلاح للجامعه».[1] آیا این فتوا مستقیماً شامل دولت جمهوری ایران شود و یا اینکه لازم است مجلس شورای اسلامی از طرف حضرتعالی مجاز و مأمور باشد که این اختیار را به مسئولین مربوطه مثلاً شورایعالی توزیع و تفویض نماید؟

۲ ـ مطلب فوق‌الذکر به عنوان حکم اولی و از باب امر حکومتی است و یا به عنوان حکم ثانوی است؟ که اگر از شق دوم باشد در صورت مأموریت مجلس در موضوع قیمت‌گذاری کالاها که در بند شش ماده دو لایحه آمده است و همین‌طور مسئله تهیه و توزیع کالاهای اساسی که طبق بند دو ماده پنج بر عهده دولت گذاشته شده است و نیاز به تعیین مدت و دو سوم آرای نمایندگان می‌باشد. ظلکم ظلیل با تقدیم احترامات فائقه. محسن مجتهد شبستری از طرف کمیسیون امور بازرگانی مجلس]

---

۱. از اختیارات امام ـ علیه‌السلام ـ و ولیّ مسلمین است که براساس مصالح مسلمانان در مورد تثبیت قیمت و صنعت و محدود نمودن تجارت و غیره از اموری که مربوط به مصلحت جامعه و نظام اجتماعی است، اقدام نماید.

بسمه تعالی

۱ـ وکلای مجلس مجازند با احراز موضوع به دولت اجازه دهند.

۲ـ حکم ثانوی است.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۹ آبان ۱۳۶۱/۱۳ محرم ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران[۲]

موضوع: مالکیت ارز حاصل از فروش نفت

سؤال کننده: نوربخش، محسن «رئیس کل بانک مرکزی»

[محضر مقدس رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

به دنبال فرمان جنابعالی در مورد لغو قوانین خلاف اسلام و مطالعاتی که در بانک مرکزی بدین منظور و جایگزین نمودن قوانین جدیدی که مخالف شرع مقدس اسلام نباشد به عمل آمد، چون شبهه ای در مورد مالکیت دولت بر ارز حاصل از فروش نفت ایجاد گشته است، لذا از محضر آن مرجع عالیقدر تقاضا دارد که پاسخ سؤال زیر را بفرمایند.

سؤال: آیا ارزی که از طریق فروش نفت که توسط دولت و با هزینه و سرمایه گذاری دولت استخراج گشته و توسط دولت نیز به فروش می‌رسد متعلق به دولت و در مالکیت او هست یا نه؟

محسن نوربخش]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۲۳.

۲. در صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۷۴، ذیل تاریخ ۶۱/۸/۱۷ درج شده است که به استناد نسخه خطی، تاریخ نامه رئیس کل بانک مرکزی ۶۱/۸/۲ و تاریخ مندرج در پاسخ امام خمینی ۶۱/۸/۹ می‌باشد.

بسمه تعالی

متعلق به دولت و در مالکیت دولت اسلامی است که باید صرف در اداره کشور و مصالح ملت شود.

۶۱/۸/۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ حکم

زمان: ۲۵آبان ۱۳۶۶/۲۳ربیع الاول ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: حکم تخلف از مقررات شهرداری

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور) طباطبایی، سید مرتضی (سرپرست شهرداری تهران)

[بسمه تعالی. حضرت آیت الله موسوی اردبیلی، ریاست محترم دیوانعالی کشور

احتراماً، پیرو مذاکرات حضوری به همراهی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محتشمی، وزیر محترم کشور در مورد ضرورت تشکیل مجدد کمیسیونهای مقرر در ماده صد قانون شهرداری، موضوع نامه تقدیمی اینجانب به محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مدظله العالی به شماره ۱۶۰/۱۸۹۹ مورخ ۶۶/۳/۲۴ متضمن انعکاس فرمایشات معظمٌ له در ذیل آن «فتوکپی ضمیمه است» خواهشمند است در پاسخ پرسش این قائم مقامی به شرح زیر اعلام نظر فرمایید:

پرسش:

آیا تخلفات ساختمانی از هر قبیل که مغایر با ضوابط و مقررات شهرداری تهران در محدوده قانونی و آزاد شده و حریم تهران توسط اشخاص حقیقی و حقوقی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۷۱.

صورت پذیرد مشمول تعزیرات حکومتی می‌باشد یا خیر؟

با اظهار تشکر و امتنان ـ سید مرتضی طباطبایی، قائم مقام وزیر کشور و سرپرست شهرداری تهران ۶۶/۸/۹.

بسمه تعالی

در مورد سؤال فوق تخلف از ضوابط و مقررات شهرداری مانند تخلف مقررات قیمت گذاری و گرانفروشی و غیره است، و رسیدگی و مجازات متخلفین از موارد تعزیرات حکومتی است، ولی شمول حکم و اجازه حضرت امام مدظله که به دولت داده‌اند و عدم شمولش باید از محضر ایشان استفسار شود. عبدالکریم موسوی ۶۶/۸/۲۰]

بسمه تعالی

اگر کسی از ضوابط و مقررات شهرداری تخلف نماید مشمول تعزیرات حکومتی می گردد.

۶۶/۸/۲۵

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

◘ نامه

زمان: ۱۰ آبان ۱۳۶۷ / ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: منشور برادری مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی

مخاطب: انصاری، محمدعلی «از اعضای دفتر امام خمینی»

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری ـ دامت افاضاته

نامه شما را مطالعه کردم. مسئله ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤١٧ و ٤١٨.

می گردد ولی از آنجا که من به شما علاقه مندم، شما را مردی متدین و دانا البته کمی احساساتی می‌دانم و از محبتهای بی دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می دهم:

کتابهای فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباریها و اصولیها بگذریم. از آنجا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آن هم عربی ضبط می گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بیخبر بودند و اگر با خبر هم می شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند نعوذبالله خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحبنظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحثها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم بندی آن، در انفال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درختها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معظلات طبی همچون پیوند اعضای بدن انسان و

غیر به انسانهای دیگر، در مسئله معادن زیرزمینی و روزمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمنه و امکنه مختلف، در مسائل حقوقی و حقوق بین المللی و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیر اسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد با کفر و شرک و التقاط و بلوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فرایض در سیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همه اینها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند.

لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضعگیریها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چراکه همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شر زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده شان است که راه خود باعث رسیدن به اینهمه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضعگیریها باید به گونه ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند.

هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حیله گر دشمن شماره یک آنها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته اند. هر دو جریان از حیله گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه اند.

خداوندا! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حالْ خود دانند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد ـ که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم ـ که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی شناسد. رئیس‌جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورایعالی قضایی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی و غیر نظامی، روحانی و غیر روحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معظلات و حیرتها برطرف می گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود.

هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرّای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.

البته می دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و داربستها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق به خدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همه کسانی که دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و نابودی اسلام امریکایی می تپد، توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و ان‌شاءالله از انصار اسلام و محرومین باشید.

۶۷/۸/۱۰

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۶ تا ۱۸۰.

فصل ۴:
مجمع
تشخیص مصلحت نظام

▣ نامه

زمان: ۱۷ بهمن ۱۷/۱۳۶۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

مخاطب: خامنه ای، سید علی (رئیس جمهور) موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور) خمینی، سید احمد (نماینده امام خمینی در جلسه هماهنگی سران سه قوه) هاشمی رفسنجانی، اکبر (رئیس مجلس شورای اسلامی) موسوی، میر حسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر عظیم الشأن، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ دامت برکات وجوده الشریف

در سایه اظهارات اخیر آن وجود مبارک، از لحاظ نظری مشکلاتی که در راه قانونگذاری و اداره جامعه اسلامی به چشم می خورد برطرف شده؛ و همان گونه که انتظار می رفت این راهنماییها مورد اتفاق نظر صاحبنظران قرار گرفت. مسئله‌ای که باقی مانده شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام حکومتی است. در حال حاضر لوایح قانونی ابتدا در وزارتخانه‌های مربوط، و سپس در کمیسیون مربوط در دولت، و سپس در جلسه هیأت دولت مورد شور قرار می‌گیرد. و پس از تصویب در مجلس، معمولاً دو شور در کمیسیونهای تخصصی دارد، که با حضور کارشناسان دولت و بررسی نظرات متخصصان، که معمولاً پس از اعلام و انتشار به کمیسیونها

می‌رسد، انجام می‌شود. و معمولاً یک لایحه در چند کمیسیون، به تناسب مطالب، مورد بررسی قرار می‌گیرد. و دو شور هم در جلسه علنی دارد، که همه نمایندگان و وزرا یا معاونان وزارتخانه‌های مربوط در آن شرکت می کنند، و به تناسب تخصصها اظهار نظر می کنند و پیشنهاد اصلاحی می‌دهند. و اگر کار به صورت طرح شروع شود، گرچه ابتدا کارشناسی دولت را همراه ندارد، ولی در کمیسیونها و جلسه عمومی، همانند لوایح، کارشناسان مربوط نظرات خود را مطرح می کنند. پس از تصویب نهایی، شورای نگهبان هم نظرات خود را در قالب احکام شرعی یا قانون اساسی اعلام می دارد. که در مواردی مجلس نظر آنها را تأمین می‌نمایند. و در مواردی از نظر مجلس قابل تأمین نیست، که در این صورت مجلس و شورای نگهبان نمی‌توانند توافق کنند. و همین جاست که نیاز به دخالت ولایت فقیه و تشخیص موضوع حکم حکومتی پیش می آید. گرچه موارد فراوانی از این نمونه‌ها در حقیقت اختلاف ناشی از نظرات کارشناسان است که موضوع احکام اسلام یا کلیات قوانین اساسی را خلق می‌کند. اطلاع یافته‌ایم که جنابعالی در صدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان، از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی یا تشخیص مصلحت نظام و جامعه حکم حکومتی را بیان نماید. در صورتی که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید، با توجه به اینکه هم اکنون موارد متعددی از مسائل مهم جامعه بلاتکلیف مانده، سرعت عمل مطلوب است.

عبدالکریم موسوی، سیدعلی خامنه‌ای، احمد خمینی، میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی]

بسم الله الرحمن الرحیم

گرچه به نظر اینجانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان، که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً

توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام : خامنه ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی،[۱] موسوی خوئینی‌ها، و جناب آقای میرحسین موسوی، و وزیر مربوط، برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد؛ و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورتهای لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد. احمد[۲] در این مجمع شرکت می‌نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سریعتر برسد.

حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خدای متعال می خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید.

به تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۶
روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. آقای محمدرضا توسلی (محلاتی) از اعضای دفتر امام خمینی.

۲. آقای سید احمد خمینی.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٦٣ تا ٤٦٥.

▣ حکم

زمان: ۱۳ شهریور ۲۲/۱۳۶۷ محرم ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: لغو حق تعزیرات حکومتی واگذارشده به قوه مجریه
مخاطب: خامنه ای، سیدعلی (رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعلی خامنه ای ـ دامت افاضاته

با اهدای سلام و دعای خیر برای اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت، در این زمان که بحمدالله تعالی کار جنگ بدین جا رسیده است، اینجانب حق تعزیرات حکومتی را لغو نمودم.

حدود تعزیرات، چه شرعی و چه حکومتی، حق فقهای جامع الشرایط است؛ ولی برای جلوگیری از فساد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت، تشخیص مصالح را در اجرا و عدم اجرا داده، و به نحوی که مصلحت را تشخیص می‌دهند عمل کنند.

ان شاء الله موفق باشید.

۶۷/۶/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ نامه

زمان: ۷ آذر ۱۷/۱۳۶۷ ربیع الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: اختیارات شورای تشخیص مصلحت نظام
مخاطب: جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با تقدیم درود و سلام و آرزوی طول عمر و صحت و سلامت کامل برای رهبر بزرگوار، و پیروزی اسلام و مسلمین، و با اعتذار از تصدیع، مدتی است برای

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱۸.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص کیفیت کار شورای محترم تشخیص مصلحت ابهامهایی وجود دارد که ضمن طرح آن خواستار رهنمود حضرت مستطاب عالی می باشیم.

در ابتدای تشکیل هیأت مذکور، مسیر کار چنین ترسیم شده بود که مصوبه مجلس پس از اظهارنظر منفی شورای نگهبان، برای اصلاح به مجلس برگردد، مجلس پس از نظر مجدد آن را به شورای نگهبان برگرداند. آنگاه، چنانچه لازم تشخیص داده شد برای اصلاح نهایی به شورای تشخیص مصلحت ارجاع گردد. ولی هم اکنون بعضاً این شورا قانونگذاری نیز می‌نماید. و مهمتر اینکه تقدیم لوایح قانونی به این شورا خالی از جمیع مقدمات مقرراتی است که یک لایحه قانونی از طریق متعارف دارد: طرح لایحه در هیأت دولت؛ و تصویب آن توسط آنان؛ و امضای نخست وزیر و وزرای مربوطه؛ و تقدیم آن به مجلس؛ و بحث در کمیسیونها در جلسه علنی در دو شورا. طبیعی است که با این روند هرکس، حتی مقامات غیرمسئول، می‌تواند با تقدیم پیشنهادی به شورای تشخیص مصلحت برای کشور قانون جدیدی ایجاد کند؛ و حتی قوانین مصوبه کشور را نقض نماید. و این می‌تواند علاوه بر بی خاصیت شدن مجلس، تناقضهای فراوان در قوانین کشور نیز ایجاد نماید. و بالجمله، وجود مراکز متعدد و موازی قانونگذاری در کشور به نوبه خود مسئله ای مشکل آفرین و موجب تزلزل نظام سیاسی کشور می‌باشد. لذا بسیار باعث امتنان خواهد بود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را، که به تبعیت از مقام معظم رهبری مفتخر و مباهی اند، ارشاد فرمایید.[۱]]

---

۱. اسامی امضا کنندگان نامه به این ترتیب است:

فخرالدین حجازی ـ صادق خلخالی ـ موسوی لاری ـ نجفقلی حبیبی ـ اصغرزاده ـ سیدحسین موسوی تبریزی ـ اسدالله بیات ـ محمدعلی صدوقی ـ هدایت الله آقایی ـ مجید انصاری ـ حسین هاشمیان ـ احمد عزیزی ـ

←

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام. مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است. ان‌شاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه‌در این سالها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد. از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به همه شما دعا می‌کنم. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

← صالح آبادی ـ نوربخش ـ صدقیانی ـ عباس دوزدوزانی ـ سلامتی ـ هادی خامنه‌ای ـ رسول منتجب نیا ـ اشرفی اصفهانی ـ مرتضی الویری ـ علی پناهنده ـ سید محمد حسینی ـ محمدرضا بهزادیان ـ سیدمحمد حائری ـ مؤذن زاده ـ تاجگردون ـ محمدحسین جهانگیری ـ سیدمحمد رضوی یزدی ـ ملک آسا ـ نورالله عابدی (بهبهان) ـ کبیری ـ احمد زمانیان ـ راه چمنی ـ یدالله اسلامی ـ عبدالمجید شرع پسند ـ سیدرضا نوروز زاده ـ سید حسین قاضی زاده ـ غلامرضا حیدری ـ عبدالحسن حائری‌زاده ـ محمدباقر ذاکری ـ محمدرضا واقفی ـ محمد قمی ـ علی محمد قربانی ـ مسعود هاشم زهی ـ عبدالله نوروزی ـ سید کاظم میرولد ـ محمد مجدآرا ـ حضرتی ـ نعمت الله اسدی تسلیمی ـ مظفری نژاد ـ یغمور قلی‌زاده ـ شفیعی ـ نوبخت ـ شهرزاد ـ سید اسماعیل داوودی ـ احمد رباطی ـ اصغر نوروزی ـ اسدالله جامی ـ علی عبدالعلی‌زاده ـ مصطفی مرصلی ـ احمد همتی ـ علی کرم محمدیان ـ صدیقی ـ سید محمد اصغری ـ سبحان اللهی ـ آقایی ـ علی محمد سوری ـ پرتوئی ـ احمد نظری پور ـ خانم دستغیب ـ برزنجی ـ خانم رجایی ـ فخرالدین رضازهی ـ خداکرم جلالی ـ محمدحسین پودینه ـ فروتن ـ مجید دبستانی ـ خاک ـ محمدرضا بهمئی ـ احمد خارستانی ـ پرویز صیقلی ـ خدانظر قاسمی ـ نورمحمد محمودیان ـ قهرمان رحمانی ـ سیدفخرالدین هاشمی ـ حسین هراتی ـ محمد حقی ـ فاضل همدانی ـ صالح روحانی‌زاده ـ رحمت الله رحمتی ـ سید عباس هدایتی ـ علی محقر ـ علی محمد باباخاص ـ سید عبدالحسینی بندرلنگه ـ حسن مختاری.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۲ تا ۲۰۳.

◙ پیام

زمان: ۸دی ۱۹/۱۳۶۷ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: اختیارات «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و تذکر به شورای نگهبان
مخاطب: اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات آقایان اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت ـ دامت افاضاتهم

با سلام و دعا و آرزوی موفقیت برای آن مجمع محترم، از آنجا که وضعیت جنگ به صورتی در آمده است که هیچ مسئله ای آنچنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و نظارت شورای محترم نگهبان مستقیماً در آن مجمع طرح گردد، لازم دیدم نکاتی را متذکر شوم:

۱ ـ آنچه تاکنون در مجمع تصویب شده است مادام المصلحة، به قوت خود باقی است.

۲ ـ آنچه در دست تصویب است اختیار آن با خود مجمع است که در صورت صلاحدید تصویب می‌نمایند.

۳ ـ پس از آن، تنها در مواقعی که بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف است، به همان صورتی که در آیین نامه مصوب آن مجمع طرح شده بود عمل گردد. البته ماده پنج به همان صورتی که اصلاح کرده بودم جلسه با هفت نفر رسمیت پیدا می‌کند باقی باشد. و ماده ده بدین صورت اصلاح گردد: کلمه «مجدداً» حذف گردد؛ و به جای آن «تنها یک بار» گذارده شود.

تذکری پدرانه به اعضای عزیز شورای نگهبان می دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیریها است. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. و

این بحثهای طلبگی مدارس، که در چهارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن بستهایی می کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد ـ و خدا آن روز را نیاورد ـ باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد. خداوند به همه اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت توفیق دهد تا هرچه بهتر به اسلام خدمت کنید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/ ۱۰/ ۸

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۱۷ تا ۲۱۸.

فصل ۵:
فرمانها و احکام

◘ حکم

زمان: ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ / ۶ ربیع الاول ۱۳۹۹ — مکان: تهران، مدرسه رفاه
موضوع: نخست‌وزیری آقای بازرگان (۱)
مناسبت: تشکیل دولت موقت
مخاطب: بازرگان، مهدی

۶ ربیع الاول ۱۳۹۹ — بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است، و به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم، جنابعالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون

---

۱. متن حکم حاضر توسط آقای هاشمی رفسنجانی در حضور خبرنگاران داخلی و خارجی قرائت گردید. سپس ترجمه انگلیسی حکم امام توسط آقای ابراهیم یزدی برای خبرنگاران حاضر در مراسم قرائت شد.

اساسی جدید را بدهید.

مقتضی است که اعضای دولت موقت را هر چه زودتر با توجه به شرایطی که مشخص نموده ام تعیین و معرفی نمایید.

کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت با دولت موقت شما همکاری کامل نموده و رعایت انضباط را برای وصول به اهداف مقدس انقلاب و سامان یافتن امور کشور خواهند نمود.

موفقیت شما و دولت موقت را در این مرحله حساس تاریخی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۰ بهمن ۱۳۵۷/۱۱ ربیع الاول ۱۳۹۹ — مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: تأکید بر نداشتن سخنگو — مخاطب: ملت ایران

بسمه تعالی

به اطلاع مردم می‌رساند:

کسی حق ندارد به عنوان سخنگو یا اطرافی یا وابسته و یا تحت هر عنوان دیگری، از طرف اینجانب مطلبی بگوید. من خودم قلم و بیان دارم و اظهارنظرهایی که در رادیوها و یا جراید می‌شود به خود اشخاص مربوط است و به اینجانب ربطی ندارد.

به تاریخ ۱۱ ع ۱ ۹۹[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٥٤ و ٥٥.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۱۲.

◙ حکم

زمان: ۲۵بهمن ۱۶/۱۳۵۷ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: انتصاب سرپرست آستان قدس رضوی مخاطب: واعظ طبسی، عباس

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای آقا شیخ عباس واعظ طبسی دامت افاضاته

پس از اهدای سلام و تحیت، تا تعیین تولیت برای آستان مقدس حضرت ثامن الائمه ـ صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین ـ جنابعالی برای سرپرستی آن آستان مقدس منصوب هستید. لازم است با کمال جدیت و به طور دقیق حفاظت از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر آنچه مربوط است به آن آستان مقدس بفرمایید، و از حیف و میل و ضیاع[1] اموال جلوگیری نمایید. حضرات خدام محترم با جنابعالی در این امر لازم تشریک مساعی خواهند نمود. والسلام علیکم و رحمة الله. ۱۶ ربیع الاول ۹۹ / ۲۵ بهمن ۵۷
روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. تلف شدن، تباه شدن.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ١٤٣.

▣ حکم

زمان: بهمن ۱۳۵۷/ ربیع الاول ۱۳۹۹
موضوع: عزل ریاحی از وزارت دفاع
مکان: تهران، مدرسه علوی
مخاطب: بازرگان، مهدی

بسمه تعالی

جناب آقای نخست وزیر

تیمسار ریاحی[۱] از وزارت دفاع ملی برکنار است. شخص دیگری به جای او به وزارت دفاع ملی قرار دهید.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ حکم

زمان: ۵ اسفند ۱۳۵۷/ ۲۶ ربیع الاول ۱۳۹۹
موضوع: تشکیل دادگاه انقلاب اسلامی
مکان: تهران، مدرسه علوی
مخاطب: خلخالی، صادق

۲۶ ع ۱ ۹۹

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی ـ دامت افاضاته

به جنابعالی مأموریت داده می‌شود تا در دادگاهی که برای محاکمه متهمین و زندانیان تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه، با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. تقی ریاحی، وی به جای احمد مدنی به وزارت رسیده بود.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۲۰۷.

۳. صحیفه امام، ج ٦، ص ۲۱۵.

◙ حکم

زمان: ۵اسفند ۱۳۵۷/ ۲۶ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: حفظ کاخها و ضبط اموال خاندان پهلوی در مردآباد کرج مخاطب: شریفی

۲۶ ع ۱ ۹۹ بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای شریفی ـ دامت افاضاته

لازم است جنابعالی به مردآباد کرج بروید و در مورد حفظ کاخها و ضبط اموال آن و زمینهای مزروعی و تراکتورها و اموال دیگری که مربوط به خاندان شاه مخلوع و غاصب سابق بوده است اقدام نموده و از آنها محافظت و نگهداری کنید؛ و از تصرف غاصبان در اموال مذکوره جلوگیری نمایید. و بر مردم و اهالی محترم است که از دستورات جنابعالی در این باره پیروی و تبعیت نموده و با شما همکاری کنند. ادامه توفیقات آن جناب را از خدای تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ حکم

زمان: ۹اسفند ۱۳۵۷/ ۱ربیع الثانی ۱۳۹۹
مکان: تهران، منزل آقای محمود بروجردی خیابان پاسداران
موضوع: فرمان مصادره اموال سلسله پهلوی و وابستگان به آنها مخاطب: شورای انقلاب اسلامی

۱ ربیع الثانی ۹۹ / ۹اسفند ۵۷ بسم الله الرحمن الرحیم

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلطه غیرقانونی از بیت المال مسلمین اختلاس نموده اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره نمایند و منقولات آن در بانکها با شماره‌ای به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیرمنقول از قبیل

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٢١٦.

مستغلات و اراضی ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد در ایجاد مسکن و کار و غیر ذلک. به جمیع کمیته‌های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می‌دهم که آنچه از این غنایم به دست آورده‌اند در بانک با شماره معلوم بسپرند. و به دولت ابلاغ نمایید که این غنایم، مربوط به دولت نیست و امرش با شورای انقلاب است، و آنچه مأمورین دولت به دست آورده‌اند یا می‌آورند، باید به همین شماره به بانک تحویل دهند. و کسانی که از این اموال چیزی به دست آورده‌اند، باید فوراً به کمیته‌ها یا بانک تحویل دهند و متخلفین مورد مؤاخذه خواهند بود.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ حکم

زمان: ۹ اسفند ۱۳۵۷ / ۱ ربیع الثانی ۱۳۹۹
مکان: تهران، خیابان پاسداران، منزل آقای محمود بروجردی (داماد امام خمینی)
موضوع: انتصاب دادستان کل انقلاب — مخاطب: هادوی، مهدی

اول ع ۲ ۱۳۹۹ — بسمه تعالی

جناب آقای مهدی هادوی ـ دامت توفیقاته

جنابعالی به موجب این حکم به سمت دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی منصوب می‌شوید که وظایف خود را طبق موازین شرعیه انجام دهید.

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٢٦٧.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ٢٦٨.

■ حکم

زمان:۱۵اسفند ۱۳۵۷/۷ربیع الثانی ۱۳۹۹ مکان:قم

موضوع:اموال هژبر یزدانی مخاطب:حاج طرخانی،علی

۷ ع ۲ ۹۹ بسمه تعالی

جناب آقای حاج علی حاج طرخانی ایّده الله تعالی

جنابعالی به اتفاق آقایان حاج اسدالله عسکراولادی و حاج حبیب الله شفیق مأموریت دارید که آنچه از دارایی و مستغلات و زمینهای کشاورزی و تأسیسات دامداری به نام هژبر یزدانی[۱] می‌باشد، همه را در اختیار گرفته و حفاظت کنید و آنچه را ممکن است فروخته و به صورت نقد درآورید و در حسابی به نام سه نفری واریز نموده تا بعداً در مورد آن تصمیمی اتخاذ شود.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

■ حکم

زمان:۱۹اسفند ۱۳۵۷/۱۱ربیع الثانی ۱۳۹۹ مکان:قم

موضوع:تشکیل کمیته امداد مخاطب:کروبی، مهدی

بسمه تعالی

جناب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

به جنابعالی مأموریت داده می‌شود که به اتفاق آقایان حاج حبیب الله عسکراولادی و آقای حاج حبیب الله شفیق در تشکیل کمیته‌های امداد در تهران و شهرستانها اقدام لازم را نموده و حسابی تحت همین عنوان امداد باز کرده و وجوهی که تعیین شده، در حساب مزبور واریز نموده و با حسن تدبیر کمیته‌های مزبور را سرپرستی کنید.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. هژبر یزدانی، از سرمایه داران بهایی و از شرکای دربار پهلوی بود که پیش از پیروزی انقلاب از کشور گریخت.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ۳۲۲.

۳. صحیفه امام، ج ٦، ص ۳٦۷.

▣ حکم

زمان: ۲۵ اسفند ۱۳۵۷/ ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: توقف محاکمات تا تصویب آیین نامه جدید دادگاههای انقلاب
مخاطب: دادگاههای انقلاب تهران و شهرستانها

بسم الله الرحمن الرحيم

نظر به اینکه تسریع در محاکمات و اجرای احکام درباره جنایتکاران فی‌الجمله منتفی شده است، لازم است از این پس محاکمات زیر نظر شورای انقلاب اسلامی و دولت انقلاب اسلامی صورت گیرد. و به همین منظور دستور داده شده است که شورای انقلاب اسلامی آیین نامه جدیدی تنظیم و تصویب نماید. از این رو لازم است دادگاه مرکزی تهران، از این تاریخ تا تصویب آیین نامه جدید، محاکمات را متوقف کند؛ و دادگاههای شهرستانها به کار بازپرسی و محاکمه ادامه دهند ولی اجرای احکام این دادگاهها از این پس موقوف به تأیید دادگاه مرکزی خواهد بود که طبق آیین نامه جدید صورت خواهد گرفت.

تذکر این نکته بجاست که تمامی دادگاههای انقلابی بجز رسیدگی به جرایم ضدانقلابی، حق هیچ گونه دخالت در امور دیگر از قبیل دزدی و سایر اموری که موجب حد می‌شود را ندارند؛ زیرا دادگاههای فوق العادهٔ انقلاب اسلامی فقط مربوط به رسیدگی به امور ضد انقلابی در حال حاضر و در دوران رژیم اختناق می‌باشد.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٣٧٩.

◙ حکم

زمان: ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ / ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: تهیه آیین نامه اجرایی شوراهای شهر و روستا
مخاطب: شورای انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای انقلاب اسلامی

در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، که از ضرورتهای جمهوری اسلامی است، لازم می‌دانم بی درنگ به تهیه آیین نامه اجرایی شوراها برای اداره امور محلی شهر و روستا در سراسر ایران اقدام، و پس از تصویب به دولت ابلاغ نمایید تا دولت بلافاصله به مرحله اجرا درآورد.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

◙ حکم

زمان: ۴ خرداد ۱۳۵۸ / ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: تدوین و تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان مخاطب: بازرگان، مهدی (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی

لازم است ملت مبارز ایران هر چه زودتر سرنوشت آینده مملکت خویش را به دست گیرد و ثمره انقلاب عظیم اسلامی خود را در همه روابط و نظامات اجتماعی به دست آورد و حقوق از دست رفته خود را باز یابد، و عدالت اسلام را در همه شئون جامعه پیاده کند. از این رو طرح قانون اساسی را که شورای طرحهای انقلاب، مشغول تدوین و تکمیل آن هستند با سرعت تکمیل، و به تصویب شورای انقلاب رسانده و

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱٦٧.

هر چه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه صاحبنظران و تمامی اقشار ملت در مدت محدودی که تعیین می نمایید پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند؛ و بنابر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت گرفته شد، ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیتهای مذهبی نمایندگان صاحبنظر خود را به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می کنند، انتخاب کنند. و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادهای مفیدی که رسیده است مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایند. و سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادیها و فرصتهای رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی که ضامن حقوق حقه همه افراد است و اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بدان رأی مثبت داده است پیش بینی گردد. پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحبنظر مردم مورد بررسی نهایی قرار گرفت، به رأی گذارده شود و طی یک همه پرسی نهایی، همه آحاد ملت قبول یا رد خود را مستقیم درباره آن ابراز نمایند. و سعی شود که تمام این مراحل در اسرع وقت انجام گیرد تا با انتخاب رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس، ارکان حکومت جمهوری اسلامی استقرار یابد.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۳۵۸ هـ‌ش. / ۱۳۹۹ هـ‌ق. مکان: قم

موضوع: آرم جمهوری اسلامی مخاطب: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

[یادداشت امام خمینی بر روی آرم مندرج در اسکناس‌ها:]

آرم جمهوری اسلامی باید باشد.[۲][۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۸۲ و ۴۸۳.

۲. قبل از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، اسکناسهایی که از سوی بانک مرکزی به چاپ

◙ حکم

زمان: ۱۱تیر ۱۳۵۸/ ۷شعبان ۱۳۹۹ مکان:قم
موضوع: انتصاب دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران و حومه
مخاطب: آذری قمی، احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ احمد آذری ـ دامت افاضاته

با توجه به وضع کنونی زندانهای تهران و احتیاج به تسریع در کار رسیدگی به‌پرونده‌های متهمین، بدین وسیله جنابعالی به دادستانی دادگاه انقلاب اسلامی تهران و حومه انتخاب و منصوب می شوید. امید آنکه پیرو این مأموریت، اقدام به رسیدگی و تسریع کارها نموده؛ و در هر حال احتیاط را مراعات نمایید. از خدای تعالی موفقیت آن جناب را خواستارم.(٤)

← می‌رسید دارای علامت «شیر و خورشید» بود که نمادی از نظام سلطنتی به شمار می‌آمد. امام خمینی بر روی علامت شیر و خورشید، خط کشیده و مرقوم داشته‌اند: «آرم جمهوری اسلامی باید باشد».

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۱٦.

٤. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۵۷.

▣ فرمان

زمان: ۲۵ تیر ۱۳۵۸ / ۲۱ شعبان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: استثناء شدگان از عفو عمومی
مناسبت: نیمه شعبان، میلاد مسعود حضرت ولی عصر (عج) مخاطب: دادستان دادگاههای انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دادستان دادگاههای انقلاب اسلامی کشور

نظر به اینکه در نیمه شعبان معظم ۹۹ روز میلاد مسعود حضرت ولی عصر کلیه متهمین که در رژیم سابق مرتکب تقصیراتی شده اند، به استثنای اشخاصی که ذیلاً ذکر خواهد شد، مورد عفو قرار گرفته، لازم است دستور دهید تمام دادگاههای انقلاب اسلامی سرتاسر کشور در اسرع وقت به پرونده متهمین رسیدگی نموده، و بخشوده شدگان را فوراً آزاد نمایند. استثناءشدگان عبارتند از:

۱ـ کسانی که شخصاً مبادرت به قتل شخص یا اشخاصی نموده‌اند.

۲ـ آنهایی که دستور قتل شخص یا اشخاصی را صادر کرده‌اند.

۳ـ افرادی که زندانیان را شکنجه داده و یا دستور آن را داده‌اند.

۴ـ اشخاصی که به نحوی از انحا از بیت المال سوءاستفاده نموده‌اند.

ضمناً توجه داشته باشید که بخشودگی مذکور شامل کسانی که قبل از عفو پانزده شعبان نود و نه، حکم دادگاه درباره آنها صادر شده است نمی‌شود. و نیز بعد از حکم عفو اگر کسی مرتکب جرمی شد، باید تعقیب و مجازات شود. و اکیداً اعلام کنید که هیچ کس حق ندارد مستقیماً متعرض قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری و شهربانی بشود؛ و متهمان در این دستگاهها باید به وسیله رؤسای خود آنان تسلیم دادگاه شوند، و متخلفین از این امر، مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۰۸.

▣ حکم

زمان:۱۳۵۸ه‍ش./ ۱۳۹۹ه‍ق. مکان:قم

موضوع:دستور تشکیل «اداره امر به معروف و نهی از منکر»[۱] مخاطب:شورای انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مرقوم مأموریت دارد که اداره ای به اسم «امر به معروف و نهی از منکر» در مرکز تأسیس نماید؛ و شعبه‌های آن در تمام کشور گسترش پیدا کند؛ و این اداره، مستقل و در کنار دولت انقلابی اسلامی است و ناظر به اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار ملت است. و دولت انقلاب اسلامی مأمور است که اوامر صادره از این اداره را اجرا نماید و این اداره مأمور است که در سراسر کشور از منکرات به هر صورت که باشد جلوگیری نماید و حدود شرعیه را تحت نظر حاکم شرعی یا منصوب از قبل او، اجرا نماید و احدی از اعضای دولت و قوای انتظامی حق مزاحمت با متصدیان این اداره ندارند. و در اجرای حکم و حدود الهی احدی مستثنی نیست حتی اگر خدای نخواسته رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است باید در مورد او اجرا شود.[۲]

---

۱. آقای سید احمد خمینی در سال ۱۳۷۲ ه‍. ش. این توضیحات را پیرامون حکم امام ذکر کرده اند: «این حکم چندی بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام خمینی صادر شد و به محض اینکه شایع شد که امام چنین حکمی صادر کرده اند، از طرف شورای انقلاب و دولت موقت آمدند و به هر وسیله ای که بود جلوی آن را گرفتند، به دو علت: الف: هنوز تشکیلاتی برای به اجرا در آوردن آن نیست. ب: هرج و مرج می‌شود و هر کس، هر فردی را به محکمه می برد و یا روحانیون شهرها که وارد هم نیستند، دخالت می کنند. امام گرچه به هیچ وجه قبول نداشتند، ولی چون عده ای گفتند، قبول کردند. بعدها معلوم شد که اگر این حکم به اجرا گذاشته می شد با توجه به جو انقلابی می‌توانستیم جلوی خیلی از کارهای خلاف را بگیریم. و به عقیده من دولت موقت از اینکه به محاکم کشیده شوند، هراس داشت».

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۱۳.

▣ پیام

زمان: ۲۷مرداد ۲۴/۱۳۵۸ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: فرمان پایان دادن به غائله پاوه
مخاطب: نیروهای نظامی و انتظامی، ژاندارمری و دولت

۲٤ شهر رمضان ۹۹ / ۲۷ مرداد ۵۸ بسم الله الرحمن الرحیم

از اطراف ایران، گروههای مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده‌اند که من دستور بدهم به سوی پاوه رفته و غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می‌کنم؛ و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم اگر با توپها و تانکها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم.

من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند؛ و به تمام پادگانهای ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند؛ و به دولت دستور می دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کنند.

تا دستور ثانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم. و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند، با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند. من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۵ و ۲۸٦.

◘ حکم

زمان:۱۳۵۸هـ.ش./۱۳۹۹هـ.ق. مکان:قم
موضوع: تقویت نیروهای انتظامی در کردستان
مخاطب: شاکر، محمد حسین (رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران)[۱]

بسمه تعالی

با مشورت با شورای انقلاب، هر طور مصلحت است عمل شود؛ و حتی‌الامکان از درگیری منتهی به کشتار احتراز شود. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◘ حکم

زمان: ۲شهریور ۱۳۵۸/ ۱شوال ۱۳۹۹ مکان:قم
موضوع: تشکیل دادگاه به منظور محاکمه سریع خیانتکاران مخاطب: بازرگان، مهدی (نخست وزیر)

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

با توجه به اینکه رؤسای ادارات کشوری و امنیتی و نظامی، جنایاتی علیه ملت ایران بر طبق شواهد و دلایل متقن و مستند انجام داده‌اند که قانوناً و شرعاً مستحق مجازات اند، بنابراین در اسرع وقت از طریق دادگستری، با تشکیل یک دادگاه انقلابی، برطبق مقررات اسلامی محاکمه، و به کیفر اعمال جنایت آمیزشان برسانید تا روح شهدای راه آزادی و استقلال، که در انتظار کیفر دژخیمان این قرن می‌باشد، تا حدی شاد گردد. والسلام علیکم.

باید حداکثر محاکم اینها دو روز باشد. اینها محکوم هستند لکن محاکمه در پیش خبرنگاران خارجی و داخلی شوند.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. مجوز فوق از سوی امام بنا به درخواست آقای محمدحسین شاکر، درباره «واگذاری پرسنل ارتشی به منظور تقویت نیروهای انتظامی در کردستان» صادر شده است.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۳.

۳. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲٤.

▣ حکم

زمان: ۲شهریور ۱۳۵۸ / ۱شوال ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: حمایت از خانواده شهدای نیروی انتظامی و پاسداران مخاطب: بازرگان، مهدی (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس بازرگان، نخست وزیر

برای بازماندگان شهدای قوای انتظامی، پاداشی در نظر بگیرید و بپردازید. و برای بازماندگان پاسداران، علاوه بر پاداش نظیر ارتشیان حقوق ماهانه، هزینه ای با توافق هیأت دولت و شورای انقلاب مقرر دارید که برای همیشه به آنان بدهند.

۱ شوال ۹۹ / ۲ شهریور ۵۸ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ فرمان

زمان: ۱۳۵۸هـ‌ش. / ۱۳۹۹هـ‌ق. مکان: قم
موضوع: رفع محاصره از افراد ارتشی در کردستان مخاطب: بنی صدر، ابوالحسن[۲]

[تلفن از آقای بنی صدر: «یک گردان «تقریباً سیصد نفر» از ارتش ایران، اکنون در یک گردنه کردستان در محاصره اند، و تا به حال ۶۵ نفر زخمی شده اند. دو راه وجود دارد: یا باید بمب ناپالم بزنیم که تقریباً عواقب تبلیغاتی سوئی دارد و یا اینکه در محاصره باشند و احتمال از بین رفتن همه این گردان وجود دارد تکلیف چیست؟ ... انصاری]

بسمه تعالی

باید این محاصره شدگان را نجات داد؛ هر عواقبی دارد مانع ندارد.[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲۵.

۲. ابوالحسن بنی صدر، در این زمان رئیس‌جمهور و جانشین فرمانده کل قوا بود. پیغام تلفنی ایشان را آقای محمدعلی انصاری «عضو دفتر امام خمینی» به استحضار امام رسانید.

۳. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳٦۷.

▣ حکم

زمان:۱۵آبان۱۳۵۸/۱۵ذی‌الحجه ۱۳۹۹ مکان:قم
موضوع : قبول‌استعفای نخست وزیر وبیان مأموریتهای شورای‌انقلاب مخاطب:شورای‌انقلاب‌اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی

چون جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، با ذکر دلایلی برای معذور بودن از ادامه خدمت، در تاریخ ۵۸/۸/۱۴ از مقام نخست وزیری استعفا نمودند، ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت‌فرسای ایشان در دوره انتقال، و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارٌالیه، استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال. و نیز شورا در اجرای امور زیر بدون مجال، مأموریت دارد:

۱ـ تهیه مقدمات همه پرسی قانون اساسی

۲ـ تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی

۳ـ تهیه مقدمات تعیین رئیس‌جمهور

لازم به ذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشأن، باید امور محوله را، خصوصاً آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاههای اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی خانمان، به طور انقلابی و قاطع عمل نمایند.

۵۸/۸/۱۵ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۰۰.

▣ حکم

زمان: ۱دی۱۳۵۸/ ۲صفر ۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع:انتصاب رئیس ستاد مشترک ارتش مخاطب:شادمهر، هادی

بسم الله الرحمن الرحیم

تیمسار هادی شادمهر

بنابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تیمسار به خدمت اعاده و به درجه سرلشکری مفتخر و به ریاست ستاد مشترک منصوب می گردید. از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران انتظار دارم که برای اداره امور ارتش و پاسداری از انقلاب و استقلال ایران در کمال صمیمیت، اخلاص و ایثار، همکاری نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۴دی۱۳۵۸/ ۲۵صفر ۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع:انتصاب امام جمعه تهران مخاطب:خامنه‌ای، سیدعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و حجت‌الاسلام آقای حاج سید علی خامنه‌ای ـ دامت افاضاته

چون حضور جناب مستطاب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای منتظری ـ دامت افاضاته در حوزه مقدسه قم لازم بود و ایشان انصراف خودشان را از امامت جمعه تهران اعلام نمودند، جنابعالی که بحمدالله به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل شایسته هستید به امامت جمعه تهران منصوب می باشید. از خداوند متعال، توفیق جنابعالی را در ارشاد و هدایت مردم خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۵ صفر ۱۴۰۰ / ۲۴ دی ماه ۵۸ روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳٦٥.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱٦.

▣ حکم

زمان:۱۵بهمن ۱۷/۱۳۵۸ربیع الاول ۱۴۰۰ مکان:تهران،بیمارستان قلب
موضوع:تنفیذ حکم ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر مخاطب:ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

بر اساس آنکه ملت شریف ایران با اکثریت قاطع جناب آقای دکتر سیدابوالحسن بنی صدر را به ریاست جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران برگزیده اند، و بر حسب آنکه مشروعیت آن باید به نصب فقیه جامع الشرایط باشد، اینجانب به موجب این حکم، رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به این سمت منصوب نمودم؛ لکن تنفیذ و نصب اینجانب و رأی ملت مسلمان ایران محدود است به عدم تخلف ایشان از احکام مقدسه اسلام و تبعیت از قانون اساسی اسلامی ایران.

از جناب ایشان می خواهم که مسئولیت خطیری که به موجب اراده ملت و بر اساس قانون اساسی به عهده ایشان گذارده شده است همچون امانتی الهی از آن پاسداری نمایند، و به پیمان خود در مقابل خداوند تعالی و خلق وفادار باشند، و با اعتماد به فضل خداوند و اعتماد ملت همچون محوری استوار برای هماهنگی نهادهای مسئول، حمایت از مبانی جمهوری اسلامی، در حوزه اختیارات و مسئولیتهای خود قرار گیرند، و در راه هدف ملت که آن تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی و استقرار نظام عدل اسلامی است با تمام توان بکوشند، و خداوند متعال را ناظر و حاضر دانند، و به وظیفه سنگینی که به عهده گرفته‌اند قیام کنند.

و از قشرهای مختلفه ایران خصوصاً متفکران و دانشمندان و احزاب اسلامی و سیاسی و قوای انتظامی می‌خواهم که در این لحظات حساس که بر کشور می گذرد با حسن نیت از ایشان و دولت اسلامی پشتیبانی نمایند، و از تفرقه و اختلاف و کارشکنی بپرهیزند؛ و تا ایشان بر محور عدل اسلامی عمل می‌کند و جانبدار

مستمندان و مستضعفان هستند و از اعمال شبه طاغوت اجتناب می کنند از همکاری و معاونت دریغ ننمایند.

از خداوند تعالی توفیق ایشان را در راه خدمت به بندگان خدا و به کشور اسلامی خواستارم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

عید پر برکت ولادت با سعادت ختمی مرتبت

۵۸/۱۱/۱۵ـ۱۷ شهر ربیع الاول ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۳۰بهمن ۱۳۵۸/ ۲ربیع الثانی ۱۴۰۰ — مکان: تهران، بیمارستان قلب

موضوع: انتصاب فرماندهی کل قوا — مخاطب: بنی صدر، ابوالحسن

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای بنی صدر، رئیس‌جمهور ایران

در این مرحله حساس که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر مرحله است جنابعالی به نمایندگی اینجانب به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است منصوب می‌شوید. امید است با شایستگی که جنابعالی دارید امور کشوری و لشکری و قوای مسلح به نحو شایسته و با موازین اسلامی جریان پیدا کنند. از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به ملت اسلامی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۷.

◘ حکم

زمان: ۴اسفند ۱۳۵۸/ ۶ربیع الثانی ۱۴۰۰
مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: انتصاب رئیس دیوانعالی کشور
مخاطب: حسینی بهشتی، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمد حسینی بهشتی ـ دامت افاضاته

نظر به اهمیت نقش قوه قضاییه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعالیم مقدس اسلام، به ریاست دیوانعالی کشور منصوب می شوید، تا با همکاری دادستان کل کشور، فقها، قضات، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوقدانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران بپردازید. امیدوارم خداوند متعال شما را در انجام این امر خطیر یاری فرماید.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

◘ حکم

زمان: ۴اسفند ۱۳۵۸/ ۶ربیع الثانی ۱۴۰۰
مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: انتصاب دادستان کل کشور
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی دامت افاضاته

نظر به اهمیت نقش قوه قضاییه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعالیم

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱٦۳.

مقدسه اسلام به ریاست دادستانی کل کشور منصوب می شوید تا با همکاری رئیس دیوانعالی کشور، فقها، قضات، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوقدانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران بپردازید. امیدوارم خداوند متعال شما را در انجام این امر خطیر یاری فرماید.

۴ اسفند ماه ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ / ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۰ **مکان: تهران، شمیران، دربند**

موضوع: واگذاری حفاظت جاسوسان امریکایی به عهده شورای انقلاب

مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد

۵۸/۱۲/۱۵ بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی [ها]

با قدردانی از زحمات ارزنده آقایان دانشجویان مسلمان ـ ایّدهم الله تعالی مقتضی است تا تکلیف قطعی که به عهده مجلس شورای اسلامی است، حفاظت جاسوسان امریکایی را به عهده شورای انقلاب قرار داده و به خدمت خودتان در این امر خاتمه دهید.[۲] والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ١٦٤.

۲. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که جاسوسان امریکایی مستقر در سفارت سابق امریکا در تهران را به گروگان گرفته و در اختیار داشتند، طی نامه‌ای به حضور امام خمینی، ضمن اشاره به موضعگیریهای ابوالحسن بنی‌صدر «رئیس‌جمهور» و دیگر مقامات دولتی علیه آنها، درخواست کردند که گروگانها را از آنها تحویل بگیرند. امام خمینی با این پیشنهاد موافقت نموده و کتباً به آقای موسوی خوئینی‌ها فرمودند: حفاظت گروگانها به شورای انقلاب محول شود تا مجلس شورای اسلامی بعداً درباره آنها تصمیم بگیرد. جاسوسان امریکایی طبق تصویبنامه ←

◘ حکم

زمان: ۲۵اسفند ۱۳۵۸/ ۲۷ربیع الثانی ۱۴۰۰ — مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی — مخاطب: کروبی، مهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی ایّده الله تعالی

ملت شریف ایران می‌داند که نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی مرهون فداکاری قشرهای مختلف ملت است که در صف اول باید شهدای انقلاب رحمة الله علیهم و کسانی که در این راه معلول و آسیب دیده شده اند، محسوب داشت. لهذا باید رسیدگی کامل به خاندان شهدا و آسیب دیدگان و معلولین در این راه، چه در حال انقلاب و چه قبل و بعد از آن به نحو احسن و با مراعات احترام آنان بشود.

لهذا لازم است سازمانی به سرپرستی جنابعالی و هیأتی از معتمدین متدین و آگاه و آشنا بدین گونه امور، برای این مقصد مهم تأسیس شود که با اجرای طرحهای مفید آن، ملت و دولت انقلابی، دین خود را در مقابل این گروه فداکار در راه انقلاب اسلامی ادا نمایند، شورای انقلاب موظف است برای این شروع مهم، بودجه کافی تصویب نماید و در اجرای آن سرعت عمل به خرج دهد و دولت و متصدیان امور، موظف هستند مواد زیر را مورد تصویب و اجرای سریع قرار دهند:

۱ـ اولویت فرهنگی: یعنی در مدارس و دانشگاه با تسهیلات مقتضی وارد شوند.

۲ـ اولویت اقتصادی: یعنی مسکن، زمین، وسائل زندگی و سایر مایحتاج زندگی برای آنان تهیه گردد.

← مجلس و براساس قرارداد معروف الجزایر بعد از ٤٤٤ روز آزاد شدند. امام خمینی گروگانگیری جاسوسان امریکایی را «انقلاب دیگری» نامیدند.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۳ـ اولویت در استخدام : یعنی خانواده شهدا و معلولین در استخدام دولت اولویت داشته و آنان که قدرت خدمت دارند به استخدام دولت درآیند.

۴ـ کارت مجانی برای سوار شدن آنان در اتوبوسهای دولتی داخل شهرها تهیه گردد.

۵ـ کارت نیمه بها برای استفاده از وسائل نقلیه بین شهری مثل قطار و هواپیما و غیره.

۶ـ تشکیل دفترچه مخصوص برای قدرت خرید از تعاونیهای دولتی.

۷ـ بیمه درمانی و استفاده از کارت ویژه خرید دارو.

۸ـ قرار دادن حقوق رسمی برای معلولین که قدرت کار ندارند و خانواده شهدا بالنسبه به افراد آن خانواده.

۹ـ ایجاد برنامه‌هایی در رادیو به عنوان معلولین و خانواده شهدا.

۱۰ـ سازمان موظف است بدون فوت وقت، معلولین و آسیب دیدگانی که احتیاج به معالجه دارند تحت علاج قرار دهد و در صورتی که با تصدیق طبیب لازم است برای معالجه به خارج کشور بروند، اسباب مسافرت و مخارج معالجه آنان را فراهم نماید.

ضمناً متذکر می‌شود که اگر سازمان در موارد مرقومه به اشکالی برخورد نمود و یا از طرف بعضی متصدیان اهمالی شد، اینجانب را مطلع نمایند تا در رفع آن به طور مقتضی عمل نمایم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

◙ حکم

زمان: ۱۵فروردین ۱۳۵۹/ ۱۸جمادی‌الاول ۱۴۰۰ — مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: انتصاب تولیت آستان قدس رضوی — مخاطب: واعظ طبسی، عباس

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ عباس واعظ طبسی ـ دامت افاضاته

نظر به سابقه ای که جنابعالی در اداره امور آستان مقدس حضرت ثامن الائمه صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین دارید و اعتمادی که در این باره به جنابعالی می‌باشد، به سمت تولیت آن آستانه مقدسه منصوب می شوید تا با کمال جدیت و به طور دقیق از متعلقات آنجا خصوصاًکتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر متعلقات آن آستان مقدس محافظت کامل را بفرمایید و از حیف و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید و حضرات خدام محترم نیز با جنابعالی در این امر لازم تشریک مساعی خواهند نمود.

و آنچه لازم به تذکر است این مطلب می‌باشد که هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی مانند جهاد سازندگی و همچنین وزارت ارشاد ملی و یا اشخاص عادی، حق دخالت در موقوفات و سایر متعلقات آستان قدس را ندارد.
از خدای تعالی موفقیت همگان را در انجام وظایف الهی مسئلت دارم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۸ جمادی الاولی ۱۴۰۰ / ۱۵ فروردین ماه ۵۹
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۲٤.

▣ اطلاعیه

زمان: اوایل ۱۳۵۹ هـ.ش. / ۱۴۰۰ هـ.ق.
مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: لزوم بیطرفی اعضای دفتر امام
مخاطب: اعضای دفتر و پاسداران بیت امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

من اخطار می‌کنم که به تمام کسانی که در دفتر هستند و یا در دفتر و منزل اینجانب می آیند که باید باکمال بیطرفی و بی نظری عمل کنند، و هیچ گفتار یاکرداری که از آن انتزاع طرفداری از اشخاص یاگروهها و مخالفت با اشخاص، یاگروهها گردد به جا نیاورند؛ و تخلف از این امر، مخالف شرع و مصلحت انقلاب اسلامی است. و کسانی که بخواهند تخلف کنند نباید در دفتر یا منزل اینجانب بمانند. و نیز به پاسداران اطراف منزل اخطار می‌کنم که حق ندارند تعرض و خلاف آداب اسلامی با اشخاص از هر گروهی هستند، روحانیون معظم و شخصیتهای دولتی و انقلابی، رفتار کنند.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۰ اردیبهشت ۲۴/۱۳۵۹ جمادی‌الثانی ۱۴۰۰
مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: انتصاب مشاور شورایعالی دفاع ملی
مخاطب: خامنه‌ای، سید علی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید علی خامنه ای ـ دامت افاضاته

برای تشکیل شورایعالی دفاع ملی بر مبنای اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جنابعالی به عنوان مشاور از قبل اینجانب منصوب می شوید. و چون ما در وضع استثنایی در این موقع هستیم، لازم است باکمال دقت و بررسی کامل گزارش جامع و دقیق در هر هفته از رویدادهای داخلی در ادارات مختلف ارتش برای اینجانب ارسال دارید.

۲۰ اردیبهشت ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۲۸.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۸۱.

◘ حکم

زمان: ۲۰اردیبهشت ۱۳۵۹/ ۲۴جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: انتصاب مشاور شورایعالی دفاع ملی مخاطب: چمران، مصطفی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر مصطفی چمران ایّده الله تعالی

برای تشکیل شورایعالی دفاع ملی بر مبنای اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جنابعالی به عنوان مشاور از طرف اینجانب منصوب می‌شوید. و در این موقع چون در وضع استثنایی هستیم، لازم است هر هفته با بررسی کامل و باکمال دقت رویدادهای داخلی ادارات مختلف ارتش را برای اینجانب ارسال دارید.

به تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

◘ حکم

زمان: ۲۳خرداد ۱۳۵۹/ ۲۹رجب ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی مخاطب: اعضای منتخب ستاد انقلاب فرهنگی

بسم الله الرحمن الرحیم

مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد، نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه گران که هم اکنون گاه گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد، و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند، که از دستاوردهای دانشگاهها به خوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علی رغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند؛ و ادامه این فاجعه که مع الأسف خواست بعض گروههای وابسته به اجانب است، ضربه ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد، و تسامح در این امر حیاتی، خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است. بر این اساس به حضرات آقایان محترم محمد جواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال‌الدین فارسی و علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحبنظر متعهد، از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیلکرده، متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورایی تشکیل دهند و برای برنامه ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها، بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده‌سازی اساتید شایسته متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند. بدیهی است بر اساس مطالب فوق دبیرستانها و دیگر مراکز آموزشی که در رژیم سابق با آموزش و پرورشی انحرافی و استعماری اداره می شد، تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند. از خداوند متعال توفیق آقایان را در این امر مهم مسئلت می‌نمایم و عظمت اسلام و کشورهای اسلامی را خواهانم. والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۳۱ و ۴۳۲.

▣ فرمان

زمان: ۱۶شهریور ۱۳۵۹/ ۲۷شوال ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: اهم وظایف دادگاههای ارتش مخاطب: دادگاههای انقلاب ارتش

بسم الله الرحمن الرحیم

به تمام دادگاههای ارتش اخطار می‌شود:

۱ ـ تعقیب افراد ارتش باید با اطلاع فرمانده شخص متهم باشد و دادگاههای ارتش خود مستقلاً نباید در بازداشت ارتشیها اقدام نمایند، و چنانچه مورد اتهام، یکی از فرماندهان ارتش باشد باید به وسیله فرمانده کل قوا احضار شود.

۲ ـ فرمانده شخص متهم، موظف است در مهلتی که دادگاههای ارتش، معین می‌نمایند متهم را به دادگاه تسلیم نماید.

۳ ـ در صورتی که شخص متهم در مدت مقرر در دادگاه حاضر نشد، دادگاه خود مستقیماً اقدام می‌نماید.

۴ ـ برای خدشه دار نشدن حیثیت افراد متهم، قبل از اثبات جرم، اقدام دادگاه باید به صورت غیرعلنی باشد و نشر و پخش آن از طرف دادگاه و غیره ممنوع اعلام می‌گردد.

۵ ـ دادگاههای غیر ارتشی عموماً و افراد غیر مسئول به هیچ وجه حق دخالت در این امور را ندارند و دخالت کنندگان تعقیب خواهند شد.

۱۶ شهریور ۱۳۵۹ / ۲۷ شوال ۱۴۰۰ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

▣ حکم

زمان: ۲۶شهریور ۱۳۵۹/۷ذی‌القعده ۱۴۰۰
مکان: تهران، جماران
موضوع: سرپرستی بنیاد مستضعفان
مخاطب: رجایی، محمدعلی (نخست وزیر)

۵۹/۶/۲۶ بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای رجایی نخست وزیر ایّده الله تعالی

چون وضع بنیاد مستضعفین موجب نگرانی اینجانب است و مسائل آن پیچیده است، لازم است جنابعالی امور بنیاد را در دست گرفته و تحت نظر اشخاص متدین متعهد کاردان، آن را به نفع مستضعفین اداره نمایید.

اطلاعات لازم را می توانید از هیأتی که اینجانب معین نمودم به دست آورید. ان‌شاءالله تعالی موفق در خدمت به اسلام و مسلمین و خصوص مستضعفین باشید.
والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۲دی ۱۳۵۹/۱۵صفر ۱۴۰۱[۲]
مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی به امور سرپرستی فرزندان شهدا
مخاطب: کروبی، مهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

پیرو مأموریتی که جنابعالی در مورد رسیدگی به وضع بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی از طرف اینجانب دارید، چون اخیراً گاهی دیده شده است که برای سرپرستی فرزندان شهدا بین اولیای آنان درگیریها صورت گرفته، لذا جنابعالی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۰.

۲. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۸۵، ذیل تاریخ ۵۹/۹/۲ درج کرده است که به استناد تاریخ مندرج در نسخه خطی، تاریخ ۵۹/۱۰/۲ صحیح است.

موظفید از طرف اینجانب به این موضوع رسیدگی نموده و حتی المقدور آنان را به صورتی راضی کنید و اگر میسر نشد، به هر نحو مصلحت دیدید رفع مشکل کنید. و از اولیای فرزندان شهدا نیز می خواهم که با در نظر گرفتن سعادت فرزندان شهدا و آینده آنان، موجبات این کار را به نحو آبرومندی فراهم کرده و روح شهدای عزیز را شاد نمایند. و امید است مسئولین محترم اداری و مردم نیز همکاریهای لازم را با جنابعالی در انجام وظایف محوله داشته باشند. از خدای تعالی موفقیت شما را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۵ صفرالخیر ۱۴۰۱

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۶۰/۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۰۱ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین هیأت حل اختلاف مسئولین — مخاطب: مهدوی‌کنی، محمدرضا

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی ـ دامت افاضاته

جنابعالی را به نمایندگی خویش تعیین نمودم تا با نماینده ای که جناب آقای بنی صدر و نماینده دیگری که جناب حجت‌الاسلام آقای بهشتی و جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی و جناب آقای رجایی تعیین می‌نمایند،[۲] موارد تخلفات از حقوق قانونی هر یک رسیدگی بنمایند؛ و نیز در زمان جنگ که زمانی استثنایی است، به اقوال و اعمال هر کس که موجب اختلاف و تشنج در کشور

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ٤٢٤.

۲. از طرف ابوالحسن بنی صدر، آقای شهاب الدین اشراقی «داماد امام خمینی» و از طرف آقایان: بهشتی و هاشمی رفسنجانی و رجایی، آقای محمدیزدی به عنوان نماینده «در هیأت حل اختلاف» تعیین شدند.

می‌شود رسیدگی بنمایند. و نیز در همین زمینه، مطبوعات و رسانه‌های گروهی را مورد بررسی قرار دهید، تا هر کس و هر چه به حسب رأی اکثریت متخلف و تخلف به شمار آمد در مرتبه اول به آنان تذکر دهید تا در اصلاح خود بکوشند؛ و در مرحله بعد به وسیله رسانه‌های گروهی به مردم شریف کشور معرفی، و در تمام موارد فوق به دادستان کل کشور[۱] گزارش دهید. و دادستان کل کشور شرعاً موظف است تا با بیطرفی کامل، پس از طی کردن مراحل قانونی، موافق موازین شرعی و قانونی با آنان عمل نمایند. انتظار می رود که آنچه را به عهده آقایان گذاشته شده است، که یک تکلیف شرعی است، قاطعانه و بدون غمض عین[۲] عمل نمایند.

لازم به تذکر است که برای اتحاد بیشتر بین نمایندگان، هیچ کدام از سه نماینده در خارج از جلسه حق بازگو کردن نظر خود و اظهار مخالفت با رأی اکثریت را که موجب تضعیف هیأت گردد نداشته؛ و در صورت تخلف، که موجب جنجال است، دادستان کل کشور با خود نماینده متخلف چون سایرین عمل خواهد نمود. لازم است نمایندگان و افرادی که آنان را تعیین می‌نمایند و همه نویسندگان و گویندگان برای حل معضلات جامعه دست در دست یکدیگر دهند و در حدود قانونی وظایف خویش برای پیشبرد مقاصد عالی اسلام تلاش نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور.

۲. چشم پوشی و اهمال.

۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

◙ حکم

زمان:۲۳فروردین ۱۳۶۰/۷جمادی‌الثانی ۱۴۰۱ مکان:تهران،جماران

موضوع:ضرورت جلوگیری ازمنکرات مخاطب:قدوسی،علی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای قدوسی، دادستان کل انقلاب

از قرار اطلاع منکراتی در سطح شهر تهران انجام می‌گیرد و جدیداً مراکز فحشا و مخالف عفت عمومی تجدید شده است.[۱] دادستان محترم موظف هستند در جلوگیری امثال این امور اقدام جدی فوری نمایند. لازم است دستور دهید که در سطح کشور از این نحو اعمال و منکرات جلوگیری نمایند و متخلفین را تعقیب نمایند. بدیهی است که شورایعالی قضایی نیز اقدامات لازم را می‌نمایند.

۲۳ فروردین ۱۳۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم شاه با دایر نمودن علنی مراکز فحشا در شهر تهران و برخی شهرهای دیگر، رسماً فرهنگ بی بند و باری اخلاقی را ترویج می نمود که این مراکز با پیروزی انقلاب برچیده شد. تلاش مجدد برای دایر نمودن مخفیانه اینگونه مراکز از سوی برخی عناصر فاسد و مخالف فرهنگ اسلام و بعضاً وابسته به محافل بیگانه هر از چندی رخ می نمود که با اعتراض مردم مؤمن ایران و برخورد قاطع رهبری انقلاب و مسئولین امر مواجه می گردید.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۸۶.

حکم

زمان: ۱۸ خرداد ۱۳۶۰ / ۵ شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب نمایندگان در امور حج
مخاطب: ایروانی، سید عبدالمجید ـ هاشمی گلپایگانی، سید علی ـ توسلی، محمدرضا ـ جلالی، حیدرعلی ـ طاهری خرم‌آبادی، سید حسن

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرات آقایان حجج اسلام: آقای حاج سید عبدالمجید ایروانی، و آقای حاج سید علی هاشمی گلپایگانی، و آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی، و آقای حاج شیخ حیدرعلی جلالی، و آقای حاج سیدحسن طاهری خرم آبادی ـ دامت افاضاتهم

از آنجا که حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی مذهبی جامعه مسلمانان می‌باشد و باید در انجام هر چه با شکوهتر و بهره برداری هر چه بیشتر از این اجتماع عظیم دینی سعی کافی مبذول شود، بدین وسیله حضرات آقایان محترم را برای رسیدگی به کار حجاج و زائران بیت‌الله الحرام در این سال تعیین و منصوب می نمایم، تا با همفکری و مشورت یکدیگر در رفع نیازمندیهای آنان بکوشند و از راهنماییهای لازم در موسم حج دریغ ننمایند؛ و آنان را به حساسیت زمان و موقعیت خطیر کنونی متوجه سازند؛ و این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله که شده می کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند.

و به همین جهت، لازم است از هرگونه عمل تفرقه انگیز خودداری کنند، که این یک وظیفه شرعی و الهی است. ضمناً متصدیان ادارات گوناگونی که به هر مناسبت کارشان با حج ارتباط پیدا می‌کند موظفند برای هماهنگی در کارهای خود با

صلاحدید و تصویب آقایان محترم کارها را انجام دهند. از خدای تعالی موفقیت همگان را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ پنجم شعبان المعظم ۱۴۰۱

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۰خرداد ۱۳۶۰/ ۷شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: عزل بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح

مخاطب: ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

آقای ابوالحسن بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده اند. (۲)

روح الله الموسوی الخمینی (۳)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ٤۱۰ و ٤۱۱.

۲. به استناد بندهای ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی، نصب و عزل فرماندهان عالیرتبه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از وظایف و اختیارات رهبری انقلاب است که براساس اختیارات مندرج در همین اصل، مسئولیت فرماندهی کل قوا بر عهده رهبری می‌باشد.

۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ٤۲۰.

▣ حکم

زمان: ۱ تیر ۱۹/۱۳۶۰ شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: عزل ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری

مخاطب: ملت ایران - رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس

[بسم الله الرحمن الرحیم

محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظلّه

محترماً به عرض می رساند، رأی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ پس از بحث و بررسی با حضور ۱۹۰ نفر به شرح زیر:

آرای موافق : ۱۷۷

رأی مخالف : یک نفر

آرای ممتنع : دوازده نفر

در مورد آقای سید ابوالحسن بنی صدر بر این قرار گرفت که «آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد» به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراتب برای اتخاذ تصمیم به خدمت امام عظیم الشأن گزارش می گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

۶۰/۳/۳۱ اکبر هاشمی رفسنجانی]

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.[1] اول تیرماه ۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. به موجب بند پنج اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عزل رئیس‌جمهور پس از حکم دیوانعالی کشور و یا رأی مجلس شورای اسلامی، از وظایف و اختیارات رهبری می‌باشد.

۲. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٤٨٠.

▣ حکم

زمان: ۱۱مرداد ۱۳۶۰/ ۱شوال ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای محمدعلی رجایی

مخاطب: ملت ایران رجایی، محمدعلی (رئیس جمهور)

بسم الله الرحمن الرحیم

با سپاس بی حد از الطاف کریمه خداوند متعال که توفیق به ملت شریف و متعهد ایران عطا فرموده که هر چه زمان می گذرد، مشکلات افزون می‌شود، بر تعهد آنان و حضورشان در صحنه و پشتیبانی شان از جمهوری اسلامی که فراورده فداکاریهای خودشان است، افزوده می‌شود. و به رغم تبلیغات دشمنان خارج و داخل، با اکثریت قاطع افزون از دوره سابق، جناب آقای محمدعلی رجایی ایّده الله تعالی را به ریاست جمهوری کشور اسلامی ایران برگزیده و این مسئولیت بزرگ و بار سنگین را بر عهده او گذاشته است. و چون مشروعیت آن باید با نصب فقیه ولیّ امر باشد[۱]، اینجانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم، و مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم‌الشأن در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند و از فرامین الهی و قانون اساسی تخطی ننمایند، این نصب و تنفیذ به قوت خود باقی است. و اگر خدای ناخواسته بر خلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهم گرفت.[۲] و باید ایشان توجه داشته باشند و از عمل ملت دریافته باشند که ملت دلاور نیز رأی خود را بر این اساس به ایشان داده اند، و من امیدوارم که در حفظ این امانت الهی و مسئولیتی که ملت بر عهده ایشان گذاشته است، با تمام توان کوشش نموده و از آن پاسداری نمایند

---

۱. به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امضای [تأیید و تنفیذ] حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم بر عهده رهبری نظام اسلامی یعنی ولی فقیه می‌باشد.

۲. به استناد اصل ۱۱۰ قانون اساسی.

و وفادار به پیمان خود در مقابل خداوند مقتدر حاضر و ناظر و ملت حاضر در صحنه و مراقب احوال و اوضاع باشند و به فرمان خداوند تبارک و تعالی که مؤمنان را به رحمت و عطوفت در بین خود و شدت در مقابل کفار و مخالفان اسلام دعوت فرموده است[۱] با تمام جدیت عمل کرده و در عمل به حق از کسی و از ملامت بدخواهان نهراسند. و در نظارت برقوای ثلاثه، طرف حق را در نظر گیرند و در خدمت به خلق خدا، خصوصاً توده‌های مستضعف، احساس غرور و سرافرازی نمایند، که اینانند وفاداران به اسلام و هواداران جمهوری اسلامی. و امید است در این موقع که دشمنان خارج و داخل دست به دست هم داده تا جمهوری اسلامی را به تباهی کشند، قشرهای مختلف ایران از علما و متفکران و محققان گرفته تا قوای مسلح و از دهقانان و کارگران و کارمندان و کارفرمایان تا بازرگانان و بازاریان و عشایر و سرحدنشینان، همفکر و هم صدا با رئیس‌جمهور محترم و دولت و مجلس و سایر ارگانهای اسلامی دست جنایتکاران و خائنان را قطع و در تشیید[۲] و تأیید جمهوری اسلامی کوشا بوده و در ساختن ایرانی مستقل و آزاد فداکار باشند و با وحدت کلمه به کشور خود و مردم محروم آن خدمت کنند.

تقارن رأی گیری برای رئیس‌جمهور با ایام و لیالی مبارک قدر و تنفیذ آن با عید سعید فطر، موفقیت آقای رئیس‌جمهور را در خدمت به کشور و ملت عزیز نوید می‌دهد. از خداوند متعال توفیق همگان را در ساختن کشور عزیز خواستار است.

یکم شوال المکرم ۱۴۰۱، عید سعید مبارک فطر موافق با ۱۱ مرداد ۱۳۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم».

۲. تقویت، تحکیم.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ٦٧ و ٦٨.

▣ حکم

زمان: ۲۰شهریور ۱۲/۱۳۶۰ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب فرماندهی سپاه پاسداران مخاطب: رضایی، محسن

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای محسن رضایی

شما را به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می نمایم[۱] تا با تعهد و مسئولیت کامل وظایف محول را انجام داده و در هماهنگی با سایر نیروهای مسلح جدیت نمایید. بدیهی است که کلیه پاسداران با تبعیت از فرماندهی در حفظ استقلال و انتظام کوشا می باشند. توفیقات جنابعالی را در این امر خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

هشدار نسبت به لزوم شکست حصر آبادان

من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. و [هشدار] می دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود؛ مسامحه نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود. فکر این نباشند که ما اگر اینها هم آمدند، بیرونشان می کنیم. اگر اینها آمدند، خسارات بر ما وارد می کنند. نگذارند اینها بیایند در آبادان وارد بشوند. از خرمشهر اینها را بیرون بکنند. حال تهاجمی بگیرند.[۳]

---

۱. به استناد وظایف و اختیارات رهبری، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲۴.

۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۳.

◙ نامه

زمان: ۵مهر ۱۳۶۰/۲۸ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: شکست محاصره آبادان و تقدیر امام از رزمندگان اسلام
مخاطب: فلاحی، ولی‌الله ـ ظهیرنژاد، قاسمعلی ـ رضایی، محسن (فرماندهان ارتش و سپاه)

بسم الله الرحمن الرحیم

تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد، و جناب آقای محسن رضایی ـ ایّدهم الله تعالی

تلگراف شما در خصوص فتح بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فداییان اسلام، و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طور کامل شکسته شده است[1] واصل گردید. اینجانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان

---

۱. متن تلگراف فرماندهان سپاه اسلام:

بسم الله الرحمن الرحیم

«محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و فرمانده کل قوا. در اجرای فرمان آن امام امت، دایر بر شکستن محاصره آبادان و انهدام نیروهای متجاوز در شرق رود کارون و براساس طرح پیشنهادی نیروی زمینی و سپاه در شورایعالی دفاع که در حضور جنابعالی ارائه و مورد تصویب قرار گرفت، در سحرگاه روز پنجم مهر ماه با شرکت لشکر ۷۷ تقویت شده خراسان و سپاهیان پاسدار انقلاب و نیروی هوایی و هوانیروز و ژاندارمری و فداییان اسلام و سایر نیروهای مردمی، اجرا و ظرف چند ساعت با اجرای یک مانور ماهرانه نیرویی از دشمن متجاوز عراق به استعداد یک لشکر تقویت شده اسیر و مجروح و منهدم و متواری گردید و شمال آبادان و شرق رود کارون باز پس گرفته شد و به طور کلی محاصره آبادان شکسته شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این پیروزی را مرهون لطف خداوند و رهنمودهای امام امت می‌دانند و این پیروزی را به امام امت و ملت ایران تبریک عرض می‌کنند.

جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ فلاحی؛ فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد؛ فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضایی».

ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گویم. و امید است این سرافرازیها را که برای اسلام و میهن فراهم می کنند منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم، بقیة الله ارواحنا له الفداء باشد. و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمینهای میهنمان است، ملت شریف بزودی مشاهده کند. اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ـ ایّدهم الله تعالی تقدیر و تشکر می‌کنم. از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و بخصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستار است. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ حکم

زمان: ۱۷مهر ۱۳۶۰/ ۱۰ذی‌الحجه ۱۴۰۱ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای(۲) — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ما ننسخ من آیة او ننسها نأت بخیر منها او مثلها﴾(۳)

گرچه دست جنایتکاران و منافقان، رئیس‌جمهور متعهد و مؤمنی را از ملت مجاهد ایران گرفت و یکی از خدمتگزاران صدیق را به شهادت رساند و ملت عزیز را

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۵٤ و ۲۵۵.

۲. در روز عید سعید قربان، با حضور امام خمینی و جمع زیادی از مسئولین عالیرتبه، علما و شخصیتهای سیاسی و فرهنگی و نظامی و مردم و خانواده‌های شهدا، مراسم تنفیذ حکم سومین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید. در این مراسم آقای سید احمد خمینی متن نامه‌های وزیر کشور و شورای نگهبان را مبنی بر اعلام صحت انتخابات قرائت نمود و سپس ایشان متن حکم امام خمینی در مورد تنفیذ انتخابات را برای حاضران خواند.

۳. سوره بقره، آیه ۱۰٦: «ما هیچ آیتی را نسخ نمی کنیم و یا آن را از یادها نمی بریم مگر آنکه بهتر و یا مثل آن را بیاوریم».

از خدمت او، و او را از خدمت به ملت محروم کرد و گمان کرد که با ترور اشخاص، ملت بپاخاسته از تصمیم خود عقب می نشیند و در خدمت به اسلام بزرگ سستی می‌ورزد و در نتیجه راه برای قدرتهای چپاولگر باز می‌شود، ولی شرکت بی سابقه مردم کشور، امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید.

امریکا و تروریستهای وابسته و پیوسته به آن با تبلیغات خود ملت شریف ایران و ارتش وفادار به اسلام را از هدف بزرگ اسلامی شان منحرف معرفی می‌نمایند، و وسایل ارتباط جمعی غرب، خصوصاً امریکا و صهیونیزم برای جهانخواران و مزدورانشان کاخهای سفید خیالی ساخته تا با شکست ایران در انتخابات، به سوی ایران مهد شیرزنان و شیرمردان، هجوم آورده و با محو اسلام، حکومت سلطنتی یا جمهوری دمکراتیک خلق[1] برقرار و کشور را تا ابد مورد چپاول قدرتمندان خصوصاً امریکا قرار دهند. ولی شرکت عمومی ملت شجاع و متعهد در انتخابات و پیروزیهای پی در پی قوای مسلح در جنوب و غرب و حضور مداوم ملت در سرتاسر کشور از طرفی، و از طرف دیگر سرکوبی اشرار وطن فروش در داخل و پشت جبهه و به انزوا کشیدن ملی گرایان پیوسته به امریکا، کاخهای تخیلی آنان را فروریخت.

خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس‌جمهوری متعهد و مبارز، در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست هدایت فرمود که امید است با حسن تدبیر و کمک قوای سه گانه و پشتیبانی ملت بزرگ، مشکلات یکی پس از دیگری رفع و احکام مقدس اسلام به طور دلخواه در

---

۱. در مقابل نظریه امام خمینی مبنی بر اینکه نظام سیاسی ایران «جمهوری اسلامی» می‌باشد که با تأیید اکثریت قاطع ملت ایران در رفراندم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و همه پرسی قانون اساسی همراه بود، گروهکهای چپگرا و مخالفین جمهوری اسلامی و برخی از ملیگرایان قیدهای دیگری را به عنوان پسوند «جمهوری» مطرح می‌کردند که با بی اعتنایی و مخالفت مردم روبرو گردید.

سطح کشور اجرا گردد.

اینجانب به پیروی از ملت عظیم الشأن و با اطلاع از مقام و مرتبت متفکر و دانشمند محترم جناب حجت‌الاسلام آقای سید علی خامنه‌ای ایّده الله تعالی رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم.[۱] و رأی ملت مسلمان متعهد و تنفیذ آن محدود است به اینکه ایشان به همان نحو که تا کنون خدمتگزار اسلام و ملت و طرفدار قشر مستضعف، و به حکم قرآن کریم ﴿اشدّاء علی الکفار رحماء بینهم﴾[۲] بوده‌اند از این پس نیز به همان تعهد باقی باشند و از طریق مستقیم انسانیت و اسلام انحراف ننمایند، که ان‌شاءالله نمی‌نمایند. و در این موقع خطیر که بدخواهان خارج و داخل و بلندگوهای ابرقدرتها خصوصاً امریکای جنایتکار با هر وسیله می‌خواهند ملت و دولت و مجلس و دادگاههای ایران را متهم کنند و به گمان فاسد خود تزلزلی در ارکان جمهوری اسلامی ایجاد نمایند، لازم است رئیس‌جمهور با کمک همه ارگانهای جمهوری اسلامی و با تشریک مساعی یکدیگر جریانات امور را به طوری هماهنگ و موافق اسلام کنند که بهانه را از دست بدخواهان بگیرند؛ گرچه بسیاری از آنان با احکام اسلام و حدود و تعزیرات آن موافقت ندارند.

آقای رئیس‌جمهور و سایر دست‌اندرکاران و دولتمردان در جمهوری اسلامی باید بدانند که ملت شریف ایران بر همه آنان محبت و منت دارند، چرا که این ملت فداکار است که در اول انقلاب با نثار خون جوانان خود و زحمات طاقت فرسا پیروزی را به دست آورد و همه را از زندانها و تبعیدها و انزواها و اختناقها نجات داد

---

۱. به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امضای «تأیید و تنفیذ» حکم ریاست جمهوری، پس از انتخاب مردم، از وظایف و اختیارات رهبری می باشد.

۲. سوره فتح، آیه ۲۹: «محمد (ص) فرستاده خداست، و آنانی که با اویند برکافران سختگیر، و بین خویش مهربان هستند».

و حکومت را از ستمگران بازستاند و به آنان تحویل داد. و همین ملت است که از اول پیروزی تاکنون در صحنه بوده و از کشور و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و دولت و مجلس و شورایعالی قضایی و دادگاهها پشتیبانی نموده، و با کمک و همت همین ملت، دشمنان داخل و خارج را سرکوب و حزب الله را به جای احزاب و گروههای شیطان نشاند. و هم اینانند که با شوق و شعف به آقای رئیس‌جمهور بیش از شانزده میلیون رأی دادند و بر کرسی ریاست جمهوری نشاندند؛ و هم اینانند که به خواست خداوند تعالی قادرند کشور را حفظ و از شر شیاطین نجات دهند؛ و اینانند که بر همه ماها و شماها حق دارند و همه می‌بایست دیْن خود را به آنان ادا کنیم و در خدمت ملت خصوصاً مستضعفین که سنگینی این جمهوری به دوش آنان بوده و بدون کوچکترین توقعی در خدمت اسلامند، با جان و دل کوشا باشیم. و مادام که همه ما و شما در خدمت مردم هستیم آسیبی به جمهوری اسلامی وارد نمی‌شود و ملت بزرگ و بیدار و در صحنه جواب همه یاوه سرایان و زورگویان را می‌دهد. از خداوند متعال پیروزی اسلام و مسلمین را خواستارم. والسلام علی عباد الله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◙ حکم

زمان: ۲۱اردیبهشت ۱۳۶۱/۱۷رجب ۱۴۰۲ (۲) مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نماینده در نهضت سوادآموزی مخاطب: قرائتی، محسن

۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محسن قرائتی ـ دامت افاضاته

نظر به اهمیت امر سوادآموزی و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و با توجه به تجربیاتی که در این باره دارید، جنابعالی را به سمت نماینده خود در سازمان

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۷۸ و ۲۸۰.

۲. در صحیفه نور ذیل تاریخ ٦١/٢/٢٠ درج شده است اما تاریخ مندرج در نسخه خطی ٦١/٢/٢١ می‌باشد.

نهضت سوادآموزی تعیین می نمایم. امید است با هماهنگی هر چه بیشتر با مسئولان محترم این سازمان و وزارت آموزش و پرورش، مسئولیت سنگین خویش را بهتر انجام دهید. بدیهی است که کمک و مساعدت دست‌اندرکاران امر نهضت و وزارت آموزش و پرورش و استفاده از تمامی امکانات موجود، پیروزی شما را بر عفریت بیسوادی که یکی از میراثهای شوم نظام طاغوتی است سریعتر می‌نماید. از خدای تعالی موفقیت شما را در این راه مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◘ حکم

زمان: ۲۹اردیبهشت ۲۵/۱۳۶۱رجب ۱۴۰۲
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب عضو هیأت امنای بنیاد ۱۵خرداد
مخاطب: عسکراولادی، حبیب‌الله

بسمه تعالی

جناب آقای حبیب الله عسکراولادی را که سوابق طولانی با اینجانب دارند و ایشان شخص صالح و کارآمد متدینی هستند به سمت عضویت هیأت بنیاد ۱۵ خرداد تعیین نمودم. و ایشان دارای اختیارات به اندازه هر یک از اعضای این بنیاد می باشند و در رأی هم مثل هر یک از اعضا می باشند. ان‌شاءالله تعالی این هیأت محترم، موفق به خدمت برای پیشبرد مقاصد این بنیاد باشند.

۲۹اردیبهشت ۱۳۶۱ / ۲۵ رجب ۱۴۰۲

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ١٦، ص ٢٤٨.

۲. صحیفه امام، ج ١٦، ص ٢٥٥.

◘ حکم

زمان: ۱۵ تیر ۱۳۶۱/ ۱۴ رمضان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت رسیدگی به عوامل ترور شخصیتهای مذهبی و سیاسی
مخاطب: رضایی، محسن (فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

بسمه تعالی

آقای محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران انجام گرفتن ترورهای مشابهی نسبت به روحانیین معظم و مؤثر همچون شهید مدنی[۱] و شهید دستغیب[۲] و شهید هاشمی نژاد[۳] و حمله به آقای احسان بخش[٤] و اخیراً شهادت شهید معظم مرحوم صدوقی[٥] ایجاد نگرانی و تردید و سؤال کرده است، و نسبت به پاسداران محافظ آنان بویژه محافظان شهید صدوقی سوء ظن ایجاد شده است و بسیار سؤال انگیز گردیده است، و مثل این سرمایه‌های بزرگ جمهوری اسلامی نباید با این وضع اسفبار از دست ملت بروند. و چون مسئول این امور سپاه است، شما مأمور هستید با دقت و بررسی اطراف قضیه، و بررسی از سوابق پاسداران محافظ گزارشی بفرستید، و لازم است برای این امر مهم از پاسداران آزموده و با سابقه و متعهد استفاده شود که مثل این خسارات واقع نشود.[٦]

۱۵ تیر ۶۱

روح الله الموسوی الخمینی[۷]

---

۱. آقای سید اسدالله مدنی، امام جمعه تبریز؛ روز جمعه ۱۳٦۰/٦/۲۱ به وسیله منافقین به شهادت رسید.

۲. آقای سید عبدالحسین دستغیب، امام جمعه شیراز؛ در روز ۱۳٦۰/۹/۲۰ توسط منافقین به شهادت رسید.

۳. آقای سید عبدالکریم هاشمی نژاد، دبیر حزب جمهوری اسلامی در مشهد؛ در روز ۱۳٦۰/۷/۷ توسط منافقین به شهادت رسید.

٤. آقای صادق احسان بخش، نماینده امام و امام جمعه رشت که مورد حمله تروریستها قرار گرفت و مجروح شد.

٥. آقای محمد صدوقی، امام جمعه یزد؛ در روز ۱۳٦۱/٤/۱۱ به دست منافقین به شهادت رسید.

٦. در ذیل نامه چنین مرقوم شده است: «رونوشت: ۱ـ حضرت آقای رئیس‌جمهوری محترم. ۲ـ حضرت آقای رئیس مجلس شورای اسلامی. ۳ـ حضرت آقای نخست وزیر محترم»

۷. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۳۷٤.

▣ نامه

زمان: ۵مرداد ۱۳۶۱/ ۶شوال ۱۴۰۲
مکان: تهران، جماران
موضوع: اختیارات دادستان کل کشور
مخاطب: شورایعالی قضایی

بسم الله الرحمن الرحيم

شورایعالی قضایی

چون وضع کشور در حال حاضر طوری است که لازم است آقای آقا سیدحسین موسوی که تاکنون ثابت نموده شایستگی خود را، بر طبق همین ورقه به ایشان اختیارات دهید و پس از این توجه به مصالح کشور را در نظر داشته باشید.[۱]

۶ شوال ۱۴۰۲ / ۵مرداد ۶۱

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ حکم

زمان: ۹مرداد ۱۳۶۱/ ۱۰شوال ۱۴۰۲ **مکان:** تهران، جماران
موضوع: حدود اختیارات دادستان کل کشور
مخاطب: موسوی تبریزی، سید حسین (دادستان کل کشور)

بسم الله الرحمن الرحيم

دادستان کل انقلاب اسلامی کشور

جنابعالی موظفید فقط در محدوده اختیاراتی که در تاریخ ۶۰/۶/۹ از طرف شورایعالی قضایی به شما داده شده است عمل نمایید. ضمناً به کلیه دادسراهای انقلاب در سطح کشور بخشنامه نمایید که به هیچ وجه در خارج از اموری که در

---

۱. در مورد این حکم به توضیح مندرج در پاورقی (۱) حکم مورخ ۱۳۶۱/۵/۹ امام خمینی به آقای سید حسین موسوی تبریزی مراجعه کنید.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۹۶.

صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب می‌باشد دخالت نکنند، و بخشنامه‌های قانونی شورایعالی قضایی را دقیقاً عمل کنند. و شما نیز به هر مسئله ای که از طریق شورایعالی به شما ارجاع می‌شود سریعاً رسیدگی و جواب قانع کننده ای به شورا بدهید. ضمناً شما در مقابل شورایعالی قضایی مسئول می باشید. و شورایعالی قضایی، بخشنامه‌های مربوط به دادگاهها و دادسراهای انقلاب و کلیه امور مربوط به ضد انقلاب اعم از زندانها و شکایات از دادسراها و دادگاهها را از طریق شما انجام خواهند داد.[1]

۹ مرداد ۶۱ / ۱۰ شوال ۱۴۰۲

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. آقای سید حسین موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی وقت، درباره چگونگی صدور این حکم و حکم مورخ ۱۳٦۱/۵/۵، در فاصله ای اندک و علت صدور آن می نویسد: «این دو دستخط مبارک حضرت امام سلام الله تعالی علیه در تاریخ ٦۱/۵/۵ و ٦۱/۵/۹ مربوط می‌شود به اختلافی که میان بنده و شورایعالی قضایی آن وقت در رابطه با تفکیک مسئولیتهای قضایی پیش آمده بود. حکم شورایعالی قضایی به صورتی که مشاهده می‌شود، در موقع بسیار حساس که منافقین کاملاً ایجاد رعب و وحشت کرده بودند صادر، و پس از حدود ده ماه، احساس امنیت که کردند، خواستند مسئولیتهای حقیر را محدود و در واقع دادستانی کل انقلاب را محدود سازند، ولی با مخالفت حضرت امام مواجه شد و دستخط مبارک ٦۱/۵/۵ را نوشتند. سپس بعضی از اعضای شورا خدمت ایشان رسیدند، به اعتقاد اینکه ایشان را قانع کنند که از نوشته خود برگردند، لیکن امام امت، دستخط ٦۱/۵/۹ راکه محکمتر و با اختیارات بیشتر است نوشتند که متأسفانه با چه برخوردهایی از طرف بعضیها مواجه شدند، خدا می‌داند. والله علی ما عملوا خبیر و بصیر. والی الله الامور و الیه المشتکی».

۲. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۳۹۷.

◙ حکم

زمان: ۱۴مرداد ۱۳۶۱/۱۵شوال ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت‌الله الحرام
مخاطب: خوئینی‌ها، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای سید محمد خوئینی‌ها ـ دامت افاضاته

با فرا رسیدن ایام حج، این فریضه بزرگ عبادی سیاسی و اجتماعی، که در بین عبادات بزرگ از ویژگیهای خاص برخوردار است و خداوند تبارک و تعالی مسلمانان جهان را با شرایط خاص دعوت نموده است تا در ضمن به جا آوردن این فریضه بزرگ از اموری که در بلاد مسلمین از جهات اجتماعی و سیاسی می گذرد مطلع شده و اگر گرفتاریهایی دارند با یکدیگر در میان گذاشته و حتی‌الامکان در رفع آن کوشا باشند، و مع الأسف بسیاری از مسلمانان به واسطه کج رویها و یا کج فهمیهای بعضی عناصر و یا دسیسه‌های بعض از دست‌اندرکاران سودجو بعد سیاسی این عبادت شریف را به طاق نسیان سپرده‌اند، جنابعالی را به سمت نماینده خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب نمودم، که با بینش خاص سیاسی که دارید به امور حجاج از ابعاد مختلفه رسیدگی نموده و برای احیای این سنت بزرگ الهی در خطابه‌ها و مراسم دینی مسلمین را به وحدت کلمه و اتحاد مسیر دعوت نموده، و آنان را از آنچه در لبنان عزیز و ایران مجاهد و افغانستان مظلوم از ستمکاران و جهانخواران می‌گذرد مطلع نمایید، و حجاج محترم بلاد را به وظایف بزرگ خود در مقابله با چپاولگران بین المللی و تجاوزکاران آشنا نمایید. البته علمای محترمی که در این سفر هستند، چه آنان که با تقاضای اینجانب مشرف شده‌اند و چه دیگران، جنابعالی را تأیید می فرمایند. و حجاج محترم موظفند که به راهنماییهای شما گوش فرا دهند و از خطوطی که برای آنان ترسیم می نمایید اطاعت نموده و تجاوز ننمایند، تا ان‌شاءالله تعالی این فریضه عظیم با محتوا و ابعاد متعددش به جا آورده شود.

بدیهی است که متصدیان امور که به هر مناسبت کارشان با این فریضه و با حجاج محترم مرتبط است برای هماهنگ نمودن کارها موظفند با شما همکاری و از ارشاداتان استفاده نمایند. امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه کوشا، و از اخوت ایمانی، که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است، غفلت ننمایند؛ و از تفرقه افکنی، که کار شیطان و شیاطین انسی است، احتراز نمایند. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۴ آذر ۱۳۶۱/ ۲۹ صفر ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران

موضوع: «فرمان هشت ماده‌ای» درباره حقوق مردم، قانون، قوه قضاییه و لزوم اسلامی شدن روابط و قوانین

مخاطب: قوه قضاییه و ارگانهای اجرایی

بسم الله الرحمن الرحیم

در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگانهای دولتی بویژه دستگاههای قضایی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان شاء الله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند:

۱ ـ تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتر برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد، که کار قوه قضاییه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر

---

۱. صحیفه امام، ج ١٦، ص ٤٠٠ تا ٤٠١.

قرار گیرد.

۲ـ رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستانها و دادگاهها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور، شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد. و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیهای جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزشهایی که در رژیم سابق داشته اند، مگر آنکه با قرائن صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.

۳ـ آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاههای انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

۴ـ هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵ـ هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول، و در مورد حق

کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶ـ هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷ـ آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیتهای مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الأرض اجتماع می کنند و محارب خدا و رسول می باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگانهای دولتی و دستگاههای قضایی و دانشگاهها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستانها و دادگاهها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرره و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند.

و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز

جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محلهای کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

۸ـ جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، و جناب آقای نخست وزیر[۱] موظفند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند. و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداریها و فرمانداریها و بخشداریها هیأتهایی را که مورد اعتماد و وثوق می باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، که به حقوق و اموال آنان سر می زند بدین هیأتها ارجاع نمایند و هیأتهای مذکور نتیجه را به آقایان

---

۱. آقای میرحسین موسوی.

تسلیم، و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند.

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم‌الاوصیاء و بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء و پشتیبانی بی نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواسته به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود.

باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزشها و خطاها حفظ فرماید، و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله متصل فرماید «انه قریب مجیب». والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹ تا ۱۴۳.

◙ حکم

زمان: ۴دی ۱۳۶۱/ ۹ربیع الاول ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین اعضای «ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای»(۱)

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم ـ موسوی، میرحسین ـ امامی کاشانی، محمد ـ ناطق نوری، علی اکبر ـ محقق داماد، سید مصطفی ـ آقازاده، غلامرضا

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرات آقایان حجج اسلام، آقایان: موسوی اردبیلی «رئیس دیوانعالی کشور»، میرحسین موسوی «نخست وزیر»، امامی کاشانی «رئیس دیوان عدالت اداری»، محقق «رئیس بازرسی کل کشور»، ناطق نوری «وزیر کشور» و آقازاده «وزیر مشاور»، با اکثریت آرا حق دارند متخلف یا متخلفین را پس از تشخیص، عزل نمایند.

توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

◙ حکم

زمان: ۱۵دی ۱۳۶۱/ ۲۰ربیع الاول ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران

موضوع: انحلال هیأتهای گزینش در سراسر کشور، و تأسیس هیأتهای دارای صلاحیت

مخاطب: ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری «فرمان هشت ماده‌ای»

بسم الله الرحمن الرحیم

ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری

اخیراً چند کتاب به عنوان سؤالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف شدم از آنچه در این کتابها و جزواتی از این قبیل به اسم اسلام، این دین انسان ساز الهی، برای گزینش عمومی مطرح شده است و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده اند. این نوشته‌ها که مشحون از سؤالات غیر مربوط به اسلام و

---

۱. صادر شده در تاریخ ٢٤ آذر ١٣٦١؛ که در ذیل تاریخ مذکور، در همین مجموعه درج شده است.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۷۲.

دیانت و احیاناً مستهجن و أسف آور است از آنجا که به اسم دیانت اسلام منتشر شده است، از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است، و به وزیر ارشاد توصیه نمودم که امثال این کتب را در اسرع وقت جمع‌آوری و فروش و خرید و نشر آنها را ممنوع شرعی اعلام نمایند. شاید بسیاری از افرادی که در تدوین آنها دخالت داشته‌اند دارای حسن نیت بوده اند، لکن احتمال نفوذ شیاطین در این نحو مسائل قوی است که برای مشوه نمودن چهره نورانی اسلام یا جمهوری اسلامی به این امر اقدام نموده اند. لهذا مراتب زیر را از ستاد محترم خواستارم:

۱ـ تمام هیأتهایی را که به نام گزینش در سراسر کشور تشکیل شده اند، منحل اعلام می نمایم، چه در قوای مسلح یا در وزارتخانه‌ها و ادارات، و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاه‌ها، تمام آنها منحل است و ستاد انحلال را اعلام نماید.

۲ـ ستاد موظف است در اسرع وقت دستور دهد تا هیأتهایی به جای هیأتهای منحله، از افراد صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسائل روز تعیین تا در گزینش افراد صالح، بدون ملاحظه روابط اقدام نمایند، و گزینش زیر نظر آنها انجام گیرد، و دقت شود تا این افراد، تنگ نظر و تندخو و نیز مسامحه کار و سهل انگار نباشند. و چنانچه قبلاً تذکر داده‌ام میزان در گزینش، حال فعلی افراد است، مگر آنکه از گروهکها و مفسدین باشند، یا حال فعلی آنها مفسده جویی و اخلالگری باشد. و اما کسانی که در رژیم سابق به واسطه جو حاکم یا الزام رژیم ستمگر مرتکب بعضی نارواها شده‌اند ولی فعلاً به حال عادی و اخلاق صحیح برگشته اند، تندرویهای جاهلانه در حق آنها نشود که این ظلم است و مخالف دستور اسلام، و باید ممنوع اعلام شود.

۳ـ از آنجا که بسیاری از سؤالهای اسلامی این کتابچه‌ها از مسائل غیر محل

اطلاع می‌باشد که شاید فضلا و علمای زحمتکش نیز در جواب آنها عاجز باشند، و نیز بعض آنها غلط و بعضی از سؤال و جوابها بر خلاف است، این نحوه سؤالات به هیچ وجه معیار در گزینش افراد نیست، و ندانستن آنها برای آنان اشکال و عیبی ندارد. لازم است ستاد محترم، اشخاصی را مأمور کند که اگر افرادی، چه به واسطه سؤالهای شرعی، که دانستن آنها برای این اشخاص لزوم ندارد، و چه سؤالهای ناروایی که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات و یا وزارتخانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند و یا به واسطه آن استخدام نشده‌اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم پذیرش به صرف این امور یا اشباه آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آنها شده است ظلم فاحش است، و محروم نمودن کشور از اشخاص مفید می‌باشد که از همه اینها باید جلوگیری شود. و نیز از افراد صحیحی که در هیأتهای گزینش بوده اند، قدردانی شود و به افراد دیگر آنها نصیحت شود تا نظیر این افعال در کشور اسلامی واقع نشود.

۴ـ ستاد محترم دستور دهد کتابچه‌های مختصری شامل بعضی از مسائل شرعی که محل اطلاع عمومی است، و مسائل اعتقادی که دانستن آنها در اسلام لازم است به طور ساده، بدون معماها که در این کتب و نشریات انحرافی موجود است، و بعضی مسائل مناسب با شغل افراد، با نظارت اشخاص مطلع از احکام اسلام و متوجه به اطراف مسائل سیاسی و اجتماعی تهیه شود و آنها را در دسترس افراد قرار داده، و در صورت احتیاج اشخاص را آموزش دهند، و بدون آموزش، سؤال از آنها نشود و میزان رد و قبول، موازین اسلام و انسانی باشد که هدایت جاهلان، منظور نظر اصیل است.

۵ـ تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروههای خرابکار مطلقاً ممنوع است، و سؤال از افراد به اینکه چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می‌شود، مخالف اسلام و تجسس کننده، معصیتکار

است. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلامی و خلاف شرع مطهر ممنوع شود.

۶ـ بنا به گزارش رسیده، بعضی از کلاسهای درسی که در ارتش و سپاه و سایر مراکز نظامی و انتظامی تأسیس شده است، بسیار مستهجن و مبتذل است. باید این کلاسها به وسیله اشخاص عالم، عاقل و متعهد اداره شود، و نمایندگان اینجانب در نیروهای نظامی و انتظامی با کمال جدیت به اصلاح آنان پرداخته و به کار خود ادامه دهند. این ستاد موظف است برای هر وزارتخانه یا مراکز دیگر کتابچه‌هایی مناسب با کار آنان به صورتی معقول و اسلامی تهیه نموده و از تعلیمات جاهلانه و احیاناً ضد انقلابی جلوگیری نمایند. از خداوند تعالی توفیق آقایان را در امور محوله و حسن جریان آن را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۰ خرداد ۱۳۶۲/ ۱۸ شعبان ۱۴۰۳ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: ادامه کار ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی توسط قوه قضاییه

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)؛ موسوی، میر حسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی. حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ـ دامت برکاته

حدود پنج ماه است به دنبال «فرمان هشت ماده ای»، ستاد پیگیری تشکیل گردیده و در این مدت علی رغم مشکلات زیاد و با تلاش پیگیر و شبانه روزی به انجام وظایف و مسئولیت خود مشغول شد و مقداری از عملکرد خود و نتایج به دست آمده طی دفتری تقدیم خدمت نمود و بقیه شکایات را به مراجع صلاحیتدار ارجاع تا به نوبت رسیدگی شود. از آنجا که کلیه این امور جنبه قضایی دارد و فعلاً هم همه ارگانهای قضایی، شورایعالی قضایی، دیوانعالی کشور، محکمه انتظامی، سازمان

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۱۹ تا ۲۲۱.

بازرسی کل کشور و محاکم و دادسراها کاملاً آمادگی دارند مسئولیت محوله را به عهده گرفته و انجام دهند اگر حضرت مستطاب عالی صلاح می دانید و امر می فرمایید رسیدگی به کارهای ستاد و ادامه این کار به عهده قوهٔ قضاییه باشد و برادرانی که در کارهای اجرایی مشاغل و مسئولیتهای اجرایی دارند با فراغت بیشتر به آنها برسند. ضمناً از روحانیت مبارز و تمام بازرسان قضایی واجرایی که تاکنون زحمات زیادی را متحمل شده‌اند به‌طوری که اگر همکاری بی شائبهٔ آنها نبود ستاد نمی توانست این کار را با حجم بسیار بزرگش [به انجام] برساند، تشکر و تقدیر می کنیم اطال الله بقائکم.

رئیس دیوانعالی کشور، عبدالکریم موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، میرحسین موسوی ۶۲/۳/۸]

بسمه تعالی

بحمدالله تعالی با جدیت و زحمات طاقتفرسای هیأت پیگیری، به طور چشمگیری از هرج و مرجها که لازمهٔ هر انقلابی است جلوگیری شده و کسی به خود اجازه نمی‌دهد که به منازل یا مغازه‌ها تجاوز نماید و بدون مجوز شرعی و قانونی کاری به طور عمد تقریباً انجام نمی‌گیرد و دادگاهها و دادسراها بدون مجوز شرعی عملی انجام نمی‌دهند و گزینشها به روال اسلامی عمل می کنند و بالأخره اصول امور با زحمت «ستاد» اصلاح شده است و اینجانب از این هیأت و زحمات آنان تشکر می‌کنم و چون مسائل به قوهٔ قضاییه مربوط است و جناب آقای نخست وزیر و بعضی از وزرای دیگر به کارهای مهم دیگر باید اشتغال داشته باشند، با قدردانی از آنان با پیشنهاد مذکور موافقت می‌شود. ان‌شاءالله تعالی موفق و مؤید باشند.

۶۲/۳/۱۰ / ۱۸ شعبان المعظم ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤٦٦ تا ٤٦٧.

◘ حکم

زمان: ۱۹ خرداد ۲۷/۱۳۶۲ شعبان ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکیل هیأتی برای رسیدگی به پرونده زندانیان
مخاطب: محمدی گیلانی، محمد کریمی، سید جعفر ابطحی، سید محمد قاضی، مهدی (اعضای هیأت رسیدگی به امور زندانها)

بسم الله الرحمن الرحیم

بدین وسیله به جنابان حجج اسلام آقایان: محمدی گیلانی، کریمی، ابطحی، قاضی مأموریت داده می‌شود که با تشکیل هیأتی برای مراجعه به پرونده‌های زندانیان دادگستری به وضع آنان رسیدگی فرمایند و تصمیمات خود را اعم از آزادی، تخفیف، تعلیق، تغییر محل و غیر آن را به اطلاع اینجانب برسانند. و اما راجع به زندانیان دادگاههای انقلاب که زندانی سیاسی می باشند، حضرات آقایان شخصاً رسیدگی نمایند و هرگونه تصمیمی با آرای سه نفر از آقایان قابل پیشنهاد است که پس از ملاحظه امضا نمایم.

قضات محترم دادگستری و دادگاهها و دادستانها و مأمورین زندانها و دست‌اندرکاران در این امور موظفند با بهترین وجه با هیأت محترم مذکور و هیأتهای تعیین شده از قبل آنان همکاری نمایند، و در صورت درخواست، پرونده‌های زندانیان را بدون مسامحه در اختیار آنان قرار دهند. از خداوند متعال توفیق آقایان را برای این امر مهم خواستارم.

۱۹ خرداد ۱۳۶۲
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤٨٦.

◘ حکم

زمان: ۳۱خرداد ۱۳۶۲/۹رمضان۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: مجاز نبودن افراد غیر مسئول در پاسخ به سؤالات شرعی «در دفتر امام خمینی» صرفه جویی در استفاده از تلفن
مخاطب: اعضای دفتر امام خمینی

بسمه تعالی

۱ ـ تأکید می‌شود که اشخاصی که در دفتر هستند حق جواب مسائل شرعیه را ندارند؛ چه شفاهاً و چه کتباً و چه با تلفن، مگر آقایان: رسولی و صانعی و توسلی.[۱] این آقایان هم در مسائل غیر واضح مراجعه نمایند به رساله، پس از آن جواب دهند. و اگر آقایان مذکور کسی را که با مسائل شرعیه آشنا است و جواب بدون مراجعه نمی‌دهد، تعیین نمایند مانع ندارد.[۲]

۲ ـ حتی المقدور سعی کنید در تلفن[۳] افراط نشود؛ چون با سهم مبارک امام تأمین می‌شود. روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. به ترتیب، آقایان: سید هاشم رسولی محلاتی، حسن صانعی و محمدرضا توسلی.

۲. آقای سید احمد خمینی درباره این حکم امام خمینی، نوشته است: «امام مطلع شدند که تلفنهای مسائل شرعی را گاهی اشتباه جواب می‌دهند لذا این را نوشتند و پس از این [نوشته] تعدادی از روحانیونی که به مسائل شرعی وارد بودند به «بخش استفتاء» دفتر [امام] ، وارد شدند». پس از رحلت امام خمینی نیز بنا به تقاضای مقلدین امام «دفتر پاسخ به سؤالات شرعی مردم» با تأکید یادگار امام، دایر ماند و هم اکنون نیز این دفتر به سؤالات شرعی مردم بر اساس فتاوای امام خمینی پاسخگو می‌باشد.

۳. منظور، تلفنهای دایر در دفتر امام خمینی است. امام خمینی به طور منظم صورت هزینه‌های ماهیانه دفتر را به دقت کنترل می‌کردند و در مواردی که احساس می‌کردند هزینه‌ها از حد ضرورت، هر چند اندک، افزایش یافته است، تذکر می دادند و این امر حاکی از دقت ایشان در مصرف بیت المال و وجوه شرعی است.

٤. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٥۰٤.

▣ حکم

زمان: ۴ تیر ۱۳۶۲/ ۱۳ رمضان ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین سرپرست سازمان صدا و سیما رد شایعه دخالت اعضای بیت و دفتر امام خمینی بدون نظر ایشان
مخاطب: هاشمی رفسنجانی، محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

بر خلاف انتظار، در صدا و سیمای جمهوری اسلامی اختلافاتی پیش آمد که موجب نگرانی شد. در نتیجه اینجانب آقای محمدهاشمی را به نمایندگی از جانب خودم برای به عهده گرفتن کلیه مسئولیتهای مدیر عامل صدا و سیما معین نمودم که این دستگاه عظیم، بی مسئولیت نباشد. و چون شورای محترم سرپرستی مطالبی دارند و بعضی از آنها را به اینجانب نوشته اند، و آقای هاشمی نیز مطالبی دارند، لازم است حضرات آقایان: رئیس محترم جمهور و رئیس محترم دیوانعالی کشور و رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر محترم ـ ایّدهم الله تعالی مطالب طرفین را بدون کوچکترین اغماض رسیدگی نمایند و تصمیم نهایی را بگیرند.

لازم به تذکر است که شنیده شده است، بعضی در بیت اینجانب بر خلاف میل من یا بدون اطلاع من کاری انجام می‌دهند. چون این مطلب بر خلاف واقع است، گوینده این نحو مطالب به درگاه خداوند متعال توبه نماید.[۱]

۴ تیر ۱۳۶۲

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. در طول دوران رهبری امام خمینی، غالباً کسانی که مواضع امام را با خواستها و نظریات خویش همسو نمی‌دیدند، انگشت اتهام را به سوی دفتر امام و اعضای بیت ایشان، خصوصاً چهره درد آشنای امام و انقلاب، آقای سیداحمد خمینی نشانه می‌رفتند و از «کانالیزه شدن» بیت و دفتر و حتی شخص امام سخن می گفتند. متأسفانه این اتهام ناروا که البته از سوی پیروان امام و ملت ایران هیچ گاه پذیرفته نشد پس از رحلت امام نیز از ناحیه کسانی که در مقطعی از مقاطع انقلاب نتوانستند با امام خمینی همراه باشند، مطرح می‌شود.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۰۵.

◘ حکم

زمان: ۸تیر ۱۳۶۲/۱۷رمضان ۱۴۰۳
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتخاب نماینده در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تأکید بر رعایت قوانین و حفظ سلسله مراتب در سپاه
مخاطب: طاهری خرم آبادی، سید حسن

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید حسن طاهری ـ دامت افاضاته

پیرو سفری که برای جنابعالی پیش آمد، جناب حجت‌الاسلام آقای فاکر[۱] ایده الله تعالی برای رسیدگی به وضع سپاه پاسداران منصوب شدند. ضمن تشکر از جناب آقای فاکر در تحمل زحمات در غیاب شما، جنابعالی را به سمت سابق منصوب می‌نمایم که با کمال دقت و ظرافت به آنچه در اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای نماینده اینجانب آمده است[۲] عمل نمایید. امید است با یاری و صمیمیت جناب حجت‌الاسلام آقای فاکر و جناب حجت‌الاسلام آقای محلاتی[۳] و جناب آقای وزیر محترم سپاه و جناب آقای محسن رضایی که مورد علاقه و تأیید اینجانب است، هر چه بهتر به وضع سپاه رسیدگی نمایید.

لازم است جناب آقای وزیر سپاه و فرمانده محترم سپاه و دیگر فرماندهان و کسانی که در سپاه سمتی دارند جناب آقای طاهری نماینده اینجانب را تأیید و در مسائلی که مربوط به ایشان است از ایشان تبعیت کنند تا إن‌شاءالله تعالی امور سپاه که بازوی توانای جمهوری اسلامی است بر طبق مقررات شرعی و قانونی و مصالح

---

۱. آقای محمد رضا فاکر، از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر جمهوری اسلامی منصب فرماندهی کل قوا را عهده دار می‌باشد.

۳. آقای فضل الله محلاتی، نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران.

عالی کشور و جمهوری اسلامی تمشیت یابد. لازم به تذکر است که تبعیت از جناب آقای محسن رضایی، فرمانده کل سپاه و از فرماندهان دیگر به حسب سلسله مراتب و مقررات سپاه در جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه شرعی الهی است که تخلف از آن علاوه بر تعقیب قانونی مسئولیت شرعی دارد.

از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به اسلام و کشور اسلامی خواستار است.

۸ تیر ماه ۱۳۶۲ / ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ حکم

زمان: ۲۲ تیر ۱۳۶۲ / ۲ شوال ۱۴۰۳
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد
مخاطب: صانعی، حسن

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی ـ دامت افاضاته

جنابعالی را به سرپرستی «بنیاد ۱۵ خرداد» منصوب می نمایم. این بنیاد موظف است به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی نماید. بدیهی است خانواده شهدای محترم و معلولین عزیز مورد توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرد. امید است با اطمینان و اعتمادی که به آن جناب دارم، امور آن بنیاد را به بهترین وجه اداره بنمایید.

۲۲ تیر ماه ۱۳۶۲ / سوم شوال ۱۴۰۳[۲]

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۱۰ و ۵۱۱.

۲. اختلاف تاریخ «۲۲ تیر منطبق با ۲ شوال یا ۳ شوال» بعلت اختلاف تاریخ تقویمی با رویت هلال ماه است.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱.

▣ حکم

زمان: ۲۴ تیر ۱۳۶۲ / ۴ شوال ۱۴۰۳ — مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت هماهنگی بین ائمه جمعه سراسر کشور — مخاطب: رسولی محلاتی، سید هاشم

بسم الله الرحمن الرحیم

به جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید هاشم رسولی ـ دامت افاضاته

مأموریت داده می‌شود که برای هماهنگ نمودن و انسجام هر چه بیشتر بین ائمه محترم جمعه در سراسر کشور و قوای اجرایی و غیر اجرایی اقدام نمایند و حتی‌الامکان کوشش نمایند در تفاهم بین آنان. و وحدت کلمه در این زمان؛ که تفاهم و وحدت در رأس امور است و با آن می توان اسلام عزیز و جمهوری اسلامی را قدرت بخشید. و چنانچه خدای نخواسته این امر پس از کوشش به انجام نرسید، و تشخیص دادند که امام جمعه فلان استان یا شهرستان یا بخش به این وظیفه اسلامی مهم تسلیم نمی‌شود، مراتب را با ذکر دلیل به شورای محترم مرکزی ائمه جمعه گزارش دهند. خداوند تعالی همه ما را در این امر حیاتی مهم توفیق عنایت فرماید.

۶۲/۴/۲۴

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۰.

◘ حکم

زمان: ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ / ۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۰۴ — مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب فرمانده عملیات والفجر — مخاطب: هاشمی رفسنجانی، اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی ایّده الله تعالی

جنابعالی را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر[1] نصب کردم. توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم.

۳۰ بهمن ۱۳۶۲

روح الله الموسوی الخمینی[2]

◘ حکم

زمان: ۲۹ مرداد ۱۳۶۳ / ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۰۴ — مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب مسئولان دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه
مخاطب: ابطحی، رسولی، توسلی، صانعی، عبایی، کشمیری و قاضی عسکر

بسم الله الرحمن الرحیم

حجج اسلام، آقایان: ابطحی، رسولی، توسلی، صانعی، عبایی، کشمیری، و قاضی عسکر[3] - ایّدهم الله تعالی را به عنوان مسئولین و اداره کنندگان دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه - ایّدهم الله منصوب نمودم، تا با تأییدات خداوند تعالی و دعای

---

۱. آقای هاشمی رفسنجانی در خاطراتی که درباره این عملیات نوشته و در اوایل آذرماه ۱۳۷٤ در روزنامه‌ها به چاپ رسید، به موارد مختلفی از جمله دیدار با امام خمینی قبل از عزیمت به منطقه عملیاتی، و قرائت دعای سفر توسط امام، اشاره دارد. ایشان پیش از عزیمت به سفر خوزستان به منظور فرماندهی عملیات، وصیتنامه خود را نوشته است. متن این وصیتنامه در مطبوعات آذرماه ٧٤ به چاپ رسید.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۵۵.

۳. به ترتیب، آقایان: سید محمد ابطحی، سید هاشم رسولی محلاتی، محمد رضا توسلی، حسن صانعی، محمد عبایی، محمد جواد کشمیری، سید علی قاضی عسکر.

خیر حضرت بقیة الله ـ ارواحنا فداه ـ و تدوین آیین نامه، به امور گوناگون ائمه محترم جمعه رسیدگی نمایند؛ و گزارش امور را به شورای محترم مرکزی ائمه جمعه و اینجانب بدهند.

امید است ائمه محترم جمعه و مسئولین، همکاریهای مقتضی را با دبیرخانه مذکور بنمایند. از خداوند تعالی توفیق همگان را برای خدمت به اسلام و کشور اسلامی [خواهانم] . و السلام علیکم و رحمة الله. ۲۹ مرداد ۶۳ / ۲۲ ذی القعده ۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۳۱ مرداد ۱۳۶۳ / ۲۴ ذی القعده ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین اعضای هیأت مؤسس مکتب خواهران «قم» جامعه الزهرا (س)

مخاطب: مشکینی، علی ـ موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم ـ جنتی، احمد ـ فاضل، محمد ـ شرعی، محمد علی ـ توسلی، محمد رضا ـ صانعی، حسن

بسم الله الرحمن الرحیم

از آنجا که علوم مطلقاً، خصوصاً علوم اسلامی، اختصاص به قشری دون قشری ندارد، و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می‌توانند حتی در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خدمتهای ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند، و اکنون بحمدالله تعالی مؤسسه‌ای در شهر مقدس قم، شهر علم و جهاد، برای تعلیم و تربیت بانوان محترم در دست ساختمان است، و امید است با کوشش علمای اعلام و مدرسین حوزه علمیه قم ـ دامت برکاتهم ـ این مقصد اسلامی جامه عمل پوشد و در رشد فکری و شکوفا شدن دانش اسلامی بانوان قدم مؤثری باشد، لهذا حضرات حجج اسلام، آقایان : حاج شیخ علی مشکینی و موسوی اردبیلی و حاج شیخ احمد

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱٦.

جنتی و حاج شیخ محمد فاضل و حاج شیخ محمد علی شرعی و شیخ محمدرضا توسلی و حاج شیخ حسن صانعی ـ دامت افاضاتهم ـ را به عنوان هیأت مؤسس این مکتب خواهران تعیین نمودم، تا برای تعیین هیأت مدیره و تنظیم اساسنامه و تعیین نام مکتب و سایر امور مؤسسه اقدامات مقتضی را بنمایند. امید است با تأیید خداوند متعال و دعای حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء این مؤسسه بتوانند خدمت ارزنده‌ای به جامعه بانوان مسلمان و انقلابی ایران بنماید.

۳۱ مرداد ۱۳۶۳ / ۲۴ ذی القعده ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◘ حکم

زمان: ۱ آبان ۱۳۶۳ / ۲۷ محرم ۱۴۰۵
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب نماینده در شورایعالی دفاع
مخاطب: ظهیرنژاد، قاسمعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

تیمسار سرتیپ، قاسمعلی ظهیرنژاد ایّده الله تعالی

بدین وسیله جنابعالی را به سمت نمایندگی از طرف خود در شورایعالی دفاع منصوب می نمایم ان‌شاءالله تعالی ضمن انجام وظایف محوله در این شورا، به قسمتهای مختلف ارتش نیز رسیدگی و نظارت نمایید و گزارشهای مستمر و لازم را به اینجانب ارائه نمایید. موفقیت جنابعالی را از خداوند متعال مسئلت دارم.

اول آبان ۱۳۶۳

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۸۷.

▣ حکم

زمان: ۳ آبان ۱۳۶۳ / ۲۹ محرم ۱۴۰۵ | مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب ریاست ستاد مشترک ارتش | مخاطب: سهرابی، اسماعیل

بسم الله الرحمن الرحیم

سرکار سرهنگ پیاده ستاد، اسماعیل سهرابی ایّده الله تعالی

با شایستگیهایی که در میدان نبرد علیه دشمنان اسلام و ایران از شما گزارش شده است و پایبندی تان به دیانت مقدس اسلام، جنابعالی را به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب می نمایم. توفیق شما را در خدمت به اسلام عزیز و ایران و نظام جمهوری اسلامی از خداوند متعال خواستارم واز زحمات صادقانه و تلاش پیگیر تیمسار سرتیپ ظهیر نژاد قدردانی می نمایم.

۱۳۶۳/۸/۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۲۹ اسفند ۱۳۶۳ / ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۰۵ | مکان: تهران، جماران
موضوع: واگذاری اداره دارالتبلیغ اسلامی قم به دفتر تبلیغات اسلامی قم
مخاطب: صانعی، یوسف

[بسمه تعالی. سرپرستی محترم دفتر تبلیغات اسلامی قم

با توجه به اینکه آقای شریعتمداری دیگر صلاحیت اداره دارالتبلیغ اسلامی قم و انتشارات و چاپخانه و کتابخانه و متعلقات آنها اعم از ساختمانها و خوابگاه و غیره را ندارند و نمی توانند درباره آنها سرپرستی کنند و از آنجا که همه آنها طبق اعترافات خودش از وجوه شرعیه و زکوات و عطایای مردم و از بیت المال مسلمین

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۸۸.

تهیه شده است با کسب اجازه که از محضر مبارک ولی فقیه و مرجع بزرگوار و امام امت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی ـ شد ایشان اجازه فرمودند که دفتر تبلیغات اسلامی قم تمامی موارد فوق الذکر را به نحو احسن اداره نمایند. امید است که با اعمال مدیریت صحیح و دقت کامل در حفظ بیت المال کما هو حقه بهره برداری به نحو اتَم و اکمل در مصالح اسلام و مسلمین و ترویج شریعت مقدس اسلام و مکتب جعفری علیه السلام و تربیت طلاب علوم دینی و مروجین و مبلغین مذهبی انجام گیرد و همواره مورد توجه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه باشد. از این تاریخ می توانید با صورتجلسه کامل همه موارد فوق و کلیه وسایل موجود را از دادستان محترم انقلاب اسلامی قم تحویل بگیرند. والسلام علیکم و رحمة الله.

دادستان کل انقلاب اسلامی ایران سید حسین موسوی تبریزی ۶۱/۲/۸]

بسمه تعالی

جناب آقای صانعی دادستان، به محتوای این ورقه عمل نمایید.

۲۹ اسفند ۶۳

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ حکم

زمان: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ / ۲۴ شعبان ۱۴۰۵ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: موافقت با شرایط پیشنهادی عفو زندانیان

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[رئیس دیوانعالی کشور طی نامه ای در اردیبهشت ۱۳۶۴ به محضر امام خمینی، با بیان ضوابط و شرایط پیشنهادی قوه قضاییه برای عفو محکومین دادگاههای عمومی و انقلاب و استثنا مواردی بدین شرح :

۱ ـ اختلاس از پانصد هزار ریال و ارتشا از پنجاه هزار ریال به بالا و تصرف

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۹۱.

غیر قانونی در اموال عمومی و غارت بیت المال.

۲ـ سرقتهای مسلحانه، راهزنی در راههای و شوارع، سرقتهای دارای کیفیت مشدده، موضوع مواد ۲۲۲ ـ ۲۲۳ ـ ۲۲۵ قانون مجازات عمومی.

۳ـ خیانت در امانت و کلاهبرداری که محکومیت بیش از یک سال باشند.

۴ـ منافی عفت به عنف.

۵ـ جرایم موضوع قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، مصوب سال ۱۳۴۵ و جرایم تشدید مجازات رانندگان متخلف، مصوب سال ۱۳۳۵ و ماده ۱۵۳ قانون تعزیرات.

۶ـ وارد کنندگان، سازندگان، موزعین رده بالا که در باندهای قاچاق فعالیت دارند.

۷ـ احتکار.

۸ـ هواپیما ربایی.

۹ـ جرایم گروهکهای ضد انقلاب «محاربین و مفسدین» و افراد مؤثر ضالّه و جواسیس.

خواستار اعلام نظر امام خمینی گردیده است که مورد موافقت ایشان قرار گرفته است:]

بسمه تعالی

موافقت می‌شود.

۶۴/۲/۲۵

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲٦۲.

▣ حکم

زمان: ۳۰اردیبهشت ۲۹/۱۳۶۴شعبان ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: موافقت با تأمین هزینه مکتب جامعة الزهرای قم توسط بنیاد مستضعفان
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم

[آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، عضو هیأت امنای «جامعة الزهـرا»، مدرسه علمیه خـواهـران در قـم، طـی نـامه‌ای بـه مـحضر امـام خـمینی، بـه تـاریخ ۱۳۶۲/۲/۲۸، اعلام داشت:

«... احتراماً، درباره مکتب جامعة الزهرای قم به استحضار می رسـاند، پس از دستور حضرتعالی هیأت مؤسس و مدیره تشکیل گردیدند و تشریفات قانونی ثبتی به انجام رسید هیأت مدیره مشغول تهیه مقدمات افتتاح جامعة الزهرا می باشند. فعلاً از نظر بودجه نیاز به تأمین اعتبار دارد...» ایشان در ادامه نامه، درخواست نموده‌اجازه داده شـود از مـحل امکـانات در اخـتیار بـنیاد مسـتضعفان جـهت تأمـین نـیازهای جامعة الزهرا استفاده شود. امام خمینی در پاسخ مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

جناب آقای نخست وزیر، بنیاد مستضعفان کلیه مخارج جامعة الزهرای قم را تأمین نماید.

۳۰اردیبهشت ۶۴ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲٦٥.

◘ حکم

زمان: ۱۱ خرداد ۱۳۶۴/ ۱۱ رمضان ۱۴۰۵ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: عدم موافقت با استعفا **مخاطب: صانعی، یوسف**

[بسمه تعالی. آقای صانعی، دادستان کل کشور، طی نامه ای به تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۱ به تشریح دلایل استعفای خود از این سمت پرداخته و خواستار موافقت امام خمینی با پذیرش استعفا شده است. ایشان دلایل کناره گیری را چهار محور ذکر کرده اند: ضعف نیروی جسمی و به خاطر پنج سال کار مداوم در دادستانی کل؛ عدم پذیرش و تحمل نظارت بر حسن اجرای قانون از ناحیه گروهها و باندها؛ داشتن افکار و مبانی در مسائل اسلامی که بنا به نظر برخی از آقایان، آرای «شاذ» محسوب شده و مقاومت می‌شود؛ کم لطفی برخی از مقامات و جامعه در مورد پشتیبانی از دادستانی. و تأکید بر علت اول که مبنای تصمیم گیری بوده است. امام خمینی در پاسخ مرقوم فرموده اند:]

بسمه تعالی

در شرایط فعلی موافقت نمی‌شود. به کار خودتان ادامه دهید.

۶۴/۳/۱۱ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ حکم

زمان: ۲۲ خرداد ۱۳۶۴/ ۲۲ رمضان ۱۴۰۵ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: قانون مصوب مجلس درباره قوه قضاییه
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبرکبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دام ظله و عمره در تاریخ ۶۳/۸/۱۰ توسط سه نفر از آقایان که بر حسب دستور مورخ ۶۳/۱/۱۶ حضرتعالی توسط آقای نخست وزیر

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۷۱.

تعیین گردیدند، مصادیقی برای حکم حکومتی آن جناب مورخ ۵۷/۱۲/۱۲ تعیین گردید. و در محاکم مخصوص این احکام عمل می شد، و در تاریخ ۶۳/۶/۲۵ قانونی در مجلس تصویب و به قوه قضاییه ابلاغ شده که محاکم طبق قانون عمل کنند. چون در چندین مورد نوشته آن آقایان با قانون مصوب مجلس تنافی و تعارض دارد، در محاکم ایجاد اشکال می‌شود. اجازه بفرمایید در موارد تنافی به قانون مصوب مجلس عمل شود.

عبدالکریم موسوی اردبیلی]

بسمه تعالی

۶۴/۳/۲۲

موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◙ حکم

زمان: ۸ تیر ۱۳۶۴/ ۱۰ شوال ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه استفاده از اموال مصادره‌ای محاکم انقلاب اسلامی برای رفع نیاز محرومین

مخاطب: صانعی، حسن (سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با تقدیم سلام معروض می دارد:

با توجه به گستردگی بنیاد ۱۵ خرداد و ضرورت تأسیس شعب در سایر بلاد و روستاهای دور افتاده و با توجه به محدودیت سرمایه این نهاد و اینکه از بودجه عمومی کشور هیچ گونه اعتباری را دریافت نمی‌کند، خواهشمند است به منظور دستیابی به اهداف عالیه این نهاد مقدس که قصد دارد کلیه خانواده‌های محترم شهدا،

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۷۸.

جانبازان انقلاب اسلامی و مستضعفین جامعه را زیر پوشش خدماتی خود قرار دهد، اجازه فرمایید محاکم انقلاب اسلامی بتوانند به مقدار ضرورت از اموال مصادره ای که براساس حکم حکومتی امر آن با مقام معظم رهبری است «اموال مربوط به رژیم منحوس پهلوی و عمال و وابستگان آنها» و مقرر فرموده‌اید که در جهت منافع مستضعفین به کار گرفته شود، در اختیار این نهاد قرار دهند. این امر منوط به اجازه حضر تعالی است.

امید است این بنیاد نیز مانند گذشته مشمول عنایات و مراحم آن جناب قرار گیرد تا از این رهگذر همه فرزندان عزیز و بازماندگان شهدا، جانبازان و مستضعفان کشور از مراحم پدرانه آن رهبر دلسوز بهره مند گردند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶۴/۳/۲۹ سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد حسن صانعی]

بسمه تعالی

مجازند از آن اموال برای بنیاد ۱۵ خرداد به مقدار رفع ضرورت با موازین شرعی تحویل دهند.
۶۴ / ۴ / ۸

روح الله الموسوی الخمینی

[ضمناً امام خمینی در ذیل درخواست سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد، خطاب به دادستان کل کشور مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای یوسف صانعی، دادستان کل کشور ایّده الله تعالی
اقدام لازم راکه در جهت شرعی و قانونی اشکال ندارد انجام دهید. ۶ تیر ۶۴

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

▣ حکم

زمان: ۱۰ تیر ۱۳۶۴/ ۱۲شوال ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت رسیدگی و حل اختلاف بین علمای شیراز مخاطب: جنتی، احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای جنتی ـ دامت افاضاته

از قرار معلوم نقار و اختلافی بین بعض علمای اعلام شیراز واقع شده است که موجب نگرانی است؛ خصوصاً در استانی چون فارس و شهری مقاوم چون شیراز، مرکز علمایی بزرگ و مردمی مبارز و مقاوم که سهمی بسزا در پیشرفت انقلاب و تحقق جمهوری اسلامی داشته و دارند و چه بسا که خدای نخواسته عواملی از مخالفین اسلام و علمای اعلام در بین صفوف متعهدین و جندالله نفوذ نموده و موجب اختلاف و مشاجره شده‌اند تا به آرمانهای شیطانی خود برسند؛ و از حسن ظن آقایان سوءاستفاده نموده اند. لهذا از جنابعالی، پس از تقدیر از زحماتتان در طول انقلاب، تقاضا می‌کنم که سفری به شیراز نموده و با حضرات آقایان حجج اسلام، آقایان دستغیب ـ دامت افاضاتهم و جناب حجت‌الاسلام آقای حائری، امام جمعه محترم، ملاقات و حساسیت موقع را گوشزد نمایید، که مبادا مخالفین ایجاد اختلاف نموده و استفاده‌های نامشروع نمایند.

در ضمن از آقایان نمایندگان شیراز خواسته‌ام در این امر با جنابعالی همراهی و کمک نمایند. اینجانب با علاقه‌ای که به مرحوم مجاهد عالیقدر، شهید معظم آقای دستغیب دارم و به خانواده محترم ایشان علاقه‌مندم، به حکم وظیفه از بیت ایشان تقاضا دارم همان طور که سیره مرحوم شهید دستغیب بود، در رفع اینگونه غائله‌ها تلاش نمایند. و از جناب آقای حائری نیز می‌خواهم با همراهی آقایان در رفع حادثه کوشش نمایند.

ان شاءالله تعالی همگی با موفقیت مراجعت نمایید. والسلام‌علیکم و رحمة الله.

۱۲ شوال المکرم ۱۴۰۵ روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰۶.

▣ حکم

زمان: ۲۸تیر ۱۳۶۴/ ۳۰شوال ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب سرپرست حجاج بیت‌الله‌الحرام مخاطب: کروبی، مهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

نظر به اینکه جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها، منصوب به دادستانی کل کشور شدند و از تصدی امر حجاج در این سال معذور می باشند، جنابعالی را به سمت نمایندگی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می‌نمایم، تا با توجه به اینکه فریضه حج یکی از بزرگترین فریضه‌های عبادی سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در مواقف معظمه از بزرگترین کنگره‌های جهان اسلام است، حجاج محترم جهان را دور هم گردآورده، و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده، و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید؛ و راههای اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید؛ و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف مشکلاتی را که برای همه مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است، که اهم آن اختلاف‌انگیزی بین صفوف مسلمانان است، را چاره اندیشی بنمایید.

همان طور که همه می دانیم، در سده‌های اخیر آتش افروز این معرکه خطرناک قدرتهای جهانخوار شرق و غرب می باشند، که از وحدت بیش از یک میلیارد مسلمان وحشت دارند، و با تمام قوا، مستقیماً یا به دست عمال منحرف خود، به این اختلافات دامن می زنند، تا بر مقدرات مسلمانان جهان مسلط و بر آنها حکومت نموده و ذخایر بی پایان آنان را چپاول نمایند. ان‌شاءالله در مقابله با تبلیغات دروغین رسانه‌های گروهی، و از آن بدتر آخوندهای درباری که با قلم و بیان علیه جمهوری اسلامی بپاخاسته اند، پیروز شوید. در ضمن جنابعالی مکلف می‌باشید تا به تمامی درخواستهای اینجانب در متن حکم جناب آقای موسوی خوئینی‌ها، مثل تظاهرات

بزرگ مکه و مدینه، عمل نمایید.

امیدوارم با قاطعیتی که از جنابعالی سراغ دارم این امور به بهترین وجه انجام گردد. از تمامی حجاج محترم و روحانیون عزیز می خواهم تا با جنابعالی همکاری لازم را بنمایند، واز هر حیث به دستورات جنابعالی عمل نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۸ تیر ماه ۱۳۶۴

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۳شهریور ۱۳۶۴/ ۱۸ذی‌الحجه ۱۴۰۵
مکان: تهران، جماران
موضوع: تنفیذ حکم ریاست جمهوری
مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی «رئیس جمهور»

بسم الله الرحمن الرحیم

بحمدالله تعالی با تأییدات خداوند متعال جلّ و علا و دعای خیر حضرت ولی الله الاعظم روحی لمقدمه الفداء چهار سال ریاست جمهوری اسلام با خیر و سلامت و قدرت و عظمت سپری شد و ملت بزرگ و شجاع ایران با همه توطئه‌هاو تبلیغات دشمنان اسلام که برای اطفای نور خدا و اسلام بزرگ و از صحنه خارج نمودن ملت شریف و مجاهد، دست در دست یکدیگر نهاده بودند، به مبارزه برخاست و نیز توطئه‌هایی راکه برای جلوگیری از سیل خروشان و اراده آهنین مؤمنین مظلوم در طول تاریخ که می رود کاخهای ستم سیاه و سرخ را فرو ریزد و فریاد حق طلبانه این ملت مظلوم، محرومان و غارتزدگان پهناور زمین را به خروش درآورد، با قدرت خنثی نمود. ملت متعهد، با عزمی والا و قدمی ثابت، از پیر نودساله تا نوجوان تازه بالغ، برای چهارمین بار برای تعیین سرنوشت خویش به سوی صندوقهای رأی هجوم آورد و یاوه گویان و خیالبافان را بر خود لرزاند و فردی شریف از سلاله پیامبران را برای خدمت به اسلام و ایران و مسلمانان و ملت برگزید و

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

این مسئولیت سنگین را بر عهده کسی گذاشت که چهار سال در این مقام، صادقانه و با تعهد و روشن بینی به ملت و اسلام و ایران خدمت نمود؛ و این، پس از خدماتی بود که قبل و بعد از انقلاب انجام داده بود. «جزاه الله خیراً».

رئیس‌جمهور محترم باید توجه داشته باشند که در پیشگاه مقدس حق جلّ و علا واقع است و آنچه بر او از خطرات قلبی[۱] و تمایلات سرّی تا اعمال مُعلن[۲] و مخفی می گذرد، در حضور حق است و چیزی را نتوان از او جل و علا پنهان کرد، هرچند از خلق خدا پنهان باشد. و باید توجه نمایند که در مقامی هستند که یک جمله او گاهی مؤمنی را ساقط کرده و متعهدی را از بین می برد، و یا غیر صالحی را به مقامی که شایسته آن نیست می رساند؛ گاهی یک سخنرانی او، جمهوری اسلامی و کشور را نور می بخشد و گاهی بعکس. مقام خطیر است و خطر بزرگ، به خدا باید پناه برد و از او استمداد کرد. همه دست‌اندرکاران بویژه رئیس‌جمهور باید از چاپلوسان دغلباز و زبان‌بازان حیله گر برحذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند.

شما ای رئیس‌جمهور محترم و دیگر متصدیان امور کشور! می دانید که قدرتمندان شرق و غرب خصوصاً امریکای بازیگر، مارهای زخم برداشته از جمهوری اسلامی هستند که از اول انقلاب به هر حیله ممکن دست زدند؛ از حمله نظامی[۳] گرفته تا طرح کودتا،[٤] و از ترور شخصیتها تا به آتش کشیدن مزرعه‌ها و مغازه‌ها، و از انفجارات کور در کوچه‌ها و خیابانها تا دزدی و تجاوز.

---

۱. آنچه بر دل گذرد از احکام طریقت.

۲. علنی، آشکار شده.

۳. حمله نظامی امریکا به طبس در اردیبهشت سال ۱۳۵۹.

٤. کودتای نافرجام نوژه تیرماه سال ۱۳۵۹.

و از همه بدتر و بالاتر تبلیغات دامنه دار از اول انقلاب تا امروز است، که برای تضعیف روحیه ملت مقاوم و رزمندگان عزیز به هر نوع دروغ و تهمتی متشبث شدند، ولی بحمدالله نه تنها هیچ یک از تیرهای آنان به هدف نرسید، که نتیجه معکوس داد. اکنون از چنین مارهای زخم خورده ای نباید غافل بود. چه بسا، با نفوذ عمال سرسپرده داخلی در ارگانهای دولتی و مقامات مؤثر، بتدریج قدم به قدم کار خود را انجام دهند و انسان مستقیم را منحرف کنند و متعهدان را وابسته نمایند. غفلت از این امر، فاجعه انگیز است و همه مقامات، خصوصاً مقامات بالا چون رؤسای قوای سه گانه، بیشتر موردنظر و هدف هستند، زیرا انحراف آنان خدای نخواسته ممکن است انحراف رژیم را در پی داشته باشد. همه ما و شما باید بدانیم که شیطان خارج و داخل و نفس اماره بتدریج انسان را از خلافهای کوچک به بزرگ و بزرگتر می کشاند که یکوقت از کفر سر در می‌آورد. پس خلاف کوچک را بزرگ شمارید و شماریم، و فساد را از سرچشمه جلو گیریم. از خداوند متعال مدد می‌خواهیم که همه ما را حفظ نماید، خصوصاً از شیطان نفس که مادر «بت»هاست.(۱)

اینک به پیروی از آرای محترم ملت عظیم الشأن و آشنایی به مقام تعهد و خدمتگزاری دانشمند محترم، جناب حجت‌الاسلام آقای سیدعلی خامنه‌ای ایّده الله تعالی آرای ملت را برای پس از پایان دوره کنونی، تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب می نمایم و از خداوند تعالی توفیق ایشان را در خدمت به اسلام و ملت و کشور اسلامی خواستارم. البته رأی ملت و تنفیذ اینجانب، تا وقتی است که ایشان به تعهد خود و راه مستقیمی که در پیش داشته اند، باقی باشند و به اسلام و احکام نورانی آن پایبند و طرفدار مظلومان و مستضعفان و محرومان و مخالف ظالمان و ستمگران و مستکبران باشند و با هیچ ظالم مستکبری راه سازش باز

---

۱. اشارتی است به شعر مولانا که فرموده است:

مادر بتها بت نفس شماست | زانکه آن «بت» مار و آن یک اژدهاست

نکنند که نمی‌کنند.

خداوند، همه ما را به طریق مستقیم انسانیت هدایت فرمایدا ما و همه مقامات جمهوری اسلامی مرهون ملت فداکار، خصوصاً قشر ضعیف و مظلوم هستیم که با جانبازی و فداکاری آنان دست جباران کوتاه و به جای طاغوتیان، حکومت مستضعفان پایه گذاری شد.

این حقیقت همیشه باید در پیش چشم همه باشد، که همه خدمتگزار این قشر باشیم و هرچه در راه این ملت عزیز در طبق اخلاص بگذاریم، از عهده شکر آنان برنخواهیم آمد. والسلام علی عبادالله الصالحین. ۱۸ذی حجه ۱٤۰۵ عید مبارک غدیرخم

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ حکم

زمان:۷مهر ۱۳۶۴/۱۳محرم ۱۴۰۶ **مکان:تهران،جماران**

موضوع:انتصاب سرپرست حجاج **مخاطب:کروبی،مهدی**

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

با تشکر از حجاج عزیزی که در تمامی صحنه‌ها حاضر بودند و با تشکر از عملکرد خوب و زحمات شما و سایر برادران دست اندرکار امر حج در داخل و خارج، جنابعالی را به عنوان نماینده خویش و سرپرست حجاج در سالهای آینده منصوب می نمایم، تا به تمام برنامه‌هایی که در احکام سالهای گذشته ذکر گردیده بود عمل نمایید. بدیهی است که تمام مسئولین با شما همکاریهای لازم را خواهند داشت.

ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید. والسلام. ۶۴/۷/۷

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳٦۹ تا ۳۷۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۹٤.

▣ حکم

زمان: ۲۸آبان ۱۳۶۴/ ۶ربیع الاول ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین هیأت برای تعیین حدود تعزیرات
مخاطب: یزدی، محمد (رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی)

[محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله

پس از عرض سلام و آرزوی طول عمر پر برکت آن حضرت به عرض می‌رسانیم: نظر به اینکه قسمت عمده قوانین جزایی را بخش تعزیرات تشکیل می‌دهد و همچنین اکثر دعاوی مطروحه در محاکم دادگستری مشمول این بخش می‌باشد. و از سوی دیگر در شرایط قبلی با کمبود یا نبودن قاضی مجتهد، محاکم را قضاتی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته منقول یا لیسانس دانشکده علوم قضایی و اداری یا کسانی که دارای مدرک قضایی از مدرسه عالی قضایی قم هستند و یا طلابی که حداقل دوسال خارج قضا را دیده‌اند تشکیل می‌دهند. مجلس شورای اسلامی به منظور مراعات وحدت رویه در محاکم جمهوری اسلامی که امری است ضروری و جزء وظایف دستگاه قضایی «اصل ۱۶۱» و رعایت اصل مسلم فقهی «مایراه الحاکم» نوع تعزیر را معیّن و مقدار آن را بین حداقل و حداکثر قرار داده تا بین اقل و اکثر در اختیار قاضی قرار گیرد، و این مصوبات هم تاکنون مورد تأیید شورای محترم نگهبان بوده است، و در محاکم دادگستری بر اساس این قوانین عمل می گردد.

ولی اخیراً شورای محترم نگهبان نظری داده است مبنی بر اینکه تعیین نوع و مقدار تعزیر غیر شرعی است و لازم است به نظر قاضی واگذار شود تا نوع و مقدار آن را به هر میزان معین نماید. به نظر می‌رسد چنانچه در قوانین، نوع و مقدار تعزیر مشخص نگردد، علاوه بر اینکه تصویب قانون معنی نخواهد داشت، مشکلاتی را نیز در برخواهد داشت.

اولاً عدم وحدت رویه قضایی و تفاوت فاحش در احکام صادره به وجود

خواهد آمد و هر دادگاه برای یک جرم نوعی مجازات معین خواهد کرد که سیستم قضایی را متزلزل ساخته و نظام قضایی را دگرگون خواهد ساخت.

ثانیاً، مصوبات گذشته مجلس با این استظهار سست شده و دستگاه قضایی متزلزل می گردد. بدون تردید راهنماییهای آن بزرگوار در حل این مشکل راهگشا بوده و موجب امتنان خواهد شد.

۶۴/۸/۲۴ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی محمد یزدی]

بسمه تعالی

در این موقع که اکثریت قاطع متصدیان امر قضا واجد شرایط شرعیه قضاوت نیستند، و از باب ضرورت اجازه به آنان داده شده است، حق تعیین حدود تعزیر را بدون اجازه فقیه جامع الشرایط ندارند. بنابراین لازم است با تعیین هیأتی مرکب از جنابعالی و حجت‌الاسلام آقای اردبیلی و دو نفر از فقهای شورای محترم نگهبان به انتخاب فقهای مذکور نگهبان، حدود تعزیرات را تعیین کنند که در آن چهارچوب اجازه داده شود، و حق تخطی از آن نداشته باشند. و البته این امر موقتی و اضطراری است تا ان‌شاءالله قضات جامع الشرایط تعیین گردند.

۲۸ آبان ۶۴

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۲۳ و ۴۲۴.

◙ حکم

زمان:؟ مکان:تهران،جماران

موضوع:فرمان تشکیل هیأت ویژه برای برخورد باافرادفاسد وضدانقلاب درخوزستان

مخاطب:موسوی خوئینی‌ها، سیدمحمد«دادستان کل کشور»

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها، دادستان محترم کل کشور

از آنجا که جنابعالی و جناب آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرمانده کل قوا، و جناب آقای جزایری، امام جمعه محترم اهواز، و جناب آقای نخست وزیر محترم و آقایان استاندار و دادستان و مدیر کل اطلاعات استان خوزستان معتقدند که باید با افراد شرور و شیوخ فاسد و ضد انقلابی که اکثراً با عراق و با ضد انقلاب خارج از کشور ارتباط داشته‌اند برخورد شود، و از آنجا که استان خوزستان درگیر جنگ است و این برخورد نمی‌تواند سیر طبیعی و قانونی خود را بنماید، بلکه باید سریعاً اقدام گردد، به هیأتی مرکب از آقایان: استاندار و مدیر کل اطلاعات و دادستان و یا نمایندگانشان در آن استان متفقاً اجازه داده می‌شود تا به هر نحو صلاح می‌دانند با دشمنان خدا برخورد نمایند. باید سعی کنند خدای ناکرده به بیگناهی ظلم نشود.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◙ حکم

زمان:۷آذر۱۳۶۴/۱۵ربیع الاول ۱۴۰۶ مکان:تهران،جماران

موضوع:تأیید چاپ تصویر شهید مدرس روی اسکناسها مخاطب:بانک مرکزی

بسمه تعالی

سزاوار است که [بر] اولین اسکناس که در ایران به طبع می‌رسد، عکس اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. خداوند رحمت فرماید ایشان را. (۲)

روح الله الموسوی الخمینی (۳)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٢٥.

۲. بانک مرکزی به مناسبت میلاد رسول اکرم (ص) و ولادت امام جعفر صادق (ع) اسکناس جدید یکصد ریالی را برای اولین بار توسط متخصصان ایرانی طراحی، حکاکی و چاپ نمود. روی این اسکناسها تصویر شهید سید حسن مدرس و پشت آن نمای خارجی مجلس شورای اسلامی است.

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٣١.

◙ حکم

زمان: ۶فروردین ۱۵/۱۳۶۵رجب ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت رسیدگی به مسائل فرهنگی و آموزشی فرزندان شهدا، اسرا و مفقودین
مخاطب: کروبی، مهدی (نماینده امام خمینی و رئیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

ضمن تشکر از زحمات جنابعالی که مسئولیت ارزشمند سرپرستی خانواده‌های معظم شهدا، مفقودین، اسرا و معلولین را به عهده گرفتید، لازم می‌دانم در امور فرهنگی فرزندان عزیزم، این یادگاران شهیدان و معلولین و مفقودین و اسرا، دقت بیشتر نموده، و آنان را از کودکستان تا دانشگاه به بهترین وجه اداره نمایید. از آنجایی که جامعه اسلامی ما استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی خویش را مدیون ایثارهای غیرقابل ترسیم این عزیزان می‌داند، هر چه سریعتر با وزیران آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی طرحی را تنظیم نموده، و به شورایعالی انقلاب فرهنگی تقدیم نمایید. اعضای محترم این شورا خود توجه دارند که بزرگترین و خداپسندانه ترین ارزش اسلامی خدمت به فرزندان این عزیزان است. «بنیاد مستضعفین» موظف است تمامی بودجه این کار عظیم را بر عهده گیرد؛ و در صورت کمبود، دولت و «بنیاد شهید» و «بنیاد پانزدهم خرداد» اقدام کنند.

اینجانب از حوزه‌های علمیه تقاضا دارم تا در صورت درخواست ورود به آن حوزه‌ها، آنان را یاری، و به طور شایسته تعلیم و تربیت نمایند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی برنامه‌هایی را در جهت رشد استعداد و خلاقیت این فرزندان معظم تدوین نماید. ان‌شاءالله مردم شهیدپرورمان تا آنجایی که مقدورشان است بدین کار الهی کمک نمایند. نورچشمان عزیزم توجه خواهند داشت اکنون که رسالت بزرگ پدران بزرگوار خود را به دوش می کشند، در راه تهذیب و تحصیل خود، با

الهام از روح پرفتوح سربازان امام زمان ارواحنا فداه تلاش وافر نمایند، تا با کسب دانش و معنویت اسلامی امور جامعه خویش را به دست گیرند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.
۶۵/۱/۶ - ۱۵ رجب ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۶مهر ۱۳۶۵/ ۳صفر ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم مشارکت دولت و دیگر ارگانها در امر احداث سد ۱۵ خرداد قم

مخاطب: صانعی، حسن (سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با تقدیم سلام و تحیات معروض می دارد، همان گونه که خاطر شریف مستحضر است بنیاد ۱۵ خرداد که به فرمان مبارک آن جناب تأسیس گردید و مسئولیت تأمین مایحتاج ضروری خانواده‌های محترم شهدا، جانبازان انقلاب اسلامی، مفقودین، اسرا و مستضعفین را عهده دار گشته، و تاکنون در حد امکانات به نحو احسن توانسته است با ایجاد دفاتری در نقاط مختلف کشور به این امر مهم همت گماشته، نیازمندیهای مختلف این قشر معظم را تأمین نماید، اکنون که بحمدالله در وضعیت مالی بهتری است و توان انجام امور مهمتر را دارد، اجازه می‌خواهد با توجه به نیاز شدید شهرستان خون و قیام، قم و حومه به آب کشاورزی و آشامیدنی نسبت به احداث سدی عظیم برای تأمین آب مورد نیاز این منطقه اقدام نماید. مستدعی است دستور فرمایید دولت خدمتگزار ضمن تقبل قسمتی از بار مالی آن، اجرای این طرح را عهده دار گردیده، ارگانهای مختلف مملکتی همکاریهای لازم را در این رابطه با

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۸ و ۲۹.

بنیاد ۱۵ خرداد معمول دارند. ادام الله ظلکم علی رؤوس المسلمین.

حسن صانعی سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد دامت افاضاته

با تشکر از زحمات جنابعالی و تمامی دست‌اندرکاران بنیاد ۱۵ خرداد، با پیشنهاد شما موافقت می‌شود. لازم است در این امر حیاتی دولت و جناب آقای نخست وزیر و وزیر نیرو و وزیر جهاد با مشارکت فعال خود در کمک مالی و برداشتن موانع، تلاش چشمگیری نمایند. و همان طور که قبلاً گفتم کمک به محرومین و جانبازان و جنگزدگان و خانواده‌های شهدا، اسرا و مفقودین یکی از بزرگترین عبادتها است. دولت و مسئولین قضایی توجه داشته باشند که کمک به بنیاد مذکور در رفع نیازهای نیازمندان از کارهای اصیل انقلابی است.

امیدوارم جنابعالی در مقابل خدمات بسیار ارزنده مردم قم، مردم شهر خون و قیام و شهادت و ایثار با ایجاد سدی بزرگ بتوانید به این شهر مقدس کمک نمایید و گزارش پیشرفت کار را به اینجانب بدهید.

به تاریخ ۶۵/۷/۱۶

روح الله الموسوی الخمینی[(۱)]

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

◙ حکم

زمان: ۱۵ آبان ۱۳۶۵/۳ ربیع الاول ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: افتتاح حساب بانکی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی
مخاطب: موسوی خوئینی ها، سید محمد (دادستان کل کشور)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - دامت برکاته

احتراماً به عرض عالی می رساند، دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی در اجرای «قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی» که در ماده هشت تصریح می‌کند: «وجوه حاصله در اختیار ولیّ امر قرار گیرد» تقاضا دارند حسابی را تعیین بفرمایید که این وجوه در آن حساب واریز گردد. اضافه می‌نماید که پرونده‌هایی در دادسراها و دادگاهها مطرح رسیدگی قرار می‌گیرد که قضات محترم علم دارند بر اینکه متهم پرونده، خمس ارباح مکاسب و یا دو خمس از باب اختلاط حرام به حلال بدهکار است. آیا اجازه می‌فرمایید به قضات محترم اجازه داده شود، در اینگونه موارد، یک خمس یا دو خمس را حسب مورد از آنان گرفته و به همان حسابی که در رابطه با اجرای اصل ۴۹ مقرر می‌فرمایید و یا به حساب دیگری واریز نمایند. بدیهی است وجوه واریز شده جهت مصارف شرعیه آن به هر طریقی که تعیین بفرمایید اقدام خواهد شد. سیدمحمد خوئینی]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خوئینی‌ها، دادستان کل کشور

حسابی به نام دادستان کل کشور با قید اینکه مربوط به «اصل ۴۹» است، باز شود تا آنچه مربوط به این اصل است در این حساب واریز گردد. و نیز حساب

دیگری به همان نام با قید اینکه مربوط به «سهمین»[۱] است، باز شود تا خمس و یا دو خمس افرادی که وجوه شرعی شان را نپرداخته اند، در آن واریز گردد. ولی اینگونه پرونده‌ها باید با دقت بیشتر بررسی گردد، تا خدای ناکرده حق کسی ضایع نگردد. ان‌شاءالله تعالی موفق باشید. ۱۵ آبان ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ حکم

زمان:۱۸دی۱۳۶۵/۷جمادی‌الاول ۱۴۰۷ مکان:تهران،جماران

موضوع:اجازه صرف اموال مجهول المالک برای رفع نیاز فقرا و افراد بی بضاعت

مخاطب:خوئینی ها، سید محمد (دادستان کل کشور)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب اسلامی مدظله العالی

احتراماً، به عرض عالی می رساند، از اوایل تشکیل دادستانی کل انقلاب طی چندین سال اموالی جمع‌آوری شده است که در حال حاضر مشخص نیست متعلق به کیست و مجهول المالک می‌باشد و قیمت آنها حداکثر به پانزده میلیون تومان می‌رسد. چنانچه اجازه بفرمایید این وجوه در جهت کمک به زندگی افراد بی بضاعتی که درآمد روزانه و یا حقوق ماهیانه آنان کفاف معاش آنان را نمی‌کند مصرف بشود. امید است که مرضی خدای متعال باشد.

ذیلاً اضافه می‌نماید که بعضی از این اموال ممکن است مورد استفاده جبهه و

---

۱. سهم سادات و سهم مبارک امام علیه السلام است که مجموع آنها به عنوان خمس یک پنجم درآمدهای مازاد بر هزینه سالانه زندگی می بایست جهت کمک به فقرا و امور مورد نیاز جامعه و دیگر مواردی که در احکام فقهی تعیین گردیده، پرداخت شود.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱٤٧ و ۱٤٨.

جنگ نیز قرار بگیرد. به هر حال به هر طریق که دستور بفرمایید اقدام خواهد شد. والامر الیکم. طول عمر و سلامت آن جناب را خواستارم. سید محمد خوئینی]

بسمه تعالی

چنانچه از پیدا شدن صاحب آنها مأیوس هستید صرف در خانواده‌های فقرا و افراد بی بضاعت مانع ندارد.

۱۸ دی ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◙ حکم

زمان: ۲۳دی ۱۳۶۵/ ۱۲جمادی‌الاول ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران

موضوع: فروش و چگونگی مصرف اموال مجهول المالک

مخاطب: موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی متّع الله المسلمین بطول بقائه پس از عرض سلام، اموال معتنابهی در دادسراهای انقلاب و عمومی و بعضی از شعب بنیاد مستضعفان، مجهول المالک، اموال بلا صاحب، اموال فراریانی که مجهول المکان هستند و پس از گذشت زمان و اعلانهای متعدد مراجعه نکرده اند، به حدی که از شناخت و مراجعه آنان یأس حاصل شده است و اموال در معرض تلف هستند، موجود است. ...

به نظر می‌رسد در این موقعیت حساس و نیاز شدید مناطق سیلزده و جنگزده و آفت دیده که شرعاً [محلهای] مصارف این اموال هستند، صلاح این است با تصدی اشخاص مورد اطمینان و وثوق، این اموال جمع‌آوری و فروخته شود و در رفع نیازهای این مستحقین به مصرف برسد. اگر حضرتعالی صلاح می دانید اجازه

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۸۱.

فرمایید اقدام شود. اطال الله بقائکم.

۶۵/۱۰/۲۲ عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی، رئیس محترم دیوانعالی کشور

کلیه اموالی که مرقوم شده است و مجهول المالک است و از پیدا شدن صاحبان آنها مأیوس می‌باشید در تحت نظارت هیأتی مرکب از نماینده جنابعالی و نمایندگان جناب حجت‌الاسلام آقای رئیس‌جمهور(۱) و جناب آقای نخست وزیر(۲) به فروش درآید و در مصرف شرعی آن، که فقرا هستند برسد.

البته خانواده‌های شهدای بمبارانها و سیلزدگان اولی هستند، و آنچه در معرض تلف است و مأیوس از پیدا شدن صاحبانش نیستید با نظارت هیأت مذکور فروخته شده و برای صاحبانشان نگهداری شود. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۳ دی ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی(۳)

---

۱. آقای سید علی خامنه ای، رئیس‌جمهور وقت.

۲. آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

▣ حکم

زمان: ۱۰ بهمن ۲۹/۱۳۶۵ جمادی‌الاول ۱۴۰۷ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: انتصاب فرمانده نیروی هوایی ارتش

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور و رئیس شورایعالی دفاع)

[بسم الله الرحمن الرحیم. مقام معظم رهبری انقلاب و فرماندهی کل نیروهای مسلح حضرت امام خمینی مدظله العالی. با اظهار قدردانی از خدمات سرکار سرهنگ هوشنگ صدیق در طول تصدی فرماندهی نیروی هوایی، شورایعالی دفاع در اجرای مفاد اصل ۱۱۰ قانون اساسی، انتصاب سرکار سرهنگ منصور ستاری را به فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به آن حضرت پیشنهاد می‌کند. ۱۳۶۵/۱۱/۱۰ سید علی خامنه ای، رئیس جمهوری و رئیس شورایعالی دفاع]

بسمه تعالی

با تقدیر و تشکر از خدمات سرکار سرهنگ هوشنگ صدیق با پیشنهاد مذکور موافقت می‌شود.

۱۰ بهمن ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۱ بهمن ۱/۱۳۶۵ جمادی‌الثانی ۱۴۰۷ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: تأمین ادوات نظامی

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور و رئیس شورایعالی دفاع)، هاشمی رفسنجانی، اکبر

[فرماندهان منطقه عملیاتی «کربلای ۵» طی درخواستی اضطراری به محضر امام خمینی، فرمانده کل قوا، با بیان نیازهای عاجل خویش شامل توپخانه، نفربر زرهی، تانک و توپ ضد هوایی و ذکر آمار تجهیزات مورد نیاز خواستار تأمین و

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۳.

ارسال آن شده اند. امام خمینی در پاسخ به این درخواست چنین مرقوم فرموده اند:]

بسمه تعالی

جنابان حجتی الاسلام آقای خامنه ای و آقای هاشمی اعزّهما الله تعالی

با وضعیت بسیار خطیری که با آن مواجه هستیم شرعاً و عقلاً لازم است برای رساندن مایحتاج رزمندگان جان به کف کربلای ۵ سریعاً اقدام شود. مسامحه در این امر یک فاجعه خدای نخواسته ممکن است به بار آورد. والسلام علیکما و رحمة الله.

۱۱ بهمن ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۵خرداد ۱۳۶۶/ ۱۸شوال ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب دادستان دادسرای ویژه روحانیت مخاطب: فلاحیان، علی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای علی فلاحیان ـ دامت افاضاته

نظر به اهمیت و حفظ شئون روحانیت و حوزه‌های علمیه، جنابعالی را با حفظ سمت، به عنوان دادستان دادسرای ویژه روحانیت منصوب می نمایم تا بر طبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی نمایان و دین به دنیافروشان رسیدگی نمایید. ضمناً کلیه دادگاهها و دادسراها موظفند تا با ارسال پرونده‌های درخواستی که در حدود اختیارات این دادگاه و دادسرا است به شما کمک نمایند.

از آنجا که جنابعالی با فعالیتهای ضد انقلاب در هر صورت و لباس آشنایی دارید، بجا است تا بدون در نظر گرفتن فشارهای جانبی از طرف هر شخص و شخصیت به وظیفه خطیر خود با کمال دقت و قاطعیت عمل نمایید؛ و نیز خدا را

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹٤.

حاضر و ناظر بدانید و عدل و انصاف اسلامی را در تمام زمینه‌ها رعایت نمایید. خداوند به شما توفیق خدمت به اسلام و مسلمین و روحانیت را عطا فرماید.

به تاریخ ۱۸ شوال ۱۴۰۷

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۵خرداد۱۳۶۶/ ۱۸شوال ۱۴۰۷ — مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت — مخاطب: رازینی، علی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای علی رازینی ـ دامت افاضاته

نظر به اهمیت و لزوم حفظ شئون روحانیت و حوزه‌های علمیه، جنابعالی را با حفظ سمت به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت منصوب می نمایم تا برطبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی نمایان رسیدگی نماید. بدیهی است که شورایعالی قضایی در زمینه صدور ابلاغ قضات دادگاه و دادسرا و تأمین نیرو و امکانات لازم کمال مساعدت را خواهد نمود. ضمناً کلیه دادگاهها و دادسراها موظفند تا پرونده‌های درخواستی که در حدود اختیارات این دادگاه و دادسراست را ارسال دارند. جنابعالی باکمال دقت و ظرافت و قاطعیت به وظیفه شرعی تان عمل نمایید؛ و خداوند متعال را ناظر و حاضر دانسته، تحت تأثیر هیچ کس و هیچ چیز قرار نگیرید. از خداوند متعال موفقیت شما و سایر افرادی که در این مأموریت با شما همکاری می‌نمایند را خواستارم. و السلام علیکم و رحمة الله.

به تاریخ ۱۸ شوال ۱۴۰۷

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۸٤.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۸۵.

◙ نامه

زمان: ۱۰ تیر ۱۳۶۶/ ۴ ذی‌القعده ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی سریع به پرونده‌های بلاتکلیف، خارج از تشریفات قانونی
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی اطال الله بقائه

بعد از عرض سلام، پرونده‌های زیادی در دادگاهها و دادسراهای انقلاب از اول انقلاب تا به امروز به عنوان بلاتکلیف یا توقیفی موجود است و نیز پرونده‌هایی هست که در سالهای ۵۸ تا ۶۱ یا ۶۲ حکم داده شده است، ولی دقت کافی نشده و صاحبان اموال تقاضای تجدید نظر دارند.

و همچنین پرونده‌های پیچیده ای در محاکم و دادسراهای دادگستری مطرح است که از نظر رسیدگی به بن بست رسیده است، به جهت نبودن قاضی یا به علت دیگر.

و همچنین اموال بلاتکلیف و توقیفی که در بعضی از ارگانها و نهادها هست و تاکنون تعیین تکلیف نشده است.

رسیدگی به همه آنها از طریق معمول با مراعات تشریفات قانونی شاید چندین ده سال طول می کشد و حقوق و اموال اشخاص یا بیت المال تضییع می‌شود.

مستدعی است اجازه بفرمایید طبق موازین شرع بدون رعایت تشریفات معمول قانون بسرعت به این پرونده‌ها رسیدگی شود و پرونده‌ها مختومه گردد.

اطال الله عمرکم الشریف. ۶۶/۴/۷

عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

برای حفظ بیت المال و حقوق و اموال مسلمانان و جلوگیری از تضییع و

اتلاف به شما اجازه داده می‌شود موارد ذکر شده را با مباشرت خودتان یا با تعیین اشخاص قاطع و مورد اطمینان و اعتماد هر چه سریعتر با حفظ موازین شرعی و بدون تشریفات دست و پاگیر قانونی رسیدگی نمایید تا پرونده‌ها مختومه گردد، و دشواریهای مردم ان‌شاءالله تعالی حل گردد.

از خداوند متعال توفیق شما را در حل مشکلات مردم خواستارم.

به تاریخ دهم تیرماه ۱۳۶۶

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۷ مرداد ۱۳۶۶ / ۲ ذی‌الحجه ۱۴۰۷ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: حدود اختیارات دادگاه ویژه روحانیت

مخاطب: رازینی، علی «حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت»

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی مدظله العالی

سلام علیکم احتراماً، ضمن تشکر از مراحم آن رهبر عظیم الشأن استدعا می‌شود به منظور رفع ابهام در مورد صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، اجازه فرمایید قضات این دادگاه و دادسرا به شرح زیر مجاز به پیگیری و رسیدگی قضایی باشند:

۱ـ کلیه جرایم روحانی نمایان و منتسبین به روحانیت اعم از جرایم عمومی و ضد انقلابی و تخلفات مربوط به شئون روحانیت در این مرجع رسیدگی شود.

۲ـ از نظر محل وقوع جرم محدود به جرایم واقع در تهران یا قم نباشد.

۳ـ در موردی که مجرم اصلی روحانی است، شرکا و معاونین غیر روحانی

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

مجرم نیز در این دادسرا و دادگاه مورد رسیدگی قرار گیرند.

۴ـ قضات این دادسرا و دادگاه طبق ضوابط شرعی انجام وظیفه نمایند.

با تشکر و استدعای دعای خیر. ۱۳۶۶/۴/۳۱ حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت علی رازینی]

بسمه تعالی

با امید به آنکه قضات و دادستانهای محترم، خداوند تعالی را حاضر و ناظر بدانند و از عدالت و جهات شرعیه تخلف ننمایند، خصوصاً در این امر خطیر موافقت می‌شود. ان‌شاءالله تعالی موفق باشید و باشند. ۷ مرداد ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی[1]

■ حکم

زمان: ۱۸ شهریور ۱۳۶۶/ ۱۵ محرم ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت‌الله الحرام مخاطب: کروبی، مهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

پس از تشکر از مقاومت اسلامی و وصف ناپذیر حجاج مظلوم و محترم بیت الله الحرام در مقابل هجوم آل سعود، این روسیاهان تاریخ و عمال چشم و گوش بسته امریکای جهانخوار، و نیز تشکر از مقاومت متعهدانه و شجاعانه جنابعالی، که با وجود گرفتاری در چنگال خون آشام آل سعود با پیامها و مصاحبه‌های آتشین پرده از روی چهره کریه این جنایتکاران تاریخ برداشته و کوس رسوایی فراموش ناشدنی امریکای جنایتکار و عمال خبیث آن را در عالم به صدا درآوردید، جنابعالی را، که بحمدالله در صف اول مجاهدان اسلام بوده و هستید، چون سالهای گذشته به

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۸.

نمایندگی از طرف خود به سرپرستی حجاج بیت‌الله الحرام منصوب می نمایم.
جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی، که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد،[۱] چیزی نیست که تا ابد بشود آن را فراموش کرد و یا ساکت بود.

در اینجا لازم می‌دانم که از زحمات تمامی دست‌اندرکاران و مسئولین حج و از جناب حجت الاسلام، آقای امام جمارانی ـ دامت افاضاته که با تعهد و مقاومت خود موجب سرافرازی جمهوری اسلامی ایران گردیده‌اند و باعث شادی روح شهدا شده‌اند، تشکر کرده و توفیق هرچه بیشتر همه را در خدمت به اسلام و احکام نورانی آن از خداوند خواستارم. و برای شهدای گرانقدر مکه خونینمان، که با اهدای خون خود پرچم سرخ توحید، رسالت و امامت، را در آسمان و زمین به اهتزاز درآوردند، طلب رحمت و مغفرت نموده؛ و برای بازماندگان آنان، که افتخار بزرگی نصیبشان شده است، صبر و اجر مسئلت می‌نماید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۸ شهریور ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. اشاره به فاجعه قتل عام جمعی از زائران انقلابی ایران و لبنان و پاکستان و... که به جرم شعار علیه امریکا و اسرائیل و سر دادن فریاد برائت، در روز ششم ذی الحجه سال ۱۳٦٦ هـ. ش. به دست مأمورین رژیم آل سعود مظلومانه به شهادت رسیدند و دولتهای مدعی «حقوق بشر» به خاطر دشمنی شان با جمهوری اسلامی از کنار این فاجعه بزرگ انسانی بی تفاوت گذشتند و بلکه به تأیید و ارسال پیام تبریک برای ملک فهد پرداختند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۷۸ و ۳۷۹.

◘ حکم

زمان: ۹مهر ۱۳۶۶/ ۷صفر ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران

موضوع: حکم اعدام شخص مفسد مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم

[بسمه تعالی. حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام عزه

اعدام شخص مفسد که در نظر مبارک مورد احتیاط است به نظر آیت الله منتظری جایز است و این مسئله در محاکم قضایی مورد احتیاج است. اگر اجازه می‌فرمایید در مراجع قضایی طبق نظر ایشان عمل شود. ادام الله عمرکم الشریف.

۶۶/۷/۹

عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

مجازید بر طبق نظر شریف ایشان عمل نمایید.(۱) ۶۶/۷/۹

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. بر اساس نظر امام خمینی، از سوی رئیس دیوانعالی کشور، بخشنامه ای به شماره ٦٤/١١ ب ش مورخ ١٣٦٤/٨/٢٠ به دادگاهها صادر گردید. و در تاریخ ١٣٦٦/٧/٩ نیز ریاست دیوانعالی کشور در مورد مرتکبین جرایم مواد مخدر، موضوع را طی بخشنامه ای به دادگاهها و دادسراهای انقلاب اسلامی سراسر کشور ابلاغ نمود.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۹۷.

▣ حکم

زمان: اردیبهشت ۱۳۶۷/رمضان ۱۴۰۸ **مکان:** تهران، جماران
موضوع: تعیین نماینده جهت بررسی انتخابات مرحله دوم مجلس شورای اسلامی
مخاطب: انصاری کرمانی، محمدعلی (از اعضای دفتر امام خمینی)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمد علی انصاری ـ دامت افاضاته

جنابعالی، که فردی متدین و آگاه می باشید، به عنوان نماینده اینجانب، با دو نفر از طرف شورای محترم نگهبان، و دو نفر از طرف وزیر محترم کشور، موظف می‌باشید تا به موارد ذیل عمل نموده و کار انتخابات تهران را به پایان برسانید:

۱ ـ آقایان باید تمام تلاش خود رابنمایند تا انتخابات مرحله دوم در «روز قدس» صورت گیرد، و مجلس سوم در وقت مقرر تشکیل گردد.

۲ ـ هیأت نظارت شورای محترم نگهبان موظف است که از ابتدا تعداد صندوقهایی راکه از آنها شکایت شده است مشخص نمایند.

۳ ـ وزارت کشور موظف است تمامی صندوقهای مورد شکایت را هم امروز به شورای محترم نگهبان منتقل گرداند.

۴ ـ وزارت کشور می‌تواند افرادی را در موقع شمارش آراء بر سر صندوقها بگمارد تا برای هیچ کس هیچ شبهه‌ای پیش نیاید.

۵ ـ آراء نسبت به همه کاندیداها شمارش شود، نه کاندیداهای خاص.

مسئولیت حفظ صندوقهای منتقل شده با شورای نگهبان است. جنابعالی موظف می‌باشیدتا مسائل را به اینجانب گزارش نمایید، تا قوه قضاییه با هر کس که در راه پیشبرد کارها مانع ایجاد می کنند، قاطعانه برخورد نماید. خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید و از کید شیطان نفس نجات دهد. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۱.

▣ حکم

زمان: ۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۶ رمضان ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی به شکایات در برخی از حوزه‌های انتخاباتی
مناسبت: برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسمه تعالی. پس از عرض سلام به عرض حضرت امام می رساند، در تماسهای مکرر تلفنی که با آیت الله آقای امامی و حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محتشمی داشتم آقایان بدین نتیجه رسیدند:

۱ـ صندوقهای مورد شکایت از هم اکنون مشخص شود.

۲ـ آرای کلیه کاندیداهایی که در صندوق آرا هستند شمرده شود نه کاندیدهای خاص.

۳ـ در مواردی که نمایندگان اجرایی و یا نظارت در شمارش آرای صندوقها مواجه با اشکال شدند بلافاصله به اطلاع جناب آقای امامی و محتشمی رسانده تا فردی از سوی آقای امامی آمده، صندوق مورد اشکال را در مقابل نظارت و اجرا بازشماری کند.

۴ـ هیأت نظارت به تعداد خواهران مأمور اجرا از خواهران استفاده کند.

۵ـ مسئله حتی المقدور تا آخرین هفته و یا ده روز تمام گردد. والسلام.

۶۷/۲/۳ احمد خمینی]

بسمه تعالی

طبق آنچه ذکر شده است باید عمل شود و مسامحه جایز نیست. ان‌شاءالله تعالی موفق و مؤید باشید.

۶۷/۲/۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳٤.

◙ حکم

زمان: ۱۳اردیبهشت ۱۳۶۷/ ۱۶رمضان ۱۴۰۸[1] مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب رئیس جدید ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

مخاطب: شهبازی، علی

بسم الله الرحمن الرحیم

سرکار سرهنگ ستاد، علی شهبازی

با توجه به شایستگی و تعهد دینی و انقلابی که از شما گزارش شده است، به درجه سرتیپی مفتخر و به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌گردید. توفیق شما را در خدمت به اسلام و نظام جمهوری اسلامی از خداوند متعال مسئلت می نمایم.

۶۷/۲/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی[2]

◙ حکم

زمان: ۱۲خرداد ۱۳۶۷/ ۱۷شوال ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب جانشین فرماندهی کل قوا مخاطب: هاشمی رفسنجانی، اکبر

[آقای خامنه ای، رئیس جمهور، طی نامه ای به محضر امام خمینی اعلام داشت:

... پیشنهاد مشخص اینجانب که قبلاً نیز کتباً و شفاهاً معروض گردیده، این است که :

۱ ـ کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوّض و محوّل گردد.

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۲۰، ص ۲۰۹، ذیل تاریخ ٦٧/٢/١٧ درج شده که به استناد تاریخ مندرج در نسخه خطی، ٦٧/٢/١٣ صحیح است.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸.

۲ ـ شخص مزبور از سوی حضرتعالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمشیت کند.

۳ ـ دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایی متهمین و اجرای محکومیتها به طور کامل از نظر و دستور وی تبعیت کند. با توجه به همه جوانب، به نظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند:]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی ـ دامت افاضاته

با توجه به درگیری رویاروی امریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس‌جمهور محترم، جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای دامت افاضاته جنابعالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جنابعالی موظف به اجرای دستورات ذیل می باشید:

۱ ـ ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.

۲ ـ هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمانهای مربوط و پشتیبانی کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود.

۳ ـ تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدسمان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴ ـ سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا

ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیرضروری.

۵ـ تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها.

۶ـ استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده.

۷ـ بهره برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها.

قوای مقننه و اجراییه و قضاییه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمیها و حیله‌هاست؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۶ و ۵۷.

▣ حکم

زمان: ۲۴خرداد ۲۹/۱۳۶۷شوال ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین هیأت سرپرستی مدارس طلاب کرمانیها در قم و کرمان
مخاطب: انصاری، محمدعلی ـ انصاری، مجید ـ جاویدی، حسین ـ کشمیری، محمد جواد ـ هاشمیان، حسین

بسم الله الرحمن الرحیم

موافقت می‌شود. فعلاً آقای مرتضی فهیم کرمانی نباید در مسائل سیاسی دخالت کند، و از این پس مدارس خواهران و برادران طلاب کرمانیها در قم و کرمان زیر نظر آقایان حجج اسلام: جاویدی، محمدعلی انصاری، کشمیری، حسین هاشمیان [و] مجید انصاری اداره شود. جناب حجت‌الاسلام آقای فلاح، دادستان محترم کرمان به خانه مقتول رفته، از طرف اینجانب از آنان دلجویی نماید. باید دیه به آن خانواده محترم داده شود و از آنان به هر ترتیبی که لازم باشد اعاده حیثیت شود.(۱) از خداوند متعال می خواهم تا به بازماندگان ایشان صبر و اجر و توکل عنایت فرماید.

۶۷/۳/۲۴

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. اشاره به واقعه قتل فردی به نام آقای فدایی «یکی از آوازخوانان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی» که در جریان اوج گیری مبارزات مردم به صفوف مخالفین رژیم پیوسته بود. محکومیت وی که ظاهراً به خاطر سوابق قبلی و گرایشات جدید او بوده است، فاقد وجاهت قانونی و شرعی بوده و امام خمینی پس از وصول گزارش امر، دستور رسیدگی فوری را صادر نموده و آقای مرتضی فهیم کرمانی را که از روحانیون انقلابی و زندان رفته رژیم شاه وحاکم شرع دادگاه انقلاب کرمان بود، به خاطر صدور این حکم ناروا که صدور و اجرای آن نیز متأسفانه خارج از روال قانونی و تاثرانگیز بوده است قاطعانه برخورد نمود و ایشان را از کار برکنار و از دخالت در مسائل سیاسی ممنوع نمود. و طبق احکام شرع نسبت به دلجویی از خانواده آقای فدایی و پرداخت دیه و اعاده حیثیت از ایشان دستور دادند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ٦٦.

▣ حکم

زمان: ۲مرداد ۱۳۶۷/ ۹ذی‌الحجه ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکیل دادگاه ویژه تخلفات جنگ
مخاطب: رازینی، علی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای علی رازینی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

جنابعالی موظف می باشید:

۱ـ دادگاه ویژه تخلفات جنگ را در کلیه مناطق جنگی تشکیل و طبق موازین شرع بدون رعایت هیچ یک از مقررات دست و پاگیر به جرایم متخلفان رسیدگی نمایید.

۲ـ هر عملی که به تشخیص دادگاه موجب شکست جبهه اسلام و یا موجب خسارت جانی بوده و یا می‌باشد مجازات آن اعدام است. والسلام.

۶۷/۵/۲

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۲.

▣ حکم

زمان:۱۳شهریور ۱۳۶۷/ ۲۲محرم۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:لغوحق تعزیرات حکومتی واگذارشده‌به قوه مجریه
مخاطب:خامنه‌ای،سیدعلی «رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت‌نظام»

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعلی خامنه ای ـ دامت افاضاته

با اهدای سلام و دعای خیر برای اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت، در این زمان که بحمدالله تعالی کار جنگ بدین جا رسیده است، اینجانب حق تعزیرات حکومتی را لغو نمودم.

حدود تعزیرات، چه شرعی و چه حکومتی، حق فقهای جامع الشرایط است؛ ولی برای جلوگیری از فساد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت، تشخیص مصالح را در اجرا و عدم اجرا داده، و به نحوی که مصلحت را تشخیص می‌دهند عمل کنند.

ان شاء الله موفق باشید. ۶۷/۶/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان:۱۵شهریور ۱۳۶۷/ ۲۴محرم۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:مخالفت بااستعفای نخست‌وزیر مخاطب:موسوی،میرحسین «نخست‌وزیر»

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم

نامه استعفای شما باعث تعجب شد.

حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لااقل من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان می گذاشتید.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱۸.

در زمانی که مردم حزب الله برای یاری اسلام فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند چه وقت گله و استعفا است. شما در سنگر نخست وزیری، در چهارچوب اسلام و قانون اساسی، به خدمت خود ادامه دهید.[۱] در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی رسید، چون گذشته عمل می‌شود. این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود رأی دهد.

تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است، که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد.

همه باید به خدا پناه بریم؛ و در مواقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوءاستفاده کنند.

مردم ما از این گونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده اند، این حرکات هیچ تأثیری در خطوط اصیل و اساسی انقلاب اسلامی ایران نخواهد داشت.

از آنجا که من به شما علاقه مندم، إن‌شاءالله عندالملاقات مسائلی است که گوشزد می نمایم. والسلام.

۶۷/۶/۱۵

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. آقای میرحسین موسوی که یکی از کارگزاران امین و مورد علاقه و حمایت امام خمینی در طول دوران تصدی پست نخست وزیری در حساسترین و دشوارترین مراحل تاریخ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود، پس از دریافت نظر امام خمینی طی نامه ای استعفای خویش را پس گرفت. متن نامه ایشان بدین قرار است: «بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک مقام رهبری، حضرت امام خمینی مدظله العالی ضمن تقدیم سلام و تحیّات، پیام پدرانه و هشدار دهنده حضرتعالی را به گوش جان شنیدم. اینجانب عزت و مصلحت را در تبعیت از مقام معظم رهبری می‌دانم و استعفای خود را که با انگیزه دلسوزی برای اسلام و انقلاب و مصلحت کشور تقدیم نموده بودم، پس می گیرم. مسائل و مواردی که چاره جویی آنها را به مصلحت کشور می‌دانم، حضوراً عرض می‌کنم و در هر حال مطیع امر رهبری به عنوان یک مرید و مقلد بوده و هستم. میرحسین موسوی، نخست وزیر».

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

▣ حکم

زمان:۱۷شهریور ۱۳۶۷/ ۲۶محرم ۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:مأموریت تنظیم و تدوین آثار امام خمینی مخاطب:خمینی،سیداحمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. پدر عزیز و مراد بزرگوارم، پس از عرض سلام:

۱ - یکی از مسائل بسیار مهم که بعد از جنابعالی خدا آن روز را نیاورد موجب موضعگیریهای مختلف فرزندان انقلاب و افراد گوناگون و محققین و احیاناً اختلاف آنها می گردد، برداشتهای گوناگون سیاسی و غیرسیاسی آنان از یک متن است، و از این بسیار گسترده تر، از اختلاف بین متون منتشر شده حضرتعالی با آنچه به عنوان اسناد سیاسی و غیره از صدا و فیلم و متنهای دستنویس جنابعالی که منتشر نشده و در اختیار ماست سرچشمه می‌گیرد. شما بهتر از هرکس می دانید که به علل گوناگون گاهی خود شخصاً و گاهی اینجانب و یا مسئولین و حتی بعض افراد معمولی پیشنهاد حذف یک قسمت و یا قسمتهایی از سخنرانیها، یا حذف و تغییر و اضافه جمله و یا جملاتی بسیار در اعلامیه‌ها خدمتتان عرضه شده است که حضرتعالی گاهی قبول نمی‌فرمایید و گاهی هم پس از دقت، دستور حذف و یا تغییر و اضافه را بدان صورت که مایل باشید صادر می‌فرمایید که انجام می‌گیرد، حال اگر روزی تصمیم بر این گردد که حتماً می گردد متن سخنرانیها و یا اعلامیه‌ها و چیزهایی از این قبیل که با صدا و خط حضرتعالی است منتشر گردد مسلماً متن دستخط و یا متن اصلی صدا و فیلم به عنوان سند خدشه ناپذیر اصل قرار می‌گیرد و آنچه از زیاد و کم بدان صورتی که گذشت ولو بسیار هم مهم باشد یا کنار گذاشته می‌شود و یا تحت الشعاع خط و یا متن اصلی سخنرانی قرار می‌گیرد و این از مسائلی است که باید جدی برای آن فکری کرد.

۲ - یکی دیگر از مسائلی که خوب است حضرتعالی برای آن فکری کنید این است که آنچه از حضرتعالی منتشر شده است در جراید و صدا و سیما و حتی در بولتنها، به یک صورت نیست، گاهی دیده شده در روزنامه ای و یا مجله ای به علل

مختلف، چه سیاسی و چه غیرسیاسی و یا سهواً، جمله و یا جملاتی از لابلای اعلامیه‌ها و یا سخنرانیها در روزنامه ای آورده شده و در روزنامه دیگر نیامده است، کدام را باید اصل قرارداد، آن متنی که این جمله را دارد و یا متنی که فاقد آن جمله است؟ بدیهی است این تردید در جایی است که دسترسی به صدا و خط حضرتعالی نیست و این هم بسیار است چراکه خیلی وقتها است که صحبتهای جنابعالی را من و یا یکی دیگر از دوستان می‌نویسیم و بعد از تصویب شما به مطبوعات‌وغیره‌می‌دهیم، چه کسی باید تشخیص دهد آن جمله از حضرتعالی است یا نه؟ روشن است که گاهی تغییر و یا حذف و یا اضافه کلمه ای به طور کلی معنای جمله را تغییر می‌دهد.

۳ـ مسئله دیگر این است که تکلیف نامه‌ها و نوشته‌ها و پیامها و فیلم و نوارها و اشعارتان که بطور کلی منتشر نشده است و در بایگانی دفتر موجود است را هم روشن بفرمایید.

۴ ـ پرونده‌های حضرتعالی در ساواک است «که الآن در اختیار وزارت اطلاعات می‌باشد» و یک نسخه از آن را اینجانب در اختیار دارد، لازم است به اطلاع حضرتعالی برسانم که تنها پرونده‌های جنابعالی در سازمان امنیت شاه در تهران ۴۸ جلد است که تقریباً هر جلد حدود پانصد صفحه می‌باشد که انتشار آن بدون شک پرده از مسائل بسیاری بر می‌دارد و طبیعی است که یکی از گرانقدرترین اسناد انقلاب اسلامی است.

۵ـ کتابها و نوشته هایی که صرفاً علمی و یا اخلاقی است از ارزشمندترین کتبی است که می‌تواند زیربنای انقلاب فقهی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی و اصولی باشد.

۶ ـ بهره برداری و تحقیق و تحلیل و نیز انتشار اسناد و نامه‌ها و بولتنهایی که قبل و بعد از انقلاب به عنوان حضرتعالی و یا دفتر ارسال گردیده و هم اکنون نیز در اختیار دفتر می‌باشد.

دو سه نمونه از مواردی که باعث نوشتن این نامه شد به عنوان ضمیمه و

استشهاد تقدیم می گردد. خدا یار و نگهدارتان باد.

فرزند شما: احمد خمینی]

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزند عزیزم، احمد حفظه الله تعالی و ایّده

از آنجا که شما را بحمدالله تعالی در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحبنظر می‌دانم و در تمامی فراز و نشیبها در کنار من بوده ای و هستی و با صداقت و کیاست امور سیاسی و اجتماعی اینجانب را متصدی هستی، لهذا شما را برای تنظیم و تدوین کلیه مسائل مربوط به خود که بسا در رسانه‌های گروهی اختلافات و اشتباهاتی رخ داده است انتخاب می نمایم. و از خداوند متعال، که حاضر و ناظر است، توفیقات شما را خواستارم. امید است با صرف وقت و دقت نظر این امر را به پایان برسانی. والسلام علیکم.

پنجشنبه ۱۷ شهریور ۶۷ / ۲۶ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ حکم

زمان: ۲مهر ۱۳۶۷/ ۱۲صفر ۱۴۰۹ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: ضوابط گزینش دانشجو

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی «رئیس جمهور و رئیس شورایعالی انقلاب فرهنگی»

[آقایان محفوظی «عضو هیأت مرکزی گزینش استاد»، حسینی نژاد «عضو هیأت مرکزی گزینش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، ادریسیان «هماهنگ کننده گزینشهای دانشجویی»، عطری نژاد «عضو هیأت مرکزی گزینش آموزش و پرورش»، مؤیدی، امین زاده و ختایی «از دست‌اندرکاران گزینش» طی

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۵ تا ۱۲۷.

نامه‌ای به محضر امام خمینی به تاریخ ۶۷/۷/۲ مبنی بر بیان وجود مغایرت در ضوابط گزینش داوطلبان ورود به دانشگاهها، ارائه شده توسط شورایعالی انقلاب فرهنگی با مفاد پیام امام خمینی در سال ۶۳، و هشدار نسبت به نفوذ عناصر مخالف انقلاب و نظام در دانشگاهها، خواستار رسیدگی و کسب تکلیف شده اند. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه ای ریاست محترم شورای انقلاب فرهنگی دام توفیقه

به این موضوع رسیدگی نمایید و اگر صحت داشته باشد به صلاح دانشگاهها و کشور نیست.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۲آبان ۱۳۶۷/ ۲ربیع الثانی ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر تحویل اسناد و مدارک مربوط به امام خمینی موجود در مراکز مختلف

مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، چنانچه در نامه قبل اشاره شد پرونده‌های متعددی توسط کارگزاران رژیم سابق در مراکز مختلف «از قبیل سازمان امنیت، وزارت خارجه، دربار، نخست وزیری، ستاد مشترک، و... »، در رابطه با حضرتعالی تهیه و تنظیم نموده‌اند و در حال حاضر تعدادی از پرونده‌ها در برخی از مؤسسات مذکور و بخشی نیز در دیگر نهادها و مراکز دولتی نگهداری می شوند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱٤٨.

اکنون در جهت اجرای دقیق و صحیح فرمان حضرتعالی و به منظور تدوین و بررسی اسناد و آثار مبارکتان نیاز به تحقیق و مطالعه و بهره برداری آنها است، در صورت مصلحت، امر فرمایید این اسناد و همچنین پرونده‌ها و اسناد دیگری که در تکمیل و روشن نمودن مندرجات پرونده‌های جنابعالی نقش دارد، در اختیار قرار گیرد. ۶۷/۸/۲۲ احمد خمینی]

بسمه تعالی

هر جاکه پرونده و یا نامه و یا هر چیزی که موجب روشن شدن اسناد و یا اسناد مربوط به اینجانب موجود است در صورتی که شما و یا نماینده شما درخواست نمایید مسئولین موظفند در اختیار شما قرار دهند.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ حکم

زمان:آذر۱۳۶۷/ربیع الثانی ۱۴۰۹ **مکان:تهران،جماران**
موضوع:اقدامات رفاهی برای معلولان **مخاطب:موسوی،میرحسین(نخست‌وزیر)**

بسمه تعالی

جناب آقای نخست وزیر محترم ایّده الله تعالی

بنیاد مستضعفان موظف است در جهت رفاه معلولین عزیز اولویت را به آنها داده و تمامی نیازهای آنها را برطرف کند.

جناب آقای مظاهری[۲] باید در این زمینه تمامی سعی و کوشش خود را مبذول دارد و گزارش کارهای انجام شده را به اینجانب اطلاع دهد.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۷.

۲. آقای طهماسب مظاهری، سرپرست بنیاد مستضعفان.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۳.

▣ حکم

زمان: ۱۱دی ۲۲/۱۳۶۷ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت قضایی جهت رسیدگی به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام‌آباد و درود
مخاطب: نیّری

[بسمه تعالی]

جناب حجت‌الاسلام آقای نیّری ـ دامت افاضاته

از آنجا که گزارشات متعددی در مورد ضعف دستگاه قضایی به اینجانب رسیده است، و مردم شریف و متعهد ایران انتظار برخورد جدیتری با مسائل مختلف را دارند، به جنابعالی و حجت‌الاسلام آقای رئیسی مأموریت قضایی داده می‌شود تا نسبت به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام آباد و درود رسیدگی نموده، و فارغ از پیچ و خمهای اداری با دقت و سرعت آنچه حکم خداست در موارد مذکور اجرا نمایید. باید سعی کنید خدای ناکرده حقی از کسی ضایع نگردد. والسلام.

به تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷
روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۳دی ۵/۱۳۶۷ جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: هشدار به مسئولین قضایی و مأموریت رسیدگی به مشکلات قضایی شهرستان سیرجان و درود
مخاطب: نیّری و رئیسی

بسم الله الرحمن الرحیم

از آنجا که مقامات بالای قضایی کشور هیچ گونه حساسیتی در مورد مسائل تکان دهنده فوق ندارند به حجتی الاسلام آقایان نیّری و رئیسی، مأموریت داده می‌شود که طبق آنچه تشخیص می‌دهند، در چهارچوب اسلام عزیز، در موارد مذکور

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲۷.

اقدام نمایند. باعث تعجب است که در نظام اسلامی چنین حوادثی اتفاق می افتد؛ ولی با کمال خونسردی اجرای احکام خدا تعطیل، و کارهای دیگر بر کار قضایی رجحان پیدا می‌کند.
۶۷/۱۰/۲۳

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان:؟ **مکان:تهران،جماران**
موضوع:مغایرت طرح پیشنهادی شورایعالی قضایی باقانون اساسی و تأیید طرح پیشنهادی سران سه قوه
مخاطب:شورایعالی قضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای محترم عالی قضایی ـ ایّدهم الله تعالی

با تشکر از زحمات جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای،[۲] طرح مورد اتفاق آقایان، خلاف قانون اساسی است. با طرحی که در جلسه سران سه قوه با اکثریت آرا به تصویب رسیده موافقت می‌شود.

امید است موافقت اعضای محترم شورا در تمامی دوره‌ها بتواند معضلات قضایی کشور را حل نماید. موفقیت آقایان را از خدای تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی [۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۵.

۲. آقای سید علی خامنه ای، رئیس جمهور وقت.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۴۱.

▣ نامه

زمان: ۲۷دی ۱۳۶۷/ ۹جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تذکراتی به‌اعضای‌شورایعالی قضایی مخاطب: شورایعالی قضایی

بسمه تعالی

شورایعالی قضایی جمهوری اسلامی ایران

مسائلی را گوشزد می‌کنم:

۱ـ شما که مسئولیت قضایی دارید و بالاترین مرجع قضایی در کشور پنجاه میلیونی می‌باشیدنباید به کار دیگری در وقت اداری اشتغال داشته باشید. آیا بهتر نیست که برای سر و سامان دادن به امور قضایی در غیر وقت اداری هم به کار قضایی بپردازید.

۲ـ تقسیم کار قضایی موجب می‌شود تا بدانیم با چه کسی روبه رو هستیم. و ظاهراً این امر ضروری است؛ و حفظ قانون هم در این صورت امکان دارد.

۳ـ اینجانب تحمل تعطیل حکم خدا را ندارم. اگر کم کاری شود، خود همان‌گونه که در چند مورد اقدام کرده‌ام مستقیماً اقدام می نمایم.

من به شما علاقه دارم، اما در مقابل تکلیف شرعی نمی توانم بی تفاوت باشم. والسلام.

۶۷/۱۰/۲۷

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲٤۲.

▣ حکم

زمان: ۱بهمن ۱۳/۱۳۶۷جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت رسیدگی به پرونده‌های راکد در شورایعالی قضایی
مخاطب: شورایعالی قضایی

بسمه تعالی

شورایعالی قضایی جمهوری اسلامی

کلیه پرونده‌هایی که تاکنون در آن شورا با کمال تعجب راکد مانده است، و اجرای حکم خدا تأخیر افتاده است در اختیار حجتی الاسلام آقایان: نیّری و رئیسی قرار دهید، تا هرچه زودتر حکم خدا را اجرا نمایند، که درنگ جایز نیست. به آقایان نیّری و رئیسی هم سفارش اکید می‌نمایم که جهات شرعیه را کاملاً رعایت نمایند. والسلام.

۶۷/۱۱/۱

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۹بهمن ۲۱/۱۳۶۷جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تقدیر و دلجویی از رئیس قوه قضاییه و اعضای شورایعالی قضایی
مخاطب: موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، ریاست قوه قضاییه ـ دامت افاضاته

با سلام و دعا برای شما و تمامی دست‌اندرکاران قوه قضاییه وامید موفقیت برای همه، شنیده می‌شود که مسائل و نصایح پدرانه پدر پیرتان موجب رنجش بعضی

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۴۵.

از دست‌اندرکاران قضای کشور شده است؛[۱] و آنان که با فرهنگ حوزه سر و کار نداشته‌اند گمان برده‌اند تلخی و شیرینی اینگونه بحثها و گوشزدها موجب شده است که علاقه من به شما و سایر عزیزان شورایعالی قضایی و دست‌اندرکاران دستگاه قضا کم شده است. اینگونه نیست. من شما را مردی صالح و متدین و از یاران خوب خود و انقلاب می‌دانم. و از شما و سایر اعضای شورایعالی قضایی، که مورد علاقه من هستید، می خواهم تا هرچه بیشتر و بهتر و دقیقتر به امور قضایی رسیدگی نمایید؛ و کمی‌ها و کجی‌ها را با جدیت برطرف نمایید. انقلاب اسلامی ما انقلاب خود شماهاست. من هم مانند شما در خدمت انقلاب هستم. در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادها و طرح اشکالها راه را برای سعادت جامعه باز کنند.

خداوند به جنابعالی و حجج اسلام، آقایان دادستان کل کشور، موسوی خوئینیها، اعضای شورایعالی قضایی، مقتدایی و بجنوردی، و همچنین آقای مرعشی، که با موافقت اینجانب در جای دیگری تصمیم دارند خدمت کنند، اجر و ثواب عنایت فرماید؛ و به همه نیرویی عطا فرماید که هرچه زودتر اشکالات بسیار قوه قضاییه را برطرف نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. اشاره به نامه امام خمینی خطاب به اعضای شورایعالی قضایی، به تاریخ ۱۳٦٧/۱۰/۲۷؛ مندرج در همین مجموعه.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲٤۹ و ۲۵۰.

◘ حکم

زمان: ۱۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۱ رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: عفو زندانیان وابسته به گروهکها
مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
مخاطب: محمدی ری‌شهری، محمد

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام، آقای ری شهری، وزیر محترم اطلاعات ـ دامت افاضاته

با پیشنهاد شما مبنی بر عفو عمومی زندانیان گروهکی[۱] موافقت می‌شود.[۲] و امیدوارم خانواده‌های محترم زندانیان گروهکی فرزندان خود را نصیحت کنند تا دست به کارهایی نزنند که موجب ناراحتی مجدد خود و خانواده‌هایشان گردد. ان‌شاءالله مسئولین نظام اسلامی با مهربانی و برادری با آنها برخورد نموده، و با ایجاد تسهیلات شغلی موجب دلگرمی آنان گردند. از خداوند متعال می خواهم راه هدایت و درستی را نصیب همه بفرماید. والسلام علیکم.

۶۷/۱۱/۱۹

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. آقای محمدی ری شهری در نامه خویش خواستار عفو کلیه زندانیان وابسته به گروهکها به استثنای نهصد نفر از مرتکبین جرایم جنایی شده بود.

۲. به استناد وظایف و اختیارات رهبری، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۵۵.

▣ حکم

زمان: ۲۳بهمن ۱۳۶۷/ ۵رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تقسیم کار در قوه قضاییه مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور)

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای ـ دامت افاضاته

با سلام، از آقایان شورایعالی قضایی دعوت نمایید تا در جلسه سران سه قوه شرکت نموده و طرحهای خود را در زمینه تقسیم کار در هر چه بهتر اداره کردن قوه قضاییه مطرح نمایند. باید همه تلاش نماییم تا اجرای احکام الله تأخیر و یا تعطیل نگردد. گزارش کار را به اینجانب خواهید داد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶۷/۱۱/۲۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۲۴بهمن ۱۳۶۷/ ۶رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم برخورد قاطع با اعمال خلاف عفت در تنکابن
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی ـ دامت افاضاته

بنا بر گزارش اطلاعات، در تنکابن اعمال خلاف عفتی رخ داده است. از آنجا که شما گفتید این مسائل را ابتدائاً با شما در میان بگذارم، جنابعالی پس از تحقیق، یکی از افراد قاطع قوهٔ قضاییه، چون آقای نیّری را به آن شهر فرستاده تا سریعاً حکم خدا را

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۵۸.

جاری نمایند. امیدوارم دقت لازم را بنمایند تا به کسی ظلمی نگردد.

۶۷/۱۱/۲۴

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ حکم

زمان: ۲۵بهمن ۱۳۶۷/ ۷رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: فتوای قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی

مخاطب: مسلمانان جهان

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می باشند. از مسلمانان غیور می خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۵۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۶۳.

اطلاعیه

زمان: ۲۹ بهمن ۱۳۶۷/۱۱ رجب ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: اطلاعیه دفتر امام خمینی در مورد وجوب قتل سلمان رشدی، و تکذیب شایعات
مخاطب: ملت مسلمان ایران و مسلمانان جهان

بسمه تعالی

[رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می گردد. امام خمینی مد ظله فرمودند:]

این موضوع صددرصد تکذیب می گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی همّ خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند.

[حضرت امام اضافه کردند:]

اگر غیر مسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریعتر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جایزه و یا مزد عمل به او بپردازند.(۱)

▣ حکم

زمان: ۲۹ بهمن ۱۳۶۷/۱۱ رجب ۱۴۰۹ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: عفو زندانیان
مخاطب: رازینی، علی (حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت)

[.... پس از اهدای سلام و عرض تبریک به مناسبت آغاز دومین دهه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت مستطاب عالی به عرض مبارک

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲٦٨.

می‌رساند.

بدنبال شمول لطف و رحمت اسلامی نسبت به محکومین گروهکی و مورد عفو قرار گرفتن عمده آنان از سوی حضرت مستطاب عالی محکومین دادگاه ویژه روحانیت و خانواده‌های آنان نیز انتظار بذل مرحمت و مورد عفو قرار گرفتن محکومیت حبس آنان توسط جمهوری اسلامی را دارند. استدعا می‌شود، نظر مبارک را اعلام فرمایند. ۶۷/۱۱/۲۹

حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت رازینی]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای رازینی ـ دامت افاضاته

با عفو کلیه محکومین به حبس توسط دادگاه ویژه روحانیت، در صورتی که به نظر دادگاه تنبه نسبی پیدا کرده و آزادی آنها ضرری برای جامعه اسلامی نداشته باشد. موافقت می‌شود.(۱)

۶۷/۱۱/۲۹

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

◘ حکم

زمان: ۴ اسفند ۱۳۶۷/ ۱۶ رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم نظارت بر تدوین کتابهای درسی و جلوگیری از تحریف تاریخ در کتابهای درسی

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی

[بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک مرجع عالیقدر جهان تشیع، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت

---

۱. این فرمان در پی درخواست مورخ ۶۷/۱۱/۲۹ آقای علی رازینی، دایر به عفو و آزادی محکومین دادگاه ویژه روحانیت به مناسبت آغاز دومین دهه پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر شد.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۶۹.

آیت‌الله العظمی امام خمینی ـ متّع‌الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

با اهدای سلام و لثم اناملکم الشریف، عطف به نامه مورخه ۱۱ بهمن ۶۷، معروض می دارد، برداشتها و تحلیلهای لیبرالیستی وماتریالیستی در بسیاری از کتابهای تاریخی که در پی پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده و می‌شود، و نیز برخی نوشته‌های دور از حقیقت و تحریف شده در کتابهای درسی مدارس و دانشگاهها در زمینه تاریخ، بشدت نگران کننده و رنج آور است. اینجانب ضمن پوزش از تصدیع اوقات گرانبهای آن امام عزیز، به نمونه‌هایی ازآن اشاره می‌کنم:

۱ ـ کتاب «تاریخ معاصر ایران»، که برای دوره‌های متوسطه دبیرستانها تدوین شده است، درباره کشیده شدن مردم به سفارت انگلستان در پی نهضت مشروطه، که بنابر شواهد موجود با نقشه فراماسونهای کافر و بیگانه پرستان ازخدا بیخبر انجام گرفت، در ص ۷۷ چنین می نویسد:

«بهبهانی از میانه راه برای مردم پیغام فرستاد که می توانند در سفارت انگلستان متحصن شوند. به این ترتیب، در حدود بیست هزار نفر به باغ سفارت بیگانه پناه بردند و....»

این اظهار نظر در کتاب درسی آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی، با این قاطعیت، در شرایطی صورت می‌گیرد که اساساً موضوع از دید تاریخ نویسان مورد اختلاف است؛ و کسروی ضد اسلام در کتاب «تاریخ مشروطه»، ص ۱۰۹، در اینباره آورده است:

«این گمان هرگز نمی رود که بهبهانی یا طباطبایی به پناهیدن مردم به سفارتخانه خرسندی داده اند، و یا چنین گفتگویی در بودن ایشان می رفته، چه ما خود دیدیم که آنان با چه سختیها و بیمها روبه رو بودند، و با اینهمه از مسجد بیرون نیامدند. و سرانجام که ناگزیر شدند، روانه قم گردیدند. آن رفتار دلیرانه و جانبازانه آنان کجا، و خرسندی به پناهیدن مردم به سفارتخانه یک دولت بیگانه کجا؟!»

۲ ـ در کتاب «تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران» که در سال ۱۳۶۴ برای برخی از دانشگاهها منتشر شده است، در ص ۲۱، چنین آمده است:

«در کشاکش این مهاجرت، حادثه پناهندگی به سفارت انگلستان پیش می آید که بهبهانی در انجام آن مؤثر بود.»

شایان نگرش است که نویسنده این کتاب حدود یک سال پیش از انتشار آن، به همراه نویسنده کتاب «تاریخ معاصر ایران» با اینجانب دیدار کرد. در این مجلس این نویسنده در تأیید نظریه اینجانب، نویسنده کتاب «تاریخ معاصر ایران» را مورد نکوهش قرار داد که چرا موضوعی را که در میان تاریخ نگاران مورد اختلاف است به صورت حتمی و قاطعیت، آن هم در کتاب درسی دانش آموزان، منعکس کرده است. و آن نویسنده نیز به ظاهر به اشتباه خود اعتراف کرد، و قرار گذاشت که آن را اصلاح کند. لیکن نه تنها تا به امروز این نوشته در کتاب درسی دانش آموزان بدون کوچکترین تغییری آورده شده است، بلکه در کتاب درسی دانشگاه نیز، چنانکه در بالا ملاحظه می‌فرمایید، تکرار گردیده است؛ که بازگوکننده غرض و سوءنیت می‌باشد نه اشتباه.

۳ ـ در کتاب «تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران» ماجرای کاخ مرمر و حمله به شاه را، که از سوی سرباز پرشور و از جان گذشته ای به نام «رضا شمس آبادی» انجام گرفت، حرکتی کمونیستی وانمود کرده. در ص ۹۵ چنین آورده است :

«شمس آبادی در ارتباط با یکی از گروههای مارکسیستی ـ مائوئیستی فعالیت داشت. وی امکان ترور شاه را به گروه خود خبر داده بود، که با عکس العمل مخالف مرکزیت روبه رو شد. سرانجام شمس آبادی بدون در جریان گذاشتن گروه، اقدام به ترور شاه کرد که ناموفق ماند.»

در صورتی که طبق اسناد و مدارک موجود در ساواک و شواهد و دلایل دیگری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دست بوده، که در جلد اول کتاب «نهضت امام

خمینی» آن را آورده ام، نامبرده انگیزه اسلامی داشته، و هیچ گونه ارتباطی با کمونیستها نداشته است. به نظر می‌رسد دستهای مرموزی در کار است تا دروغها و بافته‌های تحریفگران تاریخ در طول یکصدساله اخیر را با آرم و عنوان جمهوری اسلامی اعتبار ببخشد؛ و با تمسک به اینکه این نوشته‌ها، برداشتها و تحلیلها، در نظام جمهوری اسلامی تکرار و حتی در کتابهای درسی آمده است، تحریفگریهای نویسندگان خائن گذشته را لباس حقیقت بپوشاند.

اینجانب در مدت این چند سال به هر یک ازمسئولان امور که باید به این جریان رسیدگی کنند متوسل شدم و اعلام خطر کردم، لیکن دریغا که هیچ کس به این دردی که مرا از درون رنج می‌دهد توجهی نکرد. ناگزیر وظیفه دانستم که جریان را با ولی اَمرم در میان بگذارم تا چاره‌ای بیندیشند. و «انما اشکوا بثی و حزنی الی الله».
والسلام علیکم و رحمة الله. سید حمید روحانی]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه ای، ریاست شورایعالی انقلاب فرهنگی دامت افاضاته

نامه جناب حجت‌الاسلام آقای سیدحمید روحانی اخطاری است برای همه آنانی که دلشان برای اسلام و انقلاب می تپد. باعث تعجب و تأسف است که نظام آموزشی کشور اسلامی ایران نسبتی به مرحوم بهبهانی رحمة الله علیه دهد که حتی کسروی با آن سوابق ضداسلامی درباره ایشان نمی‌دهد. کسروی ضد دین پس از تجلیل از آقایان: بهبهانی و طباطبایی[۱] دستور بهبهانی و طباطبایی به مردم را در پناه بردن به سفارت یک دولت بیگانه رد می‌کند. از حضرتعالی، که دلسوز اسلام و انقلاب هستید، اکیداً می خواهم مسئولی برای رسیدگی به این امور گذاشته، تا در تمام

---

۱. آیات عظام آقایان: سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی، از علمای بنام و از بانیان نهضت مشروطیت.

اینگونه موارد شما را در جریان بگذارد. سایر موارد نامه آقای روحانی هم مورد مداقّه است. گزارش کار را به اینجانب بدهید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/۱۲/۴

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◙ حکم

زمان: ۸اسفند ۱۳۶۷/ ۲۰رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأمین مخارج دفتر اسناد انقلاب اسلامی
مخاطب: کروبی، مهدی (نماینده امام خمینی و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی)

[محضر مبارک مرجع عظیم الشأن و رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

... معروض می دارد، چنانچه خاطر عالی مستحضر است دفتر اسناد انقلاب اسلامی به منظور گردآوری اسناد تاریخی تدوین و نگارش تاریخ انقلاب اسلامی با همکاری برادرم حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقای کروبی در سال ۱۳۵۹ تأسیس گردید.(۲) در آغاز کار این دفتر از محضر حضرتعالی درباره اداره امور و مخارج آن کسب تکلیف شد. حضرتعالی بذل عنایت فرموده، تأمین مخارج آن را به طور شفاهی به آقای کروبی و بنیاد شهید انقلاب اسلامی موکول فرمودید. سپس برادرم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی نیز در پاسخ نامه اینجانب نظر مبارک عالی را مبنی بر پرداخت مخارج این دفتر از سوی بنیاد شهید انقلاب اسلامی تأکید فرمودند. با وجود این برای رفع هرگونه نگرانی که ممکن است در آینده پیش آید، با عرض معذرت خواهشمند است در صورتی که مصلحت می دانید که اداره

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۴ تا ۲۹۶.

۲. یکی از مهمترین اقدامات دفتر اسناد انقلاب اسلامی، انتشار کتاب «نهضت امام خمینی» در سه جلد است. این مجموعه که بیانگر سیر مراحل انقلاب اسلامی است مورد استفاده پژوهشگران و اهل تحقیق قرار می‌گیرد.

امور و مخارج این دفتر کماکان بر عهده حاج آقای کروبی باشد، نظر مبارک عالی را به صورت کتبی ابلاغ فرمایید... والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶۷/۱۲/۸ حمید روحانی]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای کروبی ـ دامت افاضاته

مخارج دفتر اسناد انقلاب اسلامی که اداره آن با حجت‌الاسلام آقای سید حمید روحانی است کماکان بر عهده بنیاد شهید می‌باشد.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۲۴ اسفند ۱۳۶۷ / ۷ شعبان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: کمک برای احداث ساختمان «کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی»

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم ایّده الله تعالی

کتابخانه حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی ـ دامت برکاته از کتابخانه‌های کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیر ایران است. کتب نفیس اعاظم شیعه و کتاب‌های منحصر به فرد و خطی آن از ذخایر فرهنگ غنی اسلام و ایران می‌باشد.

از قرار اطلاع مرکز حفاظت آنها به گونه ای نیست که کتاب‌ها مصون از خطر باشد و محیط مطالعه برای مشتاقان کتاب بسیار کوچک است.

جنابعالی موظف می‌باشیدآنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد به بهترین وجه فراهم آورید. جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی که خود از

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۰۲.

خبرگان و شایستگان در امر کتابشناسی و کتاب و شناخت محیطی مناسب برای حفظ کتاب است بهترین فردی است که می‌تواند شما را در این امر یاری دهد. ان‌شاءالله هر چه زودتر با ساخته شدن بنایی در خور اسلام و انقلاب و حوزه علمیه قم، قدمی مفید در راه رشد تعالیم اسلام برداشته شود. روشن است آنچه در این زمینه ساخته می‌شود اختیارش با حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی و یا فردی است که ایشان تعیین نمایند. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم.

۶۷/۱۲/۲۴ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۲۷اسفند ۱۳۶۷/ ۱۰شعبان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت رسیدگی سریع به وضعیت زندانیان بلاتکلیف مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی خوئینی ـ دامت افاضاته

با سلام، گزارش شما از وضع افراد بلاتکلیف در زندانها تلخ و تکان دهنده است. جنابعالی و آقایان حجتی الاسلام موسوی اردبیلی[۲] و مقتدایی[۳] هر یک در حوزه مسئولیت خویش افرادی را برای خاتمه دادن بدین وضع ناهنجار انتخاب نموده و هر چه زودتر این مشکل را حل نمایید.

از قول من به تمامی دست‌اندرکاران امور قضایی تهران و شهرستانها بگویید خدا را خوش نمی آید افرادی بلاتکلیف در زندانها باشند و آقایان هیچ گونه حساسیتی در این زمینه نداشته باشند. توفیق شما و همه افرادی که در دستگاه قضایی

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۰.

۲. آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور.

۳. آقای مرتضی مقتدایی، عضو شورایعالی قضایی.

زحمت می‌کشند را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/۱۲/۲۷ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ۱۴فروردین ۱۳۶۸/ ۲۶شعبان ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
مخاطب: جنتی، احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ احمد جنتی ـ دامت افاضاته

به دنبال درخواست اعضای محترم وبزرگوار شورایعالی سازمان تبلیغات مبنی بر اینکه برای پیشبرد بهتر کار، شخصی از طرف اینجانب به تنهایی مسئول آن سازمان گردد، جنابعالی را به مدیریت و ریاست آن سازمان منصوب می نمایم.

روشن است شما که از افراد متدین خوب و با سابقه طولانی در مبارزات می‌باشید و عمری را در حوزه‌های علمیه سپری کرده‌اید، می‌توانید خدمات ارزنده‌ای به اسلام و انقلاب بنمایید.

امیدوارم با تلاش پیگیر و با استفاده از همه نیروهای مؤمن به انقلاب و اسلام از عهده این مهم برآیید. تبلیغات، که همان شناساندن خوبیها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدیها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است.

ان‌شاءالله در محدوده توانتان نقاط کور و مجهول را برای مردم شریف ایران و جهان اسلام باز و روشن نمایید؛ و چهارچوب اسلام ناب محمدی، که ترسیم قهر و

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۱.

خشم و کینه مقدس و انقلابی علیه سرمایه داری غـرب و کـمونیسم مـتجاوز شـرق است، و نیز راه مبارزه علیه ریا و حیله و خـدعه را بـه مـردم و بـخصوص جـوانـان سلحشور مان نشان دهید.

این مسئله که نظام در اهداف خود جدی است و با هیچ کس شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه برخورد می‌نماید، بایدبه عنوان یک اصل خدشه ناپذیر برای تمامی دست‌انـدرکاران و مـردم تبلیغ گردد.

توفیق جنابعالی و اعضای معزّز و محترم شورایعالی سازمان تبلیغات اسلامی و تمامی افراد آن سازمان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۸/۱/۱۴

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ حکم

زمان: ۲۰فروردین ۱۳۶۸/۲رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: معافیت مالیاتی آستان قدس رضوی و شرکتها و مؤسسات وابسته
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب و بـنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با اهدای بهترین تحیّات محترماً معروض می دارد، منابع مالی آسـتان قـدس رضوی مجموعه ترکیبی از موقوفات و نذورات بوده که در جهت کمک به محرومان، گسترش و نشر فرهنگ اسلامی و ترویج اسلام ناب مـحمدی، تـعمیر و نگـهداری اماکـن مـتبرکه و روضـه مـنوّره رضـویّه و احـداث و گسـترش ابـنیه و بـالأخره در

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۹ و ۳۴۰.

راه مصالح جامعه اسلامی طبق نظر و نیّات واقفین حسب موارد مقرّره به مصرف می‌رسد.

قابل ذکر است که به خاطر قید غیر انتفاعی بودن، این تشکیلات مقدس از آغاز حیات خود در هیچ دوره و مقطع تاریخی مشمول پرداخت مالیات نبوده است.

در سال ۱۳۶۵ که لایحه مالیاتی در کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس مطرح و در لایحه مذکور نام آستان قدس از ردیف سازمانهایی که مشمول معافیت مالیاتی بودند حذف گردیده بود. مراتب به وسیله برادر بزرگوارمان جناب مستطاب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج احمد آقا به استحضار حضرت مستطاب عالی رسید که مقرر فرمودید: «آستان قدس رضوی مالیات ندهد و به جناب آقای نخست وزیر هم گفته شود از آستان قدس نباید مالیات بگیرند» اما از آنجا که اوامر حضرتعالی کتباً به مسئولین امر ابلاغ نگردیده در قانون مالیاتی مصوب سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی موضوع عدم پرداخت مالیات آستان قدس رضوی و شرکتهای وابسته مسکوت ماند.

با توجه به اجرای قانون مذکور از ابتدای سال جاری مشکلات و مسائلی در این رابطه برای آستان قدس رضوی به وجود آمده است، استدعا دارد اوامر حضرتعالی را در خصوص عدم پرداخت مالیات به وسیله آستان قدس و شرکتها و مؤسسات وابسته به مسئولین ذی ربط امر به ابلاغ فرمایند.

در جوار مضجع منور حضرت ثامن الائمه ﷺ سلامتی و طول عمر آن حضرت و دوام و بقای نظام جمهوری اسلامی را از خداوند سبحان مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۶۸/۱/۱۰ ارادتمند: عباس واعظ طبسی]

بسمه تعالی

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم

همان طور که قبلاً گفته‌ام آستان قدس رضوی و شرکتها و مؤسسات وابسته از پرداخت هر گونه مالیاتی معاف می باشند. نظر اینجانب را به مقامات ذی ربط ابلاغ نمایید.
۶۸ / ۱ / ۲۰

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۶فروردین ۱۳۶۸/ ۸رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: جمع‌آوری تصاویر شهداازبزرگراه تهران-قم
سؤال‌کننده: آشتیانی، علی‌اکبر(نماینده امام خمینی درژاندارمری)

[محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی روحی له الفداء

سلام علیکم. محترماً، به استحضار عالی می رسانم، بر حسب اظهارات افسران کارشناس تصادفات پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، تصاویر شهدای معظم روحانیت از ابتدای نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب و همچنین شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی که در کنار برادران خود با نثار جان به دیدار معبود شتافته‌در وسط بزرگراه تهران قم نصب گردیده [۲] و علی رغم اینکه از لحاظ تبلیغاتی بسیار مؤثر است و بیانگر شرکت مستقیم جامعه عزیز روحانیت در سراسر تاریخ انقلاب می‌باشد، لکن این تصاویر، توجه رانندگان را به خود جلب نموده و موجب بروز تصادفات زیادی گردیده و می گردد. علی هذا مستدعی است نظریه حضر تعالی را در

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳٤۷ و ۳٤۸.

۲. تابلوهای حاوی عکس شهدا، در فواصل نزدیک به هم و در میان دو خط رفت و برگشت اتوبان نصب شده بود.

این زمینه امر به ابلاغ فرمایند تا به همان نحو اجرای امر شود. در پایان طول عمر همراه با سلامتی برای آن امام بزرگوار از درگاه ایزدمنان مسئلت نموده و امیدوارم سایه پرمهر و محبت آن امام همام را بر سر جامعه مسلمین جهان و همچنین این سازمان مستضعف مستدام بدارد. ان‌شاءالله.

سرباز کوچک شما: علی اکبر آشتیانی ۶۸/۱/۲۶]

بسمه تعالی

عکسها را از بزرگراه جمع نموده و در صورتی که از نظر کارشناسان تصادفات اشکالی نداشته باشد در میادین شهر قم نصب نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ حکم

زمان: ۴ اردیبهشت ۱۷/۱۳۶۸ رمضان ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تدوین متمم قانون اساسی — مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته

از آنجا که پس از کسب ده سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور، اکثر مسئولین و دست‌اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده‌اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه، کمتر به آن توجه شده است، ولی خوشبختانه مسئله تقسیم قانون اساسی پس از یکی دو سال نیز مورد

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۱.

بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه اسلامی و انقلابی ماست و چه بسا تأخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد. و من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدتها قبل در فکر حل آن بوده ام که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن می گردید.

اکنون که به یاری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیة الله روحی له الفداء نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است، هیأتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نمودم که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر می‌شود، تأیید آن را به آرای عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.

الف ـ حضرات حجج اسلام و المسلمین و آقایانی که برای این مهم در نظر گرفته ام :

۱ ـ آقای مشکینی ۲ ـ آقای طاهری خرم آبادی ۳ ـ آقای مؤمن ۴ ـ آقای‌هاشمی رفسنجانی ۵ ـ آقای امینی ۶ ـ آقای خامنه ای ۷ ـ آقای موسوی «نخست وزیر» ۸ ـ آقای حسن حبیبی ۹ ـ آقای موسوی اردبیلی ۱۰ ـ آقای موسوی خوئینی ۱۱ ـ آقای محمدی گیلانی ۱۲ ـ آقای خزعلی ۱۳ ـ آقای یزدی ۱۴ ـ آقای امامی کاشانی ۱۵ ـ آقای جنتی ۱۶ ـ آقای مهدوی کنی ۱۷ ـ آقای آذری قمی ۱۸ ـ آقای توسلی ۱۹ ـ آقای کروبی[۱] ۲۰ ـ آقای عبدالله نوری که آقایان محترم از مجلس خبرگان و قوای مقننه و اجراییه و قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت و افراد دیگر و نیز پنج نفر از نمایندگان

---

۱. اسامی کامل آقایان «که نام کوچک آنها در متن نامه امام ذکر نشده است» به ترتیب عبارتند از حضرات آقایان : علی مشکینی، سید حسن طاهری خرم آبادی، محمد مؤمن قمی، اکبر هاشمی رفسنجانی، ابراهیم امینی، سید علی خامنه ای، میرحسین موسوی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، محمد محمدی گیلانی، ابوالقاسم خزعلی، محمد یزدی، محمد امامی کاشانی، احمد جنتی، محمدرضا مهدوی کنی، احمد آذری قمی، محمد رضا توسلی «محلاتی»، مهدی کروبی .

مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس انتخاب شده‌اند.

ب ـ محدوده مسائل مورد بحث:

۱ـ رهبری ۲ـ تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۳ـ تمرکز در مدیریت قوه قضاییه ۴ـ تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند ۵ـ تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶ـ مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷ـ راه بازنگری به قانون اساسی ۸ـ تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی

ج ـ مدت برای این کار حداکثر دو ماه است.

توفیق حضرات آقایان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۸/۲/۴

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ حکم

زمان: ۶ اردیبهشت ۱۹/۱۳۶۸ رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین نمایندگان برای رسیدگی به وجوه و اموال مجهول المالک و...

مخاطب: کروبی، مهدی ـ صانعی، حسن ـ عسگراولادی، حبیب الله

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای حبیب الله عسگر اولادی زید توفیقه

با سلام، کلیه وجوه و اموال مجهول المالک بلاصاحب، ارث بلا وارث و اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذِمّه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه است، در اختیار آقایان حجج اسلام مهدی کروبی و حسن

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۶۳ و ۳۶۴.

صانعی ـ دامت افاضاتهما ـ قرار می‌گیرد. آقایان از طرف اینجانب وکیل می باشند تا به هرگونه صلاح می‌دانند در تمامی ابعاد فروش، نگهداری و اداره آنها اقدام نمایند. بدیهی است اگر مایل باشند می‌توانند قسمتی از این اختیارات را در اختیار وزارت امور اقتصاد و دارایی، قرار دهند.

از آقایان می خواهم که دقت کامل کنند تا کلیه درآمدهای حاصله را هر چه بهتر در موارد مقرره شرعیه صرف نمایند و در حد توان به بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مسکن، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، طرح شهید رجایی[۱] و بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و موارد دیگر مورد نظرشان کمک نمایند و در تمامی موارد، امور شرعیه به دقت مراعات گردد. توفیق جنابعالی و آقایان را در خدمت به خانواده شهدا، جانبازان و مفقودین و اسرا و مستضعفین آرزومندیم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۸/۲/۶

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۹اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۲۲رمضان ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: متمم قانون اساسی و عدم لزوم درج شرط مرجعیت در شرایط رهبری نظام

مخاطب: مشکینی، علی (رئیس مجلس خبرگان)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ علی مشکینی دامت افاضاته

پس از عرض سلام، خواسته بودید نظرم را در مورد متمم قانون اساسی بیان کنم. هر گونه آقایان صلاح دانستند عمل کنند. من دخالتی نمی‌کنم. فقط در مورد

---

۱. به موجب این طرح، افراد مسن از کار افتاده تحت پوشش خدمات عمومی و کمک رسانی قرار می گیرند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳٦٥.

رهبری، ما که نمی توانیم نظام اسلامی مان را بدون سرپرست رها کنیم. باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط «مرجعیت» لازم نیست. مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادلی را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولیّ منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است. در اصل قانون اساسی من این را می گفتم، ولی دوستان در شرط «مرجعیت» پافشاری کردند، من هم قبول کردم. من در آن هنگام می‌دانستم که این در آینده نه چندان دور قابل پیاده شدن نیست. توفیق آقایان را از درگاه خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۸/۲/۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۲۳ رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: حساب بانکی دادستانی درباره وجوه مربوط به اصل ۴۹ و خمس

مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد (دادستان کل کشور)

۶۸/۲/۱۰ بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خوئینی ـ دامت افاضاته

با سلام، احمد[۲] گفت که سؤال کرده‌اید، آیا با اجازه ای که به آقایان: کروبی[۳] و صانعی[۴] داده‌ام اجازه شما در مورد اصل ۴۹ و تخمیس، فسخ شده است یا خیر؟

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷۱.

۲. آقای سیداحمد خمینی.

۳. آقای مهدی کروبی، نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

۴. آقای حسن صانعی، نماینده امام و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد.

جنابعالی که مورد علاقه اینجانب می‌باشید و فردی موثق و متدین هستید، هرگونه مایل باشید می توانید عمل کنید. یا چون گذشته، حساب خود را باز نگه داشته و وجوهی که در آن ریخته می‌شود را به حساب اینجانب واریز نمایید. و یا می توانید وجوه ریخته شده را به حساب وزارت اقتصاد و دارایی ریخته و حساب خود را ببندید، و یا هرگونه صلاح می دانید عمل کنید. ان‌شاءالله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۹اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۳شوال ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم تسریع در امر رسیدگی به پرونده غارتگران بیت المال
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[... با سلام و تحیّات خالصانه و اظهار تشکر از اعتمادی که نسبت به اینجانبان ابراز فرموده‌اید معروض می دارد، در اجرای فرمان مبارک مورخ ۶۸/۲/۶ آن حضرت نسبت به اموالی که در اختیار ولیّ‌فقیه است حسب اظهار نظر مطلعین، پرونده‌های زیادی در رابطه با موضوع حکم حضرتعالی مربوط به غارتگران بیت‌المال و وابستگان به رژیم طاغوت در محاکم وجود دارد که صرف نظر از مشکلات دست و پاگیر رسیدگی عادی به آنها چندین سال به طول می انجامد و این امر موجب اضرار بیت المال و حقوق محرومین و مستضعفین جامعه می‌شود. علیهذا از محضرتان استدعا می‌شود در صورت صوابدید جهت پیشرفت امور و ضایع نشدن حق فقرا و مستمندان به مسئولین قضایی مربوطه دستور فرمایید تا بدین پرونده‌ها خارج از ضوابط دست و پاگیر حاکم بر دادگاهها طبق موازین شرع انور رسیدگی شود و فردی را برای این کار انتخاب نمایند. و از آنجا که جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای نیّری فردی وارسته، قاطع و مورد توجه حضرتعالی است و نیز مورد توجه قضای

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷٤.

کشور است برای مسئولیت این امر پیشنهاد می‌شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. مهدی کروبی ـ حسن صانعی]

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی ـ دامت افاضاته

با سلام و دعا. این کار مربوط به جنابعالی است. إن‌شاءالله اقدام می نمایید. من با پیشنهاد آقایان: کروبی و صانعی و انتخاب آقای نیّری برای این کار موافقم. البته با اختیاراتی که خود بتوانند تصمیم لازم را بگیرد. ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید. والسلام علیکم.

۶۸/۲/۱۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۸/۳ شوال ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: اداره مدرسه دارالشفای قم توسط شورایعالی انقلاب فرهنگی

مخاطب: احمدی، احمد (عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی جعلت فداه

با تقدیم شایسته‌ترین تحیّت، به استحضار خاطر شریف می رساند که با توجه به ضرورت تدریس معارف دینی در دانشگاهها و نارساییهای کنونی از سال گذشته قریب نود نفر از طلاب حوزه علمیه قم که دو سال درس خارج خوانده‌اند گزینش شده‌اند تا باگذراندن برنامه مخصوص پس از سه سال به تدریس دروس معارف دینی در دانشگاهها بپردازند و هم اکنون قریب یک سال تحصیلی از این برنامه را در مدرسه دارالشفای قم گذرانده‌اند و قرار است در آینده هم گرفتن طلاب تا رفع نیاز ادامه یابد. قسمت عمده کار اجرایی و درسی و برنامه هم زیر نظر اینجانب انجام

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸٤.

می‌گیرد، از محضر مبارک تقاضا می‌شود با توجه به موقعیت کنونی، تکلیف این بخش را معلوم فرمایید.

دکتر احمد احمدی ـ عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای احمدی ـ دامت افاضاته

از این پس مدرسه دارالشفای قم در صورت توافق شورای مدیریت حوزه علمیه قم زیر نظر شورایعالی انقلاب فرهنگی اداره گردد، و در صورت توافق حق لغو با شورای مدیریت قم می‌باشد. ان‌شاءالله موفق باشید. والسلام علیکم.

۶۸/۲/۱۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ حکم

زمان: ۲۸اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۱۲شوال ۱۴۰۹ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: لزوم تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی

مخاطب: موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی ـ دامت افاضاته

جنابعالی آقای نیّری را برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع حکم آقای صانعی و آقای کروبی[۲] انتخاب نمایید تا هر پرونده ای در کشور مربوط به آن حکم می‌گردد را رسیدگی نماید. و همان طور که نوشته‌اید برای اینکه حقوق مردم از بین نرود، دادگاه عالی انقلاب اسلامی را موظف کنید این پرونده‌ها را رسیدگی مجدد نمایند. آقایان حجتی الاسلام معرفت و نیّری موظفند این پرونده را خارج از قوانین

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۵.

۲. به حکم صادره از سوی امام خمینی به تاریخ ٦٨/٢/١٦ مراجعه شود.

دست و پاگیر رسیدگی نمایند و تنها انطباق با موازین شرعی را مدنظر قرار دهند، تا خدای ناکرده حق کسی ضایع نگردد. بدیهی است کلیه احکام صادره که به تأیید دادگاه عالی انقلاب اسلامی رسیده باشد قطعی و لازم الاجراست. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. توضیح این مطلب لازم است که پرونده‌های شهرستانها از طریق آقای نیّری به دادگاه عالی فرستاده خواهد شد.

۶۸/۲/۲۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۹.

فصل ۶:
پرسش‌ها و پاسخ‌ها

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۳۴۷ هـ ش. / ۱۳۸۸ هـ ق.[۱] مکان: نجف

موضوع: لغو اجازه‌نامه مؤیدان رژیم

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی جناب آقای خمینی ادام‌الله ظله العالی پس از تقدیم عرض سلام و ادای مراسم تحیت، محترماً معروض می دارد:

بفرمایید کسانی که سابقاً از حضر تعالی اجازه سهم مبارک امام علیه السلام داشته‌اند و در سالهای گذشته در منابر بیاناتی به نفع دستگاه حاکمه و برخلاف شرع و اعمالی ناشایسته و بر خلاف شرع اقدس از آنها سرزده، آیا همچنان بر راه خود باقی هستند و می‌شود به آنها سهم مبارک امام علیه السلام داد یا خیر؟ ادام الله بقائکم.]

بسمه تعالی

کسانی که از دستگاه ظلم تأیید کرده‌اند یا می کنند و بر خلاف شرع مطهر عمل می کنند، اگر اجازه ای از اینجانب دارند، از درجه اعتبار ساقط است و مؤمنین به آنها

---

۱. در کتاب هفت هزار روز، ج ۱، ص ۳۳۱، پاسخ امام خمینی در ذیل تاریخ اوایل فروردین ۱۳٤۷ درج شده است و در صحیفه نور (دوره قدیم)، ج ۱، ص ۱٤۱، و (دوره جدید)، ج ۱، ص ۲٤۰، بدون تاریخ و در محدوده اسناد مندرج در تاریخ شهریور ۱۳٤٦ درج شده است .

از وجوه شرعیه خصوصاً سهم مبارک امام علیه السلام ندهند. «اعاذنا الله تعالی من شرور انفسنا».[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◙ نامه

زمان:۲۶دی۱۳۴۷/۲۷شوال۱۳۸۸ **مکان:نجف**

موضوع:ذبح شرعی

۲۷ شوال ۸۸ بسمه تعالی

به عرض عالی می رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود مسعود بود واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است.

راجع به «ذبیحه» به نحوی که مرقوم شده است هیچ اشکالی در حرمت نیست.[۳] از وجوهی:

یکی آنکه معتبر است در «ذابح» اسلام، و این امر مسلَّم است و دلالت بر آن دارد صحیحه محمدبن مسلم در باب پانزده کتاب ذبایح، حدیث دوم. و معلوم است

---

۱. خداوند ما را از بدیهای نفس خویش پناه دهد.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷٤.

۳. پاسخ امام خمینی در جواب استفتاء از حلیت یا حرمت ذبح حیوانات به وسیله دستگاههای خودکار برقی در حالی که ذکر «بسم الله» از نوار ضبط صوتی که قبلاً پر شده است و برای هر کشتار پخش می‌شود، مرقوم گردیده است و چنانکه در پاسخ امام خمینی تصریح شده است فتوای ایشان در این مورد «حرمت» است زیرا در فرض مذکور اولاً، ذبح کننده و مباشر ذبح دستگاه است نه انسان مسلمان. ثانیاً، تسمیه یعنی بردن نام خدا هنگام ذبح نیز به صورت شرعی تحقق نیافته است و پخش بسم الله از نوار، انعکاس ذکر قبلی است، نه ذکر نام خدا توسط ذابح و به هنگام ذبح. ثالثاً، در روش ذبح به وسیله دستگاههای برقی، سر حیوانات از قفا «پشت گردن» بریده می‌شود در حالی که یکی از شرایط ذبح شرعی، بریدن رگهای چهارگانه است که در قسمت حلق قرار دارند، و شروع ذبح از این قسمت می‌باشد.

ذابح مباشر ذبح است، و آن در این مورد تیغه خودکار است به قوه برق، هر چند قتل تسبیباً به او منتسب است. نظیر انداختن شخصی را در مسبعه که قاتل ملقی است لکن آکل سبعْ است. دیگر آنکه ذابح مسلم باید در حال ذبح تسمیه بگوید و تسمیه در این مورد که از نوار است نه تسمیه مسلم است و نه ذکرالله است، بلکه انعکاس ذکری است که شخص نموده است، و اگر ذکر آن شخص باشد باید در نماز کافی باشد، و به این شرط دلالت دارد جمله ای از روایات مثل صحیحه حلبی ششم باب سابق و روایت پنجم بلکه ظاهر آیه شریفه؛ علی تأمل.

دیگر آنکه ذبح از قفا موجب حرمت است و دلالت بر آن دارد: صحیحه محمدبن مسلم باب چهار و دیگر روایات، و ظاهر روایات آن است که مبدأ شروع به ذبح باید حلق باشد یا سایر اوداج که مذبح هستند، و پشت گردن مذبح نیست.

در هر صورت حرمت آن بی اشکال است. در ایران نیز از قرار مذکور عمل شده است. منتها اول بعضی آقایان را گول زدند و اظهار کردند که ذبح به طور شرعی می‌شود و سایر کارها را مکینه می‌کند. لکن از قراری که یک نفر معمَّم اظهار می‌کرد همان نحو که در سؤال ذکر شده است عمل می‌شود و از «تسمیه» حتی در نوار هم خبری نیست ـ والعهدة علیه. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

◙ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۵مهر ۱۳۴۹/۵شعبان ۱۳۹۰ مکان: نجف

موضوع: انجمن حجتیه، اجازه استفاده از وجوهات جهت مبارزه با بهائیت

توضیح: این اجازه‌نامه بعداً از سوی امام خمینی لغو گردید (۱)

[حضرت آیت الله العظمی جناب آقای حاج آقا روح الله خمینی دام ظله العالی

سلام علیکم شاید خاطر مبارک مستحضر باشد که چند سالی است عده ای از افراد متدین و با ایمان تحت رهبری حضرت حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محمود حلبی برای مبارزه اصولی با مرام ساختگی بهائیت جلسات منظمی تشکیل داده و در این جلسات مطالب آموزنده ای تدریس و افراد را با مقام شامخ حضرت ولی عصر ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء آشنا می سازند. اخیراً دامنه فعالیت این جلسات از تهران و اصفهان و مشهد و شیراز و مراکز مهم گذشته و حتی به دهات دوردست کشانیده شده و در اثر عنایات خاصه حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان صلوات الله و سلامه علیه توانسته‌اند در این مدت حدود پانصد نفر از افراد فرقه ضاله بهاییه را به صراط مستقیم توحید هدایت و به دیانت مقدسه اسلام مشرف نموده و عده کثیری از افراد متزلزل راکه در خطر سقوط به دامان آن گروه قرار گرفته بودند از پرتگاه نجات دهند. اولاً نظر مبارک حضرت آیت الله درباره این عده و اقدام آنان چیست؟ ثانیاً همکاری با آنها و تقویت آنان چه صورتی دارد؟ ثالثاً آیا می توان در صورت لزوم از وجوه شرعیه در این راه مصرف نمود یا نه؟ استدعا آنکه نظر مبارک را صریحاً امر به ابلاغ فرمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.]

---

۱. به پاورقی صفحه بعد رجوع کنید.

بسمه تعالی

در فرض مذکور هم اقدامات آقایان مورد تقدیر و رضای خداوند متعال است و نیز همکاری و همراهی با آنها مرضیّ ولی عصر عجل الله فرجه است. و هم مجازند مؤمنین از وجوه شرعیه از قبیل زکوات و شرعیات به آنها بدهند. در صورت لزوم مجازند از ثلث سهم مبارک امام علیه السلام به آنها کمک کنند؛ البته تحت نظارت اشخاص متعهد و اگر جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حلبی ـ دامت برکاته می‌توانند، تحت نظارت ایشان وجوه داده شود.[1] از خداوند تعالی موفقیت آنها را

---

۱. به دلیل مواضع ناصواب «انجمن حجتیه» و بهره برداریهای رژیم شاه و همکاری برخی از اعضای آن با رژیم شاه، امام خمینی پس از اطلاع از این مسائل، اجازه صادره قبلی را لغو نمودند. ایشان در سال ۱۳۵۰ در پاسخ به نامه آقای گرامی که خواستار اعلام نظر در مورد وضع انجمن حجتیه و مؤسس آن شده بود، چنین نوشته اند: «شخصی که مرقوم شده بود: جلساتش ضررهایی دارد، از وقتی مطلع شده‌ام تأییدی از او نکرده ام و ان‌شاءالله تعالی نمی‌کنم».

امام خمینی در پیام معروف به «منشور روحانیت» می نویسد: «... دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند! ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند!

«آقای‌هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ای در مورد انجمن حجتیه و لغو اجازه از سوی امام خمینی چنین می‌گوید: «جریان دیگری که ظهور کرده بود. انجمن حجتیه بود. این گروه سالها پیش به فکر افتادند که مبارزه با بهایی‌ها را شروع بکنند و انجمن تشکیل دادند، و کارشان شناسایی بهایی‌ها بود و آنها را محکوم می‌کردند و جلوی جذب شدن مسلمانها را به آنها می گرفتند. بطور کلی رژیم از این گونه کارها خوشش می آمد چون این نوع کارها خیلی به رژیم برخورد نمی کرد و آنها نیز به افرادشان دستور داده بودند که در کارهای سیاسی دخالت نکنند و مبارزه را ممنوع کرده بودند. و رژیم هم مزاحمشان نمی‌شد. آنها کلاسهایی ترتیب داده بودند و بچه مسلمانها را جمع

←

خواستار است.

۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۹۰

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۳ اسفند ۱۳۵۳ / ۲۰ صفر ۱۳۹۵(۲) مکان: نجف
موضوع: صرف وجوه برای نشر کتابهای اسلامی سیاسی سؤال‌کننده: روحانی (زیارتی)، سید حمید

[بسمه تعالی. پیشگاه قائد بزرگ اسلام حضرت آیت الله خمینی متّع الله المسلمین بطول بقائه با اهدای سلام و تحیات وافره معروض می‌دارد، صرف ثلث اموال، که حسب الوصیة باید به مصرف امور خیریه و بریّه برسد، در طبع و نشر کتب سیاسی اسلامی که بیانگر حقایق اسلام و نظریات مراجع عظام در مقابله و مبارزه با ظلمه، حکام جور و استعمارگران باشد و جهت روشنگری و انقلاب فکری اسلامی به کار آید چه صورت دارد؟ مستدعی است نظر شریف را بیان فرمایید. ادام الله ظلکم علی رئوس الأنام.]

← میکردند و دوره اصول عقاید را به آنها یاد می دادند. چون این گروه مبارزه را قبول نداشتند و یکسری از نیروهای مبارز را جذب می‌کردند، ما با این‌ها مخالف بودیم.

انتقادی که ما به این‌ها داشتیم این بود که اینها می روند و یک سری از نیروهای جوان را جمع می کنند و در خیلی جاها مبارزین به آنها پیوسته بودند. میدان مبارزه خالی می‌شد و ما فکر می‌کردیم که کار اصلی مان الآن باید مبارزه با رژیم باشد و اینها کارهای تخدیری است. لذا یک درگیری بین آنها و نیروهای خط امام وجود داشت که حتی امام اول اجازه استفاده از سهم امام را گویا به اینها داده بودند و بعد که به این حد رسید پس گرفتند. یکی از مدرسین قم از امام پرسید و امام جواب دادند که نه سهم امام نمیشود به اینها داد. و طبعاً آنها هم دنبال آقای خویی می گشتند.»

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱، ص ۲۲۱ تاریخ ۱۳۵٤/۱۲/۲ ذکر شده است که بر اساس منابع موجود تاریخ ۱۳۵۲/۱۲/۱۳ صحیح است.

بسمه تعالی

آنچه مربوط به ترویج شرع مطهر و بیان حقایق اسلام در مقابله با حکام جور و ظلمه و مطلع ساختن طبقات مردم از مسائل اسلامی است و نشر کتب مربوطه به این امور، از امور خیریه بلکه بهترین خیرات است. و اگر وصیت به ثلث یا نذر و عهد و غیر اینها متعلق به خیرات و مبرات است، صرف در این امور جایز و راجح است.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۱۳۵۸ه‍ ش./ ۱۳۹۹ه‍ ق. مکان: قم

موضوع: پاسخ استفتاء درمورد مالکیت اراضی موات مخاطب: امینی، ابراهیم

یک نحو بین آنها اصلاح کنید و آرامش برقرار کنید. البته آنها که زمینهای موات را احیا کرده‌اند مالک هستند، و آنها که زمین موات در دست آنهاست مالک نیستند. (۲)(۳)

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۶۹.

۲. پاسخ امام خمینی ناظر به سؤال شفاهی آقای ابراهیم امینی است. ایشان در این باره چنین توضیح دادند: «بنده چندین مأموریت از طرف حضرت امام داشتم جهت اصلاح و رسیدگی به اختلافات مالکین و زمینداران با مردم. در دومین مأموریت که تقریباً در خرداد ۵۸ بود آماده شدیم جهت رفتن به ترکمن صحرا که گروهک فداییان خلق هم در آنجا شدیداً فعالیت داشتند و بین مردم و مالکین و اربابها هم اختلاف و درگیری ایجاد شده بود. وضعیت زمینهای تصرف شده در گذشته نیز معلوم نبود. بنده با توجه به وضعیت آنجا خصوصاً اختلاف در مورد زمینها، از حضرت امام راجع به این مسائل سؤال کردم که وظیفه ما و نظرتان درباره این اختلافها و تصرف زمینها چیست؟ حضرت امام توضیح فوق را مرقوم فرمودند».

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۱۵.

▣ مصاحبه و پاسخ استفتاء

زمان: ۷اردیبهشت ۱۳۵۸/ ۲۹جمادی‌الاول ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: حکم اسلام درباره پیوند اعضا
سؤال‌کننده: رادیو ـ تلویزیون آموزشی، و یکی از بیماران کلیوی

[پیوند اعضا از نظر اسلام چه حکمی دارد؟]

در صورتی که پیوند، اسباب نجات یک نفر از موت بشود به حسب شرع مانع ندارد.

[پیوند کلیه کسی که در اثر تصادف می میرد و کلیه شخصی که آن را در زمان حیاتش به دیگری واگذار کرده به بیمار کلیوی، چه حکمی دارد؟]

کسی که مرده است و کلیه او قابل استفاده است، با اجازه اولیایش جایز است که آن را برای نجات انسان دیگر مورد استفاده قرار بدهند و به انسان مریض و فاقد کلیه صحیح پیوند کنند.

[آیا امام درباره این گونه بیماران کلیوی به مردم توصیه ای دارند؟]

البته در صورتی که یک انسانی را بشود نجات داد، با حفظ سلامت کسی که کلیه‌اش را اهدا می‌کند مانعی ندارد و بسیار امر خوبی است. من امیدوارم اشخاصی که خیّر هستند این فداکاری را بکنند و برادرهای خودشان را نجات بدهند. امیدوارم که خداوند عافیت به آنها عنایت کند و همه آنها موفق و سلامت باشند. و این در صورتی است که سلامت خود آنها محفوظ باشد و با اهدای کلیه همانطوری که دیده‌ایم حیات ادامه پیدا بکند. بنابراین، آن کسی که دارای دو کلیه است، اگر چنانچه این خیر را و این فداکاری را برای برادرهای بیمارش بکند یک امر بسیار خوبی است و خداوند به او اجر بدهد.[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۴۳.

◘ پیام

زمان:۲۳خرداد۱۳۵۸/۱۸رجب۱۳۹۹ مکان:قم
موضوع:منع تجاوزکشاورزان به اراضی مالکان مخاطب:اهالی وکشاورزان گروس و بیجار

۱۸ رجب الخیر ۹۹ بسمه تعالی

اهالی محترم شهرستان بیجار و کشاورزان گرامی روستانشین منطقه گرّوس ایّدهم الله تعالی

از قرار مذکور بر اثر تحریکات افرادی ضد انقلاب که به وسیله بعضی از کشاورزان ساکن دهات به اراضی مکانیزه و مستثنیات خرده مالکان تجاوز و تعدی نموده اند، ضمن اظهار تأسف از این عمل، بر عموم کشاورزان لازم است ماده واحده و رأی کمیسیون پنج نفری را اطاعت و فوراً از مزاحمات و تصرفات و تعدیات خلاف شرع مقدس که مرتکب شده‌اند خودداری و خلع ید نموده، و در غیر این صورت دولت جمهوری اسلامی به تکلیف خود عمل خواهد نمود.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ نامه

زمان:۱۳۵۸هـ‌ش./۱۳۹۹هـ‌ق. مکان:قم
موضوع:پاسخ به سؤالات مخاطب:اسعدی،معصومه

[امام عزیز، سلامم را پذیرا باش. امیدوارم حالتان خوب باشد. سؤالهایم را پاسخ بگویید. سؤالها از روی سرگرمی نیست؛ نتیجه فکر کردن در اوقات فراغت است. عمیق و کامل و مفصل پاسخم را بگویید. قبل از آن، امام، از شما می خواهم شما را به خدا در دعاهایتان فراموشم نکنید؛ شما را به خدا فراموشم نکنید؛ فراموشم نکنید.]

---

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۱۶.

بسمه تعالی

دخترم!

ان‌شاءالله تعالی با سعادت و سلامت در خدمت اسلام و بندگان محروم خداوند تعالی باشید.

کوشش کنید رضای خداوند را به دست بیاورید. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی

[۱ - از رشته‌های مختلف علوم کدام یک را بیشتر مطالعه کرده اید؟ چرا؟]

بیشتر در فقه و آنچه مربوط به آن بوده. و دلیلش علاوه بر آنکه در رأس برنامه‌های حوزه‌های علمیه بوده، مورد احتیاج خود و همه است.

[۲ـ عده ای از متفکرین تفکر را سیر از باطل به حق می‌دانند. آیا شما نیز سیر در باطل کردید و به حق رسیدید یا در حق بودید و به حق رسیدید؟]

اگر مقصود آن است که هر باطل در هر جا باید مطالعه شود، تفکر باطلی است؛ زیرا به دست آوردن حقّ باطل را ابطال می‌کند؛ و برهان اقامه نمودن به امری، تمام مخالفان آن امر را محکوم می‌کند ـ بدانیم یا ندانیم.

[۳ـ آیا در زندگی احساس خستگی کرده‌اید؟ اگر کرده‌اید چه موقع؟]

یادم نیست.

[چه کنم به جز درسی که می خوانم و به آنچه که در سر دارم، به چیز دیگر فکر نکنم؟ در حوزه درس بخوانم یا در دانشگاه؟ منتظر جوابهایتان.

معصومه اسدی][۱]

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

▣ پاسخ استفتاء

زمان:۱۳۵۸هـ ش./ ۱۳۹۹هـ ق. مکان:قم
موضوع:چاپ لفظ جلاله و اسماء شریفه

[پاسخ به استفتاء در مورد چاپ اسم شریف «الله» و اسامی پیامبر اسلام و ائمه اطهار و آرم جمهوری اسلامی در نشریات.]

بسمه تعالی

چاپ لفظ جلاله [و] اسماء شریفه در نشریات مانع ندارد ولی باید از انداختن در مواضع هتک خودداری شود. و آرم جمهوری اسلامی در حکم لفظ جلاله است علی الاحوط.[۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان:مهر ۱۳۵۸/ ذی‌القعده ۱۳۹۹ مکان:قم
موضوع:غصب اراضی کشاورزی و کشت و زرع در آنها
سؤال‌کننده:ایزدی، علی «وزیر کشاورزی دولت موقت»

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی

با تقدیم ادعیه و تحیات، از حضور مبارک استدعای ابلاغ اوامر کتبی و تعیین تکلیف نسبت به مسائل مشروحه ذیل را که مورد حاجت اشخاص و مأمورین دولت است می‌نماید:

۱ ـ با آنکه دستورات لازم الاتباع آن حضرت در مورد لزوم فعالیت بیشتر کشاورزان و توسعه سطح کشت منطوقاً و مفهوماً ناظر به کار مشروع هرکس در زمینی است که طبق مبانی شرعی و قانونی در اختیار دارد، مع التأسف جمعی از افراد

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۵۲.

ضد انقلاب و فرصت طلب در بعضی از مناطق، اذهان ساده روستاییان را مشوب نموده و وانمود می سازند که کشت و کار بدون اجازه در اراضی دیگران نیز در حکم اطاعت از امر امام و توسعه میزان کشت تلقی خواهد شد. استدعای صدور حکم در رفع اینگونه شبهات والقائات را دارد.]

بسمه تعالی

تصرف در اراضی دیگران چه به طور کشت یا به طریق دیگر حرام است و توسعه کشت به طور غصب جایز نیست و باید از آن احتراز شود.

روح الله الموسوی الخمینی

[۲ ـ بعضی افراد با سخنرانی و انتشار اعلامیه‌ها با تأویل و تعبیر نابجا از اصل «الزرع للزارع ولو کان غاصبا» وانمود می‌نمایند که هر کس بدون اجازه و عدواناً در زمین دیگری شخم بزند و بذر بپاشد می‌تواند استیلای غاصبانهٔ خود را تا برداشت محصول ادامه دهد. مستدعی است نظر مبارک را در این مورد که آیا می توان از اینگونه افراد غاصب قبل از رسیدن محصول خلع ید نمود و تعیین حدود ضمان شرعی غاصب ابلاغ فرمایند.]

بسمه تعالی

غاصب باید فوراً زمین مغصوب را به صاحبش رد کند و صاحب زمین می‌تواند کشت او را حتی قبل از رسیدن موعد برداشت از زمین خود تخلیه کند.

روح الله الموسوی الخمینی

در خاتمه از حضور مبارک اجازه می‌خواهد که متن فتاوی صادره را برای اطلاع عموم مردم و بخصوص کشاورزان و روستاییان به طبع رسانیده و در دهات و مزارع کشور منتشر نماید تا ان‌شاءالله تعالی بدین وسیله و با مدد گرفتن از اوامر آن رهبر عالیقدر از تجاوزات و تصرفات عدوانی و غاصبانه بخصوص در شروع فصل کشت پاییزه حتی‌الامکان جلوگیری و به ایجاد نظم و آرامش درمناطق روستایی

کمک گردد.

با تقدیم شایسته ترین احترامات علی ایزدی][1]

◙ پاسخ استفتاء

زمان: ۷آبان ۱۳۵۸/۷ذی‌الحجه ۱۳۹۹ مکان: قم

موضوع: حق طلاق برای زنان در صورت اشتراط سؤال‌کننده: بانوان

[بسمه تعالی. حضور محترم آیت الله العظمی، امام خمینی ـ دامت برکاته

مسئله اختیار طلاق به دست مرد، موجب ناراحتی و تشویش خاطر گروهی از زنان مبارز ایران شده است؛ و گمان می کنند که دیگر به هیچ وجه حق طلاق ندارند. و از این موضوع افرادی سوءاستفاده کرده و می کنند. نظر حضرتعالی راجع به این مسئله چیست؟]

بسم الله الرحمن الرحیم

برای زنان، شارع مقدس راه سهلی معین فرموده که خودشان زمام طلاق را به دست بگیرند، به این معنا که در ضمن عقد نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق، یا بطور مطلق یا به طور مشروط، یعنی اگر مرد بدرفتاری کرد یا مثلاً زن گرفت، زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد، در این صورت هیچ اشکالی برای خانمها پیش نمی آید، و می توانند خود را طلاق دهند.

از خداوند تعالی توفیق بانوان را خواستارم. امید است تحت تأثیر مخالفین اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوند، که اسلام برای همه است و برای همه نافع است.

۷ ذی الحجه ۹۹ / آبان ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۵٦ و ۲۵۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

▣ استفتاء

زمان: ۲۹دی ۱۳۵۸/ ۱ربیع الاول ۱۴۰۰ مکان: قم
موضوع: صلاحیت رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحیم

[حضور محترم آیت الله العظمی امام خمینی - دامت برکاته پس از اهدای سلام و تحیت، آیا کسانی که به قانون اساسی رأی نداده‌اند و با آن مخالفند، می توانند رئیس جمهور شوند؟ جمعی از مؤمنین]

بسمه تعالی

کسی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده، صلاحیت ریاست جمهوری ایران را ندارد.(۱) روح الله الموسوی الخمینی(۲)

▣ استفتاء

زمان: ۴اسفند ۱۳۵۸/ ۶ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: خروج ارز از کشور مخاطب: نامشخص

[خدمت حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران پس از اهدای سلام و تحیت، نظر مبارک را در مورد اخراج ارز از مملکت به طرق مختلف بخصوص طلای خالص و مشخص شدن رابطه خارج کنندگان از مرز با طلافروشان شهرستانها و معاملاتی که کمک به اخراج ارز می‌کند، در شرایطی که خروج ارز به ضرر کشور است بیان فرمایید.]

---

۱. با این فتوا، مسعود رجوی سرکرده گروهک تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) از لیست کاندیداها حذف شد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱۹.

بسمه تعالی

در فرض مذکور، هم اخراج ارز و هم اعانت بر آن از جمله فروش به اشخاصی که اخراج می کنند حرام است و لازم است مسلمانان پایبند به مصالح اسلام و مسلمین از اعمالی که مخالف مصلحت کشور است، اجتناب کنند.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۳شهریور ۱۳۵۹ / ۴ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: وظیفه بنیاد شهید نسبت به کشته شدگان در غیر مناطق جنگی
سؤال کننده: کروبی، مهدی

[... همان طوری که استحضار دارند در اجرای فرمان جنابعالی بنیاد شهید به منظور رسیدگی به امور خانواده‌های شهدا و مجروحین انقلاب از فروردین ماه ۵۹ شروع به کار نموده است که در جریان کار مواردی به شرح زیر برخورد نموده‌ایم که راهنمایی و کسب دستور حضرتعالی مانند همیشه روشنگر راه خدمت به خانواده‌های شهدا و مجروحین انقلاب می‌باشد:

۱ ـ عده ای از جوانان و افراد در جریان کار جهاد سازندگی در روستاها و محل کار کشته می شوند.

۲ ـ افرادی در جریان تظاهرات و راهپیماییهای بعد از انقلاب مانند روز قدس و غیره فوت می‌نمایند.

۳ ـ تعدادی از اهالی از شهرستانها که برای استقبال به تهران آمده‌اند و بعضی از آنها نیز مسلح بوده‌اند در جریان مسافرت کشته شده‌اند.

۴ ـ تعدادی از افراد که برای رأی گیریهای لازم به شهرستان و روستاها

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱٦٥.

مسافرت نموده‌اند در جریان طوفان و غیره کشته شده‌اند.

۵ـ تعدادی از افراد که دارای سوابق مبارزاتی بوده و از طرف دفتر تبلیغات امام برای راهنمایی مردم و سخنرانیها اعزام شده‌اند کشته می شوند.

۶ـ در مواردی در مسافرتها که با پاسداران برخورد می‌شود، بخصوص در مناطق مرزی نیاز به کمک دارند که قبلاً نیز کسب تکلیف شده است.

استدعا دارد با توجه به مراتب فوق و مراجعه مکرر خانواده آنها، نحوه کار این بنیاد را در مورد انجام امور برای آنان روشن و ابلاغ فرمایند.

سرپرست بنیاد شهید مهدی کروبی]

بسمه تعالی

غیر از بند ششم مانع ندارد. ان‌شاءالله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۵ بهمن ۱۳۵۹/ ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۰۱ — مکان: تهران، جماران

موضوع: مالکیت اراضی موات

سؤال‌کننده: سیفیان، محمدکاظم (شهردار تهران)

[رهبر عظیم الشأن و مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله امام خمینی

پس از سلام و تحیات، متمنی است نسبت به قانون لغو مالکیت اراضی موات که از شورای انقلاب اسلامی گذشته و مورد تصویب واقع شده، نظر خودتان را اعلام فرمایید. با احترام و تشکر.

محمد کاظم سیفیان]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

بسمه تعالی

اراضی موات بالاصاله[1] را کسی مالک نمی‌شود مگر به احیا. و اگر ثبت داده باشد و خرید و فروش نموده باشد هم باطل است ؛ و امر اراضی مذکور با دولت اسلامی است .

روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: اسفند ۱۳۵۹/ جمادی‌الاول ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ استفتاء در مورد استفاده از اجزای حیوانات تزکیه نشده و حرام‌گوشت در صنعت دامداری، مرغداری و دیگر صنایع

[بسمه تعالی . محضر مبارک آیت الله العظمی زعیم الامة الاسلامیة و قائدها الاعظم امام خمینی ـ مدظله العالی ـ بعدالسلام علیکم و الدعاء لکم بالعزّ والعظمة.

به شرف عرض عالی می رساند، در زمان حاضر پودر ماهی میته[3] و ماهی حرام‌گوشت و چربی خوک و چربی حیوانات غیر مذکّی[4] و حیوانات حرام گوشت در صنعت دامداری و مرغداری جهت تغذیه مرغها و حیوانات حلال گوشت مصرف معتنابه ای دارد. و همچنین چربی خوک و حیوانات حرام گوشت و غیر مذکّی در صنعت صابون سازی و بعض صنایع دیگر قابل استفاده معتنابه هست . آیا استفاده از مذکورات در امور غیر مشروط بالطهارة جایز است؟ در صورت جواز استفاده از اجزای میته و حیوانات حرام گوشت و غیر مذکی در امور غیر مشروط بالطهارة چنانچه نفع مزبور مُعتنی بِه و مورد اعتنای عقلا باشد، آیا خرید و فروش آن

---

۱. زمینهای موات و غیردایری که هیچ گاه سابقه احیا، بهره برداری و آبادانی نداشته اند، مانند بیابانها.

۲. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۱۱۲.

۳. مرده، مردار.

٤. تذکیه نشده، حیوانی که بر اساس احکام شرعی ذبح نشده باشد.

اجزاء جهت استفاده محلّله[۱] جایز است؟]

بسمه تعالی

استفاده مذکور به نحوی که ذکر شده است جایز است، و خرید و فروش نیز به نحوی که مذکور است جایز است ؛ لکن احتیاط به اینکه رد و بدل به عنوان بیع و شراء[۲] نباشد مطلوب است.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: اسفند ۱۳۵۹ / جمادی‌الاول ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ امام خمینی به سؤال آقای سید مرتضی پسندیده در مورد احداث ساختمان در زمین غصبی و پیامدهای حقوقی آن

[بسمه تعالی. محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی آقای امام خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف

هر گاه کسی زمینی را از مالک غصب کرد و در آن زمین، مغازه و عمارت ساخت و مالک صاحب زمین از قاضی تقاضای رسیدگی و صدور حکم تخریب ساختمان را نمود و استدعا کرد زمین را به صورت اولیه برگرداند، آیا قاضی موظف به صدور حکم تخریب و برگرداندن زمین به صورت اولیه به خرج غاصب می‌باشد یا خیر؟ و آیا اجرت المثل[٤] مدت غصب تا برگشت به مالک به عهده غاصب است یا

---

۱. استفاده حلال و جایز.

۲. خرید و فروش.

۳. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٢٢٢.

٤. مال الاجاره ای است که بابت بهره برداری از ملک دیگری باید به صاحب ملک پرداخت شود که مقدار آن بر اساس نرخ عرفی و موارد مشابه آن تعیین می گردد. این اصطلاح در مقابل اجرت المسمّی به کار برده می‌شود که منظور از آن، مال الاجاره و اجرتی است که مقدار آن قبلاً در عقد اجاره تعیین شده است.

نیست؟ مستدعی است مرقوم فرمایید.]

بسمه تعالی

در فرض مذکور قاضی موظف است شرعاًکه حکم تخلیه و برگرداندن زمین را به صورت اولیه بدهد و مقامات اجرایی موظفند یا وادار کنند غاصب راکه زمین را به حال اول برگرداند، یا به صورت اولیه برگردانند و مخارج آن را از غاصب بگیرند. و اجرت المثل مدت غصب تا برگشت به مالک را از غاصب گرفته، به مالک بپردازند.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۳۶۰هـ.ش./ ۱۴۰۱هـ.ق. مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ سؤال در مورد ملاک تشخیص موضوع و مصداق

[بسمه تعالی. محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدّظله العالی

با عرض معذرت، نظر مبارک را در مورد دو مسئله زیر بیان فرمایید:

آیا تشخیص موضوعات که در رابطه با مستنبطات[۲] روایات و ادله شرعیه نیست باکیست؟ و اگر با عرف است آیا مجتهد می‌تواند تعیین مصادیق عرفیه کند، و یا باید به عرف واگذارد. و اگر در موردی نظر مقلد با مجتهد متفاوت بود، کدام یک از انظار لازم الاتباع است؟]

بسمه تعالی

میزان عرف است، و اگر بین مجتهد و مقلد اختلاف باشد باید از عرف نظر خواهی کنند. و اگر هر یک مدعی است که عرف چنین است، هر یک به نظر خود عمل کند.

روح الله الموسوی الخمینی [۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۲۳.

۲. جمع مستنبط به معنای استخراج شده، کشف شده.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۰۶.

◙ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۲شهریور ۱۳۶۱/۲۴ذی‌القعده ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: مشورت با شورای نگهبان درباره قانون مجازات در امر تعزیرات
سؤال کننده: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم

[حضرت آیت الله العظمی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی ادام الله ظله

در موارد تعزیر، آیا می‌شود مجازاتهای متناسبی در قانون در نظر گرفته شود تا از عدم تناسب و تجانس و اختلاف رویه تا حدود زیادی جلوگیری شود یا نه؟

۶۱/۶/۲۲ عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

چون طرفین قضیه دارای اشکالاتی است و متصدی امور قضایی اکثراً شرایط شرعیه را ندارند،(۱) جنابعالی با شورای محترم نگهبان در این امر مشورت نمایید که راه حلی که کمتر اشکال داشته باشد پیدا نمایید. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

◙ نامه

زمان: آبان ۱۳۶۱/محرم ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: حق طبع و نشر کتاب (حق التألیف) مخاطب: عمومی

[بسمه تعالی. محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله.

با تقدیم سلام و تحیت، فتوایی از حضرتعالی نقل شده است که حق التألیف در نظر مبارک ثابت نیست. بعضی از ناشرین به استناد نقل مزبور، کتابهای چاپ شده را بدون پرداخت حق التألیف و بدون تحمل هزینه حروفچینی چاپ کرده و با قیمت

---

۱. متصدی قضای شرعی باید مجتهد جامع الشرایط باشد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۹۲.

نازلتری منتشر می کنند، و این امر موجب تضرّر ناشر اول و چه بسا باعث دلسردی مؤلفین شده است. لذا استدعا می‌شود:

اولاً، نقل مزبور صحیح است یا نه؟

ثانیاً، در صورت صحت نقل، با توجه به اینکه در قانون حکومت جمهوری اسلامی هنوز حق تألیف و نشر برای مؤلف و ناشر محفوظ است، آیا عمل بعضی از ناشرین که عرض شد مشروع است؟ و آیا مقام مقدس ولایت فقیه در این مورد نقشی ایفا می فرمایند؟]

بسمه تعالی

حق طبع و نشر، بدین معنی که کتابی راکه کسی چاپ کرده و نشر نموده دیگری حق نداشته باشد با به دست آوردن یک نسخه از آن، آن را تجدید چاپ و نشر نماید، شرعی نیست؛ ولی اگر دولت اسلامی مصلحت دید [و] مقرراتی در این باره وضع نمود مراعات آن لازم است.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۰ بهمن ۱۳۶۱/۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: قانون واگذاری اراضی موات شهری به وزارت مسکن
سؤال‌کننده: گنابادی، محمدشهاب (وزیر مسکن و شهرسازی)

[... مستحضر هستید به لحاظ محرومیت اکثر خانواده‌ها از سرپناه و مسکن با استفاده از عناوین ثانویه قانون اراضی شهری پس از مصوبه شورای انقلاب اسلامی در خصوص لغو مالکیت اراضی موات شهری به تصویب مجلس شورای اسلامی و

---

۱. قانون حفظ حقوق مؤلفان، مصنفان و ناشران بعداً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به مرحله اجرا درآمد. و بر طبق فتوای امام خمینی نیز رعایت آن لازم می‌باشد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۸۷.

شورای محترم نگهبان رسید که طبق آن اراضی موات شهری که از لحاظ مقدار قابل توجه نیستند در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار می‌گیرد و زمینهای بایر شهری برای رفع نیاز مسکن مردم از حد نصاب معینی بالاتر فقط قابل فروش به دولت و شهرداری است و وزارت مسکن و شهرسازی اینگونه اراضی را در حد نیاز طبق قانون به قیمت منطقه ای خریداری و به خانواده‌های بی مسکن یا برای مصارف عمومی واگذار می‌نماید.

ضمناً طبق قانون مذکور کلیه وزارتخانه‌ها و بانکها و کلیه مؤسساتی که مشمول حکم مستلزم ذکر نام آنهاست و بنیادها بنیاد مستضعفان بنیاد مسکن و... زمینهای مازاد بر نیاز تأسیسات و اداری خود را بایستی به وزارت مسکن تحویل دهند تا به مصارف عمومی و تأمین مسکن مردم برسد. لکن اولاً اکثر ارگانها و یا بانکها و بنیادها علی رغم بخشنامه‌های مکرر نخست وزیری از تحویل اراضی خودداری می‌نمایند؛ ثانیاً برخی از روحانیون و ارگانها نسبت به تملک اراضی مذکور برای واگذاری به مردم جهت احداث مسکن برداشتهای متفاوت داشته و در شرعی بودن آن تردید می‌نمایند و در نتیجه اجرای قانون مذکور دچار مشکلات فراوان شده و امکان تعطیل اجرای آن که نتایج وخیمی در وضع زمین و مسکن و اقتصاد خواهد داشت وجود دارد.

مستدعی است در این خصوص راهنمایی و ارشاد فرمایند... محمد شهاب گنابادی]

بسمه تعالی

آنچه را مجلس شورای اسلامی تصویب نموده و به تأیید شورای نگهبان رسیده، هم شرعی است و هم قانونی می‌باشد.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۰۲.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۴ اردیبهشت ۱۳۶۲/ ۱۰ رجب ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: مرجع تشخیص (شبه عمد بودن قتل) در تصادف منجر به قتل
سؤال کننده: صانعی، یوسف (دادستان کل کشور)

[بسمه تعالی . محضر مبارک آیت الله العظمی الامام خمینی دام ظله .
بعدالتحیه تقاضا می‌شود به سؤال ذیل پاسخ مرقوم فرمایید:

در استفتایی که از حضرتعالی شده درباره رانندگانی که به خاطر عدم رعایت مقررات راهنمایی و یا در اثر عدم مهارت باعث قتل افراد به خاطر تصادف می شوند، در جواب چنین مرقوم فرمودید: «با فرض اینکه تخلف، تفریط نسبت به نفس است حکم شبه عمد[1] را دارد.» آیا این حکم به طور مطلق است، یعنی نظر مبارک بر تفریط بودن است یا تشخیص به عهده محکمه می‌باشد و حضرتعالی با فرض موضوع حکم فرمودید؟ ۶۲/۲/۴ دادستان کل کشور یوسف صانعی]

بسمه تعالی

تشخیص موضوع با اینجانب نیست .

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱ . به موجب احکام قضایی اسلام که مبنای نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می باشند، «قتل» به سه قسم تقسیم می‌شود: عمدی، خطایی، و شبه عمد که مجازات و کیفر هر یک متفاوت می‌باشد.

۲ . صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤٠٨.

▣ نامه

زمان: ۶اردیبهشت ۱۳۶۲/۱۲رجب ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأمین بودجه اوقاف از محل درآمدها
مخاطب: اعتمادیان، محمدرضا (معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف)

[بسمه تعالی ... اخیراً کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی بودجه دولتی این سازمان را که متجاوز از یکصد میلیون تومان در سال است حذف نموده و معتقد است می توان تمامی بودجه مورد لزوم را از درآمد موقوفات تأمین و هر مبلغ اضافه آمد در راه نیت واقفان هزینه نموده با توضیحاتی که حضوراً به برادران نماینده مجلس داده شد آقایان اظهار داشتند از حضرت امام استفتاء شود که آیا می‌توان بودجه سازمان اوقاف را که بین سی تا چهل درصد کل درآمد موقوفات است از محل درآمدها تأمین نموده یا کماکان السابق از بودجه عمومی دولت پرداخت گردد چون تصمیم‌گیری در این مورد منوط به نظر مبارک است خواهشمندیم نظر آن حضرت را اعلام فرمایید.

سید مهدی امام جمارانی و محمدعلی نظام زاده (نمایندگان امام در سازمان اوقاف کشور ـ محمدرضا اعتمادیان معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف) ۱۳۶۲/۲/۶]

بسمه تعالی

به مقدار لزوم وقف در حفظ و جمع و خرج و حق زحمت کارگران می توان از وقف صرف کرد و زاید بر احتیاجات از این امور، جایز نیست.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤١٦.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: مرداد ۱۳۶۲/ذی‌القعده ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأیید امامت جمعه در شهر کلاستال آلمان
مخاطب: اعضای انجمن اسلامی شهر کلاستال آلمان

[بسمه تعالی. نظر به اینکه ما برادران مسلمان ایرانی مقیم شهر کلاستال واقع در آلمان غربی با برادران مسلمان اهل تسنن غیر ایرانی، همه هفته نماز عبادی سیاسی جمعه را بپامی داریم؛ لذا به همین خاطر یکی از برادران ایرانی دانشجو، امامت جماعت نماز جمعه را همه هفته به عهده می‌گیرد و با توجه به اینکه در ایران اسلامی، کلیه ائمه جمعه از طرف حضرت امام ـ روحی فدا ـ باید حکم داشته باشند، این مسئله نسبت به موقعیت ما چگونه است؟ و آیا امامت این برادر به عنوان امام جمعه جایز است؟ و این مسئله به طور کلی چگونه می‌باشد؟ و من الله التوفیق.

برادران شما در انجمن اسلامی شهر کلاستال]

بسمه تعالی

به ترتیبی که نوشته‌اید همچنان نماز جمعه را مانند گذشته به امامت همان برادر مذکور اقامه نمایید و صحیح است. ان‌شاءالله موفق باشید. روح الله الموسوی[(۱)]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۳ مهر ۱۳۶۲/ ۸ محرم ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: فریضه نماز جماعت در ادارات، کارخانه‌ها و بانکها در وقت اداری
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی؛ محضر مبارک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی بعد از درود و سلام بی پایان، از آنجا که در بعضی از شعبات بانکها و ادارات انجام فریضه نماز به صورت جماعت به هنگام

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٦٤.

وقت فضیلت موجب سوءاستفاده و یا اضرار به بیت المال می گردد لذا سؤالات زیر در این رابطه مطرح است :

۱ـ در صورتی که نماز جماعت در اول وقت باعث افت تولید یک کارخانه شود و یا اختلالی در امر تولید بوجود آورد، آیا مسئول کارخانه می‌تواند از کارکنان بخواهد تا نماز را بعد از اتمام کار بخوانند؟

۲ـ اگر از بخشنامه دولت مبنی بر اقامه نماز جماعت، در شعبه‌ای از بانکها و یا ادارات سوء استفاده شود و کار مردم تعطیل گردد، آیا می توان اقامه نماز را به اتمام وقت اداری که حدود ساعت ۲ بعدازظهر است محول کرد؟

۳ـ آیا دولت مجاز است که در صورت مشاهده اضرار به بیت المال و یا وهن حیثیت جمهوری اسلامی به علت سوء استفاده عده‌ای، به صورت موردی نماز جماعت را در اول وقت ملغی نماید؟

۶۲/۷/۲۲ میرحسین موسوی نخست وزیر]

بسمه تعالی

[جواب] ۱ـ باید نماز را بعد از اتمام کار بخوانند و اگر کارخانه دولتی است، مسئول هم نمی‌تواند اجازه دهد.

[جواب] ۲ـ لازم است پس از وقت اداری نماز بخوانند.

[جواب] ۳ـ دولت می تواند، بلکه در صورت مذکور لازم است الغا کند.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۸۵.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۷آبان ۱۳۶۲/ ۲۲محرم ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: استفاده از آرم جمهوری اسلامی بر روی سکه‌های رایج
مخاطب: معقول زاده، رضا عزیزیها، ابوالقاسم «از مسئولین اداره ضرابخانه بانک مرکزی»

[بسمه تعالی ـ دفتر حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

محترماً نظر به اینکه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد از آرم جمهوری اسلامی ایران بر روی سکه‌های رایج استفاده نماید. خواهشمند است نظر حضرت امام را راجع به امکان و یا عدم امکان این مورد اظهار فرمایید. با آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام و طول عمر امام ۱۳۶۲/۸/۷.

رضا معقول زاده؛ ابوالقاسم عزیزیها]

بسمه تعالی

این آرم روی سکه‌ها گذاشته نشود.(۱)

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۳بهمن ۱۳۶۲/ ۱۹ربیع الثانی ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: محترم بودن جان و مال پیروان ادیان دیگر در حکومت اسلامی
سؤال‌کننده: میر محمدی، ابوالفضل «عضو شورایعالی قضایی»

[بسمه تعالی. محضر مبارک آیت الله العظمی الامام خمینی ـ دام ظله العالی علی رؤوس المسلمین

بعد التحیة و السلام، تقاضا می‌شود سؤال ذیل را جواب مرقوم فرمایید:

آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران زندگی می‌نمایند از اهل کتاب یا غیر آنها

---

۱. آرم جمهوری اسلامی ایران، نام مقدس «الله» است، و طبق احکام شرعی، دست زدن بدون وضو به نام خداوند جایز نیست.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۰۰.

اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام علیه حکومت و همانند اینها آیا مانند مسلمانان باید مجازات شوند یا آنکه مجازات آنها در مانند جاسوسی به بعد احتیاج به اشتراط ترک دارد و یا آنکه چون با مثل جاسوسی حربی شوند به مانند کفاری که شرایط ذمه عمل نکنند با آنان معامله گردد، یعنی برگرداندن به مأمن و یا تخییر حاکم بین قتل یا فدیه یا استرقاق که حضرتعالی در مسئله هشت تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۰۳ در تخییر اشکال فرمودید.

۶۲/۱۱/۳ از طرف شورایعالی قضایی ابوالفضل میرمحمدی]

بسمه تعالی

کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدّم[1] بوده و مالشان محترم است.

روح الله الموسوی[2]

◘ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۶۲ / ۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ سؤال تلفنی در مورد کالبدشکافی شهیدان بمبارانهای شیمیایی در اتریش
سؤال‌کننده: سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتریش

[۶۲/۱۱/۱۷ / ۳ جمادی الاول ۱۴۰۴ از وزارت امور خارجه سؤال می کنند:

از سفارت ایران در اتریش می پرسند: اگر بخواهند نظر قطعی درباره مجروحین بمبهای شیمیایی بدهند، لازم می‌دانند که باید کالبد شکافی بشود. آیا لازم است از طرف ما جلوگیری شود؟]

[پاسخ امام:]

---

۱. خونشان محترم و محفوظ است و کسی حق تعرض ندارد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۰۴.

آنها پس از کالبد شکافی هم معلوم نیست نظر صحیح بدهند. شاید هم خلاف را بگویند تاکنون هم گفته اند. چرا ما خود را اسباب دست قرار دهیم.[۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۸بهمن ۱۳۶۲/ ۱۴جمادی‌الاول ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: نهی خرید و فروش تریاک و بیان مورد حکم «افساد فی الارض»
مخاطب: دادگاه عالی انقلاب اسلامی

[شورای محترم عالی قضایی

مسئله زیر به جهت اختلاف نظر قضات دادگاه عالی، از شخص امام مدظله العالی پرسش و جواب گرفته شود:

تریاک که دارای منفعت عقلایی است و مصارف مشروعی نیز دارد، ولی از جانب دولت اسلامی خرید و فروش و هرگونه نقل و انتقال آن در کشور ممنوع اعلام شده. آیا خریدار و فروشنده، مالک عوض و معوّض می‌شوند، و نهی دولت اسلامی فقط جنبه تحریمی دارد و فساد معامله را همراه ندارد، یا آنکه این نهی موجب فساد هم می‌شود، که در این صورت فروشنده مالک عوض نشده و حاکم طبق احکام «مقبوض به عقد فاسد» عمل کند، و گاهی به جهت مجهول بودن مالک ثمن آن را استرداد نماید؟

و همچنین در قاچاق تریاک که فی الجمله دارای منافع مشروع است در چه حدی «افساد فی الارض» بر آن صدق می‌کند؟ ۶۲/۱۱/۲۸ دادگاه عالی انقلاب اسلامی]

بسمه تعالی

۱ ـ تخلف از منع دولت نباید بشود، ولی حکم وضعی ندارد.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۱۸.

۲ـ فساد در صورتی است که مواد مخدّره پخش شود بطوری که موجب ابتلاء بسیاری شود، یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۳۶۲هـش./ ۱۴۰۴هـق مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ استفتاء اتلاف مال مدّعیٰ توسط مدّعی علیه؛ مطالبه خسارات اقامه دعویٰ

[بسم الله الرحمن الرحیم ۱- در مواردی که مدعی به مال معین یا غیر معین باشد و مدعی بترسد در طول محاکمه مدعی علیه مال مدعی به را اتلاف کرده، از بین ببرد، یا خود را به صورت مفلس در بیاورد. آیا می‌تواند از محکمه درخواست توقیف آن مال معین یا مال دیگر مدعی را بنماید یا خیر؟]

بسمه تعالی

در هر دو فرض اگر شواهد و قراینی بر محق بودن مدعی است و نیز قرائنی هست بر اینکه مدعی علیه در صدد اتلاف عین یا افلاس خود است، تأمین مذکور مانع ندارد. لکن با شرط بر مدعی که اگر از ناحیه تأمین، ضرری بر مدعی علیه وارد شد جبران نماید.

روح الله الموسوی الخمینی

[۲ـ آیا شخصی که در محکمه حاکم شده، ولی در راه احقاق حقش خساراتی و هزینه‌هایی را متحمل شده از محکوم که سبب خسارات این شده بگیرد یا خیر؟]

بسمه تعالی

حق ندارد بگیرد. روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۵٤.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۹۳.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۲خرداد ۱۳۶۳/ ۲رمضان ۱۴۰۴ — مکان: تهران، جماران
موضوع: ممنوعیت استفاده از سهم امام(ع) در تبلیغات انتخاباتی — سؤال کننده: جمعی از مؤمنین

[بسمه تعالی. بعضیها نقل می کنند که حضرتعالی اجازه فرموده‌اید از سهم مبارک امام علیه السلام در راه تبلیغات انتخاباتی صرف نمایند، آیا این واقعیت دارد؟
جمعی از مؤمنین]

بسمه تعالی

این موضوع به هیچ وجه صحت ندارد. در صورتی که کسی خدای ناکرده از سهمین و وجوه شرعیه در اینگونه امور خرج کرده است باید برگرداند.
روح الله الموسوی[۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۷تیر ۱۳۶۳/ ۲۸رمضان ۱۴۰۴ — مکان: تهران، جماران
موضوع: وحدت رویه قضایی و ایجاد تناسب بین جرم و مجازات
سؤال کننده: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم «رئیس دیوانعالی کشور»

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مدظله العالی

نظر به اینکه اکثریت قریب به اتفاق آقایانی که برای قضاوت تعیین می شوند مجتهد مطلق نیستند و سابقه قضاوت هم ندارند و احیاناً صاحب ذوق و سلیقه هم نیستند، لذا اکثراً در مقام تعیین کیفر در مواردی که شرعاً معین نشده است، تناسب جرم و مجازات مراعات نمی‌شود و در موارد جرمهای مشابه که وحدت رویه ضروری به نظر می‌رسد اختلاف فاحش دیده می‌شود. و این خود موجب بروز اختلاف و تشنج می گردد. برای جلوگیری از این وضع راهی به نظر نمی‌رسد جز اینکه اشخاصی بنشینند و کیفرهای مناسب در نظر بگیرند و به شکل مواد در بیاورند و از اول اجازه قضاوت را به این شرط بدهند که طبق کیفرهای تعیین شده قضاوت

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤٨٣.

نمایند، این عمل به نظر مبارک جایز است یا نه، بیان فرمایید. أدام الله ظلکم الشریف.
عبدالکریم موسوی اردبیلی]

بسمه تعالی

در وضع کنونی جمعی از فقها موارد مذکور را بررسی نمایند و نظر بدهند؛ مانع ندارد. لکن به طور موقت است تا ان‌شاءالله تعالی وضع قضاوت درست شود.

۷ تیر ۶۳

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۷ تیر ۱۳۶۳/ ۲۸ رمضان ۱۴۰۴
مکان: تهران، جماران
موضوع: تخلف از قوانین رانندگی و مقررات گمرک
سؤال‌کننده: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دام ظله العالی

موارد تخلفات قانونی مانند تخلف قوانین رانندگی، قوانین گمرک، مقررات اداری و غیره آیا جزء تخلف در حقوق الله است و باید شرعاً در حین محاکمه متهم در محکمه حاضر شود یا نه؟ لطفاً نظر مبارک را بیان فرمایید.
عبدالکریم موسوی اردبیلی]

بسمه تعالی

مواردی که مرقوم شده است از حقوق الله نیستند.

۷ تیر ۶۳

روح الله الموسوی الخمینی (۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤٩١.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤٩٢.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۸مرداد ۱۳۶۳ / ۱ذی القعده ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: اختیار دادستان کل بر توقیف حکم در صورت تشخیص حرج
سؤال کننده: صانعی، یوسف «دادستان کل کشور»

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظله العالی

بعد التحیة، در مواردی که وزیر یا عالیترین مدیر و مقام مسئول در اجرای حکمی تشخیص حرج[1] بدهند، آیا اجازه می‌فرمایید دادستان کل کشور با رعایت دقیق موازین شرعی مجاز بر توقیف اجرا باشد. الأمر الیکم. دادستان کل کشور یوسف صانعی]

بسمه تعالی

در مواردی که مدیر و مقام مسئول تشخیص حرج دادند با تشخیص و تصویب اکثریت شورای عالی قضایی، دادستان کل کشور می‌تواند از اجرای حکم جلوگیری کند. روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ نامه

زمان: ۲۹شهریور ۱۳۶۳ / ۲۴ذی الحجه ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین تکلیف مدارس علوم دینیه بانوان قم مخاطب: هیأت مؤسس جامعة الزهراء قم

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با تقدیم سلام مدارس علوم دینیه بانوان و مراکز متفرقه ای که چنین هدفهایی را دنبال می کنند در قم با برنامه‌های مختلف مشغول فعالیت می باشند و امکان تأسیس چنین مؤسساتی هم در آینده

---

۱. مشقت و سختی زیاد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۲۳.

می‌باشد. بعد از دستور حضرت عالی در این زمینه مبنی بر ایجاد وطرح و برنامه‌ریزی، مراجعات متعددی از طرف برخی از این واحدها شده است که تا تمام کار ساختمانی مؤسسه جامعة الزهراء تکلیف چنین مدارس و مؤسساتی چیست؟

هیأت مؤسس تعیین شده از طرف حضرتعالی معتقد است که مؤسسات و مدارس علوم دینیه بانوان در قم با برنامه ریزی هماهنگ و واحد زیر نظر مؤسسه جامعة الزهراء اداره شود. چراکه در غیر این صورت اشکالاتی پیش می آید که در برخی موارد پیش آمده است. نظر مبارک را در این زمینه خواستاریم.

هیأت مؤسس جامعة الزهراء قم ۶۳/۶/۱۹ ـ ۱۶ ذی الحجة الحرام ۱۴۰۴]

بسم الله الرحمن الرحیم

نظر اینجانب همان است که مرقوم شده است. قبل از اتمام جامعة الزهراء تمام مدارس بانوان در قم با برنامه واحد تحت نظر هیأت محترم مؤسسه جامعة الزهراء به کار خود ادامه دهند که مشکلاتی پیش نیاید و اختلاف سلیقه‌ها موجب تشتت و تفرقه نشود. و پس از اتمام، تمام بانوان محترم در آنجا به تحصیل خود ادامه می‌دهند. ان‌شاءالله تعالی موفق باشید در این خدمت به اسلام و کشور و بانوان محترم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۴ ذی الحجة الحرام ۱۴۰۴ / ۲۹ شهریور ۱۳۶۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۷۵.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۳۶۳هـ.ش./ ۱۴۰۴هـ.ق. مکان: تهران، جماران
موضوع: حق سرپرستی اولاد (حق الحضانة)
سؤال کننده: صانعی، یوسف (دادستان کل انقلاب)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی دام ظله العالی

بعد التحیة والسلام. آیا اگر عمل به حق الحضانة مستلزم عسر و حرج فوق‌العاده نسبت به دیگری باشد، مثل اینکه گرفتن فرزند از مادر بعد از دو سال و رد به پدر باعث مشقت غیرقابل تحمل برای او باشد که این مشقت اضافه بر اصل مشقت فراق است که معمولاً متوجه مادر می‌شود، و یا عمل به حق الحضانة باعث فساد و انحراف اخلاقی و تربیتی باشد و کودک در معرض فساد قرار می‌گیرد، در این صورت باز حق ثابت است. یا به حکم حرج و فساد ساقط می‌شود؟

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. دادستان کل کشور یوسف صانعی]

بسمه تعالی

در صورت دوم که کودک در معرض فساد دینی یا اخلاقی قرار می‌گیرد، پدر صلاحیت حضانت را، مادام که چنین است، ندارد. و در صورت اول که مشقت غیر قابل تحمل برای مادر است پدر نباید فرزند را از مادر جدا کند.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۷۶.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۸بهمن ۱۳۶۳ / ۶جمادی‌الاول ۱۴۰۵ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: دریافت خمس و وجوه شرعی از متهمان مشمول عفو
سؤال کننده: صانعی، یوسف (دادستان کل کشور)

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی دام ظله العالی

محترماً به عرض می رساند، پرونده‌هایی در دادگاههای انقلاب اسلامی مستقر در چهار راه شهید قدوسی مطرح است که یا از جهت مجازات مشمول عفو حضرتعالی می باشند و یا حسب مقررات مجازات کیفری که در مورد اموال آنان برای حکام محترم شرع محرز است که آنها یک خمس از باب خمس ارباح مکاسب و بعضاً دو خمس از باب اختلاط حرام به حلال بدهکار می باشند. آیا اجازه می‌فرمایید که دادگاههای مذکور با موافقت دادستان آن دادگاه از آنها خمس گرفته و در حساب دادستانی کل در امور دادسراهای انقلاب اسلامی واریز و صرف اموری که نمی توان از بودجه عمومی استفاده نمود، گردد. بدیهی است چنانچه وجهی زیاد آید به حساب قطعی دولت واریز می گردد.

۶۳/۸/۱۹ یوسف صانعی دادستان کل کشور]

بسمه تعالی

باید تمام امور مرقومه با تشخیص و صلاحدید جنابعالی که دادستان کل کشور هستید باشد و لازم است طریق احتیاط ملحوظ شود و تا به دلیل شرعی احراز موضوع نشود امری انجام نگیرد.

۸بهمن ۶۳

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۲۹.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۷ بهمن ۲۵/۱۳۶۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: حق‌الله و حق‌الناس سؤال‌کننده: صانعی، یوسف (دادستان کل کشور)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی دام ظله علی رؤوس المسلمین

بعد التحیة، تقاضا می‌شود به سؤال ذیل پاسخ مرقوم فرمایید:

آیا حبس «ممسک در قتل»[1] مانند «قصاص»، «حق الناس» است مربوط به اولیای دم[2] تا باگذشت از بین برود که مستفاد از ظاهر تعلیل، بلکه اشعار وحدتِ سیاق روایات، مؤید به «فحوی» و «اولویت» می‌باشد یا «حد» است و «حق الله»؟

دادستان کل کشور، یوسف صانعی ۶۳/۱۱/۲۴]

بسمه تعالی

باگذشت آنان رها می‌شود و حق الناس است.

روح الله الموسوی الخمینی[3]

---

۱. در اصطلاح فقه به کسی گویند که با قاتل همکاری کرده و مقتول را نگه داشته و از فرار و یا دفاع بازداشته است.

۲. صاحبان خون. در اصطلاح فقهی آن دسته از بستگان مقتول را گویند که با درخواست آنان، قصاص قاتل جاری و باگذشت آنان بخشیده می‌شود.

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۶۳.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۹اسفند ۱۳۶۳/ ۲۷جمادی‌الثانی ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران

موضوع: پرداخت جایزه به سپرده‌گذاران بانک

سؤال‌کننده: نوربخش، محسن «رئیس کل بانک مرکزی»

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، سلام علیکم.

همان طور که خاطر عالی مستحضر است قانون عملیات بانکی بدون ربا از ابتدای سال ۱۳۶۳ در کلیه بانکهای کشور به مرحله اجرا درآمد. بر اساس این قانون، کلیه تسهیلات جدید اعتباری بانکها در قالب عقود اسلامی پرداخت گردیده و سپرده‌های مردم نیز تحت عناوین ذیل نزد بانکها توزیع شده است :

الف ـ سپرده‌های قرض الحسنه «جاری و پس انداز».

ب ـ سپرده سرمایه گذاری مدت دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد و در عقود اسلامی مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرد. سپرده‌های مذکور بر دو نوعند:

۱ ـ سپرده‌های سرمایه گذاری کوتاه مدت که به صورت دفترچه نگهداری می‌شود با حداقل دو هزار ریال که برای بار اول حداقل سه ماه نزد بانک باید باقی بماند.

۲ ـ سپرده‌های سرمایه گذاری بلند مدت که در مقابل ورقه سپرده، نظیر برگ سپرده ثابت قدیم از طرف بانکها با حداقل پنجاه هزار ریال برای حداقل یک سال از تاریخ توزیع پذیرفته می‌شود.

به منظور پاسخ به استقبال قابل ملاحظه مردم از نظام جدید و تشویق و ترغیب بیشتر آنان به سپرده گذاری و در واقع مشارکت فعال سپرده گذاران به اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و تحقق اهداف مندرج در آن، مجمع عمومی بانکها در تاریخ

بیستم اسفند ماه سال جاری با حضور جناب آقای نخست وزیر تشکیل و تصویب نمود که بانکها بتوانند اضافه بر سود متعلقه حاصل از عملیات و معاملات خود مبلغی به سپرده گذاران به عنوان جایزه پرداخت نمایند.

با توجه به اینکه این مبلغ در قرارداد فیمابین شرط نشده و بانک از محل منابع خود صرفاً به منظور پاسخگویی به حسن استقبال مردم به آنان پرداخت می‌نماید، استدعا دارد نظر مبارک را از جهت شرعی اعلام فرمایید.

محسن نوربخش [۱]]

بسمه تعالی

در فرض مذکور از جهت شرعی اشکال ندارد.

۶۳/۱۲/۲۹

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۹فروردین ۷/۱۳۶۴رجب ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران

موضوع: فروش اموال غایبین به قیمت عادلانه مشروط به رعایت حقوق مالکین واسترداد حقوق آنان درصورت مراجعه

سؤال کننده: صانعی، یوسف «دادستان کل کشور»

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی دام ظله العالی

بعدالتحیة والسلام، لازم است به عرض برسانم که اموال زیادی از غیرمنقول از قبیل خانه و کارخانه و شرکت و باغها و زمینهای زراعتی و مغازه و پاساژ و امثال اینها بلکه از منقول مربوط به افرادی است که در خارج کشور زندگی می کنند و به عللی تا به حال شخصاً مراجعه ننموده تا وضع اموال آنها روشن گردد، و بر حسب رویّه متّخذه از طرف دادستانهای انقلاب و به خاطر شرایط خاص انقلاب و اصل کلی اینکه

---

۱. آقای محسن نوربخش، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

دادستان کل، حافظ اموال غایبین و حافظ حقوق جامعه است از ارگانها و نهادهای مختلف «بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و غیره» نسبت به اموال سؤال می‌شود که نمونه آن به شماره ۱۲۴۵۰۳/۱۰ ـ ۶۳/۱۲/۱۳ پیوست می‌باشد. آیا اجازه می‌فرمایید که در مواقع لزوم برای حفظ حقوق غایبین و حقوق بیت المال در حکومت اسلامی آن اموال به قیمت عادله روز به ارگانها و نهادها فروخته شود، لکن با شرط الزام خریدار به فروش به قیمت زمان مراجعه یا مراجعه مالک در زمان معین یا خیر؟[1] ناگفته نماند که حل مسئله از نظر مقررات جاریه مشکل بلکه غیر ممکن خواهد بود.

دادستان کل کشور ـ یوسف صانعی ۶۳/۱۲/۲۷]

بسمه تعالی

در صورتی که حفظ مال غایب مبتنی بر این امر که مرقوم شده است باشد، یا برای او اصلح باشد، در فرض مذکور و مشروط مذکور مجازید.

۶۴ / ۱ / ۹

روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ نامه

زمان: ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ / ۲۱ شعبان ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین هزینه مالی سازمان تبلیغات اسلامی از محل اموال مصادره‌ای

مخاطب: جنتی، احمد «رئیس سازمان تبلیغات اسلامی»

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مقدس رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی، آیت العظمی حضرت امام خمینی مدظله العالی

با عرض سلام در مورد کسر بودجه و بحران مالی سازمان تبلیغات اسلامی و

---

۱. تعدادی از صاحبان املاک ومستغلات، پس از بازگشت به کشور، املاک واموال خود را بر اساس احکام دادگاهها تحویل گرفتند.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۱۱.

درخواست کمک از از طریق اموال مصادره ای با جناب آقای صانعی، دادستان محترم کل کشور صحبت شد و نظر مبارک حضرتعالی به وسیله جناب آقای رسولی ابلاغ شده بود به اطلاعشان رسید. فرمودند حسب قانون اموال مصادره ای به تبصره ۸۲ داده می‌شود. لکن اموالی که مربوط به رژیم منحوس پهلوی و عمال و وابستگان آنها بوده و بر اساس حکم حکومتی حضرت امام مصادره شده چون امرش با معظمٌ له است و در آن حکم مقرر فرموده‌اند به نفع مستضعفین مصادره شود، اگر اجازه فرمایند می توانیم از آن اموال نیاز سازمان را رفع کرده در جهت رفع استضعاف فکری و نشر معارف و احکام مقدسه اسلام از آنها استفاده کنیم. امید است این مشکل ما هم مانند سایر مشکلات مهم مملکتی به دست مبارک حضرتعالی حل شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۴/۲/۲۱ احمد جنتی]

بسمه تعالی

مجازند از آن اموال برای این امر مهم به مقدار رفع ضرورت سازمان تبلیغات اسلامی به این سازمان تحویل دهند. ۶۴/۲/۲۲

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲ دی ۱۳۶۴ / ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تغییر پرداخت دینار به عنوان دیه به پول رایج

سؤال کننده: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد «دادستان کل کشور»

[محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع عالیقدر و رهبر انقلاب اسلامی ـ دامت برکاته

بعدالتحیة، احتراماً به‌عرض مبارک‌می‌رساند که درمواردی ازجراحتها که دینار

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۵۹.

به عنوان دیه ذکر شده است، آیا همان‌گونه که در شتر فرموده‌اید که: «شتر موضوعیت ندارد وبالنسبه از دیه‌نفس حساب می‌شود... در دینار هم موضوعیت ندارد».

مستدعی است نظر مبارک را جهت تعیین تکلیف دادسراها و محاکم قضایی بیان فرمایید. با آرزوی سلامتی و طول عمر مبارک.

۱۳۶۴/۱۰/۲ دادستان کل کشور، موسوی خوئینی‌ها]

بسمه تعالی

دینار موضوعیت ندارد، بلکه پول رایج در هر عصری یا هر ناحیه ای که به مقدار قیمت دینار محسوب شود به قیمت فعلی کافی است.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۲۳اردیبهشت ۱۳۶۵/ ۳رمضان ۱۴۰۶ — مکان: تهران، جماران

موضوع: اعلام‌نظر در مورد اموال غیر مجهول المالک — مخاطب: یزدی، محمد ـ محمدی گیلانی، محمد

[برادر میرحسین موسوی، نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران... پیرو نامه پیشنهادی درباره نحوه اجرای تبصره یازده بودجه کل کشور... همان‌طور که در صورت جلسه امروز ملاحظه می‌فرمایید دو مورد زیر با توجه به اینکه مجهول‌المالک نیستند منوط به اخذ نظر مستقیم از حضرت امام مدظله‌العالی شده است:

۱ ـ احکام تخمیس «اعم از خمس یا دو خمس یا دو پنجم اموال محکوم»

۲ ـ احکام خروج از ذمه حکومت اسلامی «با توجه به اینکه مالک خود اشخاص بوده‌اند و به لحاظ در پناه و ذمه حکومت اسلامی نبودن، این اموال در اختیار امام قرار می‌گیرد» خواهشمند است چنانچه مصلحت بدانید در جهت استفتاء از حضور حضرت امام مدظله العالی درباره تکلیف این دو مورد اقدام و تعیین فرمایید

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٥٤.

که اموال این احکام: ۱ـ تحویل کمیته امداد شود. ۲ـ در اختیار دولت بماند. ۳ـ به مصرف دیگری که حضرت امام تعیین می‌فرمایند برسد.

طهماسب مظاهری سرپرست دفتر اجرایی تبصره ۸۲ ۶۵/۲/۱۵]

بسمه تعالی

جنابان حجت‌الاسلام آقای یزدی و آقای محمدی گیلانی، زحمت کشیده و به جهات شرعیه آنچه مرقوم شده رسیدگی نمایید. در صورت تطبیق با موازین شرعیه به کمیته امداد و برای فقرا تسلیم شود. ۶۵/۲/۲۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۲۶خرداد ۱۳۶۵/ ۸شوال ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: موقوفات آستان قدس رضوی
سؤال‌کننده: واعظ طبسی، عباس «تولیت آستان قدس رضوی»

[بسم الله الرحمن الرحیم. بخش عمده و قابل توجهی از اراضی شهری و مزروعی شهر سرخس متعلق به آستان قدس رضوی است، بدین ترتیب که قسمتی از آن اراضی املاکی هستند که از محل عواید آستان قدس، محمدرضا پهلوی و پدرش رضاخان خریداری نموده و با امضای محمدرضا پهلوی به آستان قدس وقف گردیده و موارد مصرف آن را نیز مشخص کرده است. قسمتی دیگر، از آن املاکی است که از محل عواید و درآمدهای آستان قدس خریداری شده، ولی مدرکی دال بر وقفیت آن نیست. قسمت سوم املاک خالصه دولتی است که در ازای پرداخت وجه نقد از درآمدهای آستان قدس و بعضاً در برابر انتقال بخشی از رقبات موقوفه حضرت رضا علیه‌السلام در تصرف و تملک آستان قدس قرار گرفته است. با عنایت به مراتب

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۳.

مشروحه مستدعی است نظر مبارک را نسبت به املاک و اراضی یاد شده از حیث ترتب و یا عدم ترتب آثار و احکام وقف بر آنها امر به ابلاغ فرمایید.

۸ شوال ۱۴۰۶ / ۲۶ خرداد ۱۳۶۵ عباس واعظ طبسی]

بسمه تعالی

کلیه تصرفاتی که در زمان رژیم پهلوی در آستان قدس رضوی به عمل آمده، محکوم به بطلان است، و اگر مواردی را وقف کرده و مصارفی برای آن معین کرده‌اند، چنانچه مصارف مزبور مخالف با مصالح آستان قدس و جمهوری اسلامی نیست عمل به آنها را اجازه می دهم، و اگر مخالف با آنهاست نایب التولیهٔ آستان قدس مجازند به هر نحو صلاح می‌دانند درباره آنها عمل کنند.

و در مورد دوم نیز حکم سایر املاک آستان قدس را دارد و امر آن با تولیت آستانه مقدسه است. و در مورد سوم نیز چنانچه موقوفاتی فروخته شده یا تغییراتی در آنها داده شده، باید در صورت امکان به حال اول باز گردد، و اگر امکان ندارد با مراعات جهت وقف در آنها تصرف شود، و اگر وقف بودن آنها ثابت نیست حکم مورد دوم را دارد.

روح الله الموسوی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٦٠ و ٦١.

▣ نامه

زمان: ۱شهریور ۱۳۶۵/۱۷ذی‌الحجه ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: حدود تعیین قوانین کیفری برای متخلفان از قانون
مخاطب: هاشمی رفسنجانی، اکبر «رئیس مجلس شورای اسلامی»

[بسمه تعالی. محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امـام خـمینی ـ دامت برکات وجوده الشریف

معمولاً در قوانین مصوبه مجلسهای دنیا و من جمله مجلس شورای اسلامی کیفرهایی برای متخلفان از قانون و مجرمان پیش بینی می‌شود که بدون آنها ضـامنی برای اجرای قانون نیست.

مدتی پیش شورای محترم نگهبان نظر داد که اینگونه کیفرها تعزیرهایی‌اند که باید توسط قاضی در دادگاه معین شوند و نمی‌شود به صورت کلی در لبـاس قـانون درآیند.

شورایعالی قضایی به خاطر اینکه احاله کـیفرها بـه قـضات بـاعث تـفاوتهای فاحش و زننده در کیفرها می‌شود و مایه بی اعتباری دستگاه قضایی و نـظام کـیفری اسلامی خواهد شد با احاله کیفرها به نظر قضات مخالفت داشت.

در برهه ای از زمان پذیرفته شد که سقفی و حداقل و اکثری برای کیفر مجرمان تعیین شود و اختیارات قضات را در انتخاب حدی در میان اقل و اکثر قرار دهیم.

این روش نه نظر شورای نگهبان را تأمین کرد، نه نظر شورایعالی قضایی را. و بالأخره حضرتعالی برای حل مشکل، هیأتی مرکب از دو عضو شورای نگهبان و یک عضو کمیسیون قضایی مجلس و رئیس شورایعالی قضایی را جهت تعیین تعزیرات معین فرمودید.(۱) این هیأت نتوانست مشکل را حل نماید.

---

۱. اعضای این هیأت در پی نامه ای که از سوی آقای محمد یزدی (رئیس کمیسیون قضایی و حـقوقی مـجلس شورای اسلامی) به حضور امام تقدیم شد، انتخاب شدند. اعضای هیأت عبارت بودند از: آقای موسوی اردبیلی ←

در ادامه این نامه به بیان علل ناکامی هیأت پرداخته شده و آنگاه چنین پیشنهاد شده است:

در مجلس همه وسایل رسیدگی و دقت موجود است، و لوایح همراه خود نظر کارشناسی دولت و دستگاه قضایی دارند، و دو بار در کمیسیونها با حضور کارشناسان بحث می‌شود و معمولاً یک لایحه در چند کمیسیون و دو بار در جلسه علنی مورد بحث قرار می‌گیرد، و از وسایل روابط جمعی پخش می‌شود و صاحبنظران ذی علاقه معمولاً نظراتشان را برای مجلس می فرستند و حداقل برای تصویب آن ۹۱رأی نمایندگان مجلس وجود دارد که معمولاً در میان آنها افراد مجتهد و متقی فراوان است، و اگر اشتباهی پیش آید با نظر شورای نگهبان به مجلس برمی گردد. و بعد از همه اینها اگر باز هم خلاف بود، قانون عادی است و قابل اصلاح.

خواهشمندیم هرگونه که مصلحت می دانید مشکل را حل بفرمایید. ضمناً پیوست عریضه، طرح تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان را تقدیم می دارد که مشکل ما را ملاحظه فرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی اکبر هاشمی رفسنجانی ۶۵/۵/۲۶]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

در این موضوع به حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای منتظری ـ دامت برکاته مراجعه نمایید که با نظر ایشان مشکل حل شود، ان‌شاءالله تعالی.

۱ شهریور ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

← (رئیس شورایعالی قضایی)، آقای یزدی (رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس) و دو عضو فقهای شورای نگهبان به انتخاب آن شورا.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

▣ پاسخ استفتاء

زمان:۷فروردین ۱۳۶۶/۲۶رجب۱۴۰۷ مکان:تهران،جماران
موضوع:خمس
سؤال‌کننده:شبیری زنجانی،سیدموسی«از آیات عظام قم»

[حضور مبارک رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی خمینی متّع‌الله المسلمین بطول بقائه

... درباره اشیایی که قبلاً مورد احتیاج شخص بوده و از حکم خمس «ارباح»[۱] استثناء شده، ولی فعلاً مورد نیاز نیست در «عروه»[۲] مسئله ۶۷از کتاب خمس، احتیاط وجوبی شده است. در حاشیه چنین مرقوم فرموده‌اید:

«و الاقوی عدم الوجوب اذا استغنی عنها بعد عام الربح و کذا فی الحلی» و در «تحریرالوسیله»، مسئله شانزده مطابق «عروه» احتیاط وجوبی فرموده اید.

نظر مبارک فعلاً در این مسئله با کدامیک موافق است؟ و همچنین کسی در اثنای سال ربح مؤونه‌ای را تحصیل کرده و بعد از گذشتن سال، مؤونه را فروخته تا بعداً مؤونه دیگری را تهیه کند.

آیا بعد از تبدیل مؤونه به پول، تخمیس پول لازم است یا لازم نیست، و یا بعد از خروج سال پول دوم تخمیس واجب است؟

سید موسی شبیری زنجانی]

۲۶ رجب ۱۴۰۷ بسمه تعالی

در هر دو مورد و موارد شبیه پس از خروج مؤونه باید خمس ما خرج را بدهد، بلی اگر بین سال ربح از مؤونه خارج شد تا پس از سال لازم نیست. چنانچه اگر تبدیل کند مؤونه‌ای را به مؤونه دیگر باز خمس ندارد.

---

۱. جمع ربح : سود، در آمد حاصل از کسب و تولید.

۲. منظور نویسنده، حاشیه امام خمینی بر عروه الوثقی است .

واکنون نظر اینجانب این است و مسئله‌احتیاطی نیست.توفیق و تأیید جنابعالی را خواهانم و ملتمس دعا هستم. و السلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۱۰ تیر ۱۳۶۶ / ۴ ذی‌القعده ۱۴۰۷ [۲] مکان: تهران، جماران
موضوع: آزادی مردم در انتخابات مجاز نبودن استفاده از سهم امام (ع) در امر انتخابات
مخاطب: چهار تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، آقایان: کروبی ـ نوری ـ هاشمیان ـ هادی

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی دام ظله العالی علی رؤوس المسلمین

با سلام خدمت آن امام بزرگوار، در انتخابات دوره قبل حضرتعالی نسبت به معرفی کاندیدا برای حوزه‌های مختلف از سوی احزاب و جمعیتهای سیاسی مذهبی اعلام مخالفت فرمودید با توجه به نزدیکی زمان انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی از مقام مقدس رهبر گرانقدرمان تقاضامندیم به سؤالات ذیل پاسخ فرموده و همگان را نسبت به وظایف شرعی آگاه فرمایید.

۱ ـ آیا در این دوره گروهها و جمعیتهای مختلف سیاسی مذهبی می توانند از تهران و یا قم برای شهرهای مختلف ایران و یا از هر نقطه برای مناطق دیگر کاندیدا معرفی نمایند.

۲ ـ آیا می توان در رابطه با تبلیغ از کاندیداها از وجوهات شرعیه و بیت المال و یا از اموال دولتی و عمومی که در اختیار نهادهای گوناگون است استفاده نمود.

مهدی کروبی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، عبدالله نوری رئیس

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۲. در روزنامه رسالت مورخ ٦٦/٤/١١ سهواً تاریخ ذیل نامه حضرت امام ٦٦/٦/١٠ درج شده است که تاریخ صحیح آن ٦٦/٤/١٠ می‌باشد.

کمیسیون برنامه و بودجه، حسین هاشمیان رئیس کمیسیون نفت، محمدعلی هادی عضو کمیسیون دفاع.

بسمه تعالی

با اینکه اینگونه سؤالها و جوابها اکنون زود است، معذلک باید مردم را برای انتخابات آزاد گذاریم، و نباید کاری بکنیم که فردی بر مردم تحمیل شود. بحمدالله مردم ما دارای رشد دینی و سیاسی مطلوب می باشند، و خود افراد متدین و درد مستضعفان چشیده و آگاه به مسائل دینی سیاسی و همگام با محرومین را انتخاب خواهند کرد. و در چنین اوضاعی هیچ فرد و گروهی و هیچ نهاد و سازمان و حزب و دفتر و تجمعی نمی‌تواند در حوزه انتخابات دیگران دخالت نماید، و برای غیر حوزه خود فرد یا افرادی راکاندیدا نموده و از آنان تبلیغ نماید. در شرایط کنونی، اینجانب به هیچ وجه و به هیچ کس اجازه نمی دهم تا از سهم مبارک امام علیه السلام و یا از اموال دولت و اموال دفاتر و سازمانها و مجامع و اموال عمومی خرج انتخابات کند. باید مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق کرد. ان‌شاءالله نظرم را در این مورد بعداً اعلام خواهم کرد. روحانیون محترم حوزه‌های انتخاباتی سعی کنند در حوزه خود [با] افراد و گروههای مسلمان که در انتخابات کاندیدا شده و یا از کاندیداهای مورد علاقه خود طرفداری می کنند چون پدری مهربان باشند و آنان را با دیده محبت بنگرند. از خداوند توفیق شما را خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۹٤ و ۲۹۵.

▣ نامه

زمان: آبان ۱۳۶۶/ربیع الاول ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: اعلام نظر در مورد اراضی موات واقع در محدوده شهر
مخاطب: خردمند، غلامحسین (مدیر عامل موسسه املاک و مستغلات بنیاد مستضعفان)

[محضر مبارک زعیم عالیقدر مقام معظم ولایت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

استنباط بنیاد مستضعفان از حکم حکومتی حضرتعالی[1] که بعدها هم بارها از محضر مبارک استفسار به عمل آمده و تعیین تکلیف فرموده اید، این است که کلیه اموال منقول و غیرمنقول مصادره شده از جمله اراضی موات را به طور مطلق در مالکیت مستضعفین مستقر فرموده از شمول اموال دولتی خارج فرموده‌اید و تا به حال هم به همین نحو عمل شده است اما گهگاه سازمان زمین شهری مشکلاتی را در این مورد فراهم ساخته، علی رغم فتوای صریح لازم الاتباع آن مقام محترم برداشت دیگری داشته‌اند و اراضی موات را از شمول حکم حضرتعالی خارج می‌دانند.

لذا استدعا می‌نماید در این مورد تعیین تکلیف فرمایند که آیا اینگونه زمینها بایستی کماکان در اختیار و مالکیت بنیاد باشد تا به مصارفی برساند که قبلاً تعیین فرموده یا در آینده تعیین خواهید فرمود یا اینکه آنها را به سازمان زمین شهری تحویل دهیم. ۶۶/۸/۵ - غلامحسین - خردمند وکیل بنیاد مستضعفان و مدیرعامل مؤسسه املاک و مستغلات]

بسمه تعالی

زمینهایی که موات است از شمول حکم اینجانب خارج است.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. حکم مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ خطاب به شورای انقلاب و حکم مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۰ در پاسخ به نامه بنیاد مستضعفان در رابطه با اراضی شهری مصادره شده از طاغوتیان.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۰۵.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۳۰آذر ۱۳۶۶/ ۲۹ربیع الثانی ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: برنامه‌های نمایشی و فیلمهای تلویزیون
سؤال کننده: هاشمی، محمد(رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی)؛ فردوسی پور، اسماعیل (اعضای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی)

[بسمه تعالی. همچنان که استحضار دارید در برخی از برنامه‌های نمایشی سیمای جمهوری اسلامی ایران نظیر فیلمهای سینمایی یا سایر برنامه‌های نمایشی اعم از داخلی و خارجی، زنان نمایشگر حضور دارند که حسب موضوع بعضاً از ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر برخوردار نیستند و همچنین در پاره ای از ورزشهای مرسوم از قبیل «کشتی» و «فوتبال» قسمتی از بدن ورزشکاران مرد پوشیده نیست، استدعا دارد جهت روشن شدن موضوع نظر مبارک را در خصوص موارد زیر اعلام فرمایید:

۱ ـ پخش برنامه‌های تلویزیونی که در آنها برحسب موضوع زنانی ایفای نقش می‌نمایند که ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر را رعایت ننموده‌اند.

۲ ـ پخش برنامه‌های ورزشی نظیر کشتی و فوتبال که در آن قسمتی از بدن مردان ورزشکار پوشیده نیست.

۳ ـ نگاه کردن به برنامه‌های فوق الذکر که از تلویزیون پخش می‌شود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

محمد هاشمی

بسمه تعالی

محترماً معروض می دارد، در رابطه با پخش برخی فیلمهای خارجی یا تولید داخلی و سریالهایی مانند «پاییز صحرا» و «آیینه»، «نفوذ» و غیره و همچنین پخش آهنگهای موسیقی از صدا و سیما، از سوی امت شهیدپرور شکایاتی به شورای سرپرستی می‌رسد مبنی بر اینکه پخش این فیلمها و سریالها و آهنگها خلاف شرع مقدس اسلام و مخالف اهداف عالی انقلاب است و با نظام جمهوری اسلامی تناسب

ندارد و هزینه کردن بودجه برای ساختن آن اسراف محسوب می‌شود، گو اینکه احیاناً جنبه‌های آموزنده، تفریحی و سرگرم کننده نیز دارد.

در انطباق اینگونه موارد بافتاوای موجود در رساله‌های عملیه و تحریرالوسیلهٔ آن حضرت و احراز و تفکیک مجاز از غیرمجاز اختلاف نظر وجود دارد و نمی‌توان جواب صریح و صحیحی به مستشکلان ارائه نمود. اختلاف سلیقه نیز الی ماشاءالله موجود است و انسان نمی‌داند چه باید بکند و در این شرایط حساس جنگی که از اهمّ امور است تکلیف چیست؟

نکته دیگر اینکه وقتی شکایات که معمولاً از امت مورد توجه امام بزرگوار می‌باشد به مدیران و مسئولان اجرایی ارجاع می‌شود می گویند، امام ـ مدظله العالی تمام این برنامه‌ها را می بینند و آهنگها را گوش می‌کنند اگر اشکالی داشته باشد تذکر می‌دهند. از آنجا که رسیدگی به شکایات و پاسخ به آنها و اقدام فوری برای رفع نواقص، یکی از وظایف قانونی شورای سرپرستی می‌باشد مستدعی است نظر مبارک را نسبت به موارد یادشده مرقوم فرمایید تا بتوانیم از آغاز دوره جدید وظیفه خطیر شرعی و قانونی خود را به خوبی انجام دهیم و در پیشگاه آن امام عظیم الشأن و امت الهی ایران مسئول نباشیم. اسماعیل فردوسی پور]

بسمه تعالی

نظر نمودن به این قبیل فیلمها و نمایشنامه‌ها هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد. و همین طور فیلمهای ورزشی و آهنگها اکثراً بی‌اشکال است. گاهی خلاف به طور نادر دیده می‌شود، که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود: اول آنکه کسانی که گریم می کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد.

دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٤٥ تا ٤٤٦.

▣ **نامه**

زمان: ۲دی ۱۳۶۶/ ۱جمادی‌الاول ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: چگونگی رسیدگی به جرایم عادی پرسنل وزارت اطلاعات
مخاطب: محمدی ری شهری، محمد (وزیر اطلاعات)

[بسمه تعالی. رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی

سلام علیکم. از آنجا که رسیدگی به تخلفات و جرایم عادی پرسنل وزارت اطلاعات در بسیاری از موارد موجب کشف اسرار امنیتی کشور می گردد، و این امر با وضع فعلی دادگستری به مصلحت نظام نیست. لذا پیشنهاد می‌شود در چنین مواردی با تشخیص و پیشنهاد وزارت اطلاعات، دادسرای نیروهای مسلح به جرایم کارمندان این وزارتخانه رسیدگی نماید. و با عنایت به صلاحیت قانونی این دادسرا، تنها با اجازه حضرتعالی این امر میسر است. ضمناً موافقت ریاست دیوانعالی کشور نیز در این رابطه جلب شده است. ۶۶/۹/۳۰ ری شهری]

بسمه تعالی

در صورت ضرورت و با موافقت رئیس دیوانعالی کشور موافقت می‌شود.

۶۶/۱۰/۲

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ **پاسخ استفتاء**

زمان: ۳دی ۱۳۶۶/ ۲جمادی‌الاول ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: حکم تماشای فیلمهای تلویزیونی شهوت‌انگیز سؤال کننده: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی

فتوای حضرتعالی در پاسخ به نظرخواهی مسئولان صدا و سیما در مورد

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٤٧.

فیلمها و آهنگها پاسخ قاطعی به ابهامها بود و خیال مردم و مسئولین را از جهت فتوای حضرتعالی آسوده کرد. باقی می‌ماند این نکته که حضرتعالی جواز تماشای فیلمها را موقوف فرموده‌اید به اینکه شهوت‌انگیز نباشد. واقعیت اینست که تماشای پیکر عریان ورزشکاران برای بسیاری از زنان و تماشای چهره و حرکات بسیاری از زنان در فیلمها برای اغلب جوانان شهوت‌انگیز است. سؤال این است که آیا مسئولان صدا و سیما وظیفه دارند که آنچه برای بسیاری از مردم شهوت‌انگیز است پخش نکنند؟ و آیا ما به عنوان مسئولین کشور وظیفه داریم آنها را از تهیه و تولید و پخش آن منع کنیم؟ یا اینکه چنین وظیفه‌ای بر عهده ما نیست و کافی است به مردم بگوییم هر که با تماشای این فیلمها دچار شهوت می‌شود به تلویزیون ما نگاه نکند؟ مستدعی است حقیر را در این مورد راهنمایی فرمایند. ادام الله عزکم و ظلکم.

۶۶/۱۰/۲ سید علی خامنه ای]

بسمه تعالی

هر کس با تماشای این فیلمها دچار شهوت شود باید اجتناب کند و هر کس با شهوت به این فیلمها نگاه کند مرتکب گناه شده است.

۶۶/۱۰/۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۵ بهمن ۱۵/۱۳۶۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران

موضوع: اجتناب وزارت اطلاعات از جستجو در برخی پرونده‌ها

مخاطب: محمدی ری شهری، محمد (وزیر اطلاعات)

[آقای ری شهری وزیر اطلاعات طی نامه ای به تاریخ ۶۶/۱۱/۱۳ با بیان آثار زیانبار در اختیار نهادن پرونده‌های در حال پیگیری آن وزارتخانه به نمایندگان

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٤٨.

مجلس، و اینکه از اطلاعات موجود در اینگونه پرونده‌ها -که از نظر سیر قضایی و شرعی هنوز به اثبات نرسیده‌اند - چه بسا بهره برداری سیاسی شود؛ خواستار کسب نظر امام خمینی شده است. امام در پاسخ چنین مرقوم فرموده اند:]

بسمه تعالی

فحص از پرونده متهمین با خصوصیات ذکر شده خلاف شرع و قانون اساسی است و وزارت اطلاعات مجاز به اجازه فحص از اینگونه پرونده‌ها نمی‌باشد.

۶۶/۱۱/۱۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۸اسفند ۱۳۶۶/ ۲۹رجب۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: اختلاف نظر شورای نگهبان و وزارت کشور در تعیین هیأت اجرایی انتخابات
مناسبت: انتخابات مجلس شورای اسلامی مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر عظیم الشأن، حضرت امام خمینی مدظله

با سلام و تحیت، در یکی از حساسترین مراحل انتخابات یعنی تعیین هیأت اجرایی تهران فیمابین شورای نگهبان و وزارت کشور اختلاف نظر پدید آمده است و هر یک نظرات خود را منطبق بر قانون می‌داند. «نظر اینجانب در اینباره در صورت لزوم معروض خواهد شد». ورود خدشه قانونی در انتخابات تهران در این مرحله، زمینه ای خواهد شد برای خدشه در کل انتخابات و احتمالاً زیر سؤال رفتن مجلس آینده و مصوبات آن. لذا اینجانب پس از عدم حصول نتیجه از تلاش میانجیگرانه‌ای که در سه روز اخیر داشته‌ام، احساس می‌کنم که نجات انتخابات تهران محتاج به اشاره

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٦١.

مؤکد از سوی آن حضرت است. لذا پیشنهاد می‌شود: طرفین را ملزم و مکلف فرمایید که در اسرع وقت از هر طریق ممکن و البته قانونی هیأت اجرایی را انتخاب و به جای هیأت غیرقانونی قبلی اعلام کنند.

۶۶/۱۲/۲۶ سید علی خامنه‌ای، رئیس جمهور]

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام مطالبی که مرقوم نمودید، احمد کراراً به من گفته و چون بنا ندارم در انتخابات دخالت کنم، احمد کوشش می‌کند که راه حلی پیدا کند. ان شاء الله تعالی آنچه صلاح است در پیش آید. والسلام. ۶۶ / ۱۲ / ۲۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷/ ۴ رمضان ۱۴۰۸ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: اختیارات قاضی محکمه قضات **مخاطب: کریمی، سید جعفر**

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک مقام معظم ولایت امر و رهبر عظیم الشأن انقلاب، بنیانگذار نظام الهی پر خیر و برکت جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با اهدای سلام و تحیات وافره و آرزوی طول عمر پرافتخار توأم با سلامت وجود مبارک آن امام بزرگوار روحی فدا احتراماً، به شرف عرض عالی می‌رساند:

همان گونه که خاطر مبارک حضرت امام مستحضر است، اینجانب در بدو امر قبول وظیفه اداره محکمه قضات از سوی حضرتعالی، طی دو جلسه حضوری نسبت به چگونگی انجام خدمت و حدود مسئولیت و اختیارات از محضر مبارک کسب تکلیف نمودم، که امام عزیز در این باره رهنمودهای مفید و کارساز و

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۰۳ و ۵۰۴.

دستورالعملهای لازم صادر فرمودند، لیکن موضوع حدود اختیارات و در نتیجه عملکرد اینجانب که موافق با ضوابط شرعی و طبق دستورالعمل حضرت امام انجام گرفته، در مواردی از سوی مقامات محترم عالی قضایی مورد مناقشه قرار گرفت.

اینک با توجه به این کار در تخلفات قضات محترم منصوب گاهی دیده می‌شود که حکم صادره مخالف فتوا و خلاف شرع و قانون است و موجب تضییع حقوق شرعی و قانونی مالی یا غیر مالی شاکیان شده است. برای اینکه در چگونگی احقاق حقوق شرعی و قانونی شکایت علیه قضات محترم در مثل موارد فوق حجت شرعی داشته باشم، از محضر مبارک امام بزرگوار عاجزانه استدعا دارم، در رابطه با:

۱ـ اختیار نقض حکم خلاف شرع و قانون وفق مقررات شرعی

۲ـ تعیین تکلیف حکم وضعی و ضمان حقوق و اموال تضییع شده

۳ـ تعیین مجازات تعزیری قاضی متخلف

۴ـ قابلیت تجدیدنظر یا قطعیت حکم این دادگاه، در موارد فوق اینجانب را ارشاد فرمایید.

... شاگرد کوچک امام بزرگوار: سید جعفر کریمی ۶۷/۱/۲۸]

بسمه تعالی

جنابعالی مجازید در موارد مذکور طبق موازین شرعی و قانونی عمل نمایید، و در تعزیرات حکومتی در مواردی که بدون تعزیرات، کار موافق مصالح انجام نمی‌گردد مجازید آن را اجرا نمایید. در تمام موارد احتیاط را رعایت فرمایید.

۶۷/۲/۱

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲ و ۳۳.

▣ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۹شهریور ۲۸/۱۳۶۷محرم ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی

[بسم الله الرحمن الرحیم . خدمت مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ دامت برکاته

۱ ـ از آنجا که آلات لهو و لعب استفاده‌های مشروع از قبیل نواختن سرودها را دارد آیا خرید و فروش آن بی اشکال است؟]

بسمه تعالی

خرید و فروش آلات مشترکه به قصد منافع محلّلهٔ آن اشکال ندارد.

[۲ ـ اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده گردد بازی با آن چه صورتی دارد؟]

بسمه تعالی

بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد[۱].

▣ نامه

زمان: ۲۰شهریور ۲۹/۱۳۶۷محرم ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأیید آقای محتشمی
مخاطب: انصاری کرمانی، مجید (نماینده مجلس شورای اسلامی)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

با ابلاغ سلام و ابراز ارادت، از آنجا که یکی از نمایندگان محترم مجلس شورای

۱ . صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۹.

اسلامی ایّده‌الله تعالی در مخالفت با حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محتشمی وزیر محترم کشور مطالبی ایراد فرموده اند، از آن جمله «نقل معنا» اینکه مقصود حضرتعالی در نامه خود به هیأت وزیران که هر وزیری باید در محدوده اختیارات خود اقدام نماید، جناب آقای محتشمی بوده است، برای جمعی از نمایندگان محترم و حقیر این سؤال پیش آمده است که اگر امر بدین گونه بوده است ما تکلیف خود را بدانیم. والامرالیکم نماینده زرند کرمان.

۱۳۶۷/۶/۲۰ مجید انصاری کرمانی]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای محتشمی ایّده الله تعالی از دوستان قدیمی من و فردی متدین، متعهد و مبارز است که با هوش سیاسی ای که دارد همیشه خدمتگزاری خوب برای اسلام و ایران بوده است.

مقصود من از نامه به هیأت وزیران آقای محتشمی نیست. ان‌شاءالله آقایان در مسائلی که می‌خواهند به کسی نسبت دهند، دقت کافی نمایند وجهات شرعی را نیز مراعات نمایند.

۲۰ شهریور ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲مهر ۱۳۶۷/ ۱۲صفر ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: حکم بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی

مخاطب: قدیری، محمدحسن «از اعضای دفتر امام خمینی در قم»

[بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۰.

با عرض سلام و ادب و احترام، اخیراً دو استفتاء منتشر شده که در یکی از خرید و فروش آلات لهو سؤال شده و در جواب آمده که خرید و فروش آلات مشترکه به قصد محلله آن اشکال ندارد. و در دیگری در سؤال مفروض است که امروز شطرنج بکلی آلت قمار بودن خود را از دست داده و تنها به صورت ورزش فکری درآمده است و در جواب آمده است که بر فرض عمل مزبور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد. و آقای مورد اعتمادی نقل کردند که در بعضی روزنامه‌ها بر فرض مزبور را ننوشته است.

در اینجا سوالاتی مطرح است.

۱ـ خرید و فروش آلات مشترکه مانع ندارد مگر اینکه قصد منفعت حرام در بین باشد. پس چرا در جواب سؤال اول قصد حلال قید شده است؟

۲ـ در سؤال دوم سائل محترم از کجا ادعا می‌کند که امروز شطرنج آلت قماربودن خود را بکلی از دست داده و تنها ورزش فکری شده است؟

۳ـ در روایت معتبره است از سکونی از حضرت صادق علیه السلام:

اول ـ قال: قال رسول الله(ص): انهاکم عن الزفن و المزمار و عن الکوبات و الکبرات.

دوم ـ قال: نهی رسول الله(ص) عن اللعب بالشطرنج و انزو....

زفن، به معنای رقص است «مجمع البحرین» مزمار، نامی است که مطلق نی را شامل می‌شود و نهی حضرت، حجت بر تحریم است مگر حجتی بر خلاف باشد. و هردو دلیل اطلاق دارد.

بنابراین استفاده می‌کنم که نی زدن حرام است چه نی آلت مختصه باشد یا مشترکه و بازی شطرنج حرام است چه آلت قمار را از دست بدهد یا نه. و دعوای انصراف منشأ صحیحی می‌خواهد که به نظر نمی‌رسد و آنچه ممکن است گفته شود مثل غلبه یا آلیّت در آن زمان منشأ صحیحی نیست. و البته در حد خودم در ادله

فحص و به مطالب حضرتعالی هم مراجعه نمودم حجتی بـر خـلاف اطـلاق مـزبور نیافتم. ادله میسر و لهو تطبیق بر آلات منافاتی با اطلاق ندارد و علت منصوصه ای هم در ادله نیست و در هر صورت اگر ساحت قدس حضرتعالی از اینگونه مسائل به دور باشد به نظر من بهتر است و ضرورتی در نشر آنها دیده نمی‌شود. دیگر هر طور صلاح می دانید. از جسارت عذر می خواهم و از خداونـد مـتعال دوام سـایه بـلند پـایه آن حضرت را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۴ صفرالخیر ۱۴۰۹ محمد حسن قدیری]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای قدیری ـ دامت افاضاته

پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سؤال و جـواب، ایـنجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنا بر نوشته جنابعالی زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که ذکرش رفـته است و اکنون که مصارف به‌صدها مقابل آن رسیده است راهی نیست و «رهان»[۱] در «سبق»[۲] و «رمایه»[۳] مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن، که در جنگهای سابق به کار گرفته می شده است و امروز هم تنها در همان موارد است. و «انفال»[٤] که بـر

۱. گرو بستن، شرط بستن.

۲. گرو و شرط بندی در مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی.

۳. تیرانداختن، تیراندازی.

٤. انفال (به فتح همزه)، جمع نفل: به معنی غنیمت، بهره، هبه. در قرآن کریم، سوره (انفال)، واژه (انفال) اینچنین معنا شده است: «یسئلونک عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقواالله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوالله و رسوله ان کنتم مؤمنین» (ای رسول ما) چون امت از حکم انفال «غنایم رسیده به دست مسلمانان بدون جنگ و زحمت از قبیل معادن بیشه، زمین خراب بدون مالک و قطایع ملوک و غیره» را بپرسند، جواب ده که (انفال) مخصوص خدا

←

شیعیان «تحلیل»[1] شده است، امروز هم شیعیان می توانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای کذایی جنگلها را ازبین ببرند و آنچه راکه باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیونها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان کشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن. و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند.

و اما راجع به دو سؤال، یکی بازی با شطرنج در صورتی که از آلت قمار بودن بکلی خارج شده باشد، باید عرض کنم که شما مراجعه کنید به کتاب جامع المدارک مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد خونساری که بازی با شطرنج را بدون رهن جایز می‌داند و در تمام ادله خدشه می‌کند، در صورتی که مقام احتیاط و تقوای ایشان و نیز مقام علمیت و دقت نظرشان معلوم است، اما اینکه نوشته‌اید از کجا سائل به دست آورده که شطرنج بکلی آلت قمار نیست، این از شما عجیب است، چون سؤالها و جوابها فرض است و بنابراین آنچه را من جواب داده‌ام در فرض مذکور است که اشکالی متوجه نیست و در صورت عدم احراز باید بازی نکنند. و عجیبتر آنکه نوشته‌اید چرا به جای «قصد حرام نباشد»، «قصد حلال» نوشته شده؟ گویی عمل شخص متوجه و قاصد بدون قصد هم می‌شود، در این صورت «قصد حلال» مساوق است با نبودن «قصد حرام».

و اما در قضیه خرید و فروش آلات مشترکه برای مقصد حلال، اشتباه بزرگی

← و رسول است «که رسول و جانشینانش به هرکس و به هر قدر که صلاح باشد بخشند» در این صورت شما مؤمنان باید از خدا بترسید «و در مورد انفال از طمع ونزاع و تفرقه بپرهیزید» و بین خودتان صلح و آشتی برقرار کرده و خدا و رسولش را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید.

۱. حلال.

کرده‌اید که گمان کرده‌اید خرید و فروش برای منفعت حلال، یعنی استفاده حرام کردن و این برخلاف آنچه نوشته شده است می‌باشد. البته در این زمینه‌ها مسائل زیادی است که حال و وقت من اجازه تعقیب آنها را ندارد. از جنابعالی که فردی تحصیلکرده و زحمت کشیده ای می باشید، توقع نبود که اینگونه برداشت کرده و آن را به اسلام نسبت دهید. شما خود می دانید که من به شما علاقه داشته و شما را مفید می‌دانم، ولی شما را نصیحت پدرانه می‌کنم که سعی کنید تنها خدا را درنظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید، چرا که اگر بنا است با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیتمان نزد مقدس نماهای احمق و آخوندهای بیسواد صدمه ای بخورد، بگذار هرچه بیشتر بخورد. از خداوند متعال توفیق جنابعالی را در خدمت به اسلام و مسلمین چون گذشته خواهانم.

والسلام علیکم و رحمة الله. ۶۷/۷/۲

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

◙ نامه

زمان: ۱۲ مهر ۱۳۶۷ / ۲۲ صفر ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر و تجلیل از آقای قدیری

مخاطب: قدیری، محمدحسن (از اعضای دفتر امام خمینی در قم)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای قدیری ـ دامت افاضاته

با سلام و دعای خیر و آرزوی موفقیت برای شما در پیاده کردن احکام اسلام، نامه اول شما و جواب من [۲] در حال و هوای مدرسه و درس و بحث بود؛ و الّا من شما

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱٤۹ تا ۱۵۲.

۲. اشاره به نامه مورخ ۱۳٦۷/۷/۲ که در پاسخ به نامه آقای قدیری در مورد حکم بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی مرقوم شده بود.

را مجتهد و صاحبنظر در فقه می‌دانم؛ و همیشه از خدا خواسته ام که شما جوانان بتوانید معضلات کشور در زمینه‌های مختلف را حل کنید. من شما را یکی از دوستان قدیمی و خوب خود می‌دانم؛ و زحمات شما را در درس و بحث و کمکهای شما را در تمام زمینه‌ها فراموش نمی‌کنم. ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله برسیم. و امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است. و نجات آن قربانی می خواهد. و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. خداوند جنابعالی را تأیید فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله. ۶۷/۷/۱۲

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پاسخ استفتا

زمان: ۱۷دی ۲۸/۱۳۶۷جمادی‌الاول ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: موافقت با تخصیص درآمد ملک موقوفه به مخارج مدرسه علمیه خواهران در کرمان
سؤال‌کننده: انصاری کرمانی، مجید

[محضر مقدس رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی روحی فداه

با عرض سلام و آرزوی سلامتی آن وجود مبارک، محترماً معروض می دارد، در حدود ۱۵۰ سال پیش ملکی وقف مدرسه علمیه و طلاب و اساتید آن در کرمان گردیده است، مدرسه سالها به صورت مخروبه در آمده بود؛ پس از انقلاب بازسازی و برای استفاده خواهران طلبه مورد بهره برداری قرار گرفت و هم اکنون نیز تعدادی از خواهران طلبه در آن مشغول تحصیلند، متمنی است نظر مبارک را در مورد استفاده از درآمد ملک موقوفه جهت مخارج مدرسه و خواهران طلبه بیان فرمایید.

۶۷/۱۰/۱۷ مجید انصاری کرمانی]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶۰.

بسمه تعالی

درآمد ملک مزبور به خواهران طلبه نیز می‌رسد و در این جهت فرقی میان طلاب مرد و زن نیست.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پاسخ استفسار

زمان:۱۸بهمن ۱۳۶۷/ ۳۰جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:ارجاع امر تشخیص حکم‌به رئیس دیوانعالی‌کشور،درموردی‌که سؤال شده‌است
مخاطب:خمینی،سیداحمد

[۶۷/۱۱/۱۸ به آقای موسوی اردبیلی گفتم : «در مورد فردی که محکوم به اعدام است، امام فرمودند: طبق شرع با آن عمل کنید». ایشان گفت : «طبق نظر [و تشخیص] خودم؟» گفتم: «آری». بعد شک کردم که شاید نباید به نظر خودش عمل کند. در ضمن شما بارها اجازه داده‌اید که ایشان طبق نظر خودش عمل کند. در ذیل این نامه بفرمایید که طبق نظر خودش عمل کند یا نظر شما؟(۲)]

بسمه تعالی

به نظر خودشان عمل کنند. روح الله الموسوی الخمینی (۳)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲۹.

۲. نامه فوق از سوی آقای سیداحمد خمینی به حضور امام خمینی تقدیم شده است. یادآور می‌شود در احکام قضایی اسلام، قاضی واجد شرایط، می بایست مجتهد باشد و از آنجا که در احکام فقهی و قضایی اختلاف آرای مجتهدین امری طبیعی است، سؤال فوق در همین رابطه است که آیا در موضوع مورد گفتگو، آقای موسوی اردبیلی به نظر و رأی خویش عمل کند یا طبق فتوای امام خمینی.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۵٤.

▣ نامه

زمان: ۱۴اسفند ۲۶/۱۳۶۷رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: کسب نظر امام خمینی در استخاره برای تغییر رشتهٔ تحصیلی
مخاطب: امامی کاشانی، محمد (عضو فقهای شورای نگهبان)

[آقای امامی کاشانی طی نامه ای به تاریخ ۶۷/۱۲/۱۴ به محضر امام خـمینی، نظر ایشان را درباره چند استخاره که برای تغییر رشته تحصیلی فرزندشان از پزشکی به تحصیل در حوزه علمیه قم، گرفته‌اند جویا شده است.

امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

فرزند خود را آزاد گذارید تا هر راهی را می‌خواهد انتخاب کند. شما و مادرش هم دعا کنید تا در آن راه موفق گردد.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۰۹.

فصل ۷:
انتخابات و مجلس

▣ پیام

زمان: صبح ۲۹ مرداد ۱۳۵۸/ ۲۶ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: تصویب قانون اساسی براساس معیارهای اسلامی مناسبت: افتتاح مجلس خبرگان
مخاطب: نمایندگان مجلس خبرگان و مردم

بسم الله الرحمن الرحیم

اکنون که با عنایت خداوند متعال و تأیید حضرت ولی‌الله اعظم ـ عجل‌الله فرجه با یمن و برکت مجلس رسیدگی پیشنویس قانون اساسی کار خود را شروع می‌کند، بجاست تذکراتی به ملت شریف و حضرات علمای عظام و سایر وکلای محترم بدهم.

اسلام، انگیزه انقلاب و رمز پیروزی آن

۱ ـ بر هیچ یک از آنان که از انقلاب اسلامی ایران اطلاع دارند پوشیده نیست که انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده؛ و ملت ما در سراسر کشور، از مرکز یا دورافتاده ترین شهرها و قرا و قصبات، با اهدای خون و فریاد «الله اکبر» جمهوری اسلامی را خواستار شدند؛ و در رفراندم بی‌سابقه و اعجاب آور، با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند و دولتهای اسلامی و غیراسلامی، رژیم و دولت ایران را به عنوان «جمهوری اسلامی» به رسمیت شناختند.

قانون اساسی و سایر قوانین باید صددرصد بر اساس اسلام باشد

۲ ـ با توجه به مراتب فوق، قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد براساس اسلام باشد. و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرا اکثریت قریب به اتفاق ملت است. بر این اساس، هر رأیی یا طرحی که از طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که مخالف اسلام باشد، مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است. و اصولاً نمایندگانی که بر این

اساس انتخاب شده باشند وکالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است؛ و اظهارنظر و رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حدود وکالت آنهاست.

فقهای عظام، مرجع تشخیص مطابقت قوانین با احکام اسلام

۳ـ تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام منحصراً در صلاحیت فقهای عظام است که الحمدلله گروهی از آنان در مجلس وجود دارند. و چون این یک امر تخصصی است، دخالت وکلای محترم دیگر در این اجتهاد و تشخیص احکام شرعی از کتاب و سنت دخالت در تخصص دیگران بدون داشتن صلاحیت و تخصص لازم است. البته در میان نمایندگان، افراد فاضل و لایقی هستند که در رشته‌های حقوقی و اداری و سیاسی تخصص دارند و صاحبنظرند که از تخصصشان در همین جهات قوانین استفاده می‌شود؛ و در صورت اختلاف متخصصان، نظر اکثریت متخصصان معتبر است.

لزوم پرهیز از دخالت دادن گرایشات انحرافی در قانونگذاری

۴ـ من با کمال تأکید توصیه می‌کنم که اگر بعضی از وکلای مجلس تمایل به مکاتب غرب یا شرق داشته یا تحت تأثیر افکار انحرافی باشند، تمایل خودشان را در قانون اساسی جمهوری اسلامی دخالت ندهند و مسیر انحرافی خود را از این قانون جدا کنند؛ زیرا صلاح و سعادت ملت ما در دوری از چنین مکتبهایی است که در محیط خودشان هم عقبزده شده و رو به شکست و زوال است.

از گفته ها و نوشته های بعضی از جناحها به دست می‌آید افرادی که صلاحیت تشخیص احکام و معارف اسلامی را ندارند، تحت تأثیر مکتبهای انحرافی، آیات قرآن کریم و متون احادیث را به میل خود تفسیر کرده و با آن مکتبها تطبیق می‌نمایند و توجه ندارند که مدارک فقه اسلامی براساسی مبتنی است که محتاج به درس و بحث و تحقیق طولانی است و با آن استدلالهای مضحک و سطحی، وبدون توجه به ادله

معارض و بررسی همه جانبه معارف بلند پایه و عمیق اسلامی را نمی‌توان به دست آورد و من انتظار دارم محیط مجلس خبرگان از چنین رویه ای به دور باشد.

لزوم مخالفت صریح با پیشنهادهای مخالف با اسلام

۵ـ علمای اسلام حاضر در مجلس اگر ماده ای از پیشنویس قانون اساسی و یا پیشنهادهای وارده را مخالف با اسلام دیدند، لازم است با صراحت اعلام دارند و از جنجال روزنامه ها و نویسندگان غربزده نهراسند، که اینان خود را شکست خورده می‌بینند و از مناقشات و خرده گیریها دست بردار نیستند.

تلاش در جهت جامعیّت بخشیدن به قانون اساسی

۶ـ نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی جامع و دارای خصوصیات زیر باشد:

الف ـ حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت، دور از تبعیضهای ناروا.

ب ـ پیش‌بینی نیازها، منافع نسلهای آینده، آنگونه که مدّ نظر شارع مقدس در معارف ابدی اسلام است.

ج ـ صراحت و روشنی مفاهیم قانون به نحوی که امکان تفسیر و تأویل غلط در مسیر هوسهای دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در آن نباشد.

د ـ صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضتهای اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران در صدد ایجاد جامعه اسلامی بر می‌آیند.

در خاتمه از خداوند متعال توفیق و تأیید همگان را خواستار، و امیدوارم به برکت تلاش آقایان قانون اساسی واقعاً اسلامی و مترقی به تصویب برسد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۳۵۸/۵/۲۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۸ تا ۳۱۰.

▫ پیام

زمان:۱۴دی۱۳۵۸/۱۵صفر۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع:اولین انتخابات ریاست جمهوری مخاطب:ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در این موقع که به خواست خداوند متعال یکی دیگر از مراحل استقرار نظام جمهوری اسلامی در دست تحقق است؛ و ملت مبارز بیدار ایران در صدد تعیین و انتخاب رئیس جمهور می‌باشد، لازم است تذکراتی داده شود:

۱ـ با اینکه در این دوره به حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه ملت، تصدیق صلاحیت رئیس جمهور و واجد بودن شرایط او به عهده اینجانب است، به واسطه بعضی مصالح و جهات لازم المراعاة، از آن جمله وضع استثنایی که کشور دارد، لازم است در این امر مهم حیاتی تأخیر نشود. از طرفی شناسایی بیش از ۱۲۰ نفر محتاج به زمانی طولانی است؛ و تأخیر در این حال استثنایی به صلاح ملت و کشور نیست، به این جهت و جهات دیگر اینجانب امر صلاحیت و انتخاب را به ملت واگذار نمودم که خود سرنوشت خود را تعیین کنند.

۲ـ در دوره های آینده که ان شاءالله استقرار کامل حاصل شد، به حسب قانون اساسی باید این امر به وسیله شورای نگهبان عمل؛ و آنان هستند که باید تشخیص صلاحیت رئیس جمهور را به حسب موازین قانونی بدهند.

۳ـ اینجانب از ملت شریف ایران تقاضا می‌کنم که در این امر مهم حیاتی، سستی و بی تفاوتی از خود نشان ندهند. و انتظار دارم همان طوری که با شور و شعف به پای صندوقهای رأی برای تصویب جمهوری اسلامی رفتند، در این امر نیز با جدیت و علاقه به اسلام، شرکت کنند؛ که خداوند متعال با آنان است و پیروزی نصیب ملت شریف مسلمان است.

۴ـ ملت شریف با کمال هوشیاری و توجه به توطئه ها و بند و بستها که در

دست اجراست، و می‌خواهند نگذارند ملت در این مرحله مهم پیروز شود، و در صدد ایجاد انحراف هستند، مراعات شرایطی را که در قانون اساسی ذکر شده است با کمال دقت بنمایند.

۵ـ از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات؛ و از هر گونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند، که برای پیشبرد مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از انگیزه های غیر اسلامی است.

۶ـ اینجانب بنا ندارم از کسی تأیید نمایم، چنانکه بنا ندارم کسی را رد کنم. و از تمام احزاب و گروهها و افراد می‌خواهم از نسبت دادن کاندیدای خود به من که از آن استفاده تأیید و یا تعیین و یا رد شود، خودداری کنند. من بسیار مایل هستم که گروههایی که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی و خدمتگزار به اسلام هستند، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهاشان رعایت نمایند، و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت واخوت اسلامی داشته باشند، و از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند که تفرقه و تشتت، دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می‌کند و موجب تبلیغات سوء می‌شود. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

۱۵ صفر ۱۴۰۰ / ۱۴ دی ماه ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱ تا ۱۲.

▣ پیام

زمان: ۲۳بهمن ۲۵/۱۳۵۸ربیع‌الاول ۱۴۰۰ مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: انتخابات مجلس شورای اسلامی مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

من با کمال مباهات از رشد سیاسی و تعهد اسلامی ملت شریف ایران تشکر می‌کنم که در همه پرسیهای گذشته، خصوصاً در انتخاب رئیس جمهور، در اخلاق اسلامی و تعالی روحی، گوی سبقت را ربودند و ثابت کردند که انقلاب اسلامی بزرگ ما قبل از آنکه انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد، یک انقلاب معنوی روحانی است. من در ایام آخر عمر با امیدواری کامل و سرافرازی از نبوغ شما به سوی دار رحمت حق کوچ می‌کنم. سرفرازی و مباهات آنگاه به حد کمال خواهد رسید که در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چون انتخابات ریاست جمهوری کمال رشد انسانی اسلامی خود را نشان دهید. شما ای ملت عزیز که برای خدا و جلب رضای او بپا خاستید و با تأیید و توفیق ذات مقدسش به پیروزی معجزه آسا رسیدید، اکنون نیز در این مرحله که مقام امتحان است کوشش کنید که مصالح اسلام و کشور اسلامی را فدای منافع شخصی یا گروهی نکنید. من انتظار دارم که وحدت کلمه خود را حفظ و در انتخاب وکلای خود رضای حق را بر رضای خود مقدم دارید. من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید و اشخاصی اسلامی، متعهد، غیر منحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند. من از شما می‌خواهم که تا انعقاد مجلس شورای اسلامی که شورای انقلاب به منزله آن است، از شورای انقلاب اسلامی و از افراد آن شورا که خدمتگزار به اسلام و به ملت و مورد تأیید اینجانب هستند پشتیبانی نمایید.

من از شورای انقلاب می‌خواهم که به خدمت صادقانه خود ادامه دهند و از همه اعضای دولت، چه کشوری و چه لشکری می‌خواهم که صادقانه با آنان همکاری نمایند و چون برادران باوفا از هم پشتیبانی کنند و چنانکه دستور اسلام است، ید واحده بر «من سوی»[۱] باشند. من در بیمارستان دعاگوی شما هستم و انتظار آن دارم که همبستگی شما را در مسائل کشوری بشنوم. من از همه ملت و همه گروهها خواهانم در این لحظات حساس که دشمنان همه در کمینند و منتظر فرصت، به خاطر خدای متعال و به خاطر مصالح کشور و ملت و به خاطر خونهای ریخته شده در راه آزادی و استقلال، به خاطر هر چه که آن را محترم می‌شمارید از اختلاف و نفاق دست برداشته و خود را در مقابل حق و خلق سرفراز نمایید از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام رادیو ـ تلویزیونی

زمان: ۲۳بهمن ۲۵/۱۳۵۸ربیع الاول ۱۴۰۰ مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: انتخابات مجلس شورای اسلامی مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

من از عواطف ملت شریف نسبت به خادم خودشان تشکر می‌کنم. از اینکه من کلمه ای گفته بودم که موجب نگرانی بعضی دوستان شده بود، لازم دیدم که به عرض آقایان برسانم که حال من بحمدالله رو به بهبودی است و از دکترها تشکر می‌کنم. مطلبی که باید عرض کنم دو چیز است : یکی راجع به سیلی است که آمده است در جنوب، و گفته می‌شود که خساراتی وارد آمده است به برادرهایمان. من از همه ملت

۱. دیگران و بیگانگان.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱٤۹ تا ۱۵۰.

می‌خواهم که برادروار شرکت کنند با هم و جبران این خسارات را بکنند. و ارتش باید هلیکوپتر و سایر وسائل نجات و وسائلی که در دست آنهاست، در اختیار آنها بگذارد و کوشش خود را بکنند.

امیدوارم که خداوند به آنها کمک کند. مطلب دیگری که باید عرض کنم این است که، تا آنجایی که من شاهد انتخابات در ایران بودم، از زمان قبل از رضاشاه، سالهای طولانی که شاهد بودم انتخابات را، انتخاب آزاد در ایران نبود. منتها انتخابات یکوقت با زور خوانین بلاد و مالکین بلاد انجام می‌گرفت، و زمان رضاشاه که دست آنها کوتاه شد، تحت کنترل رضاشاه بود، و دیگر مجلسی در کار نبود به جز انتصاباتی که از اشخاص معلوم، و در زمان محمدرضا بدتر از او شد. من می‌توانم ادعا کنم که انتخابات در این سال، تنها انتخاباتی است که به رأی مردم و بدون فشار کسی و بدون اینکه دخالت داشته باشند اشخاص در آرای مردم، انجام خواهد گرفت. لکن من از همه قشرها، از همه ملت می‌خواهم که آداب اسلامی خودشان را نسبت به همه امور، خصوصاً در انتخابات حفظ کنند. و مبادا خیال کنند که مبارزات انتخاباتی عبارت از این است که به دیگران بد بگویند و کارشکنی بکنند. البته دعوت به انتخاب اشخاص مانع ندارد، لکن توجه داشته باشند که همان طور که در انتخاب رئیس جمهور، به آن سلامت و به آن آرامش و به آن خوبی گذشت که نمونه بود در ایران من امید آن دارم که در این انتخابات هم به همان طور بگذرد. و همه با هم برادروار در یک مقصد باشیم. در یک مقصد باشید. و خداوند را شاهد بدانید، و ناظر بدانید، و نهضت را لکه دار نکنید. دشمنها درصددند که خرده گیری کنند. و من امیدوارم که خداوند همه شما را تأیید کند. و همه با سلامت این انتخابات را هم بگذرانید و بعد را هم همین طور.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۱ تا ۱۵۲.

▣ پیام

زمان: ۲۱اسفند ۱۳۵۸/ ۲۳ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران،شمیران،دربند
موضوع:انتخابات مجلس شورای اسلامی مخاطب:ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و مجاهد ایران ـ ایّدهم الله تعالی

در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، دو چیز موجب نگرانی اینجانب است :

۱ ـ خوف آن دارم که در اثر تبلیغات دامنه دار دشمنان نهضت اسلامی و مخالفان جمهوری اسلامی که در ظرف این یک سال با هر وسیله ممکن به تضعیف آن کوشا بوده اند، و اخیراً که قدم آخر پیروزی را ملت عزیز هوشیار بر می‌دارد، تبلیغات و شایعه سازیها به اوج خود رسیده، و چون خود و الهام دهندگان خود را در آستانه شکست نهایی یافته اند از هیچ تشبثی دست بردار نیستند که جوانان عزیز ما که به همت والای خود نهضت اسلامی را پیش برده‌اند، در این مرحله نهایی سردی و سستی از خود نشان دهند و تحت تأثیر این شایعه ها واقع شوند، و از شرکت در این امر حیاتی اسلامی خودداری کنند. اینجانب که عمر نالایق خود را برای خدمت به اسلام و ملت شریف در طبق اخلاص تقدیم می‌کنم، امید است تقاضای متواضعانه و استدعای خیرخواهانه‌ام را بپذیرید، و با شرکت عمومی‌خود در انتخابات، قطع امید دشمنان جمهوری اسلامی و وابستگان به رژیم منحط سابق و هواخواهان آن؛ خصوصاً دولت امریکای ستمکار را بنمایید.

عزیزان من ! که امید نهضت اسلامی به شماست، در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید، و به صندوقها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید، و با کمال آرامش و مراعات کامل اخلاق انسانی اسلامی، این امر مشروع را انجام دهید. من نیز

با حال نقاهت،[۱] خود را برای شرکت مهیا می‌نمایم.

۲ـ خوف آن دارم که تبلیغات برای اشخاص که به اسلام و جمهوری اسلامی اعتقاد ندارند و اعمال و گفتار آنان در این یک سال شاهد آن است، و اکنون برای راه پیدا کردن به مجلس و برای کارشکنی و جنجال در محیط مقدس مجلس شورای اسلامی، خود را هوادار اسلام و مسلمانان جا می‌زنند، در قشری از ملت و جوانان پاکدل تأثیر کند و آرای مقدس خود را به کسانی دهند که به نفع اجانب، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالفت اساسی دارند.

امید است ملت مبارز متعهد به مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و گروهها، آرای خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند، و از تمایلات چپ و راست، مبرّا باشند، و به حسن سابقه و تعهد به قوانین اسلام و خیرخواهی امت معروف و موصوف باشند.

باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی، خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسئولیت عظیم است. از خداوند تعالی خواهانم که پشت و پناه شما ملت عزیز باشد و در موارد لغزش، دستگیر همگان باشد.

من در این مرحله حساس ایران ساز، چشم امیدم به شما ملت بزرگ است؛ و انتظار روز موعود را می‌کشم که ملت عزیز با همت والای خود، پیروزی نهایی را به دست آورد.

اخیراً لازم است مطلب مهم دیگر را تذکر دهم تا با مراعات آن از هر گونه تقلب اشخاص فاسد جلوگیری شود. لازم است در تهران که باید به سی نفر رأی داد و در شهرستانهایی که چند نفر مورد انتخاب است، انتخاب کنندگان قبل از رفتن به سر

---

۱. منظور ایامی‌است که امام خمینی از بیمارستان قلب، مرخص شده بودند و دوران پس از بیماری را می‌گذراندند.

صندوق انتخابات، منتخبین خود را با تحقیق و دقت کامل روی یک ورقه بنویسند که در وقت رأی دادن، با ذهن حاضر رأی بدهند. و لازم است که خودشان مستقیماً رأی خود را به صندوق بیندازند و به احدی اعتماد نکنند که فرصت طلبان در کمینند. کسانی که سواد نوشتن ندارند، قبلاً به شخص مطمئنی مراجعه کنند و منتخبین خود را به او بگویند تا در ورقه بنویسند؛ پس از آن ورقه را به یکی دو نفر مورد اطمینان بدهند بخوانند که اشتباهی رخ ندهد و از خیانت و تقلب مصون باشد. لازم است از اوراقی که دیگران به آنان می‌دهند، جداً اجتناب کنند.

از خداوند تعالی توفیق همگان را در یاری به اسلام و مسلمین خواستارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین. ۵۸/۱۲/۲۱

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام رادیو ـ تلویزیونی

زمان: ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ / ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران

موضوع: نقش مجلس در دوره پهلوی ـ مسئولیت ملت در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خاطرات تلخ ملت از مجلس در دوران پهلوی

در این موقع که انتخابات را می‌خواهید شروع کنید، من با اینکه بعض مطالب را نوشته‌ام و پخش شده است، مع‌ذلک چون امر مهم است و من احتمال می‌دهم که یک وقت مسئولیتی به من متوجه باشد، و من برای ادای وظیفه باز چند کلمه عرض می‌کنم.

ملت ما از مجلس زمان رضاشاه و محمدرضا پهلوی، یک خاطرات تلخی دارد. من قبل از زمان رضاخان هم یاد دارم بعضی از دوره های انتخابات را، و حاضر

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۷ تا ۱۷۹.

بعضی حوزه های انتخاباتی هم بوده ام. از آن زمانی که من یادم است تا حالا، مجلس شورای ملی یک لفظی بوده است که بی محتوا. مجلس شورای ملی معنایش این است که ملت اشخاصی را خودشان تعیین کنند، و آنها هم به شور بنشینند و مصالح کشور خودشان را تعیین کنند. قبل از آمدن رضاخان، زمان احمدشاه، امر انتخابات با خانها بود و مالکین بود و گردن کلفتهای هر منطقه. آن وقت دولت آن نفوذ را نداشت. لکن شاهزاده هایی که دارای ملک بودند، و خانهایی که دارای قدرت بودند، و قلدرهایی که در اطراف کشور بودند، آنها رعیتهای خودشان را، مردم خودشان را با زور می‌آوردند پای صندوقها، و هر چه آنها می‌گفتند آنها هم عمل می‌کردند. در زمان رضاخان، آن وقت که قدرت پیدا کرد، و در زمان محمدرضا مجلس باز به ملت کار نداشت. مجلس شورای ملی نبود. آن اول را باید بگوییم مجلس خانها، و این را بگوییم مجلس شاهنشاهی. هم سنایش، هم شورایش. مردم هیچ دخالتی نداشتند. و مردم هم که می‌دیدند که کاری از آنها نمی‌آید، کنار می‌نشستند. و می‌دیدند که اشخاصی راکه می‌برند در مجلس، یک اشخاصی هستند که خود آنها ساخته اند و مصلحت مملکت تو کار نیست. حرف البته همیشه بود. همیشه حرف و ثناخوانی و ترقیات. هم در زبان محمدرضا بود و هم در زبان آنهایی که او تعیین کرده بود. اگر الآن صورت مجلسهای آن وقت پیدا بشود، می‌بینید که سر تا ته مجلس به ثنا و مدح محمدرضا و کسانی که به او مربوط بودند می‌گذشت. در آن زمان مسئولیت ملت نداشت. برای اینکه، قدرت نداشت و تحت سلطه خانها در آن وقت و تحت سلطه آن دو نفر، رضا و محمدرضا در این دوره، وملت هم هیچ کاری از او نمی‌آمد و نمی‌توانست. نفس هم نمی‌توانست بکشد. از این جهت هرمسئولیتی پیش خدا و پیش نسلهای آینده متوجه می‌شد، بر خانها و بر وکلای خانها در آن زمان بود، و بر رضاخان و محمدرضا و وکلای منصوب از قبال اینها در این زمان بود. این مال آن زمان.

مسئولیت بزرگ ملت در انتخابات مجلس

این تلخی مطالب و بی بند و باری انتخابات و مجلس و امثال ذلک شاید یکوقت اسباب این بشود که بعضیها گمان کنند که خوب حالا هم مثل آن وقت. به اصطلاح آدم مارگزیده از ریسمان خط و خالدار هم می‌ترسد و ملت ما مارگزیده است. استعمار گزیده است. خان گزیده است و محمدرضا و رضاخان گزیده است. از این جهت یکوقت می‌بینی که در ذهنشان می‌آید که خوب این هم مجلسی مثل آن مجلسها. لکن همه باید بدانند که امروز هیچ قدرتی نیست که بتواند یک وکیل را تحمیل کند. از رئیس جمهور گرفته تا ارتش، تا شهربانی، ژاندارمری، خانها هم که دیگر چیزی از آنها باقی نمانده است. و اشراف و اعیان هم همین طور. متنفذینی هم نداریم. هیچ کس الآن در ایران، هیچ مقامی‌در ایران نیست که قدرت این را داشته باشد که یک وکیل تحمیل کند. بنابراین، امروز مسئولیت به عهده ملت است. ملت اگر کنار بنشینند، اشخاص مؤمن، اشخاص متعهد کنار بنشینند، و اشخاصی که نقشه کشیده اند برای این مملکت از چپ و راست، آنها وارد بشوند در مجلس، تمام مسئولیت به عهده ملت است. هر قدمی‌که برضد اسلام بردارند، در نامه اعمال ملت نوشته می‌شود. هر کاری که انجام بدهند مسئولیتش متوجه ملت است. امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است. و اگر مسامحه کنند در این امر، اهمال کنند، نروند و رأی ندهند، مسئولیت متوجه خود آنهاست عیناً. و اگر بروند و در تشخیص مسامحه کنند و اشخاص متعهد مسلم، کسانی که برای کشور و برای اهالی کشور ارج قائل هستند، کسانی که نمی‌خواهند زمام امور کشور ما به دست چپ بیفتد یا به دست راست بیفتد، این اشخاص را چنانچه تعیین کنند، به تکلیف خودشان عمل کرده اند. و چنانچه مسامحه در این امر کنند و آنها پیش ببرند، آنهایی که می‌خواهند ما را به زنجیر چپ و راست بپیوندند و ما را اسیر کنند در دست قدرتهای بزرگ، اگر آنها پیش ببرند و شما ساکت باشید، تمام

مسئولیت متوجه شماست. امروز مسئولیت بزرگی به عهده همه ماست.

اتمام حجت بر ملت در پیشگاه خداوند

من آن مقداری که قدرت دارم برای گفتن، در عین حالی که حال من حال نقاهت است، احساس وظیفه می‌کنم و به ملت عرض می‌کنم. و اگر ملت به این حرف گوش نکرد، من حجت دارم. فردا در پیشگاه خدای تبارک و تعالی، از ما سؤال خواهد شد. من عرض می‌کنم در آنجا که من به ملت، مصالح و مفاسد را گفتم. من گفتم به اینکه اگر شما مسامحه کنید، آنهایی که می‌خواهند شما را به بند بکشند، آنهایی که با اسلام مخالفند، آنهایی که با جمهوری اسلام از اول تا حالا مخالفت کرده اند، اینها خواهند پیش برد. و اگر خدای نخواسته، آنها پیش ببرند و مملکت ما باز برگردد به حالی که سابق بود، یا به دست چپیها بیفتد، یا به دست راستیها بیفتد، تمام مسئولیتش به عهده شماست. امروز مثل زمان سابق نیست. مثل زمان رژیم سابق نیست. رژیم سابق شما نمی‌توانستید. قدرت نداشتید. امروز قدرت دارید برای اینکه حفظ کنید حیثیت اسلام را و حفظ کنید مصالح کشور را و حفظ کنید استقلال خودتان را و حفظ کنید آزادی خودتان را. اگر مسامحه کنید، مسئول هستید پیش خدای تبارک و تعالی. اگر نروید و رأی ندهید و آنهاکه جدیت دارند به اینکه وارد بشوند در مجلس و به هم بزنند اوضاع ایران را، آنها خدای نخواسته بروند، مسئولیتش به عهده شماست مستقیماً. مسئولیت همه طبقات دارند. مراجع مسئولند. علما مسئولند. ائمه جماعت مسئولند، خطبا مسئولند. تجار مسئولند. بازرگانان مسئولند. دانشگاهیها مسئولند. طلاب علوم دینیه مسئولند. کارگرها مسئولند. همه مسئولند. تمام قشرهای مملکت امروز مسئولند. امروز روزی است که آنهایی که از اول تا حالا مخالف با جمهوری اسلامی بودند، مخالف با اسلام بودند، اسلام را مخالف مقاصد خودشان می‌دیدند، آنها به دست و پا افتاده‌اند و دارند تبلیغات می‌کنند. اگر مؤمنین کنار بروند، آنهایی که

متعهد به اسلام هستند کنار بروند و اینها بیایند و قبضه کنند، مثل صدر مشروطه که رفتند کنار اشخاصی که متعهد بودند، و قبضه کردند مشروطه را آنهایی که متعهد به اسلام نبودند. اسلام را به آنجا کشاندند که همه دیدید.

کناره‌گیری علما و مؤمنین، موجب خرابی کشور و از بین رفتن عزت

اگر در صدر مشروطه علما آمده بودند در میدان، مؤمنین آمده بودند، روشنفکرهای متعهد آمده بودند و مسلمانهای متعهد آمده بودند و قبضه کرده بودند مجلس را، و نگذاشته بودند که دیگران بیایند مجلس را بگیرند، ما به این روزگار نمی‌رسیدیم. ما مملکتمان خراب نمی‌شد. ما عزتمان از بین نمی‌رفت. لکن شیاطینی که در آن وقت بودند، بیخ گوش اینها خوانده اند که شما در سیاست داخل نشوید. سیاست است این. شما را به سیاست چه و آنها باور کردند که خیرخواهند. امروز هم همین مسائل ممکن است در یک قشرهایی پیش بیاید، که بگویند ما چه کار داریم به این کارها. این کارها مال اشخاصی است که خودشان می‌کنند. باید همه بدانند که همه‌تان مسئولید. همه معاقب هستید. فردا در پیشگاه خدای تبارک و تعالی نه ملا حجت دارد اگر عمل نکند، و نه کاسب حجت دارد اگر عمل نکند، و نه زارع حجت دارد اگر عمل نکند، و نه دانشگاهی و نه دانشجو و نه طلاب علوم دینیه. کارگر و کارفرما، همه در پیشگاه خدای تبارک و تعالی مسئول هستید، و در پیشگاه ملت و نسلهای آتیه هم مسئول هستید. گمان نکنید که به ما چه کار دارد. خیر، همه چیز به شما مربوط است. امروز مثل زمان سابق نیست که بگویید که ما قدرت نداشتیم، نمی‌توانستیم. امروز می‌توانید. امروز همه قدرت دست ملت است. امروز رئیس جمهور، رئیس ارکان حرب، رئیس ارتش، با شما، با آن بازاری مثل هم هستید. در امر، نه او می‌تواند به شما تحمیل کند و نه شما می‌توانید تحمیل کنید، و نه شما زیر بار می‌روید. امروز همه مسئولیم. امروز همه باید با هم پای صندوقها برویم، و همه با هم

اشخاص متعهد مسلم، کسانی که نه گرایش چپ دارند، نه گرایش راست دارند، نه ما را می‌خواهند به آنها بفروشند، نه ما را می‌خواهند به آن طرف بفروشند، این اشخاص را تعیین کنید تا سرنوشت شما و سرنوشت اسلام، سرنوشت صحیح باشد. خدایا! من ادا کردم وظیفه‌ای که به عهدهٔ من است، در این حالی که ضعف و نقاهت دارم. و تو را شاهد می‌گیرم که من برای ادای وظیفه این مسائل را می‌گویم. و ان شاءالله برای روز اول سال مسائل مهمی‌دارم که اگر زنده ماندم تا آن وقت، آن مسائل را بگویم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته(۱)

▣ پیام

زمان: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹/ ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ — مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: ویژگیها و شرایط نمایندگان مجلس شورای اسلامی — مخاطب: ملت مسلمان ایران
مناسبت: برگزاری دومین مرحله انتخابات مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

روز جمعه نوزده اردیبهشت، روزی است که ملت شریف مسلمان که به جمهوری اسلامی رأی مثبت داده اند، برای تعیین کاندیداهای معتقد به اسلام و احکام خداوند متعال و معتقد به جمهوری اسلامی به پای صندوقهای رأی می‌روند. روز جمعه روزی است که اسلام و ملت مسلمان یا به آمال الهی خود می‌رسند و یا با اخلالگران و معتقدان به مکتبهای ضد اسلامی در مجلس اسلامی مواجه می‌شوند و اسلام و قرآن را در معرض خطر قرار می‌دهند.

هواهای نفسانی و مقاصد فانی خود را بر مقاصد عالی و باقی خداوند مقدم نکنید

باید ملت شریف ایران بدانند که اسلام، عزیزتر از آن است که برای هواهای نفسانی و جلب توجه گروهها یا اشخاصی پشت به آن نموده و مقاصد فانی خود را بر مقاصد عالی و باقی حق تعالی مقدم دارند. در این دوره که اولین مجلس اسلامی است

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۰ تا ۱۸٤.

و سرنوشت مجالس دوره های بعد هم امروز باید تعیین شود، هر خشت کجی که در این مجلس به دست کسانی که اسلام را نمی‌خواهند پیاده شود و یا از روی جهالت با مسائل برخورد می‌کنند گذاشته شود، سنتی می‌شود برای همیشه؛ و کسی که سنت کجی را بنا گذارد، تمام گناهانی که به واسطه آن ارتکاب شود به عهده اوست. ملت عزیز در این روز امتحان الهی باید توجه به اموری داشته باشد:

۱ ـ کسانی را انتخاب کنند که صددرصد مسلمان و معتقد به احکام اسلام و متعهد به اجرای احکام اسلام و مخالف با مکتبهای انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی باشند.

شرایط انتخاب شوندگان و چگونگی شناخت آنان

۲ ـ شناخت این اشخاص یا با آشنایی به اعمال و رفتار آنان از زمان رژیم طاغوت تاکنون است و یا به معرفی روحانیون متعهد در شهرستانها یا اشخاص متدیّن موجه که گرایش به چپ و راست یا دسته ای نداشته باشند.

۳ـ باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود رأی ندهند چه احتمال انحراف عقیدتی، اعمالی و یا اخلاقی که به چنین اشخاص اعتماد نمی‌شود کرد و رای به آنان موجب مسئولیت خواهد بود.

۴ ـ تحت تأثیر تبلیغات واقع نشوند و خودشان با موازین اسلامی، اشخاص صحیح را انتخاب کنند.

۵ ـ ممکن است بعضی شیاطین، مطالبی را بین مردم ناآگاه پخش کنند و آنان را در رأی دادن یا رأی به اشخاص صحیح دادن منحرف کنند. یک آنکه گفته شود کسانی که در مرحلهٔ اول رأی دادند نباید در این مرحله رأی دهند، در صورتی که این مرحله با مرحله اول فرقی ندارد و مقتضی است همه ملت در رأی دادن شرکت کنند. دوم آنکه گفته شود خوب است به همه گروهها چه چپی و چه انحرافی رأی دهید که مجلس

شورا جامع همه گروهها باشد. این یک مطلب غلطی است که منحرفین درست کرده‌اند تا در مجلس با خدعه شرکت کنند، و ملت به این مطالب انحرافی گوش فرادهد و به اشخاص با شرایط فوق رأی دهد.

۶ـ امید است ملت مسلمان ایران در این امر حیاتی که سرنوشت جامعه به آن مرتبط است شرکت کنند و روز جمعه همه قشرها زن و مرد بپاخیزند و به سوی صندوقها بروند و رأی خود را بدهند.

۷ـ در این روز افرادی فرصت طلب در حوالی صندوقها جمع می‌شوند و به مردم پیشنهاد افرادی خاص را می‌کنند؛ به حرفهای آنان گوش ندهید و آرای خود را به اشخاص صحیح بدهید.

۸ـ اشخاص بیسواد قبلاً با مشورت اشخاص مطمئن متدین، کاندیداهای خود را که در تهران دوازده نفر و در شهرستانها به تعدادی که لازم است می‌باشد، به وسیله شخص متدینی بنویسند و باز به شخص دیگری که مطمئن است بدهند بخوانند و خودشان با دست خودشان رأی خود را به صندوق بیندازند و اختیار نوشتن رأی یا به صندوق انداختن را به هیچ کس ندهند.

من از خدای تعالی توفیق و تأیید همگان را خواهانم و سعادت و عظمت اسلام و مسلمین را امیدوارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۷۷ تا ۲۷۹.

◙ پیام

زمان:۷خرداد ۱۳۵۹/۱۳رجب ۱۴۰۰ مکان:تهران،جماران
موضوع:یازده توصیه به نمایندگان مجلس شورای اسلامی مخاطب:نمایندگان مجلس شورای اسلامی
مناسبت:ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)گشایش اولین دوره مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

با خواست خداوند متعال و به مبارکی و میمنت در روزی بسیار بزرگ، مجلس شورای اسلامی افتتاح می‌شود. روز سیزدهم رجب که روز ولادت با برکت و سعادت بزرگمرد تاریخ و معجزهٔ دهر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه مجلس مقدس شورای اسلامی که اولین مجلس جمهوری اسلامی است و اولین مجلس است که با انتخابات آزاد انجام گرفت، گشایش می‌یابد. و من امیدوارم که این مجلس به برکت این روز مبارک، مجلس عدالت و پیرو اسلام و به نفع مسلمین و کشور اسلامی باشد. سپاس خداوند بزرگ را که در مدتی کوتاه ملت شریف ایران موفق شد که اساس جمهوری اسلامی را با آزادی و آرامش بنیان گذارد؛ و این از برکت اسلام و وحدت کلمه قشرهای متعهد اسلامی است. اینجانب طلیعهٔ این مجلس مبارک را به ملت بزرگ ایران و شما نمایندگان محترم تبریک عرض می‌کنم و تذکراتی را که دوستان من، خود نیز توجه دارند تکرار می‌نمایم:

انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی است

۱ ـ شما دوستان محترم نماینده ملتی هستید که جز به اسلام بزرگ و عدالت الهی اسلامی فکر نمی‌کنند؛ و انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی که در طول سلطنت ظالمانه و غاصبانه رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند؛ رژیمی‌که ثروت سرشار کشور را به خود و هم پیمانان نامیمون خود اختصاص داد و برای ادامه سلطه جبارانه خود به جیب ابرقدرتها ریخت و ملت مظلوم را در سطح بسیار وسیعی از اولین احتیاجات محروم و به خاک سیاه نشاند، و کشور را در تمام زمینه های

فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی‌وابسته به اجانب و خصوصاً امریکا کرد. ببینیم شما و دولت منتخب شما با ملت مستضعف که به حرکت انقلابش همه ما را از انزوا خارج نمود چه خواهید کرد.

رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان، در رأس برنامه‌های مجلس

۲ـ امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در رأس برنامه ها قرار گیرد، و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحهایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود، و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند ادا کرده باشید.

با کمال قدرت در برابر قدرتهای شیطانی بایستید

۳ـ شما منتخبین مجلس که از پشتیبانی جدی ملت عزیز برخوردارید، باید با کمال قدرت در مقابل قدرتهای شیطانی که در رژیم دست نشانده سابق، حاکم بر سرنوشت ما بودند بایستید و از هیچ قدرتی غیر از قدرت خداوند قادر نهراسید، و جز به مصالح کشور به چیز دیگری فکر نکنید. متوجه باشید که در خارج از مجلس با صحنه سازیها و اغفال، چه بسا چپگرایان و یا راستگرایان و یا ریشه های فاسد رژیم سابق طمع کنند که با نفوذ در مجلس مقاصد شوم اجانب را تحمیل نمایند. باید همه با هوشیاری در طرحها و مسائل روز دقت فرمایید و از کید دشمنان به خدای تعالی پناه ببرید. خداوند متعال همه ما را از لغزشها نگه دارد.

با پیشنهادهای مخالف با شرع شدیداً مخالفت کنید

۴ـ بحمدالله در مجلس، دانشمندان و علمای آشنا به احکام شرع مطهر حضور دارند و فقهای نگهبان حاضرند؛ لکن لازم است طرحهایی که در مجلس می‌گذرد مخالف با احکام مقدسه اسلام نباشد و با کمال قدرت، با پیشنهادهای مخالف با شرع مقدس که ممکن است از روی ناآگاهی و غفلت طرح شود شدیداً مخالفت نمایید، و از قلمهای مسموم و گفتار منحرفین هراسی نداشته باشید و سخط[1] خالق را برای رضای مخلوق تحصیل نکنید و خداوند قاهر و قادر را حاضر و ناظر بدانید.

لزوم رعایت آرامش و احترام متقابل در مذاکرات مجلس

۵ـ این مجلس که اولین دوره در جمهوری اسلامی است، الگویی است برای مجالس آینده؛ و هر سنت حسنه و یا سیئه ای ممکن است در مجالس دیگر اثر گذارد و برای شما اجر جزیل و یا خدای نخواسته وزر و وبال به بار آورد. لازم است در مذاکرات و برخورد آرا به طور آرام و با احترام متقابل عمل شود، نه مثل دوره های رضاخان و بعد از آن. و لازم است از دسته بندیها و جهتگیریهای غیر اصولی برای کوبیدن طرف مقابل جداً احتراز شود که تنها حل مسائل در محیط آرام امکانپذیر است.

پرهیز از کارشکنی مجلسی و دولت در کار یکدیگر

۶ـ ویژگی این مجلس و محیط کشور در این دوره ایجاب می‌کند که مجلس و دولت هماهنگ شود تا بر مشکلات کشور فائق آیند. و هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی خصوصاً مجلس و رئیس جمهوری و دولت برای یکدیگر و دیگران کارشکنی نکنند و خود را به طور جدی در خدمت اسلام و کشور درآورند تا خدای متعال آنها را پشتیبانی فرماید. و ندای آسمانی انسان ساز ﴿و اعتصموا بحبل الله جمیعاً

---

۱. خشم و غضب.

و لاتفرقوا﴾[1] را در نظر داشته و اطاعت نمایند، و از منازعه و تفرقه اجتناب نمایند و به امر آموزنده الهی گوش فرا دهند و ﴿و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم﴾[2] که دنباله آن تنازع، فشل[3] و شکست و رفتن رنگ و بو و آبروست.

حفظ سیاست نه شرقی‌وغربی و منزوی‌نمودن و استیضاح شرق‌گرایان و غرب‌گرایان

۷ـ سیاست «نه شرقی و نه غربی» را در تمام زمینه های داخلی و روابط خارجی حفظ کنید و کسی را که خدای نخواسته به شرق و یا به غرب گرایش دارد هدایت کنید و اگر نپذیرفت، او را منزوی نمایید. و اگر در وزارتخانه ها و نهادهای دیگر کشور چنین گرایشی باشد که مخالف مسیر اسلام و ملت است اول هدایت و در صورت تخلف، استیضاح نمایید که وجود چنین عناصر توطئه گر در رأس امور یا در قطبهای حساس، موجب تباهی کشور خواهد شد.

تسریع در تصویب طرحهای عمرانی و رفاهی برای مستضعفین

۸ـ طرحها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید، و از نکته سنجیها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید، و از وزارتخانه ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذ بازیها و غلط کاریهای زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگیهای آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند.

---

۱. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».

۲. سوره انفال، آیه ٤٦: «و اطیعوا الله و رسوله ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرین» و همه با روح وحدت ایمانی پیرو فرمان خدا و رسول باشید، و هرگز راه اختلاف و تنازع را نپویید، که در اثر تفرقه ترسو و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل «در راه خدا» پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابرین است.

۳. سستی، رخوت، ضعف.

لغو قوانین دست و پا گیر

۹ ـ در ادارات دولتی، قوانین دست و پاگیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تعویق و یا تعطیل امور شده و می‌شود و جامعه را به تنگ آورده است به طور انقلابی لغو کنید گر چه خود لغو است و به جای آنها قوانین مترقی را که رفاه ملت در آنها به بهترین وجه ملاحظه شده باشد جایگزین گردانید.

توجه به رفاه و آسایش اقلیتهای مذهبی

۱۰ ـ مجلس جمهوری اسلامی همان سان که در خدمت مسلمین است و برای رفاه آنان فعالیت می‌نماید، برای رفاه و آسایش اقلیتهای مذهبی که در اسلام احترام خاصی دارند و از قشرهای محترم کشور هستند اقدام و فعالیت می‌نماید، و اساساً آنان با مسلمانان در صف واحد و برای کشور خدمت می‌کنند و در صف واحد از تمام ارزشها و مآثر آن برخوردار می‌باشند.

فقهای شورای نگهبان به هیچ وجه ملاحظه منحرفین را نکنند

۱۱ ـ از حضرات فقهای نگهبان تقاضا می‌شود که در مأموریت مهم خود به هیچ وجه ملاحظه اشخاص و یا گروههای انحرافی را ننموده و به وظیفه بسیار خطیر خود قیام و اقدام نموده و نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن نمایند، و خدمت خود را با قدرت تمام در پیشگاه خداوند متعال و ولی مطلق او حضرت ولی الله اعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه دارند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور عزیز را خواستارم. والسلام علی المسلمین و علی عبادالله الصالحین.

چهارشنبه ۷ خردادماه ۵۹ / ۱۳ رجب ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳٦۱ تا ۳٦٤.

▣ پیام

زمان: ۲۲ تیر ۱۳۶۲ / ۲ شوال ۱۴۰۳

موضوع: رهنمودهایی به نمایندگان خبرگان رهبری و رهبران آینده

مناسبت: گشایش مجلس خبرگان رهبری   مخاطب: نمایندگان مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأیید خداوند متعال جَلَّ و علا و پشتیبانی حضرت ولی الله اعظم، بقية الله ارواحنا لمقدمه الفداء بر حسب اصل یکصد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس مبارک خبرگان، که به وسیله آراء ملت عظیم الشأن ایران، شماری از علمای اعلام و حجج اسلام ـ ادام الله بقائهم ـ برای تعیین رهبر یا شورای رهبری انتخاب شده‌اند، مفتوح گردید.

نقش اساسی مجلس خبرگان در بقا و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران

مجلسی که برای ادامه نظام جمهوری اسلامی و شرعیت بخشیدن به آن نقش اساسی دارد. مجلسی که علاقه مندان به اسلام و جمهوری اسلامی دل بدان بسته، و مخالفان و دشمنان آن چشم به آن دوخته‌اند. آنان دل بسته اند که منتخبین آنها، که از علمای متعهد و آگاه به مصالح و مفاسدند، با رأی مبارک خود شایسته‌ترین و آگاه‌ترین و متعهدترین فقیه یا فقها را برای این مقام، که صیانت[1] نظام جمهوری اسلامی و هدایت آن به طور شایسته و موافق با شریعت مطهره بستگی به آن دارد، با اعتقاد به حضور خداوند متعال و نظارت او ـ جَلَّ و علا ـ بر آراء و اعمال و احوال آنان تعیین نمایند، و رضای او را بر رضای خود و دیگران مقدم دارند. و اینان چشم طمع دوخته‌اند که شاید به وسیله ایادی خود بتوانند لغزشی خدای نخواسته ایجاد کنند که در آتیه‌ای ولو دراز مدت نظام اسلامی را به انحراف کشانند.

---

۱. حراست و نگهبانی.

ما می‌دانیم که ابرقدرت ها و حکومت های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و مُلکی[1] مخالف نیستند؛ بلکه بی شک آن را تأیید نیز می‌کنند. اسلامی که به وسیله ایادی ابلیسی خود و جهال بصورت عالم، عرضه شود که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و نباید در امور مسلمانان اهتمام نمایند، و حکم واضح عقل موافق با قرآن را نادیده گرفته و حدیث مجاری الامور بید العلماء بالله[2] را ضعیف و سخن شریف و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا.[3] و دیگر احادیث از این قبیل را بی مبنا یا به تأویل کشانند صددرصد مورد تأیید آنان است. چه بهتر که دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار را این درباریان روحانی نما و بازیخوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین ببندند، و راه را برای چپاول و سلطه قدرت ها باز کنند. آنان از اسلامی که مؤید آنهاست چه باک دارند؟ از اسلام علی بن ابیطالب ـ علیه صلواة الله و سلامه ـ می ترسند. اگر آن شهید دلباخته اسلام و اسلام شناس حقیقی مثل اینان فکر می‌کرد و به گوشه عزلت به عبادت خدا مشغول می‌شد و راهی جز بین مسجد و منزل نمی‌پیمود، نه جنگ صفین[4] و نهروان[5] پیش می‌آمد، و نه جنگ جمل[6]، و نه مسلمانان فوج فوج به قتل می‌رسیدند و شهید می‌شدند. و اگر سیدالشهداء ـ علیه‌السلام ـ مثل اینان فکر می‌کرد و در کنار قبر جدش به ذکر و دعا می‌پرداخت، فاجعه بزرگ کربلا پیش نمی‌آمد و دوستان ارجمند خداوند قطعه قطعه نمی‌شدند و آل الله به اسارت نمی‌رفتند. و از آنها

---

۱. پادشاهی.

۲. «کارها به دست عالمان دین خدا جریان می‌یابد.» بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۰، ح ۳۷.

۳. «در حوادثی که پیش می‌آید به راویان احادیث ما مراجعه کنید.» بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۳.

٤. جنگ صفین، جنگ بین سپاهیان حضرت علی (ع) و معاویه.

٥. جنگ معروف حضرت علی (ع) با خوارج.

٦. جنگ حضرت علی (ع) با طلحه و زبیر و یارانشان در نزدیکی بصره.

بالاتر، اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مانند اینان فکر می‌کرد و به نصیحت و بیان احکام عبادات می‌پرداخت، آن همه رنج و مصیبت نمی‌دید و آن همه مسلمانان به شهادت نمی‌رسیدند. و در علمای معاصر، اگر مرحوم آیت الله عظیم الشأن، آقا میرزا محمد تقی شیرازی[۱] با آن مقام بزرگ در علم و ورع و تقوا، همانند اینان فکر می‌کرد، در عراق جنگ بین مسلمانان و انگلیسی‌های متجاوز غاصب پیش نمی‌آمد و آن همه مسلمانان شهید نمی‌شدند، و استقلال عراق تأمین نمی‌شد. حکومت هایی که در عصر حاضر با دل و جان و اسم اسلام در خدمت ابرقدرت‌ها، بویژه امریکا هستند و عامل تأمین منافع آنان در جهان می‌باشند، و آخوندهای درباری از خدا بی خبر که مؤید آنان و مخالف با رژیم اسلامی هستند و کوشش در هدم اسلام پرخاشگر بر ستمگران به سیرهٔ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم و علم کردن اسلام شاهنشاهی و ملوکی هستند، که مسلمانان متعهد را به جرم شکایت از ظلم امریکا و اسرائیل می‌خواهند از فریضه حج محروم کنند، باید مورد تأیید شوروی و امریکا و اسرائیل باشند.

کوچکترین سهل‌انگاری و اعمال نظرشخصی، موجب پدیدآوردن بزرگترین‌فاجعه تاریخ

و اکنون شما، ای فقهای شورای خبرگان وای برگزیدگان ملت ستمدیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستمشاهی، مسئولیتی را قبول فرمودید که در رأس همه مسئولیت‌هاست؛ و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنجدیده و شهید داده و داغدیده گرو آن است. تاریخ و نسل های آینده درباره شما قضاوت خواهند کرد، و اولیاء بزرگ خدا ناظر آرا، و اعمال شما می‌باشند؛ «والله من ورائهم محیط و

---

۱. میرزا محمد تقی شیرازی، معروف به «میرزای دوم» از فقهای بزرگ که رهبری مردم عراق را در جنگ علیه نیروهای انگلیسی در ۱۹۲۰ میلادی برعهده داشت.

رقیب»[۱]. کوچکترین سهل انگاری و مسامحه و کوچکترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواسته تبعیت از هواهای نفسانی، که ممکن است این عمل شریف الهی را به انحراف کشاند، بزرگترین فاجعه تاریخ را به وجود خواهد آورد. اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود و سیلی بخورد و به شکست منتهی شود، خدای نخواسته اسلام برای قرن ها به طاق نسیان سپرده می‌شود، و به جای آن، اسلام شاهنشاهی و ملوکی جایگزین آن خواهد شد. شما برگزیدگان مستضعفان می‌دانید که باکوتاه شدن دست ابرقدرت های چپاولگر از کشور اسلامی شما، آنان و وابستگان به آنها ماهیت اسلام و قدرت الهی آن را لمس نمودند، و چون افعی زخم خورده در کمین نشسته اند که از هر راهی بتوانند خود یا به وسیله پیروان از خدا بی‌خبر خود این نظام الهی را از مسیر خود منحرف نمایند. و بالاترین انحراف، که منجر به انحراف تمام ارگان ها می‌شود، انحراف رهبری است، که امروز شما نقش اول آن را دارید. شما دیدید و شنیدید که با اصل پنجم قانون اساسی چه مخالفت ها شد و چه جار و جنجال ها بپاکردند، و بحمدالله تعالی موفق نشدند مأموریت خود را انجام دهند. و اخیراً با همین تعیین خبرگان نیز مخالفت کردند و سمپاشی نمودند، و بحمدالله با شکست مواجه شدند. و امروز هم شما نباید از کید ساحران و وسوسه خنّاسان[۲] غافل باشید. راه خود را با قدرت الهی و تعهد به اسلام بزرگ و قوت ایمانی و روحی ادامه دهید؛ و به هیچ چیز الاّ مصالح اسلام و مسلمین فکر نکنید. و در این صورت خداوند تعالی پشت و پناه شماست.

پرهیز رهبران از غرور و خود بزرگ‌بینی

لازم است به رهبر محترم آتیه، یا شورای رهبری، تذکری برادرانه و مخلصانه

---

۱. خداوند از اطراف بر ایشان احاطه دارد و مراقب است.

۲. وسوسه گران نهانی.

بدهم: رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خودبخود ارزش داشته باشد، و انسان را خدای نخواسته به غرور و بزرگ اندیشی خود وادارد. آن همان است که مولای ما، علی بن ابیطالب، درباره آن گوشزد فرموده است. اساساً انبیاء خدا ـ صلواة الله و سلامه علیهم ـ مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور، و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی.

مراقبت از نفوذ منحرفان و لزوم مشورت در امور مهمه

شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم‌الشأن می‌دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت های ستمدیده ندانید. و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند، و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت[1] شما، با چهره‌های صددرصد اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای نخواسته فاجعه به بار آورند، و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند، و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله، الله، در انتخاب اصحاب خود. الله، الله، در تعجیل تصمیم گیری، خصوصاً در امور مهمه. و باید بدانید و می‌دانید که انسان از اشتباه و خطا مأمون نیست. به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید، و اقرار به خطا کنید؛ که آن کمال انسانی است، و توجیه و پافشاری در امر خطا نقص، و از شیطان است. در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید، و جانب احتیاط را مراعات نمایید.

اینجانب مطالبی را در سی‌صفحه، به عنوان وصیت، نوشته‌ام؛ و یک نسخه آن را در مجلس مبارک خبرگان امانت می‌گذارم، که پس از مرگ اینجانب منتشر خواهد شد.

---

۱. جمع بیت: خانه.

از خداوند متعال عاجزانه مسئلت می‌نمایم که اسلام بزرگ را عظمت بیشتر بخشد؛ و توفیق وحدت را برای حفظ کیان اسلام و کشورهای اسلامی نصیب ملت‌های اسلامی فرماید؛ و جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر تقویت نماید؛ و ما را مورد عنایت حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف و روحی لمقدمه الفداء قرار دهد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۲۲ تیر ماه ۱۳۶۲ / ۲ شوال المکرم ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▫ پیام

زمان: ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۳ / ۱۰ شعبان ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: ویژگیهای مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی
مخاطب: نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

مجلس شورای اسلامی، که در رأس تمام نهادهای نظام جمهوری اسلامی است، از ویژگیهای خاص برخوردار است، که مهمترین آنها اسلامی ملی بودن آن است. اسلامی است که تمام تلاشش در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام است؛ خصوصاً با برخورداری از شورای محترم نگهبان. و ملی است، که از متن ملت جوشیده است و دست شرق و غرب و وابستگان به آنان از سرنوشت آن کوتاه است. امروز مجلس خانه واقعی ملت است. و بر خلاف دوران طاغوت، بخصوص رژیم ستمگر پهلوی، بر آراء توده متعهد به اسلام و اصیل و زحمتکش و محروم استوار است؛ و دست ناپاک دولتمردان و قدرتمندان و خانان و غرب و شرق‌زدگان از آن کوتاه است. امروز دولت مورد اعتماد مجلس حقاً دولت

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳ تا ۷.

مستضعفان، که وارثان روی زمین‌اند، می‌باشد. خداوند متعال نعمت بزرگ اسلام و استقلال و آزادی را بر ملت ستمدیده ایران مستدام فرماید؛ و سایر ملل تحت ستم را از بند ستمگران نجات دهد.

۶۳/۲/۲۲ مطابق ۱۰ شعبان المعظم ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پیام

زمان: ۷خرداد ۱۳۶۳/ ۲۶شعبان ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسالت و وظایف نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تعیین اولویتهای مجلس دوم
مناسبت: گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی مخاطب: نمایندگان مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

با عنایات خداوند متعال ـ جلّ و علا ـ و تأیید حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء مجلس مقدس شورای اسلامی دومین دوره را آغاز نمود. و این در حالی است که بحمدالله و له الشکر جمهوری اسلامی با برخورداری کامل از پشتیبانی ملت عزیز حاضر در صحنه، مشکلات انقلاب را یکی پس از دیگری تا حد زیادی پشت سر گذاشته، و پایه های مبارک آن استقرار یافته، و قلوب مؤمنین و مستضعفان جهان را به خود جلب کرده است و موج پر عظمت اسلام، ملتهای محروم و تحت ستم سراسر عالم را تکان داده؛ و به رغم پیش بینیها و آرزوهای ابرقدرتها و وابستگان بیوطن آنان، به راه پرافتخار خود ادامه می‌دهد؛ و بی هراس از چنگ و دندان ابرقدرتها و هیاهوی رسانه‌های گروهی وابسته به شرق و غرب، چون سیل خروشان، حشیشها و تفاله ها را بیرون رانده و خود بر جای مانده است. ﴿فاما الزبد فیذهب جفاءً و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض﴾.(۲) و به خواست قادر متعال، در مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب، در ابعاد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی‌از قدرتمندترین

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۲۰.

۲. بخشی از آیه ۱۷ سوره رعد: «و اما کف به کناری می‌رود و آنچه به مردم سود می‌رساند، در زمین می‌ماند».

کشورهای اسلامی است. و ما این توفیقات و پیروزیها را از سرچشمه قدرت مطلقه و برکات اسلام بزرگ و ایمان به خدای قادر و پیروی از احکام مقدس اسلام می‌دانیم؛ و خود را ناچیز دانسته، و مفتخریم که عنایات خاصه خدای متعال جل جلاله شامل حال این ملت تحت ستم گردیده، و آن را از گرداب مهالک نجات بخشیده است. و امیدواریم با ادامه تعهد ملت به اسلام و کوشش تمام ارگانهای جمهوری اسلامی، شمول این عنایات بر ملت و کشور اسلامی برقرار و دائمی‌باشد؛ و از دعای خیر ولی الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه برخوردار باشیم. در اینجا لازم است از کوششها و مجاهدات نمایندگان محترم مجلس اول تشکر و قدردانی نمایم؛ که با همه مشکلات و کارشکنیها و ناهماهنگیها به کارهای مهمی‌موفق، و از خط و صراط مستقیم اسلامی منحرف نشدند؛ و در مقابل منحرفان استقامت نموده، و کار بسیار مهم خود را، آن هم در دوره اول مجلس و جو اغتشاش و آشوب، که در انقلاب مستقل عظیمی‌مثل انقلاب ایران قابل اجتناب نبود، با افتخار و سرافرازی به پایان رساندند. باید این مجلس را از این جهت که در حال غلیان انقلاب و نابسامانیهای لازم آن و نفوذ افراد منحرف بازیگر در کارهای کلیدی و کسب به ناحق مقامات بلند پایه و نیز تازه کار بودن و کم تجربگی در مسائل بسیار پیچیده، توانست با زحمت و پشتکار و تعهد به جمهوری اسلامی و با حرکت به سوی اسلامی شدن قوانین و حرکت به نفع مستضعفان موفقیت چشمگیری به دست آورد، مجلسی نمونه به حساب آوریم. و برای شهدای مظلومی‌که در راه اسلام داده است از مقام مقدس ربوبی رحمت تقاضا نموده، و به بازماندگان محترمشان تسلیت عرض کنیم. جزاهم الله عن الاسلام خیراً.[1]

و اما دوره دوم مجلس جمهوری اسلامی در آغاز گشوده شدن، برخوردار از

۱. «خداوند آنان را از اسلام، پاداش خیر دهد».

پشتیبانی بیدریغ عموم ملت انقلابی و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی است. و نمایندگان محترم آن ناظر نشیب و فرازها و برخوردار از تجربه ها و اندوخته های چهار ساله نمایندگان محترم مجلس اول، و آشنا به بسیاری از پیچ و خمها و توطئه ها و بازیهای به اصطلاح سیاسی بوده و می‌باشند؛ و شاهد فداکاریها و جانبازیها و از خودگذشتگیهای ملت معظم از اول انقلاب تاکنون بوده اند، چه در زمان ستمشاهی و شهادت دسته جمعی زن و مرد و صغیر و کبیر ملت شجاع؛ و چه پس از پیروزی و خیانتها و جنایتهای گروهکها و گروههای منافق متظاهر به اسلام و ملیت و طرفداری از توده‌ها و کشتار بیرحمانه مظلومان و طبقات ضعیف و ستمکش؛ و چه شاهد تحمیل جنگ از سوی ابرقدرتهای شرق و غرب و وابستگان مرتجع آنان، که حرث و نسل این ملت عدالت طلب و اسلامجو را به آتش کشیده و به نابودی سپرده اند، و جوانان عزیز را که مدافع آرمانهای اسلام و قرآن کریم بوده و هستند با سلاحهای پیشرفته شرق و غرب و سلاحهای شیمیایی به شهادت رسانده اند. حال که شاهد همه این جریانات بوده اند، باید دقیقاً توجه کنند که مسئولیت بسیار عظیم و سرنوشت سازی را به عهده گرفته اند، که به پایان رساندن آن به طور شایسته و خداپسند جز با «جهاد اکبر» میسر نخواهد شد.

اینجانب از خداوند متعال، در این ماه پر برکت شعبان المعظم که شاهد ولادت با سعادت منجی بشر و عدالت گستر شرق و غرب و فریادرس مظلومان و مستضعفان جهان، حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء بوده است، عاجزانه خواستارم که نمایندگان و قاطبه ملت مظلوم ایران را در مسئولیتهایی که در این عصر پرآشوب و فتنه زا، که می‌توان گفت حکومت جنگل بر آن غلبه دارد، به دوش گرفته‌اند به طور شایسته از عهده برآیند و در این جهاد بزرگ موفق شوند؛ و با افتخار و سرافرازی به محضر مبارک حق تعالی وارد شوند.

اینک تذکراتی برادرانه و مخلصانه به حضرات نمایندگان محترم

حفظهم الله تعالی و ایّدهم عرضه می‌دارم باشد که نافع شود. ﴿و ذکّر فان الذکری تنفع المؤمنین﴾.[۱]

تذکر آرام‌بخش

۱ - [آن] که در رأس همه تذکرات است و با رسیدن به آن، همه چیز اصلاح می‌شود و سعادت فراگیر می‌گردد، آن است که به قلوب محجوب و منکوس خود برسانیم که عالم، از اعلا علّیین تا اسفل سافلین، جلوه حق جلّ و علا و در قبضه قدرت اوست؛ و هیچ موجودی، از روحانیون ملأ اعلیٰ و انبیای معظم و اولیای مکرم، تا اشقیا و هر جا بروید، از خود چیزی ندارند؛ بلکه چیزی نیست جز آنکه به جلوه او نورانی و هست شود. و این تذکر همان است که موجب اطمینان قلوب می‌شود که ﴿الا بذکر الله تطمئن القلوب﴾.[۲] و با این باور است که خوفها از غیر او و از دلها رخت ببندند؛ و امیدها و رجاها بجز به او از قلوب زایل شوند. بارالها، ما گر چه محجوبیم و در سلاسل[۳] جهنم نفس مقید، تو به وسیله اولیایت دست ما گیر و ما را از خود و شر خود برهان؛ تا جز تو نبینیم و جز از تو خوف نداشته باشیم و امید به کس نبندیم. خدایا!، ما این پیروزیها را در جبهه ها و در پشت جبهه ها و در ارگانهای ملی و دولتی از تو می‌دانیم. و اگر نبود عنایت خاص و پرتو رحمت تو بر این ملت ضعیف، که چنگ و دندانها از اطراف عالم به او نشان می‌دهند و توطئه های شرق و غرب برای براندازی اسلام و جمهوری اسلامی به هم پیوند خورده اند و سازمانهای عریض و طویل حقوق بشر و امنیت جهانی با رسانه های گروهی چپ و راست یک صدا به مقابله با آن برخاسته اند و دولتهای به اصطلاح اسلامی با پیوند با اسرائیل غاصب و

---

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۵: «هر آینه تذکر (و یادآوری) مؤمنان را سود می‌رساند».

۲. بخشی از آیه ۲۸ سوره رعد: «همانا دلها به یاد خدا آرام گیرد».

۳. زنجیرها.

ارباب غاصبتر آن امریکا در براندازی آن مجهز شده اند، در همان نفسهای اول سرکوب شده بود.

این عنایت بزرگ تو است که مجلس، ملت و دولت ما چون سدی عظیم و خلل ناپذیر ایستاده و فریاد اسلام را به جهانیان رسانده، و مستضعفان را در کنار کاخ سفید و کرملین و در گوشه و کنار زمین به حرکت و فریاد در آورده است. و امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان بپا خیزند، و داد خود را از مستکبران بگیرند، و مقدمات فرج آل محمد صلی‌الله علیه و آله را فراهم نمایند.

۲ـ چنانچه این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد، از این جهت، ویژگیهای خاص خود را داشته و دارد. و با پیمودن صراط مستقیم «لاشرقیة و لاغربیة» در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچیک از قدرتهای افسانه ای نهراسیده است که همین موجب پیروزیهای معجزه آسایش گردید؛ گر چه موجب توطئه ها و آتش افروزیهای فراوان علیه خودش هم شد لکن در هیچ مرحله ای عقبگرد نکرد.

مسئولیت بسیار بزرگ مجلس، اجرای سیاست «نه شرقی و نه غربی» و مقابله با سیاست‌بازی‌های غرب و شرق

مجلس جوشیده از این ملت انقلابی نیز یک مجلس عادی نیست؛ که یک پدیده خاص به خود با ویژگیهای خاص است. امروز به جرأت می توان ادعاکرد که در زیر این آسمان کبود تنها مجلسی است که متکی به آرای توده میلیونی مردم است که با رأی مستقل و مستقیم مردم به دور از اعمال نفوذ خانها و سرمایه دارها و مالکها و سلطه‌ها و بست و بندهای به اصطلاح سیاسی و فعالیتهای انحرافی، به وجود آمده، و از قلدریهای رژیم شاهنشاهی و وابستگان به آن خالص بوده است. قهراً مسئولیتهایی که چنین مجلسی دارد بسیار بزرگ است: مسؤولیت مقابله با سیاست بازیهای غرب

و جناح سرمایه داری آن، و دیکتاتوری شرق و قطب کمونیستی آن. این مجلسی است که باید سیاست «نه شرقی و نه غربی» را در جهان دو قطبی اجرا کند؛ و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی اسلام را که به طاق فراموشی سپرده شده بود و قرنها منزوی بود به صحنه آورد و چنین مجلسی است که قدرت روحی مافوق عادی و قدرت تشخیص مسائل پیچیده جهان و قدرت تصمیم گیریهای قاطع بی‌گرایش به دو قطب الحادی و سرمایه داری را لازم دارد. قدرتی که اگر همه جهان در مقابل آن به سوی باطل روند، بی وحشت به سوی حق رود. قدرتی که جوسازیها و شایعه پردازیها را به هیچ شمارد. چنین مجلسی در کمیسیونهای مختلفش کارشناسان و متخصصان متعهد و زبردست لازم دارد. هر چند برای مشورت در هر رشته خصوصاً در سیاست خارجی و نیز سیاست اقتصادی که امروز از اهم امور است از اشخاص کاردان دعوت کنند و چون مقصد همه ان شاءالله پیشرفت احکام اسلام و خدمت به بندگان خدای متعال است، باید از اینکه از خارج مجلس استمداد می‌کنند خوشوقت باشند.

حل مسائل بسیار مهم اقتصادی با رعایت موازین شرعی

۳ـ مجلس محترم دوره اول گر چه کارهای بسیار ارزنده ای انجام داد و با کوشش و مشکلات فراوان از عهده وظایف خود به در آمد لکن تراکم مشکلات پس از انقلاب و خیانتهای رژیم سابق آنچنان زیاد بود که قهراً بسیاری از مشکلات به عهده مجلس حاضر است. از آن جمله حل مسائل بسیار مهم اقتصادی و مبارزه با تورم و حل مسئله مسکن و زمین است و رسیدگی هر چه بیشتر به امور محرومان و قشرهای کم درآمد و از آن جمله افراد محترمی می‌باشند که در دستگاههای دولتی با حقوق محدود مشغول خدمت هستند. این کارمندان زحمتکش اکثر قریب به اتفاقشان درآمد دیگری ندارند و به حقیقت از قشر محروم هستند. چنانچه حل

مسائل کشاورزی که از مهمات امور کشور است به عهده دولت با پشتیبانی مجلس است. و در تمام این امور آنچه لازم است بدون مسامحه عمل شود موافق بودن قوانین مربوط به این امور و سایر امور کشور با قوانین مقدس اسلام اعم از احکام اولیه یا احکام ثانویه است؛ که اگر جزئی انحرافی خدای نخواسته در این مجلس از شرع اسلام پیدا شود سنت سیئه ای خواهد شد که دنبال آن سنتهای سیئه دیگر خواهد آمد؛ و وِزر[۱] و گناه آن و گناه هر کس که به آن عمل کند به گردن آنان است. و اگر ان‌شاءالله فعالیتهای نمایندگان محترم در جانب هر چه بهتر کردن کشور و رفاه حال محرومین با موازین اسلامی باشد، اجر آن مثل اجر هر کس [که] به آن عمل کند برای سنت‌گذاران است. کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان اگر به طور غیرمشروع هم باشد مانع ندارد.

که این یک انحراف و خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی بلکه به محرومین است که از مال حرام و غصب و با ظلم به دیگران آنان را مبتلا به آتش جهنم کنند. اینجانب گمان ندارم که در کشوری که همه چیز خود را برای اسلام و اجرای قوانین اسلامی فدا کرده چنین مسائلی واقع شود. و حضرات نمایندگان محترم کوشش نمایند که امر مخالف با شرع و قانون اساسی به تصویب نرسد؛ که علاوه بر آنکه رأی بر ضد قوانین الهی دادن خود گناه است، بی شک شورای محترم نگهبان آن را رد می‌کند و موجب عقب افتادن کارها می‌شود.

رعایت اخلاق و ارزشهای اسلامی، توقع اسلام و ملتهای متعهد مسلمان از نمایندگان

۴- می‌دانید و می‌دانیم که مجلس شورای اسلامی دارای وظایف بزرگ و ظریف می‌باشد؛ چراکه در کشوری که مردم برای اسلام و حکومت اسلامی و اجرای قوانین نورانی قرآن کریم و قطع ظلم و ستم به هر نحو و از هر نوع باشد قیام کرده اند

---

۱. مسئولیت ناشی از گناه و عمل ناروا.

و شما را به مجلس فرستاده اند، مجلسی که منعکس کننده اقوال و احوال و طرز روحیه و افکارتان است و از آنجاکه همه اینها به صورتی وسیع در سراسر کشور و نیز در بسیاری از کشورهایی که موج رادیو تلویزیون به آنجا می‌رسد و گاهی در تمام دنیا به واسطه رسانه های گروهی جهان منتشر می‌شود، لازم دانستم به حکم وظیفه و اخوت اسلامی به بعضی از آنها اشاره کنم. و این اموری است که اسلام و اخلاق اسلامی و ارزشهای انسانی و ملتهای متعهد اسلام از آنان خصوصاً و از همگان عموماً توقع دارند.

نمایندگان آموزگار اخلاق اسلامی و آداب انسانی باشند

الف) کیفیت برخورد با یکدیگر در محیط مجلس و مباحثات بین مخالف و موافق؛ از نمایندگان متوقع است که مراعات آداب اسلامی در محاورات بشود؛ و انگیزه آن یافتن حق و راه حل باشد و این امور در محیط دوستی و صفا چون بحثهای علمی‌در محیط مدارس فقاهتی که مقصود، یافتن واقعیت نه تحمیل عقیده است، آقایان را بهتر و آسانتر به حقیقت می‌رساند و مجادلات با حال غضب و عصبانیت انسان را از واقع دور می‌کند و چون مقصود از بحثها یافتن طریق هر چه بهتر برای خدمت به اسلام و کشور و ملت است و از عبادات و مقربات الهی محسوب است، حقاً لازم است از آنچه مخالف رضای خداوند متعال است اجتناب شود و محیط مجلس طوری باشد که علاوه بر یافتن راه صحیح برای شنوندگان، آموزنده اخلاق اسلامی و آداب انسانی باشد، که این خود یک عبادت دیگر است. و اگر خدای نخواسته در این محیط مقدس مقصود کسی اعمال غرض و تحمیل عقیده و احیاناً تسویه حساب باشد که قهراً به هتک یک مسلمان و رد و بدل الفاظ غیر مناسب منجر می‌شود علاوه بر آنکه از مسیر حق دور می‌شود و برخلاف آنچه وظیفه وکیل است می‌باشد گاهی اشاعه فحشا در یک محیط بسیار وسیع است که معصیتی عظیم است.

اینجانب امیدوارم خداوند توفیق دهد که همان سان که جوانهای عزیز رزمنده، سنگرها را به مسجد و معبد تبدیل کردند، حضرات وکلا، مجلس را معبدی کنند منزه از اعمال و اقوال زمان طاغوت، تا مجلسی نمونه شود؛ باشد که مجالس دیگر کشورهای اسلامی از آن تبعیت کنند.

فرق بین نظارت و استیضاح و بین عیب‌جویی و انتقام‌گیری

ب) کیفیت برخورد با دولت و وزرا و سایر کارمندان؛ شک نیست که مجلس به همه امور کشور نظارت دارد؛ و حق نمایندگان است که از هر انحراف و خلافی که از وزرا و ادارات می‌بینند به حکم قانونی جلوگیری کنند و دولت را تا حد استیضاح بکشانند.

لکن فرقهاست بین نظارت و استیضاح، و بین عیبجویی و انتقامگیری. و این فرق را همه کس پس از رجوع به وجدان خویش می‌فهمد. انسان با کمی تفکر در حال خود تشخیص می‌دهد که احضار دولت یا وزیر برای خدا و مصالح اسلام و کشور است و در آن جز هدایت و جلوگیری از انحراف و حفظ مصالح ملت چیز دیگری دخالت ندارد؛ یا از معیارهای غیرالهی، چون حب و بغض، دوستی و دشمنی، هواهای نفسانی چون خودنمایی، عرض اندام و از این قبیل مکاید نفسانی و شیطانی، برخوردار است. و محک تشخیص معیار الهی از شیطانی آن است که پس از مراجعه به خود بیابد که آنچه که او می‌خواهد نفس عمل است گر چه این کار را دیگری انجام دهد؛ و یا آنچه راکه بدان سبب شخصی را احضار کرده است اگر از دوستان عزیز او سر می‌زد، با او همان می‌کرد که با این انجام می‌دهد. و این است معنای روابط و ضوابط و صراط مستقیم که از ارزشهای انسانی برخوردار است. خداوند قادر ما را بر آن هدایت فرماید و از ما دستگیری کند.

رعایت مراحل مختلف استیضاح

مرحله‌ای دیگر: به فرض آنکه هیچ مقصدی جز حقجویی و جلوگیری از انحراف نباشد، در کیفیت ادای وظیفه و بیان اشکال می‌توان معیارالهی و نفسانی را تشخیص داد. معیار الهی آن است که اثبات مدعا مبنی بر استدلال و شواهد متقن باشد، و از کلمات نیشدار و اهانت آمیز و کردار ناروا مبرّا باشد. و در غیر این صورت، باید دانست که دست شیطان و نفس امّاره بالسوء در کار است و گوینده بازیچه هوای نفس است.

نمایندگان محترم و خواهران و برادران گرامی، مسئله بسیار مهم است. آبرو و حیثیت یک مسلمان یا یک انسان در کار است. چه بسا با یک انحراف شما یک انسان آبرومند در جامعه ساقط شود و شرف یک مؤمن خدشه‌دار گردد. اگر انحرافی دیدید، نخست بدون سر و صدا دنبال تحقیق روید. پس از آنکه مسلماً معلوم شد، قبل از کشیده شدن به مجلس با طرف به گفتگو بنشینید، و مسئله را حتی الامکان با خود او حل کنید. اگر در این مرحله توفیق حاصل نشد، در کمیسیون مربوط او را بخواهید، و باکمک دوستان فیصله دهید. و اگر فیصله نشد و شخص مذکور می‌خواهد برخلاف مصالح اسلام و کشور و ملت عمل کند و در انحراف پافشاری نماید، حفظ مصلحت عمومی و اسلام مقدم است بر حفظ مصلحت شخص، هر کس باشد؛ در این صورت تقاضا کنید و با استدلال و منطق، بدون کوچکترین اهانت، مطلب را عرضه کنید. و مهلت دهید تا در محیطی آرام و بی تشنج از خود دفاع کند. در این موقع مجلس به هر چه تکلیف قانونی و شرعی دارد عمل کند، بی کوچکترین توهین. و ما همه باید بدانیم که مجرمی که بالاترین جرم را دارد و به سوی چوبه دار می‌رود، جز اجرای حد شرعی احدی حق آزار او را لفظاً و عملاً ندارد؛ و مرتکب، خود ظالم است و مستحق کیفر.

چگونگی نطقهای قبل از دستور

ج) از امور لازم التذکر راجع به نطقهای قبل از دستور است؛ چه بسا که ناطق احیاناً گمان کند بی قید و شرط و بی تعهد و تکلیف باید هر چه بخواهد بگوید، و به هر کس، چه حاضر جلسه و چه غایب، می‌تواند به اصطلاح حمله کند، و میزانی الهی و شرعی و اخلاقی در کار نیست و مسئولیتی حتی شرعی ندارد. و گاهی بعضی نطقها موجب تأسف بسیار و تأثر است؛ و چه بسا که اهانت به‌یک مسلمان و مؤمن را به حد اعلیٰ می‌کشاند و حیثیات انسانها را لکه دار می‌کند؛ و گاهی ارقام و اقلام بسیار از گوشه و کنار اعم از صحیح و فاسد جمع آوری می‌کند و با آبروی دولت و اشخاص، بلکه مجلس بازی می‌کند؛ و مجلس شورای اسلامی را بی توجه همچون مجلس طاغوت می‌نماید و مورد تاخت و تاز اعراض مسلمانان در سراسر کشور قرار می‌دهد. آقایان می‌دانند مجلس اسلامی که حاصل سالهای دراز رنج و زحمت و خونهای محترم صدها هزار شهید و جانباز است برای تحقق احکام نورانی اسلام و تحول از رژیم طاغوت به رژیم الهی اسلامی است. نمایندگان آن باید از اخلاق اسلامی بالا و والایی برخوردار باشند؛ و خدای بزرگ را حاضر و ناظر بر اعمال و گفتارخود بدانند، و از رفتار و گفتار رژیمهای طاغوتی احتراز نمایند. و اگر خدای نخواسته کسی از حدود شرعی، چه در نطقهای قبل از دستور و چه در مذاکرات و محاورات دیگر خارج شد، وظیفه فریضه بزرگ نهی از منکر را فراموش نکنند؛ که خدای نخواسته حق و عِرض و حیثیت مردم در مکانی که حافظ مصالح اسلام و مسلمین و مردم کشور است ضایع نگردد بلکه وکلای محترم در برخوردها و نطقها، که در همه جا منتشر می‌شود آموزنده اخلاق کریم انسانی و اسلامی باشند و مردم را به کیفیت سالم برخورد با یکدیگر آشنا سازند که این خود یک خدمت بزرگ به اسلام و مسلمین و بشریت است. اینجانب با اینکه میل نداشتم این مسائل را به طور سرباز عرض نمایم لکن علاوه بر آنکه احساس تکلیف شرعی نمودم اکیداً علاقه مندم که

قداست مجلس معظم و وکلای محترم محفوظ باشد، تا الگویی باشند برای مجلسهای جهان و مجالس آتیهٔ ایران.

حق دفاع برای غیر مجلسیان

این نکته نیز قابل ذکر است که اگر در مجلس به کسی که حاضر نیست و راه به مجلس ندارد که از خود دفاع نماید حمله ای شد، به او اجازه داده شود یا در مجلس از خود دفاع کند و اگر قانوناً اشکالی در این عمل می‌بینند، رادیو تلویزیون و مطبوعات این وظیفه سنگین را به دوش کشند؛ تا حق مظلومی ضایع نشود و شخصیتی بی دلیل خرد نگردد و راهگشای این امر خود نمایندگان و رئیس محترم مجلس هستند که با تعهدی که دارند و مسئولیتی که بر دوش آنهاست این حق را به اشخاص غایب بدهند؛ تا به وسیله مجلس، که نگهدار مصالح کشور و ملت است، حقی ضایع نشود و انسانی مظلوم نگردد. و اگر به کسی چه از دولتیها یا دیگران، تهمتی زده شد، حق شکایت به قوه قضاییه را دارد تا رسیدگی شود و مجرم تعقیب و تعزیر شود. و اگر به یک وزارتخانه یا بنگاه تهمت زده شد حق دفاع با وزیر و رئیس بنگاه است و حق شکایت دارند و قوه قضاییه تعقیب خواهد کرد. و بالجمله با هر ترتیب ممکن باید از این اعمال غیر اسلامی جلوگیری شود. البته این بدان معنا نیست که مجلس از حق قانونی و شرعی خود دست بردارد، بلکه نمایندگان محترم در محدوده قانون و شرع آزاد و مختارند و هیچ کس نمی‌تواند از حقوق قانونی آنان جلوگیری نماید.

لزوم واقع بینی در طرح انتقادات

د) امروز مسئله اصلی کشور چنانکه معلوم است جنگ است؛ دفاع از اسلام و کشور اسلامی است. در حالی که هر تیری از هر طرف رها شود به سوی ایران و به جرم اسلامی بودن آن است و هر صدایی از هر گوشه جهان از هر حلقوم و از هر موج رادیویی برای منطقه بلند شود در رأس برنامه‌هایشان تضعیف و توهین و تحقیر ایران

است، و آنچه در کشور ما می‌گذرد به طور معکوس در سراسر دنیا منعکس می‌شود، سازمانهای به اصطلاح «حقوق بشر» و «شورای امنیت» و «عفو بین الملل» و دیگران همّ خود را صرف محکوم نمودن اسلام و ایران نموده اند. مدعیان صلح طلبی و انساندوستی با تمام توان سعی در افروختن آتش فتنه و جنگ در همه جا بخصوص در ایران می‌نمایند و با اسلحه های کشنده و بمبهای آتشزا و شیمیایی به دشمنان اسلام کمکهای بیدریغ می‌کنند، و هزاران شکر خدای متعال را که با دست عنایت خود تحولی در این ملت عظیم الشأن ایجاد فرموده که همه اقشار آن به هم پیوسته و ید واحد شده اند و با اتکال به قدرت الهی در مقابل همه ایستاده و از این هیاهوها و چنگ و دندان نشان دادنها به خود هراس راه نمی‌دهند و هر روز مصمم تر و مهیاتر برای دفاع از آرمانهای اسلامی هستند. در این حال، تکلیف و وظیفه همگان بویژه روحانیون معظم و مجلس محترم و دولت و سران قوای مسلح بسیار حساس و سنگین است. اینان حافظان این وحدت و انسجامند، و با اعمال شایسته خود می‌توانند اسلام و کشور را از میان این فتنه های غم انگیز نجات دهند. شک نیست که مقدّم برهر چیز وحدت و انسجام خود حضرات نمایندگان و دست اندرکاران و پشتیبانی هر قشر از سایر اقشار است. امروز با وضع حاضر جهان نسبت به ایران، اختلافات و تفرقه در داخل هر قشر یا قشری با اقشار دیگر که ناچار به اقشار ملت نیز سرایت می‌کند سم مهلکی است که اول خود و در پی آن کشور و ملت و بالاتر از همه اسلام بزرگ را به خطر نابودی می‌کشاند. و در عصر حاضر و وضع موجود گناهی عظیمتر و جنایتی هولناکتر از آن نخواهید یافت. حضرات علمای اعلام و ائمه جمعه کثّرالله امثالهم توجه کنند که گاه یک جمله آنان یا یک مصاحبه و خطبه، جمهوری اسلامی را در سطح جهان زیر سؤال می‌برد، و در داخل فاجعه می‌انگیزد و منشأ اختلاف و تفرقه می‌شود و موجب تضعیف سپاه و ارتش و سایر قوای مسلح می‌شود؛ یا موجب اختلاف بین سپاه و ارتش و سایر قوای مسلح می‌گردد؛ که خدای نخواسته

منتهی به از بین رفتن زحمات چندین ساله خود آقایان می‌گردد؛ و یا موجب تضعیف و دلسردی دولت خدمتگزار می‌شود؛ و با شکست خوردن دولت، پایه های جمهوری اسلامی متزلزل می‌شود. حضرات وکلای محترم دوره دوم مجلس شورای اسلامی که در آغاز خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی می‌باشند با توجه به اوضاع کنونی کشور و فشارهای اقتصادی و نظامی و گرفتاری فوق طاقت دولت و مخارج عظیم جنگ و پیامدهای آن و گرفتاری آوارگان جنگ و مهمانان افغانی و عراقی که قشرهای عظیمی هستند و خرابیهای جنگی و فسادهای موروث از رژیم سابق و بسیاری از مشکلات کمرشکن دیگر، لازم است به دولت کمک نمایند که مشکلات را با پشتیبانی شما نمایندگان یکی پس از دیگری حل نماید. در عین حال که حق نظارت و حق جلوگیری از انحرافات را دارید لکن در وضعیت کنونی مسائل را روی هم بسنجید و اگر چیزی به نظرتان ناروا بود با وضع گرفتاریهای حاضر بسنجید و ببینید اگر شما به جای دولت بودید با چه قدرتی می‌توانستید با مشکلات موجود مقابله کنید. و بدانید که روی هم رفته دولت تاکنون به وضع خارق العاده ای خدمت کرده و نقایصی که هست مطمئناً اجتناب ناپذیر است و بالجمله لازم است همه پشتیبان هم باشید تا بر حوادث پیروز شوید و با عملکرد دولت در این مدت کوتاه و خدمتهای ارزنده او در سراسر کشور باید گفت دولت موفقی بوده است. باید به او مهلت داد که توفیق بیشتری به دست آورد. و در کمبودها و نقصانهای موجود باید او را یاری کرد و کمکهای فکری و عملی نمود. کشور از همه است و با اتکا به قدرت ازلی و با کمک همه می‌توان بر هر مشکلی غلبه کرد، ان شاءالله تعالی.

رعایت رضای خداوند، تنها ملاک در بررسی اعتبارنامه‌ها

ه) از نمایندگان محترم که با توفیق الهی و رأی آزاد توده‌های محروم برای خدمت به اسلام عزیز و ملت محترم موفق شده‌اند، انتظار می‌رود که در تمام فعالیتها

و آرای خود برای شکرگزاری از خدای متعال جانب حق را گرفته و ضوابط را در نظر گیرند. مثلاً در اعتبارنامه ها که مورد بحث و نظر واقع می‌شود، بدون ملاحظه دوستی و دشمنی و جهات سیاسی رایج در دنیا آنچه رضای خداست و واقعیت اقتضا می‌کند در نظر گیرند و گرایشهای سیاسی راکنار گذارند. و این رویّه را در همه اعمال و اقوال و آرای خود در مدت این خدمت ارزشمند ملحوظ دارند؛ و برای رضای مخلوق، خدای نخواسته به سخط خالق مبتلا نشوند. و در حقیقت مجریان عدل الهی باشند. و این رویه از همه کس مطلوب است و از کسانی که در جایگاه حساس واقعند مطلوبتر. و شما نمایندگان محترم می‌توانید با یک رأی خود خدمت ارزشمندی به خدا و خلق نمایید، و بالعکس؛ و می‌توانید یک خطر بزرگ را از کشور و اسلام رفع کنید و بالعکس. حرکت در راه حق و عمل به آن، خود تفکر آزاد و ذکر خداست که موجب طمأنینه است.

ساده‌زیستی و وارستگی، رمز ایستادگی در مقابل قدرتها

و) اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاحهای پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمتهای بزرگ برای ملتهای خود کرده اند اکثر ساده زیست و بی علاقه به زخارف دنیا بوده اند. آنها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند برای حفظ یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می‌دهند؛ و در مقابل زور و قدرتهای شیطانی خاضع، و نسبت به توده‌های ضعیف ستمکار و زورگو هستند. ولی وارستگان به خلاف آنانند. چراکه با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزشهای انسانی اسلامی را حفظ کرد. جوانان ایران و زنان و مردان که در زمان طاغوت با تربیت طاغوتی بار آمده بودند هرگز

نتوانستند با قدرت طاغوتی مقابله کنند. ولی آنگاه که به دست توانای حق جلّ و علا به انسان انقلابی دور از علایق شیطانی متحول شدند آن قدرت عظیم را سرکوب کردند. دستهای جنایتکاری که جوانان عزیز را در رژیم سابق به مراکز فساد کشاند و از انسانهای آزاد، عروسکهای مصرفی تراشید انگیزه و نقشه شان این بود که هر خیانتی که در کشور واقع می‌شود و هر چه به سر ملت و ذخایر ارزنده آن می‌آید و هر چه زنجیرهای استعمار به دست و پای مردم محکمتر می‌شود، در مقابل بی تفاوت باشند یا به حمایت همان رویّه برخیزند.

امروز هم قشر فعال در جبهه ها و پشت جبهه ها همان طبقات محروم ساده زیست هستند. و در بین آنان از آن وابستگان و دلبستگان به علایق دنیا اثری نمی‌بینید.

خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود أرواحنا لمقدمه الفداء رد کنیم. از خداوند متعال خواستارم که نمایندگان محترم دوره اول مجلس شورای اسلامی را که از مشکلات نهراسیدند و برای پیاده کردن احکام اسلام کوشش و تلاش نمودند سعادت و سلامت عنایت فرماید و به نمایندگان دوره دوم توفیق و قدرت تصمیم برای رسیدن به آرمانهای مقدس اسلام عنایت فرماید؛ و عموم مسلمانان جهان را از شرّ ابرقدرتها حفظ کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤٥٩ تا ٤٧٢.

▣ پیام

زمان: ۱۱ فروردین ۱۳۶۷/ ۱۲ شعبان ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم شرکت در انتخابات و حفظ شئونات اسلامی و اخلاقی در تبلیغات کاندیداها
مناسبت: انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم. گمان نمی‌کنم که نقش و اهمیت انتخابات و مجلس شورای اسلامی برکسی پوشیده باشد. بحمدالله هرچه از عمر با برکت انقلاب شکوهمند اسلامی ما می‌گذرد، مردم مسلمان و متعهد کشورمان به اهمیت حضور و نقش تعیین کننده خود در تمامی صحنه‌های انقلاب آشناتر می‌شوند، و راز دوام و بقا و استحکام قیام الهی خود را بهتر کشف می‌نمایند.

هم اکنون، با توجه به آگاهی و شعور بالای سیاسی مردم خداجوی ایران، شاید ضرورتی به یادآوری اهمیت شرکت در انتخابات نباشد؛ ولی برای احتیاط در ادای تکلیف شرعی سیاسی خود نکاتی را متذکر می‌شوم:

دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب هدف شوم و پلید استکبار و نوکران داخلی آنان

۱ـ از آغاز انقلاب تاکنون، یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است. دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمانهای اجتماعی سیاسی اسلام بوده است؛ که در راه تحقق آن به انواع حیله‌ها و ترفندهای گوناگون متوسل شده‌اند؛ که بحمدالله سرشان به سنگ خورده است؛ و ملت پیروز و سرافراز ایران با نمایش قدرت عظیم خود در حوادث گوناگون انقلاب این حقیقت و واقعیت را به اثبات رسانیده و نشان داده اند که از دریای خروشان وحدت و انسجام آنان چیزی کم نشده و نخواهد شد. و جهانخواران ان شاءالله تا ابد حسرت گسستن اتحاد مقدس مردم ما را به گور خواهند برد. بعید به نظر نمی‌رسد که در این روزها یکی از اهداف

شرارتهای اخیر صدامیان در تهدید و ارعاب و ادامه بمبارانها و موشکباران مناطق مسکونی، علاوه بر سرپوش نهادن بر شکستهای پیاپی خود در صحنه های نبرد، رسیدن به این هدف باشد که حضور مردم را تحت الشعاع این جنایات قرار دهد و از هم اکنون هم باید مطمئن باشیم رسانه‌های استکباری از عدم حضور مردم در صحنه انتخابات سخنها خواهند گفت؛ و با تحلیلهای موذیانه و القائات توأم با تهدید و ارعاب تلاش خواهند نمود ذهنها را به مسائل دیگر معطوف نمایند. غافل از آنکه امت اسلامی ایران سالهاست نشان داده اند که از این هیاهوها نمی‌ترسند، و مقاوم و استوار در مقابل تمام ابرقدرتها و قدرتها می‌ایستند؛ و به یاری خداوند متعال، ملت شریف ایران با حضور گسترده خود انتخابات را در موعد مقرر و با قدرت و قاطعیت برگزار می‌کنند؛ و مطمئناً در زیر موشک و بمب هم اگر قرار بگیرند، به پای صندوقها می‌روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود.

و اینجانب تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنم. و ان شاءالله دنیا خواهد دید که مردم عزیز ایران چگونه حماسه حضور گذشته خویش را در سراسر میهن اسلامی تکرار خواهند کرد.

مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیّم ندارند

۲ ـ همان طور که بارها گفته ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند، و هیچ فرد و یاگروه و دسته ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران، که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلّم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است. و مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت می‌نمایند. و افراد و گروهها و روحانیون در حد تذکرات قبلی در حوزه خود

می‌توانند کاندیدا معرفی نمایند؛ ولی هیچ کس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهار نظر و اظهار وجود نکنند.

به مدافعین اسلام ناب محمدی رأی دهید

در هر حال، مردم با بصیرت و درایت و تحقیق کاندیداها را شناسایی کرده، و به سوابق و روحیات و خصوصیات دینی سیاسی نامزدهای انتخاباتی توجه نمایند. مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک طینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی درد، اسلام منافقین، اسلام راحت طلبان، اسلام فرصت طلبان، و در یک کلمه، اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند. و از آنجا که مجلس خانه همه مردم و امید مستضعفین است، در شرایط کنونی نباید کسی انتظار داشته باشد که حتماً نمایندگان باید از گروه و صنف خاصی باشند. باید توجه داشت که هنوز خیلی از مسائل وجود دارد که به نفع محرومین باید حل و فصل شود. و تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده اند، با دیگران کار مشکلی نیست.

اگر در تبلیغات مسائل اسلامی رعایت نشود چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود

۳ـ نصیحتی است از پدری پیر به تمامی‌نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل

اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد؛ و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت، به دوستی و برادری، که چیزی شیرینتر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد.

ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید. «جهزوا انفسکم بالصلاح و السلاح»[1]. نهراسید. که نمی‌هراسید، کمربندهاتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار بپاخیزید. قدرتهای بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیت انسانهاست. روز جنگ است. روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهانخواران ما را یاری کنند بیحاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ماست. درنگ امروز فردای اسارتباری را به دنبال دارد. امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود، و زره جهاد و مقاومت پوشید، و در افق طلیعه فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود.

فرزندانم، دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است؛ و با حمله شیمیایی به مردم بی دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه‌ها هجوم برید

---

۱. «خویشتن را به صلاحیتهای درونی و اسلحه مجهز کنید».

تا ضربات پی در پی شما توان و امان او را بگیرد، که ان شاءالله پیروز خواهید شد.
والسلام علی عبادالله الصالحین.
به تاریخ یازدهم فروردین ۶۷
روح الله الموسوی الخمینی (۱)

◘ پیام

زمان: ۷ خرداد ۱۳۶۷/ ۱۲ شوال ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسالت و وظایف مجلس شورای اسلامی
مناسبت: گشایش سومین دوره مجلس شورای اسلامی مخاطب: نمایندگان مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

از عنایت و توجه ذات مقدس حق تعالی سپاسگزاریم که بار دیگر ملت شریف و عزیز ایران را به ادای یکی از بزرگترین فرایض سیاسی و اجتماعی خود مفتخر نمود. و در اوج شرارت شیطان بزرگ و اذناب پلید او علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، توفیق بیعت مجدد با میثاقهای ازلی خود را به آنان کرامت فرمود. و به رغم بدخواهان، انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی با صحت و سلامت و در موعد مقرر برگزار گردید، که بحمدالله امروز ما شاهد افتتاح سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم. و من ضرورتی به ذکر حوادث زمان انتخابات و نیز حماسه های مردم عزیزمان در این مورد نمی‌بینم و همچنین اهمیت و نقش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در نظام کشور اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست.

مجموعه خواسته‌ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس

و ان شاءالله نمایندگان محترم مجلس، سنگینی بار مسئولیت و رسالت خود را در این امر خطیر احساس کرده و می‌کنند و به خوبی دریافته اند که نظام و مردم از آنان

---
۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹ تا ۱۲.

چه انتظاری دارند، که باید گفت مجموعه خواسته ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاریها و محرومیتها و دگرگونی در نظام پر پیچ و خم اداری کشور، از انتظارات بحقی است که باید آنها را جدی گرفت. و نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره ها و مواد غیر ضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام عزیز در کمیسیونها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاستهای زیر بنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید.

و امروز کشور و نظام و مدیریت آن همچون گذشته نیاز به شجاعت در حل مسائل و چه بسا وسوسه ها، ما را از رسیدن به اهداف بزرگتری که در پیش رو و در نظر داریم محروم کند، که امیدوارم این مجلس با هماهنگی و همدلی نمایندگان و نیز با همسویی و ارتباط قوی با مدیران و مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای نگهبان، بتواند گامهای بلندی در حل معضلات محرومین و پابرهنه ها بردارد و در تنگناها و موانع، از قدرت و قاطعیت و سرعت عمل مجمع تشخیص مصلحت که پشتوانه عظیم و با برکت و پر ثمری برای کشور ماست، بهره مند شود.

رقابتهای گذشته انتخاباتی هرگز نباید ...

و اما چیزی که از همه اینها مهمتر است، اینکه چه آنهایی که به مجلس راه یافته‌اند و خادم منتخب شده اند و چه آنها که به وظیفه خود عمل نموده اند ولی به مجلس راه نیافته اند و همچنین طرفداران هر دو گروه باید بدانند که همه این امور اعتباری و زودگذر است و همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می‌شود، صفای

معنویت و ثمرات خلوص بندگی است، و ما هم نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را به زنگار کدورتها و اختلافات آلوده کنیم و رقابتهای گذشته انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه وجدایی را فراهم نماید.

و من احتمال می‌دهم که عوامل و دستهای ناپاکی بخواهند از رقابتهای انتخاباتی در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی معنا دلها را از یکدیگر جدا سازند و یا با تردید و ایجاد ذهنیتها، صحت و سلامت انتخابات و نهایتاً مشروعیت مجلس را زیر سؤال برند، که در این شرایط همه آحاد ملت ایران و همه روحانیون و دست اندرکاران کشور باید در کنار هم و دست در دست هم به راه مقدس خود ادامه دهند. و صاحبان قلم و سخن و مطبوعات نیز به طور جد مواظب نوشته ها و گفته های خود باشند و نمایندگان مجلس نیز به عدالت و عطوفت با یکدیگر برخورد کنند و به مسائل دامن نزنند و خصوصاً در اعتبارنامه ها به مسائل شخصی و گروهی نپردازند و در نطقهای قبل از دستور و غیر آن به شخصیت و اعتبار نمایندگی مجلس توجه کنند و حرمت مجلس و نظام و اخلاق کریمه اسلامی را مقدم دارند و خلاصه کلام اینکه مجلس و نمایندگان باید مؤید وحدت و انسجام جامعه باشند و مسئولین در کنار مردم و مردم همراه و پشتیبان مسئولین به وظیفه خود عمل کنند و از برکات مادی و معنوی اتحاد مقدس خود بهره مند شوند و از صحنه ها کنار نروند که امروز شاید گناهی بالاتر از کناره گیری نباشد و هیچ عذر و بهانه ای برای ترک صحنه انقلاب پذیرفته نمی‌شود.

و مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز بدانند که در هر صورت پیروزی با ماست و ما به این مسئله با تمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تاکنون بارها عنایات حق را دیده‌ایم. و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از آن روزی که در این راه مقدس قدم نهاده اند،

چیزی را از دست نداده اند که نگران حادثه باشند و ضرری نکرده اند که از آن احساس غبن و پشیمانی کنند؛ همه سرمایه های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است.

البته کشوری همانند ایران که در صدد تحقق اهداف بلند اسلامی است، ممکن است فرازها و نشیبهایی داشته باشد همان گونه که در صدر اسلام نیز چنین بوده است ولی برای یک ملت بزرگ هیچ پیروزی ای بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استوار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت نموده است و ما به یاری خدا و با همت و اراده پولادین مردم در برابر همه مشکلات خواهیم ایستاد و همان گونه که به برکت ایمان و توکل مردم و رزمندگان به پیروزیهای بزرگ و معجزه آسایی رسیده ایم و هر روز ما روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است، بعد از این نیز به راه خود ادامه می‌دهیم.

رزمندگان عزیز و دلاور ما اعم از ارتش و سپاه و بسیج با تکیه بر ایمان و سلاح و امید به نصرت حق و با حمایت بی شائبه مردم، به نبرد و دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزمها را جزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و با همت خود افتخار نصرت و پیروزی را به ارمغان آورند که سرنوشت جنگ در جبهه ها رقم می‌خورد، نه در میدان مذاکره‌ها. و به یاری خداوند و دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه حرف آخرمان را با صدامیان و جهانخواران در صحنه حماسه جهاد و شهادت می‌زنیم و از خداوند نیز صبر و مدد می‌طلبیم. خداوند یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باد. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۰ تا ۵۳.

فصل ۸:

حوزه‌ها و روحانیت

▣ نامه

زمان: ۱۳۲۷ یا ۱۳۲۸ هـ.ش. / ۱۳۶۸ یا ۱۳۶۹ هـ.ق. مکان: قم
موضوع: لزوم تقویت حوزه‌های علمیه و مرجعیت آقای بروجردی، ورفع مشکلات حوزه
مخاطب: فلسفی، محمد تقی

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله وجود محترم عالی مقرون به صحت و سلامت است. ضمناً لازم می‌دانم جنابعالی را متذکر یک امر مهم حیاتی کنم، شاید با فکر صائب و لسان گویای شیرین خود بتوانید اقدامی‌کنید که موافق رضای خدای تعالی و صلاح حال جامعه باشد. البته می‌دانید که مسلمین تاکنون چه فرصتهایی از دست داده و چه سنگرهایی را تسلیم دشمنان خود کرده‌اند که تذکر آنها جز آنکه موجب حسرت و تأسف شود نتیجه ندارد. عده‌ای از آنها به واسطه جهالت به وضعیت دنیا یا به واسطه سوء تبلیغات دشمنان، و عده‌ای دیگر برای گرمی‌بازار خود با عقلایی که می‌خواستند اقدام به اصلاح نمایند معارضه و مبارزه کرده و می‌کنند تا نفخ صور. اکنون رشته باریکی که برای ما مانده است یکی رشته تبلیغات است که می‌بینید به چه صورت درآمده و چه اشخاصی متصدی آن به غیر حق هستند، و یکی رشته تحصیل علوم دینیه است که رشته تبلیغات نیز از آن سرچشمه می‌گیرد. قوام رشته تعلیمات دینیه اکنون به حوزه های علمیه نجف و قم و اصفهان و مشهد و

بعضی بلاد دیگر متقوم است که اکنون اداره و سرپرستی آنها نوعاً به حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای بروجردی محول است، و اینطور که بنده می‌بینم خطر انحلال به آنها متوجه شده است؛ زیرا از طرفی وکلای ایشان که در بلاد هستند غالباً بی‌اثر هستند و از طرفی بسیاری از علمای بلاد از وجوه جلوگیری می‌کنند ونمی‌گذارند به ایشان برسد، و از طرفی در تهران و بعضی بلاد دیگر، بعضی مغرضین، تبلیغات سوء بر علیه ایشان می‌کنند و از طرفی خود ایشان حاضر نیستند آنطور که مرحوم آیت الله اصفهانی و مرحوم آیت الله قمی قدس سرّهما به تجار و بازرگانان مراجعه می‌کردند و شرح احتیاج حوزه های علمیه را می‌دادند اقدام در این امر کنند. و از طرفی کسی که دلسوز به حال ایشان و حوزه های علمیه باشد کمتر یافت می‌شود. این امور دست به هم داده است و موجب شده است که این سنگر را نیز خدای نخواسته از دست بدهیم.

اکنون معظمٌ له از چند ماه به این طرف مبالغی مقروض شده اند، چه برای نان نجف و سامره و چه برای شهریه قم و اصفهان و گاهی مشهد و جاهای دیگر. و بالجمله مخارج مرحوم سید ـ رحمه الله ـ مع الاضافه علی الظاهر به گردن ایشان آمده و همان توقعات هست و وجوه برای ایشان نمی‌رسد و حیف و میل می‌شود. البته می‌دانید کانون وجوه، تهران است و تهران را از قراری که بعضی می‌گفتند در صد، هشتاد از وجوه کلیه ایران مربوط به آن است و جنابعالی را عموم طبقات می شناسند و زبان گویای شما در نوع مؤثر است. لکن صرف منبر فایده ندارد. این مطلب یک مجمع خصوصی لازم دارد که از تجار محترم خیرخواه و با کمک و مساعدت امثال آقای حاج میرزا علینقی کاشانی و آقای شالچی و آقای خسروشاهی و آقای بازرگان و آقای مصطفوی و هر که صلاح می‌دانید مطلب را به طور وافی تذکر دهید بلکه بتوانند اولاً قروض ایشان را به فوریت ادا کنند و ثانیاً به طور اساسی یک تعهدی بکنند که مرتباً در هر ماه هر کس به مقدار مقدور مساعدت کند و اگر جزئی تسامحی شود

می‌ترسم امر به جایی منجر شود که موجب تأسف و تأثر شود و نتیجه نداشته باشد.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: اواخر سال ۱۳۵۶ هـ ش. / اوایل سال ۱۳۹۸ هـ ق. [۲] مکان: نجف
موضوع: اوضاع حوزه‌های علمیه مخاطب: مطهری، مرتضی تهران

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت؛ مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستارم. مطالبی که مرقوم شده است بسیاری از آن مورد نظر بوده و هست. امید است توفیق پیدا شود که از مفاسد جلوگیری شود. اینکه من از دور بودن شما از حوزه قم و همین طور دور بودن بعضی آقایان که خوب بود در این اوضاع آشفته و هرج و مرج حوزه های ما از آنها استفاده کنند، من ناراحتیم برای همین مفاسد منتظره است. اشخاصی را که اسم برده اید این مشکل را حل نمی‌کنند، اگر بر مشکل به واسطه دخالت بعض از آنها که طبقه جوان از امثال آنها ناراحت هستند اضافه نکنند. قضیه شورا و اجتماع ارباب حل و عقد نیز عقده ای را حل نمی‌کند بلکه چنین اجتماعی محقق نخواهد شد؛ من تجربه بلکه تجربه ها دارم. آنچه در رأس مفاسد است همان امر سوم است که اشاره کرده اید که حوزه از درون تهدید می‌شود، باید آن علاج شود و علاجی [نیست] جز آنکه شخصیتهایی که مورد قبول باشند و از حیث معلومات قابل عرضه باشند در حوزه ها باشند و آنها ابتکار را به دست گیرند. شما برای انتخاب این اشخاص بهتر خبره هستید و می‌توانید اشخاصی را پیدا کنید که ولو به نحو نوبت تمام ایام، حوزه را اشغال کنند و بتدریج در روحیه جوانها مؤثر شوند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴ تا ۲۵.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی و دوره جدید) نامه بدون تاریخ درج گردیده است.

من در نامه ای که اخیراً در جواب «اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا» نوشته‌ام[۱] به طور تفصیل مسائل اصلیه را توضیح دادم و راه را نشان دادم و مفاسد این عقیده فاسده راکه علوم دینیه بلکه فرهنگ جدید نیز بیفایده است تذکر داده‌ام و شاید اگر مجالی پیدا شد ضمن پیامی‌به حوزه قم تفصیل دهم؛ لکن تذکر تنها کافی نیست و باید عملاً این انحرافات را جلوگیری کرد و آن به همت شخصیتها، که از آن جمله شما هستید، باید انجام گیرد.

حضرات آقایان هم که بحمدالله تنبه پیدا کرده اند و مسیر خود را قدری عوض کرده اند، امید است که مورد توجه طبقات قرار گیرند و اختلافات و تفرقه ها از بین برود یا لااقل تخفیف پیدا کند.[۲]

▣ نامه

زمان: ۷اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۲۰رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: انتخابات حوزه علمیه قم
مخاطب: مشکینی، علی (رئیس مجلس خبرگان رهبری وعضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی مشکینی دامت‌افاضاته

پس از سلام و آرزوی موفقیت، ان شاءالله موفق و مؤید باشید. نامه جنابعالی در مورد انتخابات حوزه علمیه قم رسید. از جنابعالی و سایر دست اندر کاران تشکر می‌نمایم. شما از قول من به فرزندان انقلابی‌ام بفرمایید که تندروی عاقبت خوبی ندارد. اگر آنان جذب حضرات آقایان جامعه محترم مدرسین نشوند، در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که مروج اسلام امریکایی اند.

من باز می‌گویم اگر طلاب انقلابی و مدرسین طرفدار انقلاب هماهنگ کار

---

۱. پیام امام به «اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا» مورخ ۵ ربیع الاول ۹۸(۱۳۵٦/۱۱/۲٤).

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۸ تا ۳۲۹.

نکنند، هر دو شکننده‌اند. باید تمام تلاش را نمود که به این نقطه مهم رسید. آقایان به روشنی دیدند که دشمن از نقاط ضعف چه ضربه ای به اسلام و روحانیت زد. مؤمن از یک سوراخ دوبار نباید گزیده شود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶۸/۲/۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان:۱۷اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۱شوال ۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:لزوم حفظ ارکان فقه و اصول در حوزه‌ها باعنایت به روشهای جدید و علوم مورد نیاز
مخاطب:شورای مدیریت حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای مدیریت حوزه علمیه قم ـ دامت افاضاته

با سلام و دعا برای شما عزیزان، زحمات شما عزیزان چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. ان شاءالله با کمک همه دست اندرکاران امور حوزه موفق شوید پاسخگوی سؤالات جهان اسلام شوید.

این مسئله نباید فراموش شود که به هیچ وجه از ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه ها نباید تخطی شود. البته در عین اینکه از اجتهاد «جواهری» به صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روشهای جدید و علوم مورد احتیاج حوزه های اسلامی استفاده گردد.

بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابی‌ام سفارش می‌کنم که شورای مدیریت حوزه علمیه قم مورد تأیید اینجانب می‌باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳٦۷.

باید طلاب جوان اساتید محترم حوزه راکه در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا آنان بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته های مشروع خود نخواهند رسید. طلاب انقلابی و مبارز، پیشتازان انقلاب اصیل اسلامی مان می‌باشند. چهرهٔ گلگون و روشن فیضیه های ایران در جهان اسلام مرهون زندانها و شکنجه های این عزیزان است.

این مسئله باید در نظر گرفته شود که شورای مدیریت حوزه علمیه قم از خدا می‌خواهند کاری کنند که طلاب عزیز در فراگیری علم و دانش با مشکلات روبه رو نشوند. اگر در بعضی جهات بدین نتیجه نمی‌رسند، لابد در حد توانشان نیست. شعار همیشه از آن کسانی است که وارد گود اجرا نیستند.

از خداوند متعال توفیق سرداران و سربازان علوم اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۸/۲/۱۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰ و ۳۸۱.

منشور روحانیت

▣ پیام «منشور روحانیت»

زمان: ۳ اسفند ۱۳۶۷/ ۱۵ رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران ـ رسالت حوزه‌های علمیه (منشور روحانیت)
مخاطب: روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات دامت برکاتهم

صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابهٔ ناس از شمع حیاتشان گوهر شبچراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال[1] تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.

---

۱. رشته و ریسمان.

سلام بر آنان که تاکشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران[۱] صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پارهٔ پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم خود، اولین قربانیها را بدهد و مُهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند. یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجابها مانده است و در خمانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیّت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی سینه سیاه هوسها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از کَتم[۲] عدمها به وجود نیامده ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم.

اگر فقهای عزیز نبودند

تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجرویها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.

اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و

۱. ترساننده، بیم دهنده.

۲. پنهان کردن، لایه پنهانی و درونی هر چیزی.

اسلام و اهل بیت علیهم السلام به خورد توده‌ها داده بودند. جمع آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و ثبت و تبویب[۱] و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون «کتب اربعه»[۲] و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام این همه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم ؟

در بُعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق همه جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسبتر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است.

روحانیت اسلام، تکیه گاه محرومان

صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی

---

۱. فصل بندی، جدا کردن ابواب .

۲. کتابهای چهارگانه معتبر احادیث فقهی شامل : «التهذیب»، «الاستبصار» (شیخ طوسی)، «من لایحضره الفقیه» (شیخ صدوق)، «الکافی» (شیخ مفید).

و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان[۱] است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخیهایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم زبانها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند. یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند زیاد است.

روحانیّت، پیش کسوت شهادت

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلولهای مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاهت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

---

۱. «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء».

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی ـصلی‌الله علیه و آله و سلم ـ رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چند گاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاکباخته است.

روحانیت متعهد، تشنه به خون سرمایه‌داران زالوصفت

علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه داران و پول پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

عوامل مؤثر در پایداری و محبوبیّت روحانیّت

در ترویج روحانیت و فقاهت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پول‌پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند. مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی،

خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهانخواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟ به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرتها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاهت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با اینهمه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟

کتاب آیات شیطانی، کاری حساب شده برای ریشه‌کنی دین و روحانیّت

مسئله کتاب آیات شیطانی[۱] کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و

---

۱. نویسنده این کتاب، سلمان رشدی، هندی الاصل مقیم انگلیس و عضو «انجمن سلطنتی قلم انگلیس» می‌باشد. در این کتاب وقیحانه به مقدسات اسلام، قرآن کریم و مقام شامخ پیامبر اکرم (ص) در قالب یک رمان مستهجن و ضداخلاقی اهانت شده است. محافل صهیونیستی، دولت امریکا و جهان غرب به حمایت از انتشار این کتاب برخاستند و حضرت امام خمینی با صدور فتوای ارتداد رشدی و وجوب قتل وی و ناشرین کتاب ضد اخلاقی او، به مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان اسلام برخاست و موجی از بیداری و مقاومت در جهان اسلام پدید آورد.

دینداری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهانخواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آنکه حیله و مکر و فریب جهانخواران را بشناسیم. البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعیها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

جدایی دین از سیاست، خدعه استکبار

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارعاب و تهدید چندان کارگر نشد، راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاریتر از اغیار بوده و هست.

هشدار به طلّاب نسبت به نفوذ تفکر جدایی دین از سیاست

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاهت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد و الّا عالم سیّاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه‌رفت متدینتر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک بشمار رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطیٰ می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود. علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی‌مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده لوحان بیسواد، عده‌ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس

صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا باگوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است و هزاران «اِن قُلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.

روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست

اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله باگلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حیله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمتها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می‌دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند.

ضربه خوردن اسلام از مقدسین روحانی نما

آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه السلام که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازهٔ ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز[1] با هماهنگی چپیها و سلطنت طلبان و تجزیه طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه[2] سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت. دسته ای دیگر از روحانی نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یکمرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آنهمه زجر و آوارگی و

---

۱. در سال ۱۳۵۸ طرفداران حزب نوظهور «خلق مسلمان» به بهانه دفاع از آقای شریعتمداری، در شهر قم و تبریز دست به آشوب و بلوا زدند ولی با هوشیاری مردم غیور و مسلمان آذربایجان و قم این توطئه خنثی و حزب مذکور منحل و غیر قانونی اعلام گردید.

۲. در تاریخ ۱۳۵۹/٤/۱۹ ماجرای کودتایی که از مدتها قبل از طریق عوامل سازمان سیاه در ایران تدارک دیده شده بود و در آستانه اجرای عملیات کودتا که طبق آن بیت امام خمینی و مراکز حساس نظام جمهوری اسلام بمباران و تهران به تصرف عوامل وابسته به بیگانه در می‌آمد، به گونه ای معجزه آسا کشف و عوامل کودتا دستگیر شدند. شرح ماجرای کودتا را در کتاب «کودتای نوژه» از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ببینید. نام این کودتا به خاطر انتخاب پایگاه هوایی «نوژه» که قبل از پیروزی انقلاب به پایگاه «شاهرخی» در همدان معروف بود و پس از انقلاب به پایگاه «حر» تغییر نام داد و به واسطه شهادت یکی از افسران، پایگاه به نام «شهید نوژه» نامگذاری گردید، به عنوان اولین پایگاه تجمع و اقدام برگزیده شده بود.

زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس نماهای بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند! دیروز «حجتیه‌ای»ها[1] مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحهٔ مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابیتر از انقلابیون شده‌اند! «ولایتی»های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام امریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرامها و حرام کردن حلالها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیّت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدمهای لامذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بیشعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعنها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست ؟ کار عوام یا خواص ؟ خواص از چه گروهی ؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن ؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.

دشواری برخورد با مقدسین روحانی‌نما

از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد

---

۱. اعضا و وابستگان انجمن حجتیه.

توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه ای به دست دشمنان کار آسانی نیست. با اینکه در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بیجا می‌دهد.

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوءاستفاده نکنند و با موج آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین ننمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهیای مؤاخذه‌ام.

اولین وظیفه شرعی، حفظ اتحاد طلاب و روحانیّت انقلابی

حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است ولی چاره چیست باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود وگرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین‌هایل.

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها و حتی ضعف مدیریتها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریتها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعابیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرتها که همه

مشکلات و نارساییها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعفها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوتها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند.

توفیق انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها

من امروز بر این عقیده ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آنهمه توطئه‌ها و خصومتها و جنگ افروزیهایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می‌آوردند. در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آنهمه خسارات چیزی به دست نیاوردند.

البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری

و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ماکمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به‌دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه اینها از برکت خونهای پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوته نظرند آنهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بیفایده است! در حالی که صدای اسلامخواهی افریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام شناسی مردم در امریکا و اروپا و آسیا و افریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

خودداری از تحلیل غلط برای رضایت لیبرالهای خود فروخته

من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که

احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین علیهم السلام در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر امریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی امریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روشها و تاکتیکها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانی نماها و مقدس مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به

ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.

تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعض تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گر چه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و حرکت به سوی امریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروهها و لیبرالها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تأثیر ترحمهای بیجا و بیمورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به‌گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آنهایی که

دستشان به رادیو تلویزیون و مطبوعات مـی‌رسد و چـه بسـا حـرف‌های دیگـران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم.

مردم را متهم به رویگردانی از انقلاب و روحانیت نکنید

و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر دهها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن حقیقت آمادگی کامل خویش را بـه جـهانیان نشان دادند و واقعاً دشـمنان انـقلاب را شگـفت زده کـردند کـه تـا کـجا حـاضر بـه فداکاری‌اند. من در اینجا خود را شرمنده و کوچکتر از آن می دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم اینهمه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سـفارش و نـصیحت مـی‌کنم کـه در گـفتار و کـلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشتها و تصورات نابجای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند.

اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب دیر بجنبند

مسئله دیگر اینکه امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سـود کـیست ؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را برباد می‌دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر

فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد.

إن شاءالله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند نعوذبالله به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی ننمودند؟ اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و یا آنها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریانی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناحها همیشه تذکرات

تلخ و شیرینی داده ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده ام ولی نگران تقابل و تعارض جناحهای مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق بزن گردد.

نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرحها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و نق زن ید واحده باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می‌کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین علیهم السلام.

تبلیغات علیه روحانیت به منظور نابودی روحانیت انقلاب

اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می‌پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختیها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارساییهاست؛ آن هم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابرهنه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از

روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر امریکا و جهانخواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمینگاهها را بهتر بشناسند.

ویژگی‌های اجتهاد و مجتهد جامع الشرایط در عصر حاضر

اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهارنظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوّت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگیهای

یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شان مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

ترس استکبار از عملی شدن فقه و اجتهاد

هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه[۱] اینقدر جهانخواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد علمی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند مضطرب شده‌اند. من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوییم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که

---

۱. اشاره به حکم وجوب قتل سلمان رشدی مرتد و ناشرین کتاب ضداخلاقی و ضددینی او.

إن شاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود.

کینهٔ دنیای غرب با جهان اسلام و فقاهت

استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می‌نماییم. خیلی جالب و شگفت انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه دار می‌کند عده ای در رابطه با آن شهید می‌شوند برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان دوستی سر می‌دهند. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاهت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضدارزشی است که بنگاههای صهیونیستی و انگلیس و امریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را رو به روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. البته باید ببینیم که بعض دولتها و حکومتهای اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می‌کنند. اینکه دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تاکنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به دستان اجیر شده در آستین فراوان دارد.

آشکار شدن دشمنی دیرینه استکبار، مانع از ساده‌اندیشی

ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و

آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقعگرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند. این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده اندیشی به درآییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهانخواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الّا مسئله فردی سلمان رشدی آنقدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیستها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.

ترس از مقایسه حکم اعدام سلمان رشدی با قوانین دیپلماسی

روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!

کافی نبودن اجتهاد مصطلح برای ادارهٔ جامعه

خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیله گر و شرق متجاوز و فارغ

از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الّا مادامی که فقه در کتابها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

مقدس دانستن کارهای قضایی و اجرایی

نکته آخری که توجه به آن لازم است اینکه روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت درامور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت. امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمتگزار حقیر خود، دلگیر نشده باشید و در مظان استجابت دعا با انفاس قدسیه و با دلهای منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت

اصیل و حوزه‌های علمی غفلت نمی‌کنم.

خداوندا! توان علما و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوندا! حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاهت و اسلام ناب را تا ابد پا برجا بدار. خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بیکران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «انک ولی النعم». والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۳ اسفند ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۳ تا ۲۹۳.

فصل ۹:
پیامهای فرهنگی و تربیتی

▣ پیام رادیو ـ تلویزیونی

زمان: ۳۰ بهمن ۱۳۵۷/ ۲۱ ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: حضور در کلاسهای درس و لزوم تغییر نظام آموزشی   مناسبت: بازگشایی مدارس پس از پیروزی انقلاب
مخاطب: مسئولان آموزش و پرورش و دانش آموزان

بسم الله الرحمن الرحیم

اکنون که مدارس کشور پس از یک مبارزه بزرگ اسلامی دوباره گشوده می‌شود، از دانش آموزان و دانشجویان و معلمان و دبیران و استادان عزیز وفّقهم الله تعالی تشکر می‌کنم و از کارمندان و کارکنان آموزش و پرورش سپاسگزارم. یادآوری این نکته ضروری است که این انقلاب تا رسیدن به نتیجه نهایی ـ که قطع ید امریکا، شوروی، انگلستان و سایر دول استعمارگر است ـ ادامه دارد.

لزوم کوشش هر چه بیشتر در آبیاری نهال آزادی و استقلال کشور

فرزندان عزیزم! دیگر این شمایید که باید هرچه بیشتر کوشش کنید تا نهال آزادی و استقلال کشور را آبیاری کنید. فردای شما فردای دشواری است که اگر مجهز به علم و تقوا و شعور انقلابی اسلامی شدید، پیروزی تان حتمی‌است، و اگر خدای نکرده در این مرحله کوتاهی کنید مسئولیت آن به عهده خود شماست. هرگز اجازه ندهید که عده‌ای معدود، چون گذشته تلخ روزهای استبداد، بر شما حکومت کنند.

اصل دمکراسی اسلامی را فراموش نکنید.

امروز ملت ایران بدون گرایش به چپ و راست قیام نموده است و موفقیتهایی را به دست آورده است که تمام خائنین داخلی و خارجی را به لرزه انداخته است؛ و آنان در کمینند تا هر آن ـ چون گذشته ـ شما را نابود گردانند. به همین جهت باید سعی کنید تا با اتحاد خویش، جامعه اسلامی به وجود آورید؛ جامعه اسلامی که در آن همه آزادانه عقاید خود را ابراز دارند.

اکنون خوشوقتم که شرایط به سود ملت ستمدیده ما دگرگون شده است و همین مسئولیت و تعهدی که در ماههای گذشته ایجاب می‌کرد تا دست به اعتصابات و تظاهرات بزنید امروز ایجاب می‌کند تا کار تحصیلی خود را با کمال جدیت و در محیطی آرام از سر گیرید. دیروز عوامل بیگانه در پی شکستن اعتصابات بودند، و امروز که می‌بینند که جریان کشور در جهت حکومت عدل اسلامی در حرکت است، با شعارهایی ظاهراً انقلابی، رو در روی نهضت اصیل اسلامی ـ انقلابی قرار گرفته‌اند.

من از همه شما می‌خواهم که از امروز اول اسفند ۱۳۵۷ به کلاسها رفته و برای فردای خود سربازانی انقلابی و اسلامی باشید؛ خدا یار شما و یاور شما باد. لازم است تذکرات زیر را بدهم:

اختلاف مانند موریانه خوب و بد را نابود می‌کند

۱ ـ رمز پیروزی ما وحدت کلمه بوده است. اکنون باکمال خضوع می‌خواهم تا از اختلافات دست برداشته و برای فردای خود فکر اساسی کنید، و از هرگونه اختلاف بپرهیزید که چون موریانه خوب و بد را نابود می‌کند؛

لزوم تغییر اساسی کتابهای درسی و تدوین دروس انقلابی و اسلامی

۲ ـ کتابهای درسی را، چه دبستانی و چه دبیرستانی و چه دانشگاهی، تغییر اساسی داده و آنچه از عکس و مطالبی که به نفع استعمار و استبداد است تصفیه کنید؛

و دروس انقلابی و اسلامی که بچه های ما را بیدار و جوانان ما را مستقل و آزاده بارآورد جایگزین آن کنیم.

من چشم امیدم به شماست

۳ـ باید در سراسر ایران با پاکسازی آموزش و پرورش از آثار فرهنگ استعماری، محیطی به وجود آورید که اطفال ما را شیر بچگانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه امریکا و صهیونیست و سایر چپاولگرهای شرق و غرب نشسته اند، تربیت کنید. و مطمئن باشید که خمینی تا قطع ریشه‌های استعمار چپ و راست همسنگر شماست؛ و رسالت اسلامی هر فرد مسلمان تا مرگ ادامه دارد. من چشم امیدم به شماست.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.(۱)

▣ پیام

زمان: ۳۱شهریور ۱۳۵۸/ ۳۰شوال ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: کوشش اجانب برای زدودن محتوای اسلامی از برنامه های فرهنگی و علمی
مناسبت: فرارسیدن آغاز سال تحصیلی مخاطب: استادان، دانشجویان و دانش آموزان

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمای ملت به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می‌باشند.

سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدفهای انسانی اسلامی از هیچ زحمت و کوشش دریغ ندارند. سلام بر دانشجویان و استادانی که در سالهای طولانی اختناق با محرومیتها و شکنجه های روحی و جسمی مواجه، و با شجاعت و شهامت در مقابل استبدادها و

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۹۳ تا ۱۹٤.

قلدریها ایستاده و تسلیم قدرتهای شیطانی نشده‌اند.

سلام بر عزیزانی که در نهضت اسلامی و انقلاب بزرگ ملت در سخت ترین شرایط از محرومین و مستضعفین دفاع، و از تهاجم و یورش جنود ابلیسی به مراکز علم و ادب نهراسیده و با آنان با فداکاری مقابله کردند.

و سلام به همه قشرهای دانشجو، از اطفال دبستانی و جوانان دبیرستانی و دانشمندان و استادان و دانشجویان دانشگاهی سراسر کشور، که مکانهای علمی‌و مقدس خود را به صورتهای دژهایی مستحکم و سنگرهای شکست‌ناپذیر درآورده، و از استقلال و آزادی میهن عزیز خود دفاع نموده؛ و سنگرهای شیطانی را با پشتیبانی ملت بزرگ در هم شکسته؛ و دشمن خونخوار را دفن کردند.

اکنون ای خواهران و برادران و فرزندان عزیز اسلام! با باز شدن دانشگاهها و دبیرستانها و دبستانها در موضع حساس و سرنوشت سازی هستید. و دشمنان اسلام و غارتگران کشور با توطئه ها و نیرنگها می‌خواهند در این سنگر عظیم، که امید ملت و مرکز سرنوشت کشور است، رخنه نموده؛ و با عمال خود، شما را از راه خود که راه حق و راه محرومین و مستضعفین است منحرف، و با اخلالگری در مراکز علم، شما را از هدف بازدارند. لازم می‌دانم نکاتی چند را با شما عزیزان در میان گذارم، باشد که قسمتی از دین خود را به اسلام و طبقه محروم و شما عزیزان ادا نمایم؛ و از زیر بخشی از مسئولیتهای خود نزد خالق و خلق بیرون آیم :

وابستگی فکری، بزرگترین وابستگیها

۱ ـ همان طور که کراراً تذکر داده ام بزرگترین وابستگی ملتهای مستضعف به ابرقدرتها و مستکبرین؛ وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگیها از آن سرچشمه می‌گیرد. و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از

زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمند و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است]، و ما در همه ابعاد فقیر هستیم، و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاهها و دانشسراها، و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید. و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید.

بی اعتنایی به فتنه جویان

۲ـ در آغاز باز شدن دانشگاهها و دانشسراها و دبیرستانها و دبستانها ممکن است اشخاصی یا گروههایی بخواهند با اسمهایی و تبلیغاتی فریبنده در کار دانشگاهها اخلال کنند، و از رفتن سر کلاسها جلوگیری نمایند. عزیزان دانشگاهی و محصلین سایر مدارس با بی اعتنایی و سردی با آنان مواجه شوند، و توطئه آنان را خنثی نمایند. و بدانند که از اول انقلاب تاکنون، هم اینان بودند که از مسیر ملت جدا و در مسیر طاغوت، و از انقلاب اسلامی برکنار یا بر ضد آن فعالیت می‌کردند. هم اینان بودند که از رفراندم می‌خواستند جلوگیری کنند. و هم ایناناند که از رأی اکثریت قریب به اتفاق ملت سرپیچی می‌کنند. اینان با ملت و مصالح کشور مخالف، و وابسته به شرق و غرب و رژیم سابق هستند. به تبلیغ آنان گوش فرا ندهید؛ و از آنان احتراز کنید، همانند احتراز از طاغوت و رژیم طاغوتی.

رمز پیروزی، اتحاد گروههای دانشجویی

۳ـ آنچه کراراً تذکر داده‌ام، و رمز پیروزی است؛ اتحاد گروههای دانشجویی و تشکیل یک گروه اسلامی ملی است در مقابل منحرفان که کوشش دارند تفرقه

بیفکنند، و شما جوانان عزیز را که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم بردارید، و به علم و ادب که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است اشتغال پیدا کنید. و باید بدانید اختلاف و تفرقه سرچشمه تمام بدبختیها و اسارتهاست. ممکن است عناصر فاسدی در دانشگاه و سایر مدارس در بین جوانان ما نفوذ کنند و با برنامه‌ای حساب شده تفرقه افکنی کنند. لازم است با هوشیاری آنان را شناسایی کنید و بشناسانید، که جوانان عزیز ما از توطئه آنان مطلع شوند، و در راه خنثی نمودن آن کوشا شوند.

کوشش در علم آموزی و کسب تخصص ها

۴ ـ باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد؛ که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود. مع الأسف در دوران گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند؛ و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آیید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید. و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید، و از اتکال به اجانب بپرهیزید؛ و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. و از هیاهوی غرب و غربزدگان نهراسید که خداوند متعال با شماست.

چگونگی برخورد باپیروان سایر مکتب‌ها

۵ ـ اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است؛ و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد، و از طرح مکتبهای دیگر، که انحراف آنها در محیط خود آن مکتبها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد. شما دانشجویان محترم! نباید با پیروان مکتبهای دیگر با خشونت و شدت، رفتار و درگیری و هیاهو

راه بیندازید. خود با آنان به بحث و گفتگو برخیزید، و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید با آنان در بحث بنشینند، تا تهی بودن دست آنان ثابت شود. و اگر آنان با جنجال و هیاهو با شما مواجه شدند، از آنان اعراض کنید؛ و با خونسردی بگذرید که یکی از نقشه های آنها آن است که شما را به درگیری بکشند و از آن استفاده غیر مشروع کنند. ما با آزادی و منطق موافق، ولی اگر توطئه و خرابکاری باشد، تکلیف دیگری داریم. و از خداوند متعال خواستارم که کار به آنجا نکشد.

ضرورت تغییرات بنیادی در مراکز آموزشی

۶ ـ یکی از مسائل بسیار مهم در تمام دستگاهها، خصوصاً دانشگاهها و دبیرستانها، تغییرات بنیادی در برنامه ها، و خصوصاً برنامه های تحصیلی، و روش آموزش و پرورش است، که دستگاه فرهنگ ما از غربزدگی و از آموزشهای استعمار نجات یابد. اجانب، خصوصاً آمریکا، در نیم قرن اخیر کوشش داشتند و دارند فرهنگ و برنامه های فرهنگی و علمی‌ما را از محتوای اسلامی انسانی ملی خود خالی، و به جای آن فرهنگ استعماری استبدادی بنشانند. فرهنگ زمان طاغوت، کشور ما را تا لب پرتگاه سقوط کشاند؛ و خداوند تعالی به داد این کشور اسلامی رسید، ولی بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی‌امکان تحول فکری و روحی نیست. و باید با کوشش همه جانبه از طرف دولت و رؤسای دانشگاهها و فرهنگیان و جوانان دانشجو به مقصود نزدیک شویم؛ و ان شاءالله تعالی از پیوستگی و وابستگی نجات پیدا کنیم، و کشور عزیزمان را نجات دهیم.

لزوم پاکسازی مراکز فرهنگی ـ علمی‌از عناصر فاسد

۷ ـ از مسائل مهم، که مقدمه اصلاحات است، پاکسازی همه مراکز، خصوصاً مراکز فرهنگی و علمی‌است. و باید با شوراهایی مرکب از اشخاص دانشمند، متعهد، و مؤمن به انقلاب، و پشتیبانی رؤسا و استادان و دانشجویان و معلمان، مراکز علمی‌و

تربیتی از عناصر فاسده و خدمتگزاران و سرسپردگان به رژیم سابق تصفیه شود؛ زیرا تا این عناصر که به طور خودکار در خدمت اجانب هستند در سطح وسیع کشور، خصوص مراکز علمی و تربیتی، تصفیه نشوند، نخواهیم توانست از استقلال فکری و درونی نجات پیدا کنیم؛ و در نتیجه نخواهیم توانست در هیچ یک از ابعاد مستقل باشیم.

وحدت حوزه و دانشگاه

۸ـ مراکز علمی و فرهنگی قدیم و جدید و روحانیون و دانشمندان فرهنگی و طلاب علوم دینیه و دانشجویان دانشگاهها و دانشسراها دو قطب حساس و دو مغز متفکر جامعه هستند.

و از نقشه های اجانب کوشش در جدایی این دو قطب و تفرقه اندازی بین این دو مرکز حساس آدم ساز بوده و هست. جدا کردن این دو مرکز، و در مقابل یکدیگر قرار دادن آنها، و در نتیجه خنثی کردن فعالیت آنها در مقابل استعمار و استثمارگران، از بزرگترین فاجعه های عصر حاضر است. فاجعه ای که ما و کشور ما را تا آخر به تباهی، و نسل جوان ما را که از زمره زنده‌ترین مخازن کشور است به فساد می‌کشد. این توطئه شیطانی طاغوتی را، که اکنون قشرهای ملت و خصوصاً دانشمندان بیدار بدان توجه کرده اند، باید با به کار بردن تمام تدبیر و توان خنثی کرد؛ و راه تفاهم و اتحاد را هرچه سریعتر و سریعتر باز نمود. با وحدت این دو قطب متفکر کشور عزیز به رشد واقعی و ترقی و تعالی حقیقی می‌رسد. علما و دانشمندان این دو مرکز لازم است کوشش کنند در پیوند دادن این دو قشر عزیز. و باید بدانند که نه دانشگاهی بدون روحانی می‌تواند به استقلال برسد؛ و نه روحانی بدون دانشگاهی.

عزیزان من! اگر اسلام را می‌خواهید و کشور را، به فرمان خدای متعال گوش فرا دهید و اطاعت کنید که می‌فرماید: ﴿و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و

تذهب ریحکم﴾[۱] اختلاف و نزاع، شما را به شکست مـی‌کشد و قـدرت را از شـما سلب می‌کند، و رنگ و بوی شما را در جوامع بشری می‌برد. ﴿واعـتصموا بـحبل الله جمیعا و لاتفرقوا﴾[۲].

از خداوند تعالی توفیق همگان را در بـه ثـمر رسـاندن جـمهوری اسـلامی و بپاداشتن عدل و قسط خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ پیام

زمان: ۳۱شهریور ۱۳۶۰/۲۳ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: آثار و پیامدهای فرهنگ مستقل و فرهنگ وابسته مناسبت: آغاز سال تحصیلی
مخاطب: دانش آموزان، دانشجویان، جوانان، معلمان و استادان

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستانه گشایش مدارس و ورود دانش آموزان عزیز در محیط علم و دانش لازم است تذکراتی به فرزندان عزیز و مادران و پدران محترم و ملت معظم ایران داده شود.

فرهنگ، والاترین عنصر تشکیل دهنده هویّت و موجودیّت جامعه

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هـر جـامعه دخـالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی،

---

۱. سوره انفال، آیه ٤٦: «و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع را نپویید، که در اثـر تفرقه، ترسو و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد».

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۸ تا ۸۳.

سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالأخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.

استقلال فرهنگی، اساس استقلال و موجودیّت جامعه

استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد، و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربیها و اخیراً امریکا و شوروی قرار گرفت. و زبانها و قلمهای غربزدگان و شرقزدگان آگاهانه یا ناآگاه و اساتید غربزده و شرقزده دانشگاهها در طول مدت تأسیس دانشگاهها و خصوصاً دهه های اخیر این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام دادند، هر چند در بین ارباب قلم و زبان و اساتید، اشخاص متعهد و متوجهی بودند و هستند که برخلاف آن مسیر بودند و می‌باشند، لکن مع الأسف در اقلیت چشمگیر بودند.

فاجعه تسلیم کشور به ابرقدرتها، نتیجه آموزشهای غربی و شرقی

هجوم دانشجویان پس از طی کردن دوره های تحصیلی با آموزشهای غربی و شرقی در دبیرستانها و دانشگاههای ایران به سوی غرب و احیاناً شرق که رهاوردی جز فرهنگ غربی و شرقی نداشت چنان فاجعه ای به بار آورد که همه ابعاد جامعه ما را بی قید و شرط وابسته بلکه تسلیم به ابرقدرتها کرد؛ به طوری که جامعه ما با ظاهری ایرانی اسلامی محتوایی سرشار از غرب و شرقزدگی داشت. و مع الأسف پس از

گذشت سه سال از پیروزی انقلاب و مقاومت و ایستادگی جمهوری اسلامی در مقابل شرق و غرب و مکتبهای انحرافی آنان و وفاداری این جمهوری به اسلام به عنوان نفی‌کننده جمیع وابستگیها و انحرافات، باز گرفتار گروهها و گروهکهای وابسته به یکی از دو قطب و سرسپرده مکتبهای انحرافی و وابسته به یکی از آنان می‌باشیم. و نیز مواجهیم با افرادی از این منحرفین که در مراکز تربیت و تعلیم نفوذ کرده اند و با مجال دادن به آنان، خطر به انحراف کشیدن جوانان و نونهالان بسیار است؛ که خدای ناکرده با انحراف و وابسته شدن فرزندانمان به فرهنگ غرب یا شرق، تمام ابعاد جامعه یا وابسته و تسلیم غرب خواهد شد و یا شرق؛ و تمام کوششها و زحمات ملت و خون جوانان و عزیزان آنان به هدر خواهد رفت.

پاکسازی آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها از لوث وجود عمال استعمار

اکنون بر دانش آموزان و دانشجویان عزیز و اساتید و معلمان متعهد است که با تمام توان و قدرت در شناسایی عوامل فساد کوشش کنند و محیط آموزش و پرورش را از لوث وجود آنان پاک نمایند. و گمان نشود که این نفوذ فقط برای انحراف دانشگاههاست ، که منحرفین و منافقین برای نفوذ در دبیرستانها بلکه دبستانها اهمیت بیشتری قائلند، تا جوانان را برای انحراف دانشگاهها مهیا کنند. آنان می‌دانند اگر نوباوگان در مراکز آموزش، تربیت صحیح شوند و حیله های استعمارگران را احساس و توطئه های همه جانبه آنان را لمس کنند، در دانشگاه برای عمال استعمار توفیق کمتری حاصل می‌شود؛ و لهذا در دبستانها و دبیرستانها و قبل از ورود به دانشگاهها در ساختن جهاز استعماری شرق و غرب برای ورود به دانشگاه اهمیت خاصی احساس می‌کنند. از این روست که باید دستگاههای آموزشی متعهد و دلسوز برای نجات کشور اهمیت ویژه ای در حفظ نوپایان و جوانان عزیزی که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت صحیح آنان است قائل باشند؛ و نیز از این

روست که نقش معلمان و اساتید در تربیت و تهذیب دانش آموزان و دانشجویان به عنوان اساسی ترین و مؤثرترین نقش مطرح می‌گردد. و همه دیدید که گرایش آنان به شرق و غرب برای کشورمان چه فاجعه ها آفرید و دانشگاهها را به صورت دژ محکمی‌برای خدمت به شرق و غرب درآورد و اکثریت قاطع غرب و شرقزدگان این مملکت را به عنوان فارغ التحصیل تحویل جامعه داد. اکنون بر معلمان متعهد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا باکوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاهها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه، بر فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند؛ و بر اساتید متعهد است تا با باز شدن دانشگاهها در صورت مشاهده انحراف و گرایش جوانان به یکی از دو قطب قدرت و مکر، آنان را به توطئه ها و شیطنتها آگاه کنند و جوانانی متعهد نسبت به مصالح کشور و آگاه به اهداف اسلام تحویل جامعه دهند و مطمئن باشند که با این خدمت، استقلال و آزادی کامل میهن عزیزشان تضمین خواهد شد. و از این روست که نقش خانواده و خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است؛ و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسانتر خواهد بود.

تربیّت اسلامی در خانواده، پایه گذار استقلال و آزادی کشور

اساساً تربیت از دامان پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می‌شود. امروز باید پدران و مادران مواظب رفتار فرزندان خویش باشند که در صورت مشاهده حرکات غیرعادی آنان را نصیحت نمایند تا گول منافقین و منحرفین را نخورند؛ که در این صورت سعادت دنیوی و اخروی آنان تباه می‌گردد.

مادران و پدران باید توجه داشته باشند که سنین دانش آموزی و دانشگاهی

سالهای شور و هیجان فرزندانشان می‌باشد و با اندک شعاری جذب گروهها و منحرفین می‌شوند. و نیز جوانان دبیرستانی با هوشیاری کامل توجه داشته باشند که عمال اجنبی آنان را، حتی با اسم اسلام راستین به دام شرق و غرب نیندازند، و توجه کنند آنان که از اسلام راستین دم می‌زنند خودشان از اسلام چه می‌دانند و از قوانین و احکام اسلام چه اطلاعی دارند و به اوامر و نواهی قرآن کریم و اسلام بزرگ تا چه اندازه پایبند هستند.

لزوم هوشیاری جوانان در برابر مدعیان دروغین اسلام‌شناسی

جوانان عزیز دبیرستانی و دانشگاهی توجه کنند که سران و سردمداران گروهها که می‌خواهند با اسم اسلام پایه های آن را سست کنند و جوانان را به دام اندازند هیچ اطلاعی از اسلام و اهداف قوانین آن ندارند؛ و با خواندن چند آیه از قرآن و چند جمله از نهج البلاغه و تفسیرهای جاهلانه و غلط نمی‌شود اسلام شناس شد. اینان با تفسیر انحرافی چند جمله و چند آیه، آیات و جملات صریح را که مخالفت واضح با مرام انحرافی و التقاطی آنان دارد انکار می‌نمایند، و در حقیقت تمسک به قرآن و نهج البلاغه برای کوبیدن اسلام و قرآن است تا راه را برای رهبران غربی و شرقی خود باز کنند، و شما جوانان عزیز و سرمایه های کشور را بر ضد مصالح کشور خودتان بسیج نمایند.

ای جوانان عزیز، هوشیار باشید و با تفکر و تعقل فعالیت این منافقین بلندگوی غرب و منحرفین بلندگوی شرق را بررسی نمایید. امروز بزرگترین دلیل بر بطلان راه آنان همبستگی تمامی‌نیروهای ضدانقلاب و کوشش همه آنان در مخالفت با جمهوری اسلامی است که خواست ملت می‌باشد، و ملت مجاهد و شریف جان خود و فرزندان عزیز خود را فدای تحقق آن کرده و می‌کنند. اینان همان اندازه در دعوی اسلامی بودن خود صادقند که در دعوی مخالفت با غرب و امریکا؛ که اکنون

صداقتشان در دامن غرب و طرفداری بی چون چرای غرب از آنان به ثبت رسید.[۱] و همان اندازه در دعوی طرفداری از ملت، راستگو که صداقتشان در کشتار خلق مستضعف و آتش زدن اموال ملت و غارت بانکها ثابت گردید. اینان از اول تاکنون اسلام را وسیله اهداف شوم خودکرده و قرآن و نهج البلاغه را به بازی گرفته و جوانان پاکدل را به دام خود انداخته بودند تا جوانی شان را در راه اهداف استعماری آنان به تباهی کشند. و باز تأکید می‌کنم پدران و مادران این کودکان معصوم و جوانان بی‌تجربه کوشش کنند و جوانان و عزیزان خود را از این مهلکه که دنیا و آخرت آنان را تباه می‌کند نجات دهند. و ملت مبارز و متعهد با هوشیاری و پشتکار، جوانان و نونهالان را که سرمایه و مخازن ارزشمند کشورند از شراین منحرفین امریکایی نجات دهند. فردا ان شاءالله تعالی دبستانها و دبیرستانها و مراکز نوآموزها باز و به کار مشغول می‌شوند، و به خواست خداوند بزودی شاهد بازگشایی دانشگاهها خواهیم بود. و دانش آموزان بدانند که گوش دادن به مقاصد شوم منافقان و منحرفان، آنان را از مدارس محروم خواهد کرد و اجازه اخلال در امور مدارس به کسی داده نخواهد شد. از خداوند متعال بیداری و هوشیاری هر چه بیشتر نسل جوان را خواستار و رشد و تعالی علمی و اخلاقی آنان را خواهانم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. اشاره به فرار رئیس جمهور مخلوع «ابوالحسن بنی صدر» و سران سازمان تروریستی منافقین، و پناه دادن کشورهای اروپایی به آنان و حمایتهای همه جانبه غرب از منافقین و دیگر مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۳ تا ۲۴۷.

▣ پیام

زمان: ۷دی ۱۳۶۰ / ۱ربیع الاول ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: هجوم جهانخواران به فرهنگ و ادب کشور
مخاطب: فرهنگیان و مسئولان و دانشجویان مراکز تربیت معلم

بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف اداره کل تربیت معلم در رابطه با شروع کار آموزش معلمین و مدرسین سراسر کشور گزارش رسید که در آن از اینجانب خواسته شده بود تا کلمه‌ای در این مورد داشته باشم. ضمن تشکر از زحمات مسئولین لازم است اهمیت موضوعی را که کراراً گوشزد کرده ام، تکرار نمایم.

هجوم به فرهنگ کشورها، بهترین راه برای سلطهٔ جهانخواران

تردیدی نیست که جهانخواران برای به دست آوردن مقاصد شوم خود و تحت ستم کشیدن مستضعفان جهان راهی بهتر از هجوم به فرهنگ و ادب کشورهای ضعیف ندارد. زیرا با تربیت غربی یا شرقی معلم و استاد است که دبستانها و دبیرستانها محلهایی می‌شوند مجهز برای تربیت غربی یا شرقی جوانهایی که دولتمردان و دست اندرکاران آتیه کشورهایند. و با این گونه تربیت است که جوانان با گرایش به یکی از دو قطب قدرت، راه را برای مستکبرین جهان در به دام کشیدن کشورهای مستضعف به صورتی شایسته و بدون زحمت و دستیازی به سلاح های نظامی زنگزده باز می‌نمایند. برای آنان چه راهی بهتر از آنکه با دست قشری از بومی‌های هر کشور، ملتها را بی سر و صدا بلکه باشوق و رغبت به سوی مقاصد آنان کشیده تا دسترنج ملتها و ذخایرکشورها را با عرض ارادت و ادب و قبول منّت از اربابان تقدیم آنان نمایند.

اساتید منحرف و غربزده، برپادارندگان سلطهٔ ابرقدرتها

ضربه‌های مهلکی که بر کشور مظلوم ما در این پنجاه سال اخیر از دانشگاهها و

اساتید منحرفی که با تربیت غربی بر مراکز علم و تربیت حکمفرما بودند وارد آمد از سر نیزه رضاخان و پسرش وارد نشد. البته اساتید و معلمان متعهدی بودند، لکن زمام امور در دست آنان نبود. ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شر تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودیها نجات نخواهیم یافت. اینان برپا دارندگان سلطه ابر قدرتها هستند و سر سپردگانی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند، و هم اکنون با تمام ورشکستگیها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی برنمی‌دارند. ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دامهای شیطنت آمیز قدرتهای بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند چاره ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند؛ و این میسر نیست جز با دست اساتید و معلمان متعهدی که در دبستانها تا دانشگاهها راه یافته اند و با تعلیم و کوشش در رشته‌ها مختلف علوم و تربیت صحیح و تهذیب مراکز تربیت و تعلیم از عناصر منحرف و کج اندیش، نوباوگان را که ذخایر کشور و مایه امید ملت اند، همدوش با تعلیم در همه رشته‌ها به حسب تعالیم اسلامی تربیت و تهذیب نمایند و علوم اسلامی را که مربی اخلاق و مهذب نفوس[1] است به دست کارشناسان اسلامی داده تا نوباوگان و جوانان عزیز را بدین مکتب جامع روانبخش آشنا و از تعلیمات علمی و عملی آن برخوردار سازند. و به یقین بدانند که اسلام مکتبی است که انسانها را به گونه ای می‌سازد که به جز حق و مبدأ خلق به هیچ مکتبی تسلیم نشوند و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نگردند، و مسئله کشور خود را با هیچ انگیزه‌ای از دست ندهند، و از استقلال و آزادی خویش و سایر بندگان خدا بی‌هیچ طمع و خوفی دفاع کنند، و از خودخواهیها و کوته بینیها که منشأ بدبختی و گرفتاریها است اجتناب کنند. و شما عزیزان که دامن به کمر زده و در راه تربیت معلم قدم بر می‌دارید از عمق ارزش

---

۱. تهذیب کننده نفسها.

کار خود آگاه باشید و در راه این هدف مقدس از هیچ کوششی دریغ نورزید، و خود را وقف خدا و بندگان او نمایید و بدانید که خداوند با شماست و به شما توفیق خواهد داد. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ پیام

زمان: ۱ مهر ۱۳۶۱ / ۵ ذی‌الحجه ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: تربیت صحیح منشأ استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی است
مناسبت: آغاز سال تحصیلی
مخاطب: رؤسای دانشگاهها، مراکز تربیت معلم، فرهنگیان و دانشگاهیان

بسم الله الرحمن الرحیم

اکنون که با تأیید خداوند متعال و توجه خاص بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء مراکز آموزش از دبستانها و دبیرستانها گشایش می‌یابد، و مراکز سرنوشت ساز کشور و جمهوری اسلامی به فعالیت بر می‌خیزند، تذکراتی را که کراراً داده ام، به علت اهمیت موضوع، شایسته تکرار می‌دانم.

اینجانب خود را مسئول اسلام و ملت محترم می‌دانم تا در این امر حیاتی باز تأکید و پافشاری نمایم. امیدوارم همه دست اندرکاران امور تربیتی و آموزشی و تمام دولتمردان جمهوری اسلامی و همه روشنفکران متعهد و گویندگان و نویسندگان، و بالأخره فرد فرد ملت ایران که نزد خداوند قهار مسئول هستند، در این امر که در رأس امور است، نه تنها سهل انگاری و مجامله ننمایند؛ که با جدیت و پشتکار برای هر چه غنیتر و بهتر شدن اساس آموزش و پرورش اقدام نمایند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ٤٤٦ تا ٤٤٧.

لزوم انتخاب معلمان و دبیران از اشخاص صالح و متعهد

۱ ـ باید سعی شود متصدیان امور تربیتی از مرتبه ابتدایی تا آخر از اشخاص صالح و متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی انتخاب شوند؛ افرادی که هیچ گونه گرایش به مکتبهای انحرافی شرق و غرب نداشته باشند. دانش‌آموزان عزیز با کمال دقت و بیطرفی اعمال و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند؛ که اگر خدای نکرده در یکی از آنان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات مسئول گزارش نمایند. و خود دبیران و معلمین با هشیاری مواظب همکاران خود باشند تا اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال تدریس به فرزندان میهن اسلامی مان القا کنند، از آنان جلوگیری نمایند؛ و در صورتی که فایده ای نبخشید با قاطعیت، مطلب را با مسئولان در میان بگذارند. ایران امروز دیگر تحمل افکار غربزده و شرقزده مشتی خائن را ندارد. ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم؛ که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. استادان عزیز باید خود این اعتقاد را بیابند که تنها فرهنگ ایران اسلامی است که نجاتبخش کشور و ملت ما می‌باشد.

معلمان عزیز خود بهتر می‌دانند که فرهنگ استعماری در زمان این پسر و پدر چه به روز این کشور و ملت آورده است. به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. فرزندان عزیزتان را در سر کلاسها به صورتی تربیت نمایید که وقتی فارغ التحصیل می‌شوند جوانان برومندی تحویل جامعه گردند، که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند از ابرقدرتهای شرق و غرب و شرقزدگی و غربزدگی است.

مراقبت دبیران و معلمان از دانش‌آموزان

۲ ـ دبیران و معلمان و به طور کلی استادان، سخت از دانش آموزان مواظبت نمایند تا گروهکهای چپی روسی و امریکایی و منافقین امریکایی آنان را فریب

ندهند. فرزندان عزیزم خود از یکدیگر به بهترین وجه مراقبت نمایند، و در صورتی که مشاهده کردند که بعضی از دشمنانشان در لباس دوست و همشاگردی می‌خواهند آنان را جذب گروه خود کنند، به مقامات مسئول معرفی نمایند و سعی کنند این کار خود را به صورتی مخفی انجام دهند. فرزندان عزیزم، شما خوب می‌دانید که مقدرات جمهوری اسلامی در آینده به شما سپرده‌می‌شود. از خود و دوستان کاملاً مراقبت نمایید تا در ابعاد مختلف، چه بعداعتقادی و چه ابعاد دیگر، صراط مستقیم را بپیمایید، زیرا گرایش به یکی از مکتبهای انحرافی و نیز وابستگی فکری و عملی به غرب و شرق اگرچه بسیار کوچک، نه تنها خودتان را نابود می‌کند، که در صورت سهل انگاری ولو در دراز مدت به دیگران سرایت خواهد کرد، و همه ما در پیشگاه خداوند متعال و نسلهای آینده مسئول خواهیم بود. باید توجه داشته باشید که نفوذ منافقین و دیگر خرابکاران و افراد منحرف در دبیرستانها و دیگر مراکز تعلیم و تربیت موجب تباهی اسلام است و مسئول آن، همه دست اندرکاران امور تربیتی خصوصاً دبیران و معلمان و دانش آموزان حزب اللهی می‌باشند.

هدف بزرگ استعمارنو، به دست گرفتن مراکز علمی و تربیتی

همه می‌دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام، بعد از توده‌های مردم در دست طبقه تحصیلکرده است، و هدف بزرگ استعمار نو به دست گرفتن مراکز این قشر است. کشور ما در دهه های اخیر هر چه صدمه دیده و رنج کشیده است از دست خائنین این قشر بوده است. وابستگی به شرق و غرب توسط غربزدگان و شرقزدگان و به اصطلاح روشنفکران که از دانشگاهها برخاسته‌اند ولی چارچوب فکریشان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است، به فرهنگ، دین و کشورمان صدمه های بیشمار زده اند؛ چراکه این افراد برای تکمیل وابستگی به شرق و غرب و اخیراً امریکا هر کاری که توانسته اند به نفع آنان انجام دهند دادند. چون

درس خوانده بودند با کوله بار غربزدگی و شرقزدگی چون دزدانی که با چراغ آیند، برای اربابان و کعبه های آمالشان‌گزیده تر کالاها را انتخاب کردند. گرچه ما مسئول آنچه در آن روزگاران بر ملتمان رفته است نیستیم، لکن امروز رئیس جمهور و دولت و مجلس شورای اسلامی و تمامی متصدیان امور تربیتی در مقابل خداوند قادر و توده های ملت و دولت و مجلس شورای اسلامی و تمامی‌متصدیان امور تربیتی در مقابل خداوند قادر و توده های ملت مستضعف مسئول هستیم. کلکم راع و کلکم مسئول[1] و باید بدانیم که از مسئولیتهای بسیار بزرگ، مسئولیت دینی و ملی است، مسئولیت در مقابل مستضعفان و مظلومان است، و بالأخره مسئولیت در پیشگاه خالق و خلق، آن هم در طول تاریخ آینده.

سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام و استقلال فرهنگی ملت و کشور

مسامحه و سهل انگاری در تعلیم و تربیت خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد. امروز دانش آموزان باید سعی کنند تاریخ انقلاب اسلامی مان را و نقش وحدت بین خودشان و دانشگاهیان را با روحانیون بیاموزند؛ زیرا اگر روحانیون، شما را و شما، روحانیون را بشناسید و با هم تفاهم کنید، مطمئن باشید که جناحهای غربزده و شرق‌زده از منافقان و چپگرایان و دیگر خرابکاران و منحرفان بر شما و کشور اسلامی‌تان طمع نخواهند کرد؛ و اگر هم طمع کنند، با شکست قطعی مواجه خواهند شد.

و بدانید که بی انگیزه نبوده است که رژیم سابق از شاعران و نویسندگان و سخنگویان و شایعه سازان و روزنامه نگاران وابسته برای تفرقه بین این دو گروه استفاده می‌کردند، که متأسفانه آنچنان در این امر موفق شدند که این دو قشر دشمن

---

۱. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «همه شما (چونان) شبانید و همه تان مسئول».

سرسخت یکدیگر شدند، و رفت و آمد هر گروه در محیط دیگری ممنوع اعلام شده بود، و هیچ یک چشم دیدن دیگری را نداشت. و این اختلاف را رضا خان و پسرش دامن زدند تا کشور ایران را در تمامی ابعاد وابسته به قدرتها کردند، و آنچنان مردم را از خود و فرهنگ خود و فرهنگ غنی اسلام بیگانه کردند که در هر چیز، خود را به بیگانگان محتاج و خویشتن را فاقد همه ارزشها می‌دانستند. و این فاجعه موجب گردید تا کشور و اسلام بزرگ را عقب نگه دارند و به سر این کشور و ملت، آن آمد که همه می‌دانید که جبران آن محتاج به فعالیت همه جانبه شبانه روزی ملت و دولت و شما می‌باشد. و امید است تا با هماهنگ شدن همگان و راهنماییهای متفکران و عالمان متعهد و بیرون راندن یأس و ناامیدی از خود و یافتن خویشتن خویش و فرهنگ عظیم خود، بزودی به استقلال کامل دست یابیم، و ملت مظلوم بتواند به مدارج عالیه معنوی و مادی خود برسد.

لزوم مراقبت خانواده‌ها از فرزندان

۳ـ مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهای فرزندانشان سخت مراقبت نمایند و آنان را زیر نظر بگیرند تا خدای ناکرده صید منافقان امریکایی و منحرفان روسی نگردند، و وضع درسی آنان را دنبال کنند، چرا که نقش مادران و پدران در حفظ فرزندانشان در سنین دبستان و دبیرستان بسیار مهم و ارزشمند است.

باید توجه داشته باشند که فرزندانشان در سنینی هستند که با یک شعار گمراه کننده فریب می‌خورند و خدای ناکرده به راهی قدم می‌گذارند که جلوگیری از آن از هیچ کس ساخته نیست. مادران و پدران توجه داشته باشند که آنان از همه کس مؤثرتر برای نجات فرزندانشان از گرداب جهل و فساد می‌باشند. به همین جهت، دلسوزانه و متعهدانه با اساتید فرزندانشان در تماس باشند و آنان را در این مهم یاری دهند و از آنان یاری گیرند. امیدوارم این نونهالان، استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و

نظامی فردای ما را تأمین کنند، و ما را از شر ابرقدرتها نجات دهند و پایه گذاران جهان سوم راستین گردند.

امید است با تأیید خداوند متعال و اعتماد به قدرت ایمان و عنایت حضرت بقیة الله روحی لمقدمه الفداء طرق غیبی به روی همه باز و راه سعادت و ترقی روحی و جسمی بر همگان گشاده گردد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱ تا ۵.

فصل ۱۰:
مقام زن

▣ پیام رادیو ـ تلویزیونی

زمان: ۲۶اردیبهشت ۱۳۵۸/ ۱۹جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: مقام و منزلت حقیقی زن مخاطب: ملت مسلمان ایران
مناسبت: میلاد مسعود حضرت فاطمه (س) و روز زن

اعوذبالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطمه زهرا عليها السلام، تمام نسخهٔ انسانیت

فردا روز تولد صدیقهٔ طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها است؛ روز زن است. تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا سلام الله علیها جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی بوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخهٔ انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. پس، فردا روز زن است. تمام هویتهای کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد ـ تمام ـ در این زن است. و فردا همچو زنی متولد می‌شود؛ زنی که تمام خاصه‌های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به

جای رسول الله بود. پس، فردا روز زن است؛ تمام حیثیت زن و تمام شخصیت زن فردا موجود شد. معنویات، جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، جلوه‌های مُلکی و ناسوتی ـ همه ـ در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان؛ زنی است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفه است؛ چنانچه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعی نازلترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه زن است و نازلترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره این مسائل، این معانی حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه‌ای که دست همه از او کوتاه است. پس، فردا تمام جلوه زن تحقق پیدا کرده است؛ و زن به تمام معنا متحقق است. فردا روز زن است.

دو مرحلهٔ تاریخی مظلومیّت زن

مع الأسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در جاهلیت. در جاهلیت، زن مظلوم بود، و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایینتر از او [می‌شمردند] . زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد؛ و آن دوره شاه سابق[۱] بود و شاه لاحق؛[۲] به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن، ظلمها کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از

---

۱. رضاخان پهلوی.

۲. محمدرضا.

آن مقام معنویت که داشت شیء کردند[۱] به اسم آزادی آزاد زنان و آزاد مردان. آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زنها و جوانان ما را فاسد الاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می‌گفت زن باید «فریبا» باشد! البته با آن نظر حیوانی که او داشت؛ با آن نظر جسمانی، مادی، حیوانی پست که او داشت ، زن را نظر می‌کرد. باید «فریبا»[۲] باشد! از مقام انسانیت، زن را فرو کشید به مرتبه یک حیوان؛ به اسم اینکه برای زن می‌خواهد مقام درست کند زن را از مقام خودش پایین آورد. زن را مثل یک عروسک درست کرد؛ در صورتی که زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسانها پیدا می‌شوند. مرحلهِ اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادتها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادتها باید باشد. و مع الأسف زن را به صورت یک لعبه[۳] در آوردند این پدر و پسر؛ و خصوصاً این پسر. آنقدر جنایات که به زن کردند به مردان نکردند.

زنان و تربیت اسلامی

زن مبدأ همه خیرات است. شما دیدید، ما دیدیم، که زن در این نهضت چه کرد. تاریخ دیده است که چه زنهایی در دنیا بوده است، و زن چیست. تاریخ دور است؛ ما خود دیدیم که چه زنهایی تربیت کرده است اسلام، چه زنهایی در این عصر اخیر قیام کردند. و آنها که قیام کرده اند همین زنهای محجوبه جنوب شهر و قم و سایر بلاد

---

۱. یعنی زن را به کالا و جنس تبدیل کردند.

۲. اشاره به مصاحبه محمدرضا پهلوی با خانم «اوریانا فالاچی» روزنامه نگار معروف ایتالیایی است. محمدرضا در این مصاحبه، از زن به عنوان موجودی که باید «فریبا» باشد، یاد کرده است .

۳. بازیچه .

اسلامی بود. آنها که به تربیت آریامهری تربیت شدند ابداً در این امور دخالت نداشتند. آنها تربیتهای فاسد شده بودند؛ از تربیتهای اسلامی آنها را دور نگه داشتند. اینهایی که تربیت اسلامی داشتند خون دادند، کشته دادند، به خیابانها ریختند، نهضت را پیروز کردند. ما نهضت خودمان را مرهون زنها می‌دانیم. مردها به تَبَع زنها در خیابانها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زنها مردان را. خودشان در صفهای جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند. این زن را در این دوره رضاخان و محمدرضا خان منحط کردند از مقام خودش. مرد را هم منحط کردند. جوانها را هم منحط کردند. مراکز فحشا اِلی ما شاء الله برای جوانهای ما درست کردند به اسم «آزادی»، به اسم «پیشرفت»، به اسم «تمدن»! جوانهای ما را به فحشا کشیدند. به اسم آزادی، همه آزادیها را از ماها سلب کردند. آنهایی که زمان رضاخان را درک کرده‌اند می‌دانند چه می‌گویم. آنها دیدند که چه کردند با ما، و چه کردند با زنهای محترم ما. آنها که زمان محمدرضا را درک کردند، آنها هم می‌بینند. با اسمهای فریبنده، با الفاظ بزک کرده مملکت ما را رو به خرابی بردند. بالاتر از همه جوانهای ما را فاسد کردند. نیروی انسانی ما را به عقب نشاندند. زن در زمان محمدرضا و رضا پهلوی عنصر مظلوم می‌بود، و خودش نمی‌داند. آنقدر که ظلم در این دو زمان شد در زمان جاهلیت معلوم نیست شده باشد. آنقدر که انحطاط برای زنها در این قرن شد معلوم نیست که در قرن جاهلیت شده باشد. در هر دو قرن مظلوم بوده‌اند زنها؛ آن وقت اسلام آنها را از اسارت بیرون آورد، و در این زمان هم امیدوارم که اسلام باز دست آنها را بگیرد و از غرقاب ذلتها و مظلومیتها نجات بدهد.

ای زنهای محترم بیدار بشوید! توجه کنید! بازی نخورید! گول این شیاطین که می‌خواهند شما را به میدان بکشند، گول اینها را نخورید؛ اینها فریبنده اند. اینها دنبال «فریبا» هستند؛ مثل شاه ملعون. به اسلام پناه بیاورید. اسلام برای شما سعادت ایجاد می‌کند.

فردا روز زن است. روز زنی است که عالم به او افتخار دارد؛ روز زنی است که دخترش[۱] در مقابل حکومتهای جبار ایستاد و آن خطبه را خواند و آن حرفها را زد که همه می‌دانید؛ زنی که در مقابل یک جباری ایستاد که اگر مردها نفس می‌کشیدند همه را می‌کشتند و نترسید و ایستاد و محکوم کرد حکومت را، یزید را محکوم کرد. به یزید فرمود تو قابل آدم نیستی، تو انسان نیستی. زن یک همچو مقامی باید داشته باشد. زنهای عصر ما بحمدالله شبیه به همانها هستند. ایستادند در مقابل جبار با مشت گره کرده؛ بچه‌ها در آغوششان، و به نهضت کمک کردند. خداوند ما را از شر شیاطین نجات بدهد. خداوند جوانان ما را از شر این شیاطین انسی نجات بدهد. خداوند بانوان ما را، دوشیزگان ما را از شر اینها نجات بدهد. سلام بر همه شنوندگان.[۲]

▣ پیام

زمان: ۱۵اردیبهشت ۱۳۵۹/۱۹جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: تجلیل از مقام حضرت فاطمه زهرا(س) و جایگاه زن
مخاطب: ملت ایران
مناسبت: میلاد مسعود حضرت فاطمه زهرا(س) و روز زن

بسم الله الرحمن الرحیم

فضایل حضرت زهرا(علیها السلام) همطراز با فضایل بی‌نهایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه زهرا سلام الله علیهاست. زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد. زنی که فضایل او همطراز فضایل بی نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود. زنی که هر کسی با هر بینش

---

۱. اشاره به حضرت زینب کبری سلام الله علیها و خطبه معروف او در مجلس یزید بن معاویه است.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷ تا ۳٤۰.

درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده که احادیثی که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده و دریا را در کوزه ای نتوان گنجاند، و دیگران هر چه گفته اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او.

قلمهای روشنفکرانه، در خدمت جنایتهای رژیم پهلوی در حق زنان

پس اولیٰ آنکه از این وادی شگفت درگذریم و به فضایل زن رو آوریم که قلمهای مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی فرهنگ در این نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله کالایی خواستند درآورند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای ذکر آن نیست. هرکس بخواهد شمه ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه ها و مجله ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضاخان از روزگار تباه کشف حجاب الزامی‌به بعد مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه و شکسته باد قلمهای روشنفکرانه آنان. و گمان نشود که آن جنایات با اسم «آزاد زنان و آزاد مردان» بدون نقشه جهانخواران و جنایتکاران بین المللی بود. یکی از نقشه های آنان، کشیدن جوانان به مراکز فحشا بود که موفق شدند و کشور ما را از جوانانی که عضو فعال جامعه اند، تهی کردند و مغزهای آنان را از قوه تفکر، خلع سلاح نمودند که هر چه از این کشور آفتزده و غربزده بچاپند و به یغما ببرند، همگان بی تفاوت باشند. امروز به برکت نهضت اسلامی، زن عضو مؤثر جامعه تا حدودی مقام خود را یافته است. از یک عده معدود در رده بالا که میراث زمان سیاه رژیم منحط سابق است و مقام زن را به خودآرایی و حضور در مجالس عیش و عشرت می‌دانند، و خود را به صورت کالایی درآورده‌اند و پیرو و عمال همان رژیم هستند و پیاده کنندگان همان نقشه اجانب می‌باشند و کمک‌کاران سیا و ساواک هستند که بگذریم، دیگر زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ

پرداخته اند. و شما شهر و روستایی را نمی‌یابید جز آنکه در آنها جمعیتهایی فرهنگی و علمی‌از زنهای متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است. و نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صد ساله را یکشبه طی نموده است. و شما ملت شریف دیدید که زنهای محترم متعهد ایران، پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم؛ و پس از شکست ابرقدرتها و ریشه های فاسد آنان می‌توانیم بحق، روزی را روز زن قرار دهیم و به جهان و جوامع بشری با افتخار و سرفرازی از زن و پیشرفت آن در جمهوری اسلامی گفتگو کنیم. امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان. نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می‌شد، که آزادی آنان در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود.

اینجانب به زنان توصیه می‌کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که از خودشان و فرزندانشان است، به طور شایسته بسازند که با همت همه قشرها از وابستگیها به تمام ابعادش نجات یابیم. من به زنان متعهد، روز بیستم جمادی الثانی را که روز مبارک زن است تبریک عرض می‌کنم، و از خداوند متعال سلامت و سعادت آنان و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۷٤ تا ۲۷۵.

▣ پیام

زمان: ۲۵ فروردین ۱۹/۱۳۶۱ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: تبیین جایگاه زن در فرهنگ اسلامی و تقدیر از بانوان مبارز و شجاع ایران
مناسبت: میلاد مسعود حضرت زهرا (س) روز زن مخاطب: زنان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

مبارک باد بر ملت عظیم الشأن ایران بویژه زنان بزرگوار «روز مبارک زن»؛ روز شرافت عنصر تابناک که زیربنای فضیلتهای انسانی و ارزشهای والای خلیفة الله در جهان است.

حضرت زهرا ﴿علیها السلام﴾، معجزه تاریخ و افتخار عالم وجود

و مبارکتر و پربهاتر انتخاب بسیار والای روز بیستم جمادی الثانی است، روز پر افتخار ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است؛ زنی که در حجره ای کوچک و محقر، انسانهایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم مُلک تا آن سوی ملکوت اعلیٰ می‌درخشد. صلوات و سلام خداوند تعالی بر این حجره محقر که جلوگاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زبدگان اولاد آدم است.

صلاح و فساد زنان، منشأ صلاح و فساد جامعه

نقش زنان در عالم از ویژگیهای خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند بعکس آن باشد. بدون شک آنچه در این پنجاه سال روزگار سیاه ایران به دست این

رژیم سیه‌روی[۱] به ملت عزیز ایران بویژه بانوان مظلوم آن گذشت با طرح و نقشه از پیش حسابشده ابرجنایتکاران جهان بوده است. رضاخان و فرزند جنایتکارش با فکر علیلشان به چنان جنایات عمیقی دست زدند که در طول تاریخ این کشور، بی نظیر و یا کم نظیر بوده است.

ابر جنایتکاران که ادامه حیات خویش را در اسارت ملتها بویژه ملتهای اسلامی می‌دانند در این سده های اخیر که راهشان به کشورهای اسلامی نفتخیز و ثروتمند باز شد، دریافتند که تنها «قشر مذهبی» است که می‌تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد. و دیدند که حکم نیم سطری یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو در آورد[۲]؛ و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی را داشتند. و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان بویژه قشر متوسط محروم آنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند. و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی هستند نقشه های آنان نقش بر آب است. و لازم دیدند برای دست یافتن به این کشورها و مخازن سرشار آنها پایه های مذهب و رهبری مذهبی قشرهای مذهبی سست شود و از همان زمانها به فکر این نقشه و عملی نمودن آن افتادند و توفیقهایی هم به دست آوردند، تا آنکه رضاخان را برای این خدمت، یافته و او را به قدرت رساندند، و او با این سه عامل به پیکار سرسختانه پرداخت. و کسانی که آن زمان را به یاد دارند می‌دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی وطنش با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریعترنقشه هایشان چه راههایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل

---

۱. رژیم پهلوی.

۲. فتوای عالم بزرگ، میرزای شیرازی در تحریم استعمال تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار. این فتوای کوتاه به لغو قرارداد (رژی) انجامید.

حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده اند به کتابها، شعرها، نوشته ها، نمایشنامه ها، تصنیفها، روزنامه ها، مجله ها و مراکز فحشا و قمارخانه ها و شرابفروشیها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند بنگرند و یا از آنان که دیده اند بپرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان پرور و آموزگار، چه ظلمها و خیانتهایی در ظاهر فریبنده‌ای به اسم زن مترقی روا داشتند. شک نیست که توده‌های زنان مذهبی، خصوصاً محرومان جامعه مقاومت نمودند، ولی برای استعمارگران خائن در بسیاری از قشرهای مرفه و عشرت طلب توفیق حاصل شد و اینان بازار را برای اربابان گرم کردند. و اکنون نیز که با عنایت خداوند متعال و فعالیت ملت عظیم‌الشأن بویژه بانوان و زنان شیردل، دست ستمکاران کوتاه شده است، هنوز اقلیتی ناچیز به کارهای جاهلانه خود ادامه می‌دهند؛ و امید است ان شاءالله تعالی آنان هم از حیله‌های شیاطین بزرگ و کوچک آگاه شده و از دم فریب آنان برهند.

افتخار به مقاومت و فداکاری زنان بزرگ در انقلاب و جنگ تحمیلی

ما باید امروز که روز زن است و به حقیقت در ایران عزیز روز زن است، به زنان خویش افتخار نماییم. چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق، و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابر قدرتها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده اند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است. مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است.

این جانب در طول این جنگ صحنه هایی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد. و آنچه برای من یک خاطره فراموش نشدنی است با اینکه تمام صحنه‌ها چنین است

ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت: «حال که نتوانستم به جبهه بروم، بگذار با این ازدواج دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم.» عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه های الهی آنان را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی‌توانند بیان و یا ترسیم کنند. و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی‌تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند. و این روز مبارک، روز این زن و این زنهاست که خدایشان برای اسلام و ایران و عظمت آن پایدار نماید.

و هم اکنون یک نصیحت مخلصانه و پدرانه به بانوانی که جوانند و همسرانشان به لقاء الله پیوسته اند می‌نمایم که از ازدواج، این سنت ارزنده الهی سرباز نزنند و با ازدواج خود یادگارهایی چون خود، مقاوم و ارزنده به جای گذارند، و به وسوسه بعضی اشخاص بی توجه به صلاحها و فسادها گوش فرا ندهند. و نیز به پاسداران و سربازان و جوانان عزیز تذکر می‌دهم که ازدواج با این بانوان را غنیمت شمرده و با انتخاب همسرانی چنین ارزنده به زندگی شرافتمندانه خویش ادامه دهند. خداوند تعالی یار و مددکارتان باد.

درود و سلام بی پایان بر زن و زنها، این عناصر ارزنده و مقاوم. مبارک باد بر همه، روز ارزشمند زن. خداوند پشتیبان این کشور عزیز باشد و یار و یاور همه.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۱۹۲ تا ۱۹۵.

فصل ۱۱ :

تجلی آرمانهای الهی

در پیام‌های حج

▣ پیام

زمان: بهمن ۱۳۴۹/ ۱۳۹۰ مکان: نجف

موضوع: هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایتهای رژیم شاه

مناسبت: برگزاری مراسم حج مخاطب: زائران بیت الله الحرام

بسمه تعالی

خدمت عموم زائرین بیت الله الحرام ایّدهم الله تعالی

بعد از ابلاغ سلام و تحیّات وافره اکنون که به واسطه سستی و سهل انگاری ملتهای اسلامی، چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمینهای بزرگ ملت قرآن فرو رفته و تمام ثروت و مخازن بزرگ ما در قشر ملی بودن به کام آنان فرو می‌ریزد، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین در می‌آورد، و هر روز با نغمه تازه با اسامی فریبنده جوانان ما را منحرف می‌کند، بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده‌اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.

اجتماع بزرگ حج، فرصتی برای اتحاد علیه استعمار

باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال

در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملتهای مسلمان را مکلف می‌سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید. گرفتاریهای ملل مسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره‌اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند غفلت نورزید.

وظیفه دانشمندان، همفکری و آگاهی بخشیدن به مسلمانان

بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.

اختلافات سران کشورهای اسلامی، زمینه‌ساز نفوذ استعمار

اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیه اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، اینگونه اسیر و ذلیل استعمار نمی‌شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی‌گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مسلم،[۱] با این کشورهای

---

۱. جمعیت مسلمانان جهان در زمان صدور پیام.

عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می‌گرفتند، برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند.

تفرقه افکنان، عمّال استعمارگران

در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره‌برداری شود، با کمال تأسف دیده می‌شود که بعضی قلمهای مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سالهاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم الخطوط‌العریضه و امثال آن نشر می‌دهند[1] و به مستعمرین کمک نمایند، و می‌خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری[2] را از صفوف مسلمین جدا کنند. جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می‌دهد این اوراق گمراه‌کننده در مرکز وحی پخش شود!

بر ملتهای اسلامی لازم است که از این گونه کتابها و نشریات تفرقه انگیز و استعماری اجتناب کنند، و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند. و در این اجتماع مقدس حج، اولاً در مسائل اساسی اسلام، و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.

نفوذ اسرائیل در تمام امور ایران

اینک اینجانب به حکم وظیفه، شمه‌ای از گرفتاریهای ملت مظلوم ایران را

---

۱. جزواتی که عمال وهابی سعودی، علیه تشیع منتشر می‌ساختند.

۲. منظور، شیعیان جهان است.

تذکر می‌دهم تا مسلمین جهان بدانند که به مردم بی‌پناه این کشور اسلامی چه می‌گذرد. آثار شوم استعمار در این مملکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد. اسرائیل که امروز دشمن شناخته شده اسلام و مسلمانهاست و مدتهاست که با ملل مسلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد؛ و باید گفت ایران به صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع امریکا درآمده است.

مبارزه رژیم شاه با علم فرهنگ

اجانب در این کشور به تمام معنی مصونیت دارند ولی علما، دانشمندان، فرهنگیان و سایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند. بازرگانان محترم، یکی پس از دیگری، ورشکست شده؛ ظلم و فشار دستگاه حاکمه بشدت هر چه تمامتر گلوی این ملت مظلوم را می‌فشارد. اختناق، حبس و زجر قرون وسطایی حکومت می‌کند. با اسم سپاه دانش و سپاه بهداشت و دیگر اسامی فریبنده، مقاصد شوم استعمار، همزمان با اشاعه فحشا در اعماق قصبات و دهات در جریان است .

مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب‌مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند. با بهانه‌های بی‌اساس به دانشگاهها حمله می‌کنند و جوانان ارجمند را از دانشگاه به زندان و سربازخانه می‌کشانند. حوادث اخیر دانشگاههای ایران و یورش وحشیانه و بی‌رحمانه دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته. این روش غیر انسانی نمونه دیگری از نقشه‌های

استعمارگران بـرای سـرکوبی دانشگـاهها و دانشجویان مـی‌باشد. مـن ایـن اعـمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح مـی‌کنم؛ و اطـمینان دارم کـه دانشـجو یان غیور وطنخواه هرگز عقب‌نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد.

فقر و فلاکت، نتیجه انقلاب ننگین شاه

این انقلاب ننگین و خونین بـه اصـطلاح سـفید، کـه در یک روز بـا تـانک و مسلسل پانزده هزار مسلمان را آنطور که معروف است از پای درآورد، روزگار ملت را سیاهتر ساخت. زندگی دهقانان و زارعین اسیر را بیشتر تباه کرد. اکنون در بسیاری از شهرستانها و اکثر روستاها درمانگاه، دکتر و دارو وجود ندارد. از مدرسه، حمام و آب آشامیدنی سالم خبری نیست و به حسب اعتراف بعضی از مطبوعات در بعضی از دهات، کودکان معصوم را از گرسنگی به چرا می‌برند ولی دستگاه جبار صدها میلیون تومان از سرمایه این مملکت را صرف جشنهای ننگین می کند؛ جشن تولد این و آن، جشن بیست و پنجمین سال سلطنت، جشن تـاجگذاری و از هـمه مـصیبتها بـالاتر جشن منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، که خدا می‌داند چه مصیبت و سیه روزی برای مردم و چه وسیله اخاذی و غارتگری برای عمال استعمار بـه‌بار آورده است. بـودجه هنگفت و سرسام‌آوری که در این امر مبتذل صرف مـی‌شود اگـر بـرای سـیر کـردن شکمهای گرسنه و تأمین زندگی سیه روزها خرج می‌شد، تا اندازه‌ای از مصیبتهای ما می‌کاست لیکن استفاده جویی و خودکامگی نمی‌گذارد که اینها به فکر ملت باشند. دستگاه جبار، با پول ملت مسلمان، برای شاهانی کـه در هـر عـصر مـلتها را در زیـر چکمه‌های نظامی خود خرد کرده‌اند، شاهانی که هـمیشه بـا مـذاهب حـقه دشـمنی داشتند، شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بوده و نامه مبارک حضرت رسول (ص) را پاره کردند،[۱] شاهانی که نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم هـمه است، جشـن

---

۱. اشاره به جسارت خسرو پرویز، پادشاه ساسانی.

می‌گیرد و چراغانی می‌کند. دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست، و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران باشند.

من دست عموم ملت اسلام و آزادیخواهان جهان را در راه قطع ریشه استعمار و استعمارگران، استقلال ممالک اسلامی و گسستن زنجیرهای اسارت می‌فشارم، و از خداوند متعال دفع شر دستگاههای جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت نموده قبولی اعمال و مناسک عموم را خواستار است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

«اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است، هرکس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می‌فهمد اسلام آمده است این کاخهای ظلم شاهنشاهی را خراب کند، شاهنشاهی از کثیف ترین و ننگین ترین نمونه ارتجاع است».[۱] [۲]

---

۱. این فراز در زمان انتشار و توزیع پیام حذف گردید. آقای سید حمید روحانی سبب آن را چنین اظهار می‌دارد: خاطره تلخی که در رابطه با این پیام دارم، حذف فرازی والا و پر ارج در این پیام از طرف امام بود، هنوز پیام از زیر چاپ بیرون نیامده بود که امام، نگارنده را با فوریّت به حضور فرا خواند و فرمود: چون احتمال دارد برای ناشرین اعلامیه در مراسم حج گرفتاری پیش بیاید و از طرف رژیم سلطنتی حجاز دستگیر شوند، مطلبی راکه علیه اساس سلطنت و پادشاهی در این اعلامیه آورده ایم، به مصلحت نمی‌دانم چون ممکن است برای آنهایی که در رابطه با پخش این اعلامیه در حجاز دستگیر می‌شوند، خطر جانی به همراه داشته باشد و رژیم سعودی آنان را به اتهام قیام بر ضد «نظام مُلکی» گردن بزنند، از این رو، آن چند جمله‌ای راکه اساس سلطنت را نفی می‌کند حذف کنید. «نزدیک به این مضامین». نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۶۹۸.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۲ تا ۳۲۶.

▣ پیام

زمان: ۲۶مهر ۱۳۵۷/ ۱۵ذی‌القعده ۱۳۹۸ — مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران — مناسبت: فرارسیدن ایام حج
مخاطب: زائران بیت‌الله‌الحرام و مسلمین جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۵ شهر ذی القعده ۹۸

رسیدگی به امور مسلمین، بزرگترین فلسفۀ حج

اکنون که موسم حج بیت الله الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده‌اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلام رسیدگی کرده و از گرفتاریهای برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن حسب وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین، از فرایض مهمه اسلام است . اینک اینجانب از وضع گرفتاری ملت مسلمان ایران، گزارشی به شما زائران بیت الله الحرام می‌دهم و از مسلمین همه اقطار[1] عالم استمداد می‌کنم . ایران که اکنون حدود سی میلیون مسلمان دارد، از پنجاه سال قبل تاکنون گرفتار در چنگال خاندان پهلوی، که رسماً نوکر اجانب بوده و هستند، می‌باشد.

اختناق و کشتار مردم و غارت منابع، نتیجه حکومت پهلوی

در این پنجاه سال سیاه، این ملت بزرگ، در تحت فشار پلیس و اختناق و شکنجه روحی دست و پا می‌زند، و تمام مخازن زیرزمینی و منافع حیاتی ملت را شاه به اجانب داده است . نفت را امریکا و گاز را شوروی و مراتع و جنگلها را به علاوه بر بخشی از نفت، انگلیس و بعض کشورهای دیگر. مردم را از تمام مظاهر حیاتی

---

۱ . نواحی .

محروم نموده و به حال عقب ماندگی نگه داشته. نظام ارتش و فرهنگ ما و اقتصاد کشور، استعماری و رشد را به همه ابعادش از ملت سلب نموده، اکنون که در سالهای اخیر، ملت بیدار شده و برای احقاق حق خود بپاخاسته و فریاد مظلومانه اش بلند شده است، جواب آنها با مسلسل و تانک و توپ داده می شود. قتل عامهایی که در این چند ماه اخیر در شهرهای ایران رخ داده، روی تاریخ را سیاه نموده. شاه با تمام قوای جهنمی به پشتیبانی امریکا به جان مردم مظلوم افتاده؛ ایران اکنون به شکل قبرستانی مبدَّل و اعتصابات عمومی سرتاسر کشور را فراگرفته، و شاه در این نفسهای آخرش می‌خواهد از این ملت مستضعف انتقام بگیرد. سایه شوم حکومت نظامی بر سر ملت برقرار و دست کماندوهای مزدور برای قتل بزرگ و کوچک و زن و مرد باز است.

اینجانب در هیچ یک از کشورهای اسلامی اجازه ادامه به فعالیت خود، که رساندن ندای مظلومانه ملت است به عالم ندارم، و چون وظیفه دینی و وجدانی خود را باید ادا کنم، به ناچار به خارج از بلاد مسلمین آمدم، شاید بتوانم جوامع بشری را از آنچه به ملت مظلوم ایران می‌گذرد آگاه، و تا پیدا کردن فرصت برای ادامه عمل در یکی از بلاد اسلامی، در خارج زیست می‌کنم.

اکنون ای مسلمین جهان، در امر ایران اهتمام کنید و ناله یک ملت سی میلیونی مستضعف را به جهانیان برسانید. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است: من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم».[۱] «اللهم قد بلغت».[۲] والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست». حدیث نبوی. نظیر همین حدیث از امام صادق (ع) نیز روایت شده اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲. خدایا تکلیف خود را ادا کردم.

۳. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۳ تا ۴۴.

▣ پیام

زمان: ۳آبان ۱۳۵۸/ ۳ذی‌الحجه ۱۳۹۹[۱] مکان: قم
موضوع: شکستن بتها و قدرتهای بزرگ شیطانی زمان مناسبت: روز عرفه
مخاطب: مسلمین جهان و حجاج بیت‌الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحیم

۳ آبان ماه ۵۸ ﴿لکم فی رسول الله اسوة حسنه﴾[۲]

۳ ذی الحجة الحرام ۹۹

صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم‌الشأن که یک تنه قیام فرمود در مقابل بت پرستان و مستکبرین، و پرچم توحید را به نفع مستضعفین بـه اهـتزاز درآورد، و از قلت عده و عدد نهراسید، و با عده قلیل بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قوت تصمیم بر سرکشان و ستمکاران تاخت، و نـدای تـوحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگترین معموره[۳] جهان به گوش جهانیان رساند.

و درود جهانیان و رحمت خداوند متعال بر شما ای زائران بـزرگوار بـیت الله الحرام که از چهار سوی عالم به سوی خانه خدا، مرکز توحید و محل وحـی و مـقام ابراهیم و محمد، دو ابرمرد بت شکن و پرخاشگر بر مستکبرین شتافتید و خود را به مواقف کریمه‌ای که در عصر وحی زمینهایی خشک و کوهسارهایی بی آب و سبزه، لکن محل هبوط[٤] ملائکة الله و هجوم جنودالله و وقوف انبیاء الله و عبادالله الصالحین بود رساندید. هان! بشناسید این مشاعر[۵] بزرگ را، و مجهز شوید از مرکز بت شکنی

---

۱. صحیفه نور، تاریخ را ۱۳۵۸/۸/۳۰ ثبت کرده که تاریخ صحیح در دستنویس امام، ۳ ذی الحجه ۹۹ برابر با (۱۳۵۸/۸/۳) است.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱: «برای شما رسول خدا مقتدای پسندیده‌ای است».

۳. ممالک آباد.

٤. فرود آمدن.

۵. جمع مشعر: موضع مناسک حج.

برای شکستن بتهای بزرگ که به صورت قدرتهای شیطانی و چپاولگران آدمخوار در آمده‌اند، و از این قدرتهای تهی از ایمان نهراسید، و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید، و از تفرق و تنازع بپرهیزید ﴿ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم﴾[1] رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته بندیهای موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود، و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد.

اختلاف سران کشورهای اسلامی، موجب بدبختی مسلمانان

ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، اینچنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می‌دانید که تمام بدبختیهای شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می‌فرماید ﴿قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی﴾[2] همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادی در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی. اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به

---

۱. سوره انفال، آیه ٤٦: «و نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود».

۲. سوره سبا، آیه ٤٦: «بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دوتا دوتا یا یک یک برای خداوند قیام کنید».

حقوق ملتها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف و مشاعر الهی به هم بپیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان رابخواهید.

ای گویندگان و نویسندگان! در اجتماعات بزرگ؛ عرفات و مشعر و منا و مکه معظمه و مدینه منوره، مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید، و از هم طلب نصرت کنید. ای زائران خانه خدا!

توطئه‌های راست و چپ و خصوص امریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و به خداوند متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایتکاران التجا[۱] پیدا کنید. و من به خواست خدای قادر، مژده نصرت و پیروزی به شماها می‌دهم. «انه علی ذلک لقادر»[۲] والسلام علی رسول الله و علی ائمة المسلمین و علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. پناه بردن، پناهنده شدن.

۲. بدرستی که خدا بر آن قادراست.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۸ تا ۳٤۰.

◘ پیام

زمان: ۲۱ شهریور ۲/۱۳۵۹ ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: سیاست امریکا و ایادی آن، ایجاد اختلاف بین ملتهای اسلامی
مناسبت: فرارسیدن ایام حج مخاطب: مسلمین جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر زائرین بیت الله الحرام. سلام بر زائرینی که در مرکز وحی الهی و محل هبوط[۱] ملائکة الله اجتماع نمودند. سلام بر مؤمنینی که از خانه خود به سوی خانه خدا هجرت نمودند.

و سلام بر همه مسلمین جهان که پیامبر عظیم‌الشأن و خاتم نبیین، پیامبر آنان و قرآن کریم کتاب آنان و کعبه معظمه قبله آنان است. سلام بر آنان که از همه اقسام شرک رو برگرداندند و به سوی مرکز توحید رو آوردند، و از قید عبودیّت و اطاعت همه بتهای جهان مراکز استکبار و استعمار و قدرتهای شیطانی رها و به قدرت مطلقه الهی و حبل المتین توحید پیوستند. و سلام بر آنان که رمز دعوت حق تعالی را در وفود[۲] به سوی خانه خدا دریافتند و لبیک گفتند.

اکنون به شما مسلمانان وارسته که در محل وحی برای ادای این فریضه عبادی سیاسی اجتماع نمودید، لازم است تذکراتی داده شود تا بدانید در کشورهای اسلامی چه می‌گذرد و برای استعمار و استثمار مسلمین و تحت سلطه قرار دادن آنان چه نقشه‌ها در کار و چه دستهای خبیثی آتش افروزان آنند:

تفرقه افکنی ابرقدرتها، برای ادامهٔ چپاول

۱ ـ در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرتها و احساس خطر برای

---

۱. فرود آمدن.

۲. به رسولی رفتن.

چپاولگران بین المللی و در آستانه قطع ایادی ستمگران غرب و شرق از ایران با رمز وحدت کلمه و اتکال به خدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلام و توحید، شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فراخوانده است تا با هر حیله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند. شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی صادر شود و دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند، در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طرفی نبست به حیله دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگریها و چپاولهایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد، و آن اینکه درست در آستانه کوشش بی امان ایران برای وحدت کلمه و تشبت به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره‌های خبیث امریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می‌دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد. و بعضی از این مهره‌ها گفته‌اند: «اسلامی که ایرانیان می‌گویند، غیر از اسلامی است که ما می‌گوییم». آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره‌های امریکا چون سادات[۱] و بگین[۲] پشتیبانی می‌کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می‌دهند و برای فرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی‌کنند.

مسلمانان جهان باید این تفرقه افکنها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خنثی کنند.

---

۱. محمد انورالسادات، رئیس حاکم بر رژیم مصر.

۲. مناخیم بگین، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس.

لزوم شناخت تفرقه افکنان در میان مسلمانان

۲ ـ در آستانه هجوم ابرقدرتها به کشورهای اسلامی، همچون افغانستان و کشتار بی رحمانه و وحشیانه مسلمانان افغانی که نمی‌خواهند اجنبی در مقدرات آنان دخالت کند و یا امریکا که در هر فسادی دست دارد و همزمان با هجوم همه جانبه اسرائیل جانی، به مسلمین در فلسطین و لبنان عزیز، و همزمان با طرح جنایتکارانه اسرائیل برای انتقال پایتخت خود به بیت‌المقدس، و گسترش جنایات و کشتار وحشیانه مسلمانان آواره از وطن خویش، و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند، سادات، این نوکر خیانتکار امریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم، و صدام، آن خادم سرسپرده امریکا، دست به تفرقه‌افکنی مسلمانان زده‌اند، از هیچ جنایتی در این راه که ارباب جنایتکارشان امر نموده است، فروگذار نمی‌کنند. امریکا با حمله‌های پیاپی به ایران و فرستادن جاسوسان برای شکست دادن انقلاب اسلامی ما و توطئه با سادات برای ایجاد اختلاف و تبلیغات سوء و پخش اکاذیب و افترا به متصدیان حکومت اسلامی از طریق عراق، از آن قماش است. مسلمین باید به خیانت این سرسپردگان امریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند.

دامن زدن به ملی گرایی، حربه عمّال استعمار

۳ ـ از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمّال استعمارگران در تبلیغ آن بپا خاسته‌اند، قومیت و ملّیت است که دولت عراق سالهاست بدان دامن می‌زند. و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته از آن ترویج و تأیید می‌کنند. و در سایر نقاط از ترک و کُرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته‌اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند و حتی به دشمنی کشیده‌اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در

آن حرفی نیست؛ و ملی‌گرایی در مقابل ملتهای مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی‌اکرم(ص) برخلاف آن است؛ و آن ملی گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیله‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.

ایجاد اختلاف میان سنی و شیعه، خطرناک‌تر از ملی‌گرایی

۴ـ از ملی‌گرایی خطرناکتر و غم انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است. و بحمدالله تعالی در انقلاب اسلامی ایران هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و همه با دوستی و اخوت در کنار هم زندگی می‌کنند. و اهل سنت که در ایران جمعیتش بیشمارند و در اطراف و اکناف[1] کشور زیست می‌کنند و دارای علما و مشایخ بسیار هستند، با ما برادر و ما با آنها برادر و برابریم. و آنان با نغمه‌های نفاق افکنانه‌ای که بعضی جنایتکاران و وابستگان به صهیونیسم و امریکا، ساز نموده‌اند مخالفند. و برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که این عمال وابسته به قدرتهای شیطانی بزرگ، خیرخواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آنها تبرّی کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فرا ندهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می‌دهم و از آنان می‌خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز نگاه کنند؛ و با این عملشان همانند همیشه نقشه‌های شوم اجانب را خنثی کنند.

تبلیغ علیه توانایی اسلام در اداره کشور

۵ـ از تبلیغات دامنه داری که به ظاهر ضد ایران و در حقیقت بر ضد اسلام

---

۱. جمع کنف: اطراف، کنارها.

است آن است که: «انقلاب ایران نمی‌تواند کشور ما را اداره کند»، و یا «دولت ایران در حال سقوط است، چون نه اقتصاد سالم و نه فرهنگ صحیح و نه ارتش منسجم و نه قوای مسلح آماده دارد». و این تبلیغات از همه رسانه‌های گروهی امریکا و وابستگان به آن پخش شود و مایه دلخوشی دشمنان ایران و اسلام است، و در حقیقت این تبلیغات علیه اسلام است و می‌خواهند وانمود کنند که اسلام در این زمان قدرت اداره کشورها را ندارد. اکنون مسلمانان باید با دقت مسائل را بررسی کنند و انقلابات غیر اسلامی را به انقلاب اسلامی ایران مقایسه کنند. انقلاب اسلامی ما در عین حال که وارث یک کشور صد در صد وابسته و مخروبه و عقب رانده شده در تمام جهات بود، و رژیم دست نشانده پهلوی در مدت بیش از پنجاه سال این کشور را از هر جهت به سقوط کشانده بود، و ذخایر و دارایی سرشار آن را به جیب اجانب خصوصاً انگلیس و امریکا ریخته و باقیمانده آن را به نفع خود و وابستگان و سرسپردگان خود برداشت کرده و ما را با مشکلات بسیار رو به رو کرده بود، ما به برکت اسلام و ملت مسلمان در ظرف کمتر از دو سال، تمام آنچه راکه مدخلیت در اداره کشور داشت تصویب و اجرا کردیم؛ و با همه مشکلاتی که امریکا و اقمار او از جهت حصر اقتصادی و دخالت نظامی و تهیه وسیع کودتا فراهم آورده بود، ملت رزمنده ما ارزاق را نزدیک به خودکفایی رسانده‌اند و سایر مایحتاج کشور نیز تهیه شده است. و بزودی فرهنگ استعمار زمان رژیم سابق را به فرهنگ مستقل اسلامی تبدیل می‌کنیم. قوای مسلح ما ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی آماده برای دفاع و نظم و همه در راه اسلام جان بر کف مهیای جهادند. علاوه [بر این]، ارتش میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است. و دشمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان همانند انقلاب اسلامی ما، با ضایعه‌ای کم و رهاوردی عظیم، همراه نبوده است و این نیست جز به برکت اسلام. این بدخواهان چه می‌گویند؟ اسلامی که چندین قرن بر نیمی از معموره دنیا حکومت

کرده بود و کمتر از نیم قرن بر حکومتهای کفر و ستم چیره شد، اکنون چطور از اداره کشور عاجز است ؟ امروز ملت ما در کمک به اداره کشور و سازماندهی آن مهیا و فعالند. دشمنان اسلام از قدرت اسلام در هدم اساس ظلم و برپا داشتن اساس اداره کشور بر عدالت غافلند و یا تغافل می‌کنند. دشمنان اسلام و بلکه بسیاری از دوستان اسلام هم از قدرت اداره و احکام سیاسی و اجتماعی اسلام بی‌اطلاعند. در حقیقت اسلام در طول تاریخ پس از صدر اسلام مهجور[1] [و] محجوب بوده است، و اکنون باید با کمک همه مسلمانان و دانشمندان و متفکران و اسلام شناسان معرفی شود تا چهره تابناک آن چون خورشید جهانتاب جلوه کند.

ملتها چراغ راه روشنفکران شوند

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید، و مجد اسلام را اعاده کنید، و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرقزده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیر شده بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است. امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی هدایت‌کنندگان تاکنونند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرتها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزاین سرشار و ثروت بی‌پایان

---

۱. جدامانده، دور افتاده.

می‌تواند تمام قدرتها را درهم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان، خروش برآورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید؛ که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شما است.

امریکا، دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان

۶ـ مهمترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملتهای اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع امریکاست. دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.

امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. امریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند.

ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار جنگهای تحمیلی است. امریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد. و سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد؛ مع الأسف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سر ستیز برداشته. ملتهای مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با امریکا می‌جنگد، و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل امریکا دفاع می‌کنند. پس ذکر این مسئله ضروری است که درگیریهای غرب کشور عزیز ما

درگیریهایی است از جانب امریکا که گروههای از خدا بی خبر وابسته، هر روز ما را با آن مواجه کرده‌اند، و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می‌شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است. چه اگر ما با امریکا و یا سایر ابرقدرتها و قدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصایب نبودیم؛ ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهند.

ای زائران خانه خدا، به ایستادگان در مقابل آمریکا دعا کنید

ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خویش عهد نموده ایم که دنباله روی امام خود سیدالشهدا باشیم. ای مسلمانانی که در کنار خانه خدا به دعا نشسته‌اید، به ایستادگان در مقابل امریکا و سایر ابرقدرتها دعا کنید و بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند، ما با امریکا در ستیزیم. و امروز دست امریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد که بارها گفته ام ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان معنا ندارد. ای کشورهای بی‌طرف ! شما را به شهادت می‌طلبیم که امریکا قصد نابودی ما را دارد. کمی به خود آیید و ما را در هدفمان کمک کنید. ما به شرق و غرب و به شوروی و امریکا پشت کرده‌ایم تا خود، کشور خود را اداره کنیم. آیا حق است تا این چنین مورد هجوم شرق و غرب واقع شویم ؟ با اوضاع فعلی جهان این یک استثنای تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست ما، مطمئناً هدف ما شکست نمی‌خورد.

گروگانگیری، عکس العمل طبیعی در برابر آمریکا

بارها گفته ام که گروگانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از امریکا خورده است. و اینان فعلاً با بازپس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای امریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما آزاد

می‌گردند؛ که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده ام تا آنان به هر نحو که صلاح می‌دانند عمل نمایند. با اینان در ایران به بهترین وجه رفتار شده است؛ ولی تبلیغات امریکا و اقمارش از هیچ دروغ و افترا و تهمتی در این مورد فرو گذار نکردند، در حالی که امریکا و انگلیس به فرزندان عزیز ما بدترین اهانتها و شکنجه‌های روحی و جسمی را نمودند و هیچ مقام رسمی در مجامع بین المللی از این دوستان عزیز ما دفاع ننمود، و هیچ کس امریکا و انگلیس را در مقابل این رفتار وحشیانه محکوم نکرد. از خداوند متعال آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را برای تمام ملتهای دربند آرزومندم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۵۹/۶/۲۱

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۷ تا ۲۱۴.

◙ پیام

زمان: ۱۵ شهریور ۱۳۶۰ / ۷ ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: تبیین فلسفه و اسرار حج مناسبت: فرارسیدن ایام حج
مخاطب: مسلمین جهان و زائرین بیت‌الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس﴾[۱] قرآن کریم.

درود بر حجاج بیت الله الحرام. سلام بر عموم مسلمانان جهان و سلام بر مسلمانان متعهدی که از جهان اسلام به سوی حق شتافته و در جوار خانه خدا وفود[۲] نموده‌اند.

فریضه حج در بین فرایض الهی از ویژگیهای خاصی برخوردار است و شاید جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه‌های دیگرش غلبه داشته باشد، با آنکه جنبه عبادی‌اش نیز ویژگی خاصی دارد.

لزوم عدم غفلت از جهات سیاسی ـ اجتماعی حج

مسلمانان متعهد که در این مجمع عمومی و سازمان الهی با لغو امتیازات متحدالشکل و بدون توجه به رنگ و زبان و کشور و منطقه، هر سال یک بار در مواقف شریفه مجتمع می‌شوند و با ساده ترین و بی‌آلایش‌ترین جهات مادی با توجه به معنویت و وفود علی الله گردهم می‌آیند و به وظایف و آداب اسلامی عمل می‌کنند، باید از جهات سیاسی و اجتماعی آن غافل نباشند. علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند. وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه‌ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند

---

۱. بخشی از آیه ۹۷ سوره مائده: «خداوند خانه کعبه را خانه حرام قرار داد» و حرمت آن را واجب کرد «برای نگهبانی و ایستادگی مردم».

۲. جمع وفد: هیات نمایندگی و اعزامی.

برای مؤمنین قرار داده است باز یابند و به مفاخر اسلامی الهی که حق مسلمین است برسند و در پناه اسلام عزیز و زیر بیرق توحید و پرچم لااله الاالله از استقلال و آزادی حقیقی برخوردار شوند و دست مستکبران و عمال آنان را از کشورهای اسلامی قطع کنند و مجد و عظمت اسلامی را بازگردانند.

عدم اتحاد، بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات مسلمانان

خداوند تعالی در آیه شریفه‌ای که در صدر ذکر شد، سر و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت الحرام را، نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده‌های مستضعف جهان ذکر می‌فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند. یکی از بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می‌باشند که مع‌الأسف برای رفع آن تاکنون اقدام چشمگیری نشده است، بلکه جنایتکاران سودجو که از اختلاف ملتها و دولتها به سود خودشان بهره‌برداری می‌کنند، با دست عمال از خدا بیخبر خود به اختلافات دامن زنند، و هرگاه که شالوده وحدت بین مسلمانان ریخته می‌شود، با تمام نیرو به مخالفت برمی خیزند و بذر خلاف می‌افشانند.

هدف توطئه‌گران، شکست انقلاب اسلامی ایران

امروز تمام دولتها و بسیاری از ملتهای مسلمان می‌دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم پیشه و ستمکاران حرفه‌ای که اسلام عزیز را وسیله غارتگری و چپاول برای خود و قدرتهای بزرگ و اخیراً امریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می‌دیدند، بپاخاستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیراسلامی و غیرقانونی

شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرتها و خصوصاً امریکای جهانخوار را از سلطه بر اموال و انفس خود قطع نمودند، و امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره برداری کنند و دولتهای اسلامی با پشتیبانی ملتهای خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند.

امروز دست جنایتکار امریکا و دیگر قدرتهای چپاولگر از آستین بعضی عمال سر سپرده و از خدا بیخبرشان بیرون آمده و از داخل و خارج با اسلحه و قلمهای بدتر و جنایت بارتر از سلاحهای گرم به این ملت مظلوم حمله ور شده و در صدد شکست انقلاب اسلامی و شکست اسلام عزیز بر آمده‌اند و از هیچ تهمت و افترا به ملتی که جز به احکام اسلام و قرآن کریم فکر نمی‌کنند، خودداری نمی‌کنند، و با بهانه‌های بسیار موهوم، به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپا خاسته‌اند. آنان که از اسلحه گرم برخوردارند همچون صدام، با اسلحه و آنان که سلاح گرم ندارند، با قلمهای زهرآگین که از سلاح گرم جنایت بارتر است ملت مظلوم ما را زیر ضربات خود قرار داده‌اند.

طرح اختلاف میان شیعه و سنی برای نابودی وحدت مسلمین

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بیخبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین[۱] که از سلاطین جور، سیاهروی ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند. و اخیراً در بوقهای تبلیغاتی تهمت مفتضحانه رابطه ایران با اسرائیل و خریداری اسلحه را پیش کشیده‌اند به امید آنکه اعراب را از ایران جدا کنند و بین مسلمانان دشمنی ایجاد نموده راه را برای ابرقدرتها باز و سلطه آنان را هر چه بیشتر افزایش دهند، لیکن چه

---

۱. واعظان و آخوندهای درباری.

شخص مطلعی است که نداند ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود. و چه کسی است که نداند ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه‌ها و اعلامیه‌ها اسرائیل را همردیف امریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم. و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف امریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد. تعجب که این نغمه مشئوم[1] از گلوی امریکا مادر نامشروع اسرائیل و صدام برادر کوچک بگین سر داده شد و بوقهای تبلیغاتی آن، خصوصاً امریکا به طور وسیعی در پخش آن کوشیدند، چه! که آن ضربه که این دو از اسلام واقعی خورده‌اند، دیگران نخورده‌اند، و آن نگرانی که آنان از وحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند، دیگران ندارند. امریکا نگران منافع خود در منطقه است و صدام نگران سقوط و ننگ ابدی برای خویش است. باید مسلمانان و خصوصاً برادران عرب ما بدانند که مسئله، اسرائیل و ایران نیست، مسئله اصلی برای جهانخواران شرق و غرب، اسلام است که می‌تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پر افتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه بر مستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید. جهان عرب باید بداند امروز ضربه‌ای که صدام و سادات به آنها زده‌اند چنان وحشتناک است که تنها با اتحادشان می‌توانند جبران نمایند. امروز سادات با دستگیری وسیع برادران مسلمانمان در مصر خدمت خود را به اسرائیل به اتمام رسانده است. اتحاد او با امریکا و اسرائیل آبروی ملت عرب را ریخته است. اتحاد با اسرائیلی که این روزها علاوه بر جنایاتش در منطقه، دست به جنایت بزرگ دیگری

---

۱. نامبارک و شوم.

زده است و آن حفاری در مسجد اقصی قبله اول مسلمین است که با سست شدن پایه‌های این مسجد خدای ناکرده قبله اول مسلمین خراب خواهد شد و اسرائیل به آرزوی پست خود خواهد رسید.

قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران

هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع امریکای جهانخوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه‌ای آشتی ناپذیر دارد، و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه‌ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم‌تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه امریکا شروع کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید.

سلطه پذیری، ننگ مسلمین

آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که هواهای نفسانیه را کنار گذاشته و با یکدیگر دست مودت و اخوت داده و دشمنان بشریت را از صحنه خارج و به حیات ننگین ستمبارشان خاتمه دهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که ملت مبارز و غیور فلسطین، بازیهای سیاسی مدعیان مبارزه با اسرائیل را شدیداً محکوم نموده و با سلاح گرم، سینه اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین را بشکافند؟ آیا

مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنان را دعوت به اعتصام بحبل الله[۱] نموده و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارند؟ آیا تکلیف خود نمی‌دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس پرچم کفر را سرنگون و پرچم پرعظمت اسلام را برافراشته است پشتیبانی کنند؟ آیا وعاظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با امریکا و اسرائیل لازمتر می‌شمارند؟ ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می‌خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم صدا و هم جهت شده و با یاری خداوند متعال شر جنایتکاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچینند و به ندای خداوند متعال در این امر حیاتی پاسخ مثبت دهند. و از حجاج بیت‌الله الحرام تقاضا داریم که برای پیروزی اسلام در مواقف شریفه دعا کنند و پیام ملت ایران و ندای یاللمسلمین این ملت مظلوم را به کشورهای خود برسانند. و از خداوند متعال عاجزانه می‌خواهیم که توفیق وحدت کلمه و آشنایی به وظایف اسلامی را به همگان عنایت فرماید. والسلام علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱٦۸ تا ۱۷۲.

▣ پیام

زمان:۱۸مهر ۱۱/۱۳۶۰ذی‌الحجه ۱۴۰۱ مکان:تهران،جماران
موضوع:پاسخ نامه‌انتقادازعملکردمأموران‌دولت‌سعودی
مخاطب:خالدبن‌عبدالعزیز(پادشاه‌عربستان‌سعودی)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت ملک خالدبن‌عبدالعزیز،پادشاه عربستان سعودی

مرقوم شما واصل گردید. آنچه که سفارت جمهوری اسلامی گفته است صحیح است . اینجانب تمام گرفتاریها و بدبختی‌های مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می دانم . چرا باید دولت‌های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن ذخیره‌های زیرزمینی، خصوصاً موجهای نفت که رگ حیات ابر قدرتهاست، و برخورداری از تعلیمات حیات‌بخش قرآن کریم و دستورات عبادی سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که مسلمانان را به اعتصام به «حبل‌الله» دعوت و از تفرقه و اختلاف تحذیر می‌فرماید[۱]،وبا داشتن مَلاذ[۲] و ملجأی چون حرمین شریفین، که در عهد رسول‌الله صلوات الله علیه مرکز عبادت و سیاست اسلامی بوده و پس از رحلت آن بزرگوار مدتها نیز چنین بوده است و طرح فتوحات و سیاسات از آن دو مرکز بزرگ سیاسی عبادی ریخته می‌شده است، اکنون به واسطه کج فهمیها و غرض ورزیها و تبلیغات وسیع ابرقدرتها کار را به آنجا بکشانند که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی ، که مورد احتیاج مبرم و از اهم امور مسلمین است، در حرمین شریفین جرم شناخته شود و پلیس سعودی در داخل مسجدالحرام و در جایی که به حکم خدا و به نص قرآن مجید برای همه کس حتی منحرفین محل امن است با چکمه و سلاح به مسلمانان حمله کرده و آنان را مضروب

---

۱ . اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران : «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و از تفرقه و پراکندگی بپرهیزید.

۲ . پناهگاه، محل امن .

و دستگیر نمایند و به زندان بفرستند. جرم این مسلمانان شعار بر ضد امریکا و اسرائیل، این دشمنان خدا و رسول بوده است.

حج سرتاسر مشحون به سیاست است

من نمی‌دانم مسائل و جریاناتی که در کشور شما و حرمین شریفین می‌گذرد به طور صحیح به شما گزارش می‌دهند، یا همچون شعارهای ایرانیان، که در همه جا شعار آنان مشهور است، برای شما تحریف شده و برخلاف واقع گزارش داده‌اند. و نمی‌دانم ائمه جماعات حرمین شریفین از اسلام چه برداشت کرده‌اند و از حج بیت الله الحرام، که سرتاسر آن مشحون به سیاست، و سرّ جعل آن قیام انسانها به قسط[۱] و رفع ستمگریها و چپاولگریهاست، که سیاست کلی انبیای عظام و خصوص حضرت رسول خاتم صلوات الله علیه و آله و سلم است چه فهمیده‌اند که زائرین حرمین شریفین را به اسم اسلام از دخالت در سیاست و حتی از شعار علیه اسرائیل و امریکا منع و مسلمانان را، به دلخواه امریکا و اسرائیل و سایر دشمنان اسلام و بر خلاف سیره پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام، از دخالت در سیاست منع می‌کنند و عمداً یا از روی جهالت و غفلت مقدمات سلطه اجانب را بر ممالک اسلامی حتی حرمین شریفین، مهبط[۲] وحی و مهبط ملائکة الله فراهم می‌نمایند. اگر دولت حجاز از این فریضه عبادی سیاسی، که هر سال در مواقف کریمه حرمین شریفین با حضور میلیونی مسلمانان تشکیل می‌شود، استفاده سیاسی اسلامی می‌نمود، احتیاج به امریکا و هواپیماهای آواکس[۳] آن، و سایر ابرقدرتها

---

۱. برگرفته از آیه ۹۷ سوره مائده: «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس».

۲. محل فرود.

۳. هواپیماهای مجهز به سیستمهای راداری پیشرفته برای شناسایی تحرکات زمینی و هوایی. امریکا در جریان

←

نداشت و مشکلات مسلمانان حل می‌شد.

می‌دانیم که امریکا این هواپیماها را از آن جهت در اختیار عربستان قرار داده است تا به نفع خود و اسرائیل از آنها استفاده نماید. چنانکه دیدیم که آواکسهای امریکایی برای تفرقه بین ایران و سایر مسلمانان عرب گزارشی سرتاسر دروغ داد مبنی بر بمباران مراکز نفتی کویت توسط ایران. مع الأسف این سهل انگاری در عموم دولتهای کشورهای اسلامی شیوع دارد، تا آنجا که مسلمانان و خصوص دولتمردان آنان را دست خیانتکار و جنایتکار ابرقدرتها از دخالت در سیاست و اهتمام به امر مسلمین برکنار زده است؛ و تا جایی که در مرکز سیاست اسلام، مسلمین به حکم وعاظ السلاطین با دخالت در سیاست، بلکه با شعار علیه دشمنان خونخوار قرآن کریم و اسلام عزیز، مجرم شناخته می‌شوند و به حبس و شکنجه کشیده می‌گردند.

رهایی مسلمانان، هدف انقلاب اسلامی

آیا شما از این فجایع که در حرمین شریفین، در مأمن الهی و در جوار قبر رسول الله صلوات الله علیه به بار می‌آید مطلع هستید؟ یا مسائل به صورتی غلط و انحرافی برای شما ترسیم می‌گردد، چنانکه از گزارش شعار ایرانیان معلوم می‌شود. ما در ایران بپاخاستیم که به امید خداوند قادر متعال مسلمانان جهان را در زیر پرچم توحید و متعهد به احکام مترقی اسلام جمع، و دست ابرقدرتها را از ممالک اسلامی کوتاه، و مجد مسلمین صدر اسلام را بازگردانیم، و سلطه ظالمانه کفار را از بلاد مسلمانان به هم پیچیده و آزادی و استقلال را به مسلمین بازگردانیم. و امید آن است که دولتهای اسلامی و خصوص دولت عربستان سعودی، که در مرکز سیاست اسلامی

← جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پس از چندین سال هیاهوی تبلیغاتی، زمانی چند فروند از این هواپیماها را به دولت سعودی با قیمتهای گزاف فروخت که قبلاً تضمین کافی از آن دولت گرفته بود مبنی بر اینکه استفاده از آنها با نظارت امریکا خواهد بود و هیچ‌گاه این هواپیماها علیه اسرائیل مورد بهره‌برداری قرار نخواهد گرفت.

واقع است، با ما هم صدا و همفکر شوند؛ و هر یک در کشورهای خود شیرینی حمایت بی دریغ ملتها را بچشند، و همچون دولت مردمی ایران از این نعمت بزرگ الهی بهره مند شوند؛ و به حکم قرآن مجید با ملتها و دولتهای اسلامی به رحمت و اخوت، و باکفار و غارتگران بین المللی به شدت و قدرت عمل کنند.[۱]

اخیراً به این نکته تأکید می‌کنم که از مکتوب شما ظاهر می‌شود که گزارشهای دروغ و انحرافی به شما داده می‌شود[۲]. چنانکه نوشته‌اید شعارهای زائرین ایرانی موجب نارضایتی و تنفر زائرین بیت‌الله شده است. بهتر بود شما اشخاص امینی را مأمور گزارشها نمایید تا معلوم شود شعار ضد اسرائیل و امریکا موجب تنفر نارضایتی زائرین نشده، بلکه برخورد مأمورین دولت سعودی و ضرب و هتک و به حبس کشیدن مهمانان خدای متعال، به جرم شعار علیه اسرائیل و امریکا، موجب تنفر و نارضایتی مسلمانان جهان و خصوص زائران بیت الله الحرام و حرم معظم رسول الله ﷺ شده است.

از خداوند متعال خواستارم که مسلمانان را از خواب غفلت بیدار، و عظمت اسلام را روز افزون فرماید؛ و مسلمانان و خصوص دولتمردان را به آنچه صلاح اسلام و مسلمین است هدایت فرماید. والسلام علیکم و علی جمیع المسلمین.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. اشاره است به آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد رسول الله والذین معه اشدّاء علی الکفار رحماء بینهم» محمد (ص) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت و بایکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.

۲. متن پیام پادشاه عربستان به امام خمینی، در روزنامه‌های ۱۹ مهر ۱۳۶۰ منتشر گردید. ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ش ٦٨٢، سال سوم.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۹۰ تا ۲۹۳.

▣ پیام

زمان: ۲۹شهریور ۱۳۶۱/۲ذی‌الحجه ۱۴۰۲ **مکان:** تهران، جماران
موضوع: بیان مصائب مسلمین و فاجعه توسعه سیاستهای سازشکارانه سران عرب با رژیم صهیونیستی
مناسبت: عید سعید قربان
مخاطب: مسلمانان جهان و زائران بیت‌الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحیم

«و الی الله المشتکی»(۱)

در آستانه عید سعید قربان که باید به عموم مسلمانان جهان و بخصوص حجاج بیت الله الحرام، رهسپاران به سوی قربانگاه بزرگ ابوالانبیا حضرت ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه و علیهم تبریک عرض کنم، مع الأسف در این سال مصیبتهایی بر مسلمین وارد شد که به جای تبریک، تعزیت باید گفت. تعزیت نه فقط برای تجاوز شیطان بزرگ امریکای جنایتکار بر حریم مسلمین؛ و نه فقط برای هجوم حکام تروریست و جنایت پیشه اسرائیل بر کشور عزیز اسلامی لبنان، و نه برای جنایات صدام عفلقی این نوکر بی اراده امریکا و اسرائیل بر مسلمانان عرب و غیرعرب جنوب و غرب کشورمان ایران؛ و نه برای جست وخیز و شادمانی سران کشورهای مصر، اردن، سودان، مغرب و غیر آنان برای پیروزی دشمنان اسلام و بشریت بر مظلومان لبنان و بیروت و به خاک و خون کشیدن هزاران جوان و پیر و طفل، زن و مرد بیگناه. گرچه همه اینها مصیبت است و تعزیت دارد، لکن مصیبت بزرگ و فاجعه عظیمی که همه مصیبتها و فاجعه‌ها پیش آن ناچیز است، آن است که مشتی تروریست صهیونیست بی حیثیت، به بدترین وجه بر مسلمانان تاخت و تاز کنند. مسلمانانی که دارای آنهمه امکانات معنوی و مادی هستند که با یک تشر می‌توانند امریکا را از منطقه عقب برانند تا چه رسد به اسرائیل. ما نه فقط برای آوارگی یک عده مظلوم که از سرزمینهای خود رانده شدند و پناهگاهی ندارند در سوگ و عزا هستیم، که مصیبت

---

۱. «و شکایت را نزد خدا می‌بریم».

بزرگ آن است که این جنایتها به دست اسرائیل در مرئیٰ و منظر دولتهای مدعی اسلام انجام می‌شود. فاجعه بزرگ آن است که این دولتهای مدعی اسلام برای ناز شست امریکا و اسرائیل فعالیت می‌کنند که مو به مو «طرح کمپ دیوید» یا شبیه آن را اجرا کنند و به دنبال این جنایت عظیم، صریحاً اسرائیل را به رسمیت یا به آقایی بشناسند. فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از دولتهای به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ مانع می‌شوند تا مظلومان از دست‌ستمگران حتی ناله کنند.

مصیبت عظیم

مصیبت عظیم آن است که امریکا که قریب نیم قرن بر مسلمانان جهان بخصوص منطقه، هر چه خواسته است ستم کرده و مخازن آنان را غارت نموده است، دولتها نه تنها از ترس امریکا نمی‌توانند اظهار مظلومیّت مظلومان را حتی در کشورهای خودشان بشنوند، بلکه چنانچه دیدیم با ملت غارتزده ایران که با نهضت اسلامی خود می‌خواهد فریاد مظلومانه سر دهد و به ملتهای مظلوم جهان داد خود را برساند، چه‌ها کرده و در مخالفت با ایران حتی از امریکا و اسرائیل گوی سبقت را ربودند، و برای تقرّب به ستمکاران، با تمام قوای تبلیغاتی و تسلیحاتی به متجاوز به ایران کمک نمودند. به جای آنکه به ملت و دولت برادر خود دست اخوت و وحدت دهند، به امریکا و اسرائیل دست عبودیّت و ذلّت دادند و به توطئه علیه ملت ایران برخاستند. ما اکنون از بسیاری از دولتهای به اصطلاح اسلامی مأیوس هستیم و امیدی به هدایت آنان نداریم؛ مگر آنکه خداوند متعال نظر عنایتی فرماید و تحولی در آنان به وجود آورد تا مسائل را آنگونه که شایسته است، بررسی نمایند، و خود و کشور خود را از چنگال گرگان جهانخوار نجات دهند. اینک لازم است تذکراتی به زائران بیت الله الحرام و آنان که در قربانگاه حضرت خلیل الرحمن سلام الله علیه حاضر می‌شوند، داده شود:

لزوم آموزش مناسک حج

۱ـ لازم است حجاج، مسائل حج را از واجبات و محرمات نزد علمای اعلام به خوبی یاد گیرند تا خدای نخواسته تخلفاتی حاصل نشود که موجب هدر رفتن زحمات آنان گردد، یا موجب مُحِل نشدن آنان شود و برای خودشان اشکالاتی پیش آید.

لزوم حفظ آبروی انقلاب اسلامی

۲ـ لازم است زائران محترم ایرانی توجه کنند که از کشوری انقلابی و اسلامی و متعهد به احکام اسلام راهی حج شده‌اند و چشمان دوستان و دشمنان بر آنها دوخته شده است. دوستان، برای آنکه ببینند زائران محترم به تعهد اسلامی خود باقی هستند، و در رفتار و گفتار و برخورد با مسلمانان جهان آبروی انقلاب اسلامی شکوهمند خود را حفظ می‌نمایند، و در زحمتها و مشقتها و کمبودها که لازمه قهری این سفر مقدس است، بردباری و شکیبایی دارند، و خداوند متعال را در امور حاضر و ناظر می‌دانند، و با سرافرازی به کشور خود باز می‌گردند و کشور و انقلاب خود را در بین مسلمانان جهان سرافراز می‌کنند، و انقلاب اسلامی کشور عزیز خود را به مسلمانان جهان و کشورهای اسلامی صادر می‌نمایند، یا خدای نخواسته برخلاف اخلاق و کردار اسلامی از بعض آنان در مرئیٰ و منظر برادران اسلامی، عمل و یا گفتاری ولو کوچک صادر می‌شود که موجب هتک اسلام و جمهوری اسلامی که از گناهان بزرگ نابخشودنی است، و دشمنان، برای آنکه در گفتار و کردار و اخلاق آنان خدشه کنند، و خدای نخواسته اگر امری گرچه بسیار ناچیز از آنان صادر شود، بهانه به دست آورند و با بوقهای تبلیغاتی خود مطالب کوچک را بزرگ و بزرگتر جلوه دهند، و بیش از پیش، چهره اسلام و انقلاب را در نظر اجانب و جهانیان واژگون و مسلمانان ایران را در نظر مسلمانان جهان مردمی بی‌بندوبار معرفی کنند، و اسلام را مکتبی به دور از ارزشهای

والای انسانی، و ملت شریف ایران را ملتی منحط و دور از تمدن و تعالی، به خورد جهانیان دهند.

باید بدانند مسئولیت حجاج محترم در پیشگاه مقدس خداوند متعال و در مقابل ملت شریف و مجاهد، در راه اسلام و تعالیم انسانی آن، بسیار خطیر و بزرگ است. هرگز گمان نکنند امسال که همه می‌دانیم چنگال ابرقدرتها و وابستگان به آنان، به کشورهای اسلامی و مظلومان جهان بیش از پیش فرو رفته، و خون جوانان مظلوم مسلمین بیشتر از هر وقت از چنگال آنان می‌چکد، مشابه سالهای دیگر است.

اکنون قدرتهای بزرگ جهان از اسلام و برنامه‌های غرب و شرق‌زدایی آن به وحشت افتاده‌اند، و شیطان بزرگ، جوجه شیطانها را فراخوانده و به تمام توطئه‌ها برای خاموش کردن نور خدا دست یازیده است.

وظیفه زائران ایرانی، ابلاغ پیام ملت ایران به مسلمانان

۳ـ لازم است زائرین محترم بیت الله الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند. و در مقابل سیل شیطانی بنیانکن اسلام زدایی شرق و غرب و وابستگان بی اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند. و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل الله فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. از این فریضه عبادی سیاسی اسلام، در آن امکنه شریفه که بحق برای مصالح موحدین و مسلمین جهان بنا شده است، بیشترین استفاده معنوی و سیاسی را نموده و به سرّ قربانگاه ابراهیمی اسماعیلی توجه کنند، که برای خدای تبارک و تعالی و هدف مقدس اسلام تا سرحد فدای عزیزترین ثمره وجود خود باید ایستاد و از هدف الهی دفاع نمود. باید شیطان بزرگ و میانه و کوچک، اولیٰ، وسطی و عقبه را از حریم مقدس اسلام و کعبه و حرم راند. و باید دست شیاطین را از کعبه و حرم کشورهای اسلامی که حریم آن است قطع کرد. و باید دعوت خداوند متعال را

لبیک گفت. باید حجاج محترم کشور انقلاب اسلامی ایران فریاد مجاهدین شجاع و فداکار ملت شریف مجاهد را بر مسلمانان جهان در آن مجمع عمومی مسلمین برسانند، و آنان را موظف نمایند که حامل پیام ملت ایران به تمام ملتهای مظلوم جهان باشند و فریاد «یا للمسلمین» این ملت انقلابی را به گوش همه جهانیان برسانند و به آنان بفهمانند که ملت ایران از تمام مسلمین نه برای مصالح شخصی و منطقه‌ای که برای اسلام استغاثه می‌کند و امروز اسلام گرفتار توطئه‌های جنایتکاران جهانخوار است و اگر مسلمین با پیوند اسلامی، سدی آهنین در تقابل آنها ایجاد نکنند این سیل بنیان کن الحاد و کفر همه را خواهد برد.

تفرقه بین سنی و شیعه، توطئه آمریکا برای تضعیف اسلام

۴ـ مسلمانان باید بدانند که پس از انقلاب اسلامی و توجه به قدرت خارق‌العادهٔ اسلام، توطئه‌ها و نقشه‌های امریکا از ایجاد تفرقه بین برادران اهل سنت و تشیع و هجوم به ایران که مرکز ثقل نهضت اسلامی است تا نقشه عمیق و گسترده هجوم به لبنان و آن جنایات عظیم، همه و همه برای اسلام زدایی و تضعیف این قدرت الهی است. باید بدانند نقشه امریکا که به دست خبیث اسرائیل در جریان است، به بیروت و لبنان خلاصه نمی‌شود؛ که اسلام در همه‌جا، در کشورهای اسلامی، خصوصاً منطقه خلیج فارس و حجاز مرکز وحی الهی، هدف است. هدف اول آن است که حکام منطقه گوش و چشم بسته در فرمان امریکا و از آن دردناکتر اسرائیل باشند، و ننگ هر تحقیر و نوکری را بپذیرند. در چنین جو و فاجعه عظیمی، ملتهای اسلامی نباید بی‌تفاوت باشند و از هیچ کوشش در راه حفظ اسلام و کشورهای اسلامی نباید دریغ کنند. چه دردناک و مصیبت بار است که در جوار مسلمانان و دولتهای به اصطلاح اسلامی، اسرائیل غاصب اینچنین جسورانه و فاتحانه به مردم

مظلوم لبنان، به خواهران و برادران عزیز بیروتی تجاوز کند، و به جای آنکه دولتهای کشورهای اسلامی به دفاع که یک فریضه الهی وانسانی است برخیزند، اینچنین نرمش نشان دهند؛ بلکه برای مقصد شوم امریکا و اسرائیل به فعالیت برخیزند، و به جای اسرائیل ستم‌پیشه، ایران اسلامی و اسلام را در ایران هدف و تمام هدف قرار دهند.

آیا اگر امروز توانستند عذرهایی برای سکوت بلکه کمک به مقاصد شوم این جنایتکار و اربابش بتراشند، تاریخ را هم می‌توانند به انحراف کشند؟ آیا ملتهای آزاد را هم می‌توانند فریب دهند؟ و آیا خداوند منتقم را هم با عذرهای غیر موجه خود می‌توانند قانع کنند؟ و آیا اینطور که اینان اسلام بزرگ را به ملعبه و بازی گرفته‌اند، گناه بزرگشان بخشودنی است ؟ و آیا از عهده جواب برای خونهای زنان و مردان و کودکان بیگناه بیروت بر می‌آیند؟

لزوم هماهنگی کاروانها با نماینده ولیّ فقیه در حج

۵ـ چون لازم است در این سفر مبارک بر جریانات وطرحهای اسلامی سیاسی، هماهنگیهای کامل بین تمام کاروانها و گروهها باشد و از هرج و مرج و امور مخالف با اخلاق اسلامی به طور کامل اجتناب شود، ضروری است حجاج محترم و کاروانهای حج از پیشنهادهای متصدی محترم امور حج و حجاج، جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها پیروی نمایند؛ که اگر خدای نخواسته هر کاروان و هر گروهی مستقلاً و بدون توجه به هماهنگی اقدام به امری کنند، ممکن است فاجعه‌ای پیش آورد و انحرافاتی تحقق یابد که چهره اسلامی جمهوری اسلامی و انقلابی دگرگون جلوه داده شود؛ و این گناه عظیمی است که پیش خالق و خلق مسئولیتی بس بزرگ دارد.

بازداشتن خود و همراهان از گناه و مراعات آداب حضور

اینجانب امیدوارم که حجاج عزیز ایدهم الله تعالی از خود و دوستان خود مراقبت نمایند که این عبادت با عظمت الهی، آلوده به گناه و خطایا نشود. در میقاتهای الهی و مقامات مقدس، در جوار خانه پر برکت خداوند تعالی، آداب حضور محضر مقدس خداوند عظیم، مراعات و قلوب حجاج عزیز از تمام وابستگیهای به غیر حق، آزاد و از آنچه غیر دوست هست، تهی و با انوار تجلیّات الهی منور گردد، تا اعمال و مناسک این سیر الی الله با محتوای حج ابراهیمی و پس از آن، حج محمدی، آراسته گردد. و با سبکباری از افعال طبیعت، همگان سالم از وِزرهای منی و منیّت، باکوله باری از معرفت حق و عشق محبوب، به اوطان خود بازگردند، و به جای سوغاتهای مادی فانی، دستاوردهای باقی ابدی برای دوستان به سوغات آورند. با مشتی پر از ارزشهای انسانی اسلامی که پیغمبران بزرگ از ابراهیم خلیل الله تا محمدحبیب الله صلی الله علیهم و آلهم اجمعین به انگیزه آن مبعوث شدند، به دوستان عاشق شهادت بپیوندند. این ارزشها و انگیزه‌هاست که انسان را از اسارت نفس اماره به سوء و وابستگی به غرب و شرق، نجات و به شجره مبارکه زیتونهٔ لاشرقیة و لاغربیة می‌رساند.

هان! ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آیید

و اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیاء علیهم السلام که عصاره آن در آخرین کتاب انسان ساز، قرآن کریم، این کتاب هدایت که از مبدأ نور ﴿الله نور السموات والارض﴾[۱] به مشکات قلب نورانی خاتم الرسل صلی الله علیه و آله و سلم تابش نمود تا قلوب انسانها را از حجابهای ظلمت و نور برهاند و عالم را نور علیٰ نور کند پی برند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان زادگان در

---

۱. بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند، نور آسمانها و زمین است».

نمی‌آیند؛ و برای چند روز مسند توهمی و ریاستهای تخیلی، داغ ننگ و ذلت را بر جبین خویش نمی‌پذیرند؛ و برای تقرب به شیطان بزرگ و طرح اسارت بار «کمپ دیوید» و اشباه آن، به جست وخیز بر نمی‌خاستند. هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخواران از شما ببرد، و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود، و به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی برسید. از این زندگی ننگین که مشتی اسرائیلی دوره گرد، بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند، رهایی یابید. بارالها، به ما خفتگان توفیق بیداری عنایت فرما و حکام کشورهای اسلامی را به خودآر که با معیارهای اسلامی بر مسلمانان حکومت کنند و بتهای نحس و طاغوت را در هم شکنند.

لزوم بیان دستاوردهای انقلاب و افشای توطئه‌ها

۶ ـ بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه افکنی و دروغ پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند. و از تهمتهایی که از ناحیه بوقهای تبلیغاتی به این ملت زده شده است پرده بردارند و نقشه‌ها و توطئه‌های امریکا و وابستگان به آن را افشا کنند. از هجوم ارتش صدام عفلقی به امر امریکا و پشتیبانی کشورهای وابسته به آن، جهانیان را با خبر کنند. مسلمانان را از آنچه به دست بعضی حکام امریکایی بر اسلام و مسلمین می‌گذرد که

بدترین آنها شناسایی رسمی اسرائیل و بعد از آن، تاخت و تاز وحشیانه به کشور اسلامی لبنان و شهید و معلول کردن دهها هزار مردم بیگناه و بی پناه است، آگاهی دهند. شاید ملتها با اعتقاد به خدای متعال از این فاجعه بزرگ تاریخ که روی مسلمانان را در جهان و در پیش نسلهای آینده، خدای نخواسته سیاه می‌نماید، جلوگیری کنند و اسلام عزیز و مسلمین را از این ننگ بزرگ رهایی بخشند و خود را از این تحقیر و ذلت ناهنجار که یاد آن هر مسلمان غیرتمند را می‌لرزاند آزاد کنند.

اخطار به دولت‌های منطقه

۷ـ اخیراً به دولتهای منطقه که برای فجایع مخالف با اسلام و تعلیمات قرآن، گردهمایی می‌نمایند، اخطار می‌کنم که اقدام و قیام بر ضد اسلام و ملتهای اسلامی نکنند. در صورتی که چنین کنند، دولت و ملت ایران که بزرگترین قدرت منطقه است، به إذن الله تعالی بر شما نخواهد بخشود و هر پیامدی که برای شما پیش آید، خود، مسئول آن هستید. از شما که رگ حیات و شریان بزرگ اقتصاد و صنایع جهان در دستتان است، هیچ عذری در پیشگاه معظم خالق و مخلوق پذیرفته نخواهد شد. امید است إن‌شاءالله تعالی اسلام عزیز با پشتیبانی ملل اسلامی در جهان خصوصاً منطقه، به آمال خود برسد و مسلمانان جهان بر مستکبران پیروز شوند. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۰ تا ۵۱۷.

▣ پیام

زمان: ۱۲ شهریور ۱۳۶۲/۲۵ ذی‌القعده ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: حج ابراهیمی، تذکرات و توصیه‌ها به زائران خانه خدا
مخاطب: مسلمانان ایران و جهان، خصوصاً زائران بیت‌الله

بسم الله الرحمن الرحیم

عید قربان، یادآور فداکاری و جهاد در راه خدای بزرگ

فرا رسیدن عید بزرگ اسلامی قربان را به همه مسلمین تبریک عرض می‌کنم. عیدی که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می‌دهد. عمق جنبه‌های توحیدی و سیاسی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام علیهم الصلوة و السلام و خاصّه عبادالله کس دیگری نمی‌تواند ادراک کند. این پدر توحید و بت‌شکن جهان به ما و همه انسانها آموخت که قربانی در راه خدا، پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه‌های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید، و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما، ذریهٔ آدم، فهماند که «مکه» و «منیٰ» قربانگاه عاشقان است. و اینجا محل نشر توحید و نفی شرک؛ که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم درس آموزنده جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خود گذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید. به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت، و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح الله، گذشت. که حق جاودانه شود. این بت شکن و فرزند عزیزش، بت شکن دیگر، سید انبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به بشریت آموختند که بتها هرچه هست باید شکسته شود؛ و کعبه، که اُمّ القری است، و آنچه از آن بسط پیدا کرده تا آخرین نقطه زمین، تا آخرین روز جهان، باید از لوث بتها تطهیر شود: بت

هرچه باشد، چه هیاکل، چه خورشید، چه ماه، و چه حیوان، و انسان. و چه بتی بدتر و خطرناکتر از طاغوتهای در طول تاریخ از زمان آدم صفی الله، تا ابراهیم خلیل الله، تا محمد حبیب الله صلی الله علیهم و آلهم اجمعین تا آخرالزمان که بت شکن آخر از کعبه ندای توحید سر دهد. مگر ابرقدرتهای زمان ما بتهای بزرگی نیستند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود می‌خوانند، و با زور و زر و تزویر خود را به آنان تحمیل می‌نمایند؟ کعبه معظمه یکتا مرکز شکستن این بتهاست. ابراهیم خلیل، در اول زمان، و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فداه در آخر زمان، از کعبه ندای توحید سردادند و می‌دهند.

کعبه، محل ندای توحید و برائت از مشرکان

خداوند تعالی به ابراهیم فرمود: ﴿و اذن فی الناس بالحج یأتوک رجالاً و علی کل ضامرٍ یاتین من کل فجٍ عمیق﴾[۱]. و فرمود: ﴿و طهر بیتی للطائفین و القائمین و الرکع السجود﴾[۲] و این تطهیر از همه ارجاس[۳] است، که بالاترین آنها شرک است که در صدر آیه کریمه است. و در سوره توبه می‌خوانیم: ﴿واذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بریءٌ من المشرکین و رسوله﴾.[٤] و مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین، از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند. همه فریادها را از کعبه و مکه سر می‌دهند؛ و ما باید از آنها تبعیت کنیم و

۱. «و مردم را به حج فراخوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راههای دور نزد تو آیند». سوره حج، آیه۲۷.

۲. «و پاکیزه بدار خانه مرا برای طواف کنندگان و به نماز ایستادگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان». سوره حج، آیه ۲٦.

۳. جمع رجس: پلیدی، گناه، وسوسه شیطان.

٤. «و اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز (حج اکبر)، که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند». سوره توبه، آیه ۳.

ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سر دهیم؛ و با فریادها و دعوتها و تظلمها و افشاگریها و اجتماعات زنده و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه مکرمه بتها را بشکنیم؛ و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان بزرگ است، در عقبات «رمی» کنیم و طرد نماییم؛ تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله، مهدی عزیز، را به جا آورده باشیم؛ و الّا در حق ما گفته می‌شود: ما اکثر الضجیج و اقل الحجیج[۱].

امید است حجاج محترم بیت الله الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می‌باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دست جمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند؛ و برای بیداری مسلمانان و حکومتهای آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند. شاید به برکت دعا در محیط وحی و محل کسر اصنام[۲] جاهلیت، خداوند تبارک و تعالی بر مسلمین تفضل کند و مجد و عظمت صدر اسلام را به آنان برگرداند و دست اجانب و جهانخواران را از بلاد آنان کوتاه فرماید و ابر رحمت و غفران خود را بر سر عموم مسلمین بباراند. انه عفوّاً غفوراً.

اینک تذکر بعض مطالب برای زائران بیت الله الحرام و عموم مسلمین لازم است، گرچه کراراً عرض شده است:

لزوم برقراری درس مناسک و وجوب یادگیری آن

۱ ـ از امور مهمه‌ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروانها وقت شریفشان را صرف آن کنند یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج است؛ که کوتاهی از آن ممکن است موجب زحمتهای فراوان شود، از قبیل بطلان حج یا باقی ماندن به احرام علمای اعلام کاروانها از زوار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند. و حجاج واجب است برای یادگرفتن لحظه‌ای را کوتاهی نکنند و

۱. ناله کنندگان چه بسیارند ولی حاجیان (واقعی) کم!». بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۱.

۲. شکستن بتها.

با تمام توان مسائل را یاد بگیرند، و با علم به مسائل مناسک را عمل‌کنند.

عمّال به اصطلاح روشنفکر استعمار، منادیان جدایی دین از سیاست

۲ ـ همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرنها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولتهای اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غربزده و شرقزده آنان به توده‌های مسلمانان محروم تحمیل شده است؛ که حتی غالب علمای اسلام گمان می‌کردند و می‌کنند که اسلام از سیاست منزه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حیله گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکر خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند. و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند. و از این جهالت و غفلت ما سوءاستفاده نمودند، و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند؛ و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده، و با دست آنان ملتها را به استضعاف و استثمار کشاندند؛ و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده‌های دربند گردید. و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می‌دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می‌زنند. و انا لله و انا الیه راجعون.

تحقیر و تحمیل خود کم بینی بر مسلمانان و مستضعفان

۳ـ از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه جانبه‌ای است که غربزدگان و شرقزدگان، یا به امر ابرقدرتها، یا باکوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند. و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است؛ و آنان، خصوصاً غربیها و اخیراً امریکاییها، نژاد برتر هستند، و دیگران نژاد پست و ناقص هستند؛ و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است؛ و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است! و به تعبیر دیگر، آنان انسانهای تکامل یافته هستند؛ و اینان در حال تکامل، که پس از میلیون‌ها سال به تکامل نسبی می‌رسند. پس، کوشش برای پیشرفت بیفایده است. و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه‌داری غرب باشند، و یا کمونیسم شرق. و به بیان دیگر، ما از خود هیچ نداریم، و باید همه چیز را از ابرقدرتهای غرب یا شرق بگیریم: علم را، تمدن را، قانون را، و پیشرفت را! و شما امروز سیاه ما را می‌بینید که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده‌اند هرچیز، اگرچه ممتاز باشد و از خودی باشد، به همین جرم مشتری اش کم است؛ و همین را اگر اسم غربی به آن بگذارند، مشتری زیاد پیدا می‌کند. پارچه ایران حتماً باید در حاشیه اش حروف خارجی و لاتین داشته باشد تا مشتری پیدا کند! و مرضهایی که در خود کشور به نحو شایسته معالجه می شود باید به خارج سفر کرد تا معالجه شود. و این باور در حالی است که بعض دانشمندان و نویسندگان غیر مسلمان با شواهد زنده ثابت نموده‌اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسلمانان در این امور پیشقدم بوده‌اند. باید گفت که دانشگاههای ما به دست یک مشت غربزده خود باخته، یا مزدور، اداره می‌شد. و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند، و قدرت را از آنان سلب کرده بودند. و آن دسته اکثریت غربزده جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به

خارج می‌فرستادند. و در خارج دست استعمار کار خود را می‌کرد، و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود نگه می‌داشتند؛ و با افکار غربی و غیراسلامی و غیر ملی به کشور باز می‌گرداندند. و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشتباه آنها بود. و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند.

بزرگنمایی قدرتهای خارجی به وسیله خود باختگان ملی‌نما

۴ـ و از جمله چیزهایی که مانع دفاع مسلمین از کشورهایشان است، تبلیغات دامنه دار برای هر چه بزرگتر جلوه دادن قدرتهای خارجی است. در سابق از انگلیس، به دست به اصطلاح روشنفکران و تحصیلکردگان غربزده، یک غول ساخته شده بود و به دولت‌های بی‌اطلاع و ملتهای دربند تحمیل کرده بودند که اگر به یک فرّاش سفارتخانه انگلیس یک حرف درشت زده شود، ایران به باد فنا می‌رود! و پرچم سفارت بر سر خانه هر مجرمی که افراشته می‌شد از مجازات مصون می‌گشت. و اشاره سفیر انگلیس به دولت یا صدر اعظم، کافی بود برای اجرای اوامر و اطاعت بی‌چون و چرای او. و امروز از این دو قدرت، خصوصاً امریکا، در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگتر و شاخدارتر ساخته‌اند؛ و گمان می‌کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشمت ابروست، کشور از بین می‌رود! و با خیالهای خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن زدن وابستگان غربزده به این نحو شایعه ها، مسلمین را از دفاع‌بحق خود مأیوس نمودند. و جرم این خود باختگان ملی‌نما کمتر از مجرم اصلی نیست.

شکستن بت قدرتها با وحدت مسلمانان و مستضعفان

۵ـ امروز چاره چیست و برای شکستن این بتها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک چاره که اساس چاره هاست و ریشه این گرفتاریها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان

و دربند کشیده‌شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه دار باید به‌وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است، که ابراهیم خلیل‌الله و محمد حبیب الله شروع، و در آخرالزمان حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء تعقیب می‌کند. به ابراهیم خلیل الله خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای «شهود منافع» خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است : منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بیایند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی، و همه ذریه آدم باید به تو تأسی کنند. ببینند که بتها را شکستی و آنچه جز خداوند بود به دور افکندی، شمس باشد یا قمر، هیاکل، حیوانات یا انسانها؛ و گفتی و از روی حقیقت گفتی: ﴿وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین﴾[۱] و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم‌الشأن تأسی کنند. و در سوره توبه که امر شد در مجمع عمومی در مکه خوانده شود، می‌خوانیم : ﴿و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بریءٌ من المشرکین و رسوله﴾.[۲] فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج. و این یک فریاد سیاسی عبادی است که رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم، به آن امر فرمود.

آخوند مزدور آمریکایی، مخالف فریاد برائت از مشرکان

حال باید به آن آخوند مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می‌داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف

---

۱. اشاره است به آیه ۲۸ سوره حج : لیشهدوا منافع لهم . . . .

۲. «همانا روی خود را یکتاپرست و تسلیم به سوی کسی متوجه ساخته ام که آسمانها و زمین را آفرید؛ و من از مشرکین نیستم». سوره انعام، آیه ۷۹.

مراسم حج است ؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امر خداوند را تخطئه می‌کنید، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می‌دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تنزیه می‌کنید، و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می‌سپارید، و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با مسلمانان و ستمگران بر مسلمین کفر می‌دانید؟ ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بی خبر گوش فرا ندهد؛ و مسلمین را، همانطور که وعده نموده است، در مراسم حج و برائت از کفار و مشرکان آزاد گذارد، و در این عمل الهی با آنان، خصوصاً زائران ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته‌اند، هماهنگ شود؛ تا دشمن مشترک همه مظلومان را با ندای واحد به عالمیان معرفی کنند.

لزوم پیروی زائران از دستورات نماینده ولیّ‌فقیه

و من مؤکداً از زوار ایرانی و دیگر زائران بیت الله الحرام می‌خواهم که نظم و آرامش را مراعات کنند؛ و به دستورات نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای خوئینی‌ها عمل کنند؛ و همه مسلمانان را برادر خود بدانند، و با آنان به طوری که شایسته یک مسلمان متعهد است عمل نمایند. امید است دولت سعودی نیز با حجاج ایرانی، که از ستمکاران غدار که به کشورهای اسلامی تجاوز و دخالت‌های بیجا می‌کنند تظلم می‌نمایند، به نحوی شایسته هماهنگی نموده، و با همکاری و همگامی و وحدت کلمه کفار متجاوز به حریم اسلامی را محکوم کنند؛ تا حج امسال إن‌شاءالله تعالی به طوری که مَرْضیّ خداوند و رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم، است انجام گیرد.

تهدیدات، تبلیغات و مزدوران خائن، مجریان مقاصد قدرتها

۶ـ از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه

چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم بـه تـذکر است. آن است کـه نـوعاً قدرتهای ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا به وسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائنشان مقاصد شوم خود را اجرا می‌کنند. در صورتی که اگر ملتها با هشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند، موفق به اجرای آن نخواهند شد. شواهد بر این مدعا زیاد است. و زنده ترین شاهد در کشورهای منطقه ایران و افغانستان است.

فرو ریختن بتهای ساخته و پرداخته غرب زدگان در ایران

ایران، چنانچه می‌دانیم و می‌دانید، دست بسته تسلیم امریکا بود؛ و شاه مخلوع خائن این کشور را در تمامی ابعاد وابسته بـه امریکا کرده بـود، و ایران یکـی از پایگاههای نظامی امریکا بود. ارتش در دست مستشاران آن، و فرهنگ در دست جیره خواران، و شاه و دولت و مجلس از نوکران و سرسپردگان بودند. اقتصاد در وابستگی از آنها بدتر. و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود. و پشتیبان او امریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند. و از حیث تجهیزات نظامی بسیار غنی بـود. بـا اینهمه، ملت معظم ایران، که فاقد قدرت نظامی و تجهیزات رزمی و حـربی بـود، بـا دست خالی و ایمانی قوی فراگرفته از اسلام و عزمی راسخ و اتکا به خدای تعالی و اعتماد به نفس در مدتی کوتاه به طور معجزه آسا بتهای تـخیلی سـاخته و پـرداخـته غربزدگان را فرو ریخت و طومار ستمگریهای دو هزار و پانصد ساله را در هم پیچید و بر اسطوره‌های تاریخ سازان و بت تراشان خط ابطال کشید. و افغانستان هـجوم ناجوانمردانه شوروی، آن قدرت اسطوره‌ای و ارتش قدرتمند حکـومت غـاصب و حزب خائن، را با قدرت ایمان و اتکال به خدای بزرگ و اعتماد بـه خـویش درهـم کوبید؛ به طوری که باید گفت شوروی با پریشانی و پشیمانی از هجوم ظالمانه خود بسر می‌برد؛ و در حیرت است که چگونه از افغانستان بدون آبروریزی جا خالی کند.

و همچنین ملت قدرتمند و علمای متعهد بودند که فرانسه و انگلستان غاصب را از الجزایر و عراق بیرون کردند. اینها و امثال اینها برای فرو ریختن رعب‌های ساختگی به دست استعمار و استثمارگران کافی است که مسلمانان و دولت‌های کشورهای اسلامی را از خواب گران بیدار کند، و این طلسمهای ساختگی را و سحرهای شیطانی را ابطال نماید، و مسلمانان و دولتهای آنان را، با داشتن یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن شریان حیات غرب و شرق و دارا بودن کشورهای وسیع و غنی، از سحر و وحشتزدگی خارج کند. و از ایران که با جمعیت ناچیز سی و چند میلیونی دست همه قدرتها را از کشور خود قطع و تمام قید و بندهای استعماری را گسیخت و مستشاران و مفتخواران را از میهن عزیز راند عبرت بگیرند. و به بوق‌های استعماری، که یکصدا از اول پیروزی انقلاب تاکنون‌با شایعه پردازیها و نشر اکاذیب ایران را یک کشور در حال سقوط و ورشکسته معرفی کرده و می‌کنند، گوش فرا ندهند. و از یک قدرت اسلامی، که هدفش سرافرازی مسلمین و کوتاه کردن دست ستمگران از ذخایر خداداد آنان است و پیوسته می‌خواهد بین برادران اسلامی صلح و صفا و اخوت ایمانی برقرار باشد، قدردانی کنند. و بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت طلب، که غایت آمالشان دست یافتن به کشورهای اسلامی و مستضعف است، آنان را در مواقع گرفتاری تنها می‌گذارند، و کلمه «وفا» در قاموس آنان راهی ندارد.

تشکیل ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی مسلمانان

۷ـ اگر إن‌شاءالله آن وحدت بین مسلمین و دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشأنش خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند. و

اکنون که این حاصل نیست، دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت‌ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیاتبخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند.

تشکیل ارتش مردمی در ایران، الگویی برای کشورهای اسلامی

امروز ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیها و حصر و سدها، در صدد است تمام جوانان خود را تعلیم نظامی دهد. و تاکنون، به طوری که گزارش می‌دهند، قریب یک میلیون رزمنده ذخیره تعلیم دیده دارد، که به محض آنکه لازم شود، با یک هشدار برای دفاع از میهن اسلامی خود مجهز و مسلح می‌شوند. دولت‌های اسلامی و منطقه نیز اگر مثل دولت ایران با ملت رفتار کنند و خود در کنار ملت باشند و مردم احساس خدمتگزاری آنان را نمایند، این امر در کشورهای آنان نیز حاصل می‌شود؛ و مقدمه است برای آنچه اسلام بزرگ به آن امر کرده و طرح داده است. و باید متأسف بود که اسلام در همه ابعادش ناشناخته است، و زیر پرده‌های استعماری در طول تاریخ می‌باشد. از خدای بزرگ می‌خواهیم که این پرده‌های سیاه را برچیند و چشم مسلمانان را به جمال جمیل اسلام روشن فرماید، تا دنیا بداند اسلام برای جهان چه آورده است. و آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخرالزمان، ارواحنا فداه، حاصل

شود؛ و رسیدن انسانها به کمال و سعادت اخروی است، که خداوند نصیب همگان فرماید.

پیش‌بینی حمله صدّام به کشورهای منطقه

۸ـ مسلمانان، و خصوصاً مظلومان منطقه، بدانند که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهره ها، که شاید برای اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد، هیچ گاه از مقصد شوم خود، که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل تا فرات است، منصرف نخواهد شد. و امریکا، که چنگ و دندان در منطقه نشان می‌دهد، از مهره‌ای چون اسرائیل، که مجری جنایت‌های آن در منطقه است، به طور کامل پشتیبانی می‌کند. و بازی‌های سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت. و کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می‌کنند، که در صورت فرصت خدای نخواسته حرث و نسل منطقه را به هلاکت می کشاند. و باید به این افعی خزنده خطرناک مهلت ندهند. چنانچه صدام جنایتکار اگر فرصت پیدا کند، خطرش برای منطقه از اسرائیل کمتر نیست. و لازم است برای آرامش منطقه اکنون، که به یاری خداوند متعال قوای مسلح ایران ما ایّدهم الله تعالی، این جرثومه فساد را تا لبه پرتگاه هلاکت رسانده‌اند و از سردار قادسیه یک موجود مفلوک ساخته‌اند، دولتهای منطقه از کمک به او دست بردارند، که صلاح دین و دنیای آنان است. و در صورتی که مهلت پیدا کند، بر هیچ یک از دولتهای خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد. شما دیدید اکنون که با شکست مفتضحانه روبرو است در یک سخنرانی گفت: «اعراب باید رهبری عراق را بپذیرند»! و شک نکنید که اگر قدرت پیدا کند، به مسئله رهبری اکتفا نخواهد کرد. و بوقهای تبلیغاتی دولتهایی که از ایران سیلی خورده‌اند، برای مصالح خودشان و دربند کشیدن هرچه بیشتر ملتها، شماها را از ایران می ترسانند. ولی دولتها بدانند که ایران، به پیروی از تعالیم اسلامی، با تمامی آنها در صورتی که به موازین اسلامی گردن نهند با برادری و برابری رفتار می‌نماید. ولی هرگز به خود اجازه

نمی‌دهد باکسی که نسبت به ما آن همه خسارات و جنایات وارد کرده است مسالمت کند. و ملت عزیز عراق در انتظار پیروزی ایران است تا از نیشهای این عقرب جرّاره نجات پیدا کند. و امید است که با یاری خداوند این انتظار به طول نیانجامد: ﴿الیس الصبح بقریب﴾.[۱]

لزوم مراعات حیثیّت جمهوری اسلامی و شرکت در برنامه‌های بعثه

۹ ـ حجاج محترم ایران و زائران حرمین شریفین بدانند که آنها از کشوری که برای اهداف اسلامی وبیرون راندن ستمگران از کشور عزیز خویش [قیام کرده است] به سوی خانه خدا و حرم شریف رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و قبور معظم و فرزندان پیامبر علیهم صلوات الله می‌روند، تحت مراقبت برادران اسلامی سراسر جهان هستند؛ وخبرگزاریها ودروغپردازان بوقهای تبلیغاتی ودشمنان اسلام در کمین نشسته و مراقب اعمال و اقوال آنان هستند، و در صددند که از کاهی کوهی بسازند و سرتاسر جهان را از شایعه‌های خود پر نمایند. در این صورت جزیی انحراف و خطا و لغزش آنان علاوه بر آنکه در پیشگاه خداوند بزرگ و رسول عظیم الشأنش می‌باشد، در حضور سایر زائران حرمین شریفین است، که به واسطه پیامد آن گناهی بزرگ و خطایی عظیم است؛ زیرا علاوه بر آنکه بعض اعمال و گفتار خلاف حرمت حرمین شریفین است، موجب وهن جمهوری اسلامی است؛ که خدای نخواسته این جمهوری اسلامی، که برای حکومت الله و برقراری احکام مقدس آسمانی قرآن و سنت تشکیل شده، به واسطه بعض اعمال و رفتار آنان به‌گونه‌ای دیگر معرفی شود؛ و عیب جویانی که مراقب خرده گیری و بهانه هستند بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی به شایعه پراکنی و مشوه نمودن چهره نورانی اسلام و جمهوری اسلامی بپردازند؛ و گناه آن در نامه اعمال آنان که برای عبادت و فریضه حج رفته‌اند نوشته شود. لازم است

---

۱. «آیا صبح (پیروزی) نزدیک نیست؟». سوره هود، آیه ۸۱.

مراقب باشند که اعمال بی رویه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند. و هرکس مراقب دوستان و نزدیکان خود باشد؛ و در برنامه‌های انسانی اسلامی صحیح، که از طرف نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای خوئینی ها، ترتیب داده می‌شود تبعیت کنند؛ و از آنها تخطی نکنند که موجب هرج و مرج و ناراحتی زائرین فراهم شود.

اهانت و جسارت به زائران، اهانت به خداوند و رسول‌الله (ص)

و پلیس کشور سعودی و متصدیان امور حج و زیارت و دولت سعودی باید توجه کنند که زائران ایرانی، که از یک کشور انقلابی تحت ستم غرب و شرق و غارتزده که با تأیید خداوند متعال و قیام و نهضت همگانی خود را از چنگال ابرقدرتها نجات داد و با همت والای مرد و زن و کوچک و بزرگ استقلال و آزادی را به دست آورد و رژیم ستمشاهی امریکایی را به رژیم اسلامی مردمی تبدیل کرد و مستشاران و جاسوسان امریکایی و شوروی را یا از کشور راند و یا به بند کشید، به زیارت بیت الله الحرام و مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه مسلمین علیهم السلام مشرف می‌شوند. میهمانان خدا و رسول‌اند. و اهانت و جسارت به آنها اهانت وجسارت به میزبانان بزرگ آنان است. خصوصاً که این میهمانان آمده‌اند تا همراه با مناسک حج به ندای ابراهیم خلیل الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لبیک گویند، که لبیک به آنان نیز لبیک به خدای تعالی است. با اینانی که از ﴿کل فج عمیق﴾[1] هجرت به سوی خدا و رسول بزرگ او کرده‌اند با مهر و صفا و محبت و وفا و اخوت اسلامی رفتار کنید، و میهمانان خدا و رسول را آزار ندهید. اینان برای مناسک حج و برائت از مشرکان و کافران، که خدا و رسول او از آنان برائت جسته است، آمده‌اند. این میهمانان متعهد را گرامی دارید؛ و از قدرت یک رژیم مقتدر اسلامی برای سرکوب دشمن اسلام و مسلمین، اسرائیل غاصب، و قطع ید ارباب او،

---

۱. سوره حج، آیه ۲۷. ر.ک: پاورقی ۱ همین پیام.

امریکا، رأس دشمنان اسلام و کشورهای اسلامی، بهره برداری کنید؛ و مکه مکرمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید؛ که این یکی از اسرار حج است. و خداوند، غنی از لبیکها و عبادات بشر است.

بارالها، ما را از پیروی شیطان و نفس اماره حفظ فرما. ما را از حب جاه و مقام و دنیا و نفس خویش بازدار. دولتهای کشورهای اسلامی را از وحشتزدگی در مقابل دو قدرت چپ و راست نجات مرحمت فرما، و آنان را به وظایف اسلامی انسانی آشنا نما. و ملتها و دولتهای کشورهای اسلامی را برای حصول وحدت و اخوت راهنمایی فرما. و حجاج ایرانی را، که در راه هدف بزرگ تو تحمل رنج و زحمت و اهانت و حبس و زجر می‌نمایند، از رحمت و جلوه خاص خود بهره‌مند فرما. و دست قدرتهای چپاولگر را از بلاد مسلمین کوتاه فرما. و ما را به آنچه رضای تو است هدایت نما. و لشکریان اسلام را در دفاع از سرزمین خود و مظلومان منطقه نصرت عنایت فرما. و اسرائیل غاصب متجاوز و امریکا و شوروی ستمگر را مخذول فرما. و اسلام و مسلمین را تقویت فرما و از شر اجانب حفظ کن.

«انک ولی النصر و النعمة و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی اولیاء المعصومین سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه»

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸٦ تا ۹۸.

▣ پیام

زمان: ۴شهریور ۲۸/۱۳۶۳ذی‌القعده ۱۴۰۴[۱] مکان: تهران، جماران
موضوع: فلسفه حج و رسالت حجاج در کنگره عظیم عبادی سیاسی حج
مناسبت: در آستانه عید سعید قربان
مخاطب: مسلمین ایران و جهان؛ حجاج بیت‌الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحیم

مبارک باد عید سعید بزرگ قربان بر مسلمانان جهان و بر ملت بزرگ مجاهد ایران که با انقلاب کبیر خود دست جهانخواران را از تجاوز به میهن اسلامی شان قطع کردند؛ و به خواست خداوند متعال و حمایت حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء خود را از سلطه ستمگران شرق و غرب آزاد، و برای به ثمر رسیدن انقلاب بزرگ خویش با فداکاریهای فوق طاقت به نهضت و جانبازی خود ادامه می‌دهند، تا إن‌شاءالله مقصد اعلیٰ، که اجرای احکام نورانی اسلام است، در کشور پیاده شود.

عید سعید و مبارک در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهانخواران بیرون آیند. و این مقصد بزرگ زمانی میسر است که ابعاد مختلفه احکام اسلام را بتوانند به ملتهای زیر ستم ارائه دهند. و ملتها را با اسلام ناشناخته آشنا کنند، و فرصتها را برای این امر بزرگ سرنوشت ساز مغتنم شمرده و از دست ندهند. و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. و مع الأسف ابعاد مختلف این فریضه عظیم سرنوشت ساز به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده

---

۱. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۱۹، ص ٤١ ذیل تاریخ ٦٣/٦/٧ درج گردیده که به استناد تاریخ مندرج در دستخط امام خمینی، تاریخ ٤ شهریور ٦٣ صحیح است.

حقیقت تکرار لبیک

لبیکهای مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع[۱] جواب می‌دهند. مسئله، مسئله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند. و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق[۲] آن می‌نماید، که اهل الله می‌دانند، نه شریک در الوهیت فقط. گرچه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب، تا فنای عالم در نظر اهل معرفت است؛ و حاوی جمیع فقرات «احتیاطی» و «استحبابی» است، مثل «الحمد لک و النعمة لک» و «حمد» را اختصاص می‌دهد به ذات مقدس، همچنین نعمت را؛ و نفی شریک می کند. و این نزد اهل معرفت غایت توحید است. و به این معناست که هر حمدی و هر نعمتی که در جهان هستی تحقق یابد حمد خدا و نعمت خداست بدون شریک. و در هر موقف و مشعری و وقوف و حرکتی و سکون و عملی، این مطلب و مقصد اعلی جاری است. و خلاف آن، «شرک» به معنای اعم است، که همه ما کوردلان به آن مبتلا هستیم. بگذارم و بگذرم.

بُعد سیاسی حج، مهجورترین ابعاد حج

و از همه ابعاد آن مهجورتر و مورد غفلت تر، بعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود. و مسلمانان امروز و در این عصر که عصر جنگل است بیشتر از هر زمان موظف

---

۱. اسم جامع الهی،(الله) است که در تلبیه «لبیک گفتن حاجیان» مکرّر بر زبان جاری می‌شود.

۲. همان گونه که توحید بر سه قسم است : توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. در قبال هر یک از آنها شرک قرار دارد یعنی : شرک ذاتی، شرک صفاتی و شرک افعالی. و منظور از شرک به معنای مطلق آن، هر سه قسم شرک است.

به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند؛ زیرا بازیگران بین‌المللی با اغفال مسلمین و عقب نگه داشتن آنان از یک سو، و عمال سودجوی آنان از سوی دیگر، و غفلتزدگان نادان از طرفی، و آخوندهای درباری یاکج فهم از سوی دیگر، و متنسکان جاهل[۱] از یک طرف، دانسته یا ندانسته پشت در پشت هم ایستاده و در محو این بعد سرنوشت ساز و نجات دهنده مظلومان در فعالیت هستند. و لازم است متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام و مهجوریت این بعد در احکام اسلام، بویژه حج که این بعد در آن ظاهرتر و مؤثرتر است، با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند؛ خصوصاً در ایام مراسم حج، که پس از این مراسم عظیم انسانها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بعد عظیم مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار، و برای خروج مظلومان جهان از تحت فشارهای روز افزون ستمگران مدعی حمایت از صلح به حرکت وادارند. و پر واضح است که اگر در این کنگره عظیم جهانی، که همه اقشار ملتهای مظلوم اسلامی از هر مذهب و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشر، ولی با زی واحد و لباس مشابه، دور از هر آلایش و آرایش، اجتماع نموده‌اند مسائل اساسی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان از هر فرقه حل نشود و حکومتهای مستکبر و زورگو سر جایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه‌ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد.

بیت الله الحرام، بیت همگانی و یکسانی

بیت الله الحرام، اول بیتی است که برای «ناس» بنا شده.[۲] بیت همگانی است. هیچ شخصیتی و هیچ رژیمی و هیچ طایفه‌ای حق تقدم در آن را ندارد. اهل بادیه و صحرانشینان و خانه به دوشان با عاکفان کعبه و شهرنشینان و دولتمردان در آن

---

۱. زاهدان و عابدان نادان.

۲. اشاره به آیه ۹۶ سوره آل عمران.

یکسانند[۱]. این بیت معظّم برای ناس بنا شده، و برای قیام ناس و نهضت همگانی، و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود، و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود، و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود، و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف انجام داد. مجرد کلید داری بیت و سقایت[۲] حجاج و عمارت مسجدالحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست. ساده بودن بیت و مسجد، همچون زمان ابراهیم و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آلایش و وافِدین[۳] بی پیرایش هزاران مرتبه بالاتر است از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است. ﴿اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لا یستوون عندالله و الله لا یهدی القوم الظالمین﴾.[٤] گویی آیه شریفه در عصر ما نازل شده و گویای حال ماست. در عصر حاضر سرگرمی به سقایت و معیشت حجاج و به عمارت و تزئین مسجد الحرام، و غفلت از ایمان به خدا و روز جزا و کناره گیری از جهاد فی سبیل الله را ظلم، و کسانی که چنین کنند را ظالم محسوب داشته است. ایمان به خدای تعالی و روز جزا انسانها را به جهاد فی سبیل الله و قیام برای حق و عدل سوق می‌دهد. و خداوند قومی را که

---

۱. اشاره به آیه ۲۵ سوره حج.

۲. آب دهی و آب رسانی.

۳. فرستادگان.

٤. سوره توبه، آیه ۱۹: «آیا آب دادن به حاجیان و عمران و آبادانی مسجد الحرام را قرار دادید مانند آن کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است! یکسان نیستند نزد خدا، و خدا گروه ستمکاران را هدایت نکند».

چنین نباشند هدایت نمی‌فرماید، که اینان ظالمانند.

ظهور ولی عصر(عج) و ندای عدالت و فریاد او علیه ظالمان و کافران

خدای تعالی و رسول عظیم‌الشأن ﷺ در روز حج بزرگ ندا دادند و فریاد سر دادند که خدا و رسول بری هستند از مشرکان: ﴿و أذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر أن الله بریء من المشرکین و رسوله﴾[۱] در آن روز خط امریکا و آخوندهای درباری تأمین کننده منافع شیطان بزرگ نبودند که فتوا دهند العیاذ بالله خدا و رسول بر خلاف مناسک حج دستور داده و عمل می‌کنند، و باید حج از این مسائل به دور باشد. روزی که ولی‌الله الاعظم، امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سر دهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر کنند و از ستمگران پشتیبانی نمایند. خداوند إن‌شاءالله تعالی اسلام و مسلمین را از شر ستم پیشگان نگهداری فرماید.

اینک تذکراتی هر چند تکراری را به عرض برادران و خواهران می رسانم؛ امید است إن‌شاءالله تعالی به دیده عنایت توجه نمایند.

حصول مراتب معنوی حج، در گرو انجام دقیق دستورات عبادی آن

۱ ـ مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود، و حجاج محترم و روحانیون معظم کاروانها تمام هم خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند. و بر مسئله‌دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند، که خدای نخواسته تخلف از دستورات

---

۱. بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام‌شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند».

نشود. و بعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی‌گردد، مگر آنکه بعد معنوی و الهی آن جامهٔ عمل پوشد، و لبیکهای شما جواب دعوت حق تعالی باشد و خود را محرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نمایید، و لبیک گویان برای حق نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود»، که منشاء بزرگ شرک است، به سوی او جلّ و علا هجرت نمایید. و امید است برای جویندگان، آن موتی که دنبال هجرت است حاصل آید؛ و اجری را که «علی الله» است دریافت نمایند. و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که بتوان از چنگال شیطان نفس رهایی یابید. و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی‌توانید جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم الله نمایید. شما عزیزان قدری به خود آیید و سلحشوران جمهوری اسلامی را که پیروزیهای خداپسندانه‌ای برای اسلام و کشور اسلامی کسب کرده‌اند، و اکنون جمعی از شهدای زنده آنان با شما در مناسک حج شریک هستند، بنگرید؛ و از تحول عظیمی که موجب اینهمه فداکاری در آنان شده است عبرت بگیرید. و مسلمانان بدانند تا یک درجه از این تحولات در آنان حاصل نشود، شیطان نفس اماره و شیاطین خارج نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواهانم.

موقعیّت حساس و وظیفه سنگین زائران ایرانی

۲ـ شما از کشور پیروزمندی که سالها تحت فشار ستمشاهی دست و پا زده و با عنایت خداوند تعالی و دعای خیر بقیةالله أرواحنا فداه قید و بندها را با تحمل مصیبات جانکاه گسیخته و هزاران شهید و جانباز در راه مقصد تقدیم اسلام نموده است عازم حج شده‌اید. شما حامل پیام ملتی هستید که با انقلاب خود کشوری را که می‌رفت با شرق زدگی و از آن بیشتر غربزدگی در الحاد و فساد و فحشا غرق شود نجات داده، و حکومت اسلامی را به جای حکومت طاغوتی جایگزین نموده‌اند.

همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی‌شان نه تنها کشورهای اسلامی، که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند. شما نمایندگان مردمی هستید که انقلاب اسلامی شان، با عمر کوتاه خود و گرفتاریهای طاقت فرسای حاصل از رویارویی با دو ابرقدرت و مقابله دو بلوک شرق و غرب با آن و خرابکاریهای تروریستهای وابسته به دو جناح ستمگر، تنها و تنها به برکت اسلام و نورانیت آن و مقاومت مردم توانسته است کشورهای اسلامی را در شرق و غرب ارض و مظلومان جهان را در سراسر گیتی تکان داده و به اسلام جلب نماید؛ و توانسته است ندای اسلام را هر چند ضعیف به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند. شما حجاج محترم بیت الله الحرام حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید. در این صورت موقعیت شما بسیار حساس و وظیفه شما سنگین است. یا إن‌شاءالله، چنانچه انتظار می‌رود، با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن گونه که هست به نمایش ملتهای جهان می‌گذارید و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه و محبت‌آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب می‌نمایید و عملاً تبلیغات فاسد مغرضانه‌بوقهای تبلیغاتی را خنثی می‌نمایید، که در این صورت حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود. و یا خدای نخواسته بعضی از بیخبران برخلاف آنچه ذکر شد عمل می‌نمایند که امید است ننمایند که در این صورت در محضر خدا و خانه او و قبله مسلمانان مرتکب گناهی عظیم شده و از صف حجاج بیت الله الحرام و زائران قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین در بقیع خارج می‌شوند، و باکوله‌باری از گناه به منازل خود بر می‌گردند.

جلوگیری از انجام کارهای ناشایسته و مخالف اسلام

۳ـ بسیار محتمل است که عده‌ای از منحرفان و دشمنان انقلاب و اسلام برای

بدنام کردن حجاج محترم و مشوّه نمودن چهره انقلاب، بلکه اسلام، در این سفر شرکت کنند و به صفوف حجاج محترم به پیوندند و دست به کارهای ناشایسته و مخالف دستورات اسلام زنند، و گاه باعث شوند که بعض متدینین هم گول خورده و از آنها، به توهم آنکه تکلیف انقلابی است، تبعیت کنند و به دست مخالفان انقلاب، که با دقت در صدد یافتن نقاط ضعف و خرده گیری از حجاج ایرانی می‌باشند، بهانه دهند؛ مخالفانی که همراه کاروانان و راهپیمایان و اجتماعات در مواقف شریفه می‌باشند مطالب را صد چندان کرده و به رسانه‌های گروهی مخالف مخابره نموده، و موجب تضعیف انقلاب می‌شوند. در این صورت، بر تمام حجاج محترم، خصوصاً رؤسای کاروانها و روحانیون محترم و اشخاص هوشیار، لازم است تا با دقت بسیار مواظب حرکات و سکنات و رفتار حجاج باشند؛ و به مجرد رؤیت یک امر انحرافی طرف را نهی کنند. و اگر دیدند اصرار دارد و در صدد فساد است، به نحوی که به ملایمت و موعظه حسنه نزدیکتر است از آن جلوگیری نمایند؛ و به دیگران هشدار دهند که او را از صفوف خود خارج کنند. و متوجه باشند که گاهی مفسدان می‌خواهند جار و جنجال و تشنج ایجاد کنند. باید از این گونه امور احتراز نمایند.

لزوم هوشیاری برادران شیعه و سنی در برابر تفرقه افکنان

۴ ـ مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند، باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله و سلم ابر قدرتها، خصوصاً امریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند. و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه‌انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می‌باشد. در مراسم حج ممکن است اشخاصی، از قبیل ملاهای وابسته به خود، را وادار کنند که

اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند؛ و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعض ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران هر دو فرقه بایدهوشیار باشند. و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند؛ یا لااقل به انحراف کشانند. برادران و خواهران باید بدانند که امریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند؛ چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان بپاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد. امروز توطئه بر ضد ایران و حکومت آن و حزب الله در حقیقت توطئه برای محو اسلام و کتاب و سنت است. و ایران بهانه‌ای بیش نیست. اینان با ایران زمان شاه که حکومتش جان نثار آنان بود و ایران را در همه چیز وابسته به آنان کرده و نقشه اسلام زدایی را دنبال می‌کرد بسیار موافق بودند. و با ایران امروز که دستشان را از منابع و مخازن کشورمان قطع کرده و مستشاران و وابستگان به آنان را از کشور رانده است مخالفند. از طرف دیگر، دشمن حقیقی آنها هم اسلام است. مگر آنکه اسلامی ساخته و پرداخته بعضی حکومتها و آخوندهای بدتر از آنان باشد که با آن موافقند. و آن اسلام نیز حامی آنان و مدافع منافع آنان است. و از آن دیدگاه است که فریاد مظلومانه حجاج ایرانی را در مرکز وحی و مهبط أذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر *أن الله بریء من المشرکین و رسوله* در گلو خفه می‌کنند و به کفر آنان فتوا می‌دهند. پس، در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می‌دهد، انکار کنند؛ و برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در مواقف کریمه بدانند؛ تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالأنبیا صلوات الله علیه باشد و حج محمدی

صلی الله علیه و آله و سلم. و الاّ «ما اکثر الضجیج و اقل الحجیج»[۱] درباره آنها صادق است.

رعایت مسالمت و مدارا با مسلمانان و مأموران

۵ـ به حجاج محترم ایرانی، که حامل پیام اسلام و قرآن کریمند و حامل پیام انقلاب اسلامی می‌باشند، سفارش کرده و می‌کنم که در آن مواقف شریفه چه در مکه معظمه و چه در مدینه منوره مدارا با مسلمین و مسالمت را حتی با مأمورین آنجا از دست ندهید؛ و در آن مراکز، که محل امن است، به مقابله برنخیزید و با همه با اخلاق انسانی اسلامی برخورد کنید؛ و با نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت بازدارید، و به دستور خداوند تعالی با جاهلان مدارا نمایید؛ و با دقت متوجه حرکات و سکنات خود و دوستانتان باشید. و اگر مخالفان شما بر خلاف دستورات قرآن کریم با شما رفتار کردند، مقابله به مثل نکنید، تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند و مطیع باشید. و باید بدانید که انسان در اجتماعات بزرگ، نظیر راهپیماییها، تحت تأثیر واقع می‌شود و چه بسا که از خود بیخود شود و از یک شعار و فریاد بی توجه تبعیت کند؛ و چه بسیار که در اجتماعات حج و راهپیماییها، که باید با آرامش و مسالمت انجام گیرد، یک و یا چند نفر منحرف جنجال انگیز شعاری دهند که با موازین اسلامی وفق ندهد، ولی با ظاهر شورانگیزشان در نفوس اثر گذارند و انحراف را تحمیل نمایند. لازم است حجاج محترم ایرانی با دقت با این مسائل توجه داشته باشند. و کسانی که کارگردانان راهپیماییهای مسالمت‌آمیز هستند، تمام شعارها را با دقت تنظیم کنند. و قبل از شروع راهپیمایی، عده‌ای که متوجه جهات مختلف هستند و از مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی دارند، با مشورت از نماینده اینجانب، جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها، شعارهایی را تهیه نموده و مردم را

---

۱. «چه بسیارند ناله و فریاد کنندگان، و چه اندکند حج گزاران».

توجیه نمایند؛ و اعلام شود که همه موظف به تبعیت از شعارهای تنظیم شده هستند، و به دیگر شعارها جواب ندهند. و باید نظم و آرامش را حفظ نمایند.

دست برادری برای قطع نفوذ ابرقدرتها دراز می‌کنیم

۶ ـ ملت و دولت ایران، در حالی که از بسیاری از دولتهای منطقه مخالفتهای بیجا دیده است، هرگز نمی‌خواهد از اخوت اسلامی چشم‌پوشی نموده و به اعمال قدرت دست زند. حکومتهای منطقه در عوض آنکه همه دست در دست هم منطقه را از دست قدرتهای بزرگ، که به آنها به چشم وابسته می‌نگرند، نجات دهند، و نیز به جای آنکه در مقابل کسانی که ثروتهای سرشار آنان، خصوصاً نفت، را به رایگان می‌برند بایستند، و به جای آنکه منطقه را از لوث وجود اسرائیل پاک کنند، همه کوشش خود را در معارضه با دولت و ملت ایران خلاصه کرده‌اند! اینان با دشمن و متجاوز به ایران، که اگر فرصت پیدا کند به همه منطقه تجاوز می نماید، همدست شده و بر ضد ایران، که جرمی جز پیاده کردن احکام اسلام ندارد، همکاریهای همه جانبه می‌کنند. اینان باید بدانند که دولت ایران با قدرت عظیمی که از عنایات خداوند تعالی و پشتیبانی ملت چهل و چند میلیونی سرچشمه می‌گیرد قدرت مقابله به مثل را دارد. و این به وضوح ثابت شده است که امریکا و دیگر قدرتمندان در موارد گرفتاری دولتهای وابسته، تنها به اظهار پشتیبانی لفظی و احیاناً به فروش سلاحهای ابتدایی با قیمتهای بالا اکتفا نموده، و هرگز مشکلی از آنان را نمی‌گشایند. نمی‌توانند بگشایند، چرا که تصادم قدرتها در جهان بیش از این اجازه دخالت آشکارای آنان را نمی‌دهد. با تمام این اوصاف، ما همیشه دست برادری خود را برای از بین بردن نفوذ ابرقدرتها به سوی کشورهای اسلامی دراز کرده‌ایم. شما حکومتهای منطقه دیدید که صدام را امریکا و هم قطاران آن به چه بلیه‌ای دچار کردند. در حالی که ایران در انقلاب و

آشفتگی به سر می‌برد، او را به نوید «سرداری قادسیه»[۱] وادار کردند تا از زمین و دریا و هوا به کشور ما هجوم آورد. و خیانت بعضی از دست اندرکاران آن وقت نیز فرصتی بیشتر به او داد. مع ذلک، با همه آشوبها و گرفتاریهایی که نیروهای سلحشور دریایی، هوایی و زمینی با آن دست به گریبان بودند، در کنار سپاه و بسیج و نیروهای مردمی، دشمن را که مناطق وسیعی از کشور را غافلگیرانه مورد تجاوز قرار داده بود در همان محلها میخکوب نمودند؛ و پس از مدتی نه چندان زیاد با همه پشتیبانیهایی که از اطراف به او می‌شد آنها را از کشور خود راندند. و وضعیت امروز این دشمن خدا را نیز می‌بینید و می‌دانید که دیگر دولتهای منطقه در مقایسه با صدام چندان مهم نیستند. صدام امروز در این لجنزار مخوف برای یافتن راه نجات دست و پا می‌زند، و فریادش به جایی نمی‌رسد. ایران اگر او را یک انسان متعادل می‌دانست، امید نجاتی برای او بود. ولی با روحیه جنون آمیزی که از او آشکار است، ملت ما اجازه نمی‌دهد که جنایات نابخشودنی او را نادیده بگیرند و او را برای ادامه خیانت به حال خود گذارند.

پس، او را در حال اضطراب جانکاه و موت و حیات تا موقع مقتضی نگاه می‌دارند.

و اینجانب به شما دولتهای منطقه هشدار می‌دهم که با مشورت با عقلا و تفکر در آینده خود، بدون توجه به وعده‌های امریکا و دوستانش، که می‌خواهند شما را گرفتار کنند و با تخیلات نابجا همچون صدام عفلقی شما را به دام می‌اندازند تا خود را در منطقه هر چه بیشتر حاضر کنند و سرنوشت منطقه را به دست گیرند، خود را از این مهلکه کنار گیرید. و مطمئن باشید که دولتی چون دولت ایران، که متعهد به اسلام است و از فرامین الهی تخطی نمی‌کند، اگر دست برادری او را فشار دهید هرگز ضرر

---

۱. صدام حسین خود را در جنگ تحمیلی علیه ایران، سردار قادسیه خواند. «قادسیه» نام مکانی است در نزدیکی شهر نهاوند که معروفترین نبرد میان اسلام با لشکریان یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی در آنجا رخ داد و به همان نام مشهور شد که سرانجام نبرد به پیروزی اعراب تمام شد.

نمی‌بینید. و چه بهتر که دولتهای منطقه تمام نیروی خود را برای محو اسرائیل از جغرافیا تجهیز کنند.

اتحاد برای رهایی منطقه از شر آمریکا و اسرائیل

اسرائیل، مفسدی که فلسطینیان مظلوم را بدین روز انداخته و به لبنان قهرمان آنهمه ظلم کرده و به کشورهای منطقه تعدی و تجاوز نموده است. چه چیز بهتر از اینکه دولتهای منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شر اسرائیل و امریکای طرفدارش نجات دهند. و من کراراً تذکر داده ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می‌داند، و شما را غاصب سرزمینهای خویش می‌شمرد، گرچه اکنون جرأت اظهار صریح آن را ندارد. چنانچه صدام، برادر اسرائیل، نیز برای سلطه بر منطقه تلاش می‌کند. و بر فرض باطل با به قدرت رسیدن، آرامش را از همه سلب می‌نماید.

اینجانب نصیحت برادرانه به شما نمودم؛ اکنون خود دانید. و به دولتهای نظیر حکومت مصر هشدار می‌دهم که مبادا گول توطئه امریکا را بخورد، و به بهانهٔ مین‌گذاری در دریای سرخ و کانال سوئز، که سر و صدای آن را به قدری بلند کرده‌اند که انسان مطمئن می‌شود که چیزی جز توطئه ابر قدرتها نیست، دست به اعمال ماجراجویانه‌ای بزند. و همان طور که همه می‌دانند، تاکنون اصل قضیه در پرده ابهام است. از طرف دیگر، آسیب دیدن چند کشتی و جنجال دولتهای استعمارگری چون امریکا و انگلستان و فرانسه خود نشان، دهنده نقشه حضور بیشتر آنان در آن منطقه است. که هر چه این هیاهوها دامنه دارترشود، انسان به پوچ بودن دعوی مطمئنتر می‌گردد. و در هر صورت، اگر مصر با دولت و ملتی مثل ایران که برای بستن دست ستمکاران انقلاب نموده است بخواهد مقابله کند، باید بداند که ملتهای مسلمان و انقلابی جهان او را محکوم نموده و ساکت نخواهند نشست. صلاح حال امثال مصر آن است سرنوشت خود را به دست امریکا و دوستانش ندهد و خود را بی جهت وارد

معرکه نکند.

و از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر، و بیداری مسلمانان و تعهدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۴ شهریور ۶۳ / ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۰ تا ۳۲.

▣ پیام

زمان: ۲۵مرداد ۱۳۶۴/۲۸ذی‌القعده ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج مخاطب: زائران بیت‌الله، مسلمین ایران و جهان

بسم الله الرحمن الرحيم

با سپاس فراوان از الطاف عالیه حضرت باری تعالی و ادعیه حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لمقدمه الفداء

در حالی ملت عظیم‌الشأن ایران به سر می‌برند و زائران بیت الله الحرام به میعادگاه الهی می‌روند تا دعوت خداوند را، که با ندای حضرت ابراهیم، ابوالانبیا، و حضرت محمد مصطفی، خاتم الرسل صلی الله علیهما و علی آلهما به آنان ابلاغ شده، اجابت نموده، لبیک گویان و پایکوبان به حضور دوست در آن مکان مقدس مشرف شوند، گرچه همه جا محضر و حضور است. چه خورشید تابان اسلام بزرگ در شرق و غرب عالم نورافشانی می‌نماید، و ندای ابراهیمی و محمدی در گوشه و کنار گیتی طنین افکنده و جان و دل مسلمانان جهان را روح بخشیده، و فریاد وحدت بین طوایف مسلمین از هر فرقه و مستضعفان و مظلومان از هر ملت در سراسر جهان زلزله افکنده، و کاخ آمال ستمگران و جهانخواران در شرف انهدام و فرو ریختن است. گویی دولت مستضعفین نزدیک، و وعده حق تعالی قریب الوقوع است.

تجدید حیات حج ابراهیمی محمدی و خروج آن از انزوای سیاسی

زائران بیت الله و عاشقان لقاء الله در سالی از خانه‌های «خود» و «خودی» به سوی خداوند و رسول گرامی او هجرت می‌کنند که کعبه معظمه برای پذیرایی مسلمانان عاشق حق و عدالت و فریادهای کوبنده آنان بر سر ابرظالمان دهر و ابرچپاولگران جهان آغوش باز نموده و انتظار پذیرایی آنان را می‌کشد. و بیت الله الحرام و کعبه معظمه زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی

و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند، و بتهای شرق و غرب را در هم می‌شکنند، و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند. و دل میقات در هوای زائرانی می‌تپد که از کشور «لاشرقیه و لا غربیه» آمده‌اند تا با تلبیه[۱] و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پا زدن بر مکتبهای شرقی و غربی و انحرافات ملیگرایی فرقه زدایی نموده، با همه ملتها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غمخوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند، و با ید واحده بر دشمنان بشریّت و زورگویان جهانخوار بتازند. و جمرات انتظار فداکارانی را می‌کشد که از کشوری آمده‌اند که ملت شجاع آن شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط را بیباکانه از کشور خود رانده‌اند و دست ناپاکشان را از ذخایر میهن خود قطع نموده؛ و در این مکان مقدس نیز با سنگریزه‌ها و شعارهای کوبنده گروه شیاطین را از «ام القری»[۲] و «ما حولها»[۳]، که جهان است، رمی و طرد کنند. و عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانشان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده‌اند تا آرمانها و امانی[٤] اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند؛ و سیاست بازان قلابی را، که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده‌اند، رسوا کنند. و دیدید و دیدیم که یک ملت کوچک در یک محیط محدود و جمعیت معدود با عزمی بزرگ و اراده‌ای قوی و مشتی آهنین، با اعتماد به خدای قادر متعال، چه سان رژیم طاغوتی را، با آنهمه ساز و برگ جنگی و آنهمه پشتیبانی قدرتهای بزرگ، از صحنه روزگار محو کرد و چه سان

---

۱. اجابت کردن، لبیک گفتن در جواب کسی و لبیک گفتن در حج.

۲. ام القرا (مادر سرزمینها): مکه معظمه.

۳. آنچه پیرامون آن است.

٤. آرزوها.

دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کرد. و می‌بینیم که با آن رسانه‌های گروهی وابسته به قدرتهای شیطانی، که بسیاری از اوقات خود را در شب و روز صرف دروغ پردازی و تبلیغات بی اساس و فتنه انگیزی می‌کنند، چگونه برخورد نمود: برخوردی که این رسانه‌ها برای خود و اربابانشان رسوایی هدیه آورده‌اند؛ و همه تهمتهایشان موجب تقویت جمهوری اسلامی گردید، و توجه هرچه بیشتر مظلومان و مستضعفان جهان را به جمهوری اسلامی جلب نمود.

تروریست‌پروری آمریکا و ادعای دروغین مبارزه با تروریسم

و می‌بینیم که تهمتهای تروریستی و تروریست پروری، که به خیال سردمداران کاخ سفید و ایادی آنان و دستگاههای تبلیغاتی وابسته به ابرجنایتکاران برای تضعیف جمهوری اسلامی به طور چشمگیر و فزاینده‌ای در کار است، به خواست خداوند متعال نتیجه معکوس داده و موجب تضعیف روحیه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی و تقویت روحیه ملت ما، بویژه رزمندگان و سایر ملتهای مظلوم و مستضعف، گردیده است. ﴿و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین﴾.[۱] و از جمله، دفاع حق تعالی و معکوس کردن مکر کاخ سفید این است که تروریست پروری سردمداران کاخ سیاه امریکا بر سر زبانها، حتی روشنفکران امریکا، افتاده است. کاخ سیاه با اخراج رژیم عراق از لیست تروریستها به صورتی واضح ثابت کرد که تروریست پرور و طرفدار آن است. کاخ سفید میزان تروریست و ضد آن را مخالفت با جنایاتش در سراسر جهان، و موافقت با آن می‌داند. رژیم عراق تا مخالف بود، در لیست تروریست پرورها بود. و آن روز که سر اطاعت به آستان کاخ سیاه نهاد، از لیست خارج شد! هر چند توطئه‌های تروریستی آن در منطقه، خصوصاً خلیج فارس، برملا شده باشد.

---

۱. بخشی از آیه ٥٤ سوره آل عمران: «مکر کردند و خدا مکر کرد، خدا بهترین مکرکنندگان است».

حضرت علی (ع) مجری فریاد برائت از مشرکان از طرف پیامبر(ص)

بحمدالله والمنة، امروز ایران و سایر ملتهای مسلمان راه خود را یافته، و انبوه زائران بیت الله الحرام از ایران و سایر کشورهای اسلامی برای احیای مراسم عبادی سیاسی حج در حول مسجدالحرام، مرکز ثقل اسلام و مهبط[1] ملائکة الله و محل نزول وحی، گرد آمده‌اند تا به وظیفه الهی و قرآنی خود، که همانا اعلام و فریاد برائت از مشرکان است، که رسول ختمی صلی الله علیه و آله و سلم به وسیله مولانا علی بن ابیطالب سلام الله علیه در حج اکبر اجرا فرمود، عمل خواهند کرد. و اگر إن‌شاءالله عموم زائران، از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده‌اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخهای ستم فرو خواهد ریخت. اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین برائت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت. اگر ملتهای اسلامی و دولتهای کشورهای اسلامی، با اینهمه امکانات انسانی و ذخایر مورد احتیاج حیاتی قدرتمندان، از روی قدرت با آنان برخورد کنند، و از جاروجنجال و هیاهوهای کاخ‌نشینان نترسند و تحت تأثیر تبلیغات دروغین رسانه‌های طرفدار و جیره خوار ابرجنایتکاران واقع نشوند، و با اتکال به قدرت لایزال ایزدی و به شکر نعمت‌هایی که به آنها داده است بر سر آنها فریاد کشند و آنان را تهدید به بستن مرزهای خود به روی آنان و قطع کمکهای خود از نفت و غیر آن نمایند، شکی نیست که آنها در مقابل این قدرت، که ما قدر آن را نمی‌دانیم، تسلیم خواهند شد.

هان! ای مسلمانان قدرتمند، به خود آیید و خود را بشناسید و به عالم

---

۱. محل فرود.

بشناسانید؛ و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را، که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید؛ و تفرقه افکنان، از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملی‌گرایان بیخبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید، که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند، و راه را برای غارتگران باز می‌کنند. خداوند تعالی اسلام و ممالک مسلمین را از شر جهانخواران و پیوستگان و وابستگان به آنان نجات دهد.

اینک تذکراتی، هرچند گفته شده، داده می‌شود؛ امید است نافع واقع شود.

لزوم فراگیری دقیق مسائل حج

۱ ـ به خواهران و برادران محترم کشورهای اسلامی قبل از هر چیز این نکته را باید عرض کنم که صورت حج، این عبادت بزرگ را که برای انجام آن مشرف می‌شوید به صورتی شایسته و موافق دستور الهی انجام دهید و مسائل آن را نزد علمای اعلام با دقت فرا گیرید. مبادا خدای ناخواسته پس از انجام حج و گذشت وقت معلوم شود که خللی در آنها وارد شده و موجب بطلان حج گردیده و زحمتهای شما هدر رفته است. حضرات آقایان علمای محترم کوشش فرمایند که زائران محترم را به وظایف خود آشنا نمایند، تا صورت حج مطابق شرع مطهر انجام گیرد. و از مهمات در همه عبادات اخلاص در عمل است. که اگر خدای نخواسته کسی عملی را برای خود نمایی و عرضه به دیگران انجام دهد و خوبی عملش را به رخ دیگری بکشد، عمل او باطل است. و حجاج محترم مواظب باشند که رضای غیر خداوند را در اعمال خود شرکت ندهند.

حاجی بداند هر خودخواهی و خودبینی مخالف با خداخواهی است

و جهات معنوی حج بسیار است. و مهم آن است که حاج بداند که کجا می‌رود و دعوت کی را اجابت می‌کند و میهمان کیست، و آداب این میهمانی چیست؛ و بداند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است و با هجرت الی الله مباین و موجب نقص معنویت حج است. و اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهد و لبیک براستی مقرون به ندای حق تعالی تحقق حقیقی یابد، انسان در همه میدانهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز می‌شود. و برای چنین انسانی شکست مفهومی ندارد. خداوند تعالی شمه‌ای از این سیر معنوی و هجرت الهی را نصیب همه ما فرماید.

حجاج ایرانی، نمونه و الگویی از ملت ایران

۲ـ شما زائران عزیز از کشوری به سوی حق می‌روید که در سایه الطاف خداوند و برکت دعای ولی الله اعظم روحی لمقدمه الفداء سختیها و دشواریها و ستمکشیها را پشت سر گذاشته و بحمدالله تعالی در تمام میدانها پیروز شده‌اید. و هنوز اول کار است. شما امروز از جهت فرهنگی بر فرهنگهای پوسیده شرق و غرب و فرهنگ منحط عصر شاهنشاهی، که جوانان عزیز ما را فوج فوج به فساد می‌کشید و دانشگاههای ما را در خدمت غرب و احیاناً شرق به پیش می‌برد، پشت پا زده‌اید. شما امروز فرهنگهایی را که ملت ما را یک ملت وابسته مصرفی و خدمتگزار قدرتها بار آورده بود و فحشا و فساد و اعتیاد را گسترشی روز افزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می‌رفت کناره‌گیری کند در زیر پای خود خرد کرده، و شرافت انسانی و تقوا و شهامت و شجاعت و صبر و سلحشوری و مروت و تعاون در برّ و تقوا و توجه به مصالح ملت و کشور را جایگزین آن نموده‌اید.

و شما امروز سرافراز برای پیشرفت فرهنگ الهی به پیش می‌روید؛ و از جهت

اجتماعی با صفوف فشرده خود، وحدت بین قشرهای مختلف را تحکیم نموده، و همه را به یک سو و یک جهت سوق داده، و تفرقه‌اندازان و گروهگرایان و خدمتگزاران چشم و گوش بسته به شرق و غرب را مطرود کرده و به انزوا کشیده‌اید؛ و اقشار مختلف را قشر واحد کرده و همه را در خدمت کشور و ملت و دین جاوید حق در آورده‌اید؛ و از جهت سیاسی ایران امروز را زبانزد همه کشورهای دوست و دشمن کرده‌اید. دوستان چشم خود را به نهضت اسلامی، که تجدید حیات اسلام را نموده، دوخته‌اند؛ برای وحدت اسلامی در زیر پرچم توحید، که ندای آن از این گوشه دنیا بلند و به سراسر جهان طنین افکنده است، به کوشش و جهاد برخاسته‌اند. و دشمنان از خوف این بارقه الهی، که می‌رود دست جنایت آنان را از بلاد و عباد خداوند کوتاه کند، به دست و پا افتاده‌اند. ولی قدرت اسلام آرام را از آنان گرفته، و از یکپارچگی ملتهای اسلامی و به دنبال آن مستضعفان جهان لرزه به اندامشان افتاده است. و دولتهای کوچک و بزرگ و شرق و غرب در هوای رابطه با ایران و جمهوری اسلامی در تلاشند. و همه این امور از عنایات خاص خداوند متعال و برکات اسلام بزرگ است. «و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم». و از نظر نظامی، با تأییدات خداوند قادر، امروز رژیم عراق مفلوک و شکست خورده و در شرف انهدام است؛ و آنهمه ساز و برگ جنگی شرق و غرب و تأییدات جهانخواران نتوانسته است این مزدور را نجات دهد؛ و ضربات کوبنده سپاهیان اسلام مجال تفکر را از آنان گرفته. و امید است، با عنایات الهی، بزودی این خار با خواری از سر راه مسلمانان و خصوصاً ملت شریف عراق برداشته شود؛ و ملت مسلمان عراق سرنوشت خود را به دست گرفته، و با سایر مسلمین با برادری و برابری به سر برند.

منظور اینجانب از این تذکرات به حجاج محترم آن است که توجه آنان را به وظایف خطیری که در این سفر بسیار مهم از طرف شرع مطهر و ملت شهید داده ایران برعهده آنان گذاشته شده است جلب نمایم. شما امروز در این سفر در بوته امتحان

قرار دارید، چون نمونه و الگویی از ملت ایران هستید. و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدها هزار زائر، که از اطراف جهان حول مرکز وحی گرد آمده‌اند، با دقت حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند. دوستان شما، که زائرین بیت‌الله هستند، با کمال اشتیاق می‌خواهند ببینند این تحول عظیمی که در ملت ایران در ابعاد مختلف، بویژه بعد اخلاقی و معنوی، تحقق پیدا کرده است، چگونه است و تا چه مقدار است. و مخالفان شما که برای وقایع نگاری و خبرچینی و نفاق افکنی خود را به آن مکان مقدس رسانده‌اند درصدد پیدا کردن نقاط ضعف هستند که از کاهی کوهی بسازند و غلغله‌ای در رسانه‌های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی به راه اندازند، و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند. شما زائران محترم با آنچه گفته شد، بر سر دو راه هستید: راه سعادت، که حفظ آبروی جمهوری اسلامی و اسلام عزیز و ملت بزرگوار و رزمندگان عظیم‌الشأن و شهدای پیوسته به لقاء الله هست؛ که در مراعات موازین اسلامی و اخلاقی و مواظبت از اعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حج می‌باشد؛ و نیز مراعات آداب اسلامی اخلاقی با همه بندگان خداست. و راه شقاوت و مردود بودن از ساحت قدس الهی، با عدم مراعات آنچه ذکر شد و آنچه با حیثیت جمهوری اسلامی منافات دارد. از خداوند تعالی توفیق همه را در حفظ شئون اسلام و جمهوری اسلامی خواستارم.

رعایت نظم و هماهنگی در برگزاری مراسم برائت

۳ ـ از جمله مطالبی که باید سفارش کرد، هر چند سفارش شده است، آن است که در راهپیماییها در عین حال که باید فریاد برائت از مشرکان و ستمکاران به طور کوبنده و با شرکت همگانی باشد که صدای مظلومیت مسلمانان و ملتهای تحت سلطه ابرجنایتکاران را به گوش جهانیان برساند و خفتگان را بیدار و ساکنان در مقابل جباران را هشدار و ناهیان از معروف و آمران به منکر را که برخلاف فرمان خداوند و

دستور قرآن مجید و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به طرفداری از مشرکان و خونخواران بین المللی جانفشانی و یقه‌درانی می‌کنند، بویژه آخوندهای درباری جیره خوار که با قلم و بیان خود نور خدا و شعله‌ای که در جهان برای رهاندن مظلومان از تحت ستم ستمگران افروخته شده می‌خواهند خاموش نمایند، به جای خود بنشانند لازم است نظم و ترتیب و آداب اسلامی را به طور شایسته و دقیق مراعات نمایند؛ و از شعارهای خودساخته، که ممکن است با القای منحرفان برای ایجاد اغتشاش و صدمه زدن به آبروی زائران شرکت کننده از تمامی کشورهای اسلامی و خصوصاً جمهوری اسلامی باشد، جداً خودداری کنند؛ و از شعارهایی که متصدیان امور راهپیمایی با دستور مستقیم نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی ایّده الله تعالی مقرر می‌دارد پیروی نموده، و از آنها تجاوز نکنند؛ و از کسانی که احیاناً بر خلاف دستور می‌خواهند شعاری بدهند پیروی نکنند؛ و آنان را نصیحت کنند؛ و اگر اصرار ورزیدند، از خود برانند. و تنها راهپیماییهایی را که مقرر شده است انجام دهند، و راهپیمایی دیگری خودسرانه نکنند. و بدانند که اگر از تخلفات آنان و تجاوز از حدود تعیین شده لطمه‌ای به آبروی حجاج تمامی کشورها و یا جمهوری اسلامی بخورد، پیش خداوند تعالی مسئول هستند و مورد مؤاخذه خواهند شد. و باید بدانند که یکی از فلسفه‌های مهم اجتماع عظیم از سراسر جهان در این مقام مقدس و مهبط وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوتهای جهان است. و اگر خدای نخواسته از اعمال بعض زائران در این وحدت خللی واقع شود و تفرقه‌ای ایجاد گردد، موجب سخط[1] رسول الله صلی الله علیه و آله و عذاب خداوند قادر خواهد شد. زائران محترم، که در جوار خانه خدا و محل رحمت او هستند، با همه بندگان خدا

۱. قهر و ناخشنودی.

با رفق و مروت و اخوت اسلامی رفتار نمایند؛ و همه را، بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه و محیط، از خود بدانند؛ و همه با هم ید واحده و ملت واحد قرآنی باشند، تا بر دشمنان اسلام و انسانیت چیره شوند. خداوند به همه توفیق سلامت در رفتار و گفتار بدهد.

وحدت مسلمین، چاره اساسی برای کوتاه کردن دست ابرقدرتها

۴ـ به حجاج محترم و زائران بیت‌الله الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می‌کنم شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدّار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه عمّال بدبخت خود و رسانه‌های گروهی و تبلیغات تفرقه افکن در طول تاریخ، بویژه در سده‌های اخیر و بالأخص در عصر حاضر، همه دولتها و ملتهای اسلامی را در اسارت کشیده‌اند، و ذخایر غنی بلاد شما و دسترنج مظلومان کشورهای شما را به غارت برده و می‌برند؛ و درصدد هستند که حکومتها را گوش و چشم بسته و دربست به خدمت خود گمارند، و ملتها را به دست آنان مصرفی بار بیاورند و از رشد انسانی و ابتکار صنعتی کشورهای مظلوم با حیله‌ها و توطئه‌های شیطانی جلوگیری کنند، و وابستگی هرچه بیشتر و اتکا به غرب و شرق را روزافزون کنند، و مجال تفکر برای استقلال و ابتکار را به هیچ کس ندهند، و نفسهایی که برای بیداری ملتها آماده‌اند در سینه‌ها خفه کنند. و وضع نکبتباری که در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای مظلوم مشاهده می‌کنید زاییده همین توطئه‌های دشمنان مشترک مسلمانان و مظلومان است. پس، اکنون که در مرکز اسلام حیاتبخش به امر خدا و ندای رسولش گرد آمده‌اید و از هر ملت و مذهب در این مکان عظیم اجتماع کرده‌اید، برای این درد مهلک و سرطان کشنده چاره اندیشی کنید. و باید بدانید که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرتها از کشورهای اسلامی

است، و عملی کردن شعائر مواقف کریمه و مشاهد مشرفه در کشورهای خویش است. و قدم اول زدودن یأس از دلهاست که عمال خبیث آنان باکوشش غرب و شرق در جانهای مسلمین جایگزین کردند، و به آنها باورانده‌اند که بدون وابستگی به یک ابرقدرت نمی‌شود به زندگانی خود ادامه داد. و ملت و دولت ایران در این انقلاب عظیم ثابت نموده‌اند که این اعتقادی پوچ و بی‌اساس است. و با آنکه قدرتهای بزرگ به هر حیله و توطئه‌ای دست زدند تا آتش شعله‌ور سوزنده‌ای که در این کشور برای خاکستر کردن آمال شرق و غرب فروزنده شده به خاموشی کشند، موفق نشدند. و امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگلهای منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با خواست ملتها کسی نمی تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید. و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست پذیر نیست. و ملتهای مظلوم جهان چاره‌ای جز این ندارند. و دولتهای ملتهای اسلامی نیز اگر با توده‌های محروم همگام و همراه شوند، از این پیوستگی و وابستگی ذلت بار که هزار بار مرگ بهتر از آن است نجات پیدا می‌کنند و با عزت و ارزشهای انسانی هم آغوش می‌شوند. از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم که همه ما را به تکالیف الهیه و وظایف انسانیه آشنا فرماید. و باید تذکر دهم به دولتهای وابسته مرتجع که با این کنفرانسهای بی محتوا و اعلامیه‌های تو خالی و حمایتهای بی اساس، رژیم کافر و جنایتکار عراق را نمی‌توانند نجات دهند؛ و ممکن است خود به منجلابی که حزب بعث عفلقی در آن غرق شده است غرق شوند. پس، صلاح دین و دنیای آنان این است که دست از این رفت و آمدها بردارند؛ و بیش از این، این مفلوک را به رسوایی و خذلان نکشند، و خود را به مهلکه دنیا و عذاب آخرت دچار نکنند.

هدف قدرتها، عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم

۵ـ در خاتمه باید به یک امر حیاتی، که راهگشا برای رفع همه گرفتاریهای مسلمین و مستضعفین جهان است، اشاره کنم. و آن این است که کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرتهای تابع این قدرتها با هم اتفاق دارند و هیچ گاه از این اتفاق دست بردار نیستند عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می‌باشد. و برای این مقصد، که در نظر آنان بسیار دارای اهمیت است، زحمتها متحمل شدند و وقتها و پولهای بسیاری صرف نموده‌اند و می‌نمایند. در سابق، سردمداران این توطئه‌ها بریتانیا و فرانسه بودند؛ و پس از آن، امریکا و شوروی. اینان برای مقاصد شوم خود کودتاها به راه انداختند و رژیمهایی را برچیده، و رژیمهای وابسته به خود را به روی کار آوردند. و بعید به نظر می‌رسد که این دو ابرقدرت درصدد براندازی رقیب باشند، چه که از آن مأیوسند. اختلاف بر سر تقسیم طعمه‌ها و کشورهای جهان سوم است و برای به دست آوردن سلطه استعماری نو. بهترین راه را در حمله به فرهنگهای ملتها دانسته و دانشگاهها را به خدمت گرفتند. و با به دست آوردن این مراکز، از رهاوردهای آنها مجلسهای فرمایشی ساخته و حکومتهای دلخواه به دست آوردند، و نظامها را سر تا قدم غربی یا شرقی کردند. و آنان که در این کشمکشها از همه بیشتر صدمه دیدند و رنج کشیدند کشورهای اسلامی بوده و هستند. چراکه اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را، بی گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه، به پیش می‌برد و انسانها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند، و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می‌دهد. اسلام در بعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه ها، بدون تشبث به

دروغ و خدعه و توطئه‌های فریبنده، به اداره و تمشیت حکومت سالم هدایت می‌کند؛ و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت آمیز و خارج از ظلم و ستمکاری متعهد هستند محکم و برادرانه می‌کند. اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی، به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می‌کند؛ و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید. و در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد؛ و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند؛ و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند.

با آنچه گفته شد که در این زمینه‌ها گفتنی بسیاری است با توطئه‌های ابرقدرتها، نه تنها نگذاشتند فرهنگ اصیل اسلام رشد کند و پا بگیرد، که از طرف دانشگاههای غیر مهذب و فرنگ رفته‌های غیرمتعهد و ملیگراهای متعصب شدیداً مورد هجوم قرار دادند. و از هجوم هم اینان بود که کشورهای اسلامی زخمهای اساسی برداشتند. و اگر امروز قشرهای مختلف ملتها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن بینان متعهد، قیام همه جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی اسلامی به داد کشورها و ملتهای تحت ستم نرسند، کشورهایشان بی شک به نابودی و وابستگی همه جانبی بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزشهای انسانی آنان را به باد فنا می‌سپارند.

پرسه زدن در بازار و به دردآوردن دل پیامبر ﷺ

اکنون بازارهای کشورهای اسلامی مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق شده است، و سیل کالاهای ترئینی مبتذل و اسباب بازیها و اجناس مصرفی به سوی آنها

سرازیر است. و همه ملتها را آنچنان مصرفی بار آورده‌اند که گمان می‌کنند بدون این اجناس امریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زندگی نمی‌توان کرد. و مع الأسف مکه معظمه و جده و مشاهد مشرفه حجاز، مرکز وحی و مهبط جبرائیل و ملائکة الله، که باید به حکم اسلام بتهای جنایت‌کار را در آنجا شکست و فریاد بر سر آنها زد و از آنها برائت جست، مملو از کالاهای بیگانگان و بازار برای دشمنان اسلام و پیامبر بزرگ صلی‌الله علیه و آله و سلم شده. کثیری از حجاج بیت‌الله الحرام که برای فریضه حج می‌روند و باید در آن مکان مقدس از توطئه بیگانگان به فریاد «یاللمسلمین» برخیزند، غافلانه در بازارها به جستجوی کالاهای امریکایی، اروپایی و ژاپنی پرسه می‌زنند، و دل صاحب شریعت را با این عمل، که با حیثیّت حج و حجاج بازی می‌کند، به درد می‌آورند.

ای مسلمانان بپا خیزید، ای علما به داد اسلام برسید!

ای حجاج محترم خانه خدا به خود آیید! و ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید، و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفتخوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست:

﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم﴾.[1]

---

۱. بخشی از آیه ۷ سوره محمد ﷺ: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گامهایتان را استوار خواهد نمود».

بارالها، بنده ناچیز تو از کشوری مظلوم با جمعیتی ناچیز از حیث عدد و همه چیز، و زنده به عنایات تو، ناله مظلومانه خود را، به مقدار ظرفیت ناچیز خود، به ملتهای مسلمان و مظلومان جهان رساندم، و فریاد «یاللمسلمین ! به داد اسلام برسید» را ابلاغ نمودم. و تا الطاف و عنایات تو نباشد، هیچ گره‌ای باز نشود و هیچ دردی دوا نشود. تو خود با رحمت واسعه خود به مسلمین نظر فرما، و همه ما و آنان را از قید خود و خودیت و عبودیت بتها، خصوصاً بت نفس، نجات ده؛ و شر ستمکاران را از سر مظلومان جهان بویژه مسلمانان برکن؛ و مسلمانان را به خود آور؛ و دولتهای کشورهای اسلامی را جرأت و شجاعت عنایت فرما، که با داشتن آن مقدار عده و عده و در دست داشتن شریان حیاتی غرب و شرق، تن به ذلت و اسارت اجانب ندهند، و با ملتهای خود هم صدا شوند. به امید پیروزی رزمندگان و مبارزان اسلام در سراسر گیتی بر کفر جهانی. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۳ تا ۳٤٥.

▣ پیام

زمان: ۱۶ مرداد ۱۳۶۵ / ۱ ذی‌الحجه ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: مهجوریت حج ابراهیمی، برائت از مشرکان در کنگره عظیم حج
مخاطب: ملت مسلمان ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بریءٌ من المشرکین و رسوله﴾[۱]. صدق الله العلی العظیم

ستایش و نیایش مخصوص ذات مقدسی است که با عنایات خاص خود و فروفرستادن وحی بر انبیای عظام، از آدم صفی الله تا محمد حبیب الله علیهم صلوات الله و سلم راه و روش چگونه زیستن و برای چه آفریده شدن و مقصد آفرینش را بر جامعه بشری آموخت. و درود بی پایان بر پیامبران اولوالعزم چون ابراهیم بت شکن و موسای طاغوت برانداز و عیسای مسیح که اگر فرصت یافته بود همانند آنان بود، و محمد شکننده تمامی بتها و برائت جوینده از تمامی مشرکان و ستمکاران. و سلام جاویدان بر ائمه مسلمین، این راهگشایان پیکارگری علیه ستمکاران مسلمان نما و جباران غاصب حقوق الله و حقوق الناس و کج فهمان داغ بر پیشانی. و سلام بر آن ابراهیم خلیل الله که یک تنه بر بتها و بت پرستها یورش برد و از تنهایی و آتش نهراسید، و آن موسای کلیم الله که با عصای چوپانی بر فرعونیان خروش کشید و از بی‌کسی باک نداشت. و سلام و درود بر محمد حبیب الله که به تنهایی قیام کرد و تا آخرین ساعات زندگانی با کفار ظلم پیشه به جنگ برخاست و از کمی عده و عده نناليد. و سلام بر مسلمانان صدر اسلام که با اندک تدارکات جنگی به سلاطین جور روم و ایران تاختند و از کمی یاران به خود ترس راه ندادند. و درود بی پایان بر علی بن ابیطالب که با دژخیمان به صورت مسلمان و مقدس نماهای بدتر از کفار جنگید و از هیچ قدرتی

---

۱. بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «اعلانی است از خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که: خداوند و پیامبرش *از مشرکان بیزار است»*.

نهراسید. و سلام بر حسین بن علی که با یاران معدود خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان خلافت بپا خاست و از ناچیز بودن عده و عُده به خود خیال سازش با ستمگر را راه نداد و کربلا را قتلگاه خود و فرزندان و اصحاب معدودش قرار داد و فریاد «هیهات منا الذلة»[۱] اش را به گوش حق طلبان رساند که در نظر دنیاگرایان و ملت پرستان، آنچه از این اولیای معظم الهی صادر شده برخلاف عقل و شرع است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان نمی‌پسندد و شرع آنان اجازه نمی‌دهد. و نیز به عقیده آنان حرکت از کشوری به کشوری دیگر که دارای حکومت و تشکیلاتی می‌باشد، مخالف با عقل و ملیّت بوده و بالأخره مخالف با موازین شرعی و الهی است و همچنین صلح با نمرودیان و فرعونیان و ملحدان و ستمگران و سازش با ظالمان به صورت مسلمان و با زهدفروشان داغ بر پیشانی، طریق صواب و عقل و شرع بوده و هست. و با این انگیزه، تسلیم و سازش با امریکای جهانخوار و وابستگان به او لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن مخالف شرع و عقل است. و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان به جان آمده‌اند و فوج فوج علمای عظام و ابرار بی پناه آنان به شهادت می‌رسند و زنان و کودکان آنان زیر لگدهای ستمگران می‌سوزند و می‌میرند و فریاد «یا للمسلمین» می‌کشند، بر خلاف عقل و شرع‌باشد! این انگیزه ملی‌گرایی و خلود در ارض[۲] است که مصالح مسلمانان را فراموش کرده و دفاع از مصالح مسلمین را در حصار ملت خاص قرار داده و قلم سرخ بر قرآن کریم و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و سیره مستمره انبیای عظام و اولیای معظم علیه السلام در طول تاریخ کشیده است.

---

۱. «ما را هرگز ذلت و خواری مباد»؛ شعار معروف امام حسین (ع) که در جواب درخواست برای بیعت با یزید فرمود.

۲. اندیشهٔ باطل جاودانه در زمین زیستن.

ملت غیور ایران، الگوی مقاومت و شهادت

ملت غیور متعهد ایران در آن روزهای سخت مصیبت بار که دشمن جنایتکار اززمین و هوا و دریا غافلگیرانه به کشورشان حمله کرد و قسمت عظیمی از آن را متصرف شد و جنایتکاران داخل و قدرتهای بزرگ خارج و عمالشان در سطح کشور به خرابکاری و قتل و غارت دست زدند، با ارتش از هم پاشیده و قوای مسلح ناچیز آرایش ندیده فقط با اتکال به خدای متعال و نیروی ایمان دشمن را با شکست و زبونی از کشور عزیز خود بیرون راند و هیچگاه ضعف و سستی و زبونی به خود راه نداد و از شهادت استقبال نمود و به سازش و صلح با افعی زخم خورده تن در نداد و جز معدودی ضعیف القلب یا خیانتکار و دنیاطلب و راحتخواه که به اسلام و مصالح مسلمین اعتنایی نداشتند و ندارند، با ضعف و دلهره از صلح و صفا دم می‌زدند و می‌زنند و تعمد داشته و یا نمی‌دانستند که صلح با این جنایتکاران در هر موقع باعث بر باد دادن حیثیت اسلام و کشور اسلامی بوده و نیز موجب گرفتاری همیشگی میهن عزیزمان در چنگال ابرقدرتهاست.

اکنون که با عنایات خداوند تعالی و توجه بقیة الله روحی فداه نظام جمهوری اسلامی ما از هر جهت در موضع قدرت قرار گرفته است و ارتش نیرومند و سپاه عظیم مؤمن سلحشور و قوای مسلح قدرتمند و ملت حاضر در صحنه دارد و پشت دشمن را در ابعاد مختلف شکسته است، برایمان سازش و صلح تحمیلی بدتر از جنگ چه معنی دارد؟ چه کسی است که نمی‌داند صلح طلبی دشمن برای مجهز شدن بیشتر و غافلگیری‌ای است، که جمهوری اسلامی باید برای احتراز از آن در طول بیش از هزار کیلومتر قوای مجهز آماده داشته باشد؟ و کیست که نداند صلح با این حزب به رسمیت و شرعیت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت می‌کند؟ و کیست که نداند این امر از بزرگترین گناهان است و از واضحترین خیانتها به مسلمین است ؟ ملت عزیز ما با تعهدی که به اسلام دارند،

جنگ را تا سر حد شهادت و لقاء الله که از بزرگترین آمال اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه می‌دهند، گرچه آن را بیخبران نابودی انگارند و مادیگرایان لقاء الله را نابودی لقب می‌دهند.

حج ابراهیمی ـ محمدی، ادامه بت شکنی پیامبران

اکنون که حجاج بیت الله الحرام از خانه تن و دنیا مهاجرت الی‌الله و رسوله، که خانه دل است، می‌کنند و همه چیز جز محبوب حقیقی در ورای آنان است بلکه چیزی جز او نیست که درون و برون داشته باشد، باید بدانند که «حج ابراهیمی محمدی» صلی الله علیهما و آلهما سالهاست غریب و مهجور است، هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی. و حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت درآورند، اسرار عرفانی و معنوی اش به عهده عرفای غیر محجوب. و ما اینک با بعد سیاسی و اجتماعی آن سر و کار داریم که باید گفت فرسنگها از آن دوریم. ما مأمور به جبران مافات هستیم. این کنگره سراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد صلی الله علیهما و آلهما بر پا می‌شود و از هر گوشه دنیا و از هر فج[1] عمیق در آن اجتماع می‌کنند، برای منافع «ناس» است و قیام به قسط است[2] و در ادامه بت شکنیهای ابراهیم و محمد است و طاغوت شکنیها و فرعون زدودنهای موسی است. و کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بتها و طاغوتهای جهانخوار می‌رسد که همه مستضعفان جهان را به سجده خود و ستایش خویش فرا خوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمانبردار خویش دانند؟

در فریضه حج که لبیک به حق است و هجرت به سوی حق تعالی به برکت

---

۱. در لغت به معنای راه گشاده میان دو کوه، و در متن کنایه از دورترین نقاط.

۲. اشاره به آیه ۲۵ سوره حدید.

ابراهیم و محمد است، مقام «نه» بر همه بتها و طاغوتهاست و شیطانها و شیطان زاده هاست. و کدام بت از شیطان بزرگ امریکای جهانخوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر و کدام طاغوت و طاغوتچه از طاغوتهای زمان ما بالاترند؟

در لبیک لبیک، «نه» بر همه بتها گویید و فریاد «لا» بر همه طاغوتها و طاغوتچه‌ها کشید و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق از بتهای بزرگ و کوچک و طاغوتها و وابستگانشان برائت جویید که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند.

و در لمس «حجرالاسود» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر ننهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ زبونند، هر چند در ابزار آدمکشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند.

و در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا سعی دریافتن محبوب کنید که با یافتن او همه یافتهای دنیاوی گسسته شود و همه شکها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجاهای حیوانی زایل شود و همه دلبستگیهای مادی گسسته شود و آزادگیها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد.

و با حال شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.

پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوبها که

بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذرید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم[۱] کنید و شیطان از شما بگریزد. و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان زادگان همه گریزان شوند. و شرط همه مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیتهای جاهلی، و هماهنگ خروشیدن بر دشمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصر از آن سیلی خورده است و آن را مانع غارتگریهای خود می‌داند و با تفرقه افکنی و نفاق پراکنی می‌خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد. و عمال مزدور آنان که در رأس آنها آخوندهای حسود دنیاگرای درباری‌اند و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حج و مراسم الهی آن، مأمور اجرای این مقاصد شوم می‌باشند. مسلمانان در مواقف و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان‌جهان است، و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است، لازم است با هوشیاری مراقب اعمال ضد اسلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانتر و پست‌ترند. اینک اینجانب به تذکراتی که لازم می‌دانم، حسب معمول می‌پردازم و از خداوند توفیق همگان را برای خدمت به اسلام می‌خواهم:

زائران بدون راهنمایی روحانیون به هیچ عملی دست نزنند

۱ ـ به زائران بیت الله الحرام ایّدهم الله تعالی عرض می‌کنم که اعمال و مناسک

---

۱. سنگباران؛ رمی جمرات ثلاثه «سنگ افکندن به ستونهای سه گانه» یکی از اعمال حاجیان در «منا» است.

را به طور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها هستند فراگیرید و به هیچ عملی بدون راهنمایی آنان دست نزنید، چه بسا باشد که خدای نخواسته با سهل انگاری، عملتان باطل شود و جبران را تا آخر نتوانید بکنید و یا به احرام باقی بمانید و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شوید و این یک تکلیف شرعی است که از آن غفلت نباید کرد. و به روحانیون محترم عرض می‌کنم که علاوه بر آنکه مسائل را به طور وضوح که همه کس بفهمد در جلسات متعدد به گروه خود یاد دهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمایید.

زائران و علما از انس با قرآن کریم غفلت نورزند

۲ ـ به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقف معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء[۱] است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی ـ الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ماکوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به[۲] از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خُلّص اولیای عظام دریافت آن نموده‌اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر

---

۱. اشارت است به آیه ۸۹ سوره نحل.

۲. اشارت است به حدیث شریف: «انما یعرف القرآن من خوطب به» همانا کسی قرآن را عارف است که مورد خطاب آن قرار گرفته است: یعنی ذات مقدس نبی اکرم(ص).

بهره مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته‌های مختلف، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم ازاین خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلش قرار دهند.

و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه‌ای از آنچه قلب عوالم[۱] از «ادَّبَنی رَبّی»[۲] دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین[۳] هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالأخره هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که

۱. وجود با برکت نبی خاتم (ص) که قلب عالم امکان است.

۲. «پروردگارم مرا تربیت کرد».

۳. بخشی از آیه ۲ سوره بقره.

این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیاست. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم‌الشأن آوردند.

قرآن را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک نجات دهید

هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان مُتنسِّک و عالمان متهتک[۱] که از روی علم و عمد بـه قـرآن و اسـلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جِد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌و دانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحطّ نظر[۲] و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده.

راز جاودانگی قرآن

۳ـ باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر بـه هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر،[۳] تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست. و گمان نشود قـصد ابراهـیم و موسی و محمد ـ علیهم و علی آلهم السلام ـ مخصوص به زمان خاصی است. فریاد

---

۱. جاهلان زاهدنما و عالمان پرده در «و بی تقوا».

۲. مورد توجه؛ منظورنظر.

۳. اقلیم؛ ناحیه.

برائت از مشرکان مخصوص به زمان خاص نیست، این دستور است و جاوید، در صورتی که مشرکان حجاز منقرض شده‌اند. و «قیام ناس»[۱] مختص به زمانی نیست و دستور هر زمان و مکان است و در هر سال در این مجمع عمومی بشری از جمله عبادات مهم است الی الابد. و همین است نکته سفارش أکید ائمه مسلمین علیهم السلام بر اقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومیت آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ظالمیت بنی امیه علیهم لعنة الله با آنکه بنی امیه منقرض شده‌اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است. و این پرخاش و فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است.

حجاج مصالح اسلام و مسلمین را فدای فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی نکنند

و لازم است حجاج بیت الله الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر برآورند و دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه گرایی و ملیگرایی نکنند و برادران مسلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیتهای جاهلی که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به امید واثق شامل حالشان می‌شود. و اگر خدای نخواسته از عمال جهانخواران که در رأس آنان آخوندهای جیره خوار تفرقه افکن واقعند پیروی کنند، به معصیت بزرگی دست زده‌اند و مشمول غضب قادر جبار خواهند شد و در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهند ماند و باید به خداوند از آن پناه برد.

---

۱. اشارت است به آیه ۹۷ سوره مائده : «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس».

اسلام و ملت خود را سرافراز کنید

۴ ـ از زائران محترم کشور ایران تقاضا دارم که توجه کنند از چه کشوری می‌روند و به سوی کی رو آورده‌اند. از کشوری می‌روند که برای اسلام عزیز و اجرای احکام نورانی آن به جای احکام طاغوت بپاخاسته و زن و مرد و پیر و جوان هر چه داشته‌اند فدا کردند. جوانان عزیز متعهدی که هر یک از آنها ارزشهای الهی‌ای دارند که ما از درک آن عاجزیم، شهید شده‌اند و معلول گردیده‌اند و به اسارت درآمده‌اند و ملتی که مشتاقانه در راه خدا از جان و جوان و مال و منال خود گذشته‌اند و داغ عزیزان خود را به جان خریده‌اند. و به سوی کشوری می‌روند که خانه خداوند تعالی و کعبه آمال انبیای عظام و اولیای کرام و محط[1] وحی و مهبط[2] جبرئیل امین و ملائکة الله است. به سوی خدا می‌روند تا هر حرکت و سکونشان الهی باشد و به سوی قربانگاه اسماعیل عزیز می روند که دستور گذشتن از هر چیز را در راه او به ما داد، و به سوی مدینه محمد صلی الله علیه و آله می‌روند تا محمدی شوند و چگونه زیستن و چگونه مجاهدت کردن و چگونه رفتن به سوی معشوق را بیاموزند. رفته‌اند به سوی قبر رسول عظیم‌الشأن و قبور اولیای عظیم‌المنزله‌ای که لحظه‌ای به دنیا و زخارف آن توجه نکرده‌اند و بجز به خدا و اوامر او نیندیشیده‌اند و به جز رضای او قدم برنداشته‌اند، پس آگاه باشید که از کجا به کجا می‌روید. پس تکلیف شما جداً زیاد است و حرکات و اعمال شما علاوه بر آنکه در محضر حق تعالی و حضور اوست و در مراقبت اولیاء الله و ملائکة الله است، در پیش چشمان هزاران زائری است که از کشورهای اسلامی و از سراسر جهان به آنجا آمده‌اند و چه بسا تحت تأثیر تبلیغات دامنه‌دار رسانه‌های گروهی دشمنان اسلام و ایران قرار گرفته‌اند که از هر صبح تا شام

---

۱. محل نزول.

۲. محل فرود و هبوط.

بسیاری از وقت خود را صرف دروغ پردازی درباره اسلام و ملت ایران و دست‌اندرکاران خدمتگزار این کشور مظلوم کرده و می‌کنند و مردم بپاخاسته این مرز و بوم را به غیر از آنچه هستند معرفی می‌کنند، که شاید به واسطه این تبلیغات بسیاری از مردم مسلمان جهان یا باور نموده یا در ابهام به سر برند.

و نیز از ملت عزیزمان، معلولین و شهیدان زنده و بازماندگان و وابستگان به آنان که در کاروانها کم نیستند، مراقب اعمال شما هستند و اینک شمایید و این بار سنگین امانت الهی و تکلیف اسلامی و وجدان و فطرت خود، یا إن‌شاءالله تعالی به پاس خون شهیدان و به پاس آبروی اسلام و ملت مظلوم عزیزتان با سرافرازی منادی حق و مبلّغ عملی و قولی اسلام و جمهوری اسلامی می‌شوید و علاوه بر ثواب عظیم زیارت بیت الله و قبور اولیای خدا بویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد عنایات حق تعالی و دعای بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء و غریق رحمت باری تعالی و خیر و ثواب در دنیا و آخرت خواهید شد و یا خدای نخواسته منادی شیطان و مروّج تبلیغات دشمنان اسلام و موجب هتک حرمت اسلام و جمهوری اسلامی و شهیدان شاهد و رنجدیدگان امت خود می‌شوید و دست رد الهی بر سینه شما نامحرمان می زنند.

اکنون شما عزیزان بر سر دوراهی سعادت ابدی و تحصیل رضای حق و خاصان او و شقاوت و محرومیت ابدی هستید و امیدوارم به برکت مواقیت[۱] و مواقف متبرکه[۲] و دعای ملت محروم که بدرقه راه شماست، از طبقه اول باشید و اسلام و شهدا و جانبازان و ملت و میهن خود را سرافراز کنید و دست رد به سینه دشمنان اسلام و مسلمانان زنید و دشمنان را مخذول[۳] و دل شکسته و دوستان را شاد

---

۱. جمع میقات؛ محلهای پنجگانه‌ای که حاجیان از آنجا احرام بسته و قصد زیارت خانه خدا کنند.

۲. وقوف حاجیان در عرفات و مشعر و منا با شرایط و اعمالی خاص بخشی از مناسک حج است.

۳. خوار و سرافکنده.

نمایید. و شما گرچه می‌دانید باید چه بکنید و از چه پرهیز نمایید لکن اینجانب نیز برای ادای تکلیف و اتمام حجت به مهمّات آنها اشاره می‌کنم:

لزوم رعایت اخلاق کریمه با زائران دیگر کشورها

الف ـ اخلاق کریمه انسانی اسلامی را با همه زوّار از هر طبقه و هر طایفه و هر رنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایید و در برخوردها و رفت وآمدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتیها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاریها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامد بدی از هر کس باشد، با روی گشاده و سعه صدر نمایید که آن مواقف کریمه و بقاع شریفه محل نزاع و جدال نیست. و آنچنان کنید که معلوم شود شما از کشور امام صادق سلام الله علیه آمده‌اید و این خود یک خدمت شایان به اسلام و جمهوری اسلامی و هم میهنان عزیز است. و بدانید که پس از رجوع از سفر، لذت این امر را به طور شایسته خواهید برد، علاوه بر تحصیل رضای حق و پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله و حضرت بقیة الله روحی لمقدمه الفداء که شاهد و حاضر است.

مراعات نظم و پیروی از دستورات و شعارهای نماینده ولی فقیه

ب ـ در راهپیماییها لازم است در وقت و کیفیت، شعار و امثال آنها از متصدیان امور پیروی کنید و نظم و آداب اسلامی را به طور شایسته مراعات نمایید و به هیچ کس اجازه ندهید که سرخود و بدون دستور شعار دهد، که ممکن است عمّال دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی که برای تفرقه افکندن و بدنام نمودن شما آمده باشند در بین شما نفوذ کنند و با تحریکات و شعارهای غلط مخالف اخلاق اسلامی، به آبروی شما و ملت شما و اسلام و مذهب لطمه وارد کنند و در هر صورت لازم است همه گوش به دستورات و شعارهای نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی

و دیگر متصدیان امور فرا دهید و از غیر آنها جداً پرهیز نمایید.

با خرید کالاهای آمریکایی به دشمنان اسلام و ایران کمک نکنید

ج ـ کالاهایی که در حجاز به حجاج محترم عرضه می‌شود، آنچه مربوط به امریکای مخالف با آرمانهای اسلامی و اساساً مخالف با اسلام است، خریداری آنها کمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود. انصاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه‌جان دهند و جانبازی کنند و شما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و به اسلام و جمهوری اسلامی و ملت مظلوم خود با این اعمال دهن کجی نمایید. شما برای خودتان یا دوستانتان می‌توانید چیزهای مناسب از خود ایران تهیه نمایید که به دشمنان ایران و اسلام کمک نشود. اینجانب وظیفه خود را ادا نمودم و شمایید که در زیارت خدا و رسول، به دشمنان آنان کمک ننمایید و موجب سرافکندگی ملت و میهن خود نشوید. اینها تذکراتی است که به واسطه اهمیت آن در سالهای قبل داده شد و تکرار آن وظیفه اینجانب است.

دولت‌های منطقه دست از حمایت دشمنان اسلام و بشریّت بردارند

۵ـ خوب است که سران کشورهای اسلامی در مسائل روز کشورهای اسلامی تحت ستم و ملتهای مظلوم تحت چکمه‌های اجانب و غارتگرهای شیطانهای بزرگ و سایر شیاطین دیگر که ذخایر غنی آنان را چپاول می‌نمایند و ملتها در فقر و فاقه می‌سوزند، تفکر نموده و به خود آیند و خوف و وحشتی را که ابرقدرتها با تبلیغات خود بر آنها تحمیل کرده‌اند تا مصالح کشور خود و سایر مسلمانان و مظلومان را نادیده گرفته و تن به مذلت مرگبار دهند، با ارزیابی صحیح سنجش نموده و باوجدان به قضاوت بنشینند و بیش از این برای خویش و کشورهای خود ننگ به بار نیاورند و در حال ملت و دولت ایران مطالعه کنند که خود را از زیر بار قلدریهای هر دو قطب خارج کرده و پرتو پیروزی آن و اسلام عزیز در سراسر جهان نورافشانی می‌کند و در

راه شرف اسلام و عزت میهن اسلامی خویش بپاخاسته و در این راه که همان راه انبیای عظام علیهم و آلهم السلام است، از همه چیز مادی خود گذشته و فریاد «هیهات منا الذلة» را به گوش جهانیان رسانده است. و اگر دولتهای منطقه به جای هماهنگ شدن با ملت ایران، کمک به حزب عفلقی عراق که اسلامزدایی جزء مرام آن است نمی‌کردند، در همان ماههای اول کوبیده شده بود و ملت عزیز اسلامی عراق از شرّ او راحت شده بودند و کشور ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه با برادری زیست می‌نمودند. و اکنون نیز که بازیگران حرفه‌ای با ترفندهای مختلف می‌خواهند سلطه غارتگرانه سالهای طولانی را حفظ و از وحدت مسلمین و از اسلام بزرگ که سیلی خورده‌اند و سخت آشفته هستند، عمال معلوم الحال خود را به راه انداخته‌اند تا نگذارند اسلام به پیروزی برسد؛ همچون حسن مراکشی[۱] که با ملاقات و دست دوستی دادن به «پرز»[۲] به اسلام و ملتهای مسلمان بویژه ملت عرب و فلسطین خیانت فاحش نابخشودنی نموده و بر ملت و دولتهای اسلامی و عربی است که با برخورد قاطع دست این خیانتکار را قطع کنند؛ و چون حسین اردنی،[۳] این دلال دوره گرد خیانتکار که تا دولتهای منطقه را به دام شیطان بزرگ نیندازد از پای نخواهد نشست؛ و چون «حسنی مبارک»[٤] نسخه دوم انورسادات و دیگر خائنین به اسلام را از خود برانند که اینانند که شما را بازیچه خود قرار داده‌اند تا متعمداً یا بدون عمد سد راه شرف و عزت اسلام شوند.

ما از دولتهای منطقه می‌خواهیم که دست از حمایت دشمنان اسلام و بشریت بردارند و بیش از این با مصالح اسلامی که مصالح خودشان و میهنشان و مظلومان

---

۱. ملک حسن، شاه مراکش (مغرب).

۲. شیمون پرز، نخست وزیر رژیم صهیونیستی.

۳. ملک حسین، شاه اردن.

٤. رئیس حاکم بر رژیم مصر.

جهان است معارضه نکنند و با همسویی و همکاری جمهوری اسلامی، دست رد به سینه فتنه گران و جهانخواران زنند و باید بدانند این حزب مرده[1] زنده نخواهد شد «و العاقبة للمتقین».

اینجانب به حسب وظیفه اسلامی آنچه صلاح مسلمانان و حکومتهای کشورهای منطقه است، گوشزد کردم و از خداوند متعال خواهانم آنان را به راه راست هدایت فرماید و از کجرویها باز دارد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

یکم ذی حجة الحرام ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. حزب بعث حاکم بر عراق.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸٦ تا ۹۹.

◙ پیام

زمان: ۶ مرداد ۱۳۶۶ / ۱ ذی‌الحجه ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام
مخاطب: مسلمین ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام مناسبت: برگزاری مناسک عظیم حج

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله﴾[۱]

الحمدلله علی آلائه و الصلوة و السلام علی انبیائه سیما خاتمهم و افضلهم و علی اولیائه و خاصة عباده سیما خاتمهم و قائمهم ارواح العالمین لمقدمه الفداء.

قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب عالمیان شده و می‌شود. خالقی که با جلوه سراسر نورانی خود، عوالم غیب و شهادت و سرّ و عَلَن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که؛ ﴿الله نورالسموات والارض﴾[۲] و با ظهور جمیلش پرده از جمالش برافکنده که؛ ﴿هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن﴾[۳] و به کتب مقدس آسمانی‌اش که از حضرت غیب بر انبیائش از صفی الله تا خلیل‌الله و از خلیل‌الله تا حبیب‌الله صلوات‌الله و سلامه علیهم و سلّم نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی الله راگوشزد کرده چون کریمه و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته: ﴿محمد رسول الله و الذین معه اشدّاء علی الکفار رحماء بینهم﴾.[٤] و

---

۱. بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نسا: «و هرکس از خانه خویش خارج شود و در حال هجرت به سوی خدا و پیامبر او، مرگش فرا رسد، هرآینه پاداشش بر خداست».

۲. بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند نور آسمانها و زمین است».

۳. سوره حدید، آیه ۳.

٤. بخشی از آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سختگیر، و با

هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و صورت کتبیه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمیعه و ضمانت حفظ و صیانت آن را از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده؛ ﴿انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون﴾[1] قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاسته. کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم الرسل صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری[2] است.

در این کتاب جاوید می‌بینیم که فرموده : ﴿قل ان کان اباؤکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله فتربصوا حتی یأتی الله بامره و الله لا یهدی القوم الفاسقین﴾[3]؛ خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در

← یکدیگر بسیار مهربانند».

۱. سوره حجر، آیه ۹: «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم محققاً آن را محفوظ خواهیم داشت».

۲. شهر، ناحیه.

۳. سوره توبه، آیه ۲۴: «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان خود را و اموالی که جمع آورده‌اید و کالا و مال التجارة که از کسادی آن بیمناکید، و مسکنهایی که بدان دل خوش کرده‌اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست می‌دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذ (و قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد».

رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و بربادرفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره. و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه ﴿فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة أو یصیبهم عذاب الیم﴾.[۱] و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومتهایی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

ایران مستقل، پیراسته از دخالت ابرقدرتها

و حمد و شکر بی پایان بر ذات مقدس ربوبیت که با تربیتهای معنوی خود ملت ایران را از غرقاب فساد ستمشاهی نجات بخشیده و راه و رسم زیستن مستقل در پناه بیرق شکوهمند اسلام را به آنان آموخت و امروز در جهان کشوری نیست جز ایران که از دخالت ابرقدرتها پیراسته باشد و سرنوشت خویش را خود بر اساس اسلام عزیز تعیین کند و دست به سینه اغیار زند و خداوند بر ما منت نهاد که در سایه این ملت زندگی می‌کنیم. و شکر بی پایان بر عنایات حق جل و علا که در آستان عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش صلی الله علیه و آله و سلم ندای اسلام بر اقصی بلاد جهان طنین افکنده و بیرق معنوی

۱. بخشی از آیه ۶۳ سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند باید بترسند از اینکه فتنه و یا عذابی دردناک آنان را در برگیرد».

اسلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمده و چشمهای جهانیان بـه سـوی کشـور ولی الله اعظم ارواحنا لمقدمه الفداء دوخته شده و به رغم بدخواهان و مـنحرفان کـه کـوس رسوایی شان بر سر بازارها زده شده و برخلاف خوابهای خرگوشی آنـان کـه وعـده سقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یک سال به خود و اربابان خود مـی‌دادنـد، امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتـر و مـلت عـظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پرقدرت تـر و جـوانـان و سـالمندان آن مـصمم تـر و حوزه‌های مقدس علمیه آن در سایه مراجع معظم و علمای اعلام ـ کـثرالله امـثالهم ـ پرشورتر و پیوند حوزه‌ها و دانشگاهها استوارتر و قوای سه گانه آن فعالتر و جهات سیاسی و فرهنگی و نظامی آن رو به رشدتر. و دشمنان آن، که در حـقیقت دشـمنان اسلام و استقلال کشور هـستند ضـعیفتر و زبـونتر و کـاخهای مسـتکبران لرزانـتر و رسوایی کاخ سیاه بر ملاتر و پریشان گویی و دلهره کاخ نشینان افزونتر و سردرگمی رسانه‌های گروهی جهان که انعکاس سردرگمی کاخ نشینان زورگو است واضـحتر گردیده و لازم است در این جوی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جـهان آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فرق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرت‌ها خارج نمایند.اینک تذکراتی را عرض می‌کنم:

اعلان برائت، از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج

۱ ـ اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بـیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کـامل بـا مسـئولین حج و نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی در کلیه مراسـم شـرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان اسـتکبار جـهانی و در رأس آنـان امریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خـود

نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است ؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یادون صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق ﴿الست بربکم﴾[۱] بت آلهه‌ها و ﴿اربابان متفرقون﴾[۲] شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در ﴿و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر﴾[۳] زنده بماند و تکرار شود، چرا که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلان برائت کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیله‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملی‌گراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاحهای مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر کاری

---

۱. بخشی از آیه ۱۷۲ سوره اعراف، که خداوند (در عالم ذر) از فرزندان آدم سؤال کرد: «آیا من پروردگار شما نیستم؟».

۲. اشاره به آیه ۳۹ سوره یوسف .

۳. بخشی از آیه ۳ سوره توبه : «اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز حج اکبر».

دست می‌زنند و چه بسا جاهلان مُتنسّک[۱] بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف‌آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان متهتک[۲] القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیاطلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می‌باشد. که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهانخواران به شمار می‌رود که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدّی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بی‌خبران و دل‌مردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند و از همه‌جا و همه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز، از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین ﴿علیه السلام﴾ از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوضّوء زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدّل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه باکفر و شرک را.

---

۱. جاهلان زاهد.

۲. عالمان پرده در (رسوا و بیحیا).

اعلان برائت، سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه

به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستها است و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملتها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده‌اند چه باید کرد. آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرستها منحصر به سنگ و چوبهای بیجان بوده است و نعوذبالله پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت و فدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار

می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی ﴿اننی بریءٌ مما تشرکون﴾[1] ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد.

فریاد برائت ما، فریاد همهٔ جان به لب رسیدگان

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و اذناب آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستمدیده کشیدهٔ افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته‌ام و اکنون نیز تذکر می‌دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید، مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین می‌کنند و به ولایت کرملین یا قیمومت امریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان، به سلطه دیگری گردن نمی‌نهند و پای امریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می‌شکنند.

و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست را می‌خورند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای

۱. بخشی از آیه ۱۹ سوره انعام: «و من از آنچه شما شرک می‌ورزید، بیزارم».

دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب، خصوصاً امریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند و می‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه ها، فریاد دردمندانه ملتهایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است.

فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملتهای فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیزم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمانها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیهات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت‌بار و به اسارت‌غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان ابراهیم حنیف

ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

اگر خمینی یکه وتنها هم بماند به مبارزه ادامه می‌دهد

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که إن‌شاءالله تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چراکه شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیماییهای برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود

ابلیس و برچیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سرّی و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو و طبلهای توخالی و تبلیغات ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند. مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعض کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می‌دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشداربدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه شکست اسلام و غارت سرمایه ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی اسرائیل

ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت وآمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه‌دار کنند، که این انقلابی نماهای کم‌شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به امریکا و اسرائیل متوسل شده‌اند. عجبا که هر روز از فاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می‌گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر و حتی از تبلیغ و شعار رهایی بیت‌المقدس هم خبری به گوش نمی‌رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به

پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می‌زند، او را محکوم می‌کنند و حتی از اینکه یک روز هم به نام قدس برگزار شود، وحشت نموده‌اند. نکند که اینان تصور کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایتهای اسرائیل و صهیونیزم را دیگرگون ساخته است و گرگهای خون آشام صهیونیزم، از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات دست برداشته‌اند. مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد ﷺ و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیزم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم و حمایت بی‌دریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس، اعلام می‌نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام در خواری و ذلت جهانخواران گردیده‌اند، تشکر می‌کنم و برای موفقیت همه عزیزانی که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده، با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می‌زنند دعا می‌کنم و اطمینان می دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت. به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره جویید و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله برید که ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم.[۱]

---

۱. بخشی از آیه ۷ سوره محمد (ص): «اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری کرده و گامهایتان را استوار خواهد ساخت».

دفاع از اسلام، جرم واقعی ما

۲ ـ از آنجا که جنگ در رأس امور و برنامه‌های کشور ماست، جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و رو به زوال عفلقیان، تلاش گسترده‌ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته‌اند تا بعد از آنهمه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند. و چه بسا با این حربه جدید، افراد ناآگاهی را تحت تأثیر قرار داده باشند. لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای دربند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیا از آغاز جنگ تاکنون و در تمام مراحل دفاعی ما، هیچ گاه با زبان عدالت و بیطرفی با ما سخن نگفته است. آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بیخردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می‌نمود و نه تنها خانه‌های یک شهر و روستا، که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاک یکسان می‌کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می‌رساند و تجاوزات و وحشی‌گرها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می‌کند و نیز در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچ کس از این مدعیان صلح، جلوی آتش‌افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره نجست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برنخاست و به صدام، این آغاز کننده جنگ، نگفت که به کدام گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند! و به کدام گناه میلیونها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه‌شان ویران گردد! و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها ساله تلاش و سرمایه گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و بر باد برود! آیا جرم ما،

ایرانی بودن ما است، جرم ما فارسی بودن ما است، جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟ خیر، چنین نیست. امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهانخواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر ﷺ و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم افریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهانخوار بوده است. و نزد جهانخواران و نوکران بی اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام و حاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.

پرداخت بهای سنگین برای هدف بزرگ اسلامی، الهی

ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه و از ۱۵ خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده ایم و به خوبی دریافته ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی، الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی شان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه‌ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می‌کنند و همین گونه شد وقتی که فریاد اسلامخواهی مردم کشور ما در ۱۵ خرداد به گوش امریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطن فروش و فرومایه خود، محمدرضاخان دستور داد که صدای

اسلام‌خواهی ملت ما را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قد علم کرده‌اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه‌ای درنگ ننمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ، از کشته‌های این ملت پشته‌ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیرو خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستمشاهی پر و بال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می‌شکستند، همه جهانخواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین‌المللی شاه را متمدن و مترقی، و آزادی طلبان و مسلمانان را مرتجع و خواسته‌های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خونرنگ ایران جنایات یزیدیان را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات امریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آن را آباد نمود و الآن نیز همان سخن را تکرار می‌کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می‌کرد؟ که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل می‌کرد چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می‌یافت. ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور امریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما، خونبها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از آنان گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام امریکا را از اسلام و مسلمین گرفت ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود امریکا در پشت صحنه باقی مانده بود، امریکایی که از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت.

تسخیر حماسی لانه جاسوسان، بر باد دهنده امید آمریکا به ملی گرایان

امریکا به تصور اینکه ملیگراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او بـه حـرکت درمی آورند چند روزی سیاست خوف و رجا را در پیش گرفت و به طرح و اجـرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره‌های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما مـنت نـهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران برائت مجدد خویش را از امریکا و اذناب آن اعلام نمودند، که دوباره امریکا همان تیغی که به دست محمدرضا سپرده بود در کف صدام این زنگی مست نهاد. صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری راکه شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرنساخت ؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود غـیر از ایـن کرد؟ آیا شاه کشورمان را به امریکا نفروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایـران بـه امریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟ گفتم که خرابیهای شاه را اگر مهلتمان دهند با تلاش همه دست‌اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی‌توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟ مردم شـریف ایـران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گـرایش بـه چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.

فتح سنگرهای کلیدی جهان به وسیله اسلام

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونبهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمنهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمبگذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و

هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاریها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است. و ما به تمام جهان تجربه‌های‌مان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادیخواهان باید با روشن بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً امریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشاند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود...

ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده‌اید آنقدر گرانبها و پرقیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده‌اید، که سود زیستن در کنار اولیاء الله را برده‌اید و در جهان ابدی شده‌اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالتان!

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است

می‌رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان گونه که در جنگ نیز مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز را با اتکای به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم.

خداوندا! بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان. و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

هیچ کشوری در جنگ بر گردن ایران منّت ندارد

حال با این مقدمه‌ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل واندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده ایم و صدام پلید چه نیاتی از تهاجم خود در سر پرورانده است؛ دنیا نیز به چه انگیزه‌ای به حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده‌اند و دنیا هر روز به بهانه‌ای آنان را به بهترین و مدرنترین سلاحها مسلح نموده است ولی از دادن امکاناتی که‌حق مسلم ملت ما است و حتی پول آنها را گرفته‌اند خودداری نموده است، ولی با تمام این احوال ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیة الله عجل الله تعالی فرجه و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیرزنان

صحنه کارزار به پیروزی رسیده‌ایم و خدا را سپاس می‌گزاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است. و علاوه بر موفقیتهای اعجاز گونه‌ای که در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی، دست یافته‌ایم.

تحمیل صلح برای حفظ منافع قدرتها

هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده ایم و قدمهای آخرمان را برمی داریم، صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می‌رسد و در جهان غوغا به راه انداخته و عزا و ماتم صلح طلبی برپا نموده است و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده و برای خون جوانان و سرمایه‌های مادی و معنوی در کشور ایران و عراق مرثیه سرایی می‌کند. راستی چه شده است استکبار جهانی و در رأس آن امریکا اینقدر طرفدار ملتها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه‌ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت آمیز اعتقاد پیدا کرده‌اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه‌داری و کمونیسم است، منصرف شده‌اند و شمشیرها و خنجرها و قداره‌های فرو رفته در قلب و جگر ملتها را به غلاف کشیده‌اند! آیا این حقیقت است یا فریب و آیا این همان جلوه‌های دیگر شبیخونها و بی انصافیهایی نیست که روزی سکوت را مصلحت خویش می‌دید و امروز صلح طلبی را؟ آیا براستی از این طریق جهانخواران

نمی‌خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خویش سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهای پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملاً جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود درآورند که به طور قطع و یقین، علت و فلسفه سماجت و اصرار جهانخواران در تحمیل صلح بر ملت ایران، نشأت گرفته از همین تفکر است. و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی است و چه کسی جنگ طلب است خود اول بحث ما است.

آیا واقعاً صدام از گذشته‌ها و کرده‌ها و تجاوزات و ظلمها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می‌کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می‌خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی او است و اصلاً با اینهمه جنایت و غارتگریها، برای صدام وجدان و شعور و عاطفه‌ای می‌توان تصور کرد، یا اینکه این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح طلبی چسبیده است؟ و عجبا که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می‌دهند و با تحریف آیات کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می‌دارند، که خداوند را سپاس می‌گزاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات نرفته و نمی‌رود، بلکه این موضعگیریهای ناشیانه و بچگانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آن لبخند تمسخرزنند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فدا کردن هزاران قربانی بزرگ، از نبرد با دشمن رو به احتضار [از] مکتب و جامعه و کشور خود چشم‌پوشی نموده و به او مهلت توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چند روزهٔ دنیا ارزش اینهمه خفت و

زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می‌نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان، حاکمیت و خواسته‌های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفتکشها و هواپیمای غیرنظامی و قطارهای مسافربری به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می‌کند. و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده‌اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبعیت و درندگی ذره‌ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت جهانخواران و یا سکوت سازمانها و مراکز بین المللی به گرگ زخم برداشته‌ای بدل شده است و می‌رود تا شعله‌های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس بر افروزد.

هشدار به کشورهای منطقه و ابرقدرتها

و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی هشدار می‌دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه بر حذر می‌دارم و به ملت امریکا از اینکه عنان عقل و اراده خویش را در مهمترین مسائل سیاسی و بین المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می‌کنم. چراکه ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم گیریها ناتوان شده است و به کمک عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم امریکا را به ورطه سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود ومردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن امریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابر قدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمیترین

وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد. آنان منافع خود را ملاک قرار داده‌اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. چه خوب است که بعض سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زر و زور و تزویر خود، این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویید، برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که امریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند تا پای، دخالت نظامی و جنگ هم می‌خواهند آن را حفظ کنند؟ البته سیاست ما درمورد خلیج فارس از اول تاکنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس اهمیت زیادی می‌دهد و به همین دلیل و علی رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است. و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی شود، بلکه قویترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل امریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند و علی رغم آنهمه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهایی که در جهان امریکا برپا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته‌اند تا خبر موفقیت نقشه‌های شوم امریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوایی و زبونی امریکا را به دست غیب خود فراهم می‌آورد و اقتدار معنوی پرچم لا اله الا الله را بر پرچم کفر به نمایش می‌گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می سازد و چه بهتر که امریکا

و ریگان از مسیر سیاست مین‌گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوایی آنـان را در جهان به صدا درآورده است مجدداً عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که تا به حال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لااقل شبح قـدرت و قدرت نمایی خود را پیش نوکران خود مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنـان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکنده نسازد و مطمئن باشند که ادامـه جـولان درخلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران نـاخواسـته عـلیه خـود آنـان سـوق می‌دهد. و دنیا اگر خودش را آماده بـحران نـفت و بـه هـم خـوردن هـمه مـعادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده ایم و کمربندها را محکم بسـته ایم و همه چیز برای عملیات آماده است. و حتماً امریکا باید به این نکـته بـرسد کـه دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس، حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می‌کنیم. مسلمانان جهان بـا هـمراهـی نـظام جـمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانهای امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.

بزرگ جلوه دادن خطر انقلاب اسلامی، ترفند جهانخواران

البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنم که القای شبهه و بزرگ جلوه دادن خـطر اسـلام و انـقلاب و جـمهوری اسـلامی ایـران بـرای کشـورهای مـنطقه هـمان تـرفند قـدیم و جـدید جهانخواران بوده و است، که از این طریق از پیدایش جو تفاهم و همکاری مسالمت آمیز جلوگیری نمایند و احساس نـیاز کشـورها را بـه شـرق و غـرب تشـدید کـنند. جمهوری اسلامی ایران مـایل است بـر اساس حـفظ وحـدت و حـمایت از مـنافع

کشورها و ملتهای اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی سیاسی نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه‌ای قوی و دقیق ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب عفلقی عراق این مسئله به کندی پیش می‌رود، چراکه به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملتهای اسلامی واهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است. به هر حال اصرار ما در نبرد، تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط بر حق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی‌کنیم که إن‌شاءالله با تحقق آن، در کنار کشورهای اسلامی، سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملتهای اسلامی پایه ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی شده‌اند از سرنوشت صدامیان عبرت می‌گیرند و خودشان را به غضب و خشم ملتها گرفتار نخواهند ساخت.

خسته نشدن از جنگ در راه خدا

امروز بدون شک سرنوشت همه امتها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان و خدای نخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست و تحقیر همه مؤمنان می‌انجامد و رهاکردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست، لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و إن‌شاءالله تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است. و خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل

به سر می‌برند و همه اهل جنگ و هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه‌های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده‌اند و می‌روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب، هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستمدیده عراق پرداخته‌اند که این از مهمترین خواسته‌ها و هدفهای ما بوده است، چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیریها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعث عراق، به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه‌های نبرد، حکومت دلخواه و موردنظر خود را انتخاب کنند که بحمدالله طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است و همه ابرقدرتها و حامیان رژیم رو به زوال بعث مطمئن باشند که بین المللی کردن درگیریها در جنگ و ایجاد جو فشار و جریانات ساختگی سیاسی و تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالتهای نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و بزرگ نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیلهای کور و بی ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصره‌های جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می‌کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی‌شویم. و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می‌شود. البته ممکن است غربزده‌ها و بزدلان و همانهایی که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده‌اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه آفرینان و وطن بانان خدمتی کرده‌اند و نه در آینده لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن بست در جنگ تحمیلی، داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از

جنگ منحرف نمایند و احیاناً آنها که در خارج از مرزها نشسته‌اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده‌اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است. و حال آنکه به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصمّمند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند، تا در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند.

افتخار به خدمتگزاری برای ملت ایران

الحمدلله این کشور رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعنها و خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می‌دانم و به این خدمت افتخار می‌کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ می‌دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره‌های فضیلت و تقوا دعوت نموده.

تقوا و جهاد ملاک انتخاب و تصدی مسؤلیت‌ها

و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسؤلیتها و اداره کشور و بالأخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به

آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی‌کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌و در یک کلام، مصلحت پابرهنه‌ها و گردنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده‌ها و دین به دنیافروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بیخبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیتهای کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چراکه اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده‌اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده‌اند و از همه زجرها و غربتهای مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده‌اند، غافل و بیخبرند.

تمام تلاش برای برگزاری صحیح و منظم حج

۳ـ روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته‌اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هرگونه توقع و منتی زائران

محترم بیت‌الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بیسواد و باسواد برای آنان برنامه ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند، چراکه در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است، لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند، چراکه در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل، موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می‌گردد.

پرهیز روحانیون از مشکل تراشی و ایجاد حالت‌های وسواس گونه

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می‌کنند ولی از مشکل تراشی و حالتهای وسواس گونه که زائران [را] در شک و تردید و احتیاطهای بی مورد قرار می‌دهد خودداری کنند، چراکه وسواس در برنامه و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی توجهی در واجبات می‌شود. و یکی از فرصتهای بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحبنظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هر چند که استکبار جهانی، یا سران بعض کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه‌ها بیمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می‌نمایند، ولی برنامه ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیدا کردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی‌های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم

و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.

بی‌خبری روحانیون کشورهای اسلامی از نقش تعیین کننده خود

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین المللی بیخبر هستند و متأثر از القائات و برداشتهای مادی، تصور می‌کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی و پیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذبالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است، که بحمدالله پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی رغم همه کارشکنیها و سنگ‌اندازیها و توطئه‌های شرق و غرب و حسادت و کینه توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می‌کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غربزده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می‌رفت تا پایگاهی برای اسلام زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را وحی و اسلام معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی المقدور بر چیده شده و علی رغم همه نغمه‌های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی خاست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه‌های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزه‌ها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه

مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست‌اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره وبا جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب و اشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و مواد مخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ و پیروی از ائمه هدی ـ علیهم‌السلام ـ اداره می‌شود و خدا را سپاس می‌نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می‌دهیم و در عمل به همه غربزدگان و شرقزدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم واهمه داشته‌اند، نشان می‌دهیم که چگونه می توان جامعه را از سرچشمه‌های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود، که بحمدالله همه اینها از برکات و ورود علما در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسائل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی‌تعهد و علم فروشان بی عمل باشد و تعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که

بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درک نمی‌کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بیخبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته‌اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی اینهمه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ خصوصاً امریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بیکران ملتهای اسلامی، هم عزت خود را و هم اعتبار امت محمدی ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ را پایدار نمایند.

ننگ اجرای احکام و مقررات کفر در کشورهای اسلامی

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومتهای جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگهای مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است را

بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان کشی در جهان به راه انداخته‌اند، گوشزد کنند.

تمام بودن حجت الهی بر همهٔ علما و روحانیون

من مجدداً تأکید می‌کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علما و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سر حد شهادت پیش رفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده‌اند و زندانها و شکنجه را به جان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب‌الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیّه کردنهای بی‌مورد مانده است؟

علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می‌گذرد. البته ما درد تنهایی بعض از علما و متعهدینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه‌ها و فشار تحلیلها و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده‌اند [را] احساس می‌کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند، موعظه خدا را یادآور می‌شویم که ﴿ان تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تتفکروا﴾؛[1] برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید، مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند

۱. بخشی از آیه ٤٦ سوره سبا: «(بگو شما را به یک موعظه سفارش می‌کنم) اینکه برای خدا قیام کنید به تنهایی یا دو نفر دو نفر، سپس فکر و اندیشه کنید».

مسلمانان بیگناه و بی پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملأ عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می‌شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگرنه این است که علما حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره‌ها و روحانی نمایان و دین به دنیافروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوءاستفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند، که خداوند همه ملتهای اسلامی را از شرور و ظلمت این نا اهلان و دین فروشان نجات دهد.

وظیفه بسیار مهم علما، جایگزینی سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است، هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملتهای جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملتها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمینهای حاصلخیز جهان وآبها و دریاها و جنگلها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند وبا القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الّا راهی برای ادامه حیات پابرهنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعیشها جانشان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی، به وضعیت اسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و

اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند.

جلوگیری از نفوذ ثروتمندان در حکومت به خاطر تمکن مالی

و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق گوییها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه‌ها بودن و خود را در عرض آنان

دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

پشت نکردن به سیاست دفاع از محرومین

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین ـ علیهم‌السلام ـ سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت زدایی، عقیده، و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید

جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه‌ها شده‌اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی‌کنند و باکمبودها از میدان به در نمی‌روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می‌کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی‌آید، ولی وظیفه ما و همه دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابرهنه‌ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقیّد خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند و إن شاءالله خواهند بود و سر و جان را در راه خدا می‌دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می‌گوییم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

بالاترین خطر و آفت برای روحانیّت

و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به

عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زیّ روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و باکمترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که إن‌شاءالله موفق نمی‌شوند.

لزوم توجه زائران ایرانی به نقش و رسالت خود

و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده‌اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده‌اند، امسال نیز علاوه بر دقت و توجه به اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشرف به مکه‌مکرمه‌ومدینه‌منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک نبی اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا ـ سلام‌الله علیها ـ و ائمه معصومین ـ علیهم السلام ـ در راهپیمایی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه‌ها شرکت نمایند و از برکات این اجتماع مقدس عبادی سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره‌مند شوند و با برخوردهای اخلاقی و سالم و سازنده در تمام مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمایی با مردم سایر کشورها و یا مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در

این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و کارهای خودسرانه‌ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند، هرچند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه‌ها و توطئه‌ها را خنثی می‌کنند ولی چه بسا افرادی به منظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه دست زنند. البته بعید به نظر می‌رسد که دولت یا مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند، از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی سیاسی ملت ما که به خاطر سربلندی جهان اسلام و مسلمین می‌باشد جلوگیری کنند. در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است، و دشمنان انقلاب درصدد دست یافتن به سوژه‌ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره و خصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش به یاری خداوند در سراسر عالم طنین افکنده است، گردیده‌اند. و حج بهترین میعادگاه معارفه ملتهای اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گردهم می‌آیند و با کنار گذاردن تشخصها و رنگها و ملیتها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی «صلی الله علیه و آله و سلم» را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند.

زائران محترم کشور ایران، ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می‌کنند و باتوجه و اطلاع از

گرفتاریها و مشکلاتی که به اشکال مختلف بر ملتهای اسلامی تحمیل شده است، به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان ارواحنا فداه به این ملت بیشتر پی می‌برند و قدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشته می‌دانند و از کار و تلاش مسئولین محترم و دولت خدمتگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده‌اند، مطلع می‌گردند و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است و آنان را به بهشت صلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی و جهاد رهنمون شده‌اند، خدا را سپاس‌گزارند.

خداوندا! این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر. خداوندا! ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما. خداوندا! بربندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفزا. خداوندا! به ما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما و در مسیر خدمت به بندگانت ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستی‌مان همراهی و مدد بنما.

همدلی و انس با دوستان خداوند در مکه مکرّمه

زائران محترم مبادا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عجب گرفتار شوند و خدای نخواسته به اعمال و رفتار مسلمانان به دیده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند و از شکر این نعم بزرگ الهی، که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران دینی است، غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ بیعتها و پیوندهای دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنند و حدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایند. و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در

کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما إن‌شاءالله دفاع خواهد کرد و به آنان بگویید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملتهای اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران درحقیقت دفاع از همه ملتهای تحت ستم است.

پایان دادن به سلطهٔ ظالمانه جهانخواران با صدور انقلاب

و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فداه هموار می‌کنیم.

یادآوری رنجها و مصیبتهای پیامبر و معصومین ﷺ در سرزمین وحی

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبراکرم است، جای، جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنجها و مصیبتهای چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم ـ صلی الله علیه و آله ـ در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقتفرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنامی کند، که واقعاً پیامبراکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و ائمه هدی علیهم ـ سلام‌الله ـ در چه غربتهایی برای دین حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمتها و اهانتها و زخم زبانهای «ابولهب» و «ابوجهل»ها و «ابوسفیان»ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابیطالب، به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم نشدند و

سپس با تحمل هجرتها و مرارتها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنیها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوچه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق ﴿فاستقم کما امرت﴾[1] پرده برمی داشتند، زائران بیت الله الحرام در می‌یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده‌اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادث دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است ولی یقیناً وسعت مظلومیتها و سختیهایی که بر پیشوایان ما رفته است، به مراتب بالاتر از مسائل ما است.

ابلاغ سلام خالصانه ملت و مسئولین و خانواده‌های ایثارگران

حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پر تلاش و خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و اهل بیت هدی ـ علیهم‌السلام ـ ابلاغ کنید و ملتمسانه و عاجزانه از آنان تفقد و رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خود خواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ بر کفر جهانی از خدا بخواهند و از این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاریها استفاده کنند.

خداوندا! اگر هیچ کس نداند تو خود می‌دانی که ما برای برپایی پرچم دین تو قیام کرده ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده ایم و در پیمودن این راه لحظه‌درنگ نمی‌کنیم. خداوندا! تو می‌دانی که

---

۱. بخشی از آیه ۱۱۲ سوره هود: «همانگونه که امر شده‌ای استقامت کن».

فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین تو به شهادت می‌رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای تو بال و پر می‌کشند. خداوندا! تو می‌دانی که امت رسول تو در این مملکت مواجه با همه توطئه‌ها است و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی‌گذارند و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت در امور اقتصاد فزونتر می‌شود.

خداوندا! تو می‌دانی مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده‌اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می‌کنند، همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تو می‌دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت ما را به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب و پیروز گردان و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده‌اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده‌اند، شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه هدی - علیهم صلوات الله - سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. «انک ولی النعم».

۱ ذی الحجة الحرام ۱۴۰۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۱ تا ۳۴۷.

◘ پیام

زمان: ۱۲ مرداد ۱۳۶۶/ ۷ ذی‌الحجه ۱۴۰۷
مکان: تهران، جماران
موضوع: جنایتها و خیانتهای آل سعود
مناسبت: فاجعه خونین مکه «کشتار زائران ایرانی توسط مأموران آل سعود»
مخاطب: کروبی، مهدی «نماینده امام خمینی و سرپرست حجاج ایرانی»

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و الذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقاً حسناً و ان الله لهو خیرالرازقین﴾[1]

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ‌مهدی کروبی دامت افاضاته

پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه مظلوم و حرم خون آلود خدا شنیدم. سلام خالصانه اینجانب و همه ملت ایران را به همه عزیزانی که در کنار خانه خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیر شدگان شیطان بزرگ، یعنی امریکای جنایتکار قرار گرفته‌اند، ابلاغ کنید. این حادثه بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همه آزادگان جهان و ملتهای اسلامی را جریحه دار و متألم ساخته است ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیده‌اند و نقاب از چهره‌ها و نیرنگهای ایادی امریکا چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآنها و مساجد برداشته‌اند، این حوادث غیرمترقبه و شگفت آور نیست که دوباره دست کثیف امریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان

---

۱. سوره حج، آیه ۵۸: «و آنانکه در راه رضای خدا از وطن هجرت گزیدند و در این راه کشته شدند، یا مرگشان فرا رسید، البته خدا رزق و روزی نیکویی (در بهشت ابد) نصیبشان گرداند، که همانا خدا بهترین روزی دهندگان است».

و خائنین به حرمین شریفین[۱] به درآید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقایت[۲] حاج و عمارت مسجدالحرام، خیابانها و کوچه‌های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

کشتار زائران خانهٔ خدا، افشاگر اسلام آمریکایی

ما در عین حال که شدیداً متأثر و عزادار از این قتل عام بی سابقه امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می‌گزاریم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بیخردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درک نمی‌کنند که حرکتهای کورشان سبب قوت و تبلیغ انقلاب ما و معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله‌ای سبب ارتقای مکتب و کشورمان را فراهم کرده‌اند که اگر از صدها وسیله تبلیغاتی استفاده می‌کردیم و اگر هزاران مبلّغ و روحانی را به اقطار عالم می‌فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام امریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی‌توانستیم، و اگر می‌خواستیم پرده از چهره کریه دست نشاندگان امریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام امریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر امریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق‌طلبانه ملتها، باز به این زیبایی میسر نمی‌گردید، و همچنین اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از

۱. در مقابل ادعای زمامداران آل سعود که خود را «خادم الحرمین الشریفین» می‌نامند.

۲. آبرسانی، رساندن آب به حاجیان.

دستشان برنمی‌آید، بدین خوبی نمی‌توانستیم بیان کنیم و اگر می‌خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود، این وهابیهای پست بیخبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته‌اند، به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی رحمی عمل کرده‌اند، موفق نمی‌شدیم و حقاکه این وارثان ابی‌سفیان و ابی‌لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اَسلاف خویش را سفید کرده‌اند.

لکهٔ ننگ پاک نشدنی با آب زمزم و کوثر

جمهوری اسلامی ایران الحمدلله در میان زائران خانه حق از ملیتها و نژادها و کشورها و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان به دست خادم‌الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر که بلافاصله و در حالی که اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده‌اند، صدام و حسین اردنی(۱) و حسن مراکشی(۲) به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند، گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نایل آمده است که به یکدیگر تبریک می‌گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است. و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشکرکشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آن همه مقدمات و توسل به بهانه‌های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف امریکا و عجز و ناامیدی

---

۱. ملک حسین، پادشاه اردن.

۲. ملک حسن، پادشاه مغرب (مراکش).

سرسپردگان آنان نخواهد بود. یقیناً امریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده‌اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه‌های دقیق روبه صفتانه به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده‌اند و آنان را غافلگیر کرده‌اند. حکومت سعودی مطمئن باشد که امریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوثر پاک نمی شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسلهای آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک می‌شوند و ما همه این جنایتها را به حساب امریکا گذاشته‌ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از «نمرود»ها و «شیاطین» و «قارون»ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می‌کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.

قابل مقایسه نبودن تعمیزات مسجدالحرام با مجاهدهٔ در راه خداوند

و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می کنم آن جا که فرموده است: ﴿اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین﴾.[1] گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت الله الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. و خداوند تعالی می‌فرماید: شما کوردلان آب

۱. سوره توبه، آیه ۱۹: «آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجدالحرام را با مقام آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کردند یکسان شمردید؟ هرگز. آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود، که خدا ستمکاران را هرگز هدایت نخواهد کرد».

رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می‌کنند، مساوی قرار داده‌اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی‌کند. آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقف حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بپا خاسته‌اند مقایسه نکرده‌اند؟ و سعودیهای عصر حاضر، پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی‌کنند؟ و با مجاهدان راه خدا آن نمی‌کنند که روی امریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است ؟ و جالب توجه اینکه خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزشهاست. و آیا خداوند با ذکر والله لایهدی القوم الظالمین نمی‌خواهد بفرماید خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی‌داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی‌فرماید؟ آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می‌توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام داده‌اند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودیهای عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک[1] و صدام

---

۱. حسنی مبارک، رئیس رژیم حاکم بر مصر. او به همراه صدام حسین، ملک حسین وملک حسن، پس از واقعه خونبار مکه و شهادت صدها زائر ایرانی به دست عوامل و دژخیمان آل سعود، پیامهای تبریکی برای ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی فرستادند!

عفلقی است ؟ آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟

بی‌لیاقتی آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج

و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره‌ای بیندیشند. زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و بانیان سیاست نه شرقی و نه غربی کعبه خداوند گشتند و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده خود از شهدا و شرکت میلیونی خود در راهپیمایی و اعلان برائت از کفر خصوصاً آل سعود به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده‌اند که در اینجا لازم است از حضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم. اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. إن‌شاءالله زائران محترم ایرانی با مقاومت و صبر بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف می‌شوند، سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن را به رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه خود با صلابت و اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که امریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده‌اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند و از اینکه خداوند هدیه‌ها و قربانیان هاجروار و اسماعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که إن‌شاءالله خداوند شهدای بزرگ ما را با

شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شر متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.

از خداوند مسئلت می‌کنم که از این زمان که همه کفر و همه شرک دست به دست هم داده‌اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده‌اند و همه ضربه‌ها را بر علیه ما به کار گرفته‌اند، خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۷ ذی الحجه سال ۱۴۰۷ هجری قمری

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳٤۹ تا ۳٥٤.

سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۷ / ۵ ذی‌الحجه ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸ مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

لقد صدق الله رسوله الرُّءیا بالحق لتدخلن المسجدالحرام إن‌شاءالله آمنین.[۲]

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه حجاج بی‌دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفّاکان آل‌سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

انتقام از مخالفان لبیک به آمریکا

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت

---

۱. این پیام در فصل فرهنگ جهاد وشهادت (فصل شانزدهم در جلد دوم) نیز به مناسبت قبول قطعنامه ذکر گردیده است.

۲. سوره فتح، آیه ۲۷: «هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتماً شما (مؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهید شد».

فرزندان ابراهیم علیه السلام که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، برخلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته‌ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمی گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: ﴿و اذن فی الناس بالحج یاتوک رجالاً﴾[1] پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد صلی الله علیه وآله و سلم بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای

---

۱. بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به انجام مناسک حج ندا ده تا پیاده و سواره از دورترین نقاط به سوی تو گرد آیند».

انتقام در کمین نشسته‌اند؛ و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هبل در کعبه‌اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می‌دانند که امروز حرم، حرم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لبیک، اللهم لبیک» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی»ها[۱] و مفتی‌زادگان این نوادگان «بلعم باعورا»ها،[۲] به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالأخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه علیهم لعنةالله برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام و یاوران با وفای او، پنهان شده بود مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلوی پاک و مطهر یاوران حسین علیه السلام را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم، پاره کند؛ و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مهدور الدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که إن‌شاءالله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

---

۱. فتوا دهندگان.

۲. از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولتها و حکومت‌هایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل‌سعود برای پرده پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه ﴿صدعن سبیل الله﴾[۱] و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی»های خودفروخته لعنة‌الله علیهم در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی ثمر باقی مانده است.

حج بی‌برائت حج نیست

یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته جمعی و یک سفر زیارتی سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای

---

۱. بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره : «باز داشتن مردم از راه خدا».

فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومتهای وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه

می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد علیهم السلام که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست. خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

کشتار زائران، توطئه‌ای برای جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملتها در مسیرکسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل ومدرک این کاررا حضور پاسداران و نظامیان و

مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می‌شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند!

واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظامهای دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبتهایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره بیندیشند. لذا ما بر این مطلب

پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند.

حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و إن‌شاءالله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی ﷺ است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

مراکز وهابیّت در جهان، کانونهای فتنه و جاسوسی

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملّاهای کثیف درباری، اسلام مقدس

نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرهنه ها، و دریک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش. امریکای جهانخوار، می‌گذارند.

دریغ از یک جو غیرت و حمیّت اسلامی و عربی

مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم الحرمین» به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیّت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی‌شدند.

دزدیدن کعبه و بردن آن به قم!!

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپا خیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آن همه فجایع صهیونیستها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواهند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آنها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می‌کنند.

خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. إن‌شاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین‌اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

پایان دوران بن‌بست و ناامیدی و تنفس در منطقهٔ کفر

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملتها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم

عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

برائت از مشرکین بر پایه خون هزاران هزار شهید

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینة‌الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم. و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم. و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیراسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

عواقب برقرار نشدن تعادل قوا به نفع مسلمانان

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت ؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که إن‌شاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

آثار راهپیمایی برائت از مشرکین

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود. و چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که

دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیماییها هیچ گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

حماسهٔ مردم فلسطین، تحقق شعار برائت

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است ؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در

بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب درّیهٔ فلسطین از شجرهٔ مبارکهٔ «لاشرقیة ولاغربیة» ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیتهای وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما باکفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است.

تحمّل گرسنگی و تشنگی آری، تحمل شکست انقلاب هرگز

البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری،در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است ؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین المللی مقاومت نکرده است ؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است ؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیله مقدس مآبان مقاومت نکرده است ؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است ؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزنند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نگوید.

دفاع از حقوق فقرا تا آخرین قطرهٔ خون

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند.و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاهها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود.

ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

محدود نبودن جنگ عقیده به مرز و جغرافیا

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه‌اندازیم. إن‌شاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده‌اند. و إن‌شاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!

تا شرک و کفر هست مبارزه هست

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و

سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

امروز، روز هدایت نسل‌های آینده

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا إن‌شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم. و این

ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاههای سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملتها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله ﴿ﷺ﴾ داشت ؟

صف‌آرایی ملت در برابر بزرگترین نمایش قدرت آمریکا و اروپا

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود. و اینجانب به نظامهای امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکاآفرینند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به

عملی نزده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

عدول از همهٔ هویّت‌ها و ارزش‌های الهی، مرز دشمنان

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تاکی و تاکجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه‌توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی شان افتاده است ! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند

و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولیّ و قیّم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابهٔ سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند.

سیاست کنترل سلاح‌های مخرّب، فریبی برای مهار جهان سوم

کنترل و حذف سلاحهای مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملتهاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهان مالکیتهای بی حد و مرز سرمایه‌داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

جمهوری اسلامی ایران، پناهگاه همیشگی مسلمانان آزاده جهان

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای

احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.

مرگ و شهادت برایم گواراتر بود

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلّم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت ! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و

مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت وَ امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!

نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.

باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیّت باشد

اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای

حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکلهای مختلف را جدیتر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد از همه گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌و معرکه آفرینیها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

تبلیغات و فتنه‌گری ملی‌گراهای بی‌فرهنگ پس از قبول قطعنامه

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا

دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره‌خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملّی‌گراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که إن‌شاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.

اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام

من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش باکفر را نداریم.

خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را

پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و رسیدن به خودت جبران فرما.

لزوم حفظ بغض و کینه انقلابی

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که إن‌شاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

آماده شدن برای مبارزه بزرگ علمی و عملی

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

از استعداد و پیشرفت خارجی‌ها بت نتراشند

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما راکه تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ماکجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم. إن‌شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

بی‌نیاز نبودن جوانان از روحانیّت

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویّات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندانها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در

مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند.

مقصود از روحانیّت، علمای پاک و متعهد و مبارز

و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگها متنفر و گریزان بوده‌اند.

هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم

من به صراحت می‌گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادتهای خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

لزوم شنیدن حرفهای جوانان با آغوش باز

علما و روحانیون إن‌شاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد،

و الاّ داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملّی‌گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیّت نیست

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه‌داری و سرمایه‌داران متهم نمایند.

لزوم عدم عدول روحانیت از حمایت از محرومین

در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت

مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرهنه‌هاست؛ چراکه هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم.

در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم. و از محضر مقدس بقیة الله ارواحنا فداه عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انک قریب مجیب.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پنجم ذی حجه ۱۴۰۸ / ۶۷/۴/۲۹ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۴ تا ۱۰۰.

« فهرست مطالب »

تبعید به ترکیه

تبعید به عراق

الطاف خفیه الهی، سرآغاز خیزش بنیان کن

هجرت به پاریس

بازگشت پیروزمندانه به وطن

فصل پنجم: فرمانها و احکام ۵۱۹